

قرآن کریم
ترجمه معانی آن
بزبان فارسی

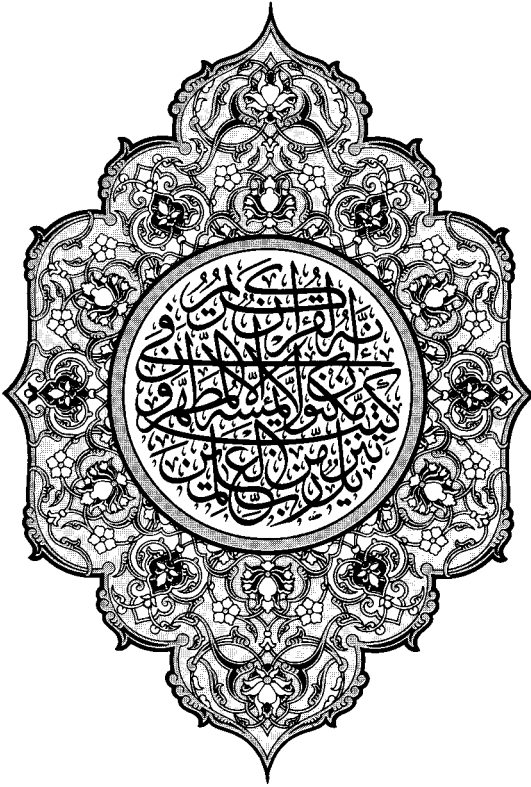
وقف خادم حرمین شریفین
ملک فهد بن عبدالعزیز آل سعود
خاص برای رضا خدای تعالی
فروختنش ناجائز است

الذخيرة

وتمنيكة مكارية إلى

اللغة الفارسية

إِنَّا نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَاللُّغْزَاقَ



افتخار دستور چاب این قرآن کریم و ترجمه معانی آن
توسط خادم حرمین شریفین ملک فهد بن عبد العزیز آل سعود
پادشاه عربستان سعودی به انجام رسید

تَدْرَقُ بِالْأَمْرِ نَظْمًا عَاقِبَةً هَذَا الْمُصْحَفِ التَّحْرِيفَ وَرَجْمَهُ مَعَانِيَهُ
عَلَى أَلْفِ أَلْفِ مِثْقَالِ الْبُرْهَانِ الْمَلِكِ الْفَيْهَدِيِّ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ آلِ سَعُودِ بْنِ
مَلِكِ الْعَرَبِ فِي عَرَبِيَّةِ الشُّعْرَى

وَقَفَّ لِلَّهِ تَعَالَى مِنْ خَادِمِ الْحَرَمَيْنِ الشَّرِيفَيْنِ
الْمَلِكِ فَهْدِ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ آلِ سَعُودٍ
وَلَا يَجُوزُ بَيْعُهُ
شُورَعٌ مَبْحَانًا



مَجْمَعُ الْمَلِكِ فَهْدِ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ آلِ سَعُودِ الشَّرِيفِ

وقف خادم حرمین شریفین
ملك فهد بن عبدالعزيز آل سعود
خاص برای رضا خدای تعالی، فروختنش ناجائز است
«مفت تقسیم میشود»



چاپخانه قرآن کریم مجمع ملك فهد

مقدمة

بقلم: معالي الشيخ
صالح بن عبد العزيز بن محمد آل الشيخ
وزير الشؤون الإسلامية والأوقاف والدعوة والإرشاد
المشرف العام على المجمع

الحمد لله رب العالمين، القائل في كتابه الكريم:
﴿... قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ﴾.
والصلاة والسلام على أشرف الأنبياء والمرسلين، نبينا محمد، القائل:
«خيركم من تعلم القرآن وعلمه».

أما بعد،

فإنفاذاً لتوجيهات خدام الحرمين الشريفين، الملك فهد بن عبد العزيز آل سعود،
حفظه الله، بالعناية بكتاب الله، والعمل على تيسير نشره، وتوزيعه بين المسلمين، في
مشارك الأرض ومغاربها، وتفسيره، وترجمة معانيه إلى مختلف لغات العالم.
وإيماناً من وزارة الشؤون الإسلامية والأوقاف والدعوة والإرشاد بالمملكة العربية
السعودية، بأهمية ترجمة معاني القرآن الكريم، إلى جميع لغات العالم المهمة، تسهيلاً
لفهمه على المسلمين الناطقين بغير العربية، وتحقيقاً للبلاغ، المأمور به في قوله ﷺ:
«يَلْعَنُوا عَنِّي وَلَوْ آيَةً».

وخدمة لإخواننا الناطقين باللغة الفارسية، يطيب لمجمع الملك فهد لطباعة
المصحف الشريف بالمدينة المنورة، أن يقدم للقارئ الكريم هذه الترجمة الفارسية،
التي قام بها الشيخ الشاه ولي الله الدهلوي. وراجعها من قبل المجمع فضيلة الشيخين
د./ عبد الغفور بن عبد الحق البلوشي، ومحمد علي داري، مع العلم أنه تم تحديث
لغتها من قبل المجمع.

ونحمد الله سبحانه وتعالى، أن وفق لإنجاز هذا العمل العظيم، الذي نرجو أن
يكون خالصاً لوجهه الكريم، وأن ينفع به الناس.

إننا لندرك أن ترجمة معاني القرآن الكريم، مهما بلغت دقتها، فإنها ستكون قاصرة
عن أداء المعاني العظيمة التي يدل عليها النص القرآني المعجز، وأن المعاني التي تؤديها
الترجمة إنما هي حصيلة ما بلغه علم المترجم في فهم كتاب الله الكريم، وأنه يعترها
ما يعترى عمل البشر كله من خطأ ونقص.

ومن ثم نرجو من كل قارئ لهذه الترجمة أن يوافي مجمع الملك فهد لطباعة
المصحف الشريف بالمدينة النبوية، بما قد يجده فيها من خطأ أو نقص أو زيادة،
لإفادة من الاستدراكات في الطباعات القادمة إن شاء الله.

والله موفق، وهو الهادي إلى سواء السبيل، اللهم تقبل منا إنك أنت السميع العليم.

پیش گفتار،

نوشته: عالمقام الشيخ

صالح بن عبد العزيز بن محمد آل الشيخ

وزیر امور اسلامی اوقاف و دعوت و ارشاد

سرپرست عمومی مجمع

حمد و ستایش خدای راکه پروردگار جهانیان است که در کتاب خود فرموده است،

﴿... قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ﴾

به تحقیق که آمد شما را از طرف خداوند نوری و کتاب روشن بیان و درود و سلام بر اشرف انبیاء پیامبر مان محمد (ﷺ) که فرمودند:

«خَيْرِكُمْ مَنْ تَعَلَّمَ الْقُرْآنَ وَعَلَّمَهُ»

بهترین شما کسی است که قرآن را بیاموزد و به دیگران آموزش دهد،

اما بعد:

برای تحقق رهنمودهای خادم حرمین شریفین شاه فهد بن عبد العزيز آل سعود - حفظه الله - در اهتمام راجع بقرآن کریم و چاپ و نشر آن و تقسیمش بین مسلمانان در اقصی نقاط جهان و همچنین ترجمه و تفسیر معانی آن به زبانهای مختلف جهان.

و بنا بر اعتقاد وزارت امور اسلامی و اوقاف و دعوت و ارشاد مملکت عربستان سعودی در اهمیت ترجمه معانی قرآن کریم به تمامی زبانهای مهم جهان و تسهیل فهم آن برای مسلمان غیر عرب زبان و تحقق مصداق رهنمود پیامبرگرامی اسلام - ﷺ - که فرمودند (بلغوا عني ولو آية) ابلاغ کنید از من حتی يك آیه.

و برای خدمت برادران فارسی زبانمان باعث مسرت است که این ترجمه فارسی را تقدیم خوانندگان فارسی زبان کنیم که بوسیله شیخ شاه ولی الله دهلوی ترجمه، و باز بینی و بررسی مجدد از جهت مجمع توسط د/عبد الغفور عبد الحق بلوچ و شیخ محمد علی داری شده است. با آگاهی به آنکه لغة ترجمه به تجدید از جهت مجمع به انجام رسید، بازگاه إليها از ما قبول فرما به یقین توئی شنوا ودانا.

شکر و سپاس خدا را داریم که توفیق این کار بزرگ را عطا فرمود، و امیدواریم که خالص برای رضای خدا باشد و باعث منفعت مردمان قرار گیرد.

و البته ما خوب درک می کنیم که ترجمه معانی قرآن کریم هر چند که دقیق باشد فراگیرنده مفهوم اصلی معانی و وسیع نصوص پراعجاز قرآن نخواهد بود، و اما معانی ایکه ترجمه دربر دارد خلاصه ای از سرائی علم مترجم در فهم قرآن کریم است.

و در برگزیده نقص و اشتباهاتی خواهد بود که عموم بشر از آن مصون نیست.

پس بنا بر این از تمامی خوانندگان محترم این ترجمه خواهشمندیم در صورت مشاهده هرگونه اشتباهاتی از قبیل کمی ویشی و غیره لطفاً آنرا به مجمع ملک فهد برای چاپ قرآن کریم در مدینه منوره ارسال نموده تا که در چاپهای آینده از ملاحظات شما استفاده گردد إن شاء الله تعالی.

والله الموفق والهادی إلى سواء السبیل،

خداست توفیق دهنده و اوست راهنما به راه راست، اَللّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ.

سُورَةُ الْفَاتِحَةِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ②
الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ③
مَلِكِ يَوْمِ الدِّينِ ④
إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ ⑤
اهْدِنَا
الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ ⑥
صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ
عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ
وَلَا الضَّالِّينَ ⑦



بنام خدای بخشاینده مهربان (۱)

- ستایش برای خدای است، پروردگار عالمها^(*)(۱) (۲).
- بخشاینده مهربان (۳).
- خداوند روز جزا (۴).
- تنها) ترا می پرستیم و(تنها) از تو یاری می جوئیم (۵).
- بنما مارا راه راست (۶).
- راه آنانکه اکرام کرده ای برایشان.
- نه راه آنانکه خشم گرفته شد بر آنها و نه راه گمراهان^(۲) (۷).

(*) توضیح: ستایش خداوندی راسخ است که پروردگار جهانیان است.

(۱) مترجم گوید یعنی عالم انس و عالم جن و عالم ملائکه و علی هذا القیاس فتح الرحمن.

(۲) مترجم گوید مراد از آنانکه اکرام کرده شد بر آنها چهار فرقه اند نبیین و صدیقین و شهدا و صالحین و مراد از آنانکه خشم گرفته شد بر آنها یهود اند و از گمراهان نصاری، آمین قبول کن دعای مارا فتح الرحمن.

سُورَةُ الْبَقَرَةِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الرَّ ۝۱ ذَٰلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى
لِّلْمُتَّقِينَ ۝۲ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُنِيمُونَ الصَّلَاةَ
وَمَا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ ۝۳ وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ
إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِن قَبْلِكَ وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ ۝۴
أُولَٰئِكَ عَلَىٰ هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ وَأُولَٰئِكَ
هُمُ الْمُفْلِحُونَ ۝



بنام خدای بخشاینده مهربان.

الم (۱).

این کتاب هیچ شبهه ای در آن نیست، پرهیز گاران را رهنماست (۲).

آنانکه به نادیده ایمان می آورند و نماز را برپا می دارند و از آنچه ایشان را روزی داده ایم خرج می کنند (۳).

و آنانکه به آنچه فرود آورده شده به سوی تو و آنچه فرود آورده شده پیش از تو ایمان می آورند و ایشان به آخرت یقین دارند (۴).

ایشان از جانب پروردگار خویش بر هدایت اند و ایشان رستگارانند (۵).

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَوَاءَ عَلَيْهِمْ ءَأَنذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ
 لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٦﴾ خَتَمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَعَلَى سَمْعِهِمْ وَعَلَى
 أَبْصَارِهِمْ غِشْوَةً وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿٧﴾ وَمِنَ النَّاسِ
 مَن يَقُولُ ءَامَنَّا بِاللَّهِ وَبِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَا هُمْ بِمُؤْمِنِينَ ﴿٨﴾
 يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَمَا يَخْدَعُونَ إِلَّا أَنفُسَهُمْ
 وَمَا يَشْعُرُونَ ﴿٩﴾ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا
 وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ ﴿١٠﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ
 لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ ﴿١١﴾ أَلَا إِنَّهُمْ
 هُمُ الْمُفْسِدُونَ وَلَٰكِن لَّا يَشْعُرُونَ ﴿١٢﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ
 ءَامِنُوا كَمَا ءَامَنَ النَّاسُ قَالُوا أَنُؤْمِنُ كَمَا ءَامَنَ السُّفَهَاءُ
 أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ السُّفَهَاءُ وَلَٰكِن لَّا يَعْلَمُونَ ﴿١٣﴾ وَإِذَا قُلُوا
 الَّذِينَ ءَامَنُوا قَالُوا ءَامَنَّا وَإِذَا خَلَوْا إِلَىٰ شَيْطَانِهِمْ قَالُوا إِنَّا
 مَعَكُمْ إِنَّمَا نَحْنُ مُسْتَهْزَءُونَ ﴿١٤﴾ اللَّهُ يَسْتَهْزِئُ بِهِمْ وَيَمُدَّهُمْ
 فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ ﴿١٥﴾ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الضَّلَالََةَ
 بِالْهُدَىٰ فَمَا رَبِحَت تِّجَارَتُهُمْ وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ ﴿١٦﴾

هر آئینه آنکه کافر شدند برابر است برایشان که بترسانی ایشان را یا ترسانی ایشان را، ایمان نیارند (۶). خدا بر دل‌های ایشان مهر نهاد و بر شنوائی ایشان - و بر چشم‌های ایشان پرده ایست و برای ایشان عذاب بزرگ است (۷). و از مردمان کسی هست که می گوید به خدا ایمان آوردیم و به روز بازپسین و ایشان مومنان نیستند (۸). خدا و مومنان را فریب می دهند و بحقیقت نمی فریبند مگر خود را و نمی فهمند (۹). در دل‌های ایشان بیماری ست پس خدا به ایشان بیماری را افزون داد و برای ایشان عذاب درد دهنده است بسبب آنکه دروغ می گفتند (۱۰). و چون به ایشان گفته شود در زمین تباه کاری مکنید گویند جز این نیست که ما اصلاح کاریم (۱۱). آگاه شو به تحقیق ایشان تباه کاران اند ولیکن آگاه نمی شوند (۱۲). و چون به ایشان گفته شود که ایمان آورید چنانکه ایمان آوردند مردمان، گویند آیا ایمان آوریم چنانچه ایمان آوردند بیخردان؟ آگاه شو به تحقیق ایشانند بی خردان ولیکن نمی دانند (۱۳). و وقتیکه ملاقات می کنند با اهل ایمان گویند ایمان آورده ایم و چون باشیاطین خود^(۱) تنها شوند گویند هر آئینه ما با شما مییم جز این نیست که ما تمسخر می کنیم (۱۴). خدا به ایشان تمسخر می کند و ایشان را مهلت میدهد شرگشته در گمراهیشان (۱۵). ایشان آنکسانند که گمراهی را عوض هدایت خریدند پس تجارت ایشان سود نیافت و راهیاب نشدند (۱۶).

(۱) یعنی رئیسان خود.

مَثَلُهُمْ كَمَثَلِ الَّذِي اسْتَوْقَدَ نَارًا فَلَمَّا أَضَاءَتْ مَا حَوْلَهُ
 ذَهَبَ اللَّهُ بِنُورِهِمْ وَتَرَكَهُمْ فِي ظُلُمَاتٍ لَا يُبْصِرُونَ ﴿١٧﴾ صُمُّ
 بُكْمٌ عُمَىٰ فَهُمْ لَا يَرْجِعُونَ ﴿١٨﴾ أَوْ كَصَيْبٍ مِّنَ السَّمَاءِ فِيهِ
 ظُلُمَاتٌ وَرَعْدٌ وَبَرْقٌ يَجْعَلُونَ أَصْبِعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ مِّنَ
 الصَّوَاعِقِ حَذَرَ الْمَوْتِ وَاللَّهُ مُحِيطٌ بِالْكَافِرِينَ ﴿١٩﴾ يَكَادُ الْبَرْقُ
 يَخْطَفُ أَبْصَارَهُمْ كُلَّمَا أَضَاءَ لَهُمْ مَشْوَافِهِ وَإِذَا أَظْلَمَ عَلَيْهِمْ
 قَامُوا وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَذَهَبَ بِسَمْعِهِمْ وَأَبْصَارِهِمْ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ
 كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٢٠﴾ يَأْتِيهَا النَّاسُ أَعْبُدُوا رَبَّكُمْ الَّذِي
 خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴿٢١﴾ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ
 الْأَرْضَ فَرَشًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ
 بِهِ مِنَ الشِّمْرَاتِ رِزْقًا لَّكُمْ فَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ أَنْدَادًا وَأَنْتُمْ
 تَعْلَمُونَ ﴿٢٢﴾ وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا
 بِسُورَةٍ مِّن مِّثْلِهِ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِّن دُونِ اللَّهِ إِنْ
 كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٢٣﴾ فَإِنْ لَّمْ تَفْعَلُوا وَلَنْ تَفْعَلُوا فَاتَّقُوا النَّارَ
 الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ ﴿٢٤﴾

داستانِ ایشان مانند داستانِ کسی است که آتش را افروخت پس چون آتش دوروبر او را روشن کرد خدا نور ایشان را از بین برد و ایشان را در تاریکی‌ها بی که هیچ نبینند بگذاشت (۱۷). کرانند، گنگانند، کورانند پس ایشان بازمی گردند^(۲) (۱۸). یا (داستان ایشان) مانند باران تنداست که از آسمان آمده باشد که دروی تاریکی‌ها ورعد و برق است، انگشتان خود را در گوشهای خود درمی آرند بسبب آوازهای پُرهول از ترس مرگ، و خدا کافران را احاطه کننده است (۱۹). نزدیک است که برق چشمهای ایشان را بُرباید هرگاه روشنی دهد برق ایشان را راه روند در آن روشنی و چون برایشان تاریکی دهد بایستند و اگر خدای خواست البته شنوائی ایشان را و دیده‌های ایشان را می برد هر آئینه خدا بر همه چیز توانا است^(۳) (۲۰). ای مردمان پروردگار خویش را بپرستید آنکه شمارا و کسانی را که پیش از شما بوده اند آفرید تادرپناه شوید^(۴) (۲۱). آنکه برای شما زمین را بساطی و آسمان را سقفی ساخت و از آسمان آبی فرود آورد سپس به آن از انواع میوه‌ها روزی برای شما بیرون آورد پس برای خدا هم‌تایان مقرر مکنید در حالیکه شما میدانید (۲۲). و اگر هستید در شبه از آنچه بر بنده خود فرود آوردیم (یعنی از قرآن) پس یک سوره ای مانند آن بیارید و مددگاران خود را غیر از خدا بخوانید اگر راستگو هستید (۲۳). پس اگر نکردید و البته نتوانید کردن پس حذر کنید از آن آتشی که آتش انگیز آن^(۵) مردمان و سنگ‌ها باشند، برای کافران آماده کرده شده است (۲۴).

(۲) مترجم گوید که حاصل مثل آنست که اعمال منافقان همه نابود شود چنانکه روشنی آن جماعت دورشد.

(۳) مترجم گوید که حاصل مثل آنست که منافقان در ظلمات نفسانی افتاده اند و چون مواظه بلیغه شنوند فی الجمله ایشان را تنبیهی می شود و آن فائده نکند مانند مسافران که در شب تاریک و ابرحیران باشند و در برق دوسه قدم بروند و بایستند والله اعلم.

(۴) تا پرهیزگار شوید (و از خشم خدا ایمن باشید مصحح).

(۵) یعنی هیزمهای وی.

وَبَشِّرِ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ
 تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ كُلَّمَا رُزِقُوا مِنْهَا مِنْ ثَمَرَةٍ
 رِزْقًا قَالُوا هَذَا الَّذِي رُزِقْنَا مِنْ قَبْلُ وَأُتُوا بِهِ مُتَشَابِهًا
 وَلَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَهُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٢٥﴾ * إِنَّ
 اللَّهَ لَا يَسْتَحْيِي أَنْ يَضْرِبَ مَثَلًا مَّا بَعُوضَةٌ فَمَأْفُوقَهَا فَمَا
 الَّذِينَ ءَامَنُوا فَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَأَمَّا
 الَّذِينَ كَفَرُوا فَيَقُولُونَ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا
 يُضِلُّ بِهِ كَثِيرًا وَيَهْدِي بِهِ كَثِيرًا وَمَا يُضِلُّ بِهِ
 إِلَّا الْفَاسِقِينَ ﴿٢٦﴾ الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ
 مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ
 فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ ﴿٢٧﴾ كَيْفَ
 تَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَكُنْتُمْ أَمْوَاتًا فَأَحْيَاكُمْ ثُمَّ تُمَيِّتُكُمْ
 ثُمَّ يُحْيِيكُمْ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٢٨﴾ هُوَ الَّذِي خَلَقَ
 لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ أَسْتَوَى إِلَى السَّمَاءِ
 فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿٢٩﴾

وآنکسان را که ایمان آورده اند و کارهای شایسته کرده اند بشارت ده بآنکه ایشان راست بوستانهایی که می‌رود زیر آنها جویها هرگاه داده شوند از آنجا روزی از قسم میوه، گویند این همانست که پیش ازین داده شده بودیم و به ایشان آن روزی مانند یکدیگر آورده شود^(۶) و برایشان در آنجا زنان پاک کرده شده است و ایشان در آنجا جاویدند (۲۵). هر آئینه خدا از آنکه بزند مثال پشه ای و بالاتر از آن را شرم نمیکند، اما آنانکه ایمان آورده اند میدانند که این مثال از پروردگار ایشان راست است و اما آنانکه کافرنند می گویند چه چیز خواسته است خدا به (آوردن) این مثال خدا بسبب آن بسیاری را گمراه میکند و به آن بسیاری را هدایت میکند و گمراه نمی کند به آن مگر بندگان را (۲۶). آنان (فاسقان)^(۷) که پیمان خدا را بعد بستن آن می شکنند و آنچه را که خدا امر فرموده است به پیوستن آن می بُرند در زمین فساد می کنند ایشان زیان کاران اند (۲۷). چگونه به خدا کافر می شوید و حال آنکه مردگان بودید پس شمارا زنده گردانید، بعد از آن شمارا بمیراند باز شمارا زنده گرداند باز بسوی وی بازگردانیده شوید (۲۸). وی آنست که برای شما هر چه در زمین است همه را بیافرید باز به سوی آسمان متوجه شد پس آن راهفت آسمان ساخت و او به همه چیز داناست (۲۹).

(۶) یعنی غبارِ فقد این مرغوب هیچ ساعت بخاطر ایشان نه نشیند والله اعلم.

(۷) کافران چون ذکر پشه و عنکبوت در قرآن شنیدند طعن کردند و گفتند که خدای تعالی بذکر این چیزهای خسیس چه اراده کرده است پس این آیت نازل شد والله اعلم.

وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَأِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا
 أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ
 بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿٣٠﴾ وَعَلَّمَ
 آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَأِكَةِ فَقَالَ
 أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٣١﴾ قَالُوا سُبْحَانَكَ
 لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا بِالْمَا عَلَّمْتَنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ ﴿٣٢﴾ قَالَ يَا آدَمُ
 أَنْبِئْهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ ط فَلَمَّا أَنْبَأَهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ قَالَ أَلَمْ أَقُلْ
 لَكُمْ إِنِّي أَعْلَمُ غَيْبَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ
 وَمَا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ ﴿٣٣﴾ وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَأِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ
 فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ ﴿٣٤﴾ وَقُلْنَا
 يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ وَكُلَا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ
 شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ ﴿٣٥﴾ فَأَزَلَّهُمَا
 الشَّيْطَانُ عَنْهَا فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ وَقُلْنَا اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ
 لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَاعٌ إِلَى حِينٍ ﴿٣٦﴾ فَتَلَقَى
 آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ ﴿٣٧﴾

و یادکن چون گفت پرورد گارتوبه فرشتگان که من در زمین جانشینی را آفریننده ام گفتند آیا می آفرینی در زمین کسی را که در آن فساد کند و خونریزی کند و ما بحمد تو تسبیح می گوئیم و به پاکی برای تو - اقرار می کنیم - فرمود هر آئینه من میدانم آنچه شما نمی دانید (۳۰). و خدا آدم را نامهای همه مخلوقات بیاموخت باز آن چیزها را بر فرشتگان عرضه کرد پس گفت مرا بنام های این چیزها خبر دهید اگر شماراست گوئید (۳۱). گفتند ترا به پاکی یاد می کنیم هیچ دانش نیست ما را مگر آنچه تو آموختی بما هر آئینه تویی دانای با حکمت (۳۲). فرمود ای آدم فرشتگان را بنام های آنها خبر ده، پس چون ایشان را به نام های آنها خبر داد فرمود آیانگفته بودم شمارا که هر آئینه من پنهان آسمان ها و زمین را میدانم و میدانم آنچه را که آشکار می کنید و آنچه را که پوشیده می داشتید (۳۳). و چون به فرشتگان گفتیم آدم را سجده کنید، پس سجده کردند مگر ابلیس قبول نکرد و سرکشی نمود و از کافران گشت (۳۴). و گفتیم ای آدم سُکنا گزینید تو و همسرت در بهشت و بخورید از (میوه های) بهشت هر جاکه خواهید خوردن بسیار و نزدیک مشوید باین درخت که از ستمگاران خواهید شد (۳۵). پس هر دو را شیطان از آنجا بلغزانید پس ایشان را از آن نعمتهایی که بودند در آن بر آورد و فرمودیم فرود آید (به زمین) در حالیکه بعضی شما دشمن بعضی باشد و شما در زمین تامدتی آرام گاه و بهره مندی دارید (۳۶). پس آدم از پروردگار خود سخنی چند را فرا گرفت پس خداوند توبه او را بمهربانی خود قبول کرد، بیشک اوتوبه قبول کننده^(۸) مهربانست (۳۷).

(۸) و آن کلمات این است: ﴿رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنفُسَنَا وَإِن لَّا تَتُوبَ عَلَيْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾ والله اعلم.

قُلْنَا اهْبِطُوا مِنْهَا جَمِيعًا فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدًى فَمَنْ تَبِعَ
 هُدَايَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٢٨﴾ وَالَّذِينَ كَفَرُوا
 وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٢٩﴾
 يٰبَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَوْفُوا بِعَهْدِي
 أُوفِ بِعَهْدِكُمْ وَإِيَّيَ فَارْهَبُونِ ﴿٤٠﴾ وَءَامِنُوا بِمَا أَنْزَلْتُ مُصَدِّقًا
 لِّمَا مَعَكُمْ وَلَا تَكُونُوا أَوَّلَ كَافِرٍ بِهِ ۗ وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي
 ثَمَنًا قَلِيلًا وَإِيَّيَ فَاتَّقُونِ ﴿٤١﴾ وَلَا تَلْسُوا الْحَقَّ بِالْبَطْلِ وَتَكْتُمُوا
 الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٤٢﴾ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَءَاتُوا الزَّكَاةَ
 وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ ﴿٤٣﴾ * أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ
 وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿٤٤﴾
 وَأَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ
 ﴿٤٥﴾ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ وَأَنَّهُمْ إِلَيْهِ رَاجِعُونَ ﴿٤٦﴾
 يٰبَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَنِّي فَضَّلْتُكُمْ
 عَلَى الْعَالَمِينَ ﴿٤٧﴾ وَاتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا
 وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا شَفَعَةٌ وَلَا يُؤْخَذُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ ﴿٤٨﴾

فرمودیم همه شما از آنجا فرود آید پس اگر بیاید به شما از من هدایتی پس هر که هدایت مرا پیروی کرد هیچ ترس نیست بر آنان و نه ایشان اندوه خورند (۳۸). و کسانیکه کفر ورزیدند و آیات ما را تکذیب کردند ایشان باشند گانِ دوزخ اند، ایشان در آنجا جاویدند (۳۹). ای^(۹) فرزندان یعقوب یاد کنید آن نعمت مرا که ارزانی داشتم بر شما و به پیمان من وفا کنید تا به پیمان شما وفا کنم و تنها از من بترسید (۴۰). و ایمان آرید بآنچه فرود آورده ام در حالیکه تصدیق کننده است آنچه را که باشماست و مباشید نخستین منکرا و عوض آیتهای من بهای اندک را مستانید و تنها از من بترسید (۴۱). و راست را بانا راست آمیخته مکنید و راست را پنهان مکنید در حالیکه شما میدانید، (۴۲). و نماز را برپا دارید و زکوة را بدهید و نماز گزارید بانماز گزارند گان (۴۳). آیا مردمان را به نیکوکاری می فرمایید و خویشتن را فراموش میکنید حال آنکه شما کتاب (یعنی تورات) را می خوانید آیا نمی فهمید (۴۴). و مدد طلبید^(۱۰) به شکیبایی و نماز - و هر آئینه نماز دشوار است مگر بر فروتنان (۴۵). آنانکه میدانند که ایشان با پروردگار خویش ملاقات خواهند کرد و آنکه ایشان بسوی وی باز خواهند گشت (۴۶). ای فرزندان یعقوب آن نعمت مرا که ارزانی داشته ام بر شما یاد کنید و آنکه شمارا بر همه عالم ها^(۱۱) فضل دادم (۴۷). بترسید از آن روزی که کفایت نکند هیچکسی از کسی چیزی را و پذیرفته نشود از هیچ کس شفاعت و گرفته نشود از هیچ کسی عوضی و نه ایشان یاری داده شوند (۴۸).

(۹) مترجم گوید خدای تعالی نعمتهای خود را بر بنی اسرائیل یاد آوری می کند و معجزه هائی که درین قوم ظاهر شده بود ذکر فرمود آنگاه شبهات و هفوات ایشان را رد کرد بدلائل و این قصه ممتد است تا قوله تعالی: ﴿وَإِذْ أَخَذْنَا

إِبْرَاهِيمَ الرِّبَاةَ﴾

(۱۰) یعنی در جمیع حاجات و مصایب والله اعلم.

(۱۱) یعنی عالمیان آن زمان.

وَإِذْ نَجَّيْنَاكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ السُّوءِ أَلْجَابِ
 يُدَبِّحُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ وَفِي ذَلِكُمْ بَلَاءٌ
 مِنْ رَبِّكُمْ عَظِيمٌ ﴿٤٩﴾ وَإِذْ فَرَقْنَا بِكُمْ الْبَحْرَ فَأَنْجَيْنَاكُمْ
 وَأَغْرَقْنَا آلَ فِرْعَوْنَ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ ﴿٥٠﴾ وَإِذْ وَعَدْنَا مُوسَى
 أَرْبَعِينَ لَيْلَةً ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَنْتُمْ ظَالِمُونَ
 ﴿٥١﴾ ثُمَّ عَفَوْنَا عَنْكُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿٥٢﴾
 وَإِذْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَالْفُرْقَانَ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ﴿٥٣﴾
 وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ
 إِلَهٍ غَيْرِ اللَّهِ فَقُولُوا إِنَّمَا اتَّخَذْتُم مِمَّا يَشْتَكُونَ
 الْعِجْلَ فَتُوبُوا إِلَى بَارِيكُمْ فَاقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ ذَلِكُمْ
 خَيْرٌ لَكُمْ عِنْدَ بَارِيكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ
 الرَّحِيمُ ﴿٥٤﴾ وَإِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَى لَنْ نُؤْمِنَ بِكَ حَتَّى نَرَى اللَّهَ
 جَهْرَةً فَأَخَذَتْكُمُ الصَّاعِقَةُ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ ﴿٥٥﴾ ثُمَّ بَعَثْنَاكُمْ
 مِنْ بَعْدِ مَوْتِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿٥٦﴾ وَظَلَلْنَا عَلَيْكُمْ
 الْغَمَامَ وَأَنْزَلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّاءَ وَالسَّلْوى ط كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ
 مَا رَزَقْنَاكُمْ وَمَا ظَلَمُونَا وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ﴿٥٧﴾

(یاد کنید نعمت مرا) آنوقت که شمارا از آل فرعون رهانیدیم به شما سخت ترین عذاب را میرسانیدند پسران شمارا ذبح میکردند ودختران شمارا زنده میگذاشتند ودربین کار آزمایشی بزرگ از جانب پروردگار شما^(۱۲) بود (۴۹). وآنوقت که برای شما دربارا شگافتیم پس شمارا خلاص کردیم و غرق ساختیم کسان فرعون را درحالیکه شما میدیدید (۵۰). وآن^(۱۳) وقت که باموسی میعاد مقرر کردیم چهل شب پس گوساله^(۱۴) را پس ازرفتن موسی به پرستش گرفتید وشماستمگار بودید (۵۱). پس از شما بعدازین درگذشتیم تا بؤدکه شما سپاسگزاری کنید (۵۲). وآنوقت که موسی را کتاب وحجت دادیم تا بؤدکه شمارا یابید (۵۳). وآن وقت که موسی قوم خود را گفت ای قوم من هرائینه شما بر خویشتن ستم کرده اید بفرا گرفتن گوساله پس بسوی آفریدگار خود باز آئید پس خویشتن را بکشید این بهتر است شمارا نزد آفرید گار شما پس خداوند توبه شمارا بمهربانی خود پذیرفت هرائینه اوتوبه پذیر مهربان است (۵۴). و^(۱۵) آن وقت که گفتید ای موسی هرگز به تو ایمان نمی آوریم تاآنکه بینیم خدارا آشکارا پس شمارا صاعقه درگرفت درحالیکه شما میدیدید (۵۵). باز شمارا پس از مردنتان، زنده گردانیدیم تا شماشکرگزاری کنید^(۱۶) (۵۶). و بر شما ابر را سایبان ساختیم و بر شما ترنجبین وگزنگین وپرنده بلدرچین را فرود آوردیم گفتیم از پاکیزه های آنچه شمارا دادیم بخورید وایشان بر ما ستم نکردند ولیکن بر خویش ستم میکردند (۵۷).

(۱۲) مترجم گوید سبب کشتن پسران آن بوده که کاهنان فرعون را خبر داده بودند که در بنی اسرائیل پسری پیدا شود که باعث برافادن پادشاهی او گردد.

(۱۳) مترجم گوید که خداموسی علیه السلام را وعده داد که چهل شب درطور معتکف شود تا تورات عطا فرمائیم درین مدت بنی اسرائیل بفریب سامری گوساله پرستی اختیار کردند خدای تعالی بعد برگشت موسی حکم فرمود که بعضی ایشان بعضی را بکشند واین توبه ایشان است.

(۱۴) یعنی معبود ساختید.

(۱۵) مترجم گوید موسی علیه السلام هفتاد کس را از بنی اسرائیل با خود بُرد تا باوی کلام الهی را استماع نمایند ایشان بعد از شنیدن خواهانِ رویت شدند ودر طلب آن پاز حد ادب بیرون نهادند خدای تعالی آن همه را بصاعقه بسوخت و باز بدعای موسی زنده ساخت اشارت باین قصه است این آیت.

(۱۶) بنی اسرائیل مامور شدند به جهاد عمالقه وایشان در آن باب تعافل کردند پس (در مقابل آن) معاقب شدند بافتادن در بیابان چهل سال و آنجا چون آب و طعام و خیمه ها گم شد خدای تعالی به دعای موسی علیه السلام مَن وسلوی نازل ساخت و از سنگی دوازده چشمه روان کرد و ابر را سایبان گردانید قدر این نعمتها را نشناختند و کفران نعمت کردند اشارت بدین قصه است این آیت.

وَإِذْ قُلْنَا ادْخُلُوا هَذِهِ الْقَرْيَةَ فَكُلُوا مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ
 رَغَدًا وَأَدْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا وَقُولُوا حِطَّةٌ نَغْفِرْ لَكُمْ
 خَطِيئَتِكُمْ وَسَنُزِيدُ الْمُحْسِنِينَ ﴿٥٨﴾ فَبَدَّلَ الَّذِينَ
 ظَلَمُوا قَوْلًا غَيْرَ الَّذِي قِيلَ لَهُمْ فَأَنْزَلْنَا عَلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا
 رِجْزًا مِنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ ﴿٥٩﴾ * وَإِذْ اسْتَسْقَى
 مُوسَى لِقَوْمِهِ فَقُلْنَا اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانْفَجَرَتْ
 مِنْهُ اثْنَا عَشَرَ عَيْنًا قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَشْرَبَهُمْ كَلُوا
 وَاشْرَبُوا مِنْ رِزْقِ اللَّهِ وَلَا تَعْتَوْا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ ﴿٦٠﴾
 وَإِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَى لَنْ نَصْبِرَ عَلَى طَعَامٍ وَاحِدٍ فَادْعُ لَنَا
 رَبَّكَ يُخْرِجْ لَنَا مِمَّا تُنبتُ الْأَرْضُ مِنْ بَقْلِهَا وَقِثَّائِهَا
 وَفُومِهَا وَعَدَسِيهَا وَبَصِلِهَا قَالَ آتَيْنَا لَكُمْ الْأَرْضَ الْوَعْدَ
 الَّذِي هُوَ
 أَدْنَىٰ بِالَّذِي هُوَ خَيْرٌ أَهْبَطُوا مِصْرًا فَإِنَّ لَكُمْ مِمَّا سَأَلْتُمْ
 وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذِّلَّةُ وَالْمَسْكَنَةُ وَبَاءَ وَبِغَضِبِ مَنْ
 اللَّهُ ذَلِكُمْ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ
 النَّبِيَّ بِنِهَايَةِ الْحَقِّ ذَلِكُمْ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ ﴿٦١﴾

وآن وقت که گفتیم درآیید درین ده^(۱۷) پس از آنجا بافزونی هر جاکه خواهید بخورید خوردنی گوارا و به دروازه سجده کنان درآیید و بگویید سوال ما آمرزش است تا گناهتان را برای شما بیامرزیم و به نیکوکاران افزون خواهیم داد (۵۸). پس کسانی که ستمگار بودند بدل کردند سخنی غیر آنچه فرموده شد ایشان را^(۱۸) پس بر آن ستمگران عذابی را از آسمان بسبب بدکار بودن ایشان فرود آوردیم (۵۹). و آنوقت که موسی برای قوم خود آب خواست پس گفتیم بعضای خود سنگ را بزن پس از سنگ دوازده چشمه روان شد هر قوم آب خورد خود را بدانست^(۱۹) گفتیم بخورید و بنوشید از روزی خدا و در زمین تباهی کنان فساد مکنید (۶۰). و آن وقت که گفتید ای موسی هرگز بريك طعام شکیبایی نکنیم برای ما از پروردگار خود بطلب تابیرون آر برای ما از آنچه میرویاندش زمین از تره و بادرنگ و گندم و عدس و پیازش - گفت موسی آیا بدل می کنید آنچه را که آن فروترست به آنچه آن بهترست - فرودآید به شهری پس هر آئینه باشد شمارا آنچه خواستید، وزده شد^(۲۰) برایشان (مُهر) خواری و بی نوایی و بازگشتند بخشمی از خدا این بسبب آنست که باور نمی داشتند آیت های خدا را و پیامبران را به ناحق می کشتند، این بسبب گناه کردن ایشان است و آنکه از حد در می گذشتند (۶۱).

(۱۷) یعنی دهی که در زمان حضرت موسی فتح شده بود.

(۱۸) یعنی بجای حِطَّة حِطَّة گفتند.

(۱۹) یعنی بنی اسرائیل دوازده قبیله بودند برای هر قبیله يك چشمه معین شد والله اعلم.

(۲۰) یعنی فرود آورده شد.

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّٰدِقِينَ وَالصَّٰبِقِينَ مَنْ
 ءَامَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ
 رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٦٥﴾ وَإِذْ أَخَذْنَا
 مِيثَاقَكُمْ وَرَفَعْنَا فَوْقَكُمُ الطُّورَ خُذُوا مَا ءَاتَيْنَاكُمْ
 بِقُوَّةٍ وَاذْكُرُوا مَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴿٦٦﴾ ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ
 مِّنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَكُنْتُمْ مِنَ
 الْخَاسِرِينَ ﴿٦٧﴾ وَلَقَدْ عَلَّمْتُمُ الَّذِينَ ءَاعْتَدُوا مِنكُمْ فِي السَّبْتِ
 فَقُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ ﴿٦٨﴾ فَجَعَلْنَاهَا نَكَالًا لِّمَا
 بَيْنَ يَدَيْهَا وَمَا خَلْفَهَا وَمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ ﴿٦٩﴾ وَإِذْ قَالَ
 مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَذْبَحُوا بَقَرَةً قَالُوا
 أَتَتَّخِذُنَا هُزُوًا قَالَ أَعُوذُ بِاللَّهِ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ
 ﴿٧٠﴾ قَالُوا ادْعُ لِنَارِكَ يَبِيْنَ لَنَا مَا هِيَ قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا
 بَقَرَةٌ لَا فَارِضٌ وَلَا بَكْرٌ عَوَانُ بَيْنَ ذَلِكَ فَافْعَلُوا مَا
 تُؤْمَرُونَ ﴿٧١﴾ قَالُوا ادْعُ لِنَارِكَ يَبِيْنَ لَنَا مَا لَوْ نَهَا قَالَ إِنَّهُ
 يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ صَفْرَاءٌ فَاقِعٌ لَّوْنُهَا تَسُرُّ النَّظِيرِينَ ﴿٧٢﴾

هر آئینه آنانکه مسلمان شدند و آنانکه یهود شدند و نصاری و صابئین (بی دینان) هر که از ایشان ایمان آورد بخدا و روز بازپسین و کارشایسته کرده باشد پس ایشان راست مزد ایشان نزد پروردگار ایشان و نه ترس بود برایشان و نه ایشان اندوهگین شوند^(۲۱) (۶۲). و آن وقت که پیمان شمارا گرفتیم و بالای شما (کوه) طور را برداشتیم گفتیم آنچه داده ایم شمارا باستواری (وجدیت)^(۲۲) بگیرید و آنچه در آنست یاد کنید تا بود که در پناه شوید (۶۳). باز روگردانیدید بعد ازین پس اگر نمی بود بخشایش خدا بر شما و مهربانی او هر آئینه از زیان کاران می شدید (۶۴). و به راستی آن کسانرا که از حد در گذشتند از شما در شنبه^(۲۳) دانسته اید پس گفتیم ایشان را بوزینگانی خوار شده شوید (۶۵). پس این قصه را برای آن قوم که در آن ده بودند^(۲۴) و آن قوم که پس از ایشان آیند عبرتی ساختیم و پندی برای پرهیز گاران (۶۶). و^(۲۵) آنوقت که گفت موسی بقوم خود هر آئینه خدا شمارا به کشتن گاوی دستور می فرماید، گفتند آیامارا مسخره می کنی؛ گفت پناه می برم بخدا از آنکه از نادانان باشم (۶۷). گفتند سوال کن برای ما از پروردگار خود تا برای ما بیان کند چیست آن گاو گفت هر آئینه خدا می فرماید که بدرستی که آن گاوی است نه پیرونه جوان میانه است در میان این و آن پس به آنچه فرموده شدید عمل کنید (۶۸). گفتند سوال کن برای ما از پروردگار خود تا برای ما بیان کند رنگ آن گاو چیست، گفت هر آئینه خدا میفرماید که آن گاویست زرد، پُر رنگ آن قدر که بینندگان را خوش میکند (۶۹).

(۲۱) حاصل معنی آیت آنکه آدمی در احوال از هر فرقه که باشد چون ایمان آورد از اهل نجات بود خصوصیت فرقه معتبر نیست.

(۲۲) یعنی احکام تورات.

(۲۳) یعنی شکار کردند و شکار کردن در روز شنبه در دین بنی اسرائیل حرام بود.

(۲۴) یعنی در آن زمانه حاضر بودند.

(۲۵) مترجم گوید شخصی را از بنی اسرائیل کشته یافتند و کشته آن معلوم نبود خدای تعالی حکم فرمود که گاوی را ذبح کنند و بعضی وی را بر آن مقتول بزنند تا زنده شود و از قاتلان خود خبر دهد القصه گاورا به مبلغ خطیر خرید کردند و بزدند، مقتول زنده شد و پسران عم خود رانام برد که ایشان کشتند پس قاتلان را بقصاص رسانیدند از آن باز قاتل را از میراث محروم ساختند والله اعلم.

قَالُوا ادْعُ لِنَارِكَ يَبِينُ لَنَا مَا هِيَ إِنَّ الْبَقَرَ تَشَبَهَ عَلَيْنَا وَإِنَّا
 إِن شَاءَ اللَّهُ لَمُهْتَدُونَ ﴿٧٠﴾ قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ لَّا ذَلُولٌ
 تُثِيرُ الْأَرْضَ وَلَا تَسْقِي الْحَرْثَ مُسَلَّمَةٌ لَّا شِيَةَ فِيهَا قَالُوا
 الْفَن جِئْتَ بِالْحَقِّ فَذَبَحُوهَا وَمَا كَادُوا يَفْعَلُونَ ﴿٧١﴾ وَإِذْ
 قَتَلْتُمْ نَفْسًا فَادَّارَأْتُمْ فِيهَا وَاللَّهُ مُخْرِجٌ مَّا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ
 ﴿٧٢﴾ فَقُلْنَا اضْرِبُوهُ بِبَعْضِهَا كَذَلِكَ يُحْيِي اللَّهُ الْمَوْتَى وَيُرِيكُمْ
 آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴿٧٣﴾ ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُمْ مِّنْ بَعْدِ ذَلِكَ
 فِيهَا كَالْحِجَارَةِ أَوْ أَشَدُّ قَسْوَةً وَإِن مِّن الْحِجَارَةِ لَمَا يَتَفَجَّرُ
 مِنْهُ إِلَّا نَهْرٌ وَإِن مِنْهَا لَمَائِسِقٌ فَيَخْرُجُ مِنْهُ الْمَاءُ وَإِن
 مِنْهَا لَمَائِهَبٌ مِّنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَمَا اللَّهُ بِغَفِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ
 ﴿٧٤﴾ * أَفَتَطْمَعُونَ أَن يُؤْمِنُوا لَكُمْ وَقَدْ كَانَ فَرِيقٌ مِّنْهُمْ
 يَسْمَعُونَ كَلِمَ اللَّهِ ثُمَّ يُحَرِّفُونَهُ مِن بَعْدِ مَا عَقَلُوهُ وَهُمْ
 يَعْلَمُونَ ﴿٧٥﴾ وَإِذْ الْقَوَالِذِينَ ءَامَنُوا قَالُوا ءَامَنَّا وَإِذَا
 خَلَا بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ قَالُوا اتَّخَذُوا آلِهَتُهُمْ بِمَفَاتِحِ اللَّهِ
 عَلَيْكُمْ لِيُحَاجُّوكُمْ بِهِ عِنْدَ رَبِّكُمْ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿٧٦﴾

گفتند سوال کن برای ما از پروردگار خود تا برای ما بیان کند چگونه است آن گاو هرآئینه گاوان مشتبّه شدند بر ما و هرآئینه ما اگر خدا خواسته باشد البته راه یافتگانیم (۷۰). گفت هرآئینه خدا میفرماید که آن گاو نیست نه محنت کشنده که زمین را شخم زند و نه زراعت را آب می دهد سلامت است دروی هیچ خال نیست، گفتند حالا سخنی درست آوردی* پس آن را ذبح کردند و نزدیک بود که این کار را نکنند (۷۱). و آنوقت که شخصی را کشتید پس دروی نزاع کردید و خدا بیرون آورده است چیزی را که پنهان میکردید (۷۲). پس فرمودیم بزینداین شخص را به پاره ای از گاو این طور خدا مُردگان را زنده میکند و شمارا نشانه های خود می نماید تا بُود که دریابید (۷۳). باز دل‌های شما بعد ازین (واقعه) سخت شد پس آنها مانند سنگ اند بلکه سختتر (از سنگ)، و هرآئینه از سنگ هائست که از آن جویها روان می شود و هرآئینه از سنگها آنست که می شگافد پس از آن آب، بیرون می آید و هرآئینه از سنگها آنست که از ترس خدا فرومی افتد و خدا بیخبر نیست از آنچه می کنید (۷۴). (ای مومنان) آیا امید می دارید که (یهود) به دین شما درآیند حال آنکه گروهی از ایشان کلام خدا را (یعنی تورات را) می شنیدند سپس آن را دانسته تحریف میکردند بعد از آنکه آن را فهمیده بودند (۷۵). و چون بامومنان ملاقات کنند گویند ایمان آوردیم و چون باهمدیگر تنها شوند^(۲۶) گویند آیا ایشان را به آنچه گشاده است خدا بر شما خبر میدهد^(۲۷) تا باشما بآن دلیل نزد پروردگار شما مناظره کنند آیا در نمی یابید (۷۶).

(*) توضیح: آن گاو نیست که پرورده نگشته تا زمین را شخم کند و نه کشت را آبیاری کند و از هر عیبی پاک و نباشد در آن رنگ دیگری (مصحح).

(۲۶) یعنی باریسان خویش.

(۲۷) یعنی نعمت پیامبر آخر الزمان.

أَوْ لَا يَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُسْرُونَ وَمَا يَعْلَمُونَ ﴿٧٧﴾
 وَمِنْهُمْ أُمِّيُونَ لَا يَعْلمُونَ الْكِتَابَ إِلَّا الْآمَاتِ وَإِنَّهُمْ
 إِلَّا يَظُنُّونَ ﴿٧٨﴾ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ يَكْتُبُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ
 ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لِيَشْتَرُوا بِهِءَ ثَمَنًا قَلِيلًا
 فَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا كَتَبَتْ أَيْدِيهِمْ وَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا يَكْسِبُونَ
 ﴿٧٩﴾ وَقَالُوا لَنْ نَمَسَّنَا النَّارُ إِلَّا أَيَّامًا مَعْدُودَةً قُلْ
 أَتَّخَذْتُمْ عِنْدَ اللَّهِ عَهْدًا فَلَنْ يُخِلْفَ اللَّهُ عَهْدَهُ وَأَمْ
 تَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿٨٠﴾ بَلَى مَنْ كَسَبَ سَيِّئَةً
 وَأَحْطَتْ بِهٖ خَطِيئَتُهُ فَأُوتِيَتْهَا أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ
 فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٨١﴾ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
 أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٨٢﴾ وَإِذْ أَخَذْنَا
 مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَبِالْوَالِدَيْنِ
 إِحْسَانًا وَذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَقُولُوا
 لِلنَّاسِ حُسْنًا وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَءَاتُوا الزَّكَاةَ ثُمَّ
 تَوَلَّيْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْكُمْ وَأَنتُمْ مُّعْرِضُونَ ﴿٨٣﴾

آیا (این جهولان) نمیدانند که خدا آنچه را که پنهان می کند و آنچه آشکار می نمایند میداند (۷۷). و بعضی از ایشان ناخواندگان اند (یعنی بیسواداند) کتاب (تورات) را جز آرزوهای باطل نمی پندارند و نیستند مگر گمان کننده (۷۸). پس وای آنکسان را که کتاب را بدست های خود می نویسند باز می گویند این از نزد خداست تا عوض وی بهای اندک را بگیرند پس وای برحالشان بسبب نوشتن دست های ایشان و وای بر ایشان از آنچه که بدست می آوردند (۷۹). و گفتند آتش دوزخ به ما نرسد مگر چند روز شمرده شده بگو آیا از پیش خدا پیمانی گرفتید تا هرگز خدا پیمان خود را خلاف نکند یا اینکه می گوید برخدا آنچه را که نمی دانید^(۲۸) (۸۰). آری هر که کاربرد را انجام داد و او را گناه او به احاطه گرفت پس ایشان باشندگان دوزخ اند، ایشان در آنجا جاویدند (۸۱). و کسانی که ایمان آورده اند و کارهای شایسته کرده اند ایشان باشندگان بهشت اند، ایشان در آنجا جاویدند (۸۲). و آنگاه که پیمان بنی اسرائیل را گرفتیم که نپرستید مگر خدا را و به والدین نیکی کنید و به اهل قرابت و یتیمان و بی نوایان و بامردمان سخن نیک بگوید و نماز را برپادارید و زکوة را بدهید پس رویگردان شده برگشتید مگر اندکی از شما (۸۳).

(۲۸) مترجم گوید یکی از عقائد باطله یهود آن بود که می گفتند یهود در دوزخ نباشند مگر چند روزی و این خطاست زیرا که دخول جنت موقوف بر ایمان بخدا و روز قیامت و پیامبر آخر زمان است جنس یهود و غیر آن اعتبار ندارد و اشاره بهمین معنی است درین آیه و الله اعلم.

وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ لَآتِفُونَ دِمَاءَكُمْ وَلَا تُخْرِجُونَ
أَنفُسَكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ ثُمَّ أَقْرَرْتُمْ وَأَنْتُمْ تَشْهَدُونَ ﴿٨٤﴾
ثُمَّ أَنْتُمْ هَؤُلَاءِ تَقْتُلُونَ أَنفُسَكُمْ وَتُخْرِجُونَ فَرِيقًا
مِّنْكُمْ مِنْ دِيَارِهِمْ تَظَاهَرُونَ عَلَيْهِم بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ
وَإِن يَأْتُواكُمُ أُسْرَىٰ تَفْدُوهُمْ وَهُمْ وَهُوَ مُحَرَّمٌ عَلَيْكُمْ
إِخْرَاجُهُمْ أَفَتُؤْمِنُونَ بِبَعْضِ الْكِتَابِ وَتَكْفُرُونَ بِبَعْضٍ
فَمَا جَزَاءُ مَنْ يَفْعَلُ ذَلِكَ مِنْكُمْ إِلَّا خِزْيٌ فِي الْحَيَاةِ
الدُّنْيَا وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يُرَدُّونَ إِلَىٰ أَشَدِّ الْعَذَابِ وَمَا اللَّهُ
بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ﴿٨٥﴾ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الْحَيَاةَ
الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ فَلَا يَخَفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ
﴿٨٦﴾ وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَىٰ الْكِتَابَ وَقَفَّيْنَا مِنْ بَعْدِهِ
بِالرُّسُلِ وَآتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ وَأَيَّدْنَاهُ بِرُوحِ
الْقُدُسِ أَفَكُلَّمَا جَاءَكُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَىٰ أَنفُسُكُمْ
أَسْتَكْبَرْتُمْ ففَرِّقُوا كَذِبْتُمْ وَفَرِيقًا تَقْتُلُونَ ﴿٨٧﴾ وَقَالُوا قُلُوبُنَا
غُلْفٌ بَلْ لَعَنَهُمُ اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ فَقَلِيلًا مَّا يُؤْمِنُونَ ﴿٨٨﴾

وآنگاه که پیمان شمارا گرفتیم که خون یکدیگر را مرزید و قوم خویش را از خانه هایتان بیرون مکنید پس قبول کردید درحالیکه خود شما گواهی میدهید (۸۴). باز شما آن گروهید که قوم خویش را می‌کشید و گروهی را از قوم خود از خانه های ایشان بیرون می‌کنید بر علیه آنان به گناه و ستمکاری باهمدیگر همکاری میکنید و اگر اسیر شده بشمامی آیند فدا میدهید عوض (آزاد کردن) ایشان حال آنکه بیرون کردن ایشان بر شما حرام است آیا به بخشی از کتاب ایمان می‌آوردید و به بخش دیگر کافر می‌شوید؟ پس چیست جزای آنکه چنین کند از شما مگر خواری در زندگانی دنیا و روز قیامت به سوی سخت ترین عذاب گردانیده شوند و نیست خدا بی خبر از آنچه میکنید^(۲۹) (۸۵). ایشان آنکسانند که زندگانی دنیا را به عوض آخرت خریدند پس از ایشان عذاب سبک کرده نشود و نه ایشان یاری داده شوند (۸۶). و به درستیکه موسی را کتاب دادیم و بعد از او پیامبران را در پی در آوردیم، عیسی پسر مریم را نشانه های روشن دادیم او را بروح القدس - یعنی جبرئیل - قوت دادیم آیا هرگاه آورد پیامبری نزد شما آنچه دوست ندارد نفسهای شما سرکشی کردید؟ پس گروهی را دروغگو داشتید و گروهی را کشتید (۸۷). و گفتند^(۳۰) دلهای مادر پرده است، بلکه خدا ایشان را بسبب کفر ایشان نفرین کرده است پس اندکی ایمان می‌آورند (۸۸).

(۲۹) یعنی منع کرده شدند از کشتن و جلاوطن کردن و در ظلم مدد گاری نمودن و فرموده شدند بفدای اسیران و ایشان ازین همه احکام بفدای اسیران عمل کردند و بس زیرا که موافق نفس ایشان افتاد و این طاعت نفس است طاعت خدا نیست.

(۳۰) مترجم گوید و دیگر از قبایح یهود آن بود که میگفتند قلوبنا غلف یعنی در دین خود آنقدر استحکام داریم که هیچ شبهه بدان راه نمی‌یابد و این خطاست که سبب قبول نکردن دین اسلام حسد و جهل بود نه تقوی زیرا که آثار تقوی هیچگاه از ایشان ظاهر نمی‌شد و اشارت بهمین معنی است درین آیات.

وَلَمَّا جَاءَهُمْ كِتَابٌ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِّمَا مَعَهُمْ
 وَكَانُوا مِنْ قَبْلُ يَسْتَفْتِحُونَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَمَّا
 جَاءَهُمْ مَا عَرَفُوا كَفَرُوا بِهِ فَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْكَافِرِينَ
 ﴿٨٩﴾ بِسْمَا أَشْتَرُوا بِهِ أَنْفُسَهُمْ أَن يَكْفُرُوا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ
 بَغْيًا أَنْ يَنْزِلَ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ
 فَبَاءُوا وَبِعْضِبِ عَلَى عَضِبٍ وَالْكَافِرِينَ عَذَابٌ مُّهِينٌ
 ﴿٩٠﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ آمِنُوا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا تَأْوِينُ
 عَلَيْنَا وَيكْفُرُونَ بِمَا وَرَاءَهُ وَهُوَ الْحَقُّ مُصَدِّقًا لِّمَا
 مَعَهُمْ قُلْ فَلِمَ تَقْتُلُونَ أَنْبِيَاءَ اللَّهِ مِنْ قَبْلُ إِنْ كُنْتُمْ
 مُّؤْمِنِينَ ﴿٩١﴾ * وَلَقَدْ جَاءَكُمْ مُوسَى بِالْبَيِّنَاتِ ثُمَّ
 اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَنْتُمْ ظَالِمُونَ ﴿٩٢﴾ وَإِذْ
 أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ وَرَفَعْنَا فَوْقَكُمْ الطُّورَ خُذُوا
 مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَأَسْمِعُوا قُلُوبًا لِّسَمْعِنَا وَعَصِينَا
 وَأَشْرَبُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْعِجْلَ بِكُفْرِهِمْ قُلْ بِسْمَا
 يَا أَمْرَكُمْ بِهِ إِيمَانُكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُّؤْمِنِينَ ﴿٩٣﴾

وآنگاه که آمدبایشان کتابی^(۳۱) از نزد خدا باور کننده^۳ آنچه با ایشان است و پیش ازین طلب فتح می کردند بر مشرکان پس چون آمد به ایشان آنچه میدانستند منکر آن شدند پس لعنت خدا بر کافران باد^(۳۲) (۸۹). بدچیز است آنچه به عوض وی خویشتن را فروختند که کافر شوند به آنچه خدا فرودآورده است بسبب حسد برآنکه فرودآورد خدا از فضل خویش بر هر که خواهد از بندگان خود پس بخشمی بالای خشمی بازگشتند و برای کافران عذاب خوار کننده است (۹۰). و چون به ایشان گفته شود ایمان آورید به آنچه خدا فرود آورده است گویند ایمان می آوریم به آنچه بر ما فرود آورده شد و ایشان کافر می شوند به آنچه غیر از آن است حال آنکه او راست است تصدیق کننده آنچه با ایشان است بگو پس پیش ازین پیامبران خدا را چرامی کشتید اگر شما مؤمن بودید (۹۱). و هر آینه موسی به نشانه های روشن به شما آمد پس گوساله را پس از وی (به پرستش) گرفتید و شما ستمگار بودید (۹۲). و آنگاه که پیمان شما را گرفتیم و بالای شما (کوه) طور را برداشتیم گفتیم بقوت بگیرید آنچه را که به شما دادیم و بشنوید - گفتند^(۳۳) شنیدیم و نافرمانی کردیم و در دل های ایشان دوستی گوساله - بسبب کافر بودن ایشان - آمیخته کرده شد بگو بد چیزی است آنچه شمارا ایمان شما به آن امر میفرماید اگر اهل ایمان هستید (۹۳).

(۳۱) یعنی قرآن.

(۳۲) تعریض است بآن قصه که یهود خیر باغطفان جنگ میکردند و هزیمت می یافتند آخردعا کردند که به بعثت نبی آخرالزمان مارانصرت بده.

(۳۳) یعنی بزبان حال.

قُلْ إِنْ كُنْتُمْ لَكُمْ الدَّارُ الْآخِرَةُ عِنْدَ اللَّهِ خَالِصَةً مِّنْ
 دُوبِ النَّاسِ فَتَمَتُّوا الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٩٤﴾ وَلَنْ
 يَتَمَتَّوهُ أَبَدًا بِمَا قَدَّمْتُمْ أَيْدِيهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ
 ﴿٩٥﴾ وَلَتَجِدَنَّهُمْ أَحْرَصَ النَّاسِ عَلَى حَيَاتِهِ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا
 يَوَدُّ أَحَدُهُمْ لَوْ يُعَمَّرَ أَلْفَ سَنَةٍ وَمَا هُوَ بِمُرَحِّزٍ لَهُ مِنْ
 الْعَذَابِ أَنْ يُعَمَّرَ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ ﴿٩٦﴾ قُلْ مَنْ
 كَانَ عَدُوًّا لِلْجِبْرِيلِ فَإِنَّهُ نَزَّلَهُ عَلَى قَلْبِكَ بِإِذْنِ
 اللَّهِ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَهُدًى وَبُشْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ
 ﴿٩٧﴾ مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِلَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَرُسُلِهِ وَجِبْرِيلَ
 وَمِيكَالَ فَإِنَّ اللَّهَ عَدُوٌّ لِلْكَافِرِينَ ﴿٩٨﴾ وَلَقَدْ أَنْزَلْنَا
 إِلَيْكَ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ وَمَا يَكْفُرُ بِهَا إِلَّا الْفَاسِقُونَ ﴿٩٩﴾
 أَوْ كَلَّمَآ عَاهِدُوا وَعَهْدًا تَبَدَّلَهُ فَرِيقٌ مِّنْهُمْ بَلَّ أَكْثَرُهُمْ
 لَا يُؤْمِنُونَ ﴿١٠٠﴾ وَلَمَّا جَاءَهُمْ رَسُولٌ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ
 لِّمَا مَعَهُمْ تَبَدَّلَ فَرِيقٌ مِّنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ
 كِتَابَ اللَّهِ وَرَأَى ظُهُورَهُمْ كَأَنَّهُمْ لَا يَعْمَلُونَ ﴿١٠١﴾

بگو^(۳۴) اگر سرای بازپسین نزد خدا مخصوص شما است غیر از مردمان دیگر پس مرگ را آرزو کنید اگر راست گو هستید (۹۴). و هرگز آرزو نکنند آن را هیچگاه بسبب آنچه دستهای ایشان پیش فرستاده است و خدا به ستمگاران دانا است (۹۵). و البته ایشان را حریص ترین مردم بر زندگانی بیایی و حریص تر از آنانکه مشرک اند، دوست میدارد یکی از ایشان که کاش - عمر هزار سال داده شود نیست رهاننده^۱ وی از عذاب آنکه عمر داده شود و خدا بینا است به آنچه می کنند^(۳۵) (۹۶). بگو^(۳۶) هر کس که دشمن جبرئیل باشد (چه زیان می کند) پس به تحقیق جبرئیل فرود آورده است قرآن را بر دل تو بحکم خدا، تصدیق کننده آنچه پیش از آن است و رهنما و مؤذنه دهنده^۲ به اهل ایمان است (۹۷). هر کس که دشمن خدا و فرشتگانش و پیامبران او و جبرئیل و میکائیل باشد پس هر آئینه خدا دشمن کافران است (۹۸). و به راستی برای تو نشانه های روشن فرود آوردیم و کافر نمی شوند بآنها مگر بدکاران (۹۹). آیا هرگاه که پیمانی را بستند بر انداخت آن را گروهی از ایشان بلکه اکثر ایشان باور نمی دارند (۱۰۰). و هرگاه که به ایشان پیامبری از نزد خدا، تصدیق کننده آنچه با ایشان است آمد، گروهی از آن قوم که کتاب داده شده اند کتاب خدا را پس پشت خویش انداختند، گویا آنان نمی دانند (۱۰۱).

(۳۴) دیگر از تحریفات یهود آن بود که میگفتند که داخل نخواهد شد در بهشت هیچکس مگر یهود و این خطاست زیرا که علامت بهشتیان مشتاق شدن بملاقاتِ خداست و ایشان از مرگ هراسان بودند و اشارت بهمین معنی است درین آیت.

(۳۵) دیگر از جمله هفوه یهود کلام بیهوده و هرچه از ذهن برآید، گفتن است.

(۳۶) دیگر از هفوات یهود آن بود که جبرئیل را دشمن میداشتند که عذاب برامم سابقه فرود آورده این خطاست که جبرئیل مامور است از بارگاه حق عزوجل ویراچه اختیار.

وَاتَّبِعُوا مَا تَتْلُوا الشَّيْطِينُ عَلَىٰ مُلْكٍ سُلَيْمَنٌ وَمَا كَفَرَ
 سُلَيْمَنٌ وَلَا كَنَّ الشَّيْطِينُ كَفَرُوا يَعْلَمُونَ النَّاسَ
 السِّحْرَ وَمَا أَنزَلَ عَلَى الْمَلَائِكَةِ بِبَابِلَ هُرُوتَ وَمَرُوتَ
 وَمَا يَعْلَمَانِ مِنْ أَحَدٍ حَتَّى يَقُولَا إِنَّمَا نَحْنُ فِتْنَةٌ فَلَا
 تَكْفُرْ فَيَتَعَلَّمُونَ مِنْهُمَا مَا يُفَرِّقُونَ بِهِ بَيْنَ الْمَرْءِ
 وَزَوْجِهِ وَمَا هُمْ بِضَارِّينَ بِهِ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ
 وَيَتَعَلَّمُونَ مَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَلَقَدْ عَلِمُوا لَمَنِ
 اشْتَرَاهُ مَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلْقٍ وَلَبَسَ مَا شَرَوْا بِهِ
 أَنفُسَهُمْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ﴿١١٢﴾ وَلَوْ أَنَّهُمْ ءَامَنُوا وَاتَّقَوْا
 لَمَثُوبَةٌ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ خَيْرٌ لَّو كَانُوا يَعْلَمُونَ ﴿١١٣﴾
 يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَقُولُوا رَاعِنَا وَقُولُوا انظُرْنَا
 وَاسْمَعُوا وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿١١٤﴾ مَا يَوَدُّ
 الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَلَا الْمُشْرِكِينَ
 أَنْ يُنَزَّلَ عَلَيْكُمْ مِنْ خَيْرٍ مِّنْ رَبِّكُمْ وَاللَّهُ يَخْتَصُّ
 بِرَحْمَتِهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ﴿١١٥﴾

آنچه را که شیطانان در سلطنت سلیمان می خواندند پیروی کردند^(۳۷) - و سلیمان کافر نشد ولیکن شیطانان کافر شدند مردمان را جادو می آموختند و پیروی کردند از آنچه فرود آورده شد بردو فرشته در بابل هاروت و ماروت و (آنان) نمی آموزند هیچ کس را تا آنکه گویند جز این نیست که ما بلاییم پس کافر مشو، پس از آن دو افسونی یاد می گیرند که جدایی می افکنند بسبب آن در میان مرد و زن او و ایشان زیان رساننده نیستند به سحر هیچکس را مگر باراده خدا و ایشان آنچه زیان میرساند ایشانرا می آموختند و ایشان را سود ندهد و هر آئینه دانسته اند هر که بستاند جادو او را در آخرت هیچ بهره ای نیست و هر آئینه بد چیزست آنچه به عوض آن خویشتن را فروختند، کاش می دانستند (۱۰۲). و اگر ایشان ایمان می آوردند و تقوی اختیار می کردند به یقین ثوابی که از نزد خدا (به آنان می رسد) بهتر بودی اگر می دانستند (۱۰۳). ای مومنان مگوئید راعنا و بگوئید انظرنا و نیک بشنوید و کافران را عذاب دردناک است^(۳۸) (۱۰۴). نه آنانکه کافر شدند از اهل کتاب و نه مشرکان دوست نمیدارند که بر شما هیچ نیکی از پروردگار شما فرود آورده شود و خدا مخصوص می کند به بخشایش خود هر که را خواهد و خدا صاحب فضل بزرگ است (۱۰۵).

(۳۷) دیگر از هفوات یهود آن بود که سحر میکردند و سلیمان علیه السلام را ساحر می دانستند این افترا بود بر سلیمان علیه السلام و اشارت بهمین معنی است درین آیت.

(۳۸) دیگر از هفوات یهود آن بود که در مجلس پیامبر آمده لفظ راعنامی گفتند و این لفظ را دو معنی است یکی آنکه رعایتکن مارا و شفقت کن بر ما دیگر رعونت دارنده یعنی ابله - و قصد ایشان سب بود حق سبحانه مسلمانان را ازین کلمه نهی کرد برای سدباب فساد و اشارت بهمین معنی است درین آیت.

* مَا نَسَخَ مِنْ آيَةٍ أَوْ نَسِيهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِّنْهَا أَوْ مِثْلَهَا
 أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿١٦﴾ أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ
 اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا لَكُمْ مِّنْ دُونِ
 اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ ﴿١٧﴾ أَمْ تَرِيدُونَ أَنْ تَسْأَلُوا رَسُولَكُمْ
 كَمَا سَأِلَ مُوسَىٰ مِنْ قَبْلُ وَمَنْ يَتَّبِعِ الْكُفْرَ بِالْإِيمَانِ
 فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ ﴿١٨﴾ وَدَكَّ ثِيرٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ
 لَوْ يَرُدُّونَكُمْ مِّنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كَقَارِئًا حَسَدًا
 مِّنْ عِنْدِ أَنْفُسِهِمْ مِّنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ فَاعْفُوا
 وَأَصْفَحُوا حَتَّىٰ يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرٍ ۗ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ
 قَدِيرٌ ﴿١٩﴾ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَمَا تَقَدَّمُوا
 لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ ۗ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ
 بَصِيرٌ ﴿٢٠﴾ وَقَالُوا لَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ إِلَّا مَن كَانَ هُودًا
 أَوْ نَصْرِيًّا تِلْكَ أَمَانِيهِمْ ۗ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِن كُنْتُمْ
 صَادِقِينَ ﴿٢١﴾ بَلَىٰ مَنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَلَهُ
 أَجْرُهُ عِنْدَ رَبِّهِ ۗ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٢٢﴾

هرچه نسخ می کنیم از آیه ای یا فراموش می گردانیم آنرا می آوریم بهتر از آن یا مانند آن آیا ندانستهای که خدا بر همه چیز تواناست^(۳۹) (۱۰۶). آیا ندانسته ای که پادشاهی آسمانها وزمین برای خداست و شمارا غیر از او هیچ دوستی نیست و نه یاور (۱۰۷). آیامی خواهید که پیامبر خود را سوال کنید چنانکه موسی پیش ازین سوال کرده شد و هر که بستاند کفر را به عوض ایمان پس هر آئینه راه راست را گم کرد (۱۰۸). بسیاری از اهل کتاب دوست داشتند که شمارا بعد از ایمانتان کافر گردانند - از روی حسدی که در نفسهایشان بود - بعد از آنکه حق برایشان واضح شد پس عفو کنید و درگذرید تا آنکه خدا فرمان خود را بیاورد^(۴۰) هر آئینه خدا بر همه چیز تواناست (۱۰۹). و نماز را برپا دارید و زکوٰه را بدهید و آنچه پیش می فرستید برای خویشان از نیکوکاری آنرا نزد خدا خواهید یافت هر آئینه خدا به آنچه می کنید بیناست (۱۱۰). و گفتند هرگز به بهشت در نیاید مگر آنکه یهود باشد یا ترسا باشد این آرزوهای باطله ایشانست بگو دلیل خود را بیاورید اگر راست گو هستید (۱۱۱). بلی هر که روی خود را برای خدا تسلیم کند و وی نیکوکار باشد پس او راست پادشاه او نزد پروردگارش، و نیست ترسی برایشان و نه ایشان اندوهگین شوند (۱۱۲).

(۳۹) مترجم گوید درین آیت تعریض است بجواب یهود که انکار نسخ می کردند والله اعلم.

(۴۰) یعنی امر کنند بجهاد ایشان والله اعلم.

وَقَالَتِ الْيَهُودُ لَيْسَتِ النَّصْرَىٰ عَلَىٰ شَيْءٍ وَقَالَتِ النَّصْرَىٰ
 لَيْسَتِ الْيَهُودُ عَلَىٰ شَيْءٍ وَهُمْ يَتْلُونَ الْكِتَابَ كَذَلِكَ
 قَالَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ مِثْلَ قَوْلِهِمْ فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ
 يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ﴿١١٣﴾ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّن
 مَنَعَ مَسْجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذَكَرَ فِيهَا اسْمُهُ وَسَعَىٰ فِي خَرَابِهَا
 أُولَٰئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوهَا إِلَّا خَائِفِينَ لَهُمْ فِي
 الدُّنْيَا خِزْيٌ لَهُمْ فِي الآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿١١٤﴾ وَلِلَّهِ الْمَشْرِقُ
 وَالْمَغْرِبُ فَأَيْنَمَا تُولُوْا فَوَجْهُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ﴿١١٥﴾
 وَقَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا سُبْحٰنَهُ ۗ بَلْ لَّهُ مَا فِي السَّمٰوٰتِ
 وَالْأَرْضِ كُلُّ لَّهُ رَقِيبٌ ﴿١١٦﴾ بَدِيعَ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ
 وَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ ﴿١١٧﴾ وَقَالَ
 الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ لَوْلَا يُكَلِّمُنَا اللَّهُ أَوْ تَأْتِينَا آيَةٌ
 كَذَلِكَ قَالَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِم مِّثْلَ قَوْلِهِمْ تَشَبَهتْ
 قُلُوبُهُمْ قَدْ بَيَّنَّا الْآيٰتِ لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ ﴿١١٨﴾ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ
 بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَا تُسْئَلُ عَنْ أَصْحَابِ الْجَحِيمِ ﴿١١٩﴾

وگفتند^(۴۱) یهود ترسایان برهیچ چیزی نیستند، وگفتند ترسایان یهود برهیچ چیزی نیستند حال آنکه همه ایشان کتاب را می خوانند هم چنین گفتند آنانکه نمی دانند^(۴۲) مانند قول ایشان، پس خدا میان ایشان روزقیامت درآنچه اختلاف می کردند درآن حکم می کند (۱۱۳). وکیست ستمکارتر ازآنکه منع کرد مسجد های خدا را ازآن که یاد کرده شود نام خدا درآنها ودر ویرانی آنها کوشش کرد، این گروه را نمی سزد که درآیند به مسجدها مگر هراسان، برای ایشان دردنیا خواری است وبرای ایشان در آخرت عذاب بزرگ است^(۴۳) (۱۱۴). وشرق و مغرب ازآن خدا است هرسوکه روآورید همانجاست روی خدا هرآئینه خدا فراخ نعمت دانا است^(۴۴) (۱۱۵). وگفتند خدا فرزندى گرفت، پاکی او راست بلکه آنچه درآسمانها وزمین است برای او است، همه فرمانبردار او هستند^(۴۵) (۱۱۶). آفریننده^{۴۳} آسمان ها وزمین است، وچون خواهد کاری را انجام دهد پس جزاین نیست که می گوید اورایشو پس می شود (۱۱۷). وگفتند آنانکه هیچ نمیدانند (یعنی مشرکان) چرا با ما خدا سخن نمی گوید یا به ما نشانه ای نمی آید؟ هم چنین گفتند کسانی که پیش ازایشان بودند مانند قول ایشان دلهای ایشان بیکدیگر مشابهت دارند، به راستیکه نشانه هارا برای گروهی که یقین می کنند بیان کردیم (۱۱۸). البته ما تورا به راستی مژده دهنده و بیم کننده فرستادیم، و تو از اهل دوزخ پُرسیده نخواهی شد (۱۱۹).

-
- (۴۱) دیگر از هفوات اهل کتاب آن بود که هر فرقه ای از یهود و نصاری دیگرى را انکار می کردو اشارت به همین معنی است درین آیه.
- (۴۲) یعنی مشرکان گفتند.
- (۴۳) درین آیه تعریض است بکفار مکه و بشارت است به مغلوب شدن ایشان والله اعلم.
- (۴۴) دیگر از هفوات یهود آن بود که چون استقبال بیت المقدس منسوخ شد استهزاء میکردند اشاره بهمین معنی است درین آیه.
- (۴۵) دیگر از هفوات اهل کتاب آن بود که یهود عزیز راو نصاری عیسی را پسر خدای گفتند درردّ ایشان خدای تعالی این آیه نازل کرد.

وَلَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ قُلْ
 إِنَّ هُدَىٰ اللَّهِ هُوَ الْهُدَىٰ وَلَئِنِ اتَّبَعْتَ أَهْوَاءَ هُم بَعْدَ الَّذِي
 جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وِليٍّ وَلَا نَصِيرٍ ﴿١١٣﴾ الَّذِينَ
 آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ أُوْلَئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَمَنْ
 يَكْفُرْ بِهِ فَأُوْلَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ ﴿١١٤﴾ يَبْنِي إِسْرَائِيلَ أَذْكَرٌ
 أَمْ نَعَمَتِي الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَلِيٌّ فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ ﴿١١٥﴾ وَاتَّقُوا يَوْمًا
 لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا تَنْفَعُهَا
 شَفَاعَةٌ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ ﴿١١٦﴾ * وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ
 فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ
 لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ ﴿١١٧﴾ وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ
 وَأَمْنًا وَاتَّخِذُوا مِن مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى وَعَهِدْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ
 وَإِسْمَاعِيلَ أَن طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ
 ﴿١١٨﴾ وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا وَارْزُقْ أَهْلَهُ
 مِنَ الثَّمَرَاتِ مَنْ آمَنَ مِنْهُمْ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ قَالَ وَمَنْ كَفَرَ
 فَأَمْتِعْهُ وَقَلِيلًا لَّمْ أَصْطِرْهُ إِلَىٰ عَذَابِ النَّارِ وَيَسُّ الْمَصِيرُ ﴿١١٩﴾

وهرگز یهودیان از تو خوشنود نمی شوند و نه ترسایان، تاآنکه دین ایشان را پیروی کنی بگو یقینا هدایت خدا همانست هدایت و اگر آرزوهای باطله ایشان را پس ازآنچه که آمده است بتو ازدانش پیروی کردی، تو را برای خلاصی ازعذاب خدا هیچ دوستی نباشد و نه یاری دهنده ای (۱۲۰). آنانکه ایشان را کتاب دادیم (یعنی تورات) آنرا حق خواندن آن میخوانند، ایشان آنرا (هدایت خدارا) باور میدارند و هرکه منکر وی باشد پس ایشانند زیان کاران^(۴۶) (۱۲۱). ای بنی اسرائیل آن نعمت مرا که انعام کرده ام بر شما یادکنید وآنکه شمارا بر همه عالمها فضل دادم (۱۲۲). وبترسید ازآن روزی که کسی ازکسی چیزرا کفایت نکند ازکسی توانی پذیرفته نشود او را شفاعت سود ندهد و نه ایشان یاری داده شوند^(۴۷) (۱۲۳). ویا دکن چون پروردگار ابراهیم او را بسخنی چند بیازمود، پس ابراهیم آنها را به انجام رسانید، خدا گفت هرآئینه من تو را پیشوای مردمان می گردانم گفت ابراهیم واز فرزندان من نیز (پیشوایان پیداکن -) فرمود عهد (وحی) من بظالمان نمی رسد (۱۲۴). وآنگاه که کعبه را مرجع مردمان و محل امن قرار دادیم وازجای قدم (ایستگاه) ابراهیم نمازگاه بگیرید و به سوی ابراهیم و اسمعیل وحی فرستادیم که خانه مرا برای طواف کنندگان واعتکاف کنندگان و رکوع کنندگان سجده کننده پاک سازید (۱۲۵). وآنگاه که ابراهیم گفت ای پروردگار من این مکان را شهر باامن بساز و ساکنان آن را ازمیوه ها روزی ده کسانی را که بخدا وروز بازپسین ایمان آورد ازایشان، خدا فرمود و کسیکه کافر شود اندکی بهره مند گردانمش سپس او را به سوی عذاب آتش به بیچارگی برانم و آن بدجای بازگشتی است (۱۲۶).

(۴۶) یعنی آنانکه تورات رامی فهمند تصدیق شریعت محمدیه را میکنند وآنانکه تصدیق نمی کنند تورات را نمی فهمند.

(۴۷) مترجم گوید ازین جا تا سیقول السفهاء خدای تعالی اثبات می فرماید نبوت پیامبرمارا صلی الله علیه وسلم از قصه دعاء حضرت ابراهیم که در تورات مذکور است و ترجیح میدهد ملت حنیفیه را که حضرت پیامبر برای آن مبعوث اندورده میکند قول یهود را که حضرت یعقوب مبارابه یهودیت وصیت کرده است واز تفریق دربین انبیاء نهی میفرماید یعنی معتقد بعضی باشد و منکر بعضی.

وَإِذْ رَفَعُ إِبْرَاهِيمَ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلَ رَبَّنَا تَقَبَّلْ
 مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿١٢٧﴾ رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ
 لَكَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُسْلِمَةً لَكَ وَأَرِنَا مَنَاسِكَنَا وَتُبْ عَلَيْنَا
 إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ ﴿١٢٨﴾ رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْهُمْ
 يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ
 وَيُزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿١٢٩﴾ وَمَنْ يَرْغَبْ عَن مِّلَّةِ
 إِبْرَاهِيمَ إِلَّا مَن سَفِهَ نَفْسَهُ وَلَقَدِ اصْطَفَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا
 وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ ﴿١٣٠﴾ إِذْ قَالَ لَهُ رَبُّهُ أَسْمِ
 قَالَ أَسْمَتُ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٣١﴾ وَوَصَّى بِهَا إِبْرَاهِيمَ بَنِيهِ
 وَيَعْقُوبَ يَلْبَسْنِي إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى لَكُمُ الدِّينَ فَلَا تَمُوتُنَّ
 إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ ﴿١٣٢﴾ أَمْ كُنْتُمْ شُهَدَاءَ إِذْ حَضَرَ يَعْقُوبَ
 الْمَوْتَ إِذْ قَالَ لِبَنِيهِ مَا تَعْبُدُونَ مِن بَعْدِي قَالُوا نَعْبُدُ
 إِلَهَكَ وَإِلَهَ آبَائِكَ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِلَهَاهَا
 وَاحِدًا وَنَحْنُ لَهُ وَمُسْلِمُونَ ﴿١٣٣﴾ تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ
 وَلَكُمْ مَا كَسَبْتُمْ وَلَا تُسْأَلُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٣٤﴾

آنگاه که ابراهیم و اسمعیل بنیادهای خانه را بلند می کردند گفتند ای پروردگار ما از ما قبول کن هر آئینه تویی شنوا دانا (۱۲۷). ای پروردگار ما را فرمان بردار خودت بگردان و از فرزندان ما (نیز) امتی را فرمانبردار خود (قراده) و راههای عبادت ما را به ما نشان بده و توبه ما را بپذیر بدرستی که تویی توبه پذیر مهربان (۱۲۸). ای پروردگار ما از میان ایشان پیامبری از ایشان بفرست که بخواند برایشان آیتهای تورا و ایشان را کتاب و علم بیاموزد و ایشان را پاک کند هر آئینه تویی توانا دانا (۱۲۹). و کیست که از کیش ابراهیم روی بگرداند مگر آنکه نفس خود را در احمقی افکند به راستی که او را درین سرای برگزیدیم و البته او در سرای دیگر از شایستگان است (۱۳۰). آنگاه که پروردگارش او را گفت که تسلیم شو گفت برای پروردگار عالمها تسلیم شدم (۱۳۱). ابراهیم پسران خود را به آن (فرمانبر داری خدا) سفارش کرد و یعقوب نیز فرزندان را، ای فرزندان من هر آئینه خدا این دین را برای شما برگزیده است پس (ازین جهان) مگر مسلمان شده نمیرید (۱۳۲). آیا حاضر بودید هنگامی که یعقوب را موت پیش آمد آنگاه که گفت فرزندان خود را چه چیزی را عبادت خواهید کرد بعد از من گفتند معبود تورا و معبود پدران تورا که ابراهیم و اسمعیل و اسحق اند عبادت کنیم آن معبود یگانه را عبادت کنیم و ما تسلیم او هستیم (۱۳۳). این امتی است که در گذشت وی راست آنچه کسب کردند و شمارا است آنچه کسب کردید و شما پرسیده نخواهید شد از آنچه (آنان) می کردند (۱۳۴).

وَقَالُوا كُونُوا هُودًا أَوْ نَصْرَى تَهْتَدُوا قُلْ بَلْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ
 حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿١٢٥﴾ قُولُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا
 أَنْزَلَ إِلَيْنَا وَمَا أَنْزَلَ إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ
 وَالْأَسْبَاطِ وَمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ وَعِيسَىٰ وَمَا أُوتِيَ النَّبِيُّونَ مِنْ
 رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ ﴿١٢٦﴾
 فَإِنَّمَا هُمْ فِي شِقَاقٍ فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللَّهُ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ
 ﴿١٢٧﴾ صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً وَنَحْنُ لَهُ
 عَابِدُونَ ﴿١٢٨﴾ قُلْ أَتَحَاجُّونَنَا فِي اللَّهِ وَهُوَ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ
 وَلَنَا أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُخْلِصُونَ ﴿١٢٩﴾
 أَمْ تَقُولُونَ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ
 وَالْأَسْبَاطَ كَانُوا هُودًا أَوْ نَصْرَى قُلْ ءَأَنْتُمْ أَعْلَمُ أَمْ
 اللَّهُ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَتَمَ شَهَادَةً عِنْدَهُ مِنَ اللَّهِ وَمَا اللَّهُ
 بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ﴿١٣٠﴾ تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ
 وَلَكُمْ مَا كَسَبْتُمْ وَلَا تُسْأَلُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٣١﴾

وگفتند یهودی شوید یا نصرانی تا هدایت شوید، بگو بلکه ملت ابراهیم را که حنیف بود و نبود از اهل شرک پیروی می کنیم (۱۳۵). بگویید ایمان آوردیم به خدا و به آنچه فرود آورده شده به سوی ما و آنچه فرود آورده شده به سوی ابراهیم و اسمعیل و اسحق و یعقوب و نوادگان یعقوب و به آنچه موسی و عیسی داده شد و آنچه پیامبران از پروردگارشان داده شدند در میان هیچ کس از ایشان تفریق نمی کنیم و ما برای حق عز و جل فرمان برداریم (۱۳۶). پس اگر اهل کتاب به آنچه شما به آن ایمان دارید ایمان آورند پس راه یافتند و اگر برگشتند پس جزاین نیست که ایشان در مخالفت اند پس زود باشد که تورا خدا به گرفتن انتقام از ایشان کفایت کند و او شنوای دانا است (۱۳۷). قبول کردیم رنگ خدارا^(۴۸) و کیست از خدا بهتر باعتبار رنگ (دین فطرت) و ما او را عبادت کنند گانیم (۱۳۸). بگو آیا با ما درباره خدا مکابره می کنید حال آنکه او پروردگار ما و شماست و ما راست کردارهای ما و شما راست کردارهای شما و ما برای او (در عبادت) اخلاص می ورزیم (۱۳۹). آیامی گوید که هرآینه ابراهیم و اسمعیل و اسحق و یعقوب و نوادگان او یهود بودند یا ترسا بودند بگو شما داناترید یا خدا و کیست ستمگارتراز آنکه آن گواهی را که نزدیک اوست از جانب خدا بپوشد و خدا از آنچه می کنید بی خبر نیست (۱۴۰). این امتی است که درگذشت، ویراست آنچه کسب کردند و شما راست آنچه شما کسب کردید و پرسیده نخواهید شد از آنچه ایشان می کردند (۱۴۱).

(۴۸) یعنی دین اورا.

* سَيَقُولُ السُّفَهَاءُ مِنَ النَّاسِ مَا وَلَّهُمْ عَن قِبَلَتِهِمْ الَّتِي كَانُوا
 عَلَيْهَا قُلْ لِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ يَهْدِي مَن يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ
 مُسْتَقِيمٍ ﴿١٤٢﴾ وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا
 شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا وَمَا
 جَعَلْنَا الْقِبْلَةَ الَّتِي كُنْتَ عَلَيْهَا إِلَّا لِنَعْلَمَ مَن يَتَّبِعِ الرَّسُولَ
 مِمَّن يَنْقَلِبُ عَلَى عَقْبَيْهِ وَإِن كَانَتْ لَكَبِيرَةً إِلَّا عَلَى الَّذِينَ
 هَدَى اللَّهُ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِيعَ إِيمَانَكُمْ إِنَّ اللَّهَ
 بِالنَّاسِ لَرءُوفٌ رَّحِيمٌ ﴿١٤٣﴾ قَدْ نَرَى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ
 فَلَوْلَيْنَاكَ قِبْلَةٌ لَتَرَضُنَّهَا قَوْلٌ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ
 الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ وَإِن
 الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِن رَّبِّهِمْ وَمَا اللَّهُ
 بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ ﴿١٤٤﴾ وَلَئِن آتَيْتَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ
 بِكُلِّ آيَةٍ مَّا تَبِعُوا قِبْلَتَكَ وَمَا أَنتَ بِتَابِعٍ قِبْلَتِهِمْ
 وَمَا بَعْضُهُمْ بِتَابِعٍ قِبْلَةَ بَعْضٍ وَلَئِن آتَبَعْتَ أَهْوَاءَ هُم مِّن
 بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ إِنَّكَ إِذًا لَمِنَ الظَّالِمِينَ ﴿١٤٥﴾

(۴۹) بیخردان از مردم خواهند گفت چه چیز ایشان را از آن قبله ای که ایشان بر آن بودند برگردانید (یعنی از بیت المقدس) بگو مشرق و مغرب برای خدا است هر که را خو اهد به سوی راه راست راه می نماید (۱۴۲). وهم چنین گردانیدیم شمارا امتی (مختار) میانه تا بر مردمان گواه باشید و تا رسول بر شما گواه باشد و مقرر نکردیم آن قبله را که بودی بر آن (یعنی بیت المقدس را) مگر برای آنکه معلوم بداریم کسی را که پیروی پیامبر کند جدا از آن کس که بر هر دو پاشنه خود بازگردد (یعنی پیروی نکند) و هر آئینه این خصلت دشوار است مگر بر آنانکه ایشانرا خدا راه نموده است و خدا ایمان تان را ضائع نمی سازد بی گمان خدا به مردمان بخشاینده^{۵۰} مهربان است (۱۴۳). به تحقیق مامی بینیم گشتن روی تورا در جانب آسمان (گاه به گاه)^(۵۰) پس البته تورا بآن قبله ای که خوشنود شوی به آن متوجه گردانیم پس متوجه گردان روی خود را بطرف مسجد حرام و هر جا که باشید پس روهای خویش را به سوی آن متوجه گردانید و هر آئینه اهل کتاب میدانند که این از پروردگار ایشان راست است و خدا از آنچه می کند بی خبر نیست (۱۴۴). البته اگر پیش اهل کتاب هر نشانه ای بیاری هرگز پیروی نکنند قبله تورا و تو قبله^{۵۱} ایشان را پیروی کننده نیستی و نیستند بعضی ایشان قبله بعض دیگر را پیروی کننده و اگر تو خواهش های نفسانی ایشان را بعد از آنچه که بتو آمده است از دانش پیروی کنی هر آئینه آنگاه تو از ستمگاران باشی (۱۴۵).

(۴۹) چون آنحضرت صلی الله علیه وسلم بمدینه هجرت فرمود شانزده ماه یاهفده ماه بطرف بیت المقدس نمازی گزارد آرزو میکرد که خدای تعالی کعبه را قبله وی سازد خدای تعالی نازل کرد ﴿فَدَرَكْنَا نَقْلًا وَتَجَهَّكْ﴾ الآية بعد از آن جواب شبهه سفهادرین مسئله نازل کرد سيقول السفهاء وبعد از آن امر فرمود به صبر بر مشاق جهاد و در بسیاری از احکام توحید و قصاص و حج و صوم و صدقه و نکاح و طلاق که اهل جاهلیت تحریف کرده بودند یا رعایت انصاف نمی کردند بیان حقیقت حال فرمود و رد و ابطال شبهات مخالفین را کرد و سوال های ایشانرا جواب داد و این سیاق ممتد است تا ﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ حَرَجُوا﴾.

(۵۰) یعنی آنچه در سابق علم الهی مقرر شد آنست که قبله امت محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم کعبه باشد و توجه به بیت المقدس چند مدتی بنا بر حکمت امتحان است.

الَّذِينَ اتَّيْنَاهُمْ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ، كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمْ
 وَإِنَّ فَرِيقًا مِنْهُمْ لَيَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ ﴿١٤٦﴾ الْحَقُّ
 مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ ﴿١٤٧﴾ وَلِكُلِّ وِجْهَةٍ
 هُوَ مُوَلِّيهَا فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ
 جَمِيعًا إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿١٤٨﴾ وَمَنْ حَيْثُ خَرَجْتَ
 فَوَلِّ وِجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَإِنَّهُ لَلْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ
 وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ﴿١٤٩﴾ وَمَنْ حَيْثُ خَرَجْتَ
 فَوَلِّ وِجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا
 وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ، لِيَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَيْكُمْ حُجَّةٌ إِلَّا الَّذِينَ
 ظَلَمُوا مِنْهُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِي وَلَا تَمْنَعِي عَيْبَكُمْ
 وَلَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ﴿١٥٠﴾ كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِنْكُمْ يَتْلُوا
 عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ
 وَيُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ ﴿١٥١﴾ فَادْكُرُونِي أذْكُرْكُمْ
 وَأَشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُونِ ﴿١٥٢﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا
 اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ ﴿١٥٣﴾

کسانیکه ایشان را کتاب داده ایم ویرامی شناسند^(*) چنانکه فرزندان خویش را می شناسند البته گروهی از ایشان حق را دانسته می پوشند^(۵۱) (۱۴۶). این از پروردگار تو درست است پس از شک آوردن گان مباش (۱۴۷). و هر کسی را جھتی هست که به آن رو می آورد پس شتاب کنید به سوی نیکی‌ها هر کجا باشید همه شمارا خدا خواهد آورد یقینا خدا بر همه چیز تواناست (۱۴۸). و از هر جا که برآیی پس روی خود را به سوی مسجد حرام بگردان و هر آئینه وی از پروردگار تو راست است و نیست خدا بی خبر از آنچه می کنی (۱۴۹). و از هر جا که برآیی پس متوجه کن روی خود را به سوی مسجد حرام و هر جا که باشید پس بگردانید روی های خویش را به سوی آن تا نباشد مردمان را الزام بر شما مگر آنانکه ستم کردند ازین جماعت پس از ایشان مترسید و از من بترسید و تا نعمت خود را بر شما تمام کنم و تا باشد که راه یابید^(۵۲) (۱۵۰). چنانکه پیامبری را در میان شما از قوم شما فرستادیم آیه های ما را بر شما میخواند شمارا پاک می سازد و شمارا کتاب و حکمت می آموزد و شمارا آنچه که نمی دانستید می آموزد (۱۵۱). پس مرا یاد کنید تا که شمارا یاد کنم و سپاس من گوید و ناسپاسی من نکنید (۱۵۲). ای مسلمانان در تحصیل ثواب آخرت به صبر و نماز مدد جوید و هر آئینه خدا با صابران است (۱۵۳).

(*) بعض علماء از ضمیر «يَعْرِفُونَهُ» پیامبر را مراد گرفته اند والله اعلم (مصحح).

(۵۱) یعنی حقیقت استقبال کعبه را.

(۵۲) مترجم گوید در تورات مذکور است که امتی از بنی اسرائیل پیدا خواهد شد که تعظیم کعبه کند پس توجه آنحضرت صلی الله علیه وسلم به کعبه حجت باهره است بر صدق نبوت آنحضرت صلی الله علیه وسلم نزد احبار یهود اگر چه سفهاء یهود طعن کنند که قبله انبیاء را گذاشت والله اعلم فتح الرحمن.

وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمُوتَ بَلْ أحيَاءٌ وَلَكِنْ
 لَا تَشْعُرُونَ ﴿١٥٤﴾ وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ
 وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ ﴿١٥٥﴾
 الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ
 ﴿١٥٦﴾ أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَئِكَ
 هُمُ الْمُهْتَدُونَ ﴿١٥٧﴾ * إِنَّ الصَّافِيَ وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ
 فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوِ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا
 وَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ ﴿١٥٨﴾ إِنَّ الَّذِينَ
 يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ
 لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ أُولَئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُونَ
 ﴿١٥٩﴾ إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا وَبَيَّنُّوا فَأُولَئِكَ أَتُوبُ عَلَيْهِمْ
 وَأَنَا التَّوَّابُ الرَّحِيمُ ﴿١٦٠﴾ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَمَاتُوا وَهُمْ
 كُفَّارًا أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ
 ﴿١٦١﴾ خَالِدِينَ فِيهَا لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ ﴿١٦٢﴾
 وَاللَّهُ كَرِيمٌ إِلَهُ وَاحِدٌ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ ﴿١٦٣﴾

و کسانی را که در راه خدا کشته می شوند مگوئید که ایشان مرده اند بلکه ایشان زنده‌اند ولیکن شما درک نمی کنید (۱۵۴). والبتہ شمارا به چیزی از ترس و گرسنگی و نقصان مال ها و جان‌ها و میوه‌ها بیازماییم و صابران را بشارت ده (۱۵۵). آنانکه چون برسد بدیشان سختی گویند هرآئینه ما از آن خداییم و هرآئینه ما به سوی وی بازخواهیم گردید (۱۵۶). اینانند که برایشان است درودها از پروردگار ایشان و بخشایش و ایشانند راه یافتگان (۱۵۷). هرآئینه صفا و مروه از شعائر (نشانه‌های) خدا است پس هرکس که حج خانه (خدا) کند یا عمره بجآورد پس گناهی بروی نیست درآنکه طواف (سعی) کند در میان این هر دو^(۵۳) و هرکه نیکی بجا آورد پس خدا قدردان دانا است (۱۵۸). هرآئینه آنانکه می پوشند آنچه را که فرود آورده ایم از سخنان روشن و هدایت بعد از آنکه بیان کردیم آنرا برای مردمان در کتاب اینانند که لعنت می کند ایشان را خدا و لعنت میکنند ایشانرا لعنت کنند گان (۱۵۹). مگر کسانی که توبه کردند و نیکوکاری پیش گرفتند و بیان کردند پس اینانند که (بمهربانی) توبه ایشان را می پذیرم و منم توبه پذیر مهربان (۱۶۰). هرآئینه آنانکه کافر شدند و مردند در حالیکه کافر بودند اینانند که لعنت خدا و فرشتگان و مردمان - همگی - برایشان است (۱۶۱). در آن لعنت همیشه باشند از ایشان عذاب سبک کرده نشود و نه ایشان مهلت داده شوند (۱۶۲). و معبود شما خدا یگانه است هیچ معبود برحق جز او نیست، بخشاینده مهربان است (۱۶۳).

(۵۳) بعضی از اهل اسلام صفا و مروه را از شعائر جاهلیت گمان کرده از آن دست بازداشتند - زیرا که در جاهلیت بالای صفا و مروه دویت عبادت می شد - پس این آیه نازل شد.

إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ
 وَالْفَلَكَ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ
 مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَّاءٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ فِيهَا
 مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَتَصْرِيفِ الرِّيْحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِينَ
 السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ﴿١٦٤﴾ وَمِنَ النَّاسِ
 مَنْ يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وَالَّذِينَ
 ءَامَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ وَلَوْ يَرَى الَّذِينَ ظَلَمُوا إِذْ يَرُونَ
 الْعَذَابَ أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا وَأَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعَذَابِ ﴿١٦٥﴾
 إِذْ تَبَرَّأَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا مِنَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا وَرَأَوْا الْعَذَابَ
 وَتَقَطَّعَتْ بِهِمُ الْأَسْبَابُ ﴿١٦٦﴾ وَقَالَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا لَوْ أَنَّ
 لَنَا كَرَّةً فَنَتَبَرَّأَ مِنْهُمْ كَمَا تَبَرَّءُوا مِنَّا كَذَلِكَ يُرِيهِمُ اللَّهُ
 أَعْمَالَهُمْ حَسَرَاتٍ عَلَيْهِمْ وَمَا هُمْ بِخَارِجِينَ مِنَ النَّارِ ﴿١٦٧﴾
 يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ عَنِ الْأَرْضِ وَلَا تَتَّبِعُوا
 خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ ﴿١٦٨﴾ إِنَّمَا يَأْمُرُكُمْ
 بِالسُّوءِ وَالْفَحْشَاءِ وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿١٦٩﴾

به راستیکه در آفرینش آسمانها و زمین و آمدورفت شب و روز و آن کشتی ای که می‌رود در دریا به آنچه سود میدهد مردم را (یعنی بتجارت) و در آنکه فرود آورد خدا از آسمان آب پس زنده ساخت به آن زمین را پس از مردن آن و پراکنده ساخت در زمین از هر نوع جنبنده ای و در گردانیدن بادها و در ابر رام کرده شده میان آسمان و زمین البته نشانه‌ها است برای قومی که درمی‌یابند (۱۶۴). و از مردمان کسی هست که غیر از خدا همتایان را می‌گیرد، ایشان را دوست میدارند مانند دوستی خدا و کسانی که ایمان آورده اند در دوستی خدا قوی تراند و اگر ببینند ستمگاران هنگامیکه مشاهده کنند عذاب را (می‌فهمند) اینکه قدرت و توانایی همه برای خدا است و اینکه خدا صاحب سخت عقوبت است (۱۶۵). هنگامی که پیشوایان کفر از تابعان بیزار شوند و عذاب را ببینند و نسبت به ایشان همه پیوندها (یعنی وسیله‌ها) بریده شود (۱۶۶). و گویند پیروی کنندگان کاش ما را باز گشتی باشد تا از آن پیشوایان بیزاری کنیم چنانکه ایشان از ما بیزار شدند، هم چنین خدا در نظر ایشان کردارهای ایشانرا پشیمانی‌ها برایشان بنماید و ایشان از دوزخ بیرون آیند گان نیستند (۱۶۷). ای مردمان حلال پاکیزه را از آنچه در زمین است بخورید و گام‌های شیطان را پیروی مکنید هرآئینه او دشمن آشکار شما است^(۵۴) (۱۶۸). جزاین نیست که (شیطان) شمارا به بدکاری و بی‌حیایی و به آنکه افترا کنید بر خدا آنچه را که نمی‌دانید می‌فرماید (۱۶۹).

(۵۴) مترجم گوید اهل جاهلیت چیزها را از نزد خویش حرام ساخته بودند بحائز و سوائب خدای تعالی در رد ایشان نازل کرد (فتح الرحمن).

وَإِذْ قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَفْقَيْنَا
 عَلَيْهِ ءِابَاءَنَا أَوْ لَوْ كَانَ ءِابَاؤُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْئًا وَلَا
 يَهْتَدُونَ ﴿١٧٠﴾ وَمَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا كَمَثَلِ الَّذِي يَنْعُقُ
 بِمَا لَا يَسْمَعُ إِلَّا دُعَاءً وَنِدَاءً صُمُّ بكمُ عَمِيٌّ فَهُمْ لَا يَعْقِلُونَ
 ﴿١٧١﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ
 وَأَشْكُرُوا لِلَّهِ إِنْ كُنْتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ ﴿١٧٢﴾ إِنَّمَا حَرَّمَ
 عَلَيْكُمْ الْمَيْتَةَ وَالْدَّمَ وَلَحْمَ الْخِزْيِرِ وَمَا أَهْلَ بِهِ مِنْ غَيْرِ
 اللَّهُ فَمَنْ أَضْطَرَّ غَيْرِ بَاعٍ وَلَا عَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ إِنْ أَتَى اللَّهَ
 غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿١٧٣﴾ إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ
 الْكِتَابِ وَيَشْتَرُونَ بِهِ ءِثْمًا قَلِيلًا أُولَئِكَ مَا يَأْكُلُونَ
 فِي بُطُونِهِمْ إِلَّا النَّارَ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ
 وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿١٧٤﴾ أُولَئِكَ الَّذِينَ
 اشْتَرُوا الضَّلَالََةَ بِالْهُدَى وَالْعَذَابُ بِالْمَغْفِرَةِ فَمَا
 أَصْبَرَهُمْ عَلَى النَّارِ ﴿١٧٥﴾ ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ نَزَلَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ
 وَإِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِي الْكِتَابِ لَفِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ ﴿١٧٦﴾

و چون ایشان را گفته شود پیروی کنید آنرا که خدا فرود آورد گویند بلکه پیروی می کنیم چیزی را که یافته ایم بر آن پدران خویش را آیا تقلید می کنند اگر چه پدران ایشان نمی فهمیدند چیزی را و راه نیافته باشند (۱۷۰). و مثال کافران در نشنیدن پند پیامبر و درک نکردن آن مانند حال کسی است که او آواز کند آنچه را که او (یعنی حیوانی که درک نکند) از آن آواز جز صدا و خواندان را نشنود ایشان کران و گنگان و کورانند پس ایشان هیچ نمی فهمند (۱۷۱). ای مسلمانان از پاکیزه های آنچه روزی دادیم شمارا بخورید و خدا را سپاس گوید اگر هستید اورامی پرستید (۱۷۲). جزاین نیست که بر شما مردار و خون و گوشت خوک را و آنچه را که نام غیر خدا برآورده شده است حرام کرده است پس هر که مجبور شود نه تعدی کننده و نه از حد درگذرنده پس بروی گناه نیست^(۵۵) هر آئینه خدا آمرزنده مهربان است^(۵۶) (۱۷۳). به راستی که کسانی که می پوشند آنچه را که خدا از کتاب فرود آورده است و به عوض آن بهای اندک را، می ستانند آن جماعت در شکم های خود مگر آتش را نمی خورند و خدا به ایشان روز قیامت سخن نگوید و نه ایشان را پاك کند و برای ایشان عذاب دردناک است (۱۷۴). ایشانند آنانکه گمراهی را به عوض هدایت و عذاب را به عوض آمرزش خرید کردند پس ایشان بدروزخ چقدر شکیبایند (۱۷۵). این همه بسبب آنست که خدا کتاب را برآستی فرود آورد و هر آئینه آنانکه در کتاب اختلاف کردند البته در مخالفت از صواب دوراند (۱۷۶).

(۵۵) یعنی در خوردن آن چیزها.

(۵۶) مترجم گوید که اگر گوئی که درین آیت تحریم را حصر کرده شد در اشیاء مذکوره حالانکه در حدیث سباع و حمار و مانند آن را نیز حرام شمرده است پس وجه تطبیق چه باشد گویم حصر اضافی است به نسبت بحائرو سوانب که حرام می دانستند پس در بیهمة الانعام هیچ چیز حرام نیست غیر از اشیاء مذکوره و در خبائث و سباع و مانند آن سخن نه داشتند والله اعلم.

* لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ
 وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ
 وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَءَاتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ
 وَالْمَسْكِينِ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ
 الصَّلَاةَ وَءَاتَى الزَّكَاةَ وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا
 وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ
 صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ ﴿١٧٧﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُتِبَ
 عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلِ الْحَرْبِ بِالْحَرْبِ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَالْأُنثَىٰ
 بِالْأُنثَىٰ فَمَنْ عَفَىٰ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ فَاتَّبَعُ بِالْمَعْرُوفِ وَأَدَّىٰ
 إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ ذَلِكَ تَخْفِيفٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَرَحْمَةٌ فَمَنِ اعْتَدَىٰ
 بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿١٧٨﴾ وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَوةٌ يَا أُولِي
 الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴿١٧٩﴾ كُتِبَ عَلَيْكُمُ إِذَا حَضَرَ
 أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةَ لِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ
 بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ ﴿١٨٠﴾ فَمَنْ بَدَّلَهُ بَعْدَ مَا سَمِعَهُ
 فَإِنَّمَا إِثْمُهُ وَعَلَى الَّذِينَ يَبَدِّلُونَهُ إِِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿١٨١﴾

نیست نیکوکاری آنکه روی خود را به طرف مشرق و مغرب^(۵۷) بگردانید ولیکن صاحب نیکوکاری آنست^(۵۸) که به خدا و روز قیامت و فرشتگان و کتاب و پیامبران ایمان آورد و مال را با وجود دوست داشتن آن (مال) به خویشاوندان و یتیمان و فقیران و مسافران و سوال کنندگان را بدهد و خرج کند در (آزاد کردن) برده ها^(۵۹) و نماز را برپا دارد و زکوٰه را بدهد و وفا کندگان بر عهد خویش چون عهد کنند و صبر کنند گان در تنگ دستی و سختی و به وقت کارزار ایشانند راست گو و ایشانند پرهیز گاران (۱۷۷). ای مسلمانان بر شما قصاص در کشتگان لازم کرده شد^(۶۰) آزاد در مقابل آزاد^(۶۱) و بنده در مقابل بنده وزن در مقابل زن است پس کسی که از او چیزی را از خون برادرش در گذاشته شد^(۶۲) پس حکم او به نیکویی پیروی کردن است^(۶۳) و رسانیدن خون بهاست بوی به خوش خوئی^(۶۴) این حکم تخفیف و مهربانی از پروردگار تان است پس هر که از حد بعد از این تجاوز کند برای او عذاب دردناک است (۱۷۸). و برایتان قصاص (مایه) زندگانی است ای صاحبان خرد تاباشید که پرهیزگاری کنید^(۶۵) (۱۷۹). لازم کرده شد بر شما و قتیکه پیش آید کسی را از شما موت اگر مال بگذارد وصیت کردن برای پدر و مادر و نزدیکان به نیکویی این کار بر متقیان لازم شد (۱۸۰). پس هر که تغییر داد وصیت را بعد از آنکه شنیدش پس جز این نیست که گناه تبدیل بر آنکسان است که تغییر می دهند آن وصیت را هر آئینه خدا شنوای داناست (۱۸۱).

(۵۷) یعنی توجه به جهت مشرق و مغرب چنانکه یهود و نصاری گمان می کنند نیکوکاری نیست بلکه منسوخ شده است.

(۵۸) یعنی صاحب آن نیکوکاری که ملتهداران اختلاف ندارند فتح.

(۵۹) یعنی در آزادی یا خلاصی بندگان مکاتب.

(۶۰) یعنی اعتبار مماثلت در کشتگان.

(۶۱) یعنی مثل اوست در حکم.

(۶۲) یعنی چیزی از خون مسلمان مقتول.

(۶۳) یعنی ولی دم به حسن معامله مطالبه کند نه به درشتی.

(۶۴) یعنی قاتل به خوش خوئی ادانماید نه به صعوبت.

(۶۵) اهل جاهلیت شریف را در مقابله وضع نمیکشند و در مقابله شریف چند کس از وضع میکشند خدای تعالی نازل فرمود که حکم الهی باعتبار مماثلت است در اجناس کشتگان باین معنی که احرار را حکم جداست که هر حر مثل حر دیگر است در آن حکم و عبید را حکم جداست که هر عبد مثل عبد دیگر است در آن حکم و زنان را حکم جداست که هر زن مثل زن دیگر است در آن حکم و امتیاز زنان است حکم در باب دیات نه در باب قود یعنی قصاص پس هر فردی از این اجناس مساوی است با فرد دیگر هر چند بعضی شریف باشد و بعضی وضع و بعضی جمیل و بعضی ذمیم بعضی مالدار و بعضی فقیر و سنت زیاده کرده است دوجنس دیگر مسلمان در مقابله مسلمان است و کافر در مقابله کافر پس اگر بعضی ورثه عفو کنند یا از کشتن گذشته خون بها قبول نمایند ولی دم را باید که بحسن معامله مطالبه کند نه بدرشتی و قاتل را باید که بخوشخوئی ادا کند نه به بدخوئی.

فَمَنْ خَافَ مِنْ مَوْصٍ جَنَفًا أَوْ إِثْمًا فَأَصْلَحَ بَيْنَهُمْ فَلَا إِثْمَ
 عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿١٨٢﴾ يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كِتَابَ
 عَلَيْكُمْ أُصِيَامُ كَمَا كَتَبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ
 لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴿١٨٣﴾ أَيَّامًا مَعْدُودَاتٍ فَمَنْ كَانَ
 مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرَ وَعَلَى
 الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ طَعَامُ مَسْكِينٍ فَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا
 فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ وَأَنْ تَصُومُوا خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ
 ﴿١٨٤﴾ شَهْرَ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْءَانُ هُدًى لِّلنَّاسِ
 وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمْ
 الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ وَمَنْ كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ
 مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرَ يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ
 الْعُسْرَ وَلِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ وَلِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَى مَا
 هَدَاكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿١٨٥﴾ وَإِذَا سَأَلَكَ
 عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ
 فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِلِعَالَمِهِمْ يَرْشُدُونَ ﴿١٨٦﴾

پس هرکه از وصیت کننده ظلمی یا گناهی را ترسید پس در میان ایشان صلاح آورد پس بروی هیچ گناه نیست هر آئینه خدا آمرزنده مهربان است^(۶۶) (۱۸۲). ای کسانی که ایمان آورده اید بر شما روزه داشتن لازم کرده شد چنانچه بر کسانی که پیش از شما بودند لازم کرده شد تا باشد که پرهیزگاری کنید (۱۸۳). روزه داشتن چند روز شمرده شده پس هرکه از شما بیمار یا مسافر باشد پس شمار آن از روزه های دیگر لازم است و بر آنانکه میتوانند روزه داشتن (یعنی ونمی دارند) فدیة^(۶۷) که عبارت از خوراك يك درویش است لازم است پس هرکه نیکی را بجا آورد نیکی را پس او را آن بهتر است و آنکه روزه دارید برای شما بهتر است اگر شما می دانید^(۶۸) (۱۸۴). ماه رمضان آن [ماهی] است که فرود آورده شد در آن قرآن رهنمائی برای مردمان و سخنان روشن از هدایت و تشخیص حق از باطل پس هرکه دریابد از شما آن ماه را پس البته آن را روزه دارد و هرکه بیمار یا مسافر باشد پس بروی شمار آنچه فوت شد از روزه های دیگر لازم است خدا برای شما آسانی میخواهد و برای شما دشواری نمی خواهد و میخواهد که شمار را تمام کنید و به بزرگی خدا را یاد کنید به شکر آنکه شما را راه نمود و تا باشد که شما شکر گزار شوید (۱۸۵). و چون بندگانم از تو درباره من بپرسند (بگو) پس هر آئینه من نزدیکم دعای دعا کننده را و قتیکه دعا کند مرا قبول می کنم پس باید که فرمانبرداری من کنند و باید که بمن بگردند تا باشد که راه یابند (۱۸۶).

(۶۶) حکم وصیت منسوخ است بآیت مواوئح.

(۶۷) مضمون این آیت تخییر است در صوم و فدیة این معنی منسوخ شد به آیتی که متصل می آید مترجم گوید شاید که معنی آیت چنین باشد که واجب است بر آنانکه میتوانند داد فدیة را دادن فدیة که عبارت از طعام يك درویش است مراد صدقة الفطراست و سنت آنرا مقدر کرد به يك صاع از خرما یا نیم صاع از گندم [مثلیکه مترجم قائل فرق است بین خرما و گندم بنا بر قول معاویة رضی الله عنه ولی در حدیث ابي سعید خدری که در صحیح بخاری است بخلاف این آمده چنانچه میگوید که زمان پیغمبر - صلی الله علیه وسلم - صدقة فطر را يك صاع از طعام - گندم - و يك صاع از خرما و يك صاع از جو و يك صاع از کشمش آداء می کردیم صحیح بخاری (۳/ ۳۷۱ - ۳۷۲ مع الفتح ك: الزكاة، باب: صاع من زبيب ح ۵۰۵ و ۵۰۸)]، پس آیت محکم باشنده منسوخ و شاید که معنی آیت چنین باشد واجب است بر آنانکه میتوانند قضا کردن یعنی و قضا نکردند تا آنکه رمضان دیگر درآمد والله اعلم.

(۶۸) فدیة دادن که عبارت از طعام يك مسکین است و آن مقدر است بیک مد و این حکم منقول است از قاسم و سعید بن جبیر و همین است مذهب شافعی و در این صورت نیز محکم است غیر منسوخ.

أَحَلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصِّيَامِ الرَّفَثُ إِلَى نِسَائِكُمْ هُنَّ
لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ عَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ كُنْتُمْ
تَخْتَانُونَ أَنْفُسَكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ وَعَفَا عَنْكُمْ فَالْآنَ
بَشِرْوهُنَّ وَأَبْتَغُوا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا
حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ
الْفَجْرِ ثُمَّ أَتِمُوا الصِّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ وَلَا تُبَشِّرْوهُنَّ وَأَنْتُمْ
عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَقْرُبُوهَا كَذَلِكَ
يُبَيِّنُ اللَّهُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ ﴿١٧٧﴾ وَلَا تَأْكُلُوا
أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ وَتُدُلُّوهُنَّ إِلَى الْكُفَّارِ
لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِّنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ
﴿١٧٨﴾ * يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَهْلِ قُلْ هِيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ وَالْحَجِّ
وَلَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا وَلَكِنَّ الْبِرَّ
مَنْ اتَّقَىٰ وَأَتَى الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا وَأَتَقُوا اللَّهَ
لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿١٧٩﴾ وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ
يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ ﴿١٨٠﴾



برای شما در شبِ روزه مخالطت کردن با زنان خود حلال کرده شد ایشان بمنزلهٔ پوشش اند برای شما و شما بجای پوشش اید برای ایشان خدا می دانست که شما در حق خویشتن خیانت می کردید پس به مهربانی بر شما باز گشت و درگذشت از شما پس الآن مخالطت کنید با زنان و طلب کنید آنچه خدا برای شما مقدر کرده است (یعنی اولاد) و بخورید و بنوشید تا آنکه روشن شود برای شما رشتهٔ سفید از رشتهٔ سیاه (مراد از رشتهٔ سفید فجر است) پس از آن روزه راتاشب تمام کنید و زنان را در حالیکه شما معتکف باشید در مسجدها مباشرت نکنید اینها حدود (منهیات) خدا است پس بآنها نزدیک نشوید همچنین خدا آیه های خود را برای مردمان بیان می کند تا پرهیزگاری کنند (۱۸۷). و اموال خویش را در میانتان به ناحق مخورید و مرسانید اموال خود را به حاکمان (یعنی به رشوه دادن) تا پاره ای را از اموال مردم به گناه (به ستم) بخورید در حالیکه شما میدانید (۱۸۸). تو را^(۶۹) از ماه ها می پرسند بگو این ها برای مردمان و برای حج میعاداند^(۷۰) و نیست نیکوکاری آنکه درآیید در خانه ها (در حالت احرام) از پس پشت آنها ولیکن صاحب نیکوکاری آنست که پرهیزگاری کند و در خانه ها از راه دروازه ها درآید و از خدا بترسید تا باشد که شما رستگار شوید (۱۸۹). و جنگ کنید در راه خدا با آن کسانی که جنگ می کنند با شما و از حد مگذرید هر آینه خدا از حد گذشتگان را دوست نمی دارد (۱۹۰).

(۶۹) مترجم گوید ظاهر نزدیک این بنده آن است که سوال کردند از شهر حج که سوال و ذی قعدة و نه روز از ذی الحجه باشد که آیا حج موقت است بآنها یا نه و یکی از تحریفات جاهلیت آن بود که در حالت احرام از بالای دیوار جسته و یا از سوراخ دیوار گذشته بخانه می آمدند و از راه دروازه نمی آمدند پس این آیت نازل شد.

(۷۰) یعنی تا مردمان احرام حج بندگان در آنها فتح الرحمن.

وَأَقْتُلُوهُمْ حَيْثُ ثَقِفْتُمُوهُمْ وَأَخْرِجُوهُمْ مِّنْ حَيْثُ أَخْرَجُوكُمْ وَالْفِتْنَةُ
 أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ وَلَا تَقْبَلُوهُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتَّىٰ يَقْتُلُوكُمْ
 فِيهِ فَإِن قَتَلُوكُمْ فَاقْتُلُوهُمْ كَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ ﴿١٩١﴾ فَإِن أَنْتَهُوَ
 فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿١٩٢﴾ وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّىٰ لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ
 الدِّينُ لِلَّهِ فَإِنِ أَنْتَهُوَ فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ ﴿١٩٣﴾ الشَّهْرُ الْحَرَامُ
 بِالشَّهْرِ الْحَرَامِ وَالْحُرْمَتُ قِصَاصٌ فَمَنِ اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا
 عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ
 الْمُتَّقِينَ ﴿١٩٤﴾ وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ
 وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ ﴿١٩٥﴾ وَاتَّمُوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ
 فَإِن أُحْصِرْتُمْ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ وَلَا تَحْلِقُوا رُءُوسَكُمْ حَتَّىٰ يَبْلُغَ
 الْهَدْيُ مَحَلَّهُ فَمَن كَانَ مِنكُم مَّرِيضًا أَوْ بِهِ أَذًى مِّن رَّأْسِهِ فَفِدْيَةٌ
 مِّن صِيَامٍ أَوْ صَدَقَةٍ أَوْ نُسُكٍ فَإِذَا أَمِنْتُمْ فَمَن تَمَعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ
 فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ فَمَن لَّمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ
 وَسَبْعَةٍ إِذَا رَجَعْتُمْ تِلْكَ عَشْرَةٌ كَامِلَةٌ ذَلِكَ لِمَن لَّمْ يَكُنْ أَهْلُهُ حَاضِرِي
 الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿١٩٦﴾

ومشركان را هر جاكه بيايد ايشان را بكشيد وايشان را از آنجا كه بيرون كردند شمارا (يعنى از مكه) بيرون كنيد و غلبه شرك سخت تر است از قتل^(۷۱) و كارزار مكنيد با ايشان نزديك مسجد حرام تا آنكه در آن جا باشما كارزار كنند پس اگر بجنگند باشما پس ايشان را بكشيد هم چنين سزای كافران است (۱۹۱). پس اگر باز ماندند پس هر آئينه خدا آمرزنده مهربان است (۱۹۲). و بجنگيد با ايشان تا آنكه ناپود شود شرك و دين محض تنها برای خدا شود پس اگر باز ماندند^(۷۲) پس روا نيست دست درازی مگر برستمگاران (۱۹۳). ماه حرام به عوض ماه حرام است و حرمت شكنيهادارای قصاص است پس هر كه تجاوز كند بر شما پس بروی تجاوز كنيد مانند تجاوز او بر شما و از خدا بترسيد و بدانيد كه خدا با پرهيزكاران است^(۷۳) (۱۹۴). و در راه خدا خرج كنيد و خويشتن را به سوی هلاكت مي فكنيد و نيكوکاری كنيد هر آئينه خدا نيكوكاران را دوست می دارد (۱۹۵). و حج و عمره را برای خدا تمام كنيد پس اگر باز داشته شويد پس آنچه سهل باشد از قربانی لازم است و سرهای خود را تا آنكه قربانی بجایش برسد متراشيد^(۷۴) پس هر كه از شما بيمار باشد يا او را در سراو^(۷۵) رنجی باشد پس لازم است عوض آن از روزه يا صدقه يا قربانی پس چون ايمن شديد پس هر كه بهره ورشد به اداء عمره^(۷۶) سپس به اداء حج (يعنی تمتع كرد يا قران) پس آنچه سهل باشد از قربانی لازم است پس هر كه نيابد پس روزه داشتن سه روز در وقت حج لازم است و هفت روز و قتيكه باز گرديد از سفر اين ده (روز) كامل است اين حكم آن راست كه خانواده وی باشند^(۷۷) مسجد حرام نباشد و از خدا بترسيد و بدانيد به يقين كه خدا سخت عقوبت است^(۷۷) (۱۹۶).

(۷۱) يعنی در مقابله او قتل جائز است.

(۷۲) يعنی از شرك.

(۷۳) حاصل اين آيات آنست كه در مسجد حرام و در شهر حرام ابتداء به قتال نبايد كرد و چون كافران ابتدا كنند در مقابله ايشان بايد جنگ كردن كه اين معنی با حرمت مسجد و شهر نزاع ندارد چنانكه در ابتداء كشتن مسلمان درست نيست و اگر خون ناحق ريخته باشد به قصاص ميتوان كشت و فقهاء بآن سبب تصريح نكرده اند كه اقامت حربيان به مكه بعد فتح مكه بودن نيست والله اعلم.

(۷۴) يعنی در حج رمی جمره العقبه كنند بمنی و در عمره از سعی بين الصفا والمروة فارغ شوند به مكه والله اعلم.

(۷۵) يعنی شپش بسيار داشته باشد و باين سبب حلق كند پيش از حلال شدن والله اعلم.

(۷۶) يعنی يامور ممنوعه احرام بهره ورشد.

(۷۷) درين آيت چند حكم مذكور شده است (و جوب) تمام حج و عمره بعد از شروع و حكم احصار و كفاره ارتكاب امور ممنوعه احرام به عذر مرض و ماهيت تمتع و وجوب قربانی بر تمتع والله اعلم.

الْحُجُّ أَشْهُرٌ مَّعْلُومَاتٌ فَمَنْ فَرَضَ فِيهِنَّ الْحُجَّ فَلَا
 رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحُجِّ وَمَا تَفَعَّلُوا مِنْ
 خَيْرٍ يَعْلَمُهُ اللَّهُ وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَىٰ
 وَاتَّقُونِ يَا أُولِيَ الْأَلْبَابِ ﴿١٩٧﴾ لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ
 أَنْ تَبْتَغُوا فَضْلًا مِنْ رَبِّكُمْ فَإِذَا أَفَضْتُمْ مِنْ
 عَرَفَاتٍ فَأَذْكُرُوا اللَّهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ
 وَاذْكُرُوهُ كَمَا هَدَاكُمْ وَإِنْ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلِهِ
 لَمِنَ الضَّالِّينَ ﴿١٩٨﴾ ثُمَّ أَفِيضُوا مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ
 النَّاسُ وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿١٩٩﴾
 فَإِذَا قَضَيْتُمْ مِنْ حَجِّكُمْ فَأذْكُرُوا اللَّهَ كَذِكْرِكُمْ
 آبَاءَكُمْ أَوْ أَشَدَّ ذِكْرًا فَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ
 رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلْقٍ
 ﴿٢٠٠﴾ وَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً
 وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ ﴿٢٠١﴾ أُولَئِكَ
 لَهُمْ نَصِيبٌ مِّمَّا كَسَبُوا وَاللَّهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ ﴿٢٠٢﴾

حج بماء های دانسته شده محدود است^(۷۸) پس هر که بر خود درین ماه حاج را لازم کرد (یعنی احرام بست) پس مخالطت زنان جائز نیست و نه بدکاری و نه در حج باهم مشاجره کردن و هر چه می کنید از نیکی آن را میدانند و رتوشه (با خود) همراه گیرید هر آئینه بهترین فوائد رتوشه پرهیز گاری است (یعنی از سوال و دزدی) و از من بترسید ای صاحبان خرد (۱۹۷). نیست بر شمار گناهی در آنکه در موسم حج روزی از پروردگار خویش طلب کنید پس چون از عرفات باز گردید پس خدا را به نزد مشعر الحرام (یعنی بمزدلفه) یاد کنید و خدا را به شکر آنکه راه نموده است شمارا یاد کنید و هر آئینه پیش ازین از گمراهان بودید (۱۹۸). پس باز گردید از آنجا که (عموم) مردمان^(۷۹) باز میگردند و از خدا آمرزش طلب کنید هر آئینه خدا آمرزنده مهربانست (۱۹۹). پس چون ارکان حج خویش را به جا آوردید پس خدا را یاد کنید (یعنی در منی) مانند یاد کردن شما پدران خویش را بلکه بیشتر یاد کردن پس از مردمان کسی هست که می گوید ای پروردگار ما را در دنیا نعمت بده و نیست او را در آخرت هیچ نصیبی (۲۰۰). و از مردمان کسی هست که می گوید ای پروردگار ما بده ما را در دنیا نعمت و در آخرت نعمت و ما را از عذاب دوزخ محفوظ دار (۲۰۱). اینانند که برایشان از ثواب آنچه بعمل آوردند بهره ای است (یعنی از ثواب آخرت) و خدا زود کننده حساب است (۲۰۲).

(۷۸) یعنی شوال و ذیقعدہ و ذو ذی الحجہ.

(۷۹) مترجم گوید یعنی از عرفات نه از مزدلفه چنانکه قریش تحریف کرده بودند والله اعلم.

* وَذَكَرُوا اللَّهَ فِي أَيَّامٍ مَّعْدُودَاتٍ فَمَنْ تَعَجَّلَ فِي
 يَوْمَيْنِ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ وَمَنْ تَأَخَّرَ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ لِمَنِ
 اتَّقَىٰ وَأَتَقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ
 ﴿٦٢﴾ وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُعْجِبُكَ قَوْلُهُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا
 وَيُشْهَدُ اللَّهُ عَلَىٰ مَا فِي قَلْبِهِ وَهُوَ أَلَدُّ الْخِصَامِ ﴿٦٣﴾
 وَإِذَا تَوَلَّىٰ سَعَىٰ فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ
 وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ ﴿٦٤﴾ وَإِذْ قِيلَ لَهُ اتَّقِ اللَّهَ
 أَخَذَتْهُ الْعِزَّةُ بِالْإِثْمِ فَحَسْبُ لَهُ وَجَهَنَّمُ وَلَيْسَ
 الْمِهَادُ ﴿٦٥﴾ وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ
 مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ ﴿٦٦﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ
 آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَآفَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ
 الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ ﴿٦٧﴾ فَإِنْ زَلَلْتُمْ مِنْ بَعْدِ
 مَا جَاءَتْكُمْ الْبَيِّنَاتُ فَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ
 ﴿٦٨﴾ هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَهُمُ اللَّهُ فِي ظُلَلٍ مِنَ الْغَمَامِ
 وَالْمَلَائِكَةُ وَقُضِيَ الْأَمْرُ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ ﴿٦٩﴾

و خدا را در چند روز شمرده شده (یعنی ایام منی) یاد کنید پس کسی که در دو روز (یعنی از منی) شتاب کوچ کند پس گناه نیست بروی و آنکه دیرماند، پس بروی گناه نیست برای آنکس که پرهیزگاری کند و از خدا بترسید و بدانید یقیناً که شما به سوی وی جمع آورده خواهید شد^(۸۰) (۲۰۳). و از مردمان کسی هست که تورا سخن او بشگفت می آورد دربارهٔ زندگانی دنیا و خدا را بر آنچه در دل ویست گواه می آورد حال آنکه او سخت ترین ستیزه جویان است (۲۰۴). و چون در زمین ریاست پیدا کند بشتابد تا در آن تباهی کند و زراعت و مواشی را نابود سازد و خدا تباہ کاری را دوست نمی دارد (۲۰۵). و چون او را گفته شود از خدا بترس تکبر حمل کندش برگناه پس کفایت کنندهٔ وی دوزخ است و هر آئینه وی بد جایست (۲۰۶). و از مردمان کسی هست که جان خویش را برای طلب رضامندی خدا میفروشد و خدا بر بندگان مهربان است (۲۰۷). ای کسانی که ایمان آورده اید همگی در اسلام در آید و گامهای شیطان را پیروی مکنید هر آئینه او برای شما دشمن آشکار است (۲۰۸). پس اگر لغزیدید بعد از آنکه به شما سخنان روشن آمد پس بدانید که خدا غالب داناست (۲۰۹). انتظار نمی کنند اهل عصیان مگر آن را که خدا به ایشان در سایه بانهایی از ابر بیاید و فرشتگان بیایند و کار به انجام رسانیده شود و کارها به سوی خدا بازگردانیده میشوند (۲۱۰).

(۸۰) مترجم می گوید بعد ازین خدای تعالی توضیح می فرماید حال کافران و مومنان را و الله اعلم.

سَلَّ بَنِي إِسْرَائِيلَ يَلَكُمَ ءَاتَيْنَاهُمْ مِّنْ ءَايَةٍ بَيْنَتٍ وَمَنْ يُبَدِّلْ نِعْمَةَ
 اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿١٣١﴾ زُيِّنَ
 لِلَّذِينَ كَفَرُوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَيَسْخَرُونَ مِنَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَالَّذِينَ
 اتَّقَوْا فَوْقَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَاللَّهُ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِعَدْرِ حِسَابٍ
 ﴿١٣٢﴾ كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ
 وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ
 فِي مَا اختلفوا فِيهِ وَمَا اختلف فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أوتوه مِنْ بَعْدِ
 مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ بَعِيًا بَيْنَهُمْ فَهَدَى اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا
 لِمَا اختلفوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِهِ ۗ وَاللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ
 إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿١٣٣﴾ أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا
 يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ مَسَّتْهُمُ الْبَأْسَاءُ وَالضَّرَاءُ
 وَزُلْزَلُوا حَتَّى يَقُولَ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا مَعَهُ مَتَى نَصْرُ
 اللَّهِ ۗ أَلَا إِنَّ نَصْرَ اللَّهِ قَرِيبٌ ﴿١٣٤﴾ يَسْأَلُونَكَ مَاذَا أُنْفِقُوا قُلْ
 مَا أُنْفِقْتُمْ مِنْ خَيْرٍ فَلِلَّهِ الدِّينُ وَالْأَقْرَبِينَ وَلِيتِمَى وَالْمَسْكِينُ
 وَابْنُ السَّبِيلِ ۗ وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ ﴿١٣٥﴾

از بنی اسرائیل بپرس ایشان را از نشانه های روشن چه قدر دادیم و هر که نعمت خدا را تغییر دهد پس از آنکه به سوی او بیاید (یعنی کفر پیش گیرد تانعمت مفقود گردد) پس هر آئینه خدا سخت عقوبت است (۲۱۱). برای کافران زندگانی این جهان آراسته کرده شده است و مسخره می کنند به اهل ایمان و کسانیکه تقوی دارند بالای ایشان باشند روز قیامت و خدا هر که را می خواهد بی شمار (یعنی بسیار روزی) می دهد (۲۱۲). مردمان یک امت^(۸۱) بودند پس فرستاد خدای تعالی پیامبران را بشارت دهنده و بیم کننده و فرود آورد به ایشان کتاب به راستی تا حکم کند آن کتاب میان مردمان در آنچه اختلاف کردند در آن^(۸۲) و اختلاف نکردند در آن مگر کسانیکه داده شده به ایشان کتاب (یعنی امت دعوت) بعد از آنکه به ایشان نشانه ها آمد از جهت حسد در میان خویش پس خدا مومنان را به آن حق که در وی باراده خود اختلاف کردند راه نمود و خدا کسی را که می خواهد به سوی راه راست^(۸۳) راه می نماید (۲۱۳). آیا پنداشتید ای مردمان که در آید به بهشت حال آنکه هنوز پیش نیامده است شمارا حال آنکه پیش از شما گذشتند رسید به ایشان سختی و محنت و جنبانیده شدند تا آنکه می گفت پیامبر و کسانیکه به او ایمان آوردند یاری دادن خدا کی باشد آگاه شوید که هر آئینه یاری دادن خدا نزدیک است (۲۱۴). تورا سوال می کنند که چه چیز را خرج کنند بگو آنچه از مال خرج کردید پس مادر و پدر و خویشاوندان و یتیمان و درویشان و مسافران را باید است و آنچه از نیکی کنید پس هر آئینه خدا بآن دانا است (۲۱۵).

(۸۱) یعنی پیش از آمدن هر پیامبر متفق بودند باینکه دیگر در دین او اختلاف نداشتند.

(۸۲) یعنی در اصول مختلف می شوند.

(۸۳) حاصل آنست که سُنَّة الله جاری شده است بآنکه بعد بعثت هر پیامبر در امت دعوت اختلاف واقع می شود پس از آن تنگدل نباشد و الله اعلم.

كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ كُرْهُ لَكُمْ وَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا
 شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَعَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ
 لَكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ﴿٢١٦﴾ يَسْأَلُونَكَ عَنِ الشَّهْرِ
 الْحَرَامِ قِتَالٍ فِيهِ قُلْ قِتَالٌ فِيهِ كَبِيرٌ وَصَدٌّ عَن سَبِيلِ
 اللَّهِ وَكُفْرٌ بِهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَإِخْرَاجُ أَهْلِهِ مِنْهُ
 أَكْبَرُ عِنْدَ اللَّهِ وَالْفِتْنَةُ أَكْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ وَلَا يَزَالُونَ
 يُقَاتِلُونَكُمْ حَتَّى يَرُدُّوكُمْ عَن دِينِكُمْ إِنِ اسْتَطَعُوا وَمَنْ
 يَرْتَدِدْ مِنْكُمْ عَن دِينِهِ فَيَمُتْ وَهُوَ كَافِرٌ فَأُولَئِكَ
 حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأُولَئِكَ أَصْحَابُ
 النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٢١٧﴾ إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَالَّذِينَ
 هَاجَرُوا وَوَجَّهُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ
 اللَّهِ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿٢١٨﴾ * يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ
 قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ
 مِنْ نَّفْعِهِمَا وَيَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلِ الْعَفْوَكَ ذَلِكَ
 يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ ﴿٢١٩﴾

بر شما جنگ لازم کرده شد و آن برای شما دشوار است و شاید که شما چیزی را ناخوش دارید حال آنکه وی برای شما بهتر باشد و شاید که چیزی را دوست دارید حال آنکه وی برای شما بد باشد و خدا میداند و شما نمی دانید (۲۱۶). تورا از جنگ کردن در ماه حرام می پرسند^(۸۴) بگو جنگ کردن در آن سخت کاری است و باز داشتن از راه خدا و ناگرویدن به خدا و باز داشتن از مسجد حرام و بیرون کردن اهل آن مسجد از وی نزد خدا سخت تر است و فتنه انگیزتن^(۸۵) از کشتن سخت است^(۸۶) و همیشه باشما جنگ می کنند تا آنکه شما را از دین شما (یعنی از اسلام) اگر توانند بازگردانند و هر کس که از شما از دین خود برگردد پس کافر بمیرد آن گروه کارهای ایشان درد دنیا و آخرت نابود شد و ایشانند باشندگان دوزخ ایشان در آنجا جاویدند (۲۱۷). هر آئینه آنانکه ایمان آوردند و آنانکه هجرت کردند و در راه خدا جهاد نمودند آن گروه بخشایش خدا را امیدوارند و خدا آمرزنده^۱ مهربان است (۲۱۸). سوال می کنند تورا از شراب و قمار بگو درین هردو گناه بزرگ است و مردمان را نفع ها است (یعنی درد دنیا) و گناه این هر دو از نفع آنها^(۸۷) بزرگ تر است و سوال می کنند تورا چه چیز خرج بکنند بگو زیاده را (از نیاز)^(۸۸) خرج کنید هم چنین خدا برای شما آیت ها را بیان می کند تا باشد که شما تأمل کنید (۲۱۹).

(۸۴) یعنی رجب، ذی القعدة و ذی الحجه و محرم که در شریعت حضرت ابراهیم جنگ کردن درین ماه ها حرام بود پس سوال کردند در شریعت محمدیه حکم تحریم باقی مانده یانه؟ والله اعلم.

(۸۵) یعنی ترویج شرک.

(۸۶) حاصل جواب آنست که قتال کفار جائز است و تحریم قتال مسلمانین مغالظه میشود والله اعلم.

(۸۷) یعنی حرام اندو به منافع التفتات نباید کرد والله اعلم.

(۸۸) یعنی از حاجت ضروری.

فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الَّتِي تَمَىٰ قُلُوبُ إِصْلَاحٌ لَهُمْ
 خَيْرٌ وَإِنْ تُخَالِطُوهُمْ فَإِخْوَانُكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ الْمُفْسِدَ مِنَ
 الْمُصْلِحِ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَأَعْنَتَكُمْ إِنْ أَرَادَ اللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ
 ﴿٢٢٠﴾ وَلَا تَنكِحُوا الْمُشْرِكَةَ حَتَّىٰ يُوْمِنَ بِإِسْلَامِكُمْ وَلَا أُمَّةٌ مُّؤْمِنَةٌ
 خَيْرٌ مِنْ مُّشْرِكَةٍ وَلَوْ أَعْجَبَتْكُمْ وَلَا تُنكِحُوا الْمُشْرِكِينَ
 حَتَّىٰ يُؤْمِنُوا وَلَعَبْدٌ مُّؤْمِنٌ خَيْرٌ مِنْ مُّشْرِكٍ وَلَوْ أَعْجَبَكُمْ
 أُولَٰئِكَ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَاللَّهُ يَدْعُو إِلَى الْجَنَّةِ وَالْمَغْفِرَةِ
 بِإِذْنِهِ وَيُبَيِّنُ ءَايَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ﴿٢٢١﴾
 وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هُوَ أَذَىٰ فَاعْتَزِلُوا النِّسَاءَ فِي
 الْمَحِيضِ وَلَا تَقْرُبُوهُنَّ حَتَّىٰ يَطْهَرْنَ فَإِذَا تَطَهَّرْنَ فَأْتُوهُنَّ
 مِنْ حَيْثُ أَمَرَكُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ
 ﴿٢٢٢﴾ نِسَاءُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَأَتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّىٰ شِئْتُمْ وَقَدِّمُوا
 لِأَنفُسِكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَعَلِمُوا أَنَّكُمْ مُّلتَقُونَ وَبَشِّرِ
 الْمُؤْمِنِينَ ﴿٢٢٣﴾ وَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ عُرْضَةً لِأَيْمَانِكُمْ أَنْ تَبَرُّوا
 وَتَتَّقُوا وَتُصْلِحُوا بَيْنَ النَّاسِ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٢٢٤﴾

در (مصلحت) دنیا و آخرت و تورا از یتیمان سوال می کنند بگو بصلاح آوردن کار ایشان بهتر است^(۸۹) و اگر مشارکت کنید با ایشان پس ایشان برادران شمایند و خدا تباه کار را از صلاح کار میدانند و اگر خدا می خواست شما را سخت می گرفت هرآئینه خدا غالب استوار کار است (۲۲۰). و زنان مشرک را همسر مگیرید تاآنکه ایمان آورند و هرآئینه کنیز مسلمان از زن مشرک بهتر است اگر چه شما را به شگفت آورده باشد و به همسری مشرکان درنیاوید تاآنکه ایمان آورند (یعنی زنان مومنه را) و هرآئینه غلام مسلمان از مشرک بهتر است اگر چه شما را^(۹۰) به شگفت آورده باشد گروه مشرکان به سوی دوزخ می خوانند و خدا به سوی بهشت و به سوی آمرزش بقدرت خود می خواند و آیه های خود را برای مردمان بیان می کند تا باشد که آنان پند پذیر شوند (۲۲۱). و تورا از حیض می پرسند بگو که آن نجاست است پس یکسو شوید از زنان در حال حیض و به ایشان نزدیکی مکنید تاآنکه پاک شوند پس چون نیک پاک شدند^(۹۱) پس نزدیکی کنید به ایشان از آن راه که مباح کرده است خدا برای شما (یعنی در قُبُل) هرآئینه خدا توبه کنندگان را دوست میدارد و پاک شوندگان را دوست میدارد (۲۲۲). زنان شما کشت زار شمایند پس بیایید به کشت زار تان هر روش که خواهید^(۹۲) و پیش فرستید (یعنی اعمال صالحه را) برای خویشتن و از خدا بترسید و بدانید که شما باوی ملاقات خواهید کرد و مسلمانان را بشارت ده (۲۲۳). و مکنید نام خدا را آماج برای سوگندان خویش بنا براینکه نیکوکاری کنید و پرهیز گاری نمایید و در میان مردمان صلاح آرید خدا شنوای داناست^(۹۳) (۲۲۴).

(۸۹) یعنی بغیر شرکت.

(۹۰) یعنی هر بنده از بندگان خدا که مومن باشد و هر کنیز از کنیز های خدا که مومنه باشد بهتر است از مشرک و مشرکه والله اعلم.

(۹۱) یعنی غسل بجاء آرند.

(۹۲) یعنی بهرگونه که بخواهید می توانید جماع کردن (نزدیکی با همسران خود) یعنی غلطانده و از پس پشت و غیر آن به شرط آنکه در قُبُل باشد (یعنی در مکان معروف).

(۹۳) یعنی سوگند برای موقوف کردن کار نیک جابر نیست.

لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ وَلَكِنْ يُؤَاخِذُكُمْ بِمَا كَسَبَتْ
قُلُوبُكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ حَلِيمٌ ﴿٣٣٥﴾ لِلَّذِينَ يُؤَلُّونَ مِنْ نِسَائِهِمْ تَرَبُّصُ
أَرْبَعَةِ أَشْهُرٍ فَإِنْ فَاءُ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٣٣٦﴾ وَإِنْ عَزَوْا
الطَّلَاقَ فَإِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٣٣٧﴾ وَالْمُطَلَّقاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ
ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ وَلَا يَحِلُّ لَهُنَّ أَنْ يَكْتُمْنَ مَا خَلَقَ اللَّهُ فِي أَرْحَامِهِنَّ
إِنْ كُنَّ يُؤْمِنَنَّ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَبِعَوْلتهُنَّ أَحَقُّ بِرَدِّ هُنَّ فِي
ذَلِكَ إِنْ أَرَادُوا إِصْلَاحًا وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ
وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٣٣٨﴾ الطَّلَاقُ مَرَّتَانٍ
فَإِمْسَاكُ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٌ بِإِحْسَانٍ وَلَا يَحِلُّ لَكُمُ أَنْ تَأْخُذُوا
بِمَاءٍ اتَيْتُمُوهُنَّ شَيْئًا إِلَّا أَنْ يَخَافَا أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ
فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا فِيمَا افْتَدَتْ
بِهِ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ
هُمُ الظَّالِمُونَ ﴿٣٣٩﴾ فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا تَحِلُّ لَهُ مِنْ بَعْدِ حَتَّى تَنْكِحَ زَوْجًا
غَيْرَهُ فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يَتَرَاجَعَا إِنْ ظَنَّا أَنْ
يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ يُبَيِّنُهَا لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ﴿٣٤٠﴾

خدا شمارا به بیهوده گویی در سوگندهای شما مواخذه نمی کند^(۹۴) ولیکن شمارا به آنچه که قصد کرده است دل های شما مواخذه می کند و خدا آمرزنده^۱ بردبار است (۲۲۵). برای آنکسان که از زنان خویش^(۹۵) ایلامی کنند انتظار کردن چهار ماه است پس اگر بازگشتند (یعنی ازین سوگند) پس هرآئینه خدا آمرزنده^۲ مهربانست (۲۲۶). و اگر جدایی را قصد کردند پس هرآئینه خدا شنوای داناست (۲۲۷). و آن زنان که ایشان را طلاق داده شد انتظار سه حیض یاسه طهر گناتند خویشان را و ایشان را جایز نیست اینکه پنهان کنند آنچه را که خدا در رحمهای ایشان (یعنی بچه و حیض) آفریده است اگر ایمان آورده اند به خدا و روز بازپسین و شوهران ایشان حقدار تراند به بازآوردن ایشان در حباله خود درین مدت اگر نیکوکاری خواهند و زنان را هست (حق) مانند آنچه (مردان را) برزنان است بوجه پسندیده^(۹۶) و مردان راهست برایشان بلندی (یعنی فرمانروایی) و خدا غالب استوار کاراست (۲۲۸). طلاق (رجعی) دوبار است پس از آن یانگاه داشتن است بخوش خوبی یارها کردن به نکویی و حلال نیست شمارا که چیزی را از آنچه که داده اید زنان را بگیرید^(۹۷) مگر آنگاه که بترسند مرد وزن که احکام خدارا^(۹۸) برپا نتوانند داشت پس اگر بترسید ای مسلمانان از آنکه این هر دو احکام خدارا برپاندارند پس برایشان در آنچه زن عوض خود داد گناه نیست، این حدها مقرر کرده خداست پس از آنها بیرون مروید و هر که از حدود خدا بیرون رود پس آن گروه ایشانند ستمگاران (۲۲۹). پس اگر طلاق داد (یعنی بارسوم) پس هرگز این زن آن مرد را حلال نمی شود تا آنکه به نکاح شوهر دیگر درآید (یعنی به اودخول کند) پس اگر طلاق دادش این شوهر دیگر پس گناه نیست بر آن هر دو در آنکه بنکاح باهم بازگردند اگر بدانند که احکام خدارا برپامی توانند داشت و این حدود خداست بیان میکند آن حدود را برای قومی که میدانند (۲۳۰).

(۹۴) یعنی لاوالله و بلی والله بغیر قصد گوید غلط دانسته سوگند خورد علی اختلاف المذهبین والله اعلم.

(۹۵) یعنی قسم می خورند که جماع نکنند.

(۹۶) یعنی زنان را بر مردان حق است چنانچه مردان را بر زنان حق است.

(۹۷) یعنی حلال نیست که بدل طلاق از مهر بگیرد.

(۹۸) یعنی در معاشرت.

وَإِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَبَلَّغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ
 أَوْ سَرِّحُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَلَا تُمْسِكُوهُنَّ ضِرَارًا لِّتَعْتَدُوا وَمَنْ
 يَفْعَلْ ذَلِكَ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ وَلَا تَتَّخِذُوا آيَاتِ اللَّهِ هُزُوًا
 وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَمَا أَنْزَلَ عَلَيْكُمْ مِنَ الْكِتَابِ وَالْحِكْمَةِ
 يَعِظُكُمْ بِهِ ۗ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿٣٣﴾ وَإِذَا
 طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَبَلَّغْنَ أَجَلَهُنَّ فَلَا تَعْضُلُوهُنَّ أَنْ يَنْكِحْنَ
 أَزْوَاجَهُنَّ إِذَا تَرَضُوا بَيْنَهُمْ بِالْمَعْرُوفِ ۗ ذَلِكَ يُوعِظُ بِهِ مَنْ كَانَ
 مِنْكُمْ يَوْمَئِذٍ مِنَ اللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ۗ ذَلِكُمْ أَزْكَ لَكُمْ وَأَطْهَرُ ۗ وَاللَّهُ
 يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ﴿٣٤﴾ * وَالْوَالِدَاتُ يُرْضَعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ
 كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُتِمَّ الرَّضَاعَ ۗ وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ
 وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ ۗ لَا تُكَلِّفُ نَفْسٌ إِلَّا أَوْسَعَهَا ۗ لَا تَضَارَّ
 وَالِدَةٌ بَوْلًا لَهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِبَوْلِهَا ۗ وَعَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ ۗ فَإِنْ
 أَرَادَ اِفْصَالًا عَنِ تِرَاضٍ مِّنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا وَإِنْ
 أَرَدْتُمْ أَنْ تُسَرِّضُوا أَوْلَادَكُمْ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِذَا سَلَّمْتُمْ مَا
 ءَاتَيْتُمْ بِالْمَعْرُوفِ ۗ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿٣٥﴾



و چون زنان را طلاق دادید پس به میعاد خود^(۹۹) رسیدند پس ایشان را نگاه دارید به نکویی یارها کنید ایشان را به نکویی و ایشان را برای ضرر رسانیدن نگاه مدارید تا ستم کنید و هر که این کار کند پس هر آئینه بر خود ستم کرد و آیه های خدا را به تمسخر مگیرید و نعمت خدا را بر خویش یاد کنید و آنچه بر شما از کتاب و علم فرود آورد که پند میدهد شمارا به آن و از خدا بترسید و بدانید که خدا بهر چیز داناست (۲۳۱). و چون زنان را طلاق دادید پس به میعاد خود^(۱۰۰) رسیدند پس ایشان را از آنکه نکاح کنند باشوهران خویش منع مکنید^(۱۰۱) و قتیکه بایک دیگر در میان خویش به روش پسندیده راضی شدند این حکم پند داده میشود به آن هر کسی را که از شما به خدا و روز قیامت مومن باشد و این کار خوشتر است و پاکیزه تر و خدا می داند و شمانمی دانید (۲۳۲). و مادران باید که فرزندان خویش را دو سال کامل شیر دهند این حکم برای آن کس است، که مدت شیر را تمام کردن خواهد و بر پدر بوجه پسندیده نفقه و پوشاک این زنان شیرده است، تکلیف داده نمی شود هیچ کس الا قدر توانایی او، رنج نباید داد مادر را بسبب فرزند وی و نه پدر را بسبب فرزندش و بروصی مانند این لازم است پس اگر مادر و پدر بخواهند از شیر بازگرفتن (فرزند را) (یعنی پیش از دو سال) بعد از رضامندی میان ایشان و مشورت کردن بایکدیگر پس برایشان هیچ گناه نیست و اگر خواهید که برای فرزندان خویش دایه گیرید پس بر شما هیچ گناه نیست چون آنچه دانش را مقرر کردید بخوش خویی تمام تسلیم نمودید و از خدا بترسید و بدانید که خدا به آنچه می کنید بینا است (۲۳۳).

(۹۹) یعنی نزدیک رسیدند به انقضاء عدت.

(۱۰۰) یعنی عدت منقضی شد.

(۱۰۱) یعنی باشوهران سابق خود یا شوهران دیگر که بایشان رغبت پیدا کردند.

وَالَّذِينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا تَرِيحْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ
 أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا فَإِذَا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ
 فِي مَا فَعَلْنَ فِي أَنْفُسِهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ
 ﴿١٣٦﴾ وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِي مَا عَرَّضْتُمْ بِهِ مِنْ خِطْبَةِ النِّسَاءِ
 أَوْ أَكْنَنْتُمْ فِي أَنْفُسِكُمْ عَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ سَتَذْكُرُونَهُنَّ
 وَلَكِنْ لَا تُوَاعِدُوهُنَّ سِرًّا إِلَّا أَنْ تَقُولُوا قَوْلًا مَعْرُوفًا
 وَلَا تَعْرِضُوا عُقْدَةَ النِّكَاحِ حَتَّى يَبْلُغَ الْكِتَابُ أَجَلَهُ
 وَعَلِمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي أَنْفُسِكُمْ فَاحْذَرُوهُ وَأَعْلَمُوا
 أَنَّ اللَّهَ عَفُورٌ حَلِيمٌ ﴿١٣٧﴾ لَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ
 مَا لَمْ تَمْسُوهُنَّ أَوْ تَفْرِضُوا لَهُنَّ فَرِيضَةً وَمَتَّعُوهُنَّ عَلَى
 الْمَوْسِعِ قَدَرُهُ وَعَلَى الْمُقْتَرِ قَدَرُهُ وَمَتَّعَا بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى
 الْمُحْسِنِينَ ﴿١٣٨﴾ وَإِنْ طَلَقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ وَقَدْ
 فَرَضْتُمْ لَهُنَّ فَرِيضَةً فَوَصِّفْ مَا فَرَضْتُمْ إِلَّا أَنْ يَعْفُونَ
 أَوْ يَعْفُوا الَّذِي بِيَدِهِ عُقْدَةُ النِّكَاحِ وَأَنْ تَعْفُوا أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى
 وَلَا تَنْسُوا الْفَضْلَ بَيْنَكُمْ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿١٣٩﴾

و کسانی که از شما بمیرند زنان را ترك کنند باید که انتظار گناند این زنان خویشان را چهار ماه و ده روز پس چون به میعاد^(۱۰۲) خویش رسیدند پس بر شما در آنچه کردند در حق خویشان بوجه پسندیده (یعنی نکاح بطور شرع) گناه نیست و خدا به آنچه می کنید آگاه است (۲۳۴). و بر شما در سخنی که کنایت کردید بوی از خواستگاری زنان (یعنی در میان عدت) گناهی نیست یا پنهان داشتید در دل‌های خود خدا دانست که شما این زنان را یاد خواهید کرد یعنی آشکارا بعد از عدت ولیکن به ایشان نکاح را به پنهانی وعده ندهید مگر آنکه سخنی پسندیده را گوئید (یعنی بکنایت) و عقد نکاح را قصد مکنید تا آنکه میعاد مقرر به نهایت خود رسد و بدانید که خدامی داند آنچه را که در دل‌های شماست پس از وی بترسید و بدانید که خدا آمرزنده بربار است (۲۳۵). بر شما هیچ گناه نیست اگر زنان را طلاق دادید در آن وقت که هنوز دست نرسانیده‌اید به ایشان یا معین نکرده‌اید برای ایشان مقداری^(۱۰۳) و بهره دهید این چنین مطلقات را^(۱۰۴) لازم است بر توانگر مقدار حال او بهره دادن و بر تنگدست مقدار حال او بهره دادن بخوشحویی لازم شده بر نیکوکاران (۲۳۶). و اگر طلاق داده‌اید زنان را پیش از آنکه دست رسانید بایشان و معین کرده باشید برای ایشان مقداری پس لازم است نیمه آنچه معین کردید مگر آنکه زنان ببخشند یا درگذرد کسیکه بدست اوست عقد نکاح (یعنی زوج حق خود گذاشته تمام دهد) و آنکه در گذرید نزدیک تراست به پرهیزگاری و احسان کردن را در میان خویش فراموش مکنید هر آینه خدا به آنچه می کنید بیناست (۲۳۷).

(۱۰۲) یعنی به انقضاء عدت.

(۱۰۳) یعنی مهر را.

(۱۰۴) یعنی پوشاک بدهید.

حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَى وَقُومُوا لِلَّهِ
 قَانِتِينَ ﴿٢٣٨﴾ فَإِنْ خِفْتُمْ فَرَجَلًا أَوْ كَبَأْنَا فإِذَا أَمِنْتُمْ
 فَأَذْكُرُوا اللَّهَ كَمَا عَلَّمَكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ
 ﴿٢٣٩﴾ وَالَّذِينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذُرُونَ أَزْوَاجًا
 وَصِيَّةً لِأَزْوَاجِهِمْ مَّتَعًا إِلَى الْحَوْلِ غَيْرَ إِخْرَاجٍ فَإِنْ
 خَرَجْنَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِي مَا فَعَلْنَ فِي أَنْفُسِهِنَّ
 مِنْ مَّعْرُوفٍ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٢٤٠﴾ وَلَمَّا طَلَّكَتِ مَتْعُ
 بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ ﴿٢٤١﴾ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ
 اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴿٢٤٢﴾ * أَلَمْ تَرَ
 إِلَى الَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَهُمْ أُلُوفٌ حَذَرَ الْمَوْتِ
 فَقَالَ لَهُمُ اللَّهُ مُوتُوا ثُمَّ أَحْيَاهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ
 عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ ﴿٢٤٣﴾
 وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَعَلِمُوا أَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٢٤٤﴾ مَنْ
 ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضْعِفُهُ لَهُ وَأَضعَافًا
 كَثِيرَةً وَاللَّهُ يَقْبِضُ وَيَبْصِطُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٢٤٥﴾



بر همه نمازها پایبندی کنید و بر نماز میانه (یعنی خصوصاً بر نماز عصر) بایستید برای خدا فرمان بردارند گان (۲۳۸). پس اگر ترسیدید (یعنی از دشمن و مانند آن) پس روان بر پاهای خود نماز گزاریدیا سواره پس چون ایمن شوید پس یاد کنید خدا را چنانکه آموخته است شمارا آنچه نمی دانستید (۲۳۹). و آنانکه از شما قبض روح ایشان کرده شود و زنان را بگذارند برایشان وصیت کردن برای زنان خویش لازم کرده شد به آنکه ایشان را تایکسال بدون بیرون کردن بهره دهند پس اگر بیرون روند پس بر شما در آنچه کردند در حق خویشان از کار پسندیده گناه نیست (یعنی نکاح بطور شرع) و خدا غالب استوار کار است^(۱۰۵) (۲۴۰). طلاق داده شدگانرا بهره مند ساختن بخوشحویی لازم است یعنی نفقه و سکنی بر پرهیزگاران لازم کرده شد (۲۴۱). خدا برای شما احکام خود را همچنین بیان میکند تا باشد که شما بفهمید (۲۴۲). آیا ندیدی ای بیننده به سوی کسا نیکه از خانه های خویش از بیم مرگ بیرون آمدند و ایشان هزاران بودند پس خدا ایشان را گفت بمیرید باز ایشان را زنده گردانید هر آئینه خدا بر مردمان صاحب بخشایش است ولیکن اکثر ایشان سپاس نمی کنند (۲۴۳). و در راه خدا جنگ کنید و بدانید که خدا شنوای داناست (۲۴۴). کیست آنکه خدا را وام دهد و ام دادن نیک پس خدا آن مال را برای او چند برابر به مراتب بسیار سازد و خدا روزی را تنگ می سازد و گشاده می کند و به سوی او باز گردانیده شوید (۲۴۵).

(۱۰۵) مترجم گوید این آیت نزدیک جمهور منسوخ است بآیت ﴿أَزِيمَةَ أَهْمِهِمْ وَتَشْتَرُهَا﴾ والله اعلم.

أَلَمْ تَرَ إِلَى الْمَلَأِ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ مِنْ بَعْدِ مُوسَى إِذِ
 قَالُوا لِنَبِيِّ لَهُمْ أَبْعَثْ لَنَا مَلِكًا نُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ
 قَالَ هَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ أَلَّا تُقَاتِلُوا
 قَالُوا وَمَا لَنَا أَلَّا نُقَاتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَقَدْ أُخْرِجْنَا
 مِنْ دِيَارِنَا وَأَبْنَاءِنَا فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ تَوَلَّوْا
 إِلَّا قَلِيلًا مِّنْهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ ﴿٢١٦﴾ وَقَالَ لَهُمْ
 نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا
 قَالُوا أَنَّى يَكُونُ لَهُ الْمُلْكُ عَلَيْنَا وَنَحْنُ أَحَقُّ
 بِالْمُلْكِ مِنْهُ وَلَمْ يُؤْتَ سَعَةً مِّنَ الْمَالِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ
 اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ
 وَاللَّهُ يُؤْتِي مُلْكَهُ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ﴿٢١٧﴾
 وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ آيَةَ مُلْكِهِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ
 التَّابُوتُ فِيهِ سَكِينَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَبَقِيَّةٌ مِّمَّا
 تَرَكَ آءَالُ مُوسَى وَآءَالُ هَارُونَ تَحْمِلُهُ الْمَلَائِكَةُ
 إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿٢٤٨﴾

آیا بجمعی از بنی اسرائیل بعد از موسی نگاه نکردی چون گفتند به پیامبر خویش که برانگیز برای ما پادشاهی تا در راه خدا جنگ کنیم گفت پیامبر آیا اگر واجب کرده شود جنگ بر شما انتظار این می‌رود از شما که جنگ نکنید گفتند و ما را چه شده است که در راه خدا جنگ نکنیم حال آنکه به تحقیق که از خانه های خویش بیرون کرده شدیم و از فرزندان خویش جدا کرده شدیم پس آنگاه که واجب کرده شد برایشان جنگ رویگردانیدند مگر اندکی از ایشان و خدا به ستمگاران دانا است (۲۴۶). و پیامبر ایشان به ایشان گفت هر آینه خدا طالوت را برای شما پادشاه مقرر کرده است گفتند چگونه او را پادشاهی بر ما باشد حال آنکه ما به پادشاهی از وی سزاوارتریم و او رافراخی در مال داده نشده است گفت هر آینه خدا او را بر شما برگزیده است و او را فراخی در دانش و افزونی در بدن داده است و خدا پادشاهی خود را بهر کس که خواهد می بخشد و خدا گشایشگر (جواد) دانا است (۲۴۷). و پیامبرشان ایشان را گفت هر آینه نشانه پادشاهی او آنست که بیاید به شما صندوقی که در آن آرامش دلست از پروردگار شما و باقیمانده از آنچه که آل موسی و آل هارون بر جای گذاشته اند او را فرشتگان بر میدارند هر آینه درین صورت برای شما اگر باوردارنده اید نشانه ای است (۲۴۸).

فَلَمَّا فَصَلَ طَالُوتُ بِالْجُنُودِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ
 بِنَهَرٍ فَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّي وَمَنْ لَمْ يَطْعَمْهُ
 فَإِنَّهُ مِنِّي إِلَّا مَنْ أَغْرَفَ غُرْفَةً بِيَدِهِ فَشَرِبُوا مِنْهُ
 إِلَّا قَلِيلًا مِّنْهُمْ فَلَمَّا جَاوَزَهُ هُوَ وَالَّذِينَ آمَنُوا
 مَعَهُ قَالُوا لَا طَاقَةَ لَنَا الْيَوْمَ بِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ
 قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُم مُّلَكُوا اللَّهَ كَرِهَتْ فِعْيَهُ
 قَلِيلَةٌ غَلَبَتْ فِعْيَهُ كَثِيرَةٌ بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ
 الصَّابِرِينَ ﴿٢٤٩﴾ وَلَمَّا بَرَزُوا لِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالُوا
 رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا
 عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ﴿٢٥٠﴾ فَهَزَمُوهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ
 وَقَتَلَ دَاوُدُ جَالُوتَ وَءَاتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ
 وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَهُ مِمَّا يَشَاءُ وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ
 بَعْضَهُم بِبَعْضٍ لَّفَسَدَتِ الْأَرْضُ وَلَٰكِنَّ اللَّهَ ذُو
 فَضْلٍ عَلَى الْعَالَمِينَ ﴿٢٥١﴾ تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ نَتْلُوهَا
 عَلَيْكَ بِالْحَقِّ وَإِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ ﴿٢٥٢﴾

پس چون طالوت بالشکرها رهسپار شد گفت هر آئینه خدا شمارا بجویی آزمایش کننده است پس هر که از آن جوی بنوشد پس از من نیست و هر که نچشد آنرا پس او از من است الا آنکه بردارد يك كف آب بدست خود، پس از آن جوی آشامیدند مگر اندکی از ایشان پس آنگاه که طالوت و مومنان همراه او از جوی گذشتند، گفتند نوشندگان ما را امروز به مقابله جالوت و لشکرهایش توانایی نیست گفتند آنانکه می دانستند که ایشان با خدا ملاقات خواهند کرد بسا گروه اندک برگروه بسیار باراده خدا غالب شد و خدا با شکیبایانست (۲۴۹). و آنگاه که برای جنگ جالوت و لشکرهایش به میدان آمدند این صالحان گفتند ای پروردگار ما بریز بر ما شکیبایی و قدم های ما را محکم کن و ما را برگروه ناگرویدگان غلبه ده (۲۵۰). پس آن کفار را بتوفیق خدا شکست دادند و داود جالوت را کشت و خدای تعالی داود را پادشاهی و علم داد و او را از آنچه میخواست بیاموخت و اگر خدا مردمان را گروهی را بدست گروهی دیگر دفع نمی کرد هر آئینه تباه می شد زمین ولیکن خدا صاحب بخشایش بر جهانیان است (۲۵۱). اینها آیات خداست آنرا بر تو (ای محمد) به راستی میخوانیم و هر آئینه تواز پیامبرانی (۲۵۲).

* تِلْكَ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ مِّنْهُمْ مَّنْ كَلَّمَ اللَّهُ
 وَرَفَعَ بَعْضَهُمْ دَرَجَاتٍ ۗ وَآتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ
 وَأَيَّدْنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ ۗ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَقْتَلَ الَّذِينَ مِنْ
 بَعْدِهِمْ مِّنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ وَلَكِنْ اخْتَلَفُوا
 فَمِنْهُمْ مَّنْ ءَامَنَ وَمِنْهُمْ مَّنْ كَفَرَ ۗ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَقْتَلُوا
 وَلَكِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ ﴿٢٥٣﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَنْفِقُوا
 مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِّنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا بَيْعُ فِيهِ وَلَا خُلَّةٌ وَلَا
 شَفَاعَةٌ ۗ وَالْكَافِرُونَ هُمُ الظَّالِمُونَ ﴿٢٥٤﴾ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ
 الْحَيُّ الْقَيُّومُ ۚ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ ۗ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ
 وَمَا فِي الْأَرْضِ ۗ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ ۗ يَعْلَمُ
 مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ ۗ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِّنْ عِلْمِهِ إِلَّا
 بِمَا شَاءَ ۗ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ ۗ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا
 وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ ﴿٢٥٥﴾ لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ ۚ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ
 الْغَيِّ ۚ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ
 بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انْفِصَامَ لَهَا ۗ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٢٥٦﴾

اینان پیامبران هستند که بعضی را از ایشان بر بعضی فضل دادیم ، از ایشان کسی هست که با او خدا سخن گفت و بلند کرد بعضی را در مرتبه‌ها و عیسی پسر مریم را معجزه‌ها دادیم و او را بروح القدس قوت دادیم و اگر خدا می خواست بایکدیگر قتال نمی کردند آنانکه پس از ایشان بودند پس از آنکه به ایشان حجت‌ها آمد ولیکن اختلاف کردند پس از ایشان کسی هست که ایمان آورد و از ایشان کسی هست که کفر ورزید و اگر خدا می خواست بایکدیگر نمی جنگیدند ولیکن خدا آنچه می خواهد میکند (۲۵۳). ای مسلمانان از آنچه شمارا روزی دادیم خرج کنید پیش از آنکه روزی بیاید که خرید و فروش در آن روز نیست و نه دوستی و نه سفارش و کافران همیشانند ظالمان (۲۵۴). خدا آنست که هیچ معبود بر حقی غیر از او نیست زنده^۱ تدبیر کننده^۲ جهان نمی گیرد او را (پینکی) چرت (یعنی خواب سبک) و نه خواب اوراست آنچه در آسمانها است و آنچه در زمین است کیست آنکه نزد او شفاعت کند الا بحکم او میداند آنچه راکه پیش دست ایشان است و آنچه راکه پس پشت ایشان است و مردمان از معلومات حق چیزی را فرامیگیرند مگر به آنچه وی خواسته است، کرسی او آسمان‌ها و زمین را فرا گرفته است و نگهبانی این هردو بروی سنگین نمی شود و او بلند مرتبه^۳ بزرگ قدر است (۲۵۵). نیست اجباری در (کار) دین^(۱۰۶) به راستیکه ظاهر شده است راه یابی از گمراهی پس هر که منکر طاغوت شود (یعنی معبودان باطل) و ایمان آورد به خدا پس هر آئینه چنگ زده است بدست آویزی محکم که آنرا گسستن نیست و خدا شنوای دانا است (۲۵۶).

(۱۰۶) یعنی حجت اسلام ظاهر شد پس گویا جبر کردن نیست اگر چه فی الجملة به صبر باشد والله اعلم.

اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ ءَامَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ
 وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُم مِّنَ
 النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا
 خَالِدُونَ ﴿٢٥٧﴾ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِي حَاجَّ إِبْرَاهِيمَ فِي رَبِّهِ
 أَنْ آتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّيَ الَّذِي يُحْيِي
 وَيُمِيتُ قَالَ أَنَا أَحْيِيءُ وَأُمِيتُ قَالَ إِبْرَاهِيمُ فَإِنَّ اللَّهَ يَأْتِي
 بِالسَّمْسِ مِنَ الْمَشْرِقِ فَأْتِ بِهَا مِنَ الْمَغْرِبِ فَبُهِتَ الَّذِي
 كَفَرَ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ﴿٢٥٨﴾ أَو كَالَّذِي
 مَرَّ عَلَى قَرْيَةٍ وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَى عُرُوشِهَا قَالَ أَنَّى يُحْيِي
 هَذِهِ اللَّهُ بَعْدَ مَوْتِهَا فَأَمَاتَهُ اللَّهُ مِائَةَ عَامٍ ثُمَّ بَعَثَهُ
 قَالَ كَمْ لَبِثْتُ قَالَ لَبِثْتُ يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالَ بَلْ
 لَبِثْتُ مِائَةَ عَامٍ فَانظُرْ إِلَى طَعَامِكَ وَشَرَابِكَ لَمْ يَتَسَنَّهْ
 وَانظُرْ إِلَى حِمَارِكَ وَلِنَجْعَلَكَ ءَايَةً لِلنَّاسِ وَانظُرْ إِلَى
 الْعِظَامِ كَيْفَ نُنشِزُهَا ثُمَّ نَكْسُوهَا لَحْمًا فَلَمَّا
 تَبَيَّنَ لَهُ قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٢٥٩﴾

خداکار ساز مومنان است ایشانرا از تاریکی‌ها به سوی روشنی بیرون می آورد و آنانکه کافراند کارسازان ایشان طاغوت است (یعنی شیطان و معبودان باطل) ایشان را از روشنی به سوی تاریکی‌ها بیرون می آورند این جماعت ایشان باشندگان دوزخند در آنجا جاویدند (۲۵۷). آیا به سوی کسی که مکابره کرد با ابراهیم دربارهٔ پروردگار او بخاطر آنکه خدا او را پادشاهی داد، ندیدی، (یعنی نمرود) چون ابراهیم گفت پروردگار من آنست که زنده میکند و می میراند آن کافر گفت من زنده می کنم و می میرانم^(۱۰۷) گفت ابراهیم پس هر آئینه خدا خورشید را از مشرق می آورد پس تو آن را از طرف مغرب بیاور پس مغلوب شد کافر و خدا گروه ستمگاران را راه نمی نماید (۲۵۸). یامانند آن شخصی که گذشت بردهی در حالیکه آن افتاده بود بر سقفهای خود^(۱۰۸) گفت چگونه این را خدا بعد از مردن آن زنده می کند پس او را خدای تعالی صدسال میراند بعد از آن برانگیختش (یعنی زنده اش کرد) گفت چه قدر درنگ کردی گفت درنگ کردم یک روز یا پاره ای از روز گفت بلکه صدسال درنگ کردی پس نگاه کن به سوی طعام خود و آشامیدنی خود که متغیر نشده و نگاه کن به سوی الاغ خود و می خواهیم که تورا برای مردمان نشانه ای گردانیم و نگاه کن به سوی استخوانها چگونه آنها را برداشته به هم پیوند می دهیم بعد از آن بر آن گوشت را می پوشانیم پس چون این حال برایش واضح شد گفت به یقین می دانم که خدا بر همه چیز تواناست (۲۵۹).

(۱۰۷) یعنی به ستم مستحق کشتن رامی گذارم و کسی را که مستحق کشتن نیست می کشم والله اعلم.

(۱۰۸) مترجم گوید آن شخص عزیز بود.

وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ أَرِنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمَوْتَىٰ قَالَ أَوَلَمْ
 تُؤْمِنُ قَالَ بَلَىٰ وَلَٰكِن لِّيَطْمَئِنَّ قَلْبِي قَالَ فَخُذْ أَرْبَعَةً مِّنَ
 الطَّيْرِ فَصُرْهُنَّ إِلَيْكَ ثُمَّ أَجْعَلْ عَلَىٰ كُلِّ جَبَلٍ مِّنْهُنَّ جُزْءًا
 ثُمَّ أَدْعُهُنَّ يَأْتِينَكَ سَعْيًا وَاعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ
 ﴿٦٦﴾ مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ
 أَنبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سُنْبُلَةٍ مِّائَةٌ حَبَّةٌ وَاللَّهُ
 يُضَاعِفُ لِمَن يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ﴿٦٧﴾ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ
 أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ لَا يَتَّبِعُونَ مَا أَنْفَقُوا مَنًّا وَلَا
 أَذَىٰ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ
 يَحْزَنُونَ ﴿٦٨﴾ * قَوْلٌ مَّعْرُوفٌ وَمَغْفِرَةٌ خَيْرٌ مِّنْ صَدَقَةٍ
 يَتَّبِعُهَا أَذَىٰ وَاللَّهُ غَنِيٌّ حَلِيمٌ ﴿٦٩﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا
 لَا تَبْطُلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَىٰ كَالَّذِي يُنْفِقُ مَالَهُ
 رِثَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ
 صَفْوَانٍ عَلَيْهِ تُرَابٌ فَأَصَابَهُ وَابِلٌ فَتَرَكَهُ صَلْدًا لَا يَقْدِرُونَ
 عَلَىٰ شَيْءٍ مِّمَّا كَسَبُوا وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ ﴿٧٠﴾

وآنگاه که ابراهیم گفت ای پروردگار من بنما مرا چگونه مردگان را زنده می کنی؟ گفت خدا آیا باور نداری؟ گفت آری باور داشته ام لیکن می خواهم که دلم آرام گیرد^(۱۰۹) گفت خدا پس بگیر چهار عدد از پرندگان پس همه را نزدیک خود قطعه قطعه بهم آور بعد از آن بگذار برهر کوهی پاره ای ازیشان سپس از آن ندا کن ایشان را البته پیش توستابان بیایند و بدان که خدا غالب استوار کار است (۲۶۰). صفت آنانکه مالهای خود را در راه خدا خرج می کنند مانند صفت يك دانه ای است که هفت خوشه را برویاند هر خوشه ای صد دانه است و خدا هر کرا خواهد چند برابر می دهد و خدا گشایشگر (جواد) دانا است (۲۶۱). آنانکه اموال خود را در راه خدا خرج می کنند بازایی آن اتفاق منت نمی نهند و آزار نمی رسانند ایشانرا پاداش ایشان نزد پروردگار ایشان است و نیست ترسی برایشان و نه ایشان اندوهگین شوند (۲۶۲). سخن ملایم گفتن و درگذشتن^(۱۱۰) بهتر است از آن خیرات که از پی آن آزرده گی باشد و خدا بی نیاز بُردبار است (۲۶۳). ای مومنان خیرات خود را به منت نهادن و آزرده کردن تباہ مکنید همچو کسیکه مال خود را برای نمودن مردمان خرج می کند و به خدا و روز قیامت ایمان ندارد پس صفت او مانند صفت سنگ صاف است که بروی باشد اندک خاکی پس به آن بارانی عظیم رسید پس گذاشت او را سخت و صاف مانده، توانایی ندارند اهل ریا بر چیزی از آنچه عمل کردند و خدا گروه کافران را راه نمی نماید^(۱۱۱) (۲۶۴).

(۱۰۹) یعنی عین الیقین میخوامم واللہ اعلم.

(۱۱۰) از پی ادبی باسائل.

(۱۱۱) مترجم گوید حاصل این مثل آنست که عمل منان و مرثی دزدنیا می نماید که عمل است و در آخرت نابود میشود و هیچ فائده نمی دهد چنانکه برسنگی خاک افتاده باشد و بظاهر چنان می نماید که قابل زراعت است و چون باران بارد محو شود واللہ اعلم.

وَمَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ
 وَتَثْبِيتًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ كَمَثَلِ جَنَّةٍ بِرَبْوَةٍ أَصَابَهَا وَابِلٌ
 فَآتَتْ أُكُلَهَا ضِعْفَيْنِ فَإِن لَّمْ يُصِبْهَا وَابِلٌ فَطَلٌّ
 وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿٣١٥﴾ أَيَوَدُّ أَحَدُكُمْ أَن تَكُونَ لَهُ
 جَنَّةٌ مِّنْ نَّخِيلٍ وَأَعْنَابٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ لَهُ
 فِيهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَأَصَابَهُ الْكِبَرُ وَلَهُ ذُرِّيَةٌ
 ضِعْفَاءُ فَاصْبَابُهَا أَيَعَصِرُ فِيهِ نَارٌ فَأَحْتَرَقَتْ كَذَلِكَ
 يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ ﴿٣١٦﴾ يَا أَيُّهَا
 الَّذِينَ ءَامَنُوا أَنْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا أَخْرَجْنَا
 لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَلَا تَيَمَّمُوا الْخَبِيثَ مِنْهُ تُنْفِقُونَ
 وَلَسْتُمْ بِءَاخِذِيهِ إِلَّا أَنْ تُغْمِضُوا فِيهِ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ
 حَمِيدٌ ﴿٣١٧﴾ الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُمْ بِالْفَحْشَاءِ
 وَاللَّهُ يَعِدُكُمْ مَغْفِرَةً مِّنْهُ وَفَضْلًا وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ
 ﴿٣١٨﴾ يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ
 أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ ﴿٣١٩﴾

وصفت آنانکه مالهای خویش را از جهت طلب رضامندی خدا و بسبب اعتقاد ناشی ازدلی خویش خرج می کنند مانند صفت باغی است به مکان بلند که بوی بارانی عظیم رسید پس میوههای خود را دوچندان آورد و اگر او را باران عظیمی نمی رسید پس شبنم کفایت میکرد و خدا به آنچه می کنید بیناست^(۱۱۲) (۲۶۵). آیا دوست میدارد یکی از شما که او را باغی از درختان خرما و انگور باشد که می رود زیر آن جویها او را در آن باغ از هر جنس میوهها هست و او را سالخوردگی رسیده باشد و فرزندان ناتوان داشته باشد پس درین حالت آن باغ را اگر دبادی که در آن آتش است رسید پس کاملاً بسوخت همچنین خدا برای شما آیه ها را واضح می سازد تا باشد که تأمل کنید^(۱۱۳) (۲۶۶). ای مومنان خرج کنید از پاکیزه های آنچه شما کسب کردهاید و از پاکیزه های آنچه برای شما از زمین بیرون آوردیم و ناپاک را از آن قصد مکنید آن را خرج مکنید و گیرنده آن نیستید مگر وقتیکه در گرفتن آن چشم پوشی کنید و بدانید که خدا بی نیاز ستوده است (۲۶۷). شیطان به شما تنگدستی را وعده میدهد و به بی حیایی شمارا می فرماید و خدا به شما آمرزش را از جانب خود و نعمت دادن را وعده می کند و خدا گشایشگر (جواد) دانا است (۲۶۸). حکمت را میدهد هر که را خواهد و هر که او را حکمت داده شد پس به راستیکه داده شدنیکویی بسیار و پند پذیر نمی شوند جز صاحبان خرد (۲۶۹).

(۱۱۲) مترجم گوید حاصل این مثل آن است که عمل اهل اخلاص فالدها میدهد از سابقین باشد یا از اصحاب یمین.
 (۱۱۳) حاصل این مثل آن است که عمل منان و مرائی در وقت شدت احتیاج ناپود شود چنانکه بوستان این شخص در وقت شدت احتیاج بسوخت.

وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ نَفَقَةٍ أَوْ نَذَرْتُمْ مِنْ نَذْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ
 يَعْلَمُهُ، وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ ﴿٧٦﴾ إِنْ تَبَدُّوا
 الصَّدَقَاتِ فَنِعِمَّا هِيَ وَإِنْ تُخْفُوهَا وَتُؤْتُوهَا
 الْفُقَرَاءَ فَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَيُكَفِّرُ عَنْكُمْ مِنْ
 سَيِّئَاتِكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ﴿٧٧﴾ *لَيْسَ
 عَلَيْكَ هُدَاهُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَمَا
 تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَلَأَنْفُسِكُمْ وَمَا تُنْفِقُونَ إِلَّا
 ابْتِغَاءَ وَجْهِ اللَّهِ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ يُوَفِّ إِلَيْكُمْ
 وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ ﴿٧٨﴾ لِلْفُقَرَاءِ الَّذِينَ أَحْصَرُوا
 فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَطِيعُونَ ضَرْبًا فِي الْأَرْضِ
 يَحْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ تَعْرِفُهُمْ
 بِسِيمَاهُمْ لَا يَسْأَلُونَ النَّاسَ إِحْقَاقًا وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ
 خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ ﴿٧٩﴾ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ
 بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ
 رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٨٠﴾

وآنچه از خیرات خرج کردید و یا لازم کردید بر خود از نذری پس هر آئینه خدا آنرا میداند و ستمکاران را هیچ یاری دهنده ای نیست (۲۷۰). اگر خیرات را آشکار کنید پس آن چیز نیکویی است و اگر آنرا پنهان کنید و بدهید آن را به فقیران پس این برای شما بهتر است و از شما بعض گناهان شمارا دور سازد و خدا به آنچه می کنید آگاه است (۲۷۱). بر تو (ای محمد) هدایت ایشان لازم نیست^(۱۱۴) لیکن خدا هدایت می کند هر که را می خواهد و آنچه از مال خرج می کنید پس برای نفع ذات شماست و لایق نیست که خرج کنید مگر برای طلب رضای خدا و آنچه از مال خرج می کنید تمام آن به شما (یعنی ثواب) رسانیده شود، و بر شماستم نخواهید کرده شد (۲۷۲). خیرات برای آن فقیرانست که در راه خدا^(۱۱۵) بندکرده شدند سفر کردن در زمین نمی توانند ایشان را نادان توانگر می پندارد بسبب طمع نکردن می شناسی تو ایشان را به قیافه ایشان سوال نمی کنند از مردمان به الحاح و لجاجت و آنچه خرج می کنید از مال پس هر آئینه خدا به آن دانا است (۲۷۳). کسانی که اموال خویش را شب و روز پنهان و آشکار خرج می کنند پس ایشان را پاداش ایشان نزد پروردگارشان است و برایشان ترسی نیست و نه ایشان اندوهگین شوند (۲۷۴).

(۱۱۴) یعنی ایصال مطلوب الی الله.

(۱۱۵) یعنی بسبب مشغول شدن و مصروفیت به جهاد کسب کردن نمی توانند والله اعلم.

الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي
يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ
مِثْلُ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا فَمَنْ جَاءَهُ
مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَانْتَهَى فَلَهُ مَا سَلَفَ وَأَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ وَمَنْ
عَادَ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٢٧٥﴾ يَمْحَقُ
اللَّهُ الرِّبَا وَيُرِي الصَّدَقَاتِ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ
﴿٢٧٦﴾ إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ
وَأَتَوْا الزَّكَاةَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ
وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٢٧٧﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ
وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿٢٧٨﴾ فَإِن لَّمْ تَفْعَلُوا
فَأذْنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِن تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُءُوسُ
أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ ﴿٢٧٩﴾ وَإِن كَانَ
ذُو عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ إِلَى مَيْسَرَةٍ وَأَن تَصَدَّقُوا خَيْرٌ لَّكُمْ
إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٢٨٠﴾ وَاتَّقُوا يَوْمًا تُرْجَعُونَ فِيهِ إِلَى
اللَّهِ ثُمَّ تُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿٢٨١﴾

کسانیکه سود را میخورند برنخیزند (یعنی از گور) مگر چنانکه برمی خیزد کسی که او را شیطان به سبب آسیب رسانیدن دیوانه ساخته است، این بسبب آنست که سود خوران گفتند جز این نیست که سودا گری مانند سود است و حال آنکه خدا سودا گری را حلال کرده است و سود را حرام ساخته است پس کسی که بوی پندی از جانب پروردگارش آمد پس باز آمد ازین کار (یعنی ویلش کرد) پس او راست آنچه گذشت و کار او به خدا مفوض است^(۱۱۶) و هر که بازگشت به سود خوری^(۱۱۷)، پس آن گروه باشند گان دوزخ اند ایشان در آنجا جاویدند (۲۷۵). خدا برکت سود را نابود می سازد و برکت خیرات را افزون می سازد و خدا هر ناسپاس گنهگار را دوست ندارد (۲۷۶). هر آئینه کسانیکه ایمان آورده اند و کارهای شایسته کرده اند و نماز را برپاداشتند و زکوة را دادند برای ایشان است پاداش ایشان نزد پرورد گار ایشان نیست ترسی بر ایشان و نه ایشان اندوهگین شوند (۲۷۷). ای کسانیکه ایمان آورده اید از خدا بترسید و ترك کنید آنچه از سود مانده است اگر از اهل ایمان هستید (۲۷۸). پس اگر نکردید پس خبردار باشید به جنگی از طرف خدا و رسول او و اگر توبه کردید پس هست شما را اصل مال های شما نه شما ستم کنید و نه بر شما ستم کرده شود (۲۷۹). و اگر مفلسی باشد پس مهلت دادن تا توانگری لازم است و آنکه خیرات کنید شما را بهتر است اگر می دانستید (۲۸۰). و از آن روز که باز گردانیده شوید در آن به سوی خدا بترسید پس تمام داده شود هر شخصی را آنچه عمل کرده است و بر ایشان ستم کرده نشود (۲۸۱).

(۱۱۶) یعنی سودی که قبل آیت تحریم گرفته باز گردانیدنش لازم نیست والله اعلم.

(۱۱۷) یعنی بعد از تحریم.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا تَدَايَنْتُمْ بِدِينٍ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى
فَاكْتُبُوهُ وَلْيَكْتُب بَيْنَكُمْ كَاتِبٌ بِالْعَدْلِ وَلَا يَأْب
كَاتِبٌ أَنْ يَكْتُبَ كَمَا عَلَّمَهُ اللَّهُ فَلْيَكْتُبْ وَلْيَمْلِكِ
الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ وَلْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ وَلَا يَبْخَسْ مِنْهُ شَيْئًا
فَإِنْ كَانَ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ سَفِيهًا أَوْ ضَعِيفًا أَوْ لَا يَسْتَطِيعُ
أَنْ يُعْمَلَ هُوَ فَلْيَمْلِكْ لِیْهِ بِالْعَدْلِ وَأَسْتَشْهِدُوا شَهِيدَيْنِ
مِنْ رِّجَالِكُمْ فَإِنْ لَّمْ يَكُنَا رَجُلَيْنِ فَرَجُلٌ وَامْرَأَتَانِ
مِمَّنْ تَرْضَوْنَ مِنَ الشُّهَدَاءِ أَنْ تَضِلَّ إِحْدَاهُمَا فَتُذَكَّرَ
إِحْدَاهُمَا الْآخَرَىٰ وَلَا يَأْب الشُّهَدَاءُ إِذَا مَا دُعُوا وَلَا تَسْمَعُوا
أَنْ تَكْتُبُوهُ صَغِيرًا أَوْ كَبِيرًا إِلَىٰ أَجَلِهِ ذَٰلِكُمْ أَقْسَطُ
عِنْدَ اللَّهِ وَأَقْوَمُ لِلشَّهَادَةِ وَأَدْنَىٰ أَلَّا تَرْتَابُوا إِلَّا أَنْ تَكُونَ
تِجَارَةً حَاضِرَةً تُدِيرُونَهَا بَيْنَكُمْ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحُ
أَلَّا تَكْتُبُوهَا وَأَشْهِدُوا إِذَا تَبَايَعْتُمْ وَلَا يُضَارَ كَاتِبٌ
وَلَا شَهِيدٌ وَإِنْ تَفَعَّلُوا فِإِنَّهُ فُسُوقٌ بِكُمْ وَاتَّقُوا
اللَّهَ وَيَعْلَمْكُمْ اللَّهُ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿٢٨٢﴾

ای مومنان اگر بایکدیگر به وام دادن تامیعاد مقرر معامله کنید پس آن را بنویسید و باید که نویسنده میان شما به انصاف بنویسد و سرباز نزند نویسنده از آنکه نویسد چنانچه خدا او را آموخته است پس باید که وی بنویسد و املاء کند آنکه وام بدمه^{۱۱۸} وی است و باید که از خدا پروردگارش بترسد و از آن وام چیزی را کم نکنند پس اگر کسیکه وام بدمه^{۱۱۸} وی است بی خرد یا ناتوان باشد یا نمی تواند املاء کردن پس باید که املاء کند کارگزار او به انصاف و دوشاهد را از مردان خویش^(۱۱۸) گواه گیرید پس اگر (حاضر) نباشند دو مرد پس يك مرد و دو زن کفایت است از کسانی که راضی باشید از گواهان^(۱۱۹) تا اگر کسی از آنان فراموش کند یکی از آنان به دیگری یاد آوری کند و باید که سرباز نزنند گواهان آنگاه که طلبیده شوند و مانده مشوید از آنکه بنویسید حق را اندک باشد یا بسیار تا میعاد وی این به نزد خدا با انصاف تر است و درست تر برای گواهی و به آنکه در شك نیفتید مگر وقتی که باشد آن معامله سوداگری دست بدست که آن رامیان خویش دستگردان می کنید پس بر شما گناهی در آنکه بنویسید آن را نیست و گواه گیرید هر گاه که خرید و فروخت کنید و باید که رنج داده نشود نویسنده و نه گواه و اگر این کار را بکنید پس هر آئینه این برای شما گناه است و از خدا بترسید و خدا شمارا می آموزد و خدا بهر چیز دانا است (۲۸۲).

(۱۱۸) یعنی از مسلمانان.

(۱۱۹) یعنی از مسلمانان امین متقی.

* وَإِنْ كُنْتُمْ عَلَى سَفَرٍ وَلَمْ تَجِدُوا كِتَابًا فَرِهْنُمْ مَقْبُوضَةً ۚ
 فَإِنْ أَثِمْتُمْ بِبَعْضِكُمْ بَعْضًا فليؤدِّ الَّذِي أُوتِئْتُمْ بِأَمْنَتِهِ، وَلِيَتَّقِ
 اللَّهَ رَبَّهُ، وَلَا تَكْتُمُوا الشَّهَادَةَ وَمَنْ يَكْتُمْهَا فَإِنَّهُ
 فِي عُنُقِهِ قَبْلَةٌ، وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ ﴿٢٨٢﴾ اللَّهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ
 وَمَا فِي الْأَرْضِ وَإِنْ تُبَدُّوا مَا فِي أَنْفُسِكُمْ أَوْ تُخْفَوُ
 بِهَا سُبُكُكُمْ بِهِ اللَّهُ فَيَغْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ
 وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٢٨٤﴾ ءَامِنَ الرَّسُولُ بِمَا أَنْزَلَ إِلَيْهِ
 مِنْ رَبِّهِ، وَالْمُؤْمِنُونَ كُلُّ ءَامِنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ
 وَكُتُبِهِ، وَرُسُلِهِ، لَا نَفَرَقَ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ، وَقَالُوا
 سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ ﴿٢٨٥﴾ لَا يَكْفُرُ
 اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا أَوْسَعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ
 رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ
 عَلَيْنَا إصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ، وَعَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا
 وَلَا تَحْمِلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ، وَأَعْفُ عَنَّا وَاعْفِرْ لَنَا
 وَأَرْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ﴿٢٨٦﴾

واگر مسافر باشید و نویسنده ای را نیابید پس لازم است گرویدست آورده شده باشد پس اگر امین داند برخی از شما برخی دیگر را پس باید که آن کس که امین دانسته شد امانت خود را ادا کند و باید که از خدا پروردگار خود بترسد و گواهی را پنهان نکنید و هر که آن را پنهان کند پس هر آینه دل او گناهگار است خدا به آنچه می کنید آگاه است (۲۸۳). آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است برای خدا است و اگر آشکار کنید آنچه در دل های شما است^(۱۲۰) یا آنرا پنهان دارید البته خدا حساب آن را از شما بگیرد پس بیامزد کسی را که خواهد و عذاب کند کسی را که خواهد و خدا بر همه چیز توانا است (۲۸۴). پیامبر آنچه را که به سوی او از پروردگارش فرود آورده شد باور داشت و مومنان نیز همه ایمان آورده اند به خدا و فرشتگان او و کتاب های او و پیامبران او (و گفتند) فرق نمی گذاریم میان هیچ کسی از پیامبران او^(۱۲۱) و گفتند شنیدیم و فرمانبرداری کردیم می خواهیم آموزش توای پروردگارا و به سوی تو است بازگشت (۲۸۵). خدا هیچ کس را مکلف نمی کند مگر به اندازه توانش برای او است آنچه عمل کرد و بروی باشد آنچه گناه کرد گفتند ای پروردگارا به عقوبت مگیر ما را اگر فراموش کنیم یا خطا کنیم ای پروردگارا موئنه برسما بار گران آنچنان که آنرا بر کسانیکه پیش از ما بودند نهادی پروردگارا موئنه برسما آنچه ما را توانایی آن نیست و در گذر ما و بیامرز ما را و به بخشای ما را تویی خداوند ما پس ما را بر گروه کافران غلبه ده (۲۸۶).

(۱۲۰) یعنی از قسم نفاق و اخلاق و حسد و نصیحت و مثل آن نه از قسم حدیث نفس و الله اعلم.

(۱۲۱) یعنی بعض را معتقد و بعض را منکر نمی باشیم.

سورة آل عمران

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اَلَمْ ۙ اَللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ ﴿١﴾ نَزَّلَ عَلَيْكَ الْكِتٰبَ
 بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَاَنْزَلَ التَّوْرَةَ وَالْاِنْجِيلَ ﴿٢﴾ مِنْ
 قَبْلُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَاَنْزَلَ الْفُرْقَانَ اِنَّ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا بِآيٰتِ اللّٰهِ
 لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيْدٌ وَّاللّٰهُ عَزِيْزٌ ذُوْا نِقَمٍ ﴿٣﴾ اِنَّ اللّٰهَ لَا يَخْفَى
 عَلَيْهِ شَيْءٌ فِى الْاَرْضِ وَلَا فِى السَّمَآءِ ﴿٤﴾ هُوَ الَّذِىْ يَصُوِّرُكُمْ
 فِى الْاَرْحَامِ كَيْفَ يَشَآءُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْعَزِيْزُ الْحَكِيْمُ ﴿٥﴾ هُوَ
 الَّذِىْ اَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتٰبَ مِنْهُ آيٰتٌ مُّحْكَمٰتٌ هُنَّ اُمُّ
 الْكِتٰبِ وَاٰخَرُ مُتَشٰبِهٰتٌ فَاَمَّا الَّذِيْنَ فِى قُلُوْبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُوْنَ
 مَا تَشَبَهَ مِنْهُ ابْتِغَآءَ الْفِتْنَةِ وَاَبْتِغَآءَ تَاْوِيْلِهِ ۗ وَمَا يَعْلَمُ تَاْوِيْلَهُ
 اِلَّا اللّٰهُ وَالرَّسُوْلُوْنَ فِى الْعِلْمِ يَقُوْلُوْنَ ؕ اٰمَنَّا بِهِ ۗ كُلُّ مَنْ عِنْدَ
 رَبِّنَا وَمَا يَذْكُرُ اِلَّا اَوْلُوْا الْاَلْبَابِ ﴿٦﴾ رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوْبَنَا بَعْدَ
 اِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً اِنَّكَ اَنْتَ الْوَهَّابُ ﴿٧﴾ رَبَّنَا
 اِنَّكَ جَامِعُ النَّاسِ لِيَوْمٍ لَا رَيْبَ فِيْهِ اِنَّ اللّٰهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ ﴿٨﴾



بنام خدای بخشاینده مهربان.

آلم (۱). خدا آن ذات است که نیست هیچ معبود برحق مگر او زنده تدبیرکننده عالم است (۲). فرود آورد بر تو کتاب را به راستی باور دارنده آنچه پیش دست وی است و تورات و انجیل را فرود آورد (۳). پیش ازین برای مردمان رهنما و قرآن را فرود آورد هرآئینه کسانی که کافر شدند به آیات خدا ایشانراست عذاب سخت و خدا غالب صاحب انتقام است (۴). هرآئینه بر خدا چیزی در زمین و نه در آسمان نهان نمی ماند (۵). او آنست که صورت می بندد شمارا در رحمتها چنانچه خواهد نیست هیچ معبود برحق غیر از او غالب استوار کاراست (۶). او آنست که بر تو کتاب را فرود آورد که بعضی از آن آیه ها واضح است آنها اصل کتاب است و برخی دیگر محتمل معانی باهم مشتبه اند پس اما کسانی که در دل های ایشان کجی است آنرا که متشابه است از آن کتاب پیروی می کنند برای طلب فتنه و طلب تاویل آن و مراد آن را مگر خدا نمیداند و ثابت قدمان در علم می گویند به آن ایمان آوردیم این همه از نزد پروردگار ماست و پند پذیر نمی شوند مگر خداوندان خرد (۷). (می گویند) ای پروردگار ما دلها یمان را بعد از آنکه هدایت نمودی ما را کج مگردان و به ما از نزد خود رحمت عطا کن هرآئینه تویی عطا کننده (۸). ای پروردگار ما هرآئینه تو جمع کننده مردمانی در آن روز که هیچ شکی نیست در (وقوع) آن هرآئینه خدا وعده را خلاف نمیکند (۹).

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ تُغْنِيَ عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ
 مِنْ اللَّهِ شَيْئًا وَأُولَئِكَ هُمْ وَقُودُ النَّارِ ﴿١١﴾ كَذَابٍ ءِالٍ
 فِرْعَوْنَ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَّبُوا بآيَاتِنَا فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ
 بِذُنُوبِهِمْ وَاللَّهُ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿١٢﴾ قُلْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا
 سَتُغْلَبُونَ وَتُحْشَرُونَ إِلَىٰ جَهَنَّمَ وَبِئْسَ الْمِهَادُ ﴿١٣﴾
 قَدْ كَانَ لَكُمْ آيَةٌ فِي فِئَتَيْنِ الْتَقَتَا فِئَةٌ تُقَاتِلُ فِي
 سَبِيلِ اللَّهِ وَأُخْرَىٰ كَافِرَةٌ يَرَوْنَهُمْ مِثْلَهُمْ رَأَىٰ
 الْعَيْنِ وَاللَّهُ يُؤَيِّدُ بِنَصَرِهِ مَن يَشَاءُ إِنَّ فِي ذَلِكَ
 لَعِبْرَةً لِّأُولِي الْأَبْصَارِ ﴿١٤﴾ زَيْنٌ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ
 مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ
 وَالْفِضَّةِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْحَرْثُ ذَلِكَ
 مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَآبِ ﴿١٥﴾ * قُلْ
 أَوْبَيْتُكُمْ بِخَيْرٍ مِّنْ ذَلِكَ لِّلَّذِينَ اتَّقَوْا عِنْدَ رَبِّهِمْ
 جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَأَزْوَاجٌ
 مُّطَهَّرَةٌ وَرِضْوَانٌ مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ ﴿١٥﴾

هرآئینه آنانکه کافر شدند اموال ایشان و نه فرزندان ایشان از (عذاب) خدای تعالی چیزی را از ایشان دفع نکند و ایشان آتش انگیز دوزخ اند (۱۰). حال ایشان مانند شیوه آل فرعون و کسانی است که پیش از ایشان بودند، آیاتِ ما را تکذیب کردند پس خدا ایشانرا بسبب گناهان ایشان گرفت و خدا سخت عقوبت است (۱۱). به کافران بگو که مغلوب خواهید شد و به سوی دوزخ جمع آوری خواهید شد و او بد جایگاه است (۱۲). بتحقیق هست شمارا نشانه در آن دو قوم که بهم آمدند^(۱) یک گروه جنگ میکرد در راه خدا و گروه دیگر کافر بودند مسلمانان آن کافران را دو برابر خویش بدیده^۲ چشم می دیدند و خدا به نصرت خود هر که را خواهد قوت میدهد هرآئینه درین واقعه پندی برای خداوندان بصیرت هست (۱۳). آراسته کرده شده است برای مردمان دوستی آرزوهای نفس از زنان و فرزندان و خزانه های انبوه (جمع ساخته) از زر و سیم و اسبان نشانمند ساخته و چهار پایان و زراعت، این بهره^۳ زندگانی دنیا است و نزد خداست بازگشت نیک (۱۴). بگو (ای محمد) آیا خیردهم شمارا به آنچه بهتر است ازین برای متقیان نزد پروردگار ایشان بوستان ها باشد که می رود از زیر آنها جویها، جاویدان باشند در آن و باشند (نیزبرایشان) زنان پاکیزه و از خوشنودی خدا برخوردارند و خدا به بندگان بیناست (۱۵).

(۱) یعنی روز بدر والله اعلم.

الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا إِنَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا
 وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ ﴿١٦﴾ الصَّٰدِقِينَ وَالصَّٰدِقَاتِ وَالْقَنَاتِ
 وَالْمُنْفِقِينَ وَالْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَسْحَارِ ﴿١٧﴾ شَهِدَ اللَّهُ
 أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا
 بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿١٨﴾ إِنَّ الدِّينَ
 عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ وَمَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ
 إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَعِيًا بَيْنَهُمْ وَمَنْ يَكْفُرْ
 بِآيَاتِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ ﴿١٩﴾ فَإِنْ حَاجُّوكَ
 فَقُلْ أَسَمْتُ وَجْهِي لِلَّهِ وَمَنِ اتَّبَعَنِ وَقُلْ لِلَّذِينَ أُوتُوا
 الْكِتَابَ وَالْأُمِّيِّينَ أَسَمْتُ فَإِنْ أَسَمُوا فَقَدْ اهْتَدَوْا
 وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ ﴿٢٠﴾
 إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيَّ
 بِغَيْرِ حَقٍّ وَيَقْتُلُونَ الَّذِينَ يَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ مِنَ
 النَّاسِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ﴿٢١﴾ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ حَبِطَتْ
 أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ ﴿٢٢﴾

آنانکه می گویند ای پروردگارا هرآئینه ما ایمان آوردیم پس گناهان ما را برایمان بیامرز و مارا از عذاب آتش نگاهدار (۱۶). شکیبایان و راست گویان و فرمانبرداران و خرج کنندگان و آمرزش خواهان در اوقات سحر (۱۷). خدا گواهی^(۲) داد^(۳) آنکه هیچ معبود برحقى مگر او نیست و گواهی دادند فرشتگان و خداوندان دانش در آن حال که خدا تدبیر کننده عالم است بعدل، نیست هیچ معبود برحقى مگر او غالب استوار کار است (۱۸). هرآئینه دین (معتبر) نزد خدا اسلام است و اختلاف نکردند (یعنی در قبول اسلام) اهل کتاب مگر بعد از آنکه به ایشان دانش آمد^(۴) از روی حسد در میان خویش و هر که کافر باشد به آیات خدا پس هرآئینه خدا زود گیرنده حساب است (۱۹). پس اگر مکابره کنند باتو (یا محمد) پس (از دل و جان) بگو من خود را فرمانبردار خدا ساخته ام خود را و نیز هر کسی که پیروی من کرد (چنین بود) و بگو به اهل کتاب و به خوانندگان آیا اسلام آوردید پس اگر اسلام آوردند به تحقیق که راه یافتند و اگر روی گردانیدند پس جزاین نیست که برتوست پیغام رسانیدن و خدا به بند گان بیناست (۲۰). هرآئینه کسانی که به آیه های خدا کافر می شوند و پیامبران را به نا حق می کشند و آنان را که بعدل می فرمایند از مردمان می کشند پس ایشانرا بعذاب درد دهنده خبرده (۲۱). این گروه آنانند که عمل های ایشان در دنیا و آخرت نابود شد و ایشان را یاری دهنده نیست (۲۲).

(۲) مترجم گوید ازینجا خدای تعالی شروع می فرماید در مناظره اهل کتابین ورد شبهات ایشان و تعداد تحریفات ایشان و این قصه ممتد است تا قوله «وَإِذْ عَدَوْتَ مِنْ أَهْلِكَ».

(۳) یعنی آشکار ساخت.

(۴) یعنی حقیقت حال دانستند.

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيبًا مِّنَ الْكِتَابِ يُدْعَوْنَ إِلَى كِتَابِ
 اللَّهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ يَتَوَلَّى فَرِيقٌ مِّنْهُمْ وَهُمْ مُّعْرِضُونَ ﴿٢٣﴾
 ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لَن تَمَسَّنَا النَّارُ إِلَّا أَيَّامًا مَّعْدُودَاتٍ ۗ
 وَغَرَّهُمْ فِي دِينِهِمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ ﴿٢٤﴾ فَكَيْفَ إِذَا جُمِعْنَا لَهُمْ
 يَوْمَئِذٍ أَجْرُهُمْ لَمَّا بَدَأْنَا مِن ذِكْرِهِمْ فَهُمْ عَابِدُوكَ وَمَنْ
 لَا يُظْلَمُونَ ﴿٢٥﴾ قُلِ اللَّهُمَّ مَلِكُ الْمَلِكِ تُؤْتِي الْمَلِكَ مَن
 تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّن تَشَاءُ وَتُعِزُّ مَن تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَن
 تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٢٦﴾ تُولِجُ اللَّيْلَ
 فِي النَّهَارِ وَتُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَتُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَمِيتِ
 وَتُخْرِجُ الْمَمِيتَ مِنَ الْحَيِّ وَتَرزُقُ مَن تَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ ﴿٢٧﴾
 لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِن دُونِ الْمُؤْمِنِينَ ۗ
 وَمَن يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَن تَتَّقُوا مِنْهُمْ
 تُقَاةً وَيُحَذِّرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ ۗ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ ﴿٢٨﴾ قُلِ
 إِن تَخَفُوا مَا فِي صُدُورِكُمْ أَوْ تُبَدُّوهُ يَعْلَمُهُ اللَّهُ وَيَعْلَمُ
 مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ۗ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٢٩﴾

آیاندیدی بسوی آنانکه داده شدند پاره ای از علم کتاب خوانده می شوند بسوی کتاب خدا تا حکم کند میان ایشان پس گروهی از ایشان اعراض کنان روی می گرداند (۲۳). این بسبب آنست که ایشان گفتند هرگز بما آتش دوزخ نرسد مگر چند روزی شمرده شده و ایشان را در دین ایشان آنچه افترا میکردند فریفت (۲۴). پس چگونه بُود حال وقتیکه جمع کنیم ایشان را در روزی که در آن هیچ شکی نیست و تمام داده شود هر شخصی را جزاء آنچه عمل کرده و بر ایشان ستم کرده نشود (۲۵). بگوبار آنها ای خداوند پادشاهی، میدهی پادشاهی هرکه را خواهی و باز می گیری پادشاهی از هر که خواهی و ارجمند می سازی هرکه را خواهی و خوار می سازی هرکه را خواهی نیکی بدست تست هر آئینه تو بر همه چیز توانایی^(۵) (۲۶). درمی آری شب را در روز و درمی آری روز را در شب و بیرون می آری زنده را از مرده و بیرون می آری مرده را از زنده و روزی بی شمار میدهی هرکه را خواهی (۲۷). نباید که دوست گیرند مسلمانان کافران را به جای مؤمنان و هرکه این کند پس نیست از خدا در چیزی^(۶) مگر آنکه دفع شرایشان کنید بنوعی از حذر کردن و شمارا خدا از خود بر حذر می دارد و بسوی خدا بازگشت است (۲۸). بگو اگر پنهان کنید آنچه در سینه های شماست یا آشکار کنیدش آن را خدا می داند و آنچه در آسمان هاست و آنچه در زمین است میداند و خدا بر همه چیز تواناست (۲۹).

(۵) مترجم گوید که در امر این دعا بشارت است به مغلوب شدن کافران.

(۶) یعنی در عهد خدا نیست.

يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُّحَضَّرًا وَمَا عَمِلَتْ
مِنْ سُوءٍ تَوَدُّ لَوْ أَنَّ بَيْنَهَا وَبَيْنَهُ أَمَدًا بَعِيدًا وَيُحَذِّرُكُمُ اللَّهُ
نَفْسَهُ ۗ وَاللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ ﴿٣٠﴾ قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ
فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ
رَّحِيمٌ ﴿٣١﴾ قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ
الْكَافِرِينَ ﴿٣٢﴾ * إِنَّ اللَّهَ أَصْطَفَىٰ آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِيمَ
وَآلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ ﴿٣٣﴾ ذُرِّيَّةٌ بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَاللَّهُ
سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٣٤﴾ إِذْ قَالَتِ امْرَأَتُ عِمْرَانَ رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ لَكَ
مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا فَتَقَبَّلْ مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿٣٥﴾
فَلَمَّا وَضَعَتْهَا قَالَتْ رَبِّ إِنِّي وَضَعْتُهَا أُنْثَىٰ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا وَضَعَتْ
وَلَيْسَ الذَّكَرُ كَالْأُنْثَىٰ ۖ وَإِنِّي سَمَّيْتُهَا مَرْيَمَ وَإِنِّي أُعِيذُهَا بِكَ
وَذُرِّيَّتَهَا مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ ﴿٣٦﴾ فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ
حَسَنٍ وَأَنْبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا وَكَفَّلَهَا زَكَرِيَّا كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا
زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَ هَارِزِ قَا قَالِ يَلْمِزُنِي لَكَ هَذَا
قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ ﴿٣٧﴾

آن روزیکه حاضر یابد هرکس آنچه را که از نیکی عمل کرده است و آنچه از بدی کرده است دوست می دارد که کاش در میان او و در میان آن بدی فاصله ای دور بود و خدا شمارا از خود بر حذر می دارد و خدا بسیار بر بندگان مهربان است (۳۰). (ای محمد) بگو اگر خدا را دوست می دارید پس پیروی من کنید تا خدا شمارا دوست دارد و گناهان شمارا برای شما بپامزد و خدا آمرزنده^۷ مهربان است (۳۱). بگو خدا و پیامبر را فرمان برید پس اگر روگرداند پس هر آئینه خدا کافران را دوست ندارد^(۷) (۳۲). هر آئینه خدا آدم و نوح و آل ابراهیم و آل عمران را بر جهانیان برگزید (۳۳). در حالیکه این جماعت يك نسل بودند بعضی از ایشان پیدا شده از بعض دیگر بودند و خدا شنوای دانا است (۳۴). آنگاه که گفت زن عمران ای پروردگار من هر آئینه من نذر تو کرده ام آنچه را که در شکم من است آزاد کرده^(۸) پس قبول کن از من هر آئینه تویی شنوای دانا (۳۵). پس چون دختر را بزاد گفت ای پروردگار من هر آئینه این را دختر زاده ام و خدا داناست بآنچه وی بزاد گفت آن زن نیست پسر مانند دختر^(۹) و هر آئینه او را مریم نامیدم و هر آئینه من او را و نسل او را از شیطان ملعون در پناه تو می گذارم (۳۶). پس او (مریم) را پروردگار اوبه پذیرشی نیک پذیرفت و به پرورشی نیک او را پروراند و بروی زکریا را خبر گیر ساخت هرگاه زکریا بر مریم در مسجد داخل می شد نزد او روزی را^(۱۰) می یافت گفت ای مریم از کجاست تو را این روزی، گفت او از نزد خداست هر آئینه خدا روزی بی شمار می دهد هر که را می خواهد (۳۷).

(۷) مترجم گوید که نصاری با حضرت پیامبر صلی الله علیه وسلم درباره^۷ عیسی علیه السلام گفتگو کردند حق سبحانه این آیات نازل فرمود بعد از نزول این آیتها نصاری را بمباهله دعوت کردند همه عاجز شده جزیه قبول نمودند.

(۸) یعنی از خدمت والدین معاف داشته.

(۹) یعنی دختر را خدمت بیت المقدس نمی شاید.

(۱۰) یعنی میوه^{۱۰} زمستان در تابستان و میوه^{۱۰} تابستان در زمستان.

هَذَاكَ دَعَاكَ رِبَّيَّ رَبِّهِ، قَالَ رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً
طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدَّعَاءِ ﴿٢٨﴾ فَنَادَتْهُ الْمَلَكَةُ وَهُوَ قَائِمٌ
يُصَلِّي فِي الْمِحْرَابِ أَنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكَ بِيَحْيَى مُصَدِّقًا بِكَلِمَةٍ
مِّنَ اللَّهِ وَسَيِّدًا وَحَصُورًا وَنَبِيًّا مِّنَ الصَّالِحِينَ ﴿٢٩﴾ قَالَ رَبِّ
أَنَّى يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَقَدْ بَلَغَنِي الْكِبَرُ وَامْرَأَتِي عَاقِرٌ قَالَ
كَذَلِكَ اللَّهُ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ ﴿٤٠﴾ قَالَ رَبِّ اجْعَلْ لِي آيَةً
قَالَ آيَاتُكَ أَلا تُكَلِّمُ النَّاسَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ إِلا رَمَزًا وَأَذَكَرُ
رَبِّكَ كَثِيرًا وَسَبِّحُ بِالعِشِيِّ وَالْإِبْكَرِ ﴿٤١﴾ وَإِذْ قَالَتِ
الْمَلَكَةُ يَمْرَيْمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ
عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ ﴿٤٢﴾ يَمْرَيْمُ اقْنُتِي لِرَبِّكِ وَأَسْجُدِي
وَأَرْكَعِي مَعَ الرَّاكِعِينَ ﴿٤٣﴾ ذَلِكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهِ إِلَيْكَ
وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ يَقُولُونَ أَقْلَمُهُمْ أَيُّهُمْ يَكْفُلُ مَرْيَمَ
وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ يَخْتَصِمُونَ ﴿٤٤﴾ إِذْ قَالَتِ الْمَلَكَةُ
يَمْرَيْمُ إِنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكَ بِكَلِمَةٍ مِّنْهُ اسْمُهُ الْمَسِيحُ عِيسَى
ابْنُ مَرْيَمَ وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ ﴿٤٥﴾

آن وقت زکریا از پروردگار خود طلب کرد گفت ای پروردگار من مرا از نزد خود نسل پاک عطا کن
 هرآئینه تو شنوای دعایی (۳۸). پس ندا کردند او را فرشتگان درحالی که در عبادت‌گاه ایستاده
 بود نماز می‌گزارد، که خدا ترا به یحیی که باوردارنده کلمه از جانب خدا^(۱۱) و سردار و پارسا و
 پیامبری از نیکوکاران باشد بشارت می‌دهد (۳۹). گفت ای پروردگار من چگونه پیدا می‌شود
 برای من فرزندی و مرا سالخوردگی رسیده است وزن من نازاهست، گفت خدا همچنین
 میکند آنچه راکه می‌خواهد (۴۰). گفت ای پروردگار من برای من نشانه ای^(۱۲) معین کن
 فرمود که نشانه تو آنست که سه روز با مردمان سخن نمی‌توانی گفت مگر به اشاره و
 پروردگار خود را بسیار یاد کن و به شام و صبح تسبیح بگو (۴۱). و آنگاه که گفتند فرشتگان
 ای مریم هرآئینه خدا برگزیدت و پاک ساخت تورا و تورا بر زنان جهانیان برگزید (۴۲). ای
 مریم پروردگار خود را فرمانبرداری کن و سجده کن و نماز گزار بانماز گزاران (۴۳). (ای
 محمد) این از خبرهای غیب است آنرا بسوی تو وحی می‌کنیم و تو نزد آن قوم نبودی
 چون می‌انداختند قلمهای (قرعه) خویش را^(۱۳) تا کدام يك از ایشان سرپرست مریم باشد
 و نبودی نزد ایشان آنگاه که باهم منازعه می‌کردند (۴۴). آنگاه که گفتند فرشتگان، ای
 مریم هرآئینه خدا تورا به کلمه ای از جانب خود که نام او مسیح عیسی پسر مریم است
 بشارت می‌دهد، با آبرو درد دنیا و آخرت و از مقربان بارگاه حضرت عزت است (۴۵).

(۱۱) یعنی عیسی را باور دارد.

(۱۲) یعنی نشان حمل آن فرزند.

(۱۳) یعنی قرعه می‌انداختند.

وَيُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَكَهْلًا وَمِنَ الصَّالِحِينَ ﴿٤٦﴾
 قَالَتْ رَبِّ أَنَّى يَكُونُ لِي وَلَدٌ وَلَمْ يَمَسِّنِي بَشَرٌ قَالَ ذَلِكَ
 اللَّهُ يُخَلِّقُ مَا يَشَاءُ إِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ وَكُن فَيَكُونُ
 ﴿٤٧﴾ وَيُعَلِّمُهُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَالتَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ
 ﴿٤٨﴾ وَرَسُولًا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنِّي قَدْ جِئْتُكُمْ بِآيَةٍ مِّن
 رَبِّكُمْ أَنِّي أَخَلَقْتُ لَكُمْ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَأَنْفُخُ
 فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِ اللَّهِ وَأُبْرِئُ الْأَكْمَهَ وَالْأَبْرَصَ
 وَأُحْيِي الْمَوْتَىٰ بِإِذْنِ اللَّهِ وَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا تَأْكُلُونَ وَمَا تَدَّخِرُونَ
 فِي بُيُوتِكُمْ إِنِّي فِي ذَلِكَ لَآيَةٌ لِّكُمْ إِن كُنْتُمْ مُّؤْمِنِينَ ﴿٤٩﴾
 وَمُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَةِ وَلِأُحِلَّ لَكُمْ
 بَعْضَ الَّذِي حُرِّمَ عَلَيْكُمْ وَجِئْتُكُمْ بِآيَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ
 فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا ۝٥٠ إِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ
 هَذَا صِرَاطٌ مُّسْتَقِيمٌ ﴿٥١﴾ * فَلَمَّا أَحَسَّ عَيْسَىٰ مِنْهُمْ
 الْكُفْرَ قَالَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ
 أَنْصَارُ اللَّهِ ءَأَمَنَّا بِاللَّهِ وَأَشْهَدُ بِأَنَّا مُسْلِمُونَ ﴿٥٢﴾

وبه مردمان در گهواره سخن گوید و وقت کهن سالی و از شایستگان باشد (۴۶). گفت ای پروردگار من چگونه مرا فرزند شود و دست نرسانیده است بمن هیچ آدمی فرمود همچنین خدا هر چه می خواهد پیدا میکند چون کاری را سرانجام میکند پس جزاین نیست که میگوید او را که بشوپس میشود (۴۷). و (بشارت داد که) او را خدا کتاب و دانش و تورات و انجیل را می آموزد (۴۸). و او را پیامبری بسوی بنی اسرائیل گرداند باین دعوی که آورده ام پیش شمانشانهای از پروردگارتان (آن) اینکه هرآئینه من می سازم برای شما از گِل مانند شکل پرنده پس می دمَم در آن پس می شود پرندهای به حکم خدا و کور مادرزاد را و برص دارا بهبود می کنم (یعنی پیسی را) و مُردگان رابه حکم خدا زنده می سازم و خبر می دهم شمارا بآنچه میخورید و آنچه درخانه های خود ذخیره می کنید هرآئینه دراین کار شمارا نشانه است اگر باور دارنده اید (۴۹). و آمده ام باور دارنده آنچه پیش دست من است از تورات و آمده ام تا حلال گردانم برای شما بعضی آنچه راکه بر شما حرام شده بود و به نزد شما نشانه ای از پروردگارتان آوردم پس بتر سید از خدا و فرمان من برید (۵۰). هرآئینه خدا پروردگار من و پروردگار شماست پس او را پرستش کنید این است راه راست^(۱۴) (۵۱). پس آنگاه که عیسی از قوم خود کفر را دریافت گفت کیستند یاری دهندگان من بسوی خدا گفتند حواریان ماییم یاری دهندگان خدا ایمان آوردیم به خدا و گواه باش که ما فرمانبرداریم (۵۲).

(۱۴) القصة: این بشارت در حق عیسی علیه السلام متحقق شد و یهود را بدین خود دعوت نمود.

رَبَّنَا آمَنَّا بِمَا أَنْزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاكْتُبْنَا مَعَ
 الشَّاهِدِينَ ﴿٥٣﴾ وَمَكُرُوا وَمَكَرَ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ
 ﴿٥٤﴾ إِذْ قَالَ اللَّهُ يٰعِيسَى ابْنِي مَرْيَمَ كَفَرُوا وَرَافِعَكَ إِلَيَّ وَمُطَهِّرَكَ
 مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَجَاعِلُ الَّذِينَ اتَّبَعُوكَ فَوْقَ الَّذِينَ
 كَفَرُوا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ ثُمَّ إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأَحْكُمُ
 بَيْنَكُمْ فِيمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ ﴿٥٥﴾ فَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا
 فَأَعْدِدْ لَهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَا لَهُمْ
 مِنْ نَاصِرِينَ ﴿٥٦﴾ وَأَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
 فَيُوَفِّيهِمْ أُجُورَهُمْ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ ﴿٥٧﴾ ذَلِكَ نَتَلُوهُ
 عَلَيْكَ مِنَ الْآيَاتِ وَالذِّكْرِ الْحَكِيمِ ﴿٥٨﴾ إِنَّ مَثَلَ
 عِيسَى عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ ءَادَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ
 كُنْ فَيَكُونُ ﴿٥٩﴾ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُنْ مِنَ الْمُمْتَرِينَ
 ﴿٦٠﴾ فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا
 نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا
 وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ ﴿٦١﴾

ای پروردگار ما بآنچه فرود آوردی ایمان آوردیم و پیامبر را پیروی کردیم پس بنویس مارا با شاهدان^(۱۵) (۵۳). نقشه کشیدند و خداوند چاره جویی کرد و خداوند^(۱۶) بهترین چاره جویان است (۵۴). آنگاه که گفت خدا ای عیسیٰ هرآئینه من برگزیده توام^(۱۷) و بردارنده توام بسوی خود و پاک کننده توام از صحبت کسانی که کافر شدند و گرداننده تابعان توام بالای کافران^(۱۸) تا روز قیامت باز باز گشت شما بسوی من است پس میان شما در آنچه اختلاف می کردید در آن داوری می کنم (۵۵). اما کسانی که کفر ورزیدند پس ایشان را به عذاب سخت دردناک و آخرت عذاب کنم و ایشان را یاری دهنده ای نیست (۵۶). و اما کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند پس خدا ایشانرا مزدشان تمام دهد و خدا ظالمان را دوست نمی دارد (۵۷). این را (یا محمد) بر تو می خوانیم که از آیه ها و کتاب حکیم است (۵۸). هرآئینه حال عیسیٰ نزد خدا مانند حال آدم است اورا از خاک آفرید باز گفت اورا، بشو پس شد^(۱۹) (۵۹). این سخن از پروردگار تو راست است پس از شک آرندگان مباش (۶۰). پس هر که باتودر باره عیسیٰ بعد از آنچه آمد به سوی تو از دانش مکابره کند پس بگویید تا بخوانیم فرزندان خود را و فرزندان شمارا و زنان خود را و زنان شمارا و ذات های خود را و ذات های شمارا پس مباحله (همه بزاری دعا) کنیم پس لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم (۶۱).

(۱۵) یعنی در زمره شهداء که اکمل امت اند والله اعلم.

(۱۶) یعنی بآن کافران.

(۱۷) یعنی ازین جهان.

(۱۸) یعنی غالب بر ایشان.

(۱۹) یعنی انسان شد.

إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْقَصَصُ الْحَقُّ وَمَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا اللَّهُ وَإِنَّ اللَّهَ لَهُوَ
 الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿٦٢﴾ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِالْمُفْسِدِينَ
 ﴿٦٣﴾ قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا
 وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ
 بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا
 بِأَنَّا مُسْلِمُونَ ﴿٦٤﴾ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تُحَاجُّونَ فِي إِبْرَاهِيمَ
 وَمَا أَنْزَلْنَا التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ إِلَّا مِنْ بَعْدِهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ
 ﴿٦٥﴾ هَآأَنْتُمْ هَؤُلَاءِ حَاجَّجْتُمْ فِيمَا لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ فَلِمَ
 تُحَاجُّونَ فِيمَا لَيْسَ لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ
 لَا تَعْلَمُونَ ﴿٦٦﴾ مَا كَانَ إِبْرَاهِيمَ يَهُودِيًّا وَلَا نَصْرَانِيًّا
 وَلَكِنْ كَانَ حَنِيفًا مُسْلِمًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿٦٧﴾
 إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ لِلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ وَهَذَا النَّبِيُّ وَالَّذِينَ
 آمَنُوا وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمُؤْمِنِينَ ﴿٦٨﴾ وَدَّتْ طَآئِفَةٌ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ
 لَوْ يُضِلُّوكُمْ وَمَا يُضِلُّونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ ﴿٦٩﴾ يَا أَهْلَ
 الْكِتَابِ لِمَ تَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَأَنْتُمْ تَشْهَدُونَ ﴿٧٠﴾

هرآئینه این است خبر راست و هیچ معبود برحقى غير از خدا نيست و هرآئينه خدا غالب استوار کاراست (۶۲). پس اگر روگردانيدند پس خدا به تباہ کاران داناست (۶۳). بگوای اهل کتاب بسوى سخنى برابر (مسلم) میان ما و شما بياييد که جز خدا را نپرستيم و باوى چیزی ديگر را شريك نسازيم و بعضى از ما بعضى ديگر را به جای خدا پروردگار نگیرد پس اگر روى گردانيدند پس بگويد که گواه باشيد به آنکه ما مسلمانيم (۶۴). ای اهل کتاب چرا درباره ابراهيم مکابره می کنيد^(۲۰) و فرود آورده نشده است تورات و انجيل مگر بعد از ابراهيم آيا نمی فهميد (۶۵). آگاه شويد شما ای قوم مکابره کرديد در آنچه شما را بوى دانش است پس چرا مکابره می کنيد در آنچه شما را بوى دانش نيست و خدامی داند و شما نمی دانيد^(۲۱) (۶۶). ابراهيم يهودی نبود و نه نصرانی وليکن حنيف مسلمان بود و از شرک آورندگان^(۲۲) نبود (۶۷). هرآئينه نزديک ترين مردم به ابراهيم آن کسان بودند که پیروی او کردند يعنى در زمان او اين پيامبر و مومنان و خدا کارساز مومنان است (۶۸). آرزو کردند طائفه‌ای از اهل کتاب که شما را گمراه سازند و گمراه نمی سازند مگر خويشتن را و در نمی يابند (۶۹). ای اهل کتاب چرا کافر می شويد به آيات خدا حال آنکه خود شما گواهی ميدهيد (۷۰).

(۲۰) يعنى بعضى گفتند يهودی بود و بعضى گفتند نصرانی بود.

(۲۱) يعنى در مسائل منصوصه در تورات اختلاف کرديد تا چه رسد بغير منصوصه.

(۲۲) مترجم گويد حنيف آنرا می گفتند که استقبال کعبه کند و حج گزارد و ختنه نمايد و از جنابت غسل کند حاصل آنکه نام کسی بُود که بشريعت ابراهيمی متدين باشد.

يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَلْبُسُونَ الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُونَ الْحَقَّ
وَأَنْتُمْ تَعْمُونَ ﴿٧١﴾ وَقَالَتْ طَافِيَةٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ ءَامِنُوا
بِالَّذِي أُنزِلَ عَلَى الَّذِينَ ءَامَنُوا وَجَهَ النَّهَارِ وَكَفَرُوا ءَاخِرُهُ
لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ﴿٧٢﴾ وَلَا تَتُومِنُوا إِلَّا لِمَنْ تَبِعَ دِينَكُمْ قُلْ إِنَّ
الْهُدَىٰ هُدَىٰ اللَّهِ أَنْ يُؤْتَىٰ أَحَدٌ مِّثْلَ مَا أُوتِيْتُمْ أَوْ يُحَاجُّوكُمْ
عِنْدَ رَبِّكُمْ قُلْ إِنْ الْفَضْلَ بِيَدِ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ
وَاسِعٌ عَلِيمٌ ﴿٧٣﴾ يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ
الْعَظِيمِ ﴿٧٤﴾ * وَمَنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مَن إِنْ تَأْمَنَهُ بِقِنطَارٍ
يُؤَدِّهِ إِلَيْكَ وَمِنْهُمْ مَن إِنْ تَأْمَنَهُ بِدِينَارٍ لَا يُؤَدِّهِ إِلَيْكَ
إِلَّا مَا دُمْتَ عَلَيْهِ قَائِمًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لَيْسَ عَلَيْنَا فِي
الْأُمِّيَّةِ سَبِيلٌ وَيَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَهُمْ يَعْلَمُونَ
﴿٧٥﴾ بَلَىٰ مَنْ أَوْفَىٰ بِعَهْدِهِ وَاتَّقَىٰ فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ
﴿٧٦﴾ إِنْ الَّذِينَ يَشْتَرُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَأَيْمَانِهِمْ ثَمَنًا قَلِيلًا
أُولَئِكَ لَأَخْلَقَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ وَلَا يَكَلِمُهُمُ اللَّهُ وَلَا يَنْظُرُ
إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يَزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٧٧﴾

ای اهل کتاب چرا حق را به باطل خلط می کنید و چرا حق را می پوشید و حال آنکه شما میدانید (۷۱). و گفتند گروهی از اهل کتاب^(۲۳) ایمان آرید بآنچه فرود آورده شده است بر مسلمانان اول روز و آخر آن روز انکار کنید تا شاید که مسلمانان بر گردند^(۲۴) (۷۲). و منقاد مشوید مگر کسی را که پیروی دین شما را کند بگو (یا محمد) هر آئینه هدایت، هدایت خدا است گفتند باور مکنید آنکه داده شود کسی مانند آنچه شما داده شده اید، یا گروهی شما را نزد پروردگار شما الزام دهند بگو نعمت بدست خداست آن را به هر که خواهد می دهد و خدا فراخ نعمت داناست (۷۳). مختص می گرداند به بخشایش خود هر که خواهد و خدا صاحب فضل عظیم است (۷۴). و از اهل کتاب کسی هست که اگر او را بخزانه امین داری او را به تو باز دهد و از ایشان کسی هست که اگر او را به يك دینار امین داری باز ندهد آنرا به تو مگر تا وقتی که بر سر او ایستاده باشی و این خیانت بسبب آنست که گفتند در حق ناخواندگان بر ما هیچ راهی نیست^(۲۵) و بر خدا دروغ می گویند حال آنکه ایشان (این را) میدانند (۷۵). آری هر که وفا کند بعهده خود و پرهیزگاری کند پس هر آئینه خدا پرهیز گاران را دوست میدارد (۷۶). هر آئینه کسانی که به عوض پیمانی که با خدا بستند و به عوض سوگندان خویش بهای اندک را می ستانند آن گروه است که هیچ بهره ای ایشان را در آخرت نیست و خدا سخن نگوید با ایشان و نگاه نکند بسوی ایشان روز قیامت و ایشان را پاك نسازد و ایشان را عذاب درد ناك است (۷۷).

(۲۳) یعنی بایکدیگر.

(۲۴) یعنی در شك افتند.

(۲۵) یعنی ما را بر مال عرب که هم دین مانیستند مؤاخذه نخواهد شد.

وَإِنَّ مِنْهُمْ لَفَرِيقًا يَلُؤُنَ الْأَسِنَّةَ لَهُم بِالْكِتَابِ لِتَحْسَبُوهُ
 مِنَ الْكِتَابِ وَمَا هُوَ مِنَ الْكِتَابِ وَيَقُولُونَ هُوَ مِنْ
 عِنْدِ اللَّهِ وَمَا هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَيَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكُذِبَ
 وَهُمْ يَعْلَمُونَ ﴿٧٨﴾ مَا كَانَ لِبَشَرٍ أَنْ يُؤْتِيَهُ اللَّهُ الْكِتَابَ
 وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ ثُمَّ يَقُولَ لِلنَّاسِ كُونُوا عِبَادًا لِي مِنْ
 دُونِ اللَّهِ وَلَكِنْ كُونُوا رَبَّيْنَ بِمَا كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ
 الْكِتَابَ وَبِمَا كُنْتُمْ تَدْرُسُونَ ﴿٧٩﴾ وَلَا يَأْمُرُكُمْ أَنْ
 تَتَّخِذُوا الْمَلَائِكَةَ وَالنَّبِيِّينَ أَرْبَابًا أَيَأْمُرُكُمْ بِالْكُفْرِ بَعْدَ
 إِذْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ ﴿٨٠﴾ وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَآ أَتَيْتُكُمْ
 مِنْ كِتَابٍ وَحِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا
 مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِءَ وَلَتَنْصُرُنَّهُ قَالَ أَأَقْرَرْتُمْ وَأَخَذْتُمْ
 عَلَىٰ ذَٰلِكُمْ إِصْرِي قَالُوا أَقْرَرْنَا قَالَ فَاشْهَدُوا وَأَنَا مَعَكُمْ
 مِنَ الشَّاهِدِينَ ﴿٨١﴾ فَمَنْ تَوَلَّىٰ بَعْدَ ذَٰلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ
 الْفَاسِقُونَ ﴿٨٢﴾ أَفَغَيْرَ دِينِ اللَّهِ يَبْغُونَ وَلَهُ أَسْمَ مِنْ فِي
 السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ ﴿٨٣﴾

وهرآئینه ازاهل کتاب گروهی هستند که زبان خویش را به (خواندن) کتاب می پیچند تا گمان کنید که آن از کتابست و آن از کتاب نیست^(۲۶) و می گویند که این از نزد خدا است و آن از نزد خدا نیست دروغ می گویند بر خدا حال آنکه ایشان (این را) میدانند (۷۸). سزاوار نیست هیچ آدمی را که عطا کند اورا خدا کتاب و علم و نبوت باز بگوید به مردمان به جای خدا بند گان من شوید ولیکن مثل این شخص می گوید که ربانی باشید^(۲۷) بسبب آموزاندن کتاب و خواندن آن (۷۹). و سزاوار نیست که فرماید شمارا که پروردگار گیرید فرشتگان و پیامبران را آیا بکفر می فرماید شمارا بعد از آنکه مسلمان شده باشید (۸۰). و آنگاه که خدای تعالی پیمان پیامبران را گرفت که آنچه دادم شمارا از کتاب و علم باز بیاید به شما پیامبری باور کننده آنچه باشماست البته به او ایمان آرید و البته اورا یاری دهید، خدا فرمود آیا اقرار کردید و براین کار عهد مرا^(۲۸) گرفتید گفتند اقرار کردیم فرمود پس گواه باشید^(۲۹) و من باشما از گواهانم (۸۱). پس هر که بعد ازین بر گردد پس آن گروه ایشانند بدکاران (۸۲). آیا این کافران غیر دین خدا می طلبند و آنانکه در آسمان ها و زمین اند بخوشی یا ناخوشی فرمان بردار خدا شده اند و بسوی او گردانیده شوند (۸۳).

(۲۶) یعنی به تکلف از خود چیزی نوشته در کتاب خلط ساخته می خوانند.

(۲۷) یعنی مرشد خلق شوید.

(۲۸) یعنی قبول کردید.

(۲۹) یعنی بر یکدیگر.

قُلْ أَمَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ عَلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ
 وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ
 وَعِيسَىٰ وَالنَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِّنْهُمْ
 وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ ﴿٨٤﴾ وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ
 يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ ﴿٨٥﴾ كَيْفَ
 يَهْدِي اللَّهُ قَوْمًا كَفَرُوا بَعْدَ إِيْمَانِهِمْ وَشَهِدُوا أَنَّ
 الرَّسُولَ حَقٌّ وَجَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ
 الظَّالِمِينَ ﴿٨٦﴾ أُولَٰئِكَ جَزَاءُ هُمْ أَنْ عَلَيْهِمُ لَعْنَةُ اللَّهِ
 وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ ﴿٨٧﴾ خَالِدِينَ فِيهَا لَا يُخَفَّفُ
 عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ ﴿٨٨﴾ إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِن
 بَعْدِ ذَٰلِكَ وَأَصْلَحُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿٨٩﴾ إِنَّ الَّذِينَ
 كَفَرُوا بَعْدَ إِيْمَانِهِمْ ثُمَّ أَزْدَادُوا كُفْرًا لَّن نُّقَبِّلَ تَوْبَهُمْ
 وَأُولَٰئِكَ هُمُ الضَّالُّونَ ﴿٩٠﴾ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَمَاتُوا وَهُمْ
 كُفَّارٌ فَلَن يُقْبَلَ مِنْ أَحَدِهِمْ مِّلٌءُ الْأَرْضِ ذَهَبًا وَلَوْ
 أَفْتَدَىٰ بِهِ ؕ أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ وَمَا لَهُمْ مِنْ نَّاصِرِينَ ﴿٩١﴾

بگو به خدا و به آنچه فرود آورده شده است بر ما و به آنچه فرود آورده شده بود بر ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و نوادگان وی و آنچه داده شد به موسی و عیسی و پیامبران از پروردگار ایشان، ایمان آوردیم، فرق نمی گذاریم میان هیچ يك از ایشان و ما فرمان بردار اویم (۸۴). و هر کس که غیر اسلام دینی دیگر را طلب کند پس هرگز قبول کرده نخواهد شد از او و در آخرت از زیان کاران است (۸۵). چگونه خدا گروهی را راه نماید که کافر شدند بعد از اسلام خود و بعد از اینکه گواهی دادند که پیامبر برحق است و بعد از آنکه آمد به ایشان حجت، و خدا گروه ستم گاران را راه نمی نماید (۸۶). این گروه سزای ایشان آنست که نفرین خدا و فرشتگان و مردمان همگی بر آنان است (۸۷). جاویدان در آن لعنت، سبک کرده نشود از ایشان عذاب و نه ایشان مهلت داده شوند (۸۸). الا آنانکه توبه کردند بعد از این و نیکوکاری نمودند پس هر آئینه خدا آمرزندهٔ مهربان است (۸۹). هر آئینه کسانی که بعد از اسلام خویش کافر شدند باز در کفر زیادتی کردند هرگز توبه ایشان قبول کرده نشود و آن گروه ایشانند گمراهان (۹۰). هر آئینه آنانکه کافر شدند و کافر مردند هرگز از هیچ يك ایشان مقدار پُری زمین از زر قبول کرده نخواهد شد و اگر چه آن را به عوض خود دهد آن گروه ایشانراست عذاب درد دهنده و ایشان را هیچ یاری دهنده نیست (۹۱).

لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ
فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ ﴿٩٣﴾ * كُلُّ الطَّعَامِ كَانَ حِلالًا لِبَنِي
إِسْرَائِيلَ إِلَّا مَا حَرَّمَ إِسْرَائِيلُ عَلَى نَفْسِهِ مِنْ قَبْلِ أَنْ تُنَزَّلَ
التَّوْرَةُ قُلْ فَأْتُوا بِالتَّوْرَةِ فَاتْلُوهَا إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ
﴿٩٤﴾ فَمَنْ أَفْتَرَى عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ
هُمُ الظَّالِمُونَ ﴿٩٥﴾ قُلْ صَدَقَ اللَّهُ فَاتَّبِعُوا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا
وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿٩٦﴾ إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي
بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِلْعَالَمِينَ ﴿٩٧﴾ فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَقَامُ
إِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ وَمَنْ دَخَلَهُ وَكَانَ إِيمَانًا لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حُجُّ الْبَيْتِ
مَنْ أَسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ
﴿٩٨﴾ قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ شَهِيدٌ
عَلَى مَا تَعْمَلُونَ ﴿٩٩﴾ قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَصُدُّونَ عَنِ
سَبِيلِ اللَّهِ مَنْ آمَنَ تَبِعُونَهَا عَوَجًا وَأَنْتُمْ شُهَدَاءُ وَمَا اللَّهُ
بِغَفِيلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ﴿١٠٠﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ تَطِيعُوا أَمْرًا
مِّنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ يَرُدُّكُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ كَافِرِينَ ﴿١٠١﴾

هرگز نیکوکاری را نیابید تا آنکه خرج کنید از آنچه که دوست می دارید و هر چیز که خرج کنید پس بدرستیکه خدا بوی داناست (۹۲). همه طعام (خوردنیها) بر بنی اسرائیل حلال بود مگر آنچه یعقوب بر خویشان پیش از آنکه تورات نازل کرده شود حرام کرده بود بگو تورات را بیارید پس آن را بخوانید اگر راست گوی هستید^(۳۰) (۹۳). پس هر که بر خدا بعد ازین دروغ بندد پس آن گروه ایشانند ستم گاران (۹۴). بگوراست گفت خدا پس آیین ابراهیم را که پاک دین و حنیفی کیش بود پیروی کنید و از مشرکان نبود (۹۵). هر آئینه اول خانه ای که برای مردمان مقرر کرده شد آن است که در مکه است برکت داده شده و هدایت برای جهانیان است (۹۶). در آن خانه نشانه های روشن است از آن جمله جای ایستادن ابراهیم^(۳۱) و هر که در آید آنجا ایمن بود و حج خانه کعبه حق خدا است بر مردمان هر که توانایی رفتن بسوی آن را - از جهت اسباب راه - دارد و هر که کافر شود پس هر آئینه خدا از جهانیان بی نیاز است (۹۷). بگوای اهل کتاب چرا بآیات خدا کافر می شوید و خدا حاضر و گواه است بر آنچه می کنید (۹۸). بگوای اهل کتاب چرا از راه خدا کسی را که ایمان آورد باز می دارید برای آن راه کجی^(۳۲) را می طلبید در حالی که شما با خبرید و خدا بی خیر نیست از آنچه می کنید (۹۹). ای مسلمانان اگر گروهی را از اهل کتاب فرمان برید شمارا بعد از اسلام شما کافر گردانند (۱۰۰).

(۳۰) مترجم گوید یهود بر حضرت پیامبر صلی الله علیه و سلم طعن می کردند که شما دعوی ملت ابراهیم می کنید و آنچه در خاندان ابراهیم نمی خوردند مانند گوشت شتر و شیر آن را شما می خوردید حق تعالی جواب داد که همه چیز حلال بود پیش از نزول تورات الا گوشت و شیر شتر و تحریم گوشت و شیر شتر در ملت ابراهیم نبود این خاصه بنی اسرائیل بود بسبب تحریم جد ایشان والله اعلم.

(۳۱) یعنی نقشی که در سنگ ظاهر شده.

(۳۲) یعنی شیئات می آرید تا نزد مردمان ظاهر شود که کج است.

وَكَيْفَ تَكْفُرُونَ وَأَنْتُمْ تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ ءَايَاتُ اللَّهِ وَفِيكُمْ
 رَسُولُهُ ۗ وَمَنْ يَعْتَصِم بِاللَّهِ فَقَد هُدِيَ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿١١﴾
 يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ ۖ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ
 مُسْلِمُونَ ﴿١٢﴾ وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا ۗ وَاذْكُرُوا
 نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ ۖ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ
 فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ
 النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ ءَايَاتِهِ ۗ لَعَلَّكُمْ
 تَهْتَدُونَ ﴿١٣﴾ وَلَتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ
 بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ ۗ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿١٤﴾
 وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ
 وَأُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿١٥﴾ يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهٌ وَتَسْوَدُّ
 وُجُوهٌ فَأَمَّا الَّذِينَ اسْوَدَّتْ وُجُوهُهُمْ أَكْفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ
 فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ ﴿١٦﴾ وَأَمَّا الَّذِينَ أَبْيَضَّتْ
 وُجُوهُهُمْ ففِي رَحْمَةِ اللَّهِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿١٧﴾ تِلْكَ ءَايَاتُ
 اللَّهِ نَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ وَمَا اللَّهُ يُرِيدُ ظُلْمًا لِلْعَالَمِينَ ﴿١٨﴾

و چگونه کافر شوید حال آنکه بر شما آیات خدا خوانده می شود و در میان شما پیامبر خدا هست و هر که به خدا چنگ استوار کرد پس هر آئینه بسوی راه راست راه نموده شد (۱۰۱). ای مسلمانان از خدا حق ترسیدن از وی بترسید و نمیرید مگر در حالیکه شما مسلمان باشید (۱۰۲). و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید^(۳۳) و پراگنده مشوید و نعمت خدا را که بر شماست یاد کنید چون دشمن یکدیگر بودید^(۳۴) پس میان دلهای شما الفت انداخت پس شدید به نعمت خدا برادر بایکدیگر و بودید برکناره چاله ای از آتش پس شمار از آن رهانید همچنین خدا برای شما نشانه های خود را بیان می کند تا باشد که راه یابید^(۳۵) (۱۰۳). و باید که از شما گروهی باشد که بخوانند بسوی نیکی و به کار پسندیده فرمان دهند و منع کنند از ناپسندیده و آن گروه ایشانند رستگاران^(۳۶) (۱۰۴). و مباحثید مانند کسانی که پراگنده شدند و بایکدیگر اختلاف کردند بعد از آنکه به ایشان حجت ها آمد و آن گروه بر ایشان عذاب بزرگ است^(۳۷) (۱۰۵). روزی که چهره هایی سفید گردد و سیاه گردد چهره هایی پس اما آنانکه سیاه گشت روی های ایشان بدیشان گفته شود آیا کافر شدید بعد از اسلام خویش پس عذاب را بسبب کافر شدنتان بچشید (۱۰۶). و اما آنانکه سفید شد روی های ایشان پس ایشان در رحمت خدا باشند در آنجا جاویدند (۱۰۷). این آیات خداست آن را بر تو برآستی می خوانیم و خدا بر جهانیان ستمی را نمی خواهد (۱۰۸).

(۳۳) به دین خدا.

(۳۴) یعنی اوس و خزرج و عرب معدیه و یمنیه و عرب و عجم بایک دیگر دشمنی داشتند.

(۳۵) یعنی تفرق در اصول دین حرام است که جمعی معتزلی باشد و جمعی شیعه و علی هذا القیاس.

(۳۶) یعنی واجب بالكفایة است که جمعی به امر معروف و نهی از منکر قیام نمایند.

(۳۷) یعنی مانند یهود و نصاری مشوید که هفتاد و چند فرقه گشتند.

وَ لِلّٰهِ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْاَرْضِ وَ اِلَى اللّٰهِ تُرْجَعُ الْاُمُورُ
 ﴿١٩﴾ كُنْتُمْ خَيْرَ اُمَّةٍ اُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ
 وَ تَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ تُؤْمِنُونَ بِاللّٰهِ وَ لَوْ اَمَنَ اَهْلُ
 الْكِتٰبِ لَكَانَ خَيْرًا لَّهُمْ مِّنْهُمْ الْمُؤْمِنُونَ وَ اَكْثَرُهُمْ
 الْفٰسِقُونَ ﴿٢٠﴾ لَنْ يَضُرُّكُمْ اِلَّا اَذًى ط وَاِنْ يُقْتَلُوْكُمْ
 يُوَلُّوْكُمْ الْاَدْبَارَ ثُمَّ لَا يَنْصُرُوْنَ ﴿٢١﴾ ضَرِبَتْ عَلَيْهِمْ
 اَلذِّلَّةُ اَيُّنَ مَا تُقِفُوْا اِلَّا بِحَبْلِ مِّنَ اللّٰهِ وَ حَبْلٍ مِّنَ النَّاسِ
 وَ بَآءٌ وَ بَغْضَبٍ مِّنَ اللّٰهِ وَ ضَرِبَتْ عَلَيْهِمُ الْمَسْكَنَةُ ذٰلِكَ
 بِاَنَّهُمْ كَانُوْا يَكْفُرُوْنَ بِآيٰتِ اللّٰهِ وَ يَقْتُلُوْنَ الْاَنْبِيَاۗءَ
 بِغَيْرِ حَقٍّ ذٰلِكَ بِمَا عَصَوْا وَّكَانُوْا يَعْتَدُوْنَ ﴿٢٢﴾ * لَيْسُوْا
 سَوَآءٌ مِّنْ اَهْلِ الْكِتٰبِ اُمَّةٌ قٰئِمَةٌ يَتْلُوْنَ ءَايٰتِ اللّٰهِ
 ءَا نَاءَ الْيَلِّ وَ هُمْ يَسْتَجِدُوْنَ ﴿٢٣﴾ يُؤْمِنُوْنَ بِاللّٰهِ وَ الْيَوْمِ
 الْاٰخِرِ وَ يَأْمُرُوْنَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ
 وَ يُسَدِّعُوْنَ فِي الْخَيْرٰتِ ط وَاُوَلِّبَكَ مِنَ الصّٰلِحِيْنَ ﴿٢٤﴾ وَ مَا
 يَفْعَلُوْا مِنْ خَيْرٍ فَلَنْ يُكْفَرُوْهُ وَ اللّٰهُ عَلِيْمٌ بِالْمُتَّقِيْنَ ﴿٢٥﴾

و خدا راست آنچه در آسمان هاست و آنچه در زمین است و به سوی خدا همه کارها باز گردانیده می شود (۱۰۹). شما بهترین امتی هستید که برای مردمان بیرون آورده شده است^(۳۸) به کار پسندیده می فرمایید و از ناپسندیده منع می کنید و خدا را باور میدارید و اگر ایمان می آوردند اهل کتاب هر آئیه ایشان را بهتر می بود بعضی از ایشان مسلمانند و بیشتر ایشان بدکاراند (۱۱۰). هرگز به شما زیان نرسانند مگر رنجی اندک^(۳۹) و اگر باشما کارزار کنند پشت بسوی شماکنند^(۴۰) باز نصرت داده نشوند (۱۱۱). برای ایشان هر کجا که یافته شوند خواری زده شد مگر بدست آویزی از خدا و دست آویزی از مردمان^(۴۱) و به خشمی از خدا بازگشتند و برایشان ناداری زده شد، این بسبب آنست که کافر می بودند و پیامبران را به ناحق می کشتند این بسبب گناه کردن ایشان است و بسبب آنکه از خدمی گذشتند (۱۱۲). همه برابر نیستند، از اهل کتاب گروهی هست ایستاده (راستکردار) آیات خدا را در اوقات شب می خوانند و ایشان سجده می کنند^(۴۲) (۱۱۳). به خدا و روز قیامت ایمان می آورند و بکار پسندیده می فرمایند و از ناپسندیده منع می کنند و در نیکی ها سبقت می کنند و ایشان از شایسته کاراند (۱۱۴). و آنچه از نیکی می کنند پس به ایشان راجع به آن عمل کفران نخواهد شد و خدا به پرهیزگاران داناست (۱۱۵).

(۳۸) یعنی مقرر کرده شد.

(۳۹) یعنی بسبب زبان درازی.

(۴۰) یعنی بگریزند.

(۴۱) یعنی مگر بعهده ذمه.

(۴۲) یعنی آنانکه از ایشان مسلمان شده اند مانند عبدالله بن سلام.

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ تُغْنِي عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ مِنَ
 اللَّهِ شَيْئًا وَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿١١٦﴾
 مَثَلُ مَا يُنْفِقُونَ فِي هَذِهِ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَثَلِ رِيحٍ فِيهَا
 صِرٌّ أَصَابَتْ حَرْتٌ قَوْمٍ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ فَأَهْلَكَتُهُ وَمَا
 ظَلَمَهُمُ اللَّهُ وَلَٰكِن أَنفُسُهُمْ يَظْلِمُونَ ﴿١١٧﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ
 آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بِطَانَةَ مَن دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا
 وُدًّا وَمَا عَنِتُّمْ قَد بَدَتْ الْبَعْضَاءُ مِن أَفْوَاهِهِمْ وَمَا تَخْفَى
 صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ قَد بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ إِن كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ
 ﴿١١٨﴾ هَآأَنْتُمْ أَوْلَاءٌ يُحِبُّونَهُمْ وَلَا يُحِبُّونَكُمْ وَتُؤْمِنُونَ بِالْكِتَابِ
 كُلِّهِ وَإِذَا الْقَوْمُ كَالُؤَاءِ آمَنَّا وَإِذَا خَلَوْا عَضُّوا عَلَيْكُمُ
 الْأُنْمَالِ مِنَ الْغَيْظِ قُلْ مُوتُوا بِغَيْظِكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ
 الصُّدُورِ ﴿١١٩﴾ إِن تَمَسَّسْكُمُ حَسَنَةٌ تَسُؤْهُمْ وَإِن تُصِيبْكُمُ
 سَيِّئَةٌ يَفْرَحُوا بِهَا وَإِن تَصْبِرُوا وَاتَّقُوا لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ
 شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ ﴿١٢٠﴾ وَإِذْ عَدَوْتَ مِنْ أَهْلِكَ
 تُبَوِّئُ الْمُؤْمِنِينَ مَقَاعِدَ لِلْقِتَالِ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿١٢١﴾

هر آئینه کسانی که کافر شدند از ایشان، مالهای ایشان و نه فرزندان ایشان از عذاب خدا چیزی را دفع نکند و ایشان دوزخیان اند ایشان در آنجا جاویدند (۱۱۶). مثال آنچه درین زندگانی دنیا خرج می کنند مانند مثال بادبست که در آن سرمای سخت است که زراعت گروهی را که ستم کردند بر خویشتن برسد پس آن را نابود ساخت و خدا برایشان ستم نکرد ولیکن بر خویشتن ستم می کردند^(۴۳) (۱۱۷). ای مسلمانان غیر از خویش همراز مگیرید^(۴۴) در فتنه انگیزی میان شما کوتاهی نمی کنند دوست داشتند رنج شمارا هر آئینه دشمنی از دهان ایشان ظاهر شد و آنچه پنهان میدارد سینه های ایشان بزرگتر است هر آئینه برای شما نشانه ها بیان کردیم اگر دانا هستی (۱۱۸). آگاه شوید شما میاید که ایشان را دوست میدارید و ایشان شمارا دوست نمی دارند و بهمه کتاب الهی ایمان می آورید و ایشان چون ملاقات کنند با شما گویند ایمان آوردیم و چون تنها شوند بر شما انگشتان خود را از خشم به دندان می گزند بگو بسبب خشم خویش بمیرید هر آئینه خدا داناست بآنچه در سینه هاست (۱۱۹). اگر به شما نعمتی برسد ایشان را اندوهگین کند و اگر به شما سختی ای برسد از آن خوشحال شوند و اگر شکیبایی کنید و پرهیزگاری نمایید مگر ایشان هیچ زیان به شما نرساند هر آئینه خدا به آنچه می کنند در برگیرنده است^(۴۵) (۱۲۰). و یادکن آنگاه که بگاه بیرون آمدی از میان اهل خانه خود می نشاندی مسلمانان را در جایگاهها برای جنگ و خدا شنوا دانا است^(۴۶) (۱۲۱).

(۴۳) حاصل آنست که صدقات ایشان نابود می شود.

(۴۴) یعنی از غیر مسلمانان.

(۴۵) در غزوه احد اهل نفاق میل کردند به آنکه در شهر متحصن شوند و اصحاب خواستند که بیرون آمده جنگ کنند بعد از آنکه هزیمت واقع شد منافعان این را محل طعن گرفتند و وقت جنگ حضرت پیامبر بر بالای کوهی جماعتی را مقید ساختند که ازین جانچینند چون آثار فتح ظاهر شد آن جماعت در پی غنیمت افتادند و عصیان پیامبر کردند بشومی این عصیان هزیمت بر مسلمانان افتاد و همه فرار کردند آلا ما شاء الله خیر شهادت حضرت پیامبر شائع شد منافقان قصد ارتداد کردند پس در جواب طعن منافقان و عتاب خلاف امر پیامبر کنندگان و تشنیع بیوفایان حق سبحانه این آیات را نازل کرد.

(۴۶) و یاد کن زمانی را که بامداد از میان خانواده خود بیرون رفتی و پایگا ههای جنگ را برای مسلمانان مهیا میکردی (مصحح).

إِذْ هَمَّتْ طَّائِفَتَانِ مِنْكُمْ أَنْ تَفْشَلَا وَاللَّهُ وَلِيُهُمَا وَعَلَى اللَّهِ
 فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ ﴿١٢٢﴾ وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ وَأَنْتُمْ أَذِلَّةٌ
 فَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿١٢٣﴾ إِذْ تَقُولُ لِلْمُؤْمِنِينَ
 أَلَنْ يَكْفِيَكُمْ أَنْ يُمِدَّكُمْ رَبُّكُمْ بِثَلَاثَةِ آفِ مِنَ الْمَلَائِكَةِ
 مُنزَلِينَ ﴿١٢٤﴾ بَلَى إِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا وَيَأْتُوكُمْ مِنْ فُورِهِمْ
 هَذَا يُمِدَّكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آفِ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ
 ﴿١٢٥﴾ وَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَى لَكُمْ وَلِتَطْمَئِنَّ قُلُوبُكُمْ بِهِ
 وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ ﴿١٢٦﴾ لِيَقْطَعَ طَرَفًا
 مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَوْ يَكْتَسِبَ اللَّهُمَّ فَيَنْقَلِبُوا خَائِبِينَ ﴿١٢٧﴾
 لَيْسَ لَكَ مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ أَوْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ أَوْ يُعَذِّبَهُمْ فَإِنَّهُمْ
 ظَالِمُونَ ﴿١٢٨﴾ وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ يَغْفِرُ لِمَنْ
 يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿١٢٩﴾ يَا أَيُّهَا
 الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً
 وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿١٣٠﴾ وَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي أُعِدَّتْ
 لِلْكَافِرِينَ ﴿١٣١﴾ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ﴿١٣٢﴾

آنگاه که خواستند دو فرقه از شما که بزدلی کنند و خدا کارساز ایشان بود و مسلمانان باید که بر خدا توکل کنند^(۴۷) (۱۲۲). و هر آینه خدا شمارا روز بدر فتح داد و در حالی که شما خوار بودید پس از خدا بترسید تا بُوَد که شکر گزاری کنید (۱۲۳). چون می گفتمی به مسلمانان آیا برایتان بس نیست که شمارا پروردگار تان به سه هزار کس از فرشتگان فرو فرستاده شده امداد کند (۱۲۴). بلی اگر صبر کنید و پرهیزگاری نمایند و کافران به سویتان به این جوش (و خروش) خود بیایند شمارا پروردگار شما به پنج هزار کس از فرشتگان نشانگذار امداد کند (۱۲۵). و خدای تعالی این مدد را مگر مژده ای برای شما نساخت و تا آنکه دلهای شما به آن آرام گیرد و نیست فتح مگر از نزد خدا غالب استوارکار (۱۲۶). چنین کرد تا هلاک کند طائفه ای را از کافران یا ایشان را مغلوب سازد پس به مراد نارسیده باز گردند (۱۲۷). تورا در این کار اختیاری نیست (خداوند) یا بمهربانی توبه ایشان را می پذیرد یا ایشان را عذاب کند زیرا که ایشان ستمگازند (۱۲۸). و خدا راست آنچه در آسمان هاست و آنچه در زمین است می آمرزد هر که را خواهد و عذاب می دهد هر که را خواهد و خدا آمرزنده مهربان است (۱۲۹). ای مومنان مخورید سود را چندین چند برابر (توبرتو) و بترسید از خدا تا باشد که رستگار شوید (۱۳۰). و از آن آتش که آماده کرده شده است برای کافران پناه گیرید (۱۳۱). و خدا و پیامبر را فرمان برید تا باشد که بر شما مهربانی کرده شود (۱۳۲).

(۴۷) یعنی بنی سلمه و بنی حارثه که خیال فرار بخاطر ایشان گذشته بود باز خدای تعالی ایشان را از جن محفوظ داشت.

* وَسَارِعُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا
 السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ ﴿١٣٢﴾ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ
 فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ
 عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ ﴿١٣٣﴾ وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا
 فَحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا
 لِذُنُوبِهِمْ وَمَن يَغْفِرِ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ وَلَمْ يُصِرُّوْا عَلَى مَا
 فَعَلُوا وَهُمْ يَعْمُونَ ﴿١٣٤﴾ أُولَٰئِكَ جَزَاءُ وَهُمْ مَغْفِرَةٌ مِّن
 رَبِّهِمْ وَجَنَّاتٌ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَنَعْمَ
 أَجْرُ الْعَامِلِينَ ﴿١٣٥﴾ قَدْ حَلَّتْ مِن قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَنِيروا
 فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ
 ﴿١٣٦﴾ هَذَا بَيَانٌ لِّلنَّاسِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ ﴿١٣٧﴾
 وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ
 ﴿١٣٨﴾ إِن يَمَسُّكُمْ قَرْحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ قَرْحٌ مِّثْلُهُ، وَتِلْكَ
 الْأَيَّامُ نَدَاوِلُهُا بَيْنَ النَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا
 وَيَتَّخِذَ مِنْكُمْ شُهَدَاءَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ ﴿١٣٩﴾

وبه سوی آمرزشی از پروردگار خویش شتاب کنید و به سوی بهشتی که پهنایی آن مانند آسمان ها وزمین است که برای پرهیزگاران آماده کرده شده است (۱۳۳). آنانکه در آسایش و سختی خرج می کنند و فروخورند گان خشم و عفوکنند گان تقصیر از مردمان و خدا نیکوکاران را دوست می دارد (۱۳۴). و آنانکه چون کارزشت کنند یا بر خود ستم کنند خدا را یادکنند پس آمرزش خواهند برای گناهان خود و کیست غیر از خدا که گناهان را بیمارزد و به آنچه کردند دانسته اصرار نورزیدند (۱۳۵). آن گروه پاداش ایشان از پروردگار شان آمرزش است و بوستانهایی که می رود زیر آنها جویها در آن جا جاویدند چه خوب است پاداش اطاعت کنندگان (۱۳۶) هر آینه گذشته است پیش از شما واقعه های آنانی که پیش از شما بودند، پس سیر کنید در زمین و بنگرید که چگونه بود آخر کار تکذیب کنندگان (۱۳۷). این پیامی است برای مردمان و هدایتی و پندی برای پرهیزگاران (۱۳۸). و سست مشوید و اندوهناک مباشید و شماید غالب اگر مسلمان هستید (۱۳۹). اگر به شما زخمی رسد پس جماعت کافران را زخمی مانند آن^(۴۸) رسیده است و این حادثه ها که می گردانیم آن را در میان مردمان برای فواید بسیار و تا خدامومنان را متمیز سازد و بعضی را از شما شهید گرداند و خدا ستمگاران را دوست نمی دارد (۱۴۰).

(۴۸) یعنی در بدر.

وَلِيْمَحِصَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَيَمْحَقَ الْكٰفِرِينَ ﴿١٤١﴾ أَمْ
 حَسِبْتُمْ أَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا
 مِنْكُمْ وَيَعْلَمَ الصّٰبِرِينَ ﴿١٤٢﴾ وَلَقَدْ كُنْتُمْ تَمَنَّوْنَ الْمَوْتَ مِنْ
 قَبْلِ أَنْ تَلْقَوْهُ فَقَدْ رَأَيْتُمُوهُ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ ﴿١٤٣﴾ وَمَا مُحَمَّدٌ
 إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ
 انْقَلَبْتُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَىٰ عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ
 اللَّهَ شَيْئًا وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ ﴿١٤٤﴾ وَمَا كَانَ
 لِنَفْسٍ أَنْ تَمُوتَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ كِتَابًا مُّوجَّلًا وَمَنْ يُرِدْ
 ثَوَابَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَنْ يُرِدْ ثَوَابَ الْآخِرَةِ نُؤْتِهِ مِنْهَا
 وَسَنَجْزِي الشَّاكِرِينَ ﴿١٤٥﴾ وَكَأَيِّنْ مِنْ نَبِيِّ قَتَلَ مَعَهُ
 رِيبُونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا
 وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصّٰبِرِينَ ﴿١٤٦﴾ وَمَا كَانَ قَوْلُهُمْ إِلَّا أَنْ
 قَالُوا رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَإِسْرَافَنَا فِي أَمْرِنَا وَثَبَّتْ أَقْدَامَنَا
 وَأَنْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكٰفِرِينَ ﴿١٤٧﴾ فَآتَاهُمُ اللَّهُ ثَوَابَ
 الدُّنْيَا وَحَسْنَ ثَوَابِ الْآخِرَةِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ ﴿١٤٨﴾

وتاکه خدا مسلمانان را سره و خالص کند^(۴۹) و کافران را نابود سازد (۱۴۱). آیا گمان کردید که به بهشت درآید و هنوز خدا مجاهدان را از شما متمیز نساخته است و پیش از آنکه صابران را متمیز سازد (۱۴۲). و هرآئینه شما مرگ را آرزومی کردید^(۵۰) پیش از آنکه ملاقات آن کنید پس آن را دیدید در حالیکه شما می‌نگریستید (۱۴۳). نیست محمد مگر پیامبر (خدا) هرآئینه پیش از وی پیامبران گذشته اند آیا اگر بمیرد یا کشته شود برمی‌گردید برپاشنه‌های خود^(۵۱)؟ و هرکه برپاشنه‌های خود برگردد پس خدا را هیچ زیان نرساند و خدا شکر گزاران را ثواب خواهد داد (۱۴۴). و هیچ شخصی را نیست که بمیرد مگر باراده خدا به سرنوشتی معین مقرر نموده است و هرکس که خواهد جزای دنیا بدهیمش از ثواب دنیا و هرکس که خواهد جزای آخرت بدهیمش از ثواب آخرت و بزودی سپاسگزاران را جزای نیک خواهیم داد (۱۴۵). و بسایپامبری که خدا پرستان بسیار همراه او با کفار قتال کردند، پس سستی نکردند بسبب مصیبتی که ایشانرا در راه خدا رسید و ناتوانی نکردند و بیچارگی نه نمودند و خدا صابران را دوست می‌دارد (۱۴۶). و نبود سخن این خدا پرستان بجز آنکه گفتند ای پروردگارا برایمان گناهان ما را از حد گذشتن ما در کار خود را بیامرز و استوار بدار پاهای ما را و ما را بر قوم کافران نصرت ده (۱۴۷). پس عطا کرد خدا ایشان را جزای نیک در دنیا و جزای نیک در آخرت و خدا نیکوکاران را دوست می‌دارد (۱۴۸).

(۴۹) یعنی گناهان ایشان رامحو کند.

(۵۰) یعنی شهادت را.

(۵۱) یعنی مرتد شوید.

يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِن تَطِيعُوا الَّذِينَ كَفَرُوا
يَرُدُّكُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا خَاسِرِينَ
﴿١٤٩﴾ بَلِ اللَّهُ مَوْلَاكُمْ وَهُوَ خَيْرُ النَّاصِرِينَ ﴿١٥٠﴾ سَنَلِقِيَ
فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ بِمَا أَشْرَكُوا بِاللَّهِ
مَا لَهُمْ نِزْلٌ بِهِ سُلْطَانًا وَمَا وَلَهُمُ النَّارُ وَيَسَّرَ
مَثْوَىٰ الظَّالِمِينَ ﴿١٥١﴾ وَلَقَدْ صَدَقَكُمُ اللَّهُ
وَعَدَهُ وَإِذْ تَخْسُونَهِ بِإِذْنِهِ حَتَّىٰ إِذَا فِشَلْتُمْ
وَتَنَزَعْتُمْ فِي الْأُمْرِ وَعَصَيْتُمْ مِّنْ بَعْدِ مَا أَرَاكُمْ
مَّا مُحِبُّونَ مِنْكُمْ مَّن يُرِيدُ الدُّنْيَا وَمِنْكُمْ مَّن
يُرِيدُ الْآخِرَةَ ثُمَّ صَرَفَكُمْ عَنْهُمْ لِيَبْتَلِيَكُمْ
وَلَقَدْ عَفَا عَنْكُمْ وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَلَىٰ الْمُؤْمِنِينَ
﴿١٥٢﴾ * إِذْ تَصْعَدُونَ وَلَا تَلُوتَ عَلَىٰ أَحَدٍ
وَالرَّسُولُ يَدْعُوكُمْ فِي أَخْرَابِكُمْ فَأَتَيْتُمُ
غَمًّا بَغِيمًا لِّكَيْلَا تَحْزَنُوا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا
مَا أَصَابَكُمْ وَاللَّهُ خَيْرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿١٥٣﴾

سورة آل عمران
الجزء الرابع
٧

ای مومنان اگر فرمان برداری کافران کنید شمارا (از آیینتان) برپاشنه های شما باز گردانند پس آنگاه زیان دیده باز گردید (۱۴۹). بلکه خدا یاری دهنده^{۵۲} شماست و او بهترین یاری دهندگان است (۱۵۰). در دل کافران ترس و رعبی را خواهیم انداخت بسبب آنکه شریک مقرر ساختند با خدا چیزی را که خدا بر او هیچ حاجتی فرود نیا آورده است و جای ایشان دوزخ است و آن برای ستمگاران بد اقامت گاه است (۱۵۱). و هر آینه راست کرد خدا در حق شما وعده خود را چون کافران را به حکم خدا می کشتید تا وقتیکه بزدلی کردید و نزاع کردید در کار خویش و نافرمانی کردید بعد از آنکه عطا نمود به شما آنچه می خواستید از شما کسی بود که دنیا را می خواست و از شما کسی بود که آخرت را می خواست آنگاه شمارا از ایشان باز گردانید^(۵۲) تا شمارا امتحان کند و بد رستیکه در گذشت از شما و خدا بر مومنان صاحب رحمت است (۱۵۲). آنگاه که در گریختن دور می رفتید و بر هیچ کس متوجه نمی شدید و پیامبر شمارا از پشت سرتان فرا می خواند پس شمارا با اندوهی بالای اندوهی سزا داد این پند دادن برای آنست تا اندوهناک نشوید بر آنچه از دست شمارفت و نه بر آنچه که به شما رسید و خدا با خبر است به آنچه می کنید (۱۵۳).

(۵۲) یعنی فرار کردید.

ثُمَّ أَنْزَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ بَعْدِ الْغَمِّ أَمْنَةً نَاعَسَا يَغْشَى طَآئِفَةً
 مِنْكُمْ وَطَآئِفَةٌ قَدْ أَهَمَّتْهُمْ أَنفُسُهُمْ يَظُنُّونَ بِاللَّهِ غَيْرَ
 الْحَقِّ ظَنَّ الْجَاهِلِيَّةِ يَقُولُونَ هَلْ لَنَا مِنَ الْأَمْرِ مِنْ شَيْءٍ ۗ
 قُلْ إِنْ الْأَمْرُ كَانَ لِلَّهِ وَمَنْ يُخْفُونَ فِي أَنفُسِهِمْ مَا لَا يَبْدُونَ لَكَ
 يَقُولُونَ لَوْ كَانَ لَنَا مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ مَّا قَاتَلْنَا هَهُنَا قُلْ لَوْ كُنْتُمْ
 فِي بُيُوتِكُمْ لَبَرَزَ الَّذِينَ كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقَتْلُ إِلَى مَضَاجِعِهِمْ
 وَلِيَبْتَلِيَ اللَّهُ مَا فِي صُدُورِكُمْ وَلِيُمَحَّصَ مَا فِي قُلُوبِكُمْ
 وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ﴿١٥٤﴾ إِنْ الَّذِينَ تَوَلَّوْا مِنْكُمْ
 يَوْمَ التَّقِي لَجْمَعَانِ إِنَّمَا أَسْزَلَهُمُ الشَّيْطَانُ بِبَعْضِ
 مَا كَسَبُوا وَلَقَدْ عَفَا اللَّهُ عَنْهُمْ إِنْ اللَّهُ عَفُورٌ حَلِيمٌ ﴿١٥٥﴾ يَا أَيُّهَا
 الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ كَفَرُوا وَقَالُوا لِإِخْوَانِهِمْ إِذَا
 ضَرَبُوا فِي الْأَرْضِ أَوْ كَانُوا غُرَى لَوْ كَانُوا عِنْدَنَا مَا مَاتُوا
 وَمَا قَاتَلُوا لِيَجْعَلَ اللَّهُ ذَلِكَ حَسْرَةً فِي قُلُوبِهِمْ وَاللَّهُ يُحْيِي
 وَيُمِيتُ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿١٥٦﴾ وَلَئِنْ قُتِلْتُمْ فِي سَبِيلِ
 اللَّهِ أَوْ مِتُّمُ لَمَغْفِرَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَرَحْمَةٌ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ ﴿١٥٧﴾

باز بر شما پس از اندوه ایمنی فرود آورد که پینکی بود که گروهی از شما را می پوشید و گروهی دیگر بودند که ایشان را فکر خویشتن اندوهناک ساخته بود گمان می کردند به خدا گمان باطل مانند گمان اهل جاهلیت (یعنی اهل کفر) می گفتند آیا ما را از این کاریچ چیزی هست^(۵۳) بگو بدرستی که همه کار خدا راست در دل های خویشتن پنهان می دارند آنچه را که برای تو آشکار نمی کنند می گویند اگر ما از این کار چیزی بودی کشته نمی شدیم درین جا بگو اگر می بودید در خانه های خویش هر آئینه کسانی که مقدر شده است بر ایشان کشته شدن به سوی کشتن گاه خویش بیرون می آمدند^(۵۴) و تا بیا زماید خدا آنچه در سینه های شما است و تا که سره و خالص کند آنچه در دل های شماست و خدا دانا است بآنچه در سینه ها است (۱۵۴). هر آئینه کسانی که رو یگردانیدند از شما روزی که دو جماعت بهم آمدند^(۵۵) جز این نیست که ایشان را شیطان به شومی بعضی آنچه کردند لغزاید به یقین خدا از ایشان عفو کرد هر آئینه خدا آمرزنده بُردبار است (۱۵۵). ای مومنان مباشید مانند آنان که کافر شدند و گفتند در حق برادران خویش وقتیکه سفر کنند در زمین یابۀ جهاد بیرون آمده باشند^(۵۶) اگر ایشان نزد ما می بودند نمی مردند و کشته نمی شدند تا خدا این سخن را حسرتی در دل های ایشان گرداند و خدا زنده می کند و می میراند و خدا به آنچه می کنید بینا است (۱۵۶). و اگر کشته شدید در راه خدا یا مُردید البته آمرزشی از خدا و بخشایشی بهتر است از آنچه جمع می کنند (۱۵۷).

(۵۳) یعنی درین کار ما را اختیار نیست و به تدبیر ماکار نمی کنند.

(۵۴) و این کار برای آن کرده شده که در علم الهی مقدر بود.

(۵۵) یعنی کافران و مسلمانان.

(۵۶) یعنی چون بمیرند درین حالت.

وَلَيْنَ مُتَمَّرٌ أَوْ قَتَلْتُمْ لِإِلَى اللَّهِ تُحْشَرُونَ ﴿١٥٨﴾ فِيمَا رَحِمَهُ مِنَ اللَّهِ
 لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَأَنْفَضُوا مِنْ حَوْلِكَ
 فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ
 فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ ﴿١٥٩﴾ إِنْ يَنْصُرْكُمُ اللَّهُ
 فَلَا غَالِبَ لَكُمْ وَإِنْ يَخْذُلكُمْ فَمَنْ ذَا الَّذِي يَنْصُرْكُم مِّنْ
 بَعْدِهِ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ ﴿١٦٠﴾ وَمَا كَانَ لِنَبِيِّ أَنْ
 يَعْلُلَ وَمَنْ يَعْلُلْ يَأْتِ بِمَا غَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ثُمَّ تُوَفَّى كُلُّ
 نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْأَمُونَ ﴿١٦١﴾ أَفَمَنْ أَتَّبَعَ رِضْوَانُ
 اللَّهِ كَمَنْ بَاءَ بِسَخَطٍ مِنَ اللَّهِ وَمَا أَوْلَاهُ جَهَنَّمَ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ
 ﴿١٦٢﴾ هُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ اللَّهِ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ ﴿١٦٣﴾ لَقَدْ
 مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْ أَنْفُسِهِمْ
 يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ
 وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿١٦٤﴾ أَوْلَمَّا
 أَصَابَتْكُمْ مُصِيبَةٌ قَدْ أَصَبْتُمْ مِثْلَيْهَا قُلْتُمْ أَنَّى هَذَا
 قُلْ هُوَ مِنْ عِنْدِ أَنْفُسِكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿١٦٥﴾

و اگر مُردید یا کشته شدید البته به سوی خدا برانگیخته خواهید شد (۱۵۸). پس به سبب مهربانی از خدا برای ایشان نرم شدی و اگر درشت خوی سخت دل می بودی از دوروبر تو پراکنده می شدند پس در گذرازی ایشان و برای ایشان آمرزش خواه و با ایشان درین کار مشورت کن پس آنگاه که قصد محکم کردی پس بر خدا اعتماد کن هر آئینه خدا توکل کنندگان را دوست می دارد (۱۵۹). اگر خدا شمارا نصرت دهد هیچکس بر شما غالب نیست و اگر شمارا بغیر نصرت و اگذارد پس کیست که شمارا بعد از وی نصرت دهد و مسلمانان بر خدا باید توکل کنند (۱۶۰). و هرگز نبی را خیانت نشاید و هر که خیانت کند آن چیز را که خیانت کرده است به روز قیامت خواهد آورد^(۵۷) پس تمام داده شود هر شخصی را جزای آنچه کرده است و ایشان ستم کرده نشوند^(۵۸) (۱۶۱). آیا کسیکه در پی خوشنودی خدا است، مانند کسی است که به خشم خدا بازگشت و جای اودوزخ است و بدجایی است (۱۶۲). ایشان نزد خدا دارای مراتبند و خدا بیناست به آنچه می کنند (۱۶۳). هر آئینه خدا بر مومنان مَّت نهاد آنگاه که در میان ایشان پیامبری از قوم ایشان فرستاد آیات خدا را برایشان می خواند و ایشان را پاك می سازد و ایشان را کتاب و علم می آموزد و هر آئینه پیش ازین در گمراهی آشکار بودند (۱۶۴). آیا چون رسید به شما مصیبتی که بدست آورده بودید دو چند از آن گفتید از کجا آمد این مصیبت بگو که آن از نزد نفسهایتان است هر آئینه خدا بر همه چیز تواناست (۱۶۵).

(۵۷) یعنی بر سر برداشته.

(۵۸) مترجم گوید چون حضرت صلی الله علیه وسلم متصرف بودند در غنیمت این آیت نازل شد تا کسی گمان خیانت نکند.

وَمَا أَصَابَكُمْ يَوْمَ التَّمَيِّزِ الْجَمْعَانِ فَبِإِذْنِ اللَّهِ وَلِيَعْلَمَ الْمُؤْمِنِينَ
 ﴿١٦٦﴾ وَلِيَعْلَمَ الَّذِينَ نَافَقُوا وَقِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ
 أَوْ ادْفَعُوا قَالُوا لَوْ نَعْلَمُ قِتَالًا لَاتَّبَعْنَاكُمْ هُمْ لِلْكَفْرِ يَوْمَئِذٍ
 أَقْرَبُ مِنْهُمْ لِلْإِيمَانِ يَقُولُونَ بِأَفْوَاهِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ
 وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يَكْتُمُونَ ﴿١٦٧﴾ الَّذِينَ قَالُوا الْإِخْوَانِهِمْ وَقَعَدُوا
 لَوْ أَطَاعُونَا مَا قَاتَلُوا قُلُوبُهُمْ فَادْرَأْهُمُ وَأَعَنْ أَنْفُسِكُمْ الْمَوْتَ إِنْ
 كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿١٦٨﴾ وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ
 أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ ﴿١٦٩﴾ فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ
 اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ
 مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿١٧٠﴾ *يَسْتَبْشِرُونَ
 بِنِعْمَةِ مِنَ اللَّهِ وَفَضْلٍ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ
 الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٧١﴾ الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِلَّهِ وَالرَّسُولِ مِنْ بَعْدِ مَا أَصَابَهُمُ
 الْقَرْحُ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا مِنْهُمْ وَاتَّقُوا أَجْرٌ عَظِيمٌ ﴿١٧٢﴾
 الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا الْكَيْدَ فَآخِشُوهُمْ
 فَرَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ ﴿١٧٣﴾

و آنچه به شما رسید روزیکه بهم آمدند دو گروه پس به اراده خدا بود تا مومنان را متمیز سازد (۱۶۶). و تا آنان را که منافق شدند متمیز سازد و گفته شد ایشان را بیاید در راه خدا بجهنگید یا کافران را دفع کنید^(۵۹) گفتند اگر جنگ کردن را می دانستیم^(۶۰) البته پیروی شما می کردیم این گروه آن روز به سوی کفر نزدیک تر بودند تا ایمان نسبت به ایشان، می گویند بدهان های خویش آنچه دردل های ایشان نیست و خدا به آنچه می پوشند داناتراست (۱۶۷). آنانکه خود از جنگ بازنشسته گفتند در حق برادران خویش که اگر فرمان مامی بردند کشته نمی شدند بگو از خویشتن مرگ را دفع کنید اگر راست گو هستید (۱۶۸). و کسانی را که در راه خدا کشته شدند مرده گمان مکن بلکه نزد پروردگار خویش زنده اند روزی داده می شوند (۱۶۹). شادان به آنچه خدا ایشان را از فضل خود عطا کرده است و خوش وقت می شوند به آنانکه به ایشان نپیوسته اند از پس ایشان به سبب آنکه برایشان هیچ ترس نیست و نه ایشان اندوهناک شوند (۱۷۰). به نعمت خدا و فضل او خوش وقت می شوند و به آنکه خدا مزد مومنان را ضائع نمی کند^(۶۱) (۱۷۱). کسانی که حکم خدا و رسول را بعد از آنکه به ایشان زخم رسیده بود قبول کردند، برای کسانی ازین جماعت که نیکوکاری و تقوی ورزیدند پاداش بزرگ است (۱۷۲). آنانکه گفتند به ایشان مردمان (که کافران) برای شما لشکر جمع کرده اند پس بترسید از آن لشکرها پس این سخن ایمان ایشان را زیاده کرد و گفتند ما را خدا بس است و چه خوب کارسازی است (۱۷۳).

(۵۹) یعنی از بلاد خویش.

(۶۰) یعنی مصلحت می دانستیم.

(۶۱) مترجم گوید در احد مسلمانان و کفار باهم عهد بستند که وعده گاه قتال میان ایشان سال آینده سوق بدر باشد چون موسم سوق بدر رسید کفار شخصی را فرستادند تا جمعیت ایشان را بیان کرده مسلمانان را در حیزت توقف اندازد با وجود آن جماعتی از مسلمانان همراه آنحضرت بر آمدند و به بدر رسیدند و در تجارت سودها یافتند و هیچ يك از کفار مزاحم ایشان نشد و این غزوه را بدر صغری میگویند خدا در مدح ایشان می فرماید.

فَانْقَلَبُوا بِنِعْمَةِ مِّنَ اللَّهِ وَفَضْلِ لَّمْ يَمَسَّسْهُمْ سُوءٌ وَاتَّبَعُوا
رِضْوَانَ اللَّهِ وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ ﴿١٧٤﴾ إِنَّمَا ذَلِكُمُ الشَّيْطَانُ
يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ هُوَ فَلَا تَخَافُوهُمْ وَخَافُونَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿١٧٥﴾
وَلَا يَحْزُنكَ الَّذِينَ يُسْرِعُونَ فِي الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَنْ يَضُرُّوا اللَّهَ
شَيْئًا يُرِيدُ اللَّهُ أَلَّا يَجْعَلَ لَهُمْ حِطَّافِي الْأَخِرَةِ وَلَهُمْ عَذَابٌ
عَظِيمٌ ﴿١٧٦﴾ إِنْ الَّذِينَ أُشْرُوا الْكُفْرَ بِالْإِيمَانِ لَنْ يَضُرُّوا اللَّهَ
شَيْئًا وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿١٧٧﴾ وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا
نُمَلِّي لَهُمْ خَيْرٌ لِّأَنْفُسِهِمْ إِنَّمَا نُمَلِّي لَهُمْ لِيُزَادُوا إِثْمًا وَلَهُمْ
عَذَابٌ مُّهِينٌ ﴿١٧٨﴾ مَا كَانَ اللَّهُ لِيَذَرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى مَا أَنْتُمْ
عَلَيْهِ حَتَّى يَمِيزَ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُطْلِعَكُمْ
عَلَى الْغَيْبِ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَجْتَبِي مِنْ رُسُلِهِ مَنْ يَشَاءُ فَتَمَنُّوا بِاللَّهِ
وَرُسُلِهِ وَإِنْ تُؤْمِنُوا وَتَتَّقُوا فَلَكُمْ أَجْرٌ عَظِيمٌ ﴿١٧٩﴾ وَلَا يَحْسَبَنَّ
الَّذِينَ يَبْخُلُونَ بِمَاءِ أَيْدِيهِمْ أَنَّ اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ هُوَ خَيْرٌ لَهُمْ
بَلْ هُوَ شَرٌّ لَهُمْ سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخِلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَاللَّهُ
مِيرَاثُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ﴿١٨٠﴾

پس این مسلمانان به نعمتی از خدا و فضل او باز گشتند به ایشان هیچ آسیبی نرسید و پیروی خوشنودی خدا کردند و خدا صاحب فضل بزرگ است (۱۷۴). جزاین نیست که این خبردهنده شیطانست دوستان خود را می ترساند^(۶۲) پس شما از کافران مترسید و از من بترسید اگر مومن هستید (۱۷۵). و اندوهگین نکنند تورا (یا محمد) آنانکه در نصرت کفر می شتابند هر آئینه ایشان خدا را هیچ زیان نرسانند^(۶۳) خدا می خواهد که ایشان را هیچ بهره ای در آخرت ندهد و ایشان را عذاب بزرگ است (۱۷۶). هر آئینه آنانکه^(۶۴) کفر را به عوض ایمان خریدند خدا را هیچ زیان نرسانند و برای ایشان عذاب درد دهنده است (۱۷۷). و گمان نکنند کافران که مهلت دادن ما ایشان را بهتر است در حق ایشان جزاین نیست که ایشان را مهلت می دهیم تا گناهگارتر شوند و برای ایشان عذاب خوار کننده است (۱۷۸). هرگز رها نگذارد خدا مسلمانان را بر آن وضعی که شما بر آن هستید تا آنکه ناپاک را از پاک جدا کند و هرگز خدا شمارا بر غیب مطلع نکند ولیکن خدا از پیامبران خود هر که را خواهد برمی گزیند پس به خدا و پیامبران او ایمان آورید و اگر ایمان آورید و پرهیزگاری کنید شمارا پاداش بزرگ باشد (۱۷۹). و باید که گمان نکنند آنانکه بخل می کنند بآنچه خدا ایشان را از فضل خود عطا کرده است این بخل را بهتر برای خویش بلکه او بدست برای ایشان به زودی آنچه را که در آن بخل می وزریده اند (به مانند) طوق در روز قیامت به گردنشان افکنده می شود^(۶۵) و خدا راست میراث اهل آسمانها و زمین و خدا بآنچه می کنید دانا است (۱۸۰).

(۶۲) یعنی اشخاص ضعیف الایمان را.

(۶۳) یعنی دین او را.

(۶۴) یعنی اختیار کردند.

(۶۵) یعنی آن مال را بصورت مار کرده در گردن ایشان اندازند.

لَقَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ فَقِيرٌ وَنَحْنُ أَغْنِيَاءُ
سَنَكْتُبُ مَا قَالُوا وَقَتْلَهُمُ الْأَنْبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَنَقُولُ
ذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ ﴿١٨١﴾ ذَلِكَ بِمَا قَدَّمْتُمْ أَيْدِيكُمْ
وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَالِمٍ لِّلْعَبِيدِ ﴿١٨٢﴾ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا بِلِلَّهِ
عَهْدٍ إِنَّا آلَاءُ اللَّهِ قَالُوا لَنْ نَبْرَأَ لَكَ شَيْئًا إِنَّا كُنَّا فِي
تَأْكُلِهِ النَّارِ قُلْ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّن قَبْلِي بِالْبَيِّنَاتِ
وَبِالَّذِي قُلْتُمْ فَلِمَ قَتَلْتُمُوهُمْ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ
﴿١٨٣﴾ فَإِن كَذَّبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَ رَسُولٌ مِّن قَبْلِكَ جَاءُوا
بِالْبَيِّنَاتِ وَالزُّبُرِ وَالْكِتَابِ الْمُنِيرِ ﴿١٨٤﴾ كُلُّ نَفْسٍ
ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَإِنَّمَا تُوَفَّوْنَ أُجُورَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ
فَمَن زُحْزِحَ عَنِ النَّارِ وَأُدْخِلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازٌ وَمَا
الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ ﴿١٨٥﴾ * لَتَبْلُؤَنَّ فِي
أَمْوَالِكُمْ وَأَنفُسِكُمْ وَلَتَسْمَعَنَّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا
الْكِتَابَ مِن قَبْلِكُمْ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا أَذًى كَثِيرًا
وَإِن تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ ﴿١٨٦﴾

به یقین خدا سخن آنان را که گفتند خدا فقیر است و ما توانگریم شنید^(۱۶) خواهیم نوشت آنچه گفتند و کشتن ایشان پیامبران را به ناحق بنویسیم و بگوییم عذاب سوزنده را بپسید (۱۸۱). این عذاب بسبب عملی است که دست های شما پیش فرستاده است و بسبب آنست که خدا بر بندگان ستم کننده نیست (۱۸۲). آنانکه گفتند که خدا حکم فرستاده است به سوی ما که به هیچ پیامبر ایمان نیاریم تاآنکه برایمان قربانی بیارد که او را آتش^(۱۷) بخورد بگو پیامبران پیش از من نزد شما معجزه ها و آن رانیز که شما گفتید آوردند پس چرا ایشان را کشتید اگر راست گو هستید (۱۸۳). پس اگر تورا تکذیب کردند پس پیامبران پیش از تو که حجت ها و صحیفه ها و کتاب روشنگر آوردند تکذیب کرده شدند (۱۸۴). هر نفسی چشنده^۱ موت است و جزاین نیست که مزدتان را روز قیامت تمام داده خواهید شد پس هر که دورداشته شد ازدوزخ و درآورده شد به بهشت پس به یقین به مراد رسید و زندگانی دنیا مگر بهره^۲ فرینده ای نیست (۱۸۵). البته شما در مالهایتان و جانهایتان آزمایش کرده خواهید شد و از آنانکه کتاب داده شده اند پیش از شما و (نیز) از مشرکان سرزنش بسیار خواهید شنید و اگر صبر کنید و پرهیزگاری نمایید پس هرآینه این خصلت از کارهای مقصود است (۱۸۶).

(۱۶) یعنی چون یهود شنیدند اقرضوا الله گفتند ماغنی ایم و خدا فقیر است والله اعلم.

(۱۷) یعنی گوسفندی که ازغیب آتش او را بردارد.

وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَتُبَيِّنُنَّهُ لِلنَّاسِ
 وَلَا تَكْتُمُونَهُ، فَنَبَذُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ وَأَشْرَوْا بِهِ، ثُمَّ
 قَلِيلًا فَيَسَّ مَا يَشْتَرُونَ ﴿١٨٧﴾ لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَفْرَحُونَ بِمَا
 أُتُوا وَيُحِبُّونَ أَنْ يُحْمَدُوا بِمَا لَمْ يَفْعَلُوا فَلَا تَحْسَبَنَّهُمْ
 بِمَفَازَةٍ مِنَ الْعَذَابِ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿١٨٨﴾ وَلِلَّهِ مُلْكُ
 السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿١٨٩﴾ إِنَّ فِي
 خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لآيَاتٍ
 لِأُولِي الْأَلْبَابِ ﴿١٩٠﴾ الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَمًا وَقُعُودًا
 وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ
 رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَطْلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ ﴿١٩١﴾
 رَبَّنَا إِنَّكَ مَنْ تَدْخِلِ النَّارَ فَقَدْ أَخْرَجْتَهُ، وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ
 أَنْصَارٍ ﴿١٩٢﴾ رَبَّنَا إِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ
 ءَامِنُوا بِرَبِّكُمْ فَءَامَنَّا رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا
 سَيِّئَاتِنَا وَتَوَقَّنَا مِنَ الْأَجْرَارِ ﴿١٩٣﴾ رَبَّنَا وَءَاتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَىٰ
 رُسُلِكَ وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَمَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ ﴿١٩٤﴾

و یادکن چون خدا عهد اهل کتاب را گرفت که البته کتاب را برای مردمان بیان کنی و آن را بنویسی پس آن عهد را پس پشت خویش بینداختند و به عوض وی بهای اندک را گرفتند پس بدچیزی است که می ستانند (۱۸۷). هرگز مپندار کسانی را که شادمان می شوند به آنچه کردند و دوست میدارند که ستوده شوند به آنچه نکرده اند هرگز ایشان را نجات یافته از عذاب مپندار و برای ایشان عذاب درد ناک است (۱۸۸). و پادشاهی آسمان ها و زمین از آن خدا است و خدا بر همه چیز توانا است (۱۸۹). هرآئینه در آفرینش آسمان ها و زمین و آمدورفت شب و روز خداوندان خرد را نشانه هاست (۱۹۰). آنانکه خدا را ایستاده و نشسته و بر پهلوی خویش خفته یادمی کنند و در آفرینش آسمان ها و زمین تأمل می کنند می گویند ای پروردگار ما این را باطل نیافریده ای^(۶۸) پاکست تو را پس ما را از عذاب آتش نگاه دار (۱۹۱). ای پروردگار ما هرگز آئینه تو هرگز در آری به دوزخ به تحقیق رسوا کردی او را و ستم گاران را هیچ یاری دهنده نیست (۱۹۲). ای پروردگار ما هرآئینه شنیدیم ندا کننده ای را با آواز بلند میخواند به سوی ایمان که به پروردگار خویش ایمان آرید پس ایمان آوردیم ای پروردگار ما پس گناهان ما را بیامرز و از ما بدیهای ما را دور کن و ما را بانیکوکاران بمیران (۱۹۳). ای پروردگار ما آنچه وعده کرده ای به ما بزبان رسولان خود مارا بده و ما را روز قیامت رسوا مکن هرآئینه تو خلاف وعده نمی کنی (۱۹۴).

(۶۸) یعنی بغیر تدبیر بلیغ والله اعلم.

فَأَسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَمَلٍ مِّنْكُمْ مِّنْ
ذَكَرٍ أَوْ أُنْتِي بَعْضُكُمْ مِّنْ بَعْضٍ فَأَلِذِينَ هَاجَرُوا وَأُخْرِجُوا
مِنْ دِيَارِهِمْ وَأُودُوا فِي سَبِيلِي وَقَتَلُوا وَقَتِلُوا لِأَكْفَرَنَّ
عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَا تُدْخِلَنَّهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا
الْأَنْهَارُ ثَوَابًا مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الثَّوَابِ ﴿١٩٥﴾
لَا يَغْرَتْنَاكَ تَقَلُّبُ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي الْبِلَادِ ﴿١٩٦﴾ مَتَّعٌ قَلِيلٌ
ثُمَّ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَيَسَّ الْمَهَادُ ﴿١٩٧﴾ لَكِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا
رَبَّهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا
نُزُلًا مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ لِلْأَبْرَارِ ﴿١٩٨﴾ وَإِنَّ مِنْ
أَهْلِ الْكِتَابِ لَمَنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْكُمْ
وَمَا أُنزِلَ إِلَيْهِمْ خَشِعِينَ لِلَّهِ لَا يَشْتَرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ
ثَمَنًا قَلِيلًا أَوْ لَتِيكَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ إِنَّ اللَّهَ
سَرِيعُ الْحِسَابِ ﴿١٩٩﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَصْبِرُوا
وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿٢٠٠﴾

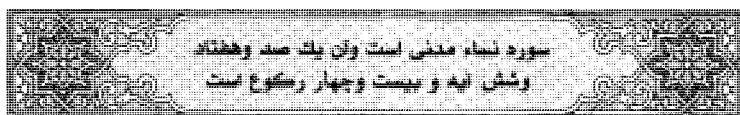
سورة النساء

پس پروردگار ایشان دعای ایشان را قبول کرد به آنکه من عمل هیچ عمل کننده را از شما از مرد یا زن ضائع نمی کنم بعض شما از جنس بعضی است پس آنانکه هجرت کردند و از خانه هایشان بیرون کرده شدند و در راه من رنجانیده شدند و جنگ کردند و کشته شدند البته از ایشان گناهان ایشان را دور کنم و البته ایشان را در باغ هایی که می رود زیر آنها جوی ها در آرام پاداشی از نزد خدا و خدا به نزد او پاداش نیک ست (۱۹۵). باید که تورا آمدورفت کافران در شهرها نفریید (۱۹۶). این بهره مندی اندک است بعد از آن جای ایشان دوزخ باشد و آن بدجایی است (۱۹۷). لیکن آنانکه از پروردگار خود ترسیدند ایشان راست بوستان ها ای که می رود زیر آنها جوی ها جاویدان در آنجا مهمانی از نزد خدا است و آنچه نزد خدا ست نیکوکاران را بهتر است (۱۹۸). و هر آئینه از اهل کتاب کسانی اند که ایمان می آورند به خدا و به آنچه به سوی شما فرود آورده شد و به آنچه فرود آورده شد به سوی ایشان فروتنی کنندگان برای خدا به عوض آیه های خدایان اندک را نمی ستانند آن گروه ایشان راست پاداش ایشان نزد پروردگارشان هر آئینه خدا زود حساب گیرنده است (۱۹۹). ای مومنان صبر کنید و محنت کشید و برای جهاد آماده باشید و از خدا بترسید باشد که رستگار شوید (۲۰۰).

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا
 زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ
 بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا ۝١ وَعَ اتُوا الْيَتَامَىٰ أَمْوَالَهُمْ
 وَلَا تَبَدَّلُوا الْخَيْرَ بِالْطَّيِّبِ وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَهُمْ إِلَىٰ أَمْوَالِكُمْ إِنَّهُ
 كَانَ حُوبًا كَثِيرًا ۝٢ وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانكِحُوا
 مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مِثْلَىٰ مَا بَيْنَ يَدَيْكُمْ وَأَنْكِحُوا الْيَتَامَىٰ
 فَوَجَدْتُمْ لَهُمْ مِمَّا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَلَّا تَعُولُوا ۝٣ وَعَ اتُوا
 النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً فَإِنْ طِبْنَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِّنْهُنَّ نَفْسًا فَكُلُوهُ
 هُنَّ مَرِيئًا ۝٤ وَلَا تَوْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ
 قِيَمًا وَارْزُقُوهُمْ فِيهَا وَاكْسُوهُمْ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا ۝٥ وَابْتَلُوا
 الْيَتَامَىٰ حَتَّىٰ إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ فَإِنْ آنَسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُوا
 إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ وَلَا تَأْكُلُوهَا إِسْرَافًا وَبِدَارًا أَنْ يَكْبَرُوا وَمَنْ كَانَ
 غَنِيًّا فَلْيَسْتَعْفِفْ وَمَنْ كَانَ فَقِيرًا فَلْيَأْكُلْ بِالْمَعْرُوفِ فَإِذَا
 دَفَعْتُمْ إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ فَأَشْهَدُوا عَلَيْهِمْ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ حَسِيبًا ۝٦





بنام خدای بخشاینده مهربان

ای مردمان از پروردگار خویش بترسید آن که شمارا از یک ذات بیافرید و از آن ذات زن او را آفرید و ازین دوکس مردمان بسیار وزنان بیشمار منتشر ساخت و از آن خدا بترسید که به نام او از یکدیگر سوال می کنید و از قطع صله رحمی خویشاوندان بترسید هر آئینه خدا بر شما نگاهبان هست (۱). و به یتیمان اموال ایشان را بدهید و ناپاک را به پاکیزه بدل نکنید و اموال ایشان را بهم آورده به اموال خویش مخورید هر آئینه این گناهی بزرگ است (۲) (۱). و اگر ترسیدید که در حق دختران یتیمه نمی توانید به عدل و انصاف رفتار کنید پس نکاح کنید از سایر زنان آنچه را که شمارا خوش آید دوزن (یا) سه زن، و یا چهار زن، پس اگر دانید که درین صورت نیز عدل نتوانید کرد پس یک زن را نکاح کنید یا سئریه بگیرید آنرا که دستهای شما مالک او شد این نزدیک تر است به آنکه ظلم و جور نکنید (۳). و بدهید زنان را مهر ایشان به خوشدلی و اگر زنان به خوشدلی برای شما از بعضی از آن مهر در گذرند پس آن را سازگار و خوشگوار بخورید (۴). و اموالتان را که خدا آن را سبب استقامت معیشت برای شما کرده است به کم خردان مدهید و ایشان را از آن اموال بخورانید و بپوشانید و به ایشان سخن نیکو بگویید (۵) (۲). و امتحان کنید یتیمان را (۳) تا آنگاه که به حد نکاح رسند (۴) پس اگر از ایشان حسن تدبیر دریافتید پس به ایشان اموال ایشان را برسانید و آن اموال را (۵) به اسراف و شتاب از ترس آنکه بزرگ شوند مخورید و هر که توانگر باشد پس باید که پرهیز گاری کند (۶) و هر که فقیر باشد پس باید که بوجه پسندیده بخورد پس چون به ایشان اموال ایشان را دادید برایشان گواه بگیرید و خدا (بحقیقت) حساب گیرنده بس است (۶).

- (۱) در جاهلیت اولیای دختران یتیمان مانند (پسران عمو) ایشان را بنکاح خود درمی آوردند و ایفای حقوق نکاح نمی کردند خدای تعالی آیت فرستاد.
- (۲) یعنی بر سلفها ججر (یعنی از تصرف در مال جلو گیری) باید کرد و اموال ایشان را که بحقیقت همه مسلمانان بآن منتفع اند بی واسطه یا بواسطه بدست ایشان داده ضائع نباید ساخت والله اعلم.
- (۳) یعنی در ایام کودکی.
- (۴) یعنی بالغ شوند.
- (۵) یعنی در خردسالی ایشان.
- (۶) یعنی وصی یتیم اگر توانگر باشد از اموال یتیم چیزی نگیرد.

لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ
 مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ مِمَّا قَلَّ مِنْهُ أَوْ كَثُرَ نَصِيبًا
 مَّفْرُوضًا ﴿٧﴾ وَإِذَا حَضَرَ الْقِسْمَةَ أُولُو الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ
 وَالْمَسَاكِينُ فَارْزُقُوهُمْ مِنْهُ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا
 ﴿٨﴾ وَلِيَخَشَّ الَّذِينَ لَوْتَرَكَوْا مِنْ خَلْفِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ ضِعْفًا
 خَافُوا عَلَيْهِمْ فَلْيَتَّقُوا اللَّهَ وَلْيَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا ﴿٩﴾ إِنَّ
 الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَىٰ ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي
 بُطُونِهِمْ نَارًا وَسَيَصْلَوْنَ سَعِيرًا ﴿١٠﴾ يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي
 أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ فَإِنْ كُنَّ نِسَاءً
 فَوْقَ اثْنَتَيْنِ فَلَهُنَّ ثُلُثَا مَا تَرَكَ وَإِنْ كَانَتْ وَاحِدَةً فَلَهَا
 النِّصْفُ وَلَا بُوَيْهَ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا السُّدُسُ مِمَّا تَرَكَ إِنْ
 كَانَ لَهُ وَوَلَدٌ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَوَلَدٌ وَوَرِثَةٌ وَأَبَوَاهُ فَلِأُمِّهِ الثُّلُثُ فَإِنْ
 كَانَ لَهُ إِخْوَةٌ فَلِأُمِّهِ السُّدُسُ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصِي بِهَا
 أَوْرِدِينَ ؕ أَبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ لَا تَدْرُونَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ لَكُمْ
 نَفْعًا فَرِيضَةٌ مِّنَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا ﴿١١﴾

مردان را حصه ای هست از آنچه پدر و مادر و خویشان بگذارند و زنان را نیز حصه ای هست از آنچه پدر و مادر و خویشان بگذارند از آنچه کم باشد از مال یا بسیار حصه مقرر کرده شده است^(۷) (۷). و چون هنگام قسمت میراث خویشان^(۸) و یتیمان و گدایان حاضر شوند پس ایشانرا چیزی از آن بدهید^(۹) و به ایشان سخن نیکو بگویید (۸). و باید که از خدا بترسند آنانکه اگر بگذارند بعد از خود فرزندان ناتوان را ترس داشته باشند برایشان که ضائع شوند پس باید که از خدا بترسند و باید که سخن استوار را بگویند^(۱۰) (۹). هر آئینه آنانکه اموال یتیمان را به ظلم میخورند جز این نیست که در شکم خویش آتش را میخورند و به زودی به دوزخ درآیند (۱۰). خدا شمارا در حق فرزندان که مرد راهست مانند حصه دوزن حکم می کند، اگر اولاد میت همه دختر بیشتر از دو نفر باشند پس ایشان راست دوسوم آنچه میت گذاشته است^(۱۱) و اگر (ذریتش) يك دختر باشد پس برای او نیم ترکه است و پدر و مادر میت راهریکی را از ایشان يك ششم آنچه بگذاشته است هست اگر میت را فرزندی باشد، پس اگر او را فرزندی نباشد و وارث او پدر و مادر او شوند پس مادرش را يك سوم ترکه هست^(۱۲) پس اگر میت را برادران باشند مادرش را يك ششم ترکه هست^(۱۳) و این تقسیم بعد از ادای وصیتی که میت به آن فرموده یا بعد از ادای دین است^(۱۴) نمیدانید که کدام يك از پدران شما و پسران شما نزدیک تر است برایتان در نفع رسانیدن، از جانب خدا حصه معین کرده شد هر آئینه خدا دانای استوار کار هست (۱۱).

-
- (۷) یعنی مردان و زنان هر دو حصه دارند از هر مال که باشد کم بود یا بسیار درین آیه رد است بر اهل جاهلیت که زنان را حصه نمی دادند.
- (۸) یعنی خویشان غیر وارث.
- (۹) یعنی بطریق استحباب.
- (۱۰) یعنی آنانکه اولاد داشته باشند بوجهی وصیت کنند که اولاد را ضرر نرسد و این در شرع بمقدار يك سوم مال (در حد اکثر) یا کمتر از آن است والله اعلم.
- (۱۱) مترجم گوید حکم دو دختر نیز ثلثان است والله اعلم.
- (۱۲) یعنی ما بقی برای پدر است.
- (۱۳) یعنی برادران و خواهران حصه مادر را ناقص می سازند اگر چه خود چیزی نیابند و يك برادر و يك خواهر نیز ناقص می سازد والله اعلم.
- (۱۴) یعنی اگر وصیت باشد و یا اگر وام باشد نخست به ادای وصیت و یا دین به پردازند.

* وَلَكُمْ نِصْفُ مَا تَرَكَ أَزْوَاجُكُمْ إِنْ لَمْ يَكُنْ
 لَهُنَّ وَلَدٌ فَإِنْ كَانَ لَهُنَّ وَلَدٌ فَلَكُمْ الرُّبْعُ مِمَّا
 تَرَكَنَّ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّتِهِ يُوَصِّينَ بِهَا أَوْلَادُهُنَّ
 وَلَهُنَّ الرُّبْعُ مِمَّا تَرَكَتُمْ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَكُمْ وَلَدٌ
 فَإِنْ كَانَ لَكُمْ وَلَدٌ فَلَهُنَّ الشُّمْنُ مِمَّا تَرَكَتُمْ
 مِنْ بَعْدِ وَصِيَّتِهِ تُوَصِّونَ بِهَا أَوْلَادُهُنَّ وَإِنْ كَانَ
 رَجُلٌ يُورِثُ كَلَلَةً أَوْ امْرَأَةً وَوَلَهُ أَخٌ أَوْ أُخْتٌ فَلِكُلِّ
 وَاحِدٍ مِّنْهُمَا السُّدُسُ فَإِنْ كَانُوا أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ
 فَهُمْ شُرَكَاءُ فِي الثُّلُثِ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّتِهِ يُوَصِّى
 بِهَا أَوْلَادُهُنَّ غَيْرَ مُضَارٍّ وَصِيَّةً مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ
 عَلِيمٌ حَلِيمٌ ﴿١٢﴾ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ
 وَرَسُولَهُ وَيُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا
 الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ
 ﴿١٣﴾ وَمَنْ يَعِصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَتَعَدَّ حُدُودَهُ
 يُدْخِلْهُ نَارًا خَالِدًا فِيهَا وَلَهُ عَذَابٌ مُّهِينٌ ﴿١٤﴾

و شمارا نیمه آنچه بگذاشته اند زنان شما اگر نباشد ایشان را فرزندی هست پس اگر ایشان را فرزندی باشد شمارا يك چهارم آنچه بگذاشته اند هست بعد از ادای وصیتی که به آن فرموده باشند یا بعد از ادای دین و زنان را يك چهارم آنچه شما بگذاشتید اگر شمارا فرزندی نباشد هست پس اگر شمارا فرزندی باشد پس زنان را يك هشتم آنچه بگذاشته اید بعد از ادای وصیتی که بآن فرموده باشید یا ادای دین هست و اگر مرد مرده که از وی میراث می خواهند یا زن مرده کلالة باشد^(۱۵) و او را برادری هست یا خواهری^(۱۶) پس برای هر يك از ایشان يك ششم ترکه است پس اگر اخیافیان بیشتر ازین باشند پس ایشان باهم در يك سوم ترکه بعد از ادای وصیتی که بآن فرموده شده یا بعد از ادای دین شريك اند بغير آنکه ضرر رساننده باشد^(۱۷) از جانب خدا حکم کرده شده است و خدا دانا بُردبار است (۱۲). این همه حدها مقرر کرده خداست و هر که خدا و رسول او را فرمانبرداری کند او را به بهشت هایی که می رود زیر آنها جوی ها داخل می کند در آن جاویدان و این پیروزی بزرگ است (۱۳). و هر که نافرمانی خدا و رسول او را کند و از حدهای مقرر کرده او تجاوز کند او را به آتش در آورد در آن جاویدان و برای او عذاب رسواکننده است (۱۴).

(۱۵) و معنی کلالة آن است که پدر و فرزند و برادر و خواهرتني (یعنی عینی) ندارد.

(۱۶) یعنی اخیافی.

(۱۷) یعنی وصیتی که زیاده از ثلث بود (ما زاد عن الثلث) اعتبار ندارد والله اعلم.

وَالَّتِي يَأْتِينَ الْفَاحِشَةَ مِنْ نِسَائِكُمْ فَاسْتَشْهِدُوا عَلَيْهِنَّ
 أَرْبَعَةً مِّنْكُمْ فَإِنْ شَهِدُوا فَأَمْسِكُوهُنَّ فِي الْبُيُوتِ
 حَتَّىٰ يَتَوَفَّيَهُنَّ الْمَوْتُ أَوْ يَجْعَلَ اللَّهُ لَهُنَّ سَبِيلًا ﴿١٥﴾
 وَالذَّانِ يَأْتِيَنَّهُمَا مِنْكُمْ فَعَاذُوا هُمَا فَإِنْ تَابَا وَأَصْلَحَا
 فَأَعْرَضُوا عَنْهُمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ تَوَّابًا رَّحِيمًا ﴿١٦﴾
 إِنَّمَا التَّوْبَةُ عَلَى اللَّهِ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السُّوءَ بِجَهَالَةٍ
 ثُمَّ يَتُوبُونَ مِنْ قَرِيبٍ فَأُولَٰئِكَ يَتُوبُ اللَّهُ عَلَيْهِمْ
 وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا ﴿١٧﴾ وَلَيْسَتِ التَّوْبَةُ لِلَّذِينَ
 يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ حَتَّىٰ إِذَا حَضَرَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ
 قَالَ إِنِّي تَبْتُ الْكُفْرَ وَلَا الَّذِينَ يَمُوتُونَ وَهُمْ كُفَّارٌ
 أُولَٰئِكَ أَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا ﴿١٨﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ
 آمَنُوا لَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَرِثُوا النِّسَاءَ كَرِهًا وَلَا تَعْضُلُوهُنَّ
 لِيَذْهَبُوا بِبَعْضِ مَاءِ أَيْتُمُوهُنَّ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ
 مُّبَيِّنَةٍ وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَىٰ
 أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا ﴿١٩﴾

آنانیکه زنامی‌کنند از زنان شما پس برایشان چهارمرد از جنس خویش^(۱۸) گواه طلبید پس اگر گواهی دادند ایشان را در خانه‌ها محبوس کنید تا آنکه مرگ عمر ایشان را تمام کند یا خدای تعالی برای ایشان راهی^(۱۹) مقرر کند (۱۵). و آن دو کس که از شما زنا می‌کنند پس ایشان را آزار دهید پس اگر توبه کردند و نیکوکاری پیش گرفتند، پس از تعذیب ایشان اعراض کنید هر آینه خدا توبه پذیر مهربان^(۲۰) هست (۱۶). جزاین نیست که وعده قبول توبه برخدا لازم است برای آن کسان که معصیت را به نادانی میکنند بعد از آن بزودی^(۲۱) توبه می‌کنند پس آن گروه است که خداوند توبه و بازگشت آنان را می‌پذیرد و خدا دانای استوارکار هست (۱۷). و نیست (وعده قبول) توبه آن کسان را که معاصی را می‌کنند تا آنگاه که کسی را از ایشان مرگ پیش آید، گفت هر آینه الآن من توبه کردم و نه آن کسان راست که کافر بمیرند این گروه برای ایشان عذاب درد ناک آماده ساختیم (۱۸). ای مومنان برای شما حلال نیست اینکه زنان را میراث گیرید و ایشان ناخوش باشند^(۲۲) و منع مکنید ایشان را^(۲۳) تا بدست آرید بعض آنچه ایشان را داده اید مگر اینکه آنان دچار گناه آشکاری شوند (میتوان ایذا داد) و با زنان بوجه پسندیده زندگانی کنید زیرا که اگر ناپسند کنید ایشان را پس شاید که چیزی را ناپسند کنید و خدای تعالی در آن چیز خیر بسیار پیدا کند (۱۹).

(۱۸) یعنی از مسلمانان.

(۱۹) بعد از این آیه خدای تعالی راهی مقرر کرد و آن رجم ثیب و جلد بکر است پس اکنون حکم حبس نیست والله اعلم.

(۲۰) این آیت مجمل است و در احادیث آمده است که بکر آزاد را صدتازیانه باید زد و ثیب آزاد را سنگسار باید کرد و غلام را پنجاه تازیانه باید زد والله اعلم.

(۲۱) یعنی پیش از حضور مرگ.

(۲۲) اهل جاهلیت زنان را نیز از جمله میراث می‌دانستند ولی میت اگر می‌خواست بجزردر (نکاح خود) در می‌آورد و اگر می‌خواست منع میکرد که باجنبی نکاح کند تا آنکه مهر به او رد نماید حق تعالی این آیت فرستاد.

(۲۳) یعنی از نکاح بهره‌ها خواهند.

وَإِنْ أَرَدْتُمْ أَسْبَدَالَ زَوْجٍ مَّكَانَ زَوْجٍ وَءَاتَيْتُمْ
 إِحْدَاهُنَّ قِنطَارًا فَلَا تَأْخُذُوا مِنْهُ شَيْئًا أَتَأْخُذُونَهُ
 بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا ﴿٢٠﴾ وَكَيْفَ تَأْخُذُونَهُ وَقَدْ أَفْضَى
 بَعْضُكُمْ إِلَى بَعْضٍ وَأَخَذْنَ مِنْكُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا
 ﴿٢١﴾ وَلَا تَنْكِحُوا مَا نَكَحَ آبَاؤُكُمْ مِنَ النِّسَاءِ
 إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّهُ كَانَ فَحِشَةً وَمَقْتًا وَسَاءَ
 سَبِيلًا ﴿٢٢﴾ حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ وَبَنَاتُكُمْ
 وَأَخَوَاتُكُمْ وَعَمَّاتُكُمْ وَخَالَاتُكُمْ وَبَنَاتُ
 الْأَخِ وَبَنَاتُ الْأُخْتِ وَأُمَّهَاتُكُمُ اللَّاتِي أَرْضَعْنَكُمْ
 وَأَخَوَاتُكُمْ مِنَ الرِّضَاعَةِ وَأُمَّهَاتُ نِسَائِكُمْ
 وَرَبَائِبُكُمُ اللَّاتِي فِي حُجُورِكُمْ مِنْ نِسَائِكُمُ
 اللَّاتِي دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَإِنْ لَمْ تَكُونُوا دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَلَا
 جُنَاحَ عَلَيْكُمْ وَحَلَائِلُ أَبْنَائِكُمُ الَّذِينَ مِنْ
 أَصْلَابِكُمْ وَأَنْ تَجْمَعُوا بَيْنَ الْأُخْتَيْنِ إِلَّا
 مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا ﴿٢٣﴾

و اگر زنی را به جای زنی تبدیل کردن بخواهید و یکی را از ایشان قنطاری^(۲۴) داده باشید پس از آن مال چیزی را برمیگیرید آیا آن را به بهتان و گناه آشکار می گیرید (۲۰). و چگونه می گیرد آن را حال آنکه بعضی شما به بعضی رسیده است^(۲۵) و زنان از شما عهد محکم را گرفتند^(۲۶) (۲۱). و ازدواج مکنید کسی را که با او پدران شما از زنان ازدواج کرده باشند مگر آنچه گذشت (عفو است) هر آئینه این هست کاربرد و مبعوض و این بدراهی است (۲۲). مادران شما و دختران شما و خواهران شما و مادران پدران شما و خواهران مادران شما و دختران برادر و دختران خواهر بر شما حرام کرده شدند و آن مادران شما که شمارا شیر داده اند^(۲۷) و خواهران شما از جهت شیر خواری و مادران زنان شما و دختران زنان شما که در کنار شما پرورش می یابند از شکم آن زنان که شما به ایشان وطی^۲ کردید پس اگر وطی^۲ نکرده باشید به ایشان پس هیچ گناه نیست بر شما و زنان پسران شما که از پشت شما باشند^(۲۸) و آنکه جمع کنید میان دو خواهر حرام کرده شد مگر آنچه گذشت (عفو است) هر آئینه خدا هست آمرزنده^۳ مهربان (۲۳).

(۲۴) یعنی مال بسیار درمهر داده باشید.

(۲۵) یعنی مباشرت کردید.

(۲۶) یعنی ایجاب و قبول بحضور شهود در میان آمد.

(۲۷) یعنی دایه ها.

(۲۸) یعنی پسر خوانده نباشد.

* وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ
 كَتَبَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ وَإِجْلَ لَكُمْ مَا وَرَاءَ ذَلِكَ أَنْ تَبْتَغُوا
 بِأَمْوَالِكُمْ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسْلِفِينَ فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ
 مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ فَرِيضَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا
 تَرَاضَيْتُمْ بِهِ مِنْ بَعْدِ الْفَرِيضَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا
 حَكِيمًا ﴿١٤﴾ وَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ مِنْكُمْ طَوْلًا أَنْ يَنْكَحَ
 الْمُحْصَنَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ فَمِنْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ مِنْ
 فِتْيَتِكُمُ الْمُؤْمِنَاتِ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِأَيْمَانِكُمْ بَعْضُكُمْ
 مِنْ بَعْضٍ فَأَنْكِحُوهُنَّ بِإِذْنِ أَهْلِهِنَّ وَآتُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ
 بِالْمَعْرُوفِ مُحْصَنَاتٍ غَيْرَ مُسْلِفَاتٍ وَلَا مُتَّخِذَاتِ
 أَخْدَانٍ فَإِذَا أُحْصِنَ فَإِنَّ أَتَيْنَ بِفَاحِشَةٍ فَعَلَيْهِنَّ نِصْفُ
 مَا عَلَى الْمُحْصَنَاتِ مِنَ الْعَذَابِ ذَلِكَ لِمَنْ خَشِيَ الْعَنَتَ
 مِنْكُمْ وَأَنْ تَصْبِرُوا خَيْرٌ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ
 ﴿١٥﴾ يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ الَّذِي
 كَتَبَ عَلَيْكُمْ وَيَتُوبَ عَلَيْكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿١٦﴾

و زنان شوهردار حرام کرده شدند مگر آنچه دست های شما^(۲۹) مالك اوشده است خدا بر شما (این حکم) را مقرر داشته است و حلال کرده شد برای شما غیر از این همه محرمات (حلال کرده شد) که به اموال خویش عفت طلب کنان نه به شهوت رانی^(۳۰) نکاح طلب کنید پس کسی که از زنان به او استمتاع کردید مهر مقرر کرده شده ایشان را به ایشان پردازید^(۳۱) و بر شما گناهی نیست بعد از مهر مقرر در آنچه که بایکدیگر رضامند شدید (در کمی و بیشی مهر)^(۳۲) هر آئینه خدا دانای استوارکار هست (۲۴). و هر که از شما از جهت نا توانگری نتواند که زنان آزاد مسلمان را ازدواج کند پس باید که نکاح کند از آنچه دست های شما مالك اوشده است (مراد کنیزکان شما اند که مسلمان باشند) و خدا به ایمان شما داناتراست بعضی شما از جنس بعضی است^(۳۳) پس کنیزکان را به اجازه^(۳۴) اهل ایشان ازدواج کنید و ایشان را مهر ایشان بخوش خویی بدهید در حالیکه عقیقه باشند نه زناکننده و نه دوست پنهانی گیرنده^(۳۵) پس چون در حباله^(۳۶) زوج آمدند اگر زناکنند پس برایشان است از عقوبت نیم مقدار آنچه بر زنان آزاد است^(۳۷) ازدواج کنیزکان برای کسی است از شما که از گناه بترسد و آنکه صبر کنید برای شما بهتر است خدا آمرزنده^(۳۸) مهربان است (۲۵). خدا می خواهد که (احکام خود را) برای شما بیان کند و شمارا راه های کسانیکه پیش از شما بودند بنماید و بر شما به رحمت بازگردد و خدا دانای استوار کار است (۲۶).

- (۲۹) یعنی اگر زنی را از دار الحرب اسیر کرده اند نکاح و تسری اوصحیح بود و لو اینکه آنجا شوهر داشته باشد والله اعلم.
- (۳۰) یعنی نکاح صحیح آن است که مهر باشد و مؤید باشد بحسب ظاهر زیرا که چون حاجت جماع همیشه است و احصان بدون عقد مؤید حاصل نشود والله اعلم.
- (۳۱) یعنی به جماع تمام مهر لازم میشود والله اعلم.
- (۳۲) یعنی بعد از مهر مقرر کردن مهر اگر بتراضی زیاده یا کم کنید باک نیست والله اعلم.
- (۳۳) یعنی کنیزکان نیز بنات آدم اند والله اعلم.
- (۳۴) فارق در نکاح و اتخاذ اخدان شرط شهود است و در احصان و سفاح مؤید بودن عقد بحسب ظاهر والله اعلم.
- (۳۵) یعنی پنجاه تازیانه و اگر در حباله زوج نباشد نیز عقوبت او پنجاه تازیانه است زیرا که ذکر این قید بجهت نفی احتمال زیاده است و این معنی در حدیث مبین شده والله اعلم.

وَاللَّهُ يُرِيدُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيْكُمْ وَيُرِيدُ الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ
 الشَّهَوَاتِ أَنْ تَمِيلُوا مَيْلًا عَظِيمًا ﴿٢٧﴾ يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُخَفِّفَ
 عَنْكُمْ وَخُلِقَ الْإِنْسَانُ ضَعِيفًا ﴿٢٨﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا
 لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ
 تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِّنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ
 اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا ﴿٢٩﴾ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ عُدْوَانًا
 وَظُلْمًا فَسَوْفَ نُصَلِّيه نَارًا وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ
 يَسِيرًا ﴿٣٠﴾ إِنْ تَحْتَبُوا كَبَائِرَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ نَكْفُرْ
 عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَنُدْخِلِكُمْ مُدْخَلَ كَرِيمًا ﴿٣١﴾
 وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ لِلرِّجَالِ
 نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْنَ
 وَسَأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ
 عَلِيمًا ﴿٣٢﴾ وَلِكُلِّ جَعَلْنَا مَوَالِي مِمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ
 وَالْأَقْرَبُونَ وَالَّذِينَ عَقَدَتْ أَيْمَانُكُمْ فَقَاتُوهُمْ
 نَصِيبُهُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدًا ﴿٣٣﴾

و خدا می خواهد که بر شما به رحمت بازگردد و آنانکه پیروی شهوات را می کنند می خواهند که کجروی کنید کجروی بزرگ (۲۷). خدا می خواهد که از شما سبک کند و انسان ناتوان آفریده شده است (۲۸). ای مؤمنان اموال خود را در میان خویش به ناحق مخورید^(۳۶) مگر اینکه آن (دادوستد) تجارت بین شما بعد از رضامندی یکدیگر باشد و مکتشید خویشتن را هر آئینه خدا به شما مهربان هست (۲۹). و هر که به (غرض) تعدی و ستم چنین کند پس بزودی به دوزخ درآریمش و این بر خدا آسان است (۳۰). اگر از کبایر منهیات اجتناب کنید از شما گناهان صغیره شما را نابود سازیم و شما را بمحل گرامی درآوریم^(۳۷) (۳۱). و مرتبه ای را که خداوند به آن بعضی را از شما بر بعضی برتری داده آرزو مکنید، برای مردان هست بهره ای از آنچه دریافت کرده اند و زنان راهست بهره ای از آنچه دریافت کرده اند و ازدرگاه خدا از بخشایش او به طلبید هر آئینه خدا بهمه چیز دانا است (۳۲). و برای هر چیزی از آنچه گذاشته اند پدر و مادرو خویشان و ارثان مقرر کردیم و کسانی که ایشان را عهدهای شما (با آنان) مربوط ساخته است پس ایشان را بهره^(۳۸) ایشان بدهید هر آئینه خدا بر همه چیز حاضر^(۳۸) هست (۳۳).

(۳۶) یعنی مال یک دیگر را بناحق نباید خورد.

(۳۷) گناه کبیره آنست که بر آن حدمشروع شده باشد یا وعید دوزخ آمده یا بکفر مُسمی شده در قرآن یا سنت صحیحه و هر که از کبایر اجتناب کند صغایر او را نماز و روزه و صدقه نابودی سازد و الله اعلم.

(۳۸) یعنی حلیف را رعایت کردن یا وصیت کردن میتواند و ایشانرا در میراث دخل نیست و میراث برای اقربا مقرر کرده شده است و الله اعلم.

الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى
 بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَالصَّالِحَاتُ قَنَتٌ
 حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ وَالَّتِي تَخَافُونَ
 نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَأَهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ
 وَأَضْرِبُوهُنَّ فَإِنْ أَطَعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا
 إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا كَبِيرًا ﴿٣٤﴾ وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا
 فَابْعَثُوا حَكَمًا مِنْ أَهْلِهِ وَحَكَمًا مِنْ أَهْلِهَا إِنْ
 يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا
 خَبِيرًا ﴿٣٥﴾ * وَأَعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تَشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا
 وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ
 وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَالْجَارِ الْجُنْبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنبِ
 وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ إِنَّ اللَّهَ
 لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ مُخْتَالًا فَخُورًا ﴿٣٦﴾ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ
 وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ وَيَكْتُمُونَ مَاءَ آتِهِمْ
 اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ ۗ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُّهِينًا ﴿٣٧﴾

مردان (تدبیر کارکننده) برزنان تسلط دارند به سبب آنکه خدا بعض آدمیان را بر بعضی^(۳۹) فضل نهاده است و بسبب آنکه از اموال خویش خرج کردند پس زنان نیکوکار فرمانبردارند، در غیبت زوج به نگاه^(۴۰) داشت خدا نگاهدارنده اند^(۴۱) و آن زنان که از نافرمانی ایشان میترسید پس ایشان را پند دهید و ایشانرا در خوابگاه ترک کنید^(۴۲) و بزنید ایشان را پس اگر فرمانبرداری شما کردند پس برایشان راهی را جستجو مکنید^(۴۳) هر آئینه خدا بلند مرتبه بزرگ قدر هست (۳۴). و اگر (ای حاکمان) اختلاف میان زن و شوهر را ترسیدید پس صلاح کاری از خویشان مرد و صلاح کاری از خویشان زن بر گزینید اگر این صلاح کاران صلح را بخواهند البته خدا در میان ایشان موافقت آرد هر آئینه خدا دانای آگاه هست (۳۵). و خدارا بپرستید و چیزی را شریک او مقرر مکنید و به پدر و مادر نیکوکاری کنید و به خویشان و یتیمان و گدایان و همسایه خویشاوند و همسایه بیگانه و به هم نشین برپهلوی نشسته (یعنی با هم نشسته) و به مسافر و به آنچه دست شما مالک او شد^(۴۴) هر آئینه خدا دوست نمیدارد کسی را که متکبر خود ستاینده باشد (۳۶). کسانی که آنان بخل می کنند و مردمان را به بخل و اداری می کنند و آنچه را که خدا داده است ایشان را از فضل خود می پوشند و برای کافران عذاب رسواکننده ای آماده ساخته ایم (۳۷).

(۳۹) یعنی بسبب آنکه مردان در اصل جبلت برتر و قوی تر اند از زنان.

(۴۰) یعنی مال و آبرو.

(۴۱) درین آیه بیان فرمود که مرد فرمان روا است بسبب فضل جبلتی و بسبب انفاق وزن صالحه کسی است که فرمانبرداری کند و حفظ مال - و آبرو - نماید والله اعلم.

(۴۲) یعنی مباشرت مکنید (یا درخوابگاه ترک کنید و یا اونخواستید).

(۴۳) یعنی به حیله ای دادادن تجسس مکنید والله اعلم.

(۴۴) یعنی غلامان و کنیزکان.

وَالَّذِينَ يَنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ رِئَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ
 وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَنْ يَكُنِ الشَّيْطَانُ لَهُ وَقَرِينًا فَسَاءَ
 قَرِينًا ﴿٢٨﴾ وَمَا ذَا عَلَيْهِمْ لَوْ ءَامَنُوا بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَنْفَقُوا
 مِمَّا رَزَقَهُمُ اللَّهُ وَكَانَ اللَّهُ بِهِمْ عَلِيمًا ﴿٢٩﴾ إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ
 مِثْقَالَ ذَرَّةٍ وَإِنْ تَكَ حَسَنَةً يَضْعَفْهَا وَيُؤْتِ مِنْ لَدُنْهُ
 أَجْرًا عَظِيمًا ﴿٣٠﴾ فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ
 وَجِئْنَا بِكَ عَلَى هَؤُلَاءِ شَهِيدًا ﴿٣١﴾ يَوْمَ يَذُودُ الَّذِينَ
 كَفَرُوا وَعَصَوُوا الرَّسُولَ لَوْ تُسَوَّى بِهِمُ الْأَرْضُ وَلَا يَكْتُمُونَ
 اللَّهَ حَدِيثًا ﴿٣٢﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَقْرُبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ
 سُكَرَىٰ حَتَّىٰ تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ وَلَا جُنُبًا إِلَّا عَابِرِي
 سَبِيلٍ حَتَّىٰ تَغْتَسِلُوا وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَىٰ أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ أَوْ جَاءَ
 أَحَدٌ مِنْكُمْ مِنَ الْغَايِبِ أَوْ لَمَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً
 فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ
 إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفُوهَا غَفُورًا ﴿٣٣﴾ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيبًا مِّنَ
 الْكِتَابِ يَشْتَرُونَ الضَّلَالَةَ وَيُرِيدُونَ أَنْ تَضِلُّوا السَّبِيلَ ﴿٣٤﴾

و آنان که اموال خود را برای نمایاندن مردمان خرج می کنند و معتقد نیستند به خدا و نه به روز قیامت و هر که شیطان یار او باشد پس وی بدیاری است (۳۸). و برایشان چه زیان بود اگر به خدا و روز آخر ایمان می آوردند و از آنچه خداداده است ایشان را خرج می کردند و خدا به ایشان دانا است (۳۹). و هر آئینه خدا وزن ذره ای ستم نمی کند و اگر آن عمل نیکی باشد چند برابر کُندش و از نزد خود پاداش بزرگ بدهد (۴۰). پس چه حال باشد آنگاه که از هر قومی گواهی را بیاوریم و تورا بر این امت گواه بیاوریم (۴۱). آنروز آرزو کنند آنانکه کافر شدند و نافرمانی پیامبر کردند که کاش برایشان زمین هموار کرده شود^(۴۵) و از خدا هیچ سخنی را پنهان نکنند (۴۲). ای مومنان به نماز نزدیک شوید در حالی که شما مست باشید تا آنکه بدانید آنچه به زبان می گوید^(۴۶) و به نماز نزدیک شوید در حال جنابت تا آنکه غسل کنید مگر آنکه مسافر باشید و اگر بیمار باشید یا مسافر یا کسی از شما از جای قضاء حاجت بیاید یا مباشرت زنان کنید و آبی را نیاید پس به زمین پاک تیمم کنید پس به رویهای خویش و دست های خویش مسح کنید هر آئینه خدا عفو کننده^(۴۷) بخشاینده است (۴۳). آیندیدی^(۴۷) کسانی را که داده شده اند بهره ای از کتاب (یعنی یهود) می ستانند گمراهی را می خواهند که شما (نیز) راه را گم کنید (۴۴).

(۴۵) یعنی از ایشان نامی و نشانی نماند.

(۴۶) این حکم قبل از تحریم خمر بود بعد از آن مستی کاملاً حرام شد و الله اعلم.

(۴۷) مترجم گوید که خدای عز و جل در ردیهود و تعداد قبایح ایشان این آیات فرستاد.

وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِأَعْدَائِكُمْ وَكَفَى بِاللَّهِ وَلِيًّا وَكَفَى بِاللَّهِ نَصِيرًا ﴿٤٥﴾
 مِنَ الَّذِينَ هَادُوا يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ وَيَقُولُونَ
 سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا وَأَسْمَعُ غَيْرُ مَسْمُوعٍ وَرَاعِنَا لِيَّا بِالسِّنَتِهِمْ
 وَطَعْنَا فِي الدِّينِ وَلَوْ أَنَّهُمْ قَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَأَسْمَعُ وَأَنْظُرْنَا
 لَكَانَ خَيْرًا لَّهُمْ وَأَقْوَمَ وَلَٰكِن لَّعَنَهُمُ اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُونَ
 إِلَّا قَلِيلًا ﴿٤٦﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ ءَامِنُوا بِمَا نَزَّلْنَا
 مُصَدِّقًا لِّمَا مَعَكُمْ مِّن قَبْلِ أَنْ نَطْمِسَ وُجُوهًا فَنَرُدَّهَا
 عَلَىٰ آدْبَارِهَا أَوْ نَلْعَنَهُمْ كَمَا لَعَنَّا أَصْحَابَ السَّبْتِ وَكَانَ أَمْرُ
 اللَّهِ مَفْعُولًا ﴿٤٧﴾ إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ
 ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدِ افْتَرَىٰ إِثْمًا عَظِيمًا
 ﴿٤٨﴾ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يُزَكُّونَ أَنفُسَهُمْ بَلِ اللَّهُ يُزَكِّي مَن يَشَاءُ
 وَلَا يُلَظْمُونَ فَتِيلًا ﴿٤٩﴾ أَنْظِرْ كَيْفَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ
 وَكَفَىٰ بِهِ إِثْمًا مُّبِينًا ﴿٥٠﴾ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيبًا
 مِّنَ الْكِتَابِ يُؤْمِنُونَ بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ وَيَقُولُونَ
 لِلَّذِينَ كَفَرُوا هَؤُلَاءِ أَهْدَىٰ مِنَ الَّذِينَ ءَامَنُوا سَبِيلًا ﴿٥١﴾

و خدا به دشمنان شما داناتر است و خدا دوست بس است و خدایاری دهنده کافی است (۴۵). از یهود گروهی هستند که کلمه هارا از جایگاهشان تغییر می دهند و می گویند^(۴۸) شنیدیم و نافرمانی کردیم و می گویند «اسمع غیر مسمع و راعنا» سخن را بزبان خویش می پیچانند و طعنه می زنند در دین و اگر ایشان می گفتند شنیدیم و فرمانبرداری کردیم و بجای ﴿اسمع غیر مسمع﴾ اسمع می گفتند و بجای «راعنا» انظرنا هر آئینه ایشان را بهتر و درست تر می بود ولیکن خدا ایشان را بسبب کفر ایشان لعنت کرده است پس مگر اندکی ایمان نمی آرند^(۴۹) (۴۶). ای اهل کتاب به آنچه فرود آوردیم، باور کننده آنچه باشماست ایمان آرید پیش از آنکه محو کنیم صورت هایی را پس بگردانیمش بر پشت سر یا ایشان را لعنت کنیم چنانکه اهل شنبه را لعنت کردیم اراده خدا شدنی است (۴۷). هر آئینه خدا نمی آمرزد اینکه به او شرك آورده شود و غیر از آن را برای هر کس که خواهد می آمرزد و هر که به خدا شرك ورزد هر آئینه گناهی بزرگ را افترا بسته است (۴۸). آیا بسوی کسانی که ستایش می کنند خود را ندیدی بلکه خدا ستایش می کند هر که را خواهد و مقدار رسته ای ستم کرده نخواهند شد (۴۹). ببین چگونه دروغ را بر خدا می بندند و این گناه آشکار او را بس است^(۵۰) (۵۰). آیا ندیدی به سوی کسانی که بهره ای از کتاب داده شدند به بت و معبود باطل ایمان می آورند و می گویند در حق مشرکان که ایشان از مسلمانان راه یابنده تر اند^(۵۱) (۵۱).

(۴۸) یعنی به زبان حال.

(۴۹) مترجم گوید پیچانیدن سخن آنست که سب و فحش را چنان در کلام خلط می کنند که کسی نشناسد ﴿وَأَسْمَعُ غَيْرَ مُسْمِعٍ﴾ دو معنی دارد یکی آنکه بشنو در حالتیکه معظم و محترمی و کسی باتو خلاف رضای تو نتواند گفت دیگر آنکه بشنود در حالتی که محقری و کسی بتوسخن نمی گوید و راعنا نیز دو معنی دارد یکی آنکه رعایت کن ما را دیگر احمق رعوت دارنده غرض ایشان سب بود کلمه محتمل معنین می گفتند والله اعلم.

(۵۰) یعنی می گویند که بنی اسرائیل برگزیدگان خداوند ایشان را عذاب نخواهد شد مگر چند روزی.

(۵۱) درین آیت تعریض است به آن که یهود روز احزاب مددگار مشرکان شدند.

أُولَئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ وَمَنْ يَلْعَنِ اللَّهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ نَصِيرًا ﴿٥٢﴾
 أَمْ لَهُمْ نَصِيبٌ مِّنَ الْمُلْكِ فَإِذَا لَا يُؤْتُونَ النَّاسَ نَقِيرًا ﴿٥٣﴾ أَمْ
 يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ آتَيْنَا
 آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَآتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا ﴿٥٤﴾
 فَمِنْهُمْ مَنْ ءَامَنَ بِهِ وَمِنْهُمْ مَّنْ صَدَّعْتَهُ وَكَفَىٰ بِجَهَنَّمَ سَعِيرًا ﴿٥٥﴾
 إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا سَوْفَ نُصَلِّيهِمْ نَارًا كَمَا نَصَلَّجْت
 جُلُودَهُمْ بَدَنَهُمْ جُلُودًا أُخْرَىٰ لِيَذُوقُوا الْعَذَابَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ
 عَزِيزًا حَكِيمًا ﴿٥٦﴾ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَنُدْخِلُهُمْ
 جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا لَهُمْ فِيهَا
 أَزْوَاجٌ مُّطَهَّرَةٌ وَنُدْخِلُهُمْ ظِلًّا ظَلِيلًا ﴿٥٧﴾ * إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ
 أَنْ تُوَدُّوا وَالْأُمَّنْتَ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ
 تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا
 بَصِيرًا ﴿٥٨﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي
 الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِن تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِن كُنتُمْ
 تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا ﴿٥٩﴾

ایشان آن گروه اند که خدا ایشان را لعنت کرد و هر که خدا لعنت کندش پس برای او یاری دهنده نخواهی یافت (۵۲). آیا ایشان راهست بهره ای از پادشاهی پس آن هنگام بمردمان مقدار نقیری^(۵۲) ندهند (۵۳). آیا بمردمان بر آنچه ایشان را خدای تعالی از فضل خود داده است حسد می کنند پس هر آئینه ما آل ابراهیم را کتاب و دانش دادیم و ایشان را پادشاهی بزرگ دادیم (۵۴). پس از کفار کسی هست که ایمان آورد به آن کتاب و از ایشان کسی هست که از آن باز داشت شد و دوزخ آتش افروخته (برای آنان) بس است (۵۵). هر آئینه کسانی که بآیات ما کافر شدند زود ایشان را به آتش درآوریم هر گاه که پخته گردد پوستهای ایشان به عوض برای ایشان پوستهای دیگر غیر از آن پیدا کنیم تا بچشند عذاب را هر آئینه خدا غالب استوار کار است (۵۶). و کسانی که ایمان آورده اند و کارهای شایسته کرده اند زود ایشان را به بوستانهایی که می رود زیر آنها جوی ها درآوریم جاویدان آنجا همیشه، برای ایشان در آن جا زنان پاک کرده شده هست و ایشان را بسایه نیک (یعنی راحت تمام) درآوریم (۵۷). هر آئینه خدا می فرماید شمارا که امانت هارا به اهل آن ادا کنید و میفرماید که برآستی حکم کنید میان مردمان چون حاکم شوید هر آئینه نیکو چیز است آنچه خدا شمارا به آن پند میدهد هر آئینه خدا شنوای بیبا هست^(۵۳) (۵۸). ای مومنان خدارا فرمانبرداری کنید و پیامبر را فرمانبرداری کنید و فرمان و فرمان روایان را از جنس خویش پس اگر در چیزی اختلاف کنید پس او را به سوی خدا و پیامبر اگر اعتقاد دارید به خدا و روز آخرت برگردانید این به اعتبار عاقبت بهتر و نیکوتر^(۵۴) است (۵۹).

- (۵۲) نقیر گودی کوچکی است که بر پشت خسته خرما می باشد، [یعنی به مردم هم و زن کمترین ذره ای نمیدهند].
 (۵۳) درین آیه اشاره است بقصه عثمان حبیبی که مفتاح کعبه از دست وی گرفتند و مردمان آن را از حضرت پیامبر صلی الله علیه و سلم طلب کردند آنحضرت قبول نمود و به عثمان تحویل داد.
 (۵۴) مردم ضعیف الایمان در خلاف هوای نفس به حکم شرع راضی نمی شدند و گاهی به کاهنان و رئیسان کفر رجوع می کردند چون آنحضرت ایشان را برای معنی تعزیر یاتهدید فرمود سوگند خوردند که مخالفت آن حضرت مقصود ما نبود خدای تعالی درین باره آیات فرستاد.

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِمَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ
 وَمَا أَنْزَلَ مِنْ قَبْلِكَ يُرِيدُونَ أَنْ يَتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ
 وَقَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ ۗ وَيُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّهُمْ
 ضَلَالًا بَعِيدًا ﴿٦٠﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ تَعَالَوْا إِلَىٰ مَا أَنْزَلَ
 اللَّهُ وَإِلَىٰ الرَّسُولِ رَأَيْتَ الْمُنَافِقِينَ يَصُدُّونَ عَنْكَ
 صُدُودًا ﴿٦١﴾ فَكَيْفَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ بِمَا
 قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ ثُمَّ جَاءُوكَ يَحْلِفُونَ بِاللَّهِ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا
 إِحْسَانًا وَتَوْفِيقًا ﴿٦٢﴾ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ يَعْلَمُ اللَّهُ مَا
 فِي قُلُوبِهِمْ فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَعِظْهُمْ وَقُلْ لَهُمْ فِي
 أَنفُسِهِمْ قَوْلًا بَلِيغًا ﴿٦٣﴾ وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا
 لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ
 جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ
 لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا ﴿٦٤﴾ فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ
 حَتَّىٰ يَحْكُمُوا لَكَ فِي مَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي
 أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا ﴿٦٥﴾

آباندیدی به سوی کسانیکه گمان می کنند که به آنچه به سوی تونازل کرده شده است و به آنچه پیش ازتونازل کرده شد ایمان آوردند، می خواهند که قضایای خویش را به طاغوت برند حال آنکه فرموده شد ایشان را که منکر او شوند و شیطان می خواهد که گمراه سازد ایشان را گمراهی دور (۶۰). و چون گفته شود به ایشان به سوی آنچه نازل کرده است خدا و به سوی پیامبر بیاید می بینی منافقان را که از تو سخت روی بر می تابند (۶۱). پس چه حال است آنگاه که به ایشان مصیبتی برسد بسبب آنچه دستهای ایشان پیش فرستاده است پس بیایند نزد تو درحالیکه بخدا قسم می خورند که مگر نیکوکاری و موافقت کردن را^(۵۵) نخواسته بودیم (۶۲). این گروه آنانند که خدا می داند آنچه در دل های ایشان است پس ازایشان اعراض کن^(۵۶) و ایشان را پندیده و به ایشان سخنی مؤثر در دل های ایشان بگو (۶۳). و نفرستادیم هیچ پیامبری را مگر برای آنکه به حکم خدا اطاعت کرده شود و اگر این جماعت نزد تو می آمدند و قتیکه بر خویشان ستم کردند پس از خدا آمرزش طلب می کردند و برای ایشان پیامبر آمرزش طلب می کرد هر آئینه خدا را توبه پذیر مهربان می یافتند (۶۴). پس قسم به پروردگار تو که ایشان مسلمان نباشند تا آنکه داور کنند تورا در اختلافی که میان ایشان واقع شد باز در دل های خویش تنگی از آنچه حکم فرمودی نیابند و کاملاً گردن نهند (۶۵).

(۵۵) یعنی مردمان خصوم.

(۵۶) یعنی از قتل ایشان.

وَلَوْ أَنَّا كَتَبْنَا عَلَيْهِمْ أَنْ اقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ أَوْ أُخْرِجُوا مِنْ
 دِيَارِكُمْ مَا فَعَلُوهُ إِلَّا قَلِيلٌ مِنْهُمْ وَلَوْ أَنَّهُمْ فَعَلُوا مَا يُوعَظُونَ
 بِهِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ وَأَشَدَّ تَثِيئًا ﴿٦٦﴾ وَإِذَا لَأْتَيْنَهُمْ
 مِنْ لَدُنَّا أَجْرًا عَظِيمًا ﴿٦٧﴾ وَلَهَدَيْنَهُمْ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا
 ﴿٦٨﴾ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ
 عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصَّادِقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ
 وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا ﴿٦٩﴾ ذَلِكَ الْفَضْلُ مِنَ اللَّهِ وَكَفَى
 بِاللَّهِ عَلِيمًا ﴿٧٠﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا خُذُوا حِذْرَكُمْ
 فَانفِرُوا ثُبَاتٍ أَوْ انفِرُوا جَمِيعًا ﴿٧١﴾ وَإِنْ مِنْكُمْ لَمَنْ لَيُبَطِّئَنَّ
 فَإِنْ أَصَابَتْكُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا قَدْ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْنَا إِذْ لَمْ أَكُنْ
 مَعَهُمْ شَهِيدًا ﴿٧٢﴾ وَلَئِنْ أَصَابَكُمْ فَضْلٌ مِنَ اللَّهِ لَيَقُولُنَّ كَأَن
 لَمْ تَكُنْ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُ مَوَدَّةٌ يَلِيَّتَنِي كُنْتُ مَعَهُمْ
 فَأَفُوزُ فَوْزًا عَظِيمًا ﴿٧٣﴾ * فَمَا يُقَاتِلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ
 يَشْرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ وَمَنْ يُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ
 اللَّهِ فَيُقْتَلْ أَوْ يَغْلِبْ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا ﴿٧٤﴾

واگر ما برایشان می‌نوشتیم^(۵۷) که بکشید خویشان را یا بیرون شوید از خانه های خویش این کار را از ایشان مگر اندکی نمی کردند و اگر می کردند آنچه به آن پند داده می شدند هر آئینه ایشان را بهتر بودی و محکم تر در استواری دین (۶۶). و آنگاه البته ایشان را از نزد خویش پاداش بزرگ می دادیم (۶۷). و ایشان را براه راست هدایت می کردیم (۶۸). و هر که خدا و رسول را فرمان برد پس این جماعت همراه آن کسانی که خدا برایشان انعام کرده است از پیامبران و صدیقان و شهیدان و صالحان و آنها از جهت رفاقت چه خوبند (۶۹). این بخشایش از خدا است و خدا دانا^(۵۸) بس است (۷۰). ای مسلمانان سلاح خود را برگزید پس بیرون روید گروه گروه یا همگی با هم بیرون روید (۷۱). و هر آئینه بعضی از شما آنست که درنگ می کند پس اگر به شما مصیبتی برسد گوید خدا بر من انعام کرد چون با آنان حاضر نبودم (۷۲). و اگر به شما نعمتی از خدا برسد البته گوید گویا هرگز میان شما و میان او دوستی ای نبوده است کاش می بودم با ایشان پس مطلب بزرگ را می یافتم (۷۳). پس باید که در راه خدا آن مومنان که می فروشند زندگانی دنیا را به آخرت جنگ کنند و هر که جنگ کند در راه خدا پس کشته شود یا غالب آید به زودی پاداش بزرگ را به او می‌دهیم (۷۴).

(۵۷) یعنی واجب می‌کردیم.

(۵۸) مترجم گوید مردم ضعیف الاسلام در اول اسلام که جهاد فرض نشده بود دعوت اسلام قبول نمودند و چون جهاد فرض شد از آن عقب نشینی کردند و از بعضی کلمات مناقشه سربر می زدو بعضی با مخالفین هم‌زبان شده خلاف رضای آنحضرت رای می دادند خدای تعالی درین باره آیات فرستاد.

وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ
 وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ
 الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَل لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَل لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا
 ﴿٧٥﴾ الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي
 سَبِيلِ الظَّالِمِينَ فَقاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ
 كَانَ ضَعِيفًا ﴿٧٦﴾ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ قِيلَ لَهُمْ كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ وَأَقِيمُوا
 الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ
 يَخْشَوْنَ النَّاسَ كَخَشْيَةِ اللَّهِ أَوْ أَشَدَّ خَشْيَةً وَقَالُوا رَبَّنَا لِمَ كُتِبَتْ
 عَلَيْنَا الْقِتَالُ لَوْلَا أَخَّرْتَنَا إِلَى أَجَلٍ قَرِيبٍ قُلْ مَتَعَ الدُّنْيَا قَلِيلٌ
 وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ لِمَنِ اتَّقَى وَلَا تُظْلَمُونَ فَتِيلًا ﴿٧٧﴾ أَيْمَاتُكُمْ
 يُدْرِكُكُمْ الْمَوْتُ وَلَوْ كُنْتُمْ فِي بُرُوجٍ مُشِيدَةٍ وَإِنْ تُصَبِّهُمُ حَسَنَةٌ
 يَقُولُوا هَذِهِ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَإِنْ تُصَبِّهُمُ سَيِّئَةٌ يَقُولُوا هَذِهِ مِنْ
 عِنْدِكَ قُلْ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ فَمَالِ هَؤُلَاءِ الْقَوْمِ لَا يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ
 حَدِيثًا ﴿٧٨﴾ مَا أَصَابَكَ مِنْ حَسَنَةٍ فَمِنَ اللَّهِ وَمَا أَصَابَكَ مِنْ سَيِّئَةٍ
 فَمِنْ نَفْسِكَ وَأَرْسَلْنَاكَ لِلنَّاسِ رَسُولًا وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا ﴿٧٩﴾

وچيست شمارا كه جنگ نمى كنيد درراه خدا و(برای رهايى) بيچارگان از مردان و زنان و كودكان^(۵۹) آنانكه مى گویند اى پروردگار ما بیرون آور ما را ازین ده كه اهل آن ستمگارانند و برای ما از نزد خود كارسازى مقرر كن و برای ما از نزد خودیاری دهنده اى مقرر كن (۷۵). مومنان درراه خدا مى جنگند و كافران درراه معبود باطل مى جنگند پس جنگ كنید بادوستانِ شیطان هر آئینه حيلهٔ شیطان سست است (۷۶). آیاندیدی به سوى كسانيكه ایشان را گفته شد دستهای خود را بازدارید^(۶۰) و نماز را برپاكنید و زكوة را بدهید^(۶۱) پس چون جنگ نوشته شد برایشان ناگاه گروهى ازایشان از مردمان مى ترسند مانند ترسیدن از خدا یابیشتر وگفتند اى پروردگار ما چرا بر ما كارزار را نوشتى چرا تا زمانى نزدیک به ما مهلت ندادى؟ بگوبهره مندى دنیا اندك است و آخرت بهتر است كسى را كه پرهیز گارى كند و مقدار رشته اى ستم کرده نخواهید شد (۷۷). هر جاكه باشید مرگ شمارا درمى یابد و اگر چه درمحل های محكم باشید و اگر به ایشان نعمتى برسد گویند این از نزد خداست و اگر به ایشان شدتى برسد (یعنى سختى) گویند یا محمد این از نزد تست بگوهمه از نزد خدا است پس چه حال است این قوم را نزدیک نیستند كه سخنى را بفهمند (۷۸). آنچه به تو از نعمت رسید پس از خداست و آنچه به تو از گزند رسید پس از نزد نفس تست و تورا برای مردمان پیامبر فرستادیم و خدا حاضر و گواه بس است (۷۹).

(۵۹) یعنی گرفتاران بدست كفار.

(۶۰) یعنی جنگ مكنید.

(۶۱) یعنی پس قبول كردند.

مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَمَنْ تَوَلَّى فَمَا أَرْسَلْنَاكَ
 عَلَيْهِمْ حَفِيظًا ﴿٨٠﴾ وَيَقُولُونَ طَاعَةٌ فَإِذَا بَرَأُوا مِنْ عِنْدِكَ
 بَيَّتَ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ غَيْرَ الَّذِي تَقُولُ وَاللَّهُ يَكْتُبُ مَا يُبَيِّتُونَ
 فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا
 ﴿٨١﴾ أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ
 لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا ﴿٨٢﴾ وَإِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِنَ الْأَمْنِ
 أَوِ الْخَوْفِ أَذَاعُوا بِهِ وَلَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَإِلَى أُولِي الْأَمْرِ
 مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ
 عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَاتَّبَعْتُمُ الشَّيْطَانَ إِلَّا قَلِيلًا ﴿٨٣﴾
 فَقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَأَنْكَفُفَ الْأَنْفُسَکَ وَحَرِيضَ الْمُؤْمِنِينَ
 عَسَى اللَّهُ أَنْ يَكْفَ بِأَسِ الَّذِينَ كَفَرُوا وَاللَّهُ أَشَدُّ بِأَسًا
 وَأَشَدُّ تَنْكِيلًا ﴿٨٤﴾ مَنْ يَشْفَعْ شَفَاعَةً حَسَنَةً يَكُنْ لَهُ
 نَصِيبٌ مِنْهَا وَمَنْ يَشْفَعْ شَفَاعَةً سَيِّئَةً يَكُنْ لَهُ وِکْفٌ مِنْهَا
 وَكَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ مُّقْتَدِرًا ﴿٨٥﴾ وَإِذَا حُيِّتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا
 بِأَحْسَنِ مَا أَوْرَدُوا مِنْهَا إِنْ اللَّهُ كَانَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ حَسِيبًا ﴿٨٦﴾

هر که پیامبر را فرمانبرداری کند پس هر آئینه فرمانبرداری خدا کرد و هر که اعراض کرد پس تورا برایشان نگهبان نفرستادیم^(۶۲) (۸۰). و می گویند فرمانبرداری (دردل مان داریم) پس چون گروهی از ایشان از نزد تو به وقت شب بیرون روند رای زنند غیر آنچه تومی فرمایی و خدای نویسد یعنی درنامه^۱ اعمال آنچه شب می گویند پس از ایشان اعراض کن و بر خدا توکل نما و خدا کارسازنده بس است (۸۱). آیا قرآن را تدبّر نمی کنند و اگر از نزد غیر خدا می بود البته در او اختلافی بسیار می یافتند (۸۲). و وقتیکه بیاید نزد ایشان خبری از ایمنی یا ترس آن را مشهور سازند و اگر آن را به سوی پیامبر و به سوی فرمان روایان از اهل اسلام برمیگردانیدند هر آئینه می یافتند مصلحت آن خبر را از ایشان آنانکه میتوانند بر آوردن مصلحت را و اگر نمی بود بر شما بخشایش خدا و رحمت او البته شما شیطان را پیروی می کردید مگر اندکی (۸۳). پس جنگ کن (یا محمد) در راه خدا بر تو مؤاخذه نیست مگر از ذات تو و مسلمانان را رغبت ده^(۶۳) نزدیک است که خدا جنگ کافران را موقوف سازد و خدا باعتبار جنگ سخت تراست و باعتبار عقوبت سخت تراست (۸۴). هر که شفاعت کند شفاعتی نیک او را بهره ای از ثواب آن باشد و هر که شفاعت کند شفاعتی بد او را حصه ای از عذاب آن باشد و خدا بر همه چیز توانا هست^(۶۴) (۸۵). و چون به سلامی تعظیم کرده شوید پس تعظیم کنید بکلمه ای بهتر از آن یا مانند همان کلمه جواب دهید هر آئینه خدا بر همه چیز حساب گیرنده هست (۸۶).

(۶۲) یعنی این کلمه حق است که خیر از جانب خدا است و شر از جانب بنده لیکن مقصود این مردم ازین کلمه درست نیست و آن اینست که جهاد با جمیع قبائل عرب معقول نیست پس اگر فتح باشد بسی نعمتی غیر مترقب است و اگر هزیمت باشد موافق حال این تدبیر است و چون جهاد با مرالهی است همه خیر است عقل را در آن دخل دادن صحیح نباشد والله اعلم.

(۶۳) یعنی بر تو رغبت دادنت و بس اگر همراهی نکنند بر تو مؤاخذه نیست والله اعلم.

(۶۴) یعنی مثلاً سفارش گدای را به توانگری تا او را چیزی بدهد نیک است و سفارش برای سارق تادست او نه بُرند درست نیست.

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لِيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ
 وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا ﴿٨٧﴾ * فَمَا لَكُمْ فِي الْمُنَافِقِينَ
 فِتْنَتَيْنِ وَاللَّهُ أَرْكَسَهُمْ بِمَا كَسَبُوا أَتُرِيدُونَ أَنْ تَهْدُوا مَنْ
 أَضَلَّ اللَّهُ وَمَنْ يُضِلِّ اللَّهُ فَمَا لَنْ تَجِدَهُ سَبِيلًا ﴿٨٨﴾ وَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ
 كَمَا كَفَرُوا فَتَكُونُونَ سَوَاءً فَلَا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ أَوْلِيَاءَ حَتَّى
 يُهَاجِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَخُذُوهُمْ وَأَقْتُلُوهُمْ حَيْثُ
 وَجَدْتُمُوهُمْ وَلَا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ وُليَاءَ وَلَا نَصِيرًا ﴿٨٩﴾ إِلَّا الَّذِينَ
 يَصِلُونَ إِلَى قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِثْقَ أُوجَاءٍ وَكُنتُمْ حَصِرْتُمْ
 صُدُّوا عَنْهُمُ أَنْ يُقْتَلُوا كَمَا أَوْقَعْتُمْ أَوْ قَاتِلُوا قَوْمَهُمْ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ
 لَسَاطَهُمْ عَلَيْكُمْ فَذَلَقْتُمْ وَإِنْ أَعَزُّوكُمْ فَذَلَقْتُمْ فَلَمْ يُقْتَلُوا كَمَا
 وَأَقْتُلُوا إِلَيْكُمْ السَّلَامَ فَمَا جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ عَلَيْهِمْ سَبِيلًا ﴿٩٠﴾
 سَتَجِدُونَ عَآخِرِينَ يُرِيدُونَ أَنْ يَأْمَنُوكُمْ وَيَأْمَنُوا قَوْمَهُمْ كُلٌّ
 مَا رَدُّوهُ إِلَى الْفِتْنَةِ أُرْكَسُوا فِيهَا فَإِنْ لَمْ يَعْتَرِ لَكُمْ وَيُلْقُوا
 إِلَيْكُمْ السَّلَامَ وَيَكْفُوا أَيْدِيَهُمْ فَخُذُوهُمْ وَأَقْتُلُوهُمْ حَيْثُ
 ثَقِفْتُمُوهُمْ وَأُولَئِكَ جَعَلْنَا لَكُمْ عَلَيْهِمْ سُلْطَانًا مُبِينًا ﴿٩١﴾

بجز خدا هیچ معبود برحق نیست البته شمارا به روزقیامت که هیچ شکی نیست در آن گرد خواهیم آورد و کیست از خدا در سخن راست گوتر^(۶۵) (۸۷). پس چیست شمارا ای مسلمانان درباره تملق کنندگان دو گروه شدید^(۶۶) و خدا ایشان را به شومی آنچه کردند نگویند ساخت آیا می خواهید که راه نمایید (یعنی از جمله راه یابان شمارید) کسی را که خدا او را گمراه ساخت و هر که را خدا گمراه کند برای او هیچ راهی نیابی (۸۸). این تملق کنندگان آرزو کردند که شما نیز کافر شوید چنانچه ایشان کافر شدند پس برابر باشید پس هیچکس را از ایشان دوست مگیرید تا آنکه در راه خدا هجرت کنند^(۶۷) پس اگر اعراض کردند (یعنی از اسلام و هجرت) پس ایشان را اسیر گیرید و هر جا که یابید ایشان را بکشید و کسی را از ایشان دوست و یار مگیرید (۸۹). (اسیر گیرید و بکشید) مگر آنان را که پیوند دارند با گروهی که میان شما و میان ایشان عهد است یا بیابید نزد شما حال آنکه تنگ آمده است سینه های ایشان از آنکه بجنگند با شما یا با قوم خویش بجنگند^(۶۸) و اگر خدای خواست هر آئینه ایشان را بر شما مسلط می ساخت پس با شما می جنگیدند پس اگر این فریق یکسوشوند از جانب شما و نجنگند با شما و بیفکنند به سوی شما پیغام صلح را پس خداوند بر ضد ایشان راهی را در اختیار شما نگذاشته است^(۶۹) (۹۰). خواهید یافت قومی را که از شما می خواهند ایمن شوند و ایمن شوند از قوم خود هر گاه بازگردانیده می شوند به سوی فتنه انگیزی نگویند سازانداخته شوند در آن^(۷۰) پس اگر یکسوشوند از جنگ شما و نیفکنند به سوی شما پیغام صلح را و دستهای خویش را باز ندارند پس ایشان را اسیر گیرید و بکشید هر جا که ایشان را یابید و این جماعت شمارا برایشان حجت ظاهر داده ایم (۹۱).

(۶۵) مترجم گوید خدای تعالی بیان می فرماید که به تملق کفار اعتماد نباید کرد.

(۶۶) یعنی بعضی به تملق فریفته شدند و بعضی نشدند و می بایست که همه به اتفاق فریفته نمی شدند و الله اعلم.

(۶۷) یعنی مسلمان شوند و هجرت کنند.

(۶۸) مترجم گوید و کسی که ایمان آورد و هجرت نکند حکم او بطریق اولی فهمیده شد و الله اعلم.

(۶۹) یعنی اگر اسلام آورند و هجرت کنند ایشان را دوست باید گرفت و اگر اسلام نیاوردند می باید کشت مگر آنکه پیمان داشته باشند و ثابت آنرا بر عهد و حلفای معاهدان را به هیچ وجه نتوان ایداد و الله اعلم.

(۷۰) صلح می کنند و باز نقض عهد می نمایند و الله اعلم.

وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ أَنْ يَقْتُلَ مُؤْمِنًا إِلَّا خَطَأً وَمَنْ قَتَلَ
 مُؤْمِنًا خَطَأً فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَدِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ
 إِلَىٰ أَهْلِهِ ۖ إِلَّا أَنْ يَصَدَّقُوا فَإِنْ كَانَ مِنْ قَوْمٍ عَدُوٍّ
 لَكُمْ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَإِنْ كَانَ
 مِنْ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ فَدِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَىٰ
 أَهْلِهِ ۖ وَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ ۖ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ
 شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ تَوْبَةً مِّنَ اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ
 عَلِيمًا حَكِيمًا ﴿٩١﴾ وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا
 فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ
 وَلَعَنَهُ وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا ﴿٩٢﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ
 ءَامَنُوا إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَتَبَيَّنُوا وَلَا تَقُولُوا
 لِمَنْ أَلْفَىٰ إِلَيْكُمْ أَلْسَلَمَ لَسْتَ مُؤْمِنًا تَبْتَغُونَ
 عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ مَغَانِمٌ كَثِيرَةٌ
 كَذَلِكَ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلُ فَمَنْ أَلْفَىٰكُمْ
 فَتَبَيَّنُوا إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا ﴿٩٤﴾

و^(۷۱) نیز دمسلمانی را که مسلمانی را بکشد مگر آنکه قتل به خطاً واقع شود (یعنی بغیر قصد) و هرکه مسلمانی را به خطاً بکشد پس لازم است آزاد کردن برده مسلمان و خون بها به خانواده مقتول سپرده شود مگر آنکه از آن درگذرند پس اگر مقتول از گروه دشمنان شما باشد و او مسلمانست پس لازم است آزاد کردن برده^(۷۲) و اگر باشد مقتول از قومی که میان شما و ایشان عهد است^(۷۳) پس لازم است خون بها به خانواده او سپرده شود و آزاد کردن برده^(۷۴) مسلمان پس هرکه برده ای را نیابد پس لازم است روزه داشتن دوماه پی در پی (قانونگذاری در كفاره) بجهت قبول توبه از جانب خدا است و خدادانای استوارکار هست^(۷۴) (۹۲). و هرکه مسلمانی را بقصد بکشد پس جزای او دوزخ است جاوید باشد آنجا و بر او خدا خشم گرفته است و او را لعنت کرد و برای او عذابی بزرگ آماده ساخته است (۹۳). ای مسلمانان چون در راه خدا سفر کنید (یعنی برای جهاد) پس به خوبی بررسی کنید و مگویید کسی را که به سوی شما سلام انداخته است مسلمان نیستی متاع زندگانی دنیا را می طلبید پس نزد خدا غنیمت های بسیار است پیش ازین هم چنین بودید پس خدا بر شما انعام کرد پس درست بررسی کنید هر آئینه خدا به آنچه می کنید آگاه هست (۹۴).

(۷۱) مترجم گوید خدای تعالی احکام قتل خطاً بیان می فرماید و آنکه امتناع از قتل کسیکه به کلمه اسلام متکلم شد واجب است و فضل مجاهدان و وجوب هجرت از دار کفر به دار اسلام و کیفیت نماز سفر و نماز خوف بیان می کند و الله اعلم.

(۷۲) یعنی مقتول مسلمان اگر از ساکنان دار الحرب باشد دیت لازم نیست و الله اعلم.

(۷۳) یعنی او مومن باشد.

(۷۴) جمهور مفسرین تفسیر ﴿وَأِنْ كَانَ مِنْ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ﴾ در مقتول کافر کردند به ملاحظه آنکه توارث در میان مومن و کافر منقطع است و سبیل دیت سبیل میراث است و این بنده^۱ ضعیف می گوید تمهید مسئله به ﴿وَمَا كَانَ لِلْمُؤْمِنِ أَنْ يَقْتُلَ الْمُؤْمِنًا إِلَّا خَطَاً﴾ و تقید به «وهو مؤمن» در نظیر ما نحن فیه ظاهر است در آنکه اینجاقید ایمان معتبر است و لزوم دیت بجهت و فابعهدست نه بر سبیل میراث و نظیرش وجوب مهرست در مسئله مؤمنه از قوم متعاهدین در سوره ممتحنه و الله اعلم.

لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولِي الضَّرَرِ وَالْمُجَاهِدُونَ
 فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ
 وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً وَكُلًّا وَعَدَّ اللَّهُ الْحَسَنَىٰ وَفَضَّلَ اللَّهُ
 الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا ﴿٩٥﴾ دَرَجَاتٍ مِّنْهُ وَمَغْفِرَةً
 وَرَحْمَةً وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا ﴿٩٦﴾ إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّيْتُمُ الْمَلَائِكَةَ
 ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ
 قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا فَأُولَٰئِكَ مَأْوَاهُمْ
 جَهَنَّمُ وَسَاءَتْ مَصِيرًا ﴿٩٧﴾ إِلَّا الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ
 وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ لَا يَسْتَطِيعُونَ حِيلَةً وَلَا يَهْتَدُونَ سَبِيلًا ﴿٩٨﴾
 فَأُولَٰئِكَ عَسَى اللَّهُ أَن يَعْفُو عَنْهُمْ وَكَانَ اللَّهُ عَفُورًا غَفُورًا ﴿٩٩﴾ * وَمَنْ
 يُهَاجِرْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَجِدْ فِي الْأَرْضِ مُرَافًا كَثِيرًا وَسَعَةً وَمَنْ
 يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكُهُ الْمَوْتُ فَقَدْ
 وَقَعَ أَجْرُهُ وَعَلَى اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا ﴿١٠٠﴾ وَإِذَا ضَرَبْتُمْ فِي
 الْأَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ إِنْ خِفْتُمْ
 أَنْ يَفْتِنَكُمْ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ الْكٰفِرِينَ كَانُوا لَكُمْ عَدُوًّا مُّبِينًا ﴿١٠١﴾

برابر نیستند نشینندگان غیر معذور از مسلمانان و در راه خدای تعالی به مالهای خویش و جانهای خویش جهاد کنندگان، خدا مجاهدان را به مالهای و جانهای خویش بر نشینندگان در مرتبه برتری داده است و هریکی را خدا وعده بهشت را داده است و افزون داده است خدا مجاهدان را به نسبت نشینندگان پاداش بزرگ^(۷۵) (۹۵). (آنان را به) مرتبه هاز جانب خویش و آموزش و بخشایش افزون داده است و خدا آمرزنده^۱ مهربان هست (۹۶). هر آئینه آنانکه فرشتگان قبض ارواح ایشان کردند درحالتیکه آنان نسبت به خویشان^(۷۶) ستمگار بودند فرشتگان به ایشان گفتند شما در چه حال بودید گفتند در زمین مستضعف بودیم گفتند آیا زمین خدا فراخ نبود تا در آن هجرت می کردید در آن پس آن جماعت جای ایشان دوزخ است و آن بدجایی است (۹۷). مگر آنانکه به حقیقت بیچاره اند از مردان و زنان و کودکان هیچ چاره نمی توانند و هیچ راه نمی یابند (۹۸). پس آن جماعت نزدیک است که خدا از ایشان عفو کند و خدا عفو کننده^۲ آمرزنده است (۹۹). و هر که ترك وطن کند در راه خدا بیاید در زمین اقامت گاه بسیار و فراخی معیشت و هر که بیرون رود از خانه^۳ خود هجرت کنان به سوی خدا و پیامبر او و سپس دریابد او را موت^(۷۷) پس به تحقیق که مزد او بر خدا ثابت شد و خدا آمرزنده^۴ مهربان است (۱۰۰). و چون در زمین سفر کنید پس بر شما گناهی نیست در آنکه قدری از نماز را قصر کنید اگر بترسید از آنکه شما را کافران در بلا افگند هر آئینه کافران دشمن آشکار شما هستند^(۷۸) (۱۰۱).

(۷۵) فائده قید غیراولی الضرر آنست که دراولی الضرر این حکم مطرد نیست بلکه جمعی باشند از اولی الضرر که

نیت صبیحه دارند ثواب عمل کامل یابند والله اعلم.

(۷۶) یعنی بترك هجرت از دار الحرب به دار السلام و به تكثر سواد كفار والله اعلم.

(۷۷) یعنی در راه قبل از وصول به مقصد.

(۷۸) مترجم گوید مشهور آن است که این آیت در صلوة مسافر نازل شده است و خوف قید اتفاقی است و آنچه نزدیک

این بنده رجحان یافته است آنست که این آیت در صلوة خوف نازل شده است و سفر قید اتفاقست و مراد از قصر

در کیفیت رکوع و سجود است که بایمادی ادا میتوان کرد نه در کمیت رکعات والله اعلم.

وَإِذَا كُنْتَ فِيهِمْ فَأَقَمْتَ لَهُمُ الصَّلَاةَ فَلْتَقُمْ طَائِفَةٌ
 مِنْهُمْ مَعَكَ وَلْيَأْخُذُوا أَسْلِحَتَهُمْ فَإِذَا سَجَدُوا فَلْيَكُونُوا
 مِنْ وَرَائِكُمْ وَلِتَأْتِ طَائِفَةٌ أُخْرَى لَمْ يُصَلُّوا فَلْيُصَلُّوا
 مَعَكَ وَلْيَأْخُذُوا حِذْرَهُمْ وَأَسْلِحَتَهُمْ وَذَ الَّذِينَ
 كَفَرُوا لَوْ تَغْفُلُونَ عَنْ أَسْلِحَتِكُمْ وَأَمْتِعَتِكُمْ فَيَمِيلُونَ
 عَلَيْكُمْ مَيْلَةً وَاحِدَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ كَانَ بِكُمْ
 أَذًى مِنْ مَطَرٍ أَوْ كُنْتُمْ مَرْضَى أَنْ تَضَعُوا أَسْلِحَتَكُمْ
 وَخُذُوا حِذْرَكُمْ إِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا ﴿١١٢﴾
 فَإِذَا قُضِيَتْ الصَّلَاةُ فَادْكُرُوا اللَّهَ قِيَمًا وَقُعُودًا وَعَلَى
 جُنُوبِكُمْ فَإِذَا اطْمَأْنَنْتُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ
 كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا ﴿١١٣﴾ وَلَا تَهِنُوا فِي
 ابْتِغَاءِ الْقَوْمِ إِنْ تَكُونُوا تَأْلَمُونَ فَإِنَّهُمْ يَأْلَمُونَ كَمَا
 تَأْلَمُونَ وَتَرْجُونَ مِنَ اللَّهِ مَا لَا يَرْجُونَ وَكَانَ اللَّهُ
 عَلِيمًا حَكِيمًا ﴿١١٤﴾ إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ
 بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَاكَ اللَّهُ وَلَا تَكُنْ لِلْخَائِنِينَ خَصِيمًا ﴿١١٥﴾

و چون در میان مؤمنان باشی^(۷۹) پس برای ایشان نماز را برپا کردی پس باید گروهی از ایشان باتو بایستند و باید که سلاح های خویش را برگیرند پس چون آنان سجده کردند پس باید که پشت سر شما باشند^(۸۰) و باید که آن گروه دیگر که هنوز نماز نخوانده اند بیاید پس با تو نماز گذارند و باید که حذر^(۸۱) و سلاح خود را بگیرند آرزو کردند کافران که ای کاش غافل شوید از سلاح های خویش و متاع های خویش پس بر شما يك باره حمله کنند و بر شما هیچ گناه نیست اگر شما را رنجی باشد از باران یا بیمار باشید در آن که سلاح های خویش را به نهید و البته حذر خود را بگیرید هر آئینه خدا برای کافران عذاب رسواکننده آماده کرده است^(۸۲)

(۱۰۲). پس چون نماز تمام کردید پس خدا را ایستاده و نشسته و برپهلوهای خویش یاد کنید پس چون (آسوده خاطر) مطمئن شدید نماز را برپا کنید^(۸۳) هر آئینه نماز بر مومنان فرضی به وقت معین کرده شده هست (۱۰۳). و سستی مکنید در جستجوی کفار اگر شما دردمند می شوید پس ایشان نیز دردمند می شوند چنانکه شما دردمند می شوید و شما از خدا امید دارید آنچه ایشان را امید نیست و خدا دانای استوارکار هست (۱۰۴). هر آئینه^(۸۴) ما به سوی تو کتاب را به راستی فرود آوردیم تا حکم کنی میان مردمان به آنچه تو را خدا شناسانده است و مباحث برای حمایت خیانت کنندگان خصومت کننده (۱۰۵).

(۷۹) یعنی وقت خوف.

(۸۰) یعنی در مقابل عدو.

(۸۱) و حذر خود وزره و سپر را گویند.

(۸۲) مترجم گوید این را صورتها است یکی آنکه امام دوبار نماز گذارد يك بار به این جماعت و دیگری بآن جماعت دیگر آنکه امام بایک جماعت يك رکعت گذارد و در قیام توقف کند تا آنکه رکعت دیگر خوانده مقابل عدو روند آنجماعت دیگر آمده افتدا به امام کنند و رکعت دیگر بآنجماعت خواند در تشهد چندان توقف کند که از رکعت دوم فارغ شوند آنکه بایشان سلام دهد این هر دو باصورتهاى دیگر همه صحیح وثابت است و همه محتمل آست والله اعلم.

(۸۳) یعنی بطریق نماز من و الله اعلم.

(۸۴) مترجم گوید مردم ضعیف الاسلام اگر کسی از ایشان مرتکب گناهی می شد برای وی حيله ها بافته پیش آنحضرت بوجهی اظهار میکردند که براءت او بخاطر مبارك می رسید و بایکدیگر خلوت کرده رازها بخلاف رضای شریف در میان می آوردند خدای تعالی آیات فرستاد.

وَأَسْتَغْفِرِ اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا ﴿١١٦﴾ وَلَا تَجِدَلْ
 عَنِ الَّذِينَ يَخْتَانُونَ أَنفُسَهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَن كَانَ
 خَوَّانًا أَثِيمًا ﴿١١٧﴾ يَسْتَخْفُونَ مِنَ النَّاسِ وَلَا يَسْتَخْفُونَ
 مِنَ اللَّهِ وَهُوَ مَعَهُمْ إِذْ يُبَيِّتُونَ مَا لَا يَرْضَىٰ مِنَ الْقَوْلِ
 وَكَانَ اللَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطًا ﴿١١٨﴾ هَٰ أَنتُمْ هَٰؤُلَاءِ
 جَدَلْتُمْ عَنْهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فَمَنْ يُجَادِلِ اللَّهَ عَنْهُمْ
 يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَمْ مَن يَكُونُ عَلَيْهِمْ وَكِيلًا ﴿١١٩﴾ وَمَن يَعْمَلْ
 سُوءًا أَوْ يَظْلِمْ نَفْسَهُ ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللَّهَ يَجِدِ اللَّهَ غَفُورًا
 رَّحِيمًا ﴿١٢٠﴾ وَمَن يَكْسِبْ إِثْمًا فَإِنَّمَا يَكْسِبُهُ وَعَلَىٰ نَفْسِهِ
 وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا ﴿١٢١﴾ وَمَن يَكْسِبْ خَطِيئَةً
 أَوْ إِثْمًا ثُمَّ يَرْمِ بِهِ بَرِيئًا فَقَدِ احْتَمَلَ بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا
 ﴿١٢٢﴾ وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَرَحْمَتُهُ لَهَمَّتْ طَائِفَةٌ مِّنْهُمْ
 أَن يُضِلُّوكَ وَمَا يُضِلُّونَ إِلَّا أَنفُسَهُمْ وَمَا يَضُرُّونَكَ
 مِن شَيْءٍ وَأَنزَلَ اللَّهُ عَلَيْكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَكَ
 مَا لَمْ تَكُن تَعْلَمُ وَكَانَ فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكَ عَظِيمًا ﴿١٢٣﴾

و از خدا آمرزش خواه هر آئینه خدا آمرزندهٔ مهربان هست (۱۰۶). و از کسانی که به خود خیانت می کنند خصومت مکن هر آئینه خدا کسی را که خیانت کنندهٔ گنهگار باشد دوست نمی دارد (۱۰۷). (گناهانشان را) از مردمان پنهان می کنند حال آنکه از خدا نتوانند پنهان دارند و او با ایشان است آنگاه که به شب مشورت میکنند آنچه خدا از تدبیر نمی پسندد و خدا به آنچه میکنند در بر گیرنده هست (۱۰۸). آگاه باشید شما ای قوم که دفاع می کردید از خیانت کنندگان در زندگانی دنیا پس کیست که از ایشان نزد خدا روز قیامت دفاع کند یا کیست که برایشان کار سازنده باشد (۱۰۹). و هر که کاربرد انجام دهد یا بر خویش ستم کند باز از خدا آمرزش طلبد خدا را آمرزندهٔ مهربان بیابد (۱۱۰). و هر که گناهی بکند پس جز این نیست که آن را بر جان خویش می کند و خدا دانای استواکار هست (۱۱۱). و هر که خطایی بکند یا گناهی باز به آن بیگناهی را تهمت زند پس بر خود افترا و گناه ظاهر را برداشت (۱۱۲). و اگر فضل خدا و بخشایش او بر تو نمی بود قصد کرده بودند گروهی از ایشان که ترا گمراه کنند و گمراه نمی کنند مگر خویشتن را و هیچ ضرری به تو نرسانند و خدا بر تو کتاب و دانش نازل کرد و تو را آنچه نمی دانستی آموخت و فضل خدا بر تو بس بزرگ است (۱۱۳).

* لَأَخِيرَ فِي كَثِيرٍ مِّنْ مَّجَولَهُمْ إِلَّا مَنْ أَمَرَ بِصَدَقَةٍ
 أَوْ مَعْرُوفٍ أَوْ إِصْلَاحٍ بَيْنَ النَّاسِ وَمَن يَفْعَلْ ذَلِكَ
 ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا ﴿١١٤﴾ وَمَن
 يُشَاقِقِ الرَّسُولَ مِن بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُ الْهُدَىٰ وَيَتَّبِعْ غَيْرَ
 سَبِيلِ الْمُؤْمِنِينَ نُوَلِّهِ مَا تَوَلَّىٰ وَنُصَلِّهِ ۗ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ
 مَصِيرًا ﴿١١٥﴾ إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَن يُشْرَكَ بِهِ ۗ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ
 ذَلِكَ لِمَن يَشَاءُ ۗ وَمَن يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا
 بَعِيدًا ﴿١١٦﴾ إِن يَدْعُونَ مِن دُونِهِ ۖ إِلَّا إِنثًا وَإِن يَدْعُونَ
 إِلَّا الشَّيْطَانَ مَرِيدًا ﴿١١٧﴾ لَعَنَهُ اللَّهُ وَقَالَ لَأَتَّخِذَنَّ مِنْ
 عِبَادِكَ نَصِيبًا مَّفْرُوضًا ﴿١١٨﴾ وَلَا ضِلَّةَ لَهُمْ وَلَا يُمْنِنَ لَهُمْ
 وَلَا مَرْتَهَمَ فَلْيَبْتَئِنَّا أَذَانَ الْأَنْعَامِ وَلَا مَرْتَهَمَ
 فَلْيَغْيِرَنَّ خَلْقَ اللَّهِ ۗ وَمَن يَتَّخِذِ الشَّيْطَانَ وَلِيًّا مِّن
 دُونِ اللَّهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرَانًا مُّبِينًا ﴿١١٩﴾ يَعِدُهُمْ
 وَيُمْنِيهِمْ ۗ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا ﴿١٢٠﴾ أُولَٰئِكَ
 مَأْوِلُهُمْ جَهَنَّمُ ۖ وَلَا يَجِدُونَ عَنْهَا مَحِيصًا ﴿١٢١﴾

نیست خوبی در بسیاری از مشورت پنهانی ایشان لیکن خوبی در مشورت کسی است که به صدقه یا به کار پسندیده یا به صلاح کاری میان مردمان می فرماید و هر که به طلب خوشنودی خدا این کند پس بزودی پاداش بزرگ بدهیمش (۱۱۴). و هر که مخالفت پیامبر کند بعد از آنکه او را هدایت معلوم شد و غیر راه مسلمانان را پیروی کند متوجه بکنیمش به آنچه روی کرده^(۸۵) و به دوزخ درآریمش و او بدجایی است (۱۱۵). هر^(۸۶) آئینه خدا نمی آمرزد آنکه شریک به او مقرر کرده شود و غیر شرک را برای هر کس که خواهد می آمرزد و هر که با خدا شریک مقرر کند پس به یقین گمراه شد گمراهی دور (۱۱۶). مشرکان بجز خدا مگرتانی را که بنام دختران مسمی کرده اند نمی پرستند و مگر شیطان دوررفته از حد را نمی پرستند (۱۱۷). خدا او را لعنت کرد و شیطان گفت از بندگان تو حصه ای که در علم ازلی معین شده بگیرم (۱۱۸). و البته ایشان را گمراه کنم و البته ایشان را در آرزوی باطل افکنم و البته ایشان را بفرمایم تا گوش چهارپایان را بشگافند و البته بفرمایم ایشان را تا آفرینش خدا را تغییر دهند^(۸۷) و هر که شیطان را به جای خدا دوست گیرد پس زیان کار شد زیان ظاهر (۱۱۹). ایشان را وعده می دهد و ایشان را در آرزو می افکند و ایشان را شیطان وعده نمی دهد مگر به فریب (۱۲۰). آن جماعت جای ایشان دوزخ است و از آن راه نجاتی نیابند (۱۲۱).

(۸۵) مترجم گوید یعنی قوت دل بیفزایم.

(۸۶) مترجم گوید از اینجا تغلیظ تحریم شرک می فرماید.

(۸۷) مترجم گوید یعنی مانند خصی کردن و سوزن زدن بردن تاسرخ یا کبود گرداندن و الله اعلم.

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَنُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ
 تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا وَعَدَّ اللَّهُ
 حَقًّا وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ قِيلًا ﴿١٣١﴾ لَيْسَ بِأَمَانِيِّكُمْ
 وَلَا أَمَانِي أَهْلِ الْكِتَابِ مَنْ يَعْمَلْ سُوءًا يُجْزَ بِهِ
 وَلَا يَجِدْ لَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا ﴿١٣٢﴾ وَمَنْ
 يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْتَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ
 فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ نَقِيرًا ﴿١٣٣﴾ وَمَنْ
 أَحْسَنُ دِينًا مِمَّنْ أَسْمَرَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ وَاتَّبَعَ
 مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَاتَّخَذَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا ﴿١٣٤﴾ وَلِلَّهِ
 مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ
 مُحِيطًا ﴿١٣٥﴾ وَيَسْتَفْتُونَكَ فِي النِّسَاءِ قُلِ اللَّهُ يُفْتِيكُمْ
 فِيهِنَّ وَمَا يُتْلَى عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ فِي يَتِمَى النِّسَاءِ
 الَّتِي لَا تُوْتُونَهُنَّ مَا كُتِبَ لَهُنَّ وَتَرْغَبُونَ أَنْ تَنْكِحُوهُنَّ
 وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الْوِلْدَانِ وَأَنْ تَقُومُوا لِلْيَتَامَى بِالْقِسْطِ
 وَمَا تَفَعَّلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِهِ عَلِيمًا ﴿١٣٦﴾

وآنکه ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند ایشان را به بوستانهایی که می رود زیر آنها جویها درآوریم جاویدان آنجا همیشه خدا براستی وعده کرده است و کیست راست گوتر از خدا در سخن (۱۲۲). کاربوق آرزو های شما ونه بوق آرزو های اهل کتاب نیست هرکه کاربدبکند به او جزا داده خواهد شد و برای خود غیر از خدا هیچ دوستی ونه یاری دهنده ای نیابد (۱۲۳). وهرکه از کار های شایسته بکند مرد باشد یا زن درحالیکه او مسلمان باشد پس آن جماعت به بهشت درآیند و مقدار نقیری^(۸۸) ستم کرده نشوند (۱۲۴). وکیست نیکوتر باعتبار دین از کسی که روی خود را برای خدا تسلیم ساخت و اونیکو کاراست و پیروی کرد ملت ابراهیم رادر حالتی که حنیف بود و خدا ابراهیم را دوست گرفت (۱۲۵). و خدا راست آنچه در آسمان هاست و آنچه در زمین است و خدا به همه چیز در برگیرنده است (۱۲۶). و از تو درباره زنان طلب فتوی می کنند^(۸۹) بگو خدا شما را درباره زنان فتوی میدهد و آنچه خوانده می شود بر شما در کتاب نازل شده است در حق آن زنان یتیمه که نمی دهید ایشان را آنچه برای ایشان فرض کرده شده است و رغبت می کنید که ایشان را به نکاح در آورید^(۹۰) و نازل شده است درباره بیچاره گان از کودکان و حکم است به آنکه به انصاف تعهد حال یتیمان کنید و هر آنچه می کنید از نیکویی خدا به آن دانا هست^(۹۱) (۱۲۷).

(۸۸) یعنی کمترین ذره ای ستم نبینند، نقیر گودی کوچکی است بر پشت هسته خرما، مصحح.

(۸۹) یعنی چه نوع با ایشان معامله باید کرد و الله اعلم.

(۹۰) در نکاح زنان یتیمه رغبت می کردند بسبب براءت جمال و حدائت سن در ادای نفقه و مهر کوتاهی می نمودند و الله اعلم.

(۹۱) جواب این استفتاء تفصیلی داشت پس خدای تعالی بعضی مسائل را حواله فرموده آیات سابقه و آن مسئله تحریم ظلم بر یتامی النساء است و بعضی را اینجا جواب داد و آن مسئله نشوز و تحریم میل کلی بیک زن و اعراض از زن دیگر و اباحه طلاق در صورت ضرورت و الله اعلم.

وَإِن أَمْرًا خَافَتْ مِنْ بَعْلِهَا نُشُوزًا أَوْ إِعْرَاضًا فَلَا جُنَاحَ
 عَلَيْهِمَا أَنْ يَصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا وَالصُّلْحُ خَيْرٌ
 وَأُحْضِرَتِ الْأَنْفُسُ الشُّحَّ وَإِن تُحْسِنُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ
 كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا ﴿١٢٨﴾ وَلَنْ تَسْتَطِيعُوا أَنْ تَعْدِلُوا
 بَيْنَ النِّسَاءِ وَلَوْ حَرَصْتُمْ فَلَا تَمِيلُوا كُلَّ الْمِيلِ فَتَذَرُوهَا
 كَالْمُعَلَّقَةِ وَإِن تُصْلِحُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ
 غَفُورًا رَحِيمًا ﴿١٢٩﴾ وَإِن يَتَفَرَّقَا يُغْنِ اللَّهُ كُلًّا مِنْ سَعَتِهِ
 وَكَانَ اللَّهُ وَاسِعًا حَكِيمًا ﴿١٣٠﴾ وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ
 وَمَا فِي الْأَرْضِ وَلَقَدْ وَصَّيْنَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ
 قَبْلِكُمْ وَإِيَّاكُمْ أَنْ اتَّقُوا اللَّهَ وَإِن تَكْفُرُوا فَإِنَّ لِلَّهِ
 مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ غَنِيًّا حَمِيدًا
 ﴿١٣١﴾ وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا
 ﴿١٣٢﴾ إِن يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ أَيُّهَا النَّاسُ وَيَأْتِ بِآخَرِينَ وَكَانَ
 اللَّهُ عَلَى ذَلِكَ قَدِيرًا ﴿١٣٣﴾ مَنْ كَانَ يُرِيدُ ثَوَابَ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ
 ثَوَابُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَكَانَ اللَّهُ سَمِيعًا بَصِيرًا ﴿١٣٤﴾

اگر زنی از شوهرش سرکشی یا روگردانی را بترسد پس برایشان گناهی نیست در آنکه به خوبی صلح (و آشتی) در میان خویش برقرار سازند و صلح کاری بهتر است، و نفسها به نزدیک بخل حاضر کرده شده اند^(۹۲) و اگر نیکوکاری و پرهیزگاری کنید پس هر آئینه خدا به آنچه می کنید دانا هست (۱۲۸). و نتوانید هرگز عدل کردن میان زنان اگر چه نهایت رغبت کنید پس باری کجی مکنید تمام کجی تا آنکه بگذارید آن زنان را مانند معلقه^(۹۳) و اگر صلاح کنید و پرهیزگاری نمایید پس هر آئینه خدا آمرزندهٔ مهربان هست (۱۲۹). و اگر مرد وزن از یکدیگر جدا شوند خدای تعالی هر یکی را از توانگری خود کفایت کند خدا جواد استوار کار است (۱۳۰). و خدای راست آنچه در آسمان هاست و آنچه در زمین است و هر آئینه آنانرا که داده شدند کتاب پیش از شما و شما را نیز حکم فرمودیم که از خدا بترسید و اگر کافر شوید پس هر آئینه خدا راست آنچه در آسمان هاست و آنچه در زمین است و خدا توانگر ستوده شده هست (۱۳۱). و خدا راست آنچه در آسمان هاست و آنچه در زمین است و خدا کارسازیس است (۱۳۲). اگر خواهد ای مردمان شما را دور کند و دیگران را به وجود آورد و خدا بر این کار توانا هست (۱۳۳). هر که طالب جزای دنیا باشد (یعنی جزای عمل در دنیا طلب کند) پس نزد خدا ثواب دنیا و آخرت است و خدا شنوا و بیناست^(۹۴) (۱۳۴).

(۹۲) یعنی از بخل غایب نمی شوند و آن را نمی گذارند (و همواره در معرض بخل قرار دارند) والله اعلم.

(۹۳) مترجم گوید معلقه زنیست که نه بیوه باشد و نه با شوهر موافقت کند.

(۹۴) یعنی پس چرا طالب هر دو نباشید والله اعلم.

* يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ
 عَلَىٰ أَنفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ إِن يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا
 فَاللَّهُ أَوْلَىٰ بِهِمَا فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَن تَعْدُوا وَإِن تَلَوَا
 أَوْ تَعْرَضُوا فَأِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا ﴿١٢٥﴾ يَا أَيُّهَا
 الَّذِينَ ءَامَنُوا ءَامِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ءَ وَالْكِتَابِ الَّذِي نَزَّلَ
 عَلَىٰ رَسُولِهِ ءَ وَالْكِتَابِ الَّذِي أَنْزَلَ مِن قَبْلُ وَمَن يَكْفُرْ
 بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ ءَ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَقَدْ ضَلَّ
 ضَلَالًا بَعِيدًا ﴿١٢٦﴾ إِن الَّذِينَ ءَامَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا ثُمَّ ءَامَنُوا ثُمَّ
 كَفَرُوا ثُمَّ أَرَادُوا كُفْرًا لَّمْ يَكُنِ اللَّهُ لِيَغْفِرْ لَهُمْ وَلَا لِيَهْدِيَهُمْ
 سَبِيلًا ﴿٢٧﴾ بَشِّرِ الْمُنَافِقِينَ بِأَنَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا ﴿١٢٨﴾ الَّذِينَ
 يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِن دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَيَبْتَغُونَ
 عِنْدَهُمُ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا ﴿١٢٩﴾ وَقَدْ نَزَّلَ عَلَيْكَ فِي
 الْكِتَابِ أَن إِذَا سَمِعْتُمْ ءَايَةَ اللَّهِ يُكْفَرُ بِهَا وَيُسْتَهْزَأُ بِهَا فَلَا
 تَقْعُدُوا مَعَهُمْ حَتَّىٰ يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ ءَ إِنَّكُمْ إِذًا مِّثْلَهُمْ ءَ
 إِنَّ اللَّهَ جَامِعُ الْمُنَافِقِينَ وَالْكَافِرِينَ فِي جَهَنَّمَ جَمِيعًا ﴿١٤٠﴾

ای مسلمانان برپادارندهٔ عدالت، اظهار کننده حق برای خدا باشید و اگرچه بر ضرر خویشتن یا پدر و مادر و خویشاوندان باشد اگر آنکه حق بروی ثابت میشود توانگر باشد یا فقیر بهر حال خدا برایشان مهربان تر است پس پیروی خواهش نفس مکنید از عدل اعراض کنان و اگر سخن را به پیچانید یا رویگردانید پس هر آئینه خدا به آنچه می کنید آگاه هست (۱۳۵). ای مسلمانان به خدا و پیامبر او و آن کتاب که فرو فرستاده است بر پیامبر خود و آن کتاب که فرو فرستاده است پیش ازین ایمان آرید و هر که به خدا و به فرشتگان او و کتاب های او و پیامبران او و روز آخرت کافر شود پس به یقین که گمراه شد گمراهی دور^(۹۵) (۱۳۶). بیگمان آنانکه ایمان آوردند باز کافر شدند باز ایمان آوردند باز کافر شدند باز در کفر زیاده روی کردند^(۹۶) هرگز خدای تعالی ایشان را نیامرزد و هرگز ایشان را راهی نه نماید (۱۳۷). منافقان را به آنکه ایشان را عذاب درد دهنده باشد خبر^(۹۷) ده (۱۳۸). آن منافقان که کافران را به جای مؤمنان دوست میگیرند آیانزد ایشان ارجمندی می طلبند پس هر آئینه ارجمندی به کلی خدا را است (۱۳۹). و هر آئینه خدا بر شما در قرآن فرو فرستاده است که چون آیات خدا را بشنوید که به آنها کفر ورزیده میشود و به آنها تمسخر کرده میشود پس منشینید بایشان تا آنکه درسختی غیر از آن شروع کنند هر آئینه اگر شما چنین نکنید مانند کافران باشید هر آئینه خدا منافقان و کافران را دست جمعی در دوزخ بهم آورده است (۱۴۰).

(۹۵) مترجم گوید مراد آنست که هر که در ملت اسلامیة داخل شد او را به تفصیل تصدیق این چیزها لازم است.

(۹۶) یعنی اصرار کردند والله اعلم.

(۹۷) مترجم گوید از این جا وعید منافقان بیان می فرماید.

الَّذِينَ يَتَرَبَّصُونَ بِكُمْ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ فِتْحٌ مِّنَ اللَّهِ قَالُوا
 أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ وَإِنْ كَانَ لِلْكَافِرِينَ نَصِيبٌ قَالُوا
 أَلَمْ نَسْتَحْوِذْ عَلَيْكُمْ وَنَمْنَعْكُمْ مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ فَاللَّهُ يَحْكُمُ
 بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ
 سَبِيلًا ﴿١٤١﴾ إِنَّ الْمُنْفِقِينَ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَدِعُهُمْ وَإِذَا
 قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كُسَالَى يُرَاءُونَ النَّاسَ وَلَا يَذْكُرُونَ
 اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا ﴿١٤٢﴾ مُذَبْذَبِينَ بَيْنَ ذَلِكَ لَا إِلَى هَؤُلَاءِ وَلَا إِلَى
 هَؤُلَاءِ وَمَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ سَبِيلًا ﴿١٤٣﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ
 آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ
 أَتُرِيدُونَ أَنْ تَجْعَلُوا لِلَّهِ عَلَيْكُمْ سُلْطَانًا مُّبِينًا ﴿١٤٤﴾ إِنَّ
 الْمُنْفِقِينَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ وَلَنْ تَجِدَ لَهُمْ نَصِيرًا
 ﴿١٤٥﴾ إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا وَاعْتَصَمُوا بِاللَّهِ وَأَخْلَصُوا
 دِينَهُمْ لِلَّهِ فَأُولَئِكَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ وَسَوْفَ يُؤْتِ اللَّهُ
 الْمُؤْمِنِينَ أَجْرًا عَظِيمًا ﴿١٤٦﴾ مَا يَفْعَلُ اللَّهُ بِعَذَابِكُمْ
 إِنْ شَكَرْتُمْ وَعَآمَنْتُمْ وَكَانَ اللَّهُ شَاكِرًا عَلِيمًا ﴿١٤٧﴾

آن منافقان که انتظار شما می کشند پس اگر شما را فتحی از جانب خدا باشد گویند آیا با شما نبودیم^(۹۸) و اگر کافران را نصیبی باشد گویند یعنی به کافران آیا غالب نشدیم بر شما^(۹۹) و آیا شما را از ضرر مسلمانان باز نداشتیم^(۱۰۰) پس خدا حکم خواهد کرد میان شما روز قیامت و هرگز نگشاید خدا برای کافران راهی را بر (زیان) مومنان^(۱۰۱) (۱۴۱). هر آئینه منافقان (بگمان خود) خدا را فریب می دهند و خدائیز ایشانرا فریب می دهد و چون منافقان به سوی نماز برخیزند کاهلی کنان برخیزند به مردمان می نمایند و خدا را یاد نمی کنند مگر اندکی (۱۴۲). مترددند در میان این و آن نه به سوی اینانند و نه به سوی آنان و خدا هر که را گمراه کند پس هرگز برای او هیچ راهی را نیابی (۱۴۳). ای مسلمانان کافران را به جای مومنان دوست مگیرید آیا می خواهید که برای خدا بر خویشتن دلیلی ظاهر را ثابت کنید (۱۴۴). هر آئینه منافقان در طبقه زیرترین از آتش اند و هرگز برای ایشان هیچ یاری دهنده ای را نیابی (۱۴۵). مگر آنانکه توبه کردند و اصلاح پیش گرفتند و به (ریسمان) خدا چنگ زدند و دین خود را برای خدا خالص گردانیدند پس آنجماعت همراه مومنانند و خدا مومنان را زود پاداش بزرگ بدهد (۱۴۶). خدا به عذاب شما چه کار کند اگر شکر گذاری کنید و ایمان آورید و خدا قدر شناس دانا هست (۱۴۷).

(۹۸) یعنی از زمره شمالیم والله اعلم.

(۹۹) یعنی خواه مخواه شمارا مصلحت دادیم که با مسلمانان بجنگید و نگذاشتیم که بمصلحت دیگر عمل کنید والله اعلم.

(۱۰۰) یعنی سعی کردیم که ضرر مسلمانان بشما نرسد والله اعلم.

(۱۰۱) یعنی نشود که اسلام رامستاصل گردانند والله اعلم.

* لَا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلَمَ وَكَانَ
 اللَّهُ سَمِيعًا عَلِيمًا ﴿١٤٨﴾ إِنْ تَبَدُّوا خَيْرًا أَوْ تَخَفُوهُ أَوْ تَعْفُوا عَن
 سُوءِهِ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفُوًّا قَدِيرًا ﴿١٤٩﴾ إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ
 بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَيُرِيدُونَ أَنْ يُفَرِّقُوا بَيْنَ اللَّهِ وَرُسُلِهِ وَيَقُولُونَ
 نُؤْمِنُ بِبَعْضٍ وَنَكْفُرُ بِبَعْضٍ وَيُرِيدُونَ أَنْ يَتَّخِذُوا
 بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا ﴿١٥٠﴾ أُولَئِكَ هُمُ الْكٰفِرُونَ حَقًّا وَأَعْتَدْنَا
 لِلْكَٰفِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا ﴿١٥١﴾ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ
 وَلَمْ يُفَرِّقُوا بَيْنَ أَحَدٍ مِّنْهُمْ أُولَئِكَ سَوْفَ يُؤْتِيهِمْ
 أَجْرَهُمْ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا ﴿١٥٢﴾ يَسْأَلُكَ أَهْلُ الْكِتَابِ
 أَنْ تَنْزِلَ عَلَيْهِمْ كِتَابًا مِّنَ السَّمَاءِ فَقَدْ سَأَلُوا مُوسَىٰ أَكْبَرَ
 مِنْ ذَلِكَ فَقَالُوا أَرِنَا اللَّهَ جَهْرَةً فَأَخَذَتْهُمُ الصَّاعِقَةُ بِظُلْمِهِمْ
 ثُمَّ اتَّخَذُوا الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ فَعَفَوْنَا
 عَن ذَلِكَ وَعَآتَيْنَا مُوسَىٰ سُلْطٰنًا مُّبِينًا ﴿١٥٣﴾ وَرَفَعْنَا فَوْقَهُمُ
 الطُّورَ بِمِثْقٰلِهِمْ وَقُلْنَا لَهُمْ ادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا وَقُلْنَا
 لَهُمْ لَا تَعْدُوا فِي السَّبْتِ وَأَخَذْنَا مِنْهُمْ مِّيثَاقًا غَلِيظًا ﴿١٥٤﴾

خدا بلند گفتن سخن بد را دوست نمی دارد مگر از کسی که ستم دیده باشد و خدا شنوا دانا است (۱۴۸). اگر کارنیک را آشکار کنید یا پنهان کنید آن را یا عفو کنید از ظلمی پس هر آئینه خدا عفو کننده توانا است (۱۴۹). هر آئینه کسانی که به خدا و پیامبران او کافر می شوند و می خواهند که در میان خدا و پیامبران او تفرقه کنند^(۱۴۲) و می گویند ایمان می آریم به بعضی از پیامبران و نامعتقد می شویم به بعضی و می خواهند که در میان این و آن راهی گیرند (۱۵۰). آن جماعت ایشانند کافران به حقیقت و آماده ساخته ایم برای کافران عذاب رسوا کننده (۱۵۱). و کسانی که به خدا و پیامبران او ایمان آوردند و در میان هیچ یکی از ایشان تفرقه نکردند آن جماعت خدا ایشان را مزد ایشان خواهد داد و خدا آمرزنده مهربان است (۱۵۲). می طلبند از تو اهل کتاب که فرود آوری برایشان کتابی از آسمان (یعنی یکدفعه) پس از موسی سخت تر ازین سوال کرده بودند، گفتند خدا را به ما آشکارا بنما پس ایشان را صاعقه گرفت بسبب ظلم و ستم ایشان بازگوساله را بعد از آنکه آمد به ایشان معجزه ها معبود گرفتند پس در گذشتیم ازین جریمه و موسی را حجتی ظاهر دادیم^(۱۵۳) (۱۵۳). و بالای ایشان طور را برای گرفتن عهد ایشان برداشتیم و گفتیم ایشان را در آید به دروازه سجده کنان و گفتیم ایشان را تجاوز مکنید در روز شنبه و از ایشان عهد محکم را گرفتیم (۱۵۴).

(۱۰۲) یعنی به خدا ایمان آرند و به پیامبران ایمان نیارند و الله اعلم.

(۱۰۳) مترجم گوید ازین جا خدای تعالی ردشبه یهود میکند که قرآن چرا یکدفعه مثل الواح موسی نازل نشد و این سخن منتداست تا یا اهل کتاب لا تغلوا، الآیه.

فِيمَا نَقَضْتَهُمْ مِيثَاقَهُمْ وَكَفَرْتَهُمْ بِآيَاتِ اللَّهِ وَقَتْلَهُمُ الْأَنْبِيَاءَ
بِغَيْرِ حَقٍّ وَقَوْلِهِمْ قُلُوبُنَا غُلْفٌ بَلْ طَبَعَ اللَّهُ عَلَيْهَا بِكُفْرِهِمْ
فَلَا يُؤْمِنُونَ إِلَّا قَلِيلًا ﴿١٥٥﴾ وَبِكُفْرِهِمْ وَقَوْلِهِمْ عَلَى مَرْيَمَ بُهْتَانًا
عَظِيمًا ﴿١٥٦﴾ وَقَوْلِهِمْ إِنَّا قَتَلْنَا الْمَسِيحَ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ رَسُولَ
اللَّهِ وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَٰكِن شُبِّهَ لَهُمْ وَإِنَّ الَّذِينَ
أَخْتَلَفُوا فِيهِ لَفِي شَكٍّ مِّنْهُ مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِلَّا اتِّبَاعَ الظَّنِّ
وَمَا قَتَلُوهُ يَقِينًا ﴿١٥٧﴾ بَلْ رَفَعَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا
﴿١٥٨﴾ وَإِنَّ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لَيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَيَوْمَ
الْقِيَامَةِ يَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا ﴿١٥٩﴾ فِظَلَمِ الَّذِينَ هَادُوا
حَرَمْنَا عَلَيْهِمْ طَيِّبَاتٍ أُحِلَّتْ لَهُمْ وَبِصَدِّهِمْ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ
كَثِيرًا ﴿١٦٠﴾ وَأَخَذَهُمُ الرِّبَا وَقَدَّحُوا عَنْهُ وَأَكَلِهِمْ أَمْوَالَ
النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا ﴿١٦١﴾ لَٰكِن
الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ مِنْهُمْ وَالْمُؤْمِنُونَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ
وَمَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ وَالْمُقِيمِينَ الصَّلَاةَ وَالْمُؤْتُونَ الزَّكَاةَ
وَالْمُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ أُولَٰئِكَ سَنُؤْتِيهِمْ أَجْرًا عَظِيمًا ﴿١٦٢﴾

پس بسبب شکستن ایشان عهد خود را وبسبب کفرایشان به آیات خدا و کشتن ایشان انبیا را به ناحق و گفتن ایشان که دل‌های ما در پرده است نه بلکه خدای تعالی بردل‌های ایشان بسبب کفرایشان مهنر نهاده است پس ایمان نیارند مگر اندکی (۱۵۵). وبسبب کفرایشان و گفتن ایشان بر مریم بهتانی بزرگ^(۱۰۴) (۱۵۶). وبسبب گفتن ایشان که هر آئینه ما مسیح عیسی پسر مریم را که فی الواقع پیامبر خدا بود کشتیم و او را نکشته اند و او را بردار نکشیده اند ولیکن (حقیقت امر) برایشان مشتبه شد و هر آئینه کسانی که اختلاف کردند درباره عیسی از حال او در شک اند ایشان را بآن یقینی نیست لیکن پیروی ظن میکنند و او را به یقین نکشته اند (۱۵۷). بلکه او را خدای تعالی به سوی خود برداشت و خدا غالب استوار کار هست (۱۵۸). و نباشد هیچ کس از اهل کتاب الا پیش از مردنش به عیسی^(۱۰۵) البته ایمان آورد و روز قیامت عیسی برایشان گواه باشد (۱۵۹). پس به سبب ظلمی که از یهود به ظهور آمد برایشان چیزهای پاکیزه را که حلال بودند برای ایشان حرام ساختیم و (نیز) به (سزای) بازداشتن ایشان مردمان بسیاری را از راه خدا (۱۶۰). و (نیز) به سزای ربا گرفتن ایشان حال آنکه از آن منع کرده شده اند و (نیز) به سزای خوردن ایشان اموال مردمان را به ناحق و برای کافران از ایشان (یعنی مصران بر کفر) عذاب درد ناک مهیا کردیم^(۱۰۶) (۱۶۱). لیکن ثابت قدمان در علم از اهل کتاب و مومنان به آنچه فرو فرستاده شده است به سوی تو آنچه فرو فرستاده شده است پیش از تو ایمان می آرند و (مدح می کنیم) بر پادارندگان نماز را و هم چنین دهندگان زکوة را و ایمان آرندگان به خدا و روز آخر این جماعت زود ایشانرا مُزد بزرگ بدهیم (۱۶۲).

(۱۰۴) یعنی قذف به زنا.

(۱۰۵) مترجم گوید یعنی یهودی که حاضر شوند نزول عیسی را البته ایمان آرند والله اعلم.

(۱۰۶) مترجم گوید اگر گوئی انکار عیسی بعد نزول تورات کرده بودند و تحریم لحوم ابل و تحریم ذی ظفر در تورات مذکور بود پس چگونه جزای انکار عیسی باشد گویم نزدیک این بنده ظاهر آنست مراد از تحریم طیبات موقوف داشتن نعمت هاست که سابقاً ایشانرا داده بودند از پادشاهی و نبوت و نصرت و غیر آن و این مشابه آن آیتیست ﴿وَمُرِيَتْ عَلَيْهِمُ الذَّلَّةُ وَاللَّسْكَنَةُ﴾ الآية و این آیت ﴿وَحَكْرَمٌ عَلَى قَرْبَةٍ أَفْلَحَ كَهَآءُ﴾ و به این صورت جمیع کلام با هم مربوط باشد والله اعلم.

* إِنَّا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ كَمَا أَوْحَيْنَا إِلَى نُوحٍ وَالنَّبِيِّينَ مِنْ بَعْدِهِ
 وَأَوْحَيْنَا إِلَى إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ
 وَالْأَسْبَاطِ وَعِيسَى وَأَيُّوبَ وَيُونُسَ وَهَارُونَ وَسُلَيْمَانَ
 وَآتَيْنَا دَاوُدَ زَبُورًا ﴿١١٢﴾ وَرُسُلًا قَدْ قَصَصْنَاهُمْ عَلَيْكَ
 مِنْ قَبْلُ وَرُسُلًا لَمْ نَقْصُصْهُمْ عَلَيْكَ وَكَلَّمَ اللَّهُ مُوسَى
 تَكْلِيمًا ﴿١١٤﴾ رُسُلًا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ لِئَلَّا يَكُونَ
 لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا
 ﴿١١٥﴾ لَكِنَّ اللَّهَ يَشْهَدُ بِمَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ أَنْزَلَهُ وَيَعْلَمُهَا وَالْمَلَائِكَةُ
 يَشْهَدُونَ وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا ﴿١١٦﴾ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا
 وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ قَدْ ضَلُّوا ضَلَالًا بَعِيدًا ﴿١١٧﴾ إِنَّ الَّذِينَ
 كَفَرُوا وَظَلَمُوا لَمْ يَكُنِ اللَّهُ لِيَغْفِرْ لَهُمْ وَلَا لِيَهْدِيَهُمْ
 طَرِيقًا ﴿١١٨﴾ إِلَّا طَرِيقَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا وَكَانَ
 ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا ﴿١١٩﴾ يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ الرَّسُولُ بِالْحَقِّ
 مِنْ رَبِّكُمْ فَآمِنُوا خَيْرًا لَكُمْ وَإِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ لِلَّهِ
 مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا ﴿١٢٠﴾

هرآئینه ما به سوی تو وحی فرستادیم چنانکه به سوی نوح و پیامبران پس از وی وحی فرستادیم و چنانکه به سوی ابراهیم و اسمعیل و اسحق و یعقوب و نبیرگان و عیسی و ایوب و یونس و هارون و سلیمان وحی فرستادیم و چنانکه داود را زبور دادیم (۱۶۳). و چنانکه فرستادیم پیامبرانی که داستان ایشان را پیش (از این برتوباز) گفته ایم و پیامبرانی که قصه ایشان را به تو نگفته ایم خدا با موسی سخن گفت (۱۶۴). پیامبران مژده دهندگان و بیم کنندگان را فرستادیم تا مردمان را بر خدا الزامی بعد از فرستادن پیامبران نباشد^(۱۰۷) و خدا غالب استوارکار است (۱۶۵). لیکن خدا گواهی میدهد به آنچه به سوی تو فر فرستاده است که آن را به علم خود فرو فرستاد و فرشتگان نیز گواهی می دهند و خدا گواه بس است (۱۶۶). هرآئینه کسانی که کافر شدند و مردمان را از راه خدا بازداشتند به تحقیق گمراه شدند گمراهی دور (۱۶۷). هرآئینه کسانی که کافر شدند و ستم کردند خدا هرگز ایشان را نیامرزد و ایشان را راهی نه نماید (۱۶۸). مگر راه دوزخ جاویدان آنجا همیشه و این بر خدا آسان هست (۱۶۹). ای مردمان هرآئینه به شما پیامبر به راستی از جانب پروردگار شما آمد پس ایمان آرید تا ایمان آوردن برای شما بهتر باشد و اگر کافر شوید پس هرآئینه از آن خدا است آنچه در آسمانها و زمین است و خدا دانا استوارکار است (۱۷۰).

(۱۰۷) یعنی تا نگویند که تقصیر مانست هیچ پیامبر نزد مانیامده والله اعلم.

يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ وَلَا تَقُولُوا عَلَى
اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ إِنَّمَا الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ رَسُولُ اللَّهِ
وَكَلِمَتُهُ أُلْقِيَتْهَا إِلَى مَرْيَمَ وَرُوحٌ مِّنْهُ فَآمَنُوا بِاللَّهِ
وَرُسُلِهِ وَلَا تَقُولُوا ثَلَاثَةٌ انْتَهُوا خَيْرًا لَّكُمْ إِنَّمَا اللَّهُ
إِلَهُ وَاحِدٌ سُبْحَانَهُ أَنْ يَكُونَ لَهُ وَلَدٌ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ
وَمَا فِي الْأَرْضِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا ﴿١٧١﴾ لَنْ يَسْتَنْكِفَ
الْمَسِيحُ أَنْ يَكُونَ عَبْدًا لِلَّهِ وَلَا الْمَلَائِكَةُ الْمُقَرَّبُونَ
وَمَنْ يَسْتَنْكِفْ عَنْ عِبَادَتِهِ وَيَسْتَكْبِرْ فَسَيَحْشُرُهُمْ
إِلَيْهِ جَمِيعًا ﴿١٧٢﴾ فَأَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
فِيُوفِيهِمْ أَجْرَهُمْ وَيَزِيدُهُمْ مِّنْ فَضْلِهِ ؕ وَأَمَّا الَّذِينَ
أَسْتَنْكَفُوا أَسْتَكْبَرُوا فَيُعَذِّبُهُمُ عَذَابًا أَلِيمًا وَلَا
يَجِدُونَ لَهُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا ﴿١٧٣﴾ يَا أَيُّهَا النَّاسُ
قَدْ جَاءَكُمْ بُرْهَانٌ مِّنْ رَبِّكُمْ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُّبِينًا
﴿١٧٤﴾ فَأَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا بِاللَّهِ وَأَعْتَصَمُوا بِهِ فَسَيُدْخِلُهُمْ فِي
رَحْمَةٍ مِّنْهُ وَفَضْلٍ وَيَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمًا ﴿١٧٥﴾

ای^(۱۰۸) اهل کتاب در دین خود از حد مگذرید و مگویید برخدا مگرسخنِ راست جز این نیست که مسیح عیسی پسر مریم پیامبرِ خداست و کلمه^{*} اوست او را به سوی مریم انداخت و روحی است از جانب خدا پس به خدا و پیامبران او ایمان آورید و مگویید خدایان سه اند باز آید ازین قسم گفتار تا این بازماندن شما را بهتر باشد جز این نیست که خدا معبود یگانه است خدا را از آن که او را فرزندی باشد پاکست برای او است آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است و خداکار سازنده بس است (۱۷۱). هرگز عیسی از آنکه بنده^{*} خدا باشد ننگ ندارد و نه فرشتگان مقرب ننگ دارند و هر که ننگ کند از بندگی او و سرکشی کند پس همگی ایشانرا به سوی خویش خواهد برانگیخت (۱۷۲). پس اماکسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند پس ایشان را مزدهایشان تمام دهد و ایشان را از فضل خود زیاده دهد و اما کسانی که ننگ داشتند و سرکشی کردند پس عذاب کندایشان را عذاب درد دهنده و برای خویش بجز خدای هیچ دوستی و نه هیچ یاری دهنده ای نیابند (۱۷۳). ای مردمان به تحقیق نزدیک شما دلیلی از پروردگار شما آمد و به سوی شما روشنی آشکار نازل کردیم (۱۷۴). اما کسانی که به خدا ایمان آوردند و به او چنگ زدند پس زود ایشان را در رحمتی و فضلی (از نزدیک) خود درآرد و ایشان را به سوی خود راه راست بنماید (۱۷۵).

(۱۰۸) مترجم گوید ازینجا شروع می فرماید در ردّ شبه نصاری و الله اعلم.

يَسْتَفْتُونَكَ قُلِ اللَّهُ يُفْتِيكُمْ فِي الْكَلَالَةِ إِنْ أُمِرُوا أَهْلَكَ
 لَيْسَ لَهُ، وَوَلَدٌ، وَوَلَةٌ، أَخْتٌ فَلَهَا نِصْفُ مَا تَرَكَ وَهُوَ يَرِثُهَا إِنْ
 لَمْ يَكُنْ لَهَا وَوَلَدٌ فَإِنْ كَانَتْ أَثْنَتَيْنِ فَلَهُمَا الثُّلُثَانِ مِمَّا تَرَكَ
 وَإِنْ كَانُوا إِخْوَةً رِجَالًا وَنِسَاءً فَلِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثَىٰ
 يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ أَنْ تَضِلُّوا وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿١٧٦﴾

سورة المائدة

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ أَحَلَّتْ لَكُمْ بَهِيمَةَ الْأَنْعَامِ
 إِلَّا مَا يَتَىٰ عَلَيْكُمْ غَيْرَ مُحِلِّي الصَّيْدِ وَأَنْتُمْ حُرْمٌ إِنْ اللَّهُ
 يَحْكُمُ مَا يُرِيدُ ﴿١﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَحِلُّوا شَعِيرَ اللَّهِ
 وَلَا الشَّهْرَ الْحَرَامَ وَلَا الْهَدْيَ وَلَا الْقَلَائِدَ وَلَا ءَامِينَ الْبَيْتِ
 الْحَرَامِ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِّن رَّبِّهِمْ وَرِضْوَانًا وَإِذَا حَلَلْتُمْ فَاصْطَادُوا
 وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نُ قَوْمٍ أَنْ صَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَنْ
 تَعْتَدُوا وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ
 وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿٢﴾

از تو طلب فتویٰ میکنند بگو خدای تعالی شمارا درباره* میراث کلاله فتویٰ میدهد کسیکه پدر و فرزند ندارد اگر مردی بمیرد که فرزندش نیست (یعنی ونه پدر و مادر) و اورا خواهری باشد^(۱۰۹) پس خواهرش را است نیمه آنچه گذاشته است و اگر این خواهر بمیرد آن برادر وارث او شود اگر نباشد آنرا فرزندی پس اگر خواهران دو باشند پس ایشان را است دوسوم حصه آنچه بگذاشته است و اگر ایشان جماعت باشند مردان و زنان پس مرد راست مانند حصه دوزن بیان می کند خدای برای شما تا گمراه نشوید و خدا بهمه چیز داناست (۱۷۶).



بنام خدای بخشاینده مهربان.

ای مومنان وفا کنید بعهد ها (یعنی عهدی که با خدا بسته اید در التزام احکام او تعالی) برای شما چهار پایان از قسم انعام حلال کرده شده مگر آنچه (حکمش) بر شما خوانده میشود^(۱) نه حلال دارنیده شکار درحالتی که محرم باشید هرآئینه خدا حکم میکند آنچه می خواهد (۱). ای مسلمانان حرمت شکنی نشانهای خدا ونه ماه حرام را^(۲) ونه قربانی (بی نشان) را ونه آنچه راکه در گردن او قلاده می اندازند (یعنی نشانه دار) مکنید ونه قصد کنندگان بیت الحرام راکه فضلی از پروردگار خویش و خوشنودی از وی^(۳) می طلبند و چون احرام کشادید پس شکار بکنید - و شما را دشمنی گروهی بسبب آنکه باز داشتند شما را از مسجد الحرام^(۴) بر تجاوز کردن از حد حمل نکنند و بایکدیگر بر نیکوکاری و پرهیزگاری مدد کنید و بر گناه و ستم بایکدیگر همکاری مکنید و از خدا بترسید هرآئینه خدا عقوبت او سخت است^(۵) (۲).

(۱۰۹) مترجم گوید یعنی اعیانی و اگر نباشد علاتی قایم مقام اعیانی بود.

(۱) یعنی شتر و گاو و گوسفند و این سه قسم را انعام گویند حلال است مگر میته، موقوذه و آنچه ذکرش بیاید والله اعلم.

(۲) یعنی قتال در رجب و ذیقعد و ذی الحجه و محرم نباید والله اعلم.

(۳) یعنی تعرض حاجیان و معتمران مسلمانان نباید کرد و لقطه^{*} ایشان را نباید گرفت والله اعلم.

(۴) یعنی پیش از فتح مکه و پیش از آنکه مسلمان شوند والله اعلم.

(۵) مترجم گوید حکم تغلیظ تحریم قتال در اشهر حرم مخصوص است به مسلمین بدلیل آیت سوره بقره و تحریم تعرض حاجیان نیز به مسلمین آیت سوره^{*} براءت و این آیات از آخر منزل است منسوخ داشتن آنها چنانکه عامه مفسرین می گویند درست نمی آید والله اعلم.

حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ الْمَيْتَةُ وَالِدَمُّ وَلَحْمُ الْخِنْزِيرِ وَمَا أَهَلَ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ
 وَالْمُنْخَنِقَةُ وَالْمَوْقُوذَةُ وَالْمُتَرَدِّيَةُ وَالنَّطِيحَةُ وَمَا أَكَلَ
 السَّبْعُ إِلَّا مَا ذَكَّيْتُمْ وَمَا ذُبِحَ عَلَى النَّصَبِ وَأَنْ تَسْتَقْسِمُوا
 بِالْأَزْوَاجِ لَكُمْ فَسُقُ الْيَوْمَ يَبِيسُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا
 تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنَ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ عَلَيْكُمْ
 نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا فَمَنِ اضْطُرَّ فِي مَخْمَصَةٍ
 غَيْرِ مُتَجَانِفٍ لِإِثْمٍ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٣﴾ يَسْأَلُونَكَ مَاذَا
 أَحَلَّ لَهُمْ قُلْ أَحَلَّ لَكُمْ الطَّيِّبَاتُ وَمَا عَلَّمْتُمْ مِنَ الْجَوَارِحِ
 مُكَلَّبِينَ تُعَلِّمُونَهُنَّ مِمَّا عَلَّمَكُمُ اللَّهُ فُكُلُوا مِمَّا أَمْسَكْنَ عَلَيْكُمْ
 وَاذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ ﴿٤﴾
 الْيَوْمَ أَحَلَّ لَكُمْ الطَّيِّبَاتُ وَطَعَامُ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَلٌّ لَكُمْ
 وَطَعَامُكُمْ حَلٌّ لَهُمْ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُحْصَنَاتُ
 مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ
 مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَفِّحِينَ وَلَا مُتَّخِذِي أَخْدَانٍ وَمَنْ يَكْفُرْ
 بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَسِرِينَ ﴿٥﴾

حرام کرده شد بر شما مردار و خون (یعنی خون مسفوح) و گوشتِ حوك و آنچه نام غیر خدا به وقت ذبح بر او یاد کرده شود و آنچه به خفه کردن مرده باشد و آنچه بسنگ یا بعضا مرده باشد و آنچه از جای بلند افتاده، بمیرد و آنچه به شاخ زدن مرده باشد و آنچه درنده خورده باشد مگر آنچه بعد از آفتهاذبح کرده باشید، حرام است آنچه ذبح کرده شود به نام بتها^(۶) و حرام کرده شد آنکه طلب کنید معرفت قسمت خود به تیرهای فال این همه فسق است - امروز کافران از دین شما ناامید شدند پس مترسید از ایشان و از من بترسید امروز برای شما دین شمارا کامل کردم و بر شما نعمت خود را تمام کردم و اسلام را برای شما دین اختیار کردم پس هر که ناچار شود در گرسنگی غیر مایل به گناه پس هر آئینه خدا آمرزنده مهربان است^(۷) (۳). سوال می کنندتوراچه حلال کرده شد برای ایشان بگوحلال کرده شد برای شماپاکیزه ها^(۸) و آنچه آموخته باشید او را ازجانوران شکاری درحالتیکه شکار تعلیم کنندگانید می آموزیداین هارا بعض آنچه خدای تعالی شما را آموخته است پس بخورید از آنچه برای شما نگاهداشتند^(۹) و نام خدا را بر آن یاد کنید^(۱۰) و بترسید از خدا هر آئینه خدا زود حساب کننده است (۴). امروز حلال کرده شد برای شماپاکیزه ها و طعام اهل کتاب برای شما حلال است و طعام شما برای ایشان حلال است^(۱۱) و حلال کرده شد برای شما محصنان از زنان مسلمانان و محصنات از زنان کسانیکه پیش از شما کتاب داده شدند چون ایشان را مهرایشان بدهید عفت طلب کنان نه شهوت رانندگان و نه دوست پنهان گیرندگان و هر که نامعتقد اسلام باشد پس عمل او نابود شد و او در آخرت از زیان کاران است^(۱۲) (۵).

(۶) مترجم گوید یعنی بر صورت قبر والله اعلم.

(۷) مترجم گوید یعنی درمخمسه خوردن مردار جایز است و نزدیک ابی حنیفه فائده لفظ غیر مایل بگناه آنست که زیاده از ضرورت نخورد و نزدیک مالک و شافعی آنست که قاطع طریق و سارق را رخصت نیست و این آیت آخر قرآنست بعد ازین هیچ آیت نازل نشد والله اعلم.

(۸) آنچه عرب پاکیزه دانند والله اعلم.

(۹) مترجم گوید یعنی نخورده و ندریده باشند برای خوردن خود والله اعلم.

(۱۰) مترجم گوید یعنی وقت ارسال جانوران شکاری والله اعلم.

(۱۱) مترجم گوید یعنی آنچه براهل کتاب حلال بود بر شما حلال است مثل گوسفند و گاو و آنچه بر شما حلال کرده شد بر کسیکه از ایشان مسلمان شود حلالست مثل شتر و ذی ظفر و قبیله های یهود و نصاری را درین باب اعتبار نیست والله اعلم.

(۱۲) مترجم گوید محصنات اینجا نزدیک امام ابی حنیفه بمعنی پارساست و نزدیک شافعی بمعنی آزاد واز ﴿عَبْرَ مُتَفِئِحِينَ﴾ مفهوم شد که نکاح متعه درست نیست واز ﴿وَلَا مُنْجَذَاتٍ اَعْدَانٍ﴾ مفهوم شد که نکاح سرّ و پوشیده درست نیست والله اعلم.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا
وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ
وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ وَإِنْ كُنْتُمْ جُنُبًا فَاطَّهَّرُوا
وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَىٰ أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِّنْكُمْ مِنَ
الْغَائِطِ أَوْ لَمَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا
طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ مِنْهُ مَا يُرِيدُ اللَّهُ
لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَلَا يَكُن يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ
وَلِيَتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿٦﴾
وَأذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَمِيثَاقَهُ الَّذِي وَاثَقَكُمْ
بِهِ إِذْ قُلْتُمْ سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَأَتَقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ
بِذَاتِ الصُّدُورِ ﴿٧﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ
لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نُ قَوْمٍ عَلَىٰ
الْأَتَعَدُّوا أَعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ
اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿٨﴾ وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا
وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ ﴿٩﴾

ای مسلمانان چون به سوی نماز برخیزید پس رویهای خود را و دست های خود را تا آرنج ها بشوید و مسح کنید سرهای خود را و پایهای خود را تا شتالنگ بشوید و اگر جنب باشید پس غسل کنید و اگر بیمار یا مسافر باشید یا یکی از شما (از جای قضاء حاجت) از خلایجی بیاید یا با زنان آمیزش کرده باشید^(۱۳) پس آب را نیابید پس خاک پاک را قصد کنید پس از آن خاک به رویهای خود دست های خود مسح کنید نمی خواهد خدا که بر شما مشقتی مشروع کند ولیکن می خواهد که شما را پاک سازد و تمام کند نعمت خود را بر شما تا شود که شکر گزاری کنید (۶). و نعمت خدا را بر خویش یاد کنید و (نیز) پیمان خدا را که با شما به آن پیمان عهد بسته است آنگاه که گفتید شنیدیم و فرمان برداری کردیم^(۱۴) و برسید از خدا هر آئینه خدا داناست به آنچه در سینه ها باشد (۷). ای مسلمانان مُتَعَهِّدِ حَقِّ خدای باشید بر راستی گواهی دهندگان و حمل نکند شما را دشمنی قومی بر ترک انصاف عدل کنید عدل به پرهیز گاری نزدیک تراست و از خدا بترسید هر آئینه خدا آگاه است به آنچه می کنید (۸). وعده کرده است خدا به کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند باین مضمون که برای ایشان آمرزش و مزد بزرگ است (۹).

(۱۳) مترجم گوید یعنی جماع کرده باشید و نزدیک شافعی دست رسانیدن به زنان ناقص وضو است والله اعلم.

(۱۴) یعنی عهدیکه وقت بیعت بستید والله اعلم.

وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ
 الْجَحِيمِ ﴿١٠﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَتَ
 اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ هُمْ قَوْمٌ أَن يَبْسُطُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ
 فَكَفَّ أَيْدِيَهُمْ عَنْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ
 الْمُؤْمِنُونَ ﴿١١﴾ * وَلَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ
 وَبَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا وَقَالَ اللَّهُ إِنِّي
 مَعَكُمْ لَئِنْ أَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ وَآتَيْتُمُ الزَّكَاةَ
 وَءَامَنْتُمْ بِرُسُلِي وَعَزَّرْتُمُوهُمْ وَأَقْرَضْتُمُ اللَّهَ قَرْضًا
 حَسَنًا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَلَأُدْخِلَنَّكُمْ
 جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ فَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ
 مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ ﴿١٢﴾ فِيمَا نَقَضِهِمْ
 مِيثَاقَهُمْ لَعَنَّاهُمْ وَجَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَاسِيَةً يُحَرِّفُونَ
 الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ وَنَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا
 بِهِ وَلَا تَزَالُ تَطَّلِعُ عَلَى خَائِنَةٍ مِنْهُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ
 فَاعْفُ عَنْهُمْ وَأَصْفَحْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ ﴿١٣﴾



و کسانی که کافر شدند و آیات ما را تکذیب کردند ایشان اهل دوزخ اند (۱۰). ای مومنان نعمت خدا را بر خویشتن یاد کنید آنگاه که قصد کردند قومی که دستهای خود را به سوی شما دراز کنند^(۱۵) پس دست های ایشان را از شما باز داشت و از خدا بترسید و بر خدا باید که مومنان توکل کنند^(۱۶) (۱۱). و هر آئینه خدای تعالی پیمان بنی اسرائیل را گرفت و معین ساختیم از ایشان دوازده سردار و گفت خدا هر آئینه من باشم ام مضمون پیمان آنکه اگر نماز را برپاداشتید و زکوة را دادید و معتقد شدید به پیامبران من و ایشان را تقویت کردید و خدا را قرض نیک قرض دادید^(۱۷) البته از شما گناهان شمارا نابود سازم و البته شمارا به بوستانها ای که می رود زیر آنها جویها در آورم پس هر که از شما بعد ازین کافر شود پس راه راست را گم کرد (۱۲). پس ایشان را به سبب شکستن ایشان پیمان خویش را لعنت کردیم و دلهای ایشان را سخت گردانیدیم که تغییر میدهند کلمات را از مواضع آن ها و فراموش کردند قسمتی از آنچه به آن پند داده شدند و پیوسته تو برخیاختی از ایشان آگاه میشوی مگر اندکی از ایشان پس در گذرکن از ایشان و اعراض کن هر آئینه خدا نیکوکاران را دوست میدارد (۱۳).

(۱۵) یعنی قتال کنند والله اعلم.

(۱۶) این معجزه چند نوبت متحقق شد از آن جمله آنست که آنحضرت صلی الله علیه وسلم به [مصالحه و] تقریبی بمحله یهود رفته بودند شخصی از ایشان خواست که سنگی بالای آنحضرت بافکند خدای تعالی دست آن شخص را بند کرد و از آن جمله آن است که کفار قریش در حدیبیه از جنگ باز ایستادند بعد از آنکه داعیه جنگ داشتند و از آن جمله آنست که یکی از یاران مسیلمه کذاب دست درازی خواست خدای تعالی دست او را کرخت ساخت.

(۱۷) یعنی در جهاد صرف کردید بتوقع ثواب آخرت والله اعلم.

وَمِنَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصْرِي أَخَذْنَا مِيثَقَهُمْ فَسَوْأَ
 حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ فَأَعْرَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ
 وَالْبَغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَسَوْفَ يُنَبِّئُهُمُ اللَّهُ
 بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ ﴿١٤﴾ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ
 جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ كَثِيرًا مِمَّا
 كُنْتُمْ تُخْفُونَ مِنَ الْكِتَابِ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ
 قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ ﴿١٥﴾
 يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ
 وَيُخْرِجُهُم مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ
 وَيَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿١٦﴾ لَقَدْ كَفَرَ
 الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ
 قُلْ فَمَنْ يَمْلِكُ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا إِنْ أَرَادَ أَنْ يُهْلِكَ
 الْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ وَأُمَّهُ وَوَمَنْ فِي الْأَرْضِ
 جَمِيعًا وَاللَّهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا
 يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿١٧﴾

و از کسانی که گفتند مانصاری هستیم پیمان ایشان را گرفتیم پس فراموش کردند قسمتی را از آنچه به آن پند داده شدند پس در میان فرقه های نصاریٰ دشمنی و کینه را تا روز قیامت برانگیختیم و زود خدا خبر خواهد داد ایشان را به آنچه می کردند (۱۴). ای اهل کتاب هر آئینه به شما پیامبر ما آمد بیان می کند برای شما بسیاری از آنچه از کتاب پنهان می داشتید (یعنی از کتاب الهی) و او در گذر میکند از تفصیلات بسیاری (ای اهل کتاب) هر آئینه به شما از جانب خدا نوری و کتابی روشن (یعنی قرآن) آمد (۱۵). به آن خدا کسی را که طلب رضای او کرد به سوی راه های نجات دلالت می نماید و ایشان را از تاریکی ها به سوی روشنی باراده خود بیرون می آرد و ایشان را به سوی راه راست دلالت می کند (۱۶). هر آئینه کافر شدند کسانی که گفتند که خدا همون مسیح پسر مریم است^(۱۸) بگو که می تواند از خدا چیزی را (از انتقام) اگر بخواهد که عیسی پسر مریم را و مادرش را که مریم است هلاک کند و (نیز) همه آنان را که در زمین اند و برای خدا است پادشاهی آسمان ها و زمین و آنچه در میان این هر دو است می آفریند هر چه را که می خواهد و خدا بر همه چیز تواناست (۱۷).

(۱۸) یعنی حلول کرده است در وی.

وَقَالَتِ الْيَهُودُ وَالنَّصْرَى نَحْنُ أَبْنَاءُ اللَّهِ وَأَحِبَّوهُ، قُلْ
 فَلِمَ يُعَذِّبُكُمْ بِذُنُوبِكُمْ بَلْ أَنْتُمْ بَشَرٌ مِّمَّنْ خَلَقَ يَغْفِرُ لِمَن
 يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَن يَشَاءُ وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ
 وَمَا بَيْنَهُمَا وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ ﴿١٨﴾ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ
 رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ عَلَى فَتْرَةٍ مِّنَ الرَّسُلِ أَن تَقُولُوا مَا جَاءَنَا
 مِن بَشِيرٍ وَلَا نَذِيرٍ فَقَدْ جَاءَكُمْ بَشِيرٌ وَنَذِيرٌ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ
 شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿١٩﴾ وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ أذكُرُوا
 نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَعَلَ فِيكُمْ أَنْبِيَاءَ وَجَعَلَكُمْ مُلُوكًا
 وَءَاتَاكُمْ مَّا لَمْ يَأْتِ أَحَدًا مِّنَ الْعَالَمِينَ ﴿٢٠﴾ يَا قَوْمِ ادْخُلُوا
 الْأَرْضَ الْمُقَدَّسَةَ الَّتِي كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَرْتَدُّوا
 عَلَى أَدْبَارِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا خَاسِرِينَ ﴿٢١﴾ قَالُوا يَا مُوسَى إِنَّا
 فِيهَا قَوْمٌ مَّا جَبَّارِينَ وَإِنَّا لَنَدْخُلُهَا حَتَّى يَخْرُجُوا مِنهَا فَإِن
 يَخْرُجُوا مِنهَا فَإِنَّا دَاخِلُونَ ﴿٢٢﴾ قَالَ رَجُلَانِ مِنَ الَّذِينَ يَخَافُونَ
 أُنْعِمِ اللَّهُ عَلَيْهِمَا ادْخُلُوا عَلَيْهِمُ الْبَابَ فَإِذَا دَخَلْتُمُوهُ فَانكُرُوا
 غَلْبُونَ وَعَلَى اللَّهِ فَتَوَكَّلُوا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿٢٣﴾

و گفتند بیهود و ترسایان ما پسران خداییم و دوستان اویم^(۱۹) بگو پس چرا شما را بر گناهان شما عذاب می کند بلکه شما آدمیانید از جنس آنچه پیدا کرده است هر که را خواهد می آمرزد و هر که را خواهد عذاب می کند پادشاهی آسمان ها و زمین و آنچه در میان این هر دو باشد از آن خدا است و به سوی اوست بازگشت (۱۸). ای اهل کتاب هر آئینه بشما پیامبر ما آمده است برای شما در حالت انقطاع آمدن پیامبران بیان می کند^(۲۰) تا نگویید که نزدیک ما هیچ مژده دهنده و بیم دهنده نیامد آری هر آئینه آمده است بشما مژده دهنده و بیم دهنده و خدا بر همه چیز تواناست (۱۹). و یاد کن چون موسی گفت قوم خود را ای قوم من نعمت خدا را بر خویش چون پیدا کرد در میان شما پیامبران را و پادشاه ساخت شما را یاد کنید و داد به شما آنچه نداد به هیچ کس از جهانیان^(۲۱) (۲۰). ای قوم من در آید به زمین پاک که آن را خدا برای شما مقرر ساخته است و رویگردان مشوید بر پشتهای خود آنگاه زیان کار گردید (یعنی فرار مکنید) (۲۱). گفتند ای موسی هر آئینه آنجا گروهی هستند زور آور و هرگز ما داخل نشویم آنجا تا آنکه ایشان از آنجا بیرون آیند پس اگر ایشان از آن جا بیرون شوند هر آئینه ما در آیم (۲۲). گفتند دومرد از اهل تقوی که خدا برایشان انعام کرده بود^(۲۲) در آید ای قوم بر این جماعت از راه دروازه چون در آمدید به دروازه پس هر آئینه شما غالب باشید و بر خدا توکل کنید اگر مسلمان هستید (۲۳).

(۱۹) مترجم گوید یعنی خدا را پدر خود می گفتند والله اعلم.

(۲۰) یعنی بعد عیسی بجز پیامبر ما هیچ پیامبری مبعوث نشده بود و مدت میان ایشان پانصد شصت سال بود والله اعلم.

(۲۱) یعنی معجزات عظیمه از فلق بحر (یعنی شگاف دریا) و رفع طور والله اعلم.

(۲۲) یعنی یوشع و کالب.

قَالُوا يَمْوَسِيٰٓ اِنَّا لَن نَّدْخُلَهَا اَبَدًا مَّا دَامُوْا فِيْهَا فَاذْهَبْ
 اَنْتَ وَرَبُّكَ فَقَتِلَا اِنَّا هُنَا قَاعِدُوْنَ ﴿١٤﴾ قَالَ رَبِّ اِنِّي
 لَا اَمْلِكُ اِلَّا نَفْسِيْ وَاَخِيْ فَاَفْرُقْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ الْقَوْمِ
 الْفٰسِقِيْنَ ﴿١٥﴾ قَالَ فَاِنَّهَا مُحَرَّمَةٌ عَلَيْهِمْ اَرْبَعِيْنَ سَنَةً
 يَتِيهُوْنَ فِي الْاَرْضِ فَلَا تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ الْفٰسِقِيْنَ
 ﴿١٦﴾ * وَاْتَلُ عَلَيْهِمْ نَبَا اٰبْنِيْ اٰدَمَ بِالْحَقِّ اِذْ قَرَّبَا قُرْبٰنًا فَتَقَبَّلَ
 مِنْ اَحَدِهِمَا وَاَلَمْ يَتَقَبَّلْ مِنَ الْاٰخَرِ قَالَ لَأَقْتُلَنَّكَ
 قَالَ اِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللّٰهُ مِنَ الْمُتَّقِيْنَ ﴿١٧﴾ لِيَنْبَسُطَ اِلَيْكَ
 لِيَتَّقْتَنِيْ مَا اَنَا بِبَاسِطِ يَدِيْ اِلَيْكَ لَأَقْتُلَنَّكَ اِنِّيْ اَخَافُ اللّٰهَ
 رَبَّ الْعٰلَمِيْنَ ﴿١٨﴾ اِنِّيْ اُرِيْدُ اَنْ تَتَّوْبَا اِلَيَّْ وَاَتِمَّكَ فَتَكُوْنَ
 مِنْ اَصْحٰبِ النَّارِ وَذٰلِكَ جَزَاؤُ الظّٰلِمِيْنَ ﴿١٩﴾ فَطَوَّعَتْ
 لَهٗ وَنَفْسُهٗ وَقَتَلَ اَخِيْهٖ فَقَتَلَهٗ وَفَاصْبَحَ مِنَ الْخٰسِرِيْنَ ﴿٢٠﴾
 فَبَعَثَ اللّٰهُ غُرَابًا يَبْحَثُ فِي الْاَرْضِ لِيُرِيَهٗ وَكَيْفَ يُوَرِّي
 سَوْءَةَ اَخِيْهٖ قَالَ يٰوَيْلَتِيْ اَعْجَزْتُ اَنْ اَكُوْنَ مِثْلَ هٰذَا
 الْغُرَابِ فَاُوَرِّي سَوْءَةَ اَخِيْ فَاصْبَحَ مِنَ النَّٰدِمِيْنَ ﴿٢١﴾

گفتند ای موسیٰ ما هرگز در نیایم درین زمین هیچ وقت مادامی که ایشان در آنجا اند پس تو پروردگار تو بروید و جنگ کنید هر آینه ما این جانستسه گانیم (۲۴). گفت (موسیٰ) ای پروردگار من قادر نیستم الّا بر خود و برادر خود (یعنی هارون) پس فیصله کن میان ما و میان گروه گناهگاران (۲۵). گفت خدا پس آن زمین بر ایشان حرام کرده شده است چهل سال در زمین سرگردان می شوند پس بر گروه ستمگاران اندوهناک میباش^(۲۳) (۲۶). و بر قوم خود خیر دو پسر آدم را برستی بخوان چون قربانی را نیاز حق کردند پس از یکی قبول کرده شد و از دیگری قبول کرده نشد^(۲۴) گفت (قابیل) البته بکشم تورا (هابیل) گفت جز این نیست که خدا از متقیان قبول می کند (۲۷). اگر دراز کنی به سوی من دست خود را تا مرا بکشی من هرگز به سوی تو دست خود را دراز نکنم تا تورا بکشم هر آینه من از خدا پروردگار جهانیان می ترسم (۲۸). هر آینه من می خواهم که گناه مرا و گناه خود را ببری پس از اهل دوزخ باشی و این جزای ستمگاران است (۲۹). پس نفس او در نظر او کشتن برادرش را سهل ساخت پس او را بکشت پس از زیان کاران شد^(۲۵) (۳۰). پس خدا زاغی را که در زمین میشگافت فرستاد تا بنمایدش چگونه جثه برادر خود را بپوشد گفت ای وای بر من! آیا عاجز شدم از آنکه مانند این زاغ باشم پس جثه برادر خود را می پوشیدم، پس از پشیمان شدگان شد (۳۱).

(۲۳) یعنی حکم کردیم که بآن زمین منتفع نشوند چهل سال.

(۲۴) یعنی هابیل نیکوترین گوسفندی به نیاز بُرد از غیب آتشی ظاهر شد و بخورد و قابیل بدترین گندم پیش آورد و آتش

نیازش را نگرفت و این سبب حسد شد والله اعلم.

(۲۵) بعد از کشتن او ندانست که چگونه او را دفن کند لذا جثه او را بر پشت نهاده میگشت والله اعلم.

مِنْ أَجْلِ ذَلِكَ كَتَبْنَا عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنَّهُ مَنْ قَتَلَ
 نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ
 النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ
 جَمِيعًا وَلَقَدْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُنَا بِالْبَيِّنَاتِ ثُمَّ إِنَّ كَثِيرًا
 مِنْهُمْ بَعَدَ ذَلِكَ فِي الْأَرْضِ لَمُسْرِفُونَ ﴿٣٢﴾ إِنَّمَا
 جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي
 الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ
 وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خَلْفٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ
 لَهُمْ جَزَاءُ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ
 ﴿٣٣﴾ إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ قَبْلِ أَنْ تَقْدِرُوا عَلَيْهِمْ فَاعْلَمُوا
 أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٣٤﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا
 اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ
 لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿٣٥﴾ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوَ أَنَّ لَهُمْ
 مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا وَمِثْلَهُ مَعَهُ لَيَفْتَدُوا بِهِ مِنْ
 عَذَابِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَا تُقْبَلُ مِنْهُمْ مِنْهُمْ وَعَلَيْهِمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٣٦﴾

بسبب این حادثه بر بنی اسرائیل حکم کردیم که هر که بکشد کسی را بغیر عوض کسی و بغیر فساد در زمین (یعنی قطع طریق و ارتداد) پس چنانستی که مردمان را همگی کشته است و هر که سبب زندگانی کسی شد پس چنانستی که مردمان را همگی زنده ساخت و هر آئینه به بنی اسرائیل پیامبران ما به نشانه های روشن آمدند باز بسیاری از ایشان بعد ازین در زمین تجاوز کنندگانند^(۲۶) (۳۲). جزاین نیست که جزای کسانی که با خدا و رسول او جنگ می کنند و می شتابند در زمین بقصد فساد (یعنی رهنی می کنند) آنست که کشته شوند یا بردار کشیده شوند یا دست ها و پاهای ایشان از جانب مخالف بریده شود^(۲۷) یا از وطن دور رانده شوند این رسوایی ایشان را در دنیا است و ایشان را در آخرت عذاب عظیم است (۳۳). مگر کسانی که پیش از آنکه دست یابید برایشان توبه کردند پس بدانید که خدا آمرزنده مهربان است^(۲۸) (۳۴). ای مسلمانان از خدا بترسید و وسیله قرب به سوی او بطلبید و در راه او جهاد کنید تا رستگار شوید (۳۵). هر آئینه کسانی که کفر ورزیدند اگر بدست ایشان همگی آنچه در زمین است و همراه او مانند آن باشد تا آنکه به عوض خود دهند آن را از عذاب روز قیامت هرگز از ایشان قبول کرده نشود و ایشان را عذاب درد ناک است (۳۶).

(۲۶) یعنی چون از قابیل رسم قتل پیدا شد هر قتلی که در جهان واقع شود او را بدان مواخذه کنند همچنین در هر زمانه کسی که رسم کشتن نو می کند بحکم من سرّ سنة سیئة کان له کفّل منها - در قتلی که بعد از وی آید شرکتی در آن پیدا می نماید پس این جا من اجل ذلك بجای علی قیاس ذلك واقع شده است والله اعلم.

(۲۷) یعنی دست راست و پای چپ و الله اعلم.

(۲۸) یعنی حد ساقط است و حقوق آدمیان ساقط نیست والله اعلم.

يُرِيدُونَ أَنْ يُخْرِجُوا مِنَ النَّارِ وَمَاهُمْ بِخَارِجِينَ مِنْهَا
وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّقِيمٌ ﴿٢٧﴾ وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا
أَيْدِيَهُمَا جِزَاءً بِمَا كَسَبَا نَكَالًا مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَزِيزٌ
حَكِيمٌ ﴿٢٨﴾ فَمَنْ تَابَ مِنْ بَعْدِ ظُلْمِهِ وَأَصْلَحَ فَإِنَّ اللَّهَ
يَتُوبُ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٢٩﴾ أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ
لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ يُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَيَغْفِرُ
لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٤٠﴾ * يَا أَيُّهَا
الرَّسُولُ لَا يَحْزَنْكَ الَّذِينَ يُسْرِعُونَ فِي الْكُفْرِ مِنَ
الَّذِينَ قَالُوا آمَنَّا بِأَفْوَاهِهِمْ وَلَمْ تُؤْمِنْ قُلُوبُهُمْ وَمِنَ
الَّذِينَ هَادُوا وَسَمَّعُونَ لِلْكَذِبِ سَمَّعُونَ لِقَوْمِ
ءَاخِرِينَ لَمْ يَأْتُوكُمْ بِمُحَرَّفُونَ الْكَلِمَ مِنْ بَعْدِ مَوَاضِعِهِ
يَقُولُونَ إِنْ أُوتِيتُمْ هَذَا فَخُذُوهُ وَإِن لَمْ تُؤْتَوْهُ
فَأَحْذَرُوا وَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ فِتْنَتَهُ فَلَنْ تَمْلِكَ لَهُ مِنَ اللَّهِ
شَيْئًا أُولَئِكَ الَّذِينَ لَمْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يُطَهِّرْ قُلُوبَهُمْ لَهُمْ
فِي الدُّنْيَا حِزْبٌ وَلَهُمْ فِي الآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿٤١﴾



بخوهند که ازدوزخ بیرون روند و ازدوزخ نیستند بیرون رفتگان و ایشان را عذاب دایم است (۳۷). و مرد دزد وزن دزد دستهای ایشان را ببرید جزای آنچه به عمل آورده اند از طرف خدا عبرتی است و خدا غالب داناست (۳۸). پس هر آن کس که پس از شمش توبه کند و کارشایسته بعمل آورد پس هر آئینه خدا به رحمت بروی باز میگردد هر آئینه خدا آمرزنده مهربانست (۳۹). آیا ندانسته‌ای که برای خود خدا است پادشاهی آسمان‌ها و زمین، عذاب می‌کند هر که را خواهد و می‌آمزد هر که را خواهد و خدا بر همه چیز تواناست^(۲۹) (۴۰). ای پیامبر اندوهگین نکند تو را کسانی که در کفر سعی می‌کنند از آنانکه گفتند به دهان خویش ایمان آوردیم و دل‌های ایشان ایمان نیاورده است و از قوم یهود نیز ایشان شنوندگانند سخن دروغ را^(۳۰) شنوندگانند برای گروه دیگران که هنوز پیش تو نیامده اند^(۳۱) کلمات را (بعد از ثبوت آنها) در موضع خویش تغییر میدهند گویند اگر داده شوید این حکم مُحرّف قبول کنید و اگر آنرا داده نشوید پس احتراز نمایید و هر که خدا ضلالت او را اراده کرده است پس هرگز برای او از خدا چیزی از هدایت ایشان نتوانی آنانند که نخواسته است خدا که دل‌های ایشان را پاک کند ایشان راست در دنیا رسوایی و ایشان را در آخرت عذاب بزرگی است (۴۱).

(۲۹) مترجم گوید در تورات رجم زانی نازل شده بود و یهود تحریف کرده روی زانی را سیاه می‌کردند و چند تازیانه می‌زدند و در زمان آنحضرت در میان ایشان زنا واقع شد زانی را پیش آنحضرت بدست منافقان و ذمیان فرستادند بقرآن که اگر جلد فرمایند بکنیم و اگر رجم فرمایند نکنیم آن حضرت صلی الله علیه و سلم حقیقت رجم را اظهار فرمودند و رجم کردند درین آیات اشاره است بآن قصه.

(۳۰) یعنی معتقد آن شده‌اند.

(۳۱) یعنی جاسوسان حریبان‌اند و الله اعلم.

سَمَّعُونَ لِلْكَذِبِ أَكَلُونَ لِلسُّحْتِ فَإِنْ جَاءُوكَ
 فَأَحْكُم بَيْنَهُمْ أَوْ أَعْرِضْ عَنْهُمْ وَإِنْ تُعْرِضْ عَنْهُمْ فَلَنْ
 يَضُرُّوكَ شَيْئًا وَإِنْ حَكَمْتَ فَأَحْكُم بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ
 إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ ﴿٤١﴾ وَكَيْفَ يُحْكُمُونَكَ
 وَعِنْدَهُمُ التَّورَةُ فِيهَا حُكْمُ اللَّهِ ثُمَّ يَتَوَلَّوْنَ مِنْ بَعْدِ
 ذَلِكَ وَمَا أُولَئِكَ بِالْمُؤْمِنِينَ ﴿٤٢﴾ إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّورَةَ
 فِيهَا هُدًى وَنُورٌ يُحْكُمُ بِهَا النَّبِيُّونَ الَّذِينَ أَسْمَوْا
 لِلَّذِينَ هَادُوا وَالرَّبَّانِيُّونَ وَالْأَحْبَارُ بِمَا اسْتُحْفِظُوا مِنْ
 كِتَابِ اللَّهِ وَكَانُوا عَلَيْهِ شُهَدَاءَ فَلَا تَخْشَوُا النَّاسَ
 وَأَخْشَوْنَ اللَّهَ وَلَا تَشْتَرُوا بِإِيتِي ثَمَنًا قَلِيلًا وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ
 بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ ﴿٤٣﴾ وَكَتَبْنَا
 عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنَّ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ وَالْعَيْنَ بِالْعَيْنِ وَالْأَنْفَ
 بِالْأَنْفِ وَالْأُذُنَ بِالْأُذُنِ وَالسِّنَّ بِالسِّنِّ وَالْجُرُوحَ
 قِصَاصٌ فَمَنْ تَصَدَّقَ بِهِ فَهُوَ كَفَّارَةٌ لَهُ وَمَنْ
 لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ﴿٤٤﴾

ایشان سخن دروغ را شنوندگانند حرام را (یعنی رشوت را) خوردگانند پس اگر پیش تو بیایند حکم کن میان ایشان یا از ایشان اعراض کن و اگر از ایشان اعراض کنی هیچ زبانی نرسانند به تو و اگر حکم کنی پس حکم کن میان ایشان به انصاف هرآئینه خدا عدل کنندگان را دوست میدارد^(۳۲) (۴۲). و چگونه حکم می کنند تورا و نزدیک ایشان تورات است که در آن حکم خداست بازاعراض می کنند بعد ازین و نیستند ایشان معتقدان^(۳۳) (۴۳). هرآئینه ما تورات را که در وی هدایت و روشنی است فرود آوردیم حکم می کنند به آن برای یهود پیامبران که منقاد حکم الهی اند و حکم می کنند داپرستان و احبار ایشان همه حکم میکردند به آنچه حافظ آن گردانیده شده اند از کتاب خدا و بر آن گواه بودند^(۳۴) پس گفتیم از مردمان مترسید و از من بترسید و به آیت های من بهای اندک خریدمکنید و هر که حکم نکند به آنچه خدا فرورستاده است پس ایشانند نامعتقدان (۴۴). و لازم ساختیم بر یهود در تورات که شخص به عوض شخص است یعنی به عوض او باید کشت و چشم عوض چشم است و بینی عوض بینی است و گوش عوض گوش است و دندان عوض دندان و حکم زخم ها به اعتبار مماثلت است پس هر که عفو کند از آن زخم پس این عفو ویرا کفارت است و هر که حکم نکند به آنچه خدا فرورستاده است پس ایشانند که ستمگارند (۴۵).

(۳۲) مترجم گوید یعنی اهل ذمه اگر قضیه خویش به امام رفع کنند اگر خواهد حکم کند و اگر خواهد بزعمای ایشان مفوض نماید والله اعلم.

(۳۳) یعنی اگر غرض ایشان طلب رضای خدای تعالی می بود بر تورات عمل میکردند لیکن غرض فاسدداشتند.

(۳۴) یعنی به یقین معلوم کرده بودند که حکم الهی است والله اعلم.

وَقَفَيْنَا عَلَىٰ آثَرِهِمْ بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ
 مِنَ التَّوْرَةِ ۗ وَآتَيْنَاهُ الْإِنجِيلَ فِيهِ هُدًى وَنُورٌ وَمُصَدِّقًا
 لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ ﴿٤٦﴾
 وَلِيَحْكُمَ أَهْلَ الْإِنجِيلِ بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ فِيهِ ۖ وَمَن لَّمْ يَحْكَمْ
 بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ ﴿٤٧﴾ وَأَنزَلْنَا إِلَيْكَ
 الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ
 وَمُهَيِّمًا عَلَيْهِ ۖ فَاحْكُم بَيْنَهُم بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ ۗ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ
 عَمَّا جَاءَكَ مِنَ الْحَقِّ لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَمِنْهَا جَا
 وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً ۗ وَلَٰكِن لِّيَبْلُوَكُمْ
 فِي مَاءِ آتَاكُمْ فَأَسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ ۗ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا
 فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ ﴿٤٨﴾ وَأَن أَحْكُم بَيْنَهُمْ
 بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ ۗ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ ۗ وَاحْذَرْهُمْ أَن يَفْتِنُوكَ عَنْ
 بَعْضِ مَا أَنزَلَ اللَّهُ إِلَيْكَ ۖ فَإِن تَوَلَّوْا فَاعْلَمُوا أَنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ أَن يُصِيبَهُمْ
 بِبَعْضِ ذُنُوبِهِمْ ۗ وَإِن كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ لَفَاسِقُونَ ﴿٤٩﴾ أَفَحُكْمَ
 الْجَاهِلِيَّةِ يَبْغُونَ ۗ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ ﴿٥٠﴾

و در پی این پیامبران عیسیٰ پسر مریم را باوردارنده آنچه پیش از او بوده که تورات است فرستادیم و دادیمش انجیل دروی هدایت و روشنی است و باوردارنده آنچه پیش وی بود که تورات باشد و برای متقیان هدایت و پند است (۴۶). و فرمودیم باید که حکم کنند اهل انجیل به آنچه خدای تعالی دروی فرو فرستاده است و هر که حکم نکند به آنچه خدا فرو فرستاده است پس ایشانند بدکاران (۴۷). و به سوی تو کتاب را برستی فرو فرستادیم باوردارنده آنچه پیش وی است از کتاب و نگهبان بروی^(۳۵) پس حکم کن در میان ایشان به آنچه خدا فرو آورده است و خواهش های ایشان را اعراض کنان از آنچه آمد بتواز حکم الهی پیروی مکن برای هر گروهی از شما شریعتی و راهی مقرر ساخته ایم و اگر خدا می خواست شما را يك امت می گردانید ولیکن خواست که شما را در آنچه به شما داده است بیازماید پس شتاب کنید به سوی نیکوکاری^(۳۶) به سوی خدا بازگشت همگی شماست پس شما را به آنچه در آن اختلاف می کردید خبر دهد (۴۸). و فرمودیم که حکم کن میان ایشان به آنچه خدا فرود آورده است و پیروی مکن خواهش های ایشانرا و از ایشان بترس از آنکه گمراه کنند تورا از بعض آنچه خدا به سوی تو فرو فرستاده است پس اگر اعراض کنند پس بدان که می خواهد خدا که ایشان را به سبب بعض گناهان ایشان عذاب کند و هر آئینه بسیاری از مردمان البته بدکارانند (۴۹). آیا حکم جاهلیت می خواهند؟ و کیست خوب تر از خدا باعتبار حکم برای قومی که یقین دارند^(۳۷) (۵۰).

(۳۵) یعنی تحریف را از غیر تحریف جدا می سازد والله اعلم.

(۳۶) یعنی اتباع فرمان الهی در شریعت پیامبر زمان والله اعلم.

(۳۷) مترجم گوید حاصل این آیات التزام است بر اهل کتاب که با وجود التزام کتاب بر حسب آن عمل نمی کنند و درین آیات بیان آن است که هر قرن را شریعتی داده اند و بعد از نزول قرآن بجز از متابعت آن متابعت دیگر جایز نیست والله اعلم.

* يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصْرَىٰ أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ
 أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ
 الظَّالِمِينَ ﴿٥١﴾ فَتَرَى الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ يُسْرِعُونَ فِيهِمْ يَقُولُونَ
 نَخَشَىٰ أَنْ تُصِيبَنَا دَائِرَةٌ فَعَسَى اللَّهُ أَنْ يَأْتِيَ بِالْفَتْحِ أَوْ أَمْرٍ مِنْ عِنْدِهِ
 فَيُصِيبُ حُوعًا عَلَىٰ مَا أَسْرَوْا فِي أَنفُسِهِمْ نَادِمِينَ ﴿٥٢﴾ وَيَقُولُ الَّذِينَ آمَنُوا
 أَهْلُوَلَاءِ الَّذِينَ أَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ إِنَّهُمْ لَمَعَكُمْ حَبِطَتْ
 أَعْمَالُهُمْ فَأَصْبَحُوا خَاسِرِينَ ﴿٥٣﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ
 مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ
 عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا
 يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ
 عَلِيمٌ ﴿٥٤﴾ إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ
 الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ ﴿٥٥﴾ وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ
 وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ ﴿٥٦﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا
 لَا تَتَّخِذُوا الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَكُمْ هُزُوعًا وَعِلْبًا مِّنَ الَّذِينَ أُوتُوا
 الْكِتَابَ مِن قَبْلِكُمْ وَالْكَفَّارَ أَوْلِيَاءَ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ كُفْرَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿٥٧﴾

ای مومنان یهود و نصاریٰ را دوست مگیرید بعضی ایشان دوست بعضی اند و هر که از شما ایشان را دوست دارد پس هر آئینه او از جمله ایشانست هر آئینه خدا گروه ستمگاران را راه نمی نماید (۵۱). پس می بینی کسانی را که در دلهای ایشان بیماری است (یعنی نفاق است) سعی می کنند در دوستی یهود و نصاریٰ می گویند می ترسیم از آنکه مایان را مصیبتی برسد^(۳۸) پس نزدیک است که خدا فتح را یا چیزی دیگر را از نزد خود بیارد پس پشیمان شوند بر آنچه در دل های خویش پنهان داشتند (۵۲). و بگویند مومنان (یعنی بعد از فتح و پیروزی) آیا ایشانند آنانکه قسم خوردند بخدا سخت ترین سوگند های خویش را که البته ایشان همراه شما اند امروز نابود شد عملهای ایشان پس زیان کار گشتند (۵۳). ای مومنان هر که از شما از دین خود برگردد پس خواهد آورد خدا گروهی را که ایشان را دوست می دارد و ایشان او را دوست می دارند بر مومنان متواضع اند بر کافران درشت طبع اند در راه خدا جهاد می کنند و از ملامت ملامت کننده نمی ترسند این بخشایش خدا است میدهد آن را بهره که خواهد و خدا گشایشگر دانا است^(۳۹) (۵۴). جز این نیست که دوست شما خدا و رسول او و مومنانی که بر پا می دارند نماز را و می دهند زکات را است و ایشان پیوسته نماز گزارند (۵۵). و هر که با خدا و با رسول او و با مومنان دوستی کند پس هر آئینه گروه خدا همونست غالب (۵۶). ای مسلمانان کسانی را که تمسخر و بازی گرفته اند دین شما را از کسانی که داده شده ایشان را کتاب پیش از شما دوست مگیرید و نه سایر کافران را و بترسید از خدا اگر مسلمان هستید (۵۷).

(۳۸) مترجم گوید یعنی احتمال دارد که هزیمت بر اهل اسلام افتد پس موافقت با حربیان مصلحت است.

(۳۹) مترجم گوید این وعده در زمان حضرت ابو بکر صدیق متحقق شد و مهاجران و انصار و تابعان ایشان با مرتدان جهاد کردند و الله اعلم.

وَإِذَا نَادَيْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ اتَّخَذُوا هَاهُنَا وَعِبَاءً ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ
 لَا يَعْقِلُونَ ﴿٥٨﴾ قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ هَلْ تَنْقِمُونَ مِنَّا إِلَّا أَنْ آمَنَّا
 بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ مِن قَبْلُ وَأَنْ أَكْثَرْتُمْ فِسْقُونَ ﴿٥٩﴾
 قُلْ هَلْ أُنبِئُكُمْ بِشَرِّ مِّنْ ذَلِكَ مَثُوبَةً عِنْدَ اللَّهِ مَن لَعَنَهُ اللَّهُ وَعَظِبَ
 عَلَيْهِ وَجَعَلَ مِنْهُمْ الْقِرَدَةَ وَالْخَنَازِيرَ وَعَبَدَ الطَّاغُوتِ أُولَئِكَ شَرٌّ
 مَّكَانًا وَأَضَلُّ عَن سَوَاءِ السَّبِيلِ ﴿٦٠﴾ وَإِذَا جَاءُوكُمْ قَالُوا آمَنَّا وَقَدْ
 دَخَلُوا بِالْكَفْرِ وَهُمْ قَدْ خَرَجُوا بِهِ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا كَانُوا يَكْتُمُونَ
 ﴿٦١﴾ وَتَرَى كَثِيرًا مِنْهُمْ يُسْرِعُونَ فِي الْأَثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَأَكْلِهِمْ
 السُّحْتِ لِبَيْسٍ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٦٢﴾ لَوْلَا يَنْهَاهُمُ الرَّبَّانِيُّونَ
 وَالْأَحْبَارُ عَنِ قَوْلِهِمْ الْأَثْمُ وَالْأَكْلِيُّ السُّحْتِ لِبَيْسٍ مَا كَانُوا
 يَصْنَعُونَ ﴿٦٣﴾ وَقَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَلِعِنَا
 بِمَا قَالُوا بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ يُنفِقُ كَيْفَ يَشَاءُ وَلِيَزِيدَنَّ كَثِيرًا
 مِنْهُمْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ طُغْيَانًا وَكُفْرًا وَأَلْقَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ
 وَالْبَغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ كُلَّمَا أَوْقَدُوا نَارًا لِلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا
 اللَّهُ وَيَسْعُونَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ ﴿٦٤﴾

و چون به سوی نماز ندا کنید آن را تمسخر و بازی گیرند^(۴۰) این بسبب آن است که ایشان گروهی هستند که نمی فهمند (۵۸). بگوا ای اهل کتاب عیب نمی گیرید بر ما مگر آنکه به خدا و به آنچه فرورفته شده است به سوی ما و به آنچه فرورفته شده است پیش ازین ایمان آوردیم و (مگر) اینکه بیشتر از شما بدکارانند (۵۹). بگوا یا شما را به بدتر از این^(۴۱) باعتبار جزاء نزد خدا خبر دهیم آن بدتر کسی است که او را خدا لعنت کرد و خشم گرفت بروی و از ایشان بوزینه‌گان و خوکان گردانید و کسیکه معبود باطل را پرستید این گروه باعتبار جای بدتر اند و گمراه تر اند از راه راست (۶۰). و چون بیایند پیش شما گویند ایمان آوردیم حال آنکه به کفر درآمدند و به کفر بیرون رفتند و خدا دانا تر است به آنچه می پوشیدند (۶۱). و می بینی که بسیاری از ایشان در گناه و تجاوز و حرام خواریشان می کوشند البته چه بد است کاری که به عمل آوردند (۶۲). چرا ایشان را خدا پرستان و دانشمندان از دروغ گفتن ایشان و حرام خوردن ایشان منع نمی کنند؟ هر آینه چه بد است آنچه که می کردند (۶۳). و گفتند یهود دست خدا بگردن بسته است^(۴۲) بگردن بسته باد دست های ایشان و ایشان را لعنت کرده شد بسبب آنچه گفتند بلکه دودست او کشاده است خرج می کند چنانچه میخواهد و البته در حق بسیاری از ایشان آنچه فرورفته شده است به سوی تو از پروردگارتونافرمانی و کفر را بیفزاید و در میان فرقه های یهود دشمنی و ناخوشی را تا روز قیامت افگندیم هر گاه که آتشی را برای جنگ برمی افروزند خدا فرو می نشاندش^(۴۳) و در زمین برای فساد می شتابند و خدا مفسدان را دوست نمی دارد (۶۴).

(۴۰) مترجم گوید یعنی به اذان استهزا می کنند والله اعلم.

(۴۱) مترجم گوید یعنی بدتر از آن عیب داری که شما بیان کردید.

(۴۲) یعنی بخل دارد.

(۴۳) یعنی چون می خواهند که با دشمنان خود که متدین به یهودیت نیستند جنگ کنند مقهور و مغلوب می شوند.

وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْكِتَابِ ءَامَنُوا وَاتَّقَوْا لَكَفَّرْنَا عَنْهُمْ
 سَيِّئَاتِهِمْ وَلَأَدْخَلْنَاهُمْ جَنَّاتِ النَّعِيمِ ﴿٦٥﴾ وَلَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا
 التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَمَا أَنْزَلِ إِلَيْهِمْ مِنْ رَبِّهِمْ لَأَكَلُوا
 مِنْ فَوْقِهِمْ وَمِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ مِنْهُمْ أُمَّةٌ مُّقْتَصِدَةٌ
 وَكَثِيرٌ مِّنْهُمْ سَاءَ مَا يَعْمَلُونَ ﴿٦٦﴾ * يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ
 بَلِّغْ مَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ ۖ وَإِنْ لَّمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَغْتَ
 رِسَالَتَهُ ۗ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ ۗ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ
 الْكَافِرِينَ ﴿٦٧﴾ قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَسْتُمْ عَلَى شَيْءٍ حَتَّى
 تُقِيمُوا التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَمَا أَنْزَلَ إِلَيْكُم مِّن رَّبِّكُمْ
 وَلِيُزِيدَنَّا كَثِيرًا مِّنْهُمْ مَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ طُغْيَانًا وَكُفْرًا
 فَلَا تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ﴿٦٨﴾ إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَالَّذِينَ
 هَادُوا وَالصَّابِغُونَ وَالنَّصَارَىٰ مَنْ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ
 وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٦٩﴾ لَقَدْ أَخَذْنَا
 مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَأَرْسَلْنَا إِلَيْهِمْ رَسُولًا قُلْنَا جَاءَ هُمْ رَسُولٌ
 بِمَا لَا تَهْوَىٰ أَنفُسُهُمْ فَرِيقًا كَذَّبُوا وَفَرِيقًا يَقْتُلُونَ ﴿٧٠﴾

و اگر اهل کتاب ایمان می آوردند و پرهیزگاری میکردند البته از ایشان گناهان ایشان را ناپود می ساختیم و البته ایشان را به بوستان های پرناز و نعمت درمی آوردیم (۶۵). و اگر ایشان حکم تورات و انجیل را برپا می داشتند و آنچه فرود آورده شده است به سوی ایشان از پروردگار شان^(۴۴) البته می خوردند از بالای خود و از زیر پاهای خود (یعنی از برکات آسمانی و زمینی برخوردار می شدند) از ایشان گروهی میانه رو هست و بسیاری از ایشان بدچیز است که می کنند^(۴۵) (۶۶). ای پیامبر آنچه فرود آورده شده است به سوی تو از جانب پروردگار تو برسان و اگر نکردی^(۴۶) نرسانده باشی پیغام خدا را و خدا تو را از مردمان نگاهدارد هر آینه خدا گروه کافران را راه نمی نماید (۶۷). بگو ای اهل کتاب برجیزی نیستی، تا آنکه حکم تورات و انجیل را برپا کنید و آنچه به سوی شما از پروردگار شما فرو فرستاده شده است^(۴۷) و البته در حق بسیاری از ایشان آنچه فرو فرستاده شده است به سوی تو از جانب پروردگار تو (یعنی قرآن) طغیان و کفر را بیفزاید پس بر قوم کافران اندوهگین مشو^(۴۸) (۶۸). هر آینه مسلمانان و یهودان (و همچنین است) حال ستاره پرستان و ترسایان هر که از ایشان بخدا و روز آخر ایمان آورد و کارشایسته کرد برایشان هیچ ترس نیست و ایشان اندوهگین نشوند^(۴۹) (۶۹). به یقین عهد بنی اسرائیل را گرفتیم و به سوی ایشان پیامبران را فرستادیم هر گاه بایشان پیامبری به آنچه دوست نمی داشت نفس های ایشان می آورد گروهی را تکذیب می کردند و گروهی را می کشتند (۷۰).

(۴۴) یعنی سایر کتب سابقه.

(۴۵) مترجم گوید حاصل آن است که اگر برپا می داشتند حکم تورات و انجیل را پیش از نزول قرآن و پیش از آنکه حضرت پیامبر صلی الله علیه و سلم مبعوث شود برکت فراوان نصیب ایشان می شد لیکن مخالفت کردند پس بانواع بلا مبتلا گشتند و الله اعلم.

(۴۶) یعنی اگر یک آیت هم نرساندی و الله اعلم.

(۴۷) مترجم گوید یعنی قرآن و سایر کتب سابقه.

(۴۸) مترجم گوید حاصل آنست که برفوق قول خود ملزم می شوند زیرا که التزام شرعی میکنند و بر حسب آن نمی روند و قطع نظر از انکار قرآن و الله اعلم.

(۴۹) یعنی دراصل از هر فرقه که باشد چون ایمان آورد از اهل نجات است و خصوصیت فرق را اعتبار نیست و الله اعلم.

وَحَسِبُوا أَن لَّا تَكُونَ فِتْنَةٌ فَعَمُوا وَصَمُوا ثُمَّ تَابَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ ثُمَّ
 عَمُوا وَصَمُوا كَثِيرٌ مِّنْهُمْ وَاللَّهُ بِصِيرٍ بِمَا يَعْمَلُونَ ﴿٧١﴾
 لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ وَقَالَ الْمَسِيحُ
 يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ إِنَّهُ مَن يُشْرِكْ
 بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَمَأْوَاهُ النَّارُ وَمَا
 لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ ﴿٧٢﴾ لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ
 ثَلَاثٌ ثَلَاثَةٌ وَمَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا إِلَهٌ وَاحِدٌ وَإِن لَّمْ يَنْتَهُوا
 عَمَّا يَقُولُونَ لَيَمَسَّنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٧٣﴾
 أَفَلَا يَتُوبُونَ إِلَى اللَّهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ لَهُ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿٧٤﴾
 مَا الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ وَأُمُّهُ
 صِدِّيقَةٌ كَانَا يَأْكُلَانِ الطَّعَامَ أَنْظِرْ كَيْفَ نُبَيِّنُ لَهُمُ الْآيَاتِ
 ثُمَّ أَنْظِرْ أَنِّي يُؤْفَكُونَ ﴿٧٥﴾ قُلْ أَتَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَّا
 يَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا وَاللَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿٧٦﴾ قُلْ
 يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ غَيْرَ الْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعُوا أَهْوَاءَ
 قَوْمٍ قَدْ ضَلُّوا مِن قَبْلُ وَأَضَلُّوا كَثِيرًا وَضَلُّوا عَن سَوَاءِ السَّبِيلِ ﴿٧٧﴾

و پنداشتند که هیچ عقوبت نخواهد بود پس کور شدند و کر گشتند پس خدا برایشان به رحمت بازگشت^(۵۰) پس بسیاری از ایشان بازگور شدند و کر گشتند و خدا بیناست به آنچه می کنند (۷۱). هر آئینه کسانی که گفتند خدا همان است عیسی پسر مریم کافر شدند و گفته بود عیسی ای بنی اسرائیل خدا را پرستید پروردگار من و پروردگار شما هر آئینه کسی که شریک خدا مقرر می کند خدا بهشت را بروی حرام کرده است و جای اودوزخ است و ستمگاران را هیچ یاری دهنده ای نیست^(۵۱) (۷۲). هر آئینه کافر شدند کسانی که گفتند که خدا سوم سه کس است^(۵۲) و هیچ إله برحق نیست مگراله یگانه و ا گرباز نیابند از آنچه می گویند قطعا کافران را از ایشان^(۵۳) عذابی درد دهنده خواهد رسید (۷۳). آیار جوع نمی کنند به سوی خدا و از او آموزش نمی طلبند و خدا آمرزنده مهربان است (۷۴). نیست عیسی پسر مریم مگر پیامبری به یقین گذشته اند پیش از وی پیامبران و مادر او بسیار راست کردار بود هر دو طعام را می خوردند بین چگونه برای ایشان نشانه ها را بیان می کنیم باز بین چگونه گردانیده می شوند^(۵۴) (۷۵). بگو آیاعبادت می کنید بجز خدا چیزی را که نمی تواند برای شما زبانی و نه سودی و خدا همان شنوای دانا است (۷۶). بگو ای اهل کتاب از حد مگذرید در دین خود بناحق و خواهشات نفس های قومی را که به یقین گمراه شدند پیش ازین پیروی مکنید و گمراه کردند مردمان بسیاری را و از راه راست گمراه شدند^(۵۵) (۷۷).

(۵۰) یعنی محمد صلی الله علیه وسلم را فرستاد والله اعلم.

(۵۱) اعتقاد حلول نوعی از شرک است.

(۵۲) یعنی در مرتبه الوهیت سه کس هستند یکی خدا و دیگری عیسی و سوم روح القدس والله اعلم.

(۵۳) یعنی اهل اصرار را از ایشان.

(۵۴) یعنی از معرفت حق.

(۵۵) یعنی پیشوایان یهودیت و نصرانیت که برای ایشان مذهب قرار داده اند والله اعلم.

لِعَنِ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى لِسَانِ
 دَاوُدَ وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا
 يَعْتَدُونَ ﴿٧٨﴾ كَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ عَنْ مُنْكَرٍ فَعَلُوهُ
 لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ ﴿٧٩﴾ تَرَى كَثِيرًا مِنْهُمْ
 يَتَوَلَّوْنَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَبِئْسَ مَا قَدَّمَتْ لَهُمْ
 أَنْفُسُهُمْ أَنْ سَخِطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَفِي الْعَذَابِ هُمْ
 خَالِدُونَ ﴿٨٠﴾ وَلَوْ كَانُوا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالنَّبِيِّ وَمَا
 أُنزِلَ إِلَيْهِ مَا اتَّخَذُوا هُمْ أَوْلِيَاءَ وَلَٰكِنَّ كَثِيرًا
 مِنْهُمْ فَاسِقُونَ ﴿٨١﴾ * لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً
 لِلَّذِينَ ءَامَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا وَلَتَجِدَنَّ
 أَقْرَبَهُمْ مَوَدَّةً لِلَّذِينَ ءَامَنُوا الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصْرِيُّ
 ذَلِكَ يَأْتِ مِنْهُمْ قَسِيسِينَ وَرُهْبَانًا وَأَنَّهُمْ
 لَا يَسْتَكْبِرُونَ ﴿٨٢﴾ وَإِذَا سَمِعُوا مَا أُنزِلَ إِلَى
 الرَّسُولِ تَرَى أَعْيُنَهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ مِمَّا عَرَفُوا
 مِنَ الْحَقِّ يَقُولُونَ رَبَّنَا ءَامَنَّا فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ ﴿٨٣﴾

کافران را ازینی اسرائیل برزبان داود و عیسیٰ پسر مریم لعنت کرده شد این بسبب آنست که نافرمانی میکردند و از حدمیگذشتند (۷۸). بودند که يك ديگر را از آن عمل زشتی که مرتکب آن شدند منع نمی کردند البته چه بد است چیزی که میکردند (۷۹). می بینی که بسیاری از ایشان با کافران (یعنی با مشرکان) دوستی میکنند البته بد چیز است که پیش فرستاده است برای ایشان نفسهای ایشان آن چیز خشم گرفتن خداست برایشان و ایشان در عذاب جاوید اند (۸۰). و اگر بودند که به خدا و پیامبر (یعنی پیامبر خود) و آنچه فر فرستاده شده است به سوی وی ایمان می آوردند البته مشرکان را دوست نگرفتند ولیکن بسیاری از ایشان فاسقانند (۸۱). البته سخت ترین مردمان را در عداوت با مسلمانان یهود و مشرکان را بیابی. و البته نزدیک ترین مردمان را در دوستی با مسلمانان کسانی را که گفتند مانصاری ایم بیابی این بسبب آن است که از جنس ایشان دانشمندان و گوشه نشینان هستند و بسبب آنست که ایشان تکبر نمیکنند (۸۲). و چون بشنوند آنچه فر فرستاده شده بر پیامبر بینی چشم های ایشان را اشک میریزد به سبب آنچه از حق شناختند می گویند ای پروردگار ما ایمان آوردیم پس ما را باشاهدان بنویس^(۵۶) (۸۳).

(۵۶) یعنی جماعتی که اکمل امت باشند والله اعلم.

وَمَا لَنَا لَا نُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَمَا جَاءَنَا مِنَ الْحَقِّ وَنَطْمَعُ أَنْ يُدْخِلَنَا
 رَبَّنَا مَعَ الْقَوْمِ الصَّالِحِينَ ﴿٨٤﴾ فَأَثْبَهُمُ اللَّهُ بِمَا قَالُوا جَنَّتِ
 تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَذَلِكَ جَزَاءُ
 الْمُحْسِنِينَ ﴿٨٥﴾ وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ
 أَصْحَابُ الْجَحِيمِ ﴿٨٦﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَحَرَّمُوا
 طَيِّبَاتِ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ
 الْمُعْتَدِينَ ﴿٨٧﴾ وَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا
 وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ بِهِ ءَمُومُونَ ﴿٨٨﴾ لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ
 بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ وَلَكِنْ يُؤَاخِذُكُمْ بِمَا عَقَّدْتُمُ الْأَيْمَانَ
 فَكَفَّرَتْهُ وَأِطْعَامُ عَشْرَةِ مَسْكِينٍ مِنْ أَوْسَطِ مَا تُطْعَمُونَ
 أَهْلِيكُمْ أَوْ كِسْوَتُهُمْ أَوْ تَحْرِيرُ رَقَبَةٍ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ
 ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ ذَلِكَ كَفْرَةُ أَيْمَانِكُمْ إِذَا حَلَفْتُمْ وَاحْفَظُوا
 أَيْمَانَكُمْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿٨٩﴾
 يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَمُ
 رَجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿٩٠﴾

وچيست ما راکه بخدا و آنچه آمده است بما از دين راست ايمان نياوريم و چيست ما را که طمع نکنيم که ما را پروردگار ما (دربهشت) با قوم صالحان داخل کند (۸۴). پس خدا ايشان را برآن مقوله ای که گفتند بوستانها ای که ميرود زیر آنها جويها جزا داد جاويدان در آنجا و اين پاداش نيکوکاران است^(۵۷) (۸۵). و کسانیکه کافر شدند و آیات ما را تکذيب کردند ايشان اهل دوزخ اند (۸۶). ای مومنان حرام مکنيد لذایذ آنچه را خدا حلال ساخته است برای شما و از حد مگذريد هر آئينه خدا از حد گذرندگان را دوست نمیدارد (۸۷). و بخوريد از آنچه خدا شمارا روزی داده است حلال و پاکيزه و بترسيد از آن خدا که شما بوی ايمان آوردید^(۵۸) (۸۸). خدا از شما به لغو درسوگند های شما بازخواست نمی کند وليکن بازخواست می کند شما را به آن سوگندها ای که به قصد محکم کردید^(۵۹) پس كفاره^{۶۰} يمين منعقدہ خوراك دادن ده مسكين است از جنس ميانه از آنچه اهل خود را می خورانيد يا پوشش دادن ايشان يا آزاد کردن برده است پس هر که نيابد لازم است روزه داشتن سه روز اينست كفاره^{۶۰} سوگندهای شما چون سوگند خوريد (يعنی و حانث شويد) و سوگند های خود را نگاهداريد^(۶۰) همچنين بيان می کند خدا برای شما آيه های خود را تابود که شما شکر کنید (۸۹). ای مسلمانان جزاين نيست که خمر و قمار و نشانهای معبودان باطل و تيره های فال پليداست از کردار شيطان است پس از وی احتراز کنيد تابود که شما رستگار شويد (۹۰).

(۵۷) مترجم گوید در آیات مذکوره اشاره است به فضيلت قومی از نصاریٰ حبشه که همراه جعفر طيار بخدمت آنحضرت آمده مسلمان شدند والله اعلم.

(۵۸) يعنی ترك نکاح يا ترك خوردن کم و امثال آن درست نيست والله اعلم.

(۵۹) مترجم گوید يعنی به لغو كفاره واجب نيست چنانکه از دور شبهي بيند و به گمان گوید که والله زيد است و زيد نباشد و بر يمين منعقدہ اگر حانث شود كفاره واجب است چنانکه گوید والله اين طعام را نخورم يا درين خانه در نيابيم و علیٰ هذا القياس والله اعلم.

(۶۰) يعنی تامقدور حانث نشويد والله اعلم.

إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ
 فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ
 الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ ﴿٩١﴾ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا
 الرَّسُولَ وَأَحْذَرُوا فَإِن تَوَلَّيْتُمْ فَأَعْلَمُوا أَنَّمَا عَلَى رَسُولِنَا
 الْبَلَاغُ الْمُبِينُ ﴿٩٢﴾ لَيْسَ عَلَى الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
 جُنَاحٌ فِيمَا طَعِمُوا إِذَا مَا اتَّقَوْا ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
 ثُمَّ اتَّقَوْا ءَامَنُوا ثُمَّ اتَّقَوْا وَأَحْسَنُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ
 الْمُحْسِنِينَ ﴿٩٣﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لِيَبْلُوكُمُ اللَّهُ بِشَيْءٍ
 مِّنَ الصَّيْدِ تَنَالَهُ أَيْدِيكُمْ وَرِمَاحُكُمْ لِيَعْلَمَ اللَّهُ مَن يَخَافُهُ
 بِالْغَيْبِ فَمَن أَعْتَدَىٰ بَعْدَ ذَلِكَ فَعَلَهُ وَعَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٩٤﴾ يَا أَيُّهَا
 الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَقْتُلُوا الصَّيْدَ وَأَنْتُمْ حُرْمٌ وَمَن قَتَلَهُ
 مِنكُمْ مُتَعَمِّدًا فَجَزَاءٌ مِّثْلُ مَا قَتَلَ مِنَ النَّعَمِ يَحْكُمُ بِهِ ذَوَا
 عَدْلٍ مِّنكُمْ هَدْيًا بَالِغَ الْكَعْبَةِ أَوْ كَفَرَةٌ طَعَامُ مَسْكِينٍ
 أَوْ عَدْلٌ ذَلِكَ صِيَامًا لِيَذُوقَ وَبَالَ أَمْرِهِ عَفَا اللَّهُ عَمَّا
 سَلَفَ وَمَنْ عَادَ فَيَنْتَقِمُ اللَّهُ مِنْهُ وَاللَّهُ عَزِيزٌ ذُو انْتِقَامٍ ﴿٩٥﴾

جزاین نیست که شیطان می خواهد که در میان شما دشمنی و ناخوشی بیندازد بسبب خمر و قمار و شما را از یاد خدا و از نماز بازدارد پس آیا شما اکنون دست بردارنده اید (۹۱).
 و خدا را فرمانبرداری کنید و پیامبر را فرمانبرداری کنید و بترسید پس اگر رویگردانیدید پس بدانید که بر پیامبر ما مگر پیغام رسانیدن آشکار نیست (۹۲). نیست بر کسانیکه ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند گناهی در آنچه خوردند^(۶۱) چون پرهیزگاری کردند و ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند باز پرهیزگاری کردند و نیکوکاری نمودند و خدا نیکو کاران را دوست میدارد^(۶۲) (۹۳). ای مسلمانان البته خدا شما را به چیزی از شکار که برسد به آن دستهای شما و نیزه های شما می آرماید تا متمیز کند خدا کسی را که غایبانه از وی می ترسد پس هر که بعد از این تجاوز کند برای او عذاب درد ناک است (۹۴). ای مسلمانان چون احرام بسته باشید صید را مکشید و هر که او را از شما بقصد بکشد پس جزا واجب است و آن جزا مانند آن چیز است که او را کشته است از جنس چهار پایان که بآن دو صاحب عدالت از شما حکم کنند آن چهار پایه قربانی باید رسیده بکعبه باشد یا آن جزا کفار است که به فقیران غذا بدهد یا برابر آن روزه گیرد تا جزای کردار خود را بچشد عفو کرده است خدا از آنچه گذشت و هر که دیگر بار کند خدا از وی انتقام گیرد و خدا غالب صاحب انتقام است^(۶۳) (۹۵).

(۶۱) یعنی قبل از تحریم.

(۶۲) مترجم گوید یعنی آنچه قبل از تحریم خوردند عفو است چون در تقوی رسوخ پیدا کردند و این سخن بدان مانده که کسی گوید بانو احسان کنم و باز تو احسان کنم بمعنی آنکه پیوسته احسان کنم والله اعلم.

(۶۳) مترجم گوید جزای صید یکی از سه چیز تواند بود مماثل صید را در حرم ذبح کند و مماثلت نزدیک شافعی بخلقت و هیئت است و نزدیک ابی حنیفه به قیمت یا بقیمت صید طعام خرید نماید و بمسکینان دهد و نزدیک شافعی هر مسکینی را مدی و نزدیک ابی حنیفه هر مسکینی را نیم صاع از گندم یا یک صاع از جو یا بشمار مسکینان علی اختلاف المذهبین روزه دارد والله اعلم.

أَحْلَلْ لَكُمْ صَيْدَ الْبَحْرِ وَطَعَامَهُ، وَتَعََالَكُمْ وَلِلسَّيَارَةِ
وَخَرِيرَةٍ عَلَيْكُمْ صَيْدُ الْبَرِّ مَا دُمْتُمْ حُرْمًا وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي
إِلَيْهِ تُحْشُرُونَ ﴿٩٦﴾ * جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ
قِيَمًا لِلنَّاسِ وَالشَّهْرَ الْحَرَامَ وَالْهَدْيَ وَالْقَلْبَدْيَ ذَلِكَ لِيَتَعَلَّمُوا
أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ
شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿٩٧﴾ أَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ وَأَنَّ اللَّهَ
غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٩٨﴾ مَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا
تُبْدُونَ وَمَا تَكْتُمُونَ ﴿٩٩﴾ قُلْ لَا يَسْتَوِي الْخَبِيثُ وَالطَّيِّبُ
وَلَوْ أَعْجَبَكَ كَثْرَةُ الْخَبِيثِ فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ
لَعَلَّكُمْ تَفْلِحُونَ ﴿١٠٠﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَسْأَلُوا عَن
أَشْيَاءَ إِن تُبَدَّلَ لَكُمْ تَسْوَأُكُمْ وَإِن تَسْأَلُوا عَنْهَا حِينَ يُنزَلُ
الْقُرْءَانُ تَبَدَّلَ لَكُمْ عَفَا اللَّهُ عَنْهَا وَاللَّهُ غَفُورٌ حَلِيمٌ ﴿١٠١﴾
قَدْ سَأَلَهَا قَوْمٌ مِّن قَبْلِكُمْ ثُمَّ أَصْبَحُوا بِهَا كَافِرِينَ ﴿١٠٢﴾ مَا جَعَلَ
اللَّهُ مِنْ بَحِيرَةٍ وَلَا سَائِبَةٍ وَلَا وَصِيلَةٍ وَلَا حَامٍ وَلَكِنَّ الَّذِينَ
كَفَرُوا يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكُذْبَ وَأَكْثُرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ ﴿١٠٣﴾

برای شمشاکار دریا و خوردن آن حلال کرده شد تا منفعت باشد برای شما و برای قافله و حرام کرده شد بر شما شکار خشکی و بیابان تا ما دامی که محرم باشید و بترسید از آن خدا که بسوی وی حشر کرده خواهید شد (۹۶). خدای تعالی کعبه را که خانه بزرگوارست و ماه حرام و قربانی (بی نشان) و قربانی نشاندار را مایهٔ قوام (امور) مردمان گردانید، این بیان برای آنست که تا بدانید که خدا میداند آنچه در آسمانهاست و آنچه در زمین است و تابانید که خدا بهمه چیز دانا است (۹۷). بدانید که عقوبت خدا سخت است و آنکه خدا آمرزنده مهربان است (۹۸). نیست بر پیامبر مگر رسانیدن پیغام و خدا می داند آنچه را که آشکار می کنید و آنچه پنهان می کنید (۹۹). بگو (ای محمد) پلید و پاک برابر نیست و اگر چه در عجب آرد تو را بسیاری پلید، پس از خدا بترسید ای خداوندان خردتار استگار شوید^(۹۴) (۱۰۰). ای مسلمانان از آن چیزها ای که اگر ظاهر کرده شود حقیقت آنها پیش شما غمگین کند شما را سوال مکنید و اگر از آن وقتیکه فرود آورده می شود قرآن سوال مکنید البته ظاهر کرده شود برای شما خدای تعالی از آن سؤالات عفو کرد و خدا آمرزنده بردبار است^(۹۵) (۱۰۱). به راستی سؤال کرده بودند قومی پیش از شما از مثل آن چیزها باز به آنها کافر شدند (۱۰۲). خدای تعالی هیچ بحیره و نه سائبه و نه وصیله و نه حام را مشروع^(۹۶) نکرده است ولیکن کافران بر خدا دروغ می بندند و بسیاری از ایشان در نمی یابند (۱۰۳).

(۹۴) مترجم گوید یعنی مال حرام و مال حلال برابر نیست اگر چه حرام بسیار جمع می شود والله اعلم.

(۹۵) مترجم گوید بعض مردم از آنحضرت بغیر ضرورت سوال میکردند یکی گفت پدر من کیست و دیگری گفت که مرجع من بهشت است یا دوزخ درین باب نازل شد.

(۹۶) مترجم گوید اهل جاهلیت احکامی چند اختراع کرده بودند و در آنها به قول اسلاف خود تمسک مینمودند از آنجمله بحیره و آن ماده شتری است که او را برای بتان مقرر میکردند و شیر او بکسی نمیدادند بعد از اینکه پنج بار بزایدو آخرین نرباشد و سائبه که برای بتان جانور را میگذاشتند و بار بر پشت او نمی نهادند و وصیله و آن ماده شتریست که اول بار در اول عمر شتر ماده بزاید بعد از آن بغیر فصل دیگر بار ماده زاید پس آنرا برای بتان میگذاشتند و بعد از آنکه از جملی چند بچه گرفتند او را معاف داشتند از رکوب و جز آن و او را حام می گفتند خدای تعالی این همه را فسخ فرمود و آیه فرستاد.

وَإِذْ قِيلَ لَهُمُ تَعَالَوْا إِلَىٰ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَإِلَىٰ الرَّسُولِ قَالُوا حَسْبُنَا
 مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ ءَابَاءَنَا أَوْ لَوْ كَانَ ءَابَاؤُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ
 شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ ﴿١٠٤﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا عَلَيْكُمْ أَنفُسَكُمْ
 لَا يَضُرُّكُمْ مَن ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا
 فِئْتَبَتِكُمْ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿١٠٥﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا شَهَدَةُ
 بَيْنِكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدُكُمْ الْمَوْتُ حِينَ الْوَصِيَّةِ اثْنَانِ ذَوَا
 عَدْلٍ مِّنكُمْ أَوْ إِخْرَانٍ مِّنْ غَيْرِكُمْ إِنْ أَنْتُمْ ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ
 فَأَصَابَتْكُمْ مُصِيبَةُ الْمَوْتِ تَحْسِبُونَهُمَا مِنْ بَعْدِ الصَّلَاةِ
 فَيُقْسِمَانِ بِاللَّهِ إِنْ أُرْتَبْتُمْ لَمْ تَشْتَرِي بِهِ ثَمَنًا وَلَوْ كَانَ ذَا
 قُرْبَىٰ وَلَا نَكْتُمُ شَهَادَةَ اللَّهِ إِنَّا إِذًا لَّ مِنَ الْآثِمِينَ ﴿١٠٦﴾ فَإِنْ عُثِرَ
 عَلَىٰ أَنَّهُمَا اسْتَحَقَّا ثَمَنًا فَإِخْرَانٍ يَقُومَانِ مَقَامَهُمَا مِنَ الَّذِينَ
 اسْتَحَقَّ عَلَيْهِمُ الْأَوْلِيَانِ فَيُقْسِمَانِ بِاللَّهِ لَشَهَدَتْنَا أَحَقُّ مِنْ
 شَهَادَتِهِمَا وَمَا اعْتَدَيْنَا إِنَّا إِذًا لَّ مِنَ الظَّالِمِينَ ﴿١٠٧﴾ ذَلِكَ أَدْنَىٰ
 أَنْ يَأْتُوا بِالشَّهَادَةِ عَلَىٰ وَجْهِهَا أَوْ يَخَافُوا أَنْ تُرَدَّ أَيْمَنٌ بَعْدَ
 أَيْمَنِهِمْ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَسْمِعُوا اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ ﴿١٠٨﴾

و چون گفته شود ایشان را به سوی آنچه فرو فرستاده است خدا و به سوی پیامبر بیایید گویند مار آنچه بر آن یافتیم پدران خود را بس است و اگر چه پدران ایشان هیچ چیزی نمی دانستند و هیچ راه نمی یافتند (۱۰۴). ای مسلمانان خویشتن را محافظت کنید ضررنمی رساند شما را کسی که گمراه شد چون شما راه یاب شدید بازگشت همگی شما به سوی خداست پس شما را به آنچه عمل می کردید خبر دهد^(۱۰۵). ای مسلمانان (نصاب) شهادت در میان شما هنگام وصیت چون به یکی از شما موت برسد دو کس اندکه از شما صاحب عدالت باشند یا اگر شما در حال سفر در زمین باشید پس آنگاه به شما مصیبت موت رسد دو تن از غیر خودتان است اگر شك داشته باشید ایشان را بعد از نماز (یعنی نماز عصر) بازدارید پس قسم خورند بخدا که به عوض سوگند خدایان دنیا را خرید نمی کنیم و اگر چه کسیکه برای نفع او گواهی میدهم صاحب قرابت باشد و پنهان نمی کنیم گواهی خدا را^(۱۰۶) هر آئینه ما آنگاه از گنهگاران باشیم (۱۰۶). اگر^(*) اطلاع واقع شد بر آنکه این دو گواه گناهی حاصل کردند^(۱۰۹) پس دو کس دیگر که قرابت قریبه داشته باشند به جای آنها از کسانی که مال را حق خود ساختند بر هر یکی از دو گواه دروغ به زبردستی برایشان بایستند^(۱۱۰) پس سوگند خورند بخدا که گواهی ما درست تراست از گواهی آن دو و از حد تجاوز نکرده ایم هر آئینه ما آنگاه از ستمگاران باشیم (۱۰۷). این اسلوب نزدیک تراست بآنکه گواهی را بروجه آن بیارند (یعنی بروجهی که باید در گواهی دادن) یا بترسد از آنکه رد کرده شود سوگندها بعد از سوگند های ایشان^(۱۱۱) و از خدا بترسید و حکم او را بشنوید و خدا گروه فاسقان را هدایت نمی نماید^(۱۱۲) (۱۰۸).

- (۱۷) یعنی اگر شما صلاح کردید و شرط امر به معروف و نهی از منکر بجا آوردید مخالفت مخالفان ضرر نمی کند والله اعلم.
- (۱۸) ایضا مترجم گوید مسلمانی را اگر اتفاق سفر افتاد و در جایی که هیچ مسلمان نبود محضتر شد ناچار دومی را ترکه خود سپرد کرد و بروصیت خود گواه ساخت، ایشان از آن ترکه جام نقره ای را خیانت کردند و چون اولیای میت از ایشان مطالبه نمودند قسم خوردند که مابه آن اطلاع نداریم بعد از آن آن جام نزدیک صواغی پیدا شد گفت که این دومی بدست من فروختند درین باره آیت نازل شد و دو کس از اولیای میت قسم خورده آن جام را گرفتند.
- (*) توضیح: پس اگر اطلاع حاصل شد که آنها مرتکب گناهی شده اند پس دو گواه از اقارب نزدیک میت که نسبت به اقارب دیگر میت مستحق میراث اویند جانشین آن دو گواه شوند مصحح.
- (۱۹) یعنی گواه حق که خدایان فرموده ندادند والله اعلم.
- (۲۰) یعنی گواهی دروغ دادند و به دروغ قسم خوردند.
- (۲۱) یعنی اگر کسی داند که بعد از سوگند من سوگند مدعی نخواهد بود سوگند دروغ می خورد و اگر بداند که چون کذب او ظاهر شود مدعیان را سوگند دهند و حق به سوگند ایشان ثابت شود از سوگند دروغ احتیاط می کند.
- (۲۲) مترجم گوید تاویل آیت بمذهب شافعی آن است که مراد از شهادت وصیت است و از منکم من اقاربکم و ذکر اثنین برای احتیاط و قسم دادن بجهت مدعا علیه بودن درین دعوی که خیانت کرده اند و تعیین صلوة عصر بجهت تغلیظ یمین و اختیار اثنین برای احتیاط و اقامت اولیان بجهت مدعا علیه بودن برایشان در دعوی که بجهت حذر خود تقریر میکند چنانچه در صورت مذکوره دعوی اشتراء کرده بودند ان ارتبتم، فان عثر اشارتست بتوجه دعوی کسی و بمذهب ابی حنیفه مانند آن است مگر آنکه تعیین صلوة عصر بجهت آنست که قضاة در محکمه همین وقت می نشستند پس گویا که گفته شد در محکمه قضا والله اعلم.

*يَوْمَ يَجْمَعُ اللَّهُ الرُّسُلَ فَيَقُولُ مَاذَا أَجَبْتُمْ قَالُوا لَا عِلْمَ لَنَا
 إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّمَهُ الْغُيُوبِ ﴿١٦٩﴾ إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ
 اذْكُرْ نِعْمَتِي عَلَيْكَ وَعَلَىٰ وَالِدَتِكَ إِذْ أَيَّدتُّكَ بِرُوحِ
 الْقُدُسِ تُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَكَهْلًا وَإِذْ عَلَّمْتُكَ
 الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَالتَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَإِذْ تَخَلَّقُ
 مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ بِإِذْنِي فَتَنفُخُ فِيهَا فَتَكُونُ
 طَيْرًا بِإِذْنِي وَتُبْرِئُ الْأَكْمَةَ وَالْأَبْرَصَ بِإِذْنِي وَإِذْ تُخْرِجُ
 الْمَوْتَىٰ بِإِذْنِي وَإِذْ كَفَفْتُ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَنْكَ إِذْ
 جِئْتَهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ إِنْ هَذَا
 إِلَّا أَسْحَرُكُمْ مَبِينٌ ﴿١٧٠﴾ وَإِذْ أَوْحَيْتُ إِلَى الْخَوَارِجِ أَنْ آمِنُوا
 بِي وَبِرَسُولِي قَالُوا آمَنَّا وَأَشْهَدُ بِأَنَّنَا مُسْلِمُونَ ﴿١٧١﴾
 إِذْ قَالَ الْخَوَارِجُ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ هَلْ يَسْتَطِيعُ رَبُّكَ
 أَنْ يُنَزِّلَ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ قَالَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنْ كُنْتُمْ
 مُؤْمِنِينَ ﴿١٧٢﴾ قَالُوا نُرِيدُ أَنْ نَأْكُلَ مِنْهَا وَتَطْمَئِنَّ قُلُوبُنَا
 وَنَعْلَمَ أَنْ قَدْ صَدَقْتَنَا وَنَكُونَ عَلَيْهَا مِنَ الشَّاهِدِينَ ﴿١٧٣﴾

یادکن آن روز را که خدا پیامبران را جمع کند پس بگوید شمارا چه جواب داده شد گویند ما را هیچ دانش نیست هر آینه داننده غیبتها تویی^(۷۳) (۱۰۹). آن وقت که گوید خدای تعالی ای عیسیٰ پسر مریم یادکن نعمت مرا بر خویش و بروالده^۱ خویش چون قوت دادم تورا بروح القدس (یعنی به جبریل علیه السلام) سخن می گفتمی بامردمان در گهواره و در حالت معموری و چون تورا کتاب و دانش و تورات و انجیل آموختم و چون پیدا می کردی از گل مانند شکل مرغ به حکم من پس دم می زدی دروی پس می شد مرغی به حکم من و به میکردی کورمادرزاد را و برص دار را به حکم من و چون مردگان را (زنده از گور) بحکم من بیرون می آوردی^(۷۴) و چون بازداشتم شر بنی اسرائیل را از تو آنگاه که به نزد ایشان معجزه ها آوردی پس کافران از ایشان گفتند این مگر سحر آشکار نیست (۱۱۰). و چون الهام فرستادم به سوی حواریان که ایمان آرید به من و به پیامبر من گفتند ایمان آوردیم و گواه باش یا عیسیٰ برآنکه مامسلمانیم (۱۱۱). چون حواریان گفتند ای عیسیٰ پسر مریم آیامی تواند پروردگار تو که فرو فرستد بر ما خوانی از آسمان گفت عیسیٰ از خدا بترسید اگر مومن هستید^(۷۵) (۱۱۲). گفتند می خواهیم که بخوریم از آن خوان و آرام گیرد دل های ما و بدانیم که باما راست گفتی و برنزول آن از گواهان باشیم (۱۱۳).

(۷۳) یعنی نخست از سر خضوع و نیایش ایشان گویند که در برابر تو نسبت به دانش ما هیچ دانش نیست بعد از آن گواهی دهند بر است خویش والله اعلم.

(۷۴) یعنی از گور زنده بیرون می آوردی والله اعلم.

(۷۵) حاصل این است که الهام فرستادم به سوی حواریان در آن مدت که معجزه طلب کردند و بر حسب مراد بدند.

قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ اللَّهُمَّ رَبَّنَا أَنْزِلْ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ
 تَكُونُ لَنَا عِيدًا لِأَوَّلِنَا وَآخِرِنَا وَآيَةً مِنْكَ وَارزُقْنَا وَأَنْتَ
 خَيْرُ الرَّازِقِينَ ﴿١١٤﴾ قَالَ اللَّهُ إِنِّي مُنَزِّلُهَا عَلَيْكُمْ فَمَنْ يَكْفُرْ بَعْدُ
 مِنْكُمْ فَإِنِّي أُعَذِّبُهُ وَعَذَابِيَ لَآ أُعَذِّبُهُ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ ﴿١١٥﴾
 وَإِذْ قَالَ اللَّهُ يَعْيسَى ابْنُ مَرْيَمَ أَنْتَ قُلْتَ لِلنَّاسِ اتَّخِذُونِي
 وَأُمَّيَ الْهَيْمِينَ مِنْ دُونِ اللَّهِ قَالِ سُبْحَانَكَ مَا يَكُونُ لِي أَنْ أَقُولَ
 مَا لَيْسَ لِي بِحَقِّ إِنْ كُنْتُ قُلْتُهُ وَقَدْ عَلِمْتُهُ تَعَلَّمْ مَا فِي نَفْسِي
 وَلَا أَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِكَ إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ ﴿١١٦﴾ مَا قُلْتُ لَهُمْ
 إِلَّا مَا أَمَرْتَنِي بِهِ أَنْ أَعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ وَكُنْتُ عَلَيْهِمْ
 شَهِيدًا مَادُمْتُ فِيهِمْ فَلَمَّا تَوَفَّيْتَنِي كُنْتُ أَنْتَ الرَّقِيبَ عَلَيْهِمْ
 وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ ﴿١١٧﴾ إِنْ تَعَذَّبْهُمْ فَإِنَّهُمْ عِبَادُكَ وَإِن
 تَغْفِرْ لَهُمْ فَإِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿١١٨﴾ قَالَ اللَّهُ هَذَا يَوْمُ يَنْفَعُ
 الصَّادِقِينَ صِدْقُهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ
 فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿١١٩﴾ لِلَّهِ
 مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا فِيهِنَّ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿١٢٠﴾

گفت عیسیٰ پسر مریم بارخدایا ای پروردگار ما بر ما خوانی پُر از طعام از آسمان فرود آر تا باشد عیدی برای ما و برای اول امت ما و آخر امت ما و معجزه ای از جانب تو و روزی ده ما را و تو بهترین روزی دهندگانی (۱۱۴). خدا گفت من فرود آورنده ام آن را بر شما پس هر که از شما کافر شود بعد ازین پس من تعذیب کنم او را به عذابیکه تعذیب نکنم بآن هیچ يك را از جهانیان^(۷۶) (۱۱۵). و یادکن آن وقت را که گوید خدای عیسیٰ پسر مریم آیا تو به مردمان گفتی که مرا خدا گیرید و مادر مرا به جای خدای تعالی^(۷۷) گفت به پاکی یاد می‌کنم ترانه سزد مرا که بگویم آنچه لایق من نیست اگر گفته باشم این قول را پس تو آن را دانسته ای (زیرا که) می‌دانی آنچه در نفس من است و نمی‌دانم آنچه در نفس تست هر آینه تو داننده^۱ امور پنهانی (۱۱۶). نگفته‌ام به ایشان مگر آنچه مرا به آن فرموده بودی که خدا را که پروردگار من و پروردگار شما است بپرستید و بومد برایشان نگاهبان مادامی که در میان ایشان بومد پس وقتیکه مرا بر گرفتی^(۷۸) تو بودی نگاهبان برایشان و تو بر همه چیز نگاهبانی (۱۱۷). اگر ایشان را عذاب کنی پس ایشان بندگان تواند و اگر ایشان را بیمارزی پس تویی غالب استوارکار (۱۱۸). خدا گوید امروز روزی است که نفع دهد راست گویان را راستگویی ایشان برای آنهاست بوستانها ای که می‌رود از زیر آنها جویها باشد جاویدان در آنجا همیشه خدا از ایشان خوشنود شد و ایشان از خدا خوشنود شدند این رستگاری بزرگ است (۱۱۹). پادشاهی آسمان ها و زمین و آنچه در آن هاست از آن خداست و او بر همه چیز تواناست (۱۲۰).

(۷۶) مترجم گوید بعد از آن خوانی نازل شد از آسمان که بروی گوشت و نان بود پس خوردند و سیر شدند و الله اعلم.

(۷۷) مترجم گوید خدای تعالی روز قیامت نعمت های خود را بر عیسیٰ یاد دهانی کند بعد از آن سوال کند که خود را اله می‌گفتی یا نه بجهت تاکید و برای قطع شبهه نصاریٰ بابلغ و جوه و الله اعلم فتح الرحمن.

(۷۸) یعنی بر آسمان بردی مرا.

سورة الأنعام

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ
 وَالنُّورَ ۗ ثُمَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ ﴿١﴾ هُوَ الَّذِي
 خَلَقَكُمْ مِنْ طِينٍ ثُمَّ قَضَىٰ أَجَلًا وَأَجَلٌ مُّسَمًّى عِنْدَهُ ۗ ثُمَّ أَنْتُمْ
 تَمْتَرُونَ ﴿٢﴾ وَهُوَ اللَّهُ فِي السَّمَوَاتِ وَفِي الْأَرْضِ يَعْلَمُ سِرَّكُمْ
 وَجَهْرَكُمْ وَيَعْلَمُ مَا تَكْسِبُونَ ﴿٣﴾ وَمَاتَاتِيهِمْ مِنْ آيَةٍ مِنْ
 آيَاتِ رَبِّهِمْ إِلَّا كَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ ﴿٤﴾ فَقَدْ كَذَّبُوا بِالْحَقِّ
 لَمَّا جَاءَهُمْ فَسَوْفَ يَأْتِيهِمْ أَنْبَاءُ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ ﴿٥﴾
 أَلَمْ يَرَوْا كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ قَرْنٍ مَكَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ
 مَا لَهُمْ نُمْكِنٌ لَهُمْ وَأَرْسَلْنَا السَّمَاءَ عَلَيْهِمْ مِدْرَارًا وَجَعَلْنَا الْأَنْهَارَ
 تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمْ فَأَهْلَكْنَاهُمْ بِذُنُوبِهِمْ وَأَنْشَأْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ قَرْنًا
 آخَرِينَ ﴿٦﴾ وَلَوْ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ كِتَابًا فِي قِرْطَابٍ فَلَمَسُوهُ بِأَيْدِيهِمْ
 لَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ ﴿٧﴾ وَقَالُوا لَوْلَا أَنْزَلَ
 عَلَيْهِ مَلَكٌ ۗ وَلَوْ أَنْزَلْنَا مَلَكَ لَقُضِيَ الْأَمْرُ ثُمَّ لَا يُنظَرُونَ ﴿٨﴾



بنام خدای بخشاینده مهربان.

ستایش آن خدای راست که آسمان ها و زمین را آفرید و تاریکی ها و روشنی را پیدا کرد باز کافران با پروردگارشان (بُتانی را) برابر می کنند^(۱) (۱). اوست آنکه شمارا از گل بیافرید باز وقت مرگ را مقرر کرد و (برای قیامت) نزد او مدتی معین هست^(۲) باز شما شك می کنید (۲). و اوست خدا^(۳) در آسمان ها و در زمین پنهان شمارا و آشکارتان را می داند و آنچه عمل می کنید میداند (۳). و به کافران هیچ نشانه ای از نشانه های پروردگار ایشان نمی آید مگر آنکه از آن رویگردان شدند (۴). پس بدرستی که حق را (یعنی رسول را و آنچه آورده بود از قرآن و دین حق) چون آمدایشانرا تکذیب کردند پس خواهد آمد به ایشان جزای آنچه بوی تمسخر میکردند^(۴) (۵). آیا ندیده اند که چه قدر پیش از ایشان از اُمتهای استقرار داده بودیم ایشان را در زمین آنقدری که استقرار نداده ایم شمارا هلاک کرده ایم و باران را برایشان پی در پی ریزنده فرستاده بودیم و پیدا کردیم جویهای که میرفت زیرایشان^(۵) پس ایشان را به گناهان ایشان هلاک کردیم و بعد از ایشان امتی دیگر (یعنی مردمان دیگر) پیدا کردیم (۶). و اگر نوشته ای در ورقی بر تونازل می کردیم پس آن را بدست هایشان لمس میکردند البته کافران می گفتند این جز سحر ظاهر نیست^(۶) (۷). و گفتند کافران چرا فرود نیاورده شد بر پیامبر فرشته ای^(۷) و اگر فرشته ای را فرود فرستادیم البته کار به انجام رسانیده می شد باز مهلت داده نشوند^(۸) (۸).

(۱) یعنی معبودان باطل را.

(۲) یعنی برای قیامت.

(۳) یعنی متصرف و فرمانروا.

(۴) یعنی به صدق آن خبردارد والله اعلم.

(۵) یعنی زیر مساکن ایشان.

(۶) یعنی تعصب ایشان بمرتبه ای است که اگر نزول کتاب را بحس ظاهر ببینند نیز انکار کنند.

(۷) یعنی بوجهی که ما آنرا بحس ظاهر بینیم والله اعلم.

(۸) یعنی ظهور ملائکه باین وجه مستلزم هلاک ایشان است در حکمت الهی والله اعلم.

وَلَوْ جَعَلْنَاهُ مَلَكَ الْجَعَلْتَهُ رَجُلًا وَلَلْبَسْنَا عَلَيْهِمْ مَا
 يَلْبَسُونَ ﴿٦﴾ وَلَقَدْ اسْتَهْزَيْتُمْ بِرُسُلِنَا مِنْ قَبْلِكُمْ فَحَاقَ بِالَّذِينَ
 سَخِرُوا مِنْهُمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ ﴿٧﴾ قُلْ سِيرُوا
 فِي الْأَرْضِ ثُمَّ انظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكذِّبِينَ
 ﴿٨﴾ قُلْ لِمَنْ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلْ لِلَّهِ كَتَبَ عَلَى
 نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ لِيَجْمَعَ كُفْرَكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ
 فِيهِ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٩﴾ *وَلَهُ
 مَا سَكَنَ فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿١٠﴾ قُلْ
 أَغَيَّرَ اللَّهُ اتِّخَذَ وَلِيًّا فَاطِرِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ
 يُطْعَمُ وَلَا يُطْعَمُ قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ أَوَّلَ مَنْ أَسْلَمَ
 وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿١١﴾ قُلْ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ
 رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿١٢﴾ مَنْ يُصِرْ عَنْهُ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمَهُ
 وَذَلِكَ الْقُورُ الْمُبِينُ ﴿١٣﴾ وَإِنْ يَمَسَّكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ
 لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِنْ يَمَسَّكَ بِخَيْرٍ فَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
 ﴿١٤﴾ وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ ﴿١٥﴾



واگر آن فرستاده را فرشته ای میکردیم لازم آن را مردی قرار می دادیم (یعنی به شکل مردی درمی آوردیم) والبتّه مشتبّه میکردیم برایشان آنچه اکنون اشتباه میکنند (۹). وبه راستی که به پیامبران پیش از تو تمسخر کرده شد پس به تمسخر کنندگان از ایشان جزای آنچه بآن تمسخر می کردند فرود آمد^(۹) (۱۰). بگو در زمین بگردید باز نظر کنید آخر کار تکذیب کنندگان چگونه شد (۱۱). بگو - آنچه در آسمان هاوزمین است برای چه کس است بگو برای خدا است برخودمهربانی را لازم کرد البتّه شمارا در روز قیامت که هیچ شکی در آن نیست جمع کند آنانکه زیان کردند در حق خویشان پس ایمان نمی آورند (۱۲). و آنچه ساکن شد در شب و روز از آن اوست و او شنوای دانا است (۱۳). بگو آیا غیر از خدای پیدا کننده آسمان هاوزمین، دوستی گیرم حال آنکه او روزی میدهد و روزی داده نمی شود بگوهر آئینه مرا امر کرده شده است که نخستین مسلمان باشم (یعنی ازین امت) و (فرموده شد که) از شریک مقرر کنندگان مباش (۱۴). بگوهر آئینه من اگر نافرمانی پروردگار خود کنم از عذاب روز بزرگ می ترسم (۱۵). هر که از او عذاب آن روز باز داشته شود پس خدا بروی مهربانی کرد و این مطلب یابی ظاهر است (۱۶). و اگر خدا به تو سختی رساند آن را بازدارنده ای جز خود او نیست و اگر به تو نعمت رساند پس او بر همه چیز تواناست (۱۷). و او بالای بندگان خود غالب است و او دانا آگاه است (۱۸).

(۹) یعنی جزای کلمه ای که بطریق سخریه باینها می گفتند یافت.

قُلْ أَيُّ شَيْءٍ أَكْبَرُ شَهَادَةً قُلِ اللَّهُ شَهِيدٌ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَأُوحِيَ إِلَيَّ هَذَا
 الْقُرْآنُ لِأُنذِرَكُمْ بِهِ وَمَنْ بَلَغَ أَتَيْكُمْ لَتَشْهَدُونَ أَنَّ مَعَ اللَّهِ هَاهُنَا
 أُخْرَى قُلْ لَا أَشْهَدُ قُلْ إِنَّمَا هُوَ اللَّهُ وَاحِدٌ وَإِنِّي بَرِيءٌ مِمَّا تُشْرِكُونَ
 ﴿١٩﴾ الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ آبَاءَهُمْ الَّذِينَ
 خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٢٠﴾ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى
 اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ ﴿٢١﴾ وَيَوْمَ نَحْشُرُهُمْ
 جَمِيعًا ثُمَّ نَقُولُ لِلَّذِينَ أَشْرَكُوا أَيْنَ شُرَاكُوكُمُ الَّذِينَ كُنتُمْ تَزْعُمُونَ ﴿٢٢﴾
 ثُمَّ لَمْ تَكُنْ فَتَنَتَّهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا أَوَلَمْ نَكُنْ مَشْرِكِينَ ﴿٢٣﴾
 أَنْظِرْ كَيْفَ كَذَبُوا عَلَى أَنفُسِهِمْ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ ﴿٢٤﴾
 وَمِنْهُمْ مَن يَسْتَمِعُ إِلَيْكَ وَجَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ
 وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا وَإِنْ يَرَوْا كُلاًَّ آيَةٍ لَا يُؤْمِنُوا بِهَا حَتَّى إِذَا
 جَاءُوكَ يُجَادِلُونَكَ يَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَذَا إِلَّا أَسْطِيرُ
 الْأَوَّلِينَ ﴿٢٥﴾ وَهُمْ يَنْهَوْنَ عَنْهُ وَيَنْعُونَ عَنْهُ وَإِنْ يُهْلِكُونَ إِلَّا
 أَنفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ ﴿٢٦﴾ وَلَوْ تَرَى إِذْ وَقَفُوا عَلَى النَّارِ فَقَالُوا
 يَلَيْتَنَا نُرَدُّ وَلَا نُكَذِّبُ بِآيَاتِ رَبِّنَا وَنَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿٢٧﴾

بگوچه چیز در شهادت برتر و بزرگتر است؟^(۱۰) بگو خدا بین من و بین شما گواه است و به سوی من این قرآن وحی کرده شد تا شمارا به آن و آن را نیز که قرآن به او برسد بیم دهم آیاشما گواهی میدهد که با خدا معبودان دیگر هستند بگو من گواهی نمیدهم بگو جز این نیست که او معبود یگانه است و هر آئینه من بیزارم از آنچه شما شریک مقرر میکنید (۱۹). آنانکه ایشان را کتاب داده ایم حقیقت این قول را می شناسند^(۱۱) چنانکه پسران خود را می شناسند آنانکه به خود زیان زده اند پس ایشان ایمان نمی آورند (۲۰). و کیست ستمگارتر از کسی که بر خدا دروغ را بر بست یا آیاتِ او را دروغ انگاشت هر آئینه ستمکاران رستگار نمی شوند (۲۱). و یادکن آن روز را که همگی ایشان را حشر کنیم باز مشرکان را می گوئیم کجایند آن شریکان شما که ایشان را به گمان اثبات می کردید (۲۲). بعد از آن عذرایشان جز این نباشد که گویند قسم بخدا پروردگار ما که ما مشرک نبودیم (۲۳). بنگر چگونگی بر خویشتن دروغ گفتند و از ایشان آنچه افترا می کردند گم گشت (۲۴). و از ایشان کسی هست که به سوی تو گوش می نهد و بردلهای ایشان پرده ها پیدا کرده ایم تا آن را نفهمند و در گوشهای ایشان سنگینی را (گذاشته ایم) و اگر ببینند هر معجزه ای بآن ایمان نیارند تا وقتیکه بیایند پیش تو مکابره کنان باتو این کافران گویند این جز قصه های پیشینیان نیست (۲۵). و ایشان از متابعت او منع میکنند از متابعت او و دور می شوند مگر خویشتن را هلاک نمی کنند و نمی دانند (۲۶). و تعجب کنی اگر ایشان را ببینی و وقتیکه نزدیک آتش باز داشته شوند پس گویند ای کاش ما باز گردانیده شویم پس آیاتِ پروردگار خویش را دروغ نینگاریم و از مسلمانان شویم (۲۷).

(۱۰) یعنی اظهار حق کردن والله اعلم.

(۱۱) یعنی کلمه توحید، مترجم همینطور تفسیر کرده است و برای توضیح گوئیم که بسیاری از مفسرین مراد از ﴿يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمْ﴾ که می شناسند او را یعنی رسول خدا را که در کتابهای آنان وصف و نعت او موجود است مانند شناختن بچهایشان همین معنی را گرفته اند مصحح والله اعلم.

بَلْ بَدَأَ الْهَمَّ مَا كَانُوا يُخْفُونَ مِنْ قَبْلُ وَلَوْ رُدُّوا لَعَادُوا لِمَا نُهُوا عَنْهُ
 وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ ﴿٢٨﴾ وَقَالُوا إِنْ هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا وَمَا نَحْنُ
 بِمَبْعُوثِينَ ﴿٢٩﴾ وَلَوْ تَرَى إِذْ وَقَفُوا عَلَى رَبِّهِمْ قَالَ أَيْسَ هَذَا
 بِالْحَقِّ قَالُوا بَلَىٰ وَرَبِّنَا قَالَ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنتُمْ تَكْفُرُونَ
 ﴿٣٠﴾ قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِلِقَاءِ اللَّهِ حَتَّىٰ إِذَا جَاءَتْهُمْ السَّاعَةُ
 بَغْتَةً قَالُوا لَوْ أَحْسَرْنَا عَلَىٰ مَا فَرَطْنَا فِيهَا وَهُمْ يَحْمِلُونَ أَوْزَارَهُمْ
 عَلَىٰ ظُهُورِهِمْ إِلَّا سَاءَ مَا يَزِرُونَ ﴿٣١﴾ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا
 إِلَّا لَعِبٌ وَلَهُوٌّ وَلَلْآخِرَةُ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ
 ﴿٣٢﴾ قَدْ نَعْلَمُ إِنَّهُ لِيَحْزُنَكَ الَّذِي يَقُولُونَ فَإِنَّهُمْ لَا يَكْذِبُونَكَ
 وَلَكِنَّ الظَّالِمِينَ بِآيَاتِ اللَّهِ يَجْحَدُونَ ﴿٣٣﴾ وَلَقَدْ كُذِّبَتْ
 رُسُلٌ مِنْ قَبْلِكَ فَصَبَرُوا عَلَىٰ مَا كُذِّبُوا وَأُوذُوا حَتَّىٰ أَتَاهُمْ
 نَصْرُنَا وَلَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ وَلَقَدْ جَاءَكَ مِنْ نَبِيِّ الْمُرْسَلِينَ
 ﴿٣٤﴾ وَإِنْ كَانَ كَبُرَ عَلَيْكَ إِعْرَاضُهُمْ فَإِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَبْتَغِيَ
 نَفَقًا فِي الْأَرْضِ أَوْ سَلْمًا فِي السَّمَاءِ فَتَأْتِيَهُمْ بِآيَةٍ وَلَوْ شَاءَ
 اللَّهُ لَجَمَعَهُمْ عَلَى الْهُدَىٰ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْجَاهِلِينَ ﴿٣٥﴾

نه بلکه برایشان آشکار شد جزای آنچه پیش ازین می پوشیدند یعنی جزای عقائد باطله و اگر باز گردانیده شوند البته به سوی آنچه منع کرده می شدند بازمی گردند و البته ایشان دروغگویند (۲۸). و گفتند نیست هیچ زندگی مگر زندگانی این جهانی ما و ما برانگیخته نخواهیم شد^(۱۲) (۲۹). و تعجب کنی اگر ببینی آنگاه که بحضور پروردگار خویش باز داشته شوند گوید خدا آیا این درست نیست گویند آری درست است و قسم به پروردگارمان گوید عذاب را بسبب آنکه کافر بودید بچشید (۳۰). به تحقیق زیان کار شدند آنانکه ملاقات خدا را تکذیب کردند تا آنگاه که بایشان قیامت بیاید ناگهان گویند ای پشیمانی ما بر تقصیر ما درباره قیامت و ایشان بارهای خویش را^(۱۳) بر پشتهای خویش بردارند آگاه شوید بد چیز است آنچه بر میدارند^(۱۴) (۳۱). و زندگانی دنیا مگر بازی و لهُو نیست و هر آئینه سرای آخرت متقیان را بهتر است آیدرنمی یابید (۳۲). به راستی میدانیم که البته اندوهگین میکنند تور آنچه ایشان می گویند پس هر آئینه ایشان تکذیب نمی کنند تور فقط ولیکن این ستمگاران آیات خدا را انکار می کنند (۳۳). و به راستی پیامبرانی پیش از تو تکذیب کرده شدند پس بر تکذیب شان ورنج دیدن شان صبر کردند تا آنکه بایشان نصرت ما بیامد و وعده های خدا را هیچ تغییر دهنده ای نیست و هر آئینه به تو بعض خبر پیامبران آمد (۳۴). و اگر بر تورو یگر ادنی ایشان گران شده باشد پس اگر می توانی که سوراخی در زمین یا نردبانی در آسمان بجویی پس پیش ایشان معجزه ای بیاری (پس چنان کن)^(۱۵) و اگر خدای خواست ایشان را بر هدایت گردمی آورد پس از جاهلان مباش (۳۵).

(۱۲) یعنی منکر حشراند والله اعلم.

(۱۳) یعنی گناهان خویش را.

(۱۴) یعنی عمل بد بشکل چیزی نهایت زشتی و ناخوشی شده بر پشت او بنهند.

(۱۵) یعنی از آنجا که می توانی که معجزه بیاری بیار حاصل آنست که امر خود را به خدا تفویض کن والله اعلم.

* إِنَّمَا يَسْتَجِيبُ الَّذِينَ يَسْمَعُونَ وَالْمَوْتَى يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ تَرْتِيبًا إِلَيْهِ
 يُرْجَعُونَ ﴿٣٦﴾ وَقَالُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ قُلْ إِنَّ اللَّهَ
 قَادِرٌ عَلَى أَنْ يُنْزِلَ آيَةً وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٣٧﴾ وَمَا
 مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا طَائِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أُمٌّ مِثْلَكُمْ
 مَا قَرَّظْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يُحْشَرُونَ ﴿٣٨﴾
 وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بآيَاتِنَا صُورًا وَبُكُورًا فِي الظُّلُمَاتِ مِنْ يَسَاءِ
 اللَّهِ يُضْلِلُهُ وَمَنْ يَشَأْ يُجْعَلْهُ عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿٣٩﴾ قُلْ
 أَرَأَيْتُمْ كُرْهًا إِنْ أَتَاكُمْ عَذَابُ اللَّهِ أَوْ أَتَتْكُمُ السَّاعَةُ أَغَيْرَ اللَّهِ
 تَدْعُونَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٤٠﴾ بَلْ إِيَّاهُ تَدْعُونَ فَيَكْشِفُ
 مَا تَدْعُونَ إِلَيْهِ إِنْ شَاءَ وَتَنْسَوْنَ مَا تُشْرِكُونَ ﴿٤١﴾ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا
 إِلَىٰ أُمَمٍ مِنْ قَبْلِكَ فَأَخَذْنَاهُمْ بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ
 يَتَضَرَّعُونَ ﴿٤٢﴾ فَلَوْلَا إِذْ جَاءَهُمْ بَأْسُنَا تَضَرَّعُوا وَلَٰكِنْ قَسَتْ
 قُلُوبُهُمْ وَزَيَّنَّ لَهُمُ الشَّيْطَانُ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٤٣﴾ فَلَمَّا
 نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ فَتَحْنَا عَلَيْهِمُ أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ حَتَّىٰ
 إِذَا فَرِحُوا بِمَا أُوتُوا أَخَذْنَاهُمْ بَغْتَةً فَإِذَا هُمْ مُبْلِسُونَ ﴿٤٤﴾

جزاین نیست که قبول میکنند (دعوت تورا)^(۱۶) آنانکه می شنوند و خدا مُردگان (یعنی کافران) را برمی انگیزد باز به سوی او گردانیده شوند (۳۶). و گفتند چرا بر پیامبر نشانه ای از جانب پروردگارش فر فرستاده نشد؟^(۱۷) بگوهر آئینه خدا قادر است بر آنکه آیتی فر فرستد و لیکن اکثر ایشان نمی دانند (۳۷). و نیست هیچ جانوری در زمین و نه هیچ پرنده ای که می پرد بدو بال خود مگر آنکه امتهایی چون شما هستند هیچ چیزی را در کتاب (یعنی لوح محفوظ) فروگذار نکرده ایم باز به سوی پروردگار خود حشر کرده خواهند شد (۳۸). و کسانی که آیات ما را تکذیب کردند کرانند و گنگانند در تاریکی ها (ی کفر) هستند هر کرا خدا خواهد گمراه کندش و هر کرا خواهد براه راست گرداندش (۳۹). بگو آید دیدید اگر به شما عذاب خدا بیاید یا به شما قیامت بیاید آیا غیر خدا را تضرع می کنید اگر راست گوهستید (۴۰). نه بلکه خاص بجناب او دعای کنید پس اگر بخواهد دفع می کند آنچه را که برای دفع آن دعای کنید و آن چیز را که اورا شریک مقرر می کردید فراموش می کنید (۴۱). و به راستی به سوی امتانی پیش از تو (پیامبرانی) فرستادیم^(۱۸) پس ایشان را به تنگی معیشت و بیماری در گرفت کردیم تازاری کنند (۴۲). پس چرا زاری نکردند و قتی که بایشان عذاب ما آمد و لیکن دلهای ایشان سخت شد و در نظر ایشان آنچه می کردند شیطان زینت داد (۴۳). پس چون فراموش کردند آنچه ایشان را بآن پند داده شد برایشان درهای همه چیز را^(۱۹) کشاده ساختیم تا آن هنگام که شادمان گشتند به آنچه ایشان را داده شد ناگهان ایشان را در گرفتیم پس نا امید شدند (۴۴).

(۱۶) یعنی دعوت اسلام را.

(۱۷) یعنی از آن نشانه ها که می طلبیدند والله اعلم.

(۱۸) یعنی پیامبران.

(۱۹) یعنی به استدرج نعمتهای فراوان دادیم والله اعلم.

فَقُطِعَ دَابِرُ الْقَوْمِ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٤٥﴾
قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَخَذَ اللَّهُ سَمْعَكُمْ وَأَبْصَرَكُمْ وَخَتَمَ عَلَى قُلُوبِكُمْ
مَنْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِكُمْ بِهِ أَنْظِرْ كَيْفَ نَصَرَفُ الْآيَاتِ
ثُمَّ هُمْ يَصْدِفُونَ ﴿٤٦﴾ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَنْتُمْ عَذَابُ اللَّهِ
بِعْتَةً أَوْ جَهْرَةً هَلْ يُهْلِكُ إِلَّا الْقَوْمَ الظَّالِمُونَ ﴿٤٧﴾ وَمَا
تُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ ۗ فَمَنْ أَمَنَ وَأَصْلَحَ
فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٤٨﴾ وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا
يَمْسُهُمُ الْعَذَابُ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ ﴿٤٩﴾ قُلْ لَا أَقُولُ لَكُمْ
عِنْدِي خَزَائِنُ اللَّهِ وَلَا أَعْلَمُ الْغَيْبَ وَلَا أَقُولُ لَكُمْ إِنِّي مَلَكٌ
إِنْ أَتَيْتُمْ إِلَّا مَا يُوحَىٰ إِلَىٰ قَلْبِ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ
أَفَلَا تَتَفَكَّرُونَ ﴿٥٠﴾ وَأَنْذِرْ بِهِ الَّذِينَ يَخَافُونَ أَنْ يُحْشَرُوا إِلَىٰ
رَبِّهِمْ لَيْسَ لَهُمْ مِنْ دُونِهِ وَلِيٌّ وَلَا شَفِيعٌ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ
﴿٥١﴾ وَلَا تَطْرُدِ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ
وَجْهَهُ ۗ وَمَا عَلَيْكَ مِنْ حِسَابِهِمْ مِنْ شَيْءٍ وَمَا مِنْ حِسَابِكَ
عَلَيْهِمْ مِنْ شَيْءٍ فَتَطْرُدَهُمْ فَتَكُونَ مِنَ الظَّالِمِينَ ﴿٥٢﴾

پس بیخ گروه ستمکاران بریده شد و ستایش خدای پروردگار جهانیان راست (۴۵). بگو آیدید اگر خدا شنوایی شمارا و چشم های شمارا باز گیرد و بردل های شما مهربانند کیست معبودی غیر از خدا تعالی که آنرا به شما بازگرداند بین چگونه گوناگون آیه هارا بیان می کنیم بازایشان رویگردان می شوند (۴۶). بگو آیا دیدید اگر به شما عذاب خدا ناگهان یا آشکار بیاید آیا^(۲۰) جز قوم ستمکاران هلاک کرده شوند (۴۷). و پیامبران را مگر بشارت دهنده و بیم دهنده نمی فرستیم پس هرکه ایمان آورد و نیکوکاری کرد پس هیچ ترسی برایشان نبود و نه ایشان اندوهگین شوند (۴۸). و کسانی که آیات ما را تکذیب کردند بایشان بسبب فاسق بودن ایشان عذاب برسد (۴۹). بگو نمی گویم بشما که نزد من است خزانه های خدا و نمی گویم که غیب را میدانم و به شما نمی گویم که من فرشته ام پیروی نمی کنم مگر چیزی را که به سوی من وحی کرده شد بگو آیا برابر میشود نابینا و بینا آیاتامل نمی کنید (۵۰). و بترسان باقرآن (یعنی پند ده بقرآن) کسانی را که می ترسند از آنکه به سوی پروردگار خویش حشر کرده شوند ایشانرا بجز خدا هیچ دوستی و نه سفارش کننده ای نباشد تا باشد که پرهیزگاری کنند (۵۱).^(۲۱) و کسانی را که مناجات می کنند به پروردگار خویش بامداد و شام رضای اورامی طلبند مَران، نیست بر تو چیزی از حساب ایشان و نیست برایشان چیزی از حساب تو تا ایشان را برانی که آنگاه از ستمکاران باشی (۵۲).

(۲۰) یعنی هلاک کرده شوند.

(۲۱) رؤسای کفار بآن حضرت گفتند که برای ما عارست که با فقرای مسلمین بنشینیم ایشانرا از مجلس خود یکسوکن تابا تو بنشینیم خدای تعالی آیت فرستاد.

وَكَذَلِكَ فَتَنَّا بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لِيَقُولُوا أَهَؤُلَاءِ مَنَ اللَّهُ
 عَلَيْهِم مِّن بَيْنِنَا أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِالشَّاكِرِينَ ﴿٥٣﴾ وَإِذَا
 جَاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا فَقُلْ سَلَمٌ عَلَيْكُمْ كَتَبَ
 رَبُّكُمْ عَلَىٰ نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ أَنَّهُ مَن عَمِلَ مِنكُمْ سُوءًا
 بِجَهْلَةٍ ثُمَّ تَابَ مِن بَعْدِهِ وَأَصْلَحَ فَأَنَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿٥٤﴾
 وَكَذَلِكَ نَقُصُّ الْأَيَّاتِ وَلِتَسْتَتِينَ سَبِيلَ الْمُجْرِمِينَ
 ﴿٥٥﴾ قُلْ إِنِّي نُهَيْتُ أَن أَعْبُدَ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ قُلْ
 لَا آتِيحُ أَهْوَاءَكُمْ قَدْ ضَلَّكُمُ إِذْ أَوْمَأْنَا مِنَ الْمُهْتَدِينَ
 ﴿٥٦﴾ قُلْ إِنِّي عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّي وَكَذَّبْتُمْ بِهِ مَا عِنْدِي
 مَّا تَسْتَعْجِلُونَ بِهِ إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ يَقُصُّ الْحَقَّ وَهُوَ
 خَيْرُ الْفَاصِلِينَ ﴿٥٧﴾ قُلْ لَوْ أَنَّ عِنْدِي مَا تَسْتَعْجِلُونَ بِهِ لَقَضِيَ
 الْأَمْرُ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِالظَّالِمِينَ ﴿٥٨﴾ * وَعِنْدَهُ
 مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبَرِّ
 وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ مِنَ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٌ فِي ظِلْمَةٍ
 الْأَرْضِ وَلَا رِيضٍ وَلَا رَظِيٍّ وَلَا يَاسِيسٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ ﴿٥٩﴾

وهمچنین بعض مردمان را به بعضی امتحان کردیم تا بگویند آیا این جماعت خدا بریشان از میان ما انعام کرده است خدای تعالی فرمود آیا خدا به شکر کنندگان داناتر نیست؟ (۵۳). و چون کسانی که ایمان آورده اند بآیات ما پیش تو بیایند پس بگو سلام علیکم پروردگار شمار خود مهربانی را لازم کرده است که هر که بکند از شما کار بد به نادانی بازتوبه کرد بعد از آن و نیکوکاری نمود پس خدا آمرزنده مهربان است (۵۴). و همچنین نشانه هارا به وضوح بیان می کنیم و تا راه ستمگاران ظاهر شود^(۲۲) (۵۵). بگوهر آئینه مرا منع کرده شد که عبادت کنم آن کسانی را که شما غیر از خدا می پرستید بگو آرزوهای شما را پیروی نمی کنم آنگاه گمراه شده باشم و نباشم از راه یافتگان (۵۶). بگوهر آئینه من بر حجتی ام از پروردگار خود و آن دلیل را دروغ انگاشتید نیست نزد من آنچه شما آن را بزودی می طلبید^(۲۳) نیست مگر خدا را دین درست را بیان می کند و او بهترین فیصله کنندگان است (۵۷). بگو اگر آنچه که آن را بزودی می طلبید در نزد من می بود البته کار میان من و میان شما یکسره می شد و خدا به ستمگاران داناتر است (۵۸). و نزد اوست کلید های غیب^(۲۴) نمی داند آن را مگر او و آنچه در خشکی و دریاست میداند و نمی افتد هیچ برگی مگر اینکه آنرا می داند و نمی افتد هیچ دانه در تاریکی های زمین و نه هیچ تری و نه خشکی مگر در کتاب روشن ثبت است (۵۹).

(۲۲) ظاهر نزدیک مترجم آن است که این او زائد است مثل او و فوحت ابوابها.

(۲۳) یعنی عقوبت در اختیار من نیست.

(۲۴) یعنی انواع علم غیب.

وَهُوَ الَّذِي يَتَوَفَّاكُم بِاللَّيْلِ وَيَعْلَمُ مَا جَرَحْتُم بِالنَّهَارِ ثُمَّ
 يَبْعَثُكُمْ فِيهِ لِيُقْضَىٰ أَجَلٌ مُّسَمًّى ثُمَّ إِلَيْهِ مَرْجِعُكُمْ ثُمَّ
 يُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٦٠﴾ وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ
 وَيُرْسِلُ عَلَيْكُمْ حَفَظَةً حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَكُمْ الْمَوْتُ تَوَفَّتْهُ
 رُسُلُنَا وَهُمْ لَا يُفِرُّونَ ﴿٦١﴾ ثُمَّ رُدُّوْا إِلَى اللَّهِ مَوْلَاهُمُ الْحَقِّ
 أَلَا لَهُ الْحُكْمُ وَهُوَ أَسْرَعُ الْحَاسِبِينَ ﴿٦٢﴾ قُلْ مَنْ يُنَجِّيكُمْ مِّنْ
 ظُلْمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ تَدْعُونَهُ وَتَضَرُّعًا وَخُفْيَةً لِّئِنْ أَنْجَانَا مِنْ
 هَذِهِ لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ ﴿٦٣﴾ قُلِ اللَّهُ يُنَجِّيكُمْ مِّمَّهَا وَمِنْ كُلِّ كَرْبٍ
 ثُمَّ أَنْتُمْ تُشْكِرُونَ ﴿٦٤﴾ قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَىٰ أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِّنْ
 فَوْقِكُمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ أَوْ يَلْبَسَكُمْ سِجَاعًا وَيُذِيقَ بَعْضَكُمْ
 بَأْسَ بَعْضٍ أَنْظِرْكُمْ نَصْرَ الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَفْقَهُونَ ﴿٦٥﴾ وَكَذَّبَ
 بِهِ قَوْمُكَ وَهُوَ الْحَقُّ قُلْ لَسْتُ عَلَيْكُمْ بِوَكِيلٍ ﴿٦٦﴾ لِكُلِّ نَبِيٍّ
 مُّسْتَقَرٌّ وَسَوْفَ تَعْمَلُونَ ﴿٦٧﴾ وَإِذَا رَأَيْتَ الَّذِينَ يَخُوضُونَ فِيءِ آيَاتِنَا
 فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ حَتَّىٰ يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ وَإِمَّا يُنسِيَنَّكَ
 الشَّيْطَانُ فَلَا تَقْعُدْ بَعْدَ الذِّكْرَىٰ مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿٦٨﴾

واوست آنکه قبض روح شما به شب می کند^(۲۵) و می داند آنچه به روز کسب کردید باز شمارا در روز برمی انگیزد تا میعاد معین به انجام رسانیده شود باز به سوی اوباز گشت شماست باز شمارا به آنچه می کردید خبر می دهد (۶۰). واوست غالب بالای بندگان خود و بر شما ملائکه نگاهبان می فرستد تا وقتیکه به کسی از شما مرگ بیاید قبض روح او کنند فرستادگان ما و ایشان کوتاهی نمی کنند (۶۱). (مُردگان) به سوی خدا که سرور راستینشان است باز گردانیده شوند خبردار حکم او راست و او شتاب ترین حساب کنندگان است (۶۲). بگو کیست که شمارا از تاریکی‌های بیابان و دریا می رهند^(۲۶) بجناب اوبزاری و نیازپنهانی مناجات می کنید می گوید اگر ما را ازین محنت رها دهد هر آئینه از شکر کنندگان باشیم (۶۳). بگو خدا شمارا از آن محنت و ازهر اندوهی می رهند باز (هم) شما شریک مقرر می کنید (۶۴). بگو اوست توانا بر آنکه بر شما عذابی از بالای شما فرورستد^(۲۷) یا از زیر پاهای شما^(۲۸) و شمارا گروه گروه جمع کند و (طعم) جنگ برخی از شمارا به برخی دیگر بچشاند^(۲۹) بنگر چگونه گوناگون آیه هارا بیان می کنیم تا بفهمند (۶۵). و قوم تو قرآن را تکذیب کردند حال آن که آن راست است بگو بر شما نگاهبان نیستم (۶۶). هر خبری را میعاد نیست و خواهید دانست (۶۷). و چون ببینی آنان را که در آیه های ما بحث شروع میکنند پس از ایشان رو بگردان تا وقتیکه درسختی غیر از وی بحث شروع کنند و اگر تورا شیطان فراموش گرداند پس بعد از یاد آوردن با گروه ستمگاران منشین (۶۸).

(۲۵) یعنی قوت خواب.

(۲۶) یعنی از مصیبت های بیابان و دریا.

(۲۷) یعنی چنانکه سنگ بر قوم لوط بارید.

(۲۸) یعنی چنانکه قارون را بزمین فرودبرد.

(۲۹) یعنی افواج متعدده پیدا شود و باید که دیگر جنگ کنند.

وَمَا عَلَى الَّذِينَ يَتَّقُونَ مِنْ حِسَابِهِمْ مِنْ شَيْءٍ وَلَا كُنْ
 ذِكْرَى لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ ﴿٦٦﴾ وَذَرِ الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَهُمْ
 لِعِبَادٍ وَلَهُوَا وَعَرَّتَهُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَذَكَرَ بِهِ أَن
 يُبْسَلْ نَفْسٌ بِمَا كَسَبَتْ لَيْسَ لَهَا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيٌّ
 وَلَا شَفِيعٌ وَإِنْ تَعَدَلَ كُلَّ عَدَلٍ لَا يُؤْخَذُ مِنْهَا أُولَئِكَ
 الَّذِينَ أُبْسِلُوا بِمَا كَسَبُوا لَهُمْ شَرَابٌ مِنْ حَمِيمٍ
 وَعَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ ﴿٧٠﴾ قُلْ أَدْعُوا مِنْ دُونِ
 اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُنَا وَلَا يَضُرُّنَا وَنُرَدُّ عَلَى أَعْقَابِنَا بَعْدَ إِذْ
 هَدَيْنَا اللَّهُ كَالَّذِي اسْتَهْوَتْهُ الشَّيَاطِينُ فِي الْأَرْضِ
 حَيْرَانَ لَهُ وَأَصْحَابٌ يَدْعُونَهُ وَإِلَى الْهُدَى اسْتِنَّا قُلْ إِنْ
 هُدَى اللَّهُ هُوَ الْهُدَى وَأَمْرٌ نَا لِنُسَلِّمَ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٧١﴾ وَأَنْ
 أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتَوْهُ وَهُوَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ ﴿٧٢﴾ وَهُوَ
 الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَيَوْمَ يَقُولُ كُنْ
 فَيَكُونُ قَوْلُهُ الْحَقُّ وَلَهُ الْمُلْكُ يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ
 عِلْمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ ﴿٧٣﴾

واز حساب کافران چیزی برکسانیکه پرهیزگاری کردند نیست ولیکن برایشان لازم است پنددادن تا شود که ایشان پرهیزگاری کنند (۶۹). و کسانی را که دین خود را بازی و لهو گرفتند بگذار و ایشان را زندگانی دنیا فریفت و به وسیله قرآن برای احتیاط از آنکه بمهلکه گذاشته شود نفسی بسبب آنچه کسب کرده است به وسیله قرآن پند ده اورا بجز خدا هیچ دوستی و نه شفاعت کننده ای نیست و اگر عوض خود هرفدایی که تواند دهد از وی گرفته نشود آن جماعت آنانند که بمهلکه گذاشته شدند به وبال آنچه کردند ایشان راست آشامیدنی از آب جوشانیده وایشان راست عذاب دردناک بسبب آنکه کافر بودند (۷۰). بگو آیا بجز خدا کسی را که ما را نفع ندهد و ما را زیان نرساند مناجات کنیم و باز گردانیده شویم برپاشنه های خود بعد از آنکه خدا ما را راه راست نموده است مانند کسی که شیطانها او را گمراه کرده باشند در زمین حیران مانده اورا یارانند که می خوانندش به سوی راه راست که بیا به سوی ما بگوهر آئینه هدایت خداهمان هدایت حقیقی است و فرموده شده است مارا که منقاد پروردگار جهانیان شویم (۷۱). و فرموده شد که نماز را برپادارید و از خدا بترسید و اوست آنکه به سوی او حشر کرده خواهید شد (۷۲). و اوست آنکه آسمانها و زمین را بتدبیر محکم بیافرید و روزیکه بفرماید^(۳۰) که بشو پس می شود سخن او درست است و برای او است پادشاهی روزیکه دمیده شود در صور. داننده پنهان و آشکار است و او استوارکار آگاه است (۷۳).

(۳۰) یعنی چیزی را.

* وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ أَسْتَخِذُكَ بِإِلهَةٍ بَنِي
 آدَمَ وَفِئْتِكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿٧٤﴾ وَكَذَلِكَ نُرِي إِبْرَاهِيمَ
 مَلَكُوتَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلِيَكُونَ مِنَ الْمُوقِنِينَ
 ﴿٧٥﴾ فَلَمَّا جَنَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ رَأَى الْكُوكَبَاتِ قَالَ هَذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ
 قَالَ لَا أَحِبُّ الْآفِلِينَ ﴿٧٦﴾ فَلَمَّا رَأَى الْقَمَرَ بَازِعًا قَالَ هَذَا
 رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَئِن لَّمْ يَهْدِنِي رَبِّي لَأَكُونَنَّ مِنَ الْقَوْمِ
 الضَّالِّينَ ﴿٧٧﴾ فَلَمَّا رَأَى الشَّمْسَ بَازِعَةً قَالَ هَذَا رَبِّي هَذَا
 أَكْبَرُ فَلَمَّا أَفَلَتْ قَالَ يَا قَوْمِ إِنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ
 ﴿٧٨﴾ إِنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ
 حَنِيفًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿٧٩﴾ وَحَاجَّهُ قَوْمُهُ قَالَ
 أَتُحِبُّونَنِي فِي اللَّهِ وَقَدْ هَدَانِ وَلَا أَخَافُ مَا تُشْرِكُونَ بِهِ
 إِلَّا أَن يَشَاءَ رَبِّي شَيْئًا وَسِعَ رَبِّي كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا أَفَلَا
 تَتَذَكَّرُونَ ﴿٨٠﴾ وَكَيْفَ أَخَافُ مَا أَشْرَكْتُمْ وَلَا تَخَافُونَ
 أَنَّكُمْ أَشْرَكْتُمْ بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزِّلْ بِهِ عَلَيْكُمْ سُلْطَانًا
 فَأَيُّ الْفَرِيقَيْنِ أَحَقُّ بِالْأَمْنِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٨١﴾

و یادکن چون ابراهیم پدر خود آزر را گفت آیا بتان را معبود میگیری هر آئینه من تورا و قوم تو را در گمراهی ظاهر می بینم (۷۴). و همچنین ابراهیم را ملک آسمان ها و زمین می نمودیم تا او از یقین کنندگان باشد^(۳۱) (۷۵). پس چون بروی شب تاریک شد دید ستاره ای گفت این پروردگار من است پس وقتیکه فرورفت گفت فروروندگان را دوست ندارم (۷۶). پس چون ماه را طلوع کرده دید گفت این است پروردگار من پس وقتیکه فرورفت گفت اگر مرا پروردگار من هدایت نکند البته از گروه گمراهان شوم (۷۷). پس وقتیکه خورشید را طلوع کرده دید گفت این است پروردگار من این بزرگتر است پس چون فرورفت گفت ای قوم هر آئینه من بیزارم از آنچه شریک مقرر میکنید (۷۸). هر آئینه روی خود را به سوی کسیکه بیافرید آسمانها و زمین را در حالتیکه حنیفم متوجه ساختم و من از مشرکان نیستم (۷۹). و با او قوم او جدال کردند گفت آیا جدال می کنید با من درباره خدا و به تحقیق که مرا هدایت کرده است و نمی ترسم از آنچه شما با خدا شریک مقرر می کنید ولیکن می ترسم از آنکه خدا چیزی را^(۳۲) اراده کند و پروردگار من به همه چیز از جهت دانش احاطه کرده است آیا پند نمی گیرید؟ (۸۰). و چگونه از کسی که او را شریک مقرر می کنید ترسم حال آنکه شما نمی ترسید از آنکه با خدا چیزی را شریک مقرر کردید که برای شما دلیلی بر آن نفرستاده است پس کدام یک ازین دو گروه به امن (و امنیت) سزاوار تر است بگوئید اگر می دانید (۸۱).

(۳۱) یعنی چنانکه بروی ظاهر کردیم که بتان لایق عبادت نیستند نیز ظاهر ساختیم که ستاره و هر چه در آسمانها و زمین است لایق عبادت نیستند و او در ولیکون زانده است والله اعلم.

(۳۲) یعنی از انواع محنت.

الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمَنُ
 وَهُمْ مُّهْتَدُونَ ﴿٨٢﴾ وَتِلْكَ حُجَّتُنَا آتَيْنَاهَا إِبْرَاهِيمَ عَلَى
 قَوْمِهِ نَرْفَعُ دَرَجَاتٍ مَّن نَّشَاءُ إِنَّ رَبَّكَ حَكِيمٌ عَلِيمٌ ﴿٨٣﴾
 وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ كُلًّا هَدَيْنَا وَنُوحًا هَدَيْنَا
 مِن قَبْلُ وَمِن ذُرِّيَّتِهِ دَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ وَأَيُّوبَ وَيُوسُفَ
 وَمُوسَى وَهَارُونَ وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ﴿٨٤﴾
 وَزَكَرِيَّا وَيَحْيَى وَعِيسَى وَإِلْيَاسَ كُلٌّ مِّنَ الصَّالِحِينَ
 ﴿٨٥﴾ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيُونُسَ وَلُوطًا وَكُلًّا فَضَّلْنَا عَلَى
 الْعَالَمِينَ ﴿٨٦﴾ وَمِنَ آبَائِهِمْ ذُرِّيَّتِهِمْ وَإِخْوَانِهِمْ وَاجْتَبَيْتَهُمْ
 وَهَدَيْنَاهُمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿٨٧﴾ ذَلِكَ هُدَى اللَّهِ يَهْدِي
 بِهِ مَن يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَلَوْ أَشْرَكُوا لَحِطَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا
 يَعْمَلُونَ ﴿٨٨﴾ أُولَئِكَ الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ
 وَالنُّبُوَّةَ فَإِن يَكْفُرْ بِهَا هَؤُلَاءِ فَقَدْ وَكَلْنَا بِهَا قَوْمًا لَّيْسُوا
 بِهَا بِكَافِرِينَ ﴿٨٩﴾ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ فَبِهِدَاهُمْ أَقْتَدُهُ
 قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِن هُوَ إِلَّا ذِكْرِي لِلْعَالَمِينَ ﴿٩٠﴾

(خدای تعالی فرمود) کسانی که ایمان آوردند و ایمان خود را به شرك نیامیختند آن جماعت ایشان راست ایمنی و ایشان راه یافتگانند (۸۲). و این است حجت ما که ابراهیم را بر قوم او دادیمش و بلند می کنیم در مراتب هر که را می خواهیم هر آئینه پروردگار تو استوارکار داناست (۸۳). و ابراهیم را اسحاق و یعقوب عطا کردیم هر یکی را از ایشان هدایت کردیم و نوح را پیش ازین هدایت کردیم و از اولاد ابراهیم (راه نمودیم) داود و سلیمان و ایوب و یوسف و موسی و هارون را و هم چنین نیکوکاران را پاداش می دهیم (۸۴). و زکریا و یحیی و عیسی و الیاس را هدایت کردیم همه آنان از صالحان بودند (۸۵). و اسمعیل و الیسع و یونس و لوط را هدایت کردیم و هر یکی را بر (اهل زمان) جهانیان فضل دادیم (۸۶). و بعضی را از پدران ایشان و فرزندان ایشان و برادران ایشان هدایت کردیم و ایشان را برگزیدیم و ایشان را به سوی راه راست دلالت کردیم (۸۷). این است هدایت خدا دلالت می کند بدان هر که را خواهد از بندگان خویش و اگر شریک مقرر میکردند آنچه کرده بودند از ایشان نابود می شد (۸۸). این جماعت آنانند که ایشان را کتاب و حکمت و پیامبری دادیم پس اگر بآیات قرآن این کافران کافر شوند پس ما گروهی را بر آن بگماریم که هرگز به آن کفر نوزند^(۳۳) (۸۹). این جماعت انبیاء کسانی اند که خدا ایشان را هدایت کرد پس به روش ایشان اقتدا کن بگو هیچ مزدی بر تبلیغ قرآن سوال نمی کنم، آن نیست مگر پندی برای جهانیان^(۳۴) (۹۰).

(۳۳) یعنی مهاجرین و انصار و سایر اخیار والله اعلم.

(۳۴) یعنی چنانکه انبیاء صبر کردند برای ذاء کفار تو نیز صبر کن والله اعلم.

وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ إِذْ قَالُوا مَا أَنزَلَ اللَّهُ عَلَيْنَا مِنْ شَيْءٍ
 قُلْ مَنْ أَنزَلَ الْكِتَابَ الَّذِي جَاءَ بِهِ مِنْ نُورٍ وَهُدًى
 لِلنَّاسِ تَجْعَلُونَهُ قَرَاطِيسَ تُبْدُونَهَا وَتُخْفُونَ كَثِيرًا وَعِلمَتُمْ
 مَا لَمْ تَعْلَمُوا أَنْتُمْ وَلَا آبَاؤُكُمْ قُلْ اللَّهُ ثُمَّ ذَرْهُمْ فِي خَوْضِهِمْ
 يَلْعَبُونَ ﴿٩١﴾ وَهَذَا كِتَابٌ أَنزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ مُصَدِّقُ الَّذِي بَيْنَ
 يَدَيْهِ وَلِتُنذِرَ أُمَّ الْقُرَى وَمَنْ حَوْلَهَا وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ
 يُؤْمِنُونَ بِهِ وَهُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ ﴿٩٢﴾ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ
 افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ قَالَ أُوحِيَ إِلَيَّ وَلَمْ يُوحَ إِلَيْهِ شَيْءٌ
 وَمَنْ قَالَ سَأُنزِلُ مِثْلَ مَا أَنزَلَ اللَّهُ وَلَوْ تَرَى إِذِ الظَّالِمُونَ فِي
 غَمْرَاتِ الْمَوْتِ وَالْمَلَائِكَةَ بَاسِطُو أَيْدِيهِمْ أَخْرَجُوا أَنفُسَهُمْ
 الْيَوْمَ تُجْرُونَ عَذَابَ الْهُونِ بِمَا كُنْتُمْ تَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ غَيْرَ
 الْحَقِّ وَكُنْتُمْ عَنْ آيَاتِهِ تَسْتَكْبِرُونَ ﴿٩٣﴾ وَلَقَدْ جِئْتُمُونَا
 فِرَادَى كَمَا خَلَقْنَاكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَتَرَكْتُمْ مَا خَوَّلْنَاكُمْ وَرَاءَ
 ظُهُورِكُمْ وَمَا نَرَى مَعَكُمْ شُفَعَاءَكُمُ الَّذِينَ زَعَمْتُمْ أَنَّهُمْ فِيكُمْ
 شُرَكَاءُ لَقَدْ تَقَطَّعَ بَيْنَكُمْ وَضَلَّ عَنْكُمْ مَا كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ ﴿٩٤﴾

و صفت نکردند یهود خدا را چنانکه حق صفت اوست چون گفتند خدا بر هیچ آدمی هیچ چیزی نازل نکرده است بگو چه کسی نازل کرده است کتابی را که موسی آن را روشنی و هدایت برای مردمان آورده است که آن را به صورت ورقهایی درمی آورید (قسمتی از) آن را آشکار می کنید و بسیاری را پنهان می کنید و آموخته شدید (یعنی در قرآن) آنچه نمی دانستید شما و نه پدران شما می دانستند^(۳۵) بگو خدا فرود آورد باز بگذار ایشان را در بحث ایشان درحالتیکه بازی میکنند^(۳۶) (۹۱). و این قرآن کتابیست که او را بابرکت باور دارنده آنچه پیش از وی بود فرستادیم و اهل مکه را و کسانی را که گرد مکه ساکن اند تا بیم کنی و معتقدان آخرت البته بقرآن ایمان می آورند و ایشان بر نماز خود محافظت می کنند^(۳۷) (۹۲). و کیست ستمگار تراز کسی که برخدا دروغی را بر بست^(۳۸) یا گفت وحی به من فرستاده شده است و به حقیقت به سوی او چیزی نفرستاده شده است و از کسی که گفت فرود خواهم آوردمانند آنچه خدا فرود آورده است^(۳۹) و تعجب کنی چون بنگری وقتیکه ظالمان در شداید مرگ باشند و فرشتگان دست های خود را دراز می کنند^(۴۰) می گویند روحهای خود را بیرون آورید امروز جزا داده خواهید شد عذاب رسواکننده به سبب آنکه برخدانا حق می گفتید و بسبب آنکه از تصدیق آیات اوسرکشی می کردید (۹۳). و گوئیم هر آئینه پیش ما تنها آمدید چنانکه شمارا بار اول آفریده بودیم و آنچه شمارا عطا کرده بودیم پس پشت خویش بگذاشتید و نمی بینیم باشما شفاعت کنندگان شمارا آنان که گمان می کردید که ایشان در پرورش شما شریکان خدا اند هر آئینه پیوندمیان شما بریده شد و از شما آنچه گمان می کردید گم شد (۹۴).

(۳۵) یعنی کتمان آیات تورات و قرآن اظهار کرد و الا قبل از آن یقین نمی دانستند.

(۳۶) حاصل آنست که اگر یهود گویند که خدای تعالی بهیچ بشر وحی نمیفرستد نقض کرده میشود بتورات و اگر گویند میفرستد استبعاد فرستادن قرآن مجرد تعصب است پس اذ قالوا بجای ان قالوا گفته شد.

(۳۷) مترجم گوید انذار اولاً عرب را کرده شد که زبان عربی می فهمند ثانیاً جمیع اهل ارض را بواسطه ترجمه پس این جا انذار اول مراد است مانند آیت «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ» الآية و در آیت «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ» اعم از اولی و ثانوی و الله اعلم.

(۳۸) یعنی اعتقاد کرد مثلاً که بحایر و سوابق از امر الهی است و اتفاق سلف دلیل بر آن ست و الله اعلم.

(۳۹) یعنی انشای کتابی مثل قرآن خواهم کرد و انشارا بطریق مشاکلت انزال گفته شد.

(۴۰) یعنی میزنند و الله اعلم.

* إِنَّ اللَّهَ فَالِقُ الْحَبِّ وَالنَّوَى يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَمُخْرِجُ
 الْمَيِّتِ مِنَ الْحَيِّ ذَٰلِكُمْ اللَّهُ فَآنِي تَوَفَّكُونَ ﴿٩٥﴾ فَالِقُ الْإِصْبَاحِ
 وَجَعَلَ اللَّيْلَ سَكَنًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ حُسْبَانًا ذَٰلِكَ تَقْدِيرُ
 الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ ﴿٩٦﴾ وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ النُّجُومَ لِتَهْتَدُوا
 بِهَا فِي ظُلُمَاتِ اللَّيْلِ وَالْبَحْرِ قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ
 ﴿٩٧﴾ وَهُوَ الَّذِي أَنشَأَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ فَمُسْتَقَرٌّ وَمُسْتَوْدَعٌ
 قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَفْقَهُونَ ﴿٩٨﴾ وَهُوَ الَّذِي أَنزَلَ مِنَ
 السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا مِنْهُ نَبَاتَ كُلِّ شَيْءٍ فَأَخْرَجْنَا مِنْهُ
 خَضِرًا نُخْرِجُ مِنْهُ حَبًّا مُتَرَاكِبًا وَمِنَ النَّخْلِ مِنْ طَلْعِهَا قِنْوَانٌ
 دَانِيَةٌ وَجَنَّاتٍ مِّنْ أَعْنَابٍ وَالزَّيْتُونَ وَالرَّمَانَ مَشْتَبَهَا وَغَيْرِ
 مُتَشَابِهٍ انظُرُوا إِلَى ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَيَنْعِهِ إِنَّ فِي ذَٰلِكُمْ
 لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿٩٩﴾ وَجَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ الْجِبْنَ وَخَلَقَهُمْ
 وَخَرَقُوا لَهُ وبنين وبناتٍ بغير علمٍ سُبْحٰنَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُصِفُونَ
 ﴿١٠٠﴾ بَدِيعُ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ أَنَّىٰ يَكُونُ لَهُ وَلَدٌ وَلَمْ تَكُن لَّهُ
 صَاحِبَةً وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿١٠١﴾

هر آئینه خداشگافنده دانه و خسته است بیرون می آرد زنده را از مرده و بیرون آورندهٔ مرده از زنده است این است خدا پس از کجابر گردانیده می شوید (۹۵). شگافنده صبح است و شب را آرامگاه گردانید و خورشید و ماه را معیار حساب گردانید این تقدیر خدای غالب دانا است (۹۶). و اوست آنکه برای شما ستاره هارا بیافرید تا به آنها در تاریکی های خشکی (بیابان) و دریا راه بیابید بی گمان به تفصیل نشانه هارا برای گروهی که می دانند بیان کردیم (۹۷). و اوست آنکه شمارا از یک تن (شخص) پیدا کرد پس شمارا قرارگاهی و ودیعت گاهی است بی گمان به تفصیل نشانه هارا برای گروهی که می فهمند بیان کردیم (۹۸). و اوست آنکه از آسمان آبی را فرود آورد پس به آن آب هرگونه رویدنی (از زمین) بیرون آوردیم سپس از آن گیاه سبزه را بیرون آوردیم که از آن سبزه دانهای یکی بردیگری پیوسته و از شگوفه های درخت خرما خوشه های آویزان نزدیک بهم و در دسترس است بیرون می آریم و بیرون آوردیم بوستانهایی از درختان انگور و زیتون و انار مانند یکدیگر و غیرمانند یکدیگر بیرون آوردیم^(۹۱) به سوی میوهٔ درخت چون میوه آورد و به سوی پختگی او بنگرید هر آئینه در این نشانه هاست برای گروهی که ایمان می آورند (۹۹). و کافران برای خدا شریکان را که از (قسم) جن اند مقرر کردند حال آنکه خدا ایشان را آفریده است و به افترا اورا فرزندان و دختران بغیر دانش ثابت کردند پاکست اورا و بلند است از آنچه بیان میکنند (۱۰۰). او آفرینندهٔ آسمانها و زمین است چگونه اورا فرزندی باشد حال آنکه او را زن نبود و هر چیز را بیافرید و او بهر چیز داناست (۱۰۱).

(۹۱) یعنی در صورت درخت و ثمر، مانند یکدیگر است و در طعم مخالف، یک پاره ای شیرین و یکپاره ترش یا تلخ و الله اعلم.

ذَلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ خَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ فَأَعْبُدُوهُ
 وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ ﴿١٠٢﴾ لَا تَدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ
 يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ ﴿١٠٣﴾ قَدْ جَاءَكُمْ
 بَصَائِرُ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ ۖ وَمَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا
 وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ ﴿١٠٤﴾ وَكَذَلِكَ نَصْرِفُ الْآيَاتِ
 وَلِيَقُولُوا دَرَسْتَ وَلِنُبَيِّنَهُ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ﴿١٠٥﴾ اتَّبِعْ
 مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ
 ﴿١٠٦﴾ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَشْرَكُوا وَمَا جَعَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا
 وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ ﴿١٠٧﴾ وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ
 مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ كَذَلِكَ زَيْنًا لِكُلِّ أُمَّةٍ
 عَمَلُهُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ مَرْجِعُهُمْ فَيُنَبِّئُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ
 ﴿١٠٨﴾ وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَئِنْ جَاءَتْهُمْ آيَةٌ لِيُؤْمِنُوا
 بِهَا قُلْ إِنَّمَا الْآيَاتُ عِنْدَ اللَّهِ وَمَا يُشْعِرُكُمْ أَنَّهَا إِذَا جَاءَتْ
 لَا يُؤْمِنُونَ ﴿١٠٩﴾ وَتَقَلَّبُ أَفْعَادَتُهُمْ وَأَبْصَرَهُمْ كَمَا لَمْ
 يُؤْمِنُوا بِهِ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَنَذَرَهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ ﴿١١٠﴾

این است خدا که پروردگار شما است هیچ معبود برحقى مگراو نیست آفریننده هر چیز است پس اورا پرستش کنید او برهر چیز کارساز است (۱۰۲). اورا چشم ها (یعنی دردنيا) درنمی یابند و او چشم هارا درمی یابد او مهربان آگاه است (۱۰۳). هر آئینه بشما دلیل هاز جانب پروردگار شما آمدند پس هر که بیناشد نفع اوراست و آن که نایبنا ماند پس زیان برویست بگو (یا محمد) و من برشمانگاهبان نیستم (۱۰۴). و همچنین نشانه هارا گوناگون بیان می کنیم و تا (مبادا) گویند که درس خواندهای و تا این دین را برای گروهی که می دانند بیان کنیم^(۴۲) (۱۰۵). (یا محمد) چیزی را که وحی کرده شد به سوی تواز جانب پروردگارت پیروی کن هیچ معبود بر حقی مگراو نیست و از مشرکان اعراض کن (۱۰۶). و اگر خدامی خواست شريك مقرر نمی کردند و تورا برایشان نگاهبان نگردانیدیم و تو برایشان متعهد نیستی (۱۰۷). وای مسلمانان کسانی را که مشرکان به جای خدا می پرستند دشنام مدهید زیرا که ایشان خدا را از روی ظلم بغیر دانش دشنام خواهند داد همچنین درنظر هر گروهی کردار آن گروه را آراسته کردیم باز به سوی پروردگار ایشان بازگشت ایشان باشد پس ایشان را به عاقبت حال آنچه می کردند خبر می دهد (۱۰۸). و سوگند خوردند کافران به سخت ترین سوگندان خویش که اگر بیاید بدیشان معجزه ای البته بآن ایمان آورند بگوزاین نیست که معجزه ها نزد خداست و شمارا ای مسلمانان چه مطلع ساخته است آیا نمیدانید که آن معجزه ها چون بیاید ایشان ایمان نیارند (۱۰۹). و چنانکه نخستین بار به قرآن ایمان نیاوردند دلهایشان و چشمهایشان را برمی گردانیم و ایشان را درگمراهی خود سرگردان گشته بگذاریم (۱۱۰).

(۴۲) مترجم گوید احتمال بود که کفار گویند کتابهای گذشته را خوانده و آنچه میگوئی ما خود از کتب سابقه است نه وحی الهی است پس خدای تعالی قرآن را بوجهی نازل ساخت و بوجهی گوناگون بیان کرد که مجال این شبهه نماند زیرا این قسم بیان از خواندن کتب سابقه نمی آید و بدون وحی الهی ممکن نیست والله اعلم.

* وَلَوْ أَنَّا نَزَّلْنَا إِلَيْهِمُ الْمَلَكَةَ وَكَلَّمَهُمُ الْمَوْتَى وَحَشَرْنَا
 عَلَيْهِمْ كُلَّ شَيْءٍ قُبَلًا مَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ
 وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ يَجْهَلُونَ ﴿١١١﴾ وَكَذَٰلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ
 عَدُوًّا شَيْطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ
 زُخْرَفَ الْقَوْلِ عُرُورًا وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ مَا فَعَلُوهُ فَذَرْهُمْ وَمَا
 يَفْتَرُونَ ﴿١١٢﴾ وَلِتَصْغَىٰ إِلَيْهِ أَفْئِدَةُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ
 وَلِيَرْضَوْهُ وَلِيَقْتَرِفُوا مَا هُمْ مُّقْتَرِفُونَ ﴿١١٣﴾ أَفَغَيْرَ اللَّهِ أَبْتَغَىٰ
 حَكَمًا وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ إِلَيْكُمُ الْكِتَابَ مُفَصَّلًا
 وَالَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْلَمُونَ أَنَّهُ مُنَزَّلٌ مِّن رَّبِّكَ
 بِالْحَقِّ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ ﴿١١٤﴾ وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ
 صِدْقًا وَعَدْلًا لَا مُبَدِّل لِكَلِمَاتِهِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ
 ﴿١١٥﴾ وَإِنْ تُطِعْ أَكْثَرٌ مِّن فِي الْأَرْضِ يُضِلُّوكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنْ
 يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ ﴿١١٦﴾ إِنْ رَبُّكَ هُوَ
 أَعْلَمُ مَن يَضِلُّ عَن سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ ﴿١١٧﴾ فَكُلُوا
 مِمَّا ذُكِرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ إِنْ كُنْتُمْ بِآيَاتِهِ مُؤْمِنِينَ ﴿١١٨﴾

و اگر ما به سوی ایشان فرشتگان را می‌فرستادیم و مُردگان با آنان سخن می‌گفتند و برایشان همه چیز را گروه گروه جمع میکردیم هرگز ایمان نمی‌آوردند مگر وقتیکه خدا می‌خواست ولیکن بسیاری از ایشان نادانی می‌کنند (۱۱۱). و همچنین برای هر پیامبری دشمنی از شیطانهای انس و جن پیدا کردیم که بطریق وسوسه بعضی ایشان به سوی بعضی (دیگر) سخن به ظاهر آراسته تافریب دهند القاء می‌کنند و اگر پروردگارت می‌خواست این کار را نمی‌کردند پس ایشان را بگذار و بآنچه افترا می‌کنند (۱۱۲). و القاء می‌کنند سخن به ظاهر آراسته تا میل کنند بسوی او دل‌های کسانی که بآخرت ایمان ندارند و یا او را پسند کنند و تا عمل کنند آنچه ایشان کنند^(۱۱۳). بگو آیا فیصله‌کننده ای بجز خدا طلب کنم و اوست آنکه به سوی شما قرآن واضح کرده شده و فرستاد و کسانی که ایشان را کتاب یعنی تورات داده ایم می‌دانند که قرآن از جانب پروردگار تو برآستی و فرستاده شده است پس از شک کنندگان مباش^(۱۱۴). و سخن پروردگار تو در راستی و انصاف کامل است سخن‌های او را هیچکس تغییرکننده نیست و او شنوای داناست (۱۱۵). و اگر بسا کسانی را که در زمین اند فرمانبرداری کنی تو را از راه خدا گمراه کنند پیروی نمی‌کنند مگر گمان را و نیستند مگرد و رگو^(۱۱۶). هر آئینه پروردگار تو بکسی که دور می‌شود از راه وی داناتراست و او به راه یافتگان داناتراست (۱۱۷). پس بخورید از آنچه ذکر کرده شد نام خدا بر آن (یعنی هنگام ذبح آن) اگر بآیات خدا مومن هستید (۱۱۸).

(۴۳) یعنی یهودی دانند که نزول وحی میشود و آدمی را خدای تعالی پیامبر می‌سازد و در حضرت پیامبر صلی الله علیه و سلم و در قرآن دلائل صدق موجود هست مترجم گوید در سوره‌های مکیه مذکور شده است که یهود تصدیق میکنند قرآن را و در سوره‌های مدنیه مذکور است که یهود تکذیب میکنند آنرا و وجه تطبیق آن است که چون آنحضرت صلی الله علیه و سلم در مکه بود هنوز یهود را دعوت نکرده بود همه بصدق قرآن معترف بودند که حکم آن بر عرب لازم است و هیچکس از ایشان انکار نکرده بود و چون هجرت فرمود ایشانرا دعوت کرد بنعناد درآمدند در سیرت ابن اسحاق چند قصه باین مضمون مذکور است والله اعلم.

(۴۴) یعنی آنچه کافران دربارهٔ تحریم و تحلیل اشیا شبهات میکردند باطل است والله اعلم.

وَمَا لَكُمْ أَلَّا تَأْكُلُوا مِمَّا ذُكِرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَقَدْ فَصَّلَ
 لَكُمْ مَا حَرَّمَ عَلَيْكُمْ إِلَّا مَا اضْطُرِرْتُمْ إِلَيْهِ وَإِنَّ كَثِيرًا
 لَيُضِلُّونَ بِأَهْوَاءِهِمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُعْتَدِينَ
 ﴿١١٩﴾ وَذُرُوا ظَهَرَ الْأَيْثَمِ وَبَاطِنَهُ إِنَّ الَّذِينَ يَكْسِبُونَ الْأَيْثَمَ
 سَيَجْرُونَ بِمَا كَانُوا يَفْتَرُونَ ﴿١٢٠﴾ وَلَا تَأْكُلُوا أَمْثَلَهُ
 يُذَكِّرُ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَإِنَّهُ لَفِسْقٌ وَإِنَّ الشَّيْطَانَ لِيُوحِيَ
 إِلَى أَوْلِيَآئِهِمْ لِيَجْذَلُوكُمْ وَإِنْ أَطَعْتُمُوهُمْ إِنَّكُمْ لَمُشْرِكُونَ
 ﴿١٢١﴾ أَوْ مَن كَانَ مِيثًا فَأَحْيَيْنَاهُ وَجَعَلْنَاهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ
 فِي النَّاسِ كَمَن مَّثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِّنْهَا كَذَلِكَ
 زَيْنَ الْكٰفِرِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٢٢﴾ وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا
 فِي كُلِّ قَرْيَةٍ أَكْبَرًا مُّجْرِمِيهَا لِيَمْكُرُوا فِيهَا وَمَا
 يَمْكُرُونَ إِلَّا بِأَنْفُسِهِمْ وَمَا يَشْعُرُونَ ﴿١٢٣﴾ وَإِذَا جَاءَ نَهُمُ
 آيَةٌ قَالُوا لَنْ نُؤْمِنَ حَتَّى نُؤْتَىٰ مِثْلَ مَا أُوتِيَ رُسُلُ اللَّهِ اللَّهُ
 أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ وَسَيُصِيبُ الَّذِينَ أَجْرَمُوا صَغَارٌ
 عِنْدَ اللَّهِ وَعَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا كَانُوا يَمْكُرُونَ ﴿١٢٤﴾

وچیسست شمارا که از آنچه که ذکر کرده شده است نام خدا بر آن نمی خورید و حال آنکه به تفصیل برای شما آنچه بر شما حرام ساخته است بیان کرده است الا آنچه به سوی او مضطر باشید^(۴۵) و هر آئینه بسیاری با خواهشات نفسانی خویش (مردم را) بغیر دانش گمراه می کنند هر آئینه پروردگارتو به ستمگاران دانتر است (۱۱۹). و گناه پیدا و پنهان او را ترك گوید هر آئینه کسانی که گناه می کنند جزا داده خواهند شد بحسب آنچه می کردند (۱۲۰). و از آنچه نام خدا بروی یاد کرده نشد مخورید و به راستی خوردنش گناه است و هر آئینه شیطانها به سوی دوستان خویش القاء می کنند تا باشما خصومت کنند و اگر فرمانبرداری ایشان کنید هر آئینه شما مشرک باشید^(۴۶) (۱۲۱). آیا کسی که مرده بود پس زنده ساختیمش^(۴۷) و برای او نوری پیدا کردیم که می رود با آن میان مردمان مانند کسی باشد که صفتش این است که در تاریکیها است از آن بیرون آینه نیست همچنین آراسته کرده شده است در نظر کافران آنچه می کردند^(۴۸) (۱۲۲). و همچنین در هر دهی رئیسان فساق آن را پیدا کردیم تا در آن ده فساد کنند و به حقیقت ضرر نمی کنند مگر در حق خویشان و نمی دانند (۱۲۳). و چون به ایشان نشانه ای بیاید گویند هرگز ایمان نیاریم تا وقتیکه داده شود ما را مانند آنچه پیامبران خدا را داده شده است^(۴۹) خدا بمحل نهادن پیامبری خود دانا تر است این گناهگاران را رسوایی از نزد خدا و عذابی سخت بسبب آنکه بد اندیشی می کردند خواهد رسید (۱۲۴).

(۴۵) مترجم گوید یعنی میته حرام است الا وقت ضرورت تناول آن (بقدر حاجت) رخصت است والله اعلم.

(۴۶) مترجم گوید مراد ازین وسوسه آنست که اهل جاهلیت می گفتند چرا کشته خود را بخوریم و کشته خدا را نخوریم والله اعلم.

(۴۷) یعنی کافر بود هدایتش کردیم.

(۴۸) چنانکه رؤساء کفار مکه در نصرت کفر سعی می کردند والله اعلم.

(۴۹) یعنی بر هر کسی از ماجربئیل فرود آید و وحی نازل بشود والله اعلم.

فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ وَيَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ وَمَنْ
يُرِدْ أَنْ يُضِلَّهُ وَيَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيِّقًا حَرَجًا كَأَنَّمَا
يَصْعَدُ فِي السَّمَاءِ كَذَلِكَ يَجْعَلُ اللَّهُ الرِّجْسَ عَلَى الَّذِينَ
لَا يُؤْمِنُونَ ﴿١٤٥﴾ وَهَذَا صِرَاطُ رَبِّكَ مُسْتَقِيمًا قَدْ فَصَّلْنَا
الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَذَّكَّرُونَ ﴿١٤٦﴾ * لَهُمْ دَارُ السَّلَامِ عِنْدَ
رَبِّهِمْ وَهُوَ وَلِيُّهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٤٧﴾ وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ
جَمِيعًا يَمْعَشَرُ الْجِنُّ قَدِ اسْتَكْبَرْتُمْ مِنَ الْإِنْسِ وَقَالَ
أَوْلِيَاؤُهُمْ مِنَ الْإِنْسِ رَبَّنَا اسْتَمْتَعَ بَعْضُنَا بِبَعْضٍ وَبَلَّغْنَا
أَجَلَنَا الَّذِي أَجَلْتَ لَنَا قَالَ النَّارُ مَثْوَاكُمْ خَلِدِينَ فِيهَا
إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ إِنَّ رَبَّكَ حَكِيمٌ عَلِيمٌ ﴿١٤٨﴾ وَكَذَلِكَ نُؤَلِّي
بَعْضَ الظَّالِمِينَ بَعْضًا بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿١٤٩﴾
يَمْعَشَرُ الْجِنُّ وَالْإِنْسُ أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِّنْكُمْ
يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِي وَيُنذِرُونَكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ
هَذَا قَالُوا شَهِدْنَا عَلَى أَنْفُسِنَا وَغَرَّبْتَهُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا
وَشَهِدُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ أَنَّهُمْ كَانُوا كَافِرِينَ ﴿١٥٠﴾

پس خدا هر که را خواهد که هدایت کند سینه او را برای اسلام کشاده کند^(۵۰) و هر که را خواهد که گمراه کندش سینه او را در نهایت تنگ کند گویا در آسمان بالا می‌رود همچنین می‌اندازد خدا ناپاکی را بر کسانی که ایمان نمی‌آورند^(۵۱) (۱۲۵). و این (اسلام) راه راست پروردگار توست بی گمان نشانه‌ها را برای گروهی که پذیر می‌شوند به روشنی بیان کرده ایم (۱۲۶). برای ایشان سرای سلامتی یعنی بهشت نزد پروردگار ایشان است و او کارساز ایشانست بسبب آنچه می‌کردند (۱۲۷). و روزی که خدا همگی ایشانرا حشر کند گوید ای گروه جن^(۵۲) برایتان از مردمان تابع بسیار گرفتید و می‌گویند دوستان ایشان از آدمیان^(۵۳) ای پروردگار ما بعضی از ما از بعضی دیگر بهره مند شد^(۵۴) و بمیعاد خویش که معین کرده بودی برای ما^(۵۵) رسیدیم گوید خدا آتش جای شماست جاویدان در آنجا مگر آنچه خدا خواسته است^(۵۶) هر آینه پروردگار تو استوار کار دانا است (۱۲۸). و همچنین بعضی ستمکاران را بر بعضی به سبب شومی آنچه می‌کردند مسلط می‌کنیم (۱۲۹). ای گروه جن و انس آیا به شما پیامبرانی از جنس شما که می‌خواندند بر شما آیات مرا و بیم می‌کردند شما را از ملاقات این روز شما نیامدند گویند برخویشتن اعتراف کردیم و ایشانرا زندگانی دنیا فریفت و گواهی دادند برخویشتن که ایشان کافر بودند^(۵۷) (۱۳۰).

(۵۰) یعنی بفهماندش حقیقت اسلام و محاسن آن و الله اعلم.

(۵۱) یعنی هر چند می‌خواهند حقیقت اسلام و محاسن آن بفهمند نمی‌توانند و الله اعلم.

(۵۲) یعنی ای شیاطین.

(۵۳) یعنی تابعان ایشان از کفار.

(۵۴) یعنی متبوعان خوشوقت شدند بتابعان و تابعان معظوظ شدند از متبوعان و الله اعلم.

(۵۵) یعنی برای حساب ما پس در حق ما چه حکم است.

(۵۶) یعنی در حق اهل نجات و الله اعلم.

(۵۷) مترجم گوید مراد آن است که آیا نیامده‌اند از مجموعه جن و انس و آن صادق است بودن رسل از انس مبعوث

بانس و جن و الله اعلم.

ذَلِكَ أَنْ لَمْ يَكُنْ رَبُّكَ مُهْلِكَ الْقُرَى بِظُلْمٍ وَأَهْلُهَا
 غَفْلُونَ ﴿١٣١﴾ وَلِكُلِّ دَرَجَاتٍ مِمَّا عَمِلُوا وَمَا رَبُّكَ
 بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ ﴿١٣٢﴾ وَرَبُّكَ الْغَنِيُّ ذُو الرَّحْمَةِ
 إِنْ يَشَاءْ يُدْهِبْكُمْ وَيَسْتَخْلِفْ مِنْ بَعْدِكُمْ مَا
 يَشَاءُ كَمَا أَنْشَأَكُمْ مِنْ ذُرِّيَّةٍ قَوْمٍ آخَرِينَ ﴿١٣٣﴾
 إِنَّ مَا تُوعَدُونَ لَآتٍ وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ ﴿١٣٤﴾ قُلْ يَتَقَوْمِ
 أَعْمَلُوا عَلَىٰ مَكَانَتِكُمْ إِنِّي عَامِلٌ فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ
 مَنْ تَكُونُ لَهُ عَاقِبَةُ الدَّارِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ ﴿١٣٥﴾
 وَجَعَلُوا لِلَّهِ مِمَّا ذَرَأَ مِنَ الْحَرْثِ وَالْأَنْعَامِ نَصِيبًا
 فَقَالُوا هَذَا لِلَّهِ بِرِعْمِهِمْ وَهَذَا لِشُرَكَائِنَا فَمَا كَانَ
 لِشُرَكَائِهِمْ فَلَا يَصِلُ إِلَى اللَّهِ وَمَا كَانَ لِلَّهِ فَهُوَ
 يَصِلُ إِلَىٰ شُرَكَائِهِمْ سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ ﴿١٣٦﴾ وَكَذَلِكَ
 زَيَّنَ لِكَثِيرٍ مِنَ الْمُشْرِكِينَ قَتْلَ أَوْلَادِهِمْ
 شُرَكَاءَهُمْ لِيُرْدُوهُمْ وَلِيَلْبِسُوا عَلَيْهِمْ دِينَهُمْ
 وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا فَعَلُوهُ فَذَرْهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ ﴿١٣٧﴾

این (ارسالِ رسل) بسبب آنست که هرگز پروردگار تو بجزای ظلم هلاک کننده شهرها نباشد درحالیکه اهل آنها غافل باشند^(۵۸) (۱۳۱). و هر شخصی را از (پاداش) آنچه انجام داده اند مرتبه‌هایی است و نیست پروردگار تو بی‌خبر از آنچه به عمل می‌آورند (۱۳۲). و پروردگارت بی‌نیاز و غنی خداوند رحمت است اگر خواهد شما را دور کند و پس از شما هر که را خواهد جانشین سازد چنانکه شما را از نسل قومی دیگر پیدا کرد (۱۳۳). هر آئینه آنچه شما را وعده کرده میشود البته آمدنی است و شما عاجز کنید گان نیستید (۱۳۴). بگوای قوم من شما بر حالت خویش عمل کنید هر آئینه من نیز عمل کننده ام زود باشد که بدانید کسی را که او را عاقبت پسندیده در آخرت باشد هر آئینه ظالمان رستگارشوند (۱۳۵).^(۵۹) و برای خدا از آنچه او پیدا کرده است از جنس زراعت و چهارپایان حصه ای مقرر کردند گفتند بگمان خویش این حصه برای خداست و این حصه برای شرکاء ما که مقرر کرده ایم پس آنچه برای شرکای ایشان بود به خدا نمی‌رسد و آنچه برای خدا باشد به شرکای ایشان میرسد بد چیز است که مقرر می‌کنند (۱۳۶). و همچنین در نظر بسیاری از مشرکان قتل اولاد شان را شرکای ایشان آراسته کرده است^(۶۰) تا ایشان را هلاک کنند و تا برایشان دین ایشان را مختلط کنند و اگر خدا می‌خواست این کار را انجام نمی‌دادند پس ایشان را با افترایی که می‌بندند واگذار (۱۳۷).

(۵۸) یعنی قبل از بعثت عقوبت نمی‌آید والله اعلم.

(۵۹) مترجم گوید اهل جاهلیت احکامی چند اختراع کرده بودند از آن جمله آنست که از زراعت و مواشی پاره ای برای خدام قرمی کردند پاره ای برای بتان و حصه خدا بر مساکن و ضعیفان صرف میکردند و حصه بتان باستانه بتان میرسانیدند پس اگر چیزی از حصه خداداد حصه بتان مخلوط میشد ترک می‌کردند که خدا حاجت ندارد و اگر از حصه بتان در حصه خدا مخلوط می‌شد آن را جدا میکردند که بتان محتاج اندونیز از آن جمله آنست که قتل دختران تجویز میکردند و پیشوایان ایشان بدین معنی فتوی داده بودند، و از آن جمله آنست که بعضی زراعت و مواشی را حجر می‌ساختند که غیر سدن بتان کسی دیگر نمی‌خورد آنچه برای بتان ذبح میکردند نام خدا بر آن نمی‌گرفتند. و از آن جمله آنست که چون بحائر و سوانب بچه میدادند گرزنده بودی برای مردان حلال میدانستند برای زنان و اگر مرده بودی برای همه حلال میدانستند خدای تعالی رد این مذاهب باطله فرمود و آنچه حکم حق است بیان فرمود و محرماتی که همه اهل باطل بر آن متفق اند ذکر کرد والله اعلم.

(۶۰) یعنی شیاطین که وسوسه کرده اند به پیشوایان که مذهب قرار داده اند والله اعلم.

وَقَالُوا هَذِهِ أَنْعَمٌ وَحَرَّتْ حَجْرٌ لَا يَطْعُمَهَا إِلَّا مَنْ نَشَاءُ
 بِرَعْمِهِمْ وَأَنْعَمٌ حَرِّمَتْ ظُهُورُهَا وَأَنْعَمٌ لَا يَذْكُرُونَ
 أَسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا افْتِرَاءً عَلَيْهِ سَيَجْزِيهِمْ بِمَا كَانُوا
 يَفْتَرُونَ ﴿١٣٨﴾ وَقَالُوا مَا فِي بُطُونِ هَذِهِ الْأَنْعَمِ خَالِصَةٌ
 لِّذِكُورِنَا وَمُحَرَّمٌ عَلَىٰ أَزْوَاجِنَا وَإِنْ يَكُن مِّمَّةً
 فَهُمْ فِيهِ شُرَكَاءُ سَيَجْزِيهِمْ وَصَفِهِمْ إِنَّهُ وَحَكِيمٌ
 عَلِيمٌ ﴿١٣٩﴾ قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ قَتَلُوا أَوْلَادَهُمْ سَفَهًا بِغَيْرِ
 عِلْمٍ وَحَرَّمُوا مَا رَزَقَهُمُ اللَّهُ افْتِرَاءً عَلَى اللَّهِ قَدْ ضَلُّوا
 وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ ﴿١٤٠﴾ * وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَ جَنَّاتٍ
 مَّعْرُوشَاتٍ وَغَيْرَ مَعْرُوشَاتٍ وَالنَّخْلَ وَالزَّرْعَ مُخْتَلِفًا
 أَكْلُهُ وَالزَّيْتُونَ وَالرُّمَّانَ مُتَشَابِهًا وَغَيْرَ مُتَشَابِهٍ
 كُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَآتُوا حَقَّهُ وَيَوْمَ حَصَادِهِ
 وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ ﴿١٤١﴾ وَمَنْ الْأَنْعَمِ
 حَمُولَةٌ وَفَرَشَاءُ كُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعُوا
 خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ ﴿١٤٢﴾

و گفتند بگمان خویش این چهارپایان و زراعت ممنوع (ازتصرف) است آن را مگر آنکه ما می خواهیم نخورد و چهارپایان دیگر است که حرام کرده شده است سواری بر پشت آنها و چهار پایان دیگر است که هنگام ذبح آن نام خدا می گیرند بسبب آنکه بر خدا دروغ بسته اند ایشان را زودجاء خواهد داد بمقابله آنچه افترا می کردند (۱۳۸). و گفتند آنچه در شکم این چهارپایان باشد^(۶۱) برای مردان ما حلال است و بر زنان ما حرام است و اگر مرده باشد همه در آن شریك اند به مقابله این بیان ایشان جزا خواهد داد هرآئینه او استوار کار دانا است (۱۳۹). به یقین آنانکه فرزندان خود را از جهت بیخردی بغیر دانش کشتند زیان کار شدند و حرام کردند آنچه را که روزی داد ایشان را خدا به سبب دروغ بستن بر خدا به تحقیق ایشان گمراه شدند و راه یافتگان نبودند (۱۴۰). و خدا آنست که بوستانهایی برداشته شده بر پایه ها^(۶۲) و بوستانهایی غیر برداشته شده بر پایه ها پیدا کرد^(۶۳) و درختان خرما و زراعت را گوناگون است میوه های هر یکی پیدا کرد و زیتون و انار را مانند یکدیگر و غیر مانند یکدیگر^(۶۴) از میوه های آن چون میوه بیرون آورد بخورید و زکوة او را روز درویدن وی بدهید و اسراف مکنید هرآئینه خدا اسراف کنندگان را دوست ندارد (۱۴۱). و چهارپایان بار بردارنده را و جانوری را که بر زمین غلطانند بجهت ذبح پیدا کرد از آنچه روزی داده است خدا شما را بخورید و گامهای شیطان را پیروی مکنید هرآئینه او دشمن ظاهر شماست (۱۴۲).

(۶۱) یعنی در شکم بحایر و سوایب باشد (این جمله مبهم است).

(۶۲) یعنی درختان انگور و مانند آن والله اعلم.

(۶۳) یعنی درختان بر ساق ایستاده والله اعلم.

(۶۴) یعنی افراد هر نوعی باعتبار صورت مانند يك دیگر اند و به اعتبار مزه نه والله اعلم.

ثَمَنِيَةَ أَزْوَاجٍ مِّنَ الضَّأْنِ اثْنَيْنِ وَمِنَ الْمَعَزِ اثْنَيْنِ
 قُلْ ءَ الذَّكَرَيْنِ حَرَّمَ أَمِ الْأُنثَيَيْنِ أَمَا اشْتَمَلَتْ عَلَيْهِ
 أَرْحَامُ الْأُنثَيَيْنِ نَبِّئُونِي بِعِلْمٍ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿١٤٣﴾
 وَمِنَ الْإِبِلِ اثْنَيْنِ وَمِنَ الْبَقَرِ اثْنَيْنِ قُلْ ءَ الذَّكَرَيْنِ
 حَرَّمَ أَمِ الْأُنثَيَيْنِ أَمَا اشْتَمَلَتْ عَلَيْهِ أَرْحَامُ الْأُنثَيَيْنِ
 أَمْ كُنْتُمْ شُهَدَاءَ إِذْ وَصَّيْنَاكُمْ اللَّهُ بِهَذَا فَمَنْ
 أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا لِيُضِلَّ النَّاسَ بِغَيْرِ
 عِلْمٍ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ﴿١٤٤﴾ قُلْ لَا أَجِدُ
 فِي مَا أُوحِيَ إِلَيَّ مُحَرَّمًا عَلَى طَاعِمٍ يَطْعَمُهُ إِلَّا أَنْ يَكُونَ
 مَيْتَةً أَوْ دَمًا مَّسْفُوحًا أَوْ لَحْمَ خِنزِيرٍ فَإِنَّهُ رِجْسٌ أَوْ
 فِسْقًا أُهْلًا لِّغَيْرِ اللَّهِ بِهِ ؕ فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ
 فَإِنَّ رَبَّكَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿١٤٥﴾ وَعَلَى الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمْنَا
 كُلَّ ذِي ظُفْرٍ وَمِنَ الْبَقَرِ وَالْغَنَمِ حَرَّمْنَا عَلَيْهِمْ
 شُحُومَهُمَا إِلَّا مَا حَمَلَتْ ظُهُورُهُمَا أَوِ الْحَوَايَا أَوْ مَا اخْتَلَطَ
 بِعَظْمٍ ذَلِكَ جَزَيْنَهُمْ بِبَغْيِهِمْ وَإِنَّا لَصَادِقُونَ ﴿١٤٦﴾

هشت قسم را آفرید از گوسفند دو قسم و از بز دو قسم^(۶۵) بگو آیا (خدا تعالی) این دونر را حرام کرده است یا این دو ماده را یا آنچه را که رحمهای این دو ماده آن را دربردارد مرا به دانش خبر دهید^(۶۶) اگر راست گو هستید (۱۴۳). و پیدا کرد از شتر دو قسم و از گاو دو قسم بگو آیا خدا این دونر را حرام کرده است یا این دو ماده را یا آنچه را که رحم های این دو ماده آن را دربردارد آیا حاضر بودید و قتیکه خدا شمارا به آن حکم کرد پس کیست ستمگارتر از کسی که برخدا دروغ بندد تا مردمان را بغیر دانش گمراه کند هر آئینه خدا قوم ستمگاران را راه نمی نماید (۱۴۴). بگو در آنچه وحی فرستاده شده به سوی من هیچ چیزی حرام بر خورنده که بخورد آن را نمی یابم مگر آنکه مردار یا خون ریخته شده یا گوشت خوک باشد پس هر آئینه حرام است یا آنچه فسق باشد که برای غیر خدا آواز بلند کرده ذبح شود پس هر کس که ناچار شود نه سرکشی کننده و نه از حد گذرنده پس هر آئینه پروردگار تو آمرزنده مهربان است^(۶۷) (۱۴۵). و بر یهود هر جانور ناخن دار را حرام ساختیم^(۶۸) و از گاو و گوسفند برایشان پیه این دو قسم را حرام ساختیم مگر پیهی که پشت این دو قسم برداشته است یا روده ها آنرا برداشته است یا آنچه به استخوانی آمیخته است ایشان را نظر به ستم ایشان این طور جزا دادیم و هر آئینه ما راست گویم (۱۴۶).

(۶۵) یعنی نرو ماده از هر يك واللہ اعلم.

(۶۶) یعنی نقلی صحیح بیارید از ابراهیم و اسمعیل علیهما السلام و از کتب الهیه واللہ اعلم.

(۶۷) مراد حصر اضافی است به نسبت بهیمه الانعام و آن اصناف ثمانیه مذکور است سگ و شیر و بازو غیر آن اگر چه حرام است از بهیمه الانعام نیست و بحث در آن نداشتند واللہ اعلم.

(۶۸) یعنی مثل شتر و شتر مرغ واللہ اعلم.

فَإِنْ كَذَّبُوكَ فَقُلْ رَبُّكُمْ ذُو رَحْمَةٍ وَاسِعَةٍ وَلَا يُرَدُّ
بِأْسُهُ عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ ﴿١٤٧﴾ سَيَقُولُ الَّذِينَ أَشْرَكُوا
لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَشْرَكْنَا وَلَا آبَاؤُنَا وَلَا حَرَمْنَا مِنْ شَيْءٍ
كَذَلِكَ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ حَتَّىٰ ذَاقُوا بِأْسَنَا
قُلْ هَلْ عِنْدَكُمْ مِنْ عِلْمٍ فَتُخْرِجُوهُ لَنَا إِنْ تَتَّبِعُونَ إِلَّا
الْظَّنَّ وَإِنْ أَنْتُمْ إِلَّا تَخْرُصُونَ ﴿١٤٨﴾ قُلْ فَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَلِيغَةُ
فَلَوْ شَاءَ لَهَدَاكُمْ أَجْمَعِينَ ﴿١٤٩﴾ قُلْ هَلَمْ شَهِدَآكُمْ
الَّذِينَ يَشْهَدُونَ أَنَّ اللَّهَ حَرَّمَ هَذَا إِنْ شَهِدُوا فَلَا تَشْهَدُ
مَعَهُمْ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَالَّذِينَ
لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَهُمْ يَرِبُّ بِهِمْ يَعَدِلُونَ ﴿١٥٠﴾ * قُلْ
تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبُّكُمْ عَلَيْكُمْ أَلَّا تُشْرِكُوا
بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ
مِنْ إِمْلَاقٍ تَحْنُ نَرُزِقُكُمْ وَوَالِدِيَهُمْ وَلَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ
مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطْنٌ وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ
إِلَّا بِالْحَقِّ ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴿١٥١﴾

پس اگر تورا تکذیب کنند بگو که پروردگار شما خداوند مهربانی بسیار است و عقوبتِ او از قومِ ستمگاران رد کرده نمی شود (۱۴۷). به زودی مشرکان بگویند اگر خدا می خواست (یعنی رضای او بودی) شریک مقرر نمی کردیم و نه پدران ما می کردند و نه چیزی را حرام میکردیم همچنین تکذیب کردند کسانی که پیش از ایشان بودند تا آنکه عقوبتِ ما را چشیدند بگو آیا هست نزدیک شما دانشی^(۶۹) تا آن را برای ما بیرون آورید مگر گمان را پیروی نمی کنید و شما مگر دروغگو نیستید (۱۴۸). بگو دلیل رسا (و محکم) از آنِ خداست پس اگر خدا خواسته بود همگی شما را هدایت می کرد (۱۴۹). بگو گواهان خود را آنانکه گواهی میدهند که خدا حرام ساخته است این را پس (یا محمد) اگر (به فرض هم) گواهی دهند تو با ایشان گواهی مده و خواهشات (نفسانی) کسانی را که آیاتِ ما را تکذیب کردند و کسانی که اعتقاد ندارند بآخرت و ایشان (بتان را) با پروردگار خود برابر میکنند^(۷۰) پیروی مکن (۱۵۰). بگویید تا آنچه حرام کرده است پروردگار شما بر شما بخوانم (فرموده است) که با او چیزی را شریک مقرر نکنید و به والدین نیکوکاری کنید و فرزندانتان را از ترس فقر مکشید ما شمارا و ایشان را روزی میدهیم و به بی حیائی^(۷۱) آنچه علانیه باشد از آن و آنچه پوشیده باشد نزدیک مشوید و هیچ نفس را که حرام ساخته است خدا کشتنش را الّا بحق^(۷۲) مکشید این حکم فرموده است شمارا تا باشد که شما بفهمید (۱۵۱).

(۶۹) یعنی نقلی از کتب الهی و الله اعلم.

(۷۰) یعنی معبود باطل را و الله اعلم.

(۷۱) یعنی بزنا و لواط.

(۷۲) یعنی بقصاص و مثل آن.

وَلَا تَقْرُبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ
 وَأَوْفُوا بِالْكَيْلِ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ لَا تَكْفُفْ نَفْسًا إِلَّا
 وَسَعَهَا وَإِذَا قُلْتُمْ فَأَعِدُّوا وَلَوْ كَانَتْ ذَاقِرْتِي^{١٥٣} وَبِعَهْدِ
 اللَّهِ أَوْفُوا ذَٰلِكُمْ وَصَّدِّكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ
 وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ
 فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ذَٰلِكُمْ وَصَّدِّكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ
 تَتَّقُونَ^{١٥٣} ثُمَّ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ تَمَامًا عَلَى الَّذِي
 أَحْسَنَ وَتَفْصِيلًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً لَّعَلَّهُمْ بِلِقَاءِ
 رَبِّهِمْ يُؤْمِنُونَ^{١٥٤} وَهَٰذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مَبَارَكٌ فَاتَّبِعُوهُ
 وَاتَّقُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ^{١٥٥} أَنْ تَقُولُوا إِنَّمَا أَنْزَلَ الْكِتَابَ
 عَلَى طَائِفَتَيْنِ مِن قَبْلِنَا وَإِنْ كُنَّا عَن دِرَاسَتِهِمْ لَغَافِلِينَ
^{١٥٦} أَوْ تَقُولُوا لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْنَا الْكِتَابُ لَكُنَّا أَهْدَىٰ
 مِنْهُمْ فَقَدْ جَاءَكُمْ بَيِّنَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ
 فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّن كَذَبَ بَيِّنَاتِ اللَّهِ وَصَدَفَ عَنْهَا سَنَجِرِي الَّذِينَ
 يَصْدِفُونَ عَن آيَاتِنَا سُوءَ الْعَذَابِ بِمَا كَانُوا يَصْدِفُونَ^{١٥٧}

و به مال یتیم نزدیک مشوید الا بخصلتي که وی بهتر است تا آنکه به جوانی و کمال
 رشدش رسد و پیمانۀ و ترازو را به انصاف تمام کنید هیچکس را مگر قدر طاقت او تکلیف
 نمی دهیم و چون سخن گوید^(۷۳) پس رعایت انصاف بنمایید و اگر چه آن محکوم علیه
 صاحب قرابت باشد و به عهد خدا^(۷۴) وفا کنید این حکم فرموده است شمارا تا پند پذیر
 شوید (۱۵۲). و (خبر داده است که) آنچه مذکور شد راه راست من است و درست آمده پس
 پیروی او کنید و راه های دیگر را که این راه ها جدا کنند شما را از راه خدا پیروی مکنید این
 حکم فرموده است شما را تا شما پرهیزگاری کنید (۱۵۳). باز می گویم که موسی را کتاب
 داده بودیم تا نعمت بر هر که نیکوکار بود تمام کنیم و هر چیز را بیان کنیم و (نیز) بجهت
 هدایت و مهربانی تا ایشان بملاقات پروردگار خویش ایمان آورند^(۷۵) (۱۵۴). و این قرآن
 کتابیست بابرکت که فرورستادیمش پس پیروی او کنید و پرهیزگاری کنید تا بر شما مهربانی
 کرده شود (۱۵۵). فرستادیمش تا گوید جز این نیست که کتاب یعنی تورات و انجیل بردو
 گروه پیش از ما فرود آورده شد و به تحقیق ما از تلاوت آن بی خبر بودیم (۱۵۶). یا گوید
 اگر بر ما کتاب فرود آورده می شد البته راه یافته تراز ایشان می بودیم پس به شما حاجتی
 از پروردگار شما و هدایت و بخشایش آمده است پس کیست ستمگار تراز کسی که آیات
 خدا را تکذیب کند و از آن اعراض کند اعراض کنندگان را از آیات خویش به بدترین عذاب
 جزا خواهیم داد بسبب آنکه اعراض می کردند (۱۵۷).

(۷۳) یعنی گواهی دهید یا حکم کنید والله اعلم.

(۷۴) یعنی بند را و.

(۷۵) مترجم گوید ظاهر نزدیک این بنده آنست که حرام گردانیدیم اشیا مذکوره را در ازل بر قوم نوح و هلم
 جراباز دادیم موسی را کتاب والله اعلم.

هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمُ الْمَلَائِكَةُ أَوْ يَأْتِيَ رَبُّكَ أَوْ يَأْتِيَ بَعْضُ
 آيَاتِ رَبِّكَ يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا
 لَمْ تَكُنْ ءَامِنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيمَانِهَا خَيْرًا قُلِ انْتَضِرُوا
 إِنَّا مُنْتَظِرُونَ ﴿١٥٨﴾ إِنَّ الَّذِينَ فَرَقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيعًا لَأَسْت
 مِنْهُمْ فِي شَيْءٍ إِنَّمَا أَمْرُهُمْ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ يُنَبِّئُهُمْ بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ
 ﴿١٥٩﴾ مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرٌ مِثْلُهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ
 فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلَهَا وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿١٦٠﴾ قُلْ إِنِّي هَدَيْتَنِي رَبِّي
 إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ دِينًا قِيَمًا مِثْلَ آبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ
 مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿١٦١﴾ قُلْ إِنْ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ
 رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٦٢﴾ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ
 ﴿١٦٣﴾ قُلْ أَغْيَرَ اللَّهُ بَنِي رَبِّا وَهُوَ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ وَلَا تَكْسِبُ كُلُّ
 نَفْسٍ إِلَّا عَلَيْهَا وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ
 مَرْجِعُكُمْ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ ﴿١٦٤﴾ وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ
 خَلْقَ الْأَرْضِ وَرَفَعَ بَعْضَكُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيَبْلُوكُمْ فِي
 مَا آتَاكُمْ إِنَّ رَبَّكَ سَرِيعُ الْعِقَابِ وَإِنَّهُ لَغَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿١٦٥﴾

آیا منتظر نیستند مگر آن را که بدیشان فرشتگان بیایند^(۷۶) یا پروردگار تو بیاید یا بعض نشانه های پروردگار تو بیاید^(۷۷) روزیکه بعض نشانه های پروردگار تو بیاید نفسی را که ایمان نیاورده بود پیش ازین ایمان او نفع ندهد یا نفسی را که کسب نکرده بود در ایمان خود عمل خیر^(۷۸) نفع ندهد بگوانتظار کنی در آئینه مانیز منتظریم (۱۵۸). به تحقیق کسانی که دین خود را پراکنده کردند و گروه گروه شدند در هیچ حسابی^(۷۹) از ایشان نیستی جز این نیست که کار ایشان به سوی خدا گذاشته شده است باز ایشان را بعاقبت آنچه می کردند خبر می دهد (۱۵۹). هر که نیکی آورد پس او را ده چندان آن است و هر که بدی آورد جزا داده نخواهد شد الا مثل آن و ایشان ستم کرده نخواهند شد (۱۶۰). بگو هر آئینه مرا پروردگار من به سوی راه راست دلالت کرده است (مراد می دارم) دین درست کیش ابراهیم را که پاکدین بود و از مشرکان نبود (۱۶۱). بگو هر آئینه نماز من و حج و قربانی من و زندگانی من و موت من همه برای خداست پروردگار جهانیان (۱۶۲). مرا و را هیچ شریکی نیست و مرا باین توحید فرموده شد و من نخستین مسلمانانم (۱۶۳). بگو آیا پروردگاری غیر از خدا طلب کنم حال آنکه او پروردگار همه چیز است و عمل نمی کند هیچ کسی مگر بر ذات خود و هیچ بردارنده باردیگر را بر ندارد باز به سوی پروردگارتان بازگشت شما باشد پس شمارا خیردار کند به آنچه که در آن اختلاف می کردید (۱۶۴). و او آنست که شمارا جانشینان در زمین گردانید و بلند کرد بعضی را از شما بر بعضی به درجه ها تاییز ماید شمارا در آنچه به شما داده است هر آئینه پروردگار تو شتاب کننده عقوبت است و هر آئینه او آمرزنده مهربان است (۱۶۵).

(۷۶) یعنی برای قبض ارواح.

(۷۷) یعنی طلوع شمس از مغرب یادایة الارض والله اعلم.

(۷۸) یعنی آرزوتوبه گنهگار و ایمان کافر قبول نشود والله اعلم.

(۷۹) یعنی از تو مواخذه نخواهند کرد والله اعلم.

سورة الأعراف

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

المص ١ كَتَبُ أَنْزَلَ إِلَيْكَ فَلَا يَكُنْ فِي صَدْرِكَ حَرَجٌ مِّنْهُ
 لَتُنذِرَ بِهِ وَذِكْرَىٰ لِلْمُؤْمِنِينَ ٢ أَتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ إِلَيْكُم
 مِّن رَّبِّكُمْ وَلَا تَتَّبِعُوا مِن دُونِهِ أَوْلِيَاءَ قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ
 ٣ وَكَمْ مِّن قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَا فَجَاءَهَا بَأْسُنَا بَيِّنًا أَوْ هُمْ
 قَائِلُونَ ٤ فَمَا كَانَ دَعْوَاهُمْ إِذْ جَاءَهُمْ بَأْسُنَا إِلَّا أَنْ قَالُوا
 إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ ٥ فَلَنَسْئَلَنَّ الَّذِينَ أُرْسِلَ إِلَيْهِمْ وَلَنَسْئَلَنَّ
 الْمُرْسَلِينَ ٦ فَلَنَقْصِفَنَّهُمْ فِي جَهَنَّمَ وَمَا كُنَّا بِعَبِيدٍ ٧
 وَالْوَزْنُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ فَمَن ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ هُمُ
 الْمُفْلِحُونَ ٨ وَمَن خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا
 أَنفُسَهُمْ بِمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَظْمُونَ ٩ وَلَقَدْ مَكَّنَّاكُمْ
 فِي الْأَرْضِ وَجَعَلْنَا لَكُم فِيهَا مَعِيشَةً قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ
 ١٠ وَلَقَدْ خَلَقْنَاكُمْ ثُمَّ صَوَّرْنَاكُمْ ثُمَّ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ
 اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ لَمْ يَكُن مِّن السَّاجِدِينَ ١١



بنام خدای بخشاینده مهربان.

الْمَصَّ (۱). این کتابیست که به سوی تو فرودآورده شد پس بایدکه درسینه^۱ تو هیچ تنگی از تبلیغ او نباشد فرود آورده شد تا به آن بیم کنی و برای مسلمانان پندی است (۲). آنرا که فرود آورده شد به سوی شما از جانب پروردگار شما پیروی کنید و دوستان را غیر از او^(۱) پیروی نکنید اندکی پندمی پذیرید (۳). و بسا ده که هلاک کردیمش پس بوی عقوبت ما آمد و ایشان شبانگاه آرمیده بودند یا وقتیکه ایشان در خواب نیم روز بودند (۴). پس قول ایشان چون بایشان عقوبت ما بیامد نبود جز آنکه گفتند هر آئینه ما مستمگار بودیم (۵). پس البته آن کسانی را که پیامبر فرستاده شد به سوی ایشان سوال خواهیم کرد و البته پیامبران را سوال خواهیم کرد (۶). پس البته بحضور ایشان^(۲) بدانند بیان خواهیم کرد و غایب نبودیم (۷). و سنجیدن اعمال به انصاف آن روز، حق خواهد بود پس هر کس که پله نیکی های او گران شد پس ایشان رستگاران اند (۸). و هر که پله^۳ نیکی های او سبک شد پس آنجماعت آنانند که در حق خویشان زیان کردند به سبب آنکه به آیات ما انکار می کردند (۹). و به راستی شمارا در زمین استقرار دادیم و برای شما در آنجا اسباب معیشت پیدا کردیم اندکی شکر می کنید (۱۰). و به راستی شمارا آفریدم (یعنی پدر شمارا) باز صورت بستیم شمارا (یعنی پدر شمارا) باز گفتیم به فرشتگان که آدم را سجده کنید پس سجده کردند مگر ابلیس از سجده کنندگان نبود (۱۱).

(۱) یعنی معبودان باطل که دوست می گرفتند والله اعلم.

(۲) یعنی همه اعمال ایشان را.

قَالَ مَا مَنَعَكَ أَلَّا تَسْجُدَ إِذْ أَمَرْتُكَ قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِّنْهُ خَلَقْتَنِي مِن نَّارٍ
 وَخَلَقْتَهُ مِن طِينٍ ﴿١٢﴾ قَالَ فَاهْبِطْ مِنْهَا فَمَا يَكُونُ لَكَ أَنْ تَتَكَبَّرَ
 فِيهَا فَاخْرُجْ إِنَّكَ مِنَ الصَّاغِرِينَ ﴿١٣﴾ قَالَ أَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ
 ﴿١٤﴾ قَالَ إِنَّكَ مِنَ الْمُنظَرِينَ ﴿١٥﴾ قَالَ فِيمَا أَعْوَيْتَنِي لَأَقْعُدَنَّ لَهُمْ
 صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ ﴿١٦﴾ ثُمَّ لَا تَيَسَّرُ لَنَا مِنْ أَيْدِيهِمْ وَمَنْ خَلْفِهِمْ
 وَعَنْ أَيْمَانِهِمْ وَعَنْ شَمَائِلِهِمْ وَلَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ ﴿١٧﴾ قَالَ
 أَخْرَجْ مِنْهَا مَذْمُومًا وَمَادَّحُورًا لِّمَنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْكُمْ
 أَجْمَعِينَ ﴿١٨﴾ وَيَتَادَمُّرُ أَسْكُنِ أَنْتَ وَرَوْجُكَ الْجَنَّةَ فَكَلَامًا مِنْ حَيْثُ
 شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ ﴿١٩﴾ فَوَسَّوَسَ
 لَهُمَا الشَّيْطَانُ لِيُبْدِيَ لَهُمَا مَا وُورِيَ عَنْهُمَا مِنْ سَوْءِ أَيْمَانِهِمَا وَقَالَ
 مَا نَهَاكُمَا رَبُّكُمَا عَنْ هَذِهِ الشَّجَرَةِ إِلَّا أَنْ تَكُونَا مَلَكَتَيْنِ
 أَوْ تَكُونَا مِنَ الْخَالِدِينَ ﴿٢٠﴾ وَقَاسَمَهُمَا إِنِّي لَكُمَا لَمِنَ النَّاصِحِينَ ﴿٢١﴾
 فَدَلَّهُمَا بِعُرْوَةٍ فَلَمَّا ذَاقَا الشَّجَرَةَ بَدَتْ لَهُمَا سَوْءَاتُهُمَا وَطَفِقَا
 يَخْتَصِمَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ وَنَادَاهُمَا رَبُّهُمَا أَلَمْ أَنْهَكُمَا عَن
 تِلْكَ الشَّجَرَةِ وَأَقُلُّ لَكُمَا إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمَا عَدُوٌّ مُّبِينٌ ﴿٢٢﴾

گفت خداچه چیز منع کرد تو را از آنکه سجده کنی و قتیکه تو را امر کردم گفت من بهترم از او مرا از آتش آفریدی و او را از گل آفریدی (۱۲). گفت پس از آسمان فرود آی زیرا که تو را لایق نیست که در آن سرکشی کنی پس بیرون شو هر آینه تو از خوار شوندگانی (۱۳). گفت بار الهها مرا تار و زیکه آدمیان برانگیخته شوند مهلت ده (۱۴). گفت خدا هر آینه تو از مهلت داده شدگانی (۱۵). گفت پس از آن روی که مرا گمراه کردی البته می‌نشینم برای (گمراه کردن) آدمیان به راه راست تو (یعنی تا از آن منع کنم) (۱۶). پس البته به سوی ایشان از پیش ایشان و از پس پشت ایشان و از جانب راست ایشان و از جانب چپ ایشان بیایم و اکثر ایشان را شکر گزار نیابی (۱۷). گفت بیرون رواز آسمان نکوهیده رانده شده بخدا هر که تو را از آدمیان پیروی کند البته دوزخ را از همگی شما پُر کنم (۱۸). و گفتیم ای آدم توو زن تو در بهشت ساکن شو پس بخورید از هر جاکه خواهید و به این درخت نزدیک مشوید که از ستمگاران خواهید شد (۱۹). پس شیطان آنان را وسوسه کرد تا آشکار گرداند برای ایشان آنچه از نظر ایشان از شرم گاه های ایشان پوشیده بود گفت شما را پروردگار شما ازین درخت منع نکرده است مگر برای آنکه دوفرشته شوید یا از باشندگان جاویدان شوید (۲۰). و قسم خورد برای ایشان که البته من از خیر خواهان شما هستم (۲۱). پس با فریب ایشان را به خواری کشاند پس چون آن درخت را چشیدند شرمگاه های ایشان برایشان پیداشد و شروع کردند که برگی بالای برگی بر خویش از برگ درختان بهشت می چسپانیدند و ایشان را پروردگار ایشان ندا کرد که آیا شما را ازین درخت منع نکرده بودم و نگفته بودم به شما که هر آینه شیطان دشمن آشکار شما است (۲۲).

قَالا رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنفُسَنَا وَإِن لَّمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ
 مِنَ الْخَاسِرِينَ ﴿٢٣﴾ قَالَ أَهْبَطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ لَكُمْ
 فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَعٌ إِلَىٰ حِينٍ ﴿٢٤﴾ قَالَ فِيهَا تَحْيَوْنَ وَفِيهَا
 تَمُوتُونَ وَمِنْهَا تُخْرَجُونَ ﴿٢٥﴾ يَبْنِيءَ آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ
 لِبَاسًا يُورِي سَوْءَ تَكْمُرٍ وَرِيشًا وَلِبَاسُ التَّقْوَىٰ ذَلِكَ خَيْرٌ
 ذَلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ لَعَلَّكُمْ يَذَكَّرُونَ ﴿٢٦﴾ يَبْنِيءَ آدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمْ
 الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُمْ مِنَ الْجَنَّةِ يَنْزِعُ عَنْهُمَا
 لِبَاسَهُمَا لِيُرِيَهُمَا سَوْءَ تَهُمَا إِنَّهُ يُرِيدُكُمْ هُوَ وَقَبِيلُهُ مِنْ
 حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ إِنَّا جَعَلْنَا الشَّيْطَانَ أَوْلِيَاءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ
 ﴿٢٧﴾ وَإِذَا فَعَلُوا فَحِشَةً قَالُوا وَجَدْنَا عَلَيْهَا آبَاءَنَا وَاللَّهُ أَمَرَنَا
 بِهَا قُلْ إِنَّا لَأَيُّمُرُ بِالْفَحِشَاءِ أَتَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْمَلُونَ
 ﴿٢٨﴾ قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ وَأَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ
 وَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ كَمَا بَدَأَكُمْ تَعُودُونَ ﴿٢٩﴾
 فَرِيقًا هَدَىٰ وَفَرِيقًا حَقَّ عَلَيْهِمُ الضَّلَالَةُ إِنَّهُمْ اتَّخَذُوا
 الشَّيْطَانَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُم مُّهْتَدُونَ ﴿٣٠﴾

گفتند ای پروردگارا ما برخویش ستم کردیم و اگر ما را نیامرزی و بر ما مهربانی نکنی البته از زبان کاران باشیم (۲۳). خدا گفت فرود آید بعضی شما بعضی را دشمن خواهد بود و شمارادر زمین تامدتی معین استقرار و بهره مندی باشد (یعنی تامرگ) (۲۴). گفت خدادرزمین زندگانی خواهید کرد و در آنجا خواهید مرد و از آنجا بیرون آورده می شوید (۲۵). ای فرزندان آدم هر آئینه ما برای شما لباسی که بپوشد شرمگاه های شما را فرود آوردیم و جامه های زینت را و لباس پرهیز گاری وی از همه بهتر است فرود آوردیم این از نشانه های خداست تا ایشان پندپذیر شوند (۲۶). ای فرزندان آدم شما را شیطان گمراه نکند چنانکه پدر و مادر شما را از بهشت بیرون آورد از ایشان جامه ای برمی کشید تا ایشان را شرمگاه های ایشان بنماید هر آئینه شیطان و قوم او شما را از آن جایی که شما نمی بینید ایشانرا می بینند هر آئینه ما شیاطین را کار گزار کسانی که ایمان نمی آورند گردانیدیم (۲۷). و چون کار زشت بکنند گویند برین کار پدران خود را یافتیم و خدا ما را بآن فرموده است بگوهر آئینه خدا بکار زشت نمی فرماید آیامی گوئید برخدا آنچه را که نمی دانید (۲۸). بگو فرموده است پروردگار من به انصاف و فرموده است که رویهای خود را^(۳) نزدیک هر نماز راست کنید و او را بپرستید خالص کرده عبادت را برای او چنانکه شمارانخست آفرید (باز هم چنان) برمی گردید^(۴) (۲۹). گروهی راه نمود و بر گروهی از ایشان گمراهی ثابت شد هر آئینه شیاطین را به جای خدا دوست گرفتند و می پنداشتند که ایشان راه یافتگانند (۳۰).

(۳) یعنی به سوی کعبه.

(۴) یعنی سروپا برهنه بدون ختنه محشور شوید والله اعلم.

* يَبْنِيءَ آدَمَ خُدُوزَيْنَتِكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا
 وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ ﴿٣١﴾ قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ
 الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا
 فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ
 لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ﴿٣٢﴾ قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّي الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا
 بَطَّنَ وَالْإِثْمَ وَالْبَغْيَ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَأَنْ تُشْرِكُوا بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزَّلْ
 بِهِ سُلْطَانًا وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْمَلُونَ ﴿٣٣﴾ وَلِكُلِّ أُمَّةٍ
 أَجَلٌ فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ
 ﴿٣٤﴾ يَبْنِيءَ آدَمَ إِمَائِيَّتِكُمْ رُسُلٌ مِّنْكُمْ يَقْضُونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِي فَمَنْ
 أَتَقَى وَأَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٣٥﴾ وَالَّذِينَ كَذَّبُوا
 بِآيَاتِنَا وَأَسْتَكْبَرُوا عَنْهَا أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا
 خَالِدُونَ ﴿٣٦﴾ فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ
 بِآيَاتِهِ أُولَئِكَ يَنَالُهُمْ نَصِيبُهُمْ مِنَ الْكِتَابِ حَتَّى إِذَا جَاءَهُمْ
 رُسُلُنَا يَتَوَقَّوْنَهُمْ قَالُوا إِنَّا مَّا كُنْتُمْ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ
 قَالُوا ضَلُّوا عَنَّا وَشَهِدُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَنَّهُمْ كَانُوا كَافِرِينَ ﴿٣٧﴾

ای فرزندان آدم زینت خود را^(۵) نزدیک هر نماز بگیرید و بخورید و بیاشامید و از حد مگذرید هر آینه خدا از حد گذرندگان را دوست نمیدارد (۳۱). بگو کیستکه زینت خدارا که پیدا کرده است برای بند گان خود حرام کرد و کیستکه پاکیزه هارا از رزق حرام کرده است بگو آن پاکیزه هازملا بس و مآکل برای مسلمانان در زندگانی دنیا است^(۶) برای ایشان روز قیامت خالص شده همچنین نشانه هارا بیان می کنیم برای قومی که می دانند^(۷) (۳۲). بگو جز این نیست که پروردگار من بی حیایی ها را آنچه آشکار باشد از آن و آنچه پوشیده حرام کرده است و گناه و تجاوز ناحق را و آنکه چیزی را شریک خدا مقرر کنید که خدا هیچ دلیل بر آن نازل نکرده است حرام کرده است و آنکه بگویی، بر خدا آنچه را که نمی دانید (۳۳). و هرامتی را میعاد است^(۸) پس چون^(۹) میعاد ایشان بیاید تاخیر نکنند یک (لحظه) ساعت و نه سبقت کنند^(۱۰) (۳۴). ای فرزندان آدم اگر به شما پیامبران از جنس شما بیایند بر شما آیات مرا می خوانند پس هر که پرهیزگاری کند و نیکوکاری نماید پس هیچ ترس بر ایشان نباشد و نه ایشان اندوهگین شوند (۳۵). و کسانی که آیات ما را تکذیب کردند و از قبول آنها سرکشی کردند ایشان اصحاب دوزخ اند ایشان آنجا جاویدان اند (۳۶). پس کیست ستمگار تراز کسی که بر خدا دروغ را بر بست یا آیات او را تکذیب کرد آن جماعت بایشان بهره ایشان از آنچه نوشته شد در لوح محفوظ برسد^(۱۱) تا وقتی که چون نزدیک ایشان فرستادگان ما بیایند تا قبض ارواح ایشان کنند گویند کجاست آنچه شما غیر از خدا می پرستیدید گویند ایشان از ما گم شدند و معترف شدند بر خویش به این که ایشان کافر بودند (۳۷).

(۵) یعنی لباس خود را.

(۶) یعنی لایق ایشانست اگر چه دیگران نیز استعمال کنند والله اعلم.

(۷) مترجم گوید درین آیت اشارت است بر مذهب رهبان یهود و نصاری و متخشنین عرب که توسع راد مآکل و ملا بس مکروه میداشتند والله اعلم.

(۸) یعنی وقتی معین است برای هلاک ایشان والله اعلم.

(۹) یعنی نزدیک شود.

(۱۰) یعنی بر زبان حضرت آدم چنانکه در سوره بقره به آن اشاره رفت والله اعلم.

(۱۱) یعنی نعمت و نعمت مقدر شده در دنیا بایشان میرسد والله اعلم.

قَالَ ادْخُلُوا فِي أُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ
 فِي النَّارِ كُلَّمَا دَخَلَتْ أُمَّةٌ لَعْنَتْ أُخْتَهَا حَتَّىٰ إِذَا دَارَكُوا
 فِيهَا جَمِيعًا قَالَتْ أُخْرَاهُمْ لِأَوْلَاهُمْ رَبَّنَا هَلْؤَلَاءِ أَضَلُّونَا فَقَاتِهِمْ
 عَدَابًا ضِعْفًا مِّنَ النَّارِ قَالَ لِكُلِّ ضِعْفٍ وَلَكِن لَّا تَعْلَمُونَ
 ﴿٣٨﴾ وَقَالَتْ أَوْلَاهُمْ لِأَخْرَاهُمْ فَمَا كَانَ لَكُمْ عَلَيْنَا مِنْ فَضْلٍ
 فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْسِبُونَ ﴿٣٩﴾ إِنَّ الَّذِينَ
 كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا لَا تُفَتِّحُ لَهُمْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ
 وَلَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّىٰ يَلِجَ الْجَمَلُ فِي سَمِّ الْخِيَاطِ وَكَذَلِكَ
 نَجْزِي الْمُجْرِمِينَ ﴿٤٠﴾ لَهُمْ مِنْ جَهَنَّمَ مِهَادٌ وَمِنْ فَوْقِهِمْ غَوَاشٍ
 وَكَذَلِكَ نَجْزِي الظَّالِمِينَ ﴿٤١﴾ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
 لَنُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَنُدْخِلَنَّهُمْ الْجَنَّةَ حَيْثُ
 فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٤٢﴾ وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِنْ غَلٍّ تَجْرِي
 مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا
 لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَن هَدَانَا اللَّهُ لَقَدْ جَاءَتْ رُسُلُ رَبِّنَا بِالْحَقِّ
 وَنُودُوا أَن تِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي أُورِثْتُمُوهَا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٤٣﴾

خدا حکم کند که همراه امتانی که گذشته اند پیش از شما از جن وانس در آتش داخل شوید هر گاه که قومی در آید قوم دیگر مانند خود را لعنت کند تا وقتیکه چون به یکدیگر در دوزخ برسند جماعت متاخر از ایشان در حق جماعت متقدم از ایشان همگی گویند ای پروردگارا ما را گمراه کردند پس ایشان را عذاب دوچند از دوزخ بده خدا فرماید هر یکی را دوچند است ولیکن نمی دانید^(۱۲) (۳۸). و جماعت متقدم از ایشان جماعت متاخر را از ایشان می گویند پس شمارا بر ما هیچ برتری ای نیست پس عذاب را بسبب آنچه می کردید بچشید (۳۹). هر آئینه کسانی که آیات ما را تکذیب کردند و از قبول آن سرکشی کردند هرگز کشاده نشود برای ایشان دروازه های آسمان و درنیایند به بهشت تا وقتیکه شتر در سوراخ سوزن داخل شود^(۱۳) و همچنین گناهگاران را جزا می دهیم (۴۰). ایشان را از دوزخ فرس بُود و از بالای ایشان از دوزخ پوششها باشد و همچنین ستمگاران را جزا می دهیم (۴۱). و کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند دستور نمی دهیم هیچکس را مگر بقدر طاقت او آنجماعت باشندگان بهشت اند ایشان آنجا جاویدان باشند (۴۲). و آنچه از کینه در سینه های ایشان بُود بیرون آوریم^(۱۴) زیرا ایشان نهرا می رود و گویند سپاس آن خدا راست که ما را به سوی این بهشت راهنمود و هرگز راه یابنده نبودیم اگر ما را خدا راه نه نمودی به درستی که فرستادگان پروردگار ما براستی آمدند و ندا کرده شوند که این بهشت داده شدید آن را بسبب آنچه می کردید (۴۳).

(۱۲) یعنی تابعین را عذاب کفر تقلید و متبوعین را عذاب ضلال و اضلال والله اعلم.

(۱۳) یعنی این محال است والله اعلم.

(۱۴) یعنی آن کینه ها که در دل بهشتیان باشد دور کنیم مثل آنچه بعضی از صحابه رضی الله عنهم واقع شد والله اعلم.

وَنَادَى أَصْحَابُ الْجَنَّةِ أَصْحَابَ النَّارِ أَنْ قَدْ وَجَدْنَا مَا وَعَدَنَا
 رَبُّنَا حَقًّا فَهَلْ وَجَدْتُمْ مَا وَعَدَ رَبُّكُمْ حَقًّا قَالُوا نَعَمْ فَأَذَّنَ
 مُؤَدِّنُ بَيْنَهُمْ أَنَّ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ ﴿٤٤﴾ الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَنِ
 سَبِيلِ اللَّهِ وَيَجْعُونَهَا عِوَجًا وَهُمْ بِالْآخِرَةِ كَافِرُونَ ﴿٤٥﴾ وَبَيْنَهُمَا
 حِجَابٌ وَعَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيمَاهُمْ وَنَادَوْا
 أَصْحَابَ الْجَنَّةِ أَنْ سَلِّمُوا عَلَيْنَا لَمْ يَدْخُلُوها وَهُمْ يَطْمَعُونَ ﴿٤٦﴾
 * وَإِذَا صُرِفَتْ أَبْصَارُهُمْ تِلْقَاءَ أَصْحَابِ النَّارِ قَالُوا رَبَّنَا لِاتَّجَعَلْنَا
 مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿٤٧﴾ وَنَادَى أَصْحَابُ الْأَعْرَافِ رِجَالًا يَعْرِفُونَهُمْ
 بِسِيمَاهُمْ قَالُوا مَا أَغْنَىٰ عَنْكُمْ جَمْعُكُمْ وَمَا كُنْتُمْ تُسْتَكْبِرُونَ ﴿٤٨﴾
 أَهْلُولَاءِ الَّذِينَ أَقْسَمْتُمْ لَآئِنَا لَهُمُ اللَّهُ بِرَحْمَةٍ أَدْخُلُوا الْجَنَّةَ
 لَاخَوْفٍ عَلَيْكُمْ وَلَا أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ ﴿٤٩﴾ وَنَادَى أَصْحَابُ النَّارِ أَصْحَابَ
 الْجَنَّةِ أَنْ أَفِضُوا عَلَيْنَا مِنَ الْمَاءِ أَوْ مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ قَالُوا
 إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَهُمَا عَلَى الْكَافِرِينَ ﴿٥٠﴾ الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَهُمْ لَهْوًا
 وَلَعِبًا وَغَرَّتْهُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فَالْيَوْمَ نَنسَاهُمْ كَمَا نَسُوا
 لِقَاءَ يَوْمِهِمْ هَذَا وَمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ ﴿٥١﴾



و اهل بهشت اهل دوزخ را نداکنند که ماراست یافتیم آنچه به ما پروردگار ما وعده کرده بود پس آیاشما هم راست یافتید آنچه پروردگار شما به شما وعده کرده بود گفتند آری پس نداده‌نده ای در میان ایشان نداده‌ده که لعنت خدا بر ستمگاران است (۴۴). کسانی که مردمان را از راه خدا بازمی داشتند و برای آن راه کجی را می خواستند^(۱۵) و ایشان باختر اعتقادند داشتند (۴۵). و در میان آنها (بهشت و دوزخ) حجابیست^(۱۶) و بر اعراف مردمانی باشند که هر یکی از اهل دو گروه را بقیافه^۱ ایشان می شناسند و اهل اعراف اهل بهشت را نداکنند که سلام علیکم هنوز به بهشت در نیامده اند و ایشان طمع آن را دارند (۴۶). و چون چشمهای اهل اعراف به طرف اهل دوزخ گردانیده شود گویند ای پروردگار ما مارا همراه گروه ستمگاران مکن (۴۷). و اهل اعراف مردانی را که می شناسند ایشان را به قیافه^۱ ایشان ندا کردند گویند کفایت نکرد از شما جمعیت شما و آنکه سرکشی می کردید (۴۸). آیا این جماعت اند آنانکه شما قسم می خوردید که هر گز خدا بایشان هیچ رحمت نرساند^(۱۷) گفته شد ایشان را که به بهشت در آید بر شما هیچ ترسی نیست و نه شما اندوهگین شوید (۴۹). و اهل دوزخ اهل بهشت را نداکنند که بر ما چیزی از آب یا از سایر آنچه روزی داده است شمارا خدا بریزد گویند هر آینه خدا این هر دو را بر کافران حرام ساخته است (۵۰). آنانکه دین خود را بازیچه و سرگرمی گرفته اند و ایشان را زندگانی دنیا فریب داد پس امروز فراموش کنیم ایشان را چنانکه ایشان ملاقات این روز خویش را فراموش کردند و چنانکه آیات ما را انکار میکردند^(۱۸) (۵۱).

(۱۵) یعنی می خواستند به شبهات این راه را باطل سازند.

(۱۶) و آن مسمی به اعراف است والله اعلم.

(۱۷) یعنی فقرای مسلمین که کافران از ایشان حسابی نمی گرفتند والله اعلم.

(۱۸) و فراموش کردن خدا ترک ایشان است در دوزخ والله اعلم.

وَلَقَدْ جِئْتَهُمْ بِكِتَابٍ فَصَّلْنَاهُ عَلَىٰ عَلَيْهِمْ هُدًى وَرَحْمَةً
 لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿٥٢﴾ هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا تَأْوِيلَهُ وَيَوْمَ يَأْتِي تَأْوِيلَهُ
 يَقُولُ الَّذِينَ نَسُوهُ مِنْ قَبْلُ قَدْ جَاءَتْ رُسُلُ رَبِّنَا بِالْحَقِّ
 فَهَلْ لَنَا مِنْ شَفْعَاءَ فَيَشْفَعُوا لَنَا أَوْ نُرَدُّ فَنَعْمَلْ غَيْرَ الَّذِي
 كُنَّا نَعْمَلُ قَدْ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا
 يَفْتَرُونَ ﴿٥٣﴾ إِنَّ رَبَّكُمْ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ
 فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ
 يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ مُسَخَّرَاتٌ
 بِأَمْرِهِ ۗ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ ﴿٥٤﴾
 أَدْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ ﴿٥٥﴾
 وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا
 إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِّنَ الْمُحْسِنِينَ ﴿٥٦﴾ وَهُوَ الَّذِي يُرْسِلُ
 الرِّيحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ ۗ حَتَّىٰ إِذَا أَقَلَّتْ سَحَابًا ثِقَالًا
 سُقْنَاهُ لِبَلَدٍ مَّيِّتٍ فَأَنْزَلْنَا بِهِ الْمَاءَ فَأَخْرَجْنَا بِهِ مِنْ كُلِّ
 الثَّمَرَاتِ ۗ كَذَلِكَ نُخْرِجُ الْمَوْتَىٰ لِعَدَّتِكُمْ تَذَكَّرُونَ ﴿٥٧﴾

وبه راستی برای ایشان کتابی که به روشنی بیان کرده ایم آنرا بدانش آوردیم رهنمایی و بخشایش برای قوم مومنان (۵۲). کفار انتظار نمی کنند مگر مصداق این وعده را روزیکه مصداق آن بیاید گویند کسانیکه فراموش کرده بودند آنرا پیش ازین به یقین پیامبران پروردگار مابراستی آمده بودند پس آیا هستند برای ما شفیعان تا برای ما شفاعت کنند یا باز گردانیده شویم به سوی دنیا پس عمل کنیم غیر آنچه می کردیم^(۱۹) به درستی زیان کردند در حق خویشتن و گم شد از ایشان آنچه افترا می کردند (۵۳). هر آئینه پروردگار شما آن خدا است که آسمان ها و زمین را درشش روز آفرید باز بر عرش مستقر شد شب رابه روز می پوشاند^(۲۰) شب روز رابه شتاب می طلبد^(۲۱) و خورشید و ماه و ستارگان را رام شده به فرمانش آفرید آگاه شو آفریدن و فرمانروایی برای او ست، خدا پروردگار جهانیان بزرگ است (۵۴). پروردگار خود را زاری کنان و پوشیده از مردمان بپرستید هر آئینه او از حد گذرندگان را دوست ندارد (۵۵). و در زمین بعد اصلاح آن فساد مکنید^(۲۲) و اورابه ترس و امید بپرستید هر آئینه بخشایش خدا از نیکوکاران نزدیک است (۵۶). و اوست آنکه بادها را مژده دهنده پیش از رحمت خود^(۲۳) می فرستد تا وقتیکه ابرگران را بردارد آن را به سوی شهری مرده روان کنیم پس بواسطه آن ابرآب را فرود آوریم پس بآن آب از جنس هر میوه بیرون آوریم همچنین مردگان را بیرون آوریم^(۲۴) تا باشد که شما پند پذیر شوید (۵۷).

(۱۹) یعنی مسلمان شویم و بت ها را نپرستیم.

(۲۰) یعنی گاهی اجزای شب را بلباس روز پوشانیده در حساب روز می گرداند والله اعلم.

(۲۱) یعنی از بی درآمدن شب بعد روز مشابه آنست که گویا کسی کسی را دووان و شتابان می طلبد.

(۲۲) یعنی بسبب بعثت رسول الله صلی الله علیه وسلم.

(۲۳) یعنی پیش از باران.

(۲۴) یعنی از قبور بیرون کنیم.

وَالْبَدُ الطَّيِّبُ يَخْرُجُ نَبَاتُهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَالَّذِي خَبثَ لَا يَخْرُجُ
 إِلَّا نَكِدًا كَذَلِكَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَشْكُرُونَ ﴿٥٨﴾
 لَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَى قَوْمِهِ فَقَالَ يَتَّقُوا اللَّهَ مَا لَهُم
 مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ وَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿٥٩﴾
 قَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِهِ إِنَّا لَنَرُّكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿٦٠﴾ قَالَ يَتَّقُوا
 لَيْسَ بِي ضَلَالَةٌ وَلَكِنِّي رَسُولٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٦١﴾
 أَبْلَغْكُمْ رَسُولَاتِ رَبِّي وَأَنْصَحُ لَكُمْ وَأَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ
 مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿٦٢﴾ أَوْعَجِبْتُمْ أَن جَاءَكُمْ ذِكْرٌ مِّن رَّبِّكُمْ
 عَلَى رَجُلٍ مِّنكُمْ لِيُنذِرَكُمْ وَلِتَتَّقُوا وَلَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ
 ﴿٦٣﴾ فَكَذَّبُوهُ فَأَنْجَيْنَاهُ وَالَّذِينَ مَعَهُ فِي الْفُلِكِ وَأَعْرَفْنَا الَّذِينَ
 كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا عَمِينَ ﴿٦٤﴾ * وَإِلَى
 عَادِ أَخَاهُمْ هُودًا قَالَ يَتَّقُوا اللَّهَ مَا لَهُم مِّنْ إِلَهٍ
 غَيْرُهُ وَأَفَلَا تَتَّقُونَ ﴿٦٥﴾ قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ
 إِنَّا لَنَرُّكَ فِي سَفَاهَةٍ وَإِنَّا لَنُظُنُّكَ مِنَ الْكَاذِبِينَ ﴿٦٦﴾
 قَالَ يَتَّقُوا لَيْسَ بِي سَفَاهَةٌ وَلَكِنِّي رَسُولٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٦٧﴾

سورة الأعراف
 الجزء الثامن
 ١٦

و شهر پاکیزه گیاه او بفرمان پروردگارش برمی آید و زمین ناپاکیزه رستنی آن بر نمی آید مگر ناهموار دیرروینده همچنین گوناگون نشانه ها را برای قومی که شکرگزاری می کنند بیان می کنیم^(۲۵) (۵۸). هر آئینه نوح را به سوی قوم او فرستادیم پس گفت ای قوم من خدا را عبادت کنید شمارا هیچ معبود برحق غیر از او نیست هر آئینه من از عقوبت روز بزرگ بر شما می ترسم^(۲۶) (۵۹). سران از قوم او گفتند هر آئینه ما تو را در گمراهی ظاهر می بینیم (۶۰). گفت: ای قوم من هیچ گونه گمراهی در من نیست ولیکن من فرستاده ای از جانب پروردگار جهانیان هستم (۶۱). به شما پیغام های پروردگارم را می رسانم و برای شما نیک خواهی می کنم و میدانم از حکم خدا آنچه نمی دانید (۶۲). آیات عجب کردید از آنکه آمد به سوی شما پند از جانب پروردگار شما بر زبان مردی از شما تا شمارا بیم کند و تا پرهیزگاری کنید و تا بر شما مهربانی کرده شود (۶۳). پس او را در غوا گنا گشتند پس او را و کسانی را که با وی در کشتی بودند نجات دادیم و کسانی را که دروغ انگاشتند آیات ما را غرق ساختیم هر آئینه ایشان گروهی نابینا بودند (۶۴). و سوی قوم عاد برادر ایشان هود را فرستادیم گفت ای قوم من خدا را عبادت کنید شمارا هیچ معبود برحق غیر از او نیست آیا پرهیزگاری نمی کنید (۶۵). گفتند اشراف و سران کفار از قوم او هر آئینه ما تو را در بی خردی می بینیم و هر آئینه ما تو را از دروغ گوین می پنداریم (۶۶). گفت ای قوم من در من هیچ گونه بی خردی نیست ولیکن من از جانب پروردگار جهانیان فرستاده ام (۶۷).

(۲۵) مترجم گوید این مثل است برای پند در قلب سلیم و عدم تاثیر آن در غیر سلیم والله اعلم.

(۲۶) یعنی روز قیامت.

أَبْلَغُكُمْ رَسُولَاتِ رَبِّي وَأَنَا لَكُمْ نَاصِحٌ أَمِينٌ ﴿٦٨﴾ أَوْ عَجِبْتُمْ أَنْ
 جَاءَكُمْ ذِكْرٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَلَى رَجُلٍ مِّنْكُمْ لِيُنذِرَكُمْ
 وَأَذَكُرُوا إِذْ جَعَلَكُمْ خُلَفَاءَ مِنْ بَعْدِ قَوْمِ نُوحٍ وَزَادَكُمْ
 فِي الْخَلْقِ بَصْطَةً ۗ فَأَذَكُرُوا ۗ وَاللَّهُ لَعَدَّكُمْ تَفْلِحُونَ
 ﴿٦٩﴾ قَالُوا أَجِئْنَا لِنُعْبُدَ اللَّهَ وَحْدَهُ، وَنَذَرَ مَا كَانَ يَعْبُدُ
 آبَاؤُنَا فَأْتِنَا بِمَا تَعِدُنَا إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ ﴿٧٠﴾
 قَالَ قَدْ وَقَعَ عَلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ رِجْسٌ وَغَضَبٌ ۗ
 أَتُجَادِلُونَنِي فِي أَسْمَاءِ سَمَايَتُوهَا أَنْتُمْ وَءَابَاؤُكُمْ
 مَا نَزَّلَ اللَّهُ بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ ۗ فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ
 الْمُنْتَظِرِينَ ﴿٧١﴾ فَأَنْجَيْنَاهُ وَالَّذِينَ مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا
 وَقَطَعْنَا دَابِرَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَمَا كَانُوا مُؤْمِنِينَ
 ﴿٧٢﴾ وَإِلَى شَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا قَالَ يَا قَوْمِ أَعْبُدُوا اللَّهَ
 مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ ۗ وَقَدْ جَاءَكُمْ بَيِّنَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ ۗ
 هَذِهِ نَاقَةُ اللَّهِ لَكُمْ آيَةٌ ۗ فَذَرُوهَا تَأْكُلْ فِي أَرْضِ
 اللَّهِ وَلَا تَمْسُوهَا بِسُوءٍ فَيَأْخُذَكُمْ عَذَابُ أَلِيمٍ ﴿٧٣﴾

من بشما پیغام های پروردگارم را میرسانم و من برای شما نیک خواه باامانتتم (۶۸). آیا تعجب کردید از آنکه بشما پندی از جانب پروردگار شما بر مردی از شما آمد تا شما را بیم کند و یاد کنید آن وقت را که شما را بعد از قوم نوح جانشین گردانید و برای شما در خلقت قوت را افزود پس یاد کنید نعمت های خدا را تا شما را ستگار شوید (۶۹). گفتند آیا آمده ای پیش ما تا تنها خدا را عبادت کنیم و بگذاریم آنچه پدران ما می پرستیدند پس آنچه ما را به آن وعده می دهی برای ما^(۲۷) بیاور اگر از راستگویان هستی (۷۰). گفت بر شما از جانب پروردگار شما عقوبت و خشم ثابت شد آیا مکاره می کنید با من درباره نامهایی چند که شما آن را مقرر کرده اید و (نیز) پدران شما مقرر کرده اند،^(۲۸) خدا بر آن هیچ دلیلی فرو نیاورده است پس انتظار کنید هر آئینه من نیز همراه شما از منتظرانم (۷۱). پس او را و کسانی را که با او بودند بمهربانی از جانب خویش نجات دادیم و بریدیم بیخ کسانی را که آیات ما را تکذیب کردند و از مومنان نبودند (۷۲). و به سوی قوم ثمود برادر ایشان صالح را فرستادیم گفت ای قوم من خدا را عبادت کنید شما را هیچ معبود بر حق غیر از او نیست هر آئینه به شما دلیلی از جانب پروردگار شما آمد این ماده شتر نیست خدا نشانه ای برای شما پیدا کرده پس بگذاریدش که در زمین خدا چرد و او را هیچ بدی و گزند می رسانید که آنگاه شما را عقوبت درد ناک بگیرد (۷۳).

(۲۷) یعنی بیار عقوبت را.

(۲۸) یعنی بی اصل است.

وَأذْكُرُوا إِذْ جَعَلَكُمْ خُلَفَاءَ مِنْ بَعْدِ عَادٍ وَبَوَّأَكُمْ
 فِي الْأَرْضِ تَتَّخِذُونَ مِنْ سُهُولِهَا قُصُورًا وَتَنْحِتُونَ
 الْجِبَالَ بُيُوتًا فَاذْكُرُوا آيَةَ اللَّهِ وَلَا تَعْتَوْا فِي
 الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ ﴿٧٤﴾ قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ أُسْتَكَبرُوا مِنْ
 قَوْمِهِ لِلَّذِينَ أُسْتُضِعُوا لِمَنْ أَمِنَ مِنْهُمْ أَنْتَعَمُونَ
 أَنْ صَلِحًا مَرْسَلٌ مِنْ رَبِّهِ قَالُوا إِنَّا بِمَا أُرْسِلَ بِهِ
 مُؤْمِنُونَ ﴿٧٥﴾ قَالَ الَّذِينَ أُسْتَكَبرُوا إِنَّا بِالَّذِي
 ءَأَمَنْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ ﴿٧٦﴾ فَعَقَرُوا النَّاقَةَ وَعَتَوْا عَنْ
 أَمْرِ رَبِّهِمْ وَقَالُوا يُصْلِحُ أُنْتِنَا بِمَا تَعِدُنَا إِنْ كُنْتَ
 مِنَ الْمُرْسَلِينَ ﴿٧٧﴾ فَأَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ فَأَصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ
 جِثْمِينَ ﴿٧٨﴾ فَتَوَلَّى عَنْهُمْ وَقَالَ يَا قَوْمِ لَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ
 رِسَالَةَ رَبِّي وَنَصَحْتُ لَكُمْ وَلَكِنْ لَا تُحِبُّونَ النَّصِيحِينَ
 ﴿٧٩﴾ وَلَوْ طَآ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ ءَاتَا تُونَ الْفَجِشَةَ مَا سَبَقَكُمْ
 بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِنَ الْعَالَمِينَ ﴿٨٠﴾ إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ
 شَهْوَةً مِّنْ دُونِ النِّسَاءِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُّسْرِفُونَ ﴿٨١﴾

و یاد کنید (نعمت الهی را) آن وقت که شمارا بعد از قوم عاد جانشین گردانید و شمارا در زمین استقرار داد می سازید از نرم آن قصرها و کوه هارا تراشیده خانه ها می سازید پس نعمت های خدا را یاد کنید و تباهی مکنید در زمین فساد افکنان (۷۴). اشراف و سران قوم او که کبر ورزیده بودند به مستضعفان از کسانی که ایمان آورده بودند از آنان، گفتند آیا میدانید که صالح از جانب پروردگارش فرستاده شده است گفتند اهل ایمان هر آئینه ما بشریعتی که وی فرستاده شده است بآن شریعت باور داریم (۷۵). گفتند سرکشان هر آئینه ما آنچه معتقد به آن شدید کافر ایم (۷۶). پس آن ماده شتر را کشتند و از فرمان پروردگار خویش تجاوز کردند و گفتند ای صالح بیار برای ما آنچه ما را وعید می کنی اگر از پیامبران هستی (۷۷). پس ایشان را زلزله در گرفت پس زانو افتاده در سرای خویش مرده گشتند (۷۸). پس صالح از ایشان اعراض کرد و گفت ای قوم من به شما پیغام پروردگارم را رسانیدم و برای شما نیک خواهی کردم ولیکن نیک خواهی کنندگان را دوست نمی دارید (۷۹). و فرستادیم لوط را آن وقت که گفت بقوم خود آیا می کنید آن بی حیایی که پیش از شما آنرا هیچ کس از جهانیان نکرده است (۸۰). هر آئینه شما به (قضا) شهوت به سوی مردان به جای زنان میروید بلکه شما گروه مُسرفانید (۸۱).

وَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا أَخْرِجُوهُمْ مِّنْ
 قَرْيَتِكُمْ إِنَّهُمْ أَنَاسٌ يَّتَطَهَّرُونَ ﴿٨٢﴾ فَأَنْجَيْنَاهُ
 وَأَهْلَهُ إِلَّا أُمَّرَأَتَهُ وَكَانَتْ مِنَ الْغَابِرِينَ ﴿٨٣﴾ وَأَمْطَرْنَا
 عَلَيْهِمْ مَّطَرًا فَأَنْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ
 ﴿٨٤﴾ وَإِلَى مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يَا قَوْمِ أَعْبُدُوا اللَّهَ
 مَا لَكُم مِّنْ إِلَهِ غَيْرُهُ قَدْ جَاءَتْكُمْ بَيِّنَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ
 فَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ
 أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا
 ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُّؤْمِنِينَ ﴿٨٥﴾ وَلَا
 تَقْعُدُوا بِكُلِّ صِرَاطٍ تُوعِدُونَ وَتَصُدُّونَ عَنِ
 سَبِيلِ اللَّهِ مِنْ ءَامَنَ بِهِ وَتَبْغُونَهَا عِوَجًا وَأذْكُرُوا
 إِذْ كُنْتُمْ قَلِيلًا فَكَثَرَكُمُُّ وَأَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ
 عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ ﴿٨٦﴾ وَإِنْ كَانَ طَآئِفَةٌ مِّنْكُمْ
 ءَامَنُوا بِالَّذِي أُرْسِلْتُ بِهِ وَطَآئِفَةٌ لَّمْ يُؤْمِنُوا فَاصْبِرُوا
 حَتَّىٰ يَحْكُمَ اللَّهُ بَيْنَنَا وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ ﴿٨٧﴾

و جواب قوم او جزاین نبوده که گفتند ایشان را ازده خود بیرون کنید هر آئینه ایشان مردمانی اند که پاکیزگی طلب می کنند (۸۲). پس او را و اهل خانه او را مگر زنش را که از باقی ماندگان بود نجات دادیم (۸۳). و برایشان بارانی (یعنی از سنگ) بارانیدیم پس بنگر آخر کار گناهگاران چگونه بود (۸۴). و بسوی قوم مدین برادرایشان شعیب رافستادیم گفت ای قوم من خدارا بپرستید شمارا هیچ معبود بر حقی بجز او نیست هر آئینه به شما دلیلی از پروردگار شما آمده است پس پیمانۀ و ترازو را تمام کنید و به مردمان چیزهای ایشان را ناقص مدهید در زمین بعد اصلاح آن فساد مکنید این کار که گفتیم بهترست برای شما اگر باوردارندگانید (۸۵). و به هر راهی منشینید که بترسانید و از راه خدا کسی را که ایمان آورده است به او بازدارید و برای آن راه کجی را میجوئید و یاد کنید آن وقت را که شما اندک بودید پس شمارا بسیار گردانید و بنگرید آخر کار مفسدان چگونه شد (۸۶). و اگر گروهی از شما به آنچه فرستاده شدم بآن ایمان آوردند و گروهی ایمان نیاوردند پس صبر کنید تا آنکه خدا در میان ما فیصله کند و او بهترین حکم کنندگان است (۲۹) (۸۷).

(۲۹) یعنی واجب آن بود که همه متفق میشدند بر ایمان و چون متفق نشدند منتظر فیصله کردن باشند والله اعلم.

* قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لَنُخْرِجَنَّكَ يَشْعِيبَ
 وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَكَ مِنْ قَرْيَتِنَا أَوْ لَتَعُودُنَّ فِي مِلَّتِنَا قَالَ أُولَؤُ
 كُنَّا كَرِهِينَ ﴿٨٨﴾ قَدْ أَفْتَرْنَا عَلَى اللَّهِ كَذِبًا إِنْ عُدْنَا فِي مِلَّتِكُمْ بَعْدَ
 إِذْ بَخَّسْنَا اللَّهُ مِنْهَا وَمَا يَكُونُ لَنَا أَنْ نَعُودَ فِيهَا إِلَّا أَنْ يَشَاءَ
 اللَّهُ رَبُّنَا وَسِعَ رَبُّنَا كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا عَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْنَا رَبَّنَا افْتَحْ
 بَيْنَنَا وَبَيْنَ قَوْمِنَا بِالْحَقِّ وَأَنْتَ خَيْرُ الْفَاتِحِينَ ﴿٨٩﴾ وَقَالَ الْمَلَأُ
 الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لَئِنِ اتَّبَعْتُمْ شُعَيْبًا إِنَّكُمْ إِذًا لَخَسِرُونَ
 ﴿٩٠﴾ فَأَخَذْتَهُمُ الرِّجْفَ فَأَصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ جَثْمِينَ ﴿٩١﴾ الَّذِينَ
 كَذَّبُوا شُعَيْبًا كَأَنْ لَمْ يَغْنَوْا فِيهَا الَّذِينَ كَذَّبُوا شُعَيْبًا كَانُوا
 هُمُ الْخَاسِرِينَ ﴿٩٢﴾ فَتَوَلَّى عَنْهُمْ وَقَالَ يَا قَوْمِ لَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ
 رِسَالَتِي ربي وَنَصَحْتُ لَكُمْ فَكَيْفَ آسَأُ عَلَى قَوْمِ
 كَافِرِينَ ﴿٩٣﴾ وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّنْ نَّبِيٍّ إِلَّا أَخَذْنَا أَهْلَهَا
 بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَضُرَّعُونَ ﴿٩٤﴾ ثُمَّ بَدَّلْنَا
 مَكَانَ السَّيِّئَةِ الْحَسَنَةَ حَتَّىٰ عَفَوا وَقَالُوا قَدْ مَسَّ آبَاءُنَا
 الضَّرَّاءُ وَالسَّرَّاءُ فَأَخَذْنَاهُمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿٩٥﴾

آن اشراف و سران از قوم او که سرکشی کرده بودند گفتند البته تورا ای شعیب و کسانی را که همراه توایمان آوردند ازده خود بیرون کنیم یا این که حتما در دین ما باز گردید گفت آیا (باز گردیم) اگر چه ما ناپسند داریم؟ (۸۸). هر آئینه برخدا دروغی بر بسته باشیم اگر باز گردیم در دین شما بعد از آنکه خدا ما را از وی پرهانید و هرگز لایق نیست مارا که در آن باز گردیم مگر آنکه خدا پروردگار ما خواهد پروردگار ما بهمه چیز از روی دانش احاطه کرده است برخدا توکل کردیم ای پروردگار ما در میان ما و در میان قوم ما برستی فیصله کن و توبهترین فیصله کنندگانی (۸۹). و آن اشراف و سران که کافر بودند از قوم او بیاران خود گفتند اگر شعیب را متابعت کنید هر آئینه شما آهنگام زیان کار باشید (۹۰). پس ایشان را زلزله در گرفت پس در سرای خویش مرده برز انو افتاده صبح کردند (۹۱). آنانکه شعیب را تکذیب کردند گویا نبودند آنجا، آنانکه شعیب را تکذیب کردند ایشان زیان کار بودند (۹۲). پس از ایشان روگردانید و گفت ای قوم من به درستی به شما پیغام های پروردگار خود را رسانیدم و برای شما نیک خواهی کردم پس بر قوم کافران چگونه اندوه خورم (۹۳). و نفرستادیم در هیچ شهری پیامبری را مگر اهل آنرا به سختی ورنج گرفتار کردیم تا بود که ایشان زاری کنند (۹۴). به ایشان بجای محنت راحت را باز دادیم تا آنکه بسیار شدند و گفتند هر آئینه پدران ما را سختی و راحت رسیده بود (۳۰) پس ایشان را ناگهان گرفتیم و ایشان خبر نداشتند (۹۵).

(۳۰) یعنی عادت زمان است که گاهی سختی و گاهی راحت می باشد از قبیل مواخذه بر اعمال نبود والله اعلم.

وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ ءَامَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ
 مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَٰكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا
 يَكْسِبُونَ ﴿٩٦﴾ أَفَأَمِّنَ أَهْلُ الْقُرَىٰ أَن يَأْتِيَهُم بَأْسُنَا
 بَيْتًا وَهُمْ نَائِمُونَ ﴿٩٧﴾ أَوْ آمِنَ أَهْلُ الْقُرَىٰ أَن يَأْتِيَهُم
 بَأْسُنَا ضُحًى وَهُمْ يَلْعَبُونَ ﴿٩٨﴾ أَفَأَمِنُوا مَكْرَ اللَّهِ
 فَلَا يَأْمَنُ مَكْرَ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْخَاسِرُونَ ﴿٩٩﴾ أَوَلَمْ يَهْدِ
 لِلَّذِينَ يَرِثُونَ الْأَرْضَ مِن بَعْدِ أَهْلِهَا أَن لَّوْنَشَاءِ
 أَصَبَتْهُمْ يَدُونُوبِهِمْ وَتَطْبَعُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ
 ﴿١٠٠﴾ تِلْكَ الْقُرَىٰ نَقِصُ عَلَيْكَ مِنْ أَنبَاءِهَا وَلَقَدْ جَاءَتْهُمْ
 رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا بِمَا كَذَّبُوا مِن
 قَبْلُ ۚ كَذَٰلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِ الْكَافِرِينَ ﴿١٠١﴾ وَمَا وَجَدْنَا
 لِأَكْثَرِهِمْ مِّنْ عَهْدٍ وَإِن وَجَدْنَا أَكْثَرَهُمْ لَفَاسِقِينَ ﴿١٠٢﴾
 ثُمَّ بَعَثْنَا مِن بَعْدِهِم مُّوسَىٰ بِآيَاتِنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ
 فَظَلَمُوا بِهَا فَأَنظَرُ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ ﴿١٠٣﴾
 وَقَالَ مُوسَىٰ يَا فِرْعَوْنُ إِنِّي رَسُولٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٠٤﴾

واگر اهلِ ده ها ایمان می آوردند و پرهیزگاری می کردند هر آئینه برایشان برکت‌ها از آسمان و زمین می کشادیم ولیکن تکذیب کردند پس ایشان را به وبال آنچه می‌کردند گرفتیم (۹۶). آیا اهلِ ده ها ایمن شده اند از آنکه عذاب ما به ایشان شبانگه در حالیکه ایشان خفته باشند بیاید (۹۷). آیا اهلِ ده ها ایمن شده اند از آنکه عذاب ما وقت چاشت به ایشان بیاید و ایشان بازی می‌کنند (۹۸). آیا از مکر خدا ایمن شده‌اند^(۳۱) پس از مکر خدا ایمن نمی شوند مگر گروه زیان کاران (۹۹). آیا واضح نشد بر آنانکه وارث زمین می شوند بعد از هلاک ساکنان آن زمین که اگر بخواهیم ایشان را به سزای گناهان شان عقوبت رسانیم و بردل های ایشان مُهرمی نهیم پس ایشان نمی شنوند (۱۰۰). این ده هارا پیش تو برخی از خبرهایشان را ذکر می کنیم و به راستی به اهل آنها پیامبران ایشان با معجزه ها آمده بودند پس هرگز ایمان نیاوردند به آنچه پیش از آن تکذیب کرده بودند همچنین خدا بردل های کافران مُهرمی نهد (۱۰۱). و فابعد در اکثر ایشان نیافتیم و هر آئینه اکثر ایشان را بدکار یافتیم (۱۰۲). باز بعد از ایشان موسی را به نشانه‌های خویش به سوی فرعون و قوم او فرستادیم پس به آن نشانه ها کافر شدند پس بنگر آخر کار مفسدان چگونه بود (۱۰۳). و موسی گفت ای فرعون هر آئینه من از جانب پروردگار جهانیان پیامبرم (۱۰۴).

(۳۱) یعنی از تدبیر اهلاك والله اعلم.

حَقِيقٌ عَلَىٰ أَن لَا أَقُولَ عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقُّ قَدْ جِئْتُكُمْ بِبَيِّنَةٍ
 مِّن رَّبِّكُمْ فَأَرْسِلْ مَعِيَ بَنِي إِسْرَائِيلَ ﴿١٠٥﴾ قَالَ إِنْ كُنْتَ
 جِئْتَ بِآيَةٍ فَاتِّبِعْهَا إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ ﴿١٠٦﴾ فَأَلْقَى
 عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ ثُعْبَانٌ مُّبِينٌ ﴿١٠٧﴾ وَنَزَعَ يَدَهُ فَإِذَا هِيَ بِيضَاءُ
 لِلنَّظِيرِينَ ﴿١٠٨﴾ قَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِ فِرْعَوْنَ إِنَّ هَذَا السَّحَرُ
 عَلِيمٌ ﴿١٠٩﴾ يُرِيدُ أَنْ يُخْرِجَكُمْ مِّنْ أَرْضِكُمْ فَمَاذَا تَأْمُرُونَ
 ﴿١١٠﴾ قَالُوا أَرْجِهْ وَأَخَاهُ وَأَرْسِلْ فِي الْمَدَائِنِ حَاشِرِينَ ﴿١١١﴾ يَا تَوَكُّ
 بِكُلِّ سَاحِرٍ عَلِيمٍ ﴿١١٢﴾ وَجَاءَ السَّحَرَةُ فِرْعَوْنَ قَالُوا إِنَّ
 لَنَا لَأَجْرًا إِنْ كُنَّا نَحْنُ الْغَالِبِينَ ﴿١١٣﴾ قَالَ نَعَمْ وَإِنَّكُمْ
 لَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ ﴿١١٤﴾ قَالُوا يَمُوسَىٰ إِمَّا أَنْ تُلْقَىٰ وَإِمَّا أَنْ
 نَكُونَ نَحْنُ الْمُلْقِينَ ﴿١١٥﴾ قَالَ أَلْقُوا فَلَمَّا أَلْقَوْا سَحَرُوا
 أَعْيُنَ النَّاسِ وَأَسْرَثَهُمْ هُوَهُمْ وَجَاءَهُمْ بِسِحْرِ عَظِيمٍ ﴿١١٦﴾
 * وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ أَلْقِ عَصَاكَ فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ
 ﴿١١٧﴾ فَوَقَعَ الْحَقُّ وَبَطَلَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١١٨﴾ فغلبوا
 هُنَالِكَ وَانْقَلَبُوا صَغِيرِينَ ﴿١١٩﴾ وَأَلْقَى السَّحَرَةُ سَجِدِينَ ﴿١٢٠﴾

سزاوارم بآنکه بر خدا نگویم مگر سخن راست، برای شما نشانه ای از جانب پروردگار شما آورده‌ام پس بامن بنی اسرائیل را بفرست (۱۰۵). گفت اگر معجزه آورده‌ای پس آن را حاضرکن اگر از راست گویان هستی (۱۰۶). پس عصای خود را انداخت پس ناگهان آن عصا ازدهایی ظاهر شد (۱۰۷). و دست خود را بیرون آورد پس ناگهان آن دست برای بینندگان نورانی شد (۱۰۸). اشراف و سران از قوم فرعون بایکدیگر گفتند هرآئینه این شخص ساحر داناست (۱۰۹). می خواهد که شمارا از زمین شما بیرون کند پس چه می فرمایید (۱۱۰). گفتند ای فرعون او و برادرش را بازداشت کن و در شهرها نقیبان را بفرست (۱۱۱). تا پیش توهرساحر دانارا بیارند (۱۱۲). و ساحران پیش فرعون آمدند گفتند هرآئینه برای ما مزدی هست اگر غالب شویم (۱۱۳). گفت آری وهرآئینه شما ازمقربان باشید (۱۱۴). گفتند ای موسی یا این است که نخست توافکنی یا ما افکننده باشیم (۱۱۵). موسی گفت شما افکنید پس آن هنگام که افکندند چشم های مردمان را بجادو بستند وایشان را بترسانیدند و جادویی بزرگ آوردند (۱۱۶). و به سوی موسی وحی فرستادیم که عصای خود را بیفکن پس ناگهان آن عصافرومی برد آنچه بدروغ اظهار میکردند (۱۱۷). پس حق ثابت شد وباطل شد آنچه می کردند (۱۱۸). پس قوم فرعون مغلوب شدند آنجاو خوار گشتند (۱۱۹). و انداخته شدند ساحران سجده کنان (۱۲۰).

قَالُوا أَمَنَّا بِرَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٢١﴾ رَبِّ مُوسَى وَهَارُونَ ﴿١٢٢﴾ قَالَ
 فِرْعَوْنُ ءَأَمَنْتُمْ بِهِ ءَقَبَلْ أَن ءَأْذَنَ لَكُمْ إِن هَذَا الْمَكْرُ
 مَكْرَتُمُوهُ فِي الْمَدِينَةِ لِيُخْرِجُوا مِنْهَا أَهْلَهَا فَسَوْفَ تَعْمَلُونَ
 ﴿١٢٣﴾ لَا قُطْعَنَ أَيِّدِيكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ مِّنْ خَلْفٍ ثُمَّ لَا يُضِلُّبَنَّكُمْ
 أَجْمَعِينَ ﴿١٢٤﴾ قَالُوا إِنَّا إِلَى رَبِّنَا مُنْقَلِبُونَ ﴿١٢٥﴾ وَمَا نَعْقِمُ مِمَّا
 إِلَّا أَن ءَأَمَنَّا بِآيَاتِ رَبِّنَا لَمَّا جَاءَنَا رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا
 وَتَوَفَّنَا مُسْلِمِينَ ﴿١٢٦﴾ وَقَالَ الْمَلَأُ مِّنْ قَوْمِ فِرْعَوْنَ أَتَذَرُ مُوسَى
 وَقَوْمَهُ لِيُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَيَذُرُكَ وَءَاهِتَكَ ءَقَالَ سَنُقْتِلُ
 أَبْنَاءَهُمْ وَنَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ ءَهُمْ ءَوَانَا فَوْقَهُمْ فَاهِرُونَ ﴿١٢٧﴾
 قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ
 لِلَّهِ يُورِثُهَا مَن يَشَاءُ مِّنْ عِبَادِهِ ءَوَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ ﴿١٢٨﴾
 قَالُوا أُوذِينَا مِن قَبْلِ أَن تَأْتِينَا وَمِن بَعْدِ مَا جِئْتَنَا قَالَ
 عَسَى رَبُّكُمْ أَن يُهْلِكَ عَدُوَّكُمْ وَيَسْتَخْلِفَكُمْ فِي الْأَرْضِ
 فَيَنظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ ﴿١٢٩﴾ وَلَقَدْ أَخَذْنَا ءَالَ فِرْعَوْنَ
 بِالسِّنِينَ وَنَقَصْنَا مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ ﴿١٣٠﴾

گفتند به پروردگار جهانیان ایمان آوردیم (۱۲۱). پروردگار موسیٰ و هارون (۱۲۲). فرعون گفت آیا ایمان آوردید به موسیٰ پیش از آنکه شمارا اجازه دهم هرآئینه این تدبیر است که آنرا در شهر اندیشیده‌اید تا ازین شهر ساکنان آنرا بیرون کنید پس خواهید دانست (۱۲۳). البته دست های شمارا و پاهای شمارا برخلاف جهت یکدیگر خواهیم برید^(۳۲) باز همگی شمارا بردار کشم (۱۲۴). گفتند هرآئینه ما به سوی پروردگار خود رجوع کنندگانیم (۱۲۵). و بر ما انکار نمی کنی مگر آنکه به نشانه های پروردگار خویش چون بیامد بما ایمان آوردیم ای پروردگار ما بریز بر ما شکیبایی و قبض ارواح ما کن در حالیکه مسلمان باشیم (۱۲۶). و اشراف و سران از قوم فرعون گفتند آیامی گذاری موسیٰ و قوم او را تا در زمین فساد کنند و تا عبادت تورا و معبودان تورا بگذارند گفت خواهیم پسران بنی اسرائیل را کشت و زنده خواهیم گذاشت دختران ایشانرا و ما برایشان غالبیم (۱۲۷). موسیٰ به قوم خود گفت از خدا مدد طلبید و صبر کنید هرآئینه زمین خدا راست او وارث آن می کند هر کرا از بندگان خویش خواهد و سرانجام خوب برای پرهیزگاران است (۱۲۸). گفتند پیش از آنکه بیایی نزد ما و بعد از آنکه آمدی نزد ما ایذا داده شدیم گفت امید است که پروردگار شما دشمن شمارا هلاک کند و شمارا در زمین خلیفه گرداند پس بنگرد چگونه عمل می کنید (۱۲۹). و به راستی کسان فرعون را بقحط ها و به نقصان میوه ها گرفتار کردیم تا شود که ایشان پند پذیرند (۱۳۰).

(۳۲) یعنی دست راست و پای چپ والله اعلم.

فَإِذَا جَاءَ تَهُمُ الْحَسَنَةُ قَالُوا لَنَا هَذِهِ وَإِنْ تُصِيبُهُمْ سَيِّئَةٌ
يَظُنُّوْا بِمُوسَىٰ وَمَنْ مَعَهُ ۗ وَالْآئِمَّةَ طَلَبْتُمْ عَنْهُمْ عِنْدَ اللَّهِ
وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿١٣١﴾ وَقَالُوا مَهْمَا تَأْتِيَابِهِ
مِنْ آيَةٍ لَّنَسْخَرَنَابِهَا فَمَا نَخْنُ لَكَ بِمُؤْمِنِينَ ﴿١٣٢﴾ فَأَرْسَلْنَا
عَلَيْهِمُ الطُّوفَانَ وَالْجَرَادَ وَالْقُمَّلَ وَالضَّفَادِعَ وَالْدَّمَ
آيَاتٍ مُّفَصَّلَاتٍ فَاسْتَكْبَرُوا وَكَانُوا قَوْمًا مُّجْرِمِينَ
﴿١٣٣﴾ وَلَمَّا وَقَعَ عَلَيْهِمُ الرِّجْزُ قَالُوا لِمُوسَىٰ ادْعُ لَنَا رَبَّكَ بِمَا
عَهِدَ عِنْدَكَ لِيُنزِلَ عَلَيْنَا مَائِدَةً كَمَا نُؤْمِنُ لَكَ
وَلَنُرْسِلَنَّ مَعَكَ بَنِي إِسْرَائِيلَ ﴿١٣٤﴾ فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُمْ
الرِّجْزَ إِلَىٰ أَجَلٍ هُمْ بِلِغْوِهِ إِذَا هُمْ يَنْكُثُونَ ﴿١٣٥﴾ فَانْتَقَمْنَا
مِنْهُمْ فَأَعْرَفْنَاهُمْ فِي آيَمِهِمْ بِأَنَّهُمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا عَنْهَا
غَافِلِينَ ﴿١٣٦﴾ وَأَوْرَثْنَا الْقَوْمَ الَّذِينَ كَانُوا يُسْتَضَعُونَ
مَشْرِقَ الْأَرْضِ وَمَغْرِبَهَا الَّتِي بَرَكْنَا فِيهَا وَتَمَّتْ كَلِمَاتُ
رَبِّكَ الْحُسْنَىٰ عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ بِمَا صَبَرُوا وَدَمَّرْنَا
مَا كَانُوا يَصْنَعُونَ فِرْعَوْنَ وَقَوْمَهُ وَمَا كَانُوا يَعْرِشُونَ ﴿١٣٧﴾

پس چون فراخی بایشان روی می‌آورد می‌گفتند این لایق ماست و اگر سختی برسید بایشان به موسی و کسانیکه باوی بودند شگون بدمی گرفتند آگاه باش جزاین نیست که شگون بدایشان فقط نزد خداست ولیکن بیشتر ایشان نمی‌دانند^(۳۳) (۱۳۱). و کسان فرعون گفتند ای موسی هرچه آن را از نشانه‌ها تا سحرکنی ما را بدان بیاری پس ما تورا باوردارنده نیستیم (۱۳۲). پس برایشان طوفان و ملخ و کنه (شپش) و غوکها (قورباغها) و خون نشانه‌های واضح کرده شده فرستادیم پس سرکشی کردند و قوم گناهگار بودند (۱۳۳). و وقتیکه برایشان عقوبت فرود آمد گفتند ای موسی بجناب پروردگار خود به آن اسماء و ادعیه ای که وحی کرده است نزد تو دعاکن اگر از ما عقوبت را دور کنی البته تورا معتقد شویم و باتو بنی اسرائیل را می‌فرستیم (۱۳۴). پس چون عذابی که آنها به آن می‌رسند تا مدتی از آنها رفع کردیم ناگهان آنها عهد می‌شکستند (۱۳۵). پس از ایشان انتقام گرفتیم پس ایشان را در دریا بسبب آنکه ایشان آیات ما را تکذیب می‌کردند غرق کردیم و از آن بی‌خبر بودند (۱۳۶). و گروهی را که ضعیف شمرده می‌شدند مشارق زمین و مغارب زمینی که برکت نهاده‌ایم در آن میراث دادیم^(۳۴) و وعده نیک پروردگارتو بر بنی اسرائیل راست شد بسبب آنکه صبر کردند و آنچه ساخته بود فرعون و کسان او و آنچه بر می‌افراشتند خراب کردیم (۱۳۷).

(۳۳) یعنی مؤاخذه اعمال برایشان است والله اعلم.

(۳۴) یعنی زمین شام بایشان دادیم چه بقعه‌های شرقیه و چه بقعه‌های غربیه والله اعلم.

وَجَوَزْنَا بِبَنِي إِسْرَائِيلَ يَمَلُّ الْبَحْرَ فَأَتَوْا عَلَى قَوْمٍ يَعْكُفُونَ
 عَلَى أَصْنَامٍ لَهُمْ قَالُوا يَا مُوسَى اجْعَلْ لَنَا إِلَهًا كَمَا
 لَهُمْ آلِهَةٌ قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ ﴿١٣٨﴾ إِنَّ هَؤُلَاءِ مَتَّبِعُوا
 مَا هُمْ فِيهِ وَبَطَلُ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٣٩﴾ قَالَ أَغَيْرَ اللَّهِ
 أَبْغِيكُمْ إِلَهًا وَهُوَ فَضَّلَكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ ﴿١٤٠﴾ وَإِذْ أَنْجَيْنَاكُمْ
 مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ يُقْتَتِلُونَ
 أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ وَفِي ذَٰلِكُمْ بَلَاءٌ
 مِنْ رَبِّكُمْ عَظِيمٌ ﴿١٤١﴾ * وَوَعَدْنَا مُوسَى ثَلَاثِينَ لَيْلَةً
 وَأَتَمَمْنَاهَا عِشْرِينَ فَتَمَّ مِيقَاتُ رَبِّهِ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً وَقَالَ
 مُوسَى لِأَخِيهِ هَارُونَ أَخْلِفْنِي فِي قَوْمِي وَأَصْلِحْ وَلَا تَتَّبِعْ
 سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ ﴿١٤٢﴾ وَلَمَّا جَاءَ مُوسَى لِمِيقَاتِنَا وَكَلَّمَهُ
 رَبُّهُ وَقَالَ رَبِّ ارْنِي إِلَيْكَ قَالَ لَنْ نَرِيكَ وَلَكِنْ
 أَنْظِرْ إِلَى الْجَبَلِ فَإِنِ اسْتَقَرَّ مَكَانَهُ فَسَوْفَ تَرِنِي فَلَمَّا
 تَجَلَّى رَبُّهُ لِلْجَبَلِ جَعَلَهُ دَكًّا وَخَرَّ مُوسَى صَعِقًا فَلَمَّا
 أَفَاقَ قَالَ سُبْحَانَكَ تُبْتُ إِلَيْكَ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٤٣﴾



و بنی اسرائیل را از دریا گذرانیدیم پس بر گروهی وارد شدند که بریتانشان مجاورت می کردند گفتند (بنی اسرائیل) ای موسی برای ما معبودی چنانکه ایشان را معبودان هستند بساز گفت هرآینه شما گروهی هستید که نادانی می کنید (۱۳۸). هرآینه این جماعت باطل کرده شده است مذهبی که ایشان درآند و باطل است آنچه میکردند (۱۳۹). گفت موسی آیا غیر خدا را برای شما معبودی طلب کنم و او شمارا بر جهانیان فضل داده است (۱۴۰). و نعمت ما را یاد کنید چون شمارا از کسان فرعون نجات دادیم به شما عقوبت سخت می رسانیدند پسران شمارا می کشتند و دختران شمارا زنده می گذاشتند و درین امر آزمایش بزرگ از جانب پروردگار شما بود (۱۴۱). و وعده کردیم باموسی سی (۳۰) شب و آن میعاد را به ده شب دیگر تمام کردیم پس میعاد پروردگار او چهل شب کامل شد و موسی گفت به برادر خود هارون در قوم من جانشین من باش و صلاح کاری کن و راه تباه کاران را پیروی منما (۱۴۲). و چون موسی بوعده گاه ما آمد و با او پروردگار او سخن گفت، گفت ای پروردگار من بمن خویشتن را بنما تا به سوی تو نظر کنم گفت خدا مرا نخواهی دید ولیکن به سوی کوه نگاه کن پس اگر قرار گیرد به جای خود مرا خواهی دید پس وقتیکه پروردگار او بر آن کوه تجلی کرد آن کوه را به زمین هموار ساخته گردانید و موسی بی هوش شده افتاد پس چون به هوش آمد گفت به پاکی تو را یاد می کنم بازگشتم به سوی تو و من اولین مسلمانانم (۱۴۳).

قَالَ يَمْوَسَىٰ اِنِّي اَصْطَفَيْتُكَ عَلَى النَّاسِ بِرِسَالَتِي وَبِكَلِمَتِي
 فَخُذْ مَا آتَيْتُكَ وَكُن مِّنَ الشَّاكِرِينَ ﴿١٤٤﴾ وَكَتَبْنَا
 لَهُ فِي الْاَلْوَاحِ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَّوْعِظَةً وَتَفْصِيلاً لِّكُلِّ
 شَيْءٍ فَخُذْهَا بِقُوَّةٍ وَاْمُرْ قَوْمَكَ يَأْخُذُوا بِاِحْسَنِهَا سَاوِرِيكُمْ
 دَارَ الْفٰسِقِينَ ﴿١٤٥﴾ سَاَصْرِفُ عَنْ اٰيَتِي الَّذِيْنَ يَتَكَبَّرُوْنَ
 فِي الْاَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَاِنْ يَرَوْا كُلَّ اٰيَةٍ لَا يُؤْمِنُوْا بِهَا
 وَاِنْ يَرَوْا سَبِيْلَ الرُّشْدِ لَا يَتَّخِذُوْهُ سَبِيْلًا وَاِنْ يَرَوْا سَبِيْلَ
 الْاٰغْيٰى يَتَّخِذُوْهُ سَبِيْلًا ذٰلِكَ بِاَنَّهُمْ كَذَّبُوْا بِآيٰتِنَا
 وَكَانُوْا عَنْهَا غٰفِلِيْنَ ﴿١٤٦﴾ وَالَّذِيْنَ كَذَّبُوْا بِآيٰتِنَا
 وَلِقَاءِ الْاٰخِرَةِ حٰطَطَتْ اَعْمَالُهُمْ هَلْ يُجْزَوْنَ اِلَّا مَا كَانُوْا
 يَعْمَلُوْنَ ﴿١٤٧﴾ وَاَتَّخَذَ قَوْمُ مُوْسٰى مِنْۢ بَعْدِهِ مِنْ حُلِيِّهِمْ
 عِجْلًا جَسَدًا لَّهُ وُجُوْهُ اَلَمْ يَرَوْا اَنَّهُ لَا يَكْلَمُهُمْ
 وَلَا يَهْدِيْهِمْ سَبِيْلًا اَتَّخَذُوْهُ وَكَانُوْا ظٰلِمِيْنَ ﴿١٤٨﴾
 وَلَمَّا سَقَطَ فِيْ اَيْدِيْهِمْ وَرَاَوْا اَنَّهُمْ قَدْ ضَلُّوْا قَالُوْا لِيْنَ
 لَمْ يَرْحَمْنَا رَبُّنَا وَيَغْفِرْ لَنَا لَنَكُوْنَنَّ مِنَ الْخٰسِرِيْنَ ﴿١٤٩﴾

گفت ای موسی هر آئینه من تو را بر مردمان به پیغام های خود وبه شنوانیدن سخن خود برگزیده‌ام پس بگیر آنچه تو را عطا کردم و از شکر گذارندگان باش (۱۴۴). و برای موسی در لوح ها از هر جنس هر چیز برای پند و برای بیان نوشتیم پس گفتیم آنرا به قوت بگیر و قوم خود را بفرما تا به بهترین آنچه در اوست^(۳۵) عمل کنند سرای گناه گاران شمارا خواهم نمود^(۳۶) (۱۴۵). باز خواهم داشت از تأمل در آیات خود کسانی را که در زمین به ناحق تکبر می کنند و اگر ببینند هر نشانه ای که هست ایمان نیارند و اگر ببینند، راه راستی را آن را راه نگیرند و اگر راه گمراهی را ببینند آن را راه گیرند این به سبب آن است که ایشان آیات ما را تکذیب کردند و از آن غافل ماندند (۱۴۶). و کسانی که آیات ما را و ملاقات آخرت را تکذیب کردند عمل های ایشان نابود شد جزا داده نشوند الا به آنچه می کردند (۱۴۷). و قوم موسی بعد رفتنش از زیور قبطیان گوساله بدنی که او را آواز گاو بود ساختند آیندند که آن گوساله بایشان هیچ سخن نمی گفت و ایشان را به هیچ راه دلالت نمی کرد آن را معبود گرفتند و ایشان ستمگاری بودند (۱۴۸). و چون نام شدند و دیدند که ایشان گمراه شدند گفتند اگر بر ما پروردگار ما مهربانی نکند و ما را نیامرزد البته از زیان کاران باشیم (۱۴۹).

(۳۵) یعنی بعزیمت دادن رخصت والله اعلم.

(۳۶) یعنی منازل فرعونیان خراب شده خواهید دید.

وَلَمَّا رَجَعَ مُوسَىٰ إِلَىٰ قَوْمِهِ غَضْبَانَ أَسِفًا قَالَ بِسْمَا خَلَقْتُمُونِي
 مِنْ بَعْدِي أَتَعْلَمُونَ أَمْرَ رَبِّكُمْ وَأَلْقَى الْأُلُوحَ وَأَخَذَ بِرَأْسِ
 أَخِيهِ يُجْرِّهُ إِلَيْهِ قَالَ ابْنَ أُمَّ إِنَّ الْقَوْمَ اسْتَضَعَفُونِي وَكَادُوا
 يَقْتُلُونِي فَلَا تَشْمِتْ بِي الْأَعْدَاءَ وَلَا تَجْعَلْنِي مَعَ الْقَوْمِ
 الظَّالِمِينَ ﴿١٥٠﴾ قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِإِخِي وَادْخُلْنَا فِي رَحْمَتِكَ
 وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ ﴿١٥١﴾ إِنَّ الَّذِينَ اتَّخَذُوا الْعِجْلَ سَيِّئًا لَهُمْ
 غَضَبٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَذِلَّةٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَكَذَلِكَ نَجْزِي
 الْمُفْتَرِينَ ﴿١٥٢﴾ وَالَّذِينَ عَمِلُوا السَّيِّئَاتِ ثُمَّ تَابُوا مِن
 بَعْدِهَا وَآمَنُوا إِنَّ رَبَّكَ مِن بَعْدِهَا غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿١٥٣﴾
 وَلَمَّا سَكَتَ عَن مُّوسَىٰ الْغَضَبُ أَخَذَ الْأُلُوحَ فِي نُسْخَتِهَا
 هُدًى وَرَحْمَةً لِّلَّذِينَ هُمْ لِرَبِّهِمْ يَرْهَبُونَ ﴿١٥٤﴾ وَأَخْتَارَ مُوسَىٰ
 قَوْمَهُ سَبْعِينَ رَجُلًا لِّمِيقَتِنَا فَلَمَّا أَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ قَالَ
 رَبِّ لَوْ شِئْتَ أَهْلَكْتَهُم مِّن قَبْلُ وَإِنِّي أَتُهْلِكُنَا بِمَا فَعَلَ
 السُّفَهَاءُ مِنَّا إِنْ هِيَ إِلَّا فِتْنَتُكَ تُضِلُّ بِهَا مَن تَشَاءُ وَتَهْدِي
 مَن تَشَاءُ أَنْتَ وَلِيْنَا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الْغَافِرِينَ ﴿١٥٥﴾

و چون موسیٰ به سوی قوم خود خشمناک شده باز آمد اندوهگین گشته گفت چه بد جانشینی است جانشینی که پس از من کردید آیا بپرستش گوساله از حکم پروردگار خویش پیشی گرفتید والواح را انداخت و موسیٰ سربرادر خود را گرفت و او را به سوی خود می کشید هارون گفت ای پسر مادر من هر آئینه این قوم مرا ضعیف شمردند و نزدیک بودند که مرا بکشند پس بسبب اهانت من دشمنان را شادمکن و مرا با گروه ستمگاران شمارمکن (۱۵۰). گفت موسیٰ ای پروردگار من مرا و برادر مرا بیمارز ما را در بخشایش خود داخل کن و توبخشاینده ترین بخشایندگانی (۱۵۱). هر آئینه کسانی که گوساله را معبود گرفتند باین جماعت خشمی از پروردگار ایشان و رسوایی در حیات دنیا خواهد رسید وهم چنین افترا کنندگان را جزای دهیم (۱۵۲). و هر آئینه کسانی که گناه ها کردند باز بعد از آن گناهان توبه نمودند و ایمان آوردند البته پروردگار توبعد از توبه آمرزنده مهربان است (۱۵۳). و چون خشم از خاطر موسیٰ ساکن شد الواح را گرفت و در مکتوب وی هدایت بود و بخشایش آنان را که ایشان از پروردگار خود می ترسند (۱۵۴). و موسیٰ از قوم خود هفتاد کس برای میعاد ما اختیار کرد^(۳۷) پس وقتیکه ایشان را زلزله گرفت موسیٰ گفت ای پروردگار من اگر می خواستی پیش ازین ایشان را و مرا هلاک می کردی^(۳۸) آیا ما را به جزای آنچه بی خردان از قوم ما کردند هلاک می کنی این حادثه مگر امتحان نیست تو به آن هر که را خواهی گمراه می کنی و بآن هر که را خواهی راه می نمایی تو کار ساز مایی پس ما را بیمارز و بر ما مهربانی کن و توبهترین آمرزندگانی (۱۵۵).

(۳۷) یعنی تا عذر گویند از عبادت گوساله و این جماعت اگر چه عبادت نکرده بودند بر عبادت کنندگان انکار هم نکردند پس خدای تعالی هلاک ساخت والله اعلم.

(۳۸) یعنی اگر در بنی اسرائیل هلاک می شدند تهمت قتل بر موسیٰ نمی نهادند والله اعلم.

* وَأَكْتَبْنَا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ
 إِنَّا هُدْنَا إِلَيْكَ قَالَ عَذَابِي أُصِيبُ بِهِ مَنْ أَشَاءُ وَرَحْمَتِي
 وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ فَسَأَكْتُبُهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ وَيُؤْتُونَ
 الزَّكَاةَ وَالَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِنَا يُؤْمِنُونَ ﴿١٥٦﴾ الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ
 الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ
 فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَا أُمَّهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ
 عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ
 الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ
 عَلَيْهِمْ فَاَلَّذِينَ ءَامَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا
 النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ ءَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿١٥٧﴾
 قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا الَّذِي
 لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ
 فَأَمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ الَّذِي يُؤْمِنُ بِاللَّهِ
 وَكَلِمَاتِهِ وَاتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ﴿١٥٨﴾ وَمِن
 قَوْمِ مُوسَى أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ ﴿١٥٩﴾

و برای ما درین دنیا نیکی و در آخرت نیز نیکی بنویس (یعنی مقدرکن) هر آئینه ما به سوی تو رجوع کردیم گفت خدا عذابم را می رسانمش بهره که خواهم و مهربانی من هر چیز را احاطه کرده است پس خواهم نوشت (رحمت کامله خود را)^(۳۹) برای کسانی که پرهیز گاری میکنند و زکوة میدهند و کسانی که ایشان بآیات مامعتقد می شوند^(۴۰) (۱۵۶). (خواهم نوشت رحمت اخرویة) برای آنانکه آن پیامبر را که نبی امی است پیروی می کنند آنکه نعت او نوشته نزدیکشان در تورات و انجیل می یابند که می فرماید ایشان را بکار پسندیده ایشان را از ناپسندیده باز میدارد و برای ایشان پاکیزه هارا حلال می کند و برایشان ناپاکیزه هارا حرام می کند و از ایشان بار گران ایشان را ساقط می کند و آن مشقت هارا که برایشان بود پس آنانکه به او ایمان آوردند و او را تعظیم کردند و او را یاری دادند و نوری را که همراه وی نازل کرده شده است پیروی کردند ایشانند رستگاران^(۴۱) (۱۵۷). بگو ای مردمان هر آئینه من به سوی همگی شما پیامبر خدایم، آن خدا و او راست پادشاهی آسمان ها و زمین هیچ معبود بر حقی مگر او نیست زنده می کند و می میراند پس به خدا و به پیامبر او که نبی امی است ایمان آورید آنکه خدا را و سخنان او را تصدیق می نماید و او را پیروی کنید تا این که شما راه یاب شوید (۱۵۸). و از قوم موسی گروهی هست که مردمان را به راه راست راهنمایی می کنند و بر راستی حکم می کنند (۱۵۹).

(۳۹) یعنی در آخرت.

(۴۰) یعنی فساکتها آنست که در آخر زمان رحمت خاص باشد به متابعان نبی اُمی و الله اعلم.

(۴۱) مترجم گوید بشارت دادن خدای تعالی حضرت موسی را به امت مرحومه دلیل اول است بر نبوت آنحضرت و لهنّامی فرماید و الله اعلم.

وَقَطَعْنَهُمْ اثْنَيْ عَشَرَ نَبِطًا أُمَّمًا وَأَوْحَيْنَا إِلَى
 مُوسَى إِذِ اسْتَسْقَاهُ قَوْمُهُ أَنْ أَضْرِبَ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ^{١٦٦}
 فَانْبَجَسَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ
 مَشْرَبَهُمْ وَظَلَّلْنَا عَلَيْهِمُ الْغَمَمَ وَأَنْزَلْنَا عَلَيْهِمُ
 الْمَنَّ وَالسَّلْوَى كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَمَا
 ظَلَمُونَا وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ﴿١٦٧﴾
 وَإِذْ قِيلَ لَهُمْ اسْكُنُوا هَذِهِ الْقَرْيَةَ وَكُلُوا مِنْهَا
 حَيْثُ شِئْتُمْ وَفُولُوا حِطَّةً وَادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا
 نَغْفِرْ لَكُمْ خَطِيئَتِكُمْ سَنَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ
 ﴿١٦٨﴾ فَبَدَّلَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ قَوْلًا غَيْرَ الَّذِي قِيلَ
 لَهُمْ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِجْزًا مِنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا
 يَظْلِمُونَ ﴿١٦٩﴾ وَسَأَلَهُمْ عَنِ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ
 حَاضِرَةَ الْبَحْرِ إِذْ يَعْدُونَ فِي السَّبْتِ إِذْ تَأْتِيهِمْ
 حِيتَانُهُمْ يَوْمَ سَبْتِهِمْ شُرَّعًا وَيَوْمَ لَا يَسْبِتُونَ لَا تَأْتِيهِمْ
 كَذَلِكَ نَبْلُوهُمْ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ ﴿١٧٠﴾

و بنی اسرائیل را به دوازده قسم قبیله قبیله گروه گروه متفرق ساختیم و به سوی موسی وقتی که آب خواستند از وی قوم او وحی فرستادیم که بعضای خود سنگ را بزن پس از آن سنگ دوازده چشمه روان شد هر گروهی آب خور خود را بدانست و برایشان ابر را سایبان ساختیم و برایشان ترنجبین (گزنگبین) و بلدرچین (تیهو) رانازل کردیم گفتیم بخورید از پاکیزه های آنچه شمارا روزی داده ایم و ایشان برماستم نکردند ولیکن بر خویشان ستم می کردند (۱۶۰). و یادکن چون گفته شد ایشان را که درین ده ساکن شوید و ازین ده هر جاکه خواسته باشید بخورید و بگویید حِطَّة و به دروازه سجده کنان داخل شوید تا برای شما گناهان شمارا بیامرزیم، نیکوکاران را زیاده خواهیم داد (۱۶۱). پس ستمگاران از بنی اسرائیل سخنی را غیر از آنچه فرموده شد ایشان را بدل کردند پس برایشان عقوبتی از آسمان فرستادیم بسبب آنکه ستم می کردند (۱۶۲). و سوال کن (یا محمد) یهود را از حال آن دهی که بر لب دریا مستقر بود چون در روز شنبه از حد می گذشتند و قتیکه ماهیان به ایشان در روزیکه ایشان به تعظیم شنبه مشغول می شدند ظاهر شده می آمدند و روزیکه تعظیم شنبه نمی کردند برای ایشان نمی آمدند همچنین ایشان را آزمودیم بسبب آنکه فسق میکردند^(۴۲) (۱۶۳).

(۴۲) مترجم گوید اهل ده سه قسم بودند قسمی شکار میکردند و قسمی از آن نهی می کردند و قسمی نه شکار می

کردند و نه از آن منع میکردند والله اعلم..

وَإِذْ قَالَتْ أُمَّةٌ مِّنْهُمْ لِمَ تَعْبُدُونَ قَوْمًا اللَّهُ مُهْلِكُهُمْ أَوْ مُعَذِّبُهُمْ
 عَذَابًا شَدِيدًا قَالُوا مَعذِرَةٌ إِلَىٰ رَبِّكُمْ وَعَلَيْهِمْ يَتَّقُونَ ﴿١٦٤﴾
 فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ أَنجَيْنَا الَّذِينَ يَنْهَوْنَ عَنِ السُّوءِ
 وَأَخَذْنَا الَّذِينَ ظَلَمُوا بِعَذَابٍ بَئِيسٍ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ ﴿١٦٥﴾
 فَلَمَّا عَتَوْا عَن مَّا نُهَوُّوا عَنْهُ قُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ ﴿١٦٦﴾
 وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكَ لِيُبْعَثَنَّ عَلَيْهِمْ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَن يَسُومُهُمْ
 سُوءَ الْعَذَابِ إِنَّ رَبَّكَ لَسَرِيعُ الْعِقَابِ وَإِنَّهُ لَغَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿١٦٧﴾
 وَقَطَّعَتْهُمْ فِي الْأَرْضِ أُمَّمًا مِّنْهُمْ الصَّالِحُونَ وَمِنْهُمْ
 دُونَ ذَلِكَ وَبَلَوْنَهُمْ بِالْحَسَنَاتِ وَالسَّيِّئَاتِ لَعَلَّهُمْ
 يَرْجِعُونَ ﴿١٦٨﴾ فَخَلَفَ مِنْ بَعدِهِمْ خَلْفٌ وَرِثُوا الْكِتَابَ
 يَأْخُذُونَ عَرَضَ هَذَا الْأَدْنَىٰ وَيَقُولُونَ سَيُغْفَرُ لَنَا وَإِن
 يَأْتِهِمْ عَرَضٌ مِّثْلُهُ يَأْخُذُوهُ أَلَمْ يُؤْخَذْ عَلَيْهِمْ مِيثَاقُ الْكِتَابِ
 أَن لَّا يَقُولُوا عَلَىٰ اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ وَدَرَسُوا مَا فِيهِ وَالِدَارُ الْأُخْرَىٰ
 خَيْرٌ لِّلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿١٦٩﴾ وَالَّذِينَ يُمَسِّكُونَ
 بِالْكِتَابِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ إِنَّا لَا نَضِيعُ أَجْرَ الْمُصْلِحِينَ ﴿١٧٠﴾

و یادکن چون گروهی از اهل آن ده گفت^(۴۳) چرا پند میدهید گروهی را که خدای تعالی ایشان را هلاک خواهد کرد یا ایشان را عذاب خواهد کرد عذاب سخت گفتند تا ما را عذری نزدیک پروردگار شما باشد و تاباشد که ایشان پرهیزگاری کنند (۱۶۴). پس وقتی که آنچه را که بآن پند داده شد ایشانرا فراموش کردند کسانی را که از کار بد منع میکردند نجات دادیم و ستمگاران را به عذاب سخت گرفتار کردیم به سبب آنکه فاسق بودند (۱۶۵). پس چون تکبر کردند از ترک آنچه ایشان را (از آن) منع کرده شد گفتیم ایشانرا بوزینگان خوار شده شوید (۱۶۶). و یادکن چون آگاه گردانید پروردگارتو^(۴۴) که البته بفرستد برایشان تاروز قیامت کسی را که به ایشان عقوبت سخت برساند هر آئینه پروردگار تو زود عقوبت کننده است و هر آئینه او آمرزنده مهربان است^(۴۵) (۱۶۷). و بنی اسرائیل را در زمین گروه گروه پراکنده کردیم بعضی از ایشان شایسته کارانند و بعضی از ایشان غیر اینانند و ایشانرا به نعمت ها و مشقت ها امتحان کردیم تا به سوی راه راست بازگردند (۱۶۸). پس از پی درآمدند بعد از ایشان جانشینان بدی که وارث تورات شدند^(۴۶) متاع این عالم خسیس را اختیار می کنند و می گویند آمرزیده خواهد شد برای ما و اگر بیاید متاعی مانند آن البته آن را بگیرند^(۴۷) آیا گرفته نشده است برایشان آن عهد که در تورات است که بر خدا مگر سخن راست نگویند و خوانده اند آنچه در تورات است و سرای آخرت پرهیزگاران را بهتر است آیا نمی فهمید (۱۶۹). و آنانکه به کتاب تمسک می کنند و نماز را برپاداشتند هر آئینه ما پاداش این نیکوکاران را ضایع نمی کنیم (۱۷۰).

(۴۳) یعنی قسم ثالث نهی کنندگان را والله اعلم.

(۴۴) یعنی بنی اسرائیل را.

(۴۵) بعد ازین هیچ پادشاهی در بنی اسرائیل پیداننده، همیشه لگدکوب پادشاهان اسلام و نصاری و مجوس می بودند والله اعلم.

(۴۶) یعنی احبار بنی اسرائیل.

(۴۷) یعنی مصراندر اخذ آن و غیر نادماند از آن و توبه مصر غیر نادم صحیح نیست والله اعلم.

* وَإِذْ نَتَقْنَا الْجَبَلَ فَوْقَهُمْ كَأَنَّهُ ظُلَّةٌ وَظَنُوا أَنَّهُ وَاقِعٌ بِهِمْ
 خُذُوا مَاءَ آتَيْنَاكُمْ بَقْوَةً وَادْكُرُوا مَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴿١٧١﴾
 وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِن بَنِي آدَمَ مِنْ طُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ
 عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ شَهِدْنَا أَن تَقُولُوا يَوْمَ
 الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ ﴿١٧٢﴾ أَوْ تَقُولُوا إِنَّمَا أَشْرَكَ
 آبَاؤُنَا مِن قَبْلُ وَكُنَّا ذُرِّيَّةً مِّن بَعْدِهِمْ أَفَتُهْلِكُنَا
 بِمَا فَعَلَ الْمُبْطِلُونَ ﴿١٧٣﴾ وَكَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِعَالَمِهِمْ
 يَرْجِعُونَ ﴿١٧٤﴾ وَأَتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ الَّذِي آتَيْنَاهُ آيَاتِنَا فَانْسَلَخَ
 مِنْهَا فَاتَّبَعَهُ الشَّيْطَانُ فَكَانَ مِنَ الْغَاوِينَ ﴿١٧٥﴾ وَلَوْ شِئْنَا
 لَرَفَعْنَاهُ بِهَا وَلَكِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ وَاتَّبَعَ هَوَاهُ فَمَثَلُهُ
 كَمَثَلِ الْكَلْبِ إِن تَحْمِلْ عَلَيْهِ يَلْهَثَ أَوْ تَتْرُكْهُ
 يَلْهَثُ ذَٰلِكَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَاقْصُصْ
 الْقِصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ ﴿١٧٦﴾ سَاءَ مَثَلًا الْقَوْمُ الَّذِينَ
 كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَأَنفُسَهُمْ كَانُوا يَظْلِمُونَ ﴿١٧٧﴾ مَن يَهْدِ اللَّهُ
 فَهُوَ الْمُهْتَدَىٰ وَمَن يُضِلِلْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ ﴿١٧٨﴾

ویادکن چون کوه را بالای ایشان برداشتم گویا وی سایبان است وگمان کردند که آن کوه برایشان خواهد افتاد گفتیم آنچه را که به شما دادیم با قدرتِ تمام بگیرید و آنچه درواست یادکنید تا بؤد که شما از عذاب درپناه باشید (۱۷۱). ویادکن چون پروردگار توازینی آدم ازپشت ایشان اولاد ایشان را گرفت^(۴۸) و ایشان را برذاتهای ایشان گواه گردانید گفت آیا پروردگار شمانیستم گفتند آری هستی، گواه شدیم، این شاهدگرفتن برای احتراز از آن است که روز قیامت بگویند هرآئینه ما ازین توحید بی خبر بودیم (۱۷۲). یابگویند که بجزاین نیست که پدران ما پیش از ما شرك آورده بودند ومانسلی بعد از ایشان بودیم^(۴۹) آیا هلاک می کنی ما را به عقوبت آنچه بدکاران کردند (۱۷۳). وهم چنین نشانه ها را بیان می کنیم و تاباشد که باز گردند (۱۷۴). و برایشان بخوان خبر کسی که او را علم آیاتِ خود داده بودیم پس از علم آن آیات بیرون رفت^(۵۰) پس درپی او شیطان شد پس از گمراهان گشت^(۵۱) (۱۷۵). و اگر می خواستیم او را^(۵۲) به سبب آن آیات فرامی بردیم ولیکن به سوی پستی میل کرد و پیروی خواهش خود کرد پس صفت او مانند صفت سگ است اگر مشقت اندازی بروی^(۵۳) زبان از دهن بیرون افکند و اگر بگذاری او را نیز بیرون افکند این صفتِ گروهیست که آیات ما را تکذیب کردند پس برایشان این پندهارا بخوان تا ایشان تأمل کنند (۱۷۶). این قوم باعتبار صفت بدانند که آیات ما را تکذیب کردند و بر خویشان ستم می کردند (۱۷۷). هر که خدا او را راه نماید پس همانست راه یابنده و هر که خدا او را گمراه سازد پس آن جماعت ایشان زیان کارانند (۱۷۸).

(۴۸) یعنی روز میثاق از آدم اولاد او را پیدا کرد و از آنان اولاد ایشانرا به ترتیبی که در خارج متحقق شد پیدا کرد و الله اعلم.

(۴۹) یعنی پس تقلید ایشان کردیم.

(۵۰) یعنی تابع شهوات نفس شد و تابع شهوات نفس را عالم نتوان گفت.

(۵۱) یعنی بلغم با عور که کتب الهی را خوانده بود بعد از آن به اغوای زن خود به ابدای حضرت موسی علیه السلام قصد کرد و ملعون شد و الله اعلم.

(۵۲) یعنی منزلت او را.

(۵۳) یعنی بزدن و دوانیدن.

وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِّنَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ
 بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا
 أُولَئِكَ كَالْأَنْعَمِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ ﴿١٧٩﴾ وَلِلَّهِ
 الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا وَذَرُوا الَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِي أَسْمَائِهِ
 سَيُجْرَوْنَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٨٠﴾ وَمِمَّنْ خَلَقْنَا أُمَّةً يَهْدُونَ بِالْحَقِّ
 وَبِهِ يَعْدِلُونَ ﴿١٨١﴾ وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا سَنَسْتَدْرِجُهُمْ
 مِّنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ ﴿١٨٢﴾ وَأُمَلِي لَهُمْ إِنْ كِيدِي مَتِينٌ ﴿١٨٣﴾ أُولَئِكَ
 يَتَفَكَّرُونَ مَا بَصَابِحِهِمْ مِّنْ جَنَّةٍ إِنْ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ مُّبِينٌ ﴿١٨٤﴾
 أُولَئِكَ يَنْظُرُوا فِي مَلَكَاتِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا خَلَقَ اللَّهُ
 مِنْ شَيْءٍ وَأَنْ عَسَىٰ أَنْ يَكُونَ قَدِ اقْتَرَبَ أَجَلُهُمْ فَبِأَيِّ حَدِيثٍ
 بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ ﴿١٨٥﴾ مَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَلا هَادِيَ لَهُ وَيَذَرُهُمْ
 فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ ﴿١٨٦﴾ يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا
 قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِّي لَا يُجَلِّيهَا لِوَقْتِهَا إِلَّا هُوَ ثَقُلَتْ فِي
 السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا تَأْتِيكُمُ إِلَّا بَغْتَةً يَسْأَلُونَكَ كَأَنَّكَ حَفِيٌّ عَنْهَا
 قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ اللَّهِ وَلَٰكِن أَكْثَرُ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿١٨٧﴾

وهرآئینه برای دوزخ بسیاری از جنیان و آدمیان بیافریدیم، ایشانرا دلهاست که بآنها نمی فهمند و ایشان را چشم هاست که بآنها نمی بینند و ایشان را گوشها است که بآنها نمی شنوند ایشان مانند چهارپایانند بلکه ایشان گمراه ترند، ایشان بی خبراند (۱۷۹). و برای خدا نام های نیک است پس او را بآن نام ها بخوانید، آنانرا که کجروی می کنند در نام های خدا^(۵۴) رهسازید به ایشان داده خواهد شد جزاء آنچه میکردند (۱۸۰). و از آن جماعت که پیدا کرده ایم گروهی هست که بدین حق راهنمایی می کنند و بآن (دین حق) به عدل حکم می کنند (۱۸۱). و کسانیکه آیات ما را تکذیب کردند به تدریج ایشان را (تامحل هلاک) از آنجا که ندانند بکشیم (۱۸۲). و ایشان را مهلت دهیم، هرآئینه تدبیر من محکم است (۱۸۳). آیاتأمل نکردند که این هم نشین ایشانرا هیچ دیوانگی نیست، او مگریم کننده آشکار نیست (۱۸۴). آیا در پادشاهی خدا در آسمان ها و زمین و در آنچه خدا پیدا کرده است از هر چیز ننگریستانند و آیا در آن که شاید اجل ایشان نزدیک شده باشد نظر نکرده اند پس بکدام سخن بعد از قرآن ایمان خواهند آورد (۱۸۵). هر که خدا او را گمراه سازد پس هیچ راهنمایی برای او نیست و خدا ایشان را در گمراهی خویش سرگردان شده می گذارد (۱۸۶). تو را از قیامت که کی باشد استقرار آن سوال می کنند بگوجزاین نیست که علم قیامت نزد پروردگار من است آن را در وقت آن مگر خدا پدید نیاورد، گران شده است^(۵۵) در آسمانها و زمین نیاید به شما مگر ناگهان تو را از قیامت سوال می کنند گویا تو از آن کاوش کننده ای^(۵۶) بگوجزاین نیست که دانش اونزد خداست ولیکن بیشتر مردمان نمی دانند (۱۸۷).

(۵۴) یعنی ابر المسیح و ابر الملائکه می گفتند.

(۵۵) یعنی مشکل شده است دانستن قیامت.

(۵۶) یعنی عالمی بآن.

قُلْ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ وَلَوْ كُنْتُ
 أَعْلَمُ الْغَيْبِ لَأَسْتَكْثَرْتُ مِنَ الْخَيْرِ وَمَا مَسَّنِيَ السُّوءُ
 إِنْ أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ وَبَشِيرٌ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿١٨٨﴾ * هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ
 مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا فَلَمَّا
 تَغَشَّاهَا حَمَلَتْ حَمْلًا خَفِيفًا فَمَرَّتْ بِهِ فَلَمَّا أَثْقَلَتْ دَعَا
 اللَّهُ رَبَّهُمَا لِإِنِّءَ اتَيْتَنَا صَالِحًا لَنَكُونَ مِنَ الشَّاكِرِينَ ﴿١٨٩﴾
 فَلَمَّا آتَاهُمَا صَالِحًا جَعَلْنَا لَهُ شُرَكَاءَ فِيمَا آتَاهُمَا فَتَعَلَى
 اللَّهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿١٩٠﴾ أَيَشْرِكُونَ مَا لَا يَخْلُقُ شَيْئًا وَهُمْ يُخْلِقُونَ
 ﴿١٩١﴾ وَلَا يَسْتَطِيعُونَ لَهُمْ نَصْرًا وَلَا أَنفُسُهُمْ يَنْصُرُونَ ﴿١٩٢﴾
 وَإِن تَدْعُوهُمْ إِلَى الْهُدَى لَا يَتَّبِعُواكُمْ سِوَاءَ عَلَيْكُمْ أَدْعَوْتُمُوهُمْ
 أَمْ أَنْتُمْ صَالِحُونَ ﴿١٩٣﴾ إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ عِبَادٌ
 أَمْثَالُكُمْ فَادْعُوهُمْ فَلْيَسْتَجِيبُوا لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ
 صَادِقِينَ ﴿١٩٤﴾ أَلَهُمْ أَرْجُلٌ يَمْشُونَ بِهَا أَمْ لَهُمْ أَيْدٍ يَبْطِشُونَ
 بِهَا أَمْ لَهُمْ أَعْيُنٌ يُبْصِرُونَ بِهَا أَمْ لَهُمْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ
 بِهَا قُلْ ادْعُوا شُرَكَاءَكُمْ ثُمَّ كِيدُوا فَلَا تُنظِرُونَ ﴿١٩٥﴾

بگو برای خود سودی و نه زیانی نمی توانم مگر آنچه را که خدا خواسته است و اگر من علم غیب می دانستم البته خیر بسیار (برای خود) فراهم می آوردم هیچ ناخوشی ای بمن نمی رسید، نیستم من مگر بیم کننده و مژده دهنده برای گروهی که ایمان دارند (۱۸۸). اوست آنکه شما را از یک تن پیدا کرد و از آن یک تن زنش را پیدا کرد تا با وی آرام گیرد^(۵۷) پس چون او با همسرش جماع کرد حامله شد باری سبک پس به آن بارسبک آمد و رفت کرد بعد از آن چون زن گران بار شد هر دو بجناب پروردگار خویش دعا کردند که اگر ما را فرزندی شایسته بدهی البته از شکر گذاران باشیم (۱۸۹). پس چون خدای تعالی ایشان را فرزندی شایسته داد برای او شریکان در آنچه داده بود بایشان مقرر کردند پس خدا از آنچه شریک مقرر میکنند بلند قداست^(۵۸) (۱۹۰). آیا این مشرکان چیزی را که هیچ نمی آفریند و خود این شریکان آفریده می شوند شریک مقرر می کنند (۱۹۱). و برای پرستندگان خود یاری دادن نمی توانند و نه خود را یاری می دهند (۱۹۲). و اگر بتان را به سوی راه هدایت بخوانید شما را پیروی نکنند^(۵۹) برابر است بر شما آنکه ایشان را بخوانید یا خاموش باشید (ای مشرکان) (۱۹۳). هر آینه کسانی که ایشان را به جای خدا عبادت می کنید بندگانند مانند شما پس ایشان را بخوانید و باید که دعای شما را اگر راست گوهستید قبول کنند (۱۹۴). آیاتان را پاهایی است که با آن راه می روند آیا ایشان را دست ها است که با آن تناول میکنند آیا ایشان را چشم ها است که با آن می بینند آیا ایشان را گوشها است که با آن می شنوند بگوای مشرکان شریکان خود را بخوانید بعد از آن در حق من تدبیر کنید و مرا مهلت مدهید (۱۹۵).

(۵۷) ﴿فَلَمَّا تَعَسَّهَا﴾ کلام علیحده است یعنی خدای تعالی آدم و حوا را پیدا کرد و از ایشان نسل بسیار پیدا آورد بعد از آن تفصیل انتشار نسل می فرماید.

(۵۸) مترجم گوید این تصویر است حال آدمی را که نزدیک ثقل حمل نیت اخلاص درست کند و چون فرزند بوجود آید آن را فراموش سازد و در تسمیه اشراک کند (منطبق بر حال حوا چنانکه در حدیث صحیح آمده که حوا حامله شد شیطان بدش و سواس انداخت و چون فرزند متولد شد نام او عبدالحارث مقرر کرد و چون وجود جمیع فیود در امثال این مواضع ضروری نیست آدم از لوث شرک مبرا باشد و این آیت عصمت او را مصادمت نکند کذا فهمت (این حدیث ضعیف و منکر است به تفسیر ابن کثیر (۵۲۶/۳) مراجعه شود و از اینجا دانسته شد که شرک در تسمیه نوعیست از شرک چنانکه اهل زمان ما غلام فلان و عبدالفلان نام می نهند.

(۵۹) یعنی اگر بگویند بخورید یا بیاشامید هیچ کار نکنند.

إِنَّ وَلِيِّ اللَّهِ الَّذِي نَزَّلَ الْكِتَابَ ۗ وَهُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ
 ﴿١٩٦﴾ وَالَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ لَا يَسْتَجِيبُونَ نَصَرَكُمْ
 وَلَا أَنْفُسَهُمْ يَنْصُرُونَ ﴿١٩٧﴾ وَإِنْ تَدْعُوهُمْ إِلَى الْهُدَى لَا يَسْمَعُوا
 وَتَرَاهُمْ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ وَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ ﴿١٩٨﴾ خُذِ الْعَفْوَ
 وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ ﴿١٩٩﴾ وَإِنَّمَا يَنْزَعُكَ
 مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْعٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٢٠٠﴾ إِنَّ
 الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَافٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا
 فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ ﴿٢٠١﴾ وَإِخْوَانُهُمْ يَمُدُّوهُمْ فِي الْغَىِّ ثُمَّ
 لَا يَقْصِرُونَ ﴿٢٠٢﴾ وَإِذَا لَمْ تَأْتِهِمْ بَيِّنَةٌ قَالُوا لَوْلَا اجْتَبَيْتَهَا
 قُلْ إِنَّمَا أَتَّبِعُ مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ مِنْ رَبِّي هَذَا بَصَائِرُ مِنْ رَبِّكُمْ
 وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿٢٠٣﴾ وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ
 فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ﴿٢٠٤﴾ وَادْكُرْ رَبَّكَ
 فِي نَفْسِكَ تَضَرُّعًا وَخِيفَةً وَدُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ بِالْغُدُوِّ
 وَالْآصَالِ وَلَا تَكُنْ مِنَ الْغَافِلِينَ ﴿٢٠٥﴾ إِنَّ الَّذِينَ عِنْدَ رَبِّكَ
 لَا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ ۖ وَيُسَبِّحُونَهُ ۖ وَهُدًى وَيَسْجُدُونَ ﴿٢٠٦﴾



هرآئینه کارسازمن خداست آنکه کتاب را فرود آورد و او نیکوکاران را کارسازی می کند (۱۹۶). و آنانکه ایشان را به جای خدا می خوانید یاری دادن شما را نمی توانند و نه خود را یاری می دهند (۱۹۷). و اگر دعوت کنید ایشان را به سوی راه هدایت سخن شمارا نشنوند و ای بیننده می بینی بتان را که می نگرند به سوی تو حال آنکه ایشان هیچ نمی بینند (۱۹۸). درگذر را لازم گیر و بکار پسندیده بفرما و ازنادانان اعراض کن (۱۹۹). و اگر از (سوی) شیطان و سوسه ای به تورد پس از خدا پناه طلب کن هرآئینه او شنوا دانا است (۲۰۰). هرآئینه متقیان چون ایشان را و سوسه ای از شیطان برسد خدا را یاد می کنند پس ناگهان ایشان بینا می شوند (۲۰۱). و برادران کافران^(۶۰) ایشان را در گمراهی می کشند سپس باز نمی ایستند (۲۰۲). و چون نزدیک ایشان آیتی نمی آری می گویند چرا از طرف خود اورا اختیار نکردی؟ بگوجزاین نیست که پیروی می کنم به آنچه به سوی من از پروردگار من فرود آورده شده است این (قرآن) نشانه هایی است از پروردگار شما و هدایت و بخشایش برای قوم مومنان است (۲۰۳). و چون قرآن خوانده شود پس به سوی آن گوش نهید و خاموش باشید تا بر شما مهربانی کرده شود (۲۰۴). و پروردگار خود را در دلت بزاری و ترسکاری یاد کن و پروردگار خود را به کلام پست تر از بلند آوازی یا مداد و شبانگاه یاد کن و از غافلان مباش (۲۰۵). هرآئینه کسانی که نزد پروردگار تواند از عبادت او^(۶۱) گردن کشی نمی کنند و اورا بپاکی یاد میکنند فقط اورا سجده می کنند (۲۰۶).

(۶۰) یعنی قرینان ایشان از شیاطین و الله اعلم.

(۶۱) یعنی ملاء اعلی.

سورة الأنفال

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ قُلِ الْأَنْفَالُ لِلَّهِ وَالرَّسُولِ فَأَتَقُوا اللَّهَ
وَأَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَإِنْ كُنْتُمْ
مُؤْمِنِينَ ﴿١﴾ إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَّتْ
قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ
يَتَوَكَّلُونَ ﴿٢﴾ الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ
يُنْفِقُونَ ﴿٣﴾ أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ
رَبِّهِمْ وَمَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ ﴿٤﴾ كَمَا أَخْرَجَكَ رَبُّكَ
مِن بَيْتِكَ بِالْحَقِّ وَإِنَّ فَرِيقًا مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ لَكَرِهُونَ ﴿٥﴾
يُجَادِلُونَكَ فِي الْحَقِّ بَعْدَ مَا تَبَيَّنَ كَأَنَّمَا يُسَاقُونَ إِلَى الْمَوْتِ
وَهُمْ يَنْظُرُونَ ﴿٦﴾ وَإِذْ يَعِدُكُمُ اللَّهُ إِحْدَى الطَّائِفَتَيْنِ أَنَّهَا
لَكُمْ وَتَوَدُّونَ أَنَّ غَيْرَ ذَاتِ الشَّوْكَةِ تَكُونُ لَكُمْ وَيُرِيدُ
اللَّهُ أَنْ يُحَقِّقَ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَيَقْطَعَ دَابِرَ الْكَافِرِينَ ﴿٧﴾
لِيُحَقِّقَ الْحَقَّ وَيُبْطِلَ الْبَاطِلَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ ﴿٨﴾



سوره انفال مدنی است و آن هفتادو
پنج آیه و ده رکوع است

بنام خدای بخشاینده مهربان.

تورا از غنیمت‌ها می‌پرسند^(۱) بگو غنیمت‌ها برای خدا و رسول است^(۲) پس از خدا بترسید و جریانی را که میان شما است به صلاح آرید و خدا و رسول او را اگر مسلمان هستید فرمان برید (۱). جز این نیست که مومنان آنانند که چون یاد کرده شود خدا دل‌های ایشان بترسد و چون برایشان آیات خدا خوانده شود آن آیات ایمان ایشان را زیاده سازند و برپروردگار خویش توکل میکنند (۲). آنانکه نماز را برپا می‌دارند و از آنچه روزی داده ایم ایشانرا خرج میکنند (۳). این جماعت به حقیقت مومنان ایشانند ایشان را مرتبه‌هاست نزد پروردگار ایشان و آموزش و روزی نیک است (۴). چنانکه تورا پروردگار تو از خانه ات به تدبیر درست بیرون آورد و هراتینه گروهی از مسلمانان ناخوشنود بودند^(۳) (۵). خصومت میکردند با تو در سخن راست بعد از آنکه ظاهر شد گویا به سوی مرگ رانده می‌شوند و ایشان در آن می‌نگرند (۶). و (یادکن نعمت الهی را) آن گاه که خدا یکی از دو گروه را وعده شما می‌داد که وی شما را باشد و دوست میداشتید که گروه غیر جنگی (کاروان تجاری) شما را بود و خدا می‌خواست که دین حق را به فرمان‌های خویش ثابت کند و بنیاد کافران را ببرد (۷). می‌خواست تا دین حق را ثابت کند و دین باطل را برطرف کند اگر چه گناهگاران ناخوشنود باشند^(۴) (۸).

(۱) سوره انفال در قصه بدر فرود آمده است در آیات این سوره بوقائع این غزوه اشاره شده: از آن جمله آنست که مسلمانان در غنیمت مباحه میکردند آنانکه غارت کرده بودند خواستند که تنها بر آن متصرف شوند دیگران خواستند که برابر قسمت شود خدای تعالی نازل ساخت که متصرف و مختار در غنائم خدا و رسول اوست و دیگری را درین باب دخلی نیست آنچه اهل جاهلیت می‌کردند از استیثار غارت‌کننده به غنیمت باطل است بعد از آن حکم فرمود که غنیمت را پنج قسم باید کرد چهار قسم در میان غانمان قسمت کنند و یکی در بیت المال نگاهداشته به مصرف آن رسانند و این تصرف حق است و عطای اوست بغیر دخل غارت‌کنندگان پس آیه ﴿فَلِلْأَنْفَالِ يَوْمَئِذٍ لِلرَّسُولِ﴾ محکم است غیر منسوخ.

(۲) یعنی متصرف در غنائم ایشانند و کسی دیگر را اختیاری نیست والله اعلم.

(۳) مترجم گوید یعنی تصرف در قسمت بروفق حکم خدا است نه موافق آرزوی نفس‌های شما چنانکه بیرون آوردن تو به تدبیر درست بود نزدیک خدا بر خلاف اراده والله اعلم.

(۴) مترجم گوید درین آیات تعریض است بآن قصه که آنحضرت صلی الله علیه و سلم در غزوه بدر برای غارت کردن کاروان قریش متوجه شد و این خبر کاروان رسید راه ساحل را اختیار نمودند بنابراین از گرفت پیامبر و لشکر یانش خلاص شدند ابو جهل که بمدد ایشان با لشکرگاران از مکه بر آمده بود مقابل آنحضرت شد بعضی اصحاب میل بغارت کردن و جمعی قصد کارزار لشکر نمودند و مرضی آنحضرت جنگ با لشکر بود.

إِذْ تَسْتَغِيثُونَ رَبَّكُمْ فَاسْتَجَابَ لَكُمْ أَنِّي مُمِدُّكُمْ بِالْفِ
 مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُرْدِفِينَ ﴿٩﴾ وَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَى
 وَلِتَطْمَئِنَّ بِهِ قُلُوبُكُمْ وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ
 عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿١٠﴾ إِذْ يُغَشِّيكُمُ النُّعَاسُ أَمَنَةً مِنْهُ وَيُنزِلُ
 عَلَيْكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لِّيُطَهِّرَ كُفْرًا بِهِ وَيُذْهِبَ عَنْكُمْ
 رِجْسَ الشَّيْطَانِ وَلِيَرْبِطَ عَلَى قُلُوبِكُمْ وَيُثَبِّتَ بِهِ الْأَقْدَامَ
 ﴿١١﴾ إِذْ يُوحِي رَبُّكَ إِلَى الْمَلَائِكَةِ أَنِّي مَعَكُمْ فَثَبَّتُوا الَّذِينَ
 ءَامَنُوا سَأَلَتْنِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا أَلرُّعْبَ فَأَضْرِبُوا
 فَوْقَ الْأَعْنَاقِ وَأَضْرِبُوا مِنْهُمْ كُلَّ بَنَانٍ ﴿١٢﴾ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ
 شَاقُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ، وَمَنْ يُشَاقِقِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ، فَإِنَّ اللَّهَ
 شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿١٣﴾ ذَلِكَ كَفَرْتُمْ فَذُوقُوهُ وَأَنَّ لِلْكَافِرِينَ
 عَذَابَ النَّارِ ﴿١٤﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ الَّذِينَ
 كَفَرُوا زَحَفًا فَلَا تُولُوهُمْ الْأَدْبَارَ ﴿١٥﴾ وَمَنْ يُؤَلِّمِهِمْ يُؤَمِّدِ
 دُبُرَهُ إِلَّا مُتَحَرِّفًا لِّقِتَالٍ أَوْ مُتَحَيِّزًا إِلَى فِئَةٍ فَقَدْ بَاءَ
 بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ وَمَأْوَاهُ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ ﴿١٦﴾

آنگاه که به جناب پروردگار خویش فریاد می کردید پس دعای شما را قبول کرد که من بهزار کس از فرشتگان از پس ایشان جماعت دیگر را آورده^(۵) مددکننده^(۶) شما ام (۹). و خدا این مدد را نه ساخت مگر برای مژده و تا بآن دل های شما آرام گیرد و نیست فتح مگر از نزدیک خدا هر آئینه خدا غالب با حکمت است (۱۰). آنگاه که شما را به خواب سبک می پوشید بجهت ایمنی از نزد خود و بر شما از آسمان آب باران را فرود می آورد تا شما را بآن پاک کند و از شما آلودگی شیطان را ببرد و تا بردل های شما ببندد یعنی ثابت دارد دلها را و بآن پلها را محکم کند^(۱۱) (۱۱). آنگاه که پروردگار تو به سوی فرشتگان وحی می فرستاد که من باشما هستم پس مسلمانان را استوار سازید در دل های کافران رعب خواهم افگند پس ای مسلمانان بزنید بالای گردن ها و از ایشان هر طرف دست و پای را بزنید (۱۲). این بسبب آن است که ایشان با خدا و رسول او خلاف کردند و هر که با خدا و رسول او خلاف کند پس خدا سخت عقوبت است (۱۳). این را بچشید و (بدانید) اینکه برای کافران عذاب آتش است (۱۴). ای مومنان چون با کافران انبوه کرده بهم آید پس به سوی ایشان پشت هارا مگردانید (یعنی فرار نکنید) (۱۵). و هر که از ایشان آن روز پشت خود را بگرداند مگر رجوع کنان برای جنگی یا به سوی گروهی پناه جوین پس هر آئینه بخشمی از خدا بازگشت و جای او جهنم است و بد جای است (۱۶).

(۵) یعنی یک هزار بودند بعد از آن سه هزار گشتند و بعد از آن پنج هزار شدند والله اعلم.

(۶) مترجم گوید درین آیات تعریض است بآن قصه که روز بدر مسلمانان تشنه بودند و بی وضو بودند آب نداشتند و ازین جهت و سوسه شیطان به خاطر ایشان راه می یافت خدای تعالی باران فرستاد و خواب سبک را بر چشم ایشان مسلط کرد تا اضطراب دل ایشان برطرف شد.

فَلَمْ تَقْتُلُوهُمْ وَلَٰكِنَّ اللَّهَ قَاتَهُمْ وَمَارَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ
وَلَٰكِنَّ اللَّهَ رَمَىٰ وَلِيُبْلِيَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْهُ بَلَاءً حَسَنًا
إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿١٧﴾ ذَٰلِكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ مُوهِنٌ كَيْدِ
الْكَافِرِينَ ﴿١٨﴾ إِنْ تَسْتَفْتِحُوا فَقَدْ جَاءَكُمْ الْفَتْحُ وَإِنْ
تَنْتَهُوا فَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَإِنْ تَعُودُوا نَعُدْ وَلَنْ تُغْنِيَ عَنْكُمْ
فِعْتُكُمْ شَيْئًا وَلَوْ كَثُرَتْ وَأَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٩﴾
يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَوَلَّوْا عَنَّهُ
وَأَنْتُمْ تَسْمَعُونَ ﴿٢٠﴾ وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ قَالُوا سَمِعْنَا وَهُمْ
لَا يَسْمَعُونَ ﴿٢١﴾ * إِنْ شَرَّ الدَّوَابُّ عِنْدَ اللَّهِ الضَّمُّ إِلَيْكُمُ
الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ ﴿٢٢﴾ وَلَوْ عَلِمَ اللَّهُ فِيهِمْ خَيْرًا لَأَسْمَعَهُمْ
وَلَوْ أَسْمَعَهُمْ لَتَوَلَّوْا وَهُمْ مُّعْرِضُونَ ﴿٢٣﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ
ءَامَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ
وَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ وَأَنَّهُ وَ إِلَيْهِ
تُحْشَرُونَ ﴿٢٤﴾ وَاتَّقُوا فَتْنَةَ لَّا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا
مِنْكُمْ خَاصَّةً وَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿٢٥﴾

سورة الأنفال
الجزء التاسع
١٨

پس شما این جماعت را نکشته اید ولیکن خدا ایشان را کشت و تو (یا محمد) نیفکندی^(۷) و قتیکه افکندی ولیکن خدا افکند و تا مسلمانان را از نزد خویش عطای نیکو به بخشد هر آینه خدا شنو ادا است^(۸) (۱۷). حال این است بدانید که خدا حیلۀ کافران را سست کننده است (۱۸). ای کافران اگر طلب فتح می کردید پس به شما فتح آمد و اگر باز ایستید پس آن شما را بهتر است و اگر باز گردید (یعنی به نافرمانی)، باز گردیم^(۹) و جماعت شما هیچ چیزی را اگر چه بسیار باشد از شما دفع نکند. بدانید که خدا با مسلمانان است^(۱۰) (۱۹). ای مسلمانان خدا و رسول او را فرمانبرداری کنید و از وی روی مگردانید حال آنکه شما می شنوید (۲۰). و مانند کسانی که گفتند شنیدیم و ایشان نمی شنوند نشوید^(۱۱) (۲۱). هر آینه بدترین جنبندهگان نزد خدا کرانند گنگانند آنانکه در نمی یابند (۲۲). و اگر خدا در ایشان نیکویی سراغ داشت البته ایشان را شنو اندی^(۱۲) و اگر شنو اندی حتماً اعراض کنان روی میگردانیدند (۲۳). ای مسلمانان خواندن خدا و رسول را قبول کنید چون بخواند شمارا برای آنکه شما را زنده سازد و بدانید که خدا در میان انسان و دل او^(۱۳) حائل می شود و بدانید که به سوی او برانگیخته خواهید شد (۲۴). و از فتنه ای پرهیزید که تنها به ستمکاران از شما نرسد^(۱۴) و بدانید که هر آینه خدا سخت عقوبت کننده است^(۱۵) (۲۵).

(۷) یعنی مشتِ خاک را.

(۸) مترجم گوید تعریض است بآن قصه که آن حضرت صلی الله علیه وسلم روز بدریک مشت سنگ ریزه به سوی کفار انداخت پس هیچکس از ایشان نماند که چیزی از آن به چشمش داخل نشد و استقلال تازه به خاطر مسلمانان ظاهر شد و این تأیید غیبی بود.

(۹) یعنی به مکافات دادن.

(۱۰) مترجم گوید تعریض است بآن قصه که ابو جهل روز غزوه بدر دعا کرد که بار خدایا هر که از میان این هردو گروه قاطع رحم است و دین باطل پیش گرفته است او را هلاک کن و به حقیقت متصف باین صفات ابو جهل و قوم او بودند.

(۱۱) یعنی مانند اهل کتاب که تورات را خواندند و به زبان معترف شدند و بر آن عمل نکردند.

(۱۲) یعنی لیکن سراغ خیری در ایشان نیافت.

(۱۳) یعنی عزیزت او نسخ می کند.

(۱۴) یعنی بلکه شامت او عام بود و الله اعلم.

(۱۵) و آن فتنه ظهور عقوبت بدعت است یا ترک نهی از منکر و الله اعلم.

وَذَكُرُوا إِذْ أَنْتُمْ قَلِيلٌ مُسْتَضْعَفُونَ فِي الْأَرْضِ تَخَافُونَ
 أَنْ يَتَخَطَّفَكُمُ النَّاسُ فَءَاوَأَكُمْ وَأَيْدِيكُمْ يُنْصِرُوهُ وَرَزَقَكُمُ
 مِنَ الطَّيِّبَاتِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿٢٦﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا
 لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَتَخُونُوا أَمْنَتَكُمْ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ
 ﴿٢٧﴾ وَعَلِمُوا أَنَّ مَا ءَامَوْلَكُمْ وَأَوْلَادَكُمْ فِتْنَةٌ وَأَنَّ اللَّهَ
 عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ ﴿٢٨﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِن تَتَّقُوا
 اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا وَيُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ
 وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ﴿٢٩﴾ وَإِذْ يَمْكُرُ بِكَ
 الَّذِينَ كَفَرُوا لِيُثْبِتُوكَ أَوْ يَقْتُلُوكَ أَوْ يُخْرِجُوكَ وَيَمْكُرُونَ
 وَيَمْكُرُ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَكْرِينَ ﴿٣٠﴾ وَإِذْ أُتِيَ عَلَيْهِمْ
 ءَايَاتُنَا فَأَلُوْا قَدْ سَمِعْنَا لَوْ نَشَاءُ لَقُلْنَا مِثْلَ هَذَا إِنْ هَذَا
 إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ ﴿٣١﴾ وَإِذْ قَالُوا اللَّهُمَّ إِنْ كَانَ هَذَا
 هُوَ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِكَ فَأَمْطِرْ عَلَيْنَا حِجَابًا مِنَ السَّمَاءِ
 أَوْ ائْتِنَا بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ﴿٣٢﴾ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ
 فِيهِمْ وَمَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ ﴿٣٣﴾

و یاد کنید (ای مهاجران نعمت الهی را) آن وقت که شما اندک بودید ناتوان شمرده در زمین (یعنی در مکه) می ترسیدید از آنکه شمارا مردمان بر بایند شمارا پس جای داد (یعنی در مدینه) و شمارا به نصرت خود قوت داد و شما را از چیزهای پاکیزه روزی داد تا شود که سپاس گذاری کنید (۲۶). ای مسلمانان با خدا و رسول خیانت مکنید و امانت های یک دیگر را در حالیکه شما میدانید (یعنی مفسدات را) خیانت مکنید (۲۷). و بدانید که مال های شما و فرزندان شما آزمایش است و آنکه خدا نزد او پاداش بزرگ است (۲۸). ای مسلمانان اگر از خدا بترسید برای شما فتحی را قرار دهد و از شما گناهان تان را درگذرد و شما را بیا مرزد و خدا صاحب فضل بزرگ است (۲۹). و (یادکن نعمت الهی را) آنگاه که تدبیر بد کردند در حق تو کافران تا تورا حبس کنند یا تورا بکشند یا تورا جلاوطن کنند و ایشان تدبیر بد می کردند و خدا تدبیر می کرد (یعنی بایشان) و خدا بهترین تدبیر کنندگانست^(۱۶) (۳۰). و چون برین جماعت آیات ما خوانده می شود گویند بتحقیق شنیدیم اگر خواهیم مانند این بگوئیم نیست این مگر افسانه^۱ پیشینیان (۳۱). و آنگاه که گفتند بار خدایا اگر این قرآن از نزد تو راست هست پس بر ما سنگ را از آسمان ببار یا بر ما عذاب دردناک را ببار (۳۲). و نیست خدا که ایشان را عذاب کند و تو میان ایشان باشی و هرگز خدا عذاب کننده^۲ ایشان نیست و ایشان استغفار می کنند^(۱۷) (۳۳).

(۱۶) تعریض است به آن قصه که کفار در مکه جمع شده این رای می زدند.

(۱۷) یعنی سنت خدا آنست که تا پیامبر در میان قوم باشد عذاب عام نمی کند و همچنین تا آنکه ایشان استغفار کنند عذاب نمی آید.

وَمَا لَهُمُ الْأَيْدِيَّ بِهَمُّ اللَّهِ وَهُمْ يَصُدُّونَ عَنِ الْمَسْجِدِ
 الْحَرَامِ وَمَا كَانُوا أَوْلِيَاءَهُ إِنْ أَوْلِيَاءُوهُ إِلَّا الْمُتَّقُونَ
 وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٢٤﴾ وَمَا كَانَ صَلَاتُهُمْ
 عِنْدَ الْبَيْتِ إِلَّا الْمُكَاءَ وَتَصَدِيَةً فَذُوقُوا الْعَذَابَ
 بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ ﴿٢٥﴾ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يُنْفِقُونَ
 أَمْوَالَهُمْ لِيَصُدُّوا عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ فَيُصْنَفُونَهَا ثَمَّ تَكُونُ
 عَلَيْهِمْ حَسْرَةً ثُمَّ يُغْلَبُونَ وَالَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ
 يُحْشَرُونَ ﴿٢٦﴾ لِيَمِيزَ اللَّهُ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ وَيَجْعَلَ
 الْخَبِيثَ بَعْضُهُ عَلَىٰ بَعْضٍ فَيَرْكُمُهُ جَمِيعًا فَيَجْعَلَهُ
 فِي جَهَنَّمَ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ ﴿٢٧﴾ قُلْ لِلَّذِينَ
 كَفَرُوا إِنْ يَنْتَهُوا يُغْفَرْ لَهُمْ مَا قَدْ سَلَفَ وَإِنْ يَعُودُوا
 فَقَدْ مَضَتْ سُنَّتِ الْأَوَّلِينَ ﴿٢٨﴾ وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّىٰ
 لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ فَإِنَّ
 أَنْتَ هُوَ الْفَائِزُ إِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿٢٩﴾ وَإِنْ تَوَلَّوْا
 فَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَوْلَاكُمْ نِعْمَ الْمَوْلَىٰ وَنِعْمَ النَّصِيرُ ﴿٣٠﴾

وچیسست ایشان را که خدا ایشان را عذاب نکند حال آنکه ایشان (مردمان را) از مسجد الحرام باز میدارند و سزاوار آنجا نیستند، سزاوار در آنجا مگر متقیان نیستند ولیکن بیشترین ایشان نمی دانند (۳۴). و^(۱۸) نماز ایشان نزدیک خانه کعبه چیزی بجز سوت کشیدن و کف زدن نیست پس ای کافران عذاب را به سبب کافر شدن تان بچشید (۳۵). هرآئینه کافران اموال خود را خرج می کنند تا مردمان را از راه خدا بازدارند پس زود باشد که آنرا خرج کنند باز آن خرج کردن برایشان پشیمانی باشد باز مغلوب شوند و کافران به سوی دوزخ رانده شوند (۳۶). تا خدای تعالی ناپاک را از ناپاک جدا سازد و ناپاک را بعض آن بر بعضی بنهد پس همگی آن را توده سازد پس او را در دوزخ در آورد این جماعت ایشانند زیان کاران^(۱۹) (۳۷). به این کافران بگو اگر باز ایستند ایشان را آنچه گذشت آمرزیده شود و اگر باز گردند پس هرآئینه روش پیشینیان گذشته است^(۲۰) (۳۸). و ای مسلمانان بایشان تا آنکه هیچ فتنه نباشد (یعنی غلبه کفر) کارزار کنید و همگی دین برای خدا باشد پس اگر از شرک باز ایستند (یعنی مسلمان شوند) هرآئینه خدا بآنچه میکنند بیناست (۳۹). و اگر روبگردانند^(۲۱) پس بدانید که خدا مددگار شما است و او نیک مددگار است و نیک یاری دهنده است (۴۰).

(۱۸) یعنی بعد هجرت حضرت سیدالبشر از میان ایشان.

(۱۹) یعنی در اصل استحقاق عذاب دارند لیکن بودن پیامبر در میان ایشان مانع بود و حالا مانع برخاست.

(۲۰) مترجم گوید و این تصویر حال کسی است که می خواهد کل چیزی را جز و باطل سازد و دفع کند.

(۲۱) یعنی از اسلام.

* وَعَلِمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِّن شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمْسَهُ، وَلِلرَّسُولِ
 وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ إِن
 كُنْتُمْ ءَامَنْتُمْ بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ
 يَوْمَ التَّمَيِّجِ الْجَمْعَانِ ۗ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٤١﴾ إِذْ
 أَنْتُمْ بِالْعُدْوَةِ الدُّنْيَا وَهُمْ بِالْعُدْوَةِ الْقُصْوَىٰ وَالرَّكْبُ
 أَسْفَلَ مِنكُمْ ۗ وَلَوْ تَوَاعَدْتُمْ لِاخْتِلَافْتُمْ فِي الْمِيْعَادِ
 وَلَا كِنَ لِيَقْضِيَ اللَّهُ أَمْرًا كَانَ مَفْعُولًا لِيَهْلِكَ مَن
 هَلَكَ عَن بَيْنَتِهِ وَيُحْيِيَ مَن حَيَّ عَن بَيْنَتِهِ ۗ وَإِنَّ اللَّهَ
 لَسَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٤٢﴾ إِذْ يُرِيكَهُمُ اللَّهُ فِي مَنَامِكَ قَلِيلًا
 وَلَوْ أَرَادَكُمُ كَثِيرًا لَّفَشَلْتُمْ وَالتَّنَزَعْتُمْ فِي الْأَمْرِ
 وَلَا كِنَ لِلَّهِ سَلْمٌ إِنَّهُ وَعَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ﴿٤٣﴾ وَإِذْ
 يُرِيكُمُوهُمْ إِذِ التَّمَيُّجِ فِي أَعْيُنِكُمْ قَلِيلًا وَيَقْلُدْكُمُ
 فِي أَعْيُنِهِمْ لِيَقْضِيَ اللَّهُ أَمْرًا كَانَ مَفْعُولًا ۗ وَإِلَى اللَّهِ
 تُرْجَعُ الْأُمُورُ ﴿٤٤﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا قِيَّتُمْ فِعَةً
 فَاتَّبِعُوا وَادْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَّعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿٤٥﴾

و بدانید که آنچه از کافران ازهر جنس غنیمت یافتید پس يك پنجم آن برای خدا و پیامبر و خویشاوندان^(۲۲) و یتیمان و درویشان و مسافران است اگر بخدا و به آنچه بر بنده خویش فرو فرستادیم ایمان آورده اید، روزی که حق از باطل جدا شد روزیکه دو گروه بهم آمدند^(۲۳) و خدا بر همه چیز تواناست^(۲۴) (۴۱). اگر ایمان آوردید بآنچه فرو فرستادیم بر بنده خود آنگاه که شما بکناره^۱ نزدیک بودید و ایشان بکناره^۲ دورتر و کاروان پایین تر از شما بود (یعنی بجانب دریا) و اگر بایکدیگر وعده جنگ مقرر می کردید البته در وعده اختلاف می نمودید لیکن جمع کرد تا خدا کاری را که کردنی بود بانجام رساند تا هلاک شود کسی که بعد قیام حجت هلاک شده است و زنده ماند کسی که بعد قیام حجت زنده شده است و هر آئینه خدا شنوا داناست^(۲۵) (۴۲). آنگاه که خدا ایشان را به تودر خواب تو اندکی نشان داد و اگر بتو تعداد ایشان را بسیار نشان می داد البته از هم می پاشیدید و بایکدیگر در کار نزاع می نمودید ولیکن خدا سلامت داشت (یعنی از بزدلی) هر آئینه وی داناست بآنچه در سینه ها است (۴۳). و آنگاه که به شما ایشان را چون روبرو شدید در چشمهای شما اندکی بنمود شما را در چشمهای آنان کم نمود تا خدا کاری را که کردنی بود بانجام رساند و به سوی خدا بازگردانیده شوند (۴۴). ای مسلمانان چون با گروهی روبرو شوید پس ثابت باشید و خدا را بسیار یاد کنید تا اینکه شما رستگار شوید (۴۵).

(۲۲) یعنی خویشاوندان پیامبر را که بنی هاشم و بنی مطلب اند.

(۲۳) یعنی ایمان آوردند به آن که در روز بدر نصرت نازل فرمود.

(۲۴) مترجم گوید چهار (حصه) خمس غانمان را باید داد و یک (حصه) خمس در بیت المال نهاده بر پنج حصه یاسه حصه بایک دیگر قسمت گردد علی اختلاف المذاهب والله اعلم.

(۲۵) سراز هلاک اصرار بر کفر است و از حیات مسلمان شدن و این که ایمان آورند به آنچه بر بنده خود فرو فرستادیم.

وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ، وَلَا تَنَزَعُوا فِتْفَشْلُوا وَتَذْهَبَ
 رِيحِكُمْ وَأَصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ ﴿٤٦﴾ وَلَا تَكُونُوا
 كَالَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بَطْرًا وَرِثَاءَ النَّاسِ وَيَصُدُّونَ
 عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَاللَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ ﴿٤٧﴾ وَإِذْ زَيْنَ
 لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ وَقَالَ لَا غَالِبَ لَكُمْ أَيُّومٍ مِنَ
 النَّاسِ وَإِنِّي جَارٌ لَكُمْ فَلَمَّا تَرَأَتِ الْفِئْتَانِ نَكَصَ
 عَلَى عَقْبَيْهِ وَقَالَ إِنِّي بَرِيءٌ مِّنْكُمْ إِنِّي أَرَى مَا لَا
 تَرَوْنَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ وَاللَّهُ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿٤٨﴾ إِذْ يَقُولُ
 الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَّرَضٌ غَرَّ هَؤُلَاءِ دِينُهُمْ
 وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٤٩﴾ وَلَوْ
 تَرَى إِذْ يَتَوَفَّى الَّذِينَ كَفَرُوا الْمَلَائِكَةُ يَضْرِبُونَ
 وُجُوهَهُمْ وَأَدْبَارَهُمْ وَذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ ﴿٥٠﴾ ذَلِكَ
 بِمَا قَدَّمْتُمْ أَيْدِيَكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَمٍ لِلْعَبِيدِ ﴿٥١﴾
 كَذَّابٍ ءَالٍ فِرْعَوْنَ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ
 فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿٥٢﴾

و خدا ورسول او را فرمانبرداری کنید و بایکدیگر نزاع مکنید که درین صورت سست شوید و شأن (وشوکتان) از بین برود و شکیبایی کنید هرآئینه خدا باشکیبیایان است (۴۶). و مانند کسانیکه از خانه های خود از روی سرکشی و خودنمایی به مردمان بیرون آمدند مباشید و از راه خدا باز میدارند و خدا به آنچه می کنند دربر گیرنده است^(۲۶) (۴۷). و آنگاه که شیطان برای این کافران کردار های ایشان را بیاراست و گفت هیچ کس از مردمان بر شما امروز غلبه کننده نیست و هرآئینه من شمارا مدد کننده ام پس چون هردو گروه روبرو شدند شیطان بر پاشنه های خود باز گشت و گفت هرآئینه من از شما بیزارم هرآئینه من می بینم آنچه را که شما نمی بینید هرآئینه من از خدا می ترسم و خدا سخت عقوبت است (۴۸). آنگاه که منافقان و آنانکه در دلهای ایشان بیماری است می گفتند که این مسلمانان را دین ایشان فریفته کرده است و هر که بر خدا توکل کند بر خدا هرآئینه خدا غالب درست کار است (۴۹). و (تعجب میکردی) اگر می دیدی (ای بیننده) چون فرشتگان ارواح کافران را قبض می کنند بر رویهای ایشان و برپشتهای ایشان میزنند و (می گویند) عذاب سوزان را بچشید (۵۰). این به سبب آن کرداری است که دستهای شما پیش فرستاده است و بسبب آنست که خدا بر بندگان ظلم کننده نیست (۵۱). مانند شیوه قوم فرعون و آنانکه پیش از ایشان بودند بآیات خدا کافر شدند پس خدا ایشان را به گناهان ایشان گرفتار کرد هرآئینه خداتوانا سخت عقوبت است (۵۲).

(۲۶) این آیه گویایی حال ابو جهل و تابعان اوست.

ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَى قَوْمٍ حَتَّى
 يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَأَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٥٣﴾ كَذَّابٌ ءَالِ
 فِرْعَوْنَ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ فَأَهْلَكْنَاهُمْ
 بِذُنُوبِهِمْ وَأَغْرَقْنَا آلَ فِرْعَوْنَ وَكُلُّ كَانُواظِلِمِينَ ﴿٥٤﴾
 إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الَّذِينَ كَفَرُوا فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ
 ﴿٥٥﴾ الَّذِينَ عَاهَدتَّ مِنْهُمْ ثُمَّ يَنْقُضُونَ عَهْدَهُمْ فِي كُلِّ
 مَرَّةٍ وَهُمْ لَا يَتَّقُونَ ﴿٥٦﴾ فَمَا تَتَّقَنَّهُمْ فِي الْحَرْبِ فَشَرِدَ بِهِمُ
 مَنْ خَلْفَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَدْكُرُونَ ﴿٥٧﴾ وَإِذَا تَخَافَتَّ مِنْ قَوْمٍ
 خِيَانَةً فَاَنْبِذْ إِلَيْهِمْ عَلَى سَوَاءٍ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْخَائِنِينَ
 ﴿٥٨﴾ وَلَا يُحْسِبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَبْقُوا إِنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ
 ﴿٥٩﴾ وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ
 تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَءَاخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ
 لَا تَعْلَمُوهُمْ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ
 اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ ﴿٦٠﴾ * وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلَامِ
 فَاجْتَنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿٦١﴾

این از آنست که خدا هرگز تغییردهنده هیچ نعمتی که آنرا بر قومی انعام کرده باشد نیست تا آنکه ایشان حالی را که در ذات ایشانست دگرگون کنند^(۲۷) و از آنست که خدا شنو ادانا است (۵۳). مانند شیوه کسان فرعون و آنانکه پیش از ایشان بودند آیات پروردگار خویش را تکذیب کردند پس ایشان را به گناهان ایشان هلاک ساختیم و کسان فرعون را غرق ساختیم و همگی ستمگار بودند (۵۴). هر آئینه بدترین جنبنندگان نزد خدا آنانند که کافر شدند پس ایشان ایمان نمی آورند (۵۵). آنانکه عهد بسته ای با ایشان باز عهد خود را در هر مرتبه ای می شکنند و ایشان پرهیز نمی کنند^(۲۸) (۵۶). پس اگر ایشان را در جنگ بیابی متفرق ساز به سبب کشتن ایشان کسانی را که پس پشت ایشان باشند متفرق ساز تا اینکه پندپذیر شوند (۵۷). و اگر از گروهی خیانت را بترسی پس به سوی ایشان عهد ایشانرا بنوعی که همه برابر شوند^(۲۹) باز گردان هر آئینه خدا خیانت کنندگان را دوست نمیدارد (۵۸). و باید که کافران نپندارند که ایشان پیش دستی کرده اند هر آئینه ایشان عاجز نتوانند ساخت (۵۹). و ای مسلمانان برای (مقابله) ایشان آنچه توانید از توانایی مهیا سازید^(۳۰) و از آماده داشتن اسبها که بآن دشمن خدا و دشمن خویش را میترسانید و قومی دیگر را نیز بجز ایشان، که شما ایشان را نمی دانید خدا ایشان را میداند^(۳۱) و آنچه خرج کنید از هر چه باشد در راه خدا به شما تمام داده شود^(۳۲) و شما ستم کرده نشوید (۶۰). و اگر به صلح میل کنید توهم به سوی آن میل کن^(۳۳) و برخدا توکل کن هر آئینه او شنو ادانا است (۶۱).

(۲۷) یعنی کفران نعمت را به شکر و معصیت را به طاعت.

(۲۸) مترجم گوید تعریض است بقیابیل یهود که آنحضرت صلی الله علیه وسلم بایشان صلح کرده بودند و ایشان وقت

بعد از وقت (یعنی پی در پی) غدرمی نمودند والله اعلم.

(۲۹) یعنی ملامت نقض عهد بر شما لازم نیاید والله اعلم.

(۳۰) یعنی استعمال آلات جنگ مثل تیر انداختن و غیره.

(۳۱) یعنی اهل نفاق را والله اعلم.

(۳۲) یعنی ثواب او والله اعلم.

(۳۳) مترجم گوید این امر برای اباحت است والله اعلم.

وَإِنْ يُرِيدُوا أَنْ يَخْدَعُوكَ فَإِنَّ حَسْبَكَ اللَّهُ هُوَ الَّذِي آتَاكَ
 بِنَصْرِهِ وَمَا بِالْمُؤْمِنِينَ ﴿٦٢﴾ وَاللَّفَّ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ لَوْ أَنْفَقْتَ
 مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَا أَلْفَتَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ
 أَلْفَ بَيْنَهُمْ إِنَّهُ وَعَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٦٣﴾ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَسْبَكَ
 اللَّهُ وَمَنْ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿٦٤﴾ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضَ
 الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عِشْرُونَ صَابِرُونَ
 يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مَنِ
 الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ ﴿٦٥﴾ أَلَنْ خَفَفَ
 اللَّهُ عَنْكُمْ وَعَلِمَ أَنَّ فِيكُمْ ضَعْفًا فَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ
 صَابِرَةٌ يَغْلِبُوا مِائَتَيْنِ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ أَلْفٌ يَغْلِبُوا
 أَلْفَيْنِ بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ ﴿٦٦﴾ مَا كَانَ لِنَبِيٍّ
 أَنْ يَكُونَ لَهُ وَأَسْرَى حَتَّى يُثْخِنَ فِي الْأَرْضِ تُرِيدُونَ عَرَضَ
 الدُّنْيَا وَاللَّهُ يُرِيدُ الْآخِرَةَ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٦٧﴾ لَوْلَا كَتَبُ
 مِنَ اللَّهِ سَبَقَ لَمَسَّكُمْ فِيمَا أَخَذْتُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿٦٨﴾ فَكُلُوا
 مِمَّا غَنِمْتُمْ حَلَالًا طَيِّبًا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٦٩﴾

و اگر خواهند که تورا فریب دهند پس خدا تورا کفایت کننده است همونست آنکه تورا بیاری دادن خود و به مسلمانان تورا قوت داد (۶۲). و (همونست) آنکه میان دل‌های ایشان الفت داد اگر خرج می کردی همگی آنچه در زمین است میان دل های ایشان الفت نمی دادی ولیکن خدا میان ایشان الفت افگند هرآینه وی غالب باحکمت است (۶۳). ای پیامبر خدا تورا کفایت کننده است و نیز آنان را که از مسلمان پیروی تو کرده اند (۶۴). ای پیامبر مسلمانان را بر جنگ رغبت ده اگر از شما بیست کس صبر کننده باشند بر دوسدکس غالب شوند و اگر از شما صدکس باشند بر هزار کس از کافران غالب شوند بسبب آنکه ایشان گروهی هستند که نمی فهمند^(۳۴) (۶۵). اکنون خدا از شما سبک ساخت و معلوم کرد که در میان شما ضعفی هست پس اگر از شما صدکس شکیبیا باشند بر دویست کس غالب آیند و اگر از شما هزار کس باشند بر دوهزار کس به فرمان خدا غالب آیند و خدا با صابران است (۶۶). پیامبری را سزاوار نبود که بدست وی اسیران باشند تا آنکه در زمین قتل بسیار بوجود آورد مال دنیارا می خواهید و خدا مصلحت آخرت را می خواهند و خدا غالب باحکمت است^(۳۵) (۶۷). اگر حکم پیشین خدا نبودی^(۳۶) البته به شما در آنچه گرفتید عذاب بزرگ میرسید (۶۸). پس از آنچه غنیمت گرفتید حلال پاکیزه بخورید و از خدا بترسید هرآینه خدا آمرزنده^۳ مهربان است (۶۹).

(۳۴) مترجم گوید چون این آیت نازل شد واجب گشت ثبات با ده چندان از کفار بعد از آن منسوخ شد به و جواب ثبات در مقابل دو چند والله اعلم.

(۳۵) مترجم گوید صحابه از اسیران بدر فدا گرفتند به اجتهاد خویش و مرضی نزد خدای تعالی قتل ایشان بود لیکن چون بنص صریح ممنوع نشده بود عفو فرمود و این آیه نازل شد.

(۳۶) یعنی حکم غیر منصوص و مُقَدَّر در لوح محفوظ والله اعلم.

يَأْتِيهَا النَّبِيُّ قُلُوبًا لَمَّا فِي أَيْدِيكُمْ مِنَ الْأَسْرَىٰ إِنْ يَعْلَمِ اللَّهُ
 فِي قُلُوبِكُمْ خَيْرًا يُؤْتِكُمْ خَيْرًا مِّمَّا أُخِذَ مِنْكُمْ وَيَغْفِرَ لَكُمْ
 وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٧٠﴾ وَإِنْ يُرِيدُوا خِيَانَتَكَ فَقَدْ خَانُوا اللَّهَ
 مِنْ قَبْلُ فَأَمْكَنَ مِنْهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿٧١﴾ إِنَّ الَّذِينَ
 ءَامَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ
 اللَّهِ وَالَّذِينَ ءَاوَأُوْا وَنَصَرُوا أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ
 وَالَّذِينَ ءَامَنُوا لَمْ يُهَاجِرُوا مَا لَكُم مِّنْ وَلِيَّتِهِم مِّن شَيْءٍ حَتَّىٰ يُهَاجِرُوا
 وَإِنِ اسْتَنْصَرُوكُمْ فِي الدِّينِ فَعَلَيْكُمْ النَّصْرُ إِلَّا عَلَىٰ قَوْمٍ
 بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِّثْقٌ وَاللَّهُ يَمَّا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿٧٢﴾ وَالَّذِينَ
 كَفَرُوا بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ إِلَّا تَفَعَّلُوهُ تَكُن فِتْنَةٌ فِي
 الْأَرْضِ وَفَسَادٌ كَبِيرٌ ﴿٧٣﴾ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا
 فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ ءَاوَأُوْا وَنَصَرُوا أَوْلِيَاءَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ
 حَقًّا لَهُمْ مَّغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ ﴿٧٤﴾ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْ بَعْدِ
 وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا مَعَكُمْ فَأُولَٰئِكَ مِنْكُمْ وَأُولَٰئِكَ الْأَرْحَامُ
 بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿٧٥﴾

ای پیامبر آنان را که در دستهای شما اند از اسیران بگو اگر خدا در دل‌های شما نیکی را معلوم بدارد البته شما را بهتر از آنچه گرفته شد از شما بدهد و شما را بیمارزد و خدا آمرزنده^(۳۷) مهربان است^(۳۷). و اگر با تو خیانت خواهند پس هر آئینه پیش ازین با خدا خیانت کرده بودند پس تو را برایشان قدرت داد و خدا دانای با حکمت است^(۷۱). هر آئینه آنانکه ایمان آوردند و هجرت کردند و به مالهای شان و جانهای شان در راه خدا جهاد نمودند و آنانکه جای دادند و نصرت کردند این جماعت بعضی ایشان دوستان بعضی اند^(۳۸) و آنانکه ایمان آوردند و هجرت نکرده اند شما را از کارسازی ایشان هیچ چیزی نیست تا آنکه هجرت کنند و اگر مدد طلب کنند از شما در کار دین پس بر شما یاری کردن لازم است مگر بر جماعتی که میان شما و میان ایشان عهد باشد و خدا به آنچه می کنید بینا است^(۷۲). و آنانکه کافر شدند بعضی ایشان دوستان بعضی اند ای مسلمانان اگر این کار را نکنید^(۳۹) در زمین فتنه ای و فساد بزرگ باشد^(۷۳). و آنانکه ایمان آوردند و هجرت کردند و در راه خدا جهاد نمودند و آنانکه جای دادند و نصرت کردند این جماعت به حقیقت ایشانند مومنان برای ایشان آموزش و روزی نیک هست^(۷۴). و آنانکه ایمان آوردند پس ازین و هجرت نمودند و همراه شما جهاد کردند این گروه نیز از شما هستند و خویشاوندان بعضی ایشان به بعضی در حکم خدا نزدیک تر اند^(۴۰) هر آئینه خدا به همه چیز داناست^(۷۵).

(۳۷) تعریض است بعباس بن عبد المطلب.

(۳۸) یعنی مهاجرین و انصار بایکدیگر باید که نصرت دهند و مواخات کنند.

(۳۹) یعنی دوستی را بایکدیگر.

(۴۰) یعنی صله و توارث میان اهل قرابت که اصحاب فروض و عصبات اند لازم است والله اعلم.

سورة التوبة

بَرَاءَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ ①
 فَسِيحُوا فِي الْأَرْضِ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَلِمُوا أَنكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِي
 اللَّهِ وَأَنَّ اللَّهَ مُخْزِي الْكَافِرِينَ ② وَأَذَانٌ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ
 إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ
 وَرَسُولُهُ فَإِنْ تُبْتُمْ فَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَاعْلَمُوا
 أَنكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِي اللَّهِ وَبَشِّرِ الَّذِينَ كَفَرُوا بِعَذَابِ آلِيمٍ
 ③ إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ ثُمَّ لَمْ يَنْقُصُوكُمْ شَيْئًا
 وَلَمْ يُظْهِرُوا عَلَيْكُمْ أَحَدًا فَأَتِمُوا إِلَيْهِمْ عَهْدَهُمْ إِلَىٰ مُدَّتِهِمْ
 إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ ④ فَإِذَا انسَلَخَ الْأَشْهُرُ الْحُرْمُ
 فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَخُذُوهُمْ وَأَحْصُرُوهُمْ
 وَأَقْعُدُوا لَهُمْ كُلَّ مَرْصِدٍ فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوْا
 الزَّكَاةَ فَخَلُّوا سَبِيلَهُمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ⑤ وَإِنْ أَحَدٌ
 مِّنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّىٰ يَسْمَعَ كَلِمَةَ
 اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ وَذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْلَمُونَ ⑥

سوره توبه مدنی است و آن يك صدويست
ونه آيه وشانزده ركوع است

قطع معامله است از جانب خدا و رسول او از آنانکه با ایشان از مشرکان^(۱) پیمان بسته بودند (۱). پس (ای مشرکان مهلت یافته اید) چهار ماه در زمین بگردید و بدانید که شما عاجز کننده خدا نباشید (و بدانید) آنکه خداسواکننده کافران است (۲). و اعلامی است از جانب خدا و رسول او به سوی مردمان روزحج بزرگ که خدا و رسول او نیز از مشرکان بیزاراند پس اگر توبه کنید آن شمارا بهتر باشد و اگر روی بگردانید پس بدانید که شما از خدا گزیر و گزیری ندارید و کافران را به عذابی درد ناک خبرده (۳). مگر کسانی از مشرکان که با ایشان عهد بسته اید باز باشما در چیزی کمی نکردند (یعنی از پیمان خود) و بر (ضد) شما کسی را مدد ندادند پس به ایشان عهدایشان را تامدت (پیمان) ایشان بویا رسانید به راستی خدا پرهیزگاران را دوست می دارد (۴). پس چون ماه های حرام به پایان رسند^(۲) مشرکان را هر جا که بیابید بکشید و ایشان را بگیرد و ایشان را بند کنید و برای ایشان بهر کمین گاه بنشینید پس اگر توبه کنند و نماز را برپا دارند و زکوة را بدهند پس ایشان را رها کنید هر آینه خدا آمرزنده مهربان است (۵). و اگر کسی از مشرکان از تو امان طلب کند او را امان ده تا قرآن خدا بشنود باز او را به ایمنگاهش برسان و این از آنست که ایشان گروهی هستند که نیمدانند^(۳) (۶).

(۱) مترجم گوید سال نهم حضرت پیامبر صلی الله علیه وسلم علی مرتضی را در موسم حج فرستاد تا عهده مشرکان را براندازد الا چهار ماه ایشان را فرصت داد تا در امر خود تأمل کنند مگر دوفرقه بنی ضمیره و بنو کنانه که خیانت در عهد نکرده بودند پس خدای تعالی عهد ایشانرا تا میعاد آن مقرر داشت و تا ندا کند که بعد ازین هیچ مشرک بحج نیاید و هیچ برهنه طواف کعبه نکند و اوایل سوره براءة برای ایشان برخواند والله اعلم.

(۲) یعنی آن چهار ماه که ایشان را فرصت داده بودند.

(۳) مترجم گوید آنحضرت صلی الله علیه وسلم با کفار قریش صلح کرده بودند و ایشان در مقام گذر آمده بر کشتن حلفای آنحضرت اعانت نمودند و این صورت سبب فتح مکه شد خدای تعالی برای ترغیب برغزوه فتح آیات فرستاد.

كَيْفَ يَكُونُ لِلْمُشْرِكِينَ عَهْدٌ عِنْدَ اللَّهِ وَعِنْدَ رَسُولِهِ
 إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ فَمَا اسْتَقَمُوا
 لَكُمْ فَاسْتَقِيمُوا لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ ﴿٧﴾
 كَيْفَ وَإِن يَظْهَرُ عَلَيْكُمْ لَا يَرْقُبُوا فِيكُمْ إِلَّا وَلَا
 ذِمَّةً يُرْضُونَكُمْ بِأَفْوَاهِهِمْ وَتَأْبَى قُلُوبُهُمْ وَأَكْثَرُهُمْ
 فَاسِقُونَ ﴿٨﴾ اشْتَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَصَدُّوا عَن
 سَبِيلِهِ إِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٩﴾ لَا يَرْقُبُونَ
 فِي مَوْمِنٍ إِلَّا وَلَا ذِمَّةً وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُعْتَدُونَ ﴿١٠﴾ فَإِن
 تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَءَاتَوْا الزَّكَاةَ فَإِذَا هُمْ فِي
 الدِّينِ وَنَفَّصِلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ﴿١١﴾ وَإِن
 نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ مِّنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَطَعَنُوا فِي دِينِكُمْ
 فَقَاتِلُوا أَيْمَةَ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ
 يَنْتَهُونَ ﴿١٢﴾ أَلَا تَقَاتِلُونَ قَوْمًا نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ
 وَهَمُّوا بِإِخْرَاجِ الرَّسُولِ وَهُمْ بَدَءُوكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ
 أَتَخْشَوْنَ اللَّهَ فَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَوْهُ إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿١٣﴾

چگونه مشرکان را عهدهی نزد خدا و نزد رسول او باشد! إلا آنانکه با ایشان در (نزدیک) مسجد حرام پیمان^(۴) بسته بودید پس تازمانی که بر پیمان ثابت باشند برای شما، نیز شما برای ایشان ثابت باشید هرآئینه خدا پرهیزگاران را دوست میدارد (۷). چگونه (بُود مشرکان را عهدهی) و اگر بر شما غالب آیند درباره شماحق خویشی را و نه پیمان را نگاه ندارند شما را بدهنهای خویش رضامند می سازند و دلهای ایشان قبول نمی کند و بیشترین ایشان فاسقانند (۸). آیه های خدا را به بهایی اندک خرید کردند^(۵) پس مردمان را از راه خدا بازداشتند هرآئینه بد کاری است که ایشان می کردند (۹). درباره هیچ مسلمانی حق خویشی را و نه پیمان را نگاه نمی دارند و آن جماعت ایشانند از حد درگذشتگان (۱۰). پس اگر توبه کنند و نماز را برپا دارند و زکوة را بدهند پس ایشان در دین برادران شما اند و آیات را برای گروهی که می دانند واضح می سازیم (۱۱). و اگر سوگندهای خویش را پس از پیمان بستن خویش بشکنند و در دین شما طعنه زنند پس بایشوایان کفر کارزار کنید هرآئینه ایشان را سوگند نیست، تا اینکه ایشان بازمانند (۱۲). آیا جنگ نمی کنید با گروهی که سوگندان خویش را شکستند و قصد جلاوطن ساختن پیامبر را (از مکه) کردند و ایشان به نقض عهد اول مرتبه با شما ابتدا کردند آیا از ایشان می ترسید پس خدا سزاوار تراست به آنکه از او بترسید اگر مسلمانید (۱۳).

(۴) یعنی قریش که در حدیبیه با ایشان صلح واقع شده بود.

(۵) یعنی تابع شهوات نفس شدند ایمان را ترك کردند.

قَاتِلُوهُمْ يُعَذِّبُهُمُ اللَّهُ بِأَيْدِيكُمْ وَيُخْزِيهِمْ وَيَضْرِبُكُمْ
 عَلَيْهِمْ وَيُشْفِ صُدُورَ قَوْمٍ مُّؤْمِنِينَ ﴿١٤﴾ وَيُذْهِبَ غَيْظَ
 قُلُوبِهِمْ وَيَتُوبُ اللَّهُ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿١٥﴾
 أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُتْرَكُوا وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ
 وَلَمْ يَتَّخِذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَا رَسُولِهِ وَلَا الْمُؤْمِنِينَ وَلِجَنَّةٍ
 وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿١٦﴾ مَا كَانَ لِلْمُشْرِكِينَ أَنْ يَعْمُرُوا مَسْجِدَ
 اللَّهِ شَاهِدِينَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ بِالْكَفْرِ أُولَٰئِكَ حَبِطَتْ
 أَعْمَالُهُمْ فِي النَّارِ هُمْ خَالِدُونَ ﴿١٧﴾ إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسْجِدَ
 اللَّهِ مَنْ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَءَاتَى
 الزَّكَاةَ وَلَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَىٰ أُولَٰئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ
 الْمُهْتَدِينَ ﴿١٨﴾ * أَجْعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَعِمَارَةَ الْمَسْجِدِ
 الْحَرَامِ كَمَنْ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِ
 اللَّهِ لَا يَسْتَوُونَ عِنْدَ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ
 ﴿١٩﴾ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ
 وَأَنْفُسِهِمْ أَعْظَمُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ ﴿٢٠﴾

با ایشان جنگ کنید تا ایشان را خدا بدستهای شما عذاب کند و ایشان را رسوا سازد و شمارا برایشان فتح دهد و (درد) سینه های گروه مسلمان را شفا بخشد (۱۴). و اندوه دل‌های ایشان را دور کند و به رحمت بهره که خواهد باز گردد و خدا دانای استوار کار است (۱۵). آیا گمان کردید که به حال خود وا گذاشته شوید^(۶) و هنوز متمیز نه ساخته است خدا آنان را که از شما جهاد کرده اند و بجز خدا و بجز پیامبر او و بجز مومنان هیچ دوست پنهانی نگرفته اند و خدا بآنچه می کنید داناست (۱۶). مشرکان را روا نباشد که مسجد های خدا را آباد سازند در حالی که بر خود به کفر اعتراف کرده اند آن جماعت عمل های ایشان باطل شد و در آتش همیشه باشندگانند^(۷) (۱۷). جز این نیست که آباد می کند مسجد های خدا را فقط کسیکه ایمان آورده است بخدا و بروز آخر و نماز را برپا داشته است و زکوة را داده است و نترسیده است مگر از خدا پس توقع است که این جماعت از راه یافتگان باشند (۱۸). آیا آب نوشانیدن حاجیان و آباد ساختن مسجد حرام را مانند عمل کسی کردید که بخدا و روز آخر ایمان آورده است و در راه خدا جهاد کرده است نزد خدا برابر نیستند و خدا گروه ستمگاران را راه نمی نماید (۱۹). و آنانکه ایمان آوردند و هجرت کردند و در راه خدا به اموال خویش و جان های خویش جهاد نمودند در مرتبه نزد خدا بزرگتر اند و این جماعت ایشان مطلب یابان اند (۲۰).

(۶) یعنی تکلیف جهاد نشود.

(۷) مترجم گوید تعریض است به جواب مفاخرت قریش بعمارت مسجد حرام.

يُبَشِّرُهُمْ رَبُّهُم بِرَحْمَةٍ مِّنْهُ وَرِضْوَانٍ وَجَعَلَتْ لَهُمْ فِيهَا
نَعِيمٌ مُّقِيمٌ ﴿٢١﴾ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ
عَظِيمٌ ﴿٢٢﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّخِذُوا ءِآبَاءَكُمْ
وَإِخْوَانَكُمْ أَوْلِيَاءَ إِنِ اسْتَحَبُّوا الْكُفْرَ عَلَى الْإِيمَانِ
وَمَن يَتَوَلَّهُمْ مِّنكُمْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ﴿٢٣﴾ قُلْ إِن
كَانَ ءَابَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ
وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ
كَسَادَهَا وَمَسَاكِنُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِّنَ اللَّهِ
وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ
بِأَمْرِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ ﴿٢٤﴾ لَقَدْ نَصَرَكُمُ
اللَّهُ فِي مَوَاطِنَ كَثِيرَةٍ وَيَوْمَ حُنَيْنٍ إِذْ أَعْجَبَتْكُمْ
كَثْرَتُكُمْ فَلَمْ تُغْنِ عَنْكُمْ شَيْئًا وَضَاقَتْ عَلَيْكُمْ
الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ ثُمَّ وَلَّيْتُم مُّدْبِرِينَ ﴿٢٥﴾ ثُمَّ أَنْزَلَ اللَّهُ
سَكِينَتَهُ وَعَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَنْزَلَ جُنُودًا
لَّمْ تَرَوْهَا وَعَذَّبَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ ﴿٢٦﴾

پروردگارشان ایشان را به رحمت از نزدیک خود وبخوشنودی وببوستانها که ایشان را در آنجا نعمت دایم بود مژده دهد (۲۱). آنجا همیشه باشندگانند هرآئینه خداست که نزدیک او پاداش بزرگ است (۲۲). ای^(۸) مسلمانان پدران خود وبرادران تان را اگر اختیار کنند کفر را برایمان دوست مگیرید وهرکه از شما باایشان دوستی دارد آن جماعت ایشان ستمگارانند (۲۳). بگواگر پدران شما وپسران شما وبرادران شما و زنان شما وخویشاوندان شما وآن مالهایی که آن را کسب کرده اید وتجارتی که از بی زواجی آن می ترسید ومنزلهایی که آن را پسند می کنید نزد شما از خدا ورسول او واز جهاد درراه او دوست تر هستند پس منتظر باشید تاآنکه خدا عقوبت خود را بیاورد وخدا گروه فاسقان را راه نمی نماید (۲۴). هرآئینه^(۹) شمارا خدا در جاهای بسیار فتح داد وروزحنین نیز چون به شگفت آورد شمارا بسیاری شما پس آن بسیاری از شما چیزی را دفع نکرد وبر شما زمین تنگ شد باوجود فراخی آن پس پشت داده برگشتید (۲۵). باز خدای تعالی تسکین خود را بر پیامبر خود و بر مومنان فرورستاد و لشکرهایی را که شما ایشان را ندیدید فرورستاد وکافران را عقوبت کرد واین جزای کافران است (۲۶).

(۸) مترجم گوید بعد غزوه فتح در ترغیب بر جهاد مشرکین واهل کتاب نازل شد.

(۹) مترجم گوید در غزوه حنین شکست گونه ای بمسلمین روی داده بود بعد از آن خدای تعالی نصرت داد و بجهت تذکیر نعمت این آیات را فرستاد.

ثُمَّ يَتُوبُ اللَّهُ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ ۗ وَاللَّهُ
 غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٢٧﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ
 نَجَسٌ فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ بَعْدَ عَامِهِمْ هَذَا
 وَإِنْ خِفْتُمْ عَيْلَةً فَسَوْفَ يُغْنِيكُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ
 إِنْ شَاءَ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿٢٨﴾ قَاتِلُوا الَّذِينَ
 لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ
 مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَلَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ
 الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَتَّىٰ يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ
 وَهُمْ صَاغِرُونَ ﴿٢٩﴾ وَقَالَتِ الْيَهُودُ عُزَيْرٌ ابْنُ اللَّهِ
 وَقَالَتِ النَّصْرِيُّ الْمَسِيحُ ابْنُ اللَّهِ ذَلِكَ قَوْلُهُمْ
 بِأَفْوَاهِهِمْ يُضَاهِئُونَ قَوْلَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَبْلُ
 قَاتِلْهُمْ اللَّهُ أَنَّىٰ يُؤْفَكُونَ ﴿٣٠﴾ اتَّخَذُوا أَحْبَارَهُمْ
 وَرُهَبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَالْمَسِيحَ ابْنَ
 مَرْيَمَ وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا إِلَهًا وَاحِدًا
 لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ سُبْحَانَهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿٣١﴾

باز خدا بعد از این بر هر که خواهد برحمت بازگردد^(۱۰) و خدا آمرزنده مهربان است (۲۷). ای مسلمانان جز این نیست که مشرکان پلیداند پس باید که بعد از این سال شان به مسجد حرام نزدیک نشوند و اگر از تنگدستی^(۱۱) می ترسید پس شمارا خدا از فضل خود اگر خواهد توانگر خواهد ساخت هر آینه خدا دانای درست کارست^(۱۲) (۲۸). با آنکه ایمان نمی آورند بخدا و نه بروز آخر جنگ کنید و آنچه خدا و پیامبر او حرام کرده است حرام نمی شمردند و دین راست را اختیار نمی کنند از اهل کتاب، تا آنکه جزیه را از دست خود خوارشدگان بدهند (۲۹). و یهود گفتند که عزیر پسر خداست و نصاری گفتند که مسیح پسر خداست این قول ایشان بدهنهای شان است،^(۱۳) با سخن قومی که پیش ازین کافر شدند^(۱۴) مشابهت کرده اند خدا ایشان را لعنت کرد چگونه برگردانیده می شوند^(۱۵) (۳۰). دانشمندان و زاهدان خود را به جای خدا پروردگاران گرفتند و نیز مسیح پسر مریم را و نفرموده شده اند مگر آنکه يك خدا را عبادت کنند هیچ معبود بر حقی بجز او نیست پاکست او از آنکه شريك برای او مقرر می کنند (۳۱).

(۱۰) یعنی توفیق اسلام دهد هر که را خواهد از کافران والله اعلم.

(۱۱) یعنی بسبب انقطاع سوداگران والله اعلم.

(۱۲) مترجم گوید خدایتعالی در باب جهاد اهل کتاب و گرفتن جزیه از ایشان می فرماید.

(۱۳) یعنی اصلی ندارد.

(۱۴) یعنی مشرکان که ملائکه را دختران خدا می گویند.

(۱۵) یعنی از راه صواب.

يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ
يُتِمَّ نُورَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ ﴿٣٢﴾ هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ
رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينٍ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ
كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ ﴿٣٣﴾ * يَتَأَيَّهَا الَّذِينَ
ءَامَنُوا إِنَّ كَثِيرًا مِّنَ الْأَحْبَارِ وَالرُّهْبَانِ لِيَآكُفُونَ
أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَطْلِ وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ
يَكْزِبُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَنْفِقُونَهَا فِي
سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ﴿٣٤﴾ يَوْمَ يُحْمَىٰ عَلَيْهَا
فِي نَارِ جَهَنَّمَ فُتُكُورٌ بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ
وَأُظْهُورُهُمْ هَذَا مَا كَنْزْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ فَذُوقُوا مَا كَنْزْتُمْ
تَكْزِبُونَ ﴿٣٥﴾ إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ
شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ مِنْهَا
أَرْبَعَةٌ حُرْمٌ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ فَلَا تَظْلِمُوا فِيهِنَّ
أَنْفُسَكُمْ وَقَتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً كَمَا
يَقْتُلُونَكُمْ كَافَّةً وَعَلِمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ ﴿٣٦﴾

می خواهند که نور خدا را بدهنهای شان فرو نشانند^(۱۶) و خدا قبول نکند مگر آنکه نور خود را تمام سازد اگرچه کافران ناخوش شوند (۳۲). اوست آنکه پیامبر خود را به هدایت و دین راست فرستاد تا او را بر همه ادیان غالب کند اگرچه مشرکان ناخوش شوند (۳۳). ای مسلمانان هر آئینه بسیاری از دانشمندان و زاهدان اهل کتاب اموال مردمان را به باطل می خورند و از راه خدا بازمی دارند و آنانکه زر و نقره را ذخیره می کنند و آن را در راه خدا خرج نمی نمایند^(۱۷) این جماعت را به عذاب دردناک بشارت ده (۳۴). روزی که^(۱۸) بر آن مال در آتش دوزخ گرم کرده شود پس به آن پیشانیهای ایشان و پهلوهای ایشان و پشتهای ایشان داغ کرده شود و گفته شود این است آنچه برای خود ذخیره کردید پس آنچه ذخیره می کردید بچشید (۳۵). هر آئینه شمار ماه ها نزدیک خدا دوازده ماه است در کتاب خدا روزی که آسمان ها و زمین را آفرید از آن جمله چهار ماه حرام است دین درست اینست پس در آن چهار ماه بر خویشتن ستم مکنید^(۱۹) و جنگ کنید با همه مشرکان چنانکه ایشان با همه شما جنگ می کنند و بدانید که خدا بامتقیان است (۳۶).

(۱۶) یعنی به شبهات تقریری کنند در ابطال دین والله اعلم.

(۱۷) یعنی زکات نمی دهند.

(۱۸) یعنی دمیده شود.

(۱۹) مترجم گوید در دین حضرت ابراهیم مقرر بود که در محرم و رجب و ذیقعده و ذی الحججه بایک دیگر جنگ نکنند اهل جاهلیت این حکم را تحریف کرده گاهی صفر را محرم می ساختند و محرم را صفر و علی هذا لقیاس و این را نسی می گفتند خدای تعالی اصل این حکم را باقی داشت باینوجه که جنگ ناحق هیچ گاه درست نیست و درین ماه ها حرمت آن شدیدتر میشود و جنگ با کافران همه وقت درست است و نفی تحریف ایشان فرمود.

إِنَّمَا النَّسِيءُ زِيَادَةٌ فِي الْكُفْرِ يُضَلُّ بِهِ الَّذِينَ
 كَفَرُوا يُحْلُونَهُ عَامًا وَيُخَرِّمُونَهُ عَامًا لِيُؤْطِقُوا
 عِدَّةَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ فَيَحْلُوا مَا حَرَّمَ اللَّهُ زَيْنَ لَهُمْ
 سُوءُ أَعْمَالِهِمْ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ
 ﴿٢٧﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَا لَكُمْ إِذَا قِيلَ لَكُمْ
 أَنْفِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَتَأْقَلْتُمْ إِلَى الْأَرْضِ أَرْضَيْتُمْ
 بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ فَمَا مَتَّعُ الْحَيَاةِ
 الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ ﴿٢٨﴾ إِنْ تَنَفَرُوا يَعْذِبْكُمْ
 عَذَابًا أَلِيمًا وَيَسْتَبَدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ وَلَا تَضُرُّوهُ
 شَيْئًا وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٢٩﴾ إِنْ تَضَرُّوهُ
 فَقَدْ نَصَرَهُ اللَّهُ إِذْ أَخْرَجَهُ الَّذِينَ كَفَرُوا ثَانِيَ اثْنَيْنِ
 إِذْ هُمَا فِي الْغَارِ إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ
 مَعَنَا فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَيْهِ وَأَيَّدَهُ بِمُجْنُودٍ
 لَمْ تَرَوْهَا وَجَعَلَ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا السُّفْلَى
 وَكَلِمَةَ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٣٠﴾

جزاین نیست که نسیبی زیادتی است در کفر گمراه گردانیده می شوند بآن کافران آن ماه را يك سال حلال می شمرند و آن را سال دیگر حرام می شمرند تا موافقت کنند با شمار آنچه خدا حرام ساخته است پس حلال سازند چیزی را که خدا حرام ساخته است برای ایشان کردار های بدایشان آراسته کرده شده است و خدا قوم کافران را راه نمی نماید^(۲۰) (۳۷). ای مسلمانان چیست شمارا که چون به شما گفته می شود بیرون آید در راه خدا گران شده به سوی زمین میل می کنید آیا به زندگانی دنیا به عوض آخرت رضامند شدید پس متاع زندگانی دنیا در برابر آخرت مگر اندکی نیست^(۲۱) (۳۸). اگر بیرون نیاید شما را عذاب کند عذابی درد ناک و بدل شما قومی دیگر را غیر از شما گیرد و خدا را هیچ زیان نرسانید و خدا بر همه چیز توانا است (۳۹). اگر پیامبر را نصرت ندهید چه باک هر آئینه او را خدای تعالی نصرت داده است آنگاه که بیرون کردندش کافران دوم دو کس آنگاه که این دو کس در غار بودند آنگاه که یار خود را می گفت^(۲۲) اندوه مخور هر آئینه خدا با ما است پس خدا تسکین خود را بر پیامبر فرورستاد و قوت دادش به لشکر هایی که آن را ندیدید و سخن کافران را فروتر ساخت و سخن خدا همونست بلند و خدا غالب درست کار است (۴۰).

(۲۰) یعنی بقتال ناحق.

(۲۱) مترجم گوید آنحضرت صلی الله علیه وسلم در وقت عسرت و گرمی هوا متوجه غزوه تبوک شدند و بسیاری از صحابه موافقت کردند و از مسلمین سه کس بغیر عذر تخلف کردند و توبه ایشان بعد از پنجاه روز قبول افتاد و از منافقان کلمات نفاق سرزد خدایتعالی در مدح اینان و ذم آنان و عفو از آن سه کس آیات فرستاد.

(۲۲) یعنی ابو بکر صدیق را.

أَنْفِرُوا خِفَافًا وَثِقَالًا وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ
 فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ
 ﴿٤١﴾ لَوْ كَانَ عَرَضًا قَرِيبًا وَسَفَرًا قَاصِدًا لَاتَّبَعُوكَ
 وَلَكِنْ بَعُدَتْ عَلَيْهِمُ الشُّقَّةُ وَسَيَحْلِفُونَ بِاللَّهِ
 لَوِ اسْتَطَعْنَا لَخَرَجْنَا مَعَكُمْ يُهْلِكُونَ أَنْفُسَهُمْ وَاللَّهُ
 يَعْلَمُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ ﴿٤٢﴾ عَفَا اللَّهُ عَنْكَ لِمَ أَذِنَتْ لَهُمْ
 حَتَّىٰ يَتَّبِعَنَّ لَكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَتَعْلَمَ الْكَاذِبِينَ
 ﴿٤٣﴾ لَا يَسْتَعِذِنَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ أَنْ
 يُجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالْمُتَّقِينَ ﴿٤٤﴾
 إِنَّمَا يَسْتَعِذِنَكَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ
 وَارْتَابَتْ قُلُوبُهُمْ فَهُمْ فِي رَيْبِهِمْ يَتَرَدَّدُونَ ﴿٤٥﴾ * وَلَوْ
 أَرَادُوا الْخُرُوجَ لَأَعَدُّوا لَهُ عُدَّةً وَلَكِنْ كَرِهَ اللَّهُ انبِعَاثَهُمْ
 فَثَبَّطَهُمْ وَقِيلَ اقْعُدُوا مَعَ الْقَاعِدِينَ ﴿٤٦﴾ لَوْ خَرَجُوا فِئَكُمُ
 مَا زَادُوكُمْ إِلَّا خَبَالًا وَلَا أُضْعِفُوا خِلَالَكُمْ يَبْغُونَكُمُ
 الْفِتْنَةَ وَفِيكُمْ سَمَّاعُونَ لَهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ ﴿٤٧﴾

سبک باروگرانبار بیرون آید^(۲۳) و بمالهای خویش و جانهای خویش در راه خدا جهاد کنید این برای شما بهتر است اگر می دانید (۴۱). اگر بودی آنچه بآن دعوت می کنی نفع قریب الحصول و سفری آسان البته تورا پیروی می کردند ولیکن برایشان مسافت راه دور شد بخدا سوگند خواهند خورد که اگر می توانستیم باشما بیرون می آمدیم خویش را هلاک می کنند^(۲۴) و خدا می داند که ایشان البته دروغ گویند (۴۲). خدا از تو عفو کند چرا به ایشان دستور اجازت دادی تا آنوقت که برای تو راست گویان آشکار شوند و دروغگویان را بدانی (۴۳). از تو اجازت نمی طلبند آنانکه ایمان آورده اند بخدا و روز آخر در تخلف از آنکه جهاد کنند باموال خویش و جانهای خویش و خدا به متقیان داناست (۴۴). جز این نیست که از تو آنانکه ایمان نمی آرند بخدا و روز آخر اجازت می طلبند و شك آورده است دلهای ایشان پس در شك خود سرگردان می شوند (۴۵). و اگر بیرون آمدن را خواسته بودند برای آن سفر سامان را مهیا می کردند ولیکن خدا برانگیختن ایشان را ناپسند داشت پس ایشان را از حرکت بازداشت و گفته شد بانسستگان (در خانه) بنشینید^(۲۵) (۴۶). اگر برمی آمدند میان شما در حق شما مگرفساد را نمی افزودند و البته به پا می کردند میان شما در حالیکه در حق شما فتنه میجویند^(۲۶) و میان شما برای آنان گوش کنندگانی است^(۲۷) و خدا به ستمگاران داناست (۴۷).

(۲۳) یعنی در حالیکه اسباب و حشم بسیار دارید یا بجز قدر ضروری بدست شما نباشد و باین توجیه آیت محکم باشد

غیر منسوخ والله اعلم.

(۲۴) یعنی به سوگند دروغ.

(۲۵) و این تصویر است القای عزم مختلف را در خاطر ایشان.

(۲۶) یعنی سعی در فتنه می کردند.

(۲۷) یعنی سخن ایشان را قبول میکنند.

لَقَدْ ابْتَغُوا الْفِتْنَةَ مِنْ قَبْلُ وَقَلَّبُوا لَكَ الْأُمُورَ حَتَّى
جَاءَ الْحَقُّ وَظَهَرَ أَمْرُ اللَّهِ وَهُمْ كَرِهُونَ ﴿٤٨﴾ وَمِنْهُمْ
مَنْ يَقُولُ أَسْذَنُ لِي وَلَا تَفْتِنِّي أَلَا فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا وَإِنَّ
جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ ﴿٤٩﴾ إِنْ تُصِيبَكَ
حَسَنَةٌ سُوِّهُمُ وَإِنْ تُصِيبَكَ مُصِيبَةٌ يَقُولُوا قَدْ
أَخَذْنَا أَمْرَنَا مِنْ قَبْلُ وَيَتَوَلَّوْا وَهُمْ فَرِحُونَ ﴿٥٠﴾ قُلْ
لَنْ يُصِيبَنَا إِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا هُوَ مَوْلَانَا وَعَلَى
اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ ﴿٥١﴾ قُلْ هَلْ تَرَبَّصُونَ بِنَا إِلَّا
إِحْدَى الْحُسَيْنَيْنِ وَنَحْنُ نَتَرَبَّصُ بِكُمْ أَنْ يُصِيبَكُمْ اللَّهُ
بِعَذَابٍ مِّنْ عِنْدِهِ أَوْ بَأْيَدِنَا فِتْرَتَرَبَّصُوا إِنَّا مَعَكُمْ
مُتَرَبِّصُونَ ﴿٥٢﴾ قُلْ أَنْفِقُوا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا لَنْ يُتَقَبَلَ
مِنْكُمْ إِلَّا كَمِ مَن كُنْتُمْ قَوْمًا فَاسِقِينَ ﴿٥٣﴾ وَمَا
مَنْعَهُمْ أَنْ يُقْبَلَ مِنْهُمْ نَفَقَتُهُمْ إِلَّا أَنَّهُمْ كَفَرُوا
بِاللَّهِ وَبِرُسُولِهِ وَلَا يَأْتُونَ الصَّلَاةَ إِلَّا وَهُمْ
كُسَالَى وَلَا يُنْفِقُونَ إِلَّا وَهُمْ كَارِهُونَ ﴿٥٤﴾

هر آئینه فتنه را پیش ازین طلب کرده بودند و بگردانیدند برای تو مصلحت ها تا آنکه نصرت حق بیامد و کار خدا غالب شد و ایشان ناخواهان بودند (۴۸). و از ایشان کسی است که می گوید مرا اجازت ده و مرا در فتنه مینداز^(۲۸) آگاه شو که در فتنه افتاده اند و هر آئینه دوزخ کافران را در برگیرنده است (۴۹). اگر به تونعمتی برسد ایشان را ناخوش کند و اگر به تو مصیبتی برسد گویند مصلحت خود را پیش ازین^(۲۹) بدست آورده ایم و شادمان شده برمی گردند (۵۰). بگو هرگز بما نرسد مگر آنچه خدا برای ما نوشته است اوست کارسازما و مؤمنان باید که بر خدا توکل کنند (۵۱). بگو در حق ما انتظار نمی برید مگر یکی از دو خصلت نیک را^(۳۰) و ما در حق شما انتظار می کشیم که خدا به شما عذاب را از نزد خود یا بدست ما برساند پس انتظار کشید هر آئینه ما نیز با شما منتظرانیم (۵۲). بگو ای منافقان خرج کنید بخوشی یا ناخوشی هرگز از شما پذیرفته نخواهد شد هر آئینه شما قوم فاسقان هستید (۵۳). و باز نداشت ایشان را از آن که از ایشان خرج ایشان قبول شود مگر آنکه ایشان بخدا و رسول او کافر شدند و به نماز نمی آیند مگر کاهلی کنان و خرج نمی کنند مگر ناخواهان (۵۴).

(۲۸) یعنی مرا در بلاد روم میرید که جمال رومیان دیده مفتون خواهم شد والله اعلم.

(۲۹) یعنی پنهان با اعداء موافقت کرده ایم یا از سفر تخلف نموده ایم ما را هیچ باک نیست والله اعلم.

(۳۰) یعنی فتح یا شهادت.

فَلَا تُعْجِبْكَ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ
 بِهَا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَتَرْهَقَ أَنْفُسُهُمْ وَهُمْ كَافِرُونَ
 ﴿٥٥﴾ وَيَخْلِفُونَ بِاللَّهِ إِنْهُمْ لَمِنَكُمْ وَمَا هُمْ بِمِنكُمْ وَلَكِنَّهُمْ
 قَوْمٌ يَفْرُقُونَ ﴿٥٦﴾ لَوْ يَجِدُونَ مَلْجَأًا أَوْ مَغْرَبَاتٍ أَوْ مَدَّخَلًا
 لَوَلَّوْا إِلَيْهِ وَهُمْ يَجْمَحُونَ ﴿٥٧﴾ وَمِنْهُمْ مَن يَلْمِزُكَ فِي
 الصَّدَقَاتِ فَإِنْ أُعْطُوا مِنْهَا رِضْوَانًا وَإِنْ لَمْ يُعْطُوا مِنْهَا إِذَا
 هُمْ يَسْخَطُونَ ﴿٥٨﴾ وَلَوْ أَنَّهُمْ رَضُوا مَا آتَاهُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ
 وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ سَيُؤْتِينَا اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَرَسُولُهُ
 إِنَّا إِلَى اللَّهِ رَاغِبُونَ ﴿٥٩﴾ * إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ
 وَالْعَمِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ
 وَالْغَرَمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً
 مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿٦٠﴾ وَمِنْهُمْ الَّذِينَ يُؤْذُونَ
 النَّبِيَّ وَيَقُولُونَ هُوَ أُذُنٌ قُلْ أُذُنٌ خَيْرٌ لَّكُمْ يُؤْمِنُ
 بِاللَّهِ وَيُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ وَرَحْمَةٌ لِلَّذِينَ آمَنُوا
 مِنْكُمْ وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ رَسُولَ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٦١﴾

پس تو را مالهای ایشان و نه فرزندان ایشان به شگفت نیارد جز این نیست که خدا می خواهد که ایشان را بآنها درزندگانی دنیا عذاب کند^(۳۱) و برآید جانهای ایشان و ایشان کافر باشند (۵۵). و بخدا سوگند می خورند که ایشان از گروه شما نیستند و ایشان از شما نیستند و لیکن ایشان جماعتی هستند که می ترسند (۵۶). اگر پناهی یا غارها یا جای درآمدن را بیابند هر آئینه بآن شتاب کنان متوجه شوند (۵۷). و از ایشان کسی هست که تو را در تقسیم صدقات عیب می کند پس اگر ایشان را از آن داده شود خوشنود شوند و اگر از آن داده نشوند از آن ناگهان ایشان خشم می گیرند (۵۸). و اگر ایشان رضامند می شدند بآنچه ایشان را خدا و رسول او داده است و می گفتند ما را خدا بس است، ما را خدا از فضل خود و رسول او خواهد داد هر آئینه ما به سوی خدا توقع دارندگانیم (این بهتر می بود) (۵۹). جز این نیست که صدقه ها برای فقیران است و بی نوایان و کارکنان بر جمع صدقات و آنانکه الفت داده می شود دلهای ایشان را^(۳۲) و برای خرج کردن در آزادی برده ها و برای وام داران و برای خرج کردن در راه خدا^(۳۳) و برای مسافران است حکم از نزد خدا ثابت شده است و خدا دانای درست کار است (۶۰). و از ایشان آنانند که پیامبر را آزار می دهند و می گویند وی خوش باور است^(۳۴) بگو وی خوش باور نیکوست برای شما گفته خدا را باور می کند و مشورت مسلمانان را قبول می کند و برای اهل ایمان از شما رحمت است و آنانکه پیامبر خدا را ایذا می رسانند برای ایشان عذاب دردناک است (۶۱).

(۳۱) یعنی مشقت جمع مال و حفظ اولاد و تأسف بر آنچه فوت شود والله اعلم.

(۳۲) یعنی ضعیف الإسلام.

(۳۳) یعنی جهاد.

(۳۴) یعنی هر چه کسی جوید قبول می کند.

يَخْلِفُونَ بِاللَّهِ لَكُمْ لِيَرْضَوْكُمْ وَاللَّهُ وَرَسُولُهُ أَحَقُّ
أَنْ يُرْضَوْهُ إِنْ كَانُوا مُؤْمِنِينَ ﴿٦٣﴾ أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّهٗ وَمَنْ
يُحَادِدِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَأَنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا
ذَٰلِكَ الْخِزْيُ الْعَظِيمُ ﴿٦٤﴾ يَحْذَرُ الْمُنَافِقُونَ أَنْ
تُنزَلَ عَلَيْهِمْ سُورَةٌ تُنَبِّئُهُمْ بِمَا فِي قُلُوبِهِمْ قُلِ اسْتَهْزِئُوا
إِنَّ اللَّهَ مُخْرِجٌ مَّا تَحْذَرُونَ ﴿٦٥﴾ وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ
لَيَقُولُنَّ إِنَّمَا كُنَّا نَخُوضُ وَنَلْعَبُ قُلْ أَبِاللَّهِ وَآيَاتِهِ
وَرَسُولِهِ كُنْتُمْ تَسْتَهْزِئُونَ ﴿٦٥﴾ لَا تَعْتَذِرُوا قَدْ كَفَرْتُمْ
بَعْدَ إِيمَانِكُمْ إِنْ نَعَفَ عَنْ طَآئِفَةٍ مِّنْكُمْ نُعَذِّبْ طَآئِفَةً
بِأَنَّهُمْ كَانُوا مُجْرِمِينَ ﴿٦٦﴾ الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ
بَعْضُهُمْ مِّنْ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمُنْكَرِ وَيَنْهَوْنَ
عَنِ الْمَعْرُوفِ وَيَقْبِضُونَ أَيْدِيَهُمْ نَسُوا اللَّهَ فَنَسِيَهُمْ
إِنَّ الْمُنَافِقِينَ هُمُ الْفَاسِقُونَ ﴿٦٧﴾ وَعَدَّ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ
وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْكُفَّارِ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا هِيَ
حَسْبُهُمْ وَلَعْنَةُ اللَّهِ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا قَامُوا ﴿٦٨﴾

بخدا برای شما سو گند می خورند تا شما را رضامندکنند و خدا و رسول او سزاوار ترند بآنکه او را رضامند سازند اگر مسلمانند (۶۲). آیاندانستند که هر که با خدا و رسول او خلاف کند پس هر آئینه او را آتش دوزخ است جاویدان آنجا این رسوایی بزرگ است (۶۳). منافقان می ترسند از آنکه بر مسلمانان سوره ای فرود آورده شود که ایشان را خبر دهد بآنچه در دل های منافقان است بگومسخره کنید هر آئینه خدا پدید آورنده است چیزی را که می ترسید (۶۴). و اگر ایشان را سوال کنی گویند جز این نیست که ما شوخی می نمودیم و بازی می کردیم بگو آبا بخدا و آیه های او و پیامبر او تمسخر می کردید (۶۵). عذر نیارید هر آئینه شما بعد از ایمان خود کافر شدید^(۳۵) اگر از گروهی از شما در گذریم البته گروهی را عذاب میدهیم بسبب آنکه ایشان گنهگار بودند (۶۶). مردان منافق و زنان منافق بعضی از ایشان از جنس بعضی دیگرند می فرمایند بکار ناپسندیده و از کار پسندیده منع می کنند و دستهای خود را می بندند خدا را فراموش کردند پس خدا ایشان را فراموش کرد هر آئینه منافقان همان فاسقانند (۶۷). خدا مردان منافق و زنان منافق را و کافران را آتش دوزخ وعده داده است همیشه در آن باشندگانند، دوزخ ایشانرا بس است و خدا ایشان را لعنت کرد و برای ایشان عذاب دایم است (۶۸).

(۳۵) یعنی بعد ایمان بزبان خود.

كَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ كَانُوا أَشَدَّ مِنْكُمْ قُوَّةً وَأَكْثَرَ أَمْوَالًا
 وَأَوْلَادًا فَاسْتَمْتَعُوا بِخَلْقِهِمْ فَاسْتَمْتَعْتُمْ بِخَلْقِكُمْ
 كَمَا اسْتَمْتَعَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ بِخَلْقِهِمْ وَخُضْتُمْ
 كَالَّذِي خَاضُوا أُولَئِكَ حِطَّتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا
 وَالْآخِرَةِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ ﴿٦٩﴾ أَلَمْ يَأْتِهِمْ
 نَبَأُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ قَوْمِ نُوحٍ وَعَادٍ وَثَمُودَ وَقَوْمِ
 إِبْرَاهِيمَ وَأَصْحَابِ مَدْيَنَ وَالْمُؤْتَفِكَاتِ أَتَتْهُمُ رُسُلُهُمْ
 بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانَ اللَّهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَلَٰكِن كَانُوا
 أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ﴿٧٠﴾ وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ
 أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ
 وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ
 وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ
 ﴿٧١﴾ وَعَدَّ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا
 الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتِ عَدْنٍ
 وَرِضْوَانٌ مِّنَ اللَّهِ أَكْبَرُ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿٧٢﴾

مانند آنانکه پیش از شما بودند از شما زیاده تر در قوت و بیشتر در اموال و اولاد بودند پس به بهره خویش بهره مند شدند^(۳۶) پس شما نیز به بهره خویش بهره مند شدید چنانکه آنانکه پیش از شما بودند به بهره خویش بهره مند شدند در (باطل) فرو رفتید همانند کسانی که در (باطل) فرو رفتند آن جماعت عمل های ایشان در دنیا و آخرت نابود شد و آن جماعت ایشان زیان کاران اند (۶۹). آیا به ایشان خبر آنانکه پیش از ایشان بودند نرسیده است قوم نوح و عاد و ثمود و قوم ابراهیم و اهل مدین و اهل موفکات بایشان پیامبران ایشان به نشانه های روشن آمدند پس هرگز نشد که خدا برایشان ظلم کند ولیکن ایشان بر خویشتن ظلم میکردند (۷۰). و مردان مسلمان و زنان مسلمان بعضی ایشان دوستان بعضی اند بکار پسندیده می فرمایند و از کار ناپسندیده منع می کنند و نماز را برپا می دارند و زکوة را می دهند و خدا و رسول او را فرمانبرداری می کنند این جماعت خدا برایشان رحم خواهد کرد هر آئینه خدا غالب درست کار است (۷۱). و خدا مردان مسلمان و زنان مسلمان را وعده کرده است بوستانهایی که زیر آنها جویها می رود همیشه آنجا باشندگانند و جایهای پاکیزه در بهشت های جاویدان و خوشنودی خدا از همه بزرگ تر است این پیروزی بزرگ است (۷۲).

(۳۶) یعنی ازدنیا.

يَأْتِيهَا النَّبِيُّ جَهْدَ الْكُفَّارِ وَالْمُنَافِقِينَ وَأَغْلَظَ عَلَيْهِمْ
 وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَيُشَسُّ الْمَصِيرُ ﴿٧٢﴾ يَحْلِفُونَ بِاللَّهِ مَا قَالُوا
 وَلَقَدْ قَالُوا كَلِمَةَ الْكُفْرِ وَكَفَرُوا بَعْدَ إِسْلَامِهِمْ وَهَمُّوا
 بِمَا لَمْ يَنَالُوا وَمَا نَقَمُوا إِلَّا أَنْ أَغْنَاهُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ
 مِنْ فَضْلِهِ فَإِنْ يَتُوبُوا يَكُ خَيْرًا لَهُمْ وَإِنْ يَتَوَلَّوْا يَعدِّبَهُمُ
 اللَّهُ عَذَابًا أَلِيمًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَا لَهُمْ فِي الْأَرْضِ
 مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ ﴿٧٤﴾ * وَمِنْهُمْ مَنْ عَاهَدَ اللَّهُ لَنْ يَأْتِنَا
 مِنْ فَضْلِهِ لَنَصَّدَّقَنَّ وَلَنَكُونَنَّ مِنَ الصَّالِحِينَ
 ﴿٧٥﴾ فَلَمَّا آتَاهُمُ مِنْ فَضْلِهِ بَخِلُوا بِهِ وَتَوَلَّوْا وَهُمْ
 مُعْرِضُونَ ﴿٧٦﴾ فَأَعْقَبَهُمْ نِفَاقًا فِي قُلُوبِهِمْ إِلَى يَوْمِ يَلْقَوْنَهُ
 بِمَا أَخْلَفُوا اللَّهَ مَا وَعَدُوهُ وَبِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ ﴿٧٧﴾
 أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ سِرَّهُمْ وَنَجْوَاهُمْ وَأَنَّ اللَّهَ
 عَلَّمُ الْغُيُوبِ ﴿٧٨﴾ الَّذِينَ يَلْمِزُونَ الْمُطَّوِّعِينَ مِنَ
 الْمُؤْمِنِينَ فِي الصَّدَقَاتِ وَالَّذِينَ لَا يَجِدُونَ إِلَّا جُهْدَهُمْ
 فَيَسْخَرُونَ مِنْهُمْ سَخِرَ اللَّهُ مِنْهُمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٧٩﴾

ای پیامبر با کافران جهاد کن^(۳۷) و با منافقان جهاد کن^(۳۸) و برایشان درستی کن و جایگاهشان دوزخ است و وی بدجایی است (۷۳). سوگند می‌خورند به خدا که نگفته‌اند و هر آئینه سخن کفر گفته‌اند و پس از اسلامشان کافر شده‌اند و قصد کردند آنچه نیافتند^(۳۹) و انکار نکردند مگر آنکه ایشان را خدا و رسول او از فضل خود توانگر ساخت^(۴۰) پس اگر توبه کنند ایشان را بهتر باشد و اگر رویگردان شوند خدا ایشان را به عذاب بسیار دردناکی در دنیا و آخرت عذاب کند و ایشان را در زمین هیچ کارساز و نه هیچ یاری دهنده ای نیست (۷۴). و از ایشان کسی هست که با خدا عهد بسته است البته اگر بدهد ما را از فضل خود هر آئینه صدقه دهیم و البته از نیکوکاران باشیم (۷۵). پس وقتی که ایشان را از فضل خود بداد بخیلی کردند بآن و اعراض کنان سرپیچی کردند (۷۶). پس خدای تعالی نفاق را در عاقبت در دل‌های ایشان قرار داد تا روزی که با وی ملاقات کنند بشومی آنکه با خدا خلاف کردند آنچه را که با وی وعده کرده بودند و بشومی آنکه دروغ می‌گفتند (۷۷). آیا ندانسته‌اند که خدا سخن پنهان ایشان و رازگفتن ایشان را می‌داند و آنکه خدا داننده غیب‌ها است (۷۸). آنانکه از مسلمانان در صدقات رغبت کنندگان را عیب می‌گیرند و آنان را که نمی‌یابند مگر مشقت خود را^(۴۱) عیب می‌گیرند پس بایشان تمسخر می‌کنند خدا بآن تمسخر کنندگان تمسخر کرد و ایشان را عذابی دردناک است (۷۹).

(۳۷) یعنی بسیف و شمشیر.

(۳۸) یعنی به زبان.

(۳۹) یعنی ایذای پیامبر.

(۴۰) و این نوعی از تحکم است و الله اعلم.

(۴۱) یعنی بمزدوری چیزی پیدامیکنند و صدقه میدهند.

اسْتَغْفِرْ لَهُمْ أَوْ لَا تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ إِنْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ سَبْعِينَ مَرَّةً
 فَلَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ
 وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ ﴿٨٠﴾ فَرِحَ الْمُخَلَّفُونَ بِمَقْعَدِهِمْ
 خِلَافَ رَسُولِ اللَّهِ وَكَرِهُوا أَنْ يُجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ
 فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَقَالُوا لَا تَنْفِرُوا فِي الْحَرِّ قُلْ نَارُ جَهَنَّمَ أَشَدُّ حَرًّا
 لَوْ كَانُوا يَفْقَهُونَ ﴿٨١﴾ فَلْيَضْحَكُوا قَلِيلًا وَلْيَبْكُوا كَثِيرًا جَزَاءً
 بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿٨٢﴾ فَإِنْ رَجَعَكَ اللَّهُ إِلَى طَائِفَةٍ
 مِنْهُمْ فَاسْتَدْنُوكَ لِذُخْرِهِمْ فَقُلْ لَنْ تَخْرُجُوا مَعِيَ أَبَدًا وَلَنْ
 تُقَاتِلُوا مَعِيَ عَدُوًّا إِنَّكُمْ رَضِيتُمْ بِالْقُعُودِ أَوَّلَ مَرَّةٍ فَاقْعُدُوا
 مَعَ الْخَالِفِينَ ﴿٨٣﴾ وَلَا تَصِلْ عَلَى أَحَدٍ مِنْهُمْ مَاتَ أَبَدًا وَلَا تَقِمْ
 عَلَى قَبْرِهِ إِنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَمَاتُوا وَهُمْ فَاسِقُونَ
 ﴿٨٤﴾ وَلَا تَعْجَبْكَ أَمْوَالُهُمْ وَأَوْلَادُهُمْ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُعَذِّبَهُمْ
 بِهَا فِي الدُّنْيَا وَتَزْهَقَ أَنْفُسُهُمْ وَهُمْ كَافِرُونَ ﴿٨٥﴾ وَإِذَا
 أَنْزَلَتْ سُورَةٌ أَنْ آمَنُوا بِاللَّهِ وَجَاهِدُوا مَعَ رَسُولِهِ اسْتَأْذَنَكَ
 أُولُو الطَّلُوعِ مِنْهُمْ وَقَالُوا ذَرْنَا نَأْكُلْ مَعَ الْقَاعِدِينَ ﴿٨٦﴾

آمزش بخواهی برای ایشان یا آمزش نخواهی برای ایشان (برابراست)^(۴۲) اگر آمزش خواهی برای ایشان هفتاد بار هرگز خدا ایشان را نیامرزد این بسبب آنست که ایشان بخدا ورسول او کافر شدند و خدا گروه فاسقان را راه نمی نماید (۸۰). پس گذاشته شدگان به نشستن خویش برخلاف پیامبر خدا شادمان شدند و ناپسند کردند که به اموال خویش و به جانهای خویش در راه خدا جهاد کنند و گفتند بایکدیگر در گرمی بیرون نروید بگواتش دوزخ سوزان تراست اگر درمی یافتند (چنین نمی کردند) (۸۱). پس باید که اندکی بخندند و بسیار بگریند سزای آنچه می کردند^(۴۳) (۸۲). پس اگر خدای تعالی به سوی گروهی از ایشان تورا باز آورد پس از تو برای بیرون آمدن اجازه خواهند^(۴۴) بگو بامن هرگز بیرون نخواهید آمد و همراه من باهیچ دشمنی جنگ نخواهید کرد هرآینه شما به نشستن بار اول رضامند شدید پس باپس ماندگان بنشینید (۸۳). و (یا محمد) برهیچ یکی از ایشان که بمیرد هرگز نماز مگزار و برگورش مایست هرآینه ایشان بخدا ورسول او کافر شدند و در حال نافرمانی مردند (۸۴). و تورا اموال ایشان و نه فرزندان ایشان بشگفت نیاورد جز این نیست که خدا می خواهد که ایشان را به آن در دنیا عذاب کند و روح هایشان بیرون شود در حالیکه ایشان کافر باشند (۸۵). و چون سوره ای باین مضمون که ایمان آورید به خدا و همراه رسول او جهاد کنید فرود آورده شود توانمندانشان از تو اجازه خواهند و گویند بگذار ما را تا باخانه نشینان باشیم (۸۶).

(۴۲) یعنی هر دو صورت یکسان است.

(۴۳) مترجم گوید مراد خبرست به آنکه در دنیا خواهند خندید و در آخرت خواهند گریست.

(۴۴) یعنی برای احراز غنائم.

رَضُوا بِأَن يَكُونُوا مَعَ الْخَوَالِفِ وَطُبِعَ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ
 لَا يَفْقَهُونَ ﴿٨٧﴾ لَكِنِ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا مَعَهُ
 جَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ وَأَوْلِيَتِكَ لَهُمُ الْخَيْرَاتُ
 وَأَوْلِيَتِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿٨٨﴾ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي
 مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿٨٩﴾
 وَجَاءَ الْمُعَذِّرُونَ مِنَ الْأَعْرَابِ لِيُؤْذَنَ لَهُمْ وَقَعَدَ الَّذِينَ
 كَذَبُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ سَيُصِيبُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابٌ
 أَلِيمٌ ﴿٩٠﴾ لَيْسَ عَلَى الضُّعَفَاءِ وَلَا عَلَى الْمَرْضَى وَلَا عَلَى الَّذِينَ
 لَا يَجِدُونَ مَا يَنْفِقُونَ حَرَجٌ إِذَا نَصَحُوا لِلَّهِ وَرَسُولِهِ
 مَا عَلَى الْمُحْسِنِينَ مِنْ سَبِيلٍ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٩١﴾
 وَلَا عَلَى الَّذِينَ إِذَا مَا أَتَوْكَ لِتَحْمِلَهُمْ قُلْتَ لَا أَجِدُ
 مَا أَحْمِلُكُمْ عَلَيْهِ تَوَلَّوْا وَأَعْيِبُوا نَفْسُهُمْ تَفِيضٌ مِنَ الدَّمْعِ
 حَزَنًا أَلَّا يَجِدُوا مَا يَنْفِقُونَ ﴿٩٢﴾ * إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى
 الَّذِينَ يَسْتَعِذُّونَكَ وَهُمْ أَغْنِيَاءُ رَضُوا بِأَن يَكُونُوا
 مَعَ الْخَوَالِفِ وَطُبِعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَعْمَلُونَ ﴿٩٣﴾

راضی شدند بآنکه با زنانِ پس مانده باشند و بردل‌های ایشان مهرنهاده شد پس ایشان نمی فهمند (۸۷). لیکن پیامبر و آنانکه با او ایمان آوردند باموال خود و جان‌های خود جهاد کردند و این جماعت برای ایشان نیکی‌ها است و این جماعت ایشان رستگاران اند (۸۸). خدا برای ایشان بوستانهایی که می‌رود زیر آنها جویها آماده ساخته است جاویدان در آنجا این پیروزی بزرگ است (۸۹). و اهل عذر از صحرا نشینان آمدند تا ایشان را اجازه داده شود و آنانکه با خدا و رسول او دروغ گفتند (یعنی در اظهار اسلام) (بدون هیچ عذری در خانه خود) نشستند بزودی به کافران از ایشان عذابی دردناک خواهد رسید (۹۰). برناتوان و نه بر بیماران و نه بر آنانکه نمی یابند آنچه را که خرج کنند هیچ گناهی نیست چون با خدا و رسول او نیک خواهی کنند بر نیکوکاران هیچ راه سرزنش نیست و خدا آمرزنده مهربان است (۹۱). و نه بر آنانکه چون بیابند پیش تو تا سواری دهی ایشان را گویی آنچه شما را بر آن سوارکنم نمی یابم باز گردند در حالیکه چشم‌های ایشان بجهت اندوه از آنکه نمی یابند آنچه خرج کنند سرشار اشک است (۹۲). جز این نیست که راه سرزنش فقط بر آنان است که از تو اجازه می خواهند در حالیکه ایشان توانگر اند راضی شدند بآنکه با زنان پس مانده باشند و خدا بردل‌های ایشان مهر نهاد پس ایشان نمی فهمند (۹۳).

يَعْتَدِرُونَ إِلَيْكُمْ إِذَا رَجَعْتُمْ إِلَيْهِمْ قُلْ لَا تَعْتَدِرُوا
لَنْ نُؤْمِنَ لَكُمْ قَدْ نَبَأْنَا اللَّهَ مِنْ أَعْبَارِكُمْ وَسَيَرَى
اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ يُنْفِقُ فِيمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ٩٤ سَيَخْلِفُونَ بِاللَّهِ
لَكُمْ إِذَا انْقَلَبْتُمْ إِلَيْهِمْ لَتَعْرِضُوا عَنْهُمْ فَأَعْرِضُوا
عَنْهُمْ إِنَّهُمْ رَجِسٌ وَمَآؤُهُمْ جَهَنَّمَ جَرَاءً بِمَا كَانُوا
يَكْسِبُونَ ٩٥ يَخْلِفُونَ لَكُمْ لِتَرْضَوْا عَنْهُمْ فَإِنْ
تَرْضَوْا عَنْهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَرْضَىٰ عَنِ الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ
٩٦ الْأَعْرَابُ أَشَدُّ كُفْرًا وَنِفَاقًا وَأَجْدَرُ أَلَّا يَعْمُوا حُدُودَ
مَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَىٰ رَسُولِهِ ۗ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ٩٧ وَمِنَ
الْأَعْرَابِ مَنْ يَتَّخِذُ مَا يُنْفِقُ مَغْرَمًا وَيَتَرَبَّصُ بِكُمْ
الَّذِينَ أَوَّارَعْتُمْ دَابِرَهُ السُّوءِ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ٩٨ وَمِنَ
الْأَعْرَابِ مَنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيَتَّخِذُ مَا يُنْفِقُ
قُرْبَةً عِنْدَ اللَّهِ وَصَلَاتٍ الرَّسُولِ أَلَّا يَتَّهَفُ بِهِنَّ لَهُمْ
سَيِّدٌ خِلَافَهُمْ اللَّهُ فِي رَحْمَتِهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ٩٩

پیش شما عذرخواهی کنند چون به سوی ایشان بازآید بگو عذرخواهی مکنید سخن شمارا باور نکنیم به راستی خدا ما را به بعض خبرهای شما آگاه ساخته است و خدا ورسول او عمل شما را خواهد دید (یعنی دردنیا) سپس به سوی داننده پنهان و آشکار بازگردانیده شوید پس شمارا از (حقیقت) آنچه میگردید خبر میدهد (۹۴). به خدا سوگند خواهند خورد پیش شما چون به سوی ایشان بازآید تا از ایشان رویگردانید پس شما از ایشان روی بگردانید هرآئینه ایشان پلیداند و جای ایشان دوزخ است به کیفر آنچه میکردند (۹۵). سوگند میخورند برای شما تا از ایشان رضامند شوید پس اگر از ایشان رضامند شوید پس هرآئینه (بدانید) که خدا از گروه فاسقان رضامند نمی شود (۹۶). صحرانشینان در کفرو نفاق سخت تراند^(۴۵) و سزاوارترند به آنکه احکام شریعتی را که نازل کرده است خدا بر پیامبر خود ندانند و خدا دانای درست کار است (۹۷). و از صحرانشینان کسی هست که تاوان می شمارد چیزی را که خرج می کند و در حق شما مصائب را انتظار می کشد برایشان باد مصیبت بد و خدا شنوای داناست (۹۸). و از اعراب کسی هست که به خدا و روز آخر ایمان می آورد و چیزی را که خرج می کند (ماهه) قربت نزد خدا می شمارد و وسیله دعای نیک پیامبر، آگاه باش هر آئینه وی ایشان را قریبست ایشان را خدا در رحمت خود داخل خواهد کرد بی گمان خدا آمرزنده مهربان است (۹۹).

(۴۵) یعنی به نسبت اهل شهر.

وَالسَّيْقُونَ الْأَوْلُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ
 اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ
 لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا
 ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿١٠٠﴾ وَمَنْ حَوْلَكُمْ مِنَ الْأَعْرَابِ
 مُنْفِقُونَ وَمِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ مَرَدُّوا عَلَى النَّفَاقِ لَا تَعْلَمُهُمْ
 نَحْنُ نَعْلَمُهُمْ سَنُعَذِّبُهُمْ مَرَّتَيْنِ ثُمَّ يُرَدُّونَ إِلَىٰ عَذَابٍ
 عَظِيمٍ ﴿١٠١﴾ وَآخَرُونَ اعْتَرَفُوا بِذُنُوبِهِمْ خَلَطُوا عَمَلًا صَالِحًا
 وَآخَرَ سَيِّئًا عَسَىٰ اللَّهُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ إِنْ اللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ
 ﴿١٠٢﴾ خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ
 إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿١٠٣﴾ أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ
 اللَّهَ هُوَ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَأْخُذُ الصَّدَقَاتِ وَأَنَّ
 اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ ﴿١٠٤﴾ وَقُلْ أَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ
 وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ وَسَتُرَدُّونَ إِلَىٰ عِلْمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ
 فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿١٠٥﴾ وَآخَرُونَ مُرْجُونَ لَأَمْرٍ لِلَّهِ
 إِمَّا يَعْذِبُهُمْ وَإِمَّا يَتُوبُ عَلَيْهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿١٠٦﴾

و سبقت کنندگان نخستین از مهاجران و انصار و آنانکه پیروی ایشان به نیکوکاری کردند خدا از ایشان خوشنود شد و ایشان (نیز) از وی خوشنود شدند و برای ایشان بوستانهایی که زیر آنها جویها می‌رود آماده ساخت جاویدان در آنجا همیشه، این پیروزی بزرگ است (۱۰۰). و از آنانکه دور و بر شما ایند از اعراب منافقانند و بعضی از اهل مدینه خوی نفاق دارند تو ایشان را نمی دانی ما ایشان را میدانیم ایشانرا دوبار عذاب خواهیم داد^(۴۶) سپس به سوی عذاب بزرگ بازگردانیده شوند (۱۰۱). و دیگرانی هستند که به گناهشان اقرار کردند آمیخته‌اند عمل نیک را با عمل دیگر که بدست، نزدیک است که خدا به رحمت برایشان متوجه شود هر آئینه خدا آمرزنده^۱ مهربانست (۱۰۲). از اموال ایشان زکوت را بگیر تا ایشان را پاک سازی و ایشان را به آن با برکت کنی و برای ایشان دعای خیر کن هر آئینه دعای تو برای ایشان سبب آرامش است و خدا شنوای داناست (۱۰۳). آیا ندانسته‌اند که خدا اوست که از بندگان خود توبه قبول می کند و صدقات را میگیرد و آنکه خدا اوست توبه پذیرنده^۲ مهربان (۱۰۴). و بگو عمل کنید پس زود خدا و رسول او و مومنان عمل شما را خواهد دید و به سوی داننده^۳ پنهان و آشکار زود بازگردانیده خواهید شد پس شما را به آنچه می کردید خبر میدهد (۱۰۵). و دیگرانی هستند که وا گذاشته موقوف داشته شده به فرمان خدایند یا که ایشان را عذاب دهد یا به رحمت متوجه شود برایشان و خدا دانای درست کار است (۱۰۶).

(۴۶) یعنی در میان مسلمانان ذلیل شوند و در اموال و اولاد آفات بینند.

وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ
 الْمُؤْمِنِينَ وَإِرْصَادًا لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ
 وَلَيَحْلِفُنَّ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا الْحُسْنَىٰ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ
 لَكَاذِبُونَ ﴿١٧﴾ لَا تَقُمْ فِيهِ أَبَدًا لَمَسْجِدٍ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَىٰ
 مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ
 يَتَطَهَّرُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ ﴿١٨﴾ أَفَمَنْ أَسَّسَ بُيُوتَهُ
 عَلَى تَقْوَىٰ مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٍ خَيْرًا مِمَّنْ أَسَّسَ بُيُوتَهُ
 عَلَى شَفَا جُرُفٍ هَارٍ فَانْهَارَ بِهِ فِي نَارِ جَهَنَّمَ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي
 الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ﴿١٩﴾ لَا يَزَالُ بُنِيَ لَهُمُ الَّذِي بَنَوْا رِيبَةً
 فِي قُلُوبِهِمْ إِلَّا أَنْ تَقَطَّعَ قُلُوبُهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ
 ﴿٢٠﴾ * إِنْ اللَّهُ اشْتَرَىٰ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ
 بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةُ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ
 وَيُقْتَلُونَ وَعَدَّا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ
 وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَىٰ بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا
 بِبَيْعِكُمْ الَّتِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْقَوْلُ الْعَظِيمُ ﴿٢١﴾

وازیشان آنانند که ساخته اند مسجدی برای زیان رسانیدن و بجهت کفر و برای تفرقه افگندن میان مسلمانان و کمین گاه ساختن برای آنانکه با خدا و رسول او پیش ازین جنگ کرده اند و البته سوگند می خورند که مگر خصلت نیک را نخواسته ایم و خدا گواهی میدهد که ایشان دروغگویانند^(۴۷) (۱۰۷). هرگز در آنجا مایست، هر آئینه مسجدی که بنیاد نهاده شده است بر نیت تقوی از روز اول بهترست که در آن بایستی، آنجامردانی اند که دوست میدارند که پاك شوند و خدا پاك شوندگان را دوست میدارد (۱۰۸). آیا کسی که عمارت خود را بر ترس از خدا و خوشنودی او بنیاد نهاد بهترست یا آنکه بنیاد نهاده است عمارت خود را بر کناره^۴ زمین رود خورده^۵ در حال افتادن پس با صاحب خود در آتش دوزخ افتاد و خدا گروه ستمگاران را راه نمی نماید^(۴۸) (۱۰۹). همیشه عمارت ایشان که بنا کرده اند^(۴۹) سبب شك در دلهای ایشان باشد مگر آنکه دلهای ایشان پاره پاره شود و خدا دانای درست کار است (۱۱۰). هر آئینه خدا از مسلمانان جانهای ایشان و مالهای ایشان را خریده است به عوض آنکه ایشان را بهشت باشد، در راه خدا جنگ می کنند پس می کشند و کشته می شوند بر خدا وعده^۶ لازمی است ثابت در تورات و انجیل و قرآن و کیست به عهد خویش از خدا وفا کننده تر پس شادمان باشید به آن فروختن خود که به آن معامله کردید و این پیروزی بزرگ است (۱۱۱).

(۴۷) مترجم گوید جماعتی از منافقان مسجدی ساخته بودند به نیت فاسد تاتفریق بین مسلمین و کمینگاه کافران باشد خدای تعالی بهدم آن امر فرمود والله اعلم.

(۴۸) عمارت ساختن بر اساس تقوی کنایت است از اخلاص در اعمال و عمارت ساختن بر کناره^۴ رود خورده کنایت از ریاء و عجب در اعمال والله اعلم.

(۴۹) یعنی مسجد ضرار.

التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّاعِدُونَ
 الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ الْأَمْرُونَ بِالْمَعْرُوفِ
 وَالنَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ
 وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ ﴿١١٢﴾ مَا كَانَ لِلنَّبِيِّ وَالَّذِينَ آمَنُوا
 أَنْ يَسْتَغْفِرُوا لِلْمُشْرِكِينَ وَلَوْ كَانُوا أُولِي قُرْبَىٰ
 مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُمْ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ ﴿١١٣﴾ وَمَا
 كَانَ أَسْتَغْفَارُ إِبْرَاهِيمَ لِأبيه إِلَّا عَن مَّوْعِدَةٍ وَعَدَّهَا
 إِيسَاهُ فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ أَنَّهُ عَدُوٌّ لِلَّهِ تَبَرَّأَ مِنْهُ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ
 لَأَوَّاهٌ حَلِيمٌ ﴿١١٤﴾ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِلَّ قَوْمًا بَعْدَ إِذْ
 هَدَاهُمْ حَتَّىٰ يُبَيِّنَ لَهُمْ مَا يَتَّقُونَ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ
 عَلِيمٌ ﴿١١٥﴾ إِنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يُحْيِيهِ
 وَيُمِيتُهُ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ ﴿١١٦﴾
 لَقَدْ تَابَ اللَّهُ عَلَى النَّبِيِّ وَالْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ الَّذِينَ
 اتَّبَعُوهُ فِي سَاعَةِ الْعُسْرَةِ مِنْ بَعْدِ مَا كَادَ يَزِيغُ قُلُوبَ
 فَرِيقٍ مِّنْهُمْ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ إِنَّهُ بِهِمْ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ ﴿١١٧﴾

ایشان توبه کنندگانند، عبادت کنندگانند، حمد گویندگانند، در راه خدا، سفر کنندگانند رکوع
 و سجده کنندگانند، فرمایندگانند بکار پسندیده و منع کنندگانند از ناپسندیده و احکام خدا را
 نگاه دارندگانند و مسلمانان را مژده ده (۱۱۲). پیامبر را و نه مسلمانان را روا نَبُود که برای
 مشرکان طلب آمرزش کنند اگر چه خویشاوند باشند بعد از آنکه ظاهر شد برایشان که آن
 گروه اهل دوزخ اند (۱۱۳). و طلب آمرزش ابراهیم برای پدر خود نبود مگر بخاطر وعده
 ای که با وی کرده بود پس چون روشن شد برای ابراهیم که وی دشمن خداست از وی
 بیزار شد هر آئینه ابراهیم دردمند بُردبار بود (۱۱۴). و هرگز نیست که خداگمراه کند قومی
 را^(۵۰) بعد از آنکه ایشان را هدایت نموده باشد تا آنکه واضح سازد برایشان آنچه از وی
 پرهیز کنند هر آئینه خدا بهر چیز داناست^(۵۱) (۱۱۵). هر آئینه پادشاهی آسمان ها و زمین از آن
 خداست زنده می کند و می میراند و شما را به جزوی هیچ کار سازی و یاری دهنده ای نیست
 (۱۱۶). هر آئینه خدا بر پیامبر و آن مهاجران و انصار که پیروی وی کردند در وقت تنگ دستی
 بعد از آنکه نزدیک بود که منحرف شود دل‌های گروهی از ایشان برحمت متوجه شد باز
 برایشان برحمت متوجه شد هر آئینه وی برایشان بخشاینده^{۵۲} مهربان است (۱۱۷).

(۵۰) یعنی در حساب گمراهان نمی شمارد قومی را.

(۵۱) یعنی تا پیامبر نیا ید تبلیغ نکند معذورانند فتح.

وَعَلَى الثَّلَاثَةِ الَّذِينَ خُلِفُوا حَتَّىٰ إِذَا ضَاقَتْ عَلَيْهِمُ الْأَرْضُ
 بِمَا رَحُبَتْ وَضَاقَتْ عَلَيْهِمْ أَنفُسُهُمْ وَظَنُّوا أَن لَّا مَلْجَأَ
 مِنَّا إِلَّآ إِلَيْهِ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ لِيَتُوبُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ
 الرَّحِيمُ ﴿١١٨﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ
 الصَّادِقِينَ ﴿١١٩﴾ مَا كَانَ لِأَهْلِ الْمَدِينَةِ وَمَن حَوْلَهُمْ
 مِّنَ الْأَعْرَابِ أَن يَتَخَلَّفُوا عَن رَّسُولِ اللَّهِ وَلَا يَرْعَبُوا
 بِأَنفُسِهِمْ عَن نَّفْسِهِ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ لَا يُصِيبُهُمْ ظَمَأٌ
 وَلَا نَصَبٌ وَلَا مَخْمَصَةٌ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَطَّئُونَ مَوْطِئًا
 يَغِيظُ الْكُفَّارَ وَلَا يَنَالُونَ مِن عَدُوٍّ نَّيْلًا إِلَّا كُتِبَ
 لَهُم بِهِ عَمَلٌ صَالِحٌ إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ
 ﴿١٢٠﴾ وَلَا يُنْفِقُونَ نَفَقَةً صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً وَلَا يَقْطَعُونَ
 وَادِيًا إِلَّا كُتِبَ لَهُم لِيَجْزِيَهُمُ اللَّهُ أَحْسَنَ مَا كَانُوا
 يَعْمَلُونَ ﴿١٢١﴾ * وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنفِرُوا كَآفَّةً
 فَلَوْلَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ
 وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ ﴿١٢٢﴾

و بر آن سه* کس که موقوف داشته شدند تا آنکه برایشان زمین با وجود فراخی آن تنگ شد و برایشان جانهای ایشان تنگ شد و دانستند که پناهی از خدا مگر به سوی او نیست باز خدا برایشان برحمت متوجه شد تا ایشان رجوع کنند^(۵۲) هر آئینه خدا توبه پذیرنده^۵ مهربانست (۱۱۸). ای مسلمانان از خدا بترسید و باراست گویان باشید (۱۱۹). اهل مدینه را و آنانرا که دوروبر ایشانند از اعراب لایق نبُود که از همراهی رسول خدا رغبت کنند باز پس مانند و نه آنکه در حفظ خویش رویگردانی کرده از ذات رسول خدا این بسبب آنست که نمی رسد به ایشان تشنگی و نه رنج و نه گرسنگی در راه خدا و نهند گامی بر جایی که کافران را بخشم آورد و بدست نمی آورند از دشمن هیچ دست آوردی مگر برای ایشان نوشته شود بسبب آن عمل صالح هر آئینه خدا پاداش نیکوکاران را ضایع نمی کند (۱۲۰). و خرج نمی کنند هیچ خرجی چه اندک و چه بسیار، و طی نمی کنند هیچ میدانی را مگر برای ایشان عمل صالح نوشته شود تا خدا ایشان را پاداش دهد پاداش نیکوترین آنچه می کردند (۱۲۱). و مومنان را نشاید که^(۵۳) همه يك جا برآیند پس چرا از هر جمعی از ایشان چند کس بیرون نیاید تا در دین دانشمند شوند و تا قوم خود را چون به سوی ایشان بازآیند بیم دهند بُود که ایشان بترسند^(۵۴) (۱۲۲).

(*) و آن سه کس کعب بن مالک و هلال بن امیه و مرارة بن ربیع رضی الله عنهم بودند قصه^۵ تفصیلیشان در صحیح بخاری مذکور است به سوره توبه در کتاب تفسیر تحت آیه مذکوره مراجعه شود، مصحح.

(۵۲) یعنی بمقام قریب.

(۵۳) یعنی به طلب علم.

(۵۴) یعنی طلب علم دین فرض کفایه است.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ
وَلْيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً وَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ
﴿١٣٣﴾ وَإِذَا مَا أَنْزَلَتْ سُورَةٌ فَمِنْهُمْ مَن يَقُولُ أَيُّكُمْ زَادَتْهُ
هَذِهِ ءِيمَانًا فَأَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا فَزَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَهُمْ
يَسْتَبْشِرُونَ ﴿١٣٤﴾ وَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَّرَضٌ فَزَادَتْهُمْ
رِجْسًا إِلَىٰ رِجْسِهِمْ وَمَاتُوا وَهُمْ كَافِرُونَ ﴿١٣٥﴾ أَوَلَا
يَرَوْنَ أَنَّهُمْ يُفْتَنُونَ فِي كُلِّ عَامٍ مَّرَّةً أَوْ مَرَّتَيْنِ
ثُمَّ لَا يَتُوبُونَ وَلَا هُمْ يَذَكَّرُونَ ﴿١٣٦﴾ وَإِذَا مَا
أَنْزَلَتْ سُورَةٌ نَّظَرَ بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ هَلْ يَرَيْنَاكُمْ
مِّنْ أَحَدٍ ثُمَّ انصَرَفُوا صَرَفَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ
لَّا يَفْقَهُونَ ﴿١٣٧﴾ لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنفُسِكُمْ
عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ
رَءُوفٌ رَّحِيمٌ ﴿١٣٨﴾ فَإِن تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ
إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ ﴿١٣٩﴾

سورة التوبة

ای مسلمانان با آنانکه نزدیک شمايند از کافران جنگ کنید و باید که کافران در شما درستی را بیابند و بدانید که خدا بامتقیان است (۱۲۳). و چون سوره ای فرود آورده شود پس از منافقان کسی هست که می گوید در حق کدام يك از شما این سوره ایمان را افزوده است اما اهل ایمان پس بتحقیق در حق ایشان ایمان را افزوده است و ایشان شادمان می شوند (۱۲۴). و اما آنانکه در دل‌های ایشان بیمار است پس در حق ایشان پلیدی را همراه پلیدی ایشان افزوده است و مُردند در حالیکه ایشان کافر بودند (۱۲۵). آیا نمی بینند که ایشان در هر سال يك بار یا دوبار سزا داده می شوند^(۵۵) باز توبه نمی کنند و نه ایشان پند می گیرند (۱۲۶). و چون سوره ای فرود آورده شود^(۵۶) بعضی ایشان به بعضی با شرمندگی نظر کنند و گوید آیا هیچ کس شمارا می بیند؟ پس باز گردند^(۵۷)، خدا دل‌های ایشان را بسبب آنکه ایشان گروهی هستند که نمی دانند باز گردانیده است (۱۲۷). ای مسلمانان به تحقیق به شما پیامبری از خودتان آمده است دشوار است بروی رنج شما بر هدایت شما حریص است به مسلمانان بخشاینده مهربان است (۱۲۸). پس اگر باز گردند بگومرا خدا بس است، هیچ معبود بر حقی به جزوی نیست، بروی توکل کردم و او خداوندِ عرش بزرگ است^(۵۸).

(۱۲۹).

(۵۵) یعنی با امراض و مصائب.

(۵۶) یعنی سوره ای که در وی بیان نفاق ایشان باشد.

(۵۷) یعنی بخانه های خود.

(۵۸) یعنی چنانکه قادر است عرش را نگاه می دارد و ترا نیز از شر کافران و منافقان نگاه می دارد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الرَّتِّلْكَ ءَايَاتِ الْكِتَابِ الْحَكِيمِ ۝ أَكَانَ لِلنَّاسِ عَجَبًا
 أَنْ أَوْحَيْنَا إِلَى رَجُلٍ مِّنْهُمْ أَنْ أَنْذِرِ النَّاسَ وَبَشِّرِ الَّذِينَ
 ءَامَنُوا أَنَّ لَهُمْ قَدَمٌ صِدْقٍ عِنْدَ رَبِّهِمْ قَالَ الْكٰفِرُونَ
 إِنَّ هَذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ ۝ إِنَّ رَبَّكُمْ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ
 وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ
 مَا مِنْ شَفِيعٍ إِلَّا مِنْ بَعْدِ إِذْنِهِ ذَلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ
 أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ۝ إِلَيْهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا وَعَدَّ اللَّهُ حَقًّا إِنَّهُ
 يَبْدُوَ الْخَاطِقِ ثُمَّ يُعِيدُهُ وَلِيَجْزِيَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا
 الصَّالِحَاتِ بِالْقِسْطِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ شَرَابٌ مِّنْ حَمِيمٍ
 وَعَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ ۝ هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسَ
 ضِيَاءً وَالْقَمَرَ نُورًا وَقَدَّرَهُ مَنَازِلَ لِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ
 وَالْحِسَابَ مَا خَلَقَ اللَّهُ ذَلِكَ إِلَّا بِالْحَقِّ يُفَصِّلُ الْآيَاتِ
 لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ۝ إِنَّ فِي اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَمَا خَلَقَ
 اللَّهُ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَّقُونَ ۝

سوره یونس مکی است وان يك صد
و نه آیه و یازده رکوع است

بنام خدای بخشاینده مهربان.

الر، این آیه های کتاب با حکمت است (۱). آیا برای مردمان (جای) شگفتی است که به سوی مردی از ایشان وحی فرستادیم که مردمان را بترسان و مسلمانان را بشارت ده بآنکه ایشان نزد پروردگارشان پیشینه راستین دارند، گفتند کافران هر آئینه این شخص جادوگر آشکار است (۲). هر آئینه پروردگار شما خدایی است که آسمان ها و زمین را درشش روز آفرید باز بر عرش مستقر شد کار را تدبیر می کند هیچ شفاعت کننده مگر بعد از دستور وی نیست، این است خدا پروردگار شما پس او را بپرستید آیاتند نمی گیرید (۳). رجوع همگی شما به سوی اوست وعده کرده است خدا وعده درست، هر آئینه وی آفرینش را آغاز می کند باز دوباره آنها را برگرداند تا آنان را که ایمان آورده اند و کارهای شایسته کرده اند به انصاف پاداش دهد و آنانکه کافر شدند برایشان آشامیدنی از آب گرم، و عذابی دردناک است بسبب آنکه کافر بودند (۴). او آنست که خورشید را درخشنده و ماه را روشن ساخت و برای ماه منزل هارامعین کرد تا شمار سالها را بدانید و تا حساب را بدانید خدای تعالی این را نیافریده است مگر به تدبیر درست نشانه ها را برای گروهی که میدانند بیان می کند (۵). هر آئینه درآمد و رفت شب و روز و در آنچه آفریده است خدا در آسمان ها و زمین نشانه ها است گروهی را که پرهیزگاری می کنند (۶).

إِنَّ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا وَرَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاطْمَأَنَّنُوا
 بِهَا وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غَافِلُونَ ﴿٧﴾ أُولَٰئِكَ مَا لَهُمْ
 النَّارُ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿٨﴾ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا
 الصَّالِحَاتِ يَهْدِيهِمْ رَبُّهُمْ بِإِيمَانِهِمْ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمُ
 الْأَنْهَارُ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ ﴿٩﴾ دَعَوْهُمْ فِيهَا سُبْحَانَكَ
 اللَّهُمَّ وَتَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ وَاخْرَجْتَهُمْ مِنْهَا أَنْ الْحَمْدُ
 لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٠﴾ * وَلَوْ يَعْلَمُ اللَّهُ لِلنَّاسِ السِّرَّ
 أَسْتَعْبَاهُمْ بِالْخَيْرِ لَقَضَىٰ إِلَيْهِمْ أَجْلَهُمْ فَذَرُوا الَّذِينَ
 لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ ﴿١١﴾ وَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ
 الضُّرُّ دَعَا نَجْوَاهُ أَوْ قَاعِدًا أَوْ قَائِمًا فَلَمَّا كَشَفْنَا
 عَنْهُ ضُرَّهُ مَرَّكَانَ لَمْ يَدْعُنَا إِلَىٰ ضُرِّ مَسَّهُ وَكَذَٰلِكَ زُيِّنَ
 لِلْمُتَسْرِفِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٢﴾ وَلَقَدْ أَهَلَكْنَا الْقُرُونِ
 مِنْ قَبْلِكُمْ لَمَّا ظَلَمُوا وَجَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ وَمَا كَانُوا
 لِيُؤْمِنُوا كَذَٰلِكَ نَجْزِي الْقَوْمَ الْمُجْرِمِينَ ﴿١٣﴾ ثُمَّ جَعَلْنَاكُمْ
 خَلَائِفَ فِي الْأَرْضِ مِنْ بَعْدِهِمْ لِنَنْظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ ﴿١٤﴾

هرآئینه آنانکه امید ملاقات ما را ندارند و به زندگانی دنیا خوشنود شده اند و به آن آرام گرفته اند و آنانکه از نشانه‌های ما بی‌خبراند (۷). این جماعت جایگاهشان آتش است به سبب آنچه عمل می‌کردند (۸). هرآئینه آنانکه ایمان آورده اند و کارهای شایسته کرده اند ایشان را پروردگار ایشان به پاداش ایمان ایشان (یعنی بمقامات نجات) هدایت کند، از زیر ایشان جویهادربوستانهای ناز و نعمت می‌رود (۹). دعای ایشان در آنجا سبحانک اللهم باشد یعنی پاکی تو راست بار خدایا و دعای خیر ایشان بایکدیگر سلام بود و پایان دعای ایشان این است که حمد مخصوص خداست پروردگار جهانیان (۱۰). و اگر خدای تعالی بمردمان سختی را زود می‌رسانید مانند آنکه نعمت را زود می‌طلبند در حق ایشان اجل ایشان به انجام رسانیده می‌شد پس می‌گذاریم آنان را که امید ملاقات ما را ندارند در بیراهی خویش سرگردان شده بمانند (۱۱). و چون به آدمی رنج برسد دعا کند ببارگاه ما خفته بر پهلوی خود یانشسته یا ایستاده پس آنگاه که از وی رنج وی را برداشتیم چنان بگذرد که گویی ما را بدفع کردن رنجی که رسیدش نخوانده بود هم چنین آراسته کرده شد از حد گذرندگان را آنچه می‌کردند (۱۲). و هرآئینه قرن‌ها را پیش از شما هلاک کرده ایم چون ستم کردند در حالیکه برایشان پیامبران ایشان بانسانه‌های روشن آمدند و هرگز آماده آن نبودند که ایمان آورند هم چنین گروه گناه کاران را سزا می‌دهیم (۱۳). باز شمارا در زمین پس از ایشان جانشین قرار دادیم تا ببینیم چگونه کار می‌کنید (۱۴).

وَإِذْ أَنْتَلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا بَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ
 لِقَاءَنَا أَنْتَ بَقْرَةٌ إِنْ غَيْرَ هَذَا أَوْ بَدَّلَهُ قُلْ مَا يَكُونُ
 لِي أَنْ أُبَدِّلَهُ، وَمَنْ تَلَقَايَ نَفْسِي إِنْ اتَّبَعُ إِلَّا مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ
 إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿١٥﴾ قُلْ
 لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا تَلَوْتُهُ، وَعَلَيْكُمْ وَلَا أَدْرِكُمْ بِهِ
 فَقَدْ لَبِثْتُ فِيكُمْ عُمُرًا مِّن قَبْلِهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿١٦﴾
 فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ
 إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْمُجْرِمُونَ ﴿١٧﴾ وَيَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ
 مَا لَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَيَقُولُونَ هَؤُلَاءِ شَفَعَاؤُنَا
 عِنْدَ اللَّهِ قُلْ أَتَدْعُونَ اللَّهَ بِمَا لَا يَعْلَمُ فِي السَّمَوَاتِ وَلَا
 فِي الْأَرْضِ سُبْحَانَهُ، وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿١٨﴾ وَمَا
 كَانَ النَّاسُ إِلَّا أُمَّةً وَاحِدَةً فَاخْتَلَفُوا وَلَوْلَا كَلِمَةٌ
 سَبَقَتْ مِن رَّبِّكَ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ فِيمَا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ
 ﴿١٩﴾ وَيَقُولُونَ لَوْلَا أَنْزَلَ عَلَيْنَا آيَةً مِّن رَّبِّنَا فَقُلْ إِنَّمَا
 الْغَيْبُ لِلَّهِ فَاتَّبِعُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ ﴿٢٠﴾

و چون برایشان آیات واضح ما خوانده شود گویند آنانکه امید ملاقات ما را ندارند قرآنی غیر از این بیار یا اورا تغییر ده^(۱) بگو مرار و تَبُود که آن را از جانب خود تبدیل کنم پیروی نمی کنم مگر آنچه را که به سوی من وحی فرستاده شد هر آئینه من اگر نافرمانی پروردگار خود کنم از عذاب روز بزرگ می ترسم (۱۵). بگو اگر خدا می خواست آن را بر شما نمی خواندم و خدا شمارا به آن خبردار نمی کرد هر آئینه پیش از این در میان شما عمری گذرانده ام آبادر نمی یابید (۱۶). پس کیست ستمکارتر از کسی که برخدا دروغ را بر بندد یا آیاتِ وی را دروغ انگارد هر آئینه (سخن اینست که) گناهگاران رستگار نمی شوند (۱۷). و می پرستند غیر از خدا چیزی را که ایشان را ضرر ندهد و نه به ایشان سود رساند و می گویند ایشان نزد خدا شفاعت کنندگان ماهستند بگو آیا خدا را آگاه می کنید به آنچه در آسمان ها و زمین نمی داند، پاکی وی راست و برتر است از آنکه شریک مقرر می کنند (۱۸). و تَبُودند مردمان مگر یک امت^(۲) پس اختلاف کردند^(۳) و اگر نمی بود کلمه ای که سابق از پروردگار تو صادر شده است میان ایشان در آنچه در او اختلاف می ورزیدند فیصله کرده می شد (۱۹). و می گویند چرا بر این پیامبر نشانه ای از پروردگار وی فرو فرستاده نشده است بگو جز این نیست که علم غیب فقط مخصوص خدا ست پس انتظار کنید هر آئینه من باشما از منتظرانم (۲۰).

(۱) یعنی تاموافق عقاید باطله ایشان باشد.

(۲) یعنی یرتوحید و ملت ابراهیمی.

(۳) یعنی بسبب عمرو بن لحي. که اولین کسی بود که بت پرستی را در عرب به راه انداخت.

وَإِذَا أَذَقْنَا النَّاسَ رَحْمَةً مِّن بَعْدِ ضَرَاءٍ مَّسَّتْهُمْ إِذَا لَهُم مَّكْرٌ
 فِيءَ آيَاتِنَا قُلِ اللَّهُ أَسْرَعُ مَكْرًا إِنَّ رُسُلَنَا يَكْتُبُونَ مَا نَمْكُرُونَ
 ﴿١١﴾ هُوَ الَّذِي يُسَيِّرُكُمُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ حَتَّى إِذَا كُنْتُمْ فِي الْفُلِكِ
 وَجَرِينَ بِيَهُمْ بِرِيحٍ طَيِّبَةٍ وَفَرِحُوا بِهَا جَاءَتْهَا رِيحٌ عَاصِفٌ
 وَجَاءَهُمُ الْمَوْجُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ وَظَنُوا أَنَّهُمْ أُحِيطَ بِهِمْ
 دَعَوُا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ لَئِن أُنجَيْتَنَا مِنْ هَذِهِ لَنَكُونَنَّ
 مِنَ الشَّاكِرِينَ ﴿١٢﴾ فَلَمَّا أَنْجَاهُمْ إِذَا هُمْ يَبْعُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ
 الْحَقِّ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا بَعَيْتُمْ عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ مَتَاعَ الْحَيَاةِ
 الدُّنْيَا ثُمَّ إِلَيْنَا مَرْجِعُكُمْ فَنُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿١٣﴾
 إِنَّمَا مِثْلُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَا أَهْلُ الْأَنْزَالِ مِنَ السَّمَاءِ فَأَخْتَلَطَ
 بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ مِمَّا يَأْكُلُ النَّاسُ وَالْأَنْعَامُ حَتَّى إِذَا
 أَخَذَتِ الْأَرْضُ زُخْرُفَهَا وَازَّيَّنَتْ وَظَنَّ أَهْلُهَا أَنَّهُمْ قَدِرُونَ
 عَلَيْهَا آتَاهَا أَمْرًا لَّيْلًا أَوْ نَهَارًا فَجَعَلْنَاهَا حَصِيدًا كَأَن لَّمْ تَغْنَمِ
 بِالْأَمْسِ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ﴿١٤﴾ وَاللَّهُ يَدْعُوا
 إِلَى دَارِ السَّلَامِ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿١٥﴾

و چون مردمان را رحمتی پس از سختی که رسیده بود به ایشان بچشانیم ناگهان ایشان را در نشانه های ما بداندیشی باشد^(۴) بگو خدا در تدبیر کردن سریع تراست هر آینه فرستادگان ما آنچه بداندیشی می کنید می نویسند^(۵) (۲۱). اوست آنکه شمارا در خشکی و در دریا روان می کند تا وقتیکه چون در کشتی ها باشید و کشتی ها با سواران خود بادخوش روان شوند و ایشان به آن باموافق شادمان شوند، ناگاه به آن کشتی ها بادی تند برسد و به ایشان موج از هر طرف بیاید و بدانند که از هر جهت گرفتار گشتند دعا کنند ببارگاه خدا برای اوعبادت را خالص کرده که اگر ما را ازین بلا نجات دهی از شکر گزاران باشیم (۲۲). پس آنگاه که ایشان را نجات داد ناگهان ایشان در زمین به ناحق بیراهی می کنند ، ای مردمان جزاین نیست که بیراهی شمازیان بر جان شماست بهره زندگانی دنیا را یافید، باز به سوی ما بازگشت شماست پس شمارا به آنچه می کردید باخبر سازم (۲۳). جزاین نیست که مثال زندگانی دنیا مانند آبی است که از آسمان فرود آوردیمش پس درهم آمیخت بسبب وی رویدگی زمین از آنچه مردمان و چهار پایان می خوردند تا وقتی که چون بدست آورد زمین پیرایه خود را آراسته شد و گمان کردند ساکنان آن زمین که ایشان بر ارتفاع از آن توانایند ناگهان بزمین فرمان مادر شب یا در روز بیامد پس آن را مثل زراعت از بیخ بریده گویا نبود دیروز گردانیدیم، همچنین نشانه ها را برای گروهی که اندیشه می کنند بیان می کنیم (۲۴). و خدا به سوی سرای سلامتی می خواند و هر که را بخواهد به سوی راه راست هدایت می کند (۲۵).

(۴) یعنی بکفران نعمت.

(۵) مترجم گوید بعد از آن خدای تعالی کیفیت مکر و کفران نعمت را بیان میفرماید والله اعلم.

* لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا الْحُسْنَىٰ وَزِيَادَةٌ ۗ وَلَا يَرْهَقُ وُجُوهَهُمْ قَتَرٌ
 وَلَا ذِلَّةٌ ۗ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ ۖ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٦١﴾ وَالَّذِينَ
 كَسَبُوا السَّيِّئَاتِ جَزَاءُ سَيِّئَةٍ بِمِثْلِهَا وَتَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ ۖ مَا لَهُمْ
 مِنَ اللَّهِ مِنْ عَاصِمٍ ۖ كَأَنَّمَا أُغْشِيَتْ وُجُوهُهُمْ قِطْعًا مِنَ اللَّيْلِ
 مُظْلَمًا ۖ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ ۖ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٦٢﴾ وَيَوْمَ نَحْشُرُهُمْ
 جَمِيعًا ۖ نُنْفِئُ لِلَّذِينَ اشْرَكُوا مَكَانَكُمْ ۖ أَنْتُمْ وَشُرَكَاءُكُمْ فَمَنْ لَنَا
 بَيْنَهُمْ ۖ وَقَالَ شُرَكَاءُهُمْ مَا كُنْتُمْ إِلَّا نَا تَعْبُدُونَ ﴿٦٣﴾ فَكَفَىٰ بِاللَّهِ
 شَهِيدًا ۖ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ ۖ إِنْ كُنَّا عَنْ عِبَادَتِكُمْ لِغَافِلِينَ ﴿٦٤﴾
 هُنَالِكَ تَبْلُغُ كُلُّ نَفْسٍ مَّا أَسْلَفَتْ ۖ وَرُدُّوْا إِلَى اللَّهِ مَوْلَاهُمْ
 الْحَقُّ ۖ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ ﴿٦٥﴾ قُلْ مَنْ يَرِزُكُمْ مِّنَ
 السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ ۖ أَمَّنْ يَمْلِكُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَرَ ۖ وَمَنْ يُخْرِجُ
 الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ ۖ وَمَنْ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ ۖ
 فَسَيَقُولُونَ اللَّهُ فَقُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ ﴿٦٦﴾ فَذَلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ
 الْحَقُّ ۖ فَمَاذَا بَعْدَ الْحَقِّ إِلَّا الضَّلَالُ ۖ فَأَنَّى تُصْرَفُونَ ﴿٦٧﴾ كَذَلِكَ
 حَقَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ عَلَى الَّذِينَ فَسَقُوا ۖ أَنَّهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٦٨﴾

آنان که نیکوکاری کردند برایشان بهشت و زیاده بر آن باشد^(۶) و چهره های ایشان را هیچ سیاهی نپوشد و نه هیچ خواری این جماعت اهل بهشت اندایشان در آنجا جاودانند (۲۶). و آنان را که کردار های بد بعمل آوردند، جزای بدی مثل آتس و ایشان را خواری بپوشد، ایشان را از خدا هیچ پناه دهنده ای نباشد، گویا صورتهای ایشان به پاره هایی از شب تاریک پوشانیده شده است این جماعت اهل آتس اند ایشان در آنجا جاودانند (۲۷). و از روزیکه همگی ایشانرا یکجا برانگیزیم بترسید بازگوییم مشرکان را برجای خود، شما و شریکانتان بایستید پس میان ایشان جدایی اندازیم و می گویند شریکان ایشان که شما مارا نمی پرستیدید (۲۸). پس خدا گواه میان ما و میان شما بس است هر آینه ما از پرستش شما بی خبر بودیم (۲۹). آنجا هر شخصی آنچه را پیش فرستاده است، دریابد به سوی خدامالک حقیقی ایشان گردانیده شوند و گم شد از ایشان آنچه افترا می بستند (۳۰). بگوچه کسی شمارا از آسمان و زمین روزی می دهد، یا کیست که مالک گوش و چشمها باشد^(۷) و کیست که بیرون آورد زنده را از مرده و بیرون آورد مرده را از زنده^(۸) و کیست که کار را تدبیر می کند خواهند گفت آن خدا است پس بگو آیا نمیترسید و پرهیزگار نمیشوید (۳۱). پس این خدا پروردگار برحق شما است پس چیست بعد از راستی مگر گمراهی پس چگونه بر گردانیده می شوید (از عبادت خدا) (۳۲). هم چنین ثابت شد فرمان پروردگارتو بر فاسقان که ایشان ایمان نمی آورند (۳۳).

(۶) یعنی رؤیت خدای تعالی.

(۷) یعنی خالق گوش و چشم باشد.

(۸) یعنی حیوان را از نطفه و نطفه را از حیوان.

قُلْ هَلْ مِنْ شُرَكَائِكُمْ مَنْ يَبْدُوُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ، قُلِ اللَّهُ يَبْدُوُ
 الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ، فَأَنَّى تُؤْفَكُونَ ﴿٣٤﴾ قُلْ هَلْ مِنْ شُرَكَائِكُمْ مَنْ يَهْدِي
 إِلَى الْحَقِّ قُلِ اللَّهُ يَهْدِي لِلْحَقِّ أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ
 يُتَّبَعَ أَمَّنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يَهْدِي فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ ﴿٣٥﴾
 وَمَا يَتَّبِعُ أَكْثَرُهُمْ إِلَّا ظَنًّا إِنَّ الظَّنَّ لَا يَغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا
 إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ ﴿٣٦﴾ وَمَا كَانَ هَذَا الْقُرْآنُ أَنْ يُفْتَرَى
 مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَكِنْ تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلَ الْكِتَابِ
 لَا رَيْبَ فِيهِ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٣٧﴾ أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا
 بِسُورَةٍ مِثْلِهِ وَادْعُوا مَنْ اسْتَطَعْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ
 ﴿٣٨﴾ بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِيطُوا بِعِلمِهِ، وَلَمَّا يَأْتِهِمْ تَأْوِيلُهُ، كَذَلِكَ
 كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ ﴿٣٩﴾
 وَمِنْهُمْ مَنْ يُؤْمِنُ بِهِ، وَمِنْهُمْ مَنْ لَا يُؤْمِنُ بِهِ، وَرَبُّكَ أَعْلَمُ
 بِالْمُفْسِدِينَ ﴿٤٠﴾ وَإِنْ كَذَّبُوكَ فَقُلْ لِي عَمَلٍ وَلَكُمْ عَمَلُكُمْ أَنْتُمْ
 بَرِيئُونَ مِمَّا أَعْمَلُ وَأَنَا بَرِيءٌ مِمَّا تَعْمَلُونَ ﴿٤١﴾ وَمِنْهُمْ مَنْ
 يَسْتَمِعُونَ إِلَيْكَ أَفَأَنْتَ تَسْمَعُ الصَّمَّ وَلَوْ كَانُوا لَا يَعْقِلُونَ ﴿٤٢﴾

بگو آیا هست از شریکان شما کسی که آفرینش را آغاز کند باز دوباره بازگرداندش بگو خدا آفرینش را آغاز می‌کند باز دوباره بازگرداندش پس چگونه برگردانیده می‌شوید (از عبادت خدا) (۳۴). بگو آیا هست از شریکان شما کسی که به سوی دین حق راه نماید؟ بگو خدا است که به سوی دین حق، راه می‌نماید پس کسی که راه می‌نماید به سوی حق لایق تراست به آنکه پیروی کرده شود یا کسیکه خود راه نمی‌یابد مگر آنکه وی را راه نموده شود پس شمارا چیست؟ چگونه حکم می‌کنید (۳۵). و بیشتر ایشان مگر گمان را پیروی نمی‌کنند هر آینه گمان از معرفت حق چیزی را کفایت نمی‌کند هر آینه خدا داناست بآنچه می‌کنند (۳۶). و نسزد که این قرآن از غیر خدا افتراء باشد ولیکن هست باوردارنده آنچه پیش از وی است و بیان شریعتی است که بر مردمان نوشته شد هیچ شبهه ای در آن نیست از پروردگار جهانیان است (۳۷). آیامی گویند آن را افتراء بسته است بگو پس سوره ای مانند آن بیارید و هر که رامی‌توانید غیر از خدا بخوانید اگر راست گو هستید (۳۸). بلکه آنان چیزی را تکذیب می‌کنند که اصلاً آنرا نمی‌دانند و هنوز مصداق وعده^۱ وی نیامده است هم چنین تکذیب کردند آنانکه پیش از ایشان بودند پس بنگر عاقبت ستمکاران چگونه شد (۳۹). و از ایشان کسی هست که به آن ایمان می‌آورد و از ایشان کسی هست که به آن ایمان نمی‌آورد و پروردگارت به (حال) مفسدان داناتراست (۴۰). و اگر تو را تکذیب کنند پس بگو مرا عمل من است و شمارا عمل شما است شما بیزارید از آنچه من می‌کنم و من بیزارم از آنچه شما می‌کنید (۴۱). و از ایشان کسی هست که به سوی تو گوش فرامی‌دهد آیاتو گران را می‌شنوایی اگر چه در نمی‌یابند (۴۲).

وَمَنْهُمْ مَنْ يَنْظُرُ إِلَيْكَ أَفَأَنْتَ تَهْدِي الْعُمْىَ وَلَوْ كَانُوا لَا يُبْصِرُونَ
 ﴿٤٣﴾ إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ النَّاسَ شَيْئًا وَلَكِنَّ النَّاسَ أَنْفُسُهُمْ
 يَظْلِمُونَ ﴿٤٤﴾ وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ كَأَن لَّمْ يَلْبَثُوا إِلَّا سَاعَةً مِّنَ النَّهَارِ
 يَتَعَارَفُونَ بَيْنَهُمْ قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِلِقَاءِ اللَّهِ وَمَا كَانُوا
 مُهْتَدِينَ ﴿٤٥﴾ وَإِمَارُ بْنُكَ بَعْضَ الَّذِي نَعِدُهُمْ أَوْ تَوَفَّيْنَاكَ
 فَأَلَيْنَا مَرْجِعَهُمْ ثُمَّ اللَّهُ شَهِيدٌ عَلَىٰ مَا يَفْعَلُونَ ﴿٤٦﴾ وَلِكُلِّ
 أُمَّةٍ رَسُولٌ فَإِذَا جَاءَ رَسُولُهُمْ قُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ وَهُمْ
 لَا يُظْلَمُونَ ﴿٤٧﴾ وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَذَا الْوَعْدِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ
 ﴿٤٨﴾ قُلْ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي ضَرًّا وَلَا نَفْعًا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ لِكُلِّ أُمَّةٍ
 أَجَلٌ إِذَا جَاءَ أَجَلُهُمْ فَلَا يَسْتَجِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ ﴿٤٩﴾
 قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَتَاكُمْ عَذَابُهُ وَبَيَّتَا أُورُنَّهَارًا مَاذَا يَسْتَعِجِلُ مِنْهُ
 الْمُجْرِمُونَ ﴿٥٠﴾ أَتُمِرُّ إِذَا مَا وَقَعَ آمَنْتُمْ بِهِ ؕ أَلَمْ تَكُنْ مِنْكُمْ بِهِ ؕ
 تَسْتَعِجِلُونَ ﴿٥١﴾ ثُمَّ قِيلَ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذُوقُوا عَذَابَ الْخُلْدِ
 هَلْ تُجْزَوْنَ إِلَّا بِمَا كُنْتُمْ تَكْسِبُونَ ﴿٥٢﴾ * وَيَسْتَدْعُونَكَ
 أَحَقُّ هُوَ قَوْلٌ أَىٰ وَرَبِّي إِنَّهُ وَلِحَقٍّ وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ ﴿٥٣﴾

وازشان کسی هست که به سوی تو می‌نگرد آیا تو کوران را راه می‌نمایی اگر چه نمی بینند^(۹) (۴۳). هر آینه خدا بر مردمان هیچ ستم نمی کند ولیکن مردمان بر خویشتن ستم می کنند (۴۴). و روزیکه خدا ایشانرا برانگیزد گویا که مگر ساعتی از روز درنگ نکرده بودند بایک دیگر شناساباشند به تحقیق زیان کار شدند آنانکه ملاقات خدا را تکذیب کردند و راه یافتگان نبودند (۴۵). و اگر تورا بعض آنچه وعده می کنیم به ایشان بنماییم یا بمیرانیم تورا (بهر حال) بازگشت ایشان به سوی ما است باز خدا آگاه است بر آنچه می کنند (۴۶). و هرامتی را پیامبری هست پس چون آمد پیامبر ایشان میان ایشان به انصاف فیصله کرده شود و برایشان ستم کرده نشود^(۱۰) (۴۷). و می گویند این وعده کی باشد اگر راست گو هستید (۴۸). بگو برای خود مالک زبانی نیستم و نه سودی مگر آنچه خدا خواسته است هر گروهی رامی‌عادی هست چون می‌عادایشان بیاید پس تاخیر نکنند ساعتی و نه سبقت جویند (۴۹). بگو آید آید اگر به شماعذاب او شبانگاه یابہ روز بیاید (بهر حال) چه چیزی را از آن عذاب این گناه کاران به شتاب می طلبند (۵۰). باز وقتی که متحقق شود آیا به آن ایمان آورید آنگاه گفته شود آیا اکنون ایمان آوردید و پیش ازین آن را به شتاب می طلبیدید^(۱۱) (۵۱). باز ستمکاران را گفته شود عذاب جاویدان را بچشید جزا داده نمی شوید مگر به آنچه شما می کردید (۵۲). و تورا می پرسند آیا درست است این وعده بگواری قسم به پروردگار من هر آینه آن درست است و شما عاجز کننده نیستید (۵۳).

(۹) یعنی ایشان مانند کران و کورانند.

(۱۰) یعنی رسل و اتباع ایشان نجات یابند و کافران هلاک شوند.

(۱۱) یعنی باستهز او تکذیب.

وَلَوْ أَنَّ لِكُلِّ نَفْسٍ ظَلَمَتْ مَا فِى الْأَرْضِ لَافْتَدَتْ بِهِ ۗ وَأَسْرُوا
 النَّدَامَةَ لَمَّا رَأَوُا الْعَذَابَ ۗ وَفُضِىَ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ ۗ وَهُمْ
 لَا يُظْلَمُونَ ﴿٥٤﴾ أَلَا إِنَّ لِلَّهِ مَا فِى السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۗ أَلَا إِنَّ
 وَعَدَ اللَّهُ حَقًّا وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٥٥﴾ هُوَ يُحْيِى وَيُمِيتُ
 وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٥٦﴾ يَأْتِيهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَتْكُمْ مَوْعِظَةٌ
 مِّن رَّبِّكُمْ وَشِفَاءٌ لِّمَا فِى الصُّدُورِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ
 ﴿٥٧﴾ قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِ ۗ فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِّمَّا
 يَجْمَعُونَ ﴿٥٨﴾ قُلْ أَرَأَيْتُمْ مَا أَنزَلَ اللَّهُ لَكُمْ مِّن رِّزْقٍ
 فَجَعَلْتُمْ مِنْهُ حَرَامًا وَحَلَالًا قُلْ ۗ إِنَّ اللَّهَ آذَنَ لَكُمْ ۗ أَمْرًا عَلَى
 اللَّهِ تَفْتَرُونَ ﴿٥٩﴾ وَمَا ظَنُّ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ
 يَوْمَ الْقِيَامَةِ ۗ إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ
 لَا يَشْكُرُونَ ﴿٦٠﴾ وَمَاتَ كَوْنٌ فِى شَأْنٍ وَمَاتَ لُؤْلُؤٌ مِنْهُ مِن قُرْءَانٍ
 وَلَا تَعْمَلُونَ مِنْ عَمَلٍ إِلَّا كُنَّا عَلَيْكُمْ شُهُودًا إِذْ تُفِيضُونَ
 فِيهِ ۗ وَمَا يُعْزَبُ عَن رَّبِّكَ مِن مِّثْقَالِ ذَرَّةٍ فِى الْأَرْضِ وَلَا فِى
 السَّمَاءِ وَلَا أَصْغَرَ مِن ذَلِكَ وَلَا أَكْبَرَ إِلَّا فِى كِتَابٍ مُّبِينٍ ﴿٦١﴾

و اگر هر نفس ستم کننده آنچه را در زمین است باشد و البته آن را فدیة خود دهد و در نفس خود پشیمانی دارند هنگامیکه عذاب را ببینند و میان ایشان به عدل فیصله کرده می شود و برایشان ستم کرده نمی شود (۵۴). آگاه باش هر آئینه خدای راست آنچه در آسمان ها و زمین است، آگاه باش هر آئینه وعده خدا راست است و لیکن بیشترین ایشان نمی دانند (۵۵). او زنده می کند و می میراند و به سوی وی بازگردانیده شوید (۵۶). ای مردمان برای شما پندی از پروردگار شما آمده است و شفایی برای آن (مرضی) که در سینه ها است و رهنمود و بخشایشی برای مسلمانان (۵۷). بگوبه فضل خدا و برحمت او باین چیزها باید که شادمان شوند، آن بهتر است از آنچه جمع می کنند (۵۸). بگو آید دیدید چیزی را که خدا برای شما از جنس روزی فرود آورده است پس بعضی آن را حرام و بعضی آن را حلال قرار دادید بگو آیا خدا شما را اجازه داده است یا بر خدا دروغ می بندید (۵۹). و چیست گمان آنانکه بر خدا دروغ افترا می بندند به روز قیامت^(۱۲) هر آئینه خدا بر مردمان صاحب فضل است و لیکن بیشتر ایشان سپاسگزاری نمی کنند (۶۰). و در هیچ شغلی نمی باشی و نمی خوانی هیچ آیتی را که از طرف خدا آمده و هیچ کاری نمی کنید مگر بر شما گواه هستیم چون در آن کار درمی آید و پوشیده نمی ماند بر پروردگار تو هم وزن ذره ای در زمین و نه در آسمان و نه کوچکتر از آن و نه بزرگ تر مگر در کتاب روشن نوشته شده است (۶۱).

(۱۲) یعنی خدا بایشان چه خواهد کرد در روز قیامت.

الْآيَاتِ أُولِيَاءَ اللَّهِ لَأَخَوْفُ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٦٢﴾
 الَّذِينَ ءَامَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ ﴿٦٣﴾ لَهُمُ الْبُشْرَى
 فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ لَا تَبْدِيلَ لِكَلِمَاتِ
 اللَّهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿٦٤﴾ وَلَا يَحْزُنكَ قَوْلُهُمْ إِنَّ
 الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿٦٥﴾ الْآيَاتِ لِلَّهِ
 مَن فِي السَّمَوَاتِ وَمَن فِي الْأَرْضِ وَمَا يَتَّبِعُ الَّذِينَ
 يَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ شُرَكَاءَ إِن يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ
 وَإِنَّ هُمُ إِلَّا يَخْرُصُونَ ﴿٦٦﴾ هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ
 اللَّيْلَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا إِن فِي ذَلِكَ
 لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَسْمَعُونَ ﴿٦٧﴾ قَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا
 سُبْحٰنَهُ هُوَ الْغَنِيُّ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ
 إِن عِنْدَكُم مِّن سُلْطٰنٍ بِهَذَا أَتَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ
 مَا لَا تَعْمُونَ ﴿٦٨﴾ قُلْ إِن الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ
 لَا يُفْلِحُونَ ﴿٦٩﴾ مَتَّعٌ فِي الدُّنْيَا ثُمَّ إِلَيْنَا مَرْجِعُهُمْ ثُمَّ
 نُذِقُهُمُ الْعَذَابَ الشَّدِيدَ بِمَا كَفَرُوا ﴿٧٠﴾

آگاه باش هرآئینه دوستان خدا هیچ ترسی برایشان نیست و نه ایشان اندوهگین شوند (۶۲). آنانکه ایمان آورده اند و می ترسیدند (۶۳). برای ایشان درزندگانی دنیا^(۱۳) و در آخرت بشارت، است هیچ تبدیلی سخنان خدا را نیست این بشارت همانست پیروزی بزرگ (۶۴). و سخن ایشان تو را غمگین نکند هرآئینه همگی غلبه برای خداست او شنوای دانا است (۶۵). آگاه باش هرآئینه خدا راست هرکه در آسمان هاست و هرکه در زمین است و آنانکه غیر از خدا شریکان را پرستش می کنند بحقیقت مگروهم و گمان را پیروی نمی کنند و مگر دروغ گو نیستند (۶۶). اوست آنکه برای شما شب را ساخت تا در آن آرام گیرید و روز را روشن ساخت هرآئینه درین نشانه هاست گروهی را که می شنوند (۶۷). کافران گفتند خدا فرزند گرفته است پاکی اوراست اوست بی نیاز، اوراست آنچه در آسمان هاست و آنچه در زمین است نزد شما هیچ حجتی برین نیست آیا می گوید برخدا آنچه را که نمی دانید (۶۸). بگوهر آئینه آنانکه برخدا دروغ را برمی بندند رستگار نمی شوند (۶۹). ایشان را بهره مندی درد دنیا باشد، دوباره بازگشت ایشان به سوی ما است پس ایشان را عذاب سخت بچشانیم بسبب آنکه کفر می ورزیدند (۷۰).

(۱۳) یعنی به رؤیا صالحه و بشارت.

* وَأْتَلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ نُوحٍ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ يَتَقَوْمِ إِنْ كَانَ كَبُرَ
 عَلَيْكُمْ مَقَامِي وَتَذِكْرِي بَيَاتٍ اللَّهُ فَعَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْتُ
 فَأَجْمَعُوا أَمْرَكُمْ وَشُرَكَاءُكُمْ ثُمَّ لَا يَكُنْ أَمْرُكُمْ عَلَيْكُمْ غُمَّةً ثُمَّ
 أَقْضُوا إِلَيَّ وَلَا تُنظِرُونِ ﴿٧١﴾ فَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَمَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ
 إِنْ أَجْرِي إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَأُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ ﴿٧٢﴾
 فَكَذَّبُوهُ فَجَبْنَاهُ وَمَنْ مَعَهُ فِي الْفُلْكِ وَجَعَلْنَاهُمْ خَلَائِفَ
 وَأَعْرَفْنَا الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُنذِرِينَ
 ﴿٧٣﴾ ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهِ رُسُلًا إِلَى قَوْمِهِمْ فَجَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ
 فَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا بِمَا كَذَّبُوا بِهِ مِنْ قَبْلُ كَذَلِكَ نَطْبَعُ عَلَى قُلُوبِ
 الْمُعْتَدِينَ ﴿٧٤﴾ ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهِمُ مُوسَى وَهَارُونَ إِلَى فِرْعَوْنَ
 وَمَلَائِيهِمْ بِآيَاتِنَا فَاسْتَكْبَرُوا وَكَانُوا قَوْمًا مُجْرِمِينَ ﴿٧٥﴾
 فَلَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا إِنَّ هَذَا لَسِحْرٌ مُبِينٌ ﴿٧٦﴾
 قَالَ مُوسَى أَتَقُولُونَ لِلْحَقِّ لَمَّا جَاءَكُمْ أَسِحْرٌ هَذَا وَلَا يُفْلِحُ
 السَّحْرُونَ ﴿٧٧﴾ قَالُوا أَجِئْتَنَا لِنَلْفِتَنَّا عَمَّا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا
 وَتَكُونَ لَكُمْ الْكِبْرِيَاءُ فِي الْأَرْضِ وَمَا نَحْنُ لَكُمْ بِمُؤْمِنِينَ ﴿٧٨﴾

و خبر نوح را برایشان بخوان چون به قوم خود گفت ای قوم من اگر قیام من و پند دادن من به آیه های خدا بر شما دشوار شده باشد پس بر خدا توکل کردم پس درکار خود همراه شریکان خویش عزیمت درست کنید پس نباشد کار شما پوشیده بر شما سپس بر من حمله برید و مرا مهلت مدهید (۷۱). پس اگر اعراض کردید^(۱۴) پس از شما هیچ مزدی نخواسته بودم نیست پاداش من مگر بر خدا و مرا فرموده شد که از مسلمانان باشم (۷۲). پس تکذیبش کردند، سپس او را و آنان را که با وی بودند در کشتی نجات دادیم و ایشان را جانشین گردانیدیم و کسانی را که آیات ما را تکذیب کردند غرق کردیم پس بنگر آخر کار بیم کرده شدگان چگونه شد (۷۳). باز بعد نوح پیامبران را به سوی قوم ایشان فرستادیم پس پیش ایشان نشانه های روشن را آوردند پس هرگز مستعد آن نبودند که ایمان آورند به آنچه آن را پیش ازین تکذیب کرده بودند هم چنین بردل های از حد گذرندگان مُهرمی نهیم (۷۴). باز بعد از ایشان موسی و هارون را به سوی فرعون و قوم او باننشانه های خویش فرستادیم پس تکبر کردند و قومی گناهکار بودند (۷۵). پس چون بایشان سخن درست از نزد ما آمد گفتند هر آینه این سحر ظاهر است (۷۶). موسی گفت آیا سخن درست را چنین می گویند چون به شما بیامد آیا این سحر است، و ساحران رستگار نمی شوند (۷۷). گفتند آیا پیش ما آمده ای تا ما را از دینی که بر آن پدران خود را یافتیم باز داری و تا شمارا ریاست در زمین باشد و ما باوردارنده شما نیستیم (۷۸).

(۱۴) یعنی از گفته من چه زیان.

وَقَالَ فِرْعَوْنُ أَتُنْتَوِي بِكُلِّ سَاحِرٍ عَلِيمٍ ﴿٧٦﴾ فَلَمَّا جَاءَ السَّحَرَةُ
 قَالَ لَهُمْ مُوسَى الْقَوْمَا أَنْتُمْ مُلْقُونَ ﴿٨٠﴾ فَلَمَّا أَلْقَوْا قَالَ
 مُوسَى مَا جِئْتُمْ بِهِ السَّحَرُ إِنَّ اللَّهَ سَيَبْطِلُهُ إِنَّ اللَّهَ لَا يُصْلِحُ
 عَمَلَ الْمُفْسِدِينَ ﴿٨١﴾ وَيُحِقُّ اللَّهُ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَلَوْ كَرِهَ
 الْمُجْرِمُونَ ﴿٨٢﴾ فَمَاءَ أَمْنٍ لِمُوسَى إِذْ ذُرِّيَّتُهُ مَنَّ قَوْمِهِ عَلَى
 خَوْفٍ مِّنْ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِمْ أَن يَفْتِنَهُمْ وَإِنَّ فِرْعَوْنَ لَعَالٍ
 فِي الْأَرْضِ وَإِنَّهُ لَمِنَ الْمُسْرِفِينَ ﴿٨٣﴾ وَقَالَ مُوسَى يَقَوْمِ إِن
 كُنْتُمْ ءَامِنْتُمْ بِاللَّهِ فَعَلَيْهِ تَوَكَّلُوا إِن كُنْتُمْ مُسْلِمِينَ ﴿٨٤﴾
 فَقَالُوا عَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْنَا رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ
 ﴿٨٥﴾ وَنَجِّنَا بِرَحْمَتِكَ مِنَ الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ﴿٨٦﴾ وَأَوْحَيْنَا إِلَى مُوسَى
 وَأَخِيهِ أَن تَبَوَّءَا الْقَوْمَ كَمَا بِمِصْرَ بِيُوتًا وَأَجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ
 قِبْلَةً وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ ﴿٨٧﴾ وَقَالَ مُوسَى
 رَبَّنَا إِنَّكَ ءَاتَيْتَ فِرْعَوْنَ وَمَلَئَهُ زِينَةً وَأَمْوَالًا فِي الْحَيَاةِ
 الدُّنْيَا رَبَّنَا لِيُضِلُّوْا عَن سَبِيلِكَ رَبَّنَا اطْمِسْ عَلَى أَمْوَالِهِمْ
 وَأَشْدُدْ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُوا حَتَّى يَرُوءَ الْعَذَابَ الْأَلِيمَ ﴿٨٨﴾

و فرعون گفت پیش من هر ساحر بسیار دانارا بیارید (۷۹). پس وقتی که ساحران آمدند موسی ایشان را گفت بافکنید آنچه شما افکننده اید (۸۰). پس چون افکندند گفت موسی آنچه آورده اید سحراست هر آئینه خدا آن را باطل خواهد ساخت هر آئینه خدا کارمفسدان را راست نمی آرد (۸۱). و خدا سخن درست را به فرمان خود ثابت خواهد کرد اگر چه گناهکاران ناپسند دارند (۸۲). پس به موسی ایمان نیاوردند مگر جماعتی از قوم وی باترس از فرعون و اشراف ایشان که ایشان را عقوبت کند و هر آئینه فرعون در آن سرزمین سرکشی بود و هر آئینه وی از حد گذرندگان بود (۸۳). و موسی گفت ای قوم من اگر به خدا ایمان آورده اید پس بروی توکل کنید اگر مسلمان هستید (۸۴). پس گفتند برخدا توکل کردیم، ای پروردگار ما مارا لگدکوب قوم ستمکاران مکن (۸۵). و ما را به رحمت خود از گروه کافران نجات ده (۸۶). و به سوی موسی و برادر وی وحی فرستادیم که برای قوم خود در شهر مصر خانه ها بگیرید و خانه های خود را جای نماز قرار دهید^(۱۵) و نماز را برپادارید و مومنان را بشارت ده (۸۷). و موسی گفت ای پروردگار ما هر آئینه تو فرعون و سرانش (قبیله اش) را زینت و مال های بسیار در زندگانی دنیا داده ای ای پروردگار ما تا عالم را از راه تو گمراه کنند ای پروردگار ما مالهای ایشان را از بین ببر و بر دلهای ایشان مهر بزنی که ایمان نیارند تا زمانی که عذاب درد ناک را ببینند (۸۸).

(۱۵) یعنی مساجد البیت بنا کنید.

قَالَ قَدْ أُجِيبَت دَعْوَتُكُمْ مَا فَاسْتَقِيمَا وَلَا تَتَّبِعَانَّ سَبِيلَ
 الَّذِينَ لَا يَعْمُونَ ﴿٨٩﴾ * وَجَوزْنَا بِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ فَأَتَبَعَهُمْ
 فِرْعَوْنُ وَجُنُودُهُ بَغْيًا وَعَدُوًّا حَتَّى إِذَا أَدْرَكَهُ الْغَرَقُ
 قَالَ ءَامَنْتُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا الَّذِي ءَامَنْتُ بِهِ ءَبْنُو إِسْرَائِيلَ
 وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ ﴿٩٠﴾ ءَأَلْكَنَ وَقَدْ عَصَيْتَ قَبْلُ وَكُنْتَ
 مِنَ الْمُفْسِدِينَ ﴿٩١﴾ فَأَلْيَوْمَ نُنَجِّيكَ بِبَدَنِكَ لِتَكُونَ لِمَنْ
 خَلْفَكَ ءَايَةً وَإِنَّ كَثِيرًا مِنَ النَّاسِ عَنْ ءَايَاتِنَا لَغَافِلُونَ
 ﴿٩٢﴾ وَلَقَدْ بَوَّأْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ مَبْوَءَ صَدَقٍ وَرَزَقْنَاهُمْ مِّنَ
 الطَّيِّبَاتِ فَمَا اخْتَلَفُوا حَتَّى جَاءَهُمُ الْعِلْمُ إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي
 بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ﴿٩٣﴾ فَإِنْ كُنْتَ فِي شَكٍّ
 مِّمَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ فَسْئَلِ الَّذِينَ يُقْرَأُونَ الْكِتَابَ مِنْ
 قَبْلِكَ لَقَدْ جَاءَكَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ ﴿٩٤﴾
 وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الَّذِينَ كَذَبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ فَتَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ
 ﴿٩٥﴾ إِنَّ الَّذِينَ حَقَّتْ عَلَيْهِمْ كَلِمَتُ رَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٩٦﴾
 وَلَوْ جَاءَتْهُمْ كُلُّ ءَايَةٍ حَتَّى يَرَوْا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ ﴿٩٧﴾

گفت خداهرآئینه دعای شما قبول کرده شد پس ثابت باشید وراه جاهلان را پیروی مکنید (۸۹). واولاد یعقوب را ازدریا گذرانیدیم پس فرعون ولشکراو از راه ستم وتعدی دربی ایشان شدند تاوقتی که چون سختی غرق به او رسید گفت باورداشتم که نیست هیچ معبود برحقى مگر آنکه به وی بنی اسرائیل ایمان آورده است ومن ازمسلمانانم (۹۰). گفته شد آیا اکنون ایمان می آوری وبتحقیق که پیش ازاین نافرمانی کرده بودی وازمفسدان بودی (۹۱). پس امروز بَدَنَت را نجات دهیم^(۱۶) (به همان جسد تویعنی بغیر تغییر) تا نشانه ای برای آنان باشی که پس ازتوآیند وهرآئینه بسیاری از مردمان ازنشانه های ما بی خبراند (۹۲). هرآئینه بنی اسرائیل را بمقام نیک جای دادیم وایشان را ازپاکیزه ها روزی دادیم پس اختلاف نکردند تاآنکه به ایشان دانش آمد (یعنی قرآن) هرآئینه پروردگار تو میان ایشان روزقیامت درآنچه اختلاف می کردند حکم می کند (۹۳). پس اگر درشکی ازآنچه به سوی تو فروفرستادیم پس بپرس آنان را که کتاب راپیش ازتو می خواندند^(۱۷) هرآئینه پیش تووحی درست از پروردگار تو آمده است پس هرگز ازشک آورندگان مباش (۹۴). وهرگز ازآنانکه آیاتِ خدا را تکذیب کردند مباش، آنگاه اززیان کاران شوی (۹۵). هرآئینه آنانکه برایشان حکم پروردگار تو ثابت شد ایمان نیاورند (۹۶). اگرچه به ایشان هرنشانه ای بیاید تاآنکه عذاب دردناک ببینند (۹۷).

(۱۶) یعنی بروی آب آریم تورا.

(۱۷) یعنی تظاهر شود که برانبیای سابق نیزوحی نازل میشد والله اعلم.

فَلَوْلَا كَانَتْ قَرِيْبَةً ءَامَنْتُمْ فَنَفَعَهَا اِيْمَانُهَا اِلَّا قَوْمٌ يُّوْسُسُ
لَمَّا ءَامَنُوْا كَشَفْنَا عَنْهُمْ عَذَابَ الْخِزْيِ فِي الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا
وَمَتَّعْنٰهُمْ اِلَىٰ حِيْنٍ ﴿٩٨﴾ وَاَوْشَاءَ رَبُّكَ لَآمَنَ مَنْ فِي الْاَرْضِ
كُلُّهُمْ جَمِيْعًا اَفَاَنْتَ تُكْرَهُ النَّاسَ حَتَّىٰ يَكُوْنُوْا مُؤْمِنِيْنَ
﴿٩٩﴾ وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ اَنْ تُؤْمِنَ اِلَّا بِاِذْنِ اللّٰهِ وَجَعَلَ الرِّجْسَ
عَلَى الَّذِيْنَ لَا يَعْقِلُوْنَ ﴿١٠٠﴾ قُلْ اَنْظُرُوْا مَاذَا فِي السَّمٰوٰتِ
وَالْاَرْضِ وَمَا تُغْنِي الْاٰيٰتُ وَالنُّذُرُ عَنْ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُوْنَ
﴿١٠١﴾ فَهَلْ يَنْتَظِرُوْنَ اِلَّا مِثْلَ اَيَّامِ الَّذِيْنَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِهِمْ
قُلْ فَانْتَظِرُوْا اِنِّيْ مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِيْنَ ﴿١٠٢﴾ ثُمَّ نَحْنُ
رُّسُلُنَا وَالَّذِيْنَ ءَامَنُوْا كَذٰلِكَ حَقَّقَّا عَلَيْنَا نَجِ الْمُوْمِنِيْنَ ﴿١٠٣﴾
قُلْ يٰٓاَيُّهَا النَّاسُ اِنْ كُنْتُمْ فِيْ شَكٍّ مِّنْ دِيْنِيْ فَلَا اَعْبُدُ الَّذِيْنَ
تَعْبُدُوْنَ مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ وَلٰكِنْ اَعْبُدُ اللّٰهَ الَّذِيْ يَتَوَقَّكُمْ وَاُمِرْتُ
اَنْ اَكُوْنَ مِنَ الْمُوْمِنِيْنَ ﴿١٠٤﴾ وَاَنْ اَقِمَّ وَجْهَكَ لِلدِّيْنِ حَنِيفًا
وَلَا تَكُوْنَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِيْنَ ﴿١٠٥﴾ وَلَا تَدْعُ مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ مَا لَا
يَنْفَعُكَ وَلَا يَضُرُّكَ اِنْ فَعَلْتَ فَاِنَّكَ اِذَا مَنَّ الظَّالِمِيْنَ ﴿١٠٦﴾

پس چرا بُود دهی که ایمان آورد^(۱۸) پس ایمان وی سود دهدش مگر قوم یونس چون ایمان آوردند از ایشان عقوبت رسوایی را درزندگانی دنیا برداشتیم و ایشان را تادمتی بهره مند ساختیم (۹۸). و اگر پروردگارتو میخواست کلاً همگی آنانکه در زمین اند ایمان می آوردند آیاتو مردمان را اجبارتوانی کرد تا مسلمان شوند (۹۹). و هیچ شخصی را روا بُود که ایمان آورد مگر بخواست خدا و پلیدی را برآنانکه در نمی یابند می اندازد (۱۰۰). بگو ببینید چه چیز در آسمان ها و زمین است و نشانه ها و نیز ترسانندگان فایده نمی دهند گروهی را که باور نمی کنند (۱۰۱). پس انتظار نمی کشند مگر مانند مصیبت های آنانکه پیش از ایشان گذشتند بگو انتظار بکشید هر آینه من نیز با شما از منتظرانم (۱۰۲). باز پیامبران خود را و آنان را که ایمان آورده اند نجات می دهیم همچنین بر ما لازم است که مومنان را نجات دهیم (۱۰۳). بگو ای مردمان اگر از دین من در شبهه هستید پس آنان را که شما غیر از خدا می پرستید نمی پرستم ولیکن آن خدا را عبادت می کنم که قبض ارواح شما می کند و مرا فرموده شد که از مسلمانان باشم (۱۰۴). و فرموده شد آنکه روی خود را برای دین حنیف راست کن و هر گز از مشرکان مباش (۱۰۵). و بجز خدا چیزی را که تورا سود نمی دهد و به تو زیان نمی رساند مخوان پس اگر چنین کنی آنگاه از ستمکاران باشی (۱۰۶).

(۱۸) یعنی نزدیک نزول عذاب.

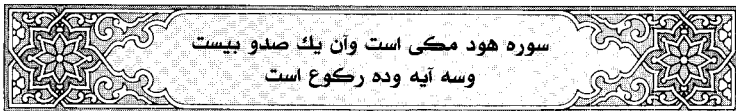
وَإِنْ يَمَسُّكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِنْ يُرِدْكَ
 بِخَيْرٍ فَلَا رَادَّ لِفَضْلِهِ يُصِيبُ بِهِ مَن يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ
 وَهُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ﴿١٧﴾ قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ الْحَقُّ
 مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنِ اهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَمَن ضَلَّ
 فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِوَكِيلٍ ﴿١٨﴾ وَاتَّبِعْ مَا يُوحَىٰ
 إِلَيْكَ وَأَصِرْ حَتَّىٰ يَحْكُمَ اللَّهُ وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ ﴿١٩﴾

سورة هود

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الرَّ كِتَابٌ أَحْكَمَتْ آيَاتُهُ وَتُمْ فَصَّلَتْ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ خَبِيرٍ ﴿١﴾
 أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ إِنِّي لَكُمْ مِّنْهُ نَذِيرٌ وَبَشِيرٌ ﴿٢﴾ وَإِنِ اسْتَغْفِرُوا
 رَبَّكُمْ ثُمَّ تَوْبُوا إِلَيْهِ يُمَتِّعْكُمْ مَّتَاعًا حَسَنًا إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى وَيُؤْتِ
 كُلَّ ذِي فَضْلٍ فَضْلَهُ وَإِن تَوَلَّوْا فَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ
 كَبِيرٍ ﴿٣﴾ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٤﴾ أَلَا إِنَّهُمْ
 يَشْتُونَ صُدُورَهُمْ لَيْسَتْ خَفُوفًا مِنْهُ إِلَّا حِينٌ يَسْتَعْشُونَ نِيَابَهُمْ
 يَعْلَمُ مَا يُبْسِرُونَ وَمَا يَأْتِيهِمْ مِنْ آيَةٍ إِلَّا هُوَ يَعْلَمُ بِذَاتِ الصُّدُورِ ﴿٥﴾

وا گر خدا بتورنجی برساند پس نیست آن را بردارنده مگر او وا گر درحق تونعمتی خواهد پس فضل او را هیچ برگرداننده ای نیست، میرساندش به هرکه ازبندگان خود می خواهد و او آمرزنده^۱ مهربان است (۱۰۷). بگوای مردمان بتحقیق به شماوحی راست از پروردگار شما آمده است پس هرکه راه یافت جزاین نیست که برای خودش راه یابد وهرکه گمراه شد جزاین نیست که بزبان خود گمراه می شود ومن برشما نگهبان نیستم (۱۰۸). و(یا محمد) آنچه را که به تو وحی می شود پیروی کن وشکیبایی کن تا آنکه خدا حکم کند و او بهترین حکم کنندگان است (۱۰۹).



بنام خدای بخشاینده مهربان.

الر. این کتابیست که آیات او استوار کرده شد بازواضح کرده شده، از نزد خدای درست کار آگاه آمده است (۱). (بآن مضمون که پیامبرگوید) مگر خدا را عبادت نکنید هرآئینه من برای شما از جانب او بیم کننده وبشارت دهنده ام (۲). وآنکه از پروردگار خود آمرزش طلب کنید، باز به سوی وی رجوع کنید تا شمارا به بهره^۲ نیک تامیعاد معلوم بهره مند سازد و تا هر صاحب بزرگی را جزای بزرگی او بدهد وا گر رویگردان شوید پس هرآئینه من بر شما از عذاب روز بزرگ می ترسم (۳). به سوی خداست بازگشت شما و او بر هر چیز تواناست (۴). آگاه باش این کافران سینه های خود را می پیچند^(۱) می خواهند که از خدا پنهان شوند آگاه باش چون بر سر می کنند جامه های خود را میداند آنچه پنهان می دارند و آنچه آشکار می کنند هرآئینه اوداناست به رازیکه در سینه هاست^(۲) (۵).

(۱) یعنی اعراض می کنند.

(۲) مترجم گوید میتوان گفت پیچیدن سینه عبارت از آنست که کسی فکرهای ناصواب کند وبشبهات واهی دل خود را اطمینان دهد وعقاید حقه را فراموش سازد زیرا که صدر اینجا بمعنی علوم صدر آمده است.

* وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا وَيَعْلَمُ
 مُسْتَقَرَّهَا وَمُسْتَوْدَعَهَا كُلٌّ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ ﴿٦﴾ وَهُوَ
 الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَكَانَ
 عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ لِيَبْلُوكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَلَئِنْ
 قُلْتَ إِنَّكُمْ مَبْعُوثُونَ مِنْ بَعْدِ الْمَوْتِ لَيَقُولَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا
 إِنْ هَذَا إِلَّا إِسْحَرُ مُبِينٌ ﴿٧﴾ وَلَئِنْ أَخَّرْنَا عَنْهُمُ الْعَذَابَ إِلَى
 أُمَّةٍ مَّعْدُودَةٍ لَيَقُولَنَّ مَا يَجْحِسُهِ ۗ وَالْأَيُّومُ يَا أَيُّهُمْ لَيْسَ
 مَصْرُوفًا عَنْهُمْ وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ
 ﴿٨﴾ وَلَئِنْ أَذَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنَّا رَحْمَةً ثُمَّ نَزَعْنَا مِنْهُ إِنَّهُ
 لَيَعْوِسُ كَفُورٌ ﴿٩﴾ وَلَئِنْ أَذَقْنَاهُ نِعْمَاءَ بَعْدَ ضَرَاءٍ
 مَسَّتْهُ لَيَقُولَنَّ ذَهَبَ السَّيِّئَاتُ عَنِّي إِنَّهُ لَفَرِحٌ فَخُورٌ
 ﴿١٠﴾ إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ لَهُمْ
 مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ ﴿١١﴾ فَلَعَلَّكَ تَارِكٌ بَعْضَ مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ
 وَضَائِقٌ بِهِ صَدْرُكَ أَنْ يَقُولُوا لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْهِ كِتَابٌ أَوْجَاءٌ
 مَعَهُ وَمَلِكٌ إِتْمَانًا أَنْتَ نَذِيرٌ ۗ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ ﴿١٢﴾

و نیست هیچ جنبنده در زمین مگر روزی او برخداست و جای ماندن او را و جای نگاهداشتن او را می داند هر يك در کتاب روشن است^(۳) (۶). و اوست آنکه آسمان ها و زمین را درشش روز آفرید و عرش او برآب بود (آخر کار آفریدن شما آنکه) تا بیازماید شما را که کدام يك از شما از جهت عمل نیکوتر است و اگر بگویی که هر آئینه شما بعد از موت برانگیخته شوید البته کافران گویند این سخن مگر جادویی ظاهر نیست (۷). و اگر از ایشان عذاب را تا مدتی شمرده شده باز داریم البته گویند چه چیز آنرا باز می دارد آگاه باش روزیکه به ایشان بیاید نباشد از ایشان باز داشته شده و آنچه به آن استهزا می کردند ایشان را فراگیرد (۸). و اگر آدمی را نعمتی از نزد خود بچشانیم باز آن را از وی برگیریم هر آئینه وی ناامید و ناسپاس است (۹). و اگر آدمی را رفاهیتی بعد از سختی که رسیده باشد به وی بچشانیم البته گوید سختی ها از من برفتند هر آئینه وی شادمان و خودستایند است (۱۰). مگر آنانکه شکیبایی نمودند و کارهای شایسته کردند آن جماعت ایشان را آمرزش و پاداش بزرگ است (۱۱). پس شاید تو بعض آنچه را که وحی فرستاده می شود به سوی توترک کنی و بآن سینه توتنگ گردد^(۴) از جهت آنکه می گویند چرا بروی گنجی فرو آورده نشد یا چرا همراه او فرشته نیامد جز این نیست که تو بیم کننده ای و خدا بر هر چیز نگهبان است (۱۲).

(۳) یعنی در لوح محفوظ نوشته مترجم گوید مستودع جایی است که بغیر اختیار او آنجا نگاه داشته بودند مانند صُلب و رَجم و مستقر جای است که با اختیار خود می ماند مثل خانه.

(۴) یعنی ترک مکن و دلتنگ مشو.

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِعَشْرِ سُوْرٍ مِّثْلِهِ مُفْتَرِيَتٍ
 وَأَدْعُوا مَنْ أَسْتَطَعْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿١٣﴾
 فَإِلَّا يَسْتَجِيبُوا لَكُمْ فَاعْلَمُوا أَنَّمَا أُنزِلَ بِعِلْمِ اللَّهِ وَأَنْ
 لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَهَلْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ ﴿١٤﴾ مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْحَيَاةَ
 الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا نُوفِّ إِلَيْهِمْ أَعْمَالَهُمْ فِيهَا وَهُمْ فِيهَا
 لَا يُبْخَسُونَ ﴿١٥﴾ أُولَئِكَ الَّذِينَ لَيْسَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ إِلَّا
 النَّارُ وَحِطَّ مَا صَنَعُوا فِيهَا وَبِطُلُّ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٦﴾
 أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّهِ وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِّنْهُ وَمِنْ قَبْلِهِ
 كَتَبَ مُوسَىٰ إِمَامًا وَرَحْمَةً أُولَئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَمَنْ يَكْفُرْ
 بِهِ مِنَ الْأَحْزَابِ فَالنَّارُ مَوْعِدُهُ وَفَلَاتُكَ فِي مِرْيَةٍ مِّنْهُ إِنَّهُ
 الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿١٧﴾ وَمَنْ
 أَظْلَمُ مِمَّنْ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أُولَئِكَ يُعْرَضُونَ عَلَىٰ
 رَبِّهِمْ وَيَقُولُ الْأَشْهَادُ هَؤُلَاءِ الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَىٰ رَبِّهِمْ
 أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ ﴿١٨﴾ الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَنِ سَبِيلِ
 اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ ﴿١٩﴾

آیامی گویند (قرآن را) افترا بسته است بگوپس ده سوره را مانند این بر یافته بیارید و هر کس را توانید غیر از خدا بخوانید اگر راست گوهستید^(۵) (۱۳). پس اگر آن کافران سخن شما را قبول نکنند پس بدانید که قرآن بعلم خدا نازل کرده شده است و بدانید که هیچ معبود بر حقی مگر وی نیست پس آیا شما مسلمان هستید^(۶) (۱۴). هر که زندگانی دنیا و تجمل آن را خواسته باشد به سوی این جماعت جزای اعمال ایشانرا در اینجا بتمام رسانیم و ایشان در اینجا نقصان داده نشوند^(۷) (۱۵). این جماعت آنانند که ایشان را در آخرت مگر آتش نیست و در آخرت باطل شد آنچه کرده بودند و نابودست آنچه به عمل می آوردند (۱۶). آیا کسی که بر حجتی از جانب پروردگار خود باشد^(۸) و دنبال وی گواهی از جانب پروردگار او می^(۹) آید و پیش از قرآن گواه وی کتاب موسی بود پیشوایی و بخشایشی (مثل دیگران باشد) این جماعت به قرآن ایمان می آورند و هر که از گروه ها به آن کافر شد پس آتش وعده گاه اوست پس، از نزول قرآن در شبهه مباش هر آئینه وی درست است، از پروردگار تو آمده ولیکن بیشتر مردمان ایمان نمی آورند (۱۷). و کیست ستمکارتر از کسی که بر خدا دروغی را بر بست این جماعت پیش پروردگار خویش آورده می شوند و می گویند گواهان^(۱۰) ایشانند آنانکه بر پروردگار خویش دروغ بستند آگاه باش لعنت خدا بر ستمکاران است (۱۸). آنانکه مردمان را از راه خدا بازمی دارند و برای آن راه کجی را میخوانند و ایشان با آخرت کافرانند (۱۹).

(۵) مترجم گوید نخست بده سوره تحدی واقع شد و چون از آن عاجز شدند بیک سوره تحدی فرمود.

(۶) یعنی بر اسلام ثابت باشید.

(۷) یعنی ثواب صدقه و صلّه رحم که از کفار بوجود می آید اجر آن در دنیا داده میشوند بتوسیع رزق و صحت بدن.

(۸) یعنی دلیلی عقلی.

(۹) یعنی قرآن.

(۱۰) یعنی کراما کاتبین.

أُولَئِكَ لَمْ يَكُونُوا مُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَمَا كَانَ لَهُمْ مِنْ دُونِ
 اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءٍ يُضَعِفُ لَهُمْ الْعَذَابُ مَا كَانُوا يَسْتَطِيعُونَ
 السَّمْعَ وَمَا كَانُوا يُبْصِرُونَ ﴿١٠﴾ أُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا
 أَنْفُسَهُمْ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ ﴿١١﴾ لَأَجْرَمَ أَنَّهُمْ
 فِي الْآخِرَةِ هُمْ الْأَخْسَرُونَ ﴿١٢﴾ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا
 الصَّالِحَاتِ وَأَخْبَتُوا إِلَىٰ رَبِّهِمْ أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ
 هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿١٣﴾ * مَثَلُ الْفَرِيقَيْنِ كَالْأَعْمَىٰ وَالْأَصْمَىٰ
 وَالْبَصِيرِ وَالسَّمِيعِ هَلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا أَفَلَا تَذَكَّرُونَ
 ﴿١٤﴾ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ إِنِّي لَكُمْ نَذِيرٌ مُّبِينٌ ﴿١٥﴾
 أَنْ لَا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمِ الْيَوْمِ ﴿١٦﴾
 فَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ مَا نَرِيكَ إِلَّا بَشَرًا مِثْلَنَا
 وَمَا نَرِيكَ إِلَّا تَبَعَكَ إِلَّا الَّذِينَ هُمْ أَرَادُوا بِادِّى الرَّأْيِ
 وَمَا نَرِي لَكُمْ عَلَيْنَا مِنْ فَضْلٍ بَلْ نَنْظُرُكُمْ كَذِبِينَ ﴿١٧﴾
 قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كُنْتُ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّي وَآتَنِي رَحْمَةً مِّنْ
 عِنْدِهِ فَعَمِيتَ عَلَيْكُمْ أَنْزَلْتُ مُكُومَهَا وَأُنزِلْتُهَا كَرِهُونَ ﴿١٨﴾

این جماعت عاجز کننده در زمین نباشند و ایشان را جز خدا از دوستان نباشد، برای ایشان عذاب دوچند کرده شود شنیدن نمی توانستند (یعنی بسبب شدت ناخوشی) و نمی دیدند^(۱۱) (۲۰). این جماعت آنانند که در حق خویش زیان کردند و از ایشان آنچه برمی یافتند گم شد (۲۱). بیشک این جماعت در آخرت ایشان زیانکارترند (۲۲). هر آئینه آنانکه ایمان آوردند و عمل های شایسته کردند و توجه کنان به سوی پروردگار خویش فروتنی کردند ایشان اهل بهشت اند ایشان در آنجا جاویدانند (۲۳). مثال این دوفریق مانند کور و کر و بینا و شنوا است آیا هر دو در صفت برابرند آیا پند نمی گیرید (۲۴). و هر آئینه نوح رابه سوی قوم او فرستادیم گفت هر آئینه من برای شما بیم دهنده^۱ آشکارم (۲۵). (باین مضمون) که مگر خدا را مپرستید هر آئینه من از عذاب روز دردناک بر شما می ترسم (۲۶). پس جماعتی که از قوم او کافر بودند گفتند تورا نمی بینیم مگر آدمی مانند خویش، و نمی بینیم که پیروی تو کرده باشند بتأمل سرسری مگر آنانکه ایشان پست ترین های مایند و برای شما هیچ بزرگی برخوردار نیستند بتأمل سرسری مگر شما را دروغگو می پنداریم (۲۷). گفت ای قوم من مرا خبر دهید بدانکه اگر باشم بر حجتی از پروردگار خود و بمن بخشایشی از نزد خود داده باشد پس حقیقت آن بر شما پوشانیده شد آیا شمارا بر آن اجبار کنیم و شما ناخواهان آن باشید؟ (۲۸).

(۱۱) مترجم گوید و میتوان گفت که همزه^۱ استفهام انکاری محذوف است یعنی آیا نمی توانستند و آیانی دیدند.

وَيَقَوْمٍ لَا سَأَلُكُمْ عَلَيْهِ مَا لِإِن آجَرِي إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَمَا أَنَا
 بِطَارِدِ الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّهُمْ مُلْقُوا رَبَّهُمْ وَلَكِنِّي أَرْبُكُمْ قَوْمًا
 تَجْهَلُونَ ﴿٢٩﴾ وَيَقَوْمٍ مِّن يَنْصُرُنِي مِنَ اللَّهِ إِنْ طَرَدْتُهُمْ أَفَلَا
 تَذَكَّرُونَ ﴿٣٠﴾ وَلَا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي خَزَائِنُ اللَّهِ وَلَا
 أَعْلَمُ الْغَيْبَ وَلَا أَقُولُ إِنِّي مَلَكٌ وَلَا أَقُولُ لِلَّذِينَ تَزْدَرِي
 أَعْيُنُكُمْ لَن يُؤْتِيَهُمُ اللَّهُ خَيْرًا اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا فِي أَنْفُسِهِمْ إِنِّي
 إِذًا لِّمِنَ الظَّالِمِينَ ﴿٣١﴾ قَالُوا يٰنُوحُ قَدْ جَدَلْتَنَا فَا كَثُرَتْ جِدْلَانَا
 فَأْتِنَا بِمَا تَعِدُنَا إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ ﴿٣٢﴾ قَالَ إِنَّمَا
 يَأْتِيَكُمْ بِهِ اللَّهُ إِنْ شَاءَ وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ ﴿٣٣﴾ وَلَا يَنْفَعُكُمْ
 نُصْحِي إِنْ أَرَدْتُ أَنْ أَنْصَحَ لَكُمْ إِنْ كَانَ اللَّهُ يُرِيدُ أَنْ
 يُغْوِيَكُمْ هُوَ رَبُّكُمْ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٣٤﴾ أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ
 قُلْ إِنْ افْتَرَيْتُهُ وَفَعَلِيَ إِجْرَامِي وَأَنَا بَرِيءٌ مِّمَّا تَجْرِمُونَ
 ﴿٣٥﴾ وَأَوْحَىٰ إِلَىٰ نُوحٍ أَنَّهُ لَنْ يُؤْمِنَ مِنْ قَوْمِكَ إِلَّا مَن قَدَّ ءَامَنَ
 فَلَا تَبْتَئِسْ بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ ﴿٣٦﴾ وَأَصْنَعِ الْفُلَكَ بِأَعْيُنِنَا
 وَوَحَيْنَا وَلَا تَخْطُبْنِي فِي الَّذِينَ ظَلَمُوا إِنَّهُمْ مُّغْرَقُونَ ﴿٣٧﴾

و ای قوم من، از شما بر این پیام رسانیدن مالی را طلب نمی کنم، نیست پاداش من مگر بر خدا و طرد کننده^{۱۲} مسلمانان (یعنی از صحبت خود) نیستم هر آئینه ایشان با پروردگار خویش ملاقات کنندگانند ولی من شما را قومی نادان می بینم (۲۹). و ای قوم من چه کسی مرا از عقوبت خدا نصرت دهد اگر ایشان را برانم آیا پند نمی پذیرید؟ (۳۰). و نمی گویم به شما که خزانه های خدا نزد من است و نه آنکه غیب را میدانم و نمی گویم که من فرشته ام و نمی گویم آنان را که به دیده خواری به ایشان بچشمهائیتان می نگرید که خدا هیچ نعمتی به ایشان نخواهد داد خدا داناتر است به آنچه در دل های ایشان است هر آئینه من آنگاه ازستم کاران باشم (۳۱). گفتند ای نوح با ما مجادله کردی پس ما را بسیار مجادله کردی پس بیار آنچه وعده می کنی اگر از راست گویان هستی (۳۲). گفت جز این نیست که آن را خدا اگر به شما خواهد می آورد و شما عاجز کننده نیستید (۳۳). و نصیحت من شما را سود نمی دهد اگر خواهم که شما را نصیحت کنم اگر خدا خواسته باشد که شما را گمراه کند اوست پروردگار شما و به سوی او بازگردانیده می شوید (۳۴). (یا محمد) آیامی گویند قرآن را افترا بسته است بگو اگر قرآن را افترا بسته ام پس بر من است گناه من و من از گناهی که می کنید بیزارم^(۱۲) (۳۵). و به سوی نوح وحی فرستاده شد که ایمان نخواهد آورد از قوم تو مگر آنانکه ایمان آورده اند پس اندوه مخور به آنچه می کردند (۳۶). و کشتی را بدیدگاه ما و بفرمان ما بساز و سخن مگو بامان در باره^{۱۳} آنانکه ستم کردند هر آئینه ایشان غرق شدگانند (۳۷).

(۱۲) مترجم گوید این جمله اضافه کرده شد در وسط قصه قوم نوح تا تنبیه باشد بر تطبیق حال مشرکین مکه باحال قوم حضرت نوح و الله اعلم.

وَيَصْنَعُ الْفُلْكَ وَكُلَّمَا مَرَّ عَلَيْهِ مَلَأُ مِنْ قَوْمِهِ سَخِرُوا مِنْهُ
 قَالَ إِنْ تَسْخَرُوا مِنِّي فَإِنَّا نَسْخَرُ مِنْكُمْ كَمَا تَسْخَرُونَ
 ﴿٢٨﴾ فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَيَحِلُّ عَلَيْهِ عَذَابٌ
 مُقِيمٌ ﴿٢٩﴾ حَتَّى إِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُورُ قُلْنَا احْمِلْ فِيهَا
 مِنْ كُلِّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ وَأَهْلَكَ إِلَّا مَنْ سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ
 وَمَنْ أَمِنَ وَمَاءً مِمَّن مَعَهُ إِلَّا قَلِيلٌ ﴿٤٠﴾ * وَقَالَ ارْكَبُوا
 فِيهَا بِسْمِ اللَّهِ مَجْرِبَهَا وَمَرْسَلَهَا إِنَّ رَبِّي لَغَفُورٌ رَحِيمٌ
 ﴿٤١﴾ وَهِيَ تَجْرِي بِهِمْ فِي مَوْجٍ كَالْجِبَالِ وَنَادَى نُوحٌ ابْنَهُ
 وَكَانَ فِي مَعْزِلٍ يَا بُنَيَّ ارْكَب مَعَنَا وَلَا تَكُن مَعَ الْكَافِرِينَ ﴿٤٢﴾
 قَالَ سَاوِيَ إِلَى جِبَلٍ يَعْصِمُنِي مِنَ الْمَاءِ قَالَ لَا عَاصِمَ الْيَوْمَ
 مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِلَّا مَنْ رَحِمَ وَحَالَ بَيْنَهُمَا الْمَوْجُ فَكَانَ مِنَ
 الْمُعْرَقِينَ ﴿٤٣﴾ وَقِيلَ يَا أَرْضُ ابْلَعِي مَاءَكِ وَيَسْمَأْ أَقْلِعِي
 وَغِيضَ الْمَاءِ وَقُضِيَ الْأَمْرُ وَاسْتَوَتْ عَلَى الْجُودِيِّ وَقِيلَ
 بُعْدًا لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿٤٤﴾ وَنَادَى نُوحٌ رَبَّهُ فَقَالَ رَبِّ إِنَّ ابْنِي
 مِنْ أَهْلِي وَإِنَّ وَعْدَكَ الْحَقُّ وَأَنْتَ أَحْكَمُ الْحَكِيمِينَ ﴿٤٥﴾

و نوح کشتی را می ساخت و هرگاه که برآن کشتی جماعتی از قوم او می گذشت باوی تمسخر میکردند، گفت اگر ما را مسخره می کنید پس هرآئینه ما شمارا مسخره خواهیم کرد چنانکه شما مسخره می کنید (۳۸). پس خواهید دانست کسی را که بیایدش عذابی که رسوا کندش و بروی عقوبتی دایم فرود آید (۳۹). (درهمین معامله بود) تاوقتیکه فرمان ما آمد و تنور بجوشید گفتیم درکشتی ازهرجنسی دوتن (نروماده) را بردار و اهل خود را مگرآنکه قضا بروی سبقت کرده است بردار^(۱۳) و مسلمانان را بردار، و ایمان نیاوردند باوی مگراندکی (۴۰). وگفت (نوح) درکشتی سوار شوید، روان شدن وی و ایستادن وی بنام خداست هر آئینه پروردگار من آمرزنده^۱ مهربانست (۴۱). وآن کشتی ایشان را درموجی مانند کوه ها می بُرد و نوح پسر خودرا درحالیکه اودرکناره ای بود آواز داد ای پسرک من با ما سوارشو و با کافران مباش (۴۲). گفت به سوی کوهی که نگاه دارد مرا ازآب پناه خواهم گرفت نوح گفت امروز از عذاب خدا هیچ نگاه دارنده نیست مگر آنکه خدا بروی رحم کرده است و حایل شد موج میان ایشان پس ازغرق شدگان شد (۴۳). وگفته شد ای زمین آب خود را فروبر وای آسمان بازمان^(۱۴) و آب کم کرده شد و کار به انجام رسانیده شد و کشتی برکوه جودی قرارگرفت وگفته شد قوم ستمکاران را هلاکت باد (۴۴). و نوح پروردگار خود را آواز داد پس گفت ای پروردگار من هرآئینه پسر من ازاهل من است و هرآئینه وعده^۲ تو راست است و توبهترین حکم کنندگانی (۴۵).

(۱۳) یعنی زن نوح و کنعان پسر نوح.

(۱۴) یعنی ازباران.

قَالَ يَنُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ فَلَا تَسْتَلِنِ
 مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنِّي أَعِظُكَ أَنْ تَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ
 ﴿٤٦﴾ قَالَ رَبِّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَسْأَلَكَ مَا لَيْسَ لِي بِهِ عِلْمٌ وَإِلَّا
 تَغْفِرْ لِي وَتَرْحَمْنِي أَكُنْ مِنَ الْخَاسِرِينَ ﴿٤٧﴾ قِيلَ يَنُوحُ
 أَهْبِطْ بِسَلَامٍ مِنَّا وَبَرَكَاتٍ عَلَيْكَ وَعَلَى أُمَمٍ مِمَّنْ مَعَكَ
 وَأُمَمٌ سَنُمَتِّعُهُمْ ثُمَّ يَمَسُّهُمْ تَأْذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٤٨﴾ تِلْكَ
 مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهَا إِلَيْكَ مَا كُنْتَ تَعْلَمُهَا أَنْتَ
 وَلَا قَوْمُكَ مِنْ قَبْلِ هَذَا فَاصْبِرْ إِنَّ الْعَقِيبَةَ لِلْمُتَّقِينَ ﴿٤٩﴾
 وَإِلَى عَادِ أَخَاهُمْ هُودًا قَالَ يَا قَوْمِ أَعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ
 إِلَهٍ غَيْرُهُ وَإِنْ أَنْتُمْ إِلَّا مُفْتَرُونَ ﴿٥٠﴾ يَا قَوْمِ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ
 أَجْرًا إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى الَّذِي فَطَرَنِي أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿٥١﴾
 وَيَقَوْمِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاءَ
 عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَيَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَى قُوَّتِكُمْ وَلَا تَتَوَلَّوْا
 مُجْرِمِينَ ﴿٥٢﴾ قَالُوا يَا هُودُ مَا جِئْتَنَا بِبَيِّنَةٍ وَمَا نَحْنُ
 بِتَارِكِي آلِ هَارُونَ عَنْ قَوْلِكَ وَمَا نَحْنُ لَكَ بِمُؤْمِنِينَ ﴿٥٣﴾

گفت ای نوح هرآئینه وی از اهل تو نیست هر آئینه او کاری ناشایسته است پس تو مرا از چیزی که تو را به آن دانش نیست سوال مکن هرآئینه من تو را برای احتراز از آنکه باشی از جاهلان پند میدهم (۴۶). گفت ای پروردگار من، هرآئینه من به تو پناه می برم از آنکه از تو بخواهم آنچه راکه مرابه آن دانش نیست و اگر مرا نیامرزی و بر من رحمت نکنی از زیان کاران باشم (۴۷). گفته شد ای نوح به سلامتی از جانب ما فرود بیا و همراه برکت های فرود آمده بر تو و بر امت هایی که از همراهان تو پیدا شوند و امت هایی دیگر که ایشان را در دنیا بهره مند می سازیم باز به ایشان از جانب ما عذابی دردناک برسد (۴۸). این قصه از اخبار غیب است آن را به سوی تو وحی میفرستیم آن را تو نمی دانستی و نه قوم تو پیش ازین می دانستند پس صبر کن هرآئینه سرانجام (نیک) برای پرهیزگاران است (۴۹). و به سوی عاد برادر ایشان هود را فرستادیم گفت ای قوم من خدا را عبادت کنید شمارا هیچ معبود بر حقی بجزوی نیست شما مگر افتراء کننده نیستید (۵۰). ای قوم من از شما بر این پیغام مزدی را نمی طلبم، نیست پاداش من مگر بر کسیکه مرا آفریده است آیا در نمی یابید (۵۱). و ای قوم من از پروردگار خود آموزش طلبید باز به سوی او رجوع کنید تا باران را بر شما ریزان بفرستد و شمارا قوتی همراه قوت شما بیفزاید و گناهکارانه روی بر متابید (۵۲). گفتند ای هود دلیلی برایمان نیاوردی و نیستیم ما ترك کننده معبودانمان بگفته تو و ماتورا باوردارنده نیستیم (۵۳).

٥٤ إِنْ نَقُولُ إِلَّا اعْتَرَبَكَ بَعْضُ الْهَتَنِابِ سَوْءٍ قَالَ إِنِّي أَشْهَدُ اللَّهَ
 وَأَشْهَدُ وَأَنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ ﴿٥٤﴾ مِنْ دُونِهِ فَيَكِيدُونِي
 جَمِيعًا ثُمَّ لَا تُنظِرُونَ ﴿٥٥﴾ إِنِّي تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ رَبِّي وَرَبِّكُمْ
 مَا مِنْ دَابَّةٍ إِلَّا هِيَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ
 ﴿٥٦﴾ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ مَا أُرْسِلْتُ بِهِ إِلَيْكُمْ وَيَسْتَخْلِفُ
 رَبِّي قَوْمًا غَيْرَكُمْ وَلَا تَضُرُّونَهُ وَشَيْئًا إِنَّ رَبِّي عَلَى كُلِّ شَيْءٍ حَفِيظٌ
 ﴿٥٧﴾ وَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا لَمَجِيئِنَا هُودًا أُولَئِكَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ وَرَحْمَةٌ مِنَّا
 وَبَجَيْتِهِمْ مِنْ عَذَابٍ غَلِيظٍ ﴿٥٨﴾ وَتِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الَّتِي كُنَّا
 نُنزِّلُهَا عَلَيْكَ لَعَلَّ لَئِن جَاءَكَ مِنْهَا آيَاتٌ مِمَّا تُحِبُّ أَنْ تَرْفُتَ وَأَنْتَ
 عَلَى سَبِيلٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿٥٩﴾ وَأَتَّبِعُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا لَعْنَةً وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا إِنْ عَادَ أَكْفَرُوا رَبَّهُمْ أَلَا
 بَعْدَ الْعَادِ قَوْمٌ هُودٍ ﴿٦٠﴾ * وَإِلَى ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا قَالَ يَا قَوْمِ
 اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ وَهُوَ أَنشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ
 وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا فَاسْتَغْفِرُوهُ ثُمَّ تَوَلَّوْا إِلَيْهِ وَإِنَّ رَبِّيَ قَرِيبٌ مُجِيبٌ
 ﴿٦١﴾ قَالُوا يَا صَالِحُ قَدْ كُنْتَ فِينَا مَرْجُوًّا قَبْلَ هَذَا أَتَنْهَانَا أَنْ نَعْبُدَ
 مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا وَإِنَّآ لَفِي شَكِّ مِمَّا تَدْعُونَا إِلَيْهِ مَرْيَبٍ ﴿٦٢﴾

نمی گوئیم مگر آنکه بعضی معبودان ما بتو ضرری رسانیده اند، گفت هرآئینه من خدایا گواه می سازم و شما گواه باشید که من براءت دارم از آنچه شما شریک می گیرید (۵۴). بجز وی بیزارم پس همگی در حق من توطئه کنید باز مرا مهلت مدهید (۵۵). هرآئینه من برخدا پروردگار من و پروردگار شما توکل کردم، هیچ جنبنده ای نیست مگر به پیشانی او خدا گیرنده است^(۱۵) هرآئینه پروردگار من بر راه راست است^(۱۶) (۵۶). پس اگر رویگردان شوید ضرری بمن نمی رسد هرآئینه به شما پیامی را که همراه آن به سوی شما فرستاده شدم رسانیدم و پروردگار من قومی را غیر از شما جانشین سازد و خدا را هیچ زیان نتوانید رسانید هرآئینه پروردگار من بر همه چیز نگهبان است (۵۷). و چون عذاب ما آمد هود و آنان را که ایمان آورده اند با وی برحمتی از جانب خود نجات دادیم و ایشان را از عقوبت سخت برهانیدیم (۵۸). و این است سرگذشت، عاد آیات پروردگار خود را انکار کردند و پیامبران او را نافرمانی نمودند و فرمان هرسرکش ستیزنده را پیروی کردند (۵۹). و از پی ایشان در این دنیا و روز قیامت نیز لعنتی فرستاده شد، آگاه باش هرآئینه عاد به پروردگار خود کافر شدند آگاه باش نفرین باد عاد را که قوم هود بودند (۶۰). و به سوی ثمود برادر ایشان صالح را فرستادیم گفت ای قوم من خدا را عبادت کنید شما را هیچ معبود بر حقی بجزوی نیست او شما را از زمین پیداکرد^(۱۷) و شما را در زمین ساکن گردانید پس از وی طلب آموزش کنید باز به سوی او رجوع کنید هرآئینه پروردگار من نزدیک است پذیرنده دعاست (۶۱). گفتند ای صالح تودرمیان ما پیش ازین مورد امید داشته شده بودی آیامع می کنی ما را از آنکه عبادت کنیم معبودانی را که پدران ما عبادت میکردند و هرآئینه ما در شبهه قوی هستیم از آنچه ما را به سوی آن میخوانی (۶۲).

(۱۵) یعنی مالك اوست.

(۱۶) یعنی حکیم است.

(۱۷) یعنی آفرید پدر و مادر شما آدم و حوا را از خاک که شما از نسل آنهاید.

قَالَ يَقَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كُنْتُ عَلَىٰ بَيْنَةٍ مِّن رَّبِّي وَعَآتَنِي
 مِنْهُ رَحْمَةً فَمَنْ يَبْصُرُنِي مِنَ اللَّهِ إِنْ عَصَيْتُهُ فَمَا تَزِيدُونَنِي
 غَيْرَ تَحْسِيرٍ ﴿٦٢﴾ وَيَقَوْمِ هَذِهِ نَاقَةُ اللَّهِ لَكُمْ آيَةٌ
 فَذُرُّوهَا تَأْكُلْ فِي أَرْضِ اللَّهِ وَلَا تَمْسُوهَا بِسُوءٍ فَيَأْخُذَكُمْ
 عَذَابٌ قَرِيبٌ ﴿٦٤﴾ فَعَقَرُوهَا فَقَالَ تَمَتَّعُوا فِي دَارِكُمْ
 ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ ذَلِكَ وَعَدُّ غَيْرِ مَكْذُوبٍ ﴿٦٥﴾ فَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا
 بَنِي نَاعِلٍ صَالِحًا وَالدِّينِ ءَامِنُونَ أَمَعَهُ وَبِرَحْمَةٍ مِّنَّا وَمِن
 خِزْيِ يَوْمٍ إِذِ ان رَّبَّكَ هُوَ الْقَوِيُّ الْعَزِيزُ ﴿٦٦﴾ وَأَخَذَ الَّذِينَ
 ظَلَمُوا الصَّيْحَةَ فَأَصْبَحُوا فِي دِيَارِهِمْ جَثِمِينَ ﴿٦٧﴾
 كَأَن لَّمْ يَعْنُوا فِيهَا ءَالَآءَ ان تَمُودَ أَكْفَرُوا رَبَّهُمْ ءَالَآ
 بُعْدَ التَّمُودِ ﴿٦٨﴾ وَلَقَدْ جَاءَتْ رُسُلُنَا إِبْرَاهِيمَ بِالْبُشْرَى قَالُوا
 سَلَامًا قَالَ سَلَّمَ فَمَا لَبِثَ أَن جَاءَ بِعِجْلٍ حَنِيذٍ ﴿٦٩﴾ فَلَمَّا رَأَى
 أَيْدِيَهُمْ لَا تَصِلُ إِلَيْهِ نَكَرَهُمْ وَأَوْجَسَ مِنْهُمْ خِيفَةً
 قَالُوا لَا تَخَفْ إِنَّا أُرْسِلْنَا إِلَى قَوْمِ لُوطٍ ﴿٧٠﴾ وَأَمْرَانَهُ وَقَائِمَةٌ
 فَضَحِكْتُمْ فَبَشَّرْنَاهَا بِإِسْحَاقَ وَمِنْ وَرَاءِ إِسْحَاقَ يَعْقُوبَ ﴿٧١﴾

گفت ای قوم من آیا دیدید اگر برحجتی از پروردگار خود باشم وبمن از جانب خود بخشایشی عطا کرده باشد پس کیست که مرا از عقوبت خدا اگر نافرمانی اوکنم نصرت دهد پس در حق من مگر زیان کاری را نمی افزاید (۶۳). وای قوم من این ماده شتری است که خدا برای شما نشانه ای فرستاده است پس بگذاریدش تا در زمین خدا بخورد و به وی هیچ ضرری مرسانید که آنگاه شمارا عقوبتی نزدیک بگیرد (۶۴). پس آن را پی زدند پس صالح گفت در سرای خود سه روز بهره مند باشید این وعده ای است که دروغی در آن نیست (۶۵). پس وقتی که فرمان ما آمد صالح و آنان را که ایمان آوردند همراه وی به بخشایشی از جانب خود نجات دادیم و از سوی آن روز رهانیدیم، هرآئینه پروردگارتو، او توانای غالب است (۶۶). و ستمکاران را آواز (عذاب) سخت در گرفت پس درسراهای خود مرده هایی بر روی هم افتاده، صبح کردند (۶۷). گویا هرگز آن جا نبودند، آگاه باش هرآئینه ثمود پرورگار خود را انکار کردند هرآئینه ثمود را دوری باد (۶۸). هرآئینه فرستادگان ما پیش ابراهیم به بشارت آمدند، سلام گفتند ابراهیم جواب سلام داد پس درنگ نکرد درآنکه گوساله ای بریان آورد (۶۹). پس چون دید که دستهای ایشان به آن نمی رسد به آنان (گمان) بدبرد وازایشان ترسی بخاطر آورد گفتند مترس هرآئینه ما به سوی قوم لوط فرستاده شده ایم (۷۰). وزن ابراهیم ایستاده بود پس بخندید^(۱۸) پس بتولد اسحاق و بعد اسحاق به یعقوب اورا مژده دادیم (۷۱).

(۱۸) مترجم گوید یعنی بسبب خوش وقتی از هلاک قوم لوط.

قَالَتْ يَوَيْلَتِي ۖ أَلِدُ وَأَنَا عَجُوزٌ وَهَذَا بَعْلِي شَيْخًا ۖ إِنَّ هَذَا
 لَشَيْءٌ عَجِيبٌ ﴿٧٢﴾ قَالُوا اتَّعَجِبِينَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ ۖ رَحِمْتُ اللَّهُ
 وَبَرَكَتُهُ وَعَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ ۖ إِنَّهُ حَمِيدٌ مَجِيدٌ ﴿٧٣﴾ فَلَمَّا ذَهَبَ
 عَنْ إِبْرَاهِيمَ الرَّوْعُ وَجَاءَتْهُ الْبُشْرَىٰ يُجَادِلُنَا فِي قَوْمِ لُوطٍ ﴿٧٤﴾
 إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَحَلِيمٌ أَوَّاهٌ مُنِيبٌ ﴿٧٥﴾ يَا إِبْرَاهِيمُ ۖ أَعْرِضْ عَنْ هَذَا ۖ إِنَّهُ
 قَدْ جَاءَ أَمْرُ رَبِّكَ ۖ وَإِنَّهُمْ لَأْتِيهِمْ عَذَابٌ غَيْرُ مَرْدُودٍ ﴿٧٦﴾ وَلَمَّا
 جَاءَتْ رُسُلُنَا لُوطًا سِئَاءَ بِهِمْ ۖ وَضَاقَ بِهِمْ ذَرْعًا وَقَالَ هَذَا
 يَوْمٌ عَصِيبٌ ﴿٧٧﴾ وَجَاءَهُمْ قَوْمُهُمْ يَهْرَعُونَ إِلَيْهِ ۖ وَمَنْ قَبْلُ كَانُوا
 يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ ۖ قَالَ يَقَوْمِ هَلْؤُلَاءِ بَنَاتِي هُنَّ أَطْهَرُ لَكُمْ ۖ
 فَاتَّقُوا اللَّهَ ۖ وَلَا تَخْزُونِ فِي ضَيْفِي ۖ أَلَيْسَ مِنْكُمْ رَجُلٌ رَشِيدٌ ﴿٧٨﴾
 قَالُوا لَقَدْ عَلِمْتَمَا لَنَا فِي بَنَاتِكَ مِنْ حَقٍّ وَإِنَّكَ لَتَعْلَمُ مَا نُرِيدُ
 ﴿٧٩﴾ قَالَ لَوْ أَنَّ لِي بِكُمْ قُوَّةٌ أَوْ آوِي إِلَىٰ رُكْنٍ شَدِيدٍ ﴿٨٠﴾ قَالُوا
 يَلُوطُ إِنَّا رُسُلُ رَبِّكَ لَنْ يَصِلُوا إِلَيْكَ فَأَسْرِبْ أَهْلِكَ بِقِطْعِ
 مِّنَ اللَّيْلِ وَلَا يَلْتَفِتْ مِنْكُمْ أَحَدٌ إِلَّا أَمْرَاتُكَ ۖ إِنَّهُ مُصِيبُهَا
 مَا أَصَابَهُمْ ۖ إِنَّ مَوْعِدَهُمُ الصُّبْحُ ۖ أَلَيْسَ الصُّبْحُ بِقَرِيبٍ ﴿٨١﴾

گفت ای وای بر من آیا خواهم زاد و من پیرم و این شوهر من که نسال شده است هر آئینه این چیزی عجیب است (۷۲). فرشتگان گفتند آیا از قدرت خدا تعجب می کنی، ای اهل این خانه بخشایش خدا و برکات او بر شما باد هر آئینه خدا ستوده شده بزرگوار است (۷۳). پس چون از ابراهیم ترس رفت و بشارت آمدش با ما درباره قوم لوط مجادله شروع نمود (۷۴). هر آئینه ابراهیم بردبار، ناله کننده رجوع کننده بخدا بود (۷۵). گفتیم ای ابراهیم ازین جدال بگذر هر آئینه (حال اینست که) عقوبت پروردگارتو آمد و هر آئینه این جماعت به ایشان عقوبتی خواهد آمد که باز گردانیده نشود (۷۶). و چون فرستادگان ما پیش لوط آمدند بسبب ایشان اندوهگین شد و به سبب ایشان دل‌تنگ شد و گفت این روزیست سخت^(۱۹) (۷۷). و قوم اوشتابان پیش لوط آمدند و پیش از آن کارهای زشت میکردند لوط گفت ای قوم من این دختران من اند (یعنی نکاح کنید) این ها برای شما پاکیزه تراند پس از خدا بترسید و مرا در مورد مهمانان من رسوا مکنید آیا از شما هیچ مرد شایسته ای نیست (۷۸). گفتند هر آئینه تودانسته ای که ما را در دختران تو حاجتی نیست و هر آئینه تو البته میدانی آنچه راکه می خواهیم (۷۹). گفت اگر مرا بمقابله شما قوتی می بود یا به قوم زور آور پناه می گرفتم (چنین می کردم) (۸۰). فرشتگان گفتند ای لوط هر آئینه ما فرستادگان پروردگار هستیم نخواهند به تو رسید پس اهل خود را بپاره ای از شب ببر و باید که به پشت سر خود نگاه نکند هیچکس از شما مگر زن تو که او را آنچه باین قوم رسید رسیدنی است هر آئینه میعاد ایشان وقت صبح است آیا صبح نزدیک نیست؟ (۸۱).

(۱۹) مترجم گوید یعنی ایشان نوجوان خوش روی بودند و عادت قوم معلوم بود پس خوف فتنه پیدا شد والله اعلم.

فَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا جَعَلْنَا عَلِيَّهَا سَافِلَهَا وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهَا
 حِجَارَةً مِّن سِجِّيلٍ مَّنصُودٍ ﴿٨٢﴾ مَسْوَمَةً عِنْدَ رَبِّكَ
 وَمَاهِي مِّن الظَّالِمِينَ بِبَعِيدٍ ﴿٨٣﴾ * وَإِلَى مَدِينِ أَخَاهُمْ
 شُعَيْبًا قَالَ يَقَوْمِ أَعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ
 وَلَا تَتَّقُوا الْمَكِّيَالَ وَالْمِيزَانَ إِنِّي أَرَانَكُمْ بِخَيْرٍ
 وَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ مُّحِيطٍ ﴿٨٤﴾ وَيَقَوْمِ
 أَوْفُوا الْمَكِّيَالَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ
 أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْتَوُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ ﴿٨٥﴾ بَقِيَّتْ
 اللَّهُ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ مُّؤْمِنِينَ وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ
 بِحَفِيظٍ ﴿٨٦﴾ قَالُوا يَشْعِيبُ أَصَلَوْتِكَ تَأْمُرُكَ أَنْ نَتْرَكَ
 مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا أَوْ أَنْ نَفْعَلَ فِي أَمْوَالِنَا مَا نَشَاءُ إِنَّكَ
 لَأَنْتَ الْحَلِيمُ الرَّشِيدُ ﴿٨٧﴾ قَالَ يَقَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِن كُنْتُ
 عَلَى بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّي وَرَزَقْنِي مِنْهُ رِزْقًا حَسَنًا وَمَا أُرِيدُ أَنْ
 أُخَالِفَكُمْ إِلَىٰ مَا أَنْتُمْ عَنْهُ إِن أُرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ
 مَا اسْتَطَعْتُ وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ ﴿٨٨﴾

پس چون فرمان ما آمد ساختیم زبرآن (ده ها) را زیرآن و برآنجا سنگهای از گِل پخته، پی در پی بارانیدیم (۸۲). نشان مند ساخته شده بود نزد پروردگار تو و این سنگ ها دور از متمکاران نیستند (۸۳). و به سوی قوم مدین برادر ایشان شعیب را فرستادیم گفت ای قوم من خدا را عبادت کنید شما را هیچ معبود بر حقی مگر وی نیست و پیمان و ترازو را کم مکنید هر آئینه من شما را می بینم که در نعمتید و هر آئینه من بر شما از عذاب روز در بر گیرنده^(۲۰) می ترسم (۸۴). و ای قوم من پیمان و ترازو را به انصاف کامل کنید و به مردمان چیزهای ایشان را کم مرسانید و در زمین فسادکنان تباهاکاری مکنید (۸۵). باقی گذاشته خدای تعالی برای شما بهتر است اگر باور دارنده اید و من بر شما نگهبان نیستم (۸۶). گفتند ای شعیب آیا نماز تو تورا میفرماید که آنچه را که پدران ما می پرستیدند بگذاریم یا بگذاریم آنکه بکنیم در مال خود هر چه خواهیم هر آئینه تو مرد بُردبار شایسته^(۲۱) معامله ای (و مقصود ایشان استهزا بود) (۸۷). گفت ای قوم من آیا دیدید اگر بر حجتی از پروردگار خود باشم و مرا از جانب خود روزی نیک داده باشد^(۲۱) و نمی خواهم که باشم خلاف کنم مایل شده به سوی آنچه شمارا از آن منع می کنم^(۲۲) نمی خواهم مگر صلاح کاری تابوانم و نیست توفیق من مگر به فضل خدا بروی توکل کردم و به سوی اورجوع می کنم (۸۸).

(۲۰) یعنی هلاک کننده.

(۲۱) یعنی حلال چگونه سخن شمارا بشنوم.

(۲۲) مترجم گوید یعنی نمی خواهم که بکار نیک بفرمایم و خود نکنم والله اعلم.

وَيَقَوْمٍ لَا يَجْرِمَنَّكُمْ شِقَاقِي أَنْ يُصِيبَكُمْ مِثْلُ مَا أَصَابَ
 قَوْمَ نُوحٍ أَوْ قَوْمَ هُودٍ أَوْ قَوْمَ صَالِحٍ وَمَا قَوْمَ لُوطٍ مِنْكُمْ
 بِبَعِيدٍ ﴿٨٩﴾ وَأَسْتَغْفِرُ وَأَرْبَبَكُمْ ثُمَّ تَوَبُّوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي
 رَحِيمٌ وَدُودٌ ﴿٩٠﴾ قَالَ لَوِ اسْتَعِيبُ مَا نَفَقَهُ كَثِيرًا مِمَّا تَقُولُ
 وَإِنَّا لَنَرُّكَ فِيْنَا ضَعِيفًا وَلَوْلَا رَهْطُكَ لَرَجَمْنَاكَ وَمَا أَنْتَ
 عَلَيْنَا بِعَزِيزٍ ﴿٩١﴾ قَالَ يَقَوْمِ أَرَهْطِي أَعَزُّ عَلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ
 وَاتَّخَذْتُمُوهُ وَرَاءَكُمْ ظَهْرًا إِنَّا نَرَىٰ بِمَا تَعْمَلُونَ
 مُحِيطٌ ﴿٩٢﴾ وَيَقَوْمِ أَعْمَلُوا عَلَيَّ مَكَاتِرَكُمْ إِنِّي عَامِلٌ
 سَوْفَ تَعْلَمُونَ مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَمَنْ هُوَ كَذِبٌ
 وَأُرْتَقِبُوا إِنِّي مَعَكُمْ رَقِيبٌ ﴿٩٣﴾ وَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا نَجَّيْنَا
 شُعَيْبًا وَالَّذِينَ ءَامَنُوا مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا وَأَخَذَتِ
 الَّذِينَ ظَلَمُوا الصَّيْحَةَ فَأَصْبَحُوا فِي دِيرِهِمْ جَثَمِينَ ﴿٩٤﴾
 كَانُوا لَمْ يَغْنَوْا فِيهَا إِلَّا بَعْدَ الْمَدِينِ كَمَا بَعَدَتْ ثَمُودُ ﴿٩٥﴾
 وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا وَسُلْطَانٍ مُّبِينٍ ﴿٩٦﴾ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ
 وَمَلَائِكَتِهِ فَاتَّبَعُوهُ أَمْرٌ فِرْعَوْنَ وَمَا أَمْرٌ فِرْعَوْنَ بِرَشِيدٍ ﴿٩٧﴾

و ای قوم من نباید ضدیت با من شما را وادار سازد به این خصلت که به شما برسد مانند آنچه به قوم نوح رسید یا قوم هود یا قوم صالح رسید و قوم لوط از شما دور نیست (۸۹). و از پروردگار خود طلب آمرزش کنید باز به سوی او رجوع کنید هرآئینه پروردگار من مهربان دوستدارست (۹۰). گفتند ای شعیب بسیاری از آنچه می گویی نمی فهمیم و هرآئینه ما تو را در میان خود ناتوان می بینیم و اگر قبیله ات نبود تو را سنگسار میکردیم و تو پیش ما گرامی قدر نیستی (۹۱). گفت ای قوم من آیاقبیله ام پیش شما از خدا گرامی تر است و خدا را پس پشت خویش انداخته اید هرآئینه پروردگار من به آنچه میکنید دربرگیرنده است (۹۲). و ای قوم من به طریقه خود عمل کنید هرآئینه من نیز عمل کننده ام به زودی خواهید دانست چه کس است که بیایدش عذابی که رسوا کندش و آن را که وی دروغگوست و انتظار کشید هرآئینه من (هم) باشما منتظرم (۹۳). و وقتیکه عذاب ما آمد شعیب و آنان را که ایمان آوردند باوی به بخشایشی از خود نجات دادیم و ظالمان را آواز عذاب) سخت درگرفت پس درسراهای خویش مرده هایی افتاده گشتند (۹۴). گویا هرگز در آنجا نبوده اند آگاه باش مدین را دوری باد چنانکه ثمود دور افتادند (۹۵). و هرآئینه موسی را به نشانه های خود و به دلیل روشن فرستادیم (۹۶). به سوی فرعون و قوم و سران او پس فرمان فرعون را پیروی کردند و فرمان فرعون براه راست (و درست) نبود (۹۷).

يَقْدُمُ قَوْمَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَأَوْرَدَهُمُ النَّارَ وَبِئْسَ الْوَرْدُ
الْمَوْرُودُ ﴿٩٨﴾ وَأَتَّبِعُوا فِي هَذِهِ لَعْنَةَ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ بئس
الرِّفْدُ الْمَرْفُودُ ﴿٩٩﴾ ذَلِكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْقُرَى نَقِصُهُ عَلَيْكَ
مِنْهَا قَائِمٌ وَحَصِيدٌ ﴿١٠٠﴾ وَمَا ظَلَمْنَاهُمْ وَلَكِنْ ظَلَمُوا
أَنْفُسَهُمْ فَمَا أَغْنَتْ عَنْهُمْ آلِهَتُهُمُ الَّتِي يَدْعُونَ مِنْ دُونِ
اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ لَمَّا جَاءَ أَمْرُ رَبِّكَ وَمَا زَادُوهُمْ غَيْرَ تَتْبِيبٍ ﴿١٠١﴾
وَكَذَلِكَ أَخْذُ رَبِّكَ إِذَا أَخَذَ الْقُرَى وَهِيَ ظَالِمَةٌ إِنَّ أَخْذَهُ
أَلِيمٌ شَدِيدٌ ﴿١٠٢﴾ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِمَنْ خَافَ عَذَابَ الْآخِرَةِ
ذَلِكَ يَوْمٌ مَجْمُوعٌ لَهُ النَّاسُ وَذَلِكَ يَوْمٌ مَشْهُودٌ ﴿١٠٣﴾
وَمَا تُؤَخِّرُهُ إِلَّا لِأَجَلٍ مَّعْدُودٍ ﴿١٠٤﴾ يَوْمَ يَأْتِ لَاتُكَلِّمُنَّ نَفْسٌ
إِلَّا بِإِذْنِهِ فَمِنْهُمْ شَقِيٌّ وَسَعِيدٌ ﴿١٠٥﴾ فَأَمَّا الَّذِينَ شَقُوا فَمَنْ فِي
النَّارِ لَهُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَشَهِيقٌ ﴿١٠٦﴾ خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَوَاتُ
وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ إِنَّ رَبَّكَ فَعَّالٌ لِمَا يُرِيدُ ﴿١٠٧﴾
* وَأَمَّا الَّذِينَ سَعِدُوا فَمَنْ فِي الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ
السَّمَوَاتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ عَطَاءٌ غَيْرَ مَجْذُودٍ ﴿١٠٨﴾

فرعون قوم خود را روز قیامت پیشوا شود پس ایشان را به آتش بیارد و چه بدجاییست (دوزخ) که وارد آن شدند (۹۸). و از پی ایشان لعنت آورده شد درین دنیا و روز قیامت نیز بدعطاییست که داده شد (آن لعنت) (۹۹). این از اخبارده ها است که آن را بر تو میخوانیم بعضی از آن باقیست و بعضی از بیخ برکنده شده است (۱۰۰). و برایشان ستم نکردیم ولیکن ایشان بر خویشان ستم کردند پس از ایشان معبودان ایشان که میخواندند به جای خدا هیچ چیزی دفع نکردند وقتی که فرمان پروردگار تو آمد و ایشان را بجز هلاکی نیفزودند (۱۰۱). و همچنین است گرفتار کردن پروردگار تو چون ده ها را بگیرد و آنها ستمکار باشند هر آئینه گرفت وی درد ناک سخت است (۱۰۲). هر آئینه در این سخن نشانه ای است کسی را که از عذاب آخرت ترسیده است آن روز روزیست که در آن مردمان جمع کرده شوند و آن روز روزیست که همه در وی حاضر شوند (۱۰۳). و آنرا موقوف نمی داریم آنرا مگر تاملت معینی (۱۰۴). روزی که بیاید هیچ کس سخن نگوید مگر بدستور حق پس بعضی از ایشان بدبخت باشند و بعضی نیک بخت (۱۰۵). اما آنانکه بدبخت شدند پس در آتش باشند ایشان را آنجا فریاد سخت و ناله زار (یعنی مانند آواز خر) باشد (۱۰۶). جاودان باشند در آنجا مدت بقای آسمان ها و زمین مگر آنچه را که پروردگار تو خواسته است هر آئینه پروردگار تومی کند آنچه می خواهد (۱۰۷). و اما آنانکه نیک بخت شده اند پس در بهشت باشند جاودان در آنجا تاملت بقای آسمان ها و زمین مگر آنچه را که پروردگار تو خواسته است بخششی غیر منقطع (۲۳) (۱۰۸).

(۲۳) مترجم گوید یعنی مدت ماندن در بهشت و دوزخ مانند مدت دوام آسمان ها و زمین در دنیا است اگر زیادتی را که در مشیت خداست و در فهم کسی گنجد اعتبار نکند حاصل بیان دوام است ببالغ و جوه والله اعلم.

فَلَاتُكَ فِي مَرِيَةٍ مَّمَّا يَعْبُدُ هَؤُلَاءِ مَا يَعْبُدُونَ إِلَّا كَمَا يَعْبُدُ
 ءَابَاؤُهُمْ مِنْ قَبْلُ وَإِنَّا لَمُوفُونَ نَصِيبَهُمْ غَيْرَ مَنْقُوصٍ
 ﴿١٠٩﴾ وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَاخْتَلَفَ فِيهِ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ
 سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَقَضَىٰ بَيْنَهُمْ وَإِنَّهُمْ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مُرِيبٍ
 ﴿١١٠﴾ وَإِنْ كَلَّا لَمَا يُؤْفَيْنَهُمْ رَبُّكَ أَعْمَلَهُمْ إِنَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ
 خَبِيرٌ ﴿١١١﴾ فَاسْتَقِمْ كَمَا أَمَرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا
 إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿١١٢﴾ وَلَا تَرْكَنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا
 فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُم مِّنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ ثُمَّ
 لَا تُنصَرُونَ ﴿١١٣﴾ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي النَّهَارِ وَزُلْفًا مِنْ
 اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبُنَ السَّيِّئَاتِ ذَلِكَ ذَكَرَىٰ
 لِلذَّكِرِينَ ﴿١١٤﴾ وَأَصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ
 ﴿١١٥﴾ فَلَوْلَا كَانَ مِنَ الْقُرُونِ مِنْ قَبْلِكُمْ أُولُو بَقِيَّةٍ يَنْهَوْنَ
 عَنِ الْفَسَادِ فِي الْأَرْضِ إِلَّا قَلِيلًا مِّمَّنْ أَنْجَيْنَا مِنْهُمْ وَاتَّبَعَ
 الَّذِينَ ظَلَمُوا مَا أُتْرِفُوا فِيهِ وَكَانُوا مُجْرِمِينَ ﴿١١٦﴾ وَمَا
 كَانَ رَبُّكَ لِيُهْلِكَ الْقُرَىٰ بِظُلْمٍ وَأَهْلُهَا مُصْلِحُونَ ﴿١١٧﴾

پس مباش در شبیه از آنچه می پرستند این گروه نمی پرستند مگر چنانکه پدران ایشان پیش از این می پرستیدند و مالمالبته بهره ایشان را نگاهید تمام دهنده ایشانیم^(۲۴) (۱۰۹). و هر آئینه موسی را کتاب دادیم پس در آن اختلاف افتاد و اگر نمی بود سخنی که سابقاً از پروردگار تو صادر شده بود هر آئینه میان ایشان فیصله کرده می شد و بدرستی که ایشان از آن در شبیه قوی اند (۱۱۰). و هر آئینه هر کسی (وقتی که برانگیخته شود) البته ایشان را پروردگار توجزای کردار ایشان تمام خواهد داد هر آئینه وی به آنچه میکنند داناست (۱۱۱). پس استوار باش چنانچه تورا فرمان داده شد و آنانکه توبه کرده اند همراه تونیز، و از حد مگذرید هر آئینه وی به آنچه می کنید بیناست (۱۱۲). و میل مکنید به سوی آنانکه ستم کردند که آنگاه به شما آتش برسد و شما را دوستانی بجز خدا نیست باز نصرت داده نشوید (۱۱۳). و نماز را (در) دوطرف روز و ساعتی چند از شب برپاکن هر آئینه طاعات گناهان را دور میکنند این پندی برای پندپذیران هست (۱۱۴). و شکیبایی کن هر آئینه خدا پاداش نیکوکاران را ضایع نمی کند (۱۱۵). پس چرا از آن قرنهای پیش از شما بودند خردمندانی نبودند که از فساد در زمین جلوگیری کنند مگر اندکی از آن جماعت که از میان ایشان نجات دادیم و ستمکاران چیزی را که آسودگی داده شدند به آن پیروی کردند^(۲۵) و گناه کاران بودند (۱۱۶). و هرگز پروردگار تو نیست که ده ها را به ستم هلاک کند و اهل آن نیکوکار باشند (۱۱۷).

(۲۴) یعنی نصیب ایشان از عذاب.

(۲۵) یعنی به لذات دنیا مشغول شدند.

وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً ۗ وَلَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ
 ﴿١١٨﴾ إِلَّا مَنْ رَحِمَ رَبُّكَ ۗ وَلِذَلِكَ خَلَقَهُمْ وَتَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ
 لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ ﴿١١٩﴾ وَكَلَّا نَقْصُ
 عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الرُّسُلِ مَا نَشِئْتُ بِهِءُ فُؤَادِكَ ۗ وَجَاءَكَ فِي هَذِهِ
 الْحَقُّ وَمَوْعِظَةٌ وَذِكْرٌ لِلْمُؤْمِنِينَ ﴿١٢٠﴾ وَقُلْ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ
 أَعْمَلُوا عَلَىٰ مَكَاتِكُمْ ۗ إِنَّا عَمِلُونَ ﴿١٢١﴾ وَانْتَظِرُوا ۗ إِنَّا مُنْتَظِرُونَ
 ﴿١٢٢﴾ وَلِلَّهِ غَيْبُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۗ وَإِلَيْهِ يُرْجَعُ الْأُمُورُ كُلُّهَا
 فَاعْبُدْهُ وَتَوَكَّلْ عَلَيْهِ ۗ وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ﴿١٢٣﴾

سورة يوسف

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الرَّتِلْكَ ءَايَتِ الْكِتَابِ الْمُبِينِ ﴿١﴾ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا
 عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴿٢﴾ نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ أَحْسَنَ
 الْقَصَصِ بِمَا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ هَذَا الْقُرْآنَ ۗ وَإِنْ كُنْتَ مِنْ قَبْلِهِ
 لَمِنَ الْغَافِلِينَ ﴿٣﴾ إِذْ قَالَ يُوسُفُ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ إِنِّي رَأَيْتُ
 أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ رَأَيْتُهُمْ لِي سَاجِدِينَ ﴿٤﴾

و اگر پروردگار تو می خواست البته مردمان را يك ملت می گردانید ولی همواره مختلف باشند (۱۱۸). مگر کسی که پروردگار تو بروی رحم کرده است و برای این (اختلاف) ایشان را آفریده است سخن پروردگار تو براین رفته است، که البته دوزخ را از جنیان و مردمان همگی پرکنم^(۲۶) (۱۱۹). و یکایک برتو از اخبار پیامبران آنچه را که به آن ثابت می گردانیم دل تو را حکایت می کنیم و به تودرین سوره سخن درست و پندی آمده است و برای مسلمانان یادآوری (۱۲۰). و بگو آنان را که ایمان نمی آورند بر شیوه خود عمل کنید هر آئینه مانیز (بر شیوه خود) عمل کنندگانیم (۱۲۱). و انتظار کشید هر آئینه مانیز منتظریم (۱۲۲). علم غیب آسمان ها وزمین ویژه خدا است به سوی او همه کارها بازگردانیده می شود پس او را عبادت کن و بر او توکل کن و پروردگار تو بیخبر نیست از آنچه می کنید (۱۲۳).



بنام خدای بخشاینده مهربان.

الرّ این (آیه ها) آیات کتاب روشن است (۱). هر آئینه ما آن را قرآن عربی فرورستادیم باشد که شما دریابید (۲). ما با وحی کردن این قرآن از سوی خویش به توبهترین قصه ها حکایت می کنیم و هر آئینه حال این است که تو پیش از آن از بی خبران بودی (۳). یاد کن چون یوسف پدر خود را گفت: ای پدر من هر آئینه من به خواب دیدم یازده ستاره و خورشید و ماه را برایم سجده کننده دیدم (۴).

(۲۶) مترجم گوید در عرف اختلاف را نسبت میکنند به اهل باطل نه باهل حق و يقال قال اهل الحق كذا و خالفهم فرق پس استثنای مَنْ رَجِمَ بِي تَكْلَفٌ صَحِيحٌ شَدَّ وَاللَّهِ اعْلَمُ.

قَالَ يَبْنَئِي لَا تَقْضُصْ رُءْيَاكَ عَلَيَّ إِخْوَتِكَ فَيَكِيدُوا لَكَ كَيْدًا
 إِنَّ الشَّيْطَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوٌّ مُّبِينٌ ﴿٥﴾ وَكَذَلِكَ يَجْتَبِيكَ
 رَبُّكَ وَيُعَلِّمُكَ مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ وَيُتِمُّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ
 وَعَلَىٰ آئِلٍ يَعْقُوبَ كَمَا أَتَمَّهَا عَلَىٰ أَبَوَيْكَ مِنْ قَبْلُ إِبْرَاهِيمَ
 وَإِسْحَاقَ إِنَّ رَبَّكَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿٦﴾ * لَقَدْ كَانَ فِي يُوسُفَ
 وَإِخْوَتِهِ آيَاتٍ لِلْسَّالِفِينَ ﴿٧﴾ إِذْ قَالَ الْيُوسُفُ وَأَخُوهُ أَحَبُّ
 إِلَيَّ أَيْنَامِنَا وَنَحْنُ عُصْبَةٌ إِنَّ آبَاءَنَا لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿٨﴾
 أَقْتُلُوا يُوسُفَ أَوْ اطْرَحُوهُ أَرْضًا يَبْحَلُ لَكُمْ وَجْهٌ آيِسٌ
 وَتَكُونُوا مِنْ بَعْدِهِ قَوْمًا صَالِحِينَ ﴿٩﴾ قَالَ قَائِلٌ مِّنْهُمْ
 لَا تَقْتُلُوا يُوسُفَ وَالْقَوَاهُ فِي غَيْبَتِ الْجُبِّ يَلْتَقِطُهُ بَعْضُ
 السَّيَّارَةِ إِنْ كُنْتُمْ فَاعِلِينَ ﴿١٠﴾ قَالُوا يَا أَبَانَا مَا لَكَ لَا تَأْمَنَّا عَلَىٰ
 يُوسُفَ وَإِنَّا لَهُ لَنَصِحُونَ ﴿١١﴾ أَرْسَلَهُ مَعَا غَدَايَرْتَع وَيَلْعَبُ
 وَإِنَّا لَهُ لَحَفِظُونَ ﴿١٢﴾ قَالَ إِنِّي لِيَحْزُنِّي أَنْ تَذْهَبُوا بِهِ وَآخَافُ
 أَنْ يَأْكُلَهُ الدِّبُّ وَأَنْتُمْ عَنْهُ غَافِلُونَ ﴿١٣﴾ قَالُوا لَيْسَ
 أَكْلَهُ الدِّبُّ وَنَحْنُ عُصْبَةٌ إِنَّا إِذًا لَّخَسِرُونَ ﴿١٤﴾

گفت ای پسرم خواب خود را پیش برادران خود بیان مکن که آنگاه در حق توحیله را اندیشه کنند هرآئینه شیطان برای آدمی دشمن آشکاراست (۵). و چنانکه خواب بتونمود همچنین تورا پروردگارتو برگزیند و تورا از علم تاویل الاحادیث (یعنی تعبیر رویا) بیاموزد و نعمت خود را بر تو و بر فرزندان یعقوب تمام کند چنانکه آن را بردو جد تو پیش ازین ابراهیم و اسحق تمام کرد هرآئینه پروردگار تودانای استوار کارست (۶). هرآئینه در قصه یوسف و برادران او برای سوال کنندگان نشانه ها هست (۷). چون گفتند که یوسف و برادر (عینی) او نزد پدر ما از ما دوست تر هستند حال آنکه ما جماعتی هستیم، هرآئینه پدر ما در اشتباه روشنی است (۸). یوسف را بکشید یا به زمین غیر معلوم بیفکنیدش تا توجه پدرتان فقط به شما معطوف گردد و تا بعد از او گروهی شایسته باشید (یعنی توبه کنید) (۹). گوینده ای از ایشان گفت: یوسف را مکشید و در قعر تاریک چاه بیفکنیدش تا کسی از مسافران او را برگیرد اگر کنندگانید (این کار را) (۱۰). گفتند ای پدر ما چیست حال تو که ما را بر یوسف امین نمی پنداری حال آنکه هرآئینه ما خیر خواه او هستیم (۱۱). اورا با ما فردا بفرست تا میوه بسیار خورد و بازی کند و هرآئینه ما اورا نگاهبانیم (۱۲). گفت هرآئینه مرا اندوهگین می کند آنکه بپریدش و می ترسم از آنکه اورا گرگ بخورد و شما از وی بی خبر باشید (۱۳). گفتند اگر او را گرگ بخورد حال آنکه ما گروهی هستیم به راستی ما آنگاه البته زیان کار باشیم (۱۴).

فَلَمَّا ذَهَبُوا بِهِ وَاجْمَعُوا أَن يَجْعَلُوهُ فِي غَيْبَتِ الْجُبِّ وَأَوْحَيْنَا
إِلَيْهِ لَتُنَبِّئَنَّهُمْ بَأْمْرِهِمْ هَذَا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿١٥﴾ وَجَاءَ وَ
أَبَاهُمْ عِشَاءً يَبْكُونَ ﴿١٦﴾ قَالُوا يَا أَبَانَا إِنَّا ذَهَبْنَا نَسْتَبِقُ
وَتَرَكَنا يَوْسُفَ عِنْدَ مَتْعِنَا فَاكَّهُ الذِّبُّ وَمَا أَنتَ
بِمُؤْمِنٍ لَّنَا وَلَوْ كُنَّا صَادِقِينَ ﴿١٧﴾ وَجَاءَ وَعَلَى قَمِيصِهِ
بِدْمٍ كَذِبٍ قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنفُسُكُمْ أَمْرًا فَصَبْرٌ جَمِيلٌ
وَاللَّهُ الْمُسْتَعَانُ عَلَى مَا تَصِفُونَ ﴿١٨﴾ وَجَاءَتْ سَيَّارَةٌ
فَأَرْسَلُوا وَارِدَهُمْ فَأَدْلَى دَلْوَهُ قَالَ يَبُشْرَىٰ هَذَا غُلْمٌ وَأَسْرُوهُ
بِضْعَةٍ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِمَا يَعْمَلُونَ ﴿١٩﴾ وَشَرَوْهُ بِثَمَنٍ بَخْسٍ
دَرَاهِمَ مَعْدُودَةٍ وَكَانُوا فِيهِ مِنَ الزَّاهِدِينَ ﴿٢٠﴾ وَقَالَ
الَّذِي اشْتَرَاهُ مِن مِّصْرَ لَا مِرَّةَ أَكْرَمِي مَثْوَاهُ عَسَىٰ
أَن يَنْفَعَنَا أَوْ نَتَّخِذَهُ وَوَلَدًا وَكَذَلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي
الْأَرْضِ وَلِنُعَلِّمَهُ مِن تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ وَاللَّهُ غَالِبٌ عَلَىٰ
أَمْرِهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٢١﴾ وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ
ءَاتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ﴿٢٢﴾

پس چون او را باخود بردند و عزیمت کردند که در قعر تاریک چاه او را بیفکنند و به سوی او وحی فرستادیم که البته ایشان را باین ماجرای شان خبردار خواهی ساخت در حالیکه ایشان نشناسند (۱۵). و پیش پدر خود شبانگاه آمدند در حالی که میگریستند (۱۶). گفتند ای پدر ما هر آینه ما مسابقه شروع کردیم و یوسف را نزد رخت خویش گذاشتیم پس او را گرگ بخورد و توباور دارنده ما نیستی اگر چه راست گو باشیم (۱۷). و برپیراهن او خونی دروغین آوردند یعقوب گفت نه، بلکه برای شما نفسهایتان تدبیری را آراسته است پس کار من صبر نیک است و از خدا مدد طلبیده می شود بر آنچه شما بیان می کنید (۱۸). و کاروانی آمد پس سقای (یعنی آب آور) خود را فرستادند پس انداخت دل خود را گفت ای مژده من این نوجوانی است و اهل قافله او را سرمایه دانسته پنهان ساختند و خدا داناست به آنچه می کردند (۱۹). و (برادران) به بهای ناقص درهمی چند شمرده شده فروختندش و دربارۀ یوسف از بی رغبتان بودند (۲۰). و شخصی که یوسف را از اهل مصر خرید بزنی خود گفت جای او را گرامی دار شاید که ما را نفع دهد یا او را فرزند گیریم و همچنین یوسف را در آن سرزمین قراردادیم و تا او را از علم تاویل الاحادیث (یعنی تعبیر خواب) بیا موزیم و خدا بر مراد خود تواناست ولیکن اکثر مردمان نمیدانند (۲۱). و چون یوسف به نهایت قوت خود رسید او را دانایی و علم دادیم و همچنین نیکوکاران را پاداش میدهیم (۲۲).

وَرَوَدَّتْهُ أَلْتِي هُوَ فِي بَيْتِهَا عَن نَّفْسِهِ ۖ وَعَلَقَتِ الْأَبْوَابَ
 وَقَالَتْ هَيْتَ لَكَ قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ إِنَّهُ رَبِّي أَحْسَنَ مَثْوَايَ
 إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ ﴿٢٣﴾ وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهِ ۖ وَهَمَّ بِهَا
 لَوْلَا أَن رَّءَا بُرْهَانَ رَبِّهِ ۖ كَذَلِكَ لِنَصْرِفَ عَنْهُ السُّوءَ
 وَالْفَحْشَاءَ إِنَّهُ مِن عِبَادِنَا الْمُخْلَصِينَ ﴿٢٤﴾ وَأَسْتَبَقَا
 الْبَابَ وَقَدَّتْ قَمِيصَهُ مِن دُبُرٍ وَأَلْفَيْسَيْدَهَا لَدَا الْبَابِ
 قَالَتْ مَا جَزَاءُ مَنْ أَرَادَ بِأَهْلِكَ سُوءًا إِلَّا أَن يُسْجَنَ أَوْ عَذَابٌ
 أَلِيمٌ ﴿٢٥﴾ قَالَ هِيَ رَوَدَّتْنِي عَن نَّفْسِي ۖ وَشَهِدَ شَاهِدٌ مِّنْ
 أَهْلِهَا إِن كَانَ قَمِيصُهُ وَقَدْ مِّنْ قَبْلِ فَصَدَقَتْ وَهُوَ مَن
 الْكَاذِبِينَ ﴿٢٦﴾ وَإِن كَانَ قَمِيصُهُ وَقَدْ مِّنْ دُبُرٍ فَكَذَبَتْ وَهُوَ
 مِنَ الصَّادِقِينَ ﴿٢٧﴾ فَلَمَّا رَأَىٰ قَمِيصَهُ وَقَدْ مِّنْ دُبُرٍ قَالَ إِنَّهُ
 مِن كَيْدِكُنَّ ۚ إِنَّ كَيْدَكُنَّ عَظِيمٌ ﴿٢٨﴾ يُوسُفُ أَعْرَضَ عَن
 هَذَا ۖ وَاسْتَغْفِرِي لِذَنبِكِ ۖ إِنَّكِ كُنْتِ مِنَ الْخَاطِئِينَ
 ﴿٢٩﴾ * وَقَالَ نِسْوَةٌ فِي الْمَدِينَةِ امْرَأَتُ الْعَزِيزِ تُرَوِّدُ فَتَاهَا
 عَن نَّفْسِهِ ۗ قَدْ شَغَفَهَا حُبًّا ۗ إِنَّا لَنَرَاهَا فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿٣٠﴾

یوسف را زنی که او در خانه اش بود از نفس او طلب کرد (و این کنایت از طلب جماع است) و درهارا بست و گفت پیش آگفت بر خدا پناه می برم بیشک او سرور من است جایگاه مرا نیکو ساخت^(۱) هر آئینه ظالمان رستگار نمی شوند (۲۳). و به راستی قصد کرد آن زن به سوی یوسف و قصد کردی یوسف به سوی او اگر نبود آنکه یوسف دلیل پروردگار خود را دید، چنین کردیم تا از وی بدی و بی حیایی را بازگردانیم هر آئینه وی از بندگان مخلص ماست (۲۴). و بایکدیگر به سوی دروازه شتافتند و آن زن پیراهن یوسف را از پشت بدرید و شوهر زن رانزدیک دروازه یافتند گفت چیست جزای کسیکه با اهل تو کار بد را خواسته باشد مگر آنکه بزندان انداخته یا عقوبتی درد ناک شود (۲۵). یوسف گفت این زن مرا از نفس من بانیرنگ خواست و گواهی از قبیله^۲ زن گواهی داد که اگر پیراهن یوسف از جلو دریده هست، پس این زن راست گفته است و یوسف از دورغ گویانست (۲۶). و اگر پیراهن او از پشت دریده هست، پس این زن دروغ گفته است و یوسف از راست گویان است (۲۷). پس شوهرش چون پیراهن او را دریده از پشت دید، گفت این قضیه از مکر شما زنان است هر آئینه مکر شما زنان بزرگ است (۲۸). ای یوسف ازین ماجرا درگذر و ای زن برای گناه خود طلب آمرزش کن هر آئینه تو بوده ای از خطا کنندگان (۲۹). و گفتند زانی چند در شهر که زن عزیز نوجوان خود را از نفس او می طلبد هر آئینه از روی دوستی در دلش جا کرده است هر آئینه ما او را در گمراهی ظاهر می بینیم (۳۰).

(۱) یعنی خیانت او نتوانم کرد.

فَلَمَّا سَمِعَتْ بِمَكْرِهِنَّ أَرْسَلَتْ إِلَيْهِنَّ وَأَعْتَدَتْ لَهُنَّ مُتَكًا
وَأَتَتْ كُلَّ وَاحِدَةٍ مِّنْهُنَّ سِكِّينًا وَقَالَتِ اخْرُجْ عَلَيْهِنَّ فَلَمَّا رَأَيْنَهُ
أَكْبَرْنَهُ وَقَطَّعْنَ أَيْدِيَهُنَّ وَقُلْنَ حَاشَ لِلَّهِ مَا هَذَا بَشَرًا إِنْ هَذَا
إِلَّا مَلَكٌ كَرِيمٌ ﴿٣١﴾ قَالَتْ فَذَلِكُنَّ الَّذِي لُمْتُنَّنِي فِيهِ وَلَقَدْ رَاودْنَاهُ
عَنْ نَّفْسِهِ فَأَسْتَعْصَمَ وَلَئِن لَّمْ يَفْعَلْ مَاءَ أُمْرَةٍ وَلَيْسَ جَنَّتَن
وَلْيَكُونَا مِنَ الصَّغِيرِينَ ﴿٣٢﴾ قَالَ رَبِّ السِّجْنُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا يَدْعُونَنِي
إِلَيْهِ وَإِلَّا تَصْرِفْ عَنِّي كَيْدَهُنَّ أَصْبُ إِلَيْهِنَّ وَأَكُن مِّنَ الْجَاهِلِينَ
﴿٣٣﴾ فَاسْتَجَابَ لَهُ رَبُّهُ فَصَرَفَ عَنْهُ كَيْدَهُنَّ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ
الْعَلِيمُ ﴿٣٤﴾ ثُمَّ بَدَأَ لَهُمْ مِّنْ بَعْدِ مَا رَأَوُا آيَاتِ لَيْسَ جُنَّتَهُ
حَتَّىٰ حِينٍ ﴿٣٥﴾ وَدَخَلَ مَعَهُ السِّجْنَ فَتَيَانٍ قَالَ أَحَدُهُمَا إِنِّي
أَرَانِي أُعْصِرُ خَمْرًا وَقَالَ الْآخَرُ إِنِّي أَرَانِي أَحْمِلُ فَوْقَ رَأْسِي
خُبْرًا تَأْكُلُ الطَّيْرُ مِنْهُ نَبِّئْنَا بِتَأْوِيلِهِ إِنَّا نَرَاكَ مِنَ
الْمُحْسِنِينَ ﴿٣٦﴾ قَالَ لَا يَأْتِيكُمَا طَعَامٌ تُرْزَقَانِهِ إِلَّا نَبَأٌ كَمَا
بِتَأْوِيلِهِ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَكُمَا ذَلِكُمَا مِمَّا عَلَّمَنِي رَبِّي إِنِّي تَرَكْتُ
مِلَّةَ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ ﴿٣٧﴾

پس چون زن عزیزغیبت ایشانرا شنید به سوی ایشان قاصد فرستاد و برای ایشان مجلسی مهیا کرد وهریکی را ازایشان کاردی داد و گفت ای یوسف بیرون بیا براین زنان پس چون بدیدندش بزرگ یافتندش و دستهای خویش را بریدند وگفتند خدا پاك است واین نوجوان بشری نیست، این شخص مگر فرشته ای گرامیقدر نیست (۳۱). زن عزیز گفت این است آنکه مرا در عشق وی ملامت کرده بودید وهرآئینه ازاونفس او را طلبیدم پس خود را نگاه داشت و اگر آنچه او را می فرمایم نکند البته بزندان انداخته شود و البته باشد از خوارشدگان (۳۲). یوسف گفت ای پروردگار من زندان نزد من از آنچه مرا به سوی آن میخوانند دوست تراست و اگر توازنم فریب این زنان را بازنداری البته بایشان میل کنم و از نادانان باشم (۳۳). پس دعای او را پروردگار او قبول کرد پس از یوسف فریب ایشان را بازداشت هرآئینه وی شنوای داناست (۳۴). باز آن جماعت را بعد از آن که دیده بودند نشانه ها ظاهر شد که البته اورا تامدتی بزندان درآوردند^(۲) (۳۵). و بزندان همراه یوسف دوجوان داخل شدند یکی ازایشان گفت هرآئینه خود را بخواب می بینم که از انگور آب می گیرم و دیگری گفت که هرآئینه خود را بخواب می بینم که بر سر خود نانی که مرغان از آن میخورند برداشته ام مارا به تعبیر این خواب خبردارکن هرآئینه ما تورا از نیکوکاران می بینیم (۳۶). گفت نخواهد آمد بشما هیچ طعامی که آن را داده می شوید مگر شمارا به تعبیر آن پیش از آنکه بیاید به شما خبردارکنم این تعبیر از آن قبیل است که مرا پروردگار من آموخته است هرآئینه من ترك کردم کیش قومی که به خدا ایمان نمی آورند وایشان به آخرت اعتقاد ندارند (۳۷).

(۲) یعنی مشورت کردند که یوسف را بزندان باید کرد تا نزد مردمان برات زلیخا ظاهر شود.

وَاتَّبَعْتُ مِلَّةَ آبَائِي إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ مَا كَانَ
 لَنَا أَنْ نَشْرِكَ بِاللَّهِ مِنْ شَيْءٍ ذَلِكَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ عَلَيْنَا وَعَلَى
 النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ ﴿٣٨﴾ يَصْحَبِي
 السِّجْنِ ءَأَرْبَابٌ مُتَّفَرِّقُونَ خَيْرٌ أَمِ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ
 ﴿٣٩﴾ مَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِهِ إِلَّا أَسْمَاءُ سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ
 وَءَابَاؤُكُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ إِنْ الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ
 أَمَرَ الْأَتَّعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ ذَلِكَ الَّذِينَ الْقِيَمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ
 النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٤٠﴾ يَصْحَبِي السِّجْنِ ءَأَمَّا أَحَدُكُمْ مَا
 فَيَسْقَى رَبَّهُ وَخَمْرًا ءَأَمَّا الْآخِرُ فَيُصَلِّبُ فَتَأْكُلُ الطَّيْرُ
 مِنْ رَأْسِهِ ءَفُضِيَ الْأَمْرُ الَّذِي فِيهِ تَسْتَفْتِيَانِ ﴿٤١﴾ وَقَالَ
 لِلَّذِي ظَنَّ أَنَّهُ نَاجٍ مِّنْهُمَا اذْكُرْنِي عِنْدَ رَبِّكَ فَأَنْسَاهُ
 الشَّيْطَانُ ذِكْرَ رَبِّهِ فَلَبِثَ فِي السِّجْنِ بِضْعَ سِنِينَ
 ﴿٤٢﴾ وَقَالَ الْمَلِكُ إِنِّي أَرَى سَبْعَ بَقَرَاتٍ سِمَانٍ يَأْكُلُهُنَّ
 سَبْعُ عِجَافٍ وَسَبْعَ سُنبُلَاتٍ خُضْرٍ وَأُخْرَى يَا بِلْسَتِ يَا أَيُّهَا
 الْمَلَأُ أَفْتُونِي فِي رُءْيَايَ إِنْ كُنْتُمْ لِلرُّءْيَا تَعْبُرُونَ ﴿٤٣﴾

و کیش پدران خود را، ابراهیم و اسحق و یعقوب را پیروی کردم نشاید ما را که چیزی را شریک خدا مقرر کنیم، این از فضل خدا بر ما و بر مردمان است ولیکن بیشتر مردمان شکر نمی کنند (۳۸). ای دویار زندان آیامعبودان پراکنده بهتراند یا خدا یکتای غالب (۳۹). غیر از خدا عبادت نمی کنید مگر نام هایی چند را که آنها را شما و پدرانتان نام نهاده اید خدا بر آنها هیچ دلیلی نفرستاده است فرمانروایی نیست مگر خدا را، فرمود که عبادت مکنید مگر وی را فقط این کیش درست است ولیکن بیشتر مردمان نمی دانند (۴۰). ای دویار زندان امایکی از شما پس سرور خود را شراب بنوشاند و اما آن دیگر پس بردار کشیده شود پس مرغان از سراو بخورند فیصله کرده شد کاری که در آن سوال می کنید (۴۱). و یوسف به شخصی که دانسته بود که خلاص یابنده است از آن دو کس گفت مرانزد سرور خود یادکن پس شیطان فراموش گردانید از خاطروی که پیش مولای خود یاد کند پس یوسف در زندان چند سال ماند (۴۲). و گفت پادشاه هر آئینه من بخواب می بینم که هفت گاو فربه آن هفت گاو لاغر میخورند و هفت خوشه سبزا و هفت خوشه دیگر خشک رami بینم ای جماعت مرا درباره خواب من اگر خواب را تعبیر می گوید جواب دهید (۴۳).

قَالُوا أَضَعَتْ أَحْلَمٌ وَمَا نَحْنُ بِتَأْوِيلِ الْأَحْلَمِ بِعَالِمِينَ ﴿٤٤﴾
 وَقَالَ الَّذِي نَجَا مِنْهُمَا وَادَّكَرَ بَعْدَ أُمَّةٍ أَنَا أُنْتَبِئُكُمْ بِتَأْوِيلِهِ
 فَأَرْسِلُونِ ﴿٤٥﴾ يُوسُفُ أَيُّهَا الصِّدِّيقُ أَفْتِنَا فِي سَبْعِ بَقَرَاتٍ
 سِمَانٍ يَأْكُلُهُنَّ سَبْعُ عِجَافٍ وَسَبْعِ سُنبُلَاتٍ خُضْرٍ
 وَأُخْرٍ يَا بَسِئْتَ لَعَلِّي أَرْجِعُ إِلَى النَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَعْلَمُونَ ﴿٤٦﴾ قَالَ
 تَزْرَعُونَ سَبْعَ سِنِينَ دَأَبًا فَمَا حَصَدتُّمْ فَذَرُونَهُ فِي سُنْبُلِهِ إِلَّا
 قَلِيلًا مِمَّا تَأْكُلُونَ ﴿٤٧﴾ ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ سَبْعٌ شِدَادٌ يَأْكُلْنَ
 مَا قَدَّمْتُمْ لَهُنَّ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّا تَحْصِنُونَ ﴿٤٨﴾ ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ
 عَامٌ فِيهِ يُغَاثُ النَّاسُ وَفِيهِ يَعْصِرُونَ ﴿٤٩﴾ وَقَالَ الْمَلِكُ انْتَوَيْ
 بِهِ فَلَمَّا جَاءَهُ الرَّسُولُ قَالَ ارْجِعْ إِلَى رَبِّكَ فَسْأَلْهُ مَا بَالُ
 النِّسْوَةِ الَّتِي قَطَّعْنَ أَيْدِيَهُنَّ إِنَّ رَبِّي بِكَيْدِهِنَّ عَلِيمٌ ﴿٥٠﴾
 قَالَ مَا خَطْبُكُمْ إِذْ رَوَدْتُنَّ يُوسُفَ عَنْ نَفْسِهِ قُلْنَ حَاشَ
 لِلَّهِ مَا عَلِمْنَا عَلَيْهِ مِنْ سُوءٍ قَالَتِ امْرَأَتُ الْعَزِيزِ لَنْ حَصْحَصَ
 الْحَقُّ أَنَا رَوَدْتُهُ عَنْ نَفْسِهِ وَإِنَّهُ لَمِنَ الصِّدِّيقِينَ ﴿٥١﴾ ذَلِكَ
 لِيُعَلِّمَ أَنِّي لَمْ أَخُنْهُ بِالْغَيْبِ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي كَيْدَ الْخَائِنِينَ ﴿٥٢﴾

گفتند این خوابهای شوریده است و ما به تعبیر خوابهای شوریده دانا نیستیم (۴۴). و گفت از آن دوکس آنکه نجات یافته بود و بعد مدتی بیاد آورد من شمارا به تعبیر این خواب خبر می دهم پس مرا بفرستید^(۳) (۴۵). گفت ای یوسف ای راست گو جواب ده مارا درین (خواب) که هفت گاو فربه ایشان را هفت گاو لاغر میخورند و هفت خوشه سبز و هفت خوشه دیگر خشک، بُود که من به سوی مردمان بازگردم تا ایشان بدانند (۴۶). گفت هفت سال پی در پی بر عادت خود زراعت می کنید پس آنچه بدروید در خوشه آن بگذاریدش مگر اندکی از آنچه می خورید (۴۷). باز بعد از آن هفت سال سخت بیاید که بخورند آنچه برای آنها سابق ذخیره نهاده بودید مگر اندکی از آنچه با احتیاط نگاه دارید (۴۸). باز بیاید بعد از آن سالی که درو باران فرستاده شود بر مردمان، و درو از انگور و غیر آن^(۴) آب گیرند (۴۹). و پادشاه گفت یوسف را پیش من بیارید پس چون نزد یوسف فرستاده پادشاه آمد گفت به سوی سرور خود بازگرد پس اورا سوال کن چیست حال آن زنان که دستهای خویش را بریدند هر آئینه پروردگار من بحیله بازی ایشان داناست^(۵) (۵۰). گفت پادشاه حال شما وقتی که خواستید یوسف را از نفس او (یعنی تابلغزانی‌اش) چه بُود گفتند پاکی خدا راست بر یوسف هیچ گناهی ندانستیم، گفت زن عزیز اکنون ظاهر شد سخن راست که اورا از نفسش من طلبیدم و هر آئینه او از راست گویان است (۵۱). (گفت یوسف) این همه برای آنست تا بدانند عزیز که من غائبانه خیانت او نکرده ام و بدانند که خدا خیانت کنندگان را راه نمی نماید (۵۲).

(۳) مترجم گوید پس به سوی یوسف فرستادند و ملاقات کرد و الله اعلم.

(۴) پادشاه این تعبیر را شنیده مشتاق ملاقات یوسف گشت و یوسف علیه السلام مدتی توقف نمود تا برائت ذمه‌اش ظاهر گردد و الله اعلم.

(۵) یعنی شهادت بر اقرار زلیخا به عفت یوسف پوشیده اند و الله اعلم.

* وَمَا أُبْرِئُ نَفْسِي إِنْ أَلْفَيْتُ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي
 إِنَّ رَبِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٥٣﴾ وَقَالَ الْمَلِكُ أَتُؤْتُونِي بِهِ أَسْتَخْلِصُهُ
 لِنَفْسِي فَلَمَّا كَلَّمَهُ قَالَ إِنَّكَ الْيَوْمَ لَدَيْنَا مَكِينٌ أَمِينٌ ﴿٥٤﴾
 قَالَ اجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ ﴿٥٥﴾ وَكَذَلِكَ
 مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ يَتَّبِعُونَ مِنْهَا حَيْثُ يَشَاءُ نُصِيبُ
 بِرَحْمَتِنَا مَنْ نَشَاءُ وَلَا نُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ ﴿٥٦﴾ وَلَا جُرْ
 الْأَخِرَةَ خَيْرٌ لِلَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ ﴿٥٧﴾ وَجَاءَ
 إِخْوَةُ يُوسُفَ فَدَخَلُوا عَلَيْهِ فَعَرَفَهُمْ وَهُمْ لَهُ مُنْكَرُونَ
 ﴿٥٨﴾ وَلَمَّا جَهَّزَهُمْ بِجَهَّازِهِمْ قَالَ أَتُؤْتُونِي بِأَخٍ لَكُمْ مِّنْ أَيْكُمُ الْأَ
 تَرُونَ أَنِّي أُوْفِي الْكَيْلَ وَأَنَا خَيْرُ الْمُنْزِلِينَ ﴿٥٩﴾ فَإِن لَّمْ تَأْتُونِي
 بِهِ فَلا كَيْلَ لَكُمْ عِنْدِي وَلَا تَقْرُبُونِ ﴿٦٠﴾ قَالُوا سُرُودُ عَنْهُ أَبَاهُ
 وَإِنَّا لَفَاعِلُونَ ﴿٦١﴾ وَقَالَ لِفَتْيَانِهِ اجْعَلُوا بِضَعَتَهُمْ فِي رِحَالِهِمْ
 لَعَلَّهُمْ يَعْرِفُونَهَا إِذَا انْقَلَبُوا إِلَى أَهْلِهِمْ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ
 ﴿٦٢﴾ فَلَمَّا رَجَعُوا إِلَىٰ أَبِيهِمْ قَالُوا يَا أَبَانَا مُنِعَ مِنَّا الْكَيْلُ
 فَأَرْسِلْ مَعَنَا آخَانًا نَّكَتَلُ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ ﴿٦٣﴾

و نفس خود را به پاکی صفت نمی کنم، هر آئینه نفس به بدی بسیار فرمان دهنده است مگر آنوقت که پروردگار من مهربانی کند هر آئینه پروردگار من آمرزنده مهربانست (۵۳). و گفت پادشاه پیش من بیاریدش تا خالص برای خدمت خود مقرر کنم پس چون سخن گفت بایوسف^(۶) گفت ای یوسف هر آئینه تو امروز پیش ماصاحب قدرامانت داری (۵۴). گفت مرا برخزانه های این سرزمین مقرر کن هر آئینه من محافظت کننده دانایم (۵۵). و همچنین یوسف را در آن سرزمین تمکین دادیم، قرار می گرفت از آن سرزمین هر جا که میخواست، به رحمت خود هر که را خواهیم می رسانیم و پاداش نیکوکاران را ضایع نمی کنیم (۵۶). و البته پاداش آخرت آنان را که ایمان آورده اند و پرهیزکاری می کردند بهتر است (۵۷).^(۷) و برادران یوسف آمدند پس بروی داخل شدند پس ایشان را بشناخت و ایشان اورانشناختند (۵۸). و چون برای ایشان سامان ایشان را مهیا کرد گفت پیش من برادر (علاتی ناتنی) خود را که از پدرش ماست بیارید آیا نمی بینید که من پیمان را تمام میدهم و من بهترین پذیرایی کنندگانم (۵۹). پس اگر او را پیش من نیاوردید پس هرگز برای شما نزد من پیمان نباشد و هرگز بمن نزدیک نشوید (۶۰). گفتند او را از پدرش خواهیم خواست، ما البته این کار را خواهیم کرد (۶۱). و یوسف غلامان خود را گفت سرمایه ایشان را در خرچینه های ایشان، بنهید شاید ایشان آن را بشناسند چون به اهل خویش باز روند بُوَد که ایشان باز آیند^(۸) (۶۲). پس چون به سوی پدر خویش بازگشتند گفتند ای پدر ما از ما پیمان منع کرده شد پس ما برادر ما را بفرست تا پیمان بگیریم و هر آئینه مانگهبان وی هستیم (۶۳).

(۶) یعنی قابلیت او را شناخت.

(۷) بعد از آن قحط افتاد در جمیع نواحی مصر و شام اولاد یعقوب را مشقت بسیار رسید به سوی یوسف متوجه شدند والله اعلم.

(۸) یعنی بسبب دادن طعام و بگرفتن سرمایه دیگر بار دیگر طمع کنند والله اعلم.

قَالَ هَلْ ءَامَنُكُمْ عَلَيْهِ إِلَّا كَمَا ءَامَنُتُمْ عَلَىٰ أَخِيهِ مِنْ
 قَبْلُ فَأَلَّهٖ خَيْرٌ حَفِظًا وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّحِمِينَ ﴿٦٤﴾ وَلَمَّا فَتَحُوا
 مَتَعَهُمْ وَجَدُوا بِضِئْتِهِمْ رُدَّتْ إِلَيْهِمْ قَالُوا يَا بَنَاتَنَا
 مَا نَبِغِي هَٰذِهِ بِضِئْتِنَا رُدَّتْ إِلَيْنَا وَنَمِيرُ أَهْلَنَا وَنَحْفَظُ
 أَخَانًا وَنَزِدَادُ كَيْلٍ بَعِيرٍ ذَٰلِكَ كَيْلٌ لِّسِيرٍ ﴿٦٥﴾ قَالَ
 لَنْ أُرْسِلَهُ مَعَكُمْ حَتَّىٰ تُؤْتُونِ مَوْثِقًا مِّنَ اللَّهِ لَتَأْتِنِي
 بِهِ إِلَّا أَن يُحَاطَ بِكُمْ فَلَمَّآ ءَاتَوْهُ مَوْثِقَهُمْ قَالَ اللَّهُ عَلَىٰ مَا
 نَقُولُ وَكَيْلٌ ﴿٦٦﴾ وَقَالَ يَبْنَئِي لَأَتَدَخُلُوٓا مِنْ بَابٍ وَّاحِدٍ
 وَأَدْخُلُوٓا مِنْ أَبْوَابٍ مُّتَفَرِّقَةٍ وَمَا أُغْنِي عَنْكُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ
 شَيْءٍ إِنِ الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَعَلَيْهِ فَلْيَتَوَكَّلِ
 الْمُتَوَكِّلُونَ ﴿٦٧﴾ وَلَمَّا دَخَلُوا مِنْ حَيْثُ أَمَرَهُمْ أَبُوهُم مَّا كَانَ
 يُغْنِي عَنْهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا حَاجَةٌ فِي نَفْسِ يَعْقُوبَ
 قَضَاهَا وَإِنَّهُ لَذُو عِلْمٍ لِّمَا عَلَّمْنَاهُ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ
 لَا يَعْلَمُونَ ﴿٦٨﴾ وَلَمَّا دَخَلُوا عَلَىٰ يُوسُفَ ءَاوَىٰ إِلَيْهِ أَخَاهُ
 قَالَ إِنِّي أَنَا أَخُوكَ فَلَا تَبْتَئِسْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٦٩﴾

یعقوب گفت شمارا بروی امین نگیرم مگر چنانکه شمارا بربرادر وی پیش ازین امین گرفته بودم پس خدا نگاه دارنده بهتر است و او مهربان ترین مهربانان است (۶۴). و چون رخت خود را بگشادند سرمایه خود را باز گردانیده شده بایشان یافتند گفتند ای پدر ما چه می‌خواهیم این است سرمایه به سوی ما باز گردانیده شد (پس بازرویم به مَلِک) و غله آوریم برای اهل خود و برادر خود را حفاظت کنیم و زیاده آوریم پیمانۀ یک شتر آنچه آورده ایم پیمانۀ اندک است (۶۵). گفت نفرستم اورا باشما تا آنکه مرا عهدی از خدا دهید که البته اورا بمن باز آرید مگر آنکه گرفتار کرده شوید پس چون عهد خویش دادندش یعقوب گفت خدا بر آنچه می‌گوییم نگهبان است (۶۶). و گفت ای پسران من از یک دروازه داخل شوید و از دروازه های پراکنده درآیید^(۹) و از سر شما چیزی را از قضای خدا دفع نمی‌کنم، فرمانروایی مگر خدا را نیست بروی توکل کردم و بروی باید که متوکلان توکل کنند (۶۷). و چون داخل شدند از آن راه که ایشان را پدرایشان فرموده بود دفع نمی‌توانست کرد از سر ایشان چیزی را از قضای خدا، لیکن خطری را که در دلش بود سرانجام داد و هر آئینه او خداوند دانش بود به آنچه ما اورا آموخته بودیم ولیکن اکثر مردمان نمی‌دانند (۶۸). و چون بریوسف داخل شدند جای داد به سوی خود برادر تنی (یعنی عینی) خود را گفت هر آئینه من برادر توام پس اندوهگین مباش بسبب آنچه می‌کردند (۶۹).

(۹) یعنی تا چشم زخم نرسد.

فَلَمَّا جَهَّزَهُمْ بِجَهَّازِهِمْ جَعَلَ السِّقَايَةَ فِي رَحْلِ أَخِيهِ
 ثُمَّ أَذِنَ مُؤَدِّنٌ أَيَّتَهَا الْعِيرُ إِنَّكُمْ لَسْرِقُونَ ﴿٧٥﴾ قَالُوا
 وَقَبَلُوا عَلَيْهِمْ مَاذَا تَفْقَدُونَ ﴿٧٦﴾ قَالُوا نَفَقْدُ صُوعَ الْمَلِكِ
 وَلَمَن جَاءَ بِهِ بِهِ حِمْلُ بَعِيرٍ وَأَنَا بِهِ زَعِيمٌ ﴿٧٦﴾ قَالُوا تَاللَّهِ
 لَقَدْ عَلِمْتُمْ مَا جِئْنَا لِنَفْسِدَ فِي الْأَرْضِ وَمَا كُنَّا سَارِقِينَ
 ﴿٧٧﴾ قَالُوا فَمَا جَزَاؤُهُ إِنْ كُنْتُمْ كَاذِبِينَ ﴿٧٤﴾ قَالُوا اجْزَاؤُهُ
 مَن وُجِدَ فِي رَحْلِهِ فَهُوَ جَزَاؤُهُ كَذَلِكَ نَجْزِي الظَّالِمِينَ
 ﴿٧٥﴾ فَبَدَأَ بِأَوْعِيَتِهِمْ قَبْلَ وِعَاءِ أَخِيهِ ثُمَّ اسْتَخْرَجَهَا مِنْ
 وِعَاءِ أَخِيهِ كَذَلِكَ كِدْنَا لِيُوسُفَ مَا كَانَ لِيَأْخُذَ أَخَاهُ
 فِي دِينِ الْمَلِكِ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ نَرْفَعُ دَرَجَاتٍ مَّن نَّشَاءُ
 وَفَوْقَ كُلِّ ذِي عِلْمٍ عَلِيمٌ ﴿٧٦﴾ * قَالُوا إِنْ يَسْرِقْ
 فَقَدْ سَرَقَ أَخٌ لَّهُ مِنْ قَبْلُ فَأَسْرَهَا يُوسُفُ فِي نَفْسِهِ
 وَلَمْ يَبْدِهَا لَهُمْ قَالَ أَنْتُمْ شَرُّ مَكَانٍ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا
 تَصِفُونَ ﴿٧٧﴾ قَالُوا يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ إِنَّ لَهُ وَأَبَا شَيْخَا كَبِيرًا
 فَخُذْ أَحَدَنَا مَكَانَهُ وَإِنَّا نَرَاكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ ﴿٧٨﴾

پس وقتی که برای ایشان سامان ایشان را مهیا کرد جام (پادشاه) را در خرچین برادر خود نهاد بعد از آن آواز داد آواز دهنده ای که ای کاروان هرآئینه شما دزدید (۷۰). روبه سوی ایشان در آورده گفتند چیست آنچه گم کرده اید (۷۱). گفتند پیمانۀ پادشاه را گم کرده ایم و برای کسی که بیاوردش يك بار شتر باشد و من باین وعده ضامنم (۷۲). گفتند بخدا قسم هرآئینه دانسته اید که نیامده ایم ماما در زمین فساد کنیم و هرگز دزد نبوده ایم (۷۳). گفتند پس چیست جزای این فعل اگر دروغ گویاشید (۷۴). گفتند جزای این فعل کسی است که متاع در خرچین او یافته شود پس همان شخص جزای او باشد^(۱۰) همچنین ستم کاران را جزامی دهیم (۷۵). پس یوسف به تفحص خرچینهای ایشان پیش از خرچین برادر خود شروع کرد بعد از آن پیمانۀ را از خرچین برادر خود بر آورد همچنین تدبیر کردیم برای یوسف نمی توانست که برادر خود را بحکم قانون پادشاه اسیر گیرد لیکن (اسیر گرفتار) به مشیت خدا بلند می گردانیم مراتب کسی را که خواهیم و بالای هر خداوند دانش دانایی هست (۷۶). گفتند اگر (او) دزدی کرده باشد دور نیست که برادر او پیش ازین دزدی کرده بود پس یوسف این سخن را در دلش پنهان داشت و آن را پیش ایشان آشکار نکرد گفت (دردل خود) شما در منزلت بدترید و خدا دانا است به آنچه وصف می کنید (۷۷). گفتند ای عزیز هرآئینه او را پدریست پیر، کلان سال پس یکی را از ما بجای او بگیر هرآئینه ما تورا از نیکوکاران می بینیم (۷۸).

(۱۰) یعنی او را غلام گیرند والله اعلم.

قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ أَنْ نَأْخُذَ إِلَّا مَنْ وَجَدْنَا مَتَّعَيْنَا عِنْدَهُ وَإِنَّا
 إِذَا الظَّالِمُونَ ﴿٧٩﴾ فَلَمَّا اسْتَيْسَسُوا مِنْهُ خَلَصُوا نَجِيًّا
 قَالَ كَبِيرُهُمْ أَلَمْ تَعْلَمُوا أَنَّ أَبَاكُمْ قَدْ أَخَذَ عَلَيْكُمْ
 مَوْثِقًا مِنَ اللَّهِ وَمَنْ قَبْلُ مَا فَرَّطْتُمْ فِي يُوسُفَ فَلَنْ أَبْرَحَ
 الْأَرْضَ حَتَّى يَأْذَنَ لِي أَبِي أَوْ يَحْكُمَ اللَّهُ لِي وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ
 ﴿٨٠﴾ أَرْجِعُوا إِلَىٰ آبَائِكُمْ فَقُولُوا يَا أَبَانَا إِنَّ ابْنَكَ سَرَقَ
 وَمَا شَهِدْنَا إِلَّا بِمَا عَلَّمْنَا وَمَا كُنَّا لِلْغَيْبِ حَفِظِينَ
 ﴿٨١﴾ وَسَلِ الْقَرْيَةَ الَّتِي كُنَّا فِيهَا وَالْعِيرَ الَّتِي أَقْبَلْنَا فِيهَا
 وَإِنَّا لَصَادِقُونَ ﴿٨٢﴾ قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْرًا
 فَصَبْرٌ جَمِيلٌ عَسَى اللَّهُ أَنْ يَأْتِيَنِي بِهِمْ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ
 الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ ﴿٨٣﴾ وَتَوَلَّى عَنْهُمْ وَقَالَ يَا أَسْفَىٰ عَلَىٰ
 يُوسُفَ وَأَبْيَضَّتْ عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزْنِ فَهُوَ كَظِيمٌ
 ﴿٨٤﴾ قَالُوا تَاللَّهِ تَفْتَوْا تَذْكُرُ يُوسُفَ حَتَّى تَكُونَ حَرَضًا
 أَوْ تَكُونَ مِنَ الْهَالِكِينَ ﴿٨٥﴾ قَالَ إِنَّمَا أَشْكُو بَثِّي
 وَحُزْنِي إِلَى اللَّهِ وَأَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿٨٦﴾

گفت بر خدا پناه می برم از آنکه بگیریم مگر کسی را که متاع خویش را نزد او یافته ایم
 بتحقیق آنگاه ستمکار باشیم (۷۹). پس چون از وی ناامید شدند، تنها بخلوت رفتند مشوره
 کنان بزرگ ترین ایشان گفت آیندانسته اید که پدر شما بر شما عهدی از خدا گرفته است
 و پیش ازین در حق یوسف کوتاهی کرده بودید پس این سرزمین را ترك نخواهم کرد
 تا وقتی که مرا پدرم اجازه دهد یا برایم خدا حکم کند و او بهترین حکم کنندگان است
 (۸۰). (ای برادران) به سوی پدر خویش باز روید پس بگویید ای پدر ما هر آئینه پسر
 تودزدی کرد و گواهی ندادیم الا به آنچه می دانستیم^(۱۱) علم غیب را نمی دانستیم (۸۱).
 و پیرس دهی را که در آن بودیم و کاروانی را که با آن باز آمده ایم و البته ماراست گویانیم
 (۸۲). گفت (یعقوب) بلکه برای شما نفسهای شماکاری را آراسته کرده است پس حال
 من صبر نیک است امید آنست که خدا پیش من همگی ایشان را بیارد هر آئینه اودانای
 باحکمت است (۸۳). و از ایشان رو بگردانید و گفت وای اندوه من بر یوسف و دو چشم
 او از اندوه سفید شدند پس او از غم پُر شده بود (۸۴). گفتند بخدا همیشه هستی که یوسف
 را یاد می کنی تا آنکه بیمار شوی یا از هلاک شدگان شوی (۸۵). گفت جز این نیست که غم
 سخت و اندوه خود را به جناب خدا بیان می کنم و می دانم از جانب خدا آنچه را که نمی
 دانید (۸۶).

(۱۱) یعنی گفتند «جز آوه من وجد في رحله فهو جز آوه» والله اعلم.

يَبْنِي أَذْهَبُوا فَتَحَسَّسُوا مِنْ يُوسُفَ وَأَخِيهِ وَلَا تَأْكُسُوا
مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَأْكُتُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ
الْكَافِرُونَ ﴿٨٧﴾ فَلَمَّا دَخَلُوا عَلَيْهِ قَالُوا يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ
مَسَّنَا وَأَهْلَنَا الضُّرُّ وَجِئْنَا بِبِضْعَةٍ مُزْجَلَةٍ فَأَوْفَ لَنَا
الْكَيْلَ وَتَصَدَّقْ عَلَيْنَا إِنَّ اللَّهَ يَجْزِي الْمُتَصَدِّقِينَ
﴿٨٨﴾ قَالَ هَلْ عَلِمْتُمْ مَا فَعَلْتُمْ بِيُوسُفَ وَأَخِيهِ إِذْ أَنْتُمْ
جَاهِلُونَ ﴿٨٩﴾ قَالُوا أَيْ نَكَ لَأَنْتَ يُوسُفُ قَالَ أَنَا يُوسُفُ
وَهَذَا أَخِي قَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا إِنَّهُ مَن يَتَّقِ وَيَصْبِرْ فَإِنَّ
اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ ﴿٩٠﴾ قَالُوا تَاللَّهِ لَقَدْ
ءَاثَرَكَ اللَّهُ عَلَيْنَا وَإِن كُنَّا لَخَاطِئِينَ ﴿٩١﴾ قَالَ لَا تَثْرِبَ
عَلَيْكُمْ الْيَوْمَ يَغْفِرُ اللَّهُ لَكُمْ وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ
﴿٩٢﴾ أَذْهَبُوا بِقَمِيصِي هَذَا فَاَلْقُوهُ عَلَى وَجْهِ أَبِي يَأْتِ
بَصِيرًا وَأْتُونِي بِأَهْدِكُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٩٣﴾ وَلَمَّا فَصَلَتِ
الْعِيرُ قَالَ أَبُوهُمْ إِنِّي لَأَجِدُ رِيحَ يُوسُفَ لَوْلَا أَن
تُفَنِّدُونِ ﴿٩٤﴾ قَالُوا تَاللَّهِ إِنَّكَ لَفِي ضَلَالِكَ الْقَدِيرِ ﴿٩٥﴾

ای پسران من بروید پس از یوسف و برادر او جستجو کنید و از رحمت خدا ناامید مباشید هر آئینه (سخن اینست که) از رحمت خدا مگر گروه کافران ناامید نمی شوند (۸۷). پس چون بر یوسف داخل شدند گفتند ای عزیز به ما و اهل ماسختی رسیده است و سرمایه^۱ ناچیز (یعنی اندک) آورده ایم پس ما را پیمانۀ تمام ده و بر ما صدقه کن هر آئینه خدا صدقه دهندگان را جزایم دهد (۸۸). گفت آیا دانستید (قبح) آنچه به یوسف و برادرش می کردید وقتی که شما نادان بودید (۸۹). گفتند آیا به تحقیق تو یوسفی؟ گفت من یوسفم و این برادر من است هر آئینه خدا بر ما ممت نهاد هر آئینه (سخن این است که) هر که پرهیزگاری کند و صبر نماید پس خدا پاداش نیکوکاران را ضایع نمی سازد (۹۰). گفتند قسم به خدا هر آئینه تو را خدا بر ما برتری داده است و هر آئینه ما خطا کننده بودیم (۹۱). گفت هیچ سرزنش امروز بر شما نیست خدا شمارا بیامرزد و او مهربان ترین مهربانان است (۹۲). این پیراهن مرا ببرید پس بر چهره^۲ پدرم بیفکنیدش تا بینا شود و پیش من همگی اهل خویش را بیارید (۹۳). و چون کاروان جدا شد (یعنی از شهر) گفت پدر ایشان هر آئینه من بوی یوسف را می یابم اگر مرا به نقصان عقل نسبت نکنید (۹۴). گفتند به خدا قسم هر آئینه تو در خطای قدیم خودی (۹۵).

فَلَمَّا أَنْ جَاءَ الْبَشِيرُ أَلْقَاهُ عَلَى وَجْهِهِ فَارْتَدَّ بَصِيرًا قَالَ
أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ إِنِّي أَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿٩٦﴾ قَالُوا
يَا أَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ ﴿٩٧﴾ قَالَ سَوْفَ
أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ﴿٩٨﴾ فَلَمَّا
دَخَلُوا عَلَى يُوسُفَ ءَاوَىٰ إِلَيْهِ أَبَوَيْهِ وَقَالَ ادْخُلُوا مِصْرَ
إِنْ شَاءَ اللَّهُ ءَامِنِينَ ﴿٩٩﴾ وَرَفَعَ أَبُوهُ عَلَى الْعَرْشِ وَخَرُّوا
لَهُ سُجَّدًا وَقَالَ يَا أَبَتِ هَذَا تَأْوِيلُ رُءْيَايَ مِنْ قَبْلُ قَدْ جَعَلَهَا
رَبِّي حَقًّا وَقَدْ أَحْسَنَ بِي إِذْ أَخْرَجَنِي مِنَ السِّجْنِ وَجَاءَ بِكُمُ
مِّنَ الْبَدْوِ مِنْ بَعْدِ أَنْ نَزَعَ الشَّيْطَانُ بَيْنِي وَبَيْنَ إِخْوَتِي إِنَّ
رَبِّي لَطِيفٌ لِّمَا يَشَاءُ إِنَّهُ هُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ ﴿١٠٠﴾ * رَبِّ
قَدْ ءَاتَيْتَنِي مِنَ الْمَلِكِ وَعَلَّمْتَنِي مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ
فَاطِرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ أَنْتَ وَلِيِّ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ
تُوفِّئِنِي مُسْلِمًا وَالْحَقِّنِي بِالصَّلَاحِينَ ﴿١٠١﴾ ذَلِكَ مِنْ أَنْبَاءِ
الْغَيْبِ نُوحِيهِ إِلَيْكَ وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ أَجْمَعُوا أَمْرَهُمْ
وَهُمْ يَمْكُرُونَ ﴿١٠٢﴾ وَمَا أَكْثَرَ النَّاسِ وَلَوْ حَرَصْتَ بِمُؤْمِنِينَ ﴿١٠٣﴾

پس چون پیش وی مژده دهنده بیامد پیرهن را بر صورت وی انداخت پس بینا گشت گفت آیا به شما نگفته بودم که هرآئینه من میدانم از جانب خدا آنچه را که نمیدانید (۹۶). گفتند ای پدر ما برای ما در حق گناهان ما آمرزش طلب کن هرآئینه ما گنهکار بودیم (۹۷). گفت بزودی برای شما از پروردگار خود طلب آمرزش خواهیم کرد هرآئینه او آمرزنده مهربان است (۹۸). پس چون بریوسف درآمدند (یعنی درخیمه اش و او برای استقبال برآمده بود) پدر و مادر خود را به سوی خود جای داد و گفت بمصر ا گر خدا خواسته باشد ایمن شده درآید (۹۹). و پدر و مادر خود را بر تخت خود بالا بُرد و ایشان به سوی او سجده کنان افتادند و گفت ای پدر من این تعبیر خواب من است که پیش ازین دیده بودم هرآئینه آنرا پروردگار من راست ساخت و بمن نعمت فراوان داد چون مرا از زندان بیرون آورد و شمارا از صحرا آورد بعد از آنکه شیطان میان من و میان برادران من خلاف افکند هرآئینه پروردگار من تدبیر نیک سازنده است چیزی را که میخواهد هرآئینه او دانای با حکمت است (۱۰۰). ای پروردگار من مرا پادشاهی دادی و مرا تاویل احادیث آموختی (یعنی علم تعبیر خواب) ای پیدا کننده آسمان ها و زمین تویی کارساز من در دنیا و آخرت مرا مسلمان بمیران و مرا با صالحان ملحق کن (۱۰۱). (یا محمد) این داستان از اخبار غیب است آن را به سوی تو وحی می کنیم و تو نزد ایشان نبودی چون بر مشوره خود توطئه کنان عزم کردند (۱۰۲). اکثر مردمان - و اگر چه حرص کنی - مسلمان نخواهند بود (۱۰۳).

وَمَا تَسْأَلُهُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ
 ﴿١٠٤﴾ وَكَأَيِّن مِّنْ آيَةٍ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ يَمُرُّونَ عَلَيْهَا
 وَهُمْ عَنْهَا مُعْرِضُونَ ﴿١٠٥﴾ وَمَا يُوْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلَّا
 وَهُمْ مُّشْرِكُونَ ﴿١٠٦﴾ أَفَأَمِنُوا أَنْ تَأْتِيَهُمْ غَشِيَةٌ مِّنْ عَذَابِ
 اللَّهِ أَوْ تَأْتِيَهُمُ السَّاعَةُ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿١٠٧﴾ قُلْ
 هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي
 وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿١٠٨﴾ وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ
 قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُّوحِي إِلَيْهِمْ مِنْ أَهْلِ الْقُرَىٰ أَفَلَمْ يَسِيرُوا
 فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ
 قَبْلِهِمْ وَلَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿١٠٩﴾
 حَتَّىٰ إِذَا اسْتَيْسَسَ الرُّسُلُ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ قَدْ كُذِبُوا
 جَاءَهُمْ نَصْرٌ نَّافِئٌ مِّنْ نَّشَأٍ وَلَا يَرُدُّ بِأَسْنَانٍ الْقَوْمَ
 الْمُجْرِمِينَ ﴿١١٠﴾ لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةٌ لِأُولِي الْأَلْبَابِ
 مَا كَانَ حَدِيثًا يُفْتَرَىٰ وَلَٰكِن تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ
 وَتَفْصِيلَ كُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿١١١﴾

و سوال نمی کنی از ایشان بر تبلیغ قرآن هیچ مزدی، این نیست مگر پندی برای جهانیان (۱۰۴). و بسا در آسمان ها و زمین نشانه‌هایند از تأمل در آن اعراض کنان بر آن می‌گذرند (۱۰۵). و ایمان نمی آورند اکثر ایشان به خدا مگر آنکه آنان (به نوعی) مشرک اند (۱۰۶). آیا ایمن شده اند از آنکه به ایشان عقوبتی عام از عذاب خدا بیاید یا بایشان قیامت ناگهان بیاید و ایشان آگاه نباشند (۱۰۷). بگو این راه من است به سوی خدا باحجت ظاهر می خوانم، من و پیروان من و پاکی خدا راست و من از مشرکان نیستم (۱۰۸). و نفرستاده‌ایم پیش از تو مگر مردانی را که به سوی ایشان از اهل ده ها و وحی میفرستادیم آیا در زمین سیر نکرده‌اند تا ببینند آخر کار آنانکه پیش از ایشان بودند چگونه شد و هر آئینه متقیان را سرای آخرت بهترست آیانی فهمید (۱۰۹). (مهلت دادیم) تا وقتیکه چون پیامبران ناامید شدند و گمان کردند قوم ایشان که به ایشان بدروغ وعده کرده شده به ایشان نصرت ما آمد پس هر کرا خواستیم نجات داده شد و عذاب ما از گروه ستمکاران باز داشته نمی شود (۱۱۰). هر آئینه در داستانهای پیامبران پندی هست برای خداوندانِ خرد قرآن سخنی نیست که بدروغ بر بافته شود ولیکن هست باوردارنده آنچه پیش از وی هست و بیان کننده هر چیز و هدایت و بخشایش برای مسلمانان است (۱۱۱).

سورة الرعد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْمَرَّةَ تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ وَالَّذِي أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ الْحَقُّ
 وَلَكِنَّ أَكْثَرِ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿١﴾ اللَّهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَوَاتِ
 بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا ثُمَّ أَسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ
 كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى يُدَبِّرُ الْأَمْرَ يُفَصِّلُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ
 يَلْقَاءَ رَبَّكُمْ تَوْقِنُونَ ﴿٢﴾ وَهُوَ الَّذِي مَدَّ الْأَرْضَ وَجَعَلَ فِيهَا رِوْاسِيَ
 وَأَنْهَارًا وَمِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ جَعَلَ فِيهَا رِوْاسِيَ اثْنَيْنِ يُغْشَى اللَّيْلَ
 النَّهَارَ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ﴿٣﴾ وَفِي الْأَرْضِ
 قَطْعُ مَتَجَوِّرَاتٍ وَجَحَّتْ مِنْ أَعْنَابٍ وَزَرَعٌ وَنَخِيلٌ صِنْوَانٌ
 وَغَيْرُ صِنْوَانٍ يُسْقَى بِمَاءٍ وَاحِدٍ وَنَفْضِلٌ بَعْضُهَا عَلَى بَعْضٍ
 فِي الْأُكُلِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ﴿٤﴾ * وَإِنْ تَعَجَبْ
 فَعَجَبٌ قَوْلُهُمْ أءَا كُنَّا تَرَبَّاءُءَ نَأْتِي خَلْقٍ جَدِيدٍ
 أُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ وَأُولَئِكَ الْأَعْلَى فِي
 أَعْنَاقِهِمْ وَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٥﴾



سوره رعد مدنی است و آن چهل و سه
آیه و شش رکوع است

بنام خدای بخشاینده مهربان.

الْمَرُّ این‌ها آیاتِ قرآنند و آنچه فرو فرستاده شد بسوی تراز پروردگارت راست است ولیکن اکثر مردمان ایمان نمی آورند (۱). خدا آنست که آسمانها را بغير ستون هائیکه آنها را به بینید برداشت بعد از آن بر عرش مستقر شد و خورشید و ماه را مسخر کرد هر یکی بمیعادی معین سیر میکند تدبیر کار می نماید نشانه هارا بیان می کند تا شما به ملاقات پروردگار خود دقیقین آورید (۲). و او آنست که زمین را گسترده و در آن کوه ها و نهرها را و از هر نوع میوه آفرید در زمین دو قسم آفرید (ترش و شیرین خوب و بد) شب رابه روز می پوشاند هر آئینه درین نشانه هاست قومی را که تَفَكَّر می کنند (۳). و در زمین تکه های مختلف پیوسته بایکدیگراست و بوستانهایی از درختان انگور و کشت زارست و درختان خرما بعضی بسیار پُر شاخ و بعضی غیر از آن، به يك آب آبیاری می شوند و بعضی را بر بعضی در طعم میوه ها برتری می دهیم هر آئینه در این نشانه ها است قومی را که می فهمند (۴). و اگر تعجب کنی پس سخن ایشان عجب است که آیا وقتیکه خاك شویم آیاما البته در آفرینشی نو خواهیم بود، ایشانند آنانکه به پروردگار خویش نامعتقد شدند و ایشانند (باین صفت) که طوق درگردن ایشان باشد و ایشان اهل آتش اند ایشان در آنجا جاویدان باشند (۵).

وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِالسَّيِّئَةِ قَبْلَ الْحَسَنَةِ وَقَدْ خَلَتْ مِنْ
 قَبْلِهِمُ الْمَثَلَتُ وَإِنَّ رَبَّكَ لَذُو مَغْفِرَةٍ لِلنَّاسِ عَلَى ظُلْمِهِمْ
 وَإِنَّ رَبَّكَ لَشَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿٦﴾ وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا
 أَنْزَلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ
 هَادٍ ﴿٧﴾ اللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَحْمِلُ كُلُّ أُنْثَى وَمَا تَغِيصُ الْأَرْحَامُ
 وَمَا تَزْدَادُ وَكُلُّ شَيْءٍ عِنْدَهُ بِمِقْدَارٍ ﴿٨﴾ عَلِيمُ الْغَيْبِ
 وَالشَّهَادَةِ الْكَبِيرِ الْمُتَعَالِ ﴿٩﴾ سَوَاءٌ مِّنْكُمْ مَنْ
 أَسَرَ الْقَوْلَ وَمَنْ جَهَرَ بِهِ وَمَنْ هُوَ مُسْتَخْفٍ بِاللَّيْلِ وَسَارِبٌ
 بِالنَّهَارِ ﴿١٠﴾ لَهُ مُعَقِّبَاتٌ مِّنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ
 يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا
 مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءًا فَلَا مَرَدَّ لَهُ وَمَا
 لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَالٍ ﴿١١﴾ هُوَ الَّذِي يُرِيكُمْ الْبَرْقَ حَوَافًا
 وَطَمَعًا وَيُنشِئُ السَّحَابَ الثِّقَالَ ﴿١٢﴾ وَيَسْبِغُ الرِّعْدُ بِحَمْدِهِ
 وَالْمَلَائِكَةُ مِنْ خِيفَتِهِ وَيُرْسِلُ الصَّوَاعِقَ فَيُصِيبُ بِهَا
 مَنْ يَشَاءُ وَهُمْ يُجَادِلُونَ فِي اللَّهِ وَهُوَ شَدِيدُ الْمِحَالِ ﴿١٣﴾

واز تو عقوبت پیش از راحتی به شتاب می طلبند و هر آئینه پیش از ایشان عقوبت ها گذشته است و هر آئینه پروردگار تو برای مردمان با وجود ستمکار بودن ایشان خداوند آمرزش است و هر آئینه پروردگار تو سخت عقوبت است (۶). و کافران می گویند چرا بر این پیامبر نشانه ای از پروردگار او فرستاده نشد (یا محمد) جز این نیست که تو بیم دهنده ای و هر قومی راز را نمی بیند (۷). خدا آنچه هر ماده در شکم دارد می داند و آنچه رحم ها ناقص میکنند و آنچه زیاده می گردانند و هر چیزی نزد او باندازه است (۸). به پنهان و آشکار داناست بزرگ است بلند مرتبه است (۹). یکسان است از شما کسی که سخن را بپوشد و کسی که آن را به آواز بلند گوید و کسی که وی در شب پنهان است و کسی که او در روز راه می رود (۱۰). برای آدمی فرشتگانند از پی یکدیگر، آینده میان دو دست او و پشت سر او و او را به حکم خدا نگاه میدارند هر آئینه خدا تغییر نمی دهد حالتی را که به قومی باشد تا وقتی که ایشان تغییر دهند آنچه در نفسهای ایشان است و چون خدا به قومی عقوبت را اراده کند پس آن را باز گردانیدن نیست و ایشان را بجز وی هیچ کارسازی نیست (۱۱). اوست آنکه شمارا برق برای پیدا کردن ترس و امید می نماید ابرهای گران را پدید می آورد (۱۲). و رعد با ستایش او و فرشتگان نیز از ترس او به پاکی یاد می کند، و صاعقه ها را می فرستد پس آنرا به هر که خواهد میرساند و کافران درباره خدا مکابره می کنند و او بسیار با قوت است (۱۳).

لَهُ دَعْوَةُ الْحَقِّ وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ لَا يَسْتَجِيبُونَ لَهُمْ شَيْءٌ إِلَّا
 كَبْسُطٍ كَفَيْهِ إِلَى الْمَاءِ لِيَبْلُغَ فَاهُ وَمَا هُوَ بِبَلِغِهِ وَمَا دُعَاءُ الْكَافِرِينَ
 إِلَّا فِي ضَلَالٍ ﴿١٤﴾ **وَلِلَّهِ يَسْجُدُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا**
وَكَرْهًا وَظَلَّلَهُمْ بِالْغَدُورِ وَالْأَصَالِ ﴿١٥﴾ قُلْ مَنْ رَبُّ السَّمَوَاتِ
 وَالْأَرْضِ قُلِ اللَّهُ قُلْ أَفَاتَّخَذْتُمْ مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ لَا يَمْلِكُونَ
 لِأَنْفُسِهِمْ نَفْعًا وَلَا ضَرًّا قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَى وَالْبَصِيرُ أَمْ هَلْ
 تَسْتَوِي الظُّلُمَاتُ وَالنُّورُ أَمْ جَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ خَلَقُوا كَخَلْقِهِ فَتَشَبَهَ
 الْخَاطِئُ عَلَيْهِمْ قُلِ اللَّهُ خَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ وَهُوَ الْوَاحِدُ الْقَهْدُ ﴿١٦﴾ أَنْزَلَ
 مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَالَتْ أَوْدِيَةٌ بِقَدَرِهَا فَاحْتَمَلَ السَّيْلُ زَبَدًا رَابِيًا
 وَمِمَّا يُوقِدُونَ عَلَيْهِ فِي النَّارِ ابْتِغَاءَ حِلْيَةٍ أَوْ مَتَاعٍ زَبَدٌ مِثْلَهُ
 كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْحَقَّ وَالْبَاطِلَ فَأَمَّا الزَّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً
 وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُثُ فِي الْأَرْضِ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ
 الْأَمْثَالَ ﴿١٧﴾ **لِلَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ الْحُسْنَى وَالَّذِينَ لَمْ يَسْتَجِيبُوا**
لَهُ لَوْ أَنَّ لَهُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا وَمِثْلَهُ مَعَهُ لَافْتَدَوْا بِهِ
أُولَئِكَ لَهُمْ سُوءُ الْحِسَابِ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَهَادُ ﴿١٨﴾

دعای حق برای اوست^(۱) و آنانکه کافران ایشان را به جای خدا میخوانند دعای ایشان را بهیچ وجه قبول نمی‌کنند مگر مانند کسی که دو دست خود را به سوی آب بگشاید تا بدهنش برسد، و آن آب هر گز بدهان او رسنده نیست و نیست دعای کافران مگر در گمراهی (بیفائدگی) (۱۴). و خدا را خواهان و ناخواهان سجده می‌کند هر که در آسمان‌ها و زمین است و سایه‌های ایشان بوقت صبح و شام^(۲) سجده می‌کنند (۱۵). بگو پروردگار آسمان‌ها و زمین کیست بگو (از طرف ایشان) خداست بگو آیا بجز وی دوستانی گرفتید که برای خویشتن سودی و نه زبانی نمی‌توانند بگو آیا نابینا و بینا برابرست (هر گز) آیا تاریکی‌ها و روشنی برابرست آیا مقرر کرده اند برای خدا شریکانی که مانند آفریدن خدا آفریده باشند پس آفرینش برایشان مشتبه شده است بگو خدا آفریننده هر چیز است و او یگانه غالب است (۱۶). از آسمان آب را فرو فرستاد پس رودها باندازه خویش روان شدند پس آب روان کفی راکه بالای آب بلند شده برداشت و از آنچه می‌گذازندش در آتش به طلب پیرایه یا به طلب رخت خانه کفی هست مانند کف آب همچنین خدا مثل حق و باطل را بیان می‌کند، اما آن کف پس ناچیز شده می‌رود و اما آنچه به مردمان سود می‌رساند در زمین می‌ماند همچنین خدا مثل هارا بیان می‌کند^(۳) (۱۷). برای آنان که سخن پروردگار خویش را قبول کردند حالت نیک است و آنانکه سخن او را قبول نکردند اگر ایشان را آنچه در زمین است همگی باشد و مانند آن همراهش البته آن را آنجماعت فدای خود دهند، ایشان را سختی حساب است و جای ایشان دوزخ است و آن بدجایی است (۱۸).

(۱) یعنی او را سزد که بجناب او نیاز کنند و دعا طلبند و او اجابت فرماید والله اعلم.

(۲) کافران و منافقان ناخواهان سجده می‌کنند هنگام سختی یا از ترس شمشیر، فرشتگان و مسلمانان خواهان و برغبت سجده می‌کنند والله اعلم.

(۳) مترجم گوید لایبست که در هر جنس خیر و شر باشد همچنین لایبست که در آدمیان نیکوکاران و بدکاران باشند لیکن نیکوکاران را مستقر می‌سازد و کارایشان را پیش میبرد و بدکاران را هلاک می‌کند والله اعلم.

* أَفَمَنْ يَعْلَمُ أَنَّمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ الْحَقُّ كَمَنْ هُوَ أَعْمَىٰ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ
 أُولُو الْأَلْبَابِ ﴿١٩﴾ الَّذِينَ يُوفُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَلَا يَنْقُضُونَ الْمِيثَاقَ
 ﴿٢٠﴾ وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ
 وَيَخَافُونَ سُوءَ الْحِسَابِ ﴿٢١﴾ وَالَّذِينَ صَبَرُوا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ
 وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً وَيَدْرُءُونَ
 بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ أُولَئِكَ لَهُمْ عُقْبَى الدَّارِ ﴿٢٢﴾ جَنَّتٌ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا
 وَمَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ وَالْمَلَائِكَةُ يَدْخُلُونَ
 عَلَيْهِمْ مِنْ كُلِّ بَابٍ ﴿٢٣﴾ سَلَّمَ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ ﴿٢٤﴾
 وَالَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ
 مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ لَهُمُ
 اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ ﴿٢٥﴾ اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ
 وَيَقْدِرُ وَفَرِحُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا
 مَتَعٌ ﴿٢٦﴾ وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ قُلْ
 إِنَّ اللَّهَ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ أُنَابَ ﴿٢٧﴾ الَّذِينَ آمَنُوا
 وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ ﴿٢٨﴾

آیا کسی که میداند آنچه را که فروفرستاده شده به سوی تو از جانب پروردگار تو راست است مانند کسی است که وی نابیناست جزاین نیست که خداوندانِ خرد پندپذیر میشوند (۱۹). آنانکه به عهد خدا وفامی‌کنند و عهد را نمی‌شکنند (۲۰). و آنانکه آنچه را که خدا فرموده است به پیوند کردن آن می‌پیوندند و از پروردگار خویش می‌ترسند و از سختی حساب می‌ترسند (۲۱). و آنانکه به طلب رضای پروردگارشان شکیبایی کردند^(۴) و نماز را برپا داشتند و از آنچه ماوزی دادیم بایشان پنهان و آشکارا خرج کردند با نیکویی بدی را دفع می‌کنند اینانند که پاداش نیک آن سرای همانان را است (۲۲). ایشان به بوستانهای همیشه جاودان درآیند و هر که از پدران ایشان و زنان ایشان و اولاد ایشان نیکوکار باشد و فرشتگان برایشان از هر دروازه داخل شوند (۲۳). گویند بر شما سلامتی باد بسبب صبر کردن شما پس پاداش آن سرای نیک است (۲۴). و آنانکه عهد خدا را بعد استوار کردن آن می‌شکنند و آنچه خدا به پیوند کردن آن فرموده است قطع می‌کنند و فساد می‌کنند آنجماعت ایشان را لعنت است و برای ایشان سختی آن سرای است (۲۵). خدا روزی را برای هر که خواهد گشاده می‌سازد و (برای هر که خواهد) تنگ می‌سازد و کافران به زندگانی دنیا شادمان شدند و زندگانی دنیا نسبت به آخرت مگر متاع اندک نیست (۲۶). و می‌گویند کافران چرا بر پیامبر نشانه ای از جانب پروردگارش فرود آورده نشد^(۵) بگو هر آئینه خدا هر که را خواهد گمراه می‌کند و به سوی خویش هر که را که رجوع کرد راه می‌نماید (۲۷). آنان که ایمان آوردند و دل‌های ایشان به یاد خدا آرام می‌گیرد آگاه شو بیاد خدا دل‌ها آرام می‌گیرند (۲۸).

(۴) یعنی به طلب رضای او.

(۵) مترجم گوید یعنی از قسمی که درخواست میکردند.

الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ طُوبَىٰ لَهُمْ وَحُسْنُ مَآبٍ ﴿٢٩﴾
 كَذَلِكَ أَرْسَلْنَاكَ فِي أُمَّةٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهَا أُمَمٌ لِّتَتْلُوَ
 عَلَيْهِمُ الَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَهُمْ يَكْفُرُونَ بِالرَّحْمَنِ قُلْ هُوَ رَبِّي
 لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ مَتَابٍ ﴿٣٠﴾ وَلَوْ أَنَّ قُرْءَانًا
 سُيِّرَتْ بِهِ الْجِبَالُ أَوْ قُطِعَتْ بِهِ الْأَرْضُ أَوْ كَلِمَةٌ بِهِ الْمَوْتَىٰ
 بَلِ لِلَّهِ الْأَمْرُ جَمِيعًا أَفَلَمْ يَأْتِ عِيسَىٰ الَّذِينَ آمَنُوا أَنْ لَوْ يَشَاءُ
 اللَّهُ لَهَدَى النَّاسَ جَمِيعًا وَلَا يَزَالُ الَّذِينَ كَفَرُوا تُصِيبُهُمْ
 بِمَا صَنَعُوا قَارِعَةٌ أَوْ تَحُلُّ قَرِيبًا مِّن دَارِهِمْ حَتَّىٰ يَأْتِيَ وَعْدُ
 اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ ﴿٣١﴾ وَلَقَدْ أَسْتَهْزَيْتَ بِرُسُلٍ مِّن
 قَبْلِكَ فَأَمَلَيْتُ لِلَّذِينَ كَفَرُوا ثُمَّ أَخَذْتُهُمْ فَكَيْفَ كَانَ
 عِقَابِ ﴿٣٢﴾ أَفَمَن هُوَ قَائِمٌ عَلَىٰ كُلِّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَجَعَلُوا
 لِلَّهِ شُرَكَاءَ قُلْ سَمُّوهُمْ أَمْ تُنَبِّئُونَهُ بِمَا لَا يَعْلَمُ فِي الْأَرْضِ أَمْ
 بَظَاهِرٍ مِّنَ الْقَوْلِ بَل زَيْنٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مَكْرَهُمْ وَصُدُّوا عَنِ
 السَّبِيلِ وَمَن يُضِلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِن هَادٍ ﴿٣٣﴾ لَهُمْ عَذَابٌ فِي الْحَيَاةِ
 الدُّنْيَا وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَشَقُّ وَمَا لَهُم مِّنَ اللَّهِ مِن وَّاقٍ ﴿٣٤﴾

آنان که ایمان آورده اند و کارهای نیک کرده اند خوشابه حالشان و آنان خوب سرانجامی دارند (۲۹). همچنین تورا درامتی که گذشتند پیش از آن امت های بسیار فرستادیم تا برایشان آنچه وحی فرستادیم به سوی تو بخوانی و ایشان به خدای بخشاینده کافرند بگو او پروردگار من است هیچ معبود برحقى مگر او نیست بروی توکل کردم و رجوع من به سوی اوست (۳۰). و اگر قرآنی می بود که به آن کوهها روان کرده می شد یا به آن زمین شکافته می شد یا مُردگان رابه آن به سخن در آورده میشد (نیزایمان نمی آوردند) بلکه (حقیقت این است که) همگی کار یکجا خدا راست آیا مسلمانان ندانسته اند که اگر خدا می خواست البته همگی مردمان را راه می نمود و همیشه کافران باین صفت باشند که به ایشان بسبب آنچه کردند عقوبتی سخت میرسد یا آن عقوبت نزدیک بخانه^۶ ایشان فرو می آید^(۶) تا وقتی که وعده خدا بیاید هرآئینه خدا وعده را خلاف نمی کند (۳۱). و هرآئینه به پیامبران پیش از تو تمسخر کرده شد پس کافران را مهلت دادم باز ایشان را گرفتار کردم پس عقوبت من چگونه بود (۳۲). آیا کسی که برهرکس بجزای آنچه عمل کرده است خبر گیرنده است (مثل این بتان باشد) و کافران برای خدای شریکان مقرر کردند بگو نامهای ایشان را بیان کنید^(۷) آیا خدا را به آنچه نمیداند در زمین خبر میدهید یا به سخن سرسری فریفته می شوید^(۸) بلکه آراسته کرده شده است برای کافران اندیشه^۷ فاسد ایشان و از راه بازداشته شده اند و هرکه را خدا گمراه کند اورا هیچ راهنمایی نیست (۳۳). برای ایشان درزندگانی دنیا عذاب است و هرآئینه عذاب آخرت سخت ترست و ایشان را از (عذاب) خداهیح نگاه دارنده ای نیست (۳۴).

(۶) مترجم گوید و آن کنایت است از شدتی که ازوی خوفِ هلاک برایشان مستولی شود باخترت نجات یابند واللہ اعلم.

(۷) مترجم گوید یعنی اوصافِ ایشان را ذکر کنید تا به اوصافِ خدا مقابله کرده شود و فن مماثلت ظاهر گردد واللہ اعلم.

(۸) یعنی تقلید پدران میکنند درسخن بی اساس واللہ اعلم.

* مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وَعَدَ الْمُتَّقُونَ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ
 أُكُلُهَا دَائِمٌ وَظِلُّهَا تِلْكَ عُقْبَى الَّذِينَ اتَّقَوْا وَعُقْبَى
 الْكَافِرِينَ النَّارُ ﴿٣٥﴾ وَالَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَفْرَحُونَ
 بِمَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ وَمِنَ الْأَحْزَابِ مَنْ يُنْكِرُ بَعْضَهُ وَقُلْ إِنَّمَا
 أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ وَلَا أُشْرِكَ بِهِ إِلَيْهِ أَدْعُوا وَإِلَيْهِ مَتَابِ
 ﴿٣٦﴾ وَكَذَلِكَ أَنْزَلْنَاهُ حُكْمًا عَرَبِيًّا وَلَئِنْ اتَّبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ
 مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا وَاقٍ ﴿٣٧﴾ وَلَقَدْ
 أَرْسَلْنَا رُسُلًا مِنْ قَبْلِكَ وَجَعَلْنَا لَهُمْ أَرْوَاجًا وَذُرِّيَّةً وَمَا كَانَ
 لِرُسُولٍ أَنْ يَأْتِيَ بِآيَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ لِكُلِّ أَجَلٍ كِتَابٌ ﴿٣٨﴾
 يَمْحُوا اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ ﴿٣٩﴾ وَإِنْ مَا
 نُرِيدُكَ بَعْضَ الَّذِي نَعِدُهُمْ أَوْ نَتَوَفَّيَنَّكَ فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ
 وَعَلَيْنَا الْحِسَابُ ﴿٤٠﴾ أَوْ لَمْ يَرَوْا أَنَّا نَأْتِي الْأَرْضَ نَنْقُصُهَا
 مِنْ أَطْرَافِهَا وَاللَّهُ يَحْكُمُ لَا مُعَقِّبَ لِحُكْمِهِ وَهُوَ سَرِيعُ
 الْحِسَابِ ﴿٤١﴾ وَقَدْ مَكَرَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلِلَّهِ الْمَكْرُ جَمِيعًا
 يَعْلَمُ مَا تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ وَسِعَعِلْمُ الْكُفْرِ لِمَنْ عُقْبَى الدَّارِ ﴿٤٢﴾

صفت بهشتی که متقیان را وعده داده شده است اینست که زیر آن جویها میرود، میوه های او جاویدان است و سایه اش همچنین، سرانجام متقیان این است و سرانجام کافران آتش است (۳۵). و آنانکه ایشان را کتاب دادیم خوشحال میشوند به آنچه به سوی تو فرستاده شد و ازین جماعت ها کسی است که بعضی او را انکار می کند بگو جزاین نیست که مرا فرموده شد که خدارا عبادت کنم و به وی شرک نرورزم، به سوی او میخوانم و بازگشت من به سوی اوست (۳۶). و همچنین قرآن را کتابی عربی فر فرستادیم و اگر خواهشهای (نفسانی) ایشان را بعد از آنچه آمده است به تو از علم پیروی کنی تو را از عقوبت خدا هیچ کار سازنده و نه نگاه دارنده ای نیست (۳۷). و هر آئینه پیامبران را پیش از تو فرستادیم و ایشان را زنان و فرزندان دادیم و نشاید هیچ پیامبر را که هیچ نشانه ای مگر به حکم خدا بیارد هر قضایی را اجل و موعدی باشد (۳۸). نابود میسازد خدا هر چه میخواهد و ثابت می کند هر چه می خواهد ام الکتاب نزد اوست (یعنی لوح محفوظ)^(۹) (۳۹). و اگر تو را بعضی آنچه وعده می کنیم به ایشان بنماییم یا قبض روح تو کنیم بهرحال جزاین نیست که بر تو پیام رسانیدن است و حساب بر ماست (۴۰). آیا ندیدند که ما به این زمین می آیم آنرا از جوانب آن ناقص می سازیم و خدا حکم می کند نیست حکم او را هیچ ردکننده ای و او زود حساب گیرنده است^(۱۰) (۴۱). و هر آئینه تدبیر کردند آنانکه پیش از ایشان بودند پس همه تدبیر برای خداست میداند آنچه هر نفسی به عمل می آورد و این کافران خواهند دانست که را سرانجام آن سرای باشد (۴۲).

(۹) مترجم گوید صورت حادثه در عالم ملکوت خلق میفرماید بعد از آن اگر خواهد محو کند و اگر خواهد ثابت دارد و شاید که معنی چنین باشد که هر زمانی را شریعتی هست نسخ می کند خدای تعالی آنچه را میخواهد و ثابت می گذارد آنچه را می خواهد لوح محفوظ نزد اوست والله اعلم.

(۱۰) یعنی روز بروز شوکت اسلام بزمین عرب منتشر میشود و دار الحرب ناقص میگردد و از اطراف آن عامه مفسرین این آیت را مدنی دانند و نزد مترجم لازم نیست که مدنی باشد و مراد از نقصان دار الحرب اسلام اسلام و غفاری وجهه و غرته و قبائل دیگر است، و این پیش از هجرت است.

وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا
بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ ﴿٤٣﴾

سورة إبراهيم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الرَّكَتَبُ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ
إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ ﴿١﴾
اللَّهُ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَوَيْلٌ
لِّلْكَافِرِينَ مِنْ عَذَابٍ شَدِيدٍ ﴿٢﴾ الَّذِينَ يَسْتَحِبُّونَ
الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ
اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا أُولَئِكَ فِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ ﴿٣﴾ وَمَا
أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا بِلِسَانٍ قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ
فِيضِلُّ اللَّهُ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْعَزِيزُ
الْحَكِيمُ ﴿٤﴾ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ
قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَذَكَرَهُمْ بِآيَاتِهِ
اللَّهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ ﴿٥﴾

و کافران می‌گویند پیامبر نیستی بگو خدا در میان من و شما گواه بس است و کسیکه نزداوست علم کتاب بس است^(۱۱) (۴۳).



بنام خدای بخشاینده مهربان.

الرّ این کتابیست که آن را به سوی تو فر فرستادیم تا مردمان را از تاریکی ها به سوی روشنی به حکم پروردگار ایشان بیرون آوری به سوی راه خدای غالب ستوده (۱). براه خدایی که اوراست آنچه در آسمان ها است و آنچه در زمین است و وای بر کافران از عذاب سخت (۲). آنانکه زندگانی دنیا را بر آخرت اختیار می کنند و مردمان را از راه خدا باز می‌دارند و در وی کجی را می طلبند^(۱) ایشان در گمراهی دورند (۳). و فرستادیم هیچ پیامبر را مگر به زبان قوم او تا برای ایشان بیان کند پس گمراه سازد خدا هر که را خواهد و راه نماید هر که را خواهد او غالب با حکمت است (۴). و هر آئینه موسی را به نشانه های خود فرستادیم (گفتیم) که قوم خود را از تاریکی ها به سوی روشنی بیرون آور و ایشان را به روزهای خدا پند ده^(۲) هر آئینه درین برای هر شیکبای شکر گزار نشانه‌ها و عبرت‌هاست (۵).

(۱۱) یعنی احبار یهود می‌دانند که رسالت آن حضرت صلی الله علیه وسلم صحیح است والله اعلم.

(۱) یعنی به شبهات ثابت می‌کنند که کج است.

(۲) یعنی بوقایعی که از جانب او بودند.

وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ لِقَوْمِهِ أَذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ
 إِذْ أَنْجَاكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ
 وَيَدْبِحُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ وَفِي
 ذَلِكَ بَلَاءٌ مِّن رَّبِّكُمْ عَظِيمٌ ﴿٦﴾ وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ
 لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِن كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي
 لَشَدِيدٌ ﴿٧﴾ وَقَالَ مُوسَى إِن تَكْفُرُوا أَنْتُمْ وَمَن فِي
 الْأَرْضِ جَمِيعًا فَأِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ حَمِيدٌ ﴿٨﴾ أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَبَأُ
 الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ قَوْمِ نُوحٍ وَعَادٍ وَثَمُودَ وَالَّذِينَ
 مِن بَعْدِهِمْ لَا يَعْلَمُهُمْ إِلَّا اللَّهُ جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ
 بِالْبَيِّنَاتِ فَرَدُّوا أَيْدِيَهُمْ فِي أَفْوَاهِهِمْ وَقَالُوا إِنَّا كَفَرْنَا
 بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ وَإِنَّا لَفِي شَكِّ مِمَّا تَدْعُونَنَا إِلَيْهِ مُرِيبٌ ﴿٩﴾
 * قَالَتْ رُسُلُهُمْ أَفِى اللَّهِ شَكٌّ فَاطِرِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ
 يَدْعُوكُمْ لِيَغْفِرَ لَكُمْ مِّن ذُنُوبِكُمْ وَيُخَجِّرْكُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ
 مُّسَمًّى قَالُوا إِنَّ أُنثَىٰ لِلْإِنسَانِ لَأَبْشَرٌ مِّثْلُنَا تُرِيدُونَ أَن تَصُدُّونَا
 عَمَّا كَانُوا يَعْبُدُونَ أَبَاؤَنَا فَأَتُونَا بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ ﴿١٠﴾

و(یادکن) آنوقت را که موسی قوم خود را گفت نعمت خدا را برخویش یادکنید چون شما را از آل فرعون نجات داد به شما سختترین عذاب را میرسانیدند و پسران شما را می کشتند و دختران شما را زنده می گذاشتند و دراین حال از پروردگار شما آزمایش بزرگ بود (۶). و آن وقت که پروردگار شما خبردار ساخت که اگر شکر کنید شما را بیشتر دهم و اگر ناسپاسی کنید هرآئینه عذاب من سخت است (۷). وگفت موسی اگر شما وهرکس که در زمین است همگی کافر شوید پس هرآئینه خدا توانگر ستوده شده، است (۸). آیا به شما خبرآنانکه پیش از شما بودند قوم نوح و عاد و ثمود نیامده است و کسانی که بعد از ایشان آمدند نمی داند ایشان را^(۳) مگر خدا نزدایشان پیامبران ایشان به معجزه ها آمدند پس دستهای خود را در دهانهای خود بازآوردند^(۴) وگفتند هرآئینه ما منکریم به آنچه به آن فرستاده شده اید وهرآئینه ما در شبهه قوی ایم از آنچه ما را به آن می خوانید (۹). گفتند پیامبران ایشان آیا درخدا شبهه ای است آفریننده آسمان ها و زمین میخواند شما را تا برای شما گناهان شمارا بیامرزد و شمارا تامدتی معین موقوف دارد، گفتند شما نیستید مگر آدمی مانند ما میخواهید که ما را از آنچه عبادت میکردند پدران ما بازدارید پس پیش ما حجتی ظاهر بیارید (۱۰).

(۳) یعنی عدد و صفات ایشان را.

(۴) یعنی از نهایت تعجب و انکار انگشت به دندان گزیدند والله اعلم.

قَالَتْ لَهُمْ رُسُلُهُمْ إِنْ نَحْنُ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ
 يَمُنُّ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ ۗ وَمَا كَانَ لَنَا أَنْ نَأْتِيَكُمْ
 بِسُلْطَانٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَعَلَىٰ اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ
 ﴿١١﴾ وَمَا لَنَا أَلَّا نَتَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ وَقَدْ هَدانا سُبُلَنَا وَلَنَصْبِرَنَّ
 عَلَىٰ مَاءٍ أَذِيْتُمْونَا وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ
 ﴿١٢﴾ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّسُلُ هُمْ لَنُخْرِجَنَّكُمْ مِنْ أَرْضِنَا
 أَوْ لَتَعُودَنَّ فِي مِلَّتِنَا فَأَوْحَىٰ إِلَيْهِمْ رَبُّهُمْ لَنُهْلِكَنَّ
 الظَّالِمِينَ ﴿١٣﴾ وَلَنُسَكِّنَنَّكُمْ الْأَرْضَ مِنْ بَعْدِهِمْ
 ذَٰلِكَ لِمَنْ خَافَ مَقَامِي وَخَافَ وَعِيدِ ﴿١٤﴾ وَأَسْتَفْتَحُوا
 وَخَابَ كُلُّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ ﴿١٥﴾ مِّنْ وَرَائِهِ جَهَنَّمُ وَيُسْقَىٰ
 مِنْ مَّاءٍ صَدِيدٍ ﴿١٦﴾ يَتَجَرَّعُهُ وَلَا يَكَادُ يُسِيغُهُ وَيَأْتِيهِ
 الْمَوْتُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ وَمَا هُوَ بِمَيِّتٍ ۗ وَمِنْ وَرَائِهِ
 عَذَابٌ غَلِيظٌ ﴿١٧﴾ مَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ أَعْمَالُهُمْ
 كَرَمَادٍ اشْتَدَّتْ بِهِ الرِّيحُ فِي يَوْمٍ عَاصِفٍ ۗ لَا يَقْدِرُونَ
 مِمَّا كَسَبُوا عَلَىٰ شَيْءٍ ۗ ذَٰلِكَ هُوَ الضَّلَالُ الْبَعِيدُ ﴿١٨﴾

به ایشان پیامبران ایشان گفتند نیستیم ما مگر آدمی مانند شما ولیکن خدا نعمت فراوان بهره که خواهد از بندگان خود میدهد و ما را نرسد که حجتی برایتان بیاریم مگر به حکم خدا و مسلمانان بر خدا باید که توکل کنند (۱۱). و ما را چیست که بر خدا توکل نکنیم و هر آئینه ما را راه های مانوده است و البته بر اذیتی که ما را کردید صبر خواهیم کرد و بر خدا باید که توکل کنندگان توکل کنند (۱۲). و کافران پیامبران خویش را گفتند البته شمارا از سرزمین خود اخراج کنیم یا در دین ما باز آید پس به سوی ایشان پروردگارا ایشان وحی فرستاد که ستمکاران را هلاک خواهیم کرد (۱۳). و شما را در زمین بعد از ایشان ساکن خواهیم ساخت این وعده برای کسی است که از ایستادن به پیشگاه من بترسد و از بیم من بترسد (۱۴). و طلب فتح کردند و هر گردن کش ستیزنده زیان کار شد (۱۵). پیش روی او دوزخ است و از آب ریم (یعنی چرک و خون جهنمیان) نوشانیده شود (۱۶). آن را جرعه جرعه فرو کشد و نزدیک نبود از آنکه آن را بسهولت در کشد و موت^(۵) از هر سو بیایدش حال آنکه او نخواهد مرد و پیش روی او عذابی سخت است (۱۷). مثال آنانکه به پروردگار خویش نامعتقد شدند (این است که) اعمال ایشان مانند خاکستری بود که سخت وزید بر آن باد در روزی که باد تند دارد قدرت ندارند بر هیچ چیز از آنچه کسب کرده بودند این گمراهی دور است^(۶) (۱۸).

(۵) یعنی اسباب موت بیایدش.

(۶) یعنی اعمال ایشان همه بر باد شوند و بدان متفع نگردند و الله اعلم.

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ إِنْ يَشَأْ
 يُدْهِبِكُمْ وَيَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِيدٍ ﴿١١﴾ وَمَا ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ بِعَزِيزٍ
 ﴿١٢﴾ وَبَرَزُوا لِلَّهِ جَمِيعًا فَقَالَ الضُّعَفَاءُ لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا
 إِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا فَهَلْ أَنْتُمْ مُّعْتَدُونَ عَنَّا مِنْ عَذَابِ اللَّهِ
 مِنْ شَيْءٍ قَالُوا لَوْ هَدَانَا اللَّهُ لَهَدَيْنَاكُمْ سَوَاءٌ عَلَيْنَا
 أَجْرُنَا أَمْ صَبْرُنَا مَا لَنَا مِنْ مَحِيسٍ ﴿١٣﴾ وَقَالَ الشَّيْطَانُ لِمَا
 قُضِيَ الْأَمْرُ إِنَّ اللَّهَ وَعَدَكُمْ وَعَدَ الْحَقِّ وَعَدْتُكُمْ
 فَأَخْلَفْتُكُمْ وَمَا كَانَ لِي عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ إِلَّا
 أَنْ دَعَوْتُكُمْ فَاسْتَجَبْتُمْ لِي فَلَا تَلُمُونِي وَلُومُوا أَنْفُسَكُمْ
 مَا أَنَا بِمُصْرِخِكُمْ وَمَا أَنْتُمْ بِمُصْرِخِي إِنْ كَفَرْتُمْ
 بِمَا أَشْرَكْتُمْ مِنْ قَبْلُ إِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ
 أَلِيمٌ ﴿١٤﴾ وَأَدْخِلَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ
 تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا يَأْذِنُ رَبُّهُمْ تَحِيَّتُهُمْ
 فِيهَا سَلَامٌ ﴿١٥﴾ أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً
 كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ ﴿١٦﴾

آیاندیدی که خدا آسمان ها وزمین را بتدبیر درست و محکم آفرید اگر بخواهد شمارا از میان بردارد و آفرینشی نوین بیارد (۱۹). و این برخدا دشوار نیست (۲۰). وهمگی پیش خدا حاضر شوند پس ضعیفان گردن کشان را (یعنی تابعان پیش روان را) گویند هرآئینه ما تابع شما بودیم پس آیا شما از ما پاره ای ازعذاب خدا را دفع کننده هستید گویند اگر خدا ما را راه می نمود، شمارا راهنمایی می کردیم برابر است بر ما که بی تابی کنیم یا شکیبایی ورزیم ما را هیچ گریزگاهی ونجات دهنده ای نیست (۲۱). و شیطان گفت وقتی که کار فیصله کرده شد^(۷) هرآئینه خدا شما را وعده داد وعده^۷ راست و شما را وعده دادم پس من باشما خلاف وعده کردم و مرا بر شما هیچ تسلط نبود لیکن بود آنکه شما را بخواندم پس سخن مرا قبول کردید پس مرا ملامت مکنید وخویش را ملامت کنید نیستم فریادرس شما وشما فریادرس من نیستید هرآئینه من از آنکه مرا شریک مقرر کردید پیش ازین بیزار شدم هرآئینه ستمکاران ایشان را عذاب دردناک است (۲۲). و درآورده شدند آنانکه ایمان آوردند وکارهای شایسته کردند به بوستانهائیکه زیر آنها جویها می رود جاودان در آن به حکم پروردگار خویش، دعای خیرایشان بایکدیگر آنجا سلام است (۲۳). آیا ندیدی خدامثال سخن پاکیزه را چگونه زد مانند درخت پاکیزه که ریشه اش استوار باشد وشاخه اش در آسمان (۲۴).

(۷) مترجم گوید یعنی وقتی که بهشتیان به بهشت در آیند ودوزخیان ره دوزخ گیرند والله اعلم.

تَوْتِي أَكُلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ
لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ﴿٢٥﴾ وَمَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ
كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ مَا لَهَا مِنْ
قَرَارٍ ﴿٢٦﴾ يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ
الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ وَيُضِلُّ اللَّهُ الظَّالِمِينَ وَيَفْعَلُ اللَّهُ
مَا يَشَاءُ ﴿٢٧﴾ * أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ كُفْرًا
وَأَحَلُّوا قَوْمَهُمْ دَارَ الْبَوَارِ ﴿٢٨﴾ جَهَنَّمَ يَصَلُّونَهَا مِنْ مَوْبَدٍ
الْقَرَارِ ﴿٢٩﴾ وَجَعَلُوا لِلَّهِ أَنْدَادًا لِيُضِلُّوا عَنْ سَبِيلِهِ قُلْ
تَمَتَّعُوا فَإِن مَصِيرَكُمْ إِلَى النَّارِ ﴿٣٠﴾ قُلْ لِعِبَادِيَ الَّذِينَ
ءَامَنُوا يُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً
مِّن قَبْلِ أَن يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا بَيْعٌ فِيهِ وَلَا خِلَالٌ ﴿٣١﴾ اللَّهُ الَّذِي
خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ
بِهِ مِنَ الشَّجَرَاتِ بِرِزْقٍ لَكُمْ وَسَخَّرَ لَكُمُ الْفُلْكَ لِتَجْرِيَ
فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَسَخَّرَ لَكُمُ الْأَنْهَارَ ﴿٣٢﴾ وَسَخَّرَ لَكُمُ
الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ دَائِبِينَ وَسَخَّرَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ ﴿٣٣﴾

میوه های خود را هرفصلی به حکم پروردگار خویش می دهد و خدا مثل ها را برای مردمان می زند تا بُود که پندپذیر شوند (۲۵). و مثل سخن ناپاک مانند درخت ناپاک است که برکنده شد از بالای زمین اوراهیچ استقراری نیست^(۸) (۲۶). و خدا مسلمانان را بر سخن درست درزندگانی دنیا و در آخرت استوار می سازد و خدا ستمکاران را گمراه میسازد و میکند خدا آنچه می خواهد^(۹) (۲۷). آیانیدی به سوی آنانکه نعمت خدا را بناسپاسی^(۱۰) بدل کردند و قوم خود را به سرای هلاکت فرود آوردند (۲۸). آنجا که دوزخ است در آیند و آن بد جایگاهی است (۲۹). و برای خدا همتایان مقرر کردند تا عالم را از راه او گمراه کنند بگو بهره مند شوید هر آئینه بازگشت شما به سوی آتش است (۳۰). بگو آن بندگان مرا که ایمان آورده اند نماز را برپا دارند و از آنچه ما روزی دادیم ایشان را پنهان و آشکارا پیش از آنکه بیاید روزی که خرید و فروش نیست در آن خرج کنند و نه بایکدیگر دوستی ای بُود (۳۱). خدا آنست که آسمان ها و زمین را آفرید و از آسمان آب را فرو فرستاد پس به آن آب روزی برای شما از انواع میوه ها بیرون آورد و برای شما کشتی را مُسَخَّر ساخت تا بِرُود در دریابه حکم او و برای شما جویهارا مُسَخَّر ساخت (۳۲). و برای شما خورشید و ماه را که پیوسته دوانند مُسَخَّر ساخت و برای شما شب و روز را مُسَخَّر ساخت (۳۳).

(۸) یعنی شریعت حق در ملکوت ثابت است و در دنیا هر روز رواجی تازه می یابد و مردمان منتفع میشوند و ملت جاهلیت در ملکوت استقرار ندارد هر چند در میان مردم شایع شود در نهایت درهم و برهم کرده آید و الله اعلم.

(۹) یعنی وقت مرگ توفیق شهادت می دهد و وقت سوال منکر و نکیر بقول حق گویا میسازد و الله اعلم.

(۱۰) یعنی ناسپاسی کردند بشومی آن نعمت مفقود شد پس گویا نعمت دادند و کفر را خریدند و الله اعلم.

وَءَاتَاكُمْ مِنْ كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ
 لَا تَحْصُوهَا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ ﴿٣٤﴾ وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ
 رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا وَاجْنُبْنِي وَبَنِيَّ أَنْ نَعْبُدَ
 الْأَصْنَامَ ﴿٣٥﴾ رَبِّ إِنَّهُمْ أَضَلَّانَ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ فَمَنْ
 تَبِعَنِي فَإِنَّهُ مِنِّي وَمَنْ عَصَانِي فَإِنَّكَ غَافِرٌ رَّحِيمٌ ﴿٣٦﴾ رَبَّنَا
 إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بُوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ
 الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْعَدَةً مِنَ النَّاسِ
 تَهْوَى إِلَيْهِمْ وَارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ
 ﴿٣٧﴾ رَبَّنَا إِنَّكَ تَعَلَّمَ مَا خَفَىٰ وَمَا نُعَلِّبُ وَمَا يَخْفَىٰ عَلَى اللَّهِ
 مِنْ شَيْءٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ ﴿٣٨﴾ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
 وَهَبَ لِي عَلَى الْكِبَرِ إِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِنَّ رَبِّي لَسَمِيعُ
 الدُّعَاءِ ﴿٣٩﴾ رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا
 وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ ﴿٤٠﴾ رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ
 يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ ﴿٤١﴾ وَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهُ غَافِلًا عَمَّا يَعْمَلُ
 الظَّالِمُونَ إِنَّمَا يُؤَخِّرُهُمْ لِيَوْمٍ تَشْخَصُ فِيهِ الْأَبْصَارُ ﴿٤٢﴾

و شما را از هر چه خواستید داد و اگر نعمت خدا را بشمارید آن را نتوانید احاطه کرد هر آئینه انسان ستمکار ناسپاس است (۳۴). و یا دکن چون ابراهیم گفت ای پروردگار من این شهر را جای امن بکن و دوربدار مرا و فرزندان مرا از آنکه عبادت بتان کنیم (۳۵). ای پروردگار من این بتان بسیاری را از مردمان گمراه کرده اند پس هر که پیروی من کرد پس هر آئینه او از من است و هر که مرا نافرمانی کرد پس هر آئینه تو آمرزنده^{۱۱} مهربانی (۳۶). ای پروردگار ما هر آئینه من بعضی از اولاد خود را^(۱۱) بوادی بی زراعت نزدیک خانه^{۱۱} محترم تو ساکن ساختم، ای پروردگار ما تا نماز را برپا دارند پس دلهایی چند را از مردمان رغبت کننده به سوی ایشان بگردان و روزی ده ایشان را از میوه ها تا بُوَد که ایشان سپاس گزاری کنند (۳۷). ای پروردگار ما هر آئینه تو میدانی آنچه پنهان می داریم و آنچه آشکار می کنیم و بر خدا هیچ چیزی نه در زمین و نه در آسمان پوشیده نمی ماند (۳۸). سپاس آن خدای راست که مرا با وجود کهن سالی اسمعیل و اسحاق را عطا کرد هر آئینه پروردگار من شنونده^{۱۱} دعاست (۳۹). ای پروردگار من مرا برپا دارنده^{۱۱} نماز بگردان و از فرزندان من نیز ای پروردگار ما دعای مرا قبول کن (۴۰). ای پروردگار مرا و مادر و پدر مرا و مسلمانان را روزی که حساب برپا شود بیامرز (۴۱). و هر گز خدا را بی خبر از آنچه ستمکاران می کنند مپندار جزاین نیست که ایشان را برای روزیکه در آن چشم ها خیره شوند مهلت می دهد (۴۲).

(۱۱) مترجم گوید یعنی خانواده بی وسیله را والله اعلم.

مُهْطِعِينَ مُقْنِعِي رُءُوسِهِمْ لَا يَرْتَدُّ إِلَيْهِمْ طَرْفُهُمْ
 وَأَفْعَدَتْهُمْ أَهْوَاءَهُمْ ﴿٤٣﴾ وَأَنْذِرِ النَّاسَ يَوْمَ يَأْتِيهِمُ الْعَذَابُ
 فَيَقُولُ الَّذِينَ ظَلَمُوا رَبَّنَا أَخْرِنَا إِلَى أَجَلٍ قَرِيبٍ نَحْبُ
 دَعْوَتِكَ وَنَتَّبِعِ الرَّسُولَ ۖ أُولَمْ تَكُونُوا أَقْسَمْتُمْ مِّنْ قَبْلُ
 مَا لَكُم مِّنْ زَوَالٍ ﴿٤٤﴾ وَسَكَنْتُمْ فِي مَسْكِنِ الَّذِينَ ظَلَمُوا
 أَنفُسَهُمْ وَتَبَيَّنَ لَكُم كَيْفَ فَعَلْنَا بِهِمْ وَضَرَبْنَا لَكُمُ
 الْأَمْثَالَ ﴿٤٥﴾ وَقَدْ مَكَرُوا مَكْرَهُمْ وَعِنْدَ اللَّهِ مَكْرُهُمْ
 وَإِن كَانَ مَكْرُهُمْ لِتَزُولَ مِنْهُ الْجِبَالُ ﴿٤٦﴾ فَلَا
 تَحْسَبَنَّ اللَّهَ مُخْلِفَ وَعْدِهِ رُسُلَهُ ۚ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ
 ذُو أَنْتِقَامٍ ﴿٤٧﴾ يَوْمَ تَبْدُلُ الْأَرْضَ غَيْرَ الْأَرْضِ وَالسَّمَوَاتُ
 وَتَرَى لِلَّهِ الْوَحِيدِ الْقَهَّارِ ﴿٤٨﴾ وَتَرَى الْمُجْرِمِينَ يَوْمَئِذٍ
 مُّقْرَنِينَ فِي الْأَصْفَادِ ﴿٤٩﴾ سَرَابِيلُهُمْ مِّنْ قَطِرَانٍ وَتَغْشَى
 وُجُوهَهُمُ النَّارُ ﴿٥٠﴾ لِيَجْزِيَ اللَّهُ كُلَّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ
 إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ ﴿٥١﴾ هَذَا بَلَّغٌ لِلنَّاسِ وَلِيُنذِرُوا بِهِ
 وَلِيَعْلَمُوا أَنَّمَا هُوَ إِلَهُ وَاحِدٌ وَلِيَذَّكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ ﴿٥٢﴾

شتاب کنندگان، سرخود بردارندگان بازنمی گردد به سوی ایشان چشم ایشان و دل‌های ایشان خالی است (۴۳). و مردمان را از روزی که به ایشان عذاب بیاید بترسان پس ظالمان گویند ای پروردگار ما ما را مهلت ده تا میعادى نزدیک تادعوت ترا اجابت کنیم و رسولان را پیروی کنیم، گفته شود به ایشان آیا قسم نمی خوردید پیش از این که شمارا هیچ زوال نباشد (۴۴). و در منازل آنانکه ستم کردند بر خویش ساکن شدید و بر شما واضح شد که به ایشان چه کردیم و برای شما مثل ما زدیم (۴۵). و هر آئینه تدبیر کردند بتدبیر خویش و علم تدبیر ایشان نزد خداست و اگر چه تدبیر ایشان چنان شدید باشد که کوهها از جای روند^(۱۲) (۴۶). پس خدا را خلاف کننده وعده بارسولان خود مپندار هر آئینه خدا غالب صاحب انتقام است (۴۷). روزی که این زمین بغیر این زمین تبدیل کرده شود و تبدیل کرده شوند آسمان ها و به پیشگاه خدای یگانه غالب ظاهر شوند (۴۸). و بینی تو آن روزگانه کاران را دست و پا بهم بسته در زنجیرها (۴۹). لباس ایشان از سُرَب گداخته باشد و روی های ایشانرا آتش بپوشد^(۱۳) (۵۰). تا جزا دهد خدا هر کسی را به آنچه کرده است هر آئینه خدا زود حساب گیرنده است (۵۱). این (قرآن) خبررسانی‌ای برای مردمان است^(۱۴) و تا به آن بیم داده شوند و تابدانند که جزاین نیست که وی خدای یگانه است و تا صاحبان عقل پندپذیر شوند (۵۲).

(۱۲) یعنی (بازهم) مکر ایشان ضعیف است والله اعلم.

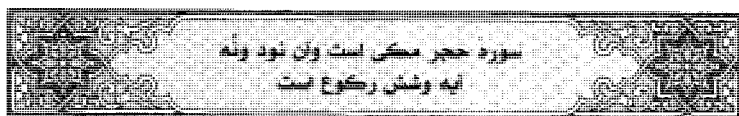
(۱۳) قطران چیزی سیاه بیدودارست که آتش دران زودمی گیرد والله اعلم.

(۱۴) یعنی نازل کرده شده است برای تبلیغ.

سورة الحجر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الرَّتْلِكَ ءَايَاتِ الْكِتَابِ وَقُرْءَانِ مُبِينٍ ۝١ رَبَّمَا يُوَدُّ
 الَّذِينَ كَفَرُوا لَوِ كَانُوا مُسْلِمِينَ ۝٢ ذَرَّهُمْ يَأْكُلُوا
 وَيَتَمَتَّعُوا وَيُلْهِهُمُ الْأَمَلُ فَسَوْفَ يَعْمُونَ ۝٣ وَمَا أَهْلَكْنَا
 مِنْ قَرْيَةٍ إِلَّا وَلَهَا كِتَابٌ مَّعْلُومٌ ۝٤ مَا تَسْبِقُ مِنْ أُمَّةٍ
 أَجْلَهَا وَمَا يَسْتَخِرُونَ ۝٥ وَقَالُوا يَا أَيُّهَا الَّذِي نُزِّلَ عَلَيْهِ
 الذِّكْرُ إِنَّكَ لَمَجْنُونٌ ۝٦ لَوْ مَا تَأْتِينَا بِالْمَلَكَةِ إِن كُنْتَ
 مِنَ الصَّادِقِينَ ۝٧ مَا نُنزِلُ الْمَلَكَةَ إِلَّا بِالْحَقِّ وَمَا كَانُوا
 إِذًا مُنظَرِينَ ۝٨ إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ ۝٩
 وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي شِيَعِ الْأَوَّلِينَ ۝١٠ وَمَا يَأْتِيهِمْ
 مِنْ رَسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ ۝١١ كَذَلِكَ نَسْلُكُهُ
 فِي قُلُوبِ الْمُجْرِمِينَ ۝١٢ لَا يُؤْمِنُونَ بِهِ وَقَدْ خَلَتْ سُنَّةُ الْأَوَّلِينَ
 ۝١٣ وَلَوْ فَتَحْنَا عَلَيْهِم بَابًا مِنَ السَّمَاءِ فَظَلُّوا فِيهِ يَعْرُجُونَ ۝١٤
 لَقَالُوا إِنَّمَا سُكَّرَتْ أَبْصَرُنَا بَلْ نَحْنُ قَوْمٌ مَسْحُورُونَ ۝١٥



بنام خدای بخشاینده مهربان.

الرّ این آیه های کتاب الهی و قرآن روشن است (۱). چه بسا بود که دوست دارند کافران ای کاش مسلمان می بودند (۲). ایشان را بگذار تابخورند و بهره مند شوند و ایشان را امید مشغول کند و سپس خواهند دانست (۳). و هیچ دهی را هلاک نکردیم مگر که وی را اجلی معلوم بود (۴). سبقت نمی کند هیچ گروهی از مدت خود و نه تاخیر می کنند (۵). و گفتند کافران ای کسی که بروی قرآن فرود آورده شده است هرآئینه تو دیوانه ای (۶). چرا پیش ما فرشتگان را نمی آوری اگر از راست گویان هستی (۷). فرو نمی فرستیم فرشتگان را مگر بتدبیر محکم و آنگاه مهلت داده شده نباشند (۸). هرآئینه قرآن را فرو فرستادیم و هرآئینه ما او را نگاهبانیم (۹). و هرآئینه پیامبران را پیش از تو در فرقه های پیشینان فرستاده ایم (۱۰). و نمی آید به ایشان هیچ فرستاده ای مگر بودند که به او تمسخر می کردند (۱۱). همچنین استهزاء را در دل های گناه کاران (یعنی کفار مکه) درمی آوریم (۱۲). به قرآن ایمان نیاورند و هرآئینه آئین پیشینان گذشت (۱۳). و اگر برایشان دری از آسمان بگشاییم پس به این صفت شوند که از آن پیوسته بالا میروند (۱۴). البته جز این نیست که گویند بسته شده چشم های ما بلکه ما قومی جادوزده هستیم (۱۵).

وَلَقَدْ جَعَلْنَا فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَزَيَّنَّاهَا لِلنَّاظِرِينَ ﴿١٦﴾
 وَحَفِظْنَاهَا مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ رَجِيمٍ ﴿١٧﴾ إِلَّا مَنْ أَسْرَقَ السَّمْعَ
 فَاتَّبَعَهُ وَشَهَابٌ مُبِينٌ ﴿١٨﴾ وَالْأَرْضَ مَدَدْنَاهَا وَأَلْقَيْنَا فِيهَا
 رَوَاسِيَ وَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَوْزُونٍ ﴿١٩﴾ وَجَعَلْنَا لَكُمْ
 فِيهَا مَعَايِشَ وَمَنْ لَسْتُمْ لَهُ بِرَازِقِينَ ﴿٢٠﴾ وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا
 عِنْدَنَا خِزْيَانُهُ وَمَا نُنزِلُ لَهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ ﴿٢١﴾ وَأَرْسَلْنَا
 الرِّيحَ لَوَاقِحَ فَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَسْقَيْنَاكُمُوهُ وَمَا أَنْتُمْ
 لَهُ بِخَازِنِينَ ﴿٢٢﴾ وَإِنَّا لَنَحْنُ نُحْيِيهِ وَنُمِيتُهُ وَنَحْنُ الْوَارِثُونَ ﴿٢٣﴾
 وَلَقَدْ عَلِمْنَا الْمُسْتَقْدِمِينَ مِنْكُمْ وَلَقَدْ عَلِمْنَا الْمُسْتَأْخِرِينَ
 ﴿٢٤﴾ وَإِنَّ رَبَّكَ هُوَ يَحْشُرُهُمْ إِنَّهُ حَكِيمٌ عَلِيمٌ ﴿٢٥﴾ وَلَقَدْ خَلَقْنَا
 الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَلٍ مِنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ ﴿٢٦﴾ وَالْجَانَّ خَلَقْنَاهُ مِنْ
 قَبْلُ مِنْ نَارِ السَّمُومِ ﴿٢٧﴾ وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَأِكَةِ إِنِّي خَلِقُ بَشَرًا
 مِنْ صَلْصَلٍ مِنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ ﴿٢٨﴾ فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَوَضَعْتُ فِيهِ
 مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ وَسَجِدُوا لَهُ ﴿٢٩﴾ فَسَجَدَ الْمَلَأِكَةُ كُلُّهُمْ
 أَجْمَعُونَ ﴿٣٠﴾ إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى أَنْ يَكُونَ مَعَ السَّاجِدِينَ ﴿٣١﴾

وهرآئینه درآسمان برجها را پیدا کردیم و بیاراستیمش برای بینندگان (۱۶). و ازهر شیطان رانده شده نگاهداشتیمش (۱۷). مگر آنکه بلزدی شنود پس درپی وی آتش آشکار افتد (۱۸). و زمین را گسترانیدیم و درآن کوه ها را انداختیم و درآن ازجنس هر چیز سنجیده رؤیائیدیم^(۱) (۱۹). و برای شمارآن جا اسباب معیشت ساختیم و برای شماآنکه نیستید اورا روزی دهنده^(۲) ساختیم (۲۰). نیست هیچ چیز مگر نزد ماخزانه‌های اوست و آن را مگر باندازه مقرر فرود نمی آوریم (۲۱). و بادها را باردارکننده ابر فرستادیم پس ازآسمان آب را فرود آوردیم پس شمارآن آب نوشانیدیم و شماآن را جمع کننده نیستید (۲۲). وهرآئینه مازنده می سازیم و می میرانیم و ماییم وارث (۲۳). و به یقین (حال) پیشینیان را از شما دانسته ایم و به یقین (حال) پسینیان را دانسته ایم (۲۴). وهرآئینه پروردگار تو اوست که ایشان را برانگیزد هرآئینه او استوارکارداناست (۲۵). و به یقین آدمی را ازگل خشک از نوع گل سیاه بوی گرفته آفریدیم (۲۶). و جنهارا پیش ازین ازآتش سوزان پیدا کردیم (۲۷). و یادکن چون پروردگار تو فرشتگان را گفت هرآئینه من آدمی را ازگل خشک از نوع گل سیاه بوی گرفته آفریننده ام (۲۸). پس چون راست کنمش و در وی ازروح خود بدمم پس پیش او سجده کنان درافتید (۲۹). پس فرشتگان تمام ایشان همه يك جا سجده کردند (۳۰). مگر ابلیس سرباز زد ازآنکه باشد باسجده کنندگان (۳۱).

(۱) یعنی هر نوع را صورتی و صفتی است که از آن جا تجاوز نمیکند.

(۲) یعنی غلامان و جانوران و الله اعلم.

قَالَ يَا بَلِيسَ مَا لَكَ أَلَّا تَكُونَ مَعَ السَّاجِدِينَ ﴿٢١﴾ قَالَ لَمَ أَكُنْ
 لِأَسْجُدَ لِبَشَرٍ خَلَقْتَهُ وَمِنْ صَالِحٍ مِّنْ حَمِيمٍ ﴿٢٢﴾
 قَالَ فَأَخْرِجْ مِنْهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٌ ﴿٢٣﴾ وَإِنَّ عَلَيْكَ اللَّعْنَةَ إِلَى يَوْمِ
 الدِّينِ ﴿٢٤﴾ قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ ﴿٢٥﴾ قَالَ فَإِنَّكَ
 مِنَ الْمُنظَرِينَ ﴿٢٦﴾ إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ ﴿٢٧﴾ قَالَ رَبِّ بِمَا
 أَغْوَيْتَنِي لَأُزَيِّنَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَلَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ
 ﴿٢٨﴾ إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ ﴿٢٩﴾ قَالَ هَذَا صِرَاطٌ عَلَيَّ
 مُسْتَقِيمٌ ﴿٣٠﴾ إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ إِلَّا مَنِ
 اتَّبَعَكَ مِنَ الْغَاوِينَ ﴿٣١﴾ وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمَوْعِدُهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٣٢﴾
 لَهَا سَبْعَةُ أَبْوَابٍ لِّكُلِّ بَابٍ مِنْهُمْ جُزْءٌ مَّقْسُومٌ ﴿٣٣﴾ إِنَّ
 الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ ﴿٣٤﴾ أَدْخُلُوهَا بِسَلَامٍ أَمِينٍ ﴿٣٥﴾
 وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِّنْ غَلٍّ إِخْوَانًا عَلَىٰ سُرُرٍ مُّتَقَابِلِينَ
 ﴿٣٦﴾ لَا يَمَسُّهُمْ فِيهَا نَصَبٌ وَمَا هُمْ مِنْهَا بِمُخْرَجِينَ ﴿٣٧﴾
 * نَبِيُّ عِبَادِي أَنِّي أَنَا الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ﴿٣٨﴾ وَأَنْتَ عَذَابِي
 هُوَ الْعَذَابُ الْأَلِيمُ ﴿٣٩﴾ وَنَبِّئْهُمْ عَنْ ضَيْفِ إِبْرَاهِيمَ ﴿٤٠﴾

خدا گفت ای ابلیس چیست تو را درین که با سجده کنندگان نمی باشی (۳۲). گفت هرگز نیستم که آدمی را که پیدا کرده ای او را از گِل خشک از نوع گِل سیاه بوی گرفته سجده کنم (۳۳). گفت پس از بهشت هر آئینه تو را نداده شده ای (۳۴). و هر آئینه تار و زقیامت بر تو لعنت است (۳۵). گفت ای پروردگار من مرا تا روزی که مردمان برانگیخته شوند مهلت ده (۳۶). گفت هر آئینه تو از مهلت داده شدگانی (۳۷). تا آن روز وقت مقرر (۳۸). گفت ای پروردگار من بسبب آنکه مرا گمراه کردی البته (معصیت را) برای ایشان در زمین بیارایم و البته همگی ایشان را گمراه سازم (۳۹). مگر بندگانِ خالص کرده^۱ تو را از ایشان (۴۰). خدا گفت این اخلاص راهیست راست، که به من می رسد (۴۱). هر آئینه بندگان من تو را برایشان غلبه نیست لیکن غلبه^۲ تو بر کسی باشد که از گمراهان پیروی تو کرد (۴۲). و هر آئینه دوزخ وعده گاه همگی ایشان است (۴۳). او را هفت دراست هر دری را از گمراهان نصیبی جدا کرده شده است (۴۴). هر آئینه پرهیزگاران در بوستان ها و چشمه ها باشند (۴۵). درینجا ایشان را گفته شود در حال امنیت در آید (۴۶). و بیرون کشیم آنچه در سینه های ایشان بود از کینه برادرانه روبه روی یکدیگر بر تخت ها نشسته اند (۴۷). به ایشان آنجا هیچ رنجی نرسد و ایشان از آنجا بیرون کرده شده نیستند (۴۸). بندگان مرا خبر ده که من آمرزنده^۳ مهربانم (۴۹). و آنکه عذاب من همان عذاب درد ناک است (۵۰). و ایشان را از مهمانان ابراهیم خبر ده (۵۱).

إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا سَلَامًا قَالَ إِنَّا مِنْكُمْ وَجَلُونَ ﴿٥٢﴾ قَالُوا
 لَا تَوْجَلْ إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَامٍ عَلِيمٍ ﴿٥٣﴾ قَالَ أَبَشَّرْتُمُونِي عَلَىٰ أَنْ
 مَسَّنِيَ الْكِبَرُ فِيمَ تَبَشِّرُونَ ﴿٥٤﴾ قَالُوا ابْشِرْنَا بِالْحَقِّ
 فَلَا تَكُن مِّنَ الْقَانِطِينَ ﴿٥٥﴾ قَالَ وَمَنْ يَقْنُطُ مِن رَّحْمَةِ
 رَبِّهِ إِلَّا الضَّالُّونَ ﴿٥٦﴾ قَالَ فَمَا خَطْبُكُمْ أَيُّهَا الْمُرْسَلُونَ
 ﴿٥٧﴾ قَالُوا إِنَّا أُرْسِلْنَا إِلَىٰ قَوْمٍ مُّجْرِمِينَ ﴿٥٨﴾ إِلَّا آلَ لُوطٍ
 إِنَّا لَمُنْجِيهِمْ أَجْمَعِينَ ﴿٥٩﴾ إِلَّا امْرَأَتَهُ قَدَّرْنَا إِنَّهَا لَمِنَ
 الْغَابِرِينَ ﴿٦٠﴾ فَلَمَّا جَاءَ آلَ لُوطٍ الْمُرْسَلُونَ ﴿٦١﴾ قَالَ
 إِنَّكُمْ قَوْمٌ مُّنْكَرُونَ ﴿٦٢﴾ قَالُوا بَلْ جِئْنَاكَ بِمَا كَانُوا فِيهِ
 يَمْتَرُونَ ﴿٦٣﴾ وَأَتَيْنَاكَ بِالْحَقِّ وَإِنَّا لَصَادِقُونَ ﴿٦٤﴾ فَأَسْرِ
 بِأَهْلِكَ بِقِطْعٍ مِّنَ اللَّيْلِ وَاتَّبِعْ أَدْبَارَهُمْ وَلَا يَلْتَفِتْ مِنْكُمْ أَحَدٌ
 وَأَمْضُوهَا حَيْثُ تُوْمَرُونَ ﴿٦٥﴾ وَقَضَيْنَا إِلَيْهِ ذَلِكَ الْأَمْرَ أَنَّ
 دَابِرَهُ هَؤُلَاءِ مَقْطُوعٌ مُّصْحِحِينَ ﴿٦٦﴾ وَجَاءَ أَهْلَ الْمَدِينَةِ
 يَسْتَبْشِرُونَ ﴿٦٧﴾ قَالَ إِنَّ هَؤُلَاءِ ضَيْفِي فَلَا تَفْضَحُونِ ﴿٦٨﴾
 وَاتَّقُوا اللَّهَ وَلَا تُخْزُونِ ﴿٦٩﴾ قَالُوا أَوْلَمْ نَنْهَك عَنِ الْعَالَمِينَ ﴿٧٠﴾

چون بروی داخل شدند پس سلام گفتند ابراهیم گفت هرآئینه ما از شما ترسانیم (۵۲). گفتند مترس هرآئینه ما ترا بفرزندی دانا مژده میدهیم (۵۳). گفت آیا مرا بشارت دادید باوجود آنکه بمن پیری رسید پس به چه چیز بشارت میدهید (۵۴). گفتند تورا براستی مژده دادیم پس ازناامیدان مباش (۵۵). گفت و کیست که از رحمت پروردگار خود نا امید شود مگر گمراهان (۵۶). گفت پس چیست خبر شما ای فرستادگان (۵۷). گفتند هرآئینه ما به سوی گروهی گنهکار فرستاده شدیم (۵۸). بجز آل لوط هرآئینه ما البته همگی ایشان را نجات خواهیم داد (۵۹). غیر از زنش که مقرر کرده ایم که البته وی از بازماندگان است (۶۰). پس هنگامیکه فرستادگان به آل لوط آمدند (۶۱). گفت هرآئینه شما گروهی نآشنایید (۶۲). گفتند بلکه آورده ایم پیش تو آنچه در آن شبهه می کردند (یعنی عقوبت) (۶۳). و پیش تو وعدهٔ راست را آورده ایم و هرآئینه ما البته راست گوییم (۶۴). پس اهل خود را به پاره ای از شب بپر و تو به دنبال ایشان برو و باید که از شما هیچکس پس پشت خود ننگرد و بروید آنجا که فرموده شوید (و آن سرزمین شام بود) (۶۵). و این امر را به سوی لوط وحی فرستادیم که بامداد بیخ ایشان بریده خواهد شد (۶۶). و اهل شهر شادی کنان آمدند (۶۷). گفت لوط هرآئینه ایشان مهمان من هستند پس مرا رسوا مکنید (۶۸). و از خدا بترسید و مرا خوار مکنید (۶۹). گفتند آیا تورا از میزبانی غریبان منع نکرده بودیم (۷۰).

قَالَ هَؤُلَاءِ بَنَاتِي إِنْ كُنْتُمْ فَعَلِينَ ﴿٧١﴾ لَعَمْرُكَ إِنَّهُمْ لَفِي سَكْرَتِهِمْ
 يَعْمَهُونَ ﴿٧٢﴾ فَأَخَذْتَهُمُ الصَّيْحَةُ مُشْرِقِينَ ﴿٧٣﴾ فَجَعَلْنَا عَلَيْهِمَا
 سَافِلَهَا وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ حِجَارَةً مِّن سِجِّيلٍ ﴿٧٤﴾ إِنَّ فِي ذَلِكَ
 لَآيَاتٍ لِّمُتَوَسِّمِينَ ﴿٧٥﴾ وَإِنَّا لِبَسِيطٍ مُّقِيمٍ ﴿٧٦﴾ إِنَّ فِي ذَلِكَ
 لَآيَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ ﴿٧٧﴾ وَإِنْ كَانَ أَصْحَابُ الْأَيْكَةِ ظَالِمِينَ ﴿٧٨﴾
 فَانْتَقَمْنَا مِنْهُمْ وَإِنَّهُمَا لَبِإِمَامٍ مُّبِينٍ ﴿٧٩﴾ وَلَقَدْ كَذَّبَ أَصْحَابُ
 الْحِجْرِ الْمُرْسَلِينَ ﴿٨٠﴾ وَءَاتَيْنَهُمْ آيَاتِنَا فَكَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ
 ﴿٨١﴾ وَكَانُوا يُنَجِّتُونَ مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا أَمِينِينَ ﴿٨٢﴾ فَأَخَذْتَهُمُ
 الصَّيْحَةُ مُصْبِحِينَ ﴿٨٣﴾ فَمَا أَغْنَىٰ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿٨٤﴾
 وَمَا خَلَقْنَا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَإِنَّ
 السَّاعَةَ لَآتِيَةٌ فَأَصْفَحْ فَأَصْفَحِ الْجَمِيلَ ﴿٨٥﴾ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ
 الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ ﴿٨٦﴾ وَلَقَدْ ءَاتَيْنَاكَ سَبْعًا مِّنَ الْمَثَانِي
 وَالْقُرْءَانَ الْعَظِيمَ ﴿٨٧﴾ لَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا
 مِنْهُمْ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَاخْفِضْ جَنَاحَكَ لِلْمُؤْمِنِينَ ﴿٨٨﴾ وَقُلْ
 إِنِّي أَنَا النَّذِيرُ الْمُبِينُ ﴿٨٩﴾ كَمَا أَنْزَلْنَا عَلَى الْمُقْتَسِمِينَ ﴿٩٠﴾

گفت این ها دختران من هستند اگر هستید کننده کاری^(۳) (۷۱). قسم بزندگان تو که این کافران درگمراهی خویش سرگردان میشوند^(۴) (۷۲). پس ایشان را آواز هولناک به هنگام طلوع آفتاب فروگرفت (۷۳). پس ساختیم آن شهر ها را زیرورو و بریشان سنگ از نوع سنگ گِل بارانیدیم^(۵) (۷۴). هرآئینه درین قصه عبرت گیرندگان را نشانه هاست (۷۵). و هرآئینه آن (شهرها) بر سرراهی هستند که دایم آمد و رفت دارد (۷۶). هرآئینه دراین نشانه‌ای برای مومنان است (۷۷). و هرآئینه اهلِ ایکه البته ستمکاران بودند (۷۸). پس ازایشان انتقام گرفتیم هردوی آنان (قوم لوط و أصحاب ایکه) بر راهی آشکار هستند (۷۹). و هرآئینه ساکنان حجر (نیز) پیامبران را تکذیب کردند (۸۰). و به ایشان آیه های خود را رسانیدیم پس از آن روگردان شدند (۸۱). و در امن و امان بودند ازکوه ها خانه هایی میتراشیدند (۸۲). پس ایشان را آوازسخت هنگام صبح گرفت (۸۳). پس دفع نکرد ازایشان آنچه کسب می کردند (۸۴). و نیافریدیم آسمان ها و زمین و آنچه را ما بین این هاست مگر به تدبیر درست و هرآئینه قیامت آمدنیست پس در گذر (یعنی ازبی ادبیهای ایشان) درگذشتن نیکو (۸۵). هرآئینه پروردگار توهمانست آفریننده دانا (۸۶). و هرآئینه تورا هفت آیه (سوره فاتحه) از آنچه (در نماز) مکرر (خوانده میشود)^(۶) دادیم و تورا قرآن بزرگ دادیم (۸۷). دوچشم خود را به سوی آنچه بهره مند ساخته ایم به آن جماعت ها از کافران باز مکن و برایشان اندوهناک مشو و بازوی خود را^(۷) برای مسلمانان پست بکن (۸۸). و بگوهر آئینه من بیم دهنده آشکارم (۸۹). عذاب را فرود خواهیم آورد همانگونه که بر تقسیم کنندگان (یعنی یهود و نصاری) فرود آورده بودیم (۹۰).

(۳) یعنی اگر قضای شهرت خواهید نکاح بنات من کنید والله اعلم.

(۴) این کلمه در وسط قصه حضرت لوط اضافه کرده شد تا تنبیه باشد بر تطبیق حال مشرکین مکه بر حال قوم لوط

و امثال ایشان والله اعلم.

(۵) مترجم گوید یعنی گل پخته مثل سنگ شده.

(۶) یعنی سوره فاتحه.

(۷) یعنی تواضع کن.

الَّذِينَ جَعَلُوا الْقُرْءَانَ عِضِينَ ﴿٩١﴾ فَوَرَّيْكَ لَسَعَلَنَّهُمْ
 أَجْمَعِينَ ﴿٩٢﴾ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٩٣﴾ فَأَصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَأَعْرِضْ
 عَنِ الْمُشْرِكِينَ ﴿٩٤﴾ إِنَّا كَفَيْنَاكَ الْمُسْتَهْزِئِينَ ﴿٩٥﴾ الَّذِينَ
 يَجْعَلُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ ﴿٩٦﴾ وَلَقَدْ نَعْلَمُ
 أَنَّكَ يَضِيقُ صَدْرُكَ بِمَا يَقُولُونَ ﴿٩٧﴾ فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَكُنْ
 مِنَ السَّاجِدِينَ ﴿٩٨﴾ وَأَعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّىٰ يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ ﴿٩٩﴾

سُورَةُ النَّحْلِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَتَىٰ أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ سُبْحٰنَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ
 ﴿١﴾ يُنزِلُ الْمَلٰٓئِكَةَ بِالرُّوحِ مِنْ أَمْرِهِ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ مِنْ
 عِبَادِهِ أَنْ أَنْذِرُوا أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاتَّقُوا ﴿٢﴾ خَلَقَ
 السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ تَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿٣﴾ خَلَقَ
 الْإِنسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُّبِينٌ ﴿٤﴾ وَالْأَنعَمَ
 خَلَقَهَا لَكُمْ فِيهَا دِفْءٌ وَمَنْفَعٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ
 ﴿٥﴾ وَلَكُمْ فِيهَا جَمَالٌ حِينَ تُرْجَوْنَ وَحِينَ تَسْرَحُونَ ﴿٦﴾

آنانکه کتاب الهی را پاره پاره ساختند^(۸) (۹۱). پس قسم به پروردگار تو البته همگی ایشان را سوال کنیم (۹۲). از آنچه میگردند (۹۳). پس آشکارکن به آنچه فرموده میشوی و از مشرکان اعراض کن (۹۴). هر آئینه ما تو را از شرّ ریشخند کنندگان بسنده ایم (۹۵). آنانکه به خدا معبود دیگری را مقرر میکنند پس زود میدانند (۹۶). به راستی می دانیم از حال تو که سینه تو تنگ می شود از آنچه می گویند (۹۷). پس پروردگار خود را با ستایش او به پاکی یاد کن و از سجده کنندگان باش (۹۸). و پروردگار خود را تا وقتیکه به تو مرگ برسد عبادت کن (۹۹).



بنام خدای بخشاینده مهربان.

حکم خدا آمد پس به شتاب آن را^(۱) طلب مکنید پاک است خدا و بلند قدرست از آنچه شریک او مقرر می کنند (۱). فرشتگان را با وحی باراده خود بر هر که خواهد از بندگانش فرود می آورد که بترسانید (باین مضمون که خدا میفرماید) که هیچ معبود برحق مگر من نیست پس از من بترسید (۲). آسمان ها و زمین را به تدبیر درست آفرید از آنچه شریک او مقرر میکنند بر تر و بالاتر است (۳). آدمی را از منی آفرید، پس ناگهان وی ستیزنده آشکار است (۴). و چهار پایان را برای شما آفرید، در آنها پوششی و منفعت های دیگر است و بعضی از آنها را میخورید (۵). و شما را در آنها آرایش است چون وقت شام از صحرا بازمی آورید و چون به سوی صحرا آنها را می فرستید (۶).

(۸) مترجم گوید یعنی اهل کتاب که بر بعض آیات عمل می کردند و بر بعضی نه والله اعلم.

(۱) یعنی غلبه دین اسلام و تعذیب کفار به یقین شدنی است چرا شتاب میکنند والله اعلم.

وَتَحْمِلُ أَثْقَالَكُمْ إِلَىٰ بَلَدٍ لَّمْ تَكُونُوا بِلَاغِيهِ إِلَّا شِقَاقَ
 الْأَنْفُسِ إِنَّ رَبَّكُمْ لَرءُوفٌ رَّحِيمٌ ﴿٧﴾ وَالْخَيْلَ وَالْبِغَالَ
 وَالْحَمِيرَ لِتَرْكَبُوهَا وَزِينَةً وَيَخْلُقُ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿٨﴾
 وَعَلَى اللَّهِ قَصْدُ السَّبِيلِ وَمِنْهَا جَائِرٌ وَلَوْ شَاءَ لَهَدَاكُمْ
 أَجْمَعِينَ ﴿٩﴾ هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لَكُمْ
 مِنْهُ شَرَابٌ وَمِنْهُ شَجَرٌ فِيهِ تُسِيمُونَ ﴿١٠﴾ يُنْبِتُ لَكُمْ
 بِهِ الزَّرْعَ وَالزَّيْتُونَ وَالنَّخِيلَ وَالْأَعْنَابَ وَمِنْ كُلِّ
 الثَّمَرَاتِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ
 ﴿١١﴾ وَسَخَّرَ لَكُمْ الَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ
 وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ
 يَعْقِلُونَ ﴿١٢﴾ وَمَا ذَرَأَ لَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُخْتَلِفًا
 أَلْوَانُهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَذَّكَّرُونَ ﴿١٣﴾
 وَهُوَ الَّذِي سَخَّرَ الْبَحْرَ لِتَأْكُلُوا مِنْهُ لَحْمًا طَرِيًّا
 وَتَسْتَخْرِجُوا مِنْهُ حِلْيَةً تَلْبَسُونَهَا وَتَرَى الْفُلْكَ مَوَاجِرَ
 فِيهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿١٤﴾

و بارهای شمارا برمیدارند به سوی شهریکه هرگز به آن نمی رسیدید به آن مگر به مشقت جان ها هرآئینه پروردگار شما بخشاینده مهربان است (۷). و اسبان و قاطران و خران را (آفرید) تا برآن سوار شوید و برای آرایش آنچه راکه نمی دانید و می آفریند (۸). و برخدا است (هدایت مردمان به) راه راست و بعضی از راهها کج است و اگر می خواست وی همگی شمارا راه می نمود (۹). اوست آنکه از آسمان آب را برای شما فرود آورد از آن آب آشامیدنی است و از آن آب درختانی است که در آن حیوان میچرانید (۱۰). برای شما به آن آب زراعت و زیتون و درختان خرما و انگور و ازهر جنس میوه ها میرویاند، هرآئینه در این نشانه ای است گروهی را که تفکر می کنند (۱۱). و برای شما شب و روز و خورشید و ماه را رام کرد و ستارگان به فرمان وی مسخراند هرآئینه در این نشانه هاست گروهی را که درمی یابند (۱۲). و (مسخر کرد) آنچه برای شما در زمین گوناگون رنگهای او^(۲) آفرید هرآئینه در این نشانه ای است گروهی راکه پند می پذیرند (۱۳). و اوست آن که دریا را مسخر ساخت تا از آن گوشت تازه (یعنی ماهی) بخورید و تابیرون آورید از آن پیرایه ای که آن را بپوشید و می بینی کشتی ها را رونده در دریا و دریا را مسخر کرد تا از فضل او طلب معیشت کنید و تابود که شکر کنید (۱۴).

(۲) یعنی از انواع حیوان و نبات.

وَالْقَى فِي الْأَرْضِ رَوَاسِي أَنْ تَمِيدَ بِكُمْ وَأَنْهَارًا وَسُبُلًا
 لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ﴿١٥﴾ وَعَلَّمَتِ وَالنَّجْمِ هُمْ يَهْتَدُونَ
 ﴿١٦﴾ أَفَمَنْ يَخْلُقُ كَمَنْ لَا يَخْلُقُ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ﴿١٧﴾ وَإِنْ
 تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا إِنَّ اللَّهَ لَغَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿١٨﴾
 وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُسْرُونَ وَمَا تَعْلَمُونَ ﴿١٩﴾ وَالَّذِينَ يَدْعُونَ
 مِنْ دُونِ اللَّهِ لَا يَخْلُقُونَ شَيْئًا وَهُمْ يُخْلَقُونَ ﴿٢٠﴾ أَمْوَاتٌ
 غَيْرُ أَحْيَاءٍ وَمَا يَشْعُرُونَ أَيَّانَ يُبْعَثُونَ ﴿٢١﴾ إِيَّاكُمْ إِلَهُ
 وَحِدٌ وَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ قُلُوبُهُمْ مُنْكَرَةٌ وَهُمْ
 مُسْتَكْبِرُونَ ﴿٢٢﴾ لَاجِرَمَ أَنْ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُسْرُونَ وَمَا
 يُعْلِنُونَ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْتَكْبِرِينَ ﴿٢٣﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ
 مَاذَا أَنْزَلَ رَبُّكُمْ قَالُوا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ ﴿٢٤﴾ لِيَحْمِلُوا
 أَوْزَارَهُمْ كَامِلَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَمِنْ أَوْزَارِ الَّذِينَ يُضِلُّونَهُمْ
 بغيرِ علمٍ الْأَسَاءَ مَا يَزِرُونَ ﴿٢٥﴾ قَدْ مَكَرَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ
 فَأَتَى اللَّهُ بُنْيَانَهُمْ مِنَ الْقَوَاعِدِ فَخَرَّ عَلَيْهِمُ السَّقْفُ
 مِنْ فَوْقِهِمْ وَأَتَاهُمُ الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ ﴿٢٦﴾

و در زمین کوه های محکم و پا برجائی افکند تا اینکه زمین شما را نلرزاند و جویها و راه هارا آفرید تا بود که راه یاب شوید (۱۵). و نشانه هایی را آفرید و به ستارگان ایشان راه می یابند (۱۶). آیا کسی که می آفریند مانند کسی است که نمی آفریند آیا پند نمی گیرید (۱۷). و اگر نعمت خدا را بشمارید آن را احاطه نکنید هر آئینه خدا آمرزنده^۱ مهربان است (۱۸). خدا میداند آنچه را که پنهان میدارید و آنچه را که آشکار میکنید (۱۹). و آنان که کافران ایشان را به جای خدا می پرستند چیزی را نمی آفرینند و خود شان آفریده می شوند (۲۰). مردگانند نه زندگان و نمی دانند کئی برانگیخته خواهند شد (۲۱). معبود شما معبودی یگانه است پس آنانکه معتقد نمی شوند به آخرت دلهای ایشان ناشناس است و ایشان سرکش اند (۲۲). بی شك خدا میداند آنچه را که پنهان میدارند و آنچه را که آشکار میکنند هر آئینه او سرکشان را دوست ندارد (۲۳). و چون گفته شود ایشان را چیست آنچه پروردگار شما فرو فرستاده است گویند افسانه های پیشینیان است (۲۴). عاقبت این گفتار آنکه بارگناه خویش را به طور کامل روز قیامت بردارند و نیز بعضی بارهای آنانکه گمراه می سازند ایشان را بغیر دانش بردارند آگاه شوید چه بد است آنچه بر میدارند (۲۵). هر آئینه بدانندیشی کردند آنانکه پیش از ایشان بودند پس (فرمان) خدا بیامد بنیادانشان را از پایه بر انداخت که سقف از فرازشان بر آنان فرو افتاد بدیشان عذاب رسید از آن جهت که نمی دانستند^(۳) (۲۶).

(۳) و این تمثیل است افساد مکر ایشانرا با بلیغترین وجه ممکن.

ثُمَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يُخْزِيهِمْ وَيَقُولُ أَيْنَ شُرَكَاءِيَ الَّذِينَ
 كُنْتُمْ تُشَاقُّونَ فِيهِمْ قَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ إِنَّ الْخِزْيَ
 الْيَوْمَ وَالسُّوءَ عَلَى الْكَافِرِينَ ﴿٢٧﴾ الَّذِينَ تَوَفَّيْتَهُمُ الْمَلَائِكَةُ
 ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ فَأَلْقَوْا السَّلَمَ مَا كُنَّا نَعْمَلُ مِنْ سُوءٍ بَلَىٰ
 إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٢٨﴾ فَادْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ
 خَالِدِينَ فِيهَا فَلَيْسَ مَشْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ ﴿٢٩﴾ * وَقِيلَ
 لِلَّذِينَ اتَّقَوْا مَاذَا أَنْزَلَ رَبُّكُمْ قَالُوا خَيْرٌ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي
 هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَلَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ وَلَنِعْمَ دَارُ الْمُتَّقِينَ
 ﴿٣٠﴾ جَنَّتٌ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا يُجْرَىٰ مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ
 لَهُمْ فِيهَا مَا يَشَاءُونَ كَذَلِكَ يَجْزِي اللَّهُ الْمُتَّقِينَ ﴿٣١﴾
 الَّذِينَ تَوَفَّيْتَهُمُ الْمَلَائِكَةُ طَيِّبِينَ يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ
 ادْخُلُوا الْجَنَّةَ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٣٢﴾ هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ
 تَأْتِيَهُمُ الْمَلَائِكَةُ أَوْ يَأْتِيَ أَمْرٌ رَبِّكَ كَذَلِكَ فَعَلَ الَّذِينَ مِنْ
 قَبْلِهِمْ وَمَا ظَلَمَهُمُ اللَّهُ وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ﴿٣٣﴾
 فَأَصَابَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا عَمِلُوا وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ ﴿٣٤﴾

دوباره روز قیامت ایشان را رسوا کند و گوید کجایند آن شریکان (دروغین) من که جنگ و جدال می کردید در حق ایشان گویند اهل علم هر آینه رسوایی و سختی امروز بر کافران است (۲۷). آنانکه فرشتگان قبض ارواح ایشان در حالی می کردند که بر خویش ستمکار بودند پس انداختند آن کافران پیغام انقیاد را که ما هرگز هیچ عمل بدی انجام نمی دادیم گفته شود آری هر آینه خدا داناست بآنچه می کردید (۲۸). پس درآید بدروازه های دوزخ جاویدان در آن جا پس بدست (دوزخ) جای سرکشان (۲۹). و به متقیان گفته شد چیست آنچه پرورگار شما فر فرستاد گفتند فرود آورده است بهترین سخن برای آنان که نیکوکاری کرده اند در این سرای حالت نیک است والبته سرای آخرت بهتراست والبته سرای متقیان در آخرت چه نیکو است (۳۰). به بوستانهایی همیشه ماندن درآیند آن جاکه زیر آنها جویها می رود، برای ایشان است در آن هر چه خواهند همچنین خدا متقیان را پاداش می دهد (۳۱). آنانکه فرشتگان قبض ارواح ایشان می کنند در حالیکه شادمان باشند گویند فرشتگان سلام بر شما باد درآید به بهشت به (پاداش) آنچه می کردید^(۴) (۳۲). کافران انتظار نمی کشند مگر آنکه به ایشان فرشتگان بیایند^(۵) یا فرمان پروردگار تو بیاید^(۶) هم چنین کردند آنانکه پیش از ایشان بودند و خدا برایشان ستم نکرد ولیکن بر خویش ستم می کردند (۳۳). پس به ایشان جزای گناهان اعمال ایشان رسید و به ایشان آنچه به آن استهزاء و ریشخند می کردند فرود آمد (۳۴).

(۴) مترجم گوید خدای تعالی این دو صورت را برای بیان حال و حال و مآل اهل سعادت و اهل شقاوت نازل فرموده والله اعلم.

(۵) یعنی برای قبض ارواح.

(۶) یعنی عذاب او.

وَقَالَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا عَبَدْنَا مِنْ دُونِهِ مِنْ شَيْءٍ نَحْنُ وَلَا آبَاؤُنَا وَلَا حَرَمْنَا مِنْ دُونِهِ مِنْ شَيْءٍ كَذَلِكَ فَعَلَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَهَلْ عَلَى الرُّسُلِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ ﴿٢٥﴾ وَلَقَدْ بعثنا في كل أمة رسولا أن اعبدوا الله واجتنبوا الطُّغُوتَ فَمِنْهُمْ مَنْ هَدَى اللَّهُ وَمِنْهُمْ مَنْ حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلَالَةُ فسيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كيف كان عاقبة المكذِبين ﴿٢٦﴾ إن تحرَّص على هداهم فإن الله لا يهدي من يضلُّ وما لهم من نصيرين ﴿٢٧﴾ وأقسموا بالله جهداً أيمنهم لا يبعث الله من يموت بلى وعداً عليه حقا ولكن أكثر الناس لا يعلمون ﴿٢٨﴾ ليبين لهم الذي يخْتَلِفُونَ فِيهِ وَلِيَعْلَمَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّهُمْ كَانُوا كاذِبِينَ ﴿٢٩﴾ إِنَّمَا قَوْلُنَا لِشَيْءٍ إِذَا أَرَدْنَاهُ أَنْ نَقُولَ لَهُ وَكُنْ فَيَكُونُ ﴿٤٠﴾ وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا ظَاهَرُوا لِنَبِيِّنَّهِمْ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَلَا جُرْأَلِيزَةً أَكْبَرُوا لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ﴿٤١﴾ الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ ﴿٤٢﴾

و مشرکان گفتند اگر خدا نمی خواست بجزوی هیچ چیزی را نه ما و نه پدران ما نمی پرستیدیم و بغیر از فرمان وی هیچ چیزی را حرام نمی دانستیم^(۷) هم چنین کردند آنانکه پیش از ایشان بودند پس بر پیامبران بجز خبر رسانیدن آشکار نیست (۳۵). و به یقین فرستادیم در هراقتی پیامبری را که عبادت خدا کنید و از بتان دوری کنید پس از ایشان کسی بود که خدا راه نمودش و از ایشان کسی بود که بروی گمراهی ثابت شد پس گردش کنید در زمین پس بنگرید چگونه شد سرانجام تکذیب کنندگان (۳۶). اگر بر هدایت ایشان کوشش کنی چه سود هر آئینه خدا راه نمی نماید آن را که گمراه میسازد و نیست برای ایشان (روز قیامت) هیچ یاری دهنده (۳۷). و به خدا قسم خوردند به محکم ترین سوگند های خود که خدا مرده را بر نمی انگیزد آری بر انگیزد وعده^۷ درست لازم شده براوست ولیکن بیشترین مردمان نمی دانند (۳۸). (آری بر انگیزد) تابیان کند برای ایشان آنچه در آن اختلاف می کنند و تا کافران بدانند که ایشان دروغگو بودند (۳۹). فرمان ما برای چیزی نیست چون آفریدنش را خواهیم مگر اورا گوئیم بشو پس می شود (۴۰). و کسانی که برای خدا هجرت (ترك دیار خود) کردند بعد از آن که برایشان ستم کرده شد (درمکه) البته ایشان را در دنیا بسرای نیک جامی دهیم و هر آئینه پاداش آخرت بزرگ تراست اگر می دانستند (۴۱). آنانکه صبر کردند و بر پروردگار خویش توکل مینمایند^(۸) (۴۲).

(۷) یعنی سلف ما جماع کرده اند و آن بدون رضای خدا منعقد نمی شود والله اعلم.

(۸) و این وعده متحقق شده و مهاجرین را به مدینه جای داد.

وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُوْحِي إِلَيْهِمْ فَسَكُّوْا أَهْلَ
 الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ﴿٤٣﴾ بِالْبَيْتِ وَالزُّبُرِ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ
 الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ ﴿٤٤﴾
 أَقَامِنَ الَّذِينَ مَكَرُوا السَّيِّئَاتِ أَنْ يَخْسِفَ اللَّهُ بِهِمُ الْأَرْضَ
 أَوْ يَأْتِيَهُمُ الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ ﴿٤٥﴾ أَوْ يَأْخُذَهُمْ
 فِي تَقَلُّبِهِمْ فَمَا هُمْ بِمُعْجِزِينَ ﴿٤٦﴾ أَوْ يَأْخُذَهُمْ عَلَى تَخَوُّفٍ فَإِنَّ
 رَبَّكُمْ لَرَءُوفٌ رَحِيمٌ ﴿٤٧﴾ أَوْ لَمْ يَرَوْا إِلَى مَا خَلَقَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ
 يَتَفَتَّحُونَ أَظْلُمَ اللَّهُ عَنِ الْيَمِينِ وَالشَّمَائِلِ سُجَّدًا لِلَّهِ وَهُمْ دَاخِرُونَ
 ﴿٤٨﴾ وَاللَّهُ يَسْجُدُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مِنْ دَابَّةٍ
 وَالْمَلَائِكَةِ وَهُمْ لَا يُسْتَكْبَرُونَ ﴿٤٩﴾ يَخَافُونَ رَبَّهُمْ مِنْ فَوْقِهِمْ
 وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ ﴿٥٠﴾ * وَقَالَ اللَّهُ لَا تَتَّخِذُوا إِلَهَيْنِ
 أُشْنَيْنِ إِنَّمَا هُوَ إِلَهُ وَحْدٌ فَأَيُّ الْفِرْعَوْنِ ﴿٥١﴾ وَهُوَ مَا فِي السَّمَوَاتِ
 وَالْأَرْضِ وَهُوَ إِلَهُ الْدِّينِ وَاصْبِرْ أَفْغَيْرَ اللَّهِ تَتَّقُونَ ﴿٥٢﴾ وَمَا يَكُ مِنْ
 نِعْمَةٍ فَمِنَ اللَّهِ ثُمَّ إِذَا مَسَّكُمُ الضُّرُّ فَإِلَيْهِ تَجْعَرُونَ ﴿٥٣﴾ ثُمَّ إِذَا
 كُشِفَ الضُّرُّ عَنْكُمْ إِذَا فَرِيقٌ مِّنْكُمْ بِرَبِّهِمْ يُشْرِكُونَ ﴿٥٤﴾

و فرستادیم پیش از تو مگر مردانی را که به سوی ایشان وحی می فرستادیم پس سوال کنید از (دانایان) اهل کتاب اگر نمی دانید^(۹) (۴۳). ایشان را بدلائل و کتاب ها فرستادیم و به سوی تو کتاب فرود آوردیم تا بیان کنی برای مردمان شریعتی را که به سوی ایشان فرود آورده شده و تا باشد که ایشان تفکر کنند (۴۴). آیا آنانکه تدبیرهای بد اندیشیدند ایمن شده اند^(۱۰) از آنکه خدا ایشان را به زمین فروبرد یا بیاید به ایشان عذاب از آن جا که ندانند (۴۵). یا ایشان را هنگام آمد و رفت ایشان بگیرد پس عاجز کننده نیستند (۴۶). یا ایشان را در حال ترس بگیرد^(۱۱) پس هر آئینه پروردگار شمالطف کننده^۱ بخشاینده است (۴۷). آیا به سوی آنچه خدا پیدا کرده است از هر چیزی نمینگرند که سایه های او از جانب راست و از جانب چپ سجده کنان برای خدا خوار شده میگردد (۴۸). و خدای را سجده می کنند آنچه از نوع جنبنده در آسمان ها و آنچه در زمین است و فرشتگان نیز سجده می کنند و ایشان سرکشی نمی کنند (۴۹). از پروردگارشان از بالای خویش می ترسند و می کنند آنچه فرموده می شوند (۵۰). و خدا گفت دومعبود را فرامگیرید جز این نیست که وی معبود یگانه است پس از من بترسید (۵۱). برای او است آنچه در آسمان ها و زمین است و برای او است عبادت لازم شده آیا از غیر خدا می ترسید (۵۲). و آنچه از نعمت باشما است از جانب خداست دوباره چون به شما سختی رسد پس به سوی او می نالید (۵۳). باز چون سختی را از سر شما بردارد ناگهان گروهی از شما به پروردگار خود شریک مقرر می کنند (۵۴).

(۹) یعنی پیامبران سابق آدمی بودند فرشته نبودند والله اعلم.

(۱۰) یعنی در حق پیامبران و مومنان.

(۱۱) یعنی بعد از اقامت قرائن هلاک.

لِيَكْفُرُوا بِمَا آتَيْنَاهُمْ فَتَمَتَّعُوا فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ ﴿٥٥﴾ وَيَجْعَلُونَ
 لِمَا لَا يَعْلَمُونَ نَصِيبًا مِّمَّا رَزَقْنَاهُمْ تَاللَّهِ لَتُسْأَلُنَّ عَمَّا كُنْتُمْ
 تَفْتَرُونَ ﴿٥٦﴾ وَيَجْعَلُونَ لِلَّهِ الْبَنَاتِ سُبْحَانَهُ، وَلَهُمْ مَا يَشْتَهُونَ
 ﴿٥٧﴾ وَإِذَا بَشَّرْنَا أَحَدَهُمْ بِالْأُنثَىٰ ظَلَّ وَجْهُهُ، وَمُسُودًا وَهُوَ كَظِيمٌ ﴿٥٨﴾
 يَتَوَارَىٰ مِنَ الْقَوْمِ مِنْ سُوءِ مَا بُشِّرَبِهِ أَيَسْكَرُ عَلَىٰ هُونٍ
 أَمْ يَدُسُّهُ فِي التُّرَابِ أَلَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ ﴿٥٩﴾ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ
 بِالْآخِرَةِ مَثَلُ السَّوْءِ وَلِلَّهِ الْمَثَلُ الْأَعْلَىٰ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ
 ﴿٦٠﴾ وَلَوْ يُؤَاخِذُ اللَّهُ النَّاسَ بِظُلْمِهِمْ مَا تَرَكَ عَلَيْهَا مِنْ دَابَّةٍ
 وَلَكِنْ يُؤَخِّرُهُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى فإِذَا جَاءَ أَجْلَهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ
 سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ ﴿٦١﴾ وَيَجْعَلُونَ لِلَّهِ مَا يَكْرَهُونَ وَتَصِفُ
 أَلْسِنَتُهُمُ الْكَذِبَ أَنَّ لَهُمُ الْحُسْنَىٰ لَآجِرًا أَنَّ لَهُمُ النَّارَ
 وَأَنَّهُمْ مُّفْرَطُونَ ﴿٦٢﴾ تَاللَّهِ لَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ أُمَمٍ مِّن قَبْلِكَ
 فزَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَلَهُمْ فَهُوَ وَيْلُهُمْ الْيَوْمَ وَلَهُمْ
 عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٦٣﴾ وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ إِلَّا لِتُبَيِّنَ لَهُمُ
 الَّذِي اخْتَلَفُوا فِيهِ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿٦٤﴾

تا ناسپاسی کنند به آنچه ایشان را دادیم پس بهره مند شوید پس زود خواهید دانست (۵۵). ومقرر کردند برای چیزی که نمیدانند (حقیقت آن را یعنی برای بتان) بهره ای از آنچه ایشان را روزی دادیم قسم به خدا البته پرسیده خواهید شد از آنچه افترا می‌کردید (۵۶). و برای خدا دختران را مقرر میکنند، او پاك است ومقرر میکنند برای خویش آنچه رغبت مینمایند^(۱۲) (۵۷). واگر یکی را از ایشان بتولّد دختر مژده داده شود روی اوسپاه گردد و او پرازندوه باشد (۵۸). بسبب ناخوشی آنچه مژده داده شد بوی از قوم پنهان شود در تامل افتد که آیا نگهدارنش باخواری یا او را درخاک در آرد آگاه شوید حکم ایشان بداست (۵۹). برای آنان که به آخرت معتقد نمی‌شوند صفت بداست و خدای راست صفت بلند و او غالب باحکمت است (۶۰). واگر خدا مردمان را به سبب ستم ایشان گرفتار کند بر زمین هیچ جنبنده ای نگذارد ولی ایشان را تا وقتی مقرر مهلت میدهد پس چون آن وقت مقرر ایشان برسد لحظه ای باز پس نمی‌مانند و نه پیش می‌روند (۶۱). ومقرر می‌کنند برای خدا آنچه را که ناپسند می‌شمارند^(۱۳) و زبانهای ایشان سخن دروغ را بیان می‌کند که ایشان را نیکویی باشد^(۱۴) شکی نیست در آنکه ایشان را آتش باشد و آنکه ایشان به دوزخ پیش فرستادگانند (۶۲). قسم به خدا هر آئینه (پیامبران را) فرستادیم به سوی امتانی که پیش از تو بودند پس شیطان برای ایشان کردارهای ایشان را بیاراست پس او یار این کافران است امروز ایشان را عذاب درد ناك است (۶۳). و بر تو کتاب را فرونیاوردیم مگر برای آنکه برای ایشان بیان کنی آنچه را که در آن اختلاف کردند و برای راه نمودن و بخشایش قومی که ایمان می‌آورند (۶۴).

(۱۲) یعنی پسران را.

(۱۳) یعنی دختران.

(۱۴) یعنی نجات در آخرت.

وَاللَّهُ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَحْيَاهُ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِقَوْمٍ يَسْمَعُونَ ﴿٦٥﴾ وَإِنَّ لَكُمْ فِي الْأَنْعَامِ لَعِبْرَةً لَسُقِيَكُمْ مِمَّا فِي بُطُونِهِ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِمَّا خَلَا خَلِصًا سَائِغًا لِلشَّرْبِ بَيْنَ يَدَيْهِ وَمِنْ ثَمَرَاتِ النَّخِيلِ وَالْأَعْنَابِ تَتَّخِذُونَ مِنْهُ سَكَرًا وَرِزْقًا حَسَنًا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ﴿٦٦﴾ وَأَوْحَى رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ أَنْ اتَّخِذِي مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا وَمِنَ الشَّجَرِ وَمِمَّا يَعْرِشُونَ ﴿٦٧﴾ ثُمَّ كُلِي مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ فَاسْلُكِي سُبُلَ رَبِّكِ ذُلَالًا يَخْرُجُ مِنْ بُطُونِهَا شَرَابٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ﴿٦٨﴾ وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ ثُمَّ يَتَوَفَّاكُمْ وَمِنْكُمْ مَنْ يُرَدُّ إِلَى أَرْدَلِ الْعُمُرِ لِكَيْ لَا يَعْلَمَ بَعْدَ عِلْمٍ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ قَدِيرٌ ﴿٦٩﴾ وَاللَّهُ فَضَّلَ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ فِي الرِّزْقِ فَمَا الَّذِينَ فُضِّلُوا بِرَادِي رِزْقِهِمْ عَلَى مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَهُمْ فِيهِ سَوَاءٌ أَفَبِعِزَّةِ اللَّهِ يَجْحَدُونَ ﴿٧٠﴾ وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ بَنِينَ وَحَفَدَةً وَرِزْقَكُمْ مِنْ الْأَطْيَابِ أَفَبِالْبَاطِلِ يُؤْمِنُونَ وَبِنِعْمَتِ اللَّهِ هُمْ يَكْفُرُونَ ﴿٧١﴾

و خدا از آسمان آب را فرود آورد پس به آن زمین را بعد مرگ آن زنده ساخت هر آئینه در این نشانه است گروهی را که می شنوند (۶۵). و هر آئینه شما را در چهار پایان پندی هست، می نوشانیم شما را از جمله آنچه در شکم های آنها است از میان سرگین و خون، شیر خالص گوارا برای آشامندگان (۶۶). و از میوه های درختان خرما و درختان انگور قسمی هست که از آن شراب مست کننده میسازید و از آن روزی حلال میسازید هر آئینه در این نشانه است گروهی را که درمی یابند (۶۷). و الهام فرستاد پروردگار تو به سوی زنبور عسل که خانه ها از کوه ها و از درختان بساز و از آنچه مردمان بنامی کنند (۶۸). باز بخور از هر جنس میوه ها و (بافرمانبرداری) راه های پروردگار خویش را در پیش گیر برمی آید از شکم های این زنبوران آشامیدنی رنگ هایش گوناگون، در آن آشامیدنی مردمان را شفاست هر آئینه درین مقدمه نشانه ای است گروهی را که تفکر می کنند (۶۹). و خدا شما را آفرید باز شما را می میراند و از شما کسی هست که به خوارترین عمر برگردانده میشود مالش آنکه بعد از دانستن چیزی را نداند هر آئینه خدا دانای توانا است (۷۰). و خدا بعضی از شما را بر بعضی (دیگری) در روزی فضل داد پس نیستند آنانکه افزونی داده شدند روزی خود را بر مملوکان خود بازگرداننده تا همه ایشان در روزی برابر باشند آیا نعمت خدا را انکار می نمایند^(۱۵)؟ (۷۱). و خدا برای شما از جنس شما زنان را آفرید و برای شما از زنان شما فرزندان و نوادگان را آفرید و شما را از پاکیزه ها روزی داد آیا به باطل می گروند و به نعمت خدایشان ناسپاسی مینمایند (۷۲).

(۱۵) یعنی هیچ کس نمی خواهد که مملوکان خود را برابر خود سازد والله اعلم.

وَيَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَمْلِكُ لَهُمْ رِزْقًا مِّنَ السَّمَوَاتِ
 وَالْأَرْضِ شَيْئًا وَلَا يَسْتَطِيعُونَ ﴿٧٣﴾ فَلَا تَضْرِبُوا لِلَّهِ الْأَمْثَالَ
 إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ﴿٧٤﴾ * ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا عَبْدًا
 مَّمْلُوكًا لَا يَقْدِرُ عَلَى شَيْءٍ وَمَن رَزَقْنَاهُ مِنَّا رِزْقًا حَسَنًا
 فَهُوَ يَفْقَهُ مِنْهُ سِرًّا وَجَهْرًا هَلْ يَسْتَوُونَ الْحَمْدُ لِلَّهِ
 بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٧٥﴾ وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَجُلَيْنِ
 أَحَدُهُمَا أَبْكَمٌ لَا يَقْدِرُ عَلَى شَيْءٍ وَهُوَ كَلٌّ عَلَى مَوْلَاهُ
 أَيْنَمَا يُوَجِّههُ لَأَيِّاتٍ بِخَيْرٍ هَلْ يَسْتَوِي هُوَ وَمَن يَأْمُرُ
 بِالْعَدْلِ وَهُوَ عَلَى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ ﴿٧٦﴾ وَلِلَّهِ غَيْبُ
 السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا أَمْرُ السَّاعَةِ إِلَّا كَلَمَحٍ
 الْبَصَرِ أَوْ هُوَ أَقْرَبُ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٧٧﴾
 وَاللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِّن بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئًا
 وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَرَ وَالْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ
 تَشْكُرُونَ ﴿٧٨﴾ أَلَمْ يَرَوْا إِلَى الطَّيْرِ مُسَخَّرَاتٍ فِي جَوْ السَّمَاءِ
 مَا يَمْسِكُهُنَّ إِلَّا اللَّهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿٧٩﴾

و به جای خدا کسی را می پرستند که برای ایشان روزی دادن چیزی را از آسمان ها و زمین مالک نیستند و نمی توانند (۷۳). پس برای خدا مثلها مزیند هر آئینه خدا می داند و شما نمی دانید (۷۴). خدا داستان بنده مملوکی که بر هیچ چیزی توانایی ندارد بیان کرد و کسی که دادیمش از نزد خود روزی نیک پس وی از آن روزی پنهان و آشکارا خرج میکند آیا برابر می شوند، همه ستایش خدای را است بلکه اکثر ایشان نمی دانند (۷۵). و خدا داستانی (دیگر) بیان کرد دومرد یکی از ایشان گنگ است بر چیزی قدرت ندارد و او برخواجه خود سربار است هر کجا فرستدش از آن جا هیچ نیکی نمی آورد آیا برابرست این شخص و کسی که مردمان را بعدل دستود می دهد و خودش بر راه راست است^(۱۶) (۷۶). علم پنهان آسمان ها و زمین فقط برای خداست و نیست کار قیامت (یعنی نزد قدرت او) مگر مانند چشم بهم زدن بلکه از آن نزدیک تر است هر آئینه خدا به همه چیز تواناست (۷۷). و خدا شمارا از شکم های مادرانتان بیرون آورد چیزی را نمی دانستید و برای شما شنوایی و چشم ها و دل ها پیداساخت تا بود که شکر کنید (۷۸). آیا نگاه نکردند به سوی مرغان رام شده، در هوای آسمان ایشان را نگاه نمیدارد مگر خدا هر آئینه درین نشانه ها است گروهی را که ایمان می آوردند (۷۹).

(۱۶) مترجم گوید حاصل این دو مثل آنست که آنچه در عالم تصرف ندارد با خدا برابر نیست چنانکه مملوک ناتوان با مالک توانا برابر نیست و چنانکه گنگ بی تمیز با صاحب هدایت و اهتدابر ابر نیست.

وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ بُيُوتِكُمْ سَكَنًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنْ جُلُودِ
 الْأَنْعَامِ بُيُوتًا تَسْتَخِفُّونَهَا يَوْمَ ظَعْنِكُمْ وَيَوْمَ إِقَامَتِكُمْ
 وَمِنْ أَصْوَابِهَا وَأَوْبَارِهَا وَأَشْعَارِهَا أَثْنَاوَمَتَعًا إِلَىٰ حِينِ
 ﴿٨٠﴾ وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ مِمَّا خَلَقَ ظِلَالًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنَ
 الْجِبَالِ أَسَدًا وَجَعَلَ لَكُمْ سَرَابِيلَ تَقِيكُمُ
 الْحَرَّ وَسَرَابِيلَ تَقِيكُم بَأْسَكُمْ كَذَلِكَ يُتِمُّ نِعْمَتَهُ
 عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تُسْلِمُونَ ﴿٨١﴾ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ
 الْبَلِغُ الْمُبِينُ ﴿٨٢﴾ يَعْرِفُونَ نِعْمَتَ اللَّهِ ثُمَّ يُنْكِرُونَهَا
 وَأَكْثَرُهُمُ الْكَافِرُونَ ﴿٨٣﴾ وَيَوْمَ نَبْعَثُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ
 شَهِيدًا ثُمَّ لَا يُؤْذَنُ لِلَّذِينَ كَفَرُوا وَلَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ
 ﴿٨٤﴾ وَإِذْ آرَأَى الَّذِينَ ظَلَمُوا الْعَذَابَ فَلَا يُخَفِّفُ عَنْهُمْ وَلَا هُمْ
 يُنظَرُونَ ﴿٨٥﴾ وَإِذْ آرَأَى الَّذِينَ أَشْرَكُوا شُرَكَاءَهُمْ قَالُوا
 رَبَّنَا هَؤُلَاءِ شُرَكَائُنَا الَّذِينَ كُنَّا نَدْعُوا مِنْ دُونِكَ
 فَأَلْقُوا إِلَيْهِمُ الْقَوْلَ إِنَّكُمْ لَكَاذِبُونَ ﴿٨٦﴾ وَالْقَوْلُ إِلَىٰ
 اللَّهِ يَوْمَ يَذِ السَّلْمِ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ ﴿٨٧﴾

و خدا برای شما از خانه های شما جای سکونت ساخت و برای شما از پوست های چهار پایان خانه هایی ساخت که آن را روز سفر خود و روز اقامت خود سبک می یابید و از پشمهایشان و کرکهایشان و موهایشان اسباب خانه و (مایه^{*}) بهره مندی تا وقت مقرر ساخت (۸۰). و خدا برای شما از مخلوقات خود سایه ها پیدا ساخت و برای شما از کوه ها غارها پیدا کرد و برای شما جامه ها که شمارا از گرمی نگاه دارد^(۱۷) و جامه ها که شمارا از ضرر جنگ نگاه دارد ساخت، هم چنین نعمت خود را بر شما به تمام میرساند تا باشد که اسلام بیاورید (۸۱). پس اگر اعراض کنند جزاین نیست که بر تو پیغام رسانیدن آشکار است (۸۲). نعمت خدا را می شناسند باز انکار آن می کنند و بیشترین ایشان کافرانند (۸۳). و آن روز که از هر گروهی گواهی را^(۱۸) برانگیزیم باز اجازه داده نشود کافران را^(۱۹) (به عذرخواهی) و نه از ایشان خواسته شود که خوشنودی خدا را بجویند (۸۴). و چون ستمکاران عذاب را ببینند (اضطراب کنند) پس از ایشان سبک کرده نمی شود و نه به ایشان مهلت داده می شود (۸۵). و چون مشرکان شریکان خود را ببینند گویند ای پروردگار ما این جماعت شریکان ما ایند که به جای تو می پرستیدیم پس شریکان پیام فرستند به سوی ایشان (این سخن را) که هر آینه شما البته دروغگویانید (۸۶). و در آن روز همه تسلیم خدا شوند و گم گردد از ایشان آنچه افتراء می کردند (۸۷).

(۱۷) یعنی وازسردی نیز.

(۱۸) و آن نبی آن قوم باشد والله اعلم.

(۱۹) یعنی تا عذر خود بیان کنند.

الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ زِدْنَاهُمْ عَذَابًا
 فَوْقَ الْعَذَابِ بِمَا كَانُوا يُفْسِدُونَ ﴿٨٨﴾ وَيَوْمَ نَبْعَثُ فِي
 كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا عَلَيْهِمْ مِّنْ أَنفُسِهِمْ وَجِئْنَا بِكَ
 شَهِيدًا عَلَىٰ هَؤُلَاءِ وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ
 شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ ﴿٨٩﴾ * إِنَّ اللَّهَ
 يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَايَ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ
 الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ
 ﴿٩٠﴾ وَأَوْفُوا بِعَهْدِ اللَّهِ إِذَا عَاهَدْتُمْ وَلَا تَفْضُوا الْأَيْمَانَ
 بَعْدَ تَوْكِيدِهَا وَقَدْ جَعَلْتُمُ اللَّهَ عَلَيْكُمْ كَفِيلًا إِنَّ
 اللَّهَ يَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ ﴿٩١﴾ وَلَا تَكُونُوا كَالَّتِي نَقَضَتْ
 غَزْلَهَا مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ أَنْكَاثًا تَتَّخِذُونَ أَيْمَانَكُمْ دَخَلًا
 بَيْنَكُمْ أَنْ تَكُونَ أُمَّةٌ هِيَ أَرْبَىٰ مِنْ أُمَّةٍ إِنَّمَا يَبْلُوكُمْ اللَّهُ
 بِهِ ۗ وَلِيُبَيِّنَ لَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ
 ﴿٩٢﴾ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَٰكِنْ يُضِلُّ مَنْ
 يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَلَسْتَ لَنْ عَمَّا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٩٣﴾



آنانکه کافر شدند و^(۲۰) ازراه خدا باز داشتند ایشان را عذابی بالای عذاب افزون دهیم به سبب آنکه فساد می کردند^(۲۱) (۸۸). و آن روز که درهرامتی گواهی برایشان ازقبیلۀ ایشان برانگیزیم^(۲۲) و تورا گواه بر آنها بیاوریم و بر تو کتاب را برای بیان کردن هر چیزی و برای راه نمودن و بخشایش و مژده دادن برای مسلمانان فرود آوردیم (۸۹). هر آئینه خدا به عدل و نیکوکاری و عطا کردن بخویشاوندان می فرماید و از بی حیایی و کارناپسندیده و تجاوز و تعدی باز میدارد، شمارا پند می دهد تا باشد که شما پندپذیر شوید (۹۰). و وفا کنید به عهد خدا چون عهد بندید و سو گندها را بعد از محکم ساختن آنها مشکیند و هر آئینه خدارا بر خویش نگاهبان ساخته اید^(۲۳) هر آئینه خدا آنچه را که می کنید میداند (۹۱). و مانند زنی نباشید که رشته خود را بعد از استواری پاره پاره، (از هم) گسست میگیرید سو گند های خویش را مکر در میان خود تا گروهی از گروهی افزون تر شود^(۲۴) جز این نیست که خدا شمارا به آن افزونی می آزماید و البته برای شمار و زقیامت آنچه را که در آن اختلاف می نمودید بیان می کند^(۲۵) (۹۲). و اگر خدا بخواهد شما را يك گروه قرار می داد ولیکن گمراه می کند هر که را خواهد و راه می نماید هر که را خواهد و البته پرسیده خواهید شد از آنچه می کردید (۹۳).

(۲۰) یعنی مردمان را.

(۲۱) یعنی عذاب گمراهی و گمراه کردن.

(۲۲) مترجم گوید و آن نبی آن قوم باشد.

(۲۳) یعنی نام او را در قسم مذکور کرده اید.

(۲۴) یعنی برای منفعت دنیا تا مال و منال زیاده بدست آرد.

(۲۵) مترجم گوید مراد تحریم یمین غموس [یعنی سوگند ناحق] است و حاصل مثل آن است که اعمال خود را برباد مکنید چنانکه این زن عمل خود را تباہ کرد و الله اعلم و گویا اینجا اشاره است به آنکه یمین غموس برباد کننده^{*} اعمال است و الله اعلم.

وَلَا تَتَّخِذُوا أَيْمَانَكُمْ دَخَلًا بَيْنَكُمْ فَتَرِلَّ قَدَمٌ بَعْدَ
 ثُبُوتِهَا وَتَذُوقُوا السُّوَاءَ بِمَا صَدَدْتُمْ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَلَكُمْ
 عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿٩٤﴾ وَلَا تَشْتَرُوا بِعَهْدِ اللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا إِنَّمَا
 عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٩٥﴾ مَا عِنْدَكُمْ
 يَنْفَدُ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ وَلَنَجْزِيَنَّ الَّذِينَ صَبَرُوا أَجْرَهُمْ
 بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٩٦﴾ مَنْ عَمِلَ صَالِحًا
 مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيٰوةً طَيِّبَةً
 وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٩٧﴾
 فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ
 ﴿٩٨﴾ إِنَّهُ لَيْسَ لَهُ سُلْطٰنٌ عَلَى الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ
 يَتَوَكَّلُونَ ﴿٩٩﴾ إِنَّمَا سُلْطٰنُهُ عَلَى الَّذِينَ يَتَوَلَّوْنَهُ وَالَّذِينَ
 هُمْ بِهِ مُشْرِكُونَ ﴿١٠٠﴾ وَإِذَا بَدَلْنَا آيَةً مَّكَانَ آيَةٍ
 وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يُنزِلُ قَالُوا إِنَّمَا أَنْتَ مُفْتَرٍ بَلْ أَكْثَرُهُمْ
 لَا يَعْلَمُونَ ﴿١٠١﴾ قُلْ نَزَّلَهُ رُوحُ الْقُدُسِ مِنْ رَبِّكَ بِالْحَقِّ
 لِيُثَبِّتَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَهُدًى وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ ﴿١٠٢﴾

و سوگند های خود را وسیله نیرنگ (به عهدشکنی) در میان خویش مگیرید پس قدمی بعد استواری آن بلغزد و عقوبت را به سبب بازداشتن از راه خدا بچشید و شمارا عذاب بزرگ باشد^(۲۶) (۹۴). و عوض عهد خدا بهای اندک را مستانید هر آئینه آنچه نزد خداست شمارا بهتراست اگر شما بدانید (۹۵). آنچه نزد شماست از میان می رود و آنچه نزد خداست پاینده است و البته صابران را پاداش ایشان به حسب نیکوترین آنچه می کردند می دهیم (۹۶). هر کسی که عمل نیک کرد مرد باشد یا زن در حالی که او مسلمان است هر آئینه زنده کنیم بزندگان پاک^(۲۷) و آن جماعت را پاداش ایشان به حسب نیکوترین آنچه می کردند می دهیم (۹۷). پس هنگامی که خواستی قرآن بخوانی از شیطان رانده شده به خدا پناه ببر (۹۸). هر آئینه شیطان را نیست غلبه بر آنانکه ایمان آوردند و بر پروردگار خود توکل میکنند (۹۹). جزاین نیست که غلبه او بر آنانست که او را دوست می دارند و آنانکه ایشان به خدا شریک مقرر می کنند (۱۰۰). و چون آیتی را به جای آیتی^(۲۸) (دیگر) بدل کنیم و خدا داننده تراست به آنچه فرود می آورد گویند جزاین نیست که توافترا کنند ای بلکه اکثر ایشان نمیدانند (۱۰۱). بگو او را روح القدس از جانب پروردگار تو به راستی فرود آورده است تا خدا مومنان را ثابت قدم گرداند و برای هدایت نمودن و مژده دادن مسلمانان (۱۰۲).

(۲۶) مترجم گوید یعنی در جهاد عهد کرده و قسم خورده دغا (عهدشکنی) کردند این بسبب آنست که کافران بعد از این قول ایشان را معتبر ندانند و بایشان صحبت ندارند بلکه مسلمانان در شبهه افتند والله اعلم.

(۲۷) یعنی دردنیانعمت دهیم.

(۲۸) یعنی يك آیت بآیت دیگر نسخ کنیم.

وَلَقَدْ نَعَلُمْ أَنَّهُمْ يَقُولُونَ إِنَّمَا يُعَلِّمُهُ بَشَرٌ لِّسَانُ
 الَّذِي يُلْحِدُونَ إِلَيْهِ أَعْجَمِيٌّ وَهَذَا لِسَانٌ عَرَبِيٌّ مُّبِينٌ ﴿١٠٣﴾
 إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ لَا يَهْدِيهِمُ اللَّهُ
 وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿١٠٤﴾ إِنَّمَا يَفْتَرِي الْكَذِبَ الَّذِينَ
 لَا يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْكَاذِبُونَ ﴿١٠٥﴾
 مَنْ كَفَرَ بِاللَّهِ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِهِ إِلَّا مَنْ أَكْرَهَ وَقَلْبُهُ
 مُطْمَئِنٌّ بِالْإِيمَانِ وَلَكِنْ مَنْ شَرَحَ بِالْكُفْرِ
 صَدْرًا فَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ مِنَ اللَّهِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿١٠٦﴾
 ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ اسْتَحْبَبُوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى
 الْآخِرَةِ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ ﴿١٠٧﴾
 أُولَئِكَ الَّذِينَ طَبَعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَسَمِعِهِمْ
 وَأَبْصَرِهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ ﴿١٠٨﴾ لَاجِرَمَ
 أَنَّهُمْ فِي الْآخِرَةِ هُمُ الْخَاسِرُونَ ﴿١٠٩﴾ ثُمَّ إِنَّ رَبَّكَ
 لِلَّذِينَ هَاجَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا فُتِنُوا ثُمَّ جَاهَدُوا
 وَصَبَرُوا إِنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿١١٠﴾

وهرائینه مامیدانیم که کافران می گویند جزاین نیست که این پیامبر را انسانی می آموزد زبان کسی که نسبت به سوی او می کنند عجمی است و این قرآن زبان عربی واضح است (۱۰۳). هرآئینه آنانکه به آیات خدا ایمان نمی آورند ایشان را خدا هدایت نمی نماید وایشان را عذاب درد ناک باشد (۱۰۴). جزاین نیست که دروغ را افتراء میکنند آنانکه به آیه های خدا ایمان ندارند وایشان دروغگویان اند (۱۰۵). هرکه به خدا بعد از ایمانش کافر شود مگرآنکه بروی جبرکرده شود و دلش به ایمان مطمئن باشد ولیکن کسی که به کفر سینه گشاده کند یعنی راضی شود، برایشان خشم ازخدا است وایشان را عذاب بزرگ است (۱۰۶). این خشم به خاطر آنست که ایشان زندگانی دنیا را برآخرت ترجیح دادند و بسبب آنست که خدا گروه کافران را راه نمی نماید (۱۰۷). ایشانند آن جماعت که خدا بر دل های ایشان و بر گوش ایشان و دیده های ایشان مهنهاده است وایشان بی خیراند (۱۰۸). شك نیست درآنکه ایشان درآخرت زیان کارانند (۱۰۹). بازپروردگار تو برای آنان که هجرت کردند بعد ازآن که شکنجه دیدند (تاکلمه کفر بگویند) بازجهاد کردند و صبر نمودند هرآئینه پروردگار تو بعد ازین مقدمه البته آمرزگار مهربانست (۱۱۰).

* يَوْمَ تَأْتِي كُلُّ نَفْسٍ بِجُودِلٍ عَنِ نَفْسِهَا وَتُوْفَىٰ كُلُّ
 نَفْسٍ بِمَا عَمِلَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿١١١﴾ وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا
 قَرْيَةً كَانَتْ ءَامِنَةً مُّطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِّن
 كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعُمِ اللَّهِ فَأَذَقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ
 الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ ﴿١١٢﴾ وَلَقَدْ جَاءَهُمْ
 رَسُولٌ مِّنْهُمْ فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَهُمُ الْعَذَابُ وَهُمْ ظَالِمُونَ
 ﴿١١٣﴾ فَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا وَأَشْكُرُوا
 نِعْمَتَ اللَّهِ إِن كُنْتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ ﴿١١٤﴾ إِنَّمَا حَرَّمَ
 عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالْدَّمَ وَلَحْمَ الْخِنْزِيرِ وَمَا أَهْلَ لَغَيْرِ
 اللَّهِ بِهِ ۗ فَمَنِ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ
 رَّحِيمٌ ﴿١١٥﴾ وَلَا تَقُولُوا لِمَا تَصِفُ أَلْسِنَتُكُمُ الْكَذِبَ
 هَذَا حَلَالٌ وَهَذَا حَرَامٌ لِتَفْتَرُوا عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ إِنَّ
 الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ لَا يُفْلِحُونَ ﴿١١٦﴾ مَتَّعَ قَلِيلٌ
 وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿١١٧﴾ وَعَلَى الَّذِينَ هَادُوا حَرَمًا مَّا قَصَّصْنَا عَلَيْكَ
 مِن قَبْلُ ۗ وَمَا ظَلَمْنَاهُمْ وَلَٰكِن كَانُوا أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ﴿١١٨﴾

آن روز که هر شخصی جدال کنان از ذات خود بیاید و هر شخصی را پاداش آنچه کرده است به تمام داده می شود و به ایشان ستم کرده نمی شود (۱۱۱). و خدا داستان دهی را که ایمن مطمئن بود به او روزی او به کشادگی از هر جای می آمد بیان کرد پس به نعمت های خدا ناسپاسی کرد پس خدا او را پوشش گرسنگی و ترس چشانید به سبب آنچه می کردند (۱۱۲). و هر آئینه پیش ایشان پیامبری از جنس ایشان آمد پس تکذیبش کردند پس ایشان را عقوبت گرفت و ایشان ستمکار بودند^(۲۹) (۱۱۳). پس از آن چه خدا شمارا روزی داد حلال پاکیزه بخورید و بر نعمت خدا شکر کنید اگر اورا می پرستید (۱۱۴). جز این نیست که خدا بر شما مردار و خون و گوشت خوک را حرام ساخته است و آنچه ذکر کرده شد بر ذبح او بنام غیر خدا پس هر که مجبور کرده شد و نه ستم کرده و نه از حد گذشته (یعنی بخورد از مُحَرَّم) پس خدا آمرزگار مهربانست (۱۱۵). و مگویید چیزی را که حکم اورا زبان شما به دروغ بیان می کند که آن حلال است و این حرام است تا بر خدا دروغ را افتراء کنید هر آئینه آنانکه بر خدا دروغ را افتراء می کنند رستگار نمی شوند (۱۱۶). ایشان را بهره ای اندک بُود و ایشان را عذاب درد ناک باشد (۱۱۷). و بریهود آنچه قصه کردیم بر تو پیش ازین (یعنی در سوره انعام) حرام کرده بودیم و بر ایشان ستم نکردیم ولیکن ایشان بر جان خویش ستم میکردند (۱۱۸).

(۲۹) مترجم گوید این قصه اجمالی در آورده شده است از قصه های بسیار و منطبق است بر واقعه های بیشمار و لهذا مثل نامیده شد و در عبارت اذاقها لله لباس الجوع والخوف دوتشبهه در یک سیاق جمع کرده شده است والله اعلم.

ثُمَّ إِنَّ رَبَّكَ لِلَّذِينَ عَمِلُوا السُّوءَ بِجَهَالَةٍ ثُمَّ تَابُوا مِنْ بَعْدِ
 ذَلِكَ وَأَصْلَحُوا إِنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿١١٩﴾ إِنَّ
 إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً قَانِتًا لِلَّهِ حَنِيفًا وَلَمْ يَكُ مِنَ الْمُشْرِكِينَ
 ﴿١٢٠﴾ شَاكِرًا لِأَنْعُمِهِ اجْتَبَاهُ وَهَدَاهُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ
 ﴿١٢١﴾ وَاتَّبَعَتْهُ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ
 ﴿١٢٢﴾ ثُمَّ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ أَنْ اتَّبِعْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ
 مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿١٢٣﴾ إِنَّمَا جُعِلَ السَّبْتُ عَلَى الَّذِينَ اخْتَلَفُوا
 فِيهِ وَإِنَّ رَبَّكَ لَيَحْكُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا
 كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ﴿١٢٤﴾ أَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ
 وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَدِلْ لَهُم بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ
 رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ
 ﴿١٢٥﴾ وَإِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عُوقِبْتُمْ بِهِ وَإِنْ
 صَبَرْتُمْ لَهُوَ خَيْرٌ لِلصَّابِرِينَ ﴿١٢٦﴾ وَأَصْبِرْ وَمَا صَبْرُكَ
 إِلَّا بِاللَّهِ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَلَا تَكُ فِي ضَيْقٍ مِمَّا يَمْكُرُونَ
 ﴿١٢٧﴾ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَالَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ ﴿١٢٨﴾

بازهرآئینه پروردگار تو آنان را که به نادانی کار بد کردند باز بعد از آن توبه کردند و شایسته کار شدند هرآئینه پروردگار تو بعد ازین توبه آمرزگار مهربانست (۱۱۹). هرآئینه ابراهیم امتی (بزرگوار) بود عبادت کننده برای خدا مایل به دین حق و از مشرکان نبود^(۳۰) (۱۲۰). نعمت های خدا را سپاس دارنده^۳ خدا برگزیدش و به سوی راه راست او راهدایت نمود (۱۲۱). و دراین سرا نعمت عطا کردیمش و هرآئینه او در آخرت از نیکوکاران است (۱۲۲). بعد از آن به سوی تو وحی فرستادیم که کیش ابراهیم را حنیف شده پیروی کن و از مشرکان نبود (۱۲۳). جزاین نیست که تعظیم شنبه بر آنانکه اختلاف کردند در آن لازم کرده شد و هرآئینه پروردگار تو در میان ایشان روز قیامت در آنچه اختلاف میکردند در آن حکم کند^(۳۱) (۱۲۴). دعوت کن (یعنی مردمان را) به سوی راه پروردگار خویش به دانش و پند نیک و با ایشان به طریقی که آن نیکوتر است مناظره کن هرآئینه پروردگار تو داناتر است به کسیکه از راه او گمراه شد و او به راه یابان دانا تراست (۱۲۵). و اگر مکافات کنی پس مکافات کنی به مثل آنچه باشما معامله کرده شد و اگر صبر کنی البته آن صبر برای صابران بهتر است (۱۲۶). و شکیبایی کن و شکیبایی تو نیست مگر به توفیق خدا و برایشان اندوه مخور و در تنگدلی مباش از آنکه بد اندیشی می کنند (۱۲۷). هرآئینه خدا با پرهیزگاران است و با آنانکه ایشان نیکوکارانند (۱۲۸).

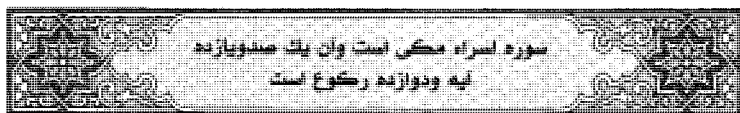
(۳۰) مترجم گوید حنیف آنرا گویند که حج و ختنه و غسل جنابت می کرده باشد والله اعلم توضیح: حنیف آنرا گویند که شرک و باطل را ترك کرده بدین حق مایل باشد، مصحح.

(۳۱) مترجم گوید یعنی یهود بحث میکردند در شنبه طائفه ای گفتند که خدای تعالی روز شنبه از خلق فارغ شد پس در شنبه عبادت باید کرد و طائفه ای سکوت کردند خدای تعالی تعظیم روز شنبه باین سبب برایشان واجب گردانید والله اعلم.

سورة الإسراء

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى
الْمَسْجِدِ الْأَقْصَا الَّذِي بَرَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ وَمَنْ أَتَيْنَاهُ
هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ ① وَءَاتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَجَعَلْنَاهُ
هُدًى لِبَنِي إِسْرَائِيلَ آلَاتٍ تَتَّخِذُونَ مِنْ دُونِي وَكَيْلًا ②
ذُرِّيَّةً مِنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ إِنَّهُ كَانَ عَبْدًا شَكُورًا ③
وَقَضَيْنَا إِلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ
مَرَّتَيْنِ وَلَتَعْلُنَّ عُلُوقَ كَبِيرًا ④ فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا
بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ
الدِّيَارِ وَكَانَ وَعْدًا مَفْعُولًا ⑤ ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَوَّةَ
عَلَيْهِمْ وَأَمَدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرِ نَفِيرًا
⑥ إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا فَإِذَا
جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ لِيَسْتَوُوا وُجُوهَكُمْ وَلِيَدْخُلُوا الْمَسْجِدَ
كَمَا دَخَلُوهُ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَلِيُتَبِّرُوا مَا عَلَوْنَا تَبِيرًا ⑦



بنام خدای بخشاینده مهربان.

پاك و منزّه است آنكه ببرد بنده خود را شبی از مسجد حرام به سوی مسجد اقصی که برکت نهادیم گرداگرد آن را تا بنماییمش بعض نشانه های خودهر آئینه اوست شنوای بینا^(۱) (۱). و موسی را کتاب دادیم آن را (مایه) هدایت برای بنی اسرائیل گردانیدیم گفتیم که بجز من کارسازی نگیرید (۲). فرزندان قومی که برداشتیم ایشان را بانوح (یعنی برکشتی) هر آئینه وی بنده^(۳) سپاسگزار بود (۳). و به سوی بنی اسرائیل در تورات وحی فرستادیم که البته در زمین دوبار فساد خواهید کرد و البته با سرکشی بزرگ طغیان خواهید کرد (۴). پس چون وعده نخستین بار از آن دو بیاید، بر شما بندگان خود را خداوندان کارزار سخت بفرستیم پس درآیند میان خانه‌ها (یعنی برای قتل و نهب) و وعده^(۲) خداشدهی هست (۵). باز شمارا برایشان غلبه دهیم و پی در پی شمارا اموال و فرزندان دهیم و شمارا باعتبار لشکر بیشتر^(۳) سازیم (۶). و گوییم اگر نیکوکاری کنید، نیکوکاری کرده باشید برای خویشتن و اگر بد کاری کنید پس آن بدی برای خودتان است پس چون بیاید وعده^(۴) دیگر (باز بفرستیم بندگان خود را) تا ناخوش سازند روی های شمارا و تا درآیند به مسجد چنانچه بار اول درآمده بودند و تا از پابه افکنند بر هر چه غالب شوند افکنند^(۴) (۷).

(۱) یعنی خدای تعالی در شب معراج پیش از سفر به آسمان‌ها آنحضرت صلی الله علیه وسلم را به مسجد بیت المقدس رسانید.

(۲) مترجم گوید و این وعده متحقق شد بتسلط جالوت پادشاه عمالقه.

(۳) مترجم گوید و این معنی در خلافت حضرت داود ظاهر شد.

(۴) مترجم گوید و این وعده متحقق شد و قتیکه حضرت یحیی را کشتند پس بخت نصر ابرآنان مسلط ساخت.

عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَن يَرْحَمَكُمْ وَإِنْ عُدتُّمْ عَدْنَا وَجَعَلْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ
 حَصِيرًا ﴿٨﴾ إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ
 الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا ﴿٩﴾
 وَأَنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ أَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا ﴿١٠﴾
 وَيَدْعُ الْإِنْسَانَ بِالشَّرِّ دُعَاءَهُ بِالْخَيْرِ وَكَانَ الْإِنْسَانُ عَجُولًا ﴿١١﴾
 وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ آيَاتٍ لِّمَن حَوَّنَا آيَةَ اللَّيْلِ وَجَعَلْنَا آيَةَ
 النَّهَارِ مُبْصِرَةً لِّتَبْتَغُوا فَضْلًا مِّن رَّبِّكُمْ وَلِتَعْلَمُوا عَدَدَ
 الْيَمِينِ وَالْحِسَابِ وَكُلَّ شَيْءٍ فَصَّلْنَاهُ تَفْصِيلًا ﴿١٢﴾ وَكُلَّ
 إِنْسَانٍ أَلْزَمْنَاهُ طَائِرَهُ فِي عُنُقِهِ وَنُخْرِجُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كِتَابًا
 يَلْقَاهُ مَنشُورًا ﴿١٣﴾ أَقْرَأْكَ كِتَابَكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا
 ﴿١٤﴾ مَن أَهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَمَن ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ
 عَلَيْهَا وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّىٰ نَبْعَثَ
 رَسُولًا ﴿١٥﴾ وَإِذَا أَرَدْنَا أَن نُّهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مَتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا
 فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْنَاهَا تَدْمِيرًا ﴿١٦﴾ وَكَمْ أَهْلَكْنَا مِنَ الْقُرُونِ
 مِن بَعْدِ نُوحٍ وَكَفَىٰ بِرَبِّكَ بِذُنُوبِ عِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا ﴿١٧﴾

گوئیم نزدیک است پروردگار شما از آنکه بر شما رحم کند و اگر رجوع کنید به نافرمانی ما به عقوبت رجوع کنیم و دوزخ را برای کافران زندان ساختیم^(۵) (۸). هر آئینه این قرآن راه می نماید بخصلتی که اودرست تراست و آن مسلمانان را که کارهای شایسته می کنند بشارت میدهد به آن که ایشانرا پاداش بزرگ باشد (۹). و اینکه آنانکه به آخرت ایمان نمی آورند برای ایشان عقوبت دردناک آماده کرده ایم (۱۰). و دعایمیکند آدمی به بدی^(۱) مانند دعای وی به نیکویی و آدمی شتاب کار هست (۱۱). و ساختیم شب و روز را دونشانه پس بی نور ساختیم نشانه شب را و ساختیم نشانه روز را درخشان (برای دیدن اشیاء) تا فضلی را از پروردگار خود طلب کنید و تا شمار سال هارا بدانید و حساب را بدانید و هر چیزی را به تفصیل بیان کردیم (۱۲). و بهر آدمی (متصل ساختیم) نامه عمل اورا، درگردن او بسته ایم و بیرون آوردیم برای او روز قیامت نامه ای که آن را بازگشاده بیند (۱۳). گوئیم نامه خود را بخوان نفس تو امروز بر تو حساب کننده بس است (۱۴). هر که برای نفع خود راه یاب شد جزاین نیست که راه یاب میشود و هر که گمراه شد پس جزاین نیست که گمراه میشود بر ضرر خود و هیچ بردارنده باردیگری را بر ندارد و ماعذاب کننده نیستیم تا آنکه پیامبری را بفرستیم (۱۵). و چون خواهیم که دهی را هلاک کنیم می فرماییم به سرکشان آنجا (یعنی آنچه خواهیم) پس نافرمانی کنند آنجا پس بر آن ده وعده عذاب ثابت شود پس ایشان را برهم زنیم برهم زدنی (۱۶). و بساکسانی را هلاک کردیم از طبقات مردمان بعد از نوح و پروردگار تو به گناه بندگان خود دانای بینا بس است (۱۷).

(۵) مترجم گوید ایشان رجوع کردند بفساد و تکذیب حضرت عیسی و با حضرت پیامبر جنگ کردند پس خدای تعالی بازگشت بتعذیب ایشان، بقتل واسرو جزیه.

(۶) مترجم گوید یعنی در حالت تنگدلی بر خود و بر اولاد خود دعای بدمیکند.

مَن كَانَ يُرِيدُ الْعَاجِلَةَ عَجَّلْنَا لَهُ فِيهَا مَا نَشَاءُ لِمَن نُّرِيدُ ثُمَّ
 جَعَلْنَا لَهُ جَهَنَّمَ يَصْلَاهَا مَدْمُومًا مَّدْحُورًا ﴿١٨﴾ وَمَن أَرَادَ
 الْآخِرَةَ وَسَعَى لَهَا سَعْيَهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَئِكَ كَانَ
 سَعْيُهُم مَّشْكُورًا ﴿١٩﴾ كَلَّا نُمَدُّ هَؤُلَاءِ وَهَؤُلَاءِ مِن
 عَطَاءِ رَبِّكَ وَمَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُورًا ﴿٢٠﴾ أَنْظِرْ كَيْفَ
 فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَلِلْآخِرَةِ أَكْبَرُ دَرَجَاتٍ وَأَكْبَرُ
 تَفْضِيلًا ﴿٢١﴾ لَا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَتَقْعُدَ مَدْمُومًا مَّخَذُولًا
 ﴿٢٢﴾ * وَقَضَى رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا
 يَبْلِغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا
 أَوْفٍ وَلَا تَنْهَرُهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا ﴿٢٣﴾ وَأَخْفِضْ لَهُمَا
 جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي
 صَغِيرًا ﴿٢٤﴾ رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَا فِي نُفُوسِكُمْ إِن تَكُونُوا صَادِقِينَ
 فَإِنَّهُ وَكَانَ لِلْأَوَّابِينَ غَفُورًا ﴿٢٥﴾ وَآتِ ذَا الْقُرْبَى حَقَّهُ
 وَالْمَسْكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَلَا تَبْذُرْ تَبْذِيرًا ﴿٢٦﴾ إِنَّ الْمُبْذِرِينَ
 كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيْطَانِ وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا ﴿٢٧﴾

هر که خواسته باشد آسودگی دنیا به شتاب دهیم ویرا در آن جا هر چه خواهیم برای هر کس که خواهیم باز برای اودوزخ را مقرر کنیم درآید به آن نکوهیده رانده شده (۱۸). و هر کس که پاداش آخرت را بخواهد وسعی کند برای وی سعیی که لایق وی است درحالیکه او مسلمان باشد پس این جماعت سعی ایشان مشکور (ومقبول) هست (۱۹). هر فرقه ای را پی در پی می‌دهیم این فرقه را و آن فرقه را زبخشش پروردگار تو و بخشش پروردگار تو بازداشته شده نیست (۲۰). بین چگونه بعض مردمان را بر بعضی برتری داده ایم^(۷) و هر آئینه آخرت زیاده تر بود در تمیز درجات و در برتری دادن بیشتر باشد (۲۱). با خدا معبودی دیگر را مقرر مکن آنگاه نکوهیده^۲ بی یارمانده بنشین (۲۲). و پروردگار تو حکم کرد که عبادت مکنید مگر وی را فقط و با پدر و مادر نیکوکاری بکنید اگر برسد نزدیک تو کهنسالی به یکی از ایشان یا به هر دو پس مگوایشان را اُف و بانگ مزین برایشان و با ایشان سخن نیکو بگو (۲۳). و پست کن برای ایشان بازوی تواضع را از جهت مهربانی و بگو ای پروردگار من ایشان را ببخشای چنانچه مرا در خورد سالی پرورش دادند (۲۴). پروردگار شما داناتر است به آنچه در نفسهای شما است اگر شایسته باشید پس هر آئینه وی هست رجوع کنندگان را آمرزنده (۲۵). و به خویشاوند حق آن را بده و به درویش و به راه گذر و اسراف مکن اسراف کردنی (۲۶). هر آئینه اسراف کنندگان برادران شیاطین هستند و شیطان به نسبت پروردگار خود ناسپاس هست (۲۷).

(۷) یعنی در دنیا بحد رزق و جاه.

وَإِنَّمَا تَعْرِضَنَ عَنْهُمُ ابْتِغَاءَ رَحْمَةٍ مِّن رَّبِّكَ تَرْجُوهَا فَقُلْ لَهُمْ قَوْلًا
 مِّيسُورًا ﴿٢٨﴾ وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا
 كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا ﴿٢٩﴾ إِنَّ رَبَّكَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ
 لِمَن يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّهُ كَانَ بِعِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا ﴿٣٠﴾ وَلَا تَقْتُلُوا
 أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلَاقٍ مِّنْ نَّرْزُقِهِمْ وَإِيَّاكُمْ إِن قَاتَلْتُمُوهُمْ
 خِطَاءً كَبِيرًا ﴿٣١﴾ وَلَا تَقْرَبُوا الزِّنَىٰ إِنَّهُ كَانَ فَحِشَةً وَسَاءَ
 سَبِيلًا ﴿٣٢﴾ وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ
 وَمَن قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيهِ سُلْطَانًا فَلَا يَسْرِفُ فِي
 الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا ﴿٣٣﴾ وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي
 هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ
 مَسْئُولًا ﴿٣٤﴾ وَأَوْفُوا بِالْكَيْلِ إِذَا كَلْتُمْ وَزِنُوا بِالْقِسْطِ أَسْمَقِمْ
 ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا ﴿٣٥﴾ وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ
 السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَٰئِكَ كَانَ عِنْدَهُ مَسْئُولًا ﴿٣٦﴾
 وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّكَ لَن تَخْرِقَ الْأَرْضَ وَلَن تَبْلُغَ
 الْجِبَالَ طُولًا ﴿٣٧﴾ كُلُّ ذَلِكَ كَانَ سَيِّئُهُ عِنْدَ رَبِّكَ مَكْرُوهًا ﴿٣٨﴾

و اگر روی بگردانی از این جماعت بانتظار رزقی از پروردگار خود که امیدوار آن باشی پس ایشان را سخن ملایم بگو (۲۸). و دست خود را بسته با گردن خود مکن و مگشای آن را تمام گشادن که آنگاه بنشین ملامت کرده شده^(۸) در مانده گشته^(۹) (۲۹). هر آئینه پروردگار تو روزی را می‌گشاید و برای هر که خواهد تنگ میکند هر آئینه او به بندگان خود دانا بیناست (۳۰). و اولاد خود را از ترس تنگ دستی مکشید ما ایشان را و شمارا روزی می‌دهیم هر آئینه کشتن ایشان گناهی عظیم هست (۳۱). و نزدیک مشوید به زنا هر آئینه آن بی حیایی است و آن بدراهی است (۳۲). و نفسی را که خدا حرام ساخته است مگر بحق مکشید و هر که کشته شود به ستم پس وارث او را قوتی داده ایم^(۱۰) پس باید که زیادتی نکند در کشتن هر آئینه وی یاری داده شده هست (۳۳). و به مال یتیم مگر به طریقی که او نیک تر است نزدیک مشوید تا آنکه به نهایت قوت خود رسد و به عهد وفا کنید هر آئینه عهد از او پرسیده خواهد شد (۳۴). و تمام کنید پیمان را چون پیمایید و به ترازوی راست بسنجید این از جهت عاقبت بهترست و نیکوترست (۳۵). و پی چیزی که ترا دانش آن نیست مرو هر آئینه گوش و چشم و دل هریکی ازین ها پرسیده خواهد شد (۳۶). و مرو در زمین خرامان^(۱۱) هر آئینه تو نخواهی زمین را شکافت و به کوه ها در درازی (و بلندی) نرسی (۳۷). همه این خصلت ها بدیش نزد پروردگار تو ناپسندیده است (۳۸).

(۸) یعنی در صورت بخل.

(۹) یعنی در صورت اسراف.

(۱۰) یعنی حق قصاص.

(۱۱) یعنی متکبرانه و مغرورانه.

ذَلِكَ مِمَّا أَوْحَىٰ إِلَيْكَ رَبُّكَ مِنَ الْحِكْمَةِ وَلَا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا
 ءآخَرَ فَتُلَاقَىٰ فِي جَهَنَّمَ مَلُومًا مَّدْحُورًا ﴿٢٩﴾ أَفَأَصْفَاكُمْ رَبُّكُمْ
 بِالْبَنِينَ وَاتَّخَذَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ إِنثًا إِنَّكُمْ لَتَقُولُونَ قَوْلًا عَظِيمًا ﴿٣٠﴾
 وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَذَا الْقُرْآنِ لِيَذَكَّرُوا وَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا نُفُورًا ﴿٣١﴾
 قُلْ لَوْ كَانَ مَعَهُ آلِهَةٌ كَمَا يَقُولُونَ إِذًا لَآبْتَغُوا إِلَيَّ الْعَرْشَ سَبِيلًا
 ﴿٣٢﴾ سُبْحٰنَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يَقُولُونَ عُلُوًّا كَبِيرًا ﴿٣٣﴾ تَسْبِيحٌ لَهُ السَّمَوٰتُ
 السَّبْعُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ
 لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا ﴿٣٤﴾ وَإِذَا قَرَأْتَ
 الْقُرْآنَ جَعَلْنَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ حِجَابًا
 مَسُورًا ﴿٣٥﴾ وَجَعَلْنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ
 وَقْرًا وَإِذَا ذُكِّرْتُمْ فِي الْقُرْآنِ وَحَدَّهُ وُلُوعًا عَلَىٰ آذَانِهِمْ نَفُورًا ﴿٣٦﴾
 نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَسْتَمِعُونَ بِهِ إِذْ يَسْتَمِعُونَ إِلَيْكَ وَإِذْ هُمْ نَجْوَىٰ
 إِذْ يَقُولُ الظَّالِمُونَ إِنْ تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلًا مَسْحُورًا ﴿٣٧﴾ أَنْظِرْ
 كَيْفَ ضَرَبُوا لَكَ الْأَمْثَالَ فَضَلُّوا فَلَا يَسْتَطِيعُونَ سَبِيلًا ﴿٣٨﴾
 وَقَالُوا آءِذَا كُنَّا عِظْمًا وَّرُفَاتًا آءِذَا نَا الْمَبْعُوثُونَ خَلْقًا جَدِيدًا ﴿٣٩﴾

این از آنجمله هست که وحی فرستاده است به سوی تو پروردگارت از علم و با خدا معبود دیگری را مقرر مکن آنگاه در دوزخ ملامت کرده شده رانده گشته انداخته شوی (۳۹). آیا شما را پروردگار شما به پسران برگزید و خود از فرشتگان دختران را برگزید هر آئینه شما سخن گران میگویند (۴۰). و به یقین درین قرآن بهر نوع سخن گفتیم تا پند پذیر شوند و در حق ایشان مگر رمیدن را نمی‌افزاید (۴۱). بگو اگر با خدا معبودان دیگری می‌بودند چنانکه می‌گویند آنگاه به سوی خداوند عرش راه منازعت را طلب می‌کردند (۴۲). وی پاك است و بلند است از آنچه می‌گویند بلندی عظیم (۴۳). او را آسمان‌های هفت گانه و زمین و هر کس که در اینهاست به پاکی یاد می‌کنند و نیست هیچ چیزی مگر باستایش به پاکی او را یاد میکنند ولیکن شما به پاکی یاد کردن ایشان را نمی‌فهمید هر آئینه او بر دبار آمرزگار هست (۴۴). و چون میخوانی قرآن را در میان تو و در میان آنانکه آخرت را باور نمی‌دارند پرده پوشیده میسازیم (۴۵). و می‌نهییم بردل‌های ایشان پوششها تا نفهمندش و در گوش‌های ایشان گرانی را و چون پروردگار خود را در قرآن تنها یاد کنی روگردان شوند بر جانب پشت خود رمیده^(۱۲) (۴۶). ماداناتریم به چیزی که بسبب آن می‌شنوند^(۱۳) وقتی که گوش فرامیدهند به سوی تو و وقتی که ایشان را زگویان باشند وقتی که این ستمکاران می‌گویند مگر مرد جادو شده را پیروی نمی‌کنید (۴۷). بنگر چگونه داستان‌ها برای تو زدند پس گمراه شدند پس راه یافتن را نمی‌توانند (۴۸). و گفتند آیا چون استخوانی چند و اعضای پوسیده از هم پاشیده شویم آیا به آفرینش نو برانگیخته شویم (۴۹).

(۱۲) مترجم گوید درین هر دو آیت کنایت است از عدم انتفاع ایشان بقرآن و مواظبت.

(۱۳) یعنی بقصد استهزاء و عیب جوئی.

* قُلْ كُونُوا حِجَارَةً أَوْ حَدِيدًا ﴿٥٠﴾ أَوْ خَلْقًا مِّمَّا يَكْبُرُ فِي
 صُدُورِكُمْ فَسَيَقُولُونَ مَنْ يُعِيدُنَا قُلِ الَّذِي فَطَرَكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ
 فَسَيُنْغِضُونَ إِلَيْكَ رُءُوسَهُمْ وَيَقُولُونَ مَتَى هُوَ قُلْ عَسَى أَنْ
 يَكُونَ قَرِيبًا ﴿٥١﴾ يَوْمَ يَدْعُوكُمْ فَتَسْتَجِيبُونَ بِحَمْدِهِ وَتَظُنُّونَ
 أَنْ لَبِثْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا ﴿٥٢﴾ وَقُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ
 إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنْزِعُ بَيْنَهُمْ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوًّا
 مُبِينًا ﴿٥٣﴾ رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِكُمْ إِنْ يَشَاءُ رَحْمَتُكُمْ أَوْ إِنْ يَشَاءُ
 يُعَذِّبْكُمْ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ وَكِيلًا ﴿٥٤﴾ وَرَبُّكَ أَعْلَمُ
 بِمَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَقَدْ فَضَّلْنَا بَعْضَ النَّبِيِّينَ عَلَى
 بَعْضٍ وَآتَيْنَا دَاوُدَ زُورًا ﴿٥٥﴾ قُلِ ادْعُوا الَّذِينَ زَعَمْتُمْ مِنْ
 دُونِهِ فَلَا يَمْلِكُونَ كَشْفِ الضُّرِّ عَنْكُمْ وَلَا تَحْوِيلًا ﴿٥٦﴾ أُولَئِكَ
 الَّذِينَ يَدْعُونَ يَبْتَغُونَ إِلَىٰ رَبِّهِمُ الْوَسِيلَةَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ
 وَيَرْجُونَ رَحْمَتَهُ وَيَخَافُونَ عَذَابَهُ إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ كَانَ
 مُحْدُورًا ﴿٥٧﴾ وَإِنْ مِنْ قَرْيَةٍ إِلَّا نَحْنُ مُهْلِكُوهَا قَبْلَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ
 أَوْ مُعَذِّبُوهَا عَذَابًا شَدِيدًا كَانَ ذَلِكَ فِي الْكِتَابِ مَسْطُورًا ﴿٥٨﴾

بگوسنگ شوید یا آهن شوید (۵۰). یانوعی دیگر از آنچه بزرگ نماید دردل های شما شوید پس خواهند گفت چه کسی ما را باز پیدا کند بگوسی که شمارا بار اول آفرید باز پس به سوی توست های خود را^(۱۴) خواهند جنبانید و خواهند گفت آن کی باشد بگوشاید که نزدیک باشد (۵۱). روزی که شمارا خدا بخواند پس خواندن او را قبول کنید حمد گویان و گمان کنید که درنگ نکرده بودید مگر اندکی (۵۲). و بگوبندگان مرا که بگویند سخنی که آن بهترست (یعنی باکفار) هرآئینه شیطان نزاع می افکند میان مردمان هرآئینه شیطان برای انسان دشمن آشکار هست (۵۳). پروردگار شما به حال شما داناترست اگر خواهد بر شما رحم کند و اگر خواهد شمارا عقوبت کند و نفرستادیم تورا (یا محمد) برایشان نگاهبان^(۱۵) (۵۴). و پروردگار تو به حال هرکسی که در آسمان ها وزمین است داناست و هرآئینه بعض پیامبران را بر بعضی دیگر فضل داده ایم و دواد را زبور داده ایم (۵۵). بگو آنان را که گمان الوهیت را در حق ایشان غیر از خدا دارید بخوانید پس دفع زیان و رفع بلایی را از شما نتوانند و نه تغییر دادن (۵۶). آنانکه ایشان را کافران می پرستند به سوی پروردگار خویش قرب را طلب میکنند که کدام یک از ایشان نزدیک تر باشد و توقع دارند رحمت او را و از عذاب او می ترسند هرآئینه عذاب پروردگار تو ترسناک هست (۵۷). و نیست هیچ دهی مگر ما هلاک کننده وی هستیم پیش از روز قیامت یا عذاب کننده وی هستیم به عذابی سخت هست این وعده دلوح نوشته شده (۵۸).

(۱۴) یعنی ملزم خواهند شد.

(۱۵) مترجم گوید و این کلمه پیش از امر به جهاد بود.

وَمَا مَنَعَنَا أَنْ نُرْسِلَ بِالْآيَاتِ إِلَّا أَنْ كَذَّبَ بِهَا الْأَوْلُونَ
 وَءَاتَيْنَا ثُمُودَ النَّاقَةَ مُبْصِرَةً فَظَلَمُوا بِهَا وَمَا نُرْسِلُ بِالْآيَاتِ
 إِلَّا تَخْوِيفًا ﴿٥٩﴾ وَإِذْ قُلْنَا لَكَ إِنَّ رَبَّكَ أَحَاطَ بِالنَّاسِ وَمَا جَعَلْنَا
 الرُّءْيَا الَّتِي آرَيْنَاكَ إِلَّا فِتْنَةً لِلنَّاسِ وَالشَّجَرَةَ الْمَلْعُونَةَ
 فِي الْقُرْآنِ وَنُحُوفُهُمْ فَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا طُغْيَانًا كَبِيرًا ﴿٦٠﴾
 وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ
 قَالَ ءَأَسْجُدُ لِمَنْ خَلَقْتَ طِينًا ﴿٦١﴾ قَالَ أَرَأَيْتَكَ هَذَا الَّذِي
 كَرَّمْتَ عَلَيَّ لَئِنْ أَخَّرْتَنِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَأَحْتَنِكَنَّ
 ذُرِّيَّتَهُ وَإِلَّا قَلِيلًا ﴿٦٢﴾ قَالَ أَذْهَبَ فَمَنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ فَإِنَّ
 جَهَنَّمَ جَزَاءُكُمْ جَزَاءً مَوْفُورًا ﴿٦٣﴾ وَأَسْتَفْزِرُّ مِنْ أَسْطِطَعَتْ
 مِنْهُمْ بِصَوْتِكَ وَأَجْلَبَ عَلَيْهِمْ بِخَيْلِكَ وَرَجِلِكَ وَشَارِكُهُمْ
 فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ وَعَدَّهُمْ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا
 غُرُورًا ﴿٦٤﴾ إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ وَكَفَى
 بِرَبِّكَ وَكِيلًا ﴿٦٥﴾ رَبُّكُمْ الَّذِي يُرْجِي لَكُمْ الْفَلَكَ فِي
 الْبَحْرِ لِيَتَّبِعُوا مِنْ فَضْلِهِ إِنَّهٗ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا ﴿٦٦﴾

ویازنداشت ما را از آنکه نشانه ها بفرستیم مگر آنکه آن را پیشینیان تکذیب کرده بودند و نمود را شتر ماده نشانه ای درخشان دادیم پس بوی کافر شدند و نمی فرستیم نشانه هارا مگر برای ترسانیدن (۵۹). و یادکن چون تورا گفتیم که پروردگار تو همه مردمان را (یعنی در قدرت خود) دربر گرفته است و نساختیم نمایشی را که به تو نمودیم مگر امتحان برای مردمان و نساختیم درختی را که در قرآن نفرین کرده شد مگر امتحانی ایشان را و می ترسانیم پس ترسانیدن در حق ایشان مگر سرکشی بزرگ^(۱۶) را نمی افزاید (۶۰). و یاد کن چون فرشتگان را گفتیم سجده کنید به آدم پس سجده کردند الا ابلیس گفت آیا کسی را سجده کنم که از گِل آفریده ای (۶۱). بازگفت آیا این شخص را که برتری داده ای بر من دیدی اگر مهلت دهی مرا تا روز قیامت البته اولاد او را مگر اندکی از بیخ برکنم (۶۲). خدا فرمود برو پس هر کسیکه از ایشان پیروی تو کند پس دوزخ سزای همه شما است سزای کامل و فراوان (۶۳). و از جابجانبان هر که را توانی از ایشان به آواز خود و آواز کن بر ایشان توسط سواران خود و پیادگان خود و با ایشان در اموال و فرزندان شریک شو و ایشان را وعده ده و شیطان ایشان را وعده نمی دهد مگر به فریب^(۱۷) (۶۴). هر آینه بندگان من تورا برایشان هیچ قدرتی نیست و پروردگار تو کارساز بس است (۶۵). پروردگار شما آن است که برای شما کشتی ها را در دریا روان میکند تا از فضل او طلب معیشت کنید هر آینه او بر شما مهربان هست (۶۶).

(۱۶) یعنی چون کافران قصه معراج شنیدند و آیت (ان شجرة الزقوم طعام الاثیم) به ایشان رسید استبعاد کردند و محل طعن ساختند.

(۱۷) مترجم گوید و این تصویر سعی شیطان است درگمراه کردن ایشان مآخوذ از فعل رئیس دزدان چون دهی را غارت کند برایشان نعره میزند و سواران و پیادگان خود را آواز میدهد که ازین سو بگیرید و از آن سو بگیرید.

وَإِذَا مَسَّكُمُ الضُّرُّ فِي الْبَحْرِ ضَلَّ مَنْ تَدْعُونَ إِلَّا آيَاتَهُ فَلَمَّا
 نَجَّكُمُ إِلَى الْبَرِّ أَعْرَضْتُمْ وَكَانَ الْإِنْسَانُ كَفُورًا ﴿٦٧﴾ أَفَأَمِنْتُمْ
 أَنْ يَخْسِفَ بِكُمْ جَانِبَ الْبَرِّ أَوْ يُرْسِلَ عَلَيْكُمْ حَاصِبًا ثُمَّ
 لَا تَجِدُوا الْكُفْرَ وَكَيْلًا ﴿٦٨﴾ أَمْ أَمِنْتُمْ أَنْ يُعِيدَكُمْ فِيهِ تَارَةً
 أُخْرَىٰ فَيُرْسِلَ عَلَيْكُمْ قَاصِفًا مِّنَ الرِّيحِ فَيُغْرِقَكُم بِمَا كَفَرْتُمْ
 ثُمَّ لَا تَجِدُوا الْكُفْرَ عَلَيْنَا بِهِ تَبِيعًا ﴿٦٩﴾ * وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي
 آدَمَ وَحَمَلْنَا هُمُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِّنَ الطَّيِّبَاتِ
 وَفَضَّلْنَا هُمُ عَلَىٰ كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا ﴿٧٠﴾ يَوْمَ نَدْعُوا
 كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمامِهِمْ فَمَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ وَيَمِينِهِ فَأُولَئِكَ
 يَقْرَءُونَ كِتَابَهُمْ وَلَا يُظْلَمُونَ فَتِيلًا ﴿٧١﴾ وَمَنْ كَانَ
 فِي هَذِهِ أَعْمَىٰ فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمَىٰ وَأَضَلُّ سَبِيلًا ﴿٧٢﴾ وَإِنْ
 كَادُوا لَيَفْتِنُونَكَ عَنِ الَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ لِتَفْتَرِيَ
 عَلَيْنَا غَيْرَةً وَإِذَا لَا تَأْخُذُوكَ خَلِيلًا ﴿٧٣﴾ وَلَوْلَا أَنْ ثَبَّتْنَاكَ
 لَقَدْ كِدْتَ تَرْكَنُ إِلَيْهِمْ شَيْعًا قَلِيلًا ﴿٧٤﴾ إِذَا لَأَذَقْنَاكَ ضِعْفَ
 الْحَيَاةِ وَضِعْفَ الْمَمَاتِ ثُمَّ لَا تَجِدُكَ عَلَيْنَا نَصِيرًا ﴿٧٥﴾

و چون بشما سختی ای درد دریا برسد گم شود کسی که او را میخوانید مگر خدا پس چون شمارا به سوی خشکی نجات داد روی گردان شدید و آدمی ناسپاس هست (۶۷). آیا ایمن شده اید از آنکه شما را به جانب خشکی فروبرد یا بر شما باد تندی که سنگ ریزه افکند بفرستد باز برای خود هیچ نجات دهنده ای نیاید (۶۸). آیا ایمن شده اید از آنکه باز در آرد شمارا به دریا باردیگر پس بر شما از جنس باد، باد تندی را بفرستد پس شمارا غرق گرداند بسبب آنکه کافر شدید باز برای خود هیچ بازخواست کننده بر ما (بسبب آن غرق) نیاید (۶۹). و به راستی ما فرزندان آدم را گرامی داشته ایم و ایشان را در بیابان و در دریا برداشتیم^(۱۸) و ایشان را از پاکیزه‌ها و خوشمزها روزی دادیم و ایشان را بر بسیاری از آنچه آفریده ایم چنانکه باید برتری دادیم (۷۰). روزی که بخوانیم هر فرقه ای را بایشوای ایشان پس هر که نامه اعمال او بدست راستش داده شده پس آنجماعت بخوانند نامه خود را و مقدار یک رشته ستم کرده نشوند (۷۱). و هر که در دنیا کور باشد^(۱۹) وی در آخرت نیز کور است و راه را خطا کننده تراست (۷۲). و هر آئینه نزدیک بودند که (بفریب) تورا از آنچه وحی فرستاده ایم به سوی تو بازدارند تا بر ما غیر آن را بر بندی و آنگاه تورا دوست می گرفتند (۷۳). و اگر نبود آن که تورا ثابت داشتیم نزدیک بودی که میل کنی به سوی ایشان اندک میلی (۷۴). آنگاه تورا دو چند عذاب زندگانی و دو چند عذاب مرگ می چشاندیم باز برای خود مددکننده ای بر ما نمی یافتی (۷۵).

(۱۸) یعنی بردواب و کشتی.

(۱۹) یعنی حقیقت را نبیند.

وَإِنْ كَادُوا لَيَسْتَفِزُّوكَ مِنَ الْأَرْضِ لِيُخْرِجُوكَ مِنْهَا
 وَإِذَا لَا يَلْبَثُونَ خِلافَكَ إِلَّا قَلِيلًا ﴿٧٦﴾ سُنَّةَ مَنْ قَدْ أَرْسَلْنَا
 قَبْلَكَ مِنْ رُسُلِنَا وَلَا تَجِدُ لِسُنَّتِنَا تَحْوِيلًا ﴿٧٧﴾ أَقِمِ
 الصَّلَاةَ لِذُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ وَقُرْءَانَ الْفَجْرِ
 إِنَّ قُرْءَانَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا ﴿٧٨﴾ وَمَنْ أَلِيلٍ فَتَهَجَّدْ
 بِهِ نَافِلَةً لَكَ عَسَى أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَحْمُودًا ﴿٧٩﴾
 وَقُلْ رَبِّ أَدْخِلْنِي مُدْخَلَ صِدْقٍ وَأَخْرِجْنِي مُخْرَجَ صِدْقٍ
 وَأَجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا ﴿٨٠﴾ وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ
 الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا ﴿٨١﴾ وَنُنزِلُ مِنَ الْقُرْءَانِ مَا هُوَ
 شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا ﴿٨٢﴾
 وَإِذَا أَنْعَمْنَا عَلَى الْإِنْسَانِ أَعْرَضَ وَنَأَى بِجَانِبِهِ وَإِذَا مَسَّهُ
 الشَّرُّ كَانَ يَئُوسًا ﴿٨٣﴾ قُلْ كُلُّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ فَرَبُّكُمْ أَعْلَمُ
 بِمَنْ هُوَ أَهْدَى سَبِيلًا ﴿٨٤﴾ وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ
 أَمْرِ رَبِّي وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا ﴿٨٥﴾ وَلَئِنْ شِئْنَا لَنَذْهَبَنَّ
 بِالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ ثُمَّ لَا تَجِدُ لَكَ بِهِ عَلَيْنَا وَكِيلًا ﴿٨٦﴾

وهرائینه نزدیک بودند که تورا از زمین بلغزانند تا تورا از آنجا جلاوطن کنند و آنگاه پس از تو مگر اندکی نمانند (۷۶). (مانند) روش آنانکه ایشان را پیش از تواز پیامبران خویش فرستاده ایم و در روش ما تبدیلی را نخواهی یافت^(۷۷). نماز را وقت زوال آفتاب تاهنگام تاریکی شب برپا دار و قرآن خواندن فجر را لازم گیر هر آئینه قرآن خواندن فجر را فرشتگان حاضر می شوند (۷۸). وپاره‌ای از شب بیدار باش پس نماز شب بخوان که برای توافزون (بردیگران) است، نزدیک است که تورا پروردگار تو بمقامی پسندیده برساند^(۷۹). و بگوای پروردگار من درآور مرا در آوردن پسندیده و بیرون آور مرا بیرون آوردن پسندیده و برای من از نزد خود قوتی یاری دهنده^(۸۰) قرار ده (۸۰). و بگو دین حق آمد و دین باطل نابود شد هر آئینه باطل نابود شونده است (۸۱). و از قرآن آنچه وی شفا و رحمت است برای مسلمانان فرود می آوریم و در حق ستمگاران مگر زیان را نمی افزاید (۸۲). و چون بر آدمی انعام کنیم رو بگرداند و بازوی خود را پیچاند و چون بوی سختی رسد نا امید باشد (۸۳). بگو هر کسی به روش خود عمل میکند پس پروردگار شما داناترست به کسی که او راه یافته تراست (۸۴). و ترا از روح سوال میکنند بگو روح از فرمان پروردگار من است و شما از علم نداده شده‌اید مگر اندکی (۸۵). و اگر بخواهیم ببریم آنچه را که وحی فرستاده‌ایم به سوی تو باز برای خود در برابر ما کارسازی نمی یابی (۸۶).

(۲۰) مترجم گوید و این معنی روزیدر متحقق شد و جمعی که در پی "ایدای آن حضرت بودند مقتول (شدند و آن کادوا)

بجهت این گفته شد که وقت نزول آیت قصد لغزائیدن داشتند و هنوز ملتجی به هجرت نکرده بودند و الله اعلم.

(۲۱) یعنی مقام شفاعت.

(۲۲) یعنی در هر حال اعانت کن مرا چه در وقت دخول در جایی چه در وقت خروج از آنجا.

إِلَّا رَحْمَةً مِّن رَّبِّكَ إِنَّ فَضْلَهُ كَانَ عَلَيْكَ كَبِيرًا ﴿٨٧﴾
 لِّئِن أَجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَن يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ
 لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ ۚ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا ﴿٨٨﴾
 وَلَقَدْ صَرَّفْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِن كُلِّ مَثَلٍ فَأَبَىٰ أَكْثَرُ
 النَّاسِ إِلَّا كُفُورًا ﴿٨٩﴾ وَقَالُوا لَن نُّؤْمِنَ لَكَ حَتَّىٰ تَفْجُرَ
 لَنَا مِنَ الْأَرْضِ يَنْبُوعًا ﴿٩٠﴾ أَوْ تَكُونَ لَكَ جَنَّةٌ مِّن مَّحِيلٍ
 وَعِنَبٍ فَتُفَجِّرَ الْأَنْهَارَ خِلَالَهَا تَفْجِيرًا ﴿٩١﴾ أَوْ تُسْقِطَ السَّمَاءَ
 كَمَا زَعَمَتَ عَلَيْنَا كَيْفَ أَوْتَاتِي بِاللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ
 قِيَلًا ﴿٩٢﴾ أَوْ يَكُونَ لَكَ بَيْتٌ مِّن زُخْرٍ أَوْ تَرْقَىٰ فِي السَّمَاءِ
 وَلَن نُّؤْمِنَ لِرُؤْيَاكَ حَتَّىٰ تُنزِلَ عَلَيْنَا كِتَابًا نَّقْرُؤُهُ ۗ قُلْ
 سُبْحَانَ رَبِّيَ هَلْ كُنْتُ إِلَّا بَشَرًا رَسُولًا ﴿٩٣﴾ وَمَا مَنَعَ النَّاسَ
 أَن يُؤْمِنُوا إِذْ جَاءَهُمُ الْهُدَىٰ إِلَّا أَن قَالُوا أَبَعَثَ اللَّهُ بَشَرًا
 رَسُولًا ﴿٩٤﴾ قُلْ لَوْ كَانَ فِي الْأَرْضِ مَلَائِكَةٌ يَّمْشُونَ مُطْمَئِنِّينَ
 لَنزَّلْنَا عَلَيْهِم مِّن السَّمَاءِ مَلَكًا رَسُولًا ﴿٩٥﴾ قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ
 شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ إِنَّهُ كَانَ بِعِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا ﴿٩٦﴾

لیکن بسبب رحمتی از جانب پروردگار تو باقی گذاشتمش هرآئینه فضل وی بر تو بزرگ است (۸۷). بگو اگر جمع شوند آدمیان و جن برآنکه بیاورند مانند این قرآن هرگز مانند آن نیاورند اگرچه بعضی ایشان بعضی را مددکار باشد (۸۸). و هرآئینه گوناگون برای مردمان درین قرآن از هرداستانی بیان کردیم پس قبول نکردند بیشتر مردمان مگر ناسپاسی را (۸۹). و گفتند هرگز تورا باور نداریم تاآنکه برای ما از زمین چشمه ای جاری کنی (۹۰). یا تورا بوستانی از درختان خرما و انگور باشد پس روان کنی جویها در میان آن روان کردنی (۹۱). یا آسمان را چنان که گمان میکنی بر ما پاره پاره فرود آری یا خدا و فرشتگان را رو برو بیاری (۹۲). یا تورا خانه ای از زر باشد یا بالاروی در آسمان و بالارفتن تورا تاآنکه فرودآوری بر ما نوشته ای که بخوانیم آن را باور نداریم بگو پروردگار من پاك است نیست من مگر آدمی فرستاده شده (۹۳). و مردمان را بازداشت ازآنکه ایمان آورند وقتی که به ایشان هدایت آمد مگر آنکه گفتند آیا خدای تعالی آدمی را پیامبر فرستاده است (۹۴). بگو اگر در زمین فرشتگان می بودند که می رفتند بااطمینان هر آئینه فرشته ای را از آسمان پیامبر برایشان میفرستادیم (۹۵). بگو خدا گواه میان من و میان شما بس است هرآئینه وی به بندگان خود دانای بیناست (۹۶).

وَمَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِ وَمَنْ يُضِلِلْ فَلَنْ تَجِدَ لَهُمْ أَوْلِيَاءَ
 مِنْ دُونِهِ ۗ وَيَحْشُرُهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ عُمِيَآ وَبُكْمًا
 وَصُمًّا مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ ۗ كُلَّمَا خَبَتْ زِدْنَاهُمْ سَعِيرًا ﴿٩٧﴾
 ذَلِكَ جَزَاءُ هُمُ بَأْنَهُمْ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا وَقَالُوا ءَأَءَا كُنَّا عِظْمًا
 وَرَفْتًا ءَءَا نَالْمَبْعُوثُونَ خَلْقًا جَدِيدًا ﴿٩٨﴾ * أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ
 الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ قَادِرٌ عَلَىٰ أَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ
 وَجَعَلَ لَهُمْ أَجَلًا لَّارْتِيَابَ فِيهِ فَآبَى الظَّالِمُونَ ؕ إِلَّا كُفُورًا ﴿٩٩﴾
 قُلْ لَوْ أَنْتُمْ تَمْلِكُونَ خَزَائِنَ رَحْمَةِ رَبِّي إِذَا لَأَمْسَكْتُمْ خَشْيَةَ
 الْإِنْفَاقِ وَكَانَ الْإِنْسَانُ نُفُورًا ﴿١٠٠﴾ وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا مُوسَىٰ تِسْعَ
 ءَايَاتٍ بَيِّنَاتٍ فَنَسَىٰ بَعْضَ الَّذِي نَسَىٰ فَلَمَّا لَمَسَ مِنْهُ جُرْءًا لَّهُ فَغَوَىٰ
 إِنِّي لَأَظُنُّكَ يَا مُوسَىٰ مَسْحُورًا ﴿١٠١﴾ قَالَ لَقَدْ عَلِمْتُمَا أَنزَلَ
 هَؤُلَاءِ إِلَّا رُبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ بِصَآئِرٍ وَإِنِّي لَأَظُنُّكَ
 يَافِرَعُونَ مَثْبُورًا ﴿١٠٢﴾ فَأَرَادَ أَنْ يَنْتَفِرَهُمْ مِنَ الْأَرْضِ
 فَأَعْرَفْنَاهُ وَمَنْ مَعَهُ وَجَمِيعًا ﴿١٠٣﴾ وَقُلْنَا مِنْ بَعْدِهِ لِبَنِي إِسْرَءِيلَ
 اسْكُنُوا الْأَرْضَ فَإِذْ جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ جِئْنَا بِكُمْ لَفِيفًا ﴿١٠٤﴾

وهرکه را خدا هدایت کند پس اوست هدایت یافته وهرکه را گمراه سازدش برای ایشان دوستانی بغیر از خدا نیابی و ایشان را روز قیامت بر رویهای شان، کور و گنگ و کر برانگیزیم جای ایشان دوزخ است هرگاه فرو نشیند برایشان آتش را بیفزاییم (۹۷). این است جزای ایشان بسبب آنکه به نشانه های ما کافر شدند گفتند آیا چون استخوانهایی چند و اعضایی از هم پاشیده شویم آیا به آفرینش نو برانگیخته شویم (۹۸). آیا ندیده اند آن خدا یی که آسمان ها و زمین را آفرید تواناست که مانند ایشان را بیافریند و مقرر کرده است برای ایشان میعادى که در آن هیچ شکی نیست پس ستمکاران غیر ناشکری را قبول نکردند (۹۹). بگو اگر شما مالک خزانه های بخشش پروردگار می بودید آنگاه من نیز از ترس فقر (در نتیجه انفاق) بخیلی می ورزیدید آدمی بخل کننده هست (۱۰۰). وهر آئینه موسی را نه نشانه روشن دادیم پس از بنی اسرائیل بپرس چون به ایشان آمد پس او را فرعون گفت هر آئینه تورا ای موسی جادو کرده شده می پندارم (۱۰۱). گفت (موسی) به تحقیق تو دانسته ای، که نفرستاده این نشانه هارا مگر پروردگار آسمان ها و زمین دلائل روشن (بر صدق حق) وهر آئینه من می پندارم تورا ای فرعون هلاک شده (۱۰۲). پس خواست که بیرون راند بنی اسرائیل را از آن سرزمین پس او را و همگی آنانرا که همراه او بودند غرق ساختیم (۱۰۳). وگفتیم پس از او بنی اسرائیل را در (این) سرزمین ساکن شوید پس چون بیاید وعده آخرت همه شمارا باهم آمیخته بیاریم (۱۰۴).



وَبِالْحَقِّ أَنْزَلْنَاهُ وَبِالْحَقِّ نَزَلَ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا مُبَشِّرًا وَنَذِيرًا ﴿١٠٥﴾
 وَقُرْءَانًا فَرَقْنَاهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ عَلَى مُكْثٍ وَنَزَلْنَاهُ تَنْزِيلًا ﴿١٠٦﴾
 قُلْ ءَامِنُوا بِهِ ءَ أَوْ لَا تُؤْمِنُوا إِنَّا لِلَّذِينَ ءَاتُوا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهِ ءَ إِذِئْتَلَى
 عَلَيْهِمْ يَخِرُونَ لِلْأَذْقَانِ سُجَّدًا ﴿١٠٧﴾ وَيَقُولُونَ سُبْحٰنَ رَبِّنَا إِن كَانَ
 وَعَدْرِنَا لَمَفْعُولًا ﴿١٠٨﴾ وَيَخِرُونَ لِلْأَذْقَانِ يَجْكُونَ وَبَزِيدُهُمْ
 خُشُوعًا ﴿١٠٩﴾ قُلِ ادْعُوا اللَّهَ أَوْ ادْعُوا الرَّحْمٰنَ أَيَّ مَآ تَدْعُوا فَلَهُ
 الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ وَلَا تَجْهَرُوا بِصَلَاتِكُمْ وَلَا تَخَافُتْ بِهَا وَابْتَغِ
 بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا ﴿١١٠﴾ وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ
 لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وِئَامٌ مِّنَ الدُّلِّ وَكَبْرَهُ تَكْبِيرًا ﴿١١١﴾

سورة الكهف

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَى عَبْدِهِ الْكِتَابَ وَلَمْ يَجْعَلْ لَهُ عِوَجًا
 ﴿١﴾ قِيمًا لِيُنذِرَ بَأْسًا شَدِيدًا لِّمَن لَّدُنْهُ وَيُبَشِّرَ الْمُؤْمِنِينَ
 الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّٰلِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا حَسَنًا ﴿٢﴾
 مَكِينٍ فِيهِ ءَبَدًا ﴿٣﴾ وَيُنذِرَ الَّذِينَ قَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا ﴿٤﴾

و قرآن را به راستی فرو فرستادیم و به راستی فرود آمده است و نفرستادیم تورا مگر مژده دهنده و ترساننده (۱۰۵). و قرآن را کم کم فرستادیم تا بخوانی آن را بر مردمان بدرنگ و آن را بدفعات به فرستادنی (حکمت آمیز) فرو فرستادیم (۱۰۶). بگو ایمان آورید به آن یا ایمان نیاورید هر آئینه آنانکه ایشان را علم پیش ازین داده شد چون خوانده میشود برایشان بروی خود سجده کنان می افتند (۱۰۷). و گویند پاکی پروردگار ماراست هر آئینه وعدهٔ پروردگار ماشدنی هست (۱۰۸). و بروی خویش گریه کنان می افتند و قرآن درایشان فروتنی را می افزاید (۱۰۹). بگو خدا را بخوانید یا رحمن را بخوانید هر کدام را که بخوانید (خوب باشد) پس برای خدای است نامهای نیکو و نمازت را (چنین) بلند مخوان و آن را آهسته (نیز) مخوان و میان این و آن راهی (میانه) بجوی (۱۱۰). و بگوستایش خدای راست که هیچ فرزندی برنگرفته است و او را هیچ شریکی در پادشاهی نیست و او را هیچ کارسازی از ناتوانی نیست و به بزرگی او را یادکن چنانکه سزاوار است (۱۱۱).



بنام خدای بخشاینده مهربان.

همه ستایش آن خدایی راست که بر بندهٔ خود کتاب را فرو فرستاد در وی هیچ کجی ننهاد (۱). (ساخت او را) راست تا از عقوبت سخت آینده از نزد خدا بترساند و تا آن مسلمانان را که کارهای شایسته می کنند مژده دهد به آنکه ایشانرا است پاداش نیک (۲). در وی همیشه باشندگان (۳). و تا ترساند آنان را که گفتند خدا فرزند گرفته است (۴).

مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ وَلَا لِآبَائِهِمْ كَبُرَتْ كَلِمَةً تَخْرُجُ مِنْ
 أَفْوَاهِهِمْ إِنْ يَقُولُونَ إِلَّا كَذِبًا ﴿٥﴾ فَلَعَلَّكَ بِخُحِّ نَفْسِكَ
 عَلَىٰ آثَرِهِمْ إِنْ لَمْ يُؤْمِنُوا بِهِدَا الْوَحْيِ أَسْفًا ﴿٦﴾ إِنَّا
 جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لِّهَا لِنَبْلُوَهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا
 ﴿٧﴾ وَإِنَّا لَجَاعِلُونَ مَا عَلَيْهَا صَعِيدًا جُرُزًا ﴿٨﴾ أَمْ حَسِبْتَ
 أَنَّ أَصْحَابَ الْكَهْفِ وَالرَّقِيمِ كَانُوا مِنْ آيَاتِنَا عَجَبًا ﴿٩﴾
 إِذْ أَوَى الْفِتْيَةُ إِلَى الْكَهْفِ فَقَالُوا رَبَّنَا إِنَّا مِنْ لَدُنْكَ
 رَحْمَةً وَهَيِّئْ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا رَشَدًا ﴿١٠﴾ فَضَرَبْنَا عَلَىٰ آذَانِهِمْ
 فِي الْكَهْفِ سِنِينَ عَدَدًا ﴿١١﴾ ثُمَّ بَعَثْنَاهُمْ لِنَعْلَمَ أَيُّ
 الْحِزْبَيْنِ أَحْصَىٰ لِمَا لَبِثُوا أَمَدًا ﴿١٢﴾ نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ نَبَأَهُمْ
 بِالْحَقِّ إِنَّهُمْ فِتْيَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَزِدْنَاهُمْ هُدًى ﴿١٣﴾
 وَرَبَطْنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ إِذْ قَامُوا فَقَالُوا رَبُّنَا رَبُّ السَّمَوَاتِ
 وَالْأَرْضِ لَنْ نَدْعُو مِنْ دُونِهِ إِلَهًا لَقَدْ قُلْنَا إِذْ شَطَطًا ﴿١٤﴾
 هَؤُلَاءِ قَوْمُنَا اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ آلِهَةً لَوْلَا يَأْتُونَ عَلَيْهِمْ
 بِسُلْطَانٍ بَيِّنٍ مِمَّنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ أَفْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا ﴿١٥﴾

ایشان را هیچ دانش به آن نیست و نه پدران ایشان را (بود)، بس گران است سخنی که از دهانهای ایشان برمی آید مگر دروغ را نمی گویند (۵). پس مگر تو نفس خود را در پی ایشان اگر ایمان باین سخن نیاورند از روی اندوه کشنده‌ای (۶). هر آئینه ما آنچه بر روی زمین است آرایشی برای آن قراردادیم تا ایشان را امتحان کنیم کدام يك از ایشان در عمل نیکوتر است (۷). و هر آئینه ما البته خواهیم ساخت آنچه را که براوست میدان هموار بی گیاه (۸). آیا پنداشتی که اصحاب غار نوشته^(۱) از جمله نشانه های ماعجب بودند (۹). چون چند جوانانی به سوی غار پناه بردند پس گفتند ای پروردگار ما، ما را از نزد خود بخششی بده و برای ما راه یابی را در کار ما آماده ساز (۱۰). پس برگوش‌های ایشان در غار پرده گذاشتیم یعنی سالهای شمرده شده خوابانیدیم (۱۱). باز ایشان را برانگیختیم تا بدانیم کدام يك از دو گروه مقدار مدتی را که درنگ کرده اند بهتر یاد دارند (۱۲). ما بر تو خبر ایشان را به راستی میخوانیم هر آئینه ایشان جوانانی بودند که به پروردگار خویش ایمان آوردند و ایشانرا هدایت زیاده دادیم (۱۳). چون ایستادند مابه دل‌هایشان^(۲) قدرت و جرأت دادیم پس گفتند پروردگار ما همان پروردگار آسمان‌ها و زمین است هرگز بجز وی معبودی را نخواهیم پرستید هر آئینه آنگاه سخن دروغ گفته باشیم (۱۴). این قوم ما غیر از خدا معبودانی گرفتند چرا بر (ثبوت حقانیت) آن خدایان دلیلی واضح نمی آورند پس کیست ستمکارتر از کسی که برخدا دروغ را بر بست (۱۵).

(۱) یعنی نوشته ای که بر دیوار غار است.

(۲) یعنی دل‌های ایشان را استوار ساختیم.

وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ فَأَوْفُوا إِلَى الْكَهْفِ
يَنْشُرْ لَكُمْ رَبُّكُمْ مِنْ رَحْمَتِهِ وَيُهَيِّئْ لَكُمْ مِنْ أَمْرِكُمْ مَرْفَقًا
﴿١٦﴾ * وَتَرَى الشَّمْسَ إِذَا طَلَعَتْ تَزْوُرُ عَنْ كَهْفِهِمْ ذَاتَ
الْيَمِينِ وَإِذَا غَرَبَتْ تَقْرِضُهُمْ ذَاتَ الشِّمَالِ وَهُمْ فِي فَجْوَةٍ
مِنْهُ ذَلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ لِيَهْدِيَ اللَّهُ الْفَاهِقِينَ فَهُوَ الْمُهْتَدِ وَمَنْ
يُضِلِّ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ وَلِيًّا مُرْشِدًا ﴿١٧﴾ وَتَحَسَّبُهُمْ أَيَقَازًا
وَهُمْ رُفُودٌ وَنُقَلِّبُهُمْ ذَاتَ الْيَمِينِ وَذَاتَ الشِّمَالِ وَكَلْبُهُمْ
بَسِطٌ ذِرَاعَيْهِ بِالْوَصِيدِ لَوِ اطَّلَعْتَ عَلَيْهِمْ لَوَلَّيْتَ مِنْهُمْ
فِرَارًا وَكَلِمَاتٍ مِنْهُمْ رُعبًا ﴿١٨﴾ وَكَذَلِكَ بَعَثْنَاهُمْ
لِيَتَسَاءَلُوا بَيْنَهُمْ قَالَ قَائِلٌ مِنْهُمْ كَمْ لَبِثْتُمْ قَالُوا لَبِثْنَا
يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالُوا رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَا لَبِثْتُمْ فَابْعَثُوا
أَحَدَكُمْ بِرُوقِكُمْ هَذِهِ إِلَى الْمَدِينَةِ فَلْيَنْظُرْ أَيُّهَا أَزْكَى
طَعَامًا فَلْيَأْتِكُمْ بِرُوقٍ مِنْهُ وَلْيَتَلَطَّفْ وَلَا يُشْعِرَنَّ
بِكُمْ أَحَدًا ﴿١٩﴾ إِنَّهُمْ إِنْ يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ يَرْجُمُوكُمْ
أَوْ يُعِيدُوكُمْ فِي مِلَّتِهِمْ وَلَنْ تُفْلِحُوا إِذًا أَبَدًا ﴿٢٠﴾

و چون (ای یاران) ازین کافران و از آنچه ایشان به جای خدا می پرستند کناره گیری کردید پس به سوی غار پناه برید تا بگسّرد بر شما پروردگار شما از بخشایش خود و برای شما منفعت رادکار شما مهیا سازد (۱۶). ببینی ای بیننده خورشید را وقتی که طلوع کند از غار ایشان به جانب راست مایل شود و چون غروب کند از ایشان به جانب چپ تجاوز میکند و ایشان از غار درکشادگی اند این از نشانه های خداست هر که را خدا هدایت کند پس اوست هدایت یافته و هر که را گمراه می کندش پس برای او هیچ دوست راهنمایی را نیابی^(۳) (۱۷). و به پنداری ایشان را بیدار ای بیننده در حالیکه ایشان خفته اند و می گردانیم ایشان را جانب راست و جانب چپ و سگ ایشان دو دست خود را برده‌انه غار گشاده کرده است اگر اطلاع می یافتی برای ایشان البته رو می گردانیدی از ایشان بگریختن و تورا از ایشان ترسی فرامی گرفت^(۴) (۱۸). و همچنین برانگیختیم ایشان را تا (عاقبت بایکدیگر) سوال کنند در میان خود گفت گوینده ای از ایشان چه قدر درنگ کردید گفتند درنگ کردیم یک روز یا بخشی از روز باز گفتند پروردگار شما به مقدار درنگ کردن شما دانایتر است پس یکی را از میان خود با این نقره خود به سوی شهر بفرستید پس باید که تأمل کند کدام یک از خوراک این شهر پاکیزه تر است پس برایتان قوتی از آن بیاورد و باید که به هوشیاری آمد و رفت کند و به حال شما هیچکس را خبردار نکند (۱۹). هر آئینه این کافران اگر بر شما قدرت یابند شمارا سنگسار کنند یا شمارا در دین خود درمی آورند و آنگاه هرگز رستگار نخواهید شد (۲۰).

(۳) مترجم گوید به خاطر فاطمه میرسد که دیوار جنوبی کهف آنقدر بلندست که سایه اصلی اودر تمام سال محل خفتن ایشانرا می پوشاند و دیوار شرقی و غربی آن متصل دیوار جنوبی بلند ترست و پایه به پایه منحط شده و این جماعت سربجانب شمال پابجانب جنوب کرده خفته اند پس وقتی که طلوع کند نور آفتاب بردیوار غربی و بر بعضی از صحن غار افتد و هر چند ارتفاع زیاد گردد بلندی دیوار شرقی از وصول نور به ایشان مانع آید و نور جانب راست ایشان منتقل شود بجانب سرکه جهت شمال است و در وقت استواء بجز سایه اصلی دیوار جنوبی نمی ماند و چون آفتاب مایل بغروب شود نور آفتاب بردیوار شرقی افتد و آهسته برسر دیوار مرتفع گردد و آن جانب چپ ایشان است.

(۴) مترجم گوید و چنانکه خفتن ایشانرا نشانه ای ساختیم.

وَكَذَلِكَ أَخْرَجْنَا عَلَيْهِمْ لِيَعْلَمُوا أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَأَنَّ
 السَّاعَةَ لَا رَيْبَ فِيهَا إِذْ يَتَنَزَّعُونَ بَيْنَهُمْ أَمْرَهُمْ فَقَالُوا
 ابْنُوا عَلَيْهِم بُيُوتًا رُبُّهُمْ أَعْلَمُ بِهِمْ قَالَ الَّذِينَ عَلَبُوا عَلَىٰ
 أَمْرِهِمْ لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِم مَّسْجِدًا ﴿١١﴾ سَيَقُولُونَ ثَلَاثَةٌ
 رَّابِعُهُمْ كَلْبُهُمْ وَيَقُولُونَ خَمْسَةٌ سَادِسُهُمْ كَلْبُهُمْ
 رَجْمًا بِالْغَيْبِ وَيَقُولُونَ سَبْعَةٌ وَثَامِنُهُمْ كَلْبُهُمْ قُل رَّبِّي
 أَعْلَمُ بِعَدَّتِهِمْ مَا يَعْلَمُهُمْ إِلَّا قَلِيلٌ فَلَا تُمَارِ فِيهِمْ إِلَّا مِرَاءً
 ظَاهِرًا وَلَا تَسْتَفْتِ فِيهِمْ مِنْهُمْ أَحَدًا ﴿١٢﴾ وَلَا تَقُولَنَّ لِشَايٍ
 إِنِّي فَاعِلٌ ذَلِكَ غَدًا ﴿١٣﴾ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ وَادْكُرْ رَبَّكَ
 إِذَا نَسِيتَ وَقُلْ عَسَىٰ أَنْ يَهْدِيَنِّي رَبِّي لِأَقْرَبَ مِنْ هَذَا رَشَدًا
 ﴿١٤﴾ وَلَبِثُوا فِي كَهْفِهِمْ ثَلَاثَ مِائَةٍ سِنِينَ وَازْدَادُوا تِسْعًا
 ﴿١٥﴾ قُلِ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا لِيَسْأَلُوهُ وَغَيْبِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ
 أَبْصِرْ بِهِ وَأَسْمِعْ مَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا يُشْرِكُ
 فِي حُكْمِهِ أَحَدًا ﴿١٦﴾ وَأَتْلُ مَا أُوْحِيَ إِلَيْكَ مِنْ كِتَابِ
 رَبِّكَ لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِهِ وَلَنْ تَجِدَ مِنْ دُونِهِ مُلْتَحَدًا ﴿١٧﴾

وهم چنین مردمان را به حال ایشان خبردار گردانیدیم تا بدانند که وعده خدا راست است و آنکه قیامت هیچ شکی در آن نیست هنگامی که نزاع میکردند آن مردمان در میان خود دربارهٔ ایشان پس گفتند بر غار ایشان خانه ای بسازید، پروردگار ایشان دان تراست به حال ایشان گفتند آنانکه قدرت یافتند بر مقدمه ایشان البته بر غار ایشان مسجدی را بسازیم (۲۱). و جمعی خواهند گفت اصحاب کهف سه کس اند و چهارم ایشان سگ ایشان است و جمعی خواهند گفت که پنج کس اند ششم ایشان سگ ایشانست بخيال غایبانه و نیز می گویند هفت کس اند و هشتم ایشان سگ ایشانست بگو پروردگار من دان تراست به تعداد ایشان تعداد ایشان را نمی داند مگر اندکی پس گفتگو مکن دربارهٔ ایشان مگر گفتگوی سرسری و در حق ایشان هیچ کسی را سوال مکن (۲۲). و مگو هیچ چیزی را که من البته آن را فردا خواهم کرد (۲۳). مگر اینکه (بگویی) اگر خدا بخواهد^(۵) و یاد کن پروردگار خود را هنگامی که (إن شاء الله) فراموش کنی^(۶) و بگو توقع است که مرا پروردگار من به راهی نزدیک تر باعتبار راستی از آنچه کافران میگویند دلالت کند (۲۴). و درنگ کردند در غار خود سیصدسال و نه سال دیگر (بر آن) افزودند (۲۵). بگو خدا دانا تراست به مقداری که درنگ کرده اند علم غیب آسمان ها و زمین ویژهٔ اوست چه قدر بیناست و چه قدر شنواست ایشانرا جز او هیچ کارسازی نیست و در حکم خود هیچکسی را شریک نمی گیرد (۲۶). و آنچه به سوی تو از کتاب پروردگار تو وحی فرستاده شد بخوان هیچ کس تبدیل کنندهٔ حکم های وی را نیست و هرگز غیر از او هیچ پنا هگا هی نمی یابی (۲۷).

(۵) یعنی بگو خواهم کرد إن شاء الله تعالی.

(۶) یعنی باز متنبه شوی.

وَأَصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ
 يُرِيدُونَ وَجْهَهُ، وَلَا تَعْدُ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ تُرِيدُ زِينَةَ الْحَيَاةِ
 الدُّنْيَا وَلَا تُطِعْ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَن ذِكْرِنَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ وَكَانَ
 أَمْرُهُ فُرُطًا ﴿١٨﴾ وَقُلِ الْحَقُّ مِن رَّبِّكُمْ فَمَن شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَن
 شَاءَ فَلْيُكْفُرْ إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ نَارًا أَحَاطَ بِهِمْ سُرَادِقُهَا
 وَإِن يَسْتَغِيثُوا يُغَاثُوا بِمَاءٍ كَالْمُهْلِ يَشْوِي الْوُجُوهَ بِئْسَ
 الشَّرَابُ وَسَاءَتْ مُرْتَفَقًا ﴿١٩﴾ إِن الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا
 الصَّالِحَاتِ إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ مَن أَحْسَنَ عَمَلًا ﴿٢٠﴾ أُولَٰئِكَ
 لَهُمْ جَنَّاتُ عَدْنٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ يُحَلَّوْنَ فِيهَا مِن أَسَاوِرَ
 مِن ذَهَبٍ وَيَلْبَسُونَ ثِيَابًا خُضْرًا مِّن سُنْدُسٍ وَإِسْتَبْرَقٍ مُّتَّكِنِينَ
 فِيهَا عَلَى الْأَرَائِكِ نِعْمَ الثَّوَابُ وَحَسُنَتْ مُرْتَفَقًا ﴿٢١﴾ * وَأَضْرِبْ
 لَهُمْ مَثَلًا رَّجُلَيْنِ جَعَلْنَا لِأَحَدِهِمَا جَنَّتَيْنِ مِن أَعْنَبٍ وَحَفَفْنَاهُمَا
 بِنَخْلٍ وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمَا زُرْعًا ﴿٢٢﴾ كَلَّمَا الْجَنَّتَيْنِ ءَاتَتْ أَكْلَهُمَا لَمْ
 تَظْلِم مِّنْهُ شَيْئًا وَفَجَّرْنَا خِلْفَهُمَا نَهْرًا ﴿٢٣﴾ وَكَانَ لَهُ ثَمَرٌ فَقَالَ
 لِصَاحِبِهِ وَهُوَ يُحَاوِرُهُ أَنَا أَكْثَرُ مِنْكَ مَالًا وَأَعَزُّ نَفَرًا ﴿٢٤﴾

و پابیند کن خود را با آنانکه پروردگار خود را به صبح و شام یاد میکنند در حالی که رضای او را میخواهند و نباید از ایشان دیده برگیری به خاطر طلب آرایش زندگانی دنیا و از آن که دل او را از یاد خویش غافل ساخته ایم فرمان مبر و خواهش خود را پیروی کرده است و کار او از حد گذشته است (۲۸). و بگو این سخن راست است از پروردگار شما آمده پس هر که خواهد ایمان آورد و هر که خواهد کافر شود هر آئینه ما مهیا کرده ایم برای ستمکاران آتشی را که به ایشان سراپرده‌های آن درگیرد و اگر فریاد کنند به داد ایشان رسیده شود با نوشانیدن آبی مانند مس گداخته که چهره هارا بریان کند، آن بد آشامیدنی است و دوزخ بد آرام گاهیست (۲۹). هر آئینه کسانی که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته کرده‌اند هر آئینه ما پاداش کسی را که کار نیکو کرده باشد ضایع نمی کنیم (۳۰). این جماعت برای ایشان است بوستانهای همیشه ماندن که زیر آنها نهرها می‌رود زیور داده شوند در آنجا دست بندها زرین و جامه‌های سبز از دیبای نازک و ابریشم ستبر می‌پوشند در حالی که در آنجا بر تخت‌ها تکیه زده اند این نیک جزاست و بهشت نیکو آرام گاهیست (۳۱). و برای ایشان داستان دوشخص را بیان کن که دادیم به یکی از ایشان دو بوستان از درختان انگور و گرداگرد آن درختان خرما پیدا کردیم و در میان این بوستانها زراعت را قرار دادیم (۳۲). هر دو بوستان میوه‌هایش را آوردند و هیچ چیزی را از آن (میوه) کم نکرد و میان آنها جوی آب را روان ساختیم (۳۳). و او را میوه‌های بسیار بود پس به همنشین خود گفت در حالی که او گفتگو میکرد با آن همنشین گفت من از تو مالدارتر و باعتبار حشم نیرومندترم (۳۴).

وَدَخَلَ جَنَّتَهُ، وَهُوَ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ، قَالَ مَا أَظُنُّ أَنْ تَبِيدَ هَذِهِ
 أَبَدًا ﴿٣٥﴾ وَمَا أَظُنُّ السَّاعَةَ قَائِمَةً وَلَئِنْ رُجِدْتُ إِلَىٰ رَبِّي لَأَجِدَنَّ
 خَيْرًا مِنْهَا مُنْقَلَبًا ﴿٣٦﴾ قَالَ لَهُ، صَاحِبُهُ، وَهُوَ يُحَاوِرُهُ، أَكَفَرْتَ
 بِالَّذِي خَلَقَكَ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ سَوَّاهُ رَجُلًا ﴿٣٧﴾
 لَكِنَّا هُوَ اللَّهُ رَبِّي وَلَا أُشْرِكُ بِرَبِّي أَحَدًا ﴿٣٨﴾ وَلَوْلَا إِذْ دَخَلْتَ
 جَنَّتَكَ قُلْتَ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ إِنْ تَرَىٰ أَنَا أَقَلَّ مِنْكَ
 مَالًا وَوَلَدًا ﴿٣٩﴾ فَعَسَىٰ رَبِّي أَنْ يُؤْتِيَنِي خَيْرًا مِنْ جَنَّتِكَ وَيُرْسِلَ
 عَلَيْهَا حُسْبَانًا مِنَ السَّمَاءِ فَتُصْبِحَ صَعِيدًا زَلَقًا ﴿٤٠﴾ أَوْ يُصْبِحَ
 مَا وَهَا غُورًا فَلَنْ نَسْتَطِيعَ لَهُ، وَطَلَبًا ﴿٤١﴾ وَأُحِيطَ بِشَمْرِهِ
 فَأَصْبَحَ يُقَلِّبُ كَفَيْهِ عَلَىٰ مَا أَنْفَقَ فِيهَا وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَىٰ
 عُرُوشِهَا وَيَقُولُ يَلَيْتَنِي لَمْ أُشْرِكْ بِرَبِّي أَحَدًا ﴿٤٢﴾ وَلَمْ تَكُنْ لَهُ
 فِئَةٌ يَنْصُرُونَهُ، مِنْ دُونِ اللَّهِ وَمَا كَانَ مُنتَصِرًا ﴿٤٣﴾ هُنَالِكَ الْوَلِيَّةُ
 لِلَّهِ الْحَقِّ هُوَ خَيْرٌ ثَوَابًا وَخَيْرٌ عُقْبًا ﴿٤٤﴾ وَأَضْرِبْ لَهُمْ مَثَلِ الْحَيَاةِ
 الدُّنْيَا كَمَا أَنْزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ
 فَأَصْبَحَ هَشِيمًا تَذْرُوهُ الرِّيحُ وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ مُقْتَدِرًا ﴿٤٥﴾

و درآمد به بوستان خود درحالی که برخویش ستم کرده بود گفت نمی پندارم که این بوستان هیچ گاه هلاک شود (۳۵). و گمان نمی‌کنم که قیامت متحقق شود و بالفرض اگر باز گردانیده شوم به سوی پروردگار خود هرآئینه بازگشتی بهتر ازین بوستانها خواهم یافت (۳۶). گفت او را همنشین او درحالی که او باوی گفتگو میکرد آیا کافر شدی به آن خدایی که پیدا کرد تورا از خاک باز از نطفه باز تو را مردی (کامل) ساخت (۳۷). لیکن من اعتقاد دارم که خدا پروردگار من است و با پروردگار خود هیچکسی را شریک مقرر نمی‌کنم (۳۸). و چون درآمدی به بوستان خود چرا نه گفتی آنچه خدا خواسته است شدنیست، نیست هیچ توانایی مگر به مشیت خدا اگر می بینی مرا کم تر از توام در مال و فرزند (۳۹). پس شاید که پروردگار من مرا بهتر از بوستان تو بدهد و شاید که بر بوستان تو عذابی از آسمان فرستد پس زمینی بی گیاه لغزاننده پا گردد (۴۰). یا آب او فرو رفته شود پس هرگز آن را نتوانی جست (۴۱). (به عذاب الهی) میوه هایش فرا گرفته شد پس بامداد کرد (چنان که) دودست خود را به حسرت بر آنچه خرج کرده بود در عمارت آن می‌مالید و آن بوستان بر سقفهای خود افتاده و می گفت ای کاش با پروردگار خود هیچکسی را شریک مقرر نمی کردم (۴۲). و او را هیچ جماعتی نبود که غیر از خدا یاری دهندش و خود نیز پیروزمند نبود (۴۳). آنجا ثابت شد که کارسازی برای خدای حق است وی از روی پاداش دادن بهتر است و وی از روی جزا دادن بهتر است (۴۴). و برای ایشان داستان زندگانی دنیا را بیان کن که وی مانند آبی است که از آسمان فرو فرستادیمش پس درهم پیچید بسبب وی رستنی زمین پس سرانجام درهم شکسته شد که بادها آن را پراکنده می ساختند و خدا بر همه چیز توانا است (۴۵).

الْمَالِ وَالْبُنُونَ زِينَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ
 خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ أَمَلًا ﴿٤٦﴾ وَيَوْمَ نَسِفُ الْجِبَالَ وَتَرَى
 الْأَرْضَ بَارِزَةً وَحَشَرْنَاهُمْ فَلَمْ نُغَادِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا ﴿٤٧﴾ وَعَرِضُوا
 عَلَى رَبِّكَ صَفًّا لَقَدْ جِئْتُمُونَا كَمَا خَلَقْنَاكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ بَلْ زَعَمْتُمْ
 أَلَّنْ نَجْعَلَ لَكُمْ مَوْعِدًا ﴿٤٨﴾ وَوُضِعَ الْكِتَابُ فَتَرَى الْمُجْرِمِينَ
 مُشْفِقِينَ مِمَّا فِيهِ وَيَقُولُونَ يَا وَيْلَتَنَا مَالِ هَذَا الْكِتَابِ
 لَا يَغَادِرُ صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً إِلَّا أَحْصَاهَا وَوَجَدُوا مَا عَمِلُوا
 حَاضِرًا وَلَا يَظْلِمُ رَبُّكَ أَحَدًا ﴿٤٩﴾ وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا
 لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ كَانَ مِنَ الْجِنِّ فَفَسَقَ عَنْ أَمْرِ رَبِّهِ
 أَفَتَتَّخِذُونَهُ وَذُرِّيَّتَهُ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِي وَهُمْ لَكُمْ عَدُوٌّ
 بِئْسَ لِلظَّالِمِينَ بَدَلًا ﴿٥٠﴾ * مَا أَشْهَدْتُهُمْ خَلْقَ السَّمَوَاتِ
 وَالْأَرْضِ وَلَا خَلْقَ أَنْفُسِهِمْ وَمَا كُنْتُ مُتَّخِذَ الْمُضِلِّينَ عَضُدًا
 ﴿٥١﴾ وَيَوْمَ يَقُولُ نَادُوا شُرَكَاءِيَ الَّذِينَ زَعَمْتُمْ فَدَعَوْهُمْ
 فَلَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُمْ وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمْ مَوْبِقًا ﴿٥٢﴾ وَرَأَى الْمُجْرِمُونَ
 النَّارَ فَظَنُّوا أَنَّهُم مُّوَاقِعُوهَا وَلَمْ يَجِدُوا عَنْهَا مَصْرِفًا ﴿٥٣﴾



مال و فرزندان آرایش زندگانی دنیا است و حسناتِ پاینده شایسته نزد پروردگارتو از جهت پاداش بهتراند و از جهت امیدداشتن خوب تراند (۴۶). و آن روز که کوه هارا روان می‌کنیم و زمین را نمایان می‌بینی و همه ایشان را گرد می‌آوریم پس از ایشان هیچ کسی را فرو نمی‌گذاریم (۴۷). و روبرو آورده شوند پیش پروردگار توصف کشیده گوئیم هر آئینه پیش ما آمدید چنانکه شمارا نخستین بار آفریده بودیم بلکه می‌پنداشتید که برای شما وعده‌گاهی نخواهیم مقرر کرد (۴۸). و نامهٔ اعمال در میان نهاده شود پس گناه کاران را ترسان بینی از آنچه در آن است و می‌گویند ای وای بر ما این چه کتابی است که هیچ عمل خورد و نه بزرگ را نمی‌گذارد مگر آن را احاطه کرده است و هر چه را کرده بودند حاضر بیابند و پروردگارتو بر هیچ کسی ستم نکند (۴۹). و یادکن چون به فرشتگان گفتیم سجده کنید آدم را پس سجده کردند مگر ابلیس بود از جن پس از فرمان پروردگار خود بیرون شد ای مردمان آیا اورا و فرزندان اورا به جای من دوستان می‌گیرید حال آنکه ایشان شمارا دشمن‌اند، شیطان ستمکاران را بد عوض است (۵۰). ایشان را وقت آفریدن آسمان‌ها و زمین حاضر نکرده بودم و نه وقت آفریدن خود ایشان و من هرگز گمراه کنندگان را مددکار و یاور خود نساخته‌ام (۵۱). و روزی که خدای تعالی می‌فرماید ای مشرکان صدا کنید شریکان مرا که گمان می‌بردید پس آنجماعت را صدا کنند و آن جماعت صدای ایشان را قبول نکنند و در میان ایشان^(۷) مهلکه و دشمنی را ساختیم (۵۲). و گناهگاران آتش (جهنم) را ببینند آنگاه دریابند که ایشان خواهد در آن افتادگانند و از آن جای بازگشتی نیابند (۵۳).

(۷) یعنی وادی از وادیهای دوزخ تا یکی بدیگری نتواند رسید.

وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَذَا الْقُرْآنِ لِلنَّاسِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ وَكَانَ
 الْإِنْسَانُ أَكْثَرِ شَيْءٍ جَدَلًا ﴿٥٤﴾ وَمَا مَنَعَ النَّاسَ أَنْ يُؤْمِنُوا
 إِذْ جَاءَهُمُ الْهُدَىٰ وَيَسْتَغْفِرُوا رَبَّهُمْ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمْ سُنَّةٌ
 الْأُولَىٰ أَوْ آيَاتُهُمُ الْعَذَابُ قُبُلًا ﴿٥٥﴾ وَمَا نُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ
 إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَيَجِدُ الَّذِينَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالْبَطْلِ
 لِيَدْحِضُوا بِهِ الْحَقَّ وَاتَّخَذُوا آيَاتِي وَمَا أُنذِرُوا هُزُولًا ﴿٥٦﴾
 وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ ذُكِّرَ بِآيَاتِ رَبِّهِ فَأَعْرَضَ عَنْهَا وَنَسَىٰ
 مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ إِنَّا جَعَلْنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ
 وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا وَإِنْ تَدْعُهُمْ إِلَى الْهُدَىٰ فَلَنْ يَهْتَدُوا إِذًا
 أَبَدًا ﴿٥٧﴾ وَرَبُّكَ الْغَفُورُ ذُو الرَّحْمَةِ لَوْ يُؤَاخِذُهُمْ بِمَا كَسَبُوا
 لَعَجَّلَ لَهُمُ الْعَذَابَ بَلْ لَهُمْ مَوْعِدٌ لَنْ يَجِدُوا مِنْ دُونِهِ
 مَوْبِلًا ﴿٥٨﴾ وَتِلْكَ الْقُرَىٰ أَهْلَكْنَاهُمْ لَمَّا ظَلَمُوا وَجَعَلْنَا
 لِمَهْلِكِهِمْ مَوْعِدًا ﴿٥٩﴾ وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِفَتَاهُ لَا أَبْرَحُ حَتَّىٰ
 أَبْلُغَ مَجْمَعَ الْبَحْرَيْنِ أَوْ أَمْضِيَ حُقُبًا ﴿٦٠﴾ فَلَمَّا بَلَغَا مَجْمَعَ
 بَيْنَهُمَا نَسِيَا حُوتَهُمَا فَاتَّخَذَ سَبِيلَهُ فِي الْبَحْرِ سَرَبًا ﴿٦١﴾

وبه راستی در این قرآن برای مردمان از هر نوع داستانی گوناگون بیان کردیم و آدمی بیشتر از همه چیز در خصومت هست (۵۴). و مردمان را از آنکه ایمان آورند چون بیامد به ایشان هدایت و از آنکه طلب آموزش کنند از پروردگار خود باز نداشت مگر به انتظار آنکه بیاید به ایشان روش پیشینیان یا به ایشان عقوبت گوناگون بیاید (۵۵). و نمی فرستیم پیامبران را مگر بشارت دهنده و ترساننده و کافران به ناحق و بیهوده خصومت میکنند تا بسبب آن سخن حق را بلغزانند و آیات مرا و چیزی را که به آن ترسانیده شدند به تمسخر گرفتند (۵۶). و کیست ستمکار تر از کسی که به آیات پروردگار خویش پند داده شد پس از آن رویگردان گشت و آنچه را پیش فرستاده است دو دست او فراموش کند هر آئینه ما بردل‌های ایشان پرده‌ها افکنده‌ایم تا قرآن را نفهمند و ساختیم در گوشه‌های ایشان گرانی و اگر ایشان را به سوی هدایت بخوانی پس آنگاه هرگز راه نیابند (۵۷). و پروردگار تو آمرزنده صاحب رحمت است اگر ایشان را به آنچه کرده‌اند مؤاخذه می‌کرد عذاب را به شتاب برایشان می‌فرستاد، بلکه (حق این است که) برای ایشان می‌عادی هست که هرگز غیر از آن پناهی را نیابند (۵۸). و آن‌دهها را چون ستم کردند هلاک کردیم و برای هلاک ایشان می‌عادی معین کردیم (۵۹). و یادکن چون موسی نوجوان خود را گفت پیوسته راه می‌روم تا آنکه به محل جمع شدن دودریا برسیم یا مدت‌های درازی بروم (۶۰). پس چون به محل جمع شدن دودریا رسیدند ماهی خود را فراموش کردند پس راه خود را در دریا شکافتان گرفت (۶۱).

فَلَمَّا جَاوَزَا قَالَ لِفَتَاهُ إِنِّي خَشِيتُ أَن يَأْتِيَ الصَّخْرَةَ فَتَمُوتَ بِهَا
 هَذَا نَصَبًا ﴿٦٢﴾ قَالَ أَرَأَيْتَ إِذْ أَوَيْنَا إِلَى الصَّخْرَةِ فَإِنِّي نَسِيتُ
 الْحُوتَ وَمَا أَنسَنِيهِ إِلَّا الشَّيْطَانُ أَن أَذْكُرَهُ، وَاتَّخَذَ سَبِيلَهُ
 فِي الْبَحْرِ عَجَبًا ﴿٦٣﴾ قَالَ ذَلِكَ مَا كُنَّا نَبْغُ فَأَرْسَلْنَا مِنَّا رِجَالَنَا
 قَصَصًا ﴿٦٤﴾ فَوَجَدَا عَبْدًا مِّنْ عِبَادِنَا آتَيْنَاهُ رَحْمَةً مِّنْ عِنْدِنَا
 وَعَلَّمْنَاهُ مِن لَّدُنَّا عِلْمًا ﴿٦٥﴾ قَالَ لَهُ وَمُوسَىٰ هَلْ أَتَيْتَكَ عَلَىٰ أَن
 تُعَلِّمَنِي مِمَّا عَلَّمْتَ رُسُلَنَا ﴿٦٦﴾ قَالَ إِنَّكَ لَن تَسْتَطِيعَ مَعِيَ
 صَبْرًا ﴿٦٧﴾ وَكَيْفَ تَصْبِرُ عَلَىٰ مَا لَمْ تُحِطْ بِهِ خُبْرًا ﴿٦٨﴾ قَالَ
 سَتَجِدُنِي إِن شَاءَ اللَّهُ صَابِرًا وَلَا أَعْصِي لَكَ أَمْرًا ﴿٦٩﴾ قَالَ
 فَإِنِ اتَّبَعْتَنِي فَلَا تَسْأَلْنِي عَنْ شَيْءٍ حَتَّىٰ أُحْدِثَ لَكَ مِنْهُ ذِكْرًا
 ﴿٧٠﴾ فَأَنْطَلَقَا حَتَّىٰ إِذَا رَكِبَا فِي السَّفِينَةِ خَرَقَهَا قَالَ أَخَرَقْتَهَا
 لِتُغْرِقَ أَهْلَهَا لَقَدْ جِئْتَ شَيْئًا إِمْرًا ﴿٧١﴾ قَالَ أَلَمْ أَقُلْ إِنَّكَ
 لَن تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا ﴿٧٢﴾ قَالَ لَا تُؤَاخِذْنِي بِمَا نَسِيتُ وَلَا
 تُرْهِقْنِي مِنْ أَمْرِي عُسْرًا ﴿٧٣﴾ فَأَنْطَلَقَا حَتَّىٰ إِذَا لَقِيَا غُلَامًا فَاقْتَلَهُ
 قَالَ أَقْتَلْتَنِي فَسَأَلْتَهُ بِغَيْرِ نَفْسٍ لَّقَدْ جِئْتَ شَيْئًا نُكْرًا ﴿٧٤﴾

پس چون گذشتند موسیٰ نوجوان خود را گفت برای ما (طعام) چاشت مارا بیاور هر آینه از این سفر خود رنج یافتیم (۶۲). گفت آیا دیدی چون به آن سنگ تکیه زده آرام گرفتیم پس من ماهی را (یعنی آنجا) فراموش کردم و فراموش نساخت مرا از آنکه قصه آن را یادکنم مگر شیطان و راه خود در دریا به شیوهٔ عجیبی گرفت (۶۳). موسیٰ گفت این بود آنچه می جستیم پس بر نشان قدم هایشان جستجو کنان باز گشتند (۶۴). پس بنده ای را از بندگان ما که اورا رحمتی دادیم از نزد خود یافتند و اورا از نزد خود علمی آموختیم^(۸) (۶۵). موسیٰ اورا گفت آیا پیروی توکنم به شرط آنکه به من (نیز) بیاموزی از راه یابی ای که آموزش یافته ای (۶۶). گفت هر آینه تو بامن شکیبایی کردن نمی توانی (۶۷). و چگونه شکیبایی کنی بر چیزی که درنگرفته ای آنرا از روی دانش (۶۸). گفت مرا شکیبیا خواهی یافت اگر خدا بخواهد و باتو در هیچ فرمانی خلاف نمی کنم (۶۹). گفت پس اگر پیروی من می کنی پس از من از هیچ چیز سوال مکن تا آنکه خودم از آن باتوسخن گویم (۷۰). پس راه رفتند تا وقتی که چون بر کشتی سوار شدند (خضر) آنرا شکافت گفت (موسیٰ) آیا شکافتی کشتی را تا سر نشینانش را غرق کنی به راستی چیزی (بس) ناگوار را آوردی (۷۱). گفت آیا نگفته بودم که تو بامن شکیبایی کردن نتوانی (۷۲). موسیٰ گفت مرا به آنچه فراموش کردم بازخواست مکن و در کارم بر من سخت مگیر (۷۳). پس راهسپار شدند تا وقتی که بانوجوانی برخورد کردند پس (خضر) اورا بکشت گفت (موسیٰ) آیا انسانی بی گناه را بغیر قصاص نفسی کشتی بی گمان چیزی ناپسندیده را آوردی (۷۴).

(۸) یعنی خضر را یافتند.

* قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَكَ إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا ﴿٧٥﴾ قَالَ إِنْ سَأَلْتُكَ عَنْ شَيْءٍ بَعْدَهَا فَلَا تُصَدِّقْنِي ۖ قَدْ بَلَغْتَ مِنْ لَدُنِّي عُذْرًا ﴿٧٦﴾ فَأَنْطَلَقَا حَتَّىٰ إِذَا آتَيْتُمَا أَهْلَ قَرْيَةٍ اسْتَطَعَمَا أَهْلَهَا فَأَبْوَا ۖ أَنْ يُضَيِّفُوهُمَا فَوَجَدَا فِيهَا جِدَارًا يُرِيدُ أَنْ يَنْقَضَ فَأَقَامَهُ ۖ قَالَ لَوْ شِئْتَ لَتَّخَذْتَ عَلَيْهِ أَجْرًا ﴿٧٧﴾ قَالَ هَذَا فِرَاقُ بَيْنِي وَبَيْنِكَ ۖ سَأُنَبِّئُكَ بِتَأْوِيلِ مَا لَمْ تَسْتَطِعْ عَلَيْهِ صَبْرًا ﴿٧٨﴾ أَمَّا السَّفِينَةُ فَكَانَتْ لِمَسْلُكِينَ يَعْمَلُونَ فِي الْبَحْرِ فَأَرَدْتُ أَنْ أَعِيبَهَا وَكَانَ وَرَاءَهُمْ مَلِكٌ يَأْخُذُ كُلَّ سَفِينَةٍ غَصْبًا ﴿٧٩﴾ وَأَمَّا الْغُلَامُ فَكَانَ أَبَوَاهُ مُؤْمِنَيْنِ فَخَشِينَا أَنْ يُرْهَقَهُمَا طُغْيَانًا وَكُفْرًا ﴿٨٠﴾ فَأَرَدْنَا أَنْ يُبْدِلَهُمَا رَبُّهُمَا خَيْرًا مِمَّنْهُ زَكَوَةً وَأَقْرَبَ رَحْمًا ﴿٨١﴾ وَأَمَّا الْجِدَارُ فَكَانَ لِغُلَامَيْنِ يَتِيمَيْنِ فِي الْمَدِينَةِ وَكَانَ تَحْتَهُ كَنْزٌ لَهُمَا وَكَانَ أَبُوهُمَا صَالِحًا فَأَرَادَ رَبُّكَ أَنْ يَبْلُغَا أَشُدَّهُمَا وَيَسْتَخْرِجَا كَنْزَهُمَا رَحْمَةً مِّن رَّبِّكَ ۖ وَمَا فَعَلْتُهُ وَعَنَّ أَمْرِي ۚ ذَلِكَ تَأْوِيلُ مَا لَمْ تَسْتَطِعْ عَلَيْهِ صَبْرًا ﴿٨٢﴾ وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْقَرْيَيْنِ ۗ قُلْ سَأَتْلُوا عَلَيْكُمْ مِنهٗ ذِكْرًا ﴿٨٣﴾

گفت آیا نگفته بودم به تو که هر آئینه تو بامن شکیبایی کردن نتوانی (۷۵). گفت موسی اگر بعد ازین تورا از چیزی بپرسم پس بامن همراهی مکن بی گمان از جانب من بحد عذر رسیدی (۷۶). پس راه رفتند تا وقتیکه به اهل دهی آمدند از اهل آن ده خوراک طلب کردند پس اهل ده قبول نمودند که ایشان را مهمانی کنند پس یافتند در آنجا دیواری که میخواست بیفتد پس آنرا راست ساخت گفت (موسی) اگر میخواستی البته بر تعمیر این دیوار مزدی می گرفتی (۷۷). گفت اینست جدایی در میان من و تو خبر خواهم داد ترا به آنچه بر آن شکیبایی کردن نتوانستی (۷۸). اما کشتی پس از آن درویشان چند بود که در دریا کار می کردند پس خواستم که آنرا معیوب کنم و پیش روی ایشان پادشاهی بود که هر کشتی درست را به زور می گرفت (۷۹). و اما آن نوجوان پس پدر و مادر وی مسلمان بودند پس ترسیدیم از آن که برایشان در سرکشی و کفر غالب آید (۸۰). پس خواستیم که عوض دهد ایشان را پروردگاریشان بهتر از وی پاکیزگی و نزدیک تر از جهت شفقت (۸۱). و اما آن دیوار پس از دونوجوان یتیم در شهر بود و زیر آن گنجی از ایشان بود و پدرایشان نیکوکار بود پس خواست پروردگار تو که این نوجوانان به نهایت قوت خویش برسند و گنج خود را بر آورند از وی مهربانی از پروردگارتو و آن را از رای خود نکردم اینست سیر آنچه بر آن شکیبایی کردن نتوانستی (۸۲). و سوال می کنند تورا از ذوالقرنین بگو خواهم خواند بر شما از حال وی خبری (۸۳).

إِنَّا مَكَّنَّا لَهُ فِي الْأَرْضِ وَءَاتَيْنَاهُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ سَبَبًا ﴿٨٤﴾ فَاتَّبَعَ سَبَبًا
 حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ مَغْرِبَ الشَّمْسِ وَجَدَهَا تَغْرُبُ فِي عَيْنٍ حَمِئَةٍ
 وَوَجَدَ عِنْدَهَا قَوْمًا قُلْنَا يَا ذَا الْقَرْنَيْنِ إِمَّا أَنْ تُعَذِّبَ وَإِمَّا أَنْ تَتَّخِذَ
 فِيهِمْ حُسْنًا ﴿٨٥﴾ قَالَ أَمَّا مَنْ ظَلَمَ فَسَوْفَ نُعَذِّبُهُ ثُمَّ يُرَدُّ إِلَىٰ رَبِّهِ
 فَيُعَذِّبُهُ عَذَابًا نَكِرًا ﴿٨٦﴾ وَأَمَّا مَنْ ءَامَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُ جَزَاءٌ
 الْحَسَنُ وَسَنُقُولُ لَهُ مِنْ أَمْرٍ يُسِّرُهُ ﴿٨٧﴾ ثُمَّ اتَّبَعَ سَبَبًا ﴿٨٨﴾ حَتَّىٰ
 إِذَا بَلَغَ مَطْلِعَ الشَّمْسِ وَجَدَهَا تَطَّلِعُ عَلَىٰ قَوْمٍ لَمْ يَجْعَلْ لَهُمْ مِّنْ
 دُونِهَا سِتْرًا ﴿٨٩﴾ كَذَلِكَ وَقَدْ أَحَطْنَا بِمَا لَدَيْهِ خُبْرًا ﴿٩٠﴾ ثُمَّ
 اتَّبَعَ سَبَبًا ﴿٩١﴾ حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ بَيْنَ السَّدَّيْنِ وَجَدَ مِنْ دُونِهِمَا قَوْمًا
 لَّا يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ قَوْلًا ﴿٩٢﴾ قَالُوا يَا ذَا الْقَرْنَيْنِ إِنَّ يَأْجُوجَ
 وَمَأْجُوجَ مُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ فَهَلْ نَجْعَلُ لَكَ خَرْجًا عَلَىٰ أَنْ
 تَجْعَلَ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ سَدًّا ﴿٩٣﴾ قَالَ مَا مَكَّنِّي فِيهِ رَبِّي خَيْرٌ فَأَعِينُونِي
 بِقُوَّةٍ أَجْعَلْ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ رَدْمًا ﴿٩٤﴾ ءَاتُونِي زُبُرَ الْحَدِيدِ حَتَّىٰ إِذَا سَاوَىٰ
 بَيْنَ الصَّدَفَيْنِ قَالَ انْفُخُوا حَتَّىٰ إِذَا جَعَلَهُ نَارًا قَالَ ءَاتُونِي أُفْرِغْ عَلَيْهِ
 قَطْرًا ﴿٩٥﴾ فَمَا اسْتَطَعُوا أَنْ يَظْهَرُوهُ وَمَا اسْتَطَعُوا لَهُ نَقْبًا ﴿٩٦﴾

هرآئینه ما او را درزمین دسترسی دادیم و او را از هر چیز وسیله ای دادیم (۸۴). پس درپی وسیله ای افتاد^(۹) (۸۵). تاآنکه چون به محل فرورفتن آفتاب رسید دریافت آنرا که در چشمه گل ولای فرو می رود و نزدیک آن چشمه گروهی را یافت گفتیم ای ذوالقرنین (اختیار بدست تست) یا (اینست که) عقوبت کنی یا در میان ایشان معامله نیکو بگیری^(۱۰) (۸۶). گفت اما کسیکه ستم کرد پس او را به عذاب خواهیم کرد آنگاه به سوی پروردگار خویش بازگردانیده شود پس او را به عذاب سخت عذاب کند (۸۷). واما آنکه ایمان آورده و کارشایسته کرده باشد پس او را پاداش نیکو است و درباره اودرکار خویش سخنی آسان خواهیم گفت (۸۸). بازدرپی وسیله ای افتاد (۸۹). تا آنگاه که چون به جایگاه برآمدن خورشید رسید یافت که آن برگروهی بر می آید که برای ایشان از جهت آفتاب هیچ پرده ای نساخته ایم (۹۰). قصه چنین بود وهرآئینه در گرفته ایم به آنچه نزدیک وی بود از روی خبرداری (۹۱). بازدرپی وسیله ای افتاد (۹۲). تا وقتیکه چون در میان دوسد رسید سوی این دوسد گروهی را یافت که نزدیک نیستند از آنکه سخنی را بفهمند (۹۳). گفتند این گروه ای ذوالقرنین هرآئینه یاجوج و ماجوج درزمین فساد کنندگانند پس آیا مقرر کنیم برای تو هزینه ای به شرط آنکه در میان ما و ایشان سدّی بسازی (۹۴). گفت آنچه مرا در آن پروردگار من دسترسی داده است بهتر است پس مرا باتوان بازو مدد کنید تا میان شما و ایشان حاجابی محکم بسازم (۹۵). پیش من پاره های آهن را بیارید آنگاه که مابین آن دوکوه را برابر ساخت گفت آتش بدمید تاآنکه چون آن آهن را آتش ساخت گفت بیاورید پیش من تا بالای این روئین گذاخته را بریزم (۹۶). پس یاجوج و ماجوج نتوانستند که بر آن بالاروند و او را سوراخ کردن نتوانستند (۹۷).

(۹) یعنی بحسب نظر مردمان.

(۱۰) مترجم گوید و این کنایت است از قدرت اوبرین دوکار.

قَالَ هَذَا رَحْمَةٌ مِنْ رَبِّي فَادْجَأْ وَعَدُّ رَبِّي جَعَلَهُ دَكَاةً وَكَانَ وَعْدُ رَبِّي
 حَقًّا ﴿٩٨﴾ * وَتَرَكْنَا بَعْضَهُمْ يَوْمَئِذٍ يَمُوجُ فِي بَعْضٍ وَنُفِخَ فِي الصُّورِ
 فَجَمَعْنَاهُمْ جَمْعًا ﴿٩٩﴾ وَعَرَضْنَا جَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ لِلْكَافِرِينَ عَرْضًا ﴿١٠٠﴾
 الَّذِينَ كَانَتْ أَعْيُنُهُمْ فِي غِطَاءٍ عَنْ ذِكْرِي وَكَانُوا لَا يَسْتَطِيعُونَ سَمْعًا
 ﴿١٠١﴾ الْخَسِيبَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنْ يَتَّخِذُوا عِبَادِي مِنْ دُونِ أَوْلِيَاءٍ إِنَّآ
 أَعْتَدْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ نُزُلًا ﴿١٠٢﴾ قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا
 ﴿١٠٣﴾ الَّذِينَ ضَلَّ سَعْيُهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يُحْسِبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ
 صُنْعًا ﴿١٠٤﴾ أُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَلِقَائِهِ فَحَبِطَتْ
 أَعْمَالُهُمْ فَلَا نُقِيمُ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَزَنًا ﴿١٠٥﴾ ذَلِكَ جَزَاءُ جَهَنَّمَ
 بِمَا كَفَرُوا وَاتَّخَذُوا آيَاتِي وَرُسُلِي هُرُوقًا ﴿١٠٦﴾ إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا
 الصَّالِحَاتِ كَانَتْ لَهُمْ جَنَّاتُ الْفِرْدَوْسِ نُزُلًا ﴿١٠٧﴾ خَالِدِينَ فِيهَا
 لَا يَبْغُونَ عَنْهَا حِوَلًا ﴿١٠٨﴾ قُلْ لَوْ كَانَ الْبَحْرُ مَدَادًا لَكَلِمَاتِ رَبِّي لَنَفِدَ
 الْبَحْرُ قَبْلَ أَنْ تَنفَدَ كَلِمَاتُ رَبِّي وَلَوْ جِثْنَا بِمِثْلِهِ مَدَدًا ﴿١٠٩﴾ قُلْ إِنَّمَا
 أَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا
 لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا ﴿١١٠﴾

گفت این (صنعت) نعمتی از پروردگار من است پس چون وعدهٔ پروردگار من بیاید^(۱۱) آنرا هموار کند و هست وعدهٔ پروردگار من راست (۹۸). و بگذاریم بعضی ایشان را آن روز که در بعضی دیگر درهم آمیزند و در صورت دمیده شود پس ایشان را کاملاً بهم آوریم (۹۹). و روبرو آوریم دوزخ را آن روز پیش کافران روبرو آوردن (۱۰۰). آنانکه چشم های ایشان از یاد من در پرده بود و سخن شنیدن را نمی توانستند (۱۰۱). (یعنی از شدت بغض) آیا پنداشتند کافران که دوست گرفتن ایشان بندگان مرا به جای من که موجب عقوبت نباشد هر آئینه ما دوزخ را برای کافران منزلگاه آماده ساخته ایم (۱۰۲). بگو آیا شمارا به آنانکه زیانکارترین مردم اند از روی عمل خبر دهیم (۱۰۳). این جماعت آنانند که سعی ایشان در زندگانی دنیا بر باد شد و ایشان گمان می کنند که در عمل خودشان نیکوکاری می کنند (۱۰۴). این جماعت آنانند که به آیات پروردگار خویش و به ملاقات او کافر شدند پس اعمال ایشان نابود شد پس برپا نخواهیم ساخت برای ایشان روز قیامت هیچ وزنی^(۱۲) (۱۰۵). این است که جزای ایشان دوزخ باشد بسبب آنکه کافر شدند و آیات مرا و پیامبران مرا به تمسخر گرفتند (۱۰۶). هر آئینه آنانکه ایمان آورده اند و کارهای شایسته کردند اند جایگاه پذیرایی ایشان باغهای فرودس است (۱۰۷). در آنجا جاویدان باشند از آنجا بازگشتن را نجویند (۱۰۸). بگو اگر دریا سیاهی باشد برای نوشتن سخنان پروردگار من البته دریا تمام شود پیش از آنکه سخنان پروردگار من بآخر رسد اگر چه به کمک مانند آن دریادریایی دیگر را بیاوریم (۱۰۹). بگو جز این نیست که من آدمی ام مانند شما به سوی من وحی فرستاده می شود که معبود شما همان معبودی یکتا است پس هر که ملاقات پروردگار خود را توقع دارد باید که کار پسندیده بکند و در عبادت پروردگار خویش هیچ کسی را شریک نیاورد (۱۱۰).

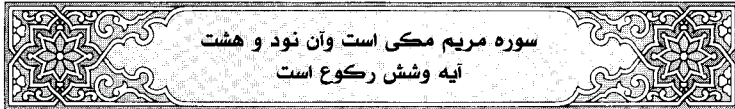
(۱۱) یعنی نزدیک شود قیامت.

(۱۲) مترجم گوید و این کنایت است از خواری و بی قدری.

سورة مريم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

كَهَيْعَصَ ۙ ذَكَرْ رَحْمَتِ رَبِّكَ عَبْدَهُ زَكَرِيَّا ۚ إِذْ
 نَادَى رَبَّهُ وَنَدَاءَ خَفِيًّا ۗ قَالَ رَبِّ إِنِّي وَهَنَ الْعَظْمُ مِنِّي
 وَاسْتَعَلَ الرَّأْسُ شَيْبًا وَلَمْ أَكُنْ بِدُعَائِكَ رَبِّ شَقِيًّا
 ۙ وَإِنِّي خِفْتُ الْمَوَالِيَ مِنْ وَرَائِي وَكَانَتِ امْرَأَتِي
 عَاقِرًا فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا ۗ يَرِثُنِي وَيَرِثُ مِنْ
 آلِ يَعْقُوبَ ۖ وَاجْعَلْهُ رَبِّ رَضِيًّا ۗ يَنْزَكَرِيَّا إِنَّا
 نُبَشِّرُكَ بِغُلَامٍ اسْمُهُ يَسْحَىٰ لَمْ نَجْعَلْ لَهُ مِنْ قَبْلُ سَمِيًّا
 ۗ قَالَ رَبِّ أَنَّىٰ يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَكَانَتِ امْرَأَتِي عَاقِرًا
 وَقَدْ بَلَغْتُ مِنَ الْكِبَرِ عِتِيًّا ۗ قَالَ كَذَلِكَ قَالَ
 رَبُّكَ هُوَ عَلَىٰ هَيْئٍ ۖ وَقَدْ خَلَقْتُنَّكَ مِنْ قَبْلُ وَلَمْ تَكُ
 شَيْئًا ۗ قَالَ رَبِّ اجْعَلْ لِي آيَةً ۗ قَالَ آيَتُكَ الْأَىٰ
 تُكَلِّمُ النَّاسَ ثَلَاثَ لَيَالٍ سَوِيًّا ۗ فَخَرَجَ عَلَىٰ قَوْمِهِ مِنَ
 الْمِحْرَابِ فَأَوْحَىٰ إِلَيْهِمْ أَنْ سَبِّحُوا بُكْرَةً وَعَشِيًّا ۗ



بنام خدای بخشاینده مهربان.

كَهْلَيْعَصَ (۱). این یاد کرد بخشایش پروردگارتو بربنده خود زکریا است (۲). چون پروردگار خود را به ندایی پنهان به دعاخواند (۳). گفت ای پروردگار من هرآئینه استخوان ازیدن من سست شده است و سرم از سفید مویی شعله گشته است و در دعای تو ای پروردگار من ناامید نبوده ام (۴). و هرآئینه من پس از خود از نزدیکانم می ترسم و هست زن من نازای پس مرا از نزدیک خود وارثی عطا کن (۵). که از من میراث گیرد و میراث گیرد از اولاد یعقوب و او را ای پروردگار من مرد پسندیده بکن (۶). گفتیم ای زکریا هرآئینه ما تو را به طفلی که نام او یحیی است بشارت میدهیم پیش ازین هیچ هم نام او را پیدا نکردیم (۷). گفت ای پروردگار من چگونه پیدا شود برای من طفلی و هست زن من نازای و هرآئینه از سبب کلان سالی بنهایت ضعف رسیده ام (۸). گفت وعده هم چنین است گفت پروردگار تو این کار بر من آسان است و هرآئینه تو را پیش ازین و تو چیزی نبودی آفریدم (۹). گفت ای پروردگار من برای من نشانه ای معین کن فرمود نشانه تو آنست که بامردمان سه شبانه روز در عین حال تندرستی سخن نتوانی گفتن (۱۰). پس برقوم خود از محراب عبادت بیرون آمد پس اشاره کرد به سوی ایشان که صبح و شام تسبیح گوید^(۱) (۱۱).

(۱) مترجم گوید القصة چون یحیی متولد شد و دوساله گشت.

يَلِيحِي خُذِ الْكِتَابَ بِقُوَّةٍ وَءَاتَيْنَاهُ الْحِكْمَ صَبِيًّا ﴿١٢﴾
وَحَنَانًا مِّن لَّدُنَّا وَزَكَاةً وَكَانَ تَقِيًّا ﴿١٣﴾ وَبَرًّا بِوَالِدَيْهِ وَلَمْ
يَكُنْ جَبَّارًا عَصِيًّا ﴿١٤﴾ وَسَلَّمْ عَلَيْهِ يَوْمَ وُلِدَ وَيَوْمَ يَمُوتُ
وَيَوْمَ يُبْعَثُ حَيًّا ﴿١٥﴾ وَأذْكَرْ فِي الْكِتَابِ مَرْيَمَ إِذِ انْتَبَذَتْ
مِن أَهْلِهَا مَكَانًا شَرْقِيًّا ﴿١٦﴾ فَاتَّخَذَتْ مِنْ دُونِهِمْ حِجَابًا
فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا ﴿١٧﴾ قَالَتْ إِنِّي
أَعُوذُ بِالرَّحْمَنِ مِنْكَ إِنْ كُنْتَ تَقِيًّا ﴿١٨﴾ قَالَ إِنَّمَا أَنَا رَسُولُ
رَبِّكِ لِأَهَبَ لَكِ غُلَامًا زَكِيًّا ﴿١٩﴾ قَالَتْ أَنَّى يَكُونُ لِي
غُلَامٌ وَلَمْ يَمَسِّنِي بَشَرٌ وَلَمْ أَكُ بَغِيًّا ﴿٢٠﴾ قَالَ كَذَلِكَ
قَالَ رَبُّكَ هُوَ عَلَيَّ هَيِّئٌ وَلَنَجْعَلَنَّ آيَةً لِلنَّاسِ وَرَحْمَةً
مِّنَّا وَكَانَ أَمْرًا مَّقْضِيًّا ﴿٢١﴾ * فَحَمَلَتْهُ فَانْتَبَذَتْ بِهِ
مَكَانًا قَصِيًّا ﴿٢٢﴾ فَأَجَاءَهَا الْمَخَاضُ إِلَى جِذْعِ النَّخْلَةِ
قَالَتْ يَلَيْتَنِي مِتُّ قَبْلَ هَذَا وَكُنْتُ نَسِيًّا مَّنْسِيًّا ﴿٢٣﴾
فَنَادَى مِنْ تَحْتِهَا أَلَّا تَحْزَنِي قَدْ جَعَلَ رَبُّكِ تَحْتَكِ سَرِيًّا ﴿٢٤﴾
وَهُزِّي إِلَيْكِ بِجِذْعِ النَّخْلَةِ تُسْقِطُ عَلَيْكَ رَطْبًا جَنِيًّا ﴿٢٥﴾

گفتیم ای یحیی (احکام) کتاب را باقوت و استواری بگیر و در حال کودکی دانائی دادیمش (۱۲). و شفقتی از نزدیک خود و طهارت نفس دادیمش و پرهیزگار بود (۱۳). و نیکوکردار به پدر و مادر خود بود و گردن کُش گنهکار نبود (۱۴). و سلام باد بروی روزیکه متولد شد و روزیکه بمیرد و روزیکه برانگیخته شود (۱۵). و در کتاب مریم را یاد کن چون از اهل خود به گوشه‌ای شرقی (از بیت المقدس) یکسوشد (۱۶). پس میان خود و ایشان پرده‌ای گرفت پس به سوی او روح خود را فرستادیم^(۲) پس به صورت بشری درست اندام پیش مریم ظاهر شد (۱۷). گفت هر آئینه من به خدا از تو اگر پرهیزگاری باشی پناه میگیرم (۱۸). گفت جز این نیست که من فرستاده^۳ پروردگارت هستم تا تو را کودکی پاکیزه عطا کنم (۱۹). گفت چگونه برای من طفلی پیدا شود حال آنکه دست نرسانیده است بمن هیچ آدمی و هرگز زناکار نبودم (۲۰). گفت وعده^۴ حق هم چنین است فرمود پروردگار تو که این بر من آسان است و می‌خواهیم که این طفل را نشانه ای برای مردمان و بخشایشی از جانب خود بسازیم و این (تصمیم) کاری انجام یافتنی است (۲۱). پس به شکم آن طفل را بارگرفت پس مریم بسبب آن حمل بجایی دوازدمردم یکسو شد (۲۲). پس آوردش درد زه به سوی تنه درخت خرما مریم گفت ای کاش پیش ازین مرده بودم و فراموش شده از خاطر رفته می بودم (۲۳). پس آواز داد اورا (طفل یا جبرئیل واللہ اعلم) از جانب پایین او که اندوه مخور هر آئینه پروردگار تو پایین توجویی پیدا کرده است (۲۴). و به سوی خویش تنه^۵ درخت خرما را تکان ده تا بر سر تو خرمای تازه (بالفعل از درخت) چیده بيفکند (۲۵).

(۲) یعنی جبرئیل علیه السلام را.

فَكُلِي وَأَشْرِي وَفَرِي عَيْنًا فَمَا تَرَيْنَ مِنَ الْبَشَرِ أَحَدًا فَقُولِي
إِنِّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ صَوْمًا فَلَنْ أُكَلِّمَ الْيَوْمَ إِنْسِيًّا ﴿٢٦﴾ فَأَتَتْ
بِهِ قَوْمَهَا تَحْمِلُهُ وَقَالُوا لِمَ رِمْتِ لَدَجْتِ شَيْئًا فَرِيًّا ﴿٢٧﴾
يَأْخُذَتَّ هَدْرُونَ مَا كَانَ أَبُوكَ أَمْرًا سَوِيًّا وَمَا كَانَتْ
أُمُّكَ بَغِيًّا ﴿٢٨﴾ فَأَشَارَتْ إِلَيْهِ قَالُوا كَيْفَ نُكَلِّمُ مَنْ كَانَ فِي
الْمَهْدِ صَبِيًّا ﴿٢٩﴾ قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ ءَاتَنِي الْكِتَابَ وَجَعَلَنِي
نَبِيًّا ﴿٣٠﴾ وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ
وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا ﴿٣١﴾ وَبِرًّا بِوَالِدَتِي وَلَمْ يَجْعَلْنِي
جَبَّارًا شَقِيًّا ﴿٣٢﴾ وَالسَّلَامُ عَلَيَّ يَوْمَ وُلِدْتُ وَيَوْمَ أَمُوتُ
وَيَوْمَ أُبْعَثُ حَيًّا ﴿٣٣﴾ ذَلِكَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ قَوْلَ الْحَقِّ
الَّذِي فِيهِ يَمْتَرُونَ ﴿٣٤﴾ مَا كَانَ لِلَّهِ أَنْ يَتَّخِذَ مِنْ وَلَدٍ سُبْحَانَهُ
إِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ وَكُنْ فَيَكُونُ ﴿٣٥﴾ وَإِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ
فَاعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ ﴿٣٦﴾ فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ
بَيْنِهِمْ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ مَّشْهَدِ يَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿٣٧﴾ أَسْمِعْ بِهِمْ
وَأَبْصِرْ يَوْمَ يَأْتُونَنَا لَكِنِ الظَّالِمُونَ الْيَوْمَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ﴿٣٨﴾

پس بخور و بیا شام و آسوده چشم شو پس اگر از آدمیان کسی را ببینی پس بگو هر آئینه من برای خدا روزه را نذر کرده ام پس امروز با هیچ انسانی سخن نخواهم گفت (۲۶). پس عیسی را برداشته پیش قوم خود آورد گفتند ای مریم به راستی چیزی زشت را آوردی (۲۷). ای خواهر هارون پدرتو مردی بد نبود و مادرتو زن بدکاره نبود (۲۸). پس مریم به آن (بطفل) خود اشاره کرد گفتند چگونه سخن بگویم با کسیکه در گهواره در حال کودکی است (۲۹). گفت (عیسی) من بنده خدا هستم مرا کتاب داده است و مرا پیامبر گردانیده است (۳۰). و خدا با برکت گردانده مرا هر جا که باشم و مرا به نماز و زکوة مادامیکه زنده باشم حکم فرموده است (۳۱). و (گردانده) مرا نیکوکار به مادرم و مرا گردن کش بدبخت قرار نداده است (۳۲). و سلام بر من باد روزیکه متولد شدم و روزیکه بمیرم و روزیکه زنده برانگیخته شوم (۳۳). اینست قصه عیسی پسر مریم (مراد میدارم) سخن راست را که در آن مردمان اختلاف می ورزند (۳۴). لایق خدا نیست آنکه هیچ فرزندی گیرد پاکی او را است چون انجام کاری را بخواهد جز این نیست که میگویدش بشو پس می شود (۳۵). و گفت عیسی هر آئینه خدا پروردگار منست و پروردگار شما پس عبادت او کنید اینست راه راست (۳۶). پس گروهها میان خویش اختلاف کردند پس وای بر کافران از حاضر شدن روز بزرگ (۳۷). چه قدر شنوا باشند و چه قدر بینا باشند روزی که بیایند پیش ما لیکن این ستم کاران امروز در گمراهی ظاهراند (۳۸).

وَأَنْذَرَهُمْ يَوْمَ الْحَسْرَةِ إِذْ قُضِيَ الْأَمْرُ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ وَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ
 ﴿٢٩﴾ إِنَّا نَحْنُ نَرِثُ الْأَرْضَ وَمَنْ عَلَيْهَا وَإِنَّا يُرْجِعُونَ ﴿٤١﴾ وَأَذْكَرُ
 فِي الْكِتَابِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّهُ كَانَ صِدِّيقًا نَبِيًّا ﴿٤١﴾ إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ
 لِمَ تَعْبُدُ مَا لَا يَسْمَعُ وَلَا يُبْصِرُ وَلَا يُغْنِي عَنْكَ شَيْئًا ﴿٤٢﴾ يَا أَبَتِ
 إِنِّي قَدْ جَاءَنِي مِنَ الْعِلْمِ مَا لَمْ يَأْتِكَ فَاتَّبِعْنِي أَهْدِكَ صِرَاطًا
 سَوِيًّا ﴿٤٣﴾ يَا أَبَتِ لَا تَعْبُدِ الشَّيْطَانَ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلرَّحْمَنِ
 عَصِيًّا ﴿٤٤﴾ يَا أَبَتِ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يَمَسَّكَ عَذَابٌ مِنَ الرَّحْمَنِ
 فَتَكُونَ لِلشَّيْطَانِ وَلِيًّا ﴿٤٥﴾ قَالَ أَرَأَيْبُ أَنْتَ عَنِ الْهَيْتِ
 يَا إِبْرَاهِيمَ لَئِنْ لَمْ تَنْتَهِ لَأَرْجُمَنَّكَ وَاهْجُرْنِي مَلِيًّا ﴿٤٦﴾ قَالَ
 سَلِّمْ عَلَيَّ سَأَسْتَغْفِرَ لَكَ رَبِّي إِنَّهُ كَانَ بِي حَفِيًّا ﴿٤٧﴾
 وَأَعْتَزِلْكُمْ وَمَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَأَدْعُوا رَبِّي عَسَىٰ أَلَّا
 أَكُونَ بِدُعَاءِ رَبِّي شَقِيًّا ﴿٤٨﴾ فَلَمَّا أَعْتَزَلَهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ مِنْ
 دُونِ اللَّهِ وَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ كُلًّا جَعَلْنَا نَبِيًّا ﴿٤٩﴾
 وَوَهَبْنَا لَهُمْ مِنْ رَحْمَتِنَا وَجَعَلْنَا لَهُمْ لِسَانَ صِدْقٍ عَلِيًّا ﴿٥٠﴾
 وَأَذْكَرُ فِي الْكِتَابِ مُوسَىٰ إِنَّهُ كَانَ مُخْلَصًا وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا ﴿٥١﴾

وایشان را که در غفلتند و ایمان نمی آورند بترسان از (فرارسیدن) روز پشیمانی و چون کار به انجام رسانیده یکسره شود (۳۹). هر آئینه ما زمین را و هر کسی را که بر زمین است وارث می شویم و به سوی مابازگردانیده می شوند (۴۰). و یاد کن در کتاب ابراهیم را هر آئینه وی پیامبری راست کردار بود (۴۱). یاد کن چون پدر خود را گفت ای پدر من چرا عبادت می کنی چیزی را که نمی شنود و نمی بیند و از تو چیزی را دفع نمی کند (۴۲). ای پدر من هر آئینه پیش من از علم آمده است آنچه پیش تو نیامده است پس پیروی من کن تا تو را به راه راست دلالت کنم (۴۳). ای پدر من شیطان را عبادت مکن هر آئینه شیطان نافرمان (خدا) هست (۴۴). ای پدر من می ترسم از آنکه به توعقوبتی از (خدا) رحمان برسد پس قرین شیطان باشی (۴۵). گفت آیا تو از معبودان من رویگردانی ای ابراهیم؟ اگر باز نیایی البته تو را سنگسار کنم و مدتی دراز ترک صحبت من کن (۴۶). گفت سلام علیک برای تو از پروردگار خویش آمرزش خواهم طلبید هر آئینه وی بر من مهربان هست (۴۷). و کناره گیرم از شما و از آنچه به جای خدا می پرستید و پروردگار خود را عبادت خواهم کرد امید آنست که بسبب پرستش پروردگار خود بدبخت نباشم (۴۸). پس چون کناره گرفت از ایشان و از آنچه به جای خدا می پرستیدند وی را اسحق و یعقوب و هر یکی را پیامبر ساختیم (۴۹). و ایشان را چیزها از بخشش خود عطا کردیم و برای ایشان ذکر جمیل بنهایت بزرگی مقرر داشتیم (۵۰). و در کتاب موسی را یاد کن هر آئینه وی خالص کرده شده بود و فرستاده ای پیامبر بود (۵۱).

وَنَدَيْنَاهُ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ الْأَيْمَنِ وَقَرَّبْنَاهُ نَجِيًّا ﴿٥٢﴾ وَوَهَبْنَا لَهُ مِنْ
 رَحْمَتِنَا أَخَاهُ هَارُونَ نَبِيًّا ﴿٥٣﴾ وَادْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ إِنَّهُ كَانَ
 صَادِقَ الْوَعْدِ وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا ﴿٥٤﴾ وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ
 وَالزَّكَاةِ وَكَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا ﴿٥٥﴾ وَادْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِدْرِيْسَ إِنَّهُ
 كَانَ صِدِّيقًا نَبِيًّا ﴿٥٦﴾ وَرَفَعْنَاهُ مَكَانًا عَلِيًّا ﴿٥٧﴾ أُولَئِكَ الَّذِينَ أَنْعَمَ
 اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ مِنْ ذُرِّيَةِ آدَمَ وَمِمَّنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ وَمِنْ
 ذُرِّيَةِ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْرَائِيلَ وَمِمَّنْ هَدَيْنَا وَاجْتَبَيْنَا إِذِ اتَّخَلَّفُوا عَلَىٰ هَمِّ
 آيَاتِ الرَّحْمَنِ حُرًّا وَسَجْدًا وَبِكَيْفٍ ﴿٥٨﴾ * فَخَلَفَ مِنْ بَعدِهِمْ
 خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهْوَاتِ فَسُوفَ يَلْقَوْنَ عَذَابًا
 ﴿٥٩﴾ إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ
 وَلَا يُظْلَمُونَ شَيْئًا ﴿٦٠﴾ جَنَّاتٍ عَدْنٍ الَّتِي وَعَدَ الرَّحْمَنُ عِبَادَهُ
 بِالْغَيْبِ إِنَّهُ كَانَ وَعْدُهُ مَأْتِيًّا ﴿٦١﴾ لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا إِلَّا
 سَلَامًا وَلَهُمْ رِزْقُهُمْ فِيهَا بُكْرَةً وَعَشِيًّا ﴿٦٢﴾ تِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي
 نُورِثُ مِنْ عِبَادِنَا مَنْ كَانَ تَقِيًّا ﴿٦٣﴾ وَمَا نُنزِلُ إِلَّا بِأَمْرِ رَبِّكَ لَهُ
 مَا بَيْنَ أَيْدِينَا وَمَا خَلْفَنَا وَمَا بَيْنَ ذَلِكَ وَمَا كَانَ رَبُّكَ نَسِيًّا ﴿٦٤﴾



واز جانب راست کوه طور اورا ندا کردیم و او را رازگویان نزدیک ساختیم (۵۲). و اورا از بخشش خود برادرش هارون را پیامبری عطا کردیم (۵۳). و یادکن در کتاب اسمعیل را هر آئینه وی راست وعده بود و فرستاده‌ای پیامبر بود (۵۴). و خانواده اش را به نماز و زکوة می فرمود و نزد پروردگار خویش پسندیده بود (۵۵). و ادريس را در کتاب یادکن هر آئینه وی پیامبری راست کردار بود (۵۶). و اورا بمکانی بلند برداشتیم (۵۷). این جماعت آنانند که خدا برایشان از زمره پیامبران از فرزندان آدم انعام کرد و از نسل آنانکه بانوح برداشتیم و از ذریت ابراهیم و یعقوب و از جمله آنانکه ایشان را راه راست نمودیم و برگزیدیم چون خوانده می شد برایشان آیات خدا سجده کنان و گریان می افتادند (۵۸). پس جانشین شد بعد از ایشان ناخلفی چند که نماز را ترک کردند و خواهشها را پیروی کردند پس جزای گمراهی خواهند یافت (۵۹). لیکن هر که توبه کرد و ایمان آورد و کارشایسته بعمل آورد پس آن جماعت در بهشت در آیند و برایشان هیچ ستم کرده نشود (۶۰). بوستانهای همیشه ماندن که خدا بندگان خود را نادیده وعده داده است هر آئینه وعده او آینده هست (۶۱). آنجا هیچ سخن بیهوده نشنوند لیکن سلام شنوند و برای ایشان روزی ایشان در آنجا صبح و شام بود (۶۲). اینست آن بهشت که عطا کنیم از بندگان خویش آن را که پرهیزگار بود (۶۳). و (فرشتگان گفتند که) فرو نمی آیم مگر به حکم پروردگار تو او راست (علم) آنچه پیش ما است (۳) و آنچه عقب ما است (۴) و آنچه در میان این است و پروردگار تو فراموش کار نیست (۶۴).

(۳) یعنی قیامت.

(۴) یعنی از ابتدای خلق آسمان و زمین.

رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا فَاعْبُدْهُ وَاصْطَبِرْ لِعِبَادَتِهِ
هَلْ تَعْلَمُ لَهُ سَمِيًّا ﴿٦٥﴾ وَيَقُولُ الْإِنْسَانُ إِذَا مَاتَ لَسَوْفَ
أُخْرَجُ حَيًّا ﴿٦٦﴾ أَوْلَا يَذْكُرُ الْإِنْسَانُ أَنَا خَلَقْتَهُ مِنْ قَبْلُ
وَلَمْ يَكُ شَيْئًا ﴿٦٧﴾ فَوَرَبِّكَ لَنَحْشُرَنَّهُمْ وَالشَّيَاطِينَ ثُمَّ
لَنَحْضِرَنَّهُمْ حَوْلَ جَهَنَّمَ جِثِيًّا ﴿٦٨﴾ ثُمَّ لَنَنْزِعَنَّ مِنْ كُلِّ
شِيعَةٍ أَيُّهُمْ أَشَدُّ عَلَى الرَّحْمَنِ عِتِيًّا ﴿٦٩﴾ ثُمَّ لَنَحْنُ أَعْلَمُ بِالَّذِينَ
هُمُ أَوْلَىٰ بِهَا صِلِيًّا ﴿٧٠﴾ وَإِنْ مِنْكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا كَانَ عَلَىٰ رَبِّكَ
حَتْمًا مَقْضِيًّا ﴿٧١﴾ ثُمَّ نُنَجِّي الَّذِينَ اتَّقَوْا وَنَذَرُ الظَّالِمِينَ
فِيهَا جِثِيًّا ﴿٧٢﴾ وَإِذْ اتُّتِلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا
لِلَّذِينَ آمَنُوا أَيُّ الْفَرِيقَيْنِ خَيْرٌ مَقَامًا وَأَحْسَنُ نَدِيًّا ﴿٧٣﴾
وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنْ قَرْنٍ هُمْ أَحْسَنُ أَثْنًا وَرِئِيًّا ﴿٧٤﴾
قُلْ مَنْ كَانَ فِي الضَّلَالَةِ فَلْيَمْدُدْ لَهُ الرَّحْمَنُ مَدًّا حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا
مَا يُوعَدُونَ إِمَّا الْعَذَابَ وَإِمَّا السَّاعَةَ فَسَيَعْمُونَ مِنْ هُوَشْرٍ
مَكَانًا وَأَضْعَفُ جُنْدًا ﴿٧٥﴾ وَيَزِيدُ اللَّهُ الَّذِينَ اهْتَدَوْا هُدًى
وَالْبَلَقِيَّتُ الصَّلِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ مَرَدًّا ﴿٧٦﴾

اوست پروردگار آسمان ها وزمین و آنچه میان اینهاست پس او را عبادت کن و بر عبادت وی صبر کن آیا میدانی برای او همنامی (یعنی مانند) (۶۵). و میگوید آدمی (یعنی آدمی کافر) آیا چون بمیرم البته زنده بیرون آورده خواهم شد (۶۶). آیا آدمی یاد نمی آورد که ما او را پیش از این و نبود هیچ چیزی آفریدیم (۶۷). پس قسم به پروردگار تو که البته این منکران بعث را با شیاطین برانگیزیم باز ایشان را گرداگرد دوزخ به زانو در افتاده حاضر کنیم (۶۸). باز از هرامتی آن را که از ایشان جرأت مند و در نافرمانی سخت ترست بر خدا بر کشیم (۶۹). باز البته ما به آنانکه سزاوار تراند به درآمدن دوزخ داناییم (۷۰). و از شما هیچ کس نیست مگر بر آن گذرنده است این وعده (لازم) بر پروردگار تو قضای حتمی است (۷۱). باز متقیان را نجات دهیم و ظالمان را در آنجا بزانو در افتاده بگذاریم (۷۲). و چون آیات ما به روشنی برایشان خوانده می شود کافران گویند مسلمانان را کدام يك از این دو گروه در مرتبه بهتر است و از روی مجلس نیکوتر است^(۵) (۷۳). و چه بسیار نسلها را که پیش از ایشان بودند هلاک کردیم که ایشان باعتبار رخت خانه و از روی نموداری بهتر بودند (۷۴). بگو هر که در گمراهی باشد پس او را خدا افزون میدهد افزون دادنی (یعنی از روی استدراج) تا وقتیکه چون ببینند آنچه را که ترسانیده شدند یا عقوبت را و یا قیامت را پس خواهند دانست کدام يك در مرتبه بدتر است و باعتبار لشکر ناتوان تر است (۷۵). و خدا راه یابان را هدایت زیاده میدهد و حسنات پاینده شایسته نزد پروردگار تو از روی جزا بهترند و از جهت بازگشت نیکو ترند (۷۶).

(۵) یعنی بعزت دنیا مغرور شدند.

أفرءيت الذي كفر بآيتنا وقال لأؤتيتن مالا وولداً
 ﴿٧٧﴾ أطلع الغيب أم اتخذ عند الرحمن عهداً ﴿٧٨﴾ كلاً
 سنكتب ما يقول ونمدد له من العذاب مداً ﴿٧٩﴾ وزرته و
 ما يقول ويأتينا فرداً ﴿٨٠﴾ واتخذوا من دون الله الهة
 ليكونوا لهم عزاً ﴿٨١﴾ كلاً سيكفرون بعبادتهم ويكونون
 عليهم ضداً ﴿٨٢﴾ ألم تر أننا أرسلنا الشياطين على الكافرين
 تؤزهم أزاً ﴿٨٣﴾ فلا تعجل عليهم إنما نعد لهم عداً ﴿٨٤﴾
 يوم نحشر المتقين إلى الرحمن وفداً ﴿٨٥﴾ ونسوق المجرمين
 إلى جهنم ورداً ﴿٨٦﴾ لا يملكون الشفاعة إلا من اتخذ عند
 الرحمن عهداً ﴿٨٧﴾ وقالوا اتخذ الرحمن ولداً ﴿٨٨﴾ لقد
 جئتم شيئاً إذا ﴿٨٩﴾ تكاد السموات يتفطرن منه
 وتنشق الأرض وتخر الجبال هداً ﴿٩٠﴾ أن دعوا للرحمن ولداً
 ﴿٩١﴾ وما ينبغي للرحمن أن يتخذ ولداً ﴿٩٢﴾ إن كل من في
 السموات والأرض إلا آتى الرحمن عبداً ﴿٩٣﴾ لقد أحصاهم
 وعددهم عداً ﴿٩٤﴾ وكلهم آتية يوم القيامة فرداً ﴿٩٥﴾

آیادیدی آن را که بآیات ما کافر شد و گفت البته مرا^(۶) مال و فرزند داده شود (۷۷). آیا برغیب مطلع شده است یا از نزد خدا عهدهی را گرفته است (۷۸). چنین نیست، خواهیم نوشت آنچه را که می گوید و براو عذاب را افزون دهیم افزون دادنی (یعنی مستمر پیاپی) (۷۹). و آنچه را می گوید از وی می گیریم و پیش ماتنها بیاید (۸۰). و معبودانی را به جای خدا گرفتند تا ایشان مایه عزت و احترام برا ایشان باشند (۸۱). چنین نیست، پرستش معبودان خود را منکر خواهند شد و برایشان دشمن خواهند شد (۸۲). آیا ندیدی که شیاطین را بر کافران فرستادیم که می جنبانیند ایشان را جنبانیدنی (۸۳). پس به زیان ایشان شتاب مکن جزاین نیست که مدت می شماریم برای ایشان شمارکردنی (یعنی مدت اجلشان را) (۸۴). روزیکه متقیان را به سوی رحمن بصورت گروه برانگیزیم (۸۵). و گناه کاران را به سوی دوزخ تشنه کام میرانیم (۸۶). نتوانند شفاعت کردن الا کسیکه نزد خدا عهدهی را گرفته است^(۷) (۸۷). و گفتند خدا فرزند گرفته است (۸۸). (فرمود ایشان را) به یقین چیزی زشتی را آوردید (۸۹). نزدیک است که آسمانها ازین سخن پاره پاره شوند و زمین بشکافد و کوهها درهم شکسته فروریزند (۹۰). بسبب آنکه به خدا فرزندى را نسبت دادند (۹۱). و نه سزد خدا را که فرزند گیرد (۹۲). نیست هیچ يك از آنکه در آسمانها و زمین اند مگر پیش رحمن بنده شده آینده است (۹۳). به راستی ایشان را فرا گرفته است و شمار کرده است ایشان را چنان که باید شمرد (۹۴). و هر يك از ایشان پیش وی روز قیامت تنها آینده است (۹۵).

(۶) یعنی در قیامت.

(۷) یعنی مسلمان شده و وعده ثواب را مستحق گشته.

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ
 الرَّحْمَنُ وُدًّا ﴿٩٦﴾ فَإِنَّمَا يَسَّرْنَاهُ بِلِسَانِكَ لِتُبَشِّرَ بِهِ
 الْمُتَّقِينَ وَتُنذِرَ بِهِ ۖ قَوْمًا لَّدُنَّا ﴿٩٧﴾ وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُم
 مِّن قَرْنٍ هَلْ يُحِْسُّ مِنْهُمْ مِّنْ أَحَدٍ أَوْ تَسْمَعُ لَهُمْ رِكْزًا ﴿٩٨﴾

سُورَةُ طه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

طه ﴿١﴾ مَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْءَانَ لِتَشْقَى ﴿٢﴾ إِلَّا تَذْكِرَةً
 لِّمَن يَخْشَى ﴿٣﴾ تَنزِيلًا مِّمَّنْ خَلَقَ الْأَرْضَ وَالسَّمَوَاتِ الْعُلَى ﴿٤﴾
 الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ أُسْتَوَى ﴿٥﴾ لَهُ وَمَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي
 الْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَمَا تَحْتَ الثَّرَى ﴿٦﴾ وَإِن تَجَهَّرَ بِالْقَوْلِ
 فَإِنَّهُ يَعْلَمُ السِّرَّ وَأَخْفَى ﴿٧﴾ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْأَسْمَاءُ
 الْحُسْنَى ﴿٨﴾ وَهَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ مُوسَى ﴿٩﴾ إِذ رَأَى نَارًا
 فَقَالَ لِأَهْلِهِ امْكُثُوا إِنِّي آنَسْتُ نَارًا الْعَلِيَّةَ ائْتِكُمْ مِنْهَا بِقَبَسٍ
 أَوْ جِدْ عَلَى النَّارِ هُدًى ﴿١٠﴾ فَلَمَّا أَتَاهَا نُودِيَ بِمُوسَى ﴿١١﴾ إِنِّي
 أَنَا رَبُّكَ فَأَخْلَعْ نَعْلَيْكَ إِنَّكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى ﴿١٢﴾

هرآئینه آنانکه ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته انجام داده‌اند خدا برای ایشان دوستی را^(۸) پیدا خواهد کرد (۹۶). جزاین نیست که قرآن را به زبان تو آسان ساختیم تا به آن متقیان را مژده دهی و به آن گروه ستیزندگان را بترسانی (۹۷). و چه بسیار نسلها را پیش از ایشان هلاک کردیم آیا هیچ کسی را از ایشان می بینی یا از ایشان آوازی آهسته می شنوی (۹۸).



بنام خدای بخشاینده مهربان.

طه^(۱). قرآن را بر تو نازل نکردیم که به رنج افتی (۲). لیکن فروفرستادیم برای پند دادن کسی را که بترسد (۳). فروفرستاده است از جانب کسیکه زمین و آسمانهای بلند را آفریده است (۴). وی بسیار بخشاینده است بر عرش قرار گرفت (۵). او را است آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است و آنچه در میان اینهاست و آنچه زیر خاک نمناک است (۶). و اگر آشکار کنی سخن را پس هرآئینه وی سخن پنهان را و پنهان ترا میداند^(۱۱) (۷). خدا آنست که هیچ معبود بر حقی جز او نیست نامهای نیکو برای اوست (۸). و آیا بتو خیر موسی آمده است (۹). چون آتشی را دید پس خانواده خود را گفت درنگ کنید هرآئینه من آتشی را دیده‌ام امید دارم که پیش شما از آن آتش شعله ای بیاورم یا بر آن آتش راه نمایی بیابم (۱۰). پس چون نزدیک آتش بیامد آواز داده شد که ای موسی (۱۱). هرآئینه من پروردگار تو هستم پس کفشهای خود را از پا بیرون آور چرا که تو به وادی پاک طوی هستی (۱۲).

(۸) یعنی بایک دیگر دوست باشند.

(۱) یعنی جهر را بطریق اولی میداند.

وَأَنَا اخْتَرْتُكَ فَاسْتَمِعْ لِمَا يُوحَىٰ ﴿١٣﴾ إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا
 فَاعْبُدْنِي وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي ﴿١٤﴾ إِنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ
 أَكَادُ أَخْفِيهَا لِتُجْزَىٰ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا تَسْعَىٰ ﴿١٥﴾ فَلَا يَصُدُّكَ
 عَنْهَا مَنْ لَا يُؤْمِنُ بِهَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ فَتَرْدَىٰ ﴿١٦﴾ وَمَاتَكَ
 بِيَمِينِكَ يُمُوسَىٰ ﴿١٧﴾ قَالَ هِيَ عَصَايَ أَتَوَكَّوْا عَلَيْهَا
 وَاهْتَسَبُوهَا عَلَىٰ غَنَمِي وَلِي فِيهَا مَعَارِبُ أُخْرَىٰ ﴿١٨﴾ قَالَ أَلْقَاهَا
 يَمُوسَىٰ ﴿١٩﴾ فَأَلْقَاهَا فَإِذَا هِيَ حَيَّةٌ تَسْعَىٰ ﴿٢٠﴾ قَالَ خُذْهَا
 وَلَا تَحْفَظْ سَنُعِيدُهَا سِيرَتَهَا الْأُولَىٰ ﴿٢١﴾ وَأَضْمَمْ يَدَكَ
 إِلَىٰ جَنَاحِكَ تَخْرُجَ بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سَوَاءٍ آيَةً أُخْرَىٰ ﴿٢٢﴾ لِنُرِيكَ
 مِنْ آيَاتِنَا الْكُبْرَىٰ ﴿٢٣﴾ أَذْهَبَ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ ﴿٢٤﴾ قَالَ
 رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي ﴿٢٥﴾ وَبَسِّرْ لِي أَمْرِي ﴿٢٦﴾ وَأَحْلِلْ عُقْدَةَ مِنِّي
 لِسَانِي ﴿٢٧﴾ يَفْقَهُهُ أَقْوَامِي ﴿٢٨﴾ وَاجْعَلْ لِي وَزِيرًا مِّنْ أَهْلِي ﴿٢٩﴾ هَرُونَ
 أَخِي ﴿٣٠﴾ أَشَدَّ بِهِ أَزْرَىٰ ﴿٣١﴾ وَأَشْرِكُهُ فِي أَمْرِي ﴿٣٢﴾ كَيْ نَسِيحَكَ
 كَثِيرًا ﴿٣٣﴾ وَتَذْكُرَكَ كَثِيرًا ﴿٣٤﴾ إِنَّكَ كُنْتَ بِنَا بَصِيرًا ﴿٣٥﴾ قَالَ قَدْ
 أُوتِيتَ سُؤْلَكَ يَمُوسَىٰ ﴿٣٦﴾ وَلَقَدْ مَنَّا عَلَيْكَ مَرَّةً أُخْرَىٰ ﴿٣٧﴾

ومن برگزیدم تورا پس به سوی آنچه وحی فرستاده می شود گوش بنه (۱۳). هرآئینه من خدایم هیچ معبودی برحق غیر از من نیست پس عبادت من بکن و نماز را برای یاد کردن من برپاکن (۱۴). هرآئینه قیامت آمدنی است میخواهم که وقت آن را پنهان دارم تا هر شخصی در برابر تلاش و کوشش آنچه می کند جزا داده شود (۱۵). پس تورا از باور داشتن آن کسی که بر آن ایمان ندارد پیروی کرده است خواهش نفس خود را باز ندارد آنگاه هلاک شوی (۱۶). و چیست این که بدست راست توست ای موسی؟ (۱۷). گفت این عصای من است بر آن تکیه می دهم و با آن برای گوسفندان خود برگ میریزم و مرا درین عصا کارهای دیگر نیز هست (۱۸). فرمود ای موسی آنرا بیفکن (۱۹). آنگاه آنرا انداخت پس ناگهان ماری شد که می شتافت (۲۰). فرمود آنرا بگیر و مترس، او را بشکل نخستین او باز خواهیم گردانید (۲۱). و دست خود را به سوی بغل خود بهم آور تا سفید شده بیرون آید بدون هیچ عیبی نشانه دیگر (۲۲). میخواهیم که تورا بعضی از نشانه های بزرگ خویش بنماییم (۲۳). برو به سوی فرعون هرآئینه وی از حد گذشته است (۲۴). گفت ای پروردگار من برای من سینه ام را گشاده کن (۲۵). و برای من کارم را آسان کن (۲۶). گره را از زبانم بگشای (۲۷). تاسخنم را بفهمند (۲۸). و برای من وزیری از اهل من مقرر کن (۲۹). هارون برادر مرا (۳۰). بسبب اوتوانایی مرا محکم کن (۳۱). و او را در کار من شریک کن (۳۲). تاتورا تسبیح بسیار گویم (۳۳). و یاد تو را بسیار کنیم (۳۴). هرآئینه تو به احوال ما بینا هستی (۳۵). گفت هرآئینه ای موسی خواستهات برآورده شد (۳۶). و هرآئینه برتویک بار دیگر احسان کردیم (۳۷).

إِذْ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّكَ مَا يُوحَىٰ ﴿٣٨﴾ أَنْ أَقْذِفِيهِ فِي التَّابُوتِ فَآذِنِيهِ
 فِي الْيَمِّ فليلقه اليمُّ بالسَّاحِلِ يأخذه عُدُوِّي وَعَدُوُّوهُ وَالْقَيْتُ
 عَلَيْكَ مَحَبَّةٌ مِنِّي وَلِتُصْنَعَ عَلَىٰ عَيْنِي ﴿٣٩﴾ إِذْ تَمْشِي أُخْتُكَ فَتَقُولُ
 هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ مَن يَكْفُلُهُ ۗ فَرَجَعْنَاكَ إِلَىٰ أُمِّكَ كَيْ تَقَرَّ عَيْنُهَا
 وَلَا تَحْزَنَ ۗ وَوَقَلْتَ نَفْسًا فَجِئْنَاكَ مِنَ الْغَمِّ وَفَتَّكَ فُتُونًا
 فَلَبِثْتَ سِنِينَ فِي أَهْلِ مَدْيَنَ ثُمَّ جِئْتَ عَلَىٰ قَدَرٍ يَمْوَسَّىٰ ﴿٤٠﴾
 وَأَصْطَنَعْتَكَ لِنَفْسِي ﴿٤١﴾ أَذْهَبَ أَنْتَ وَأَخُوكَ بِعَايَتِي وَلَا
 تَنِيَا فِي ذِكْرِي ﴿٤٢﴾ أَذْهَبَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ ﴿٤٣﴾ فَقُولَا لَهُ قَوْلَا
 لَيْنَا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَحْشَىٰ ﴿٤٤﴾ قَالَا رَبَّنَا إِنَّنَا نَخَافُ أَنْ يَفْرُطَ
 عَلَيْنَا أَوْ أَنْ يَطْغَىٰ ﴿٤٥﴾ قَالَ لَا تَخَافَا إِنِّي مَعَكُمَا أَسْمَعُ وَأَرَىٰ
 ﴿٤٦﴾ فَأْتِيَاهُ فَقُولَا إِنَّا رَسُولَا رَبِّكَ فَأَرْسِلْ مَعَنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ
 وَلَا نُعَذِّبْهُمْ قَدْ جِئْنَاكَ بِبَايَةٍ مِّن رَّبِّكَ وَالسَّلَامُ عَلَيْنَا مَنِ اتَّبَعَ
 الْهُدَىٰ ﴿٤٧﴾ إِنَّا قَدْ أُوحِيَ إِلَيْنَا أَنَّ الْعَذَابَ عَلَىٰ مَن كَذَبَ
 وَتَوَلَّىٰ ﴿٤٨﴾ قَالَ فَمَنْ رَبُّكُمَا يَمْوَسَّىٰ ﴿٤٩﴾ قَالَ رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَىٰ
 كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَىٰ ﴿٥٠﴾ قَالَ فَمَابَالْقُرُونِ الْأُولَىٰ ﴿٥١﴾

چون وحی فرستادیم به سوی مادرت آنچه وحی کردنی بود (۳۸). (به این مضمون) این طفل را در صندوق بافکن پس صندوق را در دریا بیفکن تا بیفکند او را دریا بکناره بگیردش دشمن من و دشمن او و بر(روی) تو قبول و دوستی از جانب خویش بیفکنم و خواستم که زیر نظارت چشم من پرورده شوی (۳۹). چون خواهر تو می رفت پس می گفت آیا راهنمایی کنم شمارا بر کسیکه نگهبانی این طفل کند پس تورا به سوی مادرتو باز آوردیم تا چشم وی خنک شود و اندوهگین نباشد و شخصی را بکشتی پس تورا از اندوه خلاص ساختیم و آزمودیم تورا آزمودنی پس سالهای چند در اهل مدین درنگ کردی باز موافق تقدیر الهی ای موسی آمدی (۴۰). و تورا برای خویش پرورده ام (۴۱). تو و برادرت بانسانه های من بروید و در یاد من سستی نکنید (۴۲). به سوی فرعون بروید هر آئینه وی از حد گذشته است (۴۳). پس باوی سخن نرم بگوید باشد که پندپذیر شود یا برسد (۴۴). گفتند ای پروردگار ما هر آئینه ما می ترسیم از آنکه بر ما تجاوز کند یا از حد بگذرد (۴۵). گفت مترسید هر آئینه من باشم می شنوم و می بینم (۴۶). پس بروید پیش وی پس بگوید هر آئینه ما فرستادگان پروردگار تو هستیم پس باما بنی اسرائیل را بفرست و ایشان را عذاب مکن هر آئینه پیش تو نشانه ای از جانب پروردگارتو آورده ایم و سلامتی کسی را است که پیروی راه هدایت کند (۴۷). هر آئینه به سوی ما وحی فرستاده شد که عذاب بر کسی باشد که تکذیب کند و روی گردان شود^(۲) (۴۸). فرعون گفت پس کیست پروردگار شما ای موسی (۴۹). گفت پروردگار ما آنست که هر چیزی را صورت خالص او داد بازراه نمودش (بطلب معاش خودش) (۵۰). گفت پس حال قرنهای نخستین چیست (۵۱).

(۲) القصة این پیام رسانیند.

قَالَ عَلِمَهَا عِنْدَ رَبِّي فِي كِتَابٍ لَا يَضِلُّ رَبِّي وَلَا يَنْسَى ﴿٥٢﴾ الَّذِي
 جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ مَهْدًا وَسَوَّكَ لَكُمْ فِيهَا سُبُلًا وَأَنْزَلَ مِنَ
 السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِّن نَّبَاتٍ شَتَّى ﴿٥٣﴾ كُلُوا
 وَارْعَوْا أَنْعَامَكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّأُولِي النُّهَى ﴿٥٤﴾ * مِنْهَا
 خَلَقْنَاكُمْ وَفِيهَا نُعِيدُكُمْ وَمِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً أُخْرَى ﴿٥٥﴾ وَلَقَدْ
 أَرَيْنَاهُ آيَاتِنَا كُلَّهَا فَكَذَّبَ وَأَبَى ﴿٥٦﴾ قَالَ أَجِئْتَنَا لِتُخْرِجَنَا
 مِنْ أَرْضِنَا بِسِحْرِكِ يَا مُوسَى ﴿٥٧﴾ فَلَنَأْتِيَنَّكَ بِسِحْرٍ مِّثْلِهِ
 فَأَجْعَلَ بَيْنَنَا وَبَيْنَكَ مَوْعِدًا لَا نُخْلِفُهُ نَحْنُ وَلَا أَنْتَ مَكَانًا
 سُوًى ﴿٥٨﴾ قَالَ مَوْعِدُكُمْ يَوْمَ الزَّيْنَةِ وَأَنْ يُحْشَرَ النَّاسُ ضُحًى
 ﴿٥٩﴾ فَتَوَلَّى فِرْعَوْنُ فَجَمَعَ كَيْدَهُ ثُمَّ أَتَى ﴿٦٠﴾ قَالَ لَهُم
 مُوسَى وَيَلَكُمْ آلَاتُكُمْ فَأَنِقُوا آلَاتَكُمْ وَأَطِيعُوا أَمْرَ اللَّهِ
 وَقَدْ خَابَ مَنِ افْتَرَى ﴿٦١﴾ فَتَنَزَّعُوا أَمْرَهُم بَيْنَهُمْ وَأَسْرُوا
 النَّجْوَى ﴿٦٢﴾ قَالُوا إِنْ هَذَا إِلَّا لَسِحْرَانِ يُرِيدَانِ أَنْ يُخْرِجَاكُمْ
 مِّنْ أَرْضِكُمْ بِسِحْرِهِمَا وَيَذْهَبَا بِطَرِيقَتِكُمُ الْمُثَلَى ﴿٦٣﴾
 فَاجْمَعُوا كَيْدَكُمْ ثُمَّ أَتُوا صَفًّا وَقَدْ أَفْلَحَ الْيَوْمَ مَنِ اسْتَعَالَ ﴿٦٤﴾

گفت علم آن نزد پروردگار من در کتابی است که پروردگار من خطا نکند و نه فراموش کند (۵۲). او آنست که برای شما زمین را فرش ساخت و برای شما در آن راه‌ها روان کرد و از آسمان آب را فرو فرستاد پس به آن آب انواع مختلف از نبات بیرون آوردیم (۵۳). گفتیم بخورید و چهارپایان خود را بچرانید هر آئینه درین امر برای خردمندان نشانه‌هاست (۵۴). شمارا از زمین آفریدیم و شمارا در زمین باز در آوریم و از زمین شمارا بار دیگر بیرون کشیم (۵۵). و به راستی فرعون را تمام نشانه‌های خویش نمودیم پس تکذیب کرد و قبول نکرد (۵۶). گفت ای موسی آیا آمده‌ای تا ما را از زمین ما با جادوی خود بیرون کنی (۵۷). پس هر آئینه پیش تو جادویی مانند آن بیاوریم پس معین کن میان ما و میان خود بجایی میانه شهر وعده گاهی که آنرا ما و نه تو خلافتش نکنیم (مقبول هر دو طرف باشد) (۵۸). گفت وعده گاه شما روز آرایش است و آنکه مردمان وقت چاشت جمع کرده شوند (۵۹). پس فرعون باز گشت پس مکر خود را جمع کرد باز بیامد (۶۰). موسی ساحران را گفت وای بر شما برخدا دروغ را افتراء مکنید آنگاه شمارا به عذاب هلاک سازد و به درستی که به مطلب نرسید هر که افتراء کرد (۶۱). پس ساحران درباره کار خود در میان خویش گفتگو کردند و راز را پنهان گفتند (۶۲). گفتند البته این دو شخص ساحرنده می‌خواهند که شمارا از سر زمین شما به سحر خود بیرون کنند و می‌خواهند که دین شایسته شما را دور کنند (۶۳). پس اسباب سحر خود را بهم آورید باز صف کشیده بیایید و هر آئینه امروز هر که غالب آمد رستگار شد (۶۴).

قَالُوا يَمُوسَىٰ إِمَّا أَنْ تُلْقَىٰ وَإِمَّا أَنْ نَكُونَ أَوَّلَ مَنْ أَلْقَىٰ ﴿٦٥﴾ قَالَ بَلْ
 أَلْفُوا فَإِذَا جِبَالُهُمْ وَعِصِيُّهُمْ يُخَيَّلُ إِلَيْهِ مِنْ سِحْرِهِمْ أَنَّهَا
 تَسْعَىٰ ﴿٦٦﴾ فَأَوْجَسَ فِي نَفْسِهِ خِيفَةً مُوسَىٰ ﴿٦٧﴾ قُلْنَا لَا تَخَفْ إِنَّكَ
 أَنْتَ الْأَعْلَىٰ ﴿٦٨﴾ وَالْقَىٰ فِي يَمِينِكَ تَلَقَّفْ مَا صَنَعُوا إِنَّمَا صَنَعُوا
 كَيْدٌ سِحْرٍ وَلَا يُفْلِحُ السَّاحِرُ حَيْثُ أَتَىٰ ﴿٦٩﴾ فَأَلْقَى السَّحْرَةَ سَجَدًا
 قَالُوا أَمَّا بَرَبٌ هَدْرُونَ وَمُوسَىٰ ﴿٧٠﴾ قَالَ أَمَنْتُمْ لَهُ وَقَبَلْ أَنْ أَدْنَىٰ
 لَكُمْ إِنَّهُ لَكَبِيرُكُمُ الَّذِي عَلَّمَكُمُ السِّحْرَ فَلَا قِطْعَنَ أَيْدِيكُمْ
 وَأَرْجُلَكُمْ مِنْ خَلْفٍ وَلَا صَلَبَتَكُمْ فِي جُدُوعِ النَّحْلِ وَلَتَعَامَنَّ
 الْيُنَىٰ أَشَدُّ عَذَابًا وَأَبْقَىٰ ﴿٧١﴾ قَالُوا لَنْ نُؤْتِيَكَ عَلَىٰ مَا جَاءَنَا مِنْ
 الْبَيِّنَاتِ وَالَّذِي فَطَرَنَا فَاقْضِ مَا أَنْتَ قَاضٍ إِنَّمَا تَقْضِي هَذِهِ
 الْحَيَاةَ الدُّنْيَا ﴿٧٢﴾ إِنَّمَا أَمَّا بَرَبِنَا لِيَعْفِرَ لَنَا خَطِيئَتَنَا وَمَا أَكْرَهْتَنَا
 عَلَيْهِ مِنَ السِّحْرِ وَاللَّهُ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ ﴿٧٣﴾ إِنَّهُ وَمَنْ يَأْتِ رَبَّهُ مُجْرِمًا
 فَإِنَّ لَهُ وَجْهًا لَيَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحْيَىٰ ﴿٧٤﴾ وَمَنْ يَأْتِهِ مُؤْمِنًا قَدْ
 عَمِلَ الصَّالِحَاتِ فَأُولَٰئِكَ لَهُمُ الدَّرَجَاتُ الْعُلَىٰ ﴿٧٥﴾ جَنَّاتٍ عَدْنٍ
 تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَذَٰلِكَ جَزَاءُ مَنْ تَزَكَّىٰ ﴿٧٦﴾

گفتند ای موسیٰ یا اینست که توافکنی یعنی (عصارا) ویا ما اوّل کسیکه افکند باشیم (۶۵). گفت بلکه شما افکنید پس ناگهان ریسمانهای ایشان وعصاهای ایشان پیش موسیٰ بسبب سحر ایشان نمودارشد که می دوند (۶۶). پس موسیٰ در دل خود ترسی را یافت (۶۷). گفتیم مترس هرآئینه تویی غالب (۶۸). وبیفکن آنچه در دست راست توست تا فروبرد آنچه را که ساحران ساخته اند هر آئینه آنچه ساخته اند جادوی جادو کننده است وساحر رستگار نمی شود هر جاکه رود (القصه هم چنین شد) (۶۹). پس انداخته شدند ساحران سجده کنان گفتند به پروردگار هارون وموسیٰ ایمان آوردیم (۷۰). گفت (فرعون) آیا باورداشتید اوراپیش ازآنکه شمارا دستوری دهم هرآئینه وی بزرگ شماست که شمارا سحر آموخته است هرآئینه دست های شما وپاهای شمارا یکی از جانب راست ودیگری از جانب چپ بپُرم والبته شمارا برتنه های درخت خرما بردارکشم والبته خواهید دانست که کدام يك از ما عذاب او سخت تر است وپاینده تر است (۷۱). گفتند هرگز تورا بر آنچه پیش ما زد لایل آمده است ترجیح ندهیم وتورا بر خدایی که ما را آفرید ترجیح ندهیم پس حکم کن هر چه تو حکم کننده باشی جزاین نیست که درین زندگانی دنیا حکم کنی (۷۲). هرآئینه ما به پروردگار خویش ایمان آورده ایم تا برای ما گناهانِ مارا بیامرزد و آنچه ما را جبر کردی بر آنکه سحر کنیم وخدا بهتر است وپاینده تر است (۷۳). هرآئینه هر که پیش پروردگار خویش گنهگار بیاید پس او را است دوزخ نمیرد در آنجا ونه زنده شود (۷۴). وهر کسی که پیش اومسلمان شده بیاید و عملهای شایسته کرده باشد پس این جماعت برای ایشان درجه های بلند است (۷۵). بوستانهای همیشه ماندن که زیر آنها جویها می رود جاویدان در آنجا واینست پاداش هر که پاک شده است (۷۶).

وَلَقَدْ أَوْحَيْنَا إِلَى مُوسَى أَنْ أَسْرِ بِعِبَادِي فَاصْرَبْ لَهُمْ طَرِيقًا
 فِي الْبَحْرِ يَبَسًا لَا تَخَفْ دَرَكًا وَلَا تَخْشَى ﴿٧٧﴾ فَاتَّبَعَهُمْ فِرْعَوْنُ
 بِجُنُودِهِ فَغَشِيَهُمْ مِنَ الْيَمِّ مَا غَشِيَهُمْ ﴿٧٨﴾ وَأَضَلَّ فِرْعَوْنُ قَوْمَهُ
 وَمَاهَدَى ﴿٧٩﴾ يَبْنِي إِسْرَاءَ يَلْ قَدْ أَنْجَيْنَاكَ مِنْ عَذَابِكُمْ وَوَعَدْنَاكَ
 جَانِبَ الطُّورِ الْأَيْمَنِ وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْمَنَّ وَالسَّلْوَى ﴿٨٠﴾ كَلُومًا
 طَيِّبَاتٍ مَارَازِقًا لَكُمْ وَلَا تَطْعُورًا فِيهِ فَيَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبِي
 وَمَنْ يَحِلَّلْ عَلَيْهِ غَضَبِي فَقَدْ هَوَى ﴿٨١﴾ وَإِنِّي لَغَفَّارٌ لِمَنْ تَابَ
 وَءَامَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى ﴿٨٢﴾ * وَمَا أَعْجَلَكَ عَنِ
 قَوْمِكَ يَا مُوسَى ﴿٨٣﴾ قَالَ هُمْ أَوْلَاءٌ عَلَى أَثْرِي وَعَجِلْتُ إِلَيْكَ
 رَبِّ لِتَرْضَى ﴿٨٤﴾ قَالَ فَإِنَّا قَدْ فَتَنَّا قَوْمَكَ مِنْ بَعْدِكَ وَأَضَلَّهُمُ
 السَّامِرِيُّ ﴿٨٥﴾ فَرَجَعَ مُوسَى إِلَى قَوْمِهِ غَضْبَانَ أَسِفًا قَالَ
 يَقَوْمِ أَلَمْ يَعِدْكُمْ رَبُّكُمْ وَعَدَّ أَحْسَنًا أَفَطَالَ عَلَيْكُمُ الْعَهْدُ
 أَمْ أَرَدْتُمْ أَنْ يَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبٌ مِّنْ رَبِّكُمْ فَأَخْلَفْتُمْ
 مَّوْعِدِي ﴿٨٦﴾ قَالُوا مَا أَخْلَفْنَا مَوْعِدَكَ بِمَلِكِنَا وَلَكِنَّا حَمَلْنَا
 أَوْزَارًا مِّنْ زِينَةِ الْقَوْمِ فَقَذَفْنَاهَا فَكَذَلِكَ أَلْقَى السَّامِرِيُّ ﴿٨٧﴾

وهرآئینه به سوی موسی وحی فرستادیم که وقت شب بندگان مرا ببر پس برای ایشان راهی خشک در دریا بساز از دریافتن دشمن مترس و نه از غرق شدن پروا کن (۷۷). پس فرعون ایشان را بالشکرهای خویش دنبال گیری کرد پس پوشانید ایشان را از دریا آنچه ایشان را پوشانید (۷۸). و فرعون قوم خود را گمراه کرد و راه نمود (۷۹). گفتیم ای بنی اسرائیل هر آئینه شما را از دشمنان شما نجات دادیم و شما را^(۳) بجانب راست (کوه) طور وعده دادیم و بر شما ترنجبین و پرنده بلددرچین (سمانی) فرو فرستادیم (۸۰). گفتیم از لذایذ آنچه شما را روزی دادیم بخورید و در آن روزی از حد مگذرید آنگاه بر شما خشم من ثابت شود و هر که بروی خشم من ثابت شد به یقین هلاک شد (۸۱). وهرآئینه من کسی را که توبه کرد و ایمان آورد و کارشایسته کرد بازراه راست یافت آمرزنده ام (۸۲). ای موسی چه^(۴) چیز تورا بر آن وا داشت که بر قوم خود پیشی گیری؟ (۸۳). گفت قوم من ایشان بدنبال من بوده به سوی توای پروردگار من شتافتم تا خوشنود شوی (۸۴). گفت خدا هر آئینه قوم تورا پس از تو در فتنه انداختیم و سامری ایشان را گمراه ساخت (۸۵). پس موسی به سوی قوم خود خشم گرفته اندوه خورده بازگشت گفت ای قوم من آیا وعده نداده بود شما را پروردگار شما وعده نیک آیا دراز شد بر شما مدت^(۵) یا خواستید که بر شما خشمی از پروردگار شما واجب شود پس وعده مرا خلاف کردید (۸۶). گفتند وعده تورا به اختیار خویش خلاف نکردیم ولیکن ما را (تحمیل کرده شد) تابارها از پیرایه قوم قبط برداشتیم پس آنرا افکندیم^(۶) و سامری هم چنین افکند (۸۷).

(۳) یعنی بدادن تورات.

(۴) مترجم گوید چون موسی باهفتاد کس از قوم خود بجانب طور متوجه شد حضرت موسی از همه سبقت کرد

خطاب رسید والله اعلم.

(۵) یعنی مدت مفارقت من.

(۶) یعنی درآتش.

فَأَخْرَجَ لَهُمْ عَجَلًا جَسَدًا لَّهُمْ خُورًا فَقَالُوا هَذَا إِلَهُكُمْ
وَأَلَهُ مُوسَىٰ فَنَسِيَ ﴿٨٨﴾ أَفَلَا يَرَوْنَ أَلَّا يَرْجِعُ إِلَيْهِمْ قَوْلًا
وَلَا يَمْلِكُ لَهُمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا ﴿٨٩﴾ وَلَقَدْ قَالَ لَهُمْ هَارُونُ
مِن قَبْلُ يَقَوْمِ إِنَّمَا فُتِنْتُمْ بِهِ وَإِنَّ رَبَّكُمُ الرَّحْمَنُ فَاتَّبِعُونِي
وَأَطِيعُوا أَمْرِي ﴿٩٠﴾ قَالُوا لَنْ نَبْرَحَ عَلَيْهِ عَاكِفِينَ حَتَّىٰ يَرْجِعَ
إِلَيْنَا مُوسَىٰ ﴿٩١﴾ قَالَ يَلَهُرُونَ مَا مَنَعَكَ إِذْ رَأَيْتَهُمْ ضَلُّوا ﴿٩٢﴾
أَلَا تَتَّبِعُنَّ أَفْعَصَيْتَ أَمْرِي ﴿٩٣﴾ قَالَ يَبْتُؤُمَ لَا تَأْخُذُ بِلِحْيَتِي
وَلَا بِرَأْسِي إِنِّي خَشِيتُ أَنْ تَقُولَ فَرَّقْتَ بَيْنَ بَنِي إِسْرَائِيلَ
وَلَمْ تَرْفُقْ قَوْلِي ﴿٩٤﴾ قَالَ فَمَا خَطْبُكَ يَا سَلَمِيُّ ﴿٩٥﴾ قَالَ
بَصُرْتُ بِمَا لَمْ يَبْصُرُوا بِهِ فَقَبَضْتُ قَبْضَةً مِّنْ أَشْرِ
الرَّسُولِ فَنَبَذْتُهَا وَكَذَلِكَ سَوَّلَتْ لِي نَفْسِي ﴿٩٦﴾ قَالَ
فَادْهَبْ فَإِنَّ لَكَ فِي الْحَيَاةِ أَنْ تَقُولَ لَا مِسَاسَ وَإِنَّ لَكَ
مَوْعِدًا لَّنْ يُخْلَفُهُ ۖ وَانظُرْ إِلَىٰ إِلَهِكَ الَّذِي ظَلْتَ عَلَيْهِ
عَاكِفًا لَنُحَرِّقَنَّهُ ثُمَّ لَنَنْسِفَنَّهُ فِي الْيَمِّ نَسْفًا ﴿٩٧﴾ إِنَّمَا
إِلَهُكُمْ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَسِعَ كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا ﴿٩٨﴾

باز برای ایشان گوساله را کالبدی که او را آواز گوساله بود بیرون آورد پس اتباع سامری گفتند اینست پروردگار شما و پروردگار موسی پس موسی فراموش کرده است (۸۸). آیا این گمراهان نمی بینند که به ایشان سخنی را باز نمی گرداند و برای ایشان اختیار هیچ زبانی ونه سودی را ندارد (۸۹). وهرآئینه ایشان را هارون پیش ازین گفته بود ای قوم من جزاین نیست که باین گوساله مبتلا شده‌اید وهرآئینه پروردگار شما خداست پس پیروی من کنید وانقیاد حکم من نمایید (۹۰). گفتند پیوسته براین گوساله مجاور خواهیم بود تاوقتیکه موسی به سوی ما بازگردد (۹۱). (موسی آمده) گفت ای هارون چه چیز بازداشت تورا چون ایشان را دیدی که گمراه شدند (۹۲). ازآنکه پیروی من کنی^(۷) آیاخلاف حکم من کردی (۹۳). گفت ای پسرِ مادرِ من ریش مرا مگیر ونه موی سر مرا هرآئینه من ازآنکه گویی جدایی افگندی درمیان فرزندان یعقوب ترسیدم و سخن مرا نگاه نداشتی (۹۴). موسی گفت پس حال تو چیست ای سامری (۹۵). گفت بینا شدم به آنچه سایر مردم به آن بینا نشدند پس مستی خاك از نقش پای فرستاده (یعنی جبرئیل) گرفتم پس آنرا افکندم^(۸) وبه همین صورت نفسم (این کار را) برایم آراسته جلوه داد (۹۶). گفت پس برو هرآئینه تورا در زندگانی سزا اینست که بگویی دست رسانیدن ممکن نیست^(۹) وهرآئینه تورا وعده دیگر است که در حق تو خلاف کرده نشود وبین به سوی معبود خود که بر آن مجاور شده بودی البته آن را بسوزانیم پس حتما پراکنده سازیم آن را در دریا پراکنده ساختن (۹۷). جزاین نیست که معبود شما خداست آنکه هیچ معبود برحقى به جز او نیست بهر چیز از روی دانش فرارسیده است (۹۸).

(۷) یعنی بقتال اهل ضلال.

(۸) یعنی در کالبدی که از زرساخته بود بشکل گوساله.

(۹) یعنی اگر با کسی همنشین می شد هردورانب می گرفت.

كَذَلِكَ نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ مَا قَدْ سَبَقَ وَقَدْ آتَيْنَاكَ مِنْ لَدُنَّا
 ذِكْرًا ﴿٩٩﴾ مَنْ أَعْرَضَ عَنْهُ فَإِنَّهُ يَحْمِلُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وِزْرًا
 ﴿١٠٠﴾ خَلِيدٍ فِيهِ وَسَاءَ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حِمْلًا ﴿١٠١﴾ يَوْمَ يُنْفَخُ
 فِي الصُّورِ وَنَحْشُرُ الْمُجْرِمِينَ يَوْمَئِذٍ زُرْقًا ﴿١٠٢﴾ يَتَخَفَتُونَ
 بَيْنَهُمْ إِنْ لَبِثْتُمْ إِلَّا عَشْرًا ﴿١٠٣﴾ نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَقُولُونَ إِذْ يَقُولُ
 أَمْثَلُهُمْ طَرِيقَةً إِنْ لَبِثْتُمْ إِلَّا يَوْمًا ﴿١٠٤﴾ وَيَسْتَأْذِنُكَ عَنِ الْجِبَالِ
 فَقُلْ يَنْسِفُهَا رَبِّي نَسْفًا ﴿١٠٥﴾ فَيَذَرُهَا قَاعًا صَفْصَفًا ﴿١٠٦﴾
 لَا تَبْقَى فِيهَا غِوَجًا وَلَا أَمْتًا ﴿١٠٧﴾ يَوْمَئِذٍ يَتَّبِعُونَ الدَّاعِيَ
 لَعُوجَ لُهُ، وَخَشَعَتِ الْأَصْوَاتُ لِلرَّحْمَنِ فَلَا تَسْمَعُ إِلَّا هَمْسًا
 ﴿١٠٨﴾ يَوْمَئِذٍ لَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَرَضِيَ لَهُ
 قَوْلًا ﴿١٠٩﴾ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِهِ
 عِلْمًا ﴿١١٠﴾ * وَعَنَتِ الْوُجُوهُ لِلْحَيِّ الْقَيُّومِ وَقَدْ خَابَ مَنْ حَمَلَ
 ظُلْمًا ﴿١١١﴾ وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَا يَخَافُ
 ظُلْمًا وَلَا هَضْمًا ﴿١١٢﴾ وَكَذَلِكَ أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا وَصَرَّفْنَا
 فِيهِ مِنَ الْوَعِيدِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ أَوْ يُحَدِّثُ لَهُمْ ذِكْرًا ﴿١١٣﴾

سورة طه
 الجزء
 ٢٢

یا محمد) این چنین حکایت می کنیم بر تو از اخبار آنچه گذشته است و هرآئینه تورا از نزد خویش پندی داده ایم (۹۹). هر که از آن روی بگرداند پس وی در روز قیامت باری را^(۱۰) بردارد (۱۰۰). جاویدان در آن (بارکشیدن) و وی بد باری برایشان در روز قیامت است (۱۰۱). روزی که در صور دمیده شود و گناهکاران را آن روز کبود چشم گشته برانگیزیم (۱۰۲). در میان خویش پنهان حرف زنند که درنگ نکرید (یعنی دردنا) مگر ده شبانه روز (۱۰۳). ماداناتریم به حقیقت آنچه می گویند چون بگویند بهترین ایشان در روش درنگ نکرده اید مگر یک روز (۱۰۴). و تورا از کوهها می پرسند بگو آنها را پروردگار من پراکنده کند پراکنده کردنی (۱۰۵). پس آنها رامیدانی هموار بگذارد (۱۰۶). در آنجا هیچ نشیبی و فرازی نبینی (۱۰۷). آن روز از پی آوازکننده روند^(۱۱) هیچ کجی نباشد آن اتباع را و آوازه برای خدا پست شوند پس نشنوی مگر آواز آهسته (پچ پچ) (۱۰۸). آن روز شفاعت سود نبخشد مگر برای کسی که او را خدا دستوری داده است و سخن او را از روی گفتار پسند کرده است^(۱۲) (۱۰۹). میداند آنچه پیش روی آدمیان است و آنچه پس پشت ایشان است و آدمیان خدا را از روی دانش درنگیرند (۱۱۰). و چهره های مردمان برای زنده خبرگیرنده نیایش کنند هرآئینه هر کسی ستمی برداشته باشد ناکام شود (۱۱۱). و هر کسی که بجا آورد کارهای شایسته در حالی که او مومن باشد پس وی از ستمی ونه از نقصانی نترسد (۱۱۲). و همچنین کتاب را قرآن عربی نازل کردیم و از هشدار (ها) در آن گوناگون بیان کردیم تا باشد که پرهیزگارشوند یا در حق ایشان پندی را پدید آورد (۱۱۳).

(۱۰) یعنی گناهی را.

(۱۱) یعنی انقیاد اسرافیل کنند.

(۱۲) یعنی مسلمان باشد.

فَتَعَلَى اللَّهِ الْمَلِكُ الْحَقُّ وَلَا تَعْجَلْ بِالْقُرْآنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ
 يُقْضَىٰ إِلَيْكَ وَحْيُهُ ۗ وَقُل رَّبِّ زِدْنِي عِلْمًا ﴿١١٤﴾ وَلَقَدْ عَاهَدْنَا
 إِلَىٰ آدَمَ مِنْ قَبْلِ فَنَسَىٰ وَلَمْ نُجِدْ لَهُ عَزْمًا ﴿١١٥﴾ وَإِذْ قُلْنَا
 لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَىٰ ﴿١١٦﴾
 فَقُلْنَا يَا آدَمُ إِنَّ هَذَا عَدُوٌّ لَكَ وَلِزَوْجِكَ فَلَا يُخْرِجَنَّكَمَا
 مِنَ الْجَنَّةِ فَتَشْقَىٰ ﴿١١٧﴾ إِنَّ لَكَ أَلَّا تَجُوعَ فِيهَا وَلَا تَعْرَىٰ
 ﴿١١٨﴾ وَأَنَّكَ لَا تَظْمَأُ فِيهَا وَلَا تَصْحَىٰ ﴿١١٩﴾ فَوَسْوَسَ إِلَيْهِ
 الشَّيْطَانُ قَالَ يَا آدَمُ هَلْ أَدُلُّكَ عَلَىٰ شَجَرَةِ الْخُلْدِ وَمُلْكٍ
 لَآبَدٍ ﴿١٢٠﴾ فَأَكَلَا مِنْهَا فَبَدَتْ لَهُمَا سَوْآتُهُمَا وَطَفِقَا
 يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ وَعَصَىٰ آدَمُ رَبَّهُ فَغَوَىٰ
 ﴿١٢١﴾ ثُمَّ اجْتَبَاهُ رَبُّهُ وَقَتَابَ عَلَيْهِ وَهَدَىٰ ﴿١٢٢﴾ قَالَ أَهْبِطَا مِنْهَا
 جَمِيعًا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدًى
 فَمَنِ اتَّبَعَ هُدَايَ فَلَا يَضِلُّ وَلَا يَشْقَىٰ ﴿١٢٣﴾ وَمَنْ أَعْرَضَ
 عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَمَحْشَرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ
 أَعْمَىٰ ﴿١٢٤﴾ قَالَ رَبِّ لِمَ حَشَرْتَنِي أَعْمَىٰ وَقَدْ كُنْتُ بَصِيرًا ﴿١٢٥﴾

پس بلند قدرست خداپادشاه راستین، بخواندن قرآن پیش از آن که وحی آن بر تو انجام پذیرد شتاب مکن و بگو ای پروردگار من مرا دانشی بیفزا (۱۱۴). وهرآئینه به سوی آدم پیش ازین حکم فرستادیم پس فراموش کرد و برای اوقصد محکم نیافتیم (۱۱۵). و یادکن فرشتگان را چون گفتیم که برای آدم (علیه السلام) سجده کنید پس سجده کردند مگر ابلیس قبول نکرد (۱۱۶). پس گفتیم ای آدم هرآئینه این تورا و همسرت را دشمن است پس باید که شمارا از بهشت بیرون نکند که آنگاه رنج کشی (۱۱۷). هرآئینه تورا در بهشت هست این که گرسنه نشوی در آنجا و برهنه نشوی (۱۱۸). وآنکه آنجا تو تشنه نشوی و گرمی آفتاب نیابی (۱۱۹). پس شیطان به سوی آدم و سوسه انداخت گفت ای آدم آیا تورا بردرختی همیشه بودن و برپادشاهی که کهنه نگردد دلالت کنم (۱۲۰). پس از آن درخت خوردند پس بر ایشان شرمگاه ایشان ظاهر شد و در گرفتند که برخویش از برگ درختان بهشت می چسپانیدند و آدم پروردگار خود را نافرمانی کرد پس راه را گم کرد (۱۲۱). باز پروردگارا و برگزیدش پس (برحمت) بروی بازگشت و راه نمود (۱۲۲). گفت هر دو شما همگی از بهشت درحالی که بعض اولاد شما بعض دیگر را دشمن باشند فرو روید پس اگر بشما از جانب من هدایتی بیاید پس هرکه پیروی هدایت من کند گمراه نشود و رنج نکشد (۱۲۳). و هرکه از یاد کردن من روی گردان شود پس او را زندگانی تنگ بود و او را روز قیامت نابینا برانگیزیم (۱۲۴). گوید ای پروردگار من چرا مرا نابینا برانگیختی و هرآئینه پیش ازین بینا بودم (۱۲۵).

قَالَ كَذَلِكَ أَتَتْكَ آيَاتُنَا فَنَسِيَتْهَا كَذَلِكَ الْيَوْمِ تَنْسَى ﴿١٢٦﴾
 وَكَذَلِكَ نَجْزِي مَنْ أَسْرَفَ وَلَمْ يُؤْمِنْ بِآيَاتِ رَبِّهِ وَعَلَذَابُ الْآخِرَةِ
 أَشَدُّ وَأَبْقَى ﴿١٢٧﴾ أَفَلَمْ يَهْدِ لَهُمْ كَمْ أَهَلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنَ الْقُرُونِ
 يَمْشُونَ فِي مَسْجِدِهِمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّأُولِي النُّهَى ﴿١٢٨﴾
 وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَكَانَ لِزِمَامِ وَأَجَلٌ مُّسَمًّى ﴿١٢٩﴾
 فَأَصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ
 وَقَبْلَ غُرُوبِهَا وَمِنْ آنَاءِ اللَّيْلِ فَسَبِّحْ وَأَطْرَافَ النَّهَارِ لَعَلَّكَ
 تَرْضَى ﴿١٣٠﴾ وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ
 الْحَيَاةِ الدُّنْيَا لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ وَرِزْقُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَأَبْقَى ﴿١٣١﴾ وَأَمْرٌ أَهْلَكَ
 بِالصَّلَاةِ وَأَصْبِرْ عَلَيْهَا لَا تَسْأَلُكَ رِزْقًا نَّحْنُ نَزْرُقُكَ وَالْعَاقِبَةُ
 لِلتَّقْوَى ﴿١٣٢﴾ وَقَالُوا لَوْلَا يَأْتِينَا بِآيَةٍ مِنْ رَبِّهِ أَوَلَمْ تَأْتِهِمْ
 بَيِّنَةٌ مَا فِي الصُّحُفِ الْأُولَىٰ ﴿١٣٣﴾ وَلَوْ أَنَّا أَهْلَكْنَاهُمْ بِعَذَابٍ
 مِنْ قَبْلِهِ لَقَالُوا رَبَّنَا لَوْلَا أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا فَنَتَّبِعَ
 آيَاتِكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَذِلَّ وَنُحْزَى ﴿١٣٤﴾ قُلْ كُلُّ مَتْرَبٍصٌّ فَتَرَبَّصُوا
 فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ أَصْحَابُ الصِّرَاطِ السَّوِيِّ وَمَنِ اهْتَدَى ﴿١٣٥﴾

گوید همچنین بتو آیه های مآلمد پس از آن تغافل کردی و همچنین امروز در حق تو تغافل کرده شود (۱۲۶). و همچنین آن را سزایمیدهم که از حد گذشت و بآیات پروردگار خود ایمان نیاورد و هر آئینه عذاب آخرت سخت تر و پاینده تر است (۱۲۷). آیا ایشان را آنکه چه بسیار پیش ایشان از طبقات مردمان هلاک کردیم راه ننمود در منازل آن هلاک شدگان می روند هر آئینه درین امر خداوندان خرد را نشانه هاست (۱۲۸). و اگر سخنی که سابقاً صادر شد از پروردگارتو نبود و وقتی معین نبودی هر آئینه عذاب لازم می شد (۱۲۹). پس صبر کن بر آنچه می گویند و با حمد پروردگار خویش تسبیح گو پیش از برآمدن آفتاب و پیش از غروب آن و نیز بعض اوقات شب و اطراف روز تسبیح گو تا باشد که تو خوشنودشوی (۱۳۰). و چشم خود را مدوز به زینت زندگانی دنیا که گروههایی را از آنان به آن بهر مند ساخته ایم تا ایشان را در آن بیازماییم و روزی پروردگار تو بهترست و پاینده تر است (۱۳۱). و خانواده ات را به نماز فرمان ده و شکیبایی کن (برادای آن) از تو روزی نمی طلبیم ما تو را روزی میدهم و عاقبت خیر برای اهل تقوی است (۱۳۲). و کافران گفتند چرا پیش ما نشانه ای از جانب پروردگار خویش نمی آورد آیا به ایشان دلیل واضحی از جنس آنچه در کتابهای پیشین است نیامده^(۱۳)؟ (۱۳۳). و اگر ما ایشان را بعقوبتی پیش از فرستادن پیامبر هلاک می کردیم البته می گفتند ای پروردگار ما چرا به سوی ما پیامبری را نفرستادی تا پیروی آیات تومی کردیم پیش از آنکه خوار شویم و رسوا گردیم (۱۳۴). بگو همه چشم به راهند پس شما نیز چشم به راه باشید پس خواهید دانست چه کسانی اهل راه راست و چه کسانی هدایت، یافته اند (۱۳۵).

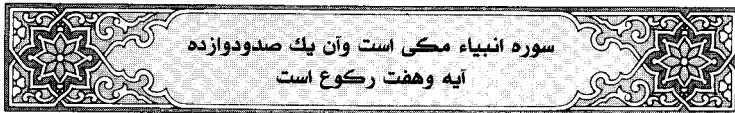
(۱۳) یعنی قرآن مشتمل است بر قصص و غیر آن موافق کتب سابقه.

سورة الأنبياء

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الجزء ٧
الحزب ٣٣

أَقْرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمْ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ مُّعْرِضُونَ ﴿١﴾
 مَا يَأْتِيهِمْ مِّنْ ذِكْرٍ مِّن رَّبِّهِمْ مُّحَدِّثٍ إِلَّا أَسْتَمَعُوهُ وَهُمْ
 يَلْعَبُونَ ﴿٢﴾ لَاهِيَةً قُلُوبُهُمْ وَأَسْرَأَ النَّجْوَى الَّذِينَ
 ظَلَمُوا هَلْ هَذَا إِلَّا بَشْرٌ مِّثْلُكُمْ أَفَتَأْتُونَ السَّحَرَاءَ وَأَنْتُمْ
 تُبْصِرُونَ ﴿٣﴾ قَالَ رَبِّي يَعْلَمُ الْقَوْلَ فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ
 وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿٤﴾ بَلْ قَالُوا أَضْغَثٌ أَحْلَمَ بَلِ
 افْتَرَاهُ بَلْ هُوَ شَاعِرٌ فَلْيَأْتِنَا بآيَةٍ كَمَا أُرْسِلَ الْأَوْلُونَ
 ﴿٥﴾ مَا آمَنَتْ قَبْلَهُمْ مِّن قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا أَفَهُمْ يُؤْمِنُونَ
 ﴿٦﴾ وَمَا أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ إِلَّا رِجَالًا نُّوحِي إِلَيْهِمْ فَسَلُوا أَهْلَ
 الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ﴿٧﴾ وَمَا جَعَلْنَاهُمْ جَسَدًا
 لَا يَأْكُلُونَ الطَّعَامَ وَمَا كَانُوا خَالِدِينَ ﴿٨﴾ ثُمَّ صَدَقْتَهُمْ
 الْوَعْدَ فَأَنْجَيْنَاهُمْ وَمَنْ نَّشَاءُ وَاهْلَكْنَا الْمُسْرِفِينَ ﴿٩﴾
 لَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ كِتَابًا فِيهِ ذِكْرُكُمْ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿١٠﴾



بنام خدای بخشاینده مهربان.

به مردمان (هنگام) حساب ایشان نزدیک شد حال آنکه ایشان در غفلت روی گردانند (۱). به ایشان هیچ پندی نو از جانب پروردگار ایشان نمی آید مگر اینکه آن را به شوخی می شنوند و به بازی میگیرند (۲). غافل شده دل های ایشان و پنهان راز گفتند کسانی که ظالمان بودند که نیست این شخص مگر آدمی مانند شما آیا در حالی که (حقیقت را) می بینید به جادو روی می آورید؟ (۳). پیامبر گفت پروردگار من می داند هر سخنی را که در آسمان و زمین باشد و او شنوای داناست (۴). بلکه گفتند این قرآن خواب های پریشان است بلکه می گویند آنرا بر بسته است بلکه می گویند او شاعر است پس باید که پیش مانشانه ای بیاورد چنان که به آن نخستینیان^(۱) فرستاده شدند (۵). پیش از ایشان هیچ دهی که آن را هلاک کردیم ایمان نیاورده بودند آیا پس ایشان ایمان می آورند؟ (۶). و پیش از تو نفرستادیم مگر مردانی را که به ایشان وحی می فرستادیم پس اهل علم را برسید اگر شما نمی دانید (۷). و نساختیم پیامبران را مجسمه ها که طعام نخورند و جاوید باشندگان نبودند (۸). باز در حق ایشان وعده را راست کردیم پس ایشان را برهانیدیم و هر که را خواستیم و از حد گذرندگان را هلاک کردیم (۹). هر آئینه فر و فرستادیم به سوی شما کتابی که در او پند شما هست آیا نمی فهمید (۱۰).

(۱) مترجم گوید مردان زبانه^۲ عقوبت عام می داشتند مثل طوفان قوم نوح و باد صرصر قوم هود و الله اعلم.

وَكَمْ قَصَمْنَا مِنْ قَوْمٍ كَانَتْ ظَالِمَةً وَأَنْشَأْنَا بَعْدَهَا قَوْمًا
 آخَرِينَ ﴿١١﴾ فَلَمَّا أَحْسَوْا بِأَسْنَا إِذَا هُمْ مِنْهَا يَرْكُضُونَ ﴿١٢﴾
 لَا تَرْكُضُوا وَارْجِعُوا إِلَى مَا أُتْرِفْتُمْ فِيهِ وَمَسْكِنِكُمْ لَعَلَّكُمْ
 تَسْأَلُونَ ﴿١٣﴾ قَالُوا يَا وَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ ﴿١٤﴾ فَمَا زَالَتْ تِلْكَ
 دَعْوَاهُمْ حَتَّى جَعَلْنَاهُمْ حَصِيدًا خَامِدِينَ ﴿١٥﴾ وَمَا خَلَقْنَا
 السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا الْعِيبِينَ ﴿١٦﴾ لَوِ أَرَدْنَا أَنْ نَتَّخِذَ
 لَهُمْ آلًا تَخَذْنَاهُ مِنْ لَدُنَّا إِنْ كُنَّا فَعَالِينَ ﴿١٧﴾ بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ
 عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ، فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ وَلَكُمْ الْوَيْلُ مِمَّا تَصِفُونَ
 ﴿١٨﴾ وَلَهُ، وَمَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَنْ عِنْدَهُ، لَا يَسْتَكْبِرُونَ
 عَنْ عِبَادَتِهِ، وَلَا يَسْتَحْسِرُونَ ﴿١٩﴾ يُسَبِّحُونَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ
 لَا يَفْتُرُونَ ﴿٢٠﴾ أَمْ اتَّخَذُوا أَلِهَةً مِنَ الْأَرْضِ هُمْ يُنْشِرُونَ ﴿٢١﴾
 لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا فَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَرْشِ
 عَمَّا يُصِفُونَ ﴿٢٢﴾ لَا يَسْأَلُ عَمَّا يَفْعَلُ وَهُمْ يُسْأَلُونَ ﴿٢٣﴾ أَمْ اتَّخَذُوا
 مِنْ دُونِهِ آلِهَةً قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ هَذَا ذِكْرٌ مِنْ مَعِيَ وَذِكْرٌ
 مَنْ قَبْلِي بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ الْحَقَّ فَهُمْ مُعْرِضُونَ ﴿٢٤﴾

چه بسیار شهرهایی را که (ساکنانشان) ستمکار بودند در هم شکستیم و بعد از آن گروه دیگر را پدید آوردیم (۱۱). پس چون دیدند عذاب ما را ناگهان ایشان از آنجا می‌دیدند (۱۲). (گفتیم) مگریزید و به سوی مکانی باز گردید که شمارا در آن آسودگی داده شد و به سوی خانه های خویش تاباشد که شما پرسیده شوید^(۱) (۱۳). گفتند ای وای بر ما هر آئینه ما ستمگار بودیم (۱۴). پس پیوسته گفتار ایشان این بود تا آنکه ایشان را مثل زراعت درویده شده مانند آتش فرو مرده گردانیدیم (۱۵). و آسمان و زمین را آنچه در میان آنهاست برای شوخی و بازی نیافریده ایم (۱۶). اگر می‌خواستیم که بسازیم بازیچه‌ای^(۲) البته اگر (می‌خواستیم چنین) کنیم آن رافرا خود برمی‌گرفتم^(۳) (۱۷). بلکه حق را بر باطل می‌افکنیم پس آن را در هم می‌شکنند پس ناگهان باطل نابود شود و وای بر شما است از آن چه بیان می‌کنید (۱۸). و هر کسی که در آسمان‌ها و زمین است برای اوست و آن‌انکه نزدیک اویند^(۴) از عبادت او سرکشی نمی‌کند و نه مانده می‌شوند (۱۹). شب و روز تسبیح می‌گویند سستی نمی‌ورزند (۲۰). آیا این چنین معبودانی از موجودات زمین^(۵) گرفته‌اند که ایشان را بعد از موت باز برانگیزانند^(۶) (۲۱). اگر در آسمان و زمین معبودانی چند غیر از خدا می‌بود هر دو تباہ می‌شدند پاکی خدایی را است خداوند عرش از آنچه صفت می‌کنند (۲۲). پرسیده نمی‌شود خدا از آنچه می‌کند و ایشان پرسیده می‌شوند (۲۳). آیا معبودانی به جای خدا گرفته‌اند بگو دلیل خود را بیاورید اینست کتاب آن‌انکه بامن هستند و کتاب آن‌انکه پیش از من بودند بلکه اکثر ایشان حق را نمی‌دانند پس ایشان رویگردانند (۲۴).

(۲) یعنی بغم‌خوارگی قوم احوال شما را پرسند.

(۳) یعنی زن و فرزند.

(۴) یعنی مجرد می‌بودند و این مناقضه لطیفه است حاصل آنکه در رسل این استبعاد جاری نیست که چرا آدمی رسول باشد بلکه آن را در تنزیه از زن و فرزند می‌توان تفریر کرد که اگر خدا را زن و فرزند می‌بودند مجرد و واجب الوجود جامع اوصاف کمال می‌بودند والله اعلم.

(۵) یعنی ملائعلی.

(۶) یعنی از ذهب و فضه.

(۷) مراد ازین کلام رداست بر عبادت اصنام.

وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا نُوحِي إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا إِلَهَ
 إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونِ ﴿٢٥﴾ وَقَالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمَنُ وَلَدًا سُبْحَانَهُ
 بَلْ عِبَادٌ مُّكْرَمُونَ ﴿٢٦﴾ لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ
 بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ ﴿٢٧﴾ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ
 وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنِ ارْتَضَىٰ وَهُمْ مِنْ حَشِيَّتِهِ مُشْفِقُونَ
 ﴿٢٨﴾ * وَمَنْ يَقُلْ مِنْهُمْ إِنِّي إِلَهٌ مِنْ دُونِهِ فَذَلِكَ نَجْزِيهِ
 جَهَنَّمَ كَذَلِكَ نَجْزِي الظَّالِمِينَ ﴿٢٩﴾ أُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا
 أَنَّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَتَفْتَقنَهُمَا وَجَعَلْنَا
 مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ أَفَلَا يُؤْمِنُونَ ﴿٣٠﴾ وَجَعَلْنَا فِي الْأَرْضِ
 رَوَاسِيَ أَنْ تَمِيدَ بِهِمْ وَجَعَلْنَا فِيهَا فِجَاجًا سُبُلًا لَعَلَّهُمْ
 يَهْتَدُونَ ﴿٣١﴾ وَجَعَلْنَا السَّمَاءَ سَقْفًا مَحْفُوظًا وَهُمْ عَنْ
 آيَاتِهَا مُعْرِضُونَ ﴿٣٢﴾ وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ
 وَالْقَمَرَ كُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ ﴿٣٣﴾ وَمَا جَعَلْنَا لِلْبَشَرِ مِنْ قَبْلِكَ
 الْخَلْدَ أَفَإِنْ مِتَّ فَهُمْ الْخَالِدُونَ ﴿٣٤﴾ كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ
 الْمَوْتِ وَنَبْلُوكُمْ بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً وَإِلَيْنَا تُرْجَعُونَ ﴿٣٥﴾

و هیچ پیامبری را پیش از تو نفرستادیم مگر آنکه به او وحی می کردیم که هیچ معبود بر حقی غیر از من نیست پس مرا پرستش کنید (۲۵). و گفتند خدا فرزند گرفته است او پاک (ومنزه) است بلکه (آنانکه در حق ایشان این گمان را دارند) بندگان گرامی اند (۲۶). در هیچ سخنی بر او پیشی نمی گیرند و ایشان بفرمان وی کار می کنند (۲۷). خدا آنچه را که در پیش روی ایشان است و آنچه را که پس پشت ایشان است میدانند و شفاعت نمی کنند الا برای کسیکه خدا خوشنود شده است و ایشان همیشه از ترس خدا هراسانند (۲۸). و هر کس که از ایشان بگوید که من معبودم جز از خدا، او را دوزخ سزا می دهیم ستمکاران را همچنین سزای دهیم (۲۹). آیا ندیدند کافران که آسمان ها و زمین بسته بودند پس این هارا و کردیم^(۸) و هر چیز زنده را از آب پیدا کردیم و آیا ایمان نمی آورند (۳۰). و در زمین کوه هارا از برای احتراز از آنکه ایشان را بجنابند پیدا کردیم و در آنجا راه هایی گشاده تاباشد که ایشان راه یابند پیدا کردیم (۳۱). و آسمان را سقفی محفوظ ساختیم و ایشان از نشانه های آسمان رویگردانند (۳۲). و اوست آنکه شب و روز و خورشید و ماه را آفرید هر یکی از ستاره ها در مداری شنا می کند (۳۳). و ما برای هیچ انسانی پیش از تو زندگی جاویدان قرار ندادیم آیا اگر تو بمیری ایشان همیشه باشندگانند؟ (۳۴). هر شخص چشنده مرگ است و شمارا به سختی و آسودگی به خاطر امتحان مبتلامی کنیم و به سوی ما بازگردانیده شوید (۳۵).

(۸) مترجم گوید و آوردن آسمان ها نازل کردن باران است و آوردن زمین رویانیدن گیاه از وی است.

وَإِذْ أَرْأَى الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ يَتَّخِذُونَكَ إِلَّا هُزُوًا أَهَذَا
 الَّذِي يَذْكُرُ آلِهَتَكُمْ وَهُمْ بِذِكْرِ الرَّحْمَنِ هُمْ
 كَافِرُونَ ﴿٣٦﴾ خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَجَلٍ سَأُورِيكُمْ
 آيَاتِي فَلَا تَسْتَعْجِلُونِ ﴿٣٧﴾ وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ
 إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٣٨﴾ لَوْ يَعْلَمُ الَّذِينَ كَفَرُوا حِينَ
 لَا يَكْفُوتُ عَنْ وُجُوهِهِمُ النَّارَ وَلَا عَنْ طُحُورِهِمْ وَلَا
 هُمْ يُنصَرُونَ ﴿٣٩﴾ بَلْ تَأْتِيهِمْ بَغْتَةً فَتَبْهَتُهُمْ فَلَا
 يَسْتَطِيعُونَ رَدِّهَا وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ ﴿٤٠﴾ وَلَقَدْ أَسْتَهْزَيْتَ
 بِرُسُلٍ مِنْ قَبْلِكَ فَحَاقَ بِالَّذِينَ سَخِرُوا مِنْهُمْ مَا كَانُوا
 بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ ﴿٤١﴾ قُلْ مَنْ يَكْلَأُكُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ
 مِنَ الرَّحْمَنِ بَلْ هُمْ عَنْ ذِكْرِ رَبِّهِمْ مُعْرِضُونَ ﴿٤٢﴾
 أَمْ لَهُمْ آلِهَةٌ تَمْنَعُهُمْ مِنْ دُونِنَا لَا يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَ
 أَنْفُسِهِمْ وَلَا هُمْ مِنَّا يُصْحَبُونَ ﴿٤٣﴾ بَلْ مَتَّعْنَا هَؤُلَاءِ
 وَآبَاءَهُمْ حَتَّى طَالَ عَلَيْهِمُ الْعُمُرُ أَفَلَا يَرَوْنَ أَنَّا نَأْتِي
 الْأَرْضَ نَنْقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا أَفَهُمُ الْغَالِبُونَ ﴿٤٤﴾

و چون کافران تورا ببینند تورا مگر به تمسخر نمی گیرند می گویند آیا این شخص است که یاد می کند (یعنی به اهانت) و ایشان یاد خدا را منکراند (۳۶). آدمی از شتاب آفریده شد^(۹) شما را نشانه های خویش خواهم نمود پس به شتاب از من طلب مکنید (۳۷). و می گویند اگر راست می گویند این وعده کی خواهد بود؟ (۳۸). اگر کافران بدانند صورت حال آن وقت را که از چهره های خویش آتش را باز نتواند داشت و نه از پشت های خویش و نه ایشان نصرت داده شوند (چنین نمی گفتند) (۳۹). بلکه قیامت به ایشان ناگهان بیاید پس ایشان را حیران گرداند پس نمی توانند آنرا دفع کنند و نه ایشان مهلت داده شوند (۴۰). و هر آینه تمسخر کرده شد به پیامبران پیش از تو پس به آنانکه تمسخر کردند از ایشان آنچه به آن استهزا می کردند در گرفت (۴۱). بگو چه کسی شما را در شب و روز از عقوبت خدا نگهبانی می کند بلکه ایشان از یاد پروردگار خویش روی گردانند (۴۲). آیا ایشان معبودانی دارند غیر از ماکه ایشان را از مصایب نگاه می دارند نصرت دادن خویش را نمی توانند و نه ایشان از عقوبت ما (به جمعیت خود) محفوظ مانند (۴۳). بلکه ایشان را و پدران ایشان را بهره مند ساخته ایم تا وقتیکه برایشان مدت عمر دراز شد آیامی بینند که ما زمین دار الحرب را در گرفت می کنیم آن را از دامنه هایش می کاهیم آیا ایشان غلبه کنندگانند^(۱۰) (۴۴).

(۹) این کنایه است از غلبه "استعجال بر آدمی والله اعلم.

(۱۰) یعنی به اسلام اسلم و غفار پیش از هجرت (از زمین کفر کاسته شد).

قُلْ إِنَّمَا أُنذِرُكُمْ بِالْوَحْيِ وَلَا يَسْمَعُ الصَّمُّ الدُّعَاءَ إِذَا
 مَا يَنْذُرُونَ ﴿٤٥﴾ وَلَيْنَ مَسَّتْهُمْ نَفْحَةٌ مِّنْ عَذَابِ رَبِّكَ
 لَيَقُولُنَّ يَٰوَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ ﴿٤٦﴾ وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ
 الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَإِنْ كَانَ
 مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِّنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا وَكَفَىٰ بِنَا حَٰسِبِينَ ﴿٤٧﴾
 وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَىٰ وَهَارُونَ الْفُرْقَانَ وَضِيَاءً وَذِكْرًا
 لِّلْمُتَّقِينَ ﴿٤٨﴾ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ وَهُمْ مِّنَ السَّاعَةِ
 مُشْفِقُونَ ﴿٤٩﴾ وَهَذَا ذِكْرٌ مُّبَارَكٌ أَنْزَلْنَاهُ أَفَأَنْتُمْ لَهُ
 مُنْكَرُونَ ﴿٥٠﴾ * وَلَقَدْ آتَيْنَا إِبْرَاهِيمَ رُشْدَهُ مِن قَبْلُ وَكُنَّا
 بِهِ عَلِيمِينَ ﴿٥١﴾ إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَا هَذِهِ التَّمَاثِيلُ الَّتِي
 أَنْتُمْ لَهَا عَاكِفُونَ ﴿٥٢﴾ قَالُوا وَجَدْنَا آبَاءَنَا لَهَا عَابِدِينَ ﴿٥٣﴾ قَالَ
 لَقَدْ كُنْتُمْ أَنْتُمْ وَآبَاؤُكُمْ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿٥٤﴾ قَالُوا أَجِئْتَنَا
 بِالْحَقِّ أَمْ أَنْتَ مِنَ اللَّاعِبِينَ ﴿٥٥﴾ قَالَ بَلْ رَبُّكُمْ رَبُّ السَّمَوَاتِ
 وَالْأَرْضِ الَّذِي فَطَرَهُنَّ وَأَنَا عَلَىٰ ذَٰلِكُمْ مِنَ الشَّٰهِدِينَ ﴿٥٦﴾
 وَتَاللَّهِ لَأَكِيدَنَّ أَصْنَامَكُمْ بَعْدَ أَنْ تُولُوا مُدِيرِينَ ﴿٥٧﴾

بگوزاین نیست که شمارا با وحی می ترسانم و کران چون ترسانیده می شوند آواز را نمی شنوند (۴۵). و اگر به ایشان اندکی از عقوبت پروردگار تو رسد هر آئینه گویند ای وای بر ما هر آئینه ما ستمکاران بودیم (۴۶). و ترازوی عدل را روز قیامت در میان نهیم پس بر هیچ کس هیچ چیزی ستم کرده نشود و اگر عمل هم وزن دانهٔ سپندان (خردل) باشد آن را حاضر کنیم و محاسب کننده بسیم (۴۷). و به راستی که موسی و هارون را کتاب فیصله کننده و روشنی و پندی برای پرهیزکاران دادیم (۴۸). آنانکه از پروردگار خویش غایبانه می ترسند و ایشان از قیامت ترسندگانند (۴۹). و این قرآن پندی هست بابرکت آن را فرو فرستادیم آیا شما به آن منکراید (۵۰). و به راستی که ابراهیم را راه یابی او پیش از این دادیم و به احوال اودانا بودیم (۵۱). چون به پدرش و قومش گفت چیست این مجسمه هایی که شما دائما به عبادتشان مشغولید (۵۲). گفتند پدران خود را عبادت کنندگانش یافته ایم (۵۳). گفت به راستی که شما و پدران شما در گمراهی ظاهر بودید (۵۴). گفتند آیا برایمان حق آورده ای یا تو از بازی گرانی (۵۵). گفت بلکه پروردگار شما خداوند آسمانها و زمین است آنکه اینها را آفرید و من بر این سخن از گواهانم (۵۶). و به خدا قسم که البته بتان شمارا بعد از آن که پشت داده روی بگردانید تدبیری خواهم اندیشید (۵۷).

فَجَعَلَهُمْ جُودًا إِلَّا كَبِيرًا لَهُمْ لَعَلَّهُمْ إِلَيْهِ يَرْجِعُونَ

﴿٥٨﴾ قَالُوا مَنْ فَعَلَ هَذِهِ أَهْتَينَا إِنَّهُ وَلِمَنِ الظَّالِمِينَ ﴿٥٩﴾

قَالُوا سَمِعْنَا فَتَى يَدُكُرُهُمْ يُقَالُ لَهُ وَابْرَهِيمُ ﴿٦٠﴾ قَالُوا فَأَتُوا

بِهِ عَلَى أَعْيُنِ النَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَشْهَدُونَ ﴿٦١﴾ قَالُوا أَأَنْتَ

فَعَلْتَ هَذِهِ أَهْتَينَا يَا اِبْرَهِيمُ ﴿٦٢﴾ قَالَ بَلْ فَعَلَهُ وَكَبِيرُهُمْ

هَذَا فَسَعَوْهُمْ إِنْ كَانُوا يَنْطِقُونَ ﴿٦٣﴾ فَرَجَعُوا إِلَى

أَنْفُسِهِمْ فَقَالُوا إِنَّكُمْ أَنْتُمُ الظَّالِمُونَ ﴿٦٤﴾ ثُمَّ نَكَسُوا

عَلَى رُءُوسِهِمْ لَقَدْ عَلِمْتَ مَا هَؤُلَاءِ يَنْطِقُونَ ﴿٦٥﴾ قَالَ

أَفَتَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُكُمْ شَيْئًا وَلَا

يَضُرُّكُمْ ﴿٦٦﴾ أَفِ لَكُمْ وَلِمَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ

أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿٦٧﴾ قَالُوا أَحَرِّقُوهُ وَانصُرُوا اِهْتِكُمْ إِنْ كُنْتُمْ

فَاعِلِينَ ﴿٦٨﴾ قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَى اِبْرَهِيمَ

﴿٦٩﴾ وَأَرَادُوا بِهِ كَيْدًا فَجَعَلْنَاهُمُ الْأَخْسَرِينَ ﴿٧٠﴾ وَنَجَّيْنَاهُ

وَلُوطًا إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا لِلْعَالَمِينَ ﴿٧١﴾ وَوَهَبْنَا

لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ نَافِلَةً ۗ وَكُلًّا جَعَلْنَا صَالِحِينَ ﴿٧٢﴾

پس آنها را ریزه ریزه ساخت مگر بت بزرگ را از ایشان تاباشد که به سوی او ایشان باز گردند (۵۸). گفتند چه کسی این کار را بامعبودان ماکرده است هرآئینه وی از ستمکاران است (۵۹). گفتند شنیدیم جوانی را که به او ابراهیم گفته می‌شد از آنها (به بدی) یاد می‌کرد (۶۰). گفتند او را به حضور چشمهای مردمان بیاورید تاباشد که ایشان گواهی دهند (۶۱). گفتند ای ابراهیم آیا تو بامعبودان ما چنین کرده ای؟ (۶۲). گفت بلکه آن را این بت بزرگ ایشان کرده است پس اگر سخن می‌گویند از آنان بپرسید (۶۳). پس آنان به خود آمدند پس گفتند بایکدیگر هرآئینه ستمکار شما اید (۶۴). پس بر سرهای خویش نگونسار شدند (و این کنایت ست از ملزم شدن) به راستی تو میدانی که ایشان سخن نمی‌گویند (۶۵). گفت آیا عبادت می‌کنید به جای خدا چیزی را که هیچ نفعی و نه هیچ زیانی به شما نمی‌رساند (۶۶). اف بر شما و بر آنچه که شما می‌پرستید به جای خدا آیانی فهمید (۶۷). بایک دیگر گفتند که بسوزانید او را و خدایان خود را نصرت دهید اگر کننده اید^(۱۱) (۶۸). گفتیم ای آتش بر ابراهیم سرد شو و سلامتی باش (۶۹). و (آنان) در حق وی نیرنگ خطرناک خواستند پس ما ایشان را زیان کارترین مردم نمودیم (۷۰). و ابراهیم را برهانیدیم و لوط را به سوی زمینی که در آن برای جهانیان برکت نهادیم^(۱۲) (۷۱). و به او اسحق عطا کردیم (نیز) عطاء کردیم یعقوب را که نبیره ابراهیم بود و همه را نیکوکار ساختیم (۷۲).

(۱۱) القصة در آتش انداختند.

(۱۲) یعنی سرزمین شام.

وَجَعَلْنَهُمْ أَيْمَةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ
 الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَكَانُوا لَنَا
 عَابِدِينَ ﴿٧٢﴾ وَلَوْ طَاءَ آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ
 الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ تَعْمَلُ الْخَبِيثَاتِ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمَ سَوْءٍ
 فَاسِقِينَ ﴿٧٤﴾ وَأَدْخَلْنَاهُ فِي رَحْمَتِنَا إِنَّهُ مِنَ الصَّالِحِينَ
 ﴿٧٥﴾ وَنُوحًا إِذْ نَادَى مِنْ قَبْلُ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَفَجَّيْنَاهُ
 وَأَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ ﴿٧٦﴾ وَنَصَرْنَاهُ مِنَ الْقَوْمِ
 الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمَ سَوْءٍ فَأَغْرَقْنَاهُمْ
 أَجْمَعِينَ ﴿٧٧﴾ وَدَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ إِذْ يَحْكُمَانِ فِي الْحَرْثِ
 إِذْ نَفَسَتْ فِيهِ غَنَمُ الْقَوْمِ وَكُنَّا لِحُكْمِهِمْ شَاهِدِينَ ﴿٧٨﴾
 فَفَهَّمْنَاهَا سُلَيْمَانَ وَكُلًّا آتَيْنَا حُكْمًا وَعِلْمًا وَسَخَرْنَا
 مَعَ دَاوُدَ الْجِبَالَ يُسَبِّحْنَ وَالطَّيْرَ وَكُنَّا فَاعِلِينَ ﴿٧٩﴾
 وَعَلَّمْنَاهُ صَنْعَةَ لَبُوسٍ لَكُمْ لِتُحْصِنَكُم مِّنْ بِأْسِكُمْ
 فَهَلْ أَنْتُمْ شَاكِرُونَ ﴿٨٠﴾ وَلَسُلَيْمَانَ الرِّيحَ عَاصِفَةً تَجْرِي بِأَمْرِهِ
 إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بَرَكَانَا فِيهَا وَكُنَّا بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمِينَ ﴿٨١﴾

وایشان را پیشوایانی گردانیدیم که به فرمان ما راه می‌نمودند و انجام دادن نیکیها و برپاداشتن نماز و دادن زکوة را به آنان وحی کردیم و عبادت کنندگان مابودند (۷۳). ولوط را حکمت و علم دادیم و او را از (مردم) دهی که کارهای ناپاک می‌کرد برهانیدیم هرآئینه ایشان قوم نافرمان بودند (۷۴). و او را در رحمت خویش درآوردیم هرآئینه وی از شایسته کاران بود (۷۵). و نوح را یاد کن چون ندا کرد پیش از این پس دعای او را قبول کردیم پس او را و کسان او را از اندوه بزرگ نجات دادیم (۷۶). و او را بر قومی که تکذیب کردند آیات ما را نصرت دادیم هرآئینه ایشان گروهی بد بودند پس همگی ایشان را غرق کردیم (۷۷). و داود و سلیمان را یا دکن چون دربارهٔ زراعتی که چون بوقت شب گوسفندان گروهی در آنجا چریده بودند حکم می‌کردند و ما بر حکم ایشان حاضر^(۱۳) بودیم (۷۸). پس طریق فیصله کردن خصومت را به سلیمان فهمانیدیم و هر یکی را حکمت و دانش داده بودیم با داود کوه ها را مسخر گردانیدیم که با اوتسیح می‌گفتند و مرغان را نیز مسخر ساختیم و ما کننده بودیم (۷۹). و او را ساختن لباسی برای شما بیاموختیم تا که شما را از ضرر کارزار شما نگاه دارد^(۱۴) پس آیا شکر کننده هستید (۸۰). و برای سلیمان باد تندوزنده را مسخر ساختیم که می‌رفت به فرمان وی به سوی زمینی که در آن برکت نهادیم (یعنی شام) و به هر چیز دانا بودیم (۸۱).

(۱۳) یعنی گوسفندان قومی در زراعت قومی دیگر بوقت شب درآمدند و چریدند داود علیه السلام حکم کرد بدادن گوسفندان عوض زراعت سلیمان حکم کرد این قوم را به اصلاح زراعت و آن قوم را بانفتاح از شیر گوسفندان تا وقتیکه زراعت بحال خود رسد حکم سلیمان درست تر بود والله اعلم.

(۱۴) یعنی ساختن زره.

وَمِنَ الشَّيْطَانِ مَن يَغْوُصُونَ لَهُ، وَيَعْمَلُونَ عَمَلًا دُونَ
 ذَلِكَ، وَكُنَّا لَهُمْ حَافِظِينَ ﴿٨٢﴾ * وَأَيُّوبَ إِذْ نَادَىٰ
 رَبَّهُ، وَأَنَّىٰ مَسَّنِيَ الضُّرُّ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّحِيمِينَ ﴿٨٣﴾
 فَأَسْتَجَبْنَا لَهُ، وَكَشَفْنَا مَا بِهِ مِنْ ضُرِّهِ، وَآتَيْنَاهُ أَهْلَهُ،
 وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مِّنْ عِنْدِنَا، وَذَكَرَىٰ لِلْعَالَمِينَ
 ﴿٨٤﴾، وَاسْمَاعِيلَ وَإِدْرِيسَ وَذَا الْكِفْلِ، كُلٌّ مِّنَ الصَّابِرِينَ
 ﴿٨٥﴾، وَأَدْخَلْنَاهُمْ فِي رَحْمَتِنَا، إِنَّهُمْ مِّنَ الصَّالِحِينَ ﴿٨٦﴾
 وَذَا النُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغْضِبًا فَظَنَّ أَن لَّنْ نَّقْدِرَ عَلَيْهِ
 فَنَادَىٰ فِي الظُّلُمَاتِ أَن لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي
 كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ ﴿٨٧﴾، فَأَسْتَجَبْنَا لَهُ، وَنَجَّيْنَاهُ
 مِنَ الْغَمِّ، وَكَذَلِكَ نُجِي الْمُؤْمِنِينَ ﴿٨٨﴾، وَذَكَرِيَّا
 إِذْ نَادَىٰ رَبَّهُ رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ
 ﴿٨٩﴾، فَأَسْتَجَبْنَا لَهُ، وَوَهَبْنَا لَهُ وَيْحَىٰ، وَأَصْلَحْنَا
 لَهُ، وَزَوَّجَهُ، وَإِنَّهُمْ لَكَانُوا يُسْأَلُونَ عَنِ الْخَيْرَاتِ
 وَيَدْعُونَنَا رَغَبًا وَرَهَبًا، وَكَانُوا لَنَا خَشِعِينَ ﴿٩٠﴾

وازدیوان جماعتی را که غواصی می کردند برای وی مسخر ساختیم و کاری غیر از آن نیز می کردند و ایشان را نگاه دارنده بودیم (۸۲). و یادکن ایوب را چون بجناب پروردگار خویش ندا کرد به آنکه مرا رنج رسیده است و تو مهربان ترین مهربانانی (۸۳). پس دعای او را قبول کردیم پس آنچه از رنج باوی بود دور ساختیم و اورا فرزندان او و مانند ایشان همراه ایشان بسبب مهربانی از نزد خویش عطا کردیم و تاعبادت کنندگان را پندی بُود (۸۴). و یادکن اسمعیل و ادريس و ذوالکفل را هر یکی از ایشان از صبر کنندگان بُود (۸۵). و ایشان را در رحمت خود در آوردیم هر آئینه ایشان از نیکوکاران بودند (۸۶). و یادکن ذوالنون را چون خشمگین رفت^(۱۵) پس گمان کرد که بروی^(۱۶) تنگ نمی گیریم پس در تاریکیها ندا کرد به آن که هیچ معبود بر حقی غیر از تو نیست پاکی تورا است هر آئینه من از ستمکاران بودم (۸۷). پس دعای او را قبول کردیم و از غم نجات دادیمش و همچنین مسلمانان را نجات می دهیم (۸۸). و زکریا را یادکن چون به جناب پروردگار خود ندا کرد ای پروردگار من مرا تنها مگذار و تو بهترین وارثانی (۸۹). پس دعای او را قبول کردیم و او را یحیی بخشیدیم و همسرش را برای او نیکو ساختیم هر آئینه این پیامبران شتاب می کردند در نیکیها و مارا در حال امید و خوف می خواندند و برای ما نیازمند بودند (۹۰).

(۱۵) یعنی بر قوم خود بغیر از ان الهی والله اعلم.

(۱۶) القصة حوت اورا بحلق در کشید.

وَالَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهَا مِنْ رُوحِنَا
 وَجَعَلْنَاهَا وَابْنَهَا آيَةً لِلْعَالَمِينَ ﴿٩١﴾ إِنَّ هَذِهِ
 أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ ﴿٩٢﴾
 وَتَقَطَّعُوا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ كُلٌّ إِلَيْنَا رِجْعُونَ ﴿٩٣﴾
 فَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَا كُفْرَانَ
 لِسَعْيِهِ وَإِنَّا لَهُ كَاتِبُونَ ﴿٩٤﴾ وَحَرَامٌ عَلَى قَرِيَّةٍ
 أَهْلًا كُنْتُمْ أَنَّهُمْ لَا يَرْجِعُونَ ﴿٩٥﴾ حَتَّىٰ إِذَا فُتِحَتْ
 يَا جُوجُ وَمَا جُوجُ وَهُمْ مِنْ كُلِّ حَدَبٍ يَنْسِلُونَ ﴿٩٦﴾
 وَأَقْتَرَبَ الْوَعْدُ الْحَقُّ فَإِذَا هِيَ شَاخِصَةٌ أَبْصَرُ الَّذِينَ
 كَفَرُوا وَيُلَوِّدُنَا قَدْ كُنَّا فِي غَفْلَةٍ مِّنْ هَذَا بَلَّ كُنَّا
 ظَالِمِينَ ﴿٩٧﴾ إِنَّكُمْ وَمَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ
 حَصْبُ جَهَنَّمَ أَنْتُمْ لَهَا وَرِدُونَ ﴿٩٨﴾ لَوْ كَانَ
 هَؤُلَاءِ آلهَةً مَا وَرَدُوهَا وَكُلٌّ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٩٩﴾
 لَهُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَهُمْ فِيهَا لَا يَسْمَعُونَ ﴿١٠٠﴾ إِنَّ الَّذِينَ
 سَبَقَتْ لَهُمْ مِنَّا الْحُسْنَىٰ أُولَٰئِكَ عَنْهَا مُبْعَدُونَ ﴿١٠١﴾

و یادکن زنی را که شرمگاه خود را به عفت نگاه داشت پس در آن روح خود را دمیدیم و او را وپسرش را نشانه‌ای برای جهانیان ساختیم (۹۱). گفتیم هرآئینه اینست ملتِ شما ملتِ یکتاومن پروردگار شما هستیم پس عبادت من کنید^(۱۷) (۹۲). و متفرق شدند امت‌ها در کار خود^(۱۸) در میان خویش هر یک به سوی مارجوع کنندگانند (۹۳). پس هرکسی که از جنس کارهای شایسته بکند در حالی که او مومن باشد پس از کوشش او ناسپاسی نخواهد شد و هرآئینه ما برای او نیکباهش را می نویسیم (۹۴). و محال است بر هردهی که او را هلاک کردیم آنکه بازگردند (یعنی بدنیا) (۹۵). تا وقتی که چون قیدیا جوج و ماجوج گشاده شود و ایشان از هر بلندی بشتابند (۹۶). و وعدهٔ راست نزدیک برسد پس ناگهان حال اینست بالادوخته شود چشم‌های کافران گویند وای بر ما هرآئینه از این حال در غفلت بودیم بلکه ستمکار بودیم (۹۷). هرآئینه شما آنچه می‌پرستید به جای خدا (یعنی بتان) آتش انگیز دوزخ باشید شما بر آن داخل شونده اید (۹۸). اگر اینها معبودانی می بودند به دوزخ داخل نمی شدند و همه ایشان آنجا جاویدان باشند (۹۹). آنجا ایشان را ناله باشد و ایشان آنجا هیچ نشنوند (۱۰۰). هرآئینه آنانکه سابقاً برای ایشان از جانب مانیکیوی مقرر شد این جماعت از دوزخ دور کرده می شوند (۱۰۱).

(۱۷) یعنی اصل دین که توحید باشد یکی است و همه متفق اند و اختلاف در فروغ می باشد.

(۱۸) یعنی در اصل دین.

لَا يَسْمَعُونَ حَسِيسَهَا وَهُمْ فِي مَا أُشْتَهَتْ أَنْفُسُهُمْ
 خَلَدُونَ ﴿١١٢﴾ لَا يَحْزَنُهُمُ الْفَزَعُ الْأَكْبَرُ وَتَتَلَقَّاهُمُ
 الْمَلَائِكَةُ هَذَا يَوْمُكُمْ الَّذِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ ﴿١١٣﴾
 يَوْمَ نَطْوِي السَّمَاءَ كَطَيِّ السِّجِلِّ لِلْكُتُبِ كَمَا بَدَأْنَا
 أَوَّلَ خَلْقٍ نُعِيدُهُ وَعَدًّا عَلَيْنَا إِنَّا كُنَّا فَاعِلِينَ ﴿١١٤﴾ وَلَقَدْ
 كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا
 عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ ﴿١١٥﴾ إِنَّ فِي هَذَا لَبَلَاغًا لِقَوْمٍ
 عَابِدِينَ ﴿١١٦﴾ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ
 ﴿١١٧﴾ قُلْ إِنَّمَا يُوحِي إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهٌُ وَاحِدٌ فَهَلْ
 أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ ﴿١١٨﴾ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ ءَاذَنْتُكُمْ عَلَى سَوَاءٍ
 وَإِنْ أَدْرَى أَقْرَبُ أَمْ بَعِيدٌ مَا تُوعَدُونَ ﴿١١٩﴾ إِنَّهُ يُعَلِّمُ
 الْجَهْرَ مِنَ الْقَوْلِ وَيَعْلَمُ مَا تَكْتُمُونَ ﴿١٢٠﴾ وَإِنْ أَدْرَى
 لَعَلَّهُ وَفِتْنَةٌ لَّكُمْ وَمَتَاعٌ إِلَى حِينٍ ﴿١٢١﴾ قُلْ رَبِّ احْكُم
 بِالْحَقِّ وَرَبُّنَا الرَّحْمَنُ الْمُسْتَعَانُ عَلَى مَا تَصِفُونَ ﴿١٢٢﴾

آواز دوزخ را نشنوند و ایشان در آنچه نَفْسهای ایشان خواهد جاویدانند (۱۰۲). ایشان را آن ترس بزرگ اندوهگین نسازد و فرشتگان به استقبالشان آیند (گویند) اینست آن روزتان که به شما وعده داده می شد (۱۰۳). روزیکه آسمان را مانند پپچیدن طومار وقت نوشتن نامه ها در پیچیم چنانکه اول آفرینش را آغاز کردیم دیگر بار (نیز) برمی گردانیم و وعده ای لازم بر ماست هر آئینه ماکنده ایم (۱۰۴). و هر آئینه در زبور بعد از تورات نوشتیم که زمین را بندگان شایسته ام^(۱۹) به ارث می برند (۱۰۵). هر آئینه در آنچه گفته شد گروه عابدان را کفایت است (۱۰۶). و تورا جز مایه^{۱۹} مهربانی برای جهانیان نفرستاده ایم (۱۰۷). بگو جز این نیست که وحی به سوی من فرستاده می شود که معبود شما خدای یکتاست پس آیا گردن نهنده هستید (۱۰۸). پس اگر اعراض کنند پس بگو شمار ابرو جهی خبردار ساختم که همه برابر باشید و نمی دانم که آنچه وعده داده میشوید نزدیک است یا دور است (۱۰۹). هر آئینه خدا می داند آشکار را از سخن و می داند آنچه را پنهان می کنید (۱۱۰). و نمی دانم شاید آن برای شما آزمونی و بهره مندی تامدتی باشد (۱۱۱). پیامبر گفت ای پروردگار من به راستی حکم کن و پروردگار ما بخشاینده است از وی مدد طلب کرده می شود بر آنچه بیان می کنید (۱۱۲).

(۱۹) یعنی در آخر زمان پیامبری مبعوث شود و امت او بر هر سرزمین غالب شود و الله اعلم.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَأَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّ كُمْ إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ
 ① يَوْمَ تَرَوُنَّهَا تُذْهِلُ كُلَّ مَرْضِعَةٍ عَمَّا أَرْضَعَتْ وَتَضَعُ
 كُلُّ ذَاتِ حَمَلٍ حَمْلَهَا وَتَرَى النَّاسَ سُكَرَىٰ وَمَاهُم
 بِسُكَرَىٰ وَلَٰكِنَّ عَذَابَ اللَّهِ شَدِيدٌ ② وَمِنَ النَّاسِ مَن
 يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّبِعُ كُلَّ شَيْطَانٍ مَّرِيدٍ ③
 كُتِبَ عَلَيْهِ أَنَّهُ وَمَن تَوَلَّاهُ فَإِنَّهُ يُضِلُّهُ وَيَهْدِيهِ
 إِلَىٰ عَذَابِ السَّعِيرِ ④ يَأَيُّهَا النَّاسُ إِن كُنتُمْ فِي رَيْبٍ
 مِّنَ الْبَعْثِ فَإِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِّن تُرَابٍ ثُمَّ مِن نُّطْفَةٍ
 ثُمَّ مِّن عِلْقَةٍ ثُمَّ مِّن مُّضْغَةٍ مُّخَلَّقَةٍ وَعَيْرٍ مُّخَلَّقَةٍ لِّنَبِّينَ
 لَكُمْ وَنُقَرُّ فِي الْأَرْحَامِ مَا نَشَاءُ إِلَىٰ آجَلٍ مُّسَمًّى ثُمَّ
 نُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشَدَّكُمْ وَمِنْكُمْ مَّن يُتَوَقَّىٰ
 وَمِنْكُمْ مَّن يُرَدُّ إِلَىٰ أَرْذَلِ الْعُمُرِ لِكَيْلَا يَعْلَمَ مِن
 بَعْدِ عِلْمٍ شَيْئًا وَتَرَى الْأَرْضَ هَامِدَةً فَإِذَا أَنزَلْنَا عَلَيْهَا
 الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَتْ وَأَنْبَتَتْ مِن كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ ⑤

سوره حج مدنی است و آن هفتادوهشت
آیه و ده رکوع است

بنام خدای بخشاینده مهربان.

ای مردمان از پروردگار خویش بترسید هر آئینه زلزله و هنگامه قیامت چیزی بزرگی است (۱). روزی که آن را ببینید هر شیر دهنده از طفلی که شیر می‌دهدش غافل شود و هر زن باردار بارشکم خود را بنهد و بینی مردمان را مست، حال آنکه مست نیستند ولیکن عذاب خدا سخت است (۲). و از مردمان کسی هست که در شأن خدا بغیر دانش گفتگو می‌کند و پیروی هر شیطان متمرد را می‌نماید (۳). در قضای الهی بروی نوشته شده است که هر کس دوست داری او کند پس او گمراه کندش و به سوی عذاب آتش راه نمایدش (۴). ای مردمان اگر از رستاخیز در شکاید پس هر آئینه ما شمارا از خاک باز از نطفه باز از خون بسته باز از گوشت پاره صورت داده و غیر صورت داده آفریدیم (می‌گوییم) تا واضح سازیم برای شما و در رحمها چیزی را که می‌خواهیم تا میعاد معین قرار می‌دهیم باز بیرون می‌آوریم شمارا کودکی باز تربیت می‌کنیم تا بنهایت جوانی خود برسید و از شما کسی بود که میرانده شود و از شما کسی بود که به بدترین عمر بازگردانیده شود تا چیزی را بعد از آن که می‌دانست نداند و می‌بینی زمین را خشک شده پس وقتی که بر آن آب را فرو فرستادیم جنبش کند و بیفزاید و از هر قسمی رونق دار برویاند (۵).

ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّهُ يُحْيِي الْمَوْتَى وَأَنَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ
 قَدِيرٌ ﴿٦﴾ وَأَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَأَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي
 الْقُبُورِ ﴿٧﴾ وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى
 وَلَا كِتَابٍ مُنِيرٍ ﴿٨﴾ ثَانِي عَظْفِهِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ لَهُ فِي
 الدُّنْيَا خِزْيٌ وَّ نَذِيقُهُ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ عَذَابُ الْحَرِيقِ ﴿٩﴾ ذَلِكَ
 بِمَا قَدَّمْتَ يَدَكَ وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَمٍ لِلْعَبِيدِ ﴿١٠﴾ وَمِنَ النَّاسِ
 مَنْ يَعْبُدُ اللَّهَ عَلَى حَرْفٍ فَإِنْ أَصَابَهُ خَيْرٌ اطْمَأَنَّ بِهِ وَإِنْ
 أَصَابَتْهُ فِتْنَةٌ انْقَلَبَ عَلَى وَجْهِهِ خَسِرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ ذَلِكَ
 هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ ﴿١١﴾ يَدْعُوا مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُ
 وَمَا لَا يَنْفَعُهُ ذَلِكَ هُوَ الضَّلَالُ الْبَعِيدُ ﴿١٢﴾ يَدْعُوا لَمَن
 ضُرُّهُ وَأَقْرَبُ مِن نَّفْعِهِ لَيْسَ الْمَوْلَى وَ لَيْسَ الْعَشِيرُ ﴿١٣﴾
 إِنَّ اللَّهَ يَدْخُلُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ
 تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ ﴿١٤﴾ مَنْ كَانَ
 يَظُنُّ أَن لَّن يَنصُرَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فَلْيَمْدُدْ بِسَبَبٍ إِلَى
 السَّمَاءِ ثُمَّ لِيَقْطَعْ فَلْيَنْظُرْ هَلْ يُذْهِبَنَّ كَيْدُهُ وَمَا يُعِظُ ﴿١٥﴾

این همه به سبب آنست که خداهمان است برحق وآنکه وی مُردگان را زنده می کند وآنکه وی بر همه چیز تواناست (۶). وآنکه قیامت آمدنی است هیچ شکی در آن نیست وآنکه خدا آنان را که درگورها باشند برانگیزد (۷). واز مردمان کسی هست که در شانِ خدا بغیر دانش و بغیر هدایت و بغیر کتاب روشن گفتگومی کند (۸). پیچیده صفحه گردن خود را^(۱) تا از راهِ خدا گمراه کند او را دردنیای رسوایی است و او را روز قیامت عذابِ سوزان بچشانیم (۹). (گویم) این به سبب آن اعمال است که دو دست تو فرستادش و به سبب آن است که خدا بر بندگان ستم کننده نیست (۱۰). واز مردمان کسی هست که با دو دلی خدا را برکناره پرستش می کند پس اگر او را نعمتی برسد به آن عبادت آرام گیرد و اگر او را بلایی برسد بروی خود برگردد، دنیا و آخرت را باخت این همان زیانِ ظاهر است (۱۱). به نیایش می خواند به جای خدا چیزی را که زیان نرساندش و نه سود دهدش این همان گمراهی دور است (۱۲). میخواند کسی را که زیان او از سود او نزدیک تر است هر آئینه بدسُرُوری است و بد یاری است (۱۳). هر آئینه خدا آنان را که ایمان آورده اند و کارهای شایسته کرده اند در بوستانهایی که زیر آنها جویها می رود درمی آورد هر آئینه خدا آنچه می خواهد می کند (۱۴). هر که پنداشته باشد که خدا پیامبر را در دنیا و آخرت نصرت نخواهد داد پس باید ریسمانی بجانب بالا بیاویزد باز باید که قطع نماید پس ببیند آیا این تدبیر او چیزی را که به خشم آورده دور می کند^(۲) (۱۵).

(۱) یعنی تکبرکنان.

(۲) یعنی اگر ازین غصه بمیرد هیچ ضرر نکند.

وَكَذَلِكَ أَنْزَلْنَاهُ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ وَأَنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يُرِيدُ
 ﴿١٦﴾ إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّالِحِينَ وَالنَّصِرَى
 وَالْمَجُوسَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا إِنَّ اللَّهَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ
 الْقِيَامَةِ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ ﴿١٧﴾ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ
 يَسْجُدُ لَهُ مَن فِي السَّمَاوَاتِ وَمَن فِي الْأَرْضِ وَالشَّمْسُ
 وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ وَالْجِبَالُ وَالشَّجَرُ وَالْدَّوَابُّ وَكَثِيرٌ مِّنَ
 النَّاسِ وَكَثِيرٌ حَقَّ عَلَيْهِ الْعَذَابُ وَمَن يُهِنِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِن
 مُّكْرِمٍ إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ ﴿١٨﴾ * هَذَا نِ حَصْمَانِ
 اَحْتَصَمُوا فِي رَبِّهِمْ فَالَّذِينَ كَفَرُوا قُطِعَتْ لَهُمْ نِيَابٌ
 مِّن نَّارٍ يَصُبُّ مِن فَوْقِ رُءُوسِهِمُ الْحَمِيمُ ﴿١٩﴾ يَصْهَرُ بِهِ
 مَا فِي بُطُونِهِمْ وَالْجُلُودُ ﴿٢٠﴾ وَهُمْ مَّقْلَعُونَ مِّنْ حَدِيدٍ ﴿٢١﴾ كَلَّمَا
 أَرَادُوا أَن يَخْرُجُوا مِنْهَا مِنْ غَمٍّ أُعِيدُوا فِيهَا وَذُوقُوا عَذَابَ
 الْحَرِيقِ ﴿٢٢﴾ إِنَّ اللَّهَ يَدْخُلُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
 جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ يُحَلَّوْنَ فِيهَا مِنْ
 أَسَاوِرَ مِن ذَهَبٍ وَلُؤْلُؤًا وَلِبَاسُهُمْ فِيهَا حَرِيرٌ ﴿٢٣﴾

وهمچنین قرآن را آیات روشن فرو فرستادیم و بدانید که خداراه می نماید هر که را خواهد (۱۶). هر آئینه آنان که ایمان آورده‌اند و آنانکه یهود شدند و ستاره پرستان و ترسایان و گبران و مشرکان به درستی که خدای تعالی روز قیامت فیصله خواهد کرد میان ایشان هر آئینه خدا بر هر چیز مطلع است (۱۷). آبانده‌ای که خدای تعالی را سجده می کنند آنانکه در آسمان هاند و آنانکه در زمین‌اند و خورشید و ماه و ستارگان و کوه ها و درختان و چهارپایان و بسیاری از مردمان و بسیار کس هستند که برایشان عذاب ثابت شده است و هر که را خدا خوار کند پس او راهیچ گرامی دارنده ای نیست هر آئینه خدای کند آنچه می خواهد (۱۸). این دو فریق دشمنان یکدیگر اند در شان پروردگار خویش خصومت کردند پس آنانکه کافر شدند برای ایشان جامه ها از آتش قطع کرده شد بالای سر ایشان آب گرم ریخته شود (۱۹). به آن هر چه در شکم‌های ایشان باشد و پوست‌ها نیز گداخته گردد (۲۰). و برای کوفتن ایشان گرزها از آهن مهیا باشد (۲۱). هر گاهی که خواهند از دوزخ برآیند خلاص شوند آنجا از اندوه بازگردانیده شوند و گفته شود عذاب سوزان را بچشید (۲۲). هر آئینه خدا آنان را که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته کرده‌اند در بوستانها بی درمی آورد که در زیر آنها جویها می‌رود پیرایه آنان در آنجا به دستبندهایی زرین و مروارید آراسته شوند و لباس ایشان در آنجا ابریشم بود (۲۳).

وَهَدُوا إِلَى الطَّيِّبِ مِنَ الْقَوْلِ وَهَدُوا إِلَى صِرَاطِ الْحَمِيدِ
 ﴿٢٤﴾ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمَسْجِدِ
 الْحَرَامِ الَّذِي جَعَلْنَاهُ لِلنَّاسِ سَوَاءً الْعَافِكُ فِيهِ وَالْبَادِ
 وَمَنْ يُرِدْ فِيهِ بِالْحَادِ بِظُلْمٍ نُدَقَهُ مِنْ عَذَابِ إِلِيمٍ
 ﴿٢٥﴾ وَإِذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ أَنْ لَا تُشْرِكْ
 بِي شَيْئًا وَطَهِّرْ بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ
 السُّجُودِ ﴿٢٦﴾ وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَا تُوكِ رِجَالًا وَعَلَى
 كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ ﴿٢٧﴾ لِيَشْهَدُوا
 مَنَافِعَ لَهُمْ وَيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَعْلُومَاتٍ
 عَلَى مَا رَزَقَهُمْ مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ فَكُلُوا مِنْهَا
 وَأَطِعُوا الْبَاسِ الْفَقِيرَ ﴿٢٨﴾ ثُمَّ لِيَقْضُوا تَفَثَهُمْ
 وَلِيُوفُوا نُدُورَهُمْ وَلِيَطَّوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ ﴿٢٩﴾
 ذَلِكَ وَمَنْ يُعِظْ حُرْمَتِ اللَّهِ فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ وَعِنْدَ
 رَبِّهِ وَأُحِلَّتْ لَكُمْ الْأَنْعَامُ إِلَّا مَا يَتْلَى عَلَيْكُمْ
 فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ ﴿٣٠﴾

وبه (گفتن)^(۳) سخن زیبا و پاکیزه رهنمود میگردند و به راه خدای ستوده راهنمایی شوند (۲۴). هر آئینه آنانکه کافر شدند و از راه خدا و از مسجد حرام که آن را برای مردمان یکسان کرده‌ایم در آنجا چه مقیم و چه صحرانشین بازمی‌دارند و کسی که از روی ستم در آنجا کجروی خواهد، او را از عذاب دردناک می‌چشانیم (۲۵). و یادکن چون برای ابراهیم مقرر مکن و خانه^۴ مرا برای طواف کنندگان و ایستادگان و رکوع کنندگان و سجود کنندگان پاک کن^(۴) (۲۶). و در میان مردمان به حج اعلان کن تا پیش تو پیاده و سوار بر هر شتری لاغر بیابند این شتران لاغر از همراه دور می‌آیند (۲۷). تا منافعی را که دارند حضور یابند و نام خدا را در روزها چند دانسته شده^(۵) یاد کنند بر ذبح آنچه خدای تعالی ایشان را از قسم چهار پایان مواشی روزی داده است پس از آن بخورید و درمانده درویش را بخورانید (۲۸). باز یابید که چرک تن خود را دور کنند و نذرهای خود را به وفا رسانند و به خانه^۶ قدیم^(۶) (یعنی کعبه) طواف نمایند (۲۹). (حکم) اینست و هر که شعائر خدا را تعظیم کند پس این تعظیم کردن او را نزدیک پروردگار او بهتر است و حلال کرده شد برای شما مواشی^(۷) مگر آنچه خوانده خواهد شد بر شما^(۸) پس از پلیدی بتان احتراز کنید و از سخن دروغ^(۹) (نیز) دورمانید (۳۰).

(۳) یعنی درد دنیا.

(۴) یعنی برای نمازگزاران.

(۵) یعنی یوم نحر و ایام تشریق.

(۶) یعنی کعبه زیرا که اول بنا شد بعد از آن بیت المقدس.

(۷) یعنی شتر و گاو و بز و گوسفند.

(۸) یعنی میته و خون مسفوح.

(۹) یعنی گواهی دروغ.

حُنَفَاءَ لِلَّهِ غَيْرَ مُشْرِكِينَ بِهِ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَكَأَنَّمَا خَرَّ مِنْ
 السَّمَاءِ فَتَخَطَفَهُ الطَّيْرُ أَوْ تَهْوَى بِهِ الرِّيحُ فِي مَكَانٍ سَحِيقٍ
 ﴿٣١﴾ ذَلِكَ وَمَنْ يُعَظِّمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ ﴿٣٢﴾
 لَكُمْ فِيهَا مَنَافِعُ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ثُمَّ مَحَاهُهَا إِلَىٰ الْبَيْتِ الْعَتِيقِ
 ﴿٣٣﴾ وَلِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنْسَكًا لِّيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَىٰ
 مَا رَزَقَهُمْ مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ فَإِلَهُكُمْ إِلَهُ وَاحِدٌ فَلَهُ
 أَسْلِمُوا وَبَشِّرِ الْمُخْبِتِينَ ﴿٣٤﴾ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَّتْ
 قُلُوبُهُمْ وَالصَّابِرِينَ عَلَىٰ مَا أَصَابَهُمْ وَالْمُقِيمِي الصَّلَاةِ
 وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ ﴿٣٥﴾ وَالْبَدَنَ جَعَلْنَاهَا لَكُمْ مِنْ شَعَائِرِ
 اللَّهِ لَكُمْ فِيهَا خَيْرٌ فَاذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا صَوَافٍ فَإِذَا وَجَبَتْ
 جُنُوبُهَا فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطْعِمُوا الْقَانِعَ وَالْمُعْتَرَّ كَذَلِكَ سَخَّرْنَاهَا
 لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿٣٦﴾ لَنْ نَبَايَأَ اللَّهُ لِحُومِهَا وَلَا دِمَائِهَا
 وَلَكِنْ نَبَايَأُهَا التَّقْوَىٰ مِنْكُمْ كَذَلِكَ سَخَّرَهَا لَكُمْ لِتَكْبُرُوا
 اللَّهُ عَلَىٰ مَا هَدَاكُمْ وَبَشِّرِ الْمُحْسِنِينَ ﴿٣٧﴾ * إِنَّ اللَّهَ يَدْفَعُ
 عَنِ الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ خَوَّانٍ كَفُورٍ ﴿٣٨﴾

درحالیکه حق گرا ومخلص خدا وغیر شرك آورنده به او باشید وهرکسی که باخدا شریک مقررکند پس گویا که ازآسمان فرود افتاد پس اورامرغان (مردار خوار) برابند یا او را باد بمکانی دور^(۱۰) فروافکند (۳۱). (حکم) اینست وهرکس که شعائر خدارا تعظیم کند پس این تعظیم از تقوی دلهاست (۳۲). شمارا درآن مواشی فائدههایی است تامیعادی معین باز جای (قربان) گاهش به بیت العتیق است (۳۳). و برای هرامتی روش قربانی کردن مقرر داشته ایم تا نام خدا را برآنچه ایشان را از چهارپایان حلال گوشت داده است یاد کنند پس معبود شما معبودی یکتاست پس برای او منقادشوید و(یامحمد) نیایش کنندگان را بشارت ده (۳۴). کسانی که چون خدا یاد کرده شود دل‌های ایشان ترسان گردد و نیز صبر کنندگان را برآنچه به ایشان برسد و برپا دارندگان نمازرا و آنان را که ازآنچه روزی دادیم به ایشان خرج می کنند (۳۵). و شترانِ قربانی را برای شما از شعائر خدا گردانیده‌ایم شمارا در آنها خیر است پس نام خدارا برنحر آنها یادکنید درحالیکه بر چهارپای ایستاده اند پس چون پهلوهای آنها به زمین افتد بخورید از آنها و درویش بی سوال را و سوال کننده را بخورانید همچنین چهار پایان را برای شما رام گردانیدیم تا باشید که شکر کنید (۳۶). نمی رسد بخدا گوشت‌های قربانی‌ها و نه خون‌های اینها ولیکن بوی پرهیزگاری از شما می رسد هم چنین رام گردانید قربانی‌ها را برای شما تا خدا را به بزرگی یادکنید به شکر آنکه شمارا راه نمود و نیکوکاران را بشارت ده (۳۷). هر آئینه خدا از مسلمانان^(۱۱) دفاع می کند هر آئینه خدا هر خیانت کننده ناسپاس را دوست نمی دارد (۳۸).

(۱۰) حاصل آنست که هلاک شد بوجهی که امید نجات نماند.

(۱۱) یعنی ضرر اعداء ایشان را.

اذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَالِمُونَ وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ
 ﴿٣٩﴾ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا
 رَبَّنَا اللَّهُ ۗ وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهَدَمَتِ
 صَوْمِعُوعٌ وَيَبْعُوعٌ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدٌ يُذَكَّرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ
 كَثِيرًا ۗ وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ ۗ وَإِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ
 عَزِيزٌ ﴿٤٠﴾ الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ
 وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ
 ۗ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ ﴿٤١﴾ وَإِنْ يُكَذِّبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَتْ
 قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَعَادٌ وَثَمُودٌ ﴿٤٢﴾ وَقَوْمُ إِبْرَاهِيمَ وَقَوْمُ
 لُوطٍ ﴿٤٣﴾ وَأَصْحَابُ مَدْيَنَ ۗ وَكَذَّبَ مُوسَىٰ فَأَمَلَيْتُ لِلْكَافِرِينَ
 ثُمَّ أَخَذْنَاهُمْ فَكَيْفَ ۗ كَانَ نَكِيرِ ﴿٤٤﴾ فَكَأَيِّنْ مِنْ قَرْيَةٍ
 أَهْلَكْنَاهَا وَهِيَ ظَالِمَةٌ ۗ فَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَىٰ عُرُوشِهَا وَبِئْرٍ
 مُعْتَدَلَةٍ وَقَصْرِ مَشِيدٍ ﴿٤٥﴾ أَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَتَكُونَ
 لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَا أَوْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا ۗ فَإِنَّهَا
 لَا تَعْمَى الْأَبْصَارُ وَلَكِن تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ ﴿٤٦﴾

دستور جهاد داده شد آنانرا که کفار با ایشان جنگ می کنند بسبب آنکه برایشان ستم رفته است و هرآئینه خدایانصرت دادن ایشان تواناست (۳۹). (دستور جهاد داده شد) آنان را که ایشان ازخانه ها ایشان به ناحق بیرون آورده شدند مگر به سبب آنکه می گفتند پروردگار ما خداست و اگر دفع کردن خدا نبود مردمان را بعضی را بدست بعضی دیگر ویران کرده می شد خلوت‌های رهبانان و عبادت خانه‌های نصاری و عبادت خانه های یهود و عبادت خانه های مسلمانان که در آن جایها نام خدا بسیار یاد کرده می شود و البته نصرت خواهد داد خدا کسی را که قصد نصرت دین وی کند و هرآئینه خداتوانای غالب است (نصرت خواهد داد) (۴۰). کسانی را که اگر ایشان را در زمین دسترس دهیم نماز را برپا دارند و زکوة را بدهند و به کار پسندیده فرمان دهند و از کار ناپسندیده منع کنند و سرانجام همه کارها^(۱۲) برای خداست (۴۱). و اگر توراتکذیب می کنند پس به راستی که پیش ازایشان قوم نوح و عاد و ثمود (نیز به پیامبرانشان) تکذیب کردند (۴۲). و (نیز چنین کردند) قوم ابراهیم و قوم لوط (۴۳). و اهل مدین (نیز چنین کردند) و موسی تکذیب کرده شد پس مهلت دادم این کافران را باز ایشان را گرفت کردم پس عقوبت من چگونه بود (۴۴). پس چه بسیار شهرها را درحالی که وی ستمکار بود آن را هلاک ساختیم پس وی افتاده است برسقف های خود و بسیار چاه بیکار مانده و بسامحلی بلند خراب شده (۴۵). آیسیر نکرده‌اند در زمین تا ایشان را دل‌هایی بود که با آنها فهم کنند یا گوشهایی که با آنها بشنوند هرآئینه حال اینست که چشم‌ها نابینا نمی‌شوند ولیکن آن دلها که در سینه‌ها هستند نابینا می‌شوند (۴۶).

(۱۲) درین آیت دلالت است برصحت خلافت خلفای اربعه زیرا که ایشان از مهاجرین اولین بودند و متمکن شدند در زمین پس لازم آید که اقامت صلوة و ایتاء زکوة و امر به معروف و نهی از منکر از ایشان بظهور رسد و تمکین فی الأرض چون بان خصال جمع شود همان است خلافت نبوت.

وَيَسْتَعِجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ وَعْدَهُ وَإِنَّ يَوْمًا
 عِنْدَ رَبِّكَ كَأَلْفِ سَنَةٍ مِّمَّا تَعُدُّونَ ﴿٤٧﴾ وَكَأَيِّنْ مِنْ
 قَرْيَةٍ أَمَلَيْتُ لَهَا وَهِيَ ظَالِمَةٌ ثُمَّ أَخَذْتُهَا وَإِلَى الْمَصِيرِ
 ﴿٤٨﴾ قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا أَنَا لَكُمْ نَذِيرٌ مُبِينٌ ﴿٤٩﴾ قَالِ الَّذِينَ
 ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ ﴿٥٠﴾
 وَالَّذِينَ سَعَوْا فِي آيَاتِنَا مُعْجِزِينَ أُولَئِكَ أَصْحَابُ
 الْجَحِيمِ ﴿٥١﴾ وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ وَلَا نَبِيٍّ إِلَّا
 إِذَا تَمَنَّى أَلْقَى الشَّيْطَانُ فِي أُمْنِيَّتِهِ فَيَنسَخُ اللَّهُ مَا يُلْقِي
 الشَّيْطَانُ ثُمَّ يُحْكُمُ اللَّهُ ءَايَاتِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿٥٢﴾ لِيَجْعَلَ
 مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ فِتْنَةً لِلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْقَاسِيَةَ
 قُلُوبُهُمْ وَإِنَّ الظَّالِمِينَ لَفِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ ﴿٥٣﴾ وَلِيَعْلَمَ
 الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَيُؤْمِنُوا بِهِ
 فَتُخْبِتَ لَهُ قُلُوبُهُمْ وَإِنَّ اللَّهَ لَهَادِ الَّذِينَ ءَامَنُوا إِلَى صِرَاطٍ
 مُسْتَقِيمٍ ﴿٥٤﴾ وَلَا يَزَالُ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي مَرِيَّةٍ مِنْهُ حَتَّى
 تَأْتِيَهُمُ السَّاعَةُ بَغْتَةً أَوْ يَأْتِيَهُمْ عَذَابٌ يَوْمَ عَقِيمٍ ﴿٥٥﴾

واذتو عذاب را زود می طلبند و هرگز خدا وعده خود را خلاف نخواهد کرد و هرآئینه يك روز نزد پروردگارتو مانند هزارسال است از آنچه می شمرد^(۱۳) (۴۷). و چه بسیار شهرها که به آنها درحالی که (اهل) آن ستمکار بود مهلت دادیم باز آنها را گرفتار کردم و بازگشت به سوی من است (۴۸). بگو ای مردمان جز این نیست که من برای شما ترساننده آشکارم (۴۹). پس آنانکه ایمان آورده اند و کارهای شایسته کرده اند ایشان را آمرزش و روزی نیک است (۵۰). و آنان که مقابلۀ کنان در (انکار) آیات ما کوشیدند ایشان اهل دوزخ هستند (۵۱). و ما پیش از تو هیچ رسولی و نه هیچ نبی را نفرستاده ایم مگر چون آرزوی بخاطر بست شیطان چیزی در آرزوی وی افکند پس دوباره خدا دورمی کند آنچه را که شیطان انداخته است خدا آیات خود را محکم می کند و خدا دانا با حکمت است^(۱۴) (۵۲). تا خدا بگرداند آنچه را که شیطان افکند آزمونی در حق آنانکه در دلهای ایشان بیماری است و آنان که دلهای ایشان سخت است و هرآئینه ستمکاران در مخالفت دور و درازاند (۵۳). و تا آنان که ایشان را علم داده شده است بدانند که آن وحی از جانب پروردگار تو راست است پس به آن ایمان آورند پس برای خدا دل های ایشان نیایش کنند و هرآئینه خدا مسلمانان را به سوی راه راست هدایت دهنده است (۵۴). و همیشه کافران از آن وحی در شبهه باشند تا وقتیکه به ایشان قیامت ناگهان بیاید یا به ایشان عقوبت روز بس نحس بیاید گریبانشان را بگیرد (۵۵).

(۱۳) یعنی اگر خواهد کار هزار سال در یک روز تمام کند پس این بسبب عجز نیست بلکه بنا بر مصالحی که جز او کسی نمیداند.

(۱۴) مترجم گوید مثلاً آنحضرت صلی الله علیه وسلم بخواب دیدند که هجرت کرده اند به زمینی که نخل بسیار دارد پس گمان بجانب یمامه و هجر رفت و در نفس الامر مدینه بود، مثلاً آنحضرت صلی الله علیه وسلم بخواب دیدند که به مکه درآمده حلق و قصر میکنند پس گمان آمد که در همان سال این معنی واقع شود و در نفس الامر بعد از سالهای چند متحقق شد و در امثال این صورت امتحان مخلصان و منافقان در میان می آید و الله اعلم.

الْمَلِكُ يَوْمَئِذٍ لِلَّهِ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ فَالَّذِينَ آمَنُوا
 وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فِي حَيَاتِهِمُ ۖ وَالَّذِينَ
 كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَأُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ
 مُّهِينٌ ۖ ٥٧ وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ قُتِلُوا
 أَوْ مَاتُوا لَيَرْزُقَنَّهُمُ اللَّهُ رِزْقًا حَسَنًا وَإِنَّ اللَّهَ لَهُوَ
 خَيْرُ الرَّزُقِينَ ۖ ٥٨ لِيَدْخِلَنَّهُمْ مَدْخَلًا يُرِضُونَهُ
 وَإِنَّ اللَّهَ لَعَلِيمٌ حَلِيمٌ ۖ ٥٩ * ذَٰلِكَ وَمَنْ عَاقَبَ بِمِثْلِ
 مَا عُوقِبَ بِهِ ثُمَّ بُغِيَ عَلَيْهِ لَيَنْصُرَنَّهُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ
 لَعَفُوفٌ غَفُورٌ ۖ ٦٠ ذَٰلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ يُولِجُ اللَّيْلَ فِي
 النَّهَارِ وَيُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَأَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ
 بَصِيرٌ ۖ ٦١ ذَٰلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّ مَا يَدْعُونَ
 مِنْ دُونِهِ هُوَ الْبَاطِلُ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ ۖ ٦٢
 أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَتُصْبِحُ الْأَرْضُ
 مُخْضَرَّةً إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ ۖ ٦٣ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ
 وَمَا فِي الْأَرْضِ وَإِنَّ اللَّهَ لَهُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ ۖ ٦٤



پادشاهی آن روز فقط برای خدا است میان ایشان حکم کند پس آنان که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته کرده‌اند در بوستانهای نعمت باشند (۵۶). و آنانکه کافر شده‌اند آیات ما را تکذیب کرده‌اند آن جماعت ایشان را عذاب خوارکننده باشد (۵۷). و آنانکه در راه خدا هجرت کرده‌اند سپس کشته شده‌اند یا به مرگ طبیعی مرده‌اند البته روزی دهد ایشان را خداروزی نیک^(۱۵) و هر آئینه خدا وی بهترین روزی دهندگان است (۵۸). البته ایشان را به جایگاهی که خوشنود شوند از آن در آورد و هر آئینه خدا دانای بردبار است (۵۹). (حکم) این است و هر کسی که دست به ستم و جنایت زند به همان اندازه که بدو ستم و جنایت شده است، سپس دوباره بروی ستم و جنایت کرده شود هر آئینه او را خدا نصرت خواهد داد هر آئینه خدا بخشاینده آمرزگار است (۶۰). این نصرت بسبب آنست که خدا شب را در روز درمی‌آورد و روزادشرب در می‌آورد و به سبب آنست که خدا شنوای بیناست (۶۱). این نصرت از آنست که خدا همان است ثابت و برحق و آنچه کافران به جای وی می‌خوانند همان است باطل و به سبب آنست که خدا همان است بلند مرتبه بزرگ قدر (۶۲). آیانیدی که خدا از آسمان آبی را فرود آورد پس زمین سرسبز شود هر آئینه خدا لطف کننده داناست (۶۳). برای او است آنچه در آسمانهاست و آنچه در زمین است و هر آئینه خدا همان است بی نیاز ستوده کار (۶۴).

(۱۵) یعنی در بهشت.

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَافِي الْأَرْضِ وَالْفُلْكَ تَجْرِي
 فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَيُمْسِكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا
 بِإِذْنِهِ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرَءُوفٌ رَحِيمٌ ﴿٦٥﴾ وَهُوَ الَّذِي
 أَحْيَاكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَكَفُورٌ ﴿٦٦﴾
 لِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنْسَكًا هُمْ نَاسِكُوهُ فَلَا يُنْزِعُ عَنْكَ
 فِي الْأَمْرِ وَاذْعُ إِلَىٰ رَبِّكَ ۗ إِنَّكَ لَعَلىٰ هُدًى مُسْتَقِيمٍ ﴿٦٧﴾
 وَإِنْ جَادَلُوكَ فَقُلِ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿٦٨﴾ اللَّهُ يَحْكُمُ
 بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ ﴿٦٩﴾
 أَلَمْ تَعْلَم أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَافِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ ۗ إِنَّ
 ذَلِكَ فِي كِتَابٍ ۗ إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ ﴿٧٠﴾ وَيَعْبُدُونَ
 مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَمْ يَنْزِلْ بِهِ سُلْطَانٌ وَمَا لَيْسَ لَهُمْ بِهِ
 عِلْمٌ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ نَصِيرٍ ﴿٧١﴾ وَإِذْ اتُّتَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا
 بَيِّنَاتٍ تَعْرِفُ فِي وُجُوهِ الَّذِينَ كَفَرُوا الْمُنْكَرَ يَكَادُونَ
 يَسْطُونَ بِالَّذِينَ يَتْلُونَ عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا قُلِ أَفَأَنْتُمْ بَشَرٌ مِمَّنْ
 ذَلِكُمُ النَّارُ وَعَدَّهَا اللَّهُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَبَشَرٌ الْمَصِيرُ ﴿٧٢﴾

آیندیده‌ای که خدا مسخر گرداند برای شما آنچه در زمین است و مسخر ساخت کشتی‌ها را که در دریا به فرمان او می‌رود آسمان را نگاه میدارد از آنکه بر زمین بیفتد مگر بدستور او هر آئینه خدا در حق مردمان بخشاینده مهربان است (۶۵). و اوست آنکه شمارا زنده کرد باز شمارا می‌میراند باز شمارا زنده کند هر آئینه آدمی ناسپاس است (۶۶). برای هر امتی شریعتی را مقرر کرده‌ایم که ایشان بر آن عمل کنند پس باید که با تو در این کار نزاع نکنند و به سوی پروردگارت دعوت کن هر آئینه تو بر راهی راست هستی (۶۷). و اگر باتو مکابره نمایند بگو خدا دانا تر است به آنچه می‌کنید (۶۸). در میان شما خدا حکم خواهد کرد روز قیامت در آنچه در آن اختلاف می‌کنید^(۱۶) (۶۹). آیا ندانستی که خدای داند هر چه در آسمان و زمین است هر آئینه این همه در کتابی ثبت است به تحقیق این همه بر خدا آسان است (۷۰). و عبادت می‌کنند به جای خدا چیزی را که خدا حجتی بر آن فرو نفرستاده است و چیزی را که ایشان را بر ثبوت آن دانش نیست و ستمکاران را هیچ یاری دهنده‌ای نیست (۷۱). و چون آیات روشن ما بر ایشان خوانده می‌شود در رویهای این کافران ناخوشی را می‌شناسی نزدیک می‌شوند از آنکه بر آنان که برایشان آیات ما را می‌خوانند حمله کنند بگو آیا شمارا به ناخوشترا از این خبردهم آن دوزخ است که خدا آن را به کافران وعده داده است و وی بدجایی است (۷۲).

(۱۶) مترجم گوید درین آیت اشاره است بآنکه اختلاف شرائع بسبب اختلاف عصور است و همه شرائع حق است و در زمان خود معمول به است پس نزاع به حقیقت بآنها نباید کرد.

يَأْتِيهَا النَّاسُ ضُرِبَ مَثَلٌ فَاَسْتَمِعُوا لَهُ وَإِنَّ الَّذِينَ
تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَنْ يَخْلُقُوا ذُبَابًا وَلَوْ اجْتَمَعُوا لَهُ
وَإِنْ يَسْلُبُهُمُ الذُّبَابُ شَيْئًا لَا يَسْتَنْقِذُوهُ مِنْهُ ضَعُفَ
الطَّالِبِ وَالْمَطْلُوبِ ﴿٧٣﴾ مَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ إِنَّ اللَّهَ
لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ ﴿٧٤﴾ اللَّهُ يَصْطَفِي مِنَ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا
وَمِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ ﴿٧٥﴾ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ
أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ ﴿٧٦﴾ يَأْتِيهَا
الَّذِينَ ءَامَنُوا أَرْكَعُوا وَاسْجُدُوا وَاعْبُدُوا رَبَّكُمْ
وَأَفْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿٧٧﴾ وَجَاهِدُوا فِي
اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ
فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ مَلَّةً أَيْ كُمْ بِرَهِيمٍ هُوَ سَمَّاكُمْ
الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلُ وَفِي هَذَا لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيدًا عَلَيْكُمْ
وَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ
وَاعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ ﴿٧٨﴾

سُورَةُ الْحَجِّ الْمُمَبْتِئَاتِ



ای مردمان مثلی زده می شود پس آن را بشنوید هر آئینه آنانکه به جای خدا می خوانید هرگز مگسی را نمی توانند آفرید اگر چه برای آن همگی جمع شوند و اگر از ایشان مگس چیزی را بر باید آنرا از مگس نمی توانند خلاص کرد ناتوان شد طالب و مطلوب^(۱۷) (۷۳). خدا را تعظیم نکردند حق تعظیم او هر آئینه خدا توانا غالب است (۷۴). خدا بر می گزیند فرستاده ها از فرشتگان و از مردمان هر آئینه خدا شنوا بیناست (۷۵). می داند آنچه پیش روی ایشان است و آنچه پشت سر ایشان است (یعنی آینده و گذشته ایشان را می داند) و به سوی خدا کارها باز گردانیده می شوند (۷۶). ای مسلمانان رکوع کنید و سجده بجا آورید و پروردگار خود را عبادت نمایید کار نیک انجام دهید باشد که رستگار شوید (۷۷). و در راه خدا چنانکه سزاوار جهاد کردن برای اوست جهاد کنید و ای شما را برگزیده است و بر شما دردین هیچ تنگی و دشواری قرار نداده است مشروع کرد دین پدر شما ابراهیم را خدا شمارا پیش ازین مسلمان نام نهاد^(۱۸) و در قرآن نیز تا پیامبر بر شما گواه باشد و شما گواه باشید بر مردمان پس نماز را برپا دارید و زکوة را بدهید و چنگ زیند به خدا اوست مددکار شما پس نیک مددکار و نیک یاری دهنده است (۷۸).

(۱۷) یعنی عابد و معبود.

(۱۸) یعنی در کتب سابقه.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ ﴿١﴾ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ
 ﴿٢﴾ وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ ﴿٣﴾ وَالَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَاةِ
 فَاعِلُونَ ﴿٤﴾ وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ ﴿٥﴾ إِلَّا عَلَى
 أَرْوَجِهِمْ وَأَوْ مِمَّا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ ﴿٦﴾ فَمَنْ
 ابْتَغَى وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْعَادُونَ ﴿٧﴾ وَالَّذِينَ هُمْ
 لِأَمْنَتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ ﴿٨﴾ وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ
 يُحَافِظُونَ ﴿٩﴾ أُولَئِكَ هُمُ الْوَارِثُونَ ﴿١٠﴾ الَّذِينَ يَرِثُونَ
 الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿١١﴾ وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ
 سُلَالَةٍ مِنْ طِينٍ ﴿١٢﴾ ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَكِينٍ ﴿١٣﴾
 ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا
 الْمُضْغَةَ عِظْمًا فَكَسَوْنَا الْعِظْمَ لَحْمًا ثُمَّ أُنشَأْنَاهُ خَلْقًا
 ءَاخِرًا فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ ﴿١٤﴾ ثُمَّ إِنَّكُمْ بَعْدَ ذَلِكَ
 لَمَيِّتُونَ ﴿١٥﴾ ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ تُبْعَثُونَ ﴿١٦﴾ وَلَقَدْ
 خَلَقْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعَ طَرَائِقَ وَمَا كُنَّا عَنِ الْخَلْقِ غَافِلِينَ ﴿١٧﴾



بنام خدای بخشاینده مهربان.

به راستی مسلمانان رستگار شدند (۱). آنانکه ایشان در نماز خویش خشوع کننده اند (۲). و آنان که ایشان از بیهوده رویگردانند (۳). و آنان که ایشان زکوة را ادا کننده اند (۴). و آنانکه ایشان شرمگاههای خود را نگاه دارنده اند (۵). مگر بر همسران خویش یا بر کنیزانی که ملک دست ایشان است پس هر آئینه اینان نکوهیده نیستند (۶). پس هر که غیر از این طلب کند آنجماعت از حد گذرند مانند (۷). و آنان که ایشان امانت های خود را و پیمان خود را رعایت کننده اند (۸). و آنانکه ایشان بر نمازهای خود محافظت می کنند (۹). آن جماعت وارثان ایشانند (۱۰). کسانی که (عاقبت کار) بهشت فردوس را بدست آورند ایشان آنجا جاوید باشند گانند (۱۱). و به راستی آدمی را از خلاصه ای از گل آفریدیم (۱۲). باز آدمی را نطفه ای در قرارگاه استوار ساختیم (۱۳). باز آن نطفه را خون بسته ساختیم باز آن خون بسته را گوشت پاره ساختیم پس آن گوشت پاره را استخوانهایی ساختیم سپس بر آن استخوانها گوشت را پوشانیدیم باز او را آفریدیم آفرینشی دیگر^(۱) پس خدا بزرگ است بهترین آفرینندگان است (۱۴). باز هر آئینه شما بعد ازین البته مردگانید (۱۵). باز هر آئینه شما روز قیامت برانگیخته گردید (۱۶). و هر آئینه بالای شما هفت آسمان آفریدیم و ما از آفرینش بی خبر نبودیم (۱۷).

(۱) یعنی نفع روح و روئیدن ناخن و موی.

وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ فَأَسْكَنَتْهُ فِي الْأَرْضِ ط وَآنَا عَلَى
 ذَهَابٍ بِهِ لَقَدْ رُؤِنَ ﴿١٨﴾ فَأَلْشْنَا لَكُمْ بِهِ جَنَّتٍ مِّنْ نَّحِيلٍ
 وَأَعْنَبٍ لَّكُمْ فِيهَا فَوَاكِهِ كَثِيرَةٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ ﴿١٩﴾ وَشَجَرَةً
 تَخْرُجُ مِنْ طُورِ سَيْنَاءَ تَنْبُتُ بِالذَّهْنِ وَصَبِغٍ لِّلْأَكْلِيَّتِ ﴿٢٠﴾
 وَإِنَّ لَكُمْ فِي الْأَنْعَامِ لَعِبْرَةً لِّسُقِيكُمْ مِّمَّا فِي بُطُونِهَا وَلَكُمْ فِيهَا
 مَنَافِعُ كَثِيرَةٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ ﴿٢١﴾ وَعَلَيْهَا وَعَلَى الْفُلْكِ تُحْمَلُونَ
 ﴿٢٢﴾ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَقَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ
 مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ أَفَلَا تَتَّقُونَ ﴿٢٣﴾ فَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ
 كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ مَا هَذَا إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُرِيدُ أَنْ يَتَفَضَّلَ عَلَيْكُمْ
 وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَأَنْزَلَ مَلَائِكَةً مَا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي آبَائِنَا
 الْأَوَّلِينَ ﴿٢٤﴾ إِنَّ هُوَ إِلَّا رَجُلٌ بِهِ جَنَّةٌ فَرَبَّصُوا بِهِ حَتَّىٰ حِينٍ
 ﴿٢٥﴾ قَالَ رَبِّ انصُرْنِي بِمَا كَذَّبُونَ ﴿٢٦﴾ فَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِ أَنْ اصْنَعِ
 الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا وَوَحَيْنَا فَاذْجَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُورُ فَاسْلُكْ
 فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ وَأَهْلَكَ إِلَّا مَن سَبَقَ عَلَيْهِ
 الْقَوْلُ مِنْهُمْ وَلَا تُخَاطَبُنِي فِي الَّذِينَ ظَلَمُوا إِنَّهُمْ مُّغْرَقُونَ ﴿٢٧﴾

و آب را از آسمان باندازه فرو فرستادیم پس اوراد زمین جای دادیم و هر آئینه ما بردور کردن آن تواناییم (۱۸). پس به آن آب برای شما بوستانهایی از درختان خرما و انگور بیافریدیم که برای شما در آن بوستانها میوه های بسیار پیدا شود و از آن میخورید^(۲) (۱۹). و آفریدیم درختی که بیرون می آید از طور سینا (یعنی درخت زیتون) میروید بوجهی که حاصل شود روغن و خورش طعام برای خورندگان (۲۰). و هر آئینه شمارا در چهار پایان پندی هست شمارا از آنچه در شکمهای ایشان است می نوسانیم و شما را در آن چهار پایان منفعت های بسیار است و بعضی از اینهارا می خورید (۲۱). و بر چهار پایان و بر کشتی ها سوار کرده می شوید (۲۲). و هر آئینه نوح را به سوی قوم او فرستادیم پس گفت ای قوم من خدا را عبادت کنید شمارا هیچ معبود بر حقی غیر از او نیست آیا نمی ترسید (۲۳). پس سران و اشرافی که از قوم او کافر بودند گفتند این شخص نیست مگر آدمی مانند شما می خواهد که بر شما ریاست پیدا کند و اگر خدا خواستی هر آئینه فرشتگان را فرو فرستادی این ماجرا را در پدران نخستین خویش نشنیده ایم (۲۴). این شخص نیست مگر مردی که به وی عارضه دیوانگی است پس تامدتی انتظار وی کنید (۲۵). گفت ای پروردگار من در قبال آنکه مرا دروغگو شمردند یاری ام کن (۲۶). پس وحی فرستادیم به سوی وی که کشتی را زیر نظر ما و به فرمان ما بساز پس چون آید فرمان ما و جوش زند تنور پس در کشتی از هر جنسی دو عدد (نروماده) را در آور و در آور اهل خود را مگر کسی از آنان را که وعده^(ح) از پیش براومقرر شده است و سخن مگو بامن درباره^(۲) آنان که ستم کرده اند هر آئینه ایشان غرق شدگانند (۲۷).

(۲) یعنی بطریق قوت.

فَإِذَا أَسْتَوَيْتَ أَنْتَ وَمَنْ مَعَكَ عَلَى الْفَلَكَ فَقُلْ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
بَجَّعْنَا مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿٢٨﴾ وَقُلْ رَبِّ أُنزِلْنِي مُنْزَلًا مُبَارَكًا وَأَنْتَ
خَيْرُ الْمُنزِلِينَ ﴿٢٩﴾ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ وَإِن كُنَّا لَمُبْتَلِينَ ﴿٣٠﴾ ثُمَّ أَنْشَأْنَا
مِنْ بَعْدِهِمْ قَرْنًا آخَرِينَ ﴿٣١﴾ فَأَرْسَلْنَا فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ أَنْ أَعْبُدُوا
اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ وَأَفَلَا تَتَّقُونَ ﴿٣٢﴾ وَقَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِهِ
الَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِلِقَاءِ الْآخِرَةِ وَأَتْرَفْنَاهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا
مَا هَذَا إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يَأْكُلُ مِمَّا تَأْكُلُونَ مِنْهُ وَيَشْرَبُ
مِمَّا تَشْرَبُونَ ﴿٣٣﴾ وَلَئِن أَطَعْتُمْ بَشَرًا مِثْلَكُمْ إِنَّكُمْ إِذَا الْخَسِرُونَ
﴿٣٤﴾ أَيْعِدْكُمْ أَنْكُمْ إِذَا مِتُّمْ وَكُنْتُمْ تُرَابًا وَعِظْمًا أَنْكُمْ مُخْرَجُونَ
﴿٣٥﴾ * هِيَ هَاتِ هِيَ هَاتِ لِمَا تُوَعَّدُونَ ﴿٣٦﴾ إِنَّ هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا
الَّذِينَ نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا نَحْنُ بِمَبْعُوثِينَ ﴿٣٧﴾ إِنَّ هُوَ إِلَّا
رَجُلٌ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا وَمَا نَحْنُ لَهُ بِمُؤْمِنِينَ ﴿٣٨﴾ قَالَ رَبِّ
أَنْصُرْنِي بِمَا كَذَّبُونَ ﴿٣٩﴾ قَالَ عَمَّا قَلِيلٍ لِيُصِيبُ حَنْ نَدِيمَتِ ﴿٤٠﴾
فَأَخَذَتْهُمُ الصَّيْحَةُ بِالْحَقِّ فَجَعَلْنَاهُمْ غُثَاءً فَبَعْدَ اللَّقَوْمِ
الظَّالِمِينَ ﴿٤١﴾ ثُمَّ أَنْشَأْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ قُرُونًا آخَرِينَ ﴿٤٢﴾

پس چون تو و همراهانت بر کشتی راست بنشینی پس بگو همه ستایش آن خدای را است که ما را از گروه ستمکاران نجات داد (۲۸). و بگوای پروردگار من مرا در منزلی مبارک فرود آور و تو بهترین فرود آورندگان (۲۹). هر آینه در این ماجرا نشانه‌هاست و هر آینه ما امتحان کنندگان بودیم (۳۰). باز بعد از ایشان نسلی دیگر را بیافریدیم (۳۱). پس میان ایشان پیامبری را از قبیلۀ ایشان (باین پیام) فرستادیم که عبادت خدا کنید شما را هیچ معبود بر حقی غیر از او نیست آیا نمی ترسید (۳۲). و رئیسان از قوم او آنان که کافر شدند و ملاقات سرای آخرت را دروغ شمردند و ایشان را در زندگانی دنیا آسودگی داده بودیم گفتند نیست این شخص مگر آدمی مانند شما است می خورد از آنچه شما از آن می خورید و می آشامد از آنچه شما می آشامید (۳۳). و اگر از بشری مانند خویش را پیروی کنید هر آینه شما آنگاه زیان کارباشید (۳۴). آیا شمارا وعده می دهد که چون شما بمیرید و خاک و استخوان شوید هر آینه شما (دوباره) بیرون آورده خواهید شد (۳۵). آنچه وعده داده می شوید دوراست (۳۶). زندگانی نیست مگر زندگانی این جهانی مامی میریم و زنده می شویم و برانگیخته نخواهیم شد^(۳) (۳۷). نیست این شخص مگر مردی که بر خدا دروغ را افترا کرده و ماتصدیق کننده او نیستیم (۳۸). گفت ای پروردگار من مرا در قبال آن که دروغ گو شمردند نصرت ده و یاری ام کن (۳۹). گفت پس از اندک زمانی پشیمان خواهند شد (۴۰). پس ایشانرا آواز سخت طبق وعده^۴ راست در گرفت، پس ایشان را خاشاک درهم شکسته گردانیدیم پس گروه ستمکاران را دوری باد (۴۱). باز بعد از ایشان قرنهاي دیگر را پیدا کردیم (۴۲).

(۳) یعنی بعضی می میرد و بعضی زنده می شود.

مَا تَسْبِقُ مِنْ أُمَّةٍ أَجَلَهَا وَمَا يَسْتَعْجِرُونَ ﴿٤٣﴾ ثُمَّ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا
 تَتْرَآكُلُ مَا جَاءَ أُمَّةً رَّسُولَهَا كَذَّبُوهُ فَأَتَبَعْنَا بَعْضَهُمْ بَعْضًا
 وَجَعَلْنَاهُمْ أَحَادِيثَ فَبَعَدَ الْقَوْمِ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٤٤﴾ ثُمَّ أَرْسَلْنَا مُوسَى
 وَأَخَاهُ هَارُونَ بِآيَاتِنَا وَسُلْطَانٍ مُبِينٍ ﴿٤٥﴾ إِلَى فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ
 فَأَسْتَكْبَرُوا وَكَانُوا قَوْمًا عَالِينَ ﴿٤٦﴾ فَقَالُوا أَنُؤْمِنُ بِلَشْرَيْنِ مِثْلِنَا
 وَقَوْمُهُمَا لَنَا عَابِدُونَ ﴿٤٧﴾ فَكَذَّبُوهُمَا فَكَانُوا مِنَ الْمُهْلَكِينَ
 ﴿٤٨﴾ وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ ﴿٤٩﴾ وَجَعَلْنَا
 ابْنَ مَرْيَمَ وَآمَةَ نَسَبًا لِيُذَكَّرَ بِهِ أُولُو الْأَبْصَارِ إِلَى رَبِّهِمْ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ
 ﴿٥٠﴾ يَتَأْتِيهَا الرُّسُلُ كُلُّهَا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَأَعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا
 تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ ﴿٥١﴾ وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ
 فَاتَّقُونِ ﴿٥٢﴾ فَتَقَطَّعُوا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ زُبُرًا كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ
 فَرِحُونَ ﴿٥٣﴾ فَذَرَهُمْ فِي غَمَرَتِهِمْ حَتَّىٰ حِينٍ ﴿٥٤﴾ أَيَحْسَبُونَ أَنَّمَا نُمِدُّهُمْ
 بِهِ مِنْ مَّالٍ وَبَيْنٍ ﴿٥٥﴾ نُسَارِعُ لَهُمْ فِي الْخَيْرَاتِ بَلْ لَا يَشْعُرُونَ
 ﴿٥٦﴾ إِنَّ الَّذِينَ هُمْ مِنْ خَشْيَةِ رَبِّهِمْ مُشْفِقُونَ ﴿٥٧﴾ وَالَّذِينَ هُمْ
 بِآيَاتِ رَبِّهِمْ يُؤْمِنُونَ ﴿٥٨﴾ وَالَّذِينَ هُمْ بِرَبِّهِمْ لَا يُشْرِكُونَ ﴿٥٩﴾

سبقت نمی‌کند هیچ گروهی از میعاد مقرر خود و نه باز پس میمانند (۴۳). باز پیامبران خود را پی در پی فرستادیم هرگاه به امتی پیامبرِ او آمد و او را تکذیب کردند پس بعضی را از آنها در پی بعضی در آوردیم (یعنی در هلاک) و امت‌ها را افسانه‌ها ساختیم پس دوری باد گروهی را که ایمان نمی‌آورند (۴۴). باز موسی و برادر او هارون را بانسانه‌های خویش و بادلیلی ظاهر فرستادیم (۴۵). به سوی فرعون و جماعت او پس سرکشی کردند و گروه تکبر کننده بودند (۴۶). پس گفتند آیا ایمان آوریم بدو آدمی مانند خویش در حالی که قوم ایشان خدمت گزار ماهستند (۴۷). پس ایشان را تکذیب کردند پس از هلاک شدگان شدند (۴۸). و هر آئینه موسی را کتاب دادیم باشد که ایشان راه یابند (۴۹). و پسر مریم و مادرش رانسانه‌ای ساختیم و ایشان را به زمینی بلند دارای استقرار و دارای آب روان جای دادیم (۵۰). گفتیم ای پیامبران بخورید از غذاهای پاکیزه و کار نیکو انجام دهید هر آئینه من به آنچه عمل می‌کنید دانایم (۵۱). و هر آئینه این است ملت شما ملت یکتا و من پروردگار شمایم پس از من بترسید (۵۲). پس امتان کار خود را در میان خویش پاره پاره متفرق ساختند هر گروهی به آنچه نزد اوست شادمان است (۵۳). پس تاملتی ایشان را در غفلت ایشان بگذار (۵۴). آیا می‌پندارند که آنچه ایشان را به آن ازمال و فرزندان امداد می‌کنیم (۵۵). برای ایشان در تلاش نیکوهاییم؟ (چنین نیست) بلکه نمی‌دانند^(۴) (۵۶). هر آئینه آنان که ایشان از ترس پروردگار خویش هراسانند (۵۷). و آنان که ایشان به آیات پروردگار خویش ایمان می‌آورند (۵۸). و آنانکه ایشان به پروردگار خویش شریک مقرر نمی‌کنند (۵۹).

(۴) یعنی نعمت نیست بلکه استدرج است.

وَالَّذِينَ يُؤْتُونَ مَاءًا تَوْأَمًا وَقُلُوبُهُمْ وَجِلَةٌ أَنَّهُمْ إِلَىٰ رَبِّهِمْ رَاجِعُونَ ﴿٦٠﴾
 أُولَٰئِكَ يُسْرِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَهُمْ لَهَا سَابِقُونَ ﴿٦١﴾ وَلَا تَكْلَفْ
 نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا وَلَدِينَا كِتَابٌ يَنْطِقُ بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ
 ﴿٦٢﴾ بَلْ قُلُوبُهُمْ فِي غَمْرَةٍ مِّنْ هَذَا وَلَهُمْ أَعْمَلٌ مِّنْ دُونِ ذَلِكَ
 هُمْ لَهَا عَمِلُونَ ﴿٦٣﴾ حَتَّىٰ إِذَا أَخَذْنَا مُتْرَفِيهِمْ بِالْعَذَابِ إِذَا هُمْ
 يَجْعُرُونَ ﴿٦٤﴾ لَا تَجْعُرُوا وَالْيَوْمَ أَنَا كَرِيمٌ ﴿٦٥﴾ قَدْ كَانَتْ
 آيَاتِي تُتلىٰ عَلَيْكُمْ فَكُنْتُمْ عَلَىٰٰ أَعْقَابِكُمْ تَنكِصُونَ ﴿٦٦﴾
 مُسْتَكْبِرِينَ بِهِ سَلَمْرًا تَهْجُرُونَ ﴿٦٧﴾ أَفَلَمْ يَدَّبَّرُوا الْقَوْلَ أَمْ
 جَاءَهُمْ مَا لَهُمْ بَاتَاءَ هُمْ الْأَوَّلِينَ ﴿٦٨﴾ أَمْ لَمْ يَعْرِفُوا رَسُولَهُمْ
 فَهُمْ لَهُ وَمُنْكَرُونَ ﴿٦٩﴾ أَمْ يَقُولُونَ بِهِ جِنَّةٌ بَلْ جَاءَهُم بِالْحَقِّ
 وَأَكْثَرُهُم لِلْحَقِّ كِرْهُونَ ﴿٧٠﴾ وَلَوْ اتَّبَعَ الْحَقُّ أَهْوَاءَهُمْ لَفَسَدَتِ
 السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ بَلْ أَتَيْنَاهُمْ بِذِكْرِهِمْ فَهُمْ
 عَنِ ذِكْرِهِمْ مُّعْرِضُونَ ﴿٧١﴾ أَمْ تَسْأَلُهُمْ خَرْجًا فَخَرَجَ رَبُّكَ خَيْرٌ
 وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ ﴿٧٢﴾ وَإِنَّكَ لَتَدْعُوهُمْ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ ﴿٧٣﴾
 وَإِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ عَنِ الصِّرَاطِ لَنُكَيِّبُونَ ﴿٧٤﴾

و آنان که میدهند آنچه میدهند و دل‌های ایشان ترسانست برای آنکه ایشان به سوی پروردگار خویش بازخواهندگشت (۶۰). این جماعت در نیکی‌ها به شتاب می‌کوشند و ایشان در انجام آنها سبقت‌کننده‌اند (۶۱). و تکلیف نمیدهیم هیچ کس را مگر بقدر طاقت او و نزد ما کتابیست که سخن گوید به راستی^(۵) و برایشان ستم کرده نشود (۶۲). بلکه دل‌های ایشان ازین سخن در غفلت است و برای ایشان عملهاست غیر^(۶) از این که ایشان آن را کننده‌اند (در غفلت خویش ماندند) (۶۳). تا وقتیکه چون آسودگان ایشان را بعد از گرفتار ساختیم ناگهان ایشان فریاد می‌کردند (۶۴). (گفتیم) فریاد مکنید امروز هر آئینه شما از سوی مایاری و کمک داده نمیشوید (۶۵). به راستی خوانده می‌شد آیات من بر شما پس شما بر پاشنه‌های خود بازمی‌گشتید (۶۶). در حالی که تکبر کنان بر آن قرآن با فسانه مشغول شده ترک می‌کردید (۶۷). آیا تأمل نکرده‌اند در این سخن یا آمده است به ایشان آنچه به پدران نخستین ایشان نیامده بود (۶۸). آیا پیامبر خود را نشناختند پس ایشان با او نا آشنا هستند (۶۹). آیا میگویند به وی دیوانگی‌ای هست بلکه پیش ایشان سخن راست را آورده است و بیشترین ایشان خواهان حق نیستند (۷۰). و اگر خدای تعالی آرزوهای ایشان را پیروی می‌کرد هر آئینه نظام آسمانها و زمین و هر کسی که در آنهاست در هم می‌ریخت بلکه آوردیم برای ایشان پند ایشان را پس ایشان از پند خویش رویگردانند (۷۱). آیا از ایشان مزدی میخواهی پس پاداش پروردگار تو بهتر است و او بهترین روزی دهندگانست (۷۲). و هر آئینه تو ایشان را به سوی راه راست می‌خوانی (۷۳). و هر آئینه آنانکه به آخرت ایمان نمی‌آورند از آن راه یکسوشونده‌اند (۷۴).

(۵) یعنی نامه اعمال.

(۶) یعنی غیر انکار قرآن.

* وَلَوْ رَحِمْنَاهُمْ وَكَشَفْنَا مَا بِهِمْ مِنْ ضُرِّ لَدَجُوا فِي طُغْيَانِهِمْ
 يَعْمَهُونَ ﴿٧٥﴾ وَلَقَدْ أَخَذْنَاهُمْ بِالْعَذَابِ فَمَا اسْتَكَانُوا لِرَبِّهِمْ
 وَمَا يَتَضَرَّعُونَ ﴿٧٦﴾ حَتَّىٰ إِذَا فَتَحْنَا عَلَيْهِم بَابًا ذَا عَذَابٍ شَدِيدٍ
 إِذَا هُمْ فِيهِ مُبْلِسُونَ ﴿٧٧﴾ وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَرَ
 وَالْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ ﴿٧٨﴾ وَهُوَ الَّذِي ذَرَأَكُمْ فِي الْأَرْضِ
 وَإِلَيْهِ تُحْشَرُونَ ﴿٧٩﴾ وَهُوَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ وَلَهُ اخْتَلَفَ
 اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿٨٠﴾ بَلْ قَالُوا مِثْلَ مَا قَالَ
 الْأَوَّلُونَ ﴿٨١﴾ قَالُوا أَءِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظْمًا إِذْنَا
 لَمَبْعُوثُونَ ﴿٨٢﴾ لَقَدْ وَعَدْنَا نَحْنُ وَءَابَاؤُنَا هَذَا مِنْ قَبْلُ
 إِن هَذَا إِلَّا أَسْطِيرُ الْأَوَّلِينَ ﴿٨٣﴾ قُلْ لِمَنِ الْأَرْضُ وَمَنْ
 فِيهَا إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٨٤﴾ سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ أَفَلَا
 تَذَكَّرُونَ ﴿٨٥﴾ قُلْ مَنْ رَبُّ السَّمَوَاتِ السَّبْعِ وَرَبُّ الْعَرْشِ
 الْعَظِيمِ ﴿٨٦﴾ سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ ﴿٨٧﴾ قُلْ مَنْ
 يَدِينُهُ مَلَكَوْتُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ يُجِيرُ وَلَا يُجَارُ عَلَيْهِ إِنْ
 كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٨٨﴾ سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ فَأَنَّى تُسْحَرُونَ ﴿٨٩﴾

و اگر برایشان رحم می کردیم و آنچه به ایشان است از سختی بر میداشتیم البته پیوسته در برهاری خود سرگشته می شدند (۷۵). و به راستی ایشان را به عذاب گرفتار کردیم پس نیایش به پروردگار خود نکردند و نه زاری می کردند (۷۶). (در غفلت خویش ماندند) تا وقتی که چون برایشان دری دارای عذاب سخت بگشادیم ناگهان ایشان در آنجا ناامید شوندگانند (۷۷). و اوست آنکه برای شما شنوایی و دیده ها و دل هارا بیافرید، اندکی سپاس می گزاید (۷۸). و اوست آنکه شما را در زمین پیدا کرد و به سوی او برانگیخته خواهید شد (۷۹). و اوست آنکه زنده می کند و می میراند و آمدورفت شب و روز به فرمان اوست آیا نمی فهمید (۸۰). بلکه گفتند مانند آنچه پیشینیان گفته بودند (۸۱). گفتند آیا چون بمیریم و خاک و استخوانهایی شویم آیا ما برانگیخته خواهیم شد (۸۲). به راستی به این سخن ما را و پدران ما را پیش ازین وعده داده شد این نیست مگر افسانه های پیشینیان (۸۳). بگو اگر می دانید زمین و آنچه در آنست از آن کیستند؟! (۸۴). خواهند گفت این همه خدای را است بگو آیا پند پذیر نمی شوید (۸۵). بگو کیست پروردگار آسمانهای هفت گانه و پروردگار عرش بزرگ؟ (۸۶). خواهند گفت (این همه) خدای را است بگو آیا پس نمی ترسید (۸۷). بگو کیست آنکه پادشاهی هر چیز به دست اوست و او کسی است که پناه می دهد (هر که را بخواهد) و کسی را (نمی توان) از (عذاب) او پناه داد (بگویند) اگر می دانید (۸۸). خواهند گفت این همه از آن خدا است بگو پس از کجا فریب داده می شوید؟ (۸۹).

بَلْ أَتَيْنَهُم بِالْحَقِّ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ ﴿٩٠﴾ مَا اتَّخَذَ اللَّهُ مِنْ
 وَلَدٍ وَمَا كَانَ مَعَهُ مِنْ إِلَهٍ إِذًا لَذَهَبَ كُلُّ إِلَهٍ بِمَا خَلَقَ
 وَعَلَا بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُصِفُونَ ﴿٩١﴾
 عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَتَعَلَّى عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿٩٢﴾ قُلْ رَبِّ
 إِمَاتِي نِي مَا يُوعَدُونَ ﴿٩٣﴾ رَبِّ فَلَا تَجْعَلْنِي فِي الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ
 ﴿٩٤﴾ وَإِنَّا عَلَيَّ أَنْ نُرِيكَ مَا نَعِدُهُمْ لَقَدِيرُونَ ﴿٩٥﴾ أَدْفَعْ بِأَلَّتِي
 هِيَ أَحْسَنُ السَّيِّئَةِ نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يُصِفُونَ ﴿٩٦﴾ وَقُلْ رَبِّ
 أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيْطَانِ ﴿٩٧﴾ وَأَعُوذُ بِكَ رَبِّ أَنْ
 يَحْضُرُونِ ﴿٩٨﴾ حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ
 ارْجِعُونِ ﴿٩٩﴾ لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا إِنَّهَا
 كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا وَمِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلَىٰ يَوْمِ يُبْعَثُونَ ﴿١٠٠﴾
 فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ فَلَا أَنْسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ وَلَا يَتَسَاءَلُونَ
 ﴿١٠١﴾ فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ، فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿١٠٢﴾ وَمَنْ
 خَفَّتْ مَوَازِينُهُ، فَأُولَٰئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ فِي جَهَنَّمَ
 خَالِدُونَ ﴿١٠٣﴾ تَلْفَحُ وُجُوهُهُمُ النَّارَ وَهُمْ فِيهَا كَالِحُونَ ﴿١٠٤﴾

بلکه به ایشان سخن راست را آورده ایم و هرآئینه ایشان دروغ می‌گویند (۹۰). خدا هیچ فرزندی نگرفته است و همراه او هیچ معبود برحق نیست (اگر باشد) آنگاه هر معبودی چیزی که آفریده بود می‌برد و البته غالب می‌آید بعضی از ایشان بر بعضی، خدای را بی‌پایگی صفت می‌کنم از آنچه بیان می‌کنند (۹۱). دانه‌ی پنهان و آشکار است برترست از آنچه شریک می‌آورند (۹۲). بگوای پروردگار من اگر بنمایی مرا آنچه ترسانیده می‌شوند (۹۳). ای پروردگار من پس مرا در گروه ستمکاران داخل مکن (۹۴). و هرآئینه ما برآنکه تورا آنچه وعده می‌دهیم به ایشان بنماییم قطعاً تواناییم (۹۵). ویدی را بخصلتی که آن بهتر است دفع کن ما به آنچه بیان می‌کنند دانائیم (۹۶). و بگو (یا محمد) ای پروردگار من از وسوسه‌های شیاطین بر تو پناه می‌برم (۹۷). و ای پروردگارم از آنکه پیش من حاضر شوند به تو پناه می‌برم (۹۸). (در غفلت خویش باشند) تا وقتی که چون کسی را از ایشان مرگ بیاید گوید ای پروردگار من مرا بازگردانید (۹۹). تا این که کار نیکو کنم در سرائی که بگذاشتمش نه چنین باشد هرآئینه این سخنی است که وی گوینده آنست و پیش ایشان تاروزیکه برانگیخته شوند حجابی باشد (۱۰۰). پس چون دمیده شود در صور پس خویشاوندیها میان ایشان آن روز نباشد و نه بایکدیگر سوال و جواب کنند (۱۰۱). پس هرکس که کفه‌های ترازوی او گران آید پس آن جماعت ایشانند رستگاران (۱۰۲). و هرکسی که کفه‌های ترازوی او سبک شد پس آن جماعت آنانند که به خودشان زیان کرده‌اند که در دوزخ جاویدانند (۱۰۳). چهره‌های ایشان را آتش می‌سوزاند و ایشان آنجا ترش روی هستند (۱۰۴).

أَلَمْ تَكُنْ أَتَىٰ عَلَىٰكَمْ فَاكُتُمُوهَا تَكْذِبُونَ ﴿١٠٥﴾ قَالُوا
 رَبَّنَا عَلَبَتْ عَلَيْنَا شِقْوَتُنَا وَكُنَّا قَوْمًا ضَالِّينَ ﴿١٠٦﴾ رَبَّنَا
 أَخْرِجْنَا مِنْهَا فَإِنَّا عُدْنَا فَانَّا ظَالِمُونَ ﴿١٠٧﴾ قَالَ اخْسَعُوا فِيهَا
 وَلَا تُكَلِّمُونِ ﴿١٠٨﴾ إِنَّهُ كَانَ فَرِيقٌ مِّنْ عِبَادِي يَقُولُونَ رَبَّنَا آمَنَّا
 فَأَغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّحِيمِينَ ﴿١٠٩﴾ فَاتَّخَذْتُمُوهُمْ
 سِحْرِيًّا حَتَّىٰ أَنْسَوْكُمْ ذِكْرِي وَكُنْتُمْ مِنْهُمْ تَضْحَكُونَ ﴿١١٠﴾
 إِنِّي جَزَيْتُهُمُ الْيَوْمَ بِمَا صَبَرُوا أَنَّهُمْ هُمُ الْفَآئِرُونَ ﴿١١١﴾ قُلْ
 كَمْ لَبِئْتُمْ فِي الْأَرْضِ عَدَدَ سِنِينَ ﴿١١٢﴾ قَالُوا الْبَيْنَا يَوْمًا أَوْ بَعْضَ
 يَوْمٍ فَسَلِ الْعَادِينَ ﴿١١٣﴾ قُلْ إِن لَّبِئْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا لَّوْ أَنْتُمْ
 كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿١١٤﴾ أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ
 إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ ﴿١١٥﴾ فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ لَا إِلَهَ إِلَّا
 هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ ﴿١١٦﴾ وَمَنْ يَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا
 آخَرَ لَا بُرْهَانَ لَهُ بِهِ فَإِنَّمَا حِسَابُهُ عِنْدَ رَبِّهِ إِنَّهُ لَا يُفْصِحُ
 الْكُفْرُونَ ﴿١١٧﴾ وَقُلْ رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّحِيمِينَ ﴿١١٨﴾

(گویم) آیا بر شما خوانده نمی‌شد آیات من پس آن را تکذیب می‌کردید (۱۰۵). گفتند ای پروردگار ما بر ما بدبختی ما غالب آمد و گروهی گمراه بودیم (۱۰۶). ای پروردگار ما بیرون آور ما را از اینجا پس اگر به کفر برگردیم پس هر آئینه ماستمکار باشیم (۱۰۷). خدا می‌فرماید داخل شوید در آن به رسوایی و با من سخن مگویید (۱۰۸). هر آئینه گروهی از بندگان بودند که می‌گفتند ای پروردگار ما ایمان آورده‌ایم پس ما را بیامرز و بر ما رحمت کن و تو بهترین بخشایندگانی (۱۰۹). پس به مسخره گرفتید ایشان را تا حدیکه یاد مرا زدل شما بردند و شما بر ایشان می‌خندیدید (۱۱۰). هر آئینه من ایشان را امروز در برابر صبر ایشان پاداش دادم به آنکه به مراد رسندگان ایشانند (۱۱۱). خدا گوید چقدر در زمین بحساب شمار سالها درنگ کردید؟ (۱۱۲). گویند يك روز یا بخشی از روز درنگ کردیم پس پرس از شمار کنندگان (۱۱۳). گوید خدا توقف نکرده‌اید مگر اندکی اگر شما بودید که می‌دانستید (۱۱۴). آیا پنداشتید که شمارا بیهوده آفریدیم و آنکه شما به سوی ما باز گردانیده نشوید (۱۱۵). پس برتر است خدا، پادشاه ثابت هیچ معبود بر حقی غیر از او نیست پروردگار عرش گرامی قدر است (۱۱۶). هر کس که بخواند با خدا معبود دیگری را که وی را بر ثبوت آن (معبود) هیچ حجتی نیست پس جزاین نیست که حساب او نزد پروردگار اوست، هر آئینه کافران رستگار نمی‌شوند (۱۱۷). و بگوای پروردگار من بیامرز و ببخشای و تو بهترین بخشایندگانی (۱۱۸).

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سورة التور
الجزء الثامن عشر
٣٥

سُورَةٌ أَنْزَلْنَاهَا وَفَرَضْنَاهَا وَأَنْزَلْنَا فِيهَا آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ
 ١ الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ وَلَا تَأْخُذْكُمْ
 بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَيْشَهِدَ
 عَذَابُهُمَا طَافِئَةٌ مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ ٢ الزَّانِي لَا يَنْكِحُ إِلَّا زَانِيَةً أَوْ مُشْرِكَةً
 وَالزَّانِيَةُ لَا يَنْكِحُهَا إِلَّا زَانٍ أَوْ مُشْرِكٌ وَحُرِّمَ ذَلِكَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ
 ٣ وَالَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ
 فَاجْلِدُوهُمْ ثَمَانِينَ جَلْدَةً وَلَا تَقْبَلُوا لَهُمْ شَهَادَةً أَبَدًا وَأُولَئِكَ
 هُمُ الْفَاسِقُونَ ٤ إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِن بَعْدِ ذَلِكَ وَأَصْلَحُوا فَإِنَّ
 اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ٥ وَالَّذِينَ يَرْمُونَ أَزْوَاجَهُمْ وَلَمْ يَكُن لَّهُمْ
 شُهَدَاءُ إِلَّا أَنفُسُهُمْ فَشَهَدُوا أَحَدِهِمْ أَرْبَعَ شَهَدَاتٍ بِاللَّهِ إِنَّهُ لَمِنَ
 الصَّادِقِينَ ٦ وَالْخَمْسَةَ أَنْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَيْهِ إِنْ كَانَ مِنَ الْكَاذِبِينَ
 ٧ وَيَدْرُؤُا عَنْهَا الْعَذَابَ أَنْ تَشْهَدَ أَرْبَعَ شَهَدَاتٍ بِاللَّهِ إِنَّهُ لَمِنَ
 الْكَاذِبِينَ ٨ وَالْخَمْسَةَ أَنْ غَضَبَ اللَّهِ عَلَيْهَا إِنْ كَانَ مِنَ الصَّادِقِينَ
 ٩ وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ وَأَنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ حَكِيمٌ ١٠

سوره نور مدنی است و آن شصت
و چهار آیه و نه رکوع است

بنام خدای بخشاینده مهربان.

این سوره ایست که آنرا فر و فرستادیم و آنرا فرض ساختیم و در آن آیات روشن فرود آوردیم تا این که شما پند گیرید (۱). زن زنا کننده و مرد زنا کننده پس هریکی از ایشان را صد ذره (شلاق) بزنید و باید که شمارا برایشان شفقت درجاری کردن شرع خدا درنگیرد اگر به خدا و روز آخر ایمان آورده اید و باید که جماعتی از مسلمانان به عقوبت ایشان حاضر شوند (۲). مرد زنا کننده نکاح نمی کند مگر زن زنا کننده یا شرك آورنده را و زن زنا کننده را بزنی نمی گیرد مگر مرد زنا کننده یا مشرك و حرام ساخته شده نکاح زانیه بر مسلمانان^(۱) (۳). آنان که تهمت زنا می زنند زنان پرهیزگارا باز چهار گواه نمی آورند ایشان را هشتاد ذره (شلاق) بزنید و گواهی ایشان را هیچ گاه قبول مکنید و این جماعت فاسقان ایشانند (۴). مگر آنانکه توبه کردند بعد از این و کار خود را به صلاح آوردند پس هر آئینه خدا آمرزنده مهربان است (۵). و آنانکه زنان خود را تهمت زنا می زنند و ایشان را مگر نفسهایشان گواهان نباشد پس گواهی هریکی از ایشان (این) است که چهار بار به نام خدا سوگند یاد کنند که هر آئینه وی از راست گویان است (۶). و گواهی پنجم (به این صفت) که لعنت خدا بر او باد اگر از دروغ گویان باشد (۷). و بازمی گرداند از آن زن عقوبت را آنکه گواهی دهد چهار بار که سوگند به خدا هر آئینه وی (شوهرش) از دروغ گویان است (۸). (و گواهی دهد) بار پنجم (به این صفت) که خشم خدا بر او باد اگر (شوهرش) از راست گویان باشد (۹). و اگر فضل خدا و رحمت او بر شما نمی بود و آنکه خدا توبه پذیرنده با حکمت است (چه چیزها که نمی شد)^(۱۰) (۱۰).

(۱) مترجم گوید ازین آیه معلوم شد که زانیه مقرر به زنا را نکاح نتوان کرد و همین است مذهب أحمد و تاویل آیه نزد ابی حنیفه و شافعی آنست که حرام کرده شد شرك و زنا بر مسلمانان یا گویند خاص است به قومی یا گویند منسوخ است.

(۲) مترجم گوید درغزه بنی مصطلق حضرت عائشه رضی الله عنها متهم شده و منافقان در اشاعت بد نامی سعی کردند جماعتی اظهار براءت نمودند و جماعتی توقف نمودند خدای تعالی براءت صدیقه را نازل فرمود و دم منافقان و مدح براءت کنندگان و تهدید توقف کنندگان بیان فرمود.

إِنَّ الَّذِينَ جَاءُوا بِالْإِفْكِ عُصْبَةٌ مِّنكُمْ لَا تَحْسَبُوهُ شَرًّا لَّكُم بَلْ
 هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ لِكُلِّ امْرِئٍ مِّنْهُمْ مَا اكْتَسَبَ مِنَ الْإِثْمِ وَالَّذِي تَوَلَّى
 كِبْرَهُ مِنْهُمْ لَهُ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿١١﴾ لَوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ
 وَالْمُؤْمِنَاتُ بَأْنَفُسِهِمْ خَيْرًا وَقَالُوا هَذَا إِفْكٌ مُّبِينٌ ﴿١٢﴾ لَوْلَا
 جَاءَ وَعَلَيْهِ بِأَرْبَعَةٍ شُهَدَاءَ فِإِذْ لَمْ يَأْتُوا بِالشُّهَدَاءِ فَأُولَئِكَ
 عِنْدَ اللَّهِ هُمُ الْكَاذِبُونَ ﴿١٣﴾ وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ
 فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ لَمَسَّكُمْ فِي مَا أَفَضْتُمْ فِيهِ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿١٤﴾
 إِذْ تَلَقَّوهُ بِالْسِّنَتِمْ وَتَقُولُونَ يَا فَوَهاكُمْ مَا لَيْسَ لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ
 وَتَحْسَبُونَهُ هَيِّنًا وَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمٌ ﴿١٥﴾ وَلَوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ
 قُلْتُمْ مَا يَكُونُ لَنَا أَنْ نَتَكَلَّمَ بِهَذَا سُبْحَانَكَ هَذَا بُهْتَنٌ عَظِيمٌ
 ﴿١٦﴾ يَعِظُكُمُ اللَّهُ أَنْ تَعُودُوا لِمِثْلِهِ أَبَدًا إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿١٧﴾
 وَيُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ الْآيَاتِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿١٨﴾ إِنَّ الَّذِينَ
 يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ
 فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ﴿١٩﴾ وَلَوْلَا
 فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ وَأَنَّ اللَّهَ رءُوفٌ رَّحِيمٌ ﴿٢٠﴾

هرآئینه آنانکه از شما تهمت را آوردند جماعتی اند این تهمت را درحق خویش بد میندازید بلکه آن برای شما بهتر است هرکسی را از ایشان زد اورا عذاب بزرگ^(۳) است (۱۱). چرا نشد که مردان مسلمان و زنان مسلمان چون آن را شنیدید گمان نیک درحق خویش می کردند و می گفتند این افترائیست ظاهر (۱۲). چرا براین سخن چهار گواه نیاوردند پس چون گواهان را نیاوردند پس آن جماعت نزد خدا ایشان دروغ گویانند (۱۳). واگر فضل خدا و رحمت او در دنیا و آخرت بر شما نمی بود هرآئینه به شما در آنچه که سخن می گفتید درباره آن عذاب بزرگی میرسید (۱۴). چون آن را به زبانهای خویش فرامی گرفتید و به دهانهای خویش می گفتند سخنی که به حقیقت آن شمارا دانش نبود و آن را آسان می پنداشتید و او نزد خدا بزرگ بود^(۴) (۱۵). و چرا وقتی که آن را شنیدید گفتید ما را نرسد که آن (سخن) را بر زبان آوریم تورا به پاکی یاد می کنیم خدایا این سخن افترائیست بزرگ (۱۶). خدا شمارا پند می دهد باز مانند این هرگز بعمل نیاورید اگر مسلمان هستید (۱۷). و خدا برای شما آیات را بیان می کند و خدا دانای با حکمت است (۱۸). هرآئینه آنان که دوست می دارند که فاحشه در میان مسلمانان منتشر شود برایشان عقوبت دردناک در دنیا و آخرت است و خدامی داند و شما نمی دانید (۱۹). واگر فضل خدا و رحمت او بر شما نمی بود و آنکه خدا بخشنده^۵ مهربانست (چه چیزها که نمی شد) (۲۰).

(۳) یعنی عبدالله بن ابی منافق.

(۴) یعنی جمعی که می گفتند فلان و فلان چنین میگویند و ما ندیده ایم و به تحقیق نمی دانیم.

* يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّبِعُوا خُطَوَاتِ الشَّيْطَانِ وَمَنْ يَتَّبِعْ
 خُطَوَاتِ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَوْلَا
 فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ مَا زَكَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ أَبَدًا وَلَكِنَّ
 اللَّهَ يُزَكِّي مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿١١﴾ وَلَا يَأْتِلِ أُولُو الْفَضْلِ
 مِنْكُمْ وَالسَّعَةِ أَنْ يُؤْتُوا أُولَى الْقُرْبَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَالْمُهَاجِرِينَ
 فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلْيَعْفُوا وَلْيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ
 لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿١٢﴾ إِنَّ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ
 الْغَافِلَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ لَعُنَوا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَلَهُمْ عَذَابٌ
 عَظِيمٌ ﴿١٣﴾ يَوْمَ تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ أَلْسِنَتُهُمْ وَأَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ بِمَا
 كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٤﴾ يَوْمَ يُؤْفِكُهُمُ اللَّهُ دِينَهُمُ الْحَقَّ وَيَعْلَمُونَ أَنَّ
 اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ الْمُبِينُ ﴿١٥﴾ الْخَيْثُتُ لِلْخَيْثِثِينَ وَالْخَيْثُونَ
 لِلْخَيْثِثِ وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ
 أُولَئِكَ مُبَرَّءُونَ مِمَّا يَقُولُونَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ ﴿١٦﴾ يَا أَيُّهَا
 الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا
 وَتُسَلِّمُوا عَلَىٰ أَهْلِهَا ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ ﴿١٧﴾

ای مسلمانان از پی گامهای شیطان مروید و هرکه پیروی گامهای شیطان کند پس هر آئینه وی به بی حیایی و کارناپسندیده امر می‌کند و اگر فضل خدا و رحمت او بر شما نمی‌بود هیچ کسی از شما هرگز پاک نشدی ولیکن خدا پاک می‌سازد هرکه را خواهد و خدا شنوای داناست (۲۱). و باید که صاحبان فضل و توانگر از شما سوگند نخورند بر آنکه خویشاوندان و بینوایان و مهاجرین در راه خدا را چیزی ندهند و باید که عفو کنند و درگذرند آیا دوست نمی‌دارید که خدا شما را بیامرزد و خدا آمرزندهٔ مهربان است^(۵) (۲۲). هر آئینه آنان که زنان پاک دامن بی خبر مسلمان را تهمت زنا می‌زنند در دنیا و آخرت لعنت کرده شدند و برایشان عذاب بزرگ است (۲۳). روزیکه برایشان زبانهای ایشان و دست‌های ایشان و پاهای ایشان به آنچه می‌کردند گواهی می‌دهند (۲۴). آن روز خدای تعالی به ایشان پاداش ایشان را با انصاف به تمام و کمال می‌دهد و بدانند که خدا او حقّ ظاهر است (۲۵). زنان ناپاک لایق به مردان ناپاک هستند و مردان ناپاک لایق به زنان ناپاک هستند و زنان لایق به مردان پاک هستند و مردان پاک لایق به زنان پاک هستند، این جماعت از آنچه مردم می‌گویند بری هستند برایشان آمرزش و روزی نیکو است (۲۶). ای مسلمانان به خانه‌های غیر خانه‌های خویش در نیاید تا آنکه اجازه طلبید و براهل آن سلام کنید این برای شما بهتر است باشد که پندپذیر شوید (۲۷).

(۵) درین تعریض است به ابوبکر صدیق چون قسم خورده بود که مسطح را بعد از این هیچ ندهد چون وی یکی از دشمنان دهندگان بود.

فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فِيهَا أَحَدًا فَلَا تَدْخُلُوهَا حَتَّى يُؤْذَنَ لَكُمْ
وَإِنْ قِيلَ لَكُمْ ارْجِعُوا فَارْجِعُوا هُوَ أَزْكَى لَكُمْ وَاللَّهُ بِمَا
تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ ﴿٢٨﴾ لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَدْخُلُوا بُيُوتًا
غَيْرَ مَسْكُونَةٍ فِيهَا مَتَعٌ لَكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا
تَكْتُمُونَ ﴿٢٩﴾ قُلِ لِلْمُؤْمِنِينَ يَعْضُونَ مِنْ أَبْصَرِهِمْ وَيَحْفَظُوا
فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ ﴿٣٠﴾
وَقُلِ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَعْضُنَ مِنْ أَبْصَرِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ
فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ
بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ
أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ آبَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ
أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي أَخَوَاتِهِنَّ أَوْ نِسَاءِهِنَّ
أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوِ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْإِرْبَةِ مِنَ
الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ
وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَتُوبُوا
إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهُ الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿٣١﴾

پس اگر در آنجا هیچ کس را نیافتید پس در آنجا داخل نشوید تا آنکه شمارا اجازه داده شود و اگر به شما گفته شود که باز گردید پس باز گردید آن برای شما پاك تراست و خدابه آنچه عمل می کنید داناست (۲۸). بر شما گناهی نیست در آنکه به خانه هایی غیر مسکونی که در آنجا کالایی دارید درآیید^(۶) و خدا آنچه را که آشکار می کنید و آنچه که پوشیده می دارید می داند (۲۹). بگو به مردان مسلمان که چشم های خود را بپوشند و شرمگاه های خود را نگاه دارند این ایشان را پاکیزه تراست هر آئینه به آنچه عمل می کنند خدا خبردار است (۳۰). و بگو زنان مسلمان را که چشم های خود را بپوشند و شرمگاه های خود را نگاه دارند و آرایش خود را آشکار نکنند^(۷) مگر آنچه ظاهر است از آن (مواضع) و باید که فروگذارند چادرهای خود را بر گریبانهای خود و آرایش خود را مگر بر شوهران خویش (ظاهر) نمایند یا پدران خویش یا پدران شوهران خویش یا پسران شوهران خویش یا برادران خویش یا برادران خویش یا پسران خواهران خویش یا زنان خویش یا آنچه مالک او شده است دستهای ایشان (یعنی غلامان) یا کهنسالانی که صاحب شهوت نباشند از مردان یا طفلانی که هنوز مطلع نشده اند بر شرمگاه های زنان و نباید زمین را با پایهایشان بزنند تا دانسته شود آنچه از زیور خویش پنهان می کنند ای مسلمانان همگی به سوی خدا رجوع کنید بُوَد که رستگار شوید^(۸) (۳۱).

(۶) یعنی رباط وقف.

(۷) یعنی مواضع زیور را.

(۸) حاصل این آیه آنست که مواضع زینت دو قسم است آنچه در سترآن حرج بود آنوجه و کفین بود و آنچه در سترآن حرج نیست مانند سر و گردن و عضد و ذراع و ساق پس ستروجه و کفین از اجنبیان فرض نیست بلکه سنت است و ستر غیر آن از اجنبیان فرض است نه از محارم، قول صحیح نزد علماء همین است که وجه جزء مهم است که زن از آن مرد را در فتنه می اندازد باید که بپوشند چنانچه در حدیث عائشه رضی الله عنها و غیر از او آمده است مراجعه شود به تفسیر ابن کثیر (۳/ ۲۸۴).

وَأَنْذِرُوا أَوْلِيَاءَ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْكُمْ مِنَ الصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ
 يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ ۗ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ﴿٢٢﴾
 وَلَيْسَتَعَفِيفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّى يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ ۗ
 وَالَّذِينَ يَبْتِغُونَ الْكِتَابَ مِمَّا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ فَكَاتِبُوهُمْ إِنْ
 عَلِمْتُمْ فِيهِمْ خَيْرًا ۚ وَأَوْتُوهُمْ مِّنْ مَّالِ اللَّهِ الَّذِي آتَاكُمْ وَلَا تُنْكَرُوا
 فِتْيَتَكُمْ عَلَى الْبِغَاءِ إِنْ أَرَدْنَ تَحَصُّنًا لِّتَبْتَغُوا عَرَضَ الْحَيَاةِ
 الدُّنْيَا وَمَنْ يُكْرِهِنَّ فَإِنَّ اللَّهَ مِنْ بَعْدِ إِكْرِهِنَّ غَفُورٌ رَّحِيمٌ
 ﴿٢٣﴾ وَلَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ آيَاتٍ مُّبِينَاتٍ وَمَثَلًا مِّنَ الَّذِينَ خَلَوْا
 مِنْ قَبْلِكُمْ وَمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ ﴿٢٤﴾ * اللَّهُ نُورُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ
 مِثْلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ
 الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُّبْرَكَةٍ زَيْتُونَةٍ
 لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ
 نُورٌ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَن يَشَاءُ وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَلَ
 لِلنَّاسِ ۗ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿٢٥﴾ فِي يَوْمٍ أُذِنَ لِلَّهِ أَنْ تَرْفَعَ
 وَيُذْكَرَ فِيهَا أَسْمُهُ وَيُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ ﴿٢٦﴾

وبه زنان بی شوهر (مردان بی زن آزاد مسلمان را) از قوم خویش و شایستگان را از غلامان خویش و کنیزان خویش به ازدواج يك ديگر در آورید اگر فقیر باشند خدا از فضل خود ایشان را توانگر کند و خدا بسیار دهنده داناست (۳۲). و آنانکه اسباب نکاح نمی یابند باید که بر پاکدامنی مقید باشند تا آنکه خدا از فضل خویش ایشان را توانگر کند و آنانکه مکاتبت را از غلامانی که دست های شما مالک آن شده است می طلبند پس آنها را اگر در ایشان شایستگی بدانید مکاتب کنید و مکاتبان را از مال خدا که به شما ارزانی داشته است بدهید و کنیزکان خود را برزنا اجبار نکنید اگر ایشان پرهیزکاری خواهند تامتاع زندگانی دنیا بدست آورید و هر که ایشان را اجبار کند پس هر آئینه خدا (آن کنیزکان را) بعد اجبار کردن برایشان آمرزنده مهربان است (۳۳). و هر آئینه به سوی شما آیه های روشن را و مثالی از حال آنانکه پیش از شما گذشتند و پندی برای پرهیزکاران فرود آوردیم (۳۴). خدا نور آسمانها و زمین است و صف نور وی (در قلب مسلمانان) مانند طاقی که در آن چراغی است^(۹) آن چراغ در شیشه ای است^(۱۰) آن شیشه گویا ستاره درخشنده ای است که افروخته می شود از روغن درختی بابرکت که عبارت از درخت زیتونی است نه به سمت مشرق و نه بجانب مغرب می روید نزدیک است که روغن وی روشنی بدهد اگر چه آتشی آن را نرسیده باشد، روشنی بر روشنی است خدا به نورش هر که را خواهد هدایت می نماید و خدا برای مردمان مثلها بیان می فرماید و خدا بهر چیز داناست^(۱۱) (۳۵). در خانه هایی که خدا دستور داده است که بلند کرده شود و در آنجا نام او به پاکی یاد کرده شود، در آنجا خدا را صبح و شام یاد می کنند (۳۶).

(۹) یعنی فتیله روشن است.

(۱۰) یعنی در قندیل است.

(۱۱) حاصل این مثل تشبیه نوری است که بسبب مواظبت بر طهارت و عبادت در دل مسلمانان حاصل می شود بنور چراغی که در غایت درخندگی باشد و بجهت مواظبت به آن اشعار می فرماید.

رَجَالٌ لَا تُلْهِهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ
 وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ ﴿٣٧﴾
 لِيَجْزِيََهُمُ اللَّهُ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا وَيَزِيدَهُم مِّن فَضْلِهِ ۗ وَاللَّهُ
 يَرْزُقُ مَن يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ ﴿٣٨﴾ وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَعْمَلُهُمْ كَسْرَابٍ
 يَّقِيعَةٍ يَحْسَبُهُ الظَّمْآنُ مَاءً حَتَّى إِذَا جَاءَهُ لَمْ يَجِدْهُ شَيْئًا
 وَوَجَدَ اللَّهَ عِنْدَهُ فَوَفَّاهُ حِسَابَهُ ۗ وَاللَّهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ ﴿٣٩﴾
 أَوْ كَظُلُمَاتٍ فِي بَحْرٍ لُّجِّيٍّ يَغْشَاهُ مَوْجٌ مِّن فَوْقِهِ مَوْجٌ مِّن فَوْقِهِ
 سَحَابٌ ظُلُمَاتٌ بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ إِذَا أَخْرَجَ يَدَهُ لَمْ يَكِدْ
 يَرُهَا ۗ وَمَن لَّمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ مِن نُّورٍ ﴿٤٠﴾ أَلَمْ تَرَ أَنَّ
 اللَّهَ يُمْسِكُ لَهُ وَمَن فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالطَّيْرِ صَقَاتٍ كُلِّ
 قَدَعٍ ۗ صَلَاتُهُ ۖ وَتَسْبِيحُهُ ۖ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ ﴿٤١﴾ وَاللَّهُ مُلْكُ
 السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۖ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ ﴿٤٢﴾ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُخْرِجُ
 سَحَابًا ثُمَّ يُؤَلِّفُ بَيْنَهُ ثُمَّ يَجْعَلُهُ رُكَامًا فَتَرَى الْوَدْقَ يَخْرُجُ مِّن
 خِلَالِهِ ۗ وَيُنزِلُ مِنَ السَّمَاءِ مِثْقَالَ حَبِّ خَبثٍ مِّن جِبَالٍ فِيهَا مِن بَرَدٍ فَيُصِيبُ بِهِ مَن يَشَاءُ
 وَيَصْرِفُهُ ۖ وَعَن مَّن يَشَاءُ يَكَادُ سَنَابِرَ قَهْرِهِ يَذْهَبُ بِالْأَبْصَارِ ﴿٤٣﴾

مردانیکه ایشان را هیچ تجارت ونه خرید و فروش از یاد خدا و برپاداشتن نماز و دادن زکوة باز ندارد از آن روزی می ترسند که دلها و دیده‌ها در آن (روز) نگران شوند (۳۷). تا ایشان را خدابه عوض بهترین آنچه عمل کردند پاداش دهد و تا ایشان را خدا از فضل خویش زیاده دهد و خدا هرکه را بخواهد روزی بی شمار می دهد (۳۸). و آنانکه کافر شدند اعمال ایشان مانند سراپست به میدانی هموار که تشنه آبی می پنداردش تا وقتیکه چون نزدیک آن بیاید چیزی نیابدش و خدا را نزد آن یابد پس به او حساب وی را تمام رسانید و خدا زودگیرنده حساب است^(۱۲) (۳۹). یامانند تاریکی‌ها در دریایی عمیق که این بحر را موجی از بالای آن موج دیگری می پوشد از بالای آن ابری تاریکی‌هاست بعضی آن بالای بعضی دیگر چون بیرون آرد دست خود را نزدیک نیست که ببیندش و هرکه او را خدا روشنی نداد پس او را هیچ روشنی^(۱۳) نیست (۴۰). آیا ندیدی هرکسی که در آسمانها وزمین است و مرغان بال گشاده خدا را به پاکی یاد می‌کنند (خدا) نیایش و تسبیح هر یک از آنان را دانسته است و خدا داناست به آنچه می‌کنند (۴۱). و پادشاهی آسمانها وزمین از آن خدا است و بازگشت به سوی خداست (۴۲). آیا ندیدی که خدا ابر را روان می‌کند باز میان آن جمع می‌نماید باز تو در تو می‌سازدش پس قطره را که از میان آن بیرون می‌آید می‌بینی و از جانب بالا از کوه‌ها که ژاله را آنجاست فرود می‌آورد پس بهر که خواهد میرساندش و از هر که می‌خواهد باز میداردش درخشندگی برقی آن ابر نزدیک است که چشم‌ها را دور کند (۴۳).

(۱۲) حاصل این مثل آنست که اعمال کافر ناپود شود و در آخرت آنرا هیچ ثوابی نباشد.

(۱۳) حاصل این مثل آنست که بر کافر ظلمات بهیمنیت مترکم شده است و انوار ملکیت از وی بکلی معدوم شده است.

يُقَلِّبُ اللَّهُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِّأُولِي الْأَبْصَارِ ﴿٤٤﴾
وَاللَّهُ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ مِّن مَّاءٍ فَمِنْهُمْ مَّن يَمْشِي عَلَى بَطْنِهِ وَمِنْهُمْ مَّن
يَمْشِي عَلَى رِجْلَيْنِ وَمِنْهُمْ مَّن يَمْشِي عَلَى أَرْبَعٍ يَخْلُقُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ
إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٤٥﴾ لَقَدْ أَنْزَلْنَا آيَاتٍ مُّبِينَاتٍ
وَاللَّهُ يَهْدِي مَن يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ ﴿٤٦﴾ وَيَقُولُونَ
ءَامَنَّا بِاللَّهِ وَبِالرَّسُولِ وَأَطَعْنَا ثُمَّ يَتَوَلَّى فِرْقٌ مِّنْهُمْ مِّن بَعْدِ
ذَلِكَ وَمَا أُوتِيَكَ بِالْمُؤْمِنِينَ ﴿٤٧﴾ وَإِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ
لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ إِذَا فَرِيقٌ مِّنْهُمْ مُّعْرِضُونَ ﴿٤٨﴾ وَإِن يَكُن لَّهُمُ الْحَقُّ
يَأْتُوا إِلَيْهِ مُذْعِنِينَ ﴿٤٩﴾ أَفِي قُلُوبِهِمْ مَّرَضٌ أَمْ آتَا بَوًّا أَمْ يَخَافُونَ
أَن يَحِيفَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَرَسُولَهُ ۚ بَلْ أُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ﴿٥٠﴾ إِنَّمَا
كَانَ قَوْلَ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ أَن
يَقُولُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿٥١﴾ وَمَن
يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَخْشِ اللَّهَ وَيَتَّقْهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ
﴿٥٢﴾ * وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَئِن أَمَرْتَهُمْ لِيَخْرُجُنَّ قُلُوبَهُمْ
لَأَتَّقِسْمُوا طَاعَةً مَّعْرُوفَةً إِنَّ اللَّهَ خَيْرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿٥٣﴾

خدا شب و روز را می‌گرداند هرآئینه دراین امر صاحبان بصیرت را عبرت‌یست (۴۴).
 و خدا هر جنبه‌ای را از آب آفرید پس ازینهاست آنکه بر شکم خود می‌رود و ازینهاست آن
 که بر دوپای می‌رود و ازینهاست آنکه بر چهارپای می‌رود خدا هر چه خواهد می‌آفریند هرآئینه
 خدا بر هر چیز تواناست (۴۵). هرآئینه آیات روشن را فرود آوردیم و خدا هر که را خواهد به
 سوی راه راست هدایت می‌کند (۴۶). و می‌گویند (منافقان) به خدا و به رسول ایمان
 آوردیم و فرمانبرداری نمودیم باز گروهی از ایشان بعد از این روی می‌گرداند و ایشان
 مومنان نیستند (۴۷). و چون به سوی خدا و رسول او خوانده می‌شوند تا میان ایشان حکم
 فرماید ناگهان جماعتی از ایشان رویگرداند (۴۸). و اگر حق با آنان باشد گردن نهاده به نزد
 او می‌آیند (۴۹). آیا در دل‌های ایشان بیماریست یا در شک افتادند یا می‌ترسند از آنکه
 خدا و رسول او بر ایشان ستم کند بلکه این جماعت ستمکاران ایشانند (۵۰). به تاکید سخن
 مسلمانان چون ایشان به سوی خدا و رسول او خوانده می‌شوند تا میان ایشان حکم کند
 فقط این است که گویند شنیدیم و فرمان بردیم و این جماعت ایشان رستگارانند (۵۱).
 و هر کسی که خدا و رسول او را فرمان برداری کند و از خدا بترسد و از عذاب او حذر کند پس
 این جماعت به مراد رسندگان ایشانند (۵۲). و به خدا قسم خوردند به موکدترین قسم‌های
 خود که اگر بفرمایی ایشانرا البته از وطن خود بیرون روند بگو قسم مخورید فرمانبرداری
 پسندیده مطلوب است هرآئینه به آنچه عمل می‌کنید خدا خبردار است (۵۳).

قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ فَإِن تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْهِ مَا حُمِّلَ
 وَعَلَيْكُمْ مَّا حُمِّلْتُمْ وَإِن تُطِيعُوهُ تَهْتَدُوا وَمَا عَلَى الرَّسُولِ
 إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ ﴿٥٤﴾ وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا
 الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ
 الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى
 لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ
 بِي شَيْئًا وَمَن كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ ﴿٥٥﴾
 وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَءَاتُوا الزَّكَاةَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ
 تُرْحَمُونَ ﴿٥٦﴾ لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ
 وَمَأْوَاهُمُ النَّارُ وَلَيْسَ الْمَصِيرُ ﴿٥٧﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا
 لَيَسْتَغْذِبَنَّكُمْ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنكُمْ
 ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِّن قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَحِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِّن
 الظَّهِيرَةِ وَمِن بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَّكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ
 وَلَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَهُنَّ طَوْفُونَ عَلَيْكُمْ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ
 كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿٥٨﴾

بگو فرمانبرداری خدا بکنید و فرمانبرداری پیامبر کنید پس اگر روی بگردانید پس جزاین نیست که بر پیامبر است آنچه بروی لازم کرده شد و بر شماست آنچه بر شما لازم کرده شد و اگر فرمانبرداری او کنید هدایت یابید و نیست بر پیامبر مگر پیغام رسانیدن آشکار (۵۴). خدا آنان را که از شما ایمان آورده‌اند و عمل‌های شایسته کرده‌اند وعده داده است که البته ایشان را در زمین خلیفه سازد چنانکه آنان را که پیش از ایشان بودند خلیفه ساخته بود (۱۴) و البته برای ایشان دین ایشان را که پسندیده است برای ایشان محکم کند و البته ترس ایشان را پس از آن به ایمنی تبدیل کند، مرا پرستش کنند بامن چیزی را شریک مقرر نکنند و هر که بعد از این ناسپاسی کند پس ایشان آن جماعت فاسقانند (۱۵) (۵۵). و نماز را برپا دارید و زکوة را بدهید و پیامبر را فرمانبرداری کنید باشد که بر شما رحم کرده شود (۵۶). هرگز کافران را در زمین عاجزکننده میندار و جای ایشان آتش است و آن بد بازگشت است (۵۷). ای مسلمانان باید از شما آنانکه دست‌های شما مالک ایشان شده است (۱۶) و آنانکه به حد بلوغ از شما نرسیده‌اند سه نوبت اجازه طلبند پیش از نماز فجر و وقتیکه جامه‌های خود را در نیم روز فرومی‌نهد و پس از نماز عشاء این سه وقت خلوتست برای شما بر شما و نه بر ایشان هیچ گناهی بعد ازینها نیست در آیندگانند بر شما بعضی از شما بر بعضی دیگر همچنین خدا برای شما آیات را بیان می‌کند و خدا داننده با حکمت است (۱۷) (۵۸).

(۱۴) یعنی چنانکه بنی اسرائیل را بعد از عمالقه پادشاه گرداند.

(۱۵) یعنی چنانکه قاتلان حضرت عثمان کردند مترجم گوید تفسیر این آیت در حدیث آمده «انّ الخلافة بعدی ثلاثون سنة» (هر آینه خلافت پس از من سی سال است) والله اعلم.

(۱۶) یعنی غلامان و کنیزان.

(۱۷) حاصل آن است که محارم و اطفال نیز درین ساعات استیذان کنند زیرا که مردمان درین ساعات جامه از تن می‌کشند و عریان می‌شوند محصول سخن آنست که برای محارم و اطفال آنان را عریان دیدن درست نیست والله اعلم.

وَإِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمُ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَعِذُوا كَمَا
 اسْتَعَذَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ
 آيَاتِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿٥٩﴾ وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ
 الَّتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ
 ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ
 لَهُنَّ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٦٠﴾ لَيْسَ عَلَى الْأَعْمَى حَرَجٌ وَلَا
 عَلَى الْأَعْرَجِ حَرَجٌ وَلَا عَلَى الْمَرِيضِ حَرَجٌ وَلَا عَلَى أَنْفُسِكُمْ
 أَنْ تَأْكُلُوا مِنْ بُيُوتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ آبَائِكُمْ أَوْ بُيُوتِ
 أُمَّهَاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ إِخْوَانِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَخَوَاتِكُمْ
 أَوْ بُيُوتِ أَعْمَامِكُمْ أَوْ بُيُوتِ عَمَّاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ
 أَخْوَالِكُمْ أَوْ بُيُوتِ خَالَاتِكُمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ
 مَفَاتِحَهُ أَوْ صَدِيقِكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ
 تَأْكُلُوا جَمِيعًا أَوْ أَشْتَاتًا إِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتًا فَسَلِّمُوا
 عَلَى أَنْفُسِكُمْ تَحِيَّةً مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ مُبْرَكَةٌ طَيِّبَةٌ كَذَلِكَ
 يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴿٦١﴾

و چون طفلان از شما به حد بلوغ رسند باید که اجازه طلب کنند چنانکه اجازه می طلبیدند آنانکه پیش از ایشان بودند همچنین خدا برای شما آیات خود را بیان می کند و خدا دانای با حکمت است (۵۹). و کلان سالان از زنان که توقع نکاح ندارند پس برایشان گناهی نیست در آنکه جامه های خود را بدون ظاهر کردن آرایشی فرو نهند و پرهیزکاری کردنشان برای ایشان بهتر است و خدا شنوای داناست (۶۰). بر ناپینا گناهی نیست و نه بر لنگ گناهی است و بر بیمار گناهی نیست و نه بر ذات شما گناهی است در آنکه بخورید از خانه های خویش یا خانه های پدران خویش یا خانه های مادران خویش یا خانه های برادران خویش یا خانه های خواهران خویش یا خانه های عموهای خویش یا خانه های عمه های خویش یا خانه های خالوهای خویش یا خانه های خاله های خویش یا خانه ای که کلید های او بتصرف شماست^(۱۸) یا خانه های دوستان نیست بر شما هیچ گناهی در آنکه بخورید همه با هم یا متفرق^(۱۹) پس چون بخانه ها درآید پس سلام گوید بر قوم خویش دعای خیر با برکت پاکیزه از نزد خدا است همچنین خدا برای شما آیات را بیان می کند باشد که بفهمید (۶۱).

(۱۸) یعنی نگاهبان و وکیل حفظ او باشید.

(۱۹) یعنی اذنی که از رسم و عادت مفهوم است کفایت می کند و حاجت اذن صریح نیست والله اعلم.

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِذَا كَانُوا مَعَهُ
 عَلَىٰ أَمْرٍ جَامِعٍ لَّمْ يَذْهَبُوا حَتَّىٰ يَسْتَأْذِنُوهُ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَأْذِنُونَكَ
 أُولَٰئِكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ فَإِذَا أَسْتَأْذِنُوكَ
 لِبَعْضِ شَأْنِهِمْ فَأُذِنَ لِمَن شِئْتَ مِنْهُمْ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ
 اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿٦٣﴾ لَا تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ
 بَيْنَكُمْ كَدُعَاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضًا قَدْ يَعْلَمُ اللَّهُ الَّذِينَ
 يَتَسَلَّلُونَ مِنْكُمْ لِوَاذٍ لِحَذِرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ
 أَمْرِ رَبِّهِمْ أَن تَصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٦٤﴾ الْإِن
 َّا مَافِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ قَدْ يَعْلَمُ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ وَيَوْمَ
 يُرْجَعُونَ إِلَيْهِ فَيُنَبِّئُهُم بِمَا عَمِلُوا وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿٦٥﴾

سورة الفرقان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَىٰ عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا
 ﴿١﴾ الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ
 لَهُ وِشْرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ فَقَدَرَهُ وَتَقْدِيرًا ﴿٢﴾



جزاین نیست که مسلمانان آنانند که به خدا و رسول او ایمان آوردند و چون باشند باوی برکاری که مقتضی اجتماع ایشان است نروند تاآنکه از وی اجازه طلبند هرآئینه آنانکه ازتو اجازه می طلبند ایشان آنان هستند که به خدا و به رسول او ایمان آورده اند پس اگر ازتو برای (انجام) بعضی کارخودشان اجازه طلبند هرکه راخواهی ازیشان اجازه ده و برای ایشان ازخدا آمرزش طلب کن هرآئینه خدا آمرزندهٔ مهربانست (۶۲). فراخواندن پیامبر را درمیان خویش مانند فراخواندنِ همدیگرمشمارید هرآئینه خداآنان را که از شما به پنهانی بیرون میروند پناه جویان می داند پس باید که بترسند آنانکه خلاف حکم پیامبر می کنند ازآنکه بدیشان بلایی برسد یا به ایشان عذاب درد ناک برسد (۶۳). آگاه شو هرآئینه برای خدا است آنچه درآسمانها وزمین است روشی را که شما برآیند میدانند وروزیکه به سوی او گردانیده شوند ایشان را به آنچه عمل کرده اند خبردهد و خدابه هرچیز داناست (۶۴).

سوره فرقان مکی است و آن هفتادوهفت
آیه و شش رکوع است

بنام خدای بخشاینده مهربان.

بسیار بابرکت است آنکه قرآن را بربندهٔ خویش فرود آورد تا برای جهانیان ترساننده باشد (۱). آنکه او را است پادشاهی آسمان ها وزمین و هیچ فرزندی نگرفته است و هیچ شریک او را در پادشاهی نیست و هرچیزی را بیافرید پس آن را دقیقاً اندازه گیری و کاملاً برآورد کرده است (۲).

وَأَتَّخِذُوا مِنْ دُونِهِ آِهَةً لَّا يَخْلُقُونَ شَيْئًا وَهُمْ يُخْلَقُونَ
 وَلَا يَمْلِكُونَ لِأَنفُسِهِمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا وَلَا يَمْلِكُونَ مَوْتًا
 وَلَا حَيَاةً وَلَا نُشُورًا ﴿٣﴾ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِن هَذَا إِلَّا
 إِفْكٌ أُفْتَرِيهِ وَأَعَانَهُ عَلَيْهِ قَوْمٌ آخَرُونَ فَقَدْ جَاءَهُ ظُلْمًا
 وَزُورًا ﴿٤﴾ وَقَالُوا اسْطِيزُ الْآوَلِينَ أَكْتَبْنَا فِيهَا فِئَمْئَاتٍ
 عَلَيْهِ بُكْرَةً وَأَصِيلًا ﴿٥﴾ قُلْ أَنزَلَهُ الَّذِي يَعْلَمُ السِّرَّ
 فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا ﴿٦﴾
 وَقَالُوا مَا لِهَذَا الرَّسُولِ يَأْكُلُ الطَّعَامَ وَيَمْشِي فِي
 الْأَسْوَاقِ لَوْلَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مَلَكٌ فَيَكُونُ مَعَهُ وَنَذِيرًا ﴿٧﴾
 أَوْ يُلْقَى إِلَيْهِ كَنْزٌ أَوْ تَكُونُ لَهُ وَجْتَةٌ يُأْكُلُ مِنْهَا وَقَالَ
 الظَّالِمُونَ إِن تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلًا مَسْحُورًا ﴿٨﴾ أَنْظِرْ
 كَيْفَ ضَرَبُوا لَكَ الْأَمْثَالَ فَضَلُّوا فَلَا يَسْتَطِيعُونَ
 سَبِيلًا ﴿٩﴾ تَبَارَكَ الَّذِي إِنْ شَاءَ جَعَلَ لَكَ خَيْرًا مِنْ ذَلِكَ
 جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَيَجْعَلُ لَكَ فُصُورًا ﴿١٠﴾ بَلْ
 كَذَّبُوا بِالسَّاعَةِ وَأَعْتَدْنَا لِمَنْ كَذَّبَ بِالسَّاعَةِ سَعِيرًا ﴿١١﴾

و کافران غیر از خدا آن معبودان را گرفتند که چیزی را نمی‌آفرینند و خودشان آفریده می‌شوند و نمی‌توانند برای خویش زبانی و نه سودی و نمی‌توانند مرگ را و نه زندگانی را و نه برانگیختن را (۳). و گفتند کافران این قرآن مگردروغی نیست که آن را بر یافته است و او را بر افترای وی گروه دیگر یاری داده‌اند پس ستم و دروغ را به درستی که به عمل آوردند (۴). و گفتند قرآن افسانه‌های پیشینیان است که آنرا برای خود نوشته است پس آن صبح و شام بروی خوانده می‌شود^(۱) (۵). بگو آنرا کسیکه پنهان را که در آسمان‌ها و زمین است میدانند فرود آورده است هر آئینه وی آمرزنده^۲ مهربان هست (۶). و گفتند این پیامبر را چیست که طعام می‌خورد و در بازارها می‌رود چرا به سوی وی فرشته ای فرستاده نشد تا همراه وی ترساننده باشد (۷). یا چرا از آسمان به سوی وی گنجی افکنده نشده است یا چرا اورا باغی نیست که از آن بخورد و ستمکاران گفتند پیروی نمی‌کنید مگر مرد جادو زده را (۸). ببین چگو نه در حق تو مثلها می‌زدند پس گمراه شدند پس هیچ راهی را نمی‌یابند (۹). بزرگوار است آنکه اگر خواهد تورا بهتر از این بوستانهایی که می‌رود زیر آنها جویها و تورا کاخهای بلند (یعنی دردنیا) بدهد (۱۰). بلکه قیامت را تکذیب کردند و برای کسیکه تکذیب قیامت کند دوزخ را آماده ساختیم (۱۱).

(۱) یعنی تایادگیرد.

إِذَا رَأَتْهُمْ مِّن مَّكَانٍ بَعِيدٍ سَمِعُوا لَهَا تَغِيظًا وَزَفِيرًا ﴿١٢﴾
 وَإِذَا أَلْقُوا مِنْهَا مَكَانًا ضِيقًا مُّقْرَّنِينَ دَعَوْا هُنَالِكَ ثُبُورًا
 ﴿١٣﴾ لَا تَدْعُوا الْيَوْمَ ثُبُورًا وَاحِدًا وَاَدْعُوا ثُبُورًا كَثِيرًا ﴿١٤﴾
 قُلْ أَدْرَاكَ حَيْرٌ أَمْ جِنَّةٌ الْخُلْدِ الَّتِي وُعِدَ الْمُتَّقُونَ كَانَتْ
 لَهُمْ جَزَاءً وَمَصِيرًا ﴿١٥﴾ لَهُمْ فِيهَا مَا يَشَاءُونَ خَالِدِينَ
 كَانَ عَلَى رَبِّكَ وَعْدًا مَسْئُولًا ﴿١٦﴾ وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ وَمَا
 يَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ فِيَقُولُ ءَأَنْتُمْ أَضَلَلْتُمْ عِبَادِي
 هَؤُلَاءِ أَمْ هُمْ ضَلُّوا السَّبِيلَ ﴿١٧﴾ قَالُوا سُبْحَانَكَ مَا كَانَ
 يَنْبَغِي لَنَا أَنْ نَتَّخِذَ مِن دُونِكَ مِنْ أَوْلِيَاءَ وَلَكِن مَّتَّعْتَهُمْ
 وَءَابَاءَهُمْ حَتَّى نَسُوا الذِّكْرَ وَكَانُوا قَوْمًا بُورًا ﴿١٨﴾
 فَقَدْ كَذَّبُوكُمْ بِمَا تَقُولُونَ فَمَا تَسْتَطِيعُونَ صَرْفًا
 وَلَا نَصْرًا وَمَن يظلم مِّنكُمْ نُذِقْهُ عَذَابًا كَبِيرًا ﴿١٩﴾
 وَمَا أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنَ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا إِنَّهُمْ لِيَأْكُلُونَ
 الطَّعَامَ وَيَمْشُونَ فِي الْأَسْوَاقِ وَجَعَلْنَا بَعْضَكُمْ
 لِبَعْضٍ فِتْنَةً أَتَصْبِرُونَ ۗ وَكَانَ رَبُّكَ بَصِيرًا ﴿٢٠﴾

چون دوزخ ایشان را از مسافتِ دور ببیند از وی آواز خشم خوردن و جوش و خروش را بشنوند (۱۲). و چون از آن دوزخ بمکانی تنگ دست و پاپسته انداخته شوند آنجا بر علیه خویش دعای هلاک شدن را کنند (۱۳). و گوئیم امروز بیک هلاک شدن بد دعا نکنید و به هلاک بسیار بد دعا کنید (۱۴). بگو آیا این بهتر است یا بهشت جاوید آنکه به متقیان وعده داده شده است ایشان را پاداش و جای بازگشت باشد (۱۵). ایشان را است در آنجا آنچه می خواهند، جاویدان، وعده ای حتمی بر پروردگار تو هست که طلبیده شده است (۱۶). و آن روز که خدا ایشان را جمع کند و آنچه را که بغیر از خدا می پرستند پس گوید آیا این بندگان مرا شما گمراه کردید یا ایشان خود راه را خطا کرده اند (۱۷). گویند تورا به پاکی یاد می کنیم سزاوار نباشد ما را که هیچ دوست بجز تو گیریم ولیکن بهره مند ساختی ایشان را و پدران ایشان را تا آنکه پند را فراموش کردند و گروهی هلاک و نابود شدند (۱۸). (گوئیم ای گروه کافران) به درستی که شما را این معبودان در آنچه می گفتید تکذیب کردند پس جلوگیری عذاب نمی توانید و نه یاری دادن را و هر که از شما ستم کند عذاب بزرگ بچشانیمش (۱۹). و پیش از تو پیامبران را نفرستادیم مگر به این صفت که ایشان طعام می خوردند و می رفتند در بازارها و بعضی شمارا در حق بعضی دیگر ابتلائی قرار دادیم آیا صبر می کنید، و پروردگار تو بینا هست (۲۰).

* وَقَالَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْنَا الْمَلَيِّكَةُ
 أَوْ نَرَى رَبَّنَا لَقَدْ اسْتَكْبَرُوا فِي أَنْفُسِهِمْ وَعَتَوْعَتُوا كَبِيرًا
 ﴿١١﴾ يَوْمَ يَرَوْنَ الْمَلَيِّكَةَ لَا بُشْرَى يَوْمَئِذٍ لِلْمُجْرِمِينَ وَيَقُولُونَ
 حَجْرًا مَّحْجُورًا ﴿١٢﴾ وَقَدِمْنَا إِلَى مَا عَمِلُوا مِنْ عَمَلٍ فَجَعَلْنَاهُ
 هَبَاءً مَنْثُورًا ﴿١٣﴾ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ يَوْمَئِذٍ خَيْرٌ مُسْتَقَرًّا
 وَأَحْسَنُ مَقِيلًا ﴿١٤﴾ وَيَوْمَ تَشَقُّقُ السَّمَاءُ بِالْغَمِّمِ وَنُزِلَ الْمَلَيِّكَةُ
 تَنْزِيلًا ﴿١٥﴾ الْمَلَكُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ لِلرَّحْمَنِ وَكَانَ يَوْمًا عَلَى
 الْكَافِرِينَ عَسِيرًا ﴿١٦﴾ وَيَوْمَ يَعَضُّ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ
 يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا ﴿١٧﴾ يَا وَيْلَتَى لَيْتَنِي لَمْ
 أَتَّخِذْ فَلَانًا خَلِيلًا ﴿١٨﴾ لَقَدْ أَضَلَّنِي عَنِ الذِّكْرِ بَعْدَ إِذْ جَاءَنِي
 وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِلْإِنْسَانِ خَذُولًا ﴿١٩﴾ وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ
 إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا ﴿٢٠﴾ وَكَذَلِكَ
 جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا مِنَ الْمُجْرِمِينَ وَكَفَى بِرَبِّكَ هَادِيًا
 وَنَصِيرًا ﴿٢١﴾ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنُ انْجُمَةً
 وَوَحْدَةً كَذَلِكَ لِنُثَبِّتَ بِهِ فُؤَادَكَ وَرَتَّلْنَاهُ تَرْتِيلًا ﴿٢٢﴾

و آنانکه ملاقات ما را توقع ندارند گفتند چرا بر ما فرشتگان فرودستاده نشد یا چرا پروردگار خود را نمی بینیم به درستی که گرفتار کبر شدند در زعم خویش و سرکشی کردند سرکشی بزرگ (۲۱). روزی که فرشتگان را ببینند آن روز گنهکاران را هیچ مژده نیست و گویند که بازداشته شوند بازداشتن موکد (یعنی جز حرمان نصیبی ندارند) (۲۲). و به سوی آن چه از کردار عمل کردند متوجه شدیم پس آن را مانند ذره هایی پراکنده ساختیم^(۲) (۲۳). اهل بهشت آن روز از جهت قرارگاه بهترند و به اعتبار جای استراحت نیکوترند (۲۴). و روزیکه آسمان بسبب ابر بشکافتد و فرشتگان فرود آورده شوند فرود آوردنی^(۳) (۲۵). پادشاهی حقیقی آن روز خدا را است و آن روز بر کافران روزی دشوار باشد (۲۶). و روزی که ستمکار دو دست خود را بگزد می گوید ای کاش من همراه پیامبر راهی^(۴) می گرفتم (۲۷). ای وای بر من کاش که فلان را^(۵) دوست نمی گرفتم (۲۸). هر آئینه وی مرا از پند بعد از آنکه بمن آمده بود گمراه کرد و شیطان در محنت آدمی را تنها گذارنده هست (۲۹). و گفت پیامبر ای پروردگار من هر آئینه قوم من این قرآن را رها کردند (۳۰). و همچنین برای هر پیامبری دشمنان از گناهکاران ساخته ایم و پروردگار تو راه نما و نصرت دهنده بس است (۳۱). و گفتند کافران چرا قرآن بیک دفعه بر پیامبر فرود آورده نشد همچنین بدفعات آوردیم تا به آن دل تورا استوار سازیم و آن رابه آهستگی خواندیم (۳۲).

(۲) یعنی بر باد کردیم.

(۳) یعنی آسمان بر هیئت معتاد خود باشد اما بر ناگاه منشق شود والله اعلم.

(۴) تمنانکنده عقبه بن ابی معیط بود که اطاعت ابی بن خلف کرد چنانچه در سبب نزول آیه بیان کرده اند.

(۵) یعنی ابی بن خلف و ماند او را.

وَلَا يَأْتُونَكَ بِمَثَلٍ إِلَّا جِئْنَاكَ بِالْحَقِّ وَأَحْسَنَ تَفْسِيرًا
 ﴿٢٣﴾ الَّذِينَ يُحْشِرُونَ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ إِلَىٰ جَهَنَّمَ أُولَٰئِكَ
 شَرُّ مَكَانًا وَأَضَلُّ سَبِيلًا ﴿٢٤﴾ وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَىٰ الْكِتَابَ
 وَجَعَلْنَا مَعَهُ أَخَاهُ هَارُونَ وَزِيرًا ﴿٢٥﴾ فَقُلْنَا أَذْهَبَا
 إِلَى الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَدَمَّرْنَاهُمْ تَدْمِيرًا ﴿٢٦﴾
 وَقَوْمَ نُوحٍ لَمَّا كَذَّبُوا الرُّسُلَ أَغْرَقْنَاهُمْ وَجَعَلْنَا هُمُ لِلنَّاسِ
 آيَةً وَأَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ عَذَابًا أَلِيمًا ﴿٢٧﴾ وَعَادًا وَثَمُودًا
 وَأَصْحَابَ الرَّسِّ وَقُرُونًا بَيْنَ ذَلِكَ كَثِيرًا ﴿٢٨﴾ وَكُلًّا
 ضَرَبْنَا لَهُ الْأَمْثَلُ وَكُلَّمَا تَبَرَّنَا تَتَّبِعُوا ﴿٢٩﴾ وَلَقَدْ آتَوْنَا عَلَى
 الْقَرْيَةِ الَّتِي أُمِطِرَتْ مَطَرِ السَّوْءِ أَفَلَمْ يَكُونُوا يَرَوْنَهَا
 بَلْ كَانُوا لَا يَتْرُجُونَ نُشُورًا ﴿٣٠﴾ وَإِذَا رَأَوْكَ إِن يَتَّخِذُونَكَ
 إِلَّا هُزُوعًا هَذَا الَّذِي بَعَثَ اللَّهُ رَسُولًا ﴿٣١﴾ إِنْ كَادَ
 لِيُضِلَّنَا عَنْ ءَالِهَتِنَا لَوْلَا أَن صَبَرْنَا عَلَيْهَا وَسَوْفَ
 يَعْلَمُونَ حِينَ يَرَوْنَ الْعَذَابَ مَنْ أَضَلُّ سَبِيلًا ﴿٣٢﴾ أَرَأَيْتَ
 مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوْنَهُ أَفَأَنْتَ تَكُونُ عَلَيْهِ وَكِيلًا ﴿٣٣﴾

و نیارند کافران پیش توهیج داستانی مگر پیش توجوابی راست و نیکوتر در بیان بیاریم (۳۳). کسانی که بر چهره های خویش به سوی دوزخ محشور شوند، این جماعت بدترند به اعتبار مکان و راه را گمراه ترند (۳۴). و به راستی که موسی را کتاب دادیم و همراه او برادر او هارون را وزیر ساختیم (۳۵). پس گفتیم بروید به سوی آن قوم که آیات ما را تکذیب کردند پس آن قوم را به سختی هلاک ساختیم (۳۶). و قوم نوح را چون پیامبران را دروغگو شمردند آنان را غرق ساختیم و ایشان را برای مردمان نشانه گردانیدیم، و برای ستمکاران عذاب درد ناک مهیا کردیم (۳۷). و عاد و ثمود و اهل رس را و نسلها بسیاری در میان ایشان هلاک ساختیم (۳۸). و برای هر کدام مثلها زدیم و هر یکی (از آنان) را به سختی نابود کردیم (۳۹). و به درستی که کافران به دهی که بارانیده شد بروی باران بد (یعنی باران سنگ) رسیدند آیا آن را نمی دیدند بلکه توقع برانگیختن را نمی داشتند (۴۰). و چون تورا بینند تورا نگیرند مگر به مسخره آیا این شخص است آنکه خدای تعالی پیامبر فرستادش (۴۱). هر آینه نزدیک بود که ما از پرستش خدایان ما گمراه کند اگر آن نبود که بر آن ها شکیبایی کردیم و خواهند دانست چون عذاب را بینند که کیست راه را اشتباه رونده تر (۴۲). آیدیدی آن را که معبودش را خواهش نفس خود گرفته است آیاتو بروی نگهبان میثوی (۴۳).

أَمْ تَحْسَبُ أَنَّ أَكْثَرَهُمْ يَسْمَعُونَ أَوْ يَعْقِلُونَ إِنْ هُمْ إِلَّا
 كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا ﴿٤٤﴾ أَلَمْ تَرَ إِلَى رَبِّكَ كَيْفَ مَدَّ
 الظِّلَّ وَلَوْ شَاءَ لَجَعَلَهُ سَاكِنًا ثُمَّ جَعَلْنَا الشَّمْسَ عَلَيْهِ دَلِيلًا
 ﴿٤٥﴾ ثُمَّ قَبَضْنَاهُ إِلَيْنَا قَبْضًا يَسِيرًا ﴿٤٦﴾ وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ
 اللَّيْلَ لِبَاسًا وَالنَّوْمَ سُبَاتًا وَجَعَلَ النَّهَارَ نُشُورًا ﴿٤٧﴾ وَهُوَ
 الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ وَأَنْزَلْنَا مِنَ
 السَّمَاءِ مَاءً طَهُورًا ﴿٤٨﴾ لِنُحْيِيَ بِهِ بَلْدَةً مَيِّتًا وَنُسْقِيَهُ
 مِمَّا خَلَقْنَا أَنْعَامًا وَأَنَا سَيِّ كَثِيرًا ﴿٤٩﴾ وَلَقَدْ صَرَّفْنَاهُ بَيْنَهُمْ
 لِيَذَكَّرُوا فَأَبَى أَكْثَرُ النَّاسِ إِلَّا كُفُورًا ﴿٥٠﴾ وَلَوْ شِئْنَا
 لَبَعَثْنَا فِي كُلِّ قَرْيَةٍ نَذِيرًا ﴿٥١﴾ فَلَا تَطْعَمُ الْكُفْرِينَ وَجَهْدَهُمْ
 بِهِ جَهَادًا كَبِيرًا ﴿٥٢﴾ * وَهُوَ الَّذِي مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ هَذَا
 عَذْبٌ فُرَاتٌ وَهَذَا مِلْحٌ أُجَاجٌ وَجَعَلَ بَيْنَهُمَا بَرْزَخًا
 وَحِجْرًا مَحْجُورًا ﴿٥٣﴾ وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشْرًا فَجَعَلَهُ
 نَسَبًا وَصِهْرًا وَكَانَ رَبُّكَ قَدِيرًا ﴿٥٤﴾ وَيَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ
 مَا لَا يَنْفَعُهُمْ وَلَا يَضُرُّهُمْ وَكَانَ الْكَافِرُ عَلَى رَبِّهِ ظَهِيرًا ﴿٥٥﴾

ایامی پنداری که بیشترین ایشان می شنوند یامی فهمند ایشان جز مانند چهارپایان نیستند بلکه ایشان باعتبار راه گمراه ترند (۴۴). آیا به سوی پروردگار خود ندیدی که سایه را چگونه دراز کرد^(۶) و اگر می خواست آن راساکن می ساخت باز آفتاب را بر روی راه نما^(۷) برگماشتیم (۴۵). باز سایه را به سوی خویش فراگرفتیم فرا گرفتن آسان (۴۶). واوست آنکه شب را برای شما پوششی گردانید و خواب را راحتی و روز را وقت برخاستن نموده است (یعنی بیداری برای جنبش و کوشش معاش و غیره) (۴۷). واوست آنکه بادهارا پیش از رحمت خویش مژده دهنده فرستاد و از آسمان آب پاك را فرود آوردیم (۴۸). تا به آن شهر مرده را زنده سازیم و تا آن را به چهارپایان و مردمان بسیاری را از آنچه ما آفریده ایم بنوشانیم (۴۹). و هر آئینه پند در میان ایشان گوناگون بیان کردیم تا پندپذیر شوند پس بیشترین مردمان قبول نکردند مگر ناسپاسی را (۵۰). واگر می خواستیم در هر دهی ترساننده ای میفرستادیم (۵۱). پس کافران را فرمان مبر و با ایشان به قرآن جهادکن جهادی بزرگ (۵۲). واوست آنکه دو دریا را در آمیخت این يك آب شیرین خوشگوار است و آن دیگر شوریدمزه و میان هر دو حجابی و سدی محکم ساخت (۵۳). واوست آنکه از آب آدمی را آفرید پس آن را پیوند خویشاوندی نسب و خویشاوندی قرابت دامادی قرارداد پروردگار تو تواناست (۵۴). و غیر از خدا چیزی را می پرستند که ایشان را نفع نمی دهد و نه بدیشان ضرر رساند و کافر بر مخالفت پروردگار خود هم پشت (شیطان) است (۵۵).

(۶) یعنی بعد اسفار قبل از غروب آفتاب یادراول روز.

(۷) یعنی بهر صفت که آفتاب تقاضا میکند میرود.



وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا مُبَشِّرًا وَنَذِيرًا ﴿٥٦﴾ قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ
 مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا ﴿٥٧﴾ وَتَوَكَّلْ
 عَلَىٰ الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَسَبِّحْ بِحَمْدِهِ ۚ وَكَفَىٰ بِهِ
 بِذُنُوبِ عِبَادِهِ خَيْرًا ﴿٥٨﴾ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ
 وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ الرَّحْمَنُ
 فَسَأَلَ بِهِ خَيْرًا ﴿٥٩﴾ وَإِذْ قِيلَ لَهُمُ اسْجُدُوا لِلرَّحْمَنِ قَالُوا
 وَمَا الرَّحْمَنُ أَنَسْجُدُ لِمَا تَأْمُرُنَا وَزَادَهُمْ نُفُورًا ﴿٦٠﴾ تَبَارَكَ
 الَّذِي جَعَلَ فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَجَعَلَ فِيهَا سِرَاجًا وَقَمَرًا
 مُنِيرًا ﴿٦١﴾ وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ خِلْفَةً لِمَنْ أَرَادَ
 أَنْ يَذَّكَّرَ أَوْ أَرَادَ شُكُورًا ﴿٦٢﴾ وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ
 عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا
 ﴿٦٣﴾ وَالَّذِينَ يَبِيتُونَ لِرَبِّهِمْ سُجَّدًا وَقِيَامًا ﴿٦٤﴾ وَالَّذِينَ
 يَقُولُونَ رَبَّنَا اصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ
 غَرَامًا ﴿٦٥﴾ إِنَّهَا سَاءَتْ مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا ﴿٦٦﴾ وَالَّذِينَ إِذَا
 أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا ﴿٦٧﴾

وتورا مگر بشارت دهنده و بیم دهنده نفرستادیم (۵۶). بگو برتبلیغ قرآن هیچ مزدی از شما نمی طلبم لیکن هر که خواهد که به سوی پروردگار خویش راه گیرد (گو بگیرد راهی) (۵۷). وتوکل کن برآن زنده ای که نمی میرد و ستایش او بپاکی یادکن، وی بگناهان بندگانش آگاه بس است (۵۸). آنکه آسمانها وزمین را و آنچه راکه در میان آنهاست درشش روز بیافرید باز برعرش مستقرشد، اوست بخشاینده پس از حال وی دانایی را بپرس (۵۹). و چون به کافران گفته میشود که رحمن را سجده کنید گویند و رحمن چیست آیا سجده کنیم چیزی را که تو ما را میفرمایی این سخن برگریزش ایشان اضافه کرد (۶۰). بزرگوار است آنکه در آسمان بر جها را ساخت در آن چراغی را (یعنی خورشید را) و ماه روشنی دهنده ای را ساخت (۶۱). و اوست آنکه شب و روز را جانشین یک دیگر برای کسیکه پندگرفتن خواهد یا شکرگزاری کردن خواهد مقرر داشت (۶۲). و بندگان خدا آنانند که بر زمین به آهستگی میروند^(۸) و چون سخن گویند به ایشان نادانان گویند بر شما سلام باد (۶۳). و آنانکه برای پروردگار خویش سجده کنان و قیام کنان شب می گذارند (۶۴). و آنانکه می گویند ای پروردگار ما از ما عذاب دوزخ را بازدار هر آئینه عذاب دوزخ لازم شونده است (۶۵). هر آئینه دوزخ بد آرام گاهی و بدمقامی است (۶۶). و آنانکه چون خرج کنند اسراف نمایند و تنگی نگیرند و عطای ایشان میان جائبین معتدل باشد (۶۷).

(۸) یعنی تواضع برایشان غالب است.

وَالَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ وَلَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ
 الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَا يَزْنُونَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ
 يَلْقَ أَثَامًا ﴿٦٨﴾ يُضَعَّفَ لَهُ الْعَذَابُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَيَخْلُدُ
 فِيهِ مُهَانًا ﴿٦٩﴾ إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا
 فَأُولَئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ وَكَانَ اللَّهُ
 غَفُورًا رَحِيمًا ﴿٧٠﴾ وَمَنْ تَابَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَإِنَّهُ يَتُوبُ
 إِلَى اللَّهِ مَتَابًا ﴿٧١﴾ وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ وَإِذَا مَرُّوا
 بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا ﴿٧٢﴾ وَالَّذِينَ إِذَا ذُكِّرُوا بِآيَاتِ
 رَبِّهِمْ لَمْ يَخِرُّوا عَلَيْهَا صُمًّا وَعُمْيَانًا ﴿٧٣﴾ وَالَّذِينَ يَقُولُونَ
 رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا
 لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا ﴿٧٤﴾ أُولَئِكَ يُجْزَوْنَ الْغُرْفَةَ بِمَا صَبَرُوا
 وَيُلَقَّوْنَ فِيهَا تَحِيَّةً وَسَلَامًا ﴿٧٥﴾ خَالِدِينَ فِيهَا
 حَسُنَتْ مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا ﴿٧٦﴾ قُلْ مَا يَعْبَأُكُمْ رَبِّي
 لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ فَقَدْ كَذَّبْتُمْ فَسَوْفَ يَكُونُ لِزَامًا ﴿٧٧﴾

وآنانکه باخدا معبود دیگری را نمی‌پرستند و هیچ نفسی را که خدا حرام کرده است مگر بحق نمی‌کشند و زنانکنند و هرکه این کار را بکند به عقوبتِ دشوار برخوردار (۶۸). بر او عذاب روز قیامت دوچند کرده شود و آنجا خوار کرده شده همیشه ماند (۶۹). مگر آنکه توبه کرد و ایمان آورد و عمل شایسته نمود پس آنجماعت خدا بدیهای ایشان را به نیکی‌ها تبدیل می‌کند و هست خدا آمرزنده^۹ مهربان (۷۰). و هرکه توبه کند و کارشایسته بجا آورد پس هرآئینه وی چنانکه باید به خدا رجوع کرده است (۷۱). و آنانکه گواهی دروغ نمی‌دهند و چون بگذرند بر بیهوده به روش بزرگان بگذرند (۷۲). و آنانکه چون بی‌ایات پروردگارشان پند داده می‌شوند بشنیدن آن کروکور نیفتند^(۹) (۷۳). و آنانکه می‌گویند ای پروردگار ما از زنان ما و از فرزندان ما روشنی چشم ببخش و ما را پیشوای متقیان قرار ده (۷۴). آن جماعت مقام بلند جزا داده شوند به خاطر آنکه صبر کردند، در آن بدعای خیر و سلام برخوردار کرده شوند (۷۵). جاویدان باشند در آنجا، بهشت نیک آرام‌گاه است و نیک مقام است (۷۶). بگو پروردگار من به شما اعتنا نمی‌کند اگر عبادت شما نباشد پس به درستی که تکذیب کردید پس البته جزای آن لازم باشد (۷۷).

(۹) یعنی بلکه دیده و شنیده سجده کنند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

طَسَمَ ① تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ ② لَعَلَّكَ بَخْعٌ نَفْسَكَ أَلَّا
يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ ③ إِنْ نَشَأْ نُزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةٌ فَظَلَّتْ
أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ ④ وَمَا يَأْتِيهِمْ مِنْ ذِكْرٍ مِنَ الرَّحْمَنِ مُحَدَّثٍ
إِلَّا كَانُوا عَنْهُ مُعْرِضِينَ ⑤ فَقَدْ كَذَّبُوا فَسَيَأْتِيهِمْ أَنْبَاءٌ مَا كَانُوا
بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ ⑥ أَوَلَمْ يَرَوْا إِلَى الْأَرْضِ كَمَا أَنْبَأْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ
كَرِيمٍ ⑦ إِنْ فِي ذَلِكَ لَآيَةٌ وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ ⑧ وَإِنَّ
رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ⑨ وَإِذْ نَادَى رَبُّكَ مُوسَىٰ أَنْ أَنْتَ الْقَوْمَ
الظَّالِمِينَ ⑩ قَوْمَ فِرْعَوْنَ ⑪ أَلَا يَتَّقُونَ ⑫ قَالَ رَبِّ إِنِّي أَخَافُ
أَنْ يُكَذِّبُونِ ⑬ وَيَضِيقُ صَدْرِي وَلَا يَتَّبِعُنِي لِسَانِي فَأرْسِلْ
إِلَيَّ هَارُونَ ⑭ وَلَهُمْ عَلَىٰ ذَنْبٍ فَأَخَافُ أَنْ يَقْتُلُونِ ⑮ قَالَ
كَلَّا فَادْهَبْ بِآيَاتِنَا إِنَّا مَعَكُمْ مُسْتَمِعُونَ ⑯ فَأَتِيَ فِرْعَوْنَ
فَقَوْلًا إِنَّا رَسُولُ رَبِّ الْعَالَمِينَ ⑰ أَنْ أَرْسِلْ مَعَنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ
⑱ قَالَ أَلَمْ نُرَبِّكَ فِينَا وَلِيدًا وَلِئْتَ فِينَا مِنْ عُمَرِكَ سِنِينَ
⑲ وَفَعَلْتَ فَعَلْتَكِ الْتِي فَعَلْتَ وَأَنْتَ مِنَ الْكَافِرِينَ ⑳

سوره شعراء مکی است و آن دو صد و بیست
و هفت آیه و یازده رکوع است

بنام خدای بخشاینده مهربان.

طَسْم (۱). این آیات کتاب روشن است (۲). شاید تو خویشتن را هلاک کننده ای به سبب آنکه مسلمان نمی شونند (۳). اگر بخواهیم برایشان از آسمان نشانه ای فرود آوریم پس گردنهای ایشان پیش آن نیایش کننده شود (۴). و بدیشان هیچ پندی جدید از جانب خداوند رحمن نمی آید مگر از آن رویگرداننده می باشند (۵). پس ثابت شد که ایشان تکذیب کردند پس خواهد به ایشان عاقبت آنچه که بآن تمسخر می کردند آمد (۶). آیا به سوی زمین ندیده اند چه قدر در آن ازهر جنس نیک رویانیدیم (۷). هر آئینه درین ماجرا نشانه ای است و بیشترین ایشان مسلمانان نیستند (۸). و هر آئینه پروردگار تو همان غالب مهربان است (۹). و آنگاه که پروردگارتو موسی را آواز داد که پیش گروه ستمکاران برو (۱۰). پیش قوم فرعون آیا پرهیزکاری نمی کنند (۱۱). گفت ای پروردگار من هر آئینه من می ترسم از آنکه مرا تکذیب کنند (۱۲). و سینم تنگ شود و زبانم جاری نگردد پس به هارون رسالت بفرست (۱۳). و قوم فرعون را بر من گناهی است پس می ترسم که مرا بکشند (۱۴). گفت چنین نباشد پس هر دو بروید بانسانهای ما هر آئینه ما باشما شنونده ایم (۱۵). پس به فرعون بیاید پس بگوید هر آئینه ما فرستاده پروردگار جهانیانیم (۱۶). (باین پیغام) که همراه ما بنی اسرائیل را بفرست (۱۷). (فرعون) گفت ای موسی آیا نپروراندیم تورا در میان اهل خویش در حال طفلی و در میان ما از عمر خود سالها گذراندی (۱۸). و آن کردار خود را که از تو بعمل آمد کردی و توازنا سیاسانی (۱۹).

قَالَ فَعَلْتُهَا إِذَا وَأَنَا مِنَ الضَّالِّينَ ﴿٢٠﴾ فَفَرَرْتُ مِنْكُمْ لَمَّا خِفْتُكُمْ
 فَوَهَبَ لِي رَبِّي حُكْمًا وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُرْسَلِينَ ﴿٢١﴾ وَتِلْكَ نِعْمَةٌ
 تَمُّهَا عَلَىٰ أَنْ عَبَّدتَّ بَنِي إِسْرَائِيلَ ﴿٢٢﴾ قَالَ فِرْعَوْنُ وَمَا رَبُّ الْعَالَمِينَ
 ﴿٢٣﴾ قَالَ رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا إِنْ كُنْتُمْ مُوقِنِينَ
 ﴿٢٤﴾ قَالَ لِمَنْ حَوْلَهُ أَلَا تَسْتَمِعُونَ ﴿٢٥﴾ قَالَ رَبُّكُمْ وَرَبُّ آبَائِكُمْ
 الْأَوَّلِينَ ﴿٢٦﴾ قَالَ إِنَّ رَسُولَكُمْ الَّذِي أُرْسِلَ إِلَيْكُمْ لَمَجْنُونٌ
 ﴿٢٧﴾ قَالَ رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَمَا بَيْنَهُمَا إِنْ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ
 ﴿٢٨﴾ قَالَ لَئِن أُتِّخِذتِ الْهَآغِرَىٰ لِأَجْعَلَنَّكَ مِنَ الْمَسْجُونِينَ
 ﴿٢٩﴾ قَالَ أَوْلَوْجِثُّكَ بِشَيْءٍ مُّبِينٍ ﴿٣٠﴾ قَالَ فَأْتِ بِهِ إِنْ كُنْتَ
 مِنَ الصَّادِقِينَ ﴿٣١﴾ فَأَلْقَىٰ عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ ثُعْبَانٌ مُّبِينٌ ﴿٣٢﴾
 وَنَزَعَ يَدَهُ فَإِذَا هِيَ بَيْضَاءُ لِلنَّظِيرِينَ ﴿٣٣﴾ قَالَ لِلْمَلَاحِقَةِ
 إِنَّ هَذَا السَّحَرُ عَلِيمٌ ﴿٣٤﴾ يُرِيدُ أَنْ يُخْرِجَكُمْ مِّنْ أَرْضِكُمْ
 بِسِحْرِهِ فَمَاذَا تَأْمُرُونَ ﴿٣٥﴾ قَالُوا أَرْجِهْ وَأَخَاهُ وَأُلْعَثْ فِي الْمَدَائِنِ
 حَاشِرِينَ ﴿٣٦﴾ يَا تَأُوكُ بِكُلِّ سَحَابٍ عَلِيمٍ ﴿٣٧﴾ فَجُمِعَ السَّحَرَةُ
 لِمِيقَاتِ يَوْمٍ مَّعْلُومٍ ﴿٣٨﴾ وَقِيلَ لِلنَّاسِ هَلْ أَنْتُمْ مُّجْتَمِعُونَ ﴿٣٩﴾

گفت آن کردار را آنگاه کردم که من از گمراهان بودم (۲۰). پس چون از عقوبتِ شما بترسیدم از پیش شما گریختم پس پروردگار من مرا دانش عطا کرد و مرا از پیامبران گردانید (۲۱). و آیا این نعمتی است که منت می نهی بر من که بنی اسرائیل را ^(۱) بنده گرفتی (۲۲). گفت فرعون و چیست پروردگار جهانیان؟ (۲۳). گفت موسی پروردگار آسمان ها و زمین و آنچه در میان اینهاست اگریقین آورنده‌اید (۲۴). گفت (فرعون) آنرا که دوروبر او بودند آیانی شنوید (۲۵). گفت موسی پروردگار شما و پروردگار پدرانِ پیشین شماست (۲۶). گفت فرعون هر آئینه پیامبر شما که به سوی شما فرستاده شده دیوانه است (۲۷). گفت موسی پروردگار مشرق و مغرب و آنچه در میان اینهاست اگردرمی یابید (۲۸). گفت اگر غیر مرا خدا گرفتی البته ترا از زندانیان قراردهم (۲۹). گفت آیا (به زندان) کنی اگر چه پیش تو چیزی روشن بیاورم (۳۰). (فرعون) گفت اگر از راستگویانی آن را بیاور (۳۱). پس عصای خود را بینداخت پس ناگهان وی از دهای آشکار شد (۳۲). و دست خود را بر آورد پس ناگهان دست وی برای بینندگان سفید شد (۳۳). گفت فرعون به اطرافیانش هر آئینه این شخص جادوگریست دانا (۳۴). می خواهد که شمارا از سرزمین شما بسحر خود بیرون کند پس مرا چه می فرماید (۳۵). گفتند او و برادرش را بازداشت کن و در شهرها نقیبان را بفرست (۳۶). تا پیش تو هر جادوگرِ دانای را بیاورند (۳۷). پس ساحران بمیعادِ روزی معین جمع کرده شدند (۳۸). و به مردمان گفته شد آی شما جمع شوند (۳۹).

(۱) یعنی بنده گرفتن بنی اسرائیل نعمت نبود پس همچنین پرورش کردن که به آن ضرورت بود نعمت نباشد.

لَعَلَّنَا نَتَّبِعَ السَّحْرَةَ إِنْ كَانُوا هُمْ الْغَالِبِينَ ﴿٤١﴾ فَلَمَّا جَاءَ السَّحْرَةَ
قَالُوا لِفِرْعَوْنَ أَيِّنَ لَنَا الْأَجْرَ إِنْ كُنَّا نَحْنُ الْغَالِبِينَ ﴿٤٢﴾ قَالَ نَعَمْ
وَأَتَّكُمُ إِذَا لَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ ﴿٤٣﴾ قَالَ لَهُمْ مُوسَى الْقَوْمَا مَا أَنْتُمْ مُتْلِفُونَ
﴿٤٤﴾ قَالُوا جِبَالَهُمْ وَعِصِيَّهُمْ وَقَالُوا بِعِزَّةِ فِرْعَوْنَ إِنَّا لَنَحْنُ
الْغَالِبُونَ ﴿٤٥﴾ فَأَلْقَى مُوسَى عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ
﴿٤٦﴾ فَأَلْقَى السَّحْرَةَ سَاجِدِينَ ﴿٤٧﴾ قَالُوا أَمَّا بَرَبِ الْعَالَمِينَ ﴿٤٨﴾
رَبِّ مُوسَى وَهَارُونَ ﴿٤٩﴾ قَالَ أَمَنْتُمْ لَهُ وَقَبْلَ أَنْ أَسْمَعُ لَكُمْ إِنَّهُ
لَكِبِيرُكُمُ الَّذِي عَلَّمَكُمُ السِّحْرَ فَلَسَوْفَ نَعْمُونَ لَا تُقِطِعَنَّ أَيْدِيكُمْ
وَأَرْجُلَكُمْ مِنْ خَلْفٍ وَلَا صَلِّبْتُمْكُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٥٠﴾ قَالُوا أَلَا ضَيْرٌ إِنَّا
إِلَى رَبِّنَا مُنْقَلِبُونَ ﴿٥١﴾ إِنَّا نَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لَنَا رَبُّنَا خَطِيئَاتِنَا أَنْ كُنَّا
أَوَّلَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿٥٢﴾ * وَأَوْحَيْنَا إِلَى مُوسَى أَنْ أَسْرِ بِعِبَادِي إِلَيْكُمْ
مُتَّبِعُونَ ﴿٥٣﴾ فَأَرْسَلْنَا فِرْعَوْنَ فِي الْمَدْيَنِ حَاشِرِينَ ﴿٥٤﴾ إِنَّ هَؤُلَاءِ
لَشِرْذِمَةٌ قَلِيلُونَ ﴿٥٥﴾ وَإِنَّهُمْ لَنَا لَغَائِظُونَ ﴿٥٦﴾ وَإِنَّا لَجَمِيعٌ حَادِرُونَ
﴿٥٧﴾ فَأَخْرَجْنَاهُمْ مِنْ جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ ﴿٥٨﴾ وَكُنُوزٍ وَمَقَامٍ كَرِيمٍ ﴿٥٩﴾
كَذَلِكَ وَأَوْرَثْنَاهَا بَنِي إِسْرَائِيلَ ﴿٦٠﴾ فَاتَّبَعُوهُمْ مُشْرِقِينَ ﴿٦١﴾

باشد که ماساحران را پیروی کنیم اگر ایشان غالب شوند (۴۰). پس چون ساحران حاضر شدند فرعون را گفتند آیا اگر ما غالب شویم ما را مزدی بؤد؟ (۴۱). گفت آری و هر آئینه شما آنگاه از مقربان باشید (۴۲). موسی به ایشان گفت بیفکنید آنچه راکه شما فکننده اید (۴۳). پس انداختند ریسمانهای خود را و عصاهای خود را و گفتند قسم به بزرگی فرعون هر آئینه ما البته غالبیم (۴۴). پس موسی عصای خود را انداخت پس ناگهان وی فرومی برد آنچه بی حقیقت به دروغ آورده بودند (۴۵). پس ساحران سجده کنان (به زمین) انداخته شدند (۴۶). گفتند به پروردگار جهانیان ایمان آورده ایم (۴۷). پروردگار موسی و هارون (۴۸). فرعون گفت آیا (به موسی) پیش از آنکه اجازت دهم شما را ایمان آوردید هر آئینه وی رهبر شما است آنکه شمارا جادو بیاموخت پس خواهید دانست البته ببرم دستهای شما را و پاهای شمارا یکی از جانب راست و دیگری از جانب چپ و البته همگی شمارا بردار آویزم (۴۹). گفتند هیچ باکی وزیانی نیست هر آئینه ما به سوی پروردگار خویش رجوع کنندگانیم (۵۰). هر آئینه ما امیدواریم که پروردگار ما برای ما گناهان ما را از روی آنکه اولین مسلمانان بوده ایم بیامرزد (۵۱). و به سوی موسی وحی فرستادیم که بندگان مرا شبانه ببر هر آئینه شما تعقیب کرده شوید (۵۲). پس فرعون در شهرها گردآورندگان را فرستاد (۵۳). هر آئینه بنی اسرائیل گروهی اندک هستند (۵۴). و هر آئینه ایشان ما را به خشم آورده اند (۵۵). و هر آئینه ما جماعتی مسلح ایم (۵۶). (خداوند می فرماید) پس قوم فرعون را از بوستانها و چشمه ها (۵۷). و گنجها و منزل نیک بیرون راندیم (۵۸). همچنین (کردیم) و این چیزها را به بنی اسرائیل میراث دادیم (۵۹). پس وقت اشراق (یعنی برآمدن خورشید) تعقیب ایشان کردند (۶۰).

فَلَمَّا تَرَأَى الْجَمْعَانَ قَالَ أَصْحَابُ مُوسَى إِنَّا لَمُدْرِكُونَ ﴿٦١﴾
 قَالَ كَلَّا إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهْدِينِ ﴿٦٢﴾ فَأَوْحَيْنَا إِلَى مُوسَى أَنْ
 اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْبَحْرَ فَانْفَلَقَ فَكَانَ كُلُّ فِرْقٍ كَالطَّوْدِ الْعَظِيمِ
 ﴿٦٣﴾ وَأَزْلَفْنَا ثَمَّ الْآخِرِينَ ﴿٦٤﴾ وَأَنْجَيْنَا مُوسَى وَمَنْ مَعَهُ وَأَجْمَعِينَ
 ﴿٦٥﴾ ثُمَّ أَغْرَقْنَا الْآخِرِينَ ﴿٦٦﴾ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ
 أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿٦٧﴾ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿٦٨﴾
 وَاتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ إِبْرَاهِيمَ ﴿٦٩﴾ إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَا تَعْبُدُونَ
 ﴿٧٠﴾ قَالُوا نَعْبُدُ أَصْنَامًا فَنَظَلُّ لَهَا عَافِيَةً ﴿٧١﴾ قَالَ هَلْ
 يَسْمَعُونَكُمْ إِذْ تَدْعُونَ ﴿٧٢﴾ أَوْ يَنْفَعُونَكُمْ أَوْ يَضُرُّونَ ﴿٧٣﴾ قَالُوا
 بَلْ وَجَدْنَا آبَاءَنَا كَذَلِكَ يَفْعَلُونَ ﴿٧٤﴾ قَالَ أَفَرَأَيْتُمْ مَا كُنْتُمْ
 تَعْبُدُونَ ﴿٧٥﴾ أَنْتُمْ وَآبَاؤُكُمْ الْأَقْدَمُونَ ﴿٧٦﴾ فَإِنَّهُمْ عَدُوٌّ لِي
 إِلَّا رَبَّ الْعَالَمِينَ ﴿٧٧﴾ الَّذِي خَلَقَنِي فَهُوَ يَهْدِينِ ﴿٧٨﴾ وَالَّذِي هُوَ
 يُطْعِمُنِي وَيَسْقِينِ ﴿٧٩﴾ وَإِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ ﴿٨٠﴾ وَالَّذِي
 يُمَيِّتُنِي ثُمَّ يُحْيِينِ ﴿٨١﴾ وَالَّذِي أَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لِي خَطِيئَتِي
 يَوْمَ الدِّينِ ﴿٨٢﴾ رَبِّ هَبْ لِي حُكْمًا وَأَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ ﴿٨٣﴾

پس چون یکدیگر را دیدند هر دو گروه گفتند یارانِ موسیٰ هر آئینه به ما رسیدند (۶۱). موسیٰ گفت چنین نیست هر آئینه با من پروردگار من است مرا راه خواهد نمود (۶۲). پس به سوی موسیٰ وحی فرستادیم که به عصای خود دریا را بزَن پس دریا بشکافت پس هر پاره‌ای مانند کوه بزرگ شد (۶۳). و آن دیگران را آنجا نزدیک آوردیم (۶۴). و موسیٰ و آنان را که همراه وی بودند همگی را نجات دادیم (۶۵). سپس آن دیگران را غرق ساختیم (۶۶). هر آئینه در این ماجرا نشانه‌ای هست، و بیشترین ایشان مسلمانان نبودند (۶۷). و بی گمان پروردگار توابته همان غالب مهربان است (۶۸). و برایشان خبر ابراهیم را بخوان (۶۹). چون به پدر خود و قوم خود گفت چه چیز ارامی پرستید؟ (۷۰). گفتند بتان را می پرستیم پس برایشان مجاورت کننده می‌باشیم (۷۱). گفت آیا آواز شمارا چون می‌خوانید می‌شنوند؟ (۷۲). یاسودی به شما بخشند یا زیان می‌رسانند؟ (۷۳). گفتند (نه) بلکه پدران خود را بر چنین شیوه‌ای یافته‌ایم (۷۴). گفت آیا اندیشیده‌اید آنچه را که می پرستید؟ (۷۵). شما و پدران پیشین شما (۷۶). پس بدانید که آنهادشمنان من هستند مگر پروردگار جهانیان (۷۷). آنکه مرا بیافرید پس اوست که مرا هدایت می کند (۷۸). و آنکه او مرا طعام می‌خوراند و مرا می‌آشاماند (۷۹). و چون بیمار شوم پس او مرا شفامیدهد (۸۰). و آنکه مرا می‌میراند باز مرا زنده می گرداند (۸۱). و آنکه امیدوارم که گناهانم را در روز جزا برایم بیامرزد (۸۲). پروردگارا مرا حکمت عطا کن و مرا بشایستگان پیوسته دار (۸۳).

وَأَجْعَلِ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ ﴿٨٤﴾ وَأَجْعَلْنِي مِنْ وَرَثَةِ جَنَّةِ
 النَّعِيمِ ﴿٨٥﴾ وَأَغْفِرْ لِأَيِّ إِثْمَةٍ كَانَتْ مِنَ الضَّالِّينَ ﴿٨٦﴾ وَلَا تُخْزِنِي يَوْمَ
 يُبْعَثُونَ ﴿٨٧﴾ يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ ﴿٨٨﴾ إِلَّا مَنْ آتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ
 سَلِيمٍ ﴿٨٩﴾ وَأُزْلِفَتِ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ ﴿٩٠﴾ وَبُرَزَتِ الْجَحِيمُ لِلْغَاوِينَ
 ﴿٩١﴾ وَقِيلَ لَهُمْ آيْنَ مَا كُنتُمْ تَعْبُدُونَ ﴿٩٢﴾ مِنْ دُونِ اللَّهِ هَلْ يَنْصُرُونَكُمْ
 أَوْ يَنْتَصِرُونَ ﴿٩٣﴾ فَكَبَّكِبُوا فِيهَا هُمْ وَالْغَاوُونَ ﴿٩٤﴾ وَجُنُودٌ أَيْتَاسٍ
 أَجْمَعُونَ ﴿٩٥﴾ قَالُوا وَهُمْ فِيهَا يَخْتَصِمُونَ ﴿٩٦﴾ تَاللَّهِ إِنْ كُنَّا لَفِي
 ضَلَالٍ مُبِينٍ ﴿٩٧﴾ إِذْ نَسُوكُمْ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ ﴿٩٨﴾ وَمَا أَضَلَّنَا إِلَّا
 الْمُجْرِمُونَ ﴿٩٩﴾ فَمَا لَنَا مِنْ شَافِعِينَ ﴿١٠٠﴾ وَلَا صِدِّيقِي حَمِيمٍ ﴿١٠١﴾ فَلَوْ
 أَنَّ لَنَا كَرَّةً فَنَكُونُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٠٢﴾ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ
 أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿١٠٣﴾ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿١٠٤﴾ كَذَّبَتْ
 قَوْمُ نُوحٍ الْمُرْسَلِينَ ﴿١٠٥﴾ إِذْ قَالَ لَهُمُ أَخُوهُمْ نُوحٌ أَلَا تَتَّقُونَ ﴿١٠٦﴾
 إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ ﴿١٠٧﴾ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا أَمْرًا ﴿١٠٨﴾ وَمَا أَسْأَلُكُمْ
 عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٠٩﴾ فَاتَّقُوا اللَّهَ
 وَأَطِيعُوا أَمْرًا ﴿١١٠﴾ * قَالُوا أَنْتُمْ مِنْ لَدُنَّا وَأَتَّبَعَكُمُ الْأَعْرَابُونَ ﴿١١١﴾

و برایم در پسینیان آوازه نیک بگذار (۸۴). و مرا از وارثان بهشت بانعمت قرارده (۸۵).
 و پدر مرا بیمارز هر آئینه وی از گمراهان بود (۸۶). و مرا روزی که مردمان برانگیخته شوند
 رسوا مکن (۸۷). روزی که مال و فرزندان سودی نمی رساند (۸۸). مگر کسی (صاحب
 فائده بود) که دلی پاک نزد خدا آورد (۸۹). و بهشت برای متقیان نزدیک آورده شود (۹۰).
 و دوزخ برای گمراهان ظاهر کرده شود (۹۱). و گفته شود به ایشان کجا است آنچه می
 پرستیدید (۹۲). به جای خدا؟ آیا نصرت میدهند شمارا یا خود انتقام می کشند (۹۳). پس
 بتان و گمراهان پیایی سرنگون به دوزخ افکنده میشوند (۹۴). و همگی لشکرهای شیطان
 (۹۵). گویند در حالیکه ایشان در آنجا بایک دیگر مکابره می کنند (۹۶). قسم به خدا هر آئینه
 مادر گمراهی ظاهر بودیم (۹۷). چون شمارا با پروردگار جهانیان برابر می ساختیم (۹۸). و
 مارا گمراه نکردند مگر بدکاران (۹۹). پس مارا هیچ شفاعت کننده ای نیست (۱۰۰). و نه
 دوست مهربانی (۱۰۱). پس ای کاش برایمان یکبار (بازگشت) می بود پس از مسلمانان
 شویم (۱۰۲). هر آئینه درین ماجرا نشانه ای هست، و بیشترین ایشان مسلمانان نیستند
 (۱۰۳). و هر آئینه پروردگار توهمان غالب و مهربان است (۱۰۴). قوم نوح پیامبران را
 دروغگو شمردند (۱۰۵). چون برادر ایشان نوح به ایشان گفت آیا نمی ترسید؟ (۱۰۶).
 هر آئینه من برای شما پیامبر با امانتم (۱۰۷). پس از خدا بترسید و فرمانبرداری من کنید
 (۱۰۸). و بر تبلیغ رسالت از شما هیچ مزدی سوال نمی کنم نیست پاداش من مگر
 بر پروردگار جهانیان (۱۰۹). پس از خدا بترسید و فرمانبرداری من کنید (۱۱۰). گفتند آیا
 ایمان بر تو آوریم حال آنکه فرومایگان از تو پیروی کرده اند (۱۱۱).

قَالَ وَمَا عَلِمِي بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١١٢﴾ إِنَّ حِسَابَهُمْ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّي
 لَو تَشْعُرُونَ ﴿١١٣﴾ وَمَا أَنَا بِطَارِدِ الْمُؤْمِنِينَ ﴿١١٤﴾ إِنْ أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ مُّبِينٌ
 ﴿١١٥﴾ قَالُوا لَيْن لَّمْ تَنْتَه يَنْوُحْ لَتَكُونَنَّ مِنَ الْمَرْجُومِينَ ﴿١١٦﴾ قَالَ
 رَبِّ إِنْ قَوْمِي كَذَّبُونِ ﴿١١٧﴾ فَأَفْتَحْ بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ فَتَحًا وَنَجْنِي وَمَنْ
 مَعِيَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿١١٨﴾ فَأَنْجِنِيهِ وَمَنْ مَعَهُ فِي الْفَلَكَ الْمَشْحُونِ
 ﴿١١٩﴾ ثُمَّ أَعْرَفْنَا بَعْدَ الْبَاقِينَ ﴿١٢٠﴾ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ
 أَكْثَرَهُمْ مُّؤْمِنِينَ ﴿١٢١﴾ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿١٢٢﴾ كَذَّبَتْ
 عَادُ الْمُرْسَلِينَ ﴿١٢٣﴾ إِذْ قَالَ لَهُمُ أَخُوهُمْ هُودٌ أَلَا تَتَّقُونَ ﴿١٢٤﴾ إِنِّي لَكُمْ
 رَسُولٌ أَمِينٌ ﴿١٢٥﴾ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا ﴿١٢٦﴾ وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ
 مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِي إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٢٧﴾ أَتَبْنُونَ بِكُلِّ رِيعٍ
 آيَةً تَعْبَثُونَ ﴿١٢٨﴾ وَتَتَّخِذُونَ مَصَانِعَ لَعَلَّكُمْ تَخْلُدُونَ ﴿١٢٩﴾
 وَإِذَا بَطِشْتُمْ بَطِشْتُمْ جَبَّارِينَ ﴿١٣٠﴾ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا ﴿١٣١﴾
 وَاتَّقُوا الَّذِي أَمَدَّكُمْ بِمَا تَعَامُونَ ﴿١٣٢﴾ أَمَدَّكُمْ بِأَنْعَمِ وَبَنِينَ
 ﴿١٣٣﴾ وَجَنَّتِ وَعُيُونِ ﴿١٣٤﴾ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ
 ﴿١٣٥﴾ قَالُوا سَوَاءٌ عَلَيْنَا أَوَعَظْتَ أَمْ لَمْ تَكُنْ مِنَ الْوَاعِظِينَ ﴿١٣٦﴾

گفت (نوح) و چه میدانم به آنچه می کردند (۱۱۲). حساب ایشان نیست مگر بر پروردگار من، اگر بدانید (۱۱۳). و من دورکنندهٔ مسلمانان نیستم (۱۱۴). من جز ترسانندهٔ آشکار نیستم (۱۱۵). گفتند ای نوح اگر دست برداری البته از سنگسار شدگان خواهی شد (۱۱۶). گفت ای پروردگار من هرآئینه قوم من مرا دروغگو شمردند (۱۱۷). پس فیصله کن میان من و میان ایشان چنانکه فیصله باید و مرا و آنان را که همراه من از مسلمانان هستند نجات بخش (۱۱۸). پس اورا و آنان را که همراه او بودند در کشتی پُر کرده شده نجات دادیم (۱۱۹). سپس بعد ازین باقی ماندگان را غرق ساختیم (۱۲۰). هرآئینه درین ماجرا نشانهای است، و اکثر ایشان مسلمان نیستند (۱۲۱). و هرآئینه پروردگار تو همان غالب مهربان است (۱۲۲). قبیلهٔ عاد پیامبران را تکذیب کردند (۱۲۳). چون برادر ایشان هود به ایشان گفت آیا نمی ترسید؟ (۱۲۴). هرآئینه من برای شما پیامبر با امانتم (۱۲۵). پس از خدا بترسید و فرمانبرداری من کنید (۱۲۶). و بربطیب رسالت از شما هیچ مزدی سوال نمی کنم پاداش من نیست مگر بر پروردگار جهانیان (۱۲۷). آیابه هر بلندی علامتی بی فائده می سازید (۱۲۸). و محللهای استوار می سازید به امید آنکه جاودان خواهید ماند (۱۲۹). و چون [به کيفر] دست می گشایید، ستمکارانه دست می گشایید (۱۳۰). پس از خدا بترسید و فرمانبرداری من کنید (۱۳۱). و از کسیکه امداد کرد شما را به آنچه می دانید بترسید (۱۳۲). شمارا با چهارپایان و فرزندان امداد کرده است (۱۳۳). و (با) بوستانها و چشمه ها (۱۳۴). هرآئینه من بر شما از عذاب روز بزرگ می ترسم (۱۳۵). گفتند بر ما یکسان است که خواه پنددهی یا از پند دهندگان نباشی (۱۳۶).

إِنَّ هَذَا إِلَّا خُلُقُ الْأَوَّلِينَ ﴿١٣٧﴾ وَمَا نَحْنُ بِمُعَدِّينَ ﴿١٣٨﴾ فَكَذَّبُوهُ
 فَأَهْلَكْنَاهُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿١٣٩﴾
 وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿١٤٠﴾ كَذَّبَتْ ثَمُودُ الْمُرْسَلِينَ ﴿١٤١﴾ إِذْ
 قَالَ لَهُمُ أَحُوهُمْ صَلْحُوا لَاتَتَّقُونِ ﴿١٤٢﴾ إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ ﴿١٤٣﴾
 فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا ﴿١٤٤﴾ وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ
 إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٤٥﴾ أَتُرْكُونَ فِي مَا هُمْ بِأَمِينٍ ﴿١٤٦﴾
 فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ ﴿١٤٧﴾ وَزُرُوعٍ وَنَخْلٍ طَلَعَتْ هَاهُنَا حُضَيْمٌ ﴿١٤٨﴾
 وَتَنْجُوتُونَ مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا فَرِهِينَ ﴿١٤٩﴾ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا ﴿١٥٠﴾
 وَلَا تُطِيعُوا أَمْرَ الْمُسْرِفِينَ ﴿١٥١﴾ الَّذِينَ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ
 وَلَا يُصْلِحُونَ ﴿١٥٢﴾ قَالُوا إِنَّمَا أَنْتَ مِنَ الْمُسَحَّرِينَ ﴿١٥٣﴾ مَا أَنْتَ
 إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُنَا فَأْتِ بَيَاةَ إِفْكٍ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ ﴿١٥٤﴾ قَالَ
 هَذِهِ نَاقَةٌ لَهَا شِرْبٌ وَلَكُمْ شِرْبُ يَوْمٍ مَعْلُومٍ ﴿١٥٥﴾ وَلَا تَمْسُوهَا
 بِسُوءٍ فَيَأْخُذَكُمْ عَذَابٌ يُومِرُكُمْ بِهَا ﴿١٥٦﴾ فَعَقَرُوهَا فَاصْبَحُوا
 نَدِيمِينَ ﴿١٥٧﴾ فَأَخَذَهُمُ الْعَذَابُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ
 أَكْثَرَهُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿١٥٨﴾ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿١٥٩﴾

این جزشویه^۱ پیشینیان نیست (۱۳۷). وما عذاب کرده نخواهیم شد (۱۳۸). پس تکذیبش کردند پس ایشان را هلاک ساختیم هرآئینه دراین ماجرانسانه ای هست، و بیشترین ایشان مسلمان نبودند (۱۳۹). و هرآئینه پروردگار تو همان غالب مهربان است (۱۴۰). قبیله^۲ ثمود پیامبران را دروغگو شمردند (۱۴۱). چون برادر ایشان صالح به ایشان گفت آیا نمی ترسید؟ (۱۴۲). هرآئینه من برای شما پیامبر با امانتم (۱۴۳). پس از خدا بترسید و فرمانبرداری من کنید (۱۴۴). و برتبلیغ رسالت از شما هیچ مزدی سوال نمی کنم، پاداش من نیست مگر بر پروردگار جهانیان (۱۴۵). آیا در آنچه اینجاست ایمن گذاشته خواهید شد (۱۴۶). در بوستانها و چشمه ها (۱۴۷). و کشتها و درختان خرمایی که شگوفه^۳ آن نازک است (۱۴۸). و از کوه ها خانه های ماهرانه می ترسید (۱۴۹). پس از خدا بترسید و فرمانبرداری من کنید (۱۵۰). و فرمان از حد گذرندگان را اطاعت مکنید (۱۵۱). آنانکه فساد می کنند در زمین و اصلاح نمی نمایند (۱۵۲). گفتند جز این نیست که تو از جادو شدگانی (۱۵۳). تو مگر آدمی مانند ما نیستی پس اگر از راست گویانی نشانه ای بیار (۱۵۴). گفت این ماده شتر نیست وی را یک نوبت آب خوردن است و نیز شمارانوبت روزی معین است (۱۵۵). و او را بعقوبت دست مرسانید که آنگاه شمارا عذاب روز بزرگ در بگیرد (۱۵۶). پس آنرا پی زدند پس پشیمان گشتند (۱۵۷). پس ایشان را عذاب در گرفت هرآئینه درین ماجرانسانه ای هست، و بیشترین ایشان مسلمان نبودند (۱۵۸). و هرآئینه پروردگار تو همان غالب مهربان است (۱۵۹).

كَذَّبَتْ قَوْمُ لُوطٍ الْمُرْسَلِينَ ﴿١٦٦﴾ إِذْ قَالَ لَهُمُ أَخُوهُمْ لُوطٌ أَلَا تَتَّقُونَ
 ﴿١٦٦﴾ إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ ﴿١٦٧﴾ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا رَبَّكُمْ وَأَطِيعُوا
 أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجَرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٦٨﴾
 أَتَأْتُونَ الذُّكْرَانَ مِنَ الْعَالَمِينَ ﴿١٦٩﴾ وَتَذُرُونَ مَا خَلَقَ لَكُمْ رَبُّكُمْ
 مِنْ أَرْوَاجِكُمْ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ عَادُونَ ﴿١٧٠﴾ قَالُوا لَيْن لَمْ تَنْتَه يَلُوطُ
 لَتَكُونَنَّ مِنَ الْمُخْرَجِينَ ﴿١٧١﴾ قَالَ إِنِّي لِعَمَلِكُمْ مِنَ الْقَالِينَ ﴿١٧٢﴾
 رَبِّ نَجِّنِي وَأَهْلِي مِمَّا يَعْمَلُونَ ﴿١٧٣﴾ فَجَعَلْنَاهُ وَأَهْلَهُ أَجْمَعِينَ ﴿١٧٤﴾
 إِلَّا عَجُوزًا فِي الْغَابِرِينَ ﴿١٧٥﴾ ثُمَّ دَمَرْنَا الْأَخْرِينَ ﴿١٧٦﴾ وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ
 مَطَرًا مَسَاءً مَطَرًا مُنْذَرِينَ ﴿١٧٧﴾ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ
 مُؤْمِنِينَ ﴿١٧٨﴾ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿١٧٩﴾ كَذَّبَ أَصْحَابُ
 لَيْكَةِ الْمُرْسَلِينَ ﴿١٨٠﴾ إِذْ قَالَ لَهُمُ شُعَيْبٌ أَلَا تَتَّقُونَ ﴿١٨١﴾ إِنِّي لَكُمْ
 رَسُولٌ أَمِينٌ ﴿١٨٢﴾ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا رَبَّكُمْ وَأَطِيعُوا
 مَنْ أَجَرِ إِنْ أَجَرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٨٣﴾ * أَوْفُوا الْكَيْلَ وَلَا
 تَكُونُوا مِنَ الْمُخْسِرِينَ ﴿١٨٤﴾ وَزِنُوا بِالْقِسْطِ أَسْوَ الْمُسْتَقِيمِ ﴿١٨٥﴾
 وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ ﴿١٨٦﴾

قوم لوط پیامبران را دروغگو شمردند (۱۶۰). چون برادرایشان لوط به ایشان گفت آیانی ترسید؟ (۱۶۱). هرآئینه من برای شما پیامبر با امانتم (۱۶۲). پس از خدا بترسید و فرمان من برید (۱۶۳). و برتبلیغ رسالت از شما هیچ مزدی سوال نمی کنم، نیست پاداش من مگر بر پروردگار جهانیان (۱۶۴). آیا از میان جهانیان (بقصد قضای شهوت) به سوی مردان میروید (۱۶۵). و آنچه راکه برای شما آفریده است پروردگار شما از زنان شما می گذارید بلکه شما گروهی از حد گذشته‌اید (۱۶۶). گفتند ای لوط اگر دست برنداری هرآئینه از بیرون کردگان باشی (۱۶۷). گفت هرآئینه من از دشمنان (این) کارتان هستم (۱۶۸). پروردگارا مرا و اهل مرا از وبال آنچه می کنند نجات ده (۱۶۹). پس او و خانواده‌اش را همگی نجات دادیم (۱۷۰). مگر پیرزنی که از باقی ماندگان بود (۱۷۱). سپس آن دیگران را هلاک ساختیم (۱۷۲). و برایشان بارانی (از یلا) بارانیدیم پس باران ترسانیدگان بد است (۱۷۳). هرآئینه درین ماجرا نشانه ای است، و بیشترین ایشان مسلمان نبودند (۱۷۴). و هرآئینه پروردگارتو همان غالب مهربان است (۱۷۵). باشندگانی که پیامبران را دروغگو شمردند (۱۷۶). چون شعیب به ایشان گفت آیانی ترسید؟ (۱۷۷). هرآئینه من برای شما پیامبر با امانتم (۱۷۸). پس از خدا بترسید و فرمان من برید (۱۷۹). و برتبلیغ رسالت از شما هیچ مزدی سوال نمی کنم، پاداش من نیست مگر بر پروردگار جهانیان (۱۸۰). پیمان را تمام پیمایید و از زیان دهندگان مباشید (۱۸۱). و با ترازوی درست وزن کنید (۱۸۲). و به مردمان چیزهای ایشان را ناقص ندهید و در این سرزمین درتباهی مکشید (۱۸۳).

وَاتَّقُوا الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالْجِبِلَّةَ الْأُولِينَ ﴿١٨٤﴾ قَالُوا إِنَّمَا أَنْتَ مِنَ
 الْمُسْحَرِينَ ﴿١٨٥﴾ وَمَا أَنْتَ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا وَإِنْ نَظُنُّكَ لَمِنَ
 الْكَاذِبِينَ ﴿١٨٦﴾ فَاسْقِطْ عَلَيْنَا كِسْفًا مِّنَ السَّمَاءِ إِنْ كُنْتَ
 مِنَ الصَّادِقِينَ ﴿١٨٧﴾ قَالَ رَبِّيَ أَعْلَمُ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿١٨٨﴾ فَكَذَّبُوهُ
 فَأَخَذَهُمْ عَذَابُ يَوْمِ الظَّلَاةِ إِنَّهُ وَكَانَ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿١٨٩﴾
 إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُّؤْمِنِينَ ﴿١٩٠﴾ وَإِنَّ رَبَّكَ
 لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿١٩١﴾ وَإِنَّهُ لَتَنْزِيلُ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٩٢﴾ نَزَلَ بِهِ
 الرُّوحُ الْأَمِينُ ﴿١٩٣﴾ عَلَى قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنذِرِينَ ﴿١٩٤﴾ بِلِسَانٍ
 عَرَبِيٍّ مُّبِينٍ ﴿١٩٥﴾ وَإِنَّهُ لَفِي زُبُرِ الْأُولِينَ ﴿١٩٦﴾ أَوْ لَمْ يَكُنْ لَهُمْ آيَةٌ
 أَنْ يَعْلَمَهُ وَعُلَمُوا بِنَبِيِّ إِسْرَائِيلَ ﴿١٩٧﴾ وَلَوْ نَزَّلْنَاهُ عَلَى بَعْضِ الْأَعْجَمِينَ
 ﴿١٩٨﴾ فَقَرَأَهُ عَلَيْهِمْ مَا كَانُوا بِهِ مُّؤْمِنِينَ ﴿١٩٩﴾ كَذَلِكَ سَلَكْنَاهُ
 فِي قُلُوبِ الْمُجْرِمِينَ ﴿٢٠٠﴾ لَا يُؤْمِنُونَ بِهِ حَتَّى يَرُوا الْعَذَابَ
 الْأَلِيمَ ﴿٢٠١﴾ فَيَأْتِيهِمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿٢٠٢﴾ فَيَقُولُوا
 هَلْ نَحْنُ مُنظَرُونَ ﴿٢٠٣﴾ أَفَبِعَذَابِنَا يَسْتَعْجِلُونَ ﴿٢٠٤﴾ أَفَرَأَيْتَ
 إِنْ مَتَّعْنَاهُمْ سِنِينَ ﴿٢٠٥﴾ ثُمَّ جَاءَهُمْ مَا كَانُوا يُوعَدُونَ ﴿٢٠٦﴾

واخذنا بترسید که شمارا و خلائق نخستینیان را آفرید (۱۸۴). گفتند جزاین نیست که تو از جادو شدگان (۱۸۵). و تو مگر آدمی مانندما نیستی و هر آئینه تو را از دروغ گویان می پنداریم (۱۸۶). پس بر ما پاره ای از آسمان بیکفن اگر از راست گویانی (۱۸۷). گفت پروردگار من به آنچه می کنی داناتر است (۱۸۸). پس او را تکذیب کردند پس ایشان را عذاب روز سایبان^(۲) فرو گرفت هر آئینه وی عذاب روز بزرگ بود (۱۸۹). هر آئینه در این ماجرا نشانه ای هست و بیشترین ایشان مسلمان نبودند (۱۹۰). و هر آئینه پروردگار تو همان غالب مهربان است (۱۹۱). و هر آئینه قرآن فرود آورده، پروردگار جهانیان است (۱۹۲). فرود آوردش روح الامین (یعنی جبرئیل) (۱۹۳). بردل تو تا شوی از ترسانندگان (۱۹۴). بزبان عربی روشن (۱۹۵). و هر آئینه خبر وی در صحیفه های پیشینیان است (۱۹۶). آیا برای ایشان نشانه ای نیست آنکه او را (حقانیت قرآن را) عالمان بنی اسرائیل می دانند؟ (۱۹۷). و اگر قرآن را بر بعضی عجمیان فرود می آوریم (۱۹۸). پس آن را برایشان می خواند به آن باور نمی کردند (۱۹۹). همچنین انکار را در دل های گنهکاران در آوریم (۲۰۰). به قرآن ایمان نمی آورند تا آنکه عذاب درد ناک ببینند (۲۰۱). پس ناگهان به ایشان بیاید در حالیکه ایشان بی خبر باشند (۲۰۲). پس گویند آیا مهلت داده می شویم؟ (۲۰۳). آیا عذاب ما را به شتاب می طلبند (۲۰۴). آیادیدی که اگر سالها ایشان را بهره مند سازیم (۲۰۵). باز بدیشان آنچه ترسانیده می شدند بیاید (۲۰۶).

(۲) یعنی آتش بشکل سایبان ظاهر شد و هلاک ساخت.

مَا أَعْنَى عَنْهُمْ مَا كَانُوا يُمْتَعُونَ ﴿٢٦﴾ وَمَا أَهْلَكَنَا مِنْ قَرْيَةٍ إِلَّا
 لَهَا مُنذِرُونَ ﴿٢٨﴾ ذَكَرَى وَمَا كُنَّا ظَالِمِينَ ﴿٢٩﴾ وَمَا تَنَزَّلَتْ بِهِ
 الشَّيَاطِينُ ﴿٣٠﴾ وَمَا يَنْبَغِي لَهُمْ وَمَا يَسْتَظِيلُونَ ﴿٣١﴾ إِنَّهُمْ عَنِ
 السَّمْعِ لَمَعَزُولُونَ ﴿٣٢﴾ فَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَتَكُونَ
 مِنَ الْمُعَذِّبِينَ ﴿٣٣﴾ وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ ﴿٣٤﴾ وَأَخْفِضْ
 جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿٣٥﴾ فَإِنْ عَصَوْكَ فَقُلْ إِنِّي
 بَرِيءٌ مِمَّا تَعْمَلُونَ ﴿٣٦﴾ وَتَوَكَّلْ عَلَى الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ ﴿٣٧﴾ الَّذِي
 يَرِيكَ حِينَ تَقُومُ ﴿٣٨﴾ وَتَقَلِّبُكَ فِي السَّجْدِينَ ﴿٣٩﴾ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ
 الْعَلِيمُ ﴿٤٠﴾ هَلْ أَنْبَأَكُمْ عَلَىٰ مَنْ تَنَزَّلَ الشَّيَاطِينُ ﴿٤١﴾ تَنَزَّلَ عَلَىٰ
 كُلِّ أَفَّاكٍ أَثِيمٍ ﴿٤٢﴾ يُلْقُونَ السَّمْعَ وَأَكْثُرُهُمْ كَاذِبُونَ ﴿٤٣﴾
 وَالشُّعْرَاءُ يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ ﴿٤٤﴾ أَلَمْ تَرَ أَنَّهُمْ فِي كُلِّ وَادٍ
 يَهِيمُونَ ﴿٤٥﴾ وَأَنَّهُمْ يَقُولُونَ مَا لَا يَفْعَلُونَ ﴿٤٦﴾ إِلَّا الَّذِينَ
 ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَذَكَرُوا اللَّهَ كَثِيرًا وَانْتَصَرُوا مِنْ
 بَعْدِ مَا ظَلَمُوا وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ ﴿٤٧﴾

سورة الشعراء

بهره مند بودن ایشان از سزایشان چه چیز را دفع کند؟ (۲۰۷). و هیچ دهی را هلاک نکردیم الاّ اورابیم کنندگان بودند (۲۰۸). بجهت پنددادن و ستمکار نبودیم (۲۰۹). و قرآن را شیطانان فرود نیاوردند (۲۱۰). و سزاوار ایشان نیست و نمی توانند (۲۱۱). هرآئینه شیطانان از شنیدن دُور داشته شوند^(۳) (۲۱۲). پس با خدا معبود دیگری را مخوان آنگاه از عذاب شوندگان باشی (۲۱۳). و خویشاوندان نزدیک خود را بترسان (۲۱۴). بازوی خود را^(۴) برای آنانکه پیروی تو کردند از مسلمانان پست کن (۲۱۵). پس اگر تورا نافرمانی کنند پس بگو هرآئینه من بیزارم از آنچه شما می کنید (۲۱۶). و بر غالب مهربان توکل کن (۲۱۷). آنکه چون برمی خیزی (یعنی وقت تهجد) می بیند (۲۱۸). و گشتن تورا^(۵) در میان سجده کنندگان^(۶) می بیند (۲۱۹). هرآئینه وی همان شنوای دانا است (۲۲۰). آیا شمارا خبردهم که برچه کس شیطانان فرود می آیند (۲۲۱). بر هر دروغگوی گنهکاری فرود می آیند (۲۲۲). گوش می نهند و بیشترین ایشان دروغ گویند (۲۲۳). و شاعرانند که از ایشان پیروی می کنند (۲۲۴). آیانی بینی که ایشان در هر میدانی سرگردان می شوند (۲۲۵). و آنکه ایشان آنچه می گویند نمی کنند^(۷) (۲۲۶). مگر آنانکه ایمان آورده اند و عملهای شایسته کرده اند خداوند را بسیار یاد کرده اند و پیروز گشتند بعد از آنکه ستم دیده بودند و ظالمان خواهند دانست که به کدام بازگشتگاه باز خواهند گشت (۲۲۷).

(۳) یعنی از شنیدن کلام ملائکه.

(۴) یعنی تواضع کن.

(۵) یعنی از قیام برکوع و از رکوع بسجود.

(۶) یعنی نمازگذاران.

(۷) یعنی بهر مضمون مبالغه می کنند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

طَسَّ تِلْكَ آيَاتُ الْقُرْآنِ وَإِنْ كُنْتُمْ مِنْهُمْ سَاهُونَ ﴿١﴾ هُدًى وَبُشْرَى
لِلْمُؤْمِنِينَ ﴿٢﴾ الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ
بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ ﴿٣﴾ إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ زَيَّاتٌ لَهُمْ
أَعْمَالُهُمْ فَهُمْ يَعْمَهُونَ ﴿٤﴾ أُولَئِكَ الَّذِينَ لَهُمْ سُوءُ الْعَذَابِ
وَهُمْ فِي الْآخِرَةِ هُمْ الْأَخْسَرُونَ ﴿٥﴾ وَإِنَّكَ لَلتَّلْقَى الْقُرْآنَ مِنْ
لَدُنْ حَكِيمٍ عَلِيمٍ ﴿٦﴾ إِذْ قَالَ مُوسَى لِأَهْلِيهِ إِنِّي آنستُ نَارَ اسْتِغَاثِكُمْ
مِنْهَا بِخَبْرٍ أَوْءَاتِيكُمْ بِشَهَابٍ قَبَسٍ لَعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ ﴿٧﴾ فَلَمَّا جَاءَهَا
نُودِيَ أَنْ بُورِكَ مَنْ فِي النَّارِ وَمَنْ حَوْلَهَا وَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ
الْعَالَمِينَ ﴿٨﴾ يَمْوَسَّىٰ إِنَّهُ وَأَنَا اللَّهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿٩﴾ وَأَلْقِ عَصَاكَ
فَلَمَّا رَأَاهَا تَهْتَزُّ كَأَنَّهَا جَانٌّ وَلَّى مُدْبِرًا وَلَمْ يُعَقِّبْ يَمْوَسَّى لَا تَخَفْ
إِنِّي لَا يَخَافُ لَدَى الْمُرْسَلُونَ ﴿١٠﴾ إِلَّا مَنْ ظَلَمَ ثُمَّ بَدَّلَ حَسَنًا بَعْدَ
سُوءٍ فَأَتَىٰ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿١١﴾ وَأَدْخِلْ يَدَكَ فِي جَيْبِكَ تَخْرُجْ بَيْضًا مِنْ
غَيْرِ سُوءٍ فِي تِسْعِ آيَاتٍ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَقَوْمِهِ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ
﴿١٢﴾ فَلَمَّا جَاءَتْهُمْ آيَاتُنَا مُبْصِرَةً قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ ﴿١٣﴾



بنام خدای بخشاینده مهربان.

طس. این ها آیات قرآن و کتاب روشن است (۱). هدایت و مژده برای مسلمانان است (۲). آنانکه نماز را برپامیدارند و زکوة را می دهند و ایشان به آخرت یقین می آورند (۳). آنانکه به آخرت ایمان نمی آورند برای ایشان کردارهای ایشان را آراسته ایم پس ایشان سرگردان می شوند (۴). این جماعت آنانند که برای ایشان سختی عذاب است و آنانند که ایشان در آخرت زیان کارترند (۵). و هرآئینه تو قرآن از نزد خدای استوارکار دانا داده می شوی (۶). یادگن آنگاه که موسی با خانواده اش گفت هرآئینه من آتشی دیده ام برای شما از آن خبری خواهم آورد یا برایتان شعله ای واخگری چند فرا گرفته خواهم آورد، باشد که شما گرمی حاصل کنید (۷). پس چون به آن آتش رسید به او ندا داده شد که برکت داده شد کسی را که در آتش است و کسی را که پیرامون آن است و پاکی برای خدای پروردگار جهانیان است (۸) (۱). ای موسی هرآئینه (سخن اینست که) من خدای غالب با حکمتم (۹). و بیفکن عصای خود را پس چون دید که عصا می جنبد گویا وی ماریست پشت داده روی بگردانید و بازنگشت گفتیم ای موسی مترس هرآئینه نزد من پیامبران نمی ترسند (۱۰). مگر آنکه ستم کرد باز به عوض آن بعد از بدی نیکی کرد پس هرآئینه من آمرزنده مهربانم (۱۱). و دست خود را بگریبان خود درآر تا سفید بدون عیب بیرون آید (باین دوشانه که داخل اند) در نه معجزه به سوی فرعون و قوم او برو هرآئینه ایشان گروه فاسقان بودند (۱۲). پس آنگاه که به ایشان نشانه های ما روشن شده آمد گفتند این سحر ظاهر است (۱۳).

(۱) مترجم گوید کسیکه در آتش است ملائکه که در آن نور مصور بصورت آتش بودند ملائکه دیگر که فرود تر از ایشان بودند والله اعلم.

وَحَدُّوْا بِهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَا اَنْفُسُهُمْ ظُلْمًا وَعُلُوًّا فَانظُرْ كَيْفَ
 كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِيْنَ ﴿١٤﴾ وَقَدْءَا تَيْنَا دَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ عَلِمَاءًا
 وَقَالَا الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِيْ فَضَّلَنَا عَلٰى كَثِيْرٍ مِّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِيْنَ
 ﴿١٥﴾ وَوَرِثَ سُلَيْمٰنُ دَاوُدَ وَقَالَ يٰٓاَيُّهَا النَّاسُ عَلِمْنَا مَنطِقَ
 الطّٰيْرِ وَاوتينا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ ۗ اِنَّ هٰذَا لَهٗوَ الْفَضْلِ الْمُبِيْنِ ﴿١٦﴾
 وَحٰشِرَ لِسُلَيْمٰنَ جُنُوْدُهٗ مِنْ الْجِيْنِ وَالْاِنْسِ وَالطّٰيْرِ فَهَمْ
 يُورَعُوْنَ ﴿١٧﴾ حَتّٰى اِذَا اتَّوَا عَلٰى وَادِ النَّمْلِ قَالَتْ نَمَلَةٌ يٰٓاَيُّهَا
 النَّمْلُ ادْخُلُوْا مَسٰكِنِكُمْ لَآ يَخْطِبَنَّكُمْ سُلَيْمٰنُ وَجُنُوْدُهٗ وَهُمْ
 لَآ يَشْعُرُوْنَ ﴿١٨﴾ فَتَبَسَّ ضَا حِكًا مِّنْ قَوْلِهَا وَقَالَ رَبِّ اَوْزِعْنِيْ
 اَنْ اَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِيْ اَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلٰى وَاٰلِدِيْ وَاَنْ اَعْمَلَ
 صٰلِحًا تَرْضٰهٗ وَاَدْخِلْنِيْ بِرَحْمَتِكَ فِىْ عِبَادِكَ الصّٰلِحِيْنَ
 ﴿١٩﴾ وَتَفَقَّدَ الطّٰيْرَ فَقَالَ مَا لِيَ لَآ اَرٰى الْهُدٰى اَمْ كَانَ
 مِنَ الْغٰيْبِيْنَ ﴿٢٠﴾ لَآ اَعْدَبْتَهٗ وَعَدَّ اَبَا شَدِيْدًا اَوْ لَآ اَذْبَحْنَهٗ
 اَوْ لِيَا تِيْنِيْ بِسُلْطٰنٍ مُّبِيْنٍ ﴿٢١﴾ فَمَكَثَ غَيْرَ بَعِيْدٍ فَقَالَ
 اَحْطٰتُ بِمَا لَمْ تُحِطْ بِهٖ وَجِئْتُكَ مِنْ سَبَإٍ بِنَبَإٍ يَقِيْنٍ ﴿٢٢﴾

وانکار کردند آنها را از روی ستمکاری و تکبر و آنها را دل‌های ایشان باور داشته بود پس بنگر آخرکارِ مفسدان چگونه بود (۱۴). وهرآئینه داود و سلیمان را علم دادیم وگفتند ستایش آن خدایی را است که ما را بر بسیاری از بندگان مومن خویش فضل داد (۱۵). و سلیمان میراث‌بر داود شد وگفت ای مردمان ما را گفتارِ مرغان آموخته شد و ما را از هر نعمتی داده شد هرآئینه این فضلِ ظاهر است (۱۶). و برای سلیمان لشکرهای او از جن و آدمیان و مرغان گرد آورده شد پس این جماعت بعضی را تا رسیدن بعضی دیگر ایستاد کرده می‌شدند (۱۷). تا وقتی که چون بمیدان موران رسیدند موری گفت ای مورچگان به خانه های خود درآیید تا نادانسته شمارا سلیمان و لشکرهای او درهم نشکند (۱۸). پس از گفتار مورچه خندان تبسم کرد وگفت ای پروردگار من الهام کن مرا که شکر این نعمت تو کنم که انعام کرده ای بر من و بر پدر و مادر من و الهام کن مرا که بجا آورم کردارِ شایسته که به آن خشنود شوی و به رحمتِ خود در زمرهٔ بندگانِ شایسته خویش مرا در آور (۱۹). و احوال مرغان را جستجو کرد پس گفت چیست مرا که هدهد را نمی بینم یا هست از غایب شدگان (۲۰). البته او را عقوبت کنم عقوبت سخت یا البته او را ذبح کنم یا این است که پیش من حجتِ ظاهری بیارد (۲۱). پس (هدهد) مدتی نه چندان دیر درنگ کرد پس گفت به چیزی احاطه یافته ام که (تو) به آن احاطه نداشته ای و پیش تو از قبیلهٔ سبا خبریقین آورده ام (۲۲).

إِنِّي وَجَدْتُ أُمَّرَأَةً تَمْلِكُهُمْ وَأُوتِيَتْ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلَهَا
عَرْشٌ عَظِيمٌ ﴿٢٣﴾ وَجَدْتُهَا وَقَوْمَهَا يَسْجُدُونَ لِلشَّمْسِ
مِنْ دُونِ اللَّهِ وَزَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ
فَهُمْ لَا يَهْتَدُونَ ﴿٢٤﴾ أَلَا يَسْجُدُونَ لِلَّهِ الَّذِي يُخْرِجُ الْخَبْءَ فِي
السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَيَعْلَمُ مَا تُخْفُونَ وَمَا تُعْلِنُونَ ﴿٢٥﴾ اللَّهُ
لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ ﴿٢٦﴾ * قَالَ سَنَنْظُرُ
أَصَدَقْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ الْكَاذِبِينَ ﴿٢٧﴾ أَذْهَبَ بِكِتَابِي هَذَا
فَأَلْقَاهُ إِلَيْهِمْ ثُمَّ تَوَلَّى عَنْهُمْ فَانظُرْ مَاذَا يَرْجِعُونَ ﴿٢٨﴾ قَالَتْ يَا أَيُّهَا
الْمَلَأُؤِ إِلَى الْقِي إِلَى كِتَابِ كَرِيمٍ ﴿٢٩﴾ إِنَّهُ وَمَنْ سُلَيْمَنَ وَإِنَّهُ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴿٣٠﴾ أَلَا تَعْلَمُونَ عَلِيُّ وَأَتُونِي مُسْلِمِينَ ﴿٣١﴾
قَالَتْ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَفْتُونِي فِي أَمْرِي مَا كُنْتُ قَاطِعَةً أَمْرًا حَتَّى
تَشْهَدُونَ ﴿٣٢﴾ قَالُوا نَحْنُ أَوْلُوا قُوَّةً وَأَوْلُوا بِأَسِ شَدِيدٍ وَالْأَمْرُ
إِلَيْكَ فَانظُرِي مَاذَا تَأْمُرِينَ ﴿٣٣﴾ قَالَتْ إِنَّ الْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً
أَفْسَدُوهَا وَجَعَلُوا أَعْرَءَ أَهْلِهَا آذِلَّةً وَكَذَلِكَ يَفْعَلُونَ ﴿٣٤﴾
وَإِنِّي مُرْسِلَةٌ إِلَيْهِمْ بِهَدِيَّةٍ فَنَاظِرَةٌ بِمَ يَرْجِعُ الْمُرْسَلُونَ ﴿٣٥﴾

هرآئینه من یافتم که زنی برایشان پادشاهی میکند و او را از هر نعمتی داده شده است و او را تختی بزرگ است (۲۳). یافتم که او و قوم او خورشید را به جای خدا سجده می کنند و شیطان برای ایشان کردارهای ایشانرا آراسته است پس ایشان را از راه بازداشت پس ایشان راه نمی یابند (۲۴). (به آن سو) که سجده کنند آن خدای را که پوشیده را بیرون می آرد که در آسمانها وزمین است و می داند آنچه پنهان می دارید و آنچه آشکار می کنید (۲۵). خدا آنست که هیچ معبود بر حقی غیر او نیست پروردگارِ عرشِ بزرگ است (۲۶). سلیمان گفت خواهیم دید آیا راست گفتی یا هستی از دروع گویان (۲۷). این نامه مرا ببر پس بینداز آنرا به سوی ایشان باز روی بگردان از ایشان پس بنگر چه پاسخی بازمی دهند (۲۸). هرآئینه به سوی من نامه ای گرامی انداخته شد (۲۹). هرآئینه این نامه از جانب سلیمان است و هرآئینه این نامه بنام خدای بخشاینده مهربان است (۳۰). (با این مضمون) که بر من تکبر مکنید و پیش من مسلمان شده بیابید (۳۱). (بلقیس) گفت ای جماعت اشراف در کارم مرا نظر دهید، من فیصله کننده هیچ کاری نبوده ام تا وقتیکه شما پیش من حاضر نشوید (۳۲). گفتند ما خداوندانِ توانایی هستیم و خداوندانِ کارزارِ سختیم و تدبیر کار مفوض با تُست پس بنگر چه فرمان می دهی (۳۳). گفت هرآئینه پادشاهان چون بدهی درآیند آنرا خراب می کنند و عزیزترین اهل آن را خوارترین میگردانند و همچنین می کنند (۳۴). و هرآئینه من فرستندام به سوی ایشان تحفه ای پس بینندام به چه چیز فرستادگان بازمی آیند (۳۵).

فَلَمَّا جَاءَ سُلَيْمَانَ قَالَ أَتِمِدُونَنِي بِمَالِ فَمَا آتَيْنَاهُ اللَّهُ خَيْرٌ مِّمَّا
ءَاتَاكُمْ بَلْ أَنْتُمْ بِهَدْيَتِكُمْ تَفْرَحُونَ ﴿٣٦﴾ أَرْجِعْ إِلَيْهِمْ فَلَنَأْتِيَنَّهُمْ
بِجُنُودٍ لَّا يَلْقَاوْنَ لَهَا بِهَا وَلَا نَخْرُجَنَّهُمْ مِنْهَا أَذِلَّةً وَهُمْ صَاغِرُونَ ﴿٣٧﴾
قَالَ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُوا أَيُّكُمْ يَا بُنَيَّ بَعْرَشَهَا قَبْلَ أَنْ يَأْتُوَنِي مُسْلِمِينَ
﴿٣٨﴾ قَالَ عِفْرِيَّتٌ مِّنَ الْجِنِّ أَنَا ءَاتِيكَ بِهِ ءَقْبَلُ أَنْ تَقُومَ مِن مَّقَامِكَ
وَيَأْتِي عَلَيْهِ لِقَوِي أَمِينٌ ﴿٣٩﴾ قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِّنَ الْكِتَابِ أَنَا
ءَاتِيكَ بِهِ ءَقْبَلُ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ فَلَمَّا رَءَاهُ مُسْتَقِرًّا عِنْدَهُ
قَالَ هَذَا مِن فَضْلِ رَبِّي لِيَبْلُوَنِي ءَأَشْكُرُ أَمْ أَكْفُرُ وَمَن شَكَرَ فَإِنَّمَا
يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ ءَ وَمَن كَفَرَ فَإِنَّ رَبِّي غَنِيٌّ كَرِيمٌ ﴿٤٠﴾ قَالَ نَكُرُوا هَآءَا
عَرَشَهَا نَنْظُرْ أَتَهْتَدِي أَمْ تَكُونُ مِنَ الَّذِينَ لَّا يَهْتَدُونَ ﴿٤١﴾ فَلَمَّا
جَاءَتْ قِيلَ أَهَكَذَا عَرْشُكَ قَالَتْ كَأَنَّهُ هُوَ ءَوُوتِنَا الْعِلْمَ مِن قَبْلِهَا
وَكَأَنَّمُسْلِمِينَ ﴿٤٢﴾ وَصَدَّهَا مَا كَانَتْ تَعْبُدُ مِن دُونِ اللَّهِ إِنَّهَا كَانَتْ مِن
قَوْمِ كَافِرِينَ ﴿٤٣﴾ قِيلَ لَهَا ادْخُلِي الصَّرْحَ فَلَمَّا رَأَتْهُ حَسِبَتْهُ لُجَّةً
وَكَشَفَتْ عَنْ سَاقَيْهَا قَالَ إِنَّهُ صَرْحٌ مُّمَرَّدٌ مِّن قَوَارِيرٍ قَالَتْ رَبِّ
إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي وَأَسَأَمْتُ مَعَ سُلَيْمَانَ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٤٤﴾

پس چون آن فرستاده پیش سلیمان آمد گفت (سلیمان) آیا امداد می کنید مرابمالی پس آنچه خدای تعالی مرا عطا کرده است بهتر است از آنچه شما را عطا کرده است بلکه شما بتحفه^۲ خویش شادمان می شوید (۳۶). باز گرد به سوی ایشان پس البته (برای مقابله) با آنان سپاهیان خواهیم آورد که ایشان را طاقت بمقابله^۳ آن نباشد البته ایشان را ازده خوارو رسواشدگان بیرون کنیم و ایشان خوارباشند (۳۷). گفت^(۲) سلیمان ای اعیان دربار کدام یک از شما پیش من تخت اورا پیش از آن که نزد من مسلمان شده بیایند می آورد (۳۸). تهمتتی از جن گفت من بیارمش نزد تو پیش از آنکه برخیزی از جای خود و هرآئینه من بر آن عرش توانای باامانتم (۳۹). گفت شخصی که نزد او از کتاب الهی علم بود من نزد تو بیارمش پیش از آنکه به سوی تو چشم تو بازگردد پس چون سلیمان آنرا قرارگرفته نزدیک خویش دید گفت این خارق عادت از فضل پروردگار من است تا امتحان کند مرا آیا شکرگزاری می کنم یا ناسپاسی می نمایم و هرکه شکر گذاری کند پس جز این نیست که شکرگزاری میکند برای نفع خویش و هرکه ناسپاسی کرد پس پروردگار من بی نیاز کرم کننده است (۴۰). (سلیمان) گفت برای امتحان این زن تخت اورا متغیر سازید بنگریم آیا راه شناخت می یابد یا می شود از آنانکه راه نمی یابند (۴۱). پس چون (بلقیس) بیامد گفته شد آیا چنین است تخت تو گفت گویا وی همان است و داده شد مارادانش (به حقانیت سلیمان) پیش از این امر و فرمانبردار بودیم (۴۲). و سلیمان آن^(۳) زن را از آنچه بجز خدا عبادت می کرد بازداشت هرآئینه وی از گروه کافران بود (۴۳). به آن (زن) گفته شد که درآی به این قصر پس چون آنرا دید حوض آب پنداشتش و ازدوساق خود جامه برداشت گفت سلیمان این است قصری بی نقش و ساده درخشان ساخته شده از شیشه گفت (بلقیس) ای پروردگار من هرآئینه من ستم کرده ام برخویش و همراه سلیمان برای خدا پروردگار جهانیان اسلام آوردم (۴۴).

(۲) مترجم گوید سلیمان علیه السلام خواست که بلقیس را معجزه نماید و عقل و جمال اورا ادراک فرماید تا اگر مناسب داند بنکاح در آرد، پس تدبیری ساخت والله اعلم.

(۳) مترجم سلیمان علیه السلام را فاعل صدها قرار داده است و اکثر مفسرین می گویند که فاعل صدها «ما» «المصدریه یا الموصوله» است و معنی آیت اینطور میشود که بازداشت آن زن را از عبادت خدا آنچه عبادت میکرد غیر از خدا والله اعلم مصحح.

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ
 فَإِذَا هُمْ فَرِيقَانِ يَخْتَصِمُونَ ﴿٤٥﴾ قَالَ يَتَقَوْمِ لِمَ تَسْتَعْجِلُونَ
 بِالسَّيِّئَةِ قَبْلَ الْحَسَنَةِ لَوْلَا تَسْتَغْفِرُونَ اللَّهَ لَعَلَّكُمْ
 تُرْحَمُونَ ﴿٤٦﴾ قَالُوا أَطِيزْنَا بِكَ وَبِمَنْ مَعَكَ قَالَ طَيْرُكُمْ
 عِنْدَ اللَّهِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ تُفْتَنُونَ ﴿٤٧﴾ وَكَانَ فِي الْمَدِينَةِ
 سَعَةٌ رَهْطٌ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ ﴿٤٨﴾
 قَالُوا اتَّقَا سُمُوًّا بِاللَّهِ لِنَبِيِّتَهُ، وَأَهْلِهِ، ثُمَّ لَنَقُولَنَّ لَوْلِيَّهِ
 مَا شَهِدْنَا مَهْلِكَ أَهْلِهِ، وَإِنَّا لَصَادِقُونَ ﴿٤٩﴾ وَمَكَرُوا
 مَكْرًا وَمَكَرْنَا مَكْرًا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿٥٠﴾ فَانظُرْ
 كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ مَكْرِهِمْ أَنَا دَمَرْنَاهُمْ وَقَوْمَهُمْ
 أَجْمَعِينَ ﴿٥١﴾ فَبَلَكَ يُبُوئُهُمْ خَاوِيَةً بِمَا ظَلَمُوا إِيَّاكَ
 فِي ذَلِكَ لآيَةً لِّقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ﴿٥٢﴾ وَأَنْجَيْنَا الَّذِينَ آمَنُوا
 وَكَانُوا يَتَّقُونَ ﴿٥٣﴾ وَلَوْطَا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَتَأْتُونَ
 الْفُلْحِشَةَ وَأَنْتُمْ بُبْصُرُونَ ﴿٥٤﴾ أَيِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ
 شَهْوَةً مِّنْ دُونِ النِّسَاءِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ ﴿٥٥﴾

به راستی به سوی ثمود برادریشان صالح را فرستادیم که خدا را عبادت کنید پس ناگهان آن قوم دوگروه شدند بایکدیگر خصومت می کردند (۴۵). (صالح) گفت ای قوم من چرا سختی را پیش از راحتی شتابان طلب می کنید چرا از خدا طلب آموزش نمی کنید باشد که بر شما رحم کرده شود (۴۶). گفتند از تو و از آنانکه همراه تو هستند شگون بد گرفتیم گفت شگون بد شما نزد خداست (۴) بلکه شما قومی هستید که امتحان کرده می شوید (۴۷). و در آن شهر نه گروه بودند که در زمین فساد می کردند و اصلاح نمی نمودند (۴۸). بایک دیگر قسم خدا خورده، گفتند که البته بر صالح و اهل خانه او شبیخون زنیم باز البته وارث او را خواهیم گفت که وقت هلاک شدن اهل او حاضر نبودیم و هر آئینه ما راست گوئیم (۴۹). و حيله کردند بنوعی از حيله و تدبير کردیم مانوعی از تدبير و ایشان نمی دانستند (۵۰). پس بنگر چگونه بود سرانجام حيله ایشان که ما ایشان و قوم ایشان همگی را هلاک کردیم (۵۱). پس این است خانه های ایشان خالی مانده به سبب ظلم ایشان هر آئینه درین ماجرا نشانه ای هست گروهی را که میدانند (۵۲). و آنان را که ایمان آوردند و پرهیز گاری می کردند نجات دادیم (۵۳). و فرستادیم لوط را چون گفت به قوم خود آیا بعمل می آورید کار بی حیایی را و شما می بینید (۵۴). آیا شما به جای زنان با مردان به اراده شهوت می آید بلکه شما قومی نادانید (۵۵).

(۴) یعنی مصائب بروفق تقدیر الهی جاری میشود.

* فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا أَخْرِجُوهُمْ أَلَّا
 لَوْ طِمْ مِنْ قَرْيَتِكُمْ^{٥٦} إِنَّهُمْ أَنْ سِ يَتَطَهَّرُونَ ۖ فَأَنْجَيْنَاهُ
 وَأَهْلَهُ^{٥٧} إِلَّا أُمَّرَاتَهُ وَقَدَّرْنَا مِنْ الْغَابِرِينَ ۖ وَأَمْطَرْنَا
 عَلَيْهِمْ مَطَرًا فَسَاءً مَطَرُ الْمُنذِرِينَ ۖ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ
 وَسَلَامٌ عَلَى عِبَادِهِ الَّذِينَ أُصْطَفُوا ۗ اللَّهُ خَيْرٌ مِمَّا يَشْرِكُونَ
 ۝٥٩ أَمَّنْ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ
 مَاءً فَأَنْبَتْنَا بِهِ حَدَائِقَ ذَاتَ بَهْجَةٍ مِمَّا كَانَ لَكُمْ أَنْ
 تُنْبِتُوا شَجَرَهَا ۗ أَلَيْسَ لَهُ مَعَ اللَّهِ بَلٌّ هُمْ قَوْمٌ يَعْدِلُونَ ۖ
 أَمَّنْ جَعَلَ الْأَرْضَ قَرَارًا وَجَعَلَ خِلَالَهَا أَنْهَارًا وَجَعَلَ
 لَهَا رَوَاسِيَ وَجَعَلَ بَيْنَ الْبَحْرَيْنِ حَاجِزًا ۗ أَلَيْسَ لَهُ مَعَ اللَّهِ
 بَلٌّ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ۖ ۝٦١ أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا
 دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ ۗ
 أَلَيْسَ لَهُ مَعَ اللَّهِ قَلِيلًا مِمَّا تَدَّكَّرُونَ ۖ ۝٦٢ أَمَّنْ يَهْدِيكُمْ فِي
 ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَنْ يُرْسِلِ الرِّيحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ
 رَحْمَتِهِ ۗ أَلَيْسَ لَهُ مَعَ اللَّهِ تَعَالَى اللَّهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ ۖ ۝٦٣

پس جواب قوم او نبود مگر آنکه گفتند اهل خانه لوط را از ده خویش بیرون کنید هر آینه ایشان مردمانی پاکیزه طلبند (۵۶). پس او را و خانواده اش را نجات دادیم مگر زنش که او را از باقی ماندگان تعیین کردیم (۵۷). بر سر ایشان بارانی (بلا) بارانیدیم پس باران ترسانده شدگان بدست (۵۸). بگوسپاس خدای راست و سلام بر آن بندگان او که ایشان را برگزیده است آیا خدا بهتر است یا آنچه شریک می آورند (۵۹). (نه بلکه می پرسیم) کیست آنکه آسمانها و زمین را آفریده و برای شما از آسمان آبی فرود آورده پس رویانیدیم به (سبب) آن بوستانهایی را با تازگی ممکن نبود شمارا که درخت های آن را برویانید آیا معبودی هست با خدا بلکه ایشان گروهی اند که کج میروند (۶۰). (نه بلکه می پرسیم) کیست آنکه ساخت زمین را قرارگاهی و پیدا کرد در میان زمین جوياها و برای زمین کوه ها بیافرید و میان دودریا حجابی را بیافرید آیا معبودی دیگر با خدا هست بلکه بیشترین ایشان نمی دانند (۶۱). (نه بلکه می پرسیم) کیست آنکه قبول می کند (دعای شخص) درمانده را چون بخواندش و سختی را بردارد و شمارا جانشین نخستینیان در زمین بسازد آیا معبودی دیگر با خدا هست اندکی پند می پذیرید (۶۲). (نه بلکه می پرسیم) کیست آنکه شمارا در تاریکی های بیابان و دریا راه می نماید و چه کسی بادها را مژده دهنده پیش دست رحمت خود می فرستد آیا معبودی با خدا هست خدا از آنکه شریک می گیرند برتر است (۶۳).

أَمَّنْ يَبْدُوُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ، وَمَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ
 أَءِلَهٌ لَّهُ مَعَ اللَّهِ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٦٤﴾ قُلْ
 لَا يَعْلَمُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ الْغَيْبَ إِلَّا اللَّهُ وَمَا يَشْعُرُونَ
 أَيَّانَ يُبْعَثُونَ ﴿٦٥﴾ بَلِ أَدْرَاكَ عِلْمُهُمْ فِي الْآخِرَةِ بَلْ هُمْ فِي
 شَكٍّ مِّنْهَا بَلْ هُمْ مِّنْهَا عَمُونَ ﴿٦٦﴾ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَءِذَا
 كُنَّا تُرَابًا وَّءِذَا بَابُنَا أَبْوَابًا إِنَّا لَمُخْرَجُونَ ﴿٦٧﴾ لَقَدْ وَعَدْنَا هَذَا
 نَحْنُ وَّءِذَا بَابُنَا مِنْ قَبْلُ إِنْ هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ ﴿٦٨﴾
 قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ
 ﴿٦٩﴾ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَلَا تَكُنْ فِي ضَيْقٍ مِّمَّا يَمْكُرُونَ ﴿٧٠﴾
 وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٧١﴾ قُلْ عَسَى
 أَنْ يَكُونَ رَدِفَ لَكُمْ بَعْضُ الَّذِي تَسْتَعْجِلُونَ ﴿٧٢﴾ وَإِنَّ رَبَّكَ
 لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَشْكُرُونَ ﴿٧٣﴾ وَإِنَّ
 رَبَّكَ لَيَعْلَمُ مَا تُكِنُّ صُدُورُهُمْ وَمَا يُعْلِنُونَ ﴿٧٤﴾ وَمَا مِنْ غَآيَةِ
 فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ ﴿٧٥﴾ إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ
 يَقُصُّ عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ أَكْثَرَ الَّذِي هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ﴿٧٦﴾

(نه بلکه می پرسیم) کیست آنکه آفرینش را آغاز می کند باز دگر بار بازگرداندش و کیست آنکه شمارا از آسمان وزمین روزی می دهد آیا معبودی با خدا هست بگو حجت خود را اگر راست گویند بیاورید (۶۴). بگو هر کس که در آسمانها وزمین است غیب را نمیداند مگر خدا و نمیدانند که کی برانگیخته شوند (۶۵). بلکه پی در پی متوجه شد علم ایشان درباره^۵ (روز) آخرت تدریجا بر باد رفت (روز) آخرت در شک هستند بلکه ایشان از آخرت نابینا (۶۶). و کافران گفتند آیا چون خاک شویم و پدران ما نیز آیا ما بیرون آورده شدگانیم (یعنی از قبور) (۶۷). به راستی ما و پدران ما پیش ازین به این امر وعده داده شد، نیست این مگر افسانه های پیشینیان (۶۸). بگو در زمین بگردید پس بنگرید سر انجام کارگنهاران چگونه بود (۶۹). و برایشان اندوه مخور و در تنگدلی از مکرید ایشان مباش (۷۰). و می گویند کی خواهد بود این وعده اگر راست گویند (۷۱). بگو شاید برخی از آنچه راکه به شتاب می طلبید^۶ به شما نزدیک شده باشد (۷۲). و هر آئینه پروردگارتو بر مردمان خداوند فضل است ولیکن بیشترین ایشان شکر نمی کنند (۷۳). و هر آئینه پروردگارتو آنچه راکه سینه های ایشان پنهان می کنند و آنچه راکه ظاهر می نمایند میدانند (۷۴). و نیست هیچ پوشیده ای در آسمان وزمین مگر در کتاب روشن نوشته است (۷۵). هر آئینه این قرآن بر بنی اسرائیل بیشتر آنچه ایشان در آن اختلاف می ورزند بیان می کند (۷۶).

(۵) یعنی تا به آنکه منقطع گشت.

(۶) یعنی عقوبت دنیا.

وإِنَّهُ لَهْدَىٰ وَرَحْمَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ ﴿٧٧﴾ إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ
بِحُكْمِهِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْعَلِيمُ ﴿٧٨﴾ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّكَ عَلَىٰ
الْحَقِّ الْمُبِينِ ﴿٧٩﴾ إِنَّكَ لَا تَسْمَعُ الْمَوْتَىٰ وَلَا تَسْمَعُ الضُّعْفَ الدُّعَاءَ
إِذَا وُلُّوا مُدْبِرِينَ ﴿٨٠﴾ وَمَا أَنْتَ بِهَادِي الْعُمَىٰ عَن ضَلَالَتِهِمْ إِنْ
تَسْمَعُ إِلَّا مَن يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ مُسْلِمُونَ ﴿٨١﴾ * وَإِذَا وَقَعَ
الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ
النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ ﴿٨٢﴾ وَيَوْمَ نَخَشِرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ
فَوْجًا مَّمَّنْ يُكْذِبُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ يُوزَعُونَ ﴿٨٣﴾ حَتَّىٰ إِذَا جَاءَهُ وَقَالَ
أَكْذَبْتُمْ بِآيَاتِي وَلَمْ تُحِطُوا بِهَا عِلْمًا أَمْ آذَانًا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ
﴿٨٤﴾ وَوَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ بِمَا ظَلَمُوا فَهُمْ لَا يَنْطِقُونَ ﴿٨٥﴾ أَلَمْ
يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا اللَّيْلَ لَيْسًا كُنُوفِيهِ وَالنَّهَارَ مَبْصُرًا إِنَّ فِي
ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿٨٦﴾ وَيَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَفَزِعَ مَن
فِي السَّمَاوَاتِ وَمَن فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَن شَاءَ اللَّهُ وَكُلُّ أَتَوْهُ
دَاخِرِينَ ﴿٨٧﴾ وَتَرَى الْجِبَالَ تَحْسَبُهَا جَامِدَةً وَهِيَ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ
صُنِعَ اللَّهُ الَّذِي أَنْتَقَنَ كُلَّ شَيْءٍ إِنَّهُ هُوَ خَيْرٌ بِمَا تَفْعَلُونَ ﴿٨٨﴾

وهرآئینه وی برای مسلمانان هدایت ورحمت است (۷۷). هرآئینه پروردگار تومیان ایشان به حکم خود فیصله کند و او غالب دانا است (۷۸). پس بر خدا توکل کن هرآئینه تو بردین راست روشن هستی (۷۹). هرآئینه تو مردگان را نمی توانی شنواید وکران را آواز نمی توانی شنواید وقتیکه پشت داده روی بگردانند (۸۰). ونیستی تو راه نماینده کوران تا از گمراهی خویش بازآیند نمی شنوایی مگر کسی را که به آیه‌های ما ایمان آورده است پس این جماعت گردن نهندگانند (۸۱). وچون وعده عذاب برایشان متحقق شود برای ایشان جانوری اززمین بیرون می آوریم که سخن گوید به ایشان به آنکه مردمان بآیات مایقین نمی آوردند (۸۲). وآن روز که از هرامتی طائفه‌ای را ازآنانکه آیات ما را دروغ می شمردند برانگیزیم پس بعضی را ازایشان تارسیدن بعضی دیگر ایستاده کرده میشود (۸۳). تا آن وقتیکه چون حاضر آیند خدا گوید آیا آیات مرا تکذیب کردید و به آن ازروی دانش درنگرفته بودید یاچه کار می کردید (۸۴). وعده عذاب برایشان ثابت شد بسبب ستم کردن ایشان پس آن جماعت سخن نگویند (۸۵). آیا ندیده‌اند که ما شب را تا درآن آرام گیرند پیدا کرده ایم وروز را روشن پیدا کرده ایم هرآئینه درین امر نشانه هاست برای قومی که باورمی دارند (۸۶). ویادکن آن روز را که در صور دمیده می شود پس آنانکه درآسمانهایند وآنانکه درزمین‌اند هراسان گردند مگر کسیکه خدا خواسته است وهمه پیش خدا خوارشده بیایند (۸۷). وببینی کوهها را آنها را برجای ایستاده پنداری حال آنکه آنها می‌روند مانند رفتن ابر آفرینش آن خدایی که هرچیز را استوار ساخت هرآئینه وی به آنچه می‌کنید خبرداراست (۸۸).

مَن جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ وَخَيْرٌ مِّنْهَا وَهُمْ مِّنْ فَزَعٍ يَوْمَئِذٍ آمِنُونَ ﴿٨٩﴾
 وَمَن جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَكَبَّتْ وَجُوهُهُمْ فِي النَّارِ هَلْ يُجْزَوْنَ إِلَّا
 مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٩٠﴾ إِنَّمَا أَمْرُهُ أَنِ أَعْبَدَ رَبَّ هَذِهِ الْبَلَدَةِ
 الَّذِي حَرَّمَهَا وَلَهُ كُلُّ شَيْءٍ وَأَمْرُهُ أَنِ أَكُونَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ
 ﴿٩١﴾ وَأَنِ أَتْلُوا الْقُرْآنَ أَنِ فَمَنِ اهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ ۗ
 وَمَن ضَلَّ فَقُلْ إِنَّمَا أَنَا مِنَ الْمُنذِرِينَ ﴿٩٢﴾ وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ
 سَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ ۖ فَتَعْرِفُونَهَا وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ﴿٩٣﴾

سورة القصص

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

طَسَمَ ﴿١﴾ تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ ﴿٢﴾ نَتْلُو عَلَيْكَ
 مِن نَّبَأِ مُوسَىٰ وَفِرْعَوْنَ بِالْحَقِّ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿٣﴾ إِنَّ
 فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا يَسْتَضِعُّ
 طَائِفَةً مِّنْهُمْ يُذَبِّحُ أَبْنَاءَهُمْ وَيَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ
 مِنَ الْمُفْسِدِينَ ﴿٤﴾ وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا
 فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ ﴿٥﴾

هرکس که نیکی بیاورد پس او را بهتر از آن باشد و ایشان از خوفناکی آن روز ایمن باشند (۸۹). و هرکس که بدی بیاورد چهره های ایشان در آتش نگونسار کرده شود جزا داده نمی‌شود مگر در برابر آنچه که عمل می‌کردید (۹۰). (یا محمد) بگو جزاین نیست که مرا فرموده شد که خداوند این شهر را (یعنی مکه را) عبادت کنم آنکه آنرا محترم ساخت و هر چیز بتصرف اوست، و مرا فرموده شد که از مسلمانان باشم (۹۱). و فرموده شد آنکه قرآن را بخوانم پس هرکس که راه یافت پس جزاین نیست که برای نفع خویشان راه می‌یابد و هرکه گمراه شد بگو جزاین نیست که من از بیم کنندگانم (۹۲). و بگوستایش خدای راست که شمارا آیات خود خواهد نمود پس آنها را بشناسید و پروردگار تو بی‌خبر از آنچه می‌کنید نیست (۹۳).



بنام خدای بخشاینده مهربان.

طسم (۱). این آیات کتاب روشن است (۲). از خیر موسی و فرعون برای گروهی که باور میدارند به راستی برتومی خوانیم (۳). هرآئینه فرعون در زمین تکبر کرد و اهل آن را گروه گروه ساخت جماعتی را از ایشان زبون می‌گرفت، پسران ایشان را می‌گشت و دختران ایشان را زنده می‌گذاشت هرآئینه وی از مفسدان بود (۴). و می‌خواهیم برآنان که زبون گرفته شده‌اند در زمین منت نهیم ایشان را نعمت فراوان دهیم و ایشان را پیشوا سازیم و ایشان را وارث کنیم (۵).

وَنَمَكِن لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَنُرِي فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا
 مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ ﴿٦﴾ وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّ مُوسَىٰ
 أَنْ أَرْضِعِيهٗ فَإِذَا خِفْتِ عَلَيْهِ فَأَلْقِيهِ فِي الْيَمِّ وَلَا تَخَافِي
 وَلَا تَحْزَنِي إِنَّا رَادُّوهُ إِلَيْكِ وَجَاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ ﴿٧﴾
 فَالْتَقَطَهُ آءَالُ فِرْعَوْنَ لِيَكُونَ لَهُمْ عَدُوًّا وَحَزَنًا إِنَّ
 فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا كَانُوا خَاطِبِينَ ﴿٨﴾
 وَقَالَتِ امْرَأَتُ فِرْعَوْنَ قُرَّتْ عَيْنِي لِي وَلَكَ لَا تَقْتُلُوهُ
 عَسَىٰ أَنْ يَنْفَعَنَا أَوْ نَتَّخِذَهُ وَوَلَدًا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿٩﴾
 وَأَصْبَحَ فُؤَادُ أُمِّ مُوسَىٰ فَرِغًا إِنْ كَادَتْ لَتُبْدِي بِهِ لَوْلَا
 أَنْ رَبَّنَا عَلَىٰ قَلْبِهَا لِتَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٠﴾ وَقَالَتِ
 لِأُخْتَيْهِ قُصِيَّةٌ فَبَصُرَتْ بِهِ عَنْ جُنْبٍ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ
 ﴿١١﴾ * وَحَرَّمَ عَلَيَّهِ الْمَرَاضِعَ مِنْ قَبْلُ فَقَالَتْ هَلْ أَدُلُّكُمْ
 عَلَىٰ أَهْلِ بَيْتٍ يَكْفُلُونَهُ لَكُمْ وَهُمْ لَهُ نَصْحُونَ
 ﴿١٢﴾ فَرَدَدْنَاهُ إِلَىٰ أُمِّهِ كَىٰ تَقَرَّعِينَهَا وَلَا تَحْزَنَ وَلِتَعْلَمَ
 أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿١٣﴾

وایشان را درزمین دسترس دهیم و فرعون وهامان و لشکرهای ایشان را از زبون گرفتگان آنچه می ترسیدند بنماییم (۶). والهام فرستادیم به سوی مادر موسی اینکه شیربده او را پس چون بروی بترسی او را در دریا بینداز و مترس و اندوه مخور هرآئینه ما به سوی تو بازرساننده^۱ اوهستیم و او را از پیامبران گرداننده ایم (۷). پس آن را اهل خانه فرعون برگرفتند تا آخر کار برای ایشان دشمن و سبب اندوه شود هرآئینه فرعون وهامان و لشکرهای ایشان خطا کننده بودند (۸). وزن فرعون گفت این طفل برای من و تو خنکی چشم است او را مکشید بُود که مارا نفع دهد یا او را فرزند گیریم و ایشان حقیقت حال را نمی دانستند (۹). و دل مادر موسی از صبر خالی گشت هرآئینه نزدیک بود که آن قصه را آشکار کند اگرمانمی بستیم بردل اورشته^(۱) ای تا از باور دارندگان باشد (۱۰). و به خواهرش گفت به دنبالش برو پس او را ازدوردید در حالیکه قوم فرعون نمی دانستند (۱۱). و پیش از (آمدن) خواهر موسی شیرهمه دایگان را بر موسی حرام ساختیم پس خواهرش گفت آیا شما را براهل خانه ای که خیرداری این طفل کنند برای شما راهنمایم و ایشان برای اونیک خواهانند (۱۲). پس او را به سوی مادراو بازگردانیدیم تا چشم وی خنک شود و اندوه نخورد و تابداند که وعده خدا راست است ولیکن بیشترین مردمان نمی دانند (۱۳).

(۱) یعنی صبر نمی دادیم.

وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ، وَاسْتَوَىٰ آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَكَذَلِكَ نَجْزِي
 الْمُحْسِنِينَ ﴿١٤﴾ وَدَخَلَ الْمَدِينَةَ عَلَىٰ حِينٍ غَفْلَةٍ مِّنْ أَهْلِهَا
 فَوَجَدَ فِيهَا رَجُلَيْنِ يَقْتَتِلَانِ هَذَا مِنْ شِيعَتِهِ وَهَذَا مِنْ عَدُوِّهِ
 فَاسْتَغَاثَهُ الَّذِي مِنَ شِيعَتِهِ عَلَى الَّذِي مِنْ عَدُوِّهِ فَوَكَرَهُ
 مُوسَىٰ فَقَضَىٰ عَلَيْهِ قَالَ هَذَا مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ عَدُوٌّ مُّضِلٌّ
 مُّبِينٌ ﴿١٥﴾ قَالَ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي فَغَفَرَ لَهُ إِنَّهُ
 هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ﴿١٦﴾ قَالَ رَبِّ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ فَلَنْ أَكُونَ
 ظَهِيرًا لِلْمُجْرِمِينَ ﴿١٧﴾ فَأَصْبَحَ فِي الْمَدِينَةِ خَائِفًا يَتَرَقَّبُ فَإِذَا
 الَّذِي اسْتَنْصَرَهُ بِالْأَمْسِ يَسْتَصْرِخُهُ وَقَالَ لَهُ وَمُوسَىٰ إِنَّكَ لَغَوِيٌّ
 مُّبِينٌ ﴿١٨﴾ فَلَمَّا أَنْ أَرَادَ أَنْ يَبْطِشَ بِالَّذِي هُوَ عَدُوٌّ لَهُمَا قَالَ
 يَا مُوسَىٰ أَرِيدُ أَنْ نَقْتُلَكَ كَمَا قَتَلْتَ نَفْسًا بِالْأَمْسِ إِنْ تُرِيدُ
 إِلَّا أَنْ تَكُونَ جَبَّارًا فِي الْأَرْضِ وَمَا تُرِيدُ أَنْ تَكُونَ مِنَ الْمُصْلِحِينَ
 ﴿١٩﴾ وَجَاءَ رَجُلٌ مِّنْ أَقْصَا الْمَدِينَةِ يَسْعَىٰ قَالَ يَا مُوسَىٰ إِنَّ الْمَلَأَ
 يَأْتَمِرُونَ بِكَ لِيَقْتُلُوكَ فَاخْرُجْ إِنِّي لَمَكِّنٌ لِّكَ مِنَ الْمُصْلِحِينَ ﴿٢٠﴾
 فَخَرَجَ مِنْهَا خَائِفًا يَتَرَقَّبُ قَالَ رَبِّ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿٢١﴾

و چون بنهایت جوانی خود رسید و درست اندام شد او را حکمت و دانش دادیم و نیکوکاران را همچنین پاداش می‌دهیم (۱۴). و در شهر بروقت بیخبری اهل آن درآمد پس آنجا دو شخص را که بایکدیگر جنگ می‌کردند یافت آن يك از قوم موسی بود و آن دیگر از دشمنان وی پس طلب کمک کرد شخصی که از قوم او بود برآن دیگری که از دشمنانش بود پس او را موسی مشت زد پس بکشتش گفت این از کار شیطان است هرآئینه شیطان دشمن گمراه کننده آشکاراست (۱۵). گفت ای پروردگرم هرآئینه من برخویش ستم کردم پس مرا بیمارز پس بیمارزیدش هرآئینه وی آمرزنده مهربان است (۱۶). گفت ای پروردگار من بحق انعام کردن تو بر من هرگز مددکار گنهکاران نخواهم بود (۱۷). پس گشت کرد در شهر ترسان و نگران (از مجازات) پس ناگهان شخصی که از او دیروز کمک طلب کرده بود باز به فریاد رسی میخواندش موسی به او گفت هرآئینه تو گمراه آشکاری (۱۸). پس چون خواست که دست دراز کند به شخصی که وی دشمن موسی و دشمن فریادکننده بود گفت فریاد کننده ای موسی آیامیخواهی که مرا بکشی چنانکه شخصی را دیروز کشتی نمی‌خواهی مگر آنکه در زمین ستمکاری باشی و نمی‌خواهی که از نیکوکاران^(۲) باشی (۱۹). و شخصی از آخر شهر شتابان آمد گفت ای موسی هرآئینه رئیسان مشورت می‌کنند در حق تو تا تو را بکشند پس بیرون روهرآئینه من برای تواز نیک خواهانم (۲۰). پس بیمناک از آن شهر درحالی که نگران بود بیرون آمد ای پروردگار من مرا از گروه ستمگاران نجات ده (۲۱).

(۲) یعنی چون موسی او را گفت تو گمراه آشکاری فهمید که بر سر من غضب کرده می‌آید.

وَلَمَّا تَوَجَّهَ تِلْقَاءَ مَدْيَنَ قَالَ عَسَىٰ رَبِّي أَن يَهْدِيَنِي سَوَاءَ
 السَّبِيلِ ﴿٢٢﴾ وَلَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدْيَنَ وَجَدَ عَلَيْهِ أُمَّةً مِّنَ
 النَّاسِ يَسْقُونَ وَوَجَدَ مِنْ دُونِهِمُ امْرَأَتَيْنِ تَذُودَانِ قَالَ
 مَا خَطْبُكُمَا قَالَتَا لَا نَسْقِي حَتَّىٰ يُصَدِرَ الرِّعَاءُ وَأُبُونَا
 شَيْخٌ كَبِيرٌ ﴿٢٣﴾ فَسَقَىٰ لَهُمَا ثُمَّ تَوَلَّىٰ إِلَى الظِّلِّ فَقَالَ
 رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ ﴿٢٤﴾ فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا
 تَمْشِي عَلَىٰ اسْتِحْيَاءٍ قَالَتْ إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ لِيَجْزِيَكَ
 أَجْرَ مَا سَقَيْتَ لَنَا فَلَمَّا جَاءَهُ وَقَصَّ عَلَيْهِ الْقِصَصَ قَالَ
 لَا تَخَفْ نَجَوْتَ مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿٢٥﴾ قَالَتْ إِحْدَاهُمَا
 يَبَّابَةٌ اسْتَجْرَهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ
 ﴿٢٦﴾ قَالَ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ بِكَ بِحَبْلٍ مِّنْ عُنُقِكُمْ وَإِنْ كُنْتُمْ
 تَأْجُرُونِي ثُمَّ نَحْبُجْ فَأَنْتُمْ عَشْرًا فَمِنْ عِنْدِكَ
 وَمَا أُرِيدُ أَنْ أَمْسُقَ عَلَيْكَ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ
 الصَّالِحِينَ ﴿٢٧﴾ قَالَ ذَلِكَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ أَيَّمَا الْأَجْلَيْنِ
 فَضَيْتَ فَلَا عُدْوَانَ عَلَيَّ وَاللَّهُ عَلَىٰ مَا نَقُولُ وَكِيلٌ ﴿٢٨﴾

ووقتیکه به سوی شهر مدین متوجه شد گفت امیدوارم از پروردگار خویش که مرا براه راست هدایت فرماید (۲۲). ووقتیکه به آب مدین رسید برآن آب طائفه ای را از مردمان که مواشی را آب می‌نوشانیدند وپایین تر از آنان دو زن را یافت که مواشی خود را باز میدارند گفت (موسی) به آن دو زن چیست حال شماگفتند ما آب نمی‌نوشانیم تاآنکه شبانان مواشی را بازگردانند وپدرما پیر، کلان سال است (۲۳). پس موسی برای این هر دو آب نوشانید باز روی به سوی سایه آورد پس گفت ای پروردگار من هرآئینه من به آنچه به سوی من از نعمت فرود آوردی محتاجم (۲۴). پس به موسی یکی ازین دو زن آمد درحالی که به شرم راه میرفت گفت هرآئینه پدرمن میخواند تورا تا مزد آنکه برای ما آب دادی بتو دهد پس چون موسی بیامد نزد او وپیش او قصه را حکایت کرد گفت مترس از قوم ستمکاران نجات یافتی (۲۵). یکی ازین دو دختر گفت ای پدرمن او را اجیر بگیر هرآئینه بهترین کسیکه بخدمت گیری شخصی توانا با امانت باشد (۲۶). گفت هرآئینه من میخواهم که یکی ازین دو دختر خود را به ازدواج تو درآورم بشرط آنکه هشت سال خدمت من کنی پس اگر ده سال را تمام کنی پس آن تبرع است از نزد تو ونمی‌خواهم که بر تو مشقت افکنم مرا اگر خداخواسته است از شایستگان خواهی یافت (۲۷). موسی گفت این است پیمان میان من و میان تو هر کدام ازین دو مدّت که اداکنم تجاوز بر من نباشد و خدا بر آنچه می‌گوییم گواه است (۲۸).

* فَلَمَّا قَضَىٰ مُوسَىٰ الْأَجَلَ وَسَارَ بِأَهْلِهِ آنَسَ مِنْ جَانِبِ
 الطُّورِ نَارًا قَالَ لِأَهْلِهِ امْكُثُوا إِنِّي آنَسْتُ نَارًا لَعَلِّي آتِيكُمْ
 مِنْهَا بِخَبَرٍ أَوْ جَذْوَةٍ مِنَ النَّارِ لَعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ
 ﴿٣٩﴾ فَلَمَّا أَتَاهَا نُودِيَ مِنْ شَلْطِي الْأَيْمَنِ فِي الْبُقْعَةِ
 الْمُبْرَكَةِ مِنَ الشَّجَرَةِ أَنْ يَكُفَّ عَنِ النَّارِ إِنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ رَبُّ
 الْعَالَمِينَ ﴿٤٠﴾ وَأَنْ أَلْقِ عَصَاكَ فَلَمَّا رَءَاهَا تَهْتَزُّ كَأَنَّهَا
 جَانٌّ وَلَّى مُدْبِرًا وَلَمْ يُعَقِّبْ يَكُفِّ عَنِ النَّارِ أَقْبَلْ وَلَا تَخَفْ
 إِنَّكَ مِنَ الْآمِنِينَ ﴿٤١﴾ أَسْلَكَ يَدَكَ فِي جَيْبِكَ تَخْرُجُ
 بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ وَأَضْمَمَ إِلَيْكَ جَنَاحَكَ مِنَ الرَّهْبِ
 فَذَانِكَ بُرْهَانَانِ مِنْ رَبِّكَ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ إِنَّهُمْ
 كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ ﴿٤٢﴾ قَالَ رَبِّ إِنِّي قَتَلْتُ مِنْهُمْ نَفْسًا
 فَأَخَافُ أَنْ يَقْتُلُونِ ﴿٤٣﴾ وَأَخِي هَارُونُ هُوَ أَفْصَحُ مِنِّي لِسَانًا
 فَأَرْسَلْهُ مَعِيَ رِدْءًا يُصَدِّقُنِي إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُكَذِّبُونِ ﴿٤٤﴾
 قَالَ سَنَشُدُّ عَضُدَكَ بِأَخِيكَ وَنَجْعَلُ لَكُمَا سُلْطٰنًا فَلَا
 يَصِلُونَ إِلَيْكُمَا بِأَيِّتِنَا أُنْتَمَا وَمَنْ أَتَّبَعَكُمَا الْغٰلِبُونَ ﴿٤٥﴾

پس چون موسی آن میعادرا به پایان رسانید و با اهل خود روان شد از جانب کوه طور آتشی را دید گفت به اهل خود توقف کنید هرآئینه آتشی را دیده‌ام امید دارم که برایتان از آنجا خبری بیاورم یا بیارم شعله ای از آتش بُود که شما گرمی حاصل کنید (۲۹). پس چون نزدیک آتش آمد آواز داده شد از کرانه^۲ راست میدان در جایگاه بابرکت از میان درخت که ای موسی هرآئینه من خدایم پروردگار جهانیان (۳۰). و آنکه بیفکن عصای خود را پس چون دید که عصا حرکت می کند گویا وی ماریست پشت داده روی بگردانید و باز نگشت گفتیم ای موسی پیش آی و مترس هرآئینه تو از ایمنانی (۳۱). دست خود را در گریبان خود درآر تا بیرون آید سفید شده بدون هیچ علتی و بهم آر به سوی خود بازوی خود را از ترس^(۳) پس این هردو دو نشانه از جانب پروردگارتو فرود آمده اند به سوی فرعون و جماعت او هرآئینه ایشان گروه بدکار بودند (۳۲). گفت ای پروردگار من هرآئینه من از ایشان شخصی را کشته‌ام پس می ترسم که مرا بکشند (۳۳). و برادر من هارون از من فصیح تراست از جهت زبان پس او را همراه من مدد کننده بفرست که مرا باوردارد هرآئینه من می ترسم از آنکه مرا تکذیب کنند (۳۴). گفت خدا محکم خواهیم کرد بازوی تو را به برادر تو و شمارا غلبه خواهیم داد پس نتوانند به قصد اذیت کردن به سوی شما رسید بسبب نشانه‌های ما، شما و آنانکه پیروی شما کرده‌اند غالب خواهید شد (۳۵).

(۳) یعنی برای دفع ترسی که بسبب ظهور خوارق پیدا شده.

فَلَمَّا جَاءَهُمْ مُوسَى بِآيَاتِنَا بَيِّنَاتٍ قَالُوا مَا هَذَا إِلَّا أَسْحَرٌ
 مُفْتَرَى وَمَا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي آبَائِنَا الْأَوَّلِينَ ﴿٣٦﴾
 وَقَالَ مُوسَى رَبِّي أَعْلَمُ بِمَن جَاءَ بِالْهُدَىٰ مِنْ عِنْدِهِ وَمَن
 تَكُونُ لَهُ عَاقِبَةُ الدَّارِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ ﴿٣٧﴾
 وَقَالَ فِرْعَوْنُ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ مَا عَلِمْتُ لَكُم مِّنْ إِلَهِ
 غَيْرِي فَأَوْقِدْ لِي يَهْمَنُ عَلَى الطِّينِ فَاجْعَل لِّي صَرْحًا لَّعَلِّي
 أَطَّلِعُ إِلَى إِلَهِ مُوسَى وَإِنِّي لَأَظُنُّهُ مِنَ الْكَاذِبِينَ ﴿٣٨﴾
 وَأَسْتَكَرَّ بِهِمْ وَجُودُهُ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَظَنُّوا
 أَنَّهُم إِلَيْنَا لَا يُرْجَعُونَ ﴿٣٩﴾ فَأَخَذْنَاهُ وَجُودَهُ فَنَبَذْنَاهُمْ
 فِي الْيَمِّ فَأَنْظَرَ كَيْفَ كَانَتْ عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ ﴿٤٠﴾
 وَجَعَلْنَاهُمْ آيَةً يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ
 لَا يُنصَرُونَ ﴿٤١﴾ وَاتَّبَعْنَاهُمْ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا لَعْنَةً
 وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ هُمْ مِنَ الْمَقْبُوحِينَ ﴿٤٢﴾ وَلَقَدْ آتَيْنَا
 مُوسَى الْكِتَابَ مِنْ بَعْدِ مَا أَهْلَكْنَا الْقُرُونَ الْأُولَىٰ
 بَصَائِرَ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَرَحْمَةً لَّعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ﴿٤٣﴾

پس چون موسیٰ برایشان نشانه های روشن مارا آورد گفتند این مگر جادوی بر بسته نیست این را در پدران نخستین خویش نشنیده ایم (۳۶). و گفت موسیٰ پروردگار من داناترست به هرکه هدایت از نزد او آورده است و به هرکه او را عاقبت پسندیده در آخرت است هر آئینه ستمکاران رستگار نمی شوند (۳۷). و فرعون گفت ای سرکردگان برای شما هیچ معبودی غیر از خود ندانسته ام پس ای هامان آتش برافروز برای من بر گل (یعنی خشت بساز) پس بناکن برای من برجی باشد که من از معبود موسیٰ مطلع شوم و هر آئینه من او را ازدروغ گویان می پندارم (۳۸). و فرعون و لشکرهای او در زمین بغیر حق تکبر کردند و گمان کردند که ایشان به سوی ما باز گردانیده نشوند (۳۹). پس او را و لشکرهای او گرفتیم پس ایشان را در دریا افکندیم پس بنگر سر انجام ستمکاران چگونه بود (۴۰). و ایشان را پیشوایانی گردانیدیم که به سوی آتش میخوانند و روز قیامت نصرت داده نشوند (۴۱). و از پی ایشان در این دنیا لعنت را فرستادیم و به روز قیامت ایشان از دور ساختگان باشند (۴۲). به درستی که، موسیٰ را بعد از آن که قرنهاى نخستین را هلاک ساختیم به عنوان دلالی برای مردمان کتاب دادیم و هدایت و بخشایش تابود که ایشان پندپذیر شوند (۴۳).

وَمَا كُنْتَ بِجَانِبِ الْغَرْبِيِّ إِذْ قَضَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ الْأَمْرَ وَمَا كُنْتَ
 مِنَ الشَّاهِدِينَ ﴿٤٤﴾ وَلَكِنَّا أَنشَأْنَا قُرُونًا فَتَطَاوَلَ عَلَيْهِمُ
 الْعُمُرُ وَمَا كُنْتَ ثَاوِيًّا فِي أَهْلِ مَدْيَنَ تَتْلُو عَلَيْهِمْ
 آيَاتِنَا وَلَكِنَّا كُنَّا مُرْسِلِينَ ﴿٤٥﴾ وَمَا كُنْتَ بِجَانِبِ
 الطُّورِ إِذْ نَادَيْنَا وَلَكِن رَّحِمَةً مِّن رَّبِّكَ لِتُنذِرَ قَوْمًا
 مَّا أَتَتْهُم مِّن نَّذِيرٍ مِّن قَبْلِكَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ﴿٤٦﴾
 وَلَوْلَا أَن تُصِيبَهُم مُّصِيبَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ فَيَقُولُوا
 رَبَّنَا لَوْلَا أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا فَنَتَّبِعَ آيَاتِكَ وَنَكُونَ
 مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿٤٧﴾ فَلَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا
 لَوْلَا أُوتِيَ مِثْلَ مَا أُوتِيَ مُوسَىٰ أَوْ لَمَّا يَكْفُرُوا بِمَا أُوتِيَ
 مُوسَىٰ مِنْ قَبْلُ قَالُوا سِحْرَانِ تَظَاهَرَا وَقَالُوا إِنَّا بِكُلِّ كَفْرٍ مِّن
 ﴿٤٨﴾ قُلْ فَاتُوا بِكِتَابٍ مِّن عِنْدِ اللَّهِ هُوَ أَهْدَىٰ مِنْهُمَا أَتَّبِعُهُ
 إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٤٩﴾ فَإِن لَّمْ يَسْتَجِيبُوا لَكَ فَاعْلَمْ
 أَنَّمَا يَتَّبِعُونَ أَهْوَاءَهُمْ وَمَن أَضَلُّ مِمَّنِ اتَّبَعَ هَوَاهُ بِغَيْرِ
 هُدًى مِّنَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ﴿٥٠﴾

و چون (کار) وحی را با موسی به انجام رسانیدیم تودر جانب غربی (میقات ما باموسی) از حاضران نبودی (۴۴). ولیکن ما قرن‌ها را یعنی بعد از موسی آفریدیم پس درازشد برایشان عمر و تو باشنده نبودی در اهل مدین که آیات ما را برایشان بخوانی ولیکن فرستنده ما بودیم (۴۵). و تو به جانب طور نبودی چون آواز دادیم ولیکن وحی آمد از روی بخشایش پروردگار تو تا برسانی گروهی را که نیامده بود بدیشان هیچ ترساننده پیش از تو بود که ایشان پندپذیر شوند (۴۶). و اگر آن نبود که بدیشان عقوبتی برسد بسبب آنکه دست‌های ایشان پیش فرستاده است پس گویند ای پروردگار ما چرا نفرستادی به سوی ما پیامبری را تا پیروی آیات تو کنیم و از مسلمانان باشیم (پیامبران را نمی فرستادیم) (۴۷). پس چون به ایشان وحی راست از نزد ما آمد گفتند این پیامبر چرا مانند آنچه به موسی داده شد داده نشد آیا به آنچه موسی را پیش ازین داده شده کافر نشده‌اند گفتند دوسا حرانند که موافق یک دیگر شده‌اند (۴) و گفتند هر آینه ما همه را منکریم (۴۸). بگو پس کتابی فرود آمده از نزد خدا که وی راه نماینده تر ازین دو باشد بیاورید، تا پیروی او کنم اگر راست گویند (۴۹). پس اگر سخن تورا قبول نکنند پس بدان که جزاین نیست که خواهشات نفس‌های خود را پیروی می‌کنند و کیست گمراه تر از کسیکه پیروی خواهش نفس خود کند بدون راهنمایی خدا، هر آینه خدا گروه ستمکاران را هدایت نمی‌کند (۵۰).

(۴) یعنی تورات و قرآن.

* وَلَقَدْ وَصَلْنَا لَهُمُ الْقَوْلَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ﴿٥١﴾ الَّذِينَ
 آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِهِ هُمْ بِهِ يُؤْمِنُونَ ﴿٥٢﴾ وَإِذَا يُتْلَى
 عَلَيْهِمْ قَالُوا آمَنَّا بِهِ إِنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّنَا إِنَّا كُنَّا مِنْ قَبْلِهِ
 مُسْلِمِينَ ﴿٥٣﴾ أُولَئِكَ يُؤْتُونَ أَجْرَهُمْ مَرَّتَيْنِ بِمَا صَبَرُوا وَيَدْرَءُونَ
 بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ ﴿٥٤﴾ وَإِذَا سَمِعُوا
 اللَّغْوَ أَعْرَضُوا عَنْهُ وَقَالُوا لَنَّا أَعْمَلْنَا وَلَكُمْ أَعْمَلُكُمْ سَلَامٌ
 عَلَيْكُمْ لَا نَبْتَغِي الْجَاهِلِينَ ﴿٥٥﴾ إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ
 وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ ﴿٥٦﴾
 وَقَالُوا إِنْ نَتَّبِعِ الْهُدَى مَعَكَ نَتَّخِطُفُ مِنْ أَرْضِنَا أَوْ لَمْ
 نُمْكِن لَهُمْ حَرَمَاءَ آمَنَّا يُجْبَىٰ إِلَيْهِ ثُمَّ تَرَّتْ كُلُّ شَيْءٍ رِزْقًا
 مِّنْ لَّدُنَّا وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٥٧﴾ وَكَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ
 قَرْيَةٍ بَطَرَتْ مَعِيشَتَهَا فَتِلْكَ مَسْكِنُهُمْ لَمْ تَكُنْ مِّنْ
 بَعْدِهِمْ إِلَّا قَلِيلًا وَكُنَّا نَحْنُ الْوَارِثِينَ ﴿٥٨﴾ وَمَا كَانَتْ رَبُّكَ
 مُهْلِكَ الْقُرَىٰ حَتَّىٰ يَبْعَثَ فِي أُمِّهَارِ سُورًا يَتْلُو عَلَيْهِمْ
 آيَاتِنَا وَمَا كُنَّا مُهْلِكِي الْقُرَىٰ إِلَّا وَأَهْلُهَا ظَالِمُونَ ﴿٥٩﴾

وهرآئینه ما پی در پی برای ایشان این قرآن را آوردیم تا بُوَد که ایشان پندپذیرند (۵۱). آنانکه ایشان را پیش از قرآن کتاب داده ایم ایشان به قرآن ایمان می آورند (۵۲). و چون قرآن برایشان خوانده میشود گویند به آن ایمان آوردیم هرآئینه وی از جانب پروردگار ما راست است هرآئینه ما پیش از نزول قرآن فرمانبردار بودیم (۵۳). اینانند که پاداششان به آنکه بر دباری ورزیدند دوبرابرداده شود و بخصلت نیک، بدی را دفع می کنند و از آنچه ایشان را روزی داده ایم خرج می کنند (۵۴). و چون سخن بیهوده را بشنوند از آن روی بگردانند و گویند ما راست کردارهای ما و شمارا است کردارهای شما سلام بر شما باد صحبت جاهلان^(۵) را نمی خواهیم (۵۵). (یا محمد) هرآئینه تو هدایت نمی نمایی هر که را دوست می داری ولیکن خدا هدایت می نماید هر که را خواهد و او به راه یافتگان داناتراست (۵۶). و گفتند (بعض اهل مکه) اگر باتو پیروی هدایت کنیم از زمین خود ربهوده شویم^(۶) آیا ایشان را در حرمی با امن جای ندادیم به سوی وی میوه ها از هر جنس روزی از نزد ما رسانیده میشود ولیکن بیشترین ایشان نمی دانند (۵۷). و چه بسا از شهرها که در سرخوشی از زیست خود از حد در گذشتند هلاک کردیم پس این خانه های سکونت ایشان است که بعد از آنان سکنی داده نشده اند مگر اندکی ما بدست آورده^(۵) میراث ایشان بودیم (۵۸). و هرگز پروردگارتو هلاک کننده^(۵) ده ها نیست تا آنکه در کانون و مرکز آن پیامبری را بفرستد که برایشان آیات ما را بخواند و هرگز نیستیم هلاک کننده^(۵) ده ها مگر در آن حال که اهل آنها ستمکار باشند (۵۹).

(۵) مترجم گوید یهود پیش از آنکه آنحضرت صلی الله علیه وسلم به مدینه هجرت کند و نسخ یهودیت تصریح فرماید معتقد قرآن بودند و می گفتند عرب را قرآن لازم است.

(۶) یعنی مردمان اخراج کنند.

وَمَا أُوتِيتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَمَتَّعُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا وَمَا عِنْدَ
 اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَى أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿٦٠﴾ أَفَمَنْ وَعَدْنَاهُ وَعَدًّا حَسَنًا
 فَهُوَ لَاقِيهِ كَمَنْ مَتَّعْنَاهُ مَتَّعَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ثُمَّ هُوَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ
 مِنَ الْمُحْضَرِينَ ﴿٦١﴾ وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ أَيْنَ شُرَكَاءِيَ
 الَّذِينَ كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ ﴿٦٢﴾ قَالَ الَّذِينَ حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ رَبَّنَا
 هَؤُلَاءِ الَّذِينَ أَغْوَيْنَا أَغْوَيْنَاهُمْ كَمَا غَوَيْنَا تَبَرَّأْنَا إِلَيْكَ
 مَا كَانُوا إِيَّانَا يَعْبُدُونَ ﴿٦٣﴾ وَقِيلَ ادْعُوا شُرَكَاءَكُمْ فَدَعَوْهُمْ
 فَلَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُمْ وَرَأَوُا الْعَذَابَ لَوْ أَنَّهُمْ كَانُوا يَهْتَدُونَ
 ﴿٦٤﴾ وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ مَاذَا أَجَبْتُمُ الْمُرْسَلِينَ ﴿٦٥﴾
 فَعَمِيَّتْ عَلَيْهِمُ الْأَنْبَاءُ يَوْمَئِذٍ فَهُمْ لَا يَتَسَاءَلُونَ ﴿٦٦﴾ فَأَمَّا
 مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَعَسَىٰ أَنْ يَكُونَ مِنَ الْمُفْلِحِينَ
 ﴿٦٧﴾ وَرَبُّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَيَخْتَارُ مَا كَانَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ سُبْحَانَ
 اللَّهِ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿٦٨﴾ وَرَبُّكَ يَعْلَمُ مَا تُكِنُّ
 صُدُورُهُمْ وَمَا يُعْلِنُونَ ﴿٦٩﴾ وَهُوَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَهُ
 الْحَمْدُ فِي الْأُولَىٰ وَالْآخِرَةِ وَلَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٧٠﴾

و هر چه شمارا از هر نوعی داده شد پس بهره مندیِ زندگانی دنیا و آرایش او است و آنچه نزد خداست بهتر و پاینده تر است آیانی فهمید؟ (۶۰). آیا کسیکه وعده دادی و وعده نیک پس او دریابنده آنست مانند کسی است که به منفعت زندگانی دنیا بهره مند ساختی و بازوی روز قیامت از حاضر کردگان است (۷) (۶۱). و روزیکه ایشان را آواز دهد پس گوید کجایند آن شریکان من که شما گمان می کردید (۶۲). گویند آنانکه برایشان حکم عذاب ثابت شد (۸) ای پروردگار ما این جماعت هستند که ایشان را گمراه کردیم چنانکه خود گمراه شدیم (۹) (از آنان) به نزد تو تبری می جویم، ایشان (در واقع) ما را نمی پرستیدند (۶۳). و گفته شود شریکان خود را بخوانید پس ایشان را بخوانند پس ایشان دعای ایشان را قبول نکنند و عذاب را ببینند و تمنا کنند ای کاش ایشان راه یاب می بودند (۶۴). و روزیکه خدا ایشان را آواز دهد پس گوید پیامبران را چه جواب دادید؟ (۶۵). پس خبرها آن روز برایشان مشتبه شود پس ایشان از یک دیگر سوال نکنند (۱۰) (۶۶). پس اما کسیکه توبه نموده و ایمان آورده و کارشایسته انجام داده باشد پس امید است که از دستگاران باشد (۶۷). و پروردگار تو هر آنچه را بخواهد می آفریند و برمی گزیند هر که را خواهد ایشان اختیار ندارند، پاکی خدای راست و برتر است از آنچه که شریک می آورند (۶۸). و پروردگار تو آنچه را که سینه های ایشان پنهان می دارد و آنچه را آشکار می کند میداند (۶۹). و اوست خدا، هیچ معبود برحق غیر از او نیست برای اوست ستایش در دنیا و آخرت برای او است فرمانروایی و به سوی او باز گردانیده شوید (۷۰).

(۷) یعنی در عذاب.

(۸) یعنی رئیسان کفر.

(۹) یعنی بغیر اکراه.

(۱۰) یعنی جواب باصواب نیابند.

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ جَعَلَ اللَّهُ عَلَيْكُمُ اللَّيْلَ سَرْمَدًا إِلَى يَوْمِ
 الْقِيَامَةِ مَنْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُمْ بِضِيَاءٍ أَمْ لَا تَسْمَعُونَ
 ﴿٧١﴾ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ جَعَلَ اللَّهُ عَلَيْكُمُ النَّهَارَ سَرْمَدًا إِلَى
 يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَنْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُمْ بِلَيْلٍ تَسْكُونَ
 فِيهَا أَمْ لَا تُبْصِرُونَ ﴿٧٢﴾ وَمِنْ رَحْمَتِهِ جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ
 وَالنَّهَارَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ ۗ وَلَعَلَّكُمْ
 تَشْكُرُونَ ﴿٧٣﴾ وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ أَيْنَ شُرَكَائِيَ الَّذِينَ
 كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ ﴿٧٤﴾ وَنَزَعْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا فَقُلْنَا
 هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ فَعَلِمُوا أَنَّ الْحَقَّ لِلَّهِ وَضَلَّ عَنْهُمْ
 مَا كَانُوا يَفْتُرُونَ ﴿٧٥﴾ * إِنْ قَدَرُونَ كَاتَمَ مِنْ قَوْمِ مُوسَى
 فَبَغَى عَلَيْهِمْ ۖ وَآتَيْنَاهُ مِنَ الْكُنُوزِ مَا إِنَّ مَفَاتِحَهُ لَتَنُوءُ
 بِالْعُصْبَةِ أُولَى الْقُوَّةِ إِذْ قَالَ لَهُ وَقَوْمُهُ لَا تَفْرَحُوا ۗ إِنَّ اللَّهَ
 لَا يُحِبُّ الْفَرِحِينَ ﴿٧٦﴾ وَاتَّبَعَ فِيْمَاءَ اتَّكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ
 وَلَا تَسْ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَأَحْسِنَ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ
 وَلَا تَتَّبِعِ الْفَسَادَ فِي الْأَرْضِ ۗ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ ﴿٧٧﴾

بگو آید دیدید که اگر خدای تعالی بر شما شب را پاینده گرداند تا روز قیامت کیست معبودی غیر از خدا که پیش شما روشنی را بیارد آیا نمی‌شنوید؟ (۷۱). بگو آیا دیدید که اگر خدای تعالی بر شما روز را پاینده گرداند تا روز قیامت کیست معبودی غیر از خدا که برای شما شبی را که آرام گیرید در آن بیارد آیا نمی‌بینید؟ (۷۲). و از رحمت خود برای شما شب و روز را ساخت تا در شب آرام گیرید و تا از فضل او روزی طلب کنید^(۱۱) و تا شکرگزاری کنید (۷۳). و روزیکه ایشانرا آواز دهد پس گوید کجا ایند آن شریکان من که گمان می‌کردید (۷۴). و از هرامتی گواهی را بیرون کشیم^(۱۲) پس گوئیم قوم را دلیلتان را بیاورید پس بدانند که حق به جانب خداست و گم شود از ایشان آنچه افترا می‌کردند (۷۵). هر آئینه قارون از قوم موسی بود پس بر ایشان تجاوز کرد و او را از گنجها آن قدر که کلیدهای او گرانی می‌کرد جماعت صاحب توانایی را عطا کرده بودیم چون به او قوم او گفت شاد مشو هر آئینه خدا شاد شوندگان را دوست نمی‌دارد (۷۶). و در آنچه خدا تو را عطا کرده است صلاح سرای آخرت بجوی و نصیب خود را از دنیا^(۱۳) فراموش مکن و نیکوکاری کن چنانکه خدا بر تو احسان کرده است و فساد را در زمین میجو هر آئینه خدا فساد کنندگان را دوست نمی‌دارد (۷۷).

(۱۱) یعنی در روز.

(۱۲) یعنی هر پیامبری بر قوم خود گواهی دهد.

(۱۳) یعنی در دنیا عمل صالح بجآر.

قَالَ إِنَّمَا أوتيتُهُ وَعَلَى عِلْمٍ عِنْدِي أَوَلَمْ يَعْلَم أَنَّ اللَّهَ قَدْ أَهْلَكَ
 مِنْ قَبْلِهِ مِنْ الْقُرُونِ مَنْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُ قُوَّةً وَأَكْثَرُ جَمْعًا
 وَلَا يُسْئَلُ عَنْ دُنُوبِهِمُ الْمُجْرِمُونَ ﴿٧٨﴾ فَخَرَجَ عَلَى قَوْمِهِ
 فِي زِينَتِهِ قَالَ الَّذِينَ يُرِيدُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا يَا لَيْتَ لَنَا
 مِثْلَ مَا أُوتِيَ قُرُونُ إِنَّهُ لَذُو حَظٍّ عَظِيمٍ ﴿٧٩﴾ وَقَالَ الَّذِينَ
 أُوتُوا الْعِلْمَ وَيَدَّكُمُ ثَوَابُ اللَّهِ خَيْرٌ لِمَنْ ءَامَنَ وَعَمِلَ
 صَالِحًا وَلَا يُلَقَّهَا إِلَّا الصَّابِرُونَ ﴿٨٠﴾ فَخَسَفْنَا بِهِ
 وَبِدَارِهِ الْأَرْضَ فَمَا كَانَ لَهُ مِنْ فِئَةٍ يَنْصُرُونَهُ مِنْ دُونِ
 اللَّهِ وَمَا كَانَ مِنَ الْمُنتَصِرِينَ ﴿٨١﴾ وَأَصْبَحَ الَّذِينَ تَمَمَّوْا
 مَكَانَهُ بِالْأَمْسِ يَقُولُونَ وَيَكَانَ اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ
 يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَوْلَا أَنْ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا لَخَسَفَ بِنَا
 وَيَكَانَهُ وَلَا يُفْلِحُ الْكَافِرُونَ ﴿٨٢﴾ تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا
 لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فِسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ
 ﴿٨٣﴾ مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا
 يُجْزَى الَّذِينَ عَمِلُوا السَّيِّئَاتِ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٨٤﴾

گفت جزاین نیست که مرا مال فراوان داده شده است بنابراین بنابر دانشی که نزد من است آیا ندانست که خدا پیش از او از نسلها کسانی را که از او توانمندتر و مال اندوزتر بودند هلاک کرد و گنهکاران از گناهان ایشان^(۱۴) پرسیده نمی شوند (۷۸). پس بر قوم خود در آرایش خویش بیرون آمد آنانکه زندگانی دُنیا را طلب می کردند گفتند ای کاش ما (نیز) مانند آنچه به قارون داده شده است داشته باشیم هر آینه وی صاحب نصیب بزرگ است (۷۹). و گفتند آنانکه ایشان را علم داده شد وای بر شما ثوابِ خدا آنکس را که ایمان آورد و کار شایسته کرد بهتر است و این سخن را جز بُردباران نمی پذیرند (۸۰). پس قارون و سرای او را به زمین فرو بردیم پس برای او هیچ گروهی که او را غیر خدا نصرت دهند نبود و خودش نیز از نصرت یافتگان نبود (۸۱). و گشتند آنانکه منزلتِ او را دیروز آرزو می کردند می گفتند ای عجب که خدا رزق را برای هر که خواهد از بندگان خویش گشاده می کند و تنگ می سازد برای هر که خواهد و اگر آن نبود که خدا بر ما انعام کرد هر آینه ما را فروردی ای عجب که کافران رستگار نمی شوند (۸۲). این سرای آخرت است که آن را برای آنانکه دنبال استکبار در زمین و فساد نیستند مقرر می کنیم و حسنِ عاقبت برای پرهیزکاران است (۸۳). هر که نیکی بیاورد پس او را بهتر از آن است و هر کس که بدی بیاورد پس آنانکه به عمل آوردند خطاها جزا داده نمی شوند مگر (برأساس) آنچه می کردند (۸۴).

(۱۴) یعنی در صورت لزوم پادشاه مجال عذر نیست والله اعلم.

إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَأْدُكَ إِلَى مَعَادِ قُلُوبِ رَبِّي
 أَعْلَمُ مَنْ جَاءَ بِالْهُدَىٰ وَمَنْ هُوَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿٨٥﴾ وَمَا كُنْتَ
 تَرْجُو أَنْ يُلْقَىٰ إِلَيْكَ الْكِتَابُ إِلَّا رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ فَلَا
 تَكُونَنَّ ظَهِيرًا لِلْكَافِرِينَ ﴿٨٦﴾ وَلَا يَصُدُّكَ عَنْ آيَاتِ
 اللَّهِ بَعْدَ إِذْ أَنْزَلَتْ إِلَيْكَ وَأُدْعُ إِلَىٰ رَبِّكَ وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ
 الْمُشْرِكِينَ ﴿٨٧﴾ وَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ
 كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ لَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٨٨﴾

سُورَةُ الْغَنَابِقُوتِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

١ أَلَمْ أَحْسِبِ النَّاسَ أَنْ يَتَرَكُوا أَنْ يَقُولُوا ءَامَنَّا وَهُمْ
 لَا يُفْتَنُونَ ﴿٢﴾ وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ
 صَدَقُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْكٰذِبِينَ ﴿٣﴾ أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ
 السَّيِّئَاتِ أَنْ يَسْبِقُونَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ ﴿٤﴾ مَنْ كَانَ يَرْجُوا
 لِقَاءَ اللَّهِ فَإِنْ أَجَلَ اللَّهُ لَاتٍ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿٥﴾ وَمَنْ
 جَاهَدَ فَإِنَّمَا يُجَاهِدُ لِنَفْسِهِ إِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ عَنِ الْعٰلَمِينَ ﴿٦﴾



هرآئینه خدایی که بر تو قرآن را نازل کرد البته باز گرداننده است تو را به سوی بازگشت گاهی^(۱۵) بگو پروردگار من به هرکس که هدایت را آورد وبه هرکس که وی در گمراهی ظاهر است داناتراست (۸۵). و توقع نمی‌داشتی که به سوی تو کتاب فرود آورده شود لیکن به رحمتی از پروردگارتو (فرو فرستاده شد) پس هرگز مددکار کافران مشو (۸۶). و کافران تو را از تبلیغ آیات خدا بعد از آنکه فرود آورده شد به سوی تو باز ندارند وبه سوی پروردگار خویش دعوت کن و هرگز از مشرکان مباش (۸۷). و با خدا معبود دیگری را مخوان هیچ معبود بر حقی غیر از او نیست هر چیز هلاک شونده است مگر او، مراورا است فرمانروایی وبه سوی او بازگردانیده می‌شوید (۸۸).



بنام خدای بخشاینده مهربان.

آلم (۱). آیا مردمان پنداشتند که رها می‌شوند به محض آنکه بگویند ایمان آورده‌ایم و ایشان امتحان کرده نشوند (۲). به درستی که امتحان کردیم آنان را که پیش از ایشان بودند پس البته خدا آنانرا که راست گفتند متمیز می‌کند والبته دروغ‌گویان را (نیز) متمیز می‌کند (۳). آیا آنانکه مرتکب بدیها می‌شوند گمان کردند که بر ما پیش دستی می‌کنند بد چیزی است که به آن حکم می‌کنند (۴). هرکس که ملاقات خدا را امید داشته باشد پس هرآئینه میعاد خدالبته آینده است و اوست شنوای دانا (۵). و هرکس که جهاد می‌کند جزاین نیست که جهاد میکند برای نفع خویش هرآئینه خدا از جهانیان بی‌نیاز است (۶).

(۱۵) یعنی آخرت.

وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ
 وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَحْسَنَ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٧﴾ وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ
 بِوَالِدَيْهِ حُسْنًا وَإِنْ جَاهَدَاكَ لِتُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ
 فَلَا تُطِعْهُمَا إِلَىٰ مَرْجِعِكُمْ فَأُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٨﴾
 وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُدْخِلَنَّهُمْ فِي الصَّالِحِينَ
 ﴿٩﴾ وَمِنَ النَّاسِ مَن يَقُولُ ءَامَنَّا بِاللَّهِ فَإِذَا أُوذِيَ فِي اللَّهِ جَعَلَ
 فِتْنَةَ النَّاسِ كَعَذَابِ اللَّهِ ۗ وَلَئِن جَاءَ نَصْرٌ مِّن رَّبِّكَ لَيَقُولُنَّ
 إِنَّا كُنَّا مَعَكُمْ أَوْ لَيْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِمَا فِي صُدُورِ الْعَالَمِينَ
 ﴿١٠﴾ وَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْمُنَافِقِينَ
 ﴿١١﴾ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّبِعُوا سَبِيلَنَا
 وَلْنَحْمِلْ خَطَايَكُمْ وَمَا هُمْ بِحَامِلِينَ مِنْ خَطَايَاهُمْ مِنْ
 شَيْءٍ ۗ إِنَّهُمْ لَكَذِبُونَ ﴿١٢﴾ وَلَيَحْمِلُنَّ أَثْقَالَهُمْ وَأَثْقَالًا مَّعَ
 أَثْقَالِهِمْ ۗ وَلَيَسْئَلُنَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَمَّا كَانُوا يَفْتَرُونَ
 ﴿١٣﴾ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ
 إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا فَأَخَذَهُمُ الطُّوفَانُ وَهُمْ ظَالِمُونَ ﴿١٤﴾

وآنکه ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته کرده‌اند البته از ایشان خطاهای ایشان را محو کنیم و البته ایشان را به نیکوترین آنچه می‌کردند پاداش می‌دهیم (۷). و آدمی را نسبت به پدر و مادرش به نیک رفتاری امر کردیم و اگر کوشش کنند با تو تا آنکه شریک آوری بامن آنچه را که تو را به حقیقت آن دانشی نیست پس فرمانبرداری ایشان مکن به سوی من است بازگشت شما پس شمارا به آنچه می‌کردید خبر می‌دهم (۸). و آنکه ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته کرده‌اند البته ایشان را در زمره شایستگان در می‌آوریم (۹). و از مردمان کسی هست که می‌گوید به خدا ایمان آوردیم پس چون او را در راه خدا آزار داده شد رنج دادن مردمان را مانند عذاب خدا می‌شمرد و اگر فتحی از نزد پروردگارتو بیاید حتما گویند هر آینه ما با شما بودیم آیا خدا داناتر نیست به آنچه در سینه‌های جهانیان است (۱۰). و البته خدا آنان را که ایمان آورده‌اند میدانند و البته منافقان را (نیز) میدانند (۱۱). و کافران به مسلمانان گفتند پیروی راه ما کنید و البته ما گناهان شما را بر می‌داریم و نیستند ایشان بردارنده چیزی از گناهان آن جماعت هر آینه ایشان دروغ‌گویانند (۱۲). و البته بارهای خویش و بارهایی را همراه بارهای خویش بردارند و البته روز قیامت از آنچه افترا می‌کردند^(۱) سوال کرده می‌شوند (۱۳). و بیگمان نوح را به سوی قوم او فرستادیم در ایشان هزار سال مگر پنجاه سال ماند پس ایشان را طوفان در گرفت و ایشان ستمکار بودند (۱۴).

(۱) یعنی بارگمراه شدن و گمراه کردن بردارند و بارتابعان از سر ایشان دفع نکند.

فَأَنْجَيْنَاهُ وَأَصْحَابَ السَّفِينَةِ وَجَعَلْنَاهَا آيَةً لِلْعَالَمِينَ
﴿١٥﴾ وَإِبْرَاهِيمَ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَعْبُدُوا اللَّهَ وَاتَّقُوهُ ذَلِكُمْ
خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿١٦﴾ إِنَّمَا تَعْبُدُونَ مِنْ
دُونِ اللَّهِ أَوثَانًا وَتَخْلُقُونَ إِفْكًا إِنَّ الَّذِينَ تَعْبُدُونَ مِنْ
دُونِ اللَّهِ لَا يَمْلِكُونَ لَكُمْ رِزْقًا فَابْتَغُوا عِنْدَ اللَّهِ الرِّزْقَ
وَأَعْبُدُوهُ وَأَشْكُرُوا لِلَّهِ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿١٧﴾ وَإِنْ تَكْذِبُوا
فَقَدْ كَذَّبَ أُمَمٌ مِّنْ قَبْلِكُمْ وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ
الْمُبِينُ ﴿١٨﴾ أَوَلَمْ يَرَوْا كَيْفَ يُبْدِئُ اللَّهُ الْخَلْقَ ثُمَّ
يُعِيدُهُ إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ ﴿١٩﴾ قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ
فَأَنْظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ ثُمَّ اللَّهُ يُنشِئُ النَّشْأَةَ الْآخِرَةَ
إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٢٠﴾ يُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَيَرْحَمُ
مَنْ يَشَاءُ وَإِلَيْهِ تُقْلَبُونَ ﴿٢١﴾ وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ فِي
الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَمَا لَكُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ
وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ ﴿٢٢﴾ وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَلِقَائِهِ
أُولَٰئِكَ يَسُوءُ مِنْ رَّحْمَتِي وَأُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٢٣﴾

پس نوح و اهل کشتی را نجات دادیم و کشتی را نشانه ای برای جهانیان ساختیم (۱۵).
 و (فرستادیم) ابراهیم را و قتیکه به قوم خود گفت پرستش خدا کنید و از وی بترسید این
 برای شما اگر می دانید بهتر است (۱۶). جز این نیست که به جای خدا بتان را می پرستید
 و دروغ را برمی بندید هرآئینه آنانکه غیر از خدا را پرستش می کنید به شماروزی دادن نمی
 توانند پس از نزد خدا روزی را طلب کنید و او را پرستش کنید و برای او شکر بجا آورید به
 سوی او باز گردانیده خواهید شد (۱۷). و اگر تکذیب می کنند پس به درستی که امت های
 پیش از شما تکذیب کرده بودند و نیست بر پیامبر مگر پیغام رسانیدن آشکار (۱۸).
 آیا ندیده اند که خدا چگونه آفرینش را آغاز می کند باز بار دیگر آفرینش را بازگرداند هرآئینه
 این کار بر خدا آسان است (۱۹). بگو در زمین بگردید پس بنگرید چگونه آفرینش را
 آغاز کرد باز خدا آن پیدایش بازپسین را پیدا کند هرآئینه خدا بر هر چیز تواناست (۲۰).
 هر کس را که بخواهد عذاب می کند و هر که را بخواهد رحم می کند و به سوی
 او بازگردانیده خواهید شد (۲۱). و شما نه در زمین و نه در آسمان عاجز کننده (خدا) نیستید
 و شما را هیچ دوستی و نه یاری دهنده ای بجز خدا نیست (۲۲). و آنانکه بآیات خدا و به
 ملاقات او کافر شدند آن جماعت از رحمت من نا امید شدند و آن جماعت بر ایشان عذاب
 درد ناک است (۲۳).

فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا اقْتُلُوهُ أَوْ حَرِّقُوهُ
فَأَنْجَاهُ اللَّهُ مِنَ النَّارِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ
﴿٤٤﴾ وَقَالَ إِنَّمَا اتَّخَذْتُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ أَوْثَانًا مَّوَدَّةَ بَيْنِكُمْ
فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ثُمَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكْفُرُ بَعْضُكُمْ
بِبَعْضٍ وَيَلْعَنُ بَعْضُكُمْ بَعْضًا وَمَأْوَىٰكُمْ النَّارُ
وَمَا لَكُمْ مِّنْ نَّصِيرِينَ ﴿٤٥﴾ * فَأَمِنَ لَهُ لُوطٌ وَقَالَ
إِنِّي مُهَاجِرٌ إِلَىٰ رَبِّي إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿٤٦﴾
وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَجَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِ
النُّبُوَّةَ وَالْكِتَابَ وَآتَيْنَاهُ أَجْرَهُ فِي الدُّنْيَا وَإِنَّا
فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّادِقِينَ ﴿٤٧﴾ وَلُوطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ
إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ مَا سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ أَحَدٍ
مِّنَ الْعَالَمِينَ ﴿٤٨﴾ أَيْنَكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ وَتَقْطَعُونَ
السَّيْلَ وَتَأْتُونَ فِي نَادِيكُمْ الْمُنْكَرَ فَمَا كَانَ جَوَابَ
قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا أَتَيْنَا بِعَذَابِ اللَّهِ إِنْ كُنْتَ مِنَ
الصَّادِقِينَ ﴿٤٩﴾ قَالَ رَبِّ انصُرْنِي عَلَى الْقَوْمِ الْمُفْسِدِينَ ﴿٥٠﴾



پس جواب قوم ابراهیم نبود مگر آنکه گفتند اورا بکشید یا اورا بسوزانید پس خدا اورا از آتش نجات داد هرآئینه دراین ماجرا نشانه هاست برای گروهی که باور میدارند (۲۴). وگفت ابراهیم جزاین نیست که به جای خدا بتان را بجهت دوستی درمیان خویش درزندگانی دنیا گرفته اید باز روز قیامت بعضی از شما بعضی دیگر را انکار می کنید و بعضی از شما به بعضی دیگر لعنت می فرستد و جای شما دوزخ است و شمارا هیچ یاری دهنده ای نیست (۲۵). پس لوط ابراهیم را باورداشت وگفت (ابراهیم) هرآئینه من به سوی پروردگار خویش هجرت کننده ام هرآئینه وی غالب باحکمت است (۲۶). اورا اسحق و یعقوب بخشیدیم و در اولاد وی پیامبری و کتاب را مقرر داشتیم و او را پاداش اودردنیا دادیم و هرآئینه وی در آخرت از شایسته گان است (۲۷). و لوط را فرستادیم و قتیکه به قوم خود گفت هرآئینه شما کار بی حیایی را بعمل می آورید که هیچ کس از جهانیان در (ارتکاب) آن از شما پیشی نگرفته است (۲۸). آیا شما به قصد شهوت به مردان می آید و طریق را قطع می کنید در مجلس خویش کار ناپسندیده به عمل می آورید پس جواب قوم او نبود مگر آنکه گفتند پیش ما عذاب خدا را بیاور اگر از راست گویان هستی (۲۹). گفت ای پروردگار من مرا بر قوم مفسدان نصرت ده (۳۰).

وَلَمَّا جَاءَتْ رُسُلُنَا إِبْرَاهِيمَ بِالْبُشْرَى قَالُوا إِنَّا مُهْلِكُوا
 أَهْلَ هَذِهِ الْقَرْيَةِ ۖ إِنَّا أَهْلُهَا كَانُوا ظَالِمِينَ ﴿٣١﴾
 قَالَ إِنِّي فِيهَا لُوْطًا قَالُوا نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَنْ فِيهَا لَنَنْجِيَنَّهٗ
 وَأَهْلَهُ ۖ إِلَّا أُمَّرَاتَهُ ۚ كَانَتْ مِنَ الْغَابِرِينَ ﴿٣٢﴾ وَلَمَّا
 أَن جَاءَتْ رُسُلُنَا لُوطًا سِئِءًا بِهِمْ وَضَاقَ بِهِمْ ذَرْعًا
 وَقَالُوا لَا تَخَفْ وَلَا تَحْزَنْ ۖ إِنَّا مُنْجُوكَ وَأَهْلَكَ إِلَّا
 أُمَّرَاتَكَ ۚ كَانَتْ مِنَ الْغَابِرِينَ ﴿٣٣﴾ إِنَّا مَنَزَلُونَا عَلَىٰ أَهْلِ
 هَذِهِ الْقَرْيَةِ رِجْزًا مِّنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ
 ﴿٣٤﴾ وَلَقَدْ تَرَكْنَا مِنْهَا آيَةً بَيِّنَةً لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ
 ﴿٣٥﴾ وَإِلَىٰ مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا فَقَالَ يَلْقَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ
 وَارْجُوا الْيَوْمَ الْآخِرَ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ
 ﴿٣٦﴾ فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ فَأَصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ
 جِثْمِينَ ﴿٣٧﴾ وَعَادَا وَثِمُودًا وَقَدْ تَبَيَّنَ لَكُمْ
 مِّن مَّسَٰكِنِهِمْ ۖ وَرِزْقِنَا لَهُمُ الشَّيْطَانُ ۖ أَعْمَاهُمْ
 فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَكَانُوا مُسْتَبْصِرِينَ ﴿٣٨﴾

ووقتیکه فرستادگان ما پیش ابراهیم مژده را آوردند گفتند هرآئینه ما هلاک کننده اهل این دهیم هرآئینه اهل این ده ستمکار بودند (۳۱). گفت ابراهیم هرآئینه در آنجا لوط است گفتند ما به هرکه آنجاست دانا تریم البته او و اهل او را نجات دهیم مگر زن او را که از باقی ماندگان باشد (۳۲). ووقتیکه فرستادگان ما پیش لوط آمدند بسبب ایشان اندوهگین کرده شد و بسبب ایشان تنگدل شد و آن فرستادگان گفتند مترس و اندوه مخور هرآئینه مانجات دهنده تو و اهل توایم مگر زن تو از باقی ماندگان باشد (۳۳). هرآئینه ما بر اهل این ده عقوبتی را از آسمان فرود آورنده ایم بسبب آنکه بدکاری می کردند (۳۴). و هرآئینه از آن ده نشانه ای واضح برای گروهی که درمی یابند گذاشتیم (۳۵). و به سوی مدین برادر ایشان شعیب را فرستادیم پس گفت ای قوم من عبادت خدا کنید و به روز آخرت توقع دارید و هرسو در زمین فساد کنان مگردید (۳۶). پس او را تکذیب کردند پس ایشان را زلزله در گرفت پس در خانه های خویش مرده افتاده بامداد کردند (۳۷). و عاد و ثمود را هلاک کردیم و هرآئینه واضح شده است برای شما بعضی از مساکن ایشان و شیطان کارهایشان را بر ایشان آراسته جلوه داد پس ایشان را از راه درحالی که بینابوندن بازداشت (۳۸).

وَقُرُونٍ وَفِرْعَوْنَ وَهَمَانَ ۖ وَقَدْ جَاءَهُمْ مُوسَىٰ بِالْبَيِّنَاتِ
 فَأَسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ وَمَا كَانُوا سَابِقِينَ ﴿٣٩﴾
 فَكُلًّا أَخَذْنَا بِذُنُوبِهِ ۖ فَمِنْهُمْ مَن أَرْسَلْنَا عَلَيْهِ حَاصِبًا
 وَمِنْهُمْ مَن أَخَذَتْهُ الصَّيْحَةُ وَمِنْهُمْ مَن خَسَفْنَا بِهِ
 الْأَرْضَ وَمِنْهُمْ مَن أَغْرَقْنَا وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُظْلِمَهُمْ
 وَلَكِن كَانُوا أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ﴿٤٠﴾ مَثَلُ الَّذِينَ
 اتَّخَذُوا مِن دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ كَمَثَلِ الْعَنكَبُوتِ
 اتَّخَذَتْ بِئْتًا وَإِن آوْهَنَ الْبُيُوتِ لَبَيْتُ الْعَنكَبُوتِ
 لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ﴿٤١﴾ إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُدْعُونَ مِن
 دُونِهِ مِن شَيْءٍ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿٤٢﴾ وَتِلْكَ
 الْأَمْثَلُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ ۖ وَمَا يَعْقِلُهَا إِلَّا الْعَالِمُونَ
 ﴿٤٣﴾ خَلَقَ اللَّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ ۚ إِنَّ فِي ذَلِكَ
 لَآيَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ ﴿٤٤﴾ أَتَىٰ مَا أَوْحَىٰ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ
 وَأَقِمِ الصَّلَاةَ ۖ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ
 وَالْمُنْكَرِ ۗ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ ۗ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ ﴿٤٥﴾

(و نیز قارون و فرعون و هامان را هلاک کردیم) و هرآئینه موسی به نشانه های واضح به ایشان آمده بود پس در زمین تکبر کردند و سبقت کنندگان نبودند (۳۹). پس هریکی را به وبال گناهش گرفتار کردیم پس از ایشان کسی بود که فرستادیم بروی بادسنگ بار و از ایشان کسی بود که او را آواز سخت در گرفت و از ایشان کسی بود به زمین فرو بردیمش و از ایشان کسی بود که غرق ساختیم و هرگز خدا بر آن نبود که برایشان ظلم کند ولیکن ایشان بر خویشتن ستم می کردند (۴۰). و صف آنانکه دوستان گرفته اند غیر از خدا همچو داستان عنكبوت است که خانه ای فراگرفت و هرآئینه سست ترین خانه ها خانه عنكبوت است اگر می دانستند^(۲) (۴۱). هرآئینه خدا حال هر چیزی را که به جزوی می پرستند از هر چه باشد میداند و اوست غالب باحکمت (۴۲). و این داستان ها است که آنها را برای مردمان بیان می کنیم و آن را نمی فهمند مگر دانایان (۴۳). خدا آسمان ها و زمین را به تدبیر درست آفرید هرآئینه درین کار برای مسلمانان نشانه ای است (۴۴). (یا محمد) آنچه به سوی تو وحی فرستاده شده از کتاب بخوان و نماز را برپا دار هرآئینه نماز از کار بی حیایی و فعل ناپسندیده جلو گیری میکند و البته یاد کردن خدا از همه بزرگ تر است و خدا آنچه می کنید میداند (۴۵).

(۲) مترجم گوید حاصل مثل آنست که ایشان بیتان پناه برده اند و بتان به ایشان هیچ نفع نرسانند چنانکه خانه عنكبوت هیچ فائده نمی دهد.

* وَلَا تَجْدِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِلَّا
 الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ وَقُولُوا ءَامَنَّا بِالَّذِي أُنزِلَ إِلَيْنَا وَأُنزِلَ
 إِلَيْكُمْ وَالْهَنَا وَالْهُكُمْ وَاحِدٌ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ
 ﴿٤٦﴾ وَكَذَلِكَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ فَالَّذِينَ ءَاتَيْنَاهُمْ
 الْكِتَابَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَمِنْ هَؤُلَاءِ مَنْ يُؤْمِنُ بِهِ وَمَا
 يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا الْكَافِرُونَ ﴿٤٧﴾ وَمَا كُنْتَ تَتْلُو مِنْ
 قَبْلِهِ مِنْ كِتَابٍ وَلَا تَخُطُّهُ وَبِيمِينِكَ إِذَا لَا أَرْتَابَ
 الْمُبْطِلُونَ ﴿٤٨﴾ بَلْ هُوَ آيَةٌ بَيِّنَةٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ
 أُوتُوا الْعِلْمَ وَمَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا الظَّالِمُونَ ﴿٤٩﴾ وَقَالُوا
 لَوْلَا أَنْزَلَ عَلَيْهِ آيَاتٌ مِنْ رَبِّهِ قُلْ إِنَّمَا الْآيَاتُ عِنْدَ اللَّهِ
 وَإِنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُبِينٌ ﴿٥٠﴾ أَوَلَمْ يَكْفِهِمْ أَنَّا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ
 الْكِتَابَ يُتْلَى عَلَيْهِمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَرَحْمَةً وَذِكْرَى
 لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿٥١﴾ قُلْ كَفَى بِاللَّهِ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ
 شَهِيدًا يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا
 بِالْبَطْلِ وَكَفَرُوا بِاللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ ﴿٥٢﴾

و با اهل کتاب مگر بخصلتی که وی نیک است مکابره مکنید مگر با آنانکه از ایشان ستم کردند و بگویند به آنچه فرود آورده شد به سوی ما ایمان آوردیم و به آنچه فرود آورده شد به سوی شما و معبود ما و معبود شما یکی است و ما تنها فرمانبردار او هستیم (۴۶). (و چنانکه کتاب های سابق فرود آورده بودیم) همچنان به سوی تو کتاب را فرود آوردیم پس آنانکه ایشان را کتاب دادیم به آن ایمان می آورند و از عرب کسی است که ایمان می آورد به آن و انکار نمی کنند آیات ما را مگر کافران (۴۷). و پیش از نزول قرآن هیچ کتابی را نمی خواندی هیچ کتابی را بدست راست خود نمی نوشتی آنگاه این بدکیشان در شک می افتادند (۴۸). بلکه قرآن آیات روشن است محفوظ در سینه های آنانکه ایشان را علم داده شد و آیات ما را انکار نمی کنند مگر ستمکاران^(۳) (۴۹). و گفتند چرا برای پیامبر نشانه هایی از جانب پروردگار وی فرستاده نشد؟ بگو نشانه ها تنها نزد خدا است من فقط ترساننده آشکارم (۵۰). آیا ایشان را کفایت نکرده است آنکه فرستادیم بر تو کتاب که برایشان خوانده میشود هر آینه درین (کار) برای قومی که باور میدارند البته رحمت و پندی است (۵۱). بگو خدا میان من و میان شما گواه بس است میداند آنچه در آسمان ها و زمین است و آنانکه به باطل گرویدند و بخدا کافر شدند ایشان زیان کاران اند (۵۲).

(۳) مترجم گوید بعض مفسران گفته اند که مراد از ﴿الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ﴾ به تنهاذات حضرت پیامبرست صلی الله علیه وسلم والله اعلم.

وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَلَوْلَا أَجَلٌ مُّسَمًّى لَّجَاءَهُمُ الْعَذَابُ
 وَلَيَأْتِيَنَّهُمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿٥٣﴾ يَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ
 وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ ﴿٥٤﴾ يَوْمَ يَغْشَاهُمْ الْعَذَابُ
 مِنْ فَوْقِهِمْ وَمِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ وَيَقُولُ ذُقُوا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ
 ﴿٥٥﴾ يِعْبَادِي الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنِّي أَرْضِي بِكُمْ وَإِنِّي فَاعِبُدُونِ
 ﴿٥٦﴾ كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ ثُمَّ إِلَيْنَا تُرْجَعُونَ ﴿٥٧﴾ وَالَّذِينَ
 ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُبَوِّئَنَّهُمْ مِنَ الْجَنَّةِ غُرَفًا تَجْرِي
 مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا نِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ ﴿٥٨﴾ الَّذِينَ
 صَبَرُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ ﴿٥٩﴾ وَكَأَيِّن مِّن دَابَّةٍ لَا تَحْمِلُ
 رِزْقَهَا اللَّهُ يَرْزُقُهَا وَإِيَّاكُمْ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿٦٠﴾ وَلَئِن
 سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ
 لَيَقُولُنَّ اللَّهُ فَأَنَّى يُؤْفَكُونَ ﴿٦١﴾ اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ
 عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَهُ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿٦٢﴾ وَلَئِن سَأَلْتَهُمْ
 مَنْ نَزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ مِنْ بَعْدِ مَوْتِهَا
 لَيَقُولُنَّ اللَّهُ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ ﴿٦٣﴾

وعذاب را از تو به شتاب می طلبند و اگر میعادِ معینی نبودی البته بدیشان عذاب برسید و البته ناگهان به ایشان درحالی که ایشان ندانند بیاید (۵۳). عذاب را از تو به شتاب طلب میکنند و هرآئینه دوزخ به یقین کافران را دربرگیرنده است (۵۴). روزیکه ایشان را عذاب از بالای ایشان و از زیرپاهای ایشان فروپوشاند و خدا بگوید جزای آنچه را که میکردید بچشید (۵۵). ای ^(۴) بندگانِ مسلمان من هرآئینه زمین من گشاده است پس خاص مرا عبادت کنید (۵۶). هر شخص چشنده مرگ است باز به سوی ما بازگردانیده شوید (۵۷). و آنانکه ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته کرده‌اند البته ایشان را از بهشت به محل‌های بلند فرود آوریم که زیر آن جویها می‌رود جاویدان در آنجا (می مانند) پاداش عمل کنندگان چه نیک است (۵۸). همانانکه صبر کردند و بر پروردگار خویش توکل میکنند (۵۹). و بساجانور که روزی خود را بر نمی‌دارد خدا او را و شما را نیز روزی می‌دهد و او شنوای دانا است (۶۰). و اگر از ایشان پرسى چه کسی آسمان‌ها و زمین را آفرید و خورشید و ماه را رام گردانید البته می‌گویند خدا پس چگونه از راه توحید برگردانده میشوند (۶۱). خدا روزی را برای هرکس که بخواهد از بندگانِ خویش فراخ میکند و برای هرکس که بخواهد تنگ می‌سازد هرآئینه خدا به هر چیز داناست (۶۲). و اگر از ایشان پرسى چه کسی از آسمان آب را فرود آورد پس به آن زمین را بعد از مردن آن زنده ساخت البته بگویند خدا بگوستایش خدای راست بلکه بیشترین ایشان نمی‌فهمند (۶۳).

(۴) مترجم گوید خدای تعالی ترغیب می‌فرماید بر هجرت به حبشه و مدینه باین آیات.

وَمَا هَذِهِ الْحَيَوةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهُوٌّ وَلَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ
 الْحَيَوةَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ﴿٦٥﴾ فَإِذَا رَكِبُوا فِي الْفُلِكِ دَعَا اللهُ
 مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّيْنَاهُمْ إِلَى الْبَرِّ إِذَا هُمْ يُشْرِكُونَ ﴿٦٥﴾
 لِيَكْفُرُوا بِمَا آتَيْنَاهُمْ وَلِيَسْتَمْتِعُوا فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ ﴿٦٦﴾
 أَوْ لَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا حَرَمًا مِّنَّا وَيَتَخَطَّفُ النَّاسُ مِنْ
 حَوْلِهِمْ أَفِيَا لِلْبَاطِلِ يُؤْمِنُونَ وَبِنِعْمَةِ اللهِ يَكْفُرُونَ ﴿٦٧﴾
 وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُ
 أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْكَافِرِينَ ﴿٦٨﴾ وَالَّذِينَ جَاهَدُوا
 فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ ﴿٦٩﴾

سورة الروم

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اَلَمْ نَكُنْ لَّكُم مِّن قَبْلِ رُؤُوفًا ﴿١﴾ غُلِبَتِ الرُّومُ ﴿٢﴾ فِي اَدْنَى الْاَرْضِ وَهُمْ مِّنْ
 بَعْدِ غَلِبِهِمْ سَيَغْلِبُونَ ﴿٣﴾ فِي بَضْعِ سِنِينَ لِلّٰهِ الْاَمْرُ
 مِنْ قَبْلُ وَمِنْ بَعْدُ وَيَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ ﴿٤﴾
 يَنْصُرُهُمُ اللهُ يَنْصُرُهُمْ مِّنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿٥﴾

وزند گانی این دنیا جز لهو و لعب و بیهوده نیست هر آئینه سرای آخرت آنست سرای زندگانی (حقیقی) اگر می دانستند (۶۴). پس ایشان چون در کشتی‌ها سوار شوند به جناب خدا خالص کنان برای وی عبادت را دعا کنند پس وقتیکه ایشانرا (از خطر دریا) به سوی زمین خشک نجات داد ناگهان ایشان شریک می آورند (۶۵). تاناسپاسی کنند به آنچه ایشانرا عطا کردیم و تابهره مند شوند^(۵) پس زود (حقیقت حال را) خواهند دانست (۶۶). آیندیده‌اند که ما حرمی با امن را مقرر داشته ایم حال آنکه مردمان از دوروبر ایشان ربوده میشوند آیا به باطل باور می‌دارند و به نعمت خدا ناسپاسی میکنند (۶۷). و کیست ستمکارتر از کسی که بر خدا دروغی را افتراء کرد یا سخن راست را چون پیش او آمد دروغ انگارد آیا در دوزخ جایگاه کافران نیست؟ (۶۸). و آنانکه جهاد کردند در راه ما البته دلالت کنیم ایشان را براه‌های خود و هر آئینه خدا بانیکوکاران است (۶۹).



نام خدای بخشاینده مهربان.

آلَم (۱). قوم روم مغلوب شدند^(۱) (۲). در نزدیک ترین سر زمین^(۲) و ایشان پس از مغلوب شدن شان غالب خواهند شد (۳). در مدت چندسال، خدای راست فرمان پیش از این و پس از این و آن روز مسلمانان شادمان شوند (۴). به نصرت خدا، نصرت میدهد هر که را خواهد و او غالب مهربان است (۵).

(۵) یعنی به دوستی یکدیگر بسبب اجتماع بر شرک بهره مند شوند.

(۱) مترجم گوید فارس بر روم غالب شدند و بعضی بلاد و سرحد را در تصرف خود آوردند چون این خبر بمکه رسید اهل اسلام اندوهگین شدند زیرا که ایشان اهل کتاب بودند و کفار شادمان گشتند زیرا که ایشان و اهل فارس امیان بودند خدای تعالی آیات نازل فرمود و به غلبه روم بر اهل فارس بشارت داد و این در چندسال بعد از هجرت متحقق شد و این قصه یکی از دلائل نبوت است.

(۲) یعنی در سر حد خود.

وَعَدَ اللَّهُ لَا يُخْلِفُ اللَّهُ وَعَدَهُ وَلَكِنْ أَكْثَرُ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ
 ﴿٦﴾ يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ
 غَافِلُونَ ﴿٧﴾ أَوَلَمْ يَتَفَكَّرُوا فِي أَنفُسِهِمْ مَا خَلَقَ اللَّهُ السَّمَوَاتِ
 وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُّسَمًّى وَإِنَّ كَثِيرًا
 مِّنَ النَّاسِ بِلِقَائِي رَبِّهِمْ لَكٰفِرُونَ ﴿٨﴾ أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي
 الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ كَانُوا
 أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَأَثَارُوا الْأَرْضَ وَعَمَرُوهَا أَكْثَرَ مِمَّا
 عَمَرُوهَا وَجَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانَ اللَّهُ
 لِيَظْلِمَهُمْ وَلٰكِن كَانُوا أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ﴿٩﴾ ثُمَّ كَانَ
 عَاقِبَةُ الَّذِينَ أَتَوْا السُّوْأَىٰ أَن كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَكَانُوا
 بِهَا يَسْتَهْزِءُونَ ﴿١٠﴾ اللَّهُ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ
 ﴿١١﴾ وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُبْلِسُ الْمُجْرِمُونَ ﴿١٢﴾ وَلَمْ يَكُن لَّهُمْ مِّنْ
 شُرَكَائِهِمْ شُفَعَاؤُاْ وَكَانُوا بِشُرَكَائِهِمْ كٰفِرِينَ
 ﴿١٣﴾ وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُومِذِ يَتَفَرَّقُونَ ﴿١٤﴾ فَأَمَّا الَّذِينَ
 ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَهُمْ فِي رَوْضَةٍ يُحْبَرُونَ ﴿١٥﴾

خدا وعده کرده است، خدا وعده اش را خلاف نمی کند ولیکن اکثر مردمان نمی دانند (۶). از (تدبیر) زندگانی دنیا (تنها) ظاهر را می دانند و ایشان از آخرت بی خبرند (۷). آیا در نفسهای خود تأمل نکرده اند که خدا آسمان ها و زمین را و آنچه در میان آن هر دو است نیافریده است مگر به تدبیر درست و به تعیین میعادِ مقرر و هر آئینه بسیاری از مردمان به ملاقاتِ پروردگار خویش نیاورند (۸). آیا در زمین نگشته اند پس بنگرند که سر انجام آنانکه پیش از ایشان بودند چگونه شد؟ از ایشان توانا تر بودند و زمین را شونیدند و آن را بیشتر از آباد کردن ایشان آن زمین را آباد کردند و آمدند بدیشان پیامبران ایشان به معجزها پس خدا بر آن نبود که برایشان ستم کند ولیکن ایشان بر خویشان ستم میکردند (۹). باز سرانجام آن کسان که بدی کردند بدتر شد از آنکه آیاتِ خدا را تکذیب کردند و به آن استهزای کردند (۱۰). خدا آفرینش را آغاز می کند باز دوباره بازش می گرداند باز به سوی او باز گردانیده می شوید (۱۱). و روزیکه قیامت برپا می شود گنهگاران غمزده خاموش مانند و نا امید میشوند (۱۲). و برای ایشان از شریکانِ ایشان هیچ شفاعت کنندگان نباشد و به شریکان خویش ناباور باشند (۱۳). و روزی که قیامت برپا می شود آن روز مردمان پراکنده می شوند (۱۴). اما آنانکه ایمان آورده اند و کردارهای شایسته کرده اند پس ایشان در بهشت خوشحال کرده می شوند (۱۵).

وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَلِقَاءِ الْآخِرَةِ
 فَأُولَئِكَ فِي الْعَذَابِ مُحْضَرُونَ ﴿١٦﴾ فَسُبْحَانَ اللَّهِ حِينَ تُمْسُونَ
 وَحِينَ تُصْبِحُونَ ﴿١٧﴾ وَلَهُ الْحَمْدُ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ
 وَعَشِيًّا وَحِينَ تُظْهِرُونَ ﴿١٨﴾ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ
 الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَيُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَكَذَلِكَ تُخْرَجُونَ
 ﴿١٩﴾ وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ إِذَا أَنْتُمْ بَشَرٌ
 تَنْتَشِرُونَ ﴿٢٠﴾ وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ
 أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً
 إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ﴿٢١﴾ وَمِنْ آيَاتِهِ
 خَلْقُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَخْتِلَافُ أَلْسِنَتِكُمْ وَأَلْوَانِكُمْ
 إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِلْعَالَمِينَ ﴿٢٢﴾ وَمِنْ آيَاتِهِ مَنَامُكُمْ
 بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَابْتِغَاؤُكُمْ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ
 لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَسْمَعُونَ ﴿٢٣﴾ وَمِنْ آيَاتِهِ يُرِيكُمْ الْبَرْقَ
 خَوْفًا وَطَمَعًا وَيُنزِلُ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَيُحْيِي بِهِ الْأَرْضَ
 بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ﴿٢٤﴾

وامّا آنانکه کافر شده‌اند و آیاتِ ما و ملاقاتِ آخرت را تکذیب کرده‌اند پس بدانند که ایشان در عذاب حاضر کرده میشوند (۱۶). پس به پاکی خدا را یاد کنید چون در شامگاه و بامداد درمی‌آیند (۱۷). و ستایش در آسمان‌ها و زمین او راست و (نیز) آخر روز و به هنگام نیمروزتان^(۳) (۱۸). زنده را از مرده برمی‌آورد و مرده را از زنده برمی‌آورد زمین را بعد مردن آن زنده می‌سازد و همچنین (از گورها) برآورده خواهید شد (۱۹). از نشانه‌های خدا آن است که شمارا از خاک آفرید باز ناگهان شما مردمانی شدید که بأمورِ زندگی خویش پراکنده می‌پردازید (۲۰). و (نیز) از نشانه‌های خدا آن است که برای شما از جنس شما همسرانی را بیافرید تا به آنها آرام گیرید و میان شما دوستی و مهربانی پیدا کرد هر آئینه درین کار نشانه هاست برای گروهی که تأمل میکنند (۲۱). و (نیز) از نشانه‌های اوست آفریدن آسمان‌ها و زمین و گوناگون بودن زبانهای شما و رنگهای شما هر آئینه درین کار برای دانشوران نشانه‌هاست (۲۲). و از نشانه‌های اوست خواب شما در شب و روز و طلب کردن شما از فضل او (یعنی روزی) هر آئینه درین کار برای قومیکه می‌شنوند نشانه‌هاست (۲۳). و (نیز) از نشانه‌های اوست که به شما برق را برای ترسانیدن و رغبت دادن می‌نماید و از آسمان آب را فرود می‌آورد پس بسبب آن زمین را بعد مردن آن زنده میکند هر آئینه درین کار برای قومی که می‌فهمند نشانه‌هاست (۲۴).

(۳) مترجم گوید مراد آنست که در هر وقتی ازین اوقات دلائل تنزیه او از ذائل و اتصاف او بمحامد متجدد می‌گردد پس مأمور شدند بصلوة و الله اعلم.

وَمَنْ آيَاتِهِ أَنْ تَقُومَ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ بِأَمْرِهِ ثُمَّ إِذَا دَعَاكُمْ
 دَعْوَةً مِّنَ الْأَرْضِ إِذَا أَنْتُمْ تَخْرُجُونَ ﴿٢٥﴾ وَلَهُ مَن فِي السَّمَوَاتِ
 وَالْأَرْضِ كُلُّ لَّهُ قانتُونَ ﴿٢٦﴾ وَهُوَ الَّذِي يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ
 يُعِيدُهُ وَهُوَ أَهْوَنُ عَلَيْهِ وَلَهُ الْمَثَلُ الْأَعْلَىٰ فِي السَّمَوَاتِ
 وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿٢٧﴾ ضَرَبَ لَكُمْ مَثَلًا
 مِّنْ أَنْفُسِكُمْ هَلْ لَكُمْ مِّنْ مَّا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ مِّنْ
 شُرَكَاءَ فِي مَارَزَقْنَاكُمْ فَأَنْتُمْ فِيهِ سَوَاءٌ تَخَافُونَهُمْ
 كَخِيفَتِكُمْ أَنْفُسَكُمْ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ
 يَعْقِلُونَ ﴿٢٨﴾ بَلِ اتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَهْوَاءَ هُمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ
 فَمَنْ يَهْدِي مَنْ أَضَلَّ اللَّهُ وَمَا لَهُمْ مِّنْ نَّصِيرِينَ ﴿٢٩﴾ فَأَقْرَ
 وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا
 لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ
 النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٣٠﴾ * مُنِيبِينَ إِلَيْهِ وَاتَّقُوهُ وَأَقِيمُوا
 الصَّلَاةَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿٣١﴾ مِنَ الَّذِينَ قَرَّوْا
 دِينَهُمْ وَكَانُوا شَيْعًا كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ ﴿٣٢﴾

و(نیز) از نشانه های خداست که آسمان و زمین به حکم او (در جای) می ایستند باز چون شمارا به صدایی بخواند ناگهان شما از زمین برآید (۲۵). هر که و هر چه در آسمان ها و زمین است از آن اوست هر یکی برای او فرمانبردارند (۲۶). و اوست آنکه آفرینش را آغاز میکند باز دوباره برمی گرداندش و این دوباره برگرداندن بروی آسان تر است و برای او صفت بلند تر در آسمان ها و زمین است و او غالب باحکمت است (۲۷). برای شما مثالی از حال خود شما بیان کرد آیا هست برای شما از بندگانی که مالک ایشانست دست های شما هیچ شریکانی در آنچه شمارا عطا کردیم تا شما در آن یکسان باشید از ایشان می ترسید مانند ترسیدن شما از قوم خویش همچنین بیان می کنیم نشانه ها را برای قومی که می فهمند^(۴) (۲۸). بلکه ستمکاران خواهش های خود را بغیر علم پیروی کرده اند پس کیست کسی راکه خدا بیراه گذاشته است هدایت کند؟ و ایشان را هیچ یاری دهنده ای نیست (۲۹). پس روی خود را باحق گزایی تمام به سوی این دین استوار بگردان پیروی کن دین خدا را که مردمان را بروی پیدا کرد برای دین خدا دگرگونی نیست این است دین درست ولیکن اکثر مردمان نمیدانند (۳۰). انابت کنان به او (عبادت) کنید و بترسید از وی و نماز را برپادارید و از مشرکان مباشید (۳۱). از آنانکه دین خود را پراکنده ساختند و گروه گروه شدند مباشید هر گروهی به آنچه نزد خود دارند خورسندند (۳۲).

(۴) حاصل مثل آنست که مملوك بامالك برابر نمی شود پس مملوك خدا را شريك اوتوان گفت.

وَإِذَا مَسَّ النَّاسُ ضُرٌّ دَعَوْا رَبَّهُمْ مُنِيبِينَ إِلَيْهِ ثُمَّ إِذَا آذَاهُمْ
 مِنْهُ رَحْمَةٌ إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ بِرَبِّهِمْ يُشْرِكُونَ ﴿٣٣﴾ لِيَكْفُرُوا بِمَا
 آتَيْنَاهُمْ فَتَمَتَّعُوا فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ ﴿٣٤﴾ أَمْ أَنْزَلْنَا عَلَيْهِمْ
 سُلْطَانًا فَهُوَ يَتَكَلَّمُ بِمَا كَانُوا بِهِ يُشْرِكُونَ ﴿٣٥﴾ وَإِذَا آذَقْنَا
 النَّاسَ رَحْمَةً فَرِحُوا بِهَا وَإِنْ تُصِيبَهُمْ سَيِّئَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ
 إِذَا هُمْ يَقْنَطُونَ ﴿٣٦﴾ أَوْ لَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ
 وَيَقْدِرُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿٣٧﴾ فَتَاتِ ذَا الْقُرْبَىٰ
 حَقَّهُ وَوَالِ الْمَسْكِينِ وَابْنَ السَّبِيلِ ذَلِكَ خَيْرٌ لِلَّذِينَ يُرِيدُونَ
 وَجْهَ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿٣٨﴾ وَمَاءَ آتَيْتُم مِّن رِّبَا
 لِيَرْبُوا فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرْبُوا عِنْدَ اللَّهِ وَمَاءَ آتَيْتُم مِّن
 زَكَاةٍ تُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُضْعِفُونَ ﴿٣٩﴾
 اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ ثُمَّ رَزَقَكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ هَلْ مِنْ
 شَرِكٍ آيَكُمْ مَنْ يَفْعَلُ مِنْ ذَلِكَ مِمَّنْ شَيْءٌ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَىٰ
 عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿٤٠﴾ ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ
 أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ﴿٤١﴾

و چون به مردمان سختی رسد پروردگار خود را به درگاه او انابت کنان بخوانند باز چون ایشان را از جانب خود آسایشی بچشانند ناگهان طائفه‌ای از ایشان به پروردگار خود شریک می‌آورند (۳۳). تا سرانجام دربارهٔ آنچه به آنان بخشیدیم ناسپاسی کنند پس بهره‌مند شوید حقیقت حال را زود خواهید دانست (۳۴). آیا برایشان دلیلی را فرود آوردیم پس آن دلیل برای ایشان به آنچه با خدا شریک می‌آورند سخن می‌گوید (۳۵). و چون مردمان را بخشایشی بچشانیم به آن شادمان شوند و اگر بدیشان سختی برسد بسبب آنچه دست‌های ایشان پیش فرستاده است ناگهان ایشان نومید می‌شوند (۳۶). آیا ندیدند که خدا کشاده میکند روزی را برای هر که می‌خواهد و تنگ میکند برای هر که می‌خواهد هر آینه درین (امر) نشانه‌ها است برای قومی که ایمان می‌آورند (۳۷). پس به خویشاوند حقش رابده و (نیز) حق مسکین و ره‌گذر را بده این دادن بهترست برای کسانی که رضای خدا را می‌طلبند و این جماعت ایشانند رستگاران (۳۸). و آنچه داده باشید از سود تابیفزاید در اموال مردمان پس وی نزد خدا نمی‌افزاید و آنچه داده باشید از صدقه رضای خدا را طلب می‌کنید پس این جماعت ایشانند فزونی یا فتگان^(۵) (۳۹). خداوند کسی است که شمارا بیافرید باز شمارا روزی داد باز شمارا بمیراند باز شمارا زنده می‌گرداند آیا از شریکان شما کسی هست که ازین کارها چیزی بکند پاکی اوراست و (از آنچه) شریک می‌آورند بلندتر است (۴۰). از عمل کرد دست‌های مردم فساد در بیابان و درد ریا آشکار شد تا بچشانند ایشان را جزای بعضی آنچه عمل کردند بود که ایشان باز گردند^(۶) (۴۱).

(۵) مترجم گوید مالی را که بشرط زیادت میدهند ربا نام نهاده شد.

(۶) یعنی قحط، غرق و سائر مصائب جزای قتل بنی آدم می‌باشد.

قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلُ
 كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُشْرِكِينَ ﴿٤٢﴾ فَأَقْرَبُ وَجْهَكَ لِلدِّينِ الْقَيِّمِ مِنْ
 قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا مَرَدَّ لَهُ مِنْ اللَّهِ يَوْمَئِذٍ يَصَّدَّعُونَ ﴿٤٣﴾ مَنْ
 كَفَرَ فَعَلَيْهِ كُفْرُهُ، وَمَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلَا نَفْسَ لَهُ يَمْهَدُونَ ﴿٤٤﴾
 لِيَجْزِيَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ
 الْكَافِرِينَ ﴿٤٥﴾ وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ يُرْسِلَ الرِّيحَ مُبَشِّرَاتٍ وَلِيَذِيقَكُمْ
 مِنْ رَحْمَتِهِ وَلِتَجْرِيَ الْفُلُكُ بِأَمْرِهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَعَلَّكُمْ
 تَشْكُرُونَ ﴿٤٦﴾ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رُسُلًا إِلَى قَوْمِهِمْ فَجَاءَهُمْ
 بِالْبَيِّنَاتِ فَاتَّقَمْنَا مِنَ الَّذِينَ أَجْرَمُوا وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ
 الْمُؤْمِنِينَ ﴿٤٧﴾ اللَّهُ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيحَ فَتَنِيحُ سَحَابًا فَيَبْسُطُهُ
 فِي السَّمَاءِ كَيْفَ يَشَاءُ وَيَجْعَلُهُ كِسْفًا فَنَرَى الْوَدْقَ يَخْرُجُ مِنْ
 خِلَالِهِ فَإِذَا أَصَابَ بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ إِذَا هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ
 ﴿٤٨﴾ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلِ أَنْ يُنْزَلَ عَلَيْهِمْ مِنَ قَبْلِهِ لَمُبْسِلِينَ
 ﴿٤٩﴾ فَانظُرْ إِلَى آثُرِ رَحْمَتِ اللَّهِ كَيْفَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا
 إِنَّ ذَلِكَ لَمُحْيِي الْمَوْتَى وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٥٠﴾

بگو در زمین گردش کنید پس بنگرید سر انجام آنانکه پیش از ایشان بودند چگونه شد؟
 بیشترین ایشان مشرک بودند (۴۲). پس روی خود را برای دین درست استوارکن پیش
 از آنکه بیاید روزی که آن را از جانب خداوند باز گشتی نیست آن روز متفرق شوند (۴۳).
 هرکس که کافر شد پس بروی است ضرر کفر او و هرکس که کار شایسته کرده باشد پس
 این جماعت برای خویشتن آرامگاه تهیه می کنند (۴۴). تا (خداوند) آنان را که ایمان آورده اند
 و کارهای شایسته کرده اند از فضل خود پاداش دهد هر آئینه وی کافران را دوست نمی دارد
 (۴۵). و از نشانه های خدا آنست که بادهارا مژده دهنده می فرستد و برای آنکه شمارا
 از رحمت خود بچشاند (یعنی باران دهد) و برای آنکه کشتی ها بفرمان او جاری شوند
 و برای آنکه از فضل او (یعنی روزی) طلب کنید و برای آنکه شما شکر کنید (۴۶). و هر آئینه
 پیش از تو پیامبران را به سوی قوم ایشان فرستادیم پس پیش قوم خود نشانه ها آوردند پس
 از آنانکه نافرمانی کردند انتقام کشیدیم و یاری دادن مسلمانان برعهده ما بود (۴۷). خدا
 کسی است که بادهارا می فرستد پس ابرا برانگیزانند پس بگستراند آن ابر را در
 آسمان چنانکه خواهد و بگرداندش پاره پاره پس می بینی قطرات باران را که از میان آن
 بیرون می آیند پس چون رساندش بهرکس که می خواهد از بندگان خود ناگهان ایشان
 شادمان شوند (۴۸). و اگر چه پیش از آن که فرود آورده شود برایشان باران ناامید بودند
 (۴۹). پس به آثار رحمت خدا بنگر چگونه زمین را بعد مرده بودن آن زنده میکند هر آئینه
 وی البته زنده کننده* مُردگان است و او بر همه چیز تواناست (۵۰).

وَلَئِنْ أَرْسَلْنَا رِجَالًا مِّنْهُ لَيُظْفَرُونَ مِنْ بَعْدِهِ يَكْفُرُونَ
 ﴿٥١﴾ فَإِنَّكَ لَا تَسْمَعُ الْكَلِمَاتِ لَوْلَا أُولَئِكَ إِذَا وَلَّوْا
 مَدْبِرِينَ ﴿٥٢﴾ وَمَا أَنْتَ بِهَادٍ الْعُمِّيِّ عَنِ ضَلَالَتِهِمْ إِنْ تَسْمَعُ إِلَّا
 مَن يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ مُسْلِمُونَ ﴿٥٣﴾ * اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ
 مِن ضَعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ مِن بَعْدِ ضَعْفٍ قُوَّةً ثُمَّ جَعَلَ مِن بَعْدِ
 قُوَّةٍ ضَعْفًا وَشَيْبَةً يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَهُوَ الْعَلِيمُ الْقَدِيرُ
 ﴿٥٤﴾ وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُقْسِمُ الْمُجْرِمُونَ مَا لِيُثَاغِرَ
 سَاعَةً كَذَلِكَ كَانُوا يُؤْفَكُونَ ﴿٥٥﴾ وَقَالَ الَّذِينَ أُوتُوا
 الْعِلْمَ وَالْإِيمَانَ لَقَدْ لَبِثْتُمْ فِي كِتَابِ اللَّهِ إِلَى يَوْمِ الْبَعْثِ
 فَهَذَا يَوْمُ الْبَعْثِ وَلَكِنَّكُمْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ﴿٥٦﴾ فَيَوْمَئِذٍ
 لَا يُنْفَعُ الَّذِينَ ظَلَمُوا مُعْذِرَتُهُمْ وَلَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ
 ﴿٥٧﴾ وَلَقَدْ ضَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِن كُلِّ مَثَلٍ
 وَلَئِن جِئْتَهُمْ بِآيَةٍ لَيَقُولَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا
 مُبْطِلُونَ ﴿٥٨﴾ كَذَلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ
 ﴿٥٩﴾ فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَلَا يَسْتَخِفَّنكَ الَّذِينَ لَا يُوقِنُونَ ﴿٦٠﴾

و اگر بادی را فرستیم پس آن کشت را زرد شده بینند البته پس از آن ناسپاس می‌شوند (۵۱). پس هر آئینه تو مردگان را نمی‌شنوایی و (نیز) نمی‌توانی به کران چون پشت داده روی بگردانند آواز بشنوایی (۵۲). و تورا نماینده کوران از گمراهی ایشان نیستی نمی‌شنوایی مگر کسی را که آیاتِ ما را باور میدارد پس آنجماعت فرمانبردارند (۵۳). خداوند همان کسی است که (در آغاز) شمارا از ناتوانی آفرید باز مَرشما را بعد از ناتوانی توانایی داد باز مَرشمارا بعد از توانایی ناتوانی و سفید مویی داد می‌آفریند هر چه میخواهد و او دانا توانا است (۵۴). و روزی که قیامت برپا شود گنهگاران سوگند می‌خورند که توقف نکرده‌اند یعنی درد دنیا بجز ساعتی همچنین از راه برگردانیده میشدند^(۷) (۵۵). و آنانکه ایشان را علم و ایمان داده شده است گفتند هر آئینه توقف کرده‌اید برفیق کتابِ خدا تا روز رستاخیز پس اینست روز رستاخیز ولیکن شما نمی‌دانستید (۵۶). پس آن روز ظالمان را عذر خواهی ایشان سود ندهد و نه از ایشان توبه طلب کرده شود (۵۷). و هر آئینه برای مردمان درین قرآن از هر مثلی بیان کردیم و اگر پیش ایشان نشانه‌ای بیاری البته کافران گویند شما مگر بیهوده گویان نیستید (۵۸). همچنین خدا بردل های آنانکه نمیدانند مُهر می‌نهد (۵۹). پس صبر کن هر آئینه وعدهٔ خدا راست است و خشمگین و سبکسار نکنند تورا آنانکه یقین نمی‌آورند (۶۰).

(۷) یعنی چون عقوباتِ مَخلَّده رامعاینه کردند دنیا را به مانند ساعتی خیال نمودند برعکس آنکه در حیات دنیا دنیا را به مثابه خلود خیال میکردند والله اعلم.

سُورَةُ لُقْمَانَ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اَلَمْ ۙ تَرَ ۙ اَنَّكَ اَنْزَلْتَ الْكِتَابَ الْحَكِيمَ ﴿١﴾ هُدًى وَرَحْمَةً
 لِّلْمُحْسِنِينَ ﴿٢﴾ الَّذِيْنَ يُقِيمُوْنَ الصَّلَاةَ وَيُوْتُوْنَ الزَّكَاةَ وَهُمْ
 بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُوْنَ ﴿٣﴾ اُولٰٓئِكَ عَلٰى هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ ۗ وَاُولٰٓئِكَ
 هُمُ الْمُفْلِحُوْنَ ﴿٤﴾ وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْتَرِ لَهٗوَ الْحَدِيثِ
 لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ اللّٰهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًا ۗ اُولٰٓئِكَ لَهُمْ
 عَذَابٌ مُّهِينٌ ﴿٥﴾ وَاِذَا تَلٰى عَلَيْهِ اٰيٰتُنَا وَاٰلٰى مُسْتَكْبِرًا
 كَاَن لَّمْ يَسْمَعْهَا كَاَنَّ فِيْ اُذُنَيْهِ وَقْرًا فَبَسَّرَهُ بِعَذَابٍ اَلِيْمٍ ﴿٦﴾
 اِنَّ الَّذِيْنَ ءَامَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ لَهُمْ جَنَّٰتُ النَّعِيْمِ ﴿٧﴾
 خٰلِدِيْنَ فِيْهَا وَعَدَّ اللّٰهُ حَقًّا وَهُوَ الْعَزِيْزُ الْحَكِيْمُ ﴿٨﴾ خَلَقَ
 السَّمٰوٰتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَّرَوْنَهَا ۗ وَاَلْقٰى فِي الْاَرْضِ رَوٰسِيًا اَنْ تَمِيْدَ
 بِكُمْ وَيَتَّ فِيْهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ ۗ وَاَنْزَلْنَا مِنَ السَّمٰءِ مَآءً فَاَنْبَتْنَا
 فِيْهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيْمٍ ﴿٩﴾ هٰذَا خَلَقَ اللّٰهُ فَاَرُوْنِى مَاذَا
 خَلَقَ الَّذِيْنَ مِنْ دُوْنِهٖ ۗ بَلِ الظّٰلِمُوْنَ فِي ضَلٰلٍ مُّبِيْنٍ ﴿١٠﴾

سوره لقمان مکی است وان سی و چهار
آیه و چهار رکوع است

بنام خدای بخشاینده مهربان.

آلم (۱). این آیه های کتاب باحکمت است (۲). برای نیکوکاران هدایت و بخشایش است (۳). آنانکه نماز را برپامیدارند و زکوة را میدهند و ایشان به آخرت یقین میدارند (۴). این جماعت از پروردگار خود بر هدایت‌اند و این جماعت ایشان رستگاران اند (۵). و از مردمان کسی هست که می ستاند سخن بیهوده را^(۱) تا مردم را از راه خدا بغیر (هیچ) علم گمراه کند و آن راه ریشخند گیرد این جماعت ایشان راست عذاب خوار کننده (۶). و چون برین شخص آیات ما خوانده شود تکبیر کنان روی بگرداند گویا که آن را نشیده است گویا در هر دو گوش وی گرانی است پس او را به عذابی درد ناک خبرده (۷). هر آئینه آنانکه ایمان آورده‌اند و کردارهای شایسته کرده‌اند ایشان را (باغهای) بهشت‌هایی پر نعمت است (۸). که در آنجا جاویدانند و عده داده است خدا و عده^۲ راست و او غالب باحکمت است (۹). خداوند آسمان هارا بغیر ستون هایی که بینید آنها را آفرید و در زمین کوه‌های استوار را افکند تا زمین شمارا نلرزاند و در زمین از هر نوع جانوران پراگنده کرد و از آسمان آبی را فرود آوردیم پس در زمین از هر جنس ارزشمند روینیدیم (۱۰). این آفرینش خدا است پس مرا بنمایید آنانکه جز او هستند چه چیز آفریده‌اند بلکه ستمکاران در گمراهی ظاهرند (۱۱).

(۱) یعنی مثل قصه^۳ رستم و اسفند یار.

وَلَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ أَنْ اشْكُرْ لِلَّهِ وَمَنْ يَشْكُرْ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ ﴿١٣﴾ وَإِذْ قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ وَهُوَ يَعِظُهُ يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ ﴿١٤﴾ وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهَذَا عَلَى وَهْنٍ وَفَصَلِّ لَهُ فِي عَامَيْنِ أَنْ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ إِلَى الْمَصِيرِ ﴿١٥﴾ وَإِنْ جَاهَدَاكَ عَلَى أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا وَصَاحِبْهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا وَاتَّبِعْ سَبِيلَ مَنْ أَنَابَ إِلَيَّ ثُمَّ إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿١٦﴾ يَا بُنَيَّ إِنَّهَا إِنْ تَكُ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ فَتَكُنْ فِي صَخْرَةٍ أَوْ فِي السَّمَوَاتِ أَوْ فِي الْأَرْضِ يَأْتِ بِهَا اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ ﴿١٧﴾ يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَصْبِرْ عَلَى مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ ﴿١٨﴾ وَلَا تَصْعَقْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمَسَّ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ ﴿١٩﴾ وَأَقِصِدْ فِي مَشْيِكَ وَأَعْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ ﴿٢٠﴾

و به راستی که لقمان را حکمت عطا کردیم (گفتیم) که خدایا شکر کن و هرکس که شکر کند پس جزاین نیست که شکر میکند برای نفع خود و هرکس که ناسپاسی کند پس هرآئینه خدا بی نیازستوده کاراست (۱۲). و یادکن چون لقمان به پسرش درحالیکه او آن را پندمیداد گفت ای پسرک من باخدا شریک مقرر مکن هرآئینه شرک ستمی بزرگ است (۱۳). و انسان را نسبت به پدر و مادر وی (به نیکی) سفارش کرده ایم در شکم برداشته است او را مادر وی در حال سستی بالای سستی دیگر^(۲) و از شیر باز کردن او در دو سال است به این سفارش کرده ایم که شکر گزاری مرا و پدر و مادر خود را بکن باز گشت به سوی من است (۱۴). و اگر کوشش کنند باتو برآنکه شریک مقرر کنی بامن چیزی را که نیست تورا به آن دانش پس فرمانبرداری ایشان مکن و با ایشان در معیشت دنیا با وجه پسندیده معاشرت کن و راه کسی را در پیش بگیر که به جانب من انابت کرده است باز رجوع شما به سوی من است پس شمارا به آنچه می کردید خیردهم (۱۵). لقمان گفت ای پسرک من هرآئینه اگر باشد خطیئه هم سنگ دانه سپندان پس در میان سنگی یا در آسمان ها یا در زمین باشد (بهر حال) آن را خدا حاضر کند هرآئینه خدا باریک بین خبر دارست (۱۶). ای پسرک من نماز را برپا دار و بکار پسندیده فرمان ده و از ناپسندیده منع کن و بر هر آنچه به تو برسد صبر کن هرآئینه این از کارهای مقصودست (۱۷). و رخساره خود را از مردمان متاب (یعنی رومتاب از جهت تکبر و بی اعتنائی) و در زمین خرامان راه مرو هرآئینه خدا هر نازنده خود ستاینده را دوست نمیدارد (۱۸). و در رفتار خود میانه روی کن و آواز خود را فرود آر هرآئینه بدترین آوازا آواز خران باشد (۱۹).

(۲) یعنی هر وقت سست تر میشود والله اعلم.

أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَافِي السَّمَوَاتِ وَمَافِي الْأَرْضِ وَأَسْبَغَ
 عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ وَظَاهَرَهُ بِبَاطِنَةٍ ۖ وَمِنَ النَّاسِ مَن يُجَادِلُ فِي اللَّهِ
 بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٍ مُّنِيرٍ ﴿٢٠﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا
 مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَنْبَغُ مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوَّلُوا كَانِ
 الشَّيْطَانُ يَدْعُوهُمْ إِلَىٰ عَذَابِ السَّعِيرِ ﴿٢١﴾ * وَمَن يُسَلِّمْ
 وَجْهَهُ إِلَى اللَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ
 وَإِلَى اللَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ ﴿٢٢﴾ وَمَن كَفَرَ فَلَا يَحْزُنكَ كُفْرُهُ ۗ
 إِلَيْنَا مَرْجِعُهُمْ فَنُنَبِّئُهُم بِمَا عَمِلُوا ۗ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ
 ﴿٢٣﴾ ثُمَّ نَمَعَهُمْ قَلِيلًا ثُمَّ نَضَظَرُهُمْ إِلَىٰ عَذَابٍ غَلِيظٍ ﴿٢٤﴾
 وَلَئِن سَأَلْتَهُم مَّنْ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولَنَّ اللَّهُ قُلِ
 الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٢٥﴾ لِلَّهِ مَافِي السَّمَوَاتِ
 وَالْأَرْضِ ۗ إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ ﴿٢٦﴾ وَلَوْ أَنَّ مَافِي الْأَرْضِ
 مِن شَجَرَةٍ أَقْلَمٌ وَالْبَحْرُ يَمُدُّهُ وَمِن بَعْدِهِ سَبْعَةُ أَبْحُرٍ
 مَا نَفَدَتْ كَلِمَاتُ اللَّهِ ۗ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٢٧﴾ مَا خَلَقَكُمْ
 وَلَا بَعَثَكُمْ إِلَّا كَنَفْسٍ وَاحِدَةً ۗ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ ﴿٢٨﴾

آیا ندیدید که خدا رام گردانید برای شما آنچه در آسمان ها است و آنچه در زمین است و بر شما نعمت های خود را آشکار و پنهان فرود آورد و از مردمان کسی هست که درباره خدا بغیر دانش و بغیر هدایت و بغیر کتاب روشن مکابره میکند (۲۰). و چون به ایشان گفته شود که از چیزی پیروی کنید که خدا فرود آورده است گویند بلکه چیزی را پیروی می کنیم که بر آن پدران خود را یافتیم آیا پیروی میکنند اگر چه شیطان ایشان را به سوی عذاب دوزخ می خواند (۲۱). و هر که روی خود را به سوی خدا و وی نیکوکارست متوجه ساخت پس هر آئینه بدست آویزی محکم دست زده است و بازگشت کارها به سوی خداست (۲۲). و هر که کافر شود پس تورا کفر وی اندوهگین نکند رجوع ایشان به سوی ماست پس خیر دار کنیم ایشان را بآنچه میکردند هر آئینه خدا داناست به خصلتی که در سینه ها باشد (۲۳). ایشان را اندکی بهره مند می سازیم باز به بیچارگی ایشان را به سوی عذاب سخت برانیم (۲۴). و اگر سوال کنی از ایشان چه کس آسمان ها و زمین را بیافرید البته بگویند خدا آفرید بگو ستایش خدای راست بلکه اکثر ایشان نمی دانند (۲۵). آنچه در آسمان ها و زمین است از آن خدا است هر آئینه خدا همانست بی نیاز ستوده (۲۶). و اگر آنچه در زمین است از درختان قلم ها شوند و دریا جوهر بود که آنرا بعد ازین دریا هفت دریای دیگر یاریگر شوند سخنان خدا بپایان نرسند هر آئینه خدا غالب با حکمت است (۲۷). نیست آفریدن شما و نه برانگیختن شما الا مانند آفریدن و برانگیختن یکتا هر آئینه خدا شنوا بیناست (۲۸).

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ
 وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى وَأَنَّ اللَّهَ
 بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ﴿٢٩﴾ ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّ مَا يَدْعُونَ
 مِنْ دُونِهِ الْبَطْلُ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ ﴿٣٠﴾ أَلَمْ تَرَ أَنَّ
 الْفُلْكَ تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِنِعْمَتِ اللَّهِ لِيُرِيَكُمْ مِنْ آيَاتِهِ إِنَّ
 فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ ﴿٣١﴾ وَإِذَا غَشِيَهم مَوْجٌ
 كَأَلْظَلَلِ دَعَوْا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ
 فَمِنْهُمْ مُّقْتَصِدٌ وَمَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا كُلُّ خَتَّارٍ كَفُورٍ
 ﴿٣٢﴾ يَتَأَيَّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ وَأَخْشَوْا يَوْمًا لَا يَجْزِي وَالِدٌ
 عَنْ وَلَدِهِ وَلَا مَوْلُودٌ هُوَ جَازٍ عَنِ وَالِدِهِ شَيْئًا إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ
 حَقٌّ فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَلَا يَغُرَّنَّكُمْ بِاللَّهِ
 الْغُرُورُ ﴿٣٣﴾ إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَيُنزِلُ الْغَيْثَ
 وَيَعْلَمُ مَا فِي الْأَرْحَامِ وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ مَّاذَا تَكْسِبُ غَدًا
 وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ بِأَيِّ أَرْضٍ تَمُوتُ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ ﴿٣٤﴾

سورة السجدة

آیاندیدی که خدا درمی آورد شب را در روز و درمی آورد روز را در شب و رام گردانید خورشید و ماه را هریکی تامدتی معین می‌رود و آیا ندیدی که خدا به آنچه می‌کنید خبردارست (۲۹). این کارها بسبب آن است که خدا همونست حق و ثابت و بسبب آنست که آنچه می‌پرستند به جزوی بی اصل و باطل است و بسبب آنست که خدا همونست بلند مرتبه بزرگ قدر (۳۰). آیاندیدی که کشتی‌ها در دریا به فضل خدا می‌رود تا شمارا بعضی نشانه‌های خویش بنماید هرآئینه درین (ماجرا) هر صبر کننده سپاس دارنده را نشانه هاست (۳۱). و چون ایشان را موجی مانند سایبان‌ها در گیرد خدایا بخوانند برای او عبادت را خالص کرده پس آنگاه که ایشان را بسوی بیابان نجات داد پس بعضی از ایشان میانه رو باشند و آیات ما را انکار نمی‌کنند مگر هر عهد شکننده ناسپاس (۳۲). ای مردمان از پروردگار خویش بترسید و حذر کنید از روزی که کفایت نکند هیچ پدری از پسر خویش و نه فرزندی کفایت کننده باشد چیزی را از پدر خویش هرآئینه وعده خدا راست است پس شمارا زندگانی دنیا فریب ندهد و شمارا شیطان فریبنده نسبت به خدا فریب ندهد (۳۳). هرآئینه خدا نزد اوست علم قیامت و باران را فرود می‌فرستد و آنچه در رحمها ی باشد میداند و نمیداند هیچ شخصی که فردا چه کار خواهد کرد و هیچ شخصی نمی‌داند که بکدام سر زمین خواهد مُرد هرآئینه خدا دانا خبر داراست (۳۴).

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

١ تَنْزِيلَ الْكِتَابِ لَارَيْبَ فِيهِ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ
 ٢ أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ بَلْ هُوَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ لِتُنذِرَ قَوْمًا
 مَّا أَتَاهُمْ مِنْ نَذِيرٍ مِّن قَبْلِكَ لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ ٣ اللَّهُ
 الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ
 ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ ٤ مَا لَكُمْ مِّن دُونِهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا شَفِيعٍ
 أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ ٥ يُدِيرُ الْأَمْرَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ ثُمَّ يَعْرُجُ
 إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ أَلْفَ سَنَةٍ مِّمَّا تَعُدُّونَ ٦ ذَلِكَ
 عِلْمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ٧ الَّذِي أَحْسَنَ
 كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ وَوَدَّ أَنْ يُخَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ طِينٍ ٨ ثُمَّ جَعَلَ
 نَسْلَهُ مِنْ سُلَالَةٍ مِّن مَّاءٍ مَّهِينٍ ٩ ثُمَّ سَوَّاهُ وَنَفَخَ فِيهِ مِنْ
 رُّوحِهِ ١٠ وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا
 مَّا تَشْكُرُونَ ١١ وَقَالُوا أءِذَا ضَلَلْنَا فِي الْأَرْضِ أَءِذَا نَأَى
 خَلْقِ جَدِيدٍ بَلْ هُمْ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ كَافِرُونَ ١٢ * قُلْ يَتَوَفَّاكُم
 مَلَكُ الْمَوْتِ الَّذِي وُكِّلَ بِكُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ ١٣



بنام خدای بخشاینده مهربان.

الم (۱). فرود آوردن کتاب که هیچ شکئی در آن روا نیست از جانب پروردگار جهانیان است (۲). آیامی گویند آنرا برافته است بلکه وی راست است از جانب پروردگار تو آمده تا بترسانی قومی را که نیامده است به ایشان هیچ ترساننده ای پیش از تو تا باشد که ایشان راه یابند (۳). خدا کسی است که آسمان ها وزمین را وهرآنچه ما بین آنهاست درشش روز آفرید بازقرار گرفت برعرش نیست شمارا جزاو هیچ دوستی ونه شفاعت کننده ای آیا پند پذیر نمی شوید (۴). کاررا تدبیر میکند فرودآورده ازآسمان به سوی زمین بازبالا می رود آن کار به سوی خدا در روزیکه هست مقدار آن هزارسال از آنچه که می شمارید (۵). این است صفت داننده^۱ نهران و آشکار غالب مهربان (۶). کسی که به نیک ترین وجه ساخت هرچیزی را که آفریدش و آفرینش آدمی را از گِل آغاز کرد (۷). باز نسل او را از خلاصه ای از آبِ خوار پیدا کرد (۸). باز درست اندام کردش و در وی روح خود را دمید و پیدا کرد برای شما گوش و چشم ها و دل ها اندکی شکر می کنید (۹). وگفتند چون در زمین گم شویم آیا ما در آفرینش نو خواهیم بود بلکه ایشان به ملاقات پروردگار خویش کافراند (۱۰). بگو ملک الموت قبض روح شمامی کند که بر شما گماشته شده است باز به سوی پروردگار خویش گردانیده شوید (۱۱).

(۱) یعنی اگر مردمان نزول تدبیر و عروج او را تصور کنند در کم از هزار سال خیال نمایند و آن همه پیش خدای تعالی در یک روز تمام می شود غرض آن است که او هام ایشان به قدرت او نمی رسند والله اعلم.



وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ الْمُجْرِمُونَ نَاكِسُو أُرُؤُسِهِمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ
 رَبَّنَا أَبْصَرْنَا وَسَمِعْنَا فَارْجِعْنَا نَعْمَلْ صَالِحًا إِنَّا مُوقِنُونَ
 ﴿١٢﴾ وَلَوْ شِئْنَا لَآتَيْنَا كُلَّ نَفْسٍ هُدًى وَلَٰكِنْ حَقَّ
 الْقَوْلُ مِنِّي لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ
 ﴿١٣﴾ فَذُوقُوا بِمَا نَسِيتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَٰذَا إِنَّا نَسِيتَكُمْ
 وَذُوقُوا عَذَابَ الْخُلْدِ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿١٤﴾ إِنَّمَا يُؤْمِنُ
 بِآيَاتِنَا الَّذِينَ إِذَا ذُكِرُوا بِهَا خَرُّوا سُجَّدًا وَسَبَّحُوا بِحَمْدِ
 رَبِّهِمْ وَهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ ﴿١٥﴾ تَتَجَافَىٰ جُنُوبُهُمْ
 عَنِ الْمَضَاجِعِ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَطَمَعًا وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ
 يُنفِقُونَ ﴿١٦﴾ فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُم مِّن قُرَّةِ أَعْيُنٍ
 جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٧﴾ أَفَمَن كَانَ مُؤْمِنًا كَمَن كَانَ فَاسِقًا
 لَّا يَسْتَوُونَ ﴿١٨﴾ أَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ
 جَنَّاتُ الْمَأْوَىٰ نُزُلًا بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٩﴾ وَأَمَّا الَّذِينَ فَسَقُوا
 فَمَأْوَاهُمُ النَّارُ كُلَّمَا أَرَادُوا أَن يَخْرُجُوا مِنْهَا أُعِيدُوا فِيهَا
 وَقِيلَ لَهُمْ ذُوقُوا عَذَابَ النَّارِ الَّذِي كُنتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ ﴿٢٠﴾

و(تعجب کنی) اگر بنگری هنگامی که گناهکاران سرهایشان را نگو نثار افکنده باشند نزد پروردگار خویش (گویند) ای پروردگار ما دیدیم و شنیدیم پس بازگردان ماراتا بکنیم کارشایسته هرآئینه ما یقین کننده ایم (۱۲). واگر می خواستیم البته هر شخصی را هدایت او می دادیم ولیکن ثابت شده است از جانب من وعده که هرآئینه دوزخ را از جنیان و آدمیان همگی پرکنم (۱۳). پس بچشید (این عذاب را) بسبب آنکه ملاقات این روز خود را فراموش کردید هرآئینه مانیز شمارا فراموش کردیم و عذاب دایم را بسبب آنچه می کردید بچشید (۱۴). جزاین نیست که ایمان می آورند به آیات ما آنانکه چون به آن پند داده می شوند نگو نثار افتند سجده کنان و بیپاکی با ستایش پروردگار خویش را یادکنند و ایشان تکبر نمی کنند (۱۵). پهلوهای ایشان از خوابگاهها دور می ماند^(۲) پروردگار خود را بترس و امیدواری میخوانند و از آنچه روزی داده ایم ایشانرا خرج میکنند (۱۶). پس هیچ نفسی نمیداند چه چیز پنهان داشته شد برای ایشان از خنکی چشم پاداش به آنچه می کردند (۱۷). آیا کسی که مومن باشد مانند کسی هست که فاسق باشد بگور ابر نمی شوند (۱۸). اما آنانکه ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند پس ایشان را بطریق مهمانی بهشت ها جای ماندن است بسبب آنچه می کردند (۱۹). و اما آنانکه فاسق بودند پس جای ایشان دوزخ است هرگاهی که خواهند که از آنجا بیرون آیند در آن بازگردانیده شوند و به ایشان گفته شود بچشید عذاب آتشی را که آن را تکذیب می کردید (۲۰).

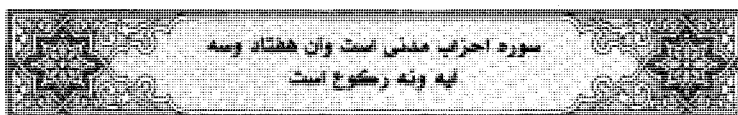
(۲) کنایه است از شب بیداری برای عبادت و دعا و تضرع، مصحح.

وَلَنذِيقَنَّهُم مِّنَ الْعَذَابِ الْأَدْنَىٰ دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ
 لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ﴿٢١﴾ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّن ذُكِّرَ بِآيَاتِ رَبِّهِ ثُمَّ
 أَعْرَضَ عَنْهَا إِنَّا مِنَ الْمُجْرِمِينَ مُنتَقِمُونَ ﴿٢٢﴾ وَلَقَدْ آتَيْنَا
 مُوسَىٰ الْكِتَابَ فَلَا تَكُن فِي مِرْيَةٍ مِّن لِّقَائِهِ وَجَعَلْنَاهُ
 هُدًى لِّبَنِي إِسْرَائِيلَ ﴿٢٣﴾ وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ آيَمَةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا
 لِمَا صَبَرُوا وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يُوقِنُونَ ﴿٢٤﴾ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ
 يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ
 ﴿٢٥﴾ أَوَلَمْ يَهْدِ لَهُمْ كَمَا أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنَ الْقُرُونِ
 يَمْشُونَ فِي مَسَاجِدِهِمْ إِن فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ أَفَلَا يَسْمَعُونَ
 ﴿٢٦﴾ أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا نَسُوقُ الْمَاءَ إِلَى الْأَرْضِ الْجُرُزِ فَنُخْرِجُ
 بِهِ زُرْعَاتًا كُلُّ مِمَّنْهُ نَعَلْمُهُمْ وَأَنْفُسُهُمْ أَفَلَا يُبْصِرُونَ
 ﴿٢٧﴾ وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَذَا الْفَتْحُ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٢٨﴾
 قُلْ يَوْمَ الْفَتْحِ لَا يَنْفَعُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِيمَانُهُمْ وَلَا هُمْ
 يُنظَرُونَ ﴿٢٩﴾ فَأَعْرَضَ عَنْهُمْ وَانْتَظَرِ إِنَّهُمْ مُنْتَظَرُونَ ﴿٣٠﴾

والبته ایشان را عذاب نزدیک بچشانیم (یعنی درد دنیا) غیر از عذاب بزرگ، باشد که ایشان بازگردند (۲۱). و کیست ستمگارتراز کسی که به آیات پروردگار خویش پند داده شده باز از آن روی بگردانید هر آئینه ما از گناهکاران انتقام گیرنده ایم (۲۲). به راستی که موسی را کتاب دادیم پس در شک از دریافت (موسی) آنرا مباش ما آن را هدایت برای بنی اسرائیل گردانیدیم (۲۳). و از ایشان پیشوایانی که راه می نمودند به فرمان ما مقرر کردیم و قتی که صبر کردند و به آیات ما یقین می آوردند (۲۴). هر آئینه پروردگارتو روز قیامت میان ایشان در آنچه در آن اختلاف میکردند فیصله می کند (۲۵). آیا واضح نشد برای ایشان که چه قدر از نسلها پیش از ایشان هلاک کردیم ایشان در خانه های آن جماعت میروند هر آئینه درین کار نشانه هاست آیانی شنوند (۲۶). آیا ندیده اند که ما آب را به سوی زمین بی گیاه روان می کنیم پس بسبب آن زراعت را بیرون می آوریم که از آن زراعت چهار پایان ایشان و خود ایشان نیز میخورند آیانی بینند (۲۷). و میگویند کی خواهد بود این فتح اگر شما راست گویند (۲۸). بگو روز فتح کافران را ایمان آوردن ایشان سود ندهد و نه ایشان مهلت داده شوند (۲۹). پس از ایشان روی بگردان و انتظار بکن هر آئینه ایشان نیز منتظرند (۳۰).

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ اتَّقِ اللَّهَ وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ إِنَّ
 اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا ١ وَأَتَّبِعْ مَا يُوْحَىٰ إِلَيْكَ
 مِنْ رَبِّكَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا ٢ وَتَوَكَّلْ
 عَلَى اللَّهِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ وَكِيلًا ٣ مَا جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِّنْ
 قَلْبَيْنِ فِي جَوْفِهِ ۖ وَمَا جَعَلَ أَرْوَاجَكُمْ أَلْسِنَةً ۗ تَظَاهَرُونَ
 مِنْهُنَّ أُمَّهَاتِكُمْ وَمَا جَعَلَ أَدْعِيَاءَكُمْ أَبْنَاءَكُمْ ۚ ذَٰلِكُمْ قَوْلُكُمْ
 بِأَفْوَاهِكُمْ ۗ وَاللَّهُ يَقُولُ الْحَقَّ وَهُوَ يَهْدِي السَّبِيلَ ٤
 أَدْعُوهُمْ لِأَبَائِهِمْ ۗ هُوَ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ ۖ فَإِن لَّمْ تَعْلَمُوا آبَاءَهُمْ
 فَاخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ وَمَوْلَاكُمْ ۗ وَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ فِيمَا
 أَخْطَأْتُمْ بِهِ ۚ وَلَٰكِن مَّا تَعَمَّدَتْ قُلُوبُكُمْ ۚ وَكَانَ اللَّهُ
 غَفُورًا رَّحِيمًا ٥ النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ ۗ
 وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ ۗ وَأُولُو الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ
 فِي كِتَابِ اللَّهِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ ۖ إِلَّا أَنْ تَفْعَلُوا إِلَىٰ
 أَوْلِيَائِكُمْ مَّعْرُوفًا ۚ كَانَ ذَٰلِكَ فِي الْكِتَابِ مَسْطُورًا ٦



بنام خدای بخشاینده مهربان.

ای پیامبر از خدا بترس و کافران و منافقان را فرمانبرداری مکن هر آئینه خدا دانای باحکمت است (۱). و چیزی را که وحی فرستاده میشود به سوی تو از جانب پروردگارت پیروی کن هر آئینه خدا به آنچه میکنید خبر دار است (۲). و بر خدا توکل کن و خدا به عنوان کارساز بس است (۳). خدای تعالی برای هیچ مردی دو دل در داخل بدن او نیافریده است (۴) و آن زنان شمارا که مورد ظهار قرار میدهید مادران شما قرار نداده است و نه ساخته است پسر خواندگان شمارا پسرا این سخن شماست که میگویید به دهان خویش و خدا می گوید سخن راست او به راه دلالت میکند (۴). پسر خواندگان را به پدران ایشان نسبت کنید این نزد خدا راست تر است پس اگر ندانید پدران ایشانرا پس در دین برادران شمایند و آزاد کردگان شمایند (۵) و بر شما در لفظی که خطا کرده باشید به تکلم آن گناهی نیست ولیکن گناه آن است که قصد کرد دلهای شما و هست خدا آمرزنده مهربان (۵). پیامبر به تصرف در امور مسلمین از ذات های ایشان سزاوار تر است و زنان پیامبر مادران ایشانند (۶) و خویشاوندان بعضی ایشان به بعضی دیگر در حکم خدا از سایر مسلمانان و هجرت کنندگان نزدیک تراند مگر آنکه به سوی دوستان خود کار نیکی انجام دهید این حکم در لوح محفوظ نوشته شده (۷) است (۷).

- (۱) مترجم گوید که درین آیات ردّ است بر قول کافری که میگوید مرا دو دل داده اند و بر آنچه اهل جاهلیت مقرر کرده بودند که مظاهره مثل مادر حرام ابدی شود و تعریض است به جواب طعن کافران و منافقان نسبت به آن حضرت صلی الله علیه وسلم چون زینب را ازدواج فرمود که زن پسر خوانده را بزنی گرفت.
- (۲) یعنی پس باین لقب بخوانید.
- (۳) یعنی در حرمت نکاح.
- (۴) یعنی صله ارحام واجب است و توارث به هجرت و اسلام منسوخ شد بسبب توارث به قرابت و ارحام.

وَإِذْ أَخَذْنَا مِنَ النَّبِيِّينَ مِيثَاقَهُمْ وَمِنْكَ وَمِنْ نُوحٍ وَإِبْرَاهِيمَ
 وَمُوسَى وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَأَخَذْنَا مِنْهُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا ﴿٧﴾
 لِيَسْأَلَ الصَّادِقِينَ عَنْ صِدْقِهِمْ وَأَعَدَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا أَلِيمًا
 ﴿٨﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَاءَتْكُمْ
 جُنُودٌ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا وَجُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا وَكَانَ اللَّهُ
 بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا ﴿٩﴾ إِذْ جَاءَكُمْ مِنْ فَوْقِكُمْ وَمِنْ أَسْفَلَ
 مِنْكُمْ وَإِذْ زَاغَتِ الْأَبْصَارُ وَبَلَغَتِ الْقُلُوبُ الْحَنَاجِرَ
 وَتَظُنُّونَ بِاللَّهِ الظُّنُونًا ﴿١٠﴾ هُنَالِكَ ابْتُلِيَ الْمُؤْمِنُونَ وَزُلْزِلُوا
 زَلِيلًا أَلَسَدِيدًا ﴿١١﴾ وَإِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ
 مَّرَضٌ مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ إِلَّا غُرُورًا ﴿١٢﴾ وَإِذْ قَالَت طَّائِفَةٌ
 مِنْهُمْ يَا أَهْلَ يَثْرِبَ لَا مُقَامَ لَكُمْ فَارْجِعُوا وَيَسْتَعِذُّنَ فَرِيقٌ
 مِنْهُمْ النَّبِيَّ يَقُولُونَ إِنَّ بُيُوتَنَا عَوْرَةٌ وَمَا هِيَ بِعَوْرَةٍ إِنْ يُرِيدُونَ
 إِلَّا فِرَارًا ﴿١٣﴾ وَلَوْ دُخِلَتْ عَلَيْهِمْ مِنْ أَقْطَارِهَا ثُمَّ سُلِوا أَلْفِئْتَةً
 لَأَتَوْهَا وَمَا تَلَبَّثُوا بِهَا إِلَّا يَسِيرًا ﴿١٤﴾ وَلَقَدْ كَانُوا عَاهِدُوا
 اللَّهَ مِنْ قَبْلُ لَا يُؤْلُونَ إِلَّا الذُّبُرَ وَكَانَ عَهْدُ اللَّهِ مَسْئُولًا ﴿١٥﴾

و یادکن چون از پیامبران عهد ایشان را گرفتیم و از توبه گرفتیم و از نوح و ابراهیم و موسی و عیسی پسر مریم و از ایشان عهد محکم گرفتیم (۷). تا خدای تعالی آن راست گویان را از راستی ایشان بپرسد و برای کافران عذاب درد ناک^(۵) مهیا کرده است (۸). ای مسلمانان نعمت خدایا بر خویش یاد کنید وقتی که بر سر شمالشکرها آمدند پس برایشان باد را و لشکرهایی که آنها را ندیدید فرستادیم و خدا به آنچه می کنید بینا هست (۹). چون بر شما از جانب بالای شما و از جانب پائین شما آمدند و چون خیره ماندند دیدها و دلها بچنبر گردنها رسید و نسبت به خدا گمان میکردید گمانهای مختلف (۱۰). آنجا مسلمانان امتحان کرده شدند و جنبانیده شدند جنبانیدن سخت (۱۱). و چون منافقان و آنانکه در دل های ایشان بیماریست می گفتند که خدا و رسول جز وعده های دروغین بمانداده اند (۱۲). و چون طائفه ای از ایشان گفتند ای اهل مدینه (اینجا) سرای ماندن شما نیست پس باز گردید و گروهی از ایشان از جناب پیامبر دستور می طلبند می گویند هر آینه خانه های ما نامضبوط است و آن خانه های نامضبوط نیستند مگر گریختن را نمی خواهند (۱۳). و اگر بر سر ایشان از نواحی آن درآمده می شد پس طلب کرده می شد از ایشان خانه جنگی البته آن را انجام میدادند و توقف نمی کردند در آن فتنه مگر اندکی^(۶) (۱۴). و به راستی با خدا پیش ازین عهد بسته بودند که پشت هارا برنگردانند و عهد و پیمان خدا پرسیده شده هست (۱۵).

- (۵) مترجم گوید کفار در غزوه^۱ احزاب بر مدینه هجوم کردند و آن حضرت صلی الله علیه و سلم به خندق متحصن شدند و از منافقان سخنان نفاق سرزد شد و مخلصان استقامت ورزیدند و آخر فتح اسلام واقع شد خدای تعالی دردم منافقان و مدح مومنان و منت نهادن بر ایشان نازل ساخت.
- (۶) مترجم گوید حاصل کلام آنست که در جهاد توقف می کنند و اگر جنگ موافق خواهشات آنان می شد توقف نمیکردند.

سورة الأحزاب
الحزب
٤٢

قُلْ لَنْ يَنْفَعَكُمْ الْفِرَارُ إِنْ فَرَرْتُمْ مِنَ الْمَوْتِ أَوِ الْقَتْلِ وَإِذَا
لَا تَمْتَعُونَ إِلَّا قَلِيلًا ﴿١٦﴾ قُلْ مَنْ ذَا الَّذِي يَعْصِمُكُمْ مِنَ اللَّهِ
إِنْ أَرَادَ بِكُمْ سُوءًا أَوْ أَرَادَ بِكُمْ رَحْمَةً وَلَا يَجِدُونَ لَهُمْ مِنْ دُونِ
اللَّهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا ﴿١٧﴾ * قَدْ يَعْلَمُ اللَّهُ الْمَعْوِقِينَ مِنْكُمْ وَالْقَائِلِينَ
لِإِخْوَانِهِمْ هَلُمَّ إِلَيْنَا وَلَا يَأْتُونَ الْبَأْسَ إِلَّا قَلِيلًا ﴿١٨﴾ أَشِحَّةً
عَلَيْكُمْ فِإِذَا جَاءَ الْخَوْفُ رَأَيْتَهُمْ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ تَدُورًا عَيْنُهُمْ
كَالَّذِي يُغْشَى عَلَيْهِ مِنَ الْمَوْتِ فِإِذَا ذَهَبَ الْخَوْفُ سَلَقُوكُمْ
بِاللِّسِنَةِ حِدَادٍ أَشِحَّةً عَلَى الْخَيْرِ أُولَئِكَ لَمْ يُؤْمِنُوا فَأَحْبَطَ
اللَّهُ أَعْمَالَهُمْ وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا ﴿١٩﴾ يَحْسَبُونَ
الْأَحْزَابَ لَمْ يَذْهَبُوا وَإِنْ يَأْتِ الْأَحْزَابَ يَوَدُّوا لَوْ أَنَّهُمْ
بَادُونَ فِي الْأَعْرَابِ يَسْأَلُونَ عَنْ أَنْبَاءِكُمْ وَلَوْ كَانُوا فِيكُمْ
مَا قَاتَلُوا إِلَّا قَلِيلًا ﴿٢٠﴾ لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ
لِمَنْ كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا ﴿٢١﴾
وَلَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ
وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَمَا زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا وَتَسْلِيمًا ﴿٢٢﴾

بگو شمارا گریختن اگر بگریزید از مرگ یا از کشته شدن سود ندهد و آن هنگام مگر اندکی بهره مند ساخته نشوید (۱۶). بگو کیست آنکه نگاه دارد شمارا از تصرف خدا اگر در حق شما سختی‌ای را بخواهد یا در حق شما نعمتی را بخواهد و برای خویش جز خدا دوستی و نه یاری دهنده‌ای نیابد (۱۷). هر آینه خدا بازدارندگان را از شما میداند و گویندگان را به بردارن خویش که به سوی ما بیاید و بکارزار مگر اندکی حاضر نمی‌شوند (۱۸). بخل کنان نسبت به شما^(۷) پس چون ترس بیاید ببینی که ایشان درمی‌نگرند به سوی تو در حالیکه می‌گردد چشم‌های ایشان مانند کسی که از سختی موت بیهوش کرده شود پس چون ترس برود بر شما به زبان‌های تیز زبان درازی کنند بخل کنان بر مال این جماعت ایمان نیاوردند پس خدا کردارهای ایشان را نابود ساخت و این کار بر خدا آسان هست (۱۹). می‌پندارند که لشکرهای کفار نرفته‌اند و اگر لشکرها بیایند تمناکنند ای کاش ایشان در میان اعراب صحرا نشین بودند از اخبار شما سوال می‌کردند^(۸) و اگر در میان شما باشند مگر اندکی کارزار نکنند (۲۰). به راستی شمارا به پیامبر خدا پیروی نیک است کسی را که ثواب خدا را توقع می‌داشت و روز آخر را امید میداشت و خدا را بسیار یاد کرد (۲۱). و چون مسلمانان لشکرها را دیدند گفتند این است آنچه ما را خدا و پیامبر او وعده داده بود و خدا و رسول او راست گفت و این ماجرا در حق ایشان نیفزود مگر باور داشتن و گردن نهادن را (۲۲).

(۷) یعنی در حق شما.

(۸) یعنی از هر آینده و رونده.

مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَن
 قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَن يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَلُوا أَبَدِيًّا ﴿٢٣﴾ لِيَجْزِيَ
 اللَّهُ الصَّادِقِينَ بِصِدْقِهِمْ وَيُعَذِّبَ الْمُنَافِقِينَ إِنْ شَاءَ أَوْ
 يَتُوبَ عَلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَّحِيمًا ﴿٢٤﴾ وَرَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ
 كَفَرُوا بِغَيْظِهِمْ لَمْ يَنَالُوا خَيْرًا وَكَفَى اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ
 الْقِتَالَ وَكَانَ اللَّهُ قَوِيًّا عَزِيزًا ﴿٢٥﴾ وَأَنْزَلَ الَّذِينَ ظَاهَرُوا مِنْ
 أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ صَيَاصِيهِمْ وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ
 فَرِيقًا تَقْتُلُونَ وَتَأْسِرُونَ فَرِيقًا ﴿٢٦﴾ وَأَوْرَثَكُمْ أَرْضَهُمْ
 وَوَدَيْرَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ وَأَرْضًا لَمْ تَطَّوْهَا وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ
 شَيْءٍ قَدِيرًا ﴿٢٧﴾ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ إِنْ كُنْتُمْ تُرِيدُونَ
 الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا فَتَعَالَيْنَ أُمَتِّعْكُنَّ وَأُسْرِحْكُنَّ
 سَرَاحًا جَمِيلًا ﴿٢٨﴾ وَإِنْ كُنْتُمْ تُرِيدُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالذَّارَ
 الْآخِرَةَ فَإِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْمُحْسِنَاتِ مِنْكُنَّ أَجْرًا عَظِيمًا ﴿٢٩﴾
 يَبْسَأُ النَّبِيُّ مِنْ يَأْتِ مِنْكُنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبِينَةٍ يُضَعَّفُ
 لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا ﴿٣٠﴾

از مسلمانان مردانی‌اند که راست کردند آنچه با خدا بر آن عهد بسته بودند پس از ایشان کسی هست که قرار داد خود را بانجام رسانید^(۹) و از ایشان کسی هست که انتظاری کند و تبدیل نکردند (یعنی عهد و پیمان را) به هیچ وجه تبدیلی ای (۲۳). تا خدا راست گویان را در برابر راستی ایشان پاداش دهد و منافقان را اگر خواهد عذاب کند یا برحمت برایشان بازگردد هر آئینه خدا آمرزنده مهربان هست (۲۴). و خدا کافران را باخشم ایشان بازگردانید هیچ منفعتی نیافتند و خدا از طرف مسلمانان جنگ را کفایت کرد و خدا توانا غالب است (۲۵). و آنانرا که مدد گاری این لشکر ها کرده بودند از اهل کتاب^(۱۰) از قلعه های ایشان فرود آورد و در دل های ایشان خوف افکند طائفه‌ای را می‌کشتید و طائفه‌ای را اسیر می گرفتید (۲۶). و عاقبت کار زمین ایشان و خانه های ایشان و مال های ایشان را به شما داد و نیز عاقبت کار زمینی را که نفرسوده اید آنرا^(۱۱) به شما داد خدا بر همه چیز توانا هست (۲۷). ای^(۱۲) پیامبر به زنان خود بگو اگر زندگانی دنیا و آرایش آن را خواسته باشید پس بیایید تا چیزی مناسب به شما دهم و شمارا رهاکنم رهاکردن نیک (۲۸). و اگر خدا و پیامبر اورا و سرای آخرت را می‌خواهید پس هر آئینه خدا برای زنان نیکوکار از شما پاداش بزرگ آماده ساخته است (۲۹). ای زنان پیامبر هر کس که از شما بدکاری ظاهر^(۱۳) را به عمل آورد دوچند کرده می شود بروی عذاب دوچندان این کار برخدا آسان هست (۳۰).

(۹) یعنی شهید شد.

(۱۰) یعنی بنی قریظه را فرود آورد.

(۱۱) یعنی خیبر.

(۱۲) مترجم گوید ازواج آنحضرت چیزی که نزد آنحضرت نبود از زینت دنیا طلب می کردند خدای تعالی ایشانرا پندداد و زجر فرمود و احکام معاشرت را برای ایشان نازل فرمود و زینب رضی الله تعالی عنها در عقد زید بود در میان ایشان ناسازگاری پدید آمد و رفته رفته بطلاق منجر شد و بعد از انقضای عدت خدای تعالی اورا داخل ازواج طاهرات گردانید منافقان زبان طعن گشادند که زنی پسر خود را بزنی گرفت خدای تعالی در بیان آنکه پسر خوانده حکم پسر ندارد این آیات را نازل فرمود.

(۱۳) مترجم گوید مراد این جا ابدای پیامبر است بزبان درازی.

* وَمَنْ يَقْنُتْ مِنْكُنْ لِلَّهِ وَرَسُولِهِ وَتَعْمَلْ صَالِحًا نُؤْتِهَا
 أَجْرَهَا مَرَّتَيْنِ وَأَعْتَدْنَا لَهَا رِزْقًا كَرِيمًا ﴿٢١﴾ يٰنِسَاءَ النَّبِيِّ
 لَسَنَّ كَأَحَدٍ مِّنَ النِّسَاءِ إِنْ أَتَقَيْنَنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ
 فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَّعْرُوفًا ﴿٢٢﴾ وَقَرْنَ
 فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ وَأَقِمْنَ
 الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا
 يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ
 تَطْهِيرًا ﴿٢٣﴾ وَاذْكُرْنَ مَا يُتْلَىٰ فِي بُيُوتِكُنَّ مِّنْ
 آيَاتِ اللَّهِ وَالْحِكْمَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ لَطِيفًا خَبِيرًا ﴿٢٤﴾
 إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ
 وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ
 وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ
 وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّاتِمِينَ وَالصَّاتِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ
 فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا
 وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا ﴿٢٥﴾

وهرکس از شما فرمانبرداری خدا و پیامبرش را کند و کار نیک کند او را پاداش او دوبار می‌دهیم و برای او روزی نیک مهیا کنیم (۳۱). ای همسران پیامبر شما مانند هیچ یک از سایر زنان نیستید اگر پرهیز گاری کنید پس در سخن گفتن ملایمت مکنید که آنگاه طمع کند کسی که در دل او بیماریست و سخن نیکو بگوید (۳۲). و در خانه‌های خویش بمانید و اظهار تجمل مکنید مانند اظهار تجمل که در جاهلیت پیشین بود و نماز را برپادارید و زکوة را بدهید و فرمانبرداری خدا و رسول او کنید جز این نیست که خدا می خواهد تا که از شما پلیدی را ای اهل بیت دور کند و تا پاک کند شمارا پاک کردنی (۳۳). و آنچه خوانده می‌شود در خانه های شما از آیت های خدا و از حکمت یاد کنید هر آئینه خدا لطف کننده خبر دار هست (۳۴). هر آئینه مردان مسلمان و زنان مسلمان و مردان باوردارنده و زنان باوردارنده و مردان اطاعت کننده و زنان اطاعت کننده و مردان راست گوینده و زنان راست گوینده و مردان شکیبایی کننده و زنان شکیبایی کننده و مردان فروتنی نماینده و زنان فروتنی نماینده و مردان صدقه دهنده و زنان صدقه دهنده و مردان روزه دارنده و زنان روزه دارنده و مردان محافظت کننده شرمگاه خود را و زنان محافظت کننده و مردان یادکننده خدا را بسیار و زنان یادکننده خدای تعالی برای ایشان آمرزش و پاداش بزرگ مهیا کرده است (۳۵).

وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ
 لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا
 مُبِينًا ﴿٣٦﴾ وَإِذْ تَقُولُ لِلَّذِي أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ
 أَمْسِكْ عَلَيْكَ زَوْجَكَ وَاتَّقِ اللَّهَ وَتُخْفِي فِي نَفْسِكَ مَا اللَّهُ
 مُبْدِيهِ وَتَخْشَى النَّاسَ وَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَهُ فَلَمَّا قَضَى زَيْدٌ
 مِّنْهَا وَطَرًا زَوَّجْنَاكَهَا لِكَيْ لَا يَكُونَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ حَرَجٌ فِي
 أَنْزَاجِ أَدْعِيَائِهِمْ إِذَا قَضَوْا مِنْهُنَّ وَطَرًا وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا
 ﴿٣٧﴾ مَا كَانَ عَلَى النَّبِيِّ مِنْ حَرَجٍ فِيمَا فَرَضَ اللَّهُ لَهُ وَسُنَّةَ اللَّهِ فِي
 الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ قَدْرًا مَّقْدُورًا ﴿٣٨﴾ الَّذِينَ
 يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ وَكُنُوا
 بِاللَّهِ حَسِيبًا ﴿٣٩﴾ مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَلَكِن
 رَسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا ﴿٤٠﴾
 يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا ﴿٤١﴾ وَسَبِّحُوهُ
 بُكْرَةً وَأَصِيلًا ﴿٤٢﴾ هُوَ الَّذِي يُصَلِّي عَلَيْكُمْ وَمَلَائِكَتُهُ
 لِيُخْرِجَكُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَكَانَ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا ﴿٤٣﴾

نیست هیچ مومن و هیچ مومنه را چون خدا و رسول او کاری را مقرر کند آنکه ایشان را در کار خویش اختیار باشد و هرکس که خدا و رسول او را نافرمانی کند پس بدرستیکه گمراه شد گمراهی ظاهر^(۱۴) (۳۶). و یادکن چون می گفتی با شخصی که انعام کرده است خدا بروی و نیز انعام کرده ای تو بروی (یعنی آزادی او) که بر خود همسر خود را نگاه دار و از خدا بترس و پنهان می کردی در دلت آنچه خدا پدید آورده^{۱۵} اوست و از مردمان می ترسیدی و خدا سزاوارتر است بآنکه از وی بترسی پس وقتیکه زید از زینب حاجت خود را به انجام رسانید (یعنی طلاق داد) زینب را به تو بزنی دادیم تا نباشد بر مسلمانان هیچ تنگی در نکاح کردن زنان پسر خواندگانشان چون از ایشان حاجت را بآخر رسانند و مراد خدا البته کردنی^(۱۵) هست (۳۷). بر پیامبر هیچ تنگی نیست در آنچه حلال ساخته است خدا برای او مانند آئین خدا در حق آنانکه پیش ازین گذشتند و کار خدا اندازه مقرر کرده شده پیش از وجود هست (۳۸). (مانند آئین خدا در حق) آنانکه پیغام های خدا را میرسانند و از وی می ترسند و نمی ترسند از هیچکس مگر از خدا و خدا حساب کننده بس است (۳۹). محمد پدر هیچ کس از مردان شما نیست ولیکن پیامبر خدا است و آخر پیامبران است^(۱۶) و خدا بهر چیز دانا هست (۴۰). ای مسلمانان خدارا یا دکنید یاد کردنی بسیار (۴۱). و او را صبح و شام به پاکی بخوانید (۴۲). اوست آنکه بر شما رحمت میفرستد و بر شما فرشتگان او دعای رحمت میکنند تا شمارا از تاریکی ها به سوی روشنی بر آورد و خدا به مسلمانان مهربان هست (۴۳).

(۱۴) مترجم گوید درین آیت تعریض است بآن قصه که آنحضرت صلی الله علیه وسلم نخست زینب را برای زید خطبه فرمود و آنرا زینب و برادرش مکروه داشتند و این معنی مناسب حال ایشان نبود والله اعلم.

(۱۵) مترجم گوید درین آیت تعریض است بآن قصه که در خاطر مبارک آنحضرت صلی الله علیه وسلم می گذشت که اگر در میان زید و زینب مفارقت واقع شود آنرا در سبب ازواج طاهرات داخل نمایند لیکن برای رعایت مراسم نیکوخواهی بحسن معاشرت زید را دلالت می فرمود.

(۱۶) یعنی بعد از وی هیچ پیامبر نباشد.

تَحِيَّتُهُمْ يَوْمَ يَلْقَوْنَهُ، وَسَلَامٌ وَأَعَدَّ لَهُمْ أَجْرًا كَرِيمًا ﴿٤٤﴾ يَا أَيُّهَا
النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا ﴿٤٥﴾ وَدَاعِيًا
إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ، وَسِرَاجًا مُنِيرًا ﴿٤٦﴾ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ بِأَنَّ لَهُمْ
مِّنَ اللَّهِ فَضْلًا كَبِيرًا ﴿٤٧﴾ وَلَا تَطْعُ الْكُفْرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ
وَدَعِ أَذْنَهُمْ وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا ﴿٤٨﴾
يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَكَحْتُمُ الْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ طَلَقْتُمُوهُنَّ
مِن قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ فَمَا لَكُمْ عَلَيْهِنَّ مِنْ عِدَّةٍ تَعْتَدُونَهَا
فَتَتَّعُوهُنَّ وَسِرَّحُوهُنَّ سِرَاحًا جَمِيلًا ﴿٤٩﴾ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ
إِنَّا أَحْلَلْنَا لَكَ أَزْوَاجَ الَّتِي آتَيْتَ أَجُورَهُنَّ وَمَا مَلَكَتْ
يَمِينُكَ مِمَّا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَيْكَ وَبَنَاتِ عَمِّكَ وَبَنَاتِ عَمَّتِكَ
وَبَنَاتِ خَالِكَ وَبَنَاتِ خَالَتِكَ الَّتِي هَاجَرْنَ مَعَكَ وَأُمَّرَاءَ
مُؤْمِنَاتٍ إِنْ وَهَبْتَ نَفْسَهَا لِلنَّبِيِّ إِنْ أَرَادَ النَّبِيُّ أَنْ يَسْتَنْكِحَهَا
خَالِصَةً لَّكَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ ۗ قَدْ عَلِمْنَا مَا فَرَضْنَا
عَلَيْهِمْ فِي أَزْوَاجِهِمْ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ لِكَيْلَا
يَكُونَ عَلَيْكَ حَرَجٌ ۗ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا ﴿٥٠﴾

دعای خیر ایشان^(۱۷) روزیکه به خدا ملاقات کنند سلام است برای ایشان پاداش نیک آماده کرده است (۴۴). ای پیامبر هرآئینه ما تو را گواهی دهنده و مژده دهنده و ترساننده فرستادیم (۴۵). و به عنوان دعوت کننده^۲ به سوی خدا به طبق فرمان او و به عنوان چراغ روشن (۴۶). و مسلمان را به آنکه ایشانرا از جانب خدا بخشایش بزرگ باشد بشارت ده (۴۷). و کافران و منافقان را فرمان مبر ورنجانیدن ایشانرا از نظر اعتبار بگذار و توکل کن بر خدا و خدا کارساز بس است (۴۸). ای مسلمانان چون زنان مومنان را نکاح کنید باز ایشان را پیش از آنکه به ایشان دست برسانید طلاق دهید پس شمارا براین زنان هیچ عدتی نیست که آن را به شمارید پس این مطلقات را متعه دهید و بگذارید آن ها را گذاشتن نیک (۴۹). ای پیامبر هرآئینه ما حلال کردیم برای تو آن زنان تورا که مهرایشان را داده‌ای و کنیزکانی که مالک ایشان شده است دست تواز آنچه خدا بر تو عائد ساخته است^(۱۸) و حلال کردیم برای تو دختران عموی تورا و دختران عمه های تورا و دختران خالوی تورا و دختران خاله های تورا آنانکه با تو هجرت کرده اند و حلال کردیم برای تو زن مسلمان را اگر بخشد خود را برای پیامبر^(۱۹) اگر خواهد پیامبر که آن را به زنی گیرد خاص برای تو است غیر از مسلمانان هرآئینه دانستیم آنچه فرض ساخته ایم برایشان در حق زنان ایشان و در حق کنیزانی که مالک آنست دستهای ایشان (سهل کردیم) تا نباشد بر تو هیچ تنگی و خدا آمرزنده مهربان هست^(۲۰) (۵۰).

(۱۷) یعنی از جانب خدا و فرشتگان.

(۱۸) یعنی از کفار بتو رسانیده است.

(۱۹) یعنی بغیر مهردر نکاح آید.

(۲۰) یعنی درباب نکاح چیزهای است که برامت فرض شد و نه برآنحضرت.

* تَرْجِي مَنْ تَشَاءُ مِنْهُنَّ وَتُعْوِي إِلَيْكَ مَنْ تَشَاءُ وَمَنْ أَبْغَيْتَ
 مِمَّنْ عَزَلْتَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكَ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ تَقَرَّ أَعْيُنُهُنَّ
 وَلَا يَحْزَنَ وَيَرْضَيْنَ بِمَا آتَيْتَهُنَّ كُلُّهُنَّ وَاللَّهُ يَعْلَمُ
 مَا فِي قُلُوبِكُمْ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَلِيمًا ﴿٥١﴾ لَا يَحِلُّ لَكَ
 النِّسَاءُ مِنْ بَعْدُ وَلَا أَنْ تَبَدَّلَ بِهِنَّ مِنْ أَزْوَاجٍ وَلَوْ أَعْجَبَكَ
 حُسْنُهُنَّ إِلَّا مَا مَلَكَتْ يَمِينُكَ وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ
 شَيْءٍ رَقِيبًا ﴿٥٢﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ
 إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ إِلَىٰ طَعَامٍ غَيْرَ نَظِيرٍ إِنَّهُ وَلَٰكِنْ
 إِذَا دُعِيتُمْ فَادْخُلُوا فَإِذَا طَعِمْتُمْ فَانْتَشِرُوا وَلَا مُسْتَعْسِفِينَ
 لِحَدِيثٍ إِنْ ذَلِكُمْ كَانَ يُؤْذِي النَّبِيَّ فَيَسْتَحْيِيهِ مِنْكُمْ
 وَاللَّهُ لَا يَسْتَحْيِيهِ مِنَ الْحَقِّ وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسْأَلُوهُنَّ
 مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ
 وَمَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُؤْذُوا رَسُولَ اللَّهِ وَلَا أَنْ تَنْكُحُوا أَزْوَاجَهُ
 مِنْ بَعْدِهِ أَبَدًا إِنَّ ذَلِكُمْ كَانَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمًا ﴿٥٣﴾
 إِنْ تَبَدُّوا شَيْئًا أَوْ خَفَوْهُ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا ﴿٥٤﴾

موقوف داری هرکرا خواهی از ایشان وجای دهی نزدیک خویش هرکرا خواهی واگر خواهش کنی زنی را از آنجمله که آنها را یکسو کرده‌ای پس هیچ گناهی بر تو نیست این رخصت دادن قریب تراست به آنکه خنک شود چشم های ایشان واندوه نخورند و خوشنود شوند به آنچه به ایشان بدهی و خدا می‌داند آنچه درد دل های شماست و خدا دانا بُردبار هست (۵۱). تورا زنان بعد ازین ^(۲۱) حلال نیستند و نه حلال است آنکه بدل کنی به جای ایشان زنان دیگر را و اگر چه تورا حسن ایشان به شگفت آرد مگر آنچه دست تو مالک شد و خدا بر همه چیز نگهبان ^(۲۲) هست (۵۲). ای مسلمانان در نیاید به خانه های پیامبر مگر وقتی که شمارا برای طعامی دستوری داده شود نه انتظار کنان پخته شدن طعام را ولیکن چون خوانده شوید در آید پس چون طعام خوردید پرا گنده شوید و نه آرام گیران برای سخنی هر آئینه این کار پیامبر را میرنجاند پس از شما شرم می‌کند و خدا از سخن راست شرم نمیدارد و چون از زنان پیامبر رختی طلب کنید پس آنرا از ایشان از پس پرده طلب کنید این خصلت پاک تراست برای دل های شما و دل های ایشان و سزاوار نیست شمارا که پیامبر خدا را برنجانید و نه آنکه زنان او را پس از وی هرگز نکاح کنید، هر آئینه این کار نزد خدا گناه بزرگ هست (۵۳). اگر چیزی را آشکار کنید یا آنرا پنهان دارید پس هر آئینه خدا بهر چیز دانا هست (۵۴).

(۲۱) یعنی بعد ازین دو صنف: زن مهاجر قریشی با مهر یازنی که بدون مهر خود راه پیامبر بخشد.

(۲۲) مترجم گوید که این آیت ناسخ آیت سابقه است.

لَا جُنَاحَ عَلَيْهِنَّ فِيءِ آبَائِهِنَّ وَلَا أَبْنَائِهِنَّ وَلَا إِخْوَانِهِنَّ وَلَا
 أَبْنَاءَ إِخْوَانِهِنَّ وَلَا أَبْنَاءَ أَخَوَاتِهِنَّ وَلَا نِسَائِهِنَّ وَلَا مَا مَلَكَتْ
 أَيْمَانُهُنَّ وَأَتَّقِينَ اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدًا
 ﴿٥٥﴾ إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ
 آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا ﴿٥٦﴾ إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ
 اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا
 مُهِينًا ﴿٥٧﴾ وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بَغَيْرِ
 مَا كَتَبُوا فَقَدْ أَحْتَمَلُوا بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا ﴿٥٨﴾
 يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ
 يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفَ فَلَا
 يُؤْذِينَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا ﴿٥٩﴾ * لَيْنَ لَمْرَيْنَتِهِ الْمُنْفِقُونَ
 وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ
 لَنُغْرِبَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا ﴿٦٠﴾ مَلْعُونِينَ
 أَيَّمَا تَقْفُوا أَخِذُوا وَقْتِكُمْ لِقَاتِكُمْ لَكُمْ فِي سُنَّةِ اللَّهِ فِي
 الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا ﴿٦١﴾

هیچ گناه بر زنان نیست در پرده نپوشیدن پیش پدران خویش و نه پیش پسران خویش و نه برادران خویش و نه پسران برادران خویش و نه پسران خواهران خویش و نه زنان هم جنس خویش^(۲۳) و نه آنچه مالك آن شده دست های ایشان وای زنان از خدا بترسید هر آئینه خدا بر همه چیز گواه هست (۵۵). هر آئینه خدا و فرشتگان او بر پیامبر درود میفرستند ای مسلمانان بروی درود فرستید و سلام گوید سلام گفتنی (۵۶). هر آئینه آنانکه خدا و پیامبر او را میرنجانند خدا ایشان را در دنیا و آخرت لعنت کرد و برای ایشان عذاب خوار کننده ای مهیاساخت (۵۷). و آنانکه مردان مسلمان و زنان مسلمان را بغیر گناهی که بعمل آورده باشند میرنجانند پس هر آئینه بار بهتان و گناه ظاهر را برداشتند (۵۸). ای پیامبر بگو به زنان خود و دختران خود و به زنان مسلمانان که بر خود چادرهای خود را فرو پوشند این نزدیک تر است به آنکه شناخته شوند پس ایذا داده نشوند و خدا آمرزنده مهربان^(۲۴) هست (۵۹). اگر باز نآیند منافقان و آنانکه در دل های ایشان بیماری است و خبرید فاش کنندگان در مدینه^(۲۵) البته تو را برایشان برگماریم باز هم سایه نباشند باتو در مدینه مگر زمانی اندک^(۲۶) (۶۰). لعنت کرده شدگان هر جاکه یافته شوند اسیر گرفته شوند و کشته شوند کشتن بسیار (۶۱). مانند روش خدا در آنانکه پیش ازین گذشتند و هرگز در روش خدا تغییری را نیابی (۶۲).

(۲۳) یعنی زنان پاک دامن نه بدکار.

(۲۴) یعنی عفت ایشان ظاهر شود و فاسقی تعرض ایشان نکند و الله اعلم.

(۲۵) یعنی از کردارهای خود.

(۲۶) یعنی جلا وطن کرده شوند.

يَسْئَلُكَ النَّاسُ عَنِ السَّاعَةِ ۗ قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ اللَّهِ وَمَا يُدْرِيكَ
لَعَلَّ السَّاعَةَ تَكُونُ قَرِيبًا ﴿٦١﴾ إِنَّ اللَّهَ لَعَنَ الْكَافِرِينَ وَأَعَدَّ
لَهُمْ سَعِيرًا ﴿٦٢﴾ خَلِدِينَ فِيهَا أَبَدًا لَا يَجِدُونَ وِلْيَاءً وَلَا نَصِيرًا
﴿٦٣﴾ يَوْمَ تُقَلَّبُ وُجُوهُهُمْ فِي النَّارِ يَقُولُونَ يَلَيْتَنَا أَطَعْنَا اللَّهَ
وَأَطَعْنَا الرَّسُولَ ﴿٦٤﴾ وَقَالُوا رَبَّنَا إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَكُبَرَاءَنَا
فَأَضَلُّونَا السَّبِيلًا ﴿٦٥﴾ رَبَّنَا آتِهِمْ ضِعْفَيْنِ مِنَ الْعَذَابِ
وَالْعَنَهُمْ لَعْنًا كَبِيرًا ﴿٦٦﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ
ءَادَوْا مُوسَىٰ فَبَرَّاهُ اللَّهُ مِمَّا قَالُوا وَكَانَ عِنْدَ اللَّهِ وَجِيهًا ﴿٦٧﴾
يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا ﴿٧٠﴾ يُصْلِحْ
لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ ۗ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ
فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا ﴿٧١﴾ إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَوَاتِ
وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا
الْإِنْسَانُ ۗ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا ﴿٧٢﴾ لِيُعَذِّبَ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ
وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ وَيَتُوبَ اللَّهُ
عَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ۗ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا ﴿٧٣﴾

مردمان تورا از قیامت سوال می کنند بگو جزاین نیست که معرفت آن نزد خداست (توجه میدانی) و چه چیز خبر داد تورا شاید که هم فرا رسیدن قیامت در زمان نزدیک باشد (۶۳). هرآئینه خدا کافران را لعنت کرده است و برای ایشان آتش آماده ساخته است (۶۴). جاویدان در آنجا همیشه مانند هیچ دوستی و نه یاری دهنده ای نیا بند (۶۵). روزی که چهره های ایشان در آتش گردانیده شود گویند ای کاش ما خدا را فرمان می بردیم و پیامبر را فرمان می بردیم (۶۶). و گویند ای پروردگار ما هرآئینه ما مهتران و بزرگان خود را فرمانبردیم پس ما را از راه گمراه ساختند (۶۷). ای پروردگار ما ایشان را دوچند از عذاب بده و ایشان را به لعنتی بزرگ (وسخت) لعنت کن (۶۸). ای مسلمانان مانند آنانکه موسی را رنجانیدند مباشید پس خدا تعالی او را از آنچه گفته بودند پاک ساخت و موسی نزد خدا با آبرو (۲۷) بود (۶۹). ای مسلمانان از خدا بترسید و سخن استوار بگویید (۷۰). تابصلاح آورد کردار های شمارا و برای شما گناهان شمارا بیامرزد و هر که فرمان خدا و رسول او را برد پس هرآئینه به پیروزی بزرگ مطلب یاب شد (۷۱). هرآئینه ما امانت را (۲۸) برآسمان ها و بر زمین و بر کوه ها عرضه داشتیم پس قبول نکر دند که آن را بردارند و از آن ترسیدند انسان آنرا برداشت هرآئینه وی ستمگار نادان (۲۹) هست (۷۲). تا (شود آخر کار) آنکه خدای تعالی مردان منافق و زنان منافق را و مردان مشرک و زنان مشرک را عذاب کند و خدا بر مردان مسلمان و زنان مسلمان به رحمت رجوع کند و خدا آمرزنده مهربان هست (۷۳).

(۲۷) مترجم گوید یعنی موسی وقت غسل پرده میکرد چنانچه بنی اسرائیل گفتند که او آدرست روزی بحسب اتفاق برکناره آب غسل میکرد و جامه های خود را بر سنگ نهاده بود به فرمان خدای تعالی آن سنگ روان شد موسی عقب سنگ دوید تا آنکه جماعتی از بنی اسرائیل او را عربان و برهنه دیدند و گفتند ادرت ندارد و ادرت انتفاع خصیه را گویند والله اعلم.

(۲۸) یعنی استعداد و تکلیف [و اختیار یا اراده] به او امر و نواهی والله اعلم.

(۲۹) یعنی بالفعل عدالت و علم ندارد و قابلیت آنها را دارد والله اعلم.

سورة سبأ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَلَهُ الْحَمْدُ
 فِي الْآخِرَةِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ ﴿١﴾ يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا
 يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا وَهُوَ
 الرَّحِيمُ الْغَفُورُ ﴿٢﴾ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَأْتِينَا السَّاعَةُ
 قُلْ بَلَىٰ وَرَبِّي لَتَأْتِيَنَّكُمْ عِلْمُ الْغَيْبِ لَا يَعْزُبُ عَنْهُ مِثْقَالُ
 ذَرَّةٍ فِي السَّمَوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ وَلَا أَصْغُرُ مِنْ ذَلِكَ
 وَلَا أَكْبَرُ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ ﴿٣﴾ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ
 ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ
 كَرِيمٌ ﴿٤﴾ وَالَّذِينَ سَعَوْا فِي آيَاتِنَا مُعْجِزِينَ أُولَٰئِكَ
 لَهُمْ عَذَابٌ مِّن رَّجْزِ أَلِيمٍ ﴿٥﴾ وَيَرَى الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ
 الَّذِي أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِن رَّبِّكَ هُوَ الْحَقُّ وَيَهْدِي إِلَى صِرَاطٍ
 الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ ﴿٦﴾ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا هَلْ نَدُلُّكُمْ عَلَىٰ رَجُلٍ
 يُنَبِّئُكُمْ إِذَا مُزِقْتُمْ كُلٌّ مِّمَّزِقٍ إِنَّكُمْ لَفِي خَلْقٍ جَدِيدٍ ﴿٧﴾

سوره سبأ مکی است و آن پنجاه
و چهار آیه و شش رکوع است

بنام خدای بخشاینده مهربان.

همه سپاس و ستایش خدای راست که بدست اوست آنچه در آسمان ها است و آنچه در زمین است و مرا و راست سپاس و ستایش در آخرت و او با حکمت آگاه است (۱). آنچه به زمین درمی آید و آنچه از وی برمی آید و آنچه از آسمان فرود می آید و آنچه در وی بالامیرود میدانند و او مهربان آمرزنده است (۲). و کافران گفتند قیامت پیش ما نخواهد آمد بگواری قسم به پروردگار من البته به شما خواهد آمد پروردگاری که داننده پوشیده است از وی هم وزن ذره ای در آسمان ها و نه در زمین غائب نمی شود و نه خرد تر از آن و نه بزرگ تر مگر در کتاب ظاهر ثبت است (۳). تا آنان را که ایمان آورده اند و عمل های شایسته کرده اند پاداش دهد آن جماعت برای ایشان آمرزش و روزی گرامی است (۴). و آنانکه در رد آیات ما مقابله کنان سعی کردند آن جماعت برای ایشان عذابی از عقوبت درد ناک است (۵). و آنانکه ایشانرا علم داده شده است می بینند چیزی را که فرود آورده شد به سوی تو از جانب پروردگار تو راست است و هدایت کننده به سوی راه خدای غالب ستوده کار (۶). و کافران بایکدیگر گفتند آیا شمارا بر مردی دلالت کنیم که به شما خبر میدهد که چون پاره پاره کرده شوید تمام پاره پاره شدن هر آینه شما در آفرینشی نوباشید (۷).

أَفَتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَمْ بِهِ جِنَّةٌ بَلِ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ
 فِي الْعَذَابِ وَالضَّلَالِ الْبَعِيدِ ﴿٨﴾ أَفَلَمْ يَرَوْا إِلَى مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ
 وَمَا خَلْفَهُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِن نَّشَاءِ نُخَسِفْ بِهِمُ الْأَرْضَ
 أَوْ نُسْقِطْ عَلَيْهِمْ كِسَفًا مِنَ السَّمَاءِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً
 لِّكُلِّ عَبْدٍ مُنِيبٍ ﴿٩﴾ * وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُدَ مِنَّا فَضْلًا
 يَجِبَالٍ أَوْبَىٰ مَعَهُ، وَالطَّيْرِ وَالنَّالِ الْهَدِيدِ ﴿١٠﴾ أَنْ أَعْمَلَ
 سَبِغَتٍ وَقَدَّرَ فِي السَّرْدِ وَأَعْمَلُوا صِدْحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ
 بَصِيرٌ ﴿١١﴾ وَلَسَلِيمَانَ الرِّيحَ غَدُوًّا شَهْرٌ وَرَوَاحَهَا شَهْرٌ
 وَأَسَلْنَا لَهُ عَيْنَ الْقِطْرِ وَمِنَ الْجِنِّ مَن يَعْمَلُ بَيْنَ يَدَيْهِ بِإِذْنِ
 رَبِّهِ وَمَن يَزِغْ مِنْهُمْ عَنْ أَمْرِنَا نُنْذِقْهُ مِنْ عَذَابِ السَّعِيرِ ﴿١٢﴾
 يَعْمَلُونَ لَهُ، وَمَا يُشَاءُ مِنْ مَّحْرَبٍ وَتَمَثِيلَ وَجْفَانٍ كَالْجَوَابِ
 وَقُدُورٍ رَّاسِيَتٍ أَعْمَلُوا أَلْ دَاوُدَ شُكْرًا وَقَلِيلٌ مِّنْ عِبَادِيَ
 الشَّاكِرِينَ ﴿١٣﴾ فَلَمَّا قَضَيْنَا عَلَيْهِ الْمَوْتَ مَا دَلَّهُمْ عَلَىٰ مَوْتِهِ
 إِلَّا دَابَّةُ الْأَرْضِ تَأْكُلُ مِنسَاتَهُ، فَلَمَّا خَرَّ تَبَيَّنَتِ الْجِنُّ
 أَنْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ الْغَيْبَ مَا لَبِثُوا فِي الْعَذَابِ الْمُهِينِ ﴿١٤﴾

آیا برخدا دروغ بر بسته است یا به او جنونی هست بلکه آنانکه به آخرت ایمان نمی آورند در عقوبت و درگمراهی دور باشند (۸). آیا به سوی آنچه پیش روی ایشانست و آنچه پس پشت ایشانست از آسمان وزمین ندیدند اگر خواهیم ایشان را به زمین فروربریم یا برایشان پاره‌هایی از آسمان بافکنیم هر آئینه درین کار هر بنده رجوع کننده را نشانه است (۹). و هر آئینه داود را از نزد خود بزرگی دادیم گفتیم ای کوه‌ها و (ای) مرغان همراه او در تسبیح گفتن همنوا باشید و برای او آهن را نرم گردانیدیم (۱۰). (فرمودیم) که بساز زره‌های کشاده و اندازه نگاه دار در یافتن حلقه‌ها و ای اهل بیتِ داود کردار شایسته به عمل آورید هر آئینه من به آنچه میکنید بینام (۱۱). و برای سلیمان باد را مسخر ساختیم سیراؤل روز او یکماهه راه بود و سیرِ آخر روز او نیز یکماهه راه بود و برای او چشمهٔ مس روان ساختیم و ازدیوان کسی را که کار میکرد پیش او به حکم پروردگار خویش مسخر ساختیم و هر که ازدیوان از حکم ما کجی کند او را پاره‌ای از عقوبتِ دوزخ بچشانیم (۱۲). برای او آنچه میخواست از قلعه‌ها و تمثالها و کاسه‌هایی چون حوض‌ها و دیگ‌های ثابت در جاهای خود میساختند گفتیم ای آل داود سپاسداری را به عمل آورید و از بندگان من اندک کسی شکر گزارنده است (۱۳). پس چون بر وی مرگ را مقرر کردیم جز کرمِ چوب خوار که عصایش رامی خورد آنان را به مرگ او راه نمود پس چون بافتاد واضح شد پیش دیوان که اگر غیب را میدانستند در عذاب خوار کننده درنگ نمی کردند (۱۴).

لَقَدْ كَانَ لِسَبَإٍ فِي مَسْكِنِهِمْ آيَةٌ جَنَّتَانِ عَنْ يَمِينٍ وَشِمَالٍ
كُلُوا مِنْ رِزْقِ رَبِّكُمْ وَاشْكُرُوا لَهُ، بِلَدَّةٍ طَيِّبَةٍ وَرَبِّ غُفُورٍ
﴿١٥﴾ فَأَعْرَضُوا فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ سَيْلَ الْعَرِمِ وَبَدَّلْنَاهُمْ بِجَنَّتَيْهِمْ
جَنَّتَيْنِ ذَوَاتِ أُكُلٍ خَمْطٍ وَأَثَلٍ وَشَيْءٍ مِّن سِدْرٍ قَلِيلٍ
﴿١٦﴾ ذَلِكَ جَزَيْنَاهُمْ بِمَا كَفَرُوا وَهَلْ يُجْزَىٰ إِلَّا الْكَفُورُ ﴿١٧﴾
وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْقُرَىٰ الَّتِي بَرَكْنَا فِيهَا قُرَىٰ ظَاهِرَةً
وَقَدَّرْنَا فِيهَا السَّيْرَ سِيرًا وَسِيرًا لِيَالِي وَأَيَّامًا آمِنِينَ ﴿١٨﴾
فَقَالُوا رَبَّنَا بَعْدَ بَيْنِ أَسْفَارِنَا وَظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ فَجَعَلْتَهُمْ
أَحَادِيثَ وَمَزَّقْنَاهُمْ كُلَّ مُمَزَّقٍ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ
شَكُورٍ ﴿١٩﴾ وَلَقَدْ صَدَّقَ عَلَيْهِمْ إِبْلِيسُ ظَنَّهُ فَاتَّبَعُوهُ إِلَّا
فَرِيقًا مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿٢٠﴾ وَمَا كَانَ لَهُ عَلَيْهِمْ مِنْ سُلْطَانٍ
إِلَّا لِنَعْلَمَ مِنْ يَوْمٍ بِالْآخِرَةِ مِمَّنْ هُوَ مِنْهَا فِي شَكٍّ
وَرَبُّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ حَفِيظٌ ﴿٢١﴾ قُلِ ادْعُوا الَّذِينَ زَعَمْتُمْ مِّن
دُونِ اللَّهِ لَا يَمْلِكُونَ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ فِي السَّمَوَاتِ وَلَا فِي
الْأَرْضِ وَمَا لَهُمْ فِيهَا مِن شِرْكٍَ وَمَالَهُمْ مِنْ ظَهِيرٍ ﴿٢٢﴾

هرآئینه برای قوم سبا در مسکنهای ایشان نشانه^۱ ای بود (مرایشانرا بود) دو بوستان از جانب راست و از جانب چپ گفتیم از رزق پروردگارتان بخورید و برای اوشکر گزارید شمارا شهری پاکیزه و پروردگار آمرزنده هست (۱۵). پس رویگردانیدند^(۱) پس برایشان سیلی تند ویرانگر^(۲) فرستادیم و ایشان را به جای دو بوستانِ ایشان دو بوستانی دیگر عوض دادیم خداوند میوه های بدمزه و خداوند درخت گز و چیزی اندک از درخت کنار (۱۶). ایشان را بسبب ناسپاسی ایشان این سزا دادیم و سزای بد مگر ناسپاس را نمیدهیم (۱۷). و پیدا کردیم میان ایشان و میان آن ده ها که برکت نهاده ایم در آن^(۳) ده هایی متصل بایکدیگر و در آن ده ها آمدورفت را مقرر کردیم گفتیم درین ده ها شب ها و روزها ایمن شده بگردید (۱۸). پس گفتند^(۴) ای پروردگار ما بین سفرهای ما فاصله بگذار و ستم کردند برخویش پس ایشان را افسانه ها گردانیدیم و پاره پاره ساختیم ایشان را پاره پاره سخت و کامل، هرآئینه درین ماجرا هر صبر کننده شکر گذارنده را نشانه هاست (۱۹). و به راستی که شیطان درحق ایشان اندیشه خود را راست یافت پس پیروی او کردند مگر از مسلمانان گروهی اندک (۲۰). و شیطان را برایشان هیچ غلبه ای نبود (لیکن مبتلا گردانیدیم) تا کسی را که ایمان می آورد به آخرت از آن کسی که وی در شك است ازوی بازشناسانیم و پروردگار تو برهرچیز نگهبان است (۲۱). بگو آنان را که به جای خدا گمان میکنند (به فریاد) بخوانید مالك هم وزن يك ذره درآسمان ها و نه در زمین نیستند و ایشان را درآسمان ها و زمین هیچ شرکتی نیست و خدارا ازایشان هیچ یاری دهنده ای نیست (۲۲).

(۱) یعنی از شکر.

(۲) یعنی سیلی که به پشته ها بندکرده بودند.

(۳) یعنی شام.

(۴) یعنی به زبان حال.

وَلَا تَنْفَعُ الشَّفَعَةُ عِنْدَهُ إِلَّا لِمَنْ أَذِنَ لَهُ، وَحَتَّىٰ إِذَا فُزِعَ عَن
 قُلُوبِهِمْ قَالُوا مَاذَا قَالَ رَبُّكُمْ قَالُوا الْحَقُّ وَهُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ
 ﴿١٣﴾ * قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِّنَ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ قُلِ اللَّهُ
 وَإِنَّا أَوْيَاكُمْ لَعَلَىٰ هُدًىٰ أَوْ فِي ضَلٰلٍ مُّبِينٍ ﴿١٤﴾ قُلْ
 لَا تَسْأَلُونَ عَمَّا أَجْرَمْنَا وَلَا نَسْأَلُ عَمَّا تَعْمَلُونَ ﴿١٥﴾ قُلْ
 يَجْمَعُ بَيْنَنَا رَبُّنَا ثُمَّ يَفْتَحُ بَيْنَنَا بِالْحَقِّ وَهُوَ الْفَتَّاحُ الْعَلِيمُ
 ﴿١٦﴾ قُلْ أَرُونِي الَّذِينَ أَحَقُّمُ بِهِ شُرَكَاءَ كَلَّابٍ هُوَ اللَّهُ
 الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿١٧﴾ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ
 بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿١٨﴾
 وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَذَا الْوَعْدُ إِن كُنتُمْ صٰدِقِينَ ﴿١٩﴾
 قُلْ لَّكُمْ مِيعَادُ يَوْمٍ لَا تَسْتَحْزِنُونَ عَنْهُ سَاعَةً وَلَا تَسْتَقْدِمُونَ
 ﴿٢٠﴾ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَن نُّؤْمِنَ بِهَذَا الْقُرْءَانِ وَلَا
 بِالَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ الظَّالِمُونَ مَوْقُوفُونَ عِنْدَ
 رَبِّهِمْ يَرْجِعُ بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ الْقَوْلَ يَقُولُ الَّذِينَ
 اسْتَضَعُوا لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا لَوْلَا أَنشَأَ لَكُم مَّؤْمِنِينَ ﴿٢١﴾

وسفارش نزد خدای تعالی سودنکند مگر برای کسیکه برایش اجازه داده باشد^(۵) (اهل محشر مضطرب شوند) تا آنگاه که چون اضطراب و نگرانی از دل‌های ایشان دور کرده شود گویند چه چیز فرموده است پروردگارشما، (ملاً اعلی) گویند که سخن راست فرموده است او و بلند مرتبه بزرگ قدر است (۲۳). بگو چه کسی شمارا از آسمان هاو زمین روزی میدهد (باز) بگو خدامیدهد و هر آئینه مایاشما بر هدایتیم یا درگمراهی ظاهر^(۶) (۲۴). بگو شما از گناه ما سوال کرده نخواهید شد و ما (نیز) سوال کرده نخواهیم شد از آنچه شمامی کنید (۲۵). بگو پروردگار ما میان ما جمع خواهد کرد باز میان ما (یعنی میان ما و شما) بر راستی حکم کند و او حکم کننده دانا است (۲۶). بگو مرا آنانکه ایشان را با خدا ملحق کرده شریک ساخته اید بنمایید چنین نیست بلکه خدا اوست غالب با حکمت (۲۷). و نفرستادیم تو را الا برای همه مردمان مژده دهنده و ترساننده ولیکن اکثر مردمان نمیدانند (۲۸). و می گویند این وعده کی بوجود آید اگر شما راست گویند (۲۹). بگو برای شماست وعده روزیکه باز پس نمانید از آن ساعتی و نه پیش دستی کنید (۳۰). و کافران گفتند (یعنی مشرکان) هرگز این قرآن را و نه آن کتاب را که پیش از وی بود باور نداریم و تعجب کنی ای بیننده اگر ببینی چون ستمکاران ایستاده کرده شوند نزد پرورد گار خویش باز بعضی از ایشان سخن را^(۷) به سوی بعض میگرداند می گویند آنانکه ناتوان گرفته شد ایشان را به آنانکه سرکشی کردند اگر شما نمی بودید هر آئینه ما مسلمان می شدیم (۳۱).

(۵) یعنی اذن شفاعت داد.

(۶) یعنی حتما یا ماموئان یا شما مشرکان یکی ازمان در هدایت و دیگری در گمراهی است.

(۷) یعنی سؤال و جواب کنند.

قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا لِلَّذِينَ اسْتَضَعِفُوا اَنَحْنُ صَدَدَنكُمْ
 عَنِ الْهُدَىٰ بَعْدَ اِذْ جَاءَكُمْ بِلْ كُتْمِ مُجْرِمِينَ ﴿٣٢﴾ وَقَالَ الَّذِينَ
 اسْتَضَعِفُوا لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا بَلْ مَكْرُ الْيَلِّ وَالنَّهَارِ اِذْ
 تَأْمُرُونَنَا اَنْ نَّكْفُرَ بِاللَّهِ وَنَجْعَلَ لَهُ وَاْنَدَادًا وَاَسْرُوا النَّدَامَةَ
 لَمَّا رَأُوا الْعَذَابَ وَجَعَلْنَا الْاَغْلَلَ فِي اَعْنَاقِ الَّذِينَ كَفَرُوا
 هَلْ يُجْزَوْنَ اِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٣٣﴾ وَمَا اَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ
 مِّنْ نَّذِيرٍ اِلَّا قَالِ مُتْرَفُوهَا اِنَّا بِنَا اَرْسَلْتُمْ بِهِ كَفِرُونَ ﴿٣٤﴾
 وَقَالُوا اَنَحْنُ اَكْثَرُ اَمْوَالًا وَاَوْلَادًا وَمَا نَحْنُ بِمُعَذَّبِينَ ﴿٣٥﴾
 قُلْ اِنَّ رَبِّي يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ وَلَكِنَّ اَكْثَرَ
 النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٣٦﴾ وَمَا اَمْوَالُكُمْ وَلَا اَوْلَادُكُمْ بِالَّتِي تُقَرِّبُكُمْ
 عِنْدَنَا زُلْفَىٰ اِلَّا مَنْ ءَامَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَاُولَٰئِكَ لَهُمْ جَزَاءٌ
 الضَّعْفُ بِمَا عَمِلُوا وَهُمْ فِي الْغُرُفَاتِ ءَامِنُونَ ﴿٣٧﴾ وَالَّذِينَ
 يَسْعَوْنَ فِي ءَايَاتِنَا مُعْجِزِينَ اُولَٰئِكَ فِي الْعَذَابِ مُحْضَرُونَ ﴿٣٨﴾
 قُلْ اِنَّ رَبِّي يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَهُ
 وَمَا اَنْفَقْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ ﴿٣٩﴾

گفتند سرکشان به ناتوانان آیاما شمارا از هدایت بعد از آنکه به شما آمد بازداشتیم بلکه خودتان گناه کار بودید (۳۲). وگفتند ناتوانان سرکشان را نه، بلکه ما را مگر شب و روز^(۸) چون ما را میفرمودید که به خدا کافر شویم و برای او همتایان را مقرر کنیم بازداشت و همه ایشان پشیمانی در دل دارند چون عذاب را ببینند و طوقها در گردنهای کافران باندازیم سزا داده نمی شوند مگر به وفق آنچه می کردند (۳۳). و در هیچ دهی بیم کننده را نفرستادیم مگر گفتند مُنْعَمَانِ آن ده هر آئینه ما به آنچه فرستاده شدید به آن نامعتقدیم (۳۴). وگفتند ما باعتبار اموال و اولاد زیاده تریم و نیستیم ما عذاب کرده شدگان (۳۵). بگو هر آئینه پروردگار من کشاده میکند روزی را برای هر که خواهد و تنگ میکند برای هر که خواهد ولیکن اکثر مردمان نمیدانند (۳۶). و اموال شما و نه اولاد شما آن چیزی نیستند که شمارا نزد ما بمرتبه قربت مقرب گرداند لیکن مقرب آنست که ایمان آورد و کردار شایسته انجام داد پس آن جماعت برای ایشان پاداش دوچند است به مقابله آنکه عمل کردند و ایشان در کوشک های بلند ایمن باشند (۳۷). و آنانکه در رد آیات ما مقابله کنان سعی میکنند آن جماعت در عذاب حاضر کرده شوند (۳۸). بگو هر آئینه پروردگار من کشاده می کند روزی را برای هر که خواهد از بندگان خود و تنگ می سازد برای هر که خواهد و هر چه خرج کنید از هر جنس که باشد پس خدا عوض آن دهد و او بهترین روزی دهندگانست (۳۹).

(۸) یعنی مگر شما که پیوسته در سعی آن بودید.

وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ يَقُولُ لِلْمَلَائِكَةِ أَهْلُوا لَاءِ إِيَّائِكُمْ كَانُوا
 يَعْبُدُونَ ﴿٤١﴾ قَالُوا سُبْحَانَكَ أَنْتَ وَلِيْنَا مِنْ دُونِهِمْ بَلْ كَانُوا
 يَعْبُدُونَ الْجِنَّ أَكْثَرَهُمْ بِهِمْ مُؤْمِنُونَ ﴿٤٢﴾ قَالِ يَوْمَ لَا يَمْلِكُ
 بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ نَفَعًا وَلَا ضَرًّا وَنَقُولُ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذُوقُوا عَذَابَ
 النَّارِ الَّتِي كُنْتُمْ بِهَا تُكَذِّبُونَ ﴿٤٣﴾ وَإِذَا تَنَادَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيْنَتِ
 قَالُوا مَا هَذَا إِلَّا آرَاجٌ يُرِيدُ أَنْ يَصُدَّكُمْ عَمَّا كَانُوا يَعْبُدُونَ أَبَاؤُكُمْ
 وَقَالُوا مَا هَذَا إِلَّا آفَاكٌ مُفْتَرَىٰ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلْحَقِّ لَمَّا
 جَاءَهُمْ إِنْ هَذَا إِلَّا أَسْحَرُؤُنَا مِنَّا ﴿٤٤﴾ وَمَاءٌ آتَيْنَهُمْ مِنْ كُتُبِ
 يَدْرُسُونَهَا وَمَا أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمْ قَبْلَكَ مِنْ نَذِيرٍ ﴿٤٥﴾ وَكَذَّبَ
 الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَمَا بَلَّغُوا مَعْشَارَ مَا آتَيْنَهُمْ فَكَذَّبُوا
 رُسُلِي فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ ﴿٤٦﴾ * قُلْ إِنَّمَا أَعْظَمُكُمْ بَوَاحِدَةٍ أَنْ
 تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلِي وَفِرَادَىٰ ثُمَّ تَتَفَكَّرُونَ مَا بِصَاحِبِكُمْ مِنْ
 حِجَّةٍ إِنْ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ لَكُمْ بَيْنَ يَدَيْ عَذَابٍ شَدِيدٍ ﴿٤٧﴾ قُلْ
 مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ إِنْ أَجْرِي إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَهُوَ عَلَىٰ
 كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ ﴿٤٨﴾ قُلْ إِنْ رَبِّي يَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَمَ الْغُيُوبِ ﴿٤٩﴾

وروزی که خدا همگی ایشان را برانگیزد باز بگوید به فرشتگان آیا ایشان شمارا عبادت می کردند (۴۰). (فرشتگان) گویند پاکی تورا است تو کارسازمایی به جای ایشان بلکه ایشان دیوان را^(۹) عبادت میکردند اکثر ایشان به دیوان اعتقاد داشتند (۴۱). پس امروز بعضی از شمار برای بعضی سود رسانیدن و نه زیان رسانیدن نمی تواند و می فرماییم ستمکاران را عذاب آتشی را که شما آن را تکذیب می کردید بچشید (۴۲). و چون برایشان آیات ما روشن آمده خوانده می شود گویند بایکدیگر نیست این پیامبر مگر مردی که میخواهد شمارا از آنچه می پرستیدند پدران شما بازدارد و گویند این قرآن مگر دروغی برافته نیست و کافران گویند چون سخن راست بدیشان بیامد نیست این مگر سحر ظاهر (۴۳). و مشرکان عرب را کتابها ندادیم که آن را بخوانند و به سوی ایشان پیش از توهیح ترساننده ای نفرستادیم (۴۴). آنانکه پیش از ایشان بودند تکذیب کردند و این مشرکان به يك دهم آنچه داده بودیم به پیشینیان نرسیده اند پس پیامبران مرا تکذیب کردند پس عقوبت من چگونه بود؟ (۴۵). بگو جز این نیست که شمارا بیک کلمه پند میدهم که برخیزید برای خدا دوگان دوگان و يك باز تأمل کنید که به یار شما هیچ جنونی نیست، نیست او مگر برای شما پیش از آمدن عذاب سخت بیم کننده (۴۶). بگو آنچه از شما سوال کرده باشم از مُزد پس آن برای شما است نیست پاداش من مگر بر خدا و او بر همه چیز گواه است (۴۷). بگو هر آئینه پروردگار من (از علم غیب) وحی راست را فرومی فرستد آن پروردگاری که دانای پوشیده هاست (۴۸).

(۹) یعنی عبادت ملائکه که بجهت وسوسه شیاطین بود پس گویا عبادت شیاطین کردند.

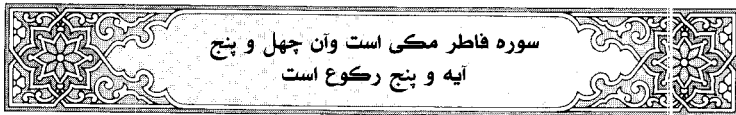
قُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَمَا يُبَدِّئُ الْبَاطِلُ وَمَا يُعِيدُ ﴿٤٩﴾ قُلْ إِنْ ضَلَلْتُ
 فَإِنَّمَا أَضِلُّ عَلَى نَفْسِي وَإِنِ اهْتَدَيْتُ فِيمَا يُوحَىٰ إِلَيَّ رَبِّي إِنَّهُ
 سَمِيعٌ قَرِيبٌ ﴿٥٠﴾ وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ فَرَغُوا فَلَا قُوَّةَ وَأُخِذُوا مِنْ
 مَكَانٍ قَرِيبٍ ﴿٥١﴾ وَقَالُوا أَمَنَّا بِهِ وَأَنَّى لَهُمُ التَّنَاوُشُ مِنْ
 مَكَانٍ بَعِيدٍ ﴿٥٢﴾ وَقَدْ كَفَرُوا بِهِ مِنْ قَبْلُ وَيَقْذِفُونَ
 بِالْغَيْبِ مِنْ مَكَانٍ بَعِيدٍ ﴿٥٣﴾ وَجِيلَ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ مَا يَشْتَهُونَ
 كَمَا فَعَلْ بِأَشْيَاعِهِمْ مِّن قَبْلُ إِنَّهُمْ كَانُوا فِي شَكٍّ مُّرِيبٍ ﴿٥٤﴾

سُورَةُ فَاطِمَةَ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِمَةَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ جَاعِلِ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا أُولِي
 أَجْنِحَةٍ مِّثْنَىٰ وَثَلَاثَ وَرُبْعَ يَزِيدُ فِي الْخَلْقِ مَا يَشَاءُ إِنْ اللَّهُ عَلَىٰ
 كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿١﴾ مَا يَفْتَحُ اللَّهُ لِلنَّاسِ مِنْ رَحْمَةٍ فَلَا مُمْسِكَ لَهَا
 وَمَا يُمْسِكُ فَلَا مُرْسِلَ لَهُ مِنْ بَعْدِهِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿٢﴾
 يَا أَيُّهَا النَّاسُ أذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ هَلْ مِنْ خَلْقٍ غَيْرِ اللَّهِ
 يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَآتَىٰ تَوْفِكُمْ ﴿٣﴾

بگو آمد سخن راست، و معبود باطل آفرینش نونمیکند و نه دیگر بار آفریند (۴۹). بگو اگر گمراه شدم پس جزاین نیست که گمراه شوم بر نفس خویش و اگر راه یابم پس بسبب آنست که به سوی من پروردگارم وحی فرستد هر آئینه وی شنوای نزدیک است (۵۰). و (تعجب کنی) اگر بینی چون مضطرب و نگران شوند پس از عذاب خلاص شدن نباشد و از جایی نزدیک گرفته شوند^(۱۰) (۵۱). و گویند آنگاه به قرآن ایمان آوردیم و از کجا ایشان را بُود بدست آوردنِ ایمان از جای دور (یعنی محال است) (۵۲). و حالانکه به قرآن پیش ازین کافر بودند و از مکان دور نادیده می اندازند (۵۳). و جدایی افکنده شد میان ایشان و میان آنچه می خواستند چنانچه کرده شد به امثال ایشان پیش ازین هر آئینه ایشان در شک قوی بودند (۵۴).



بنام خدای بخشاینده مهربان.

همه سپاس و ستایش خدای راست آفریننده آسمان ها و زمین سازنده فرشتگان را فرستاد گانی دارای بالها دو گانه دو گانه و سه گانه سه گانه و چهار گانه چهار گانه زیاده میکند در آفرینش هر چه خواهد هر آئینه خدا بر هر چیز تواناست (۱). آنچه خدا برای مردمان از رحمت کشده سازد پس آن را هیچ بازدارنده ای نیست و آنچه بازدارد پس آنرا پس از وی هیچ کشاینده ای نیست و او غالب با حکمت است (۲). ای مردمان نعمتِ خدا را بر خویش یاد کنید آیا هیچ آفریننده ای غیر از خدا هست که شمارا از آسمان و زمین روزی میدهد نیست هیچ معبودی بر حق مگر وی پس از کجا برگردانیده می شوید (۳).

(۱۰) یعنی گرفته شوند باسانی.

وَإِنْ يُكَذِّبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَتْ رَسُولٌ مِّن قَبْلِكَ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ
 ﴿٤﴾ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَلَا تَغُرَّكُمْ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا
 وَلَا يَغُرَّكُمْ بِاللَّهِ الْغُرُورُ ﴿٥﴾ إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ
 عَدُوًّا إِنَّمَا يَدْعُو حِزْبَهُ لِيَكُونُوا مِنْ أَصْحَابِ السَّعِيرِ ﴿٦﴾ الَّذِينَ
 كَفَرُوا لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ
 مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ ﴿٧﴾ أَفَمَن زُيِّنَ لَهُ سُوءُ عَمَلِهِ فَرَآهُ حَسَنًا فَإِن
 اللَّهُ يَضِلُّ مَن يَشَاءُ وَيَهْدِي مَن يَشَاءُ فَلَا تَذْهَبُ نَفْسُكَ عَلَيْهِمْ
 حَسْرَتٍ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا يَصْنَعُونَ ﴿٨﴾ وَاللَّهُ الَّذِي أَرْسَلَ
 الرِّيحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا فُسِقْنَا إِلَى بَلَدٍ مَّيَّتٍ فَأَحْيَيْنَاهُ بِالْأَرْضِ
 بَعْدَ مَوْتِهَا كَذَلِكَ النُّشُورُ ﴿٩﴾ مَن كَانَ يُرِيدِ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا
 إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ وَالَّذِينَ
 يَمْكُرُونَ السَّيِّئَاتِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَكْرُ أُولَئِكَ هُوَ يَبُورُ
 ﴿١٠﴾ وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ مِّن تُرَابٍ ثُمَّ مِّن نُّطْفَةٍ ثُمَّ جَعَلَكُمْ أَرْوَاجًا
 وَمَا تَحْمِلُ مِنْ أُنْثَى وَلَا تَضَعُ إِلَّا يَعْلَمُهُ وَمَا يَعْمَرُ مِنْ مُّعَمَّرٍ
 وَلَا يُنْقِصُ مِنْ عُمُرِهِ إِلَّا فِي كِتَابٍ إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ ﴿١١﴾

واگر تورا تکذیب کنند پس هرآئینه تکذیب کرده شدند پیامبران پیش از تو و به سوی خدا کارها بازگردانیده میشود (۴). ای مردمان هرآئینه وعدهٔ خدا راست است پس شمارا زندگانی دنیا فریفته نکند و شمارا نسبت به خدا شیطان فریب دهنده نفریبد (۵). هرآئینه شیطان دشمن شما است پس اورا دشمن گیرید جزاین نیست که تابعان خود را میخواند تا از اهل دوزخ باشند (۶). آنانکه کافر شدند ایشان راست عذاب سخت و آنانکه ایمان آورده اند و عمل های شایسته کرده اند ایشان آرزوش و پاداش بزرگ دارند (۷). آیاکسی که برای او عمل زشت او آراسته کرده شد پس آنرا نیک دید (مثل مومنین صالح باشد؟) پس هرآئینه خدا گمراه می کند هرکرا خواهد و راه می نماید هرکرا خواهد پس نباید که نفست از حسرت خوردن برایشان از بین برود هرآئینه خدا به آنچه می کنند دانا است (۸). و خدا آنست که بادهارا فرستاد پس آن بادها ابررا برانگیختند پس ابررا به سوی شهر مرده روان کردیم پس به آن ابر زمین را بعد از مرده بودن آن زنده ساختیم همچنین خواهد بود برانگیختن مردگان (۹). هرکه ارجمندی خواهد پس همگی ارجمندی خدای راست بالامیرود بسوی او سخن پاکیزه و عمل صالح را خدا بلند می گرداند و آنانکه فتنه ها می اندیشند ایشان راست عذاب سخت و بد اندیشی ایشان همون نابود شود (۱۰). و خدا شمارا از خاک باز از نطفه آفرید باز شمارا جفت مرد وزن گردانید و در شکم برنمیدارد هیچ ماده ای و نمی زاید مگر به علم خدا و زندگانی داده نمی شود هیچ دراز عمری را و کم کرده نمی شود از عمر وی الا در کتاب ثبت است هرآئینه این کار بر خدا آسان است (۱۱).

وَمَا يَسْتَوِي الْبَحْرَانِ هَذَا عَذْبٌ فُرَاتٌ سَائِغٌ شْرَابُهُ، وَهَذَا
 مِلْحٌ أُجَاجٌ وَمِنْ كُلِّ تَأْكُلُونَ لَحْمًا طَرِيًّا وَتَسْتَخْرِجُونَ
 حِلْيَةً تَلْبَسُونَهَا وَتَرَى الْفُلْكَ فِيهِ مَوَاحِرَ تَلْبَتَغُونَ مِنْ فَضْلِهِ
 وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿١٢﴾ يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُؤَلِّجُ
 النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي
 لِأَجَلٍ مُّسَمًّى ذَلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ وَالَّذِينَ
 تَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ مَا يَمْلِكُونَ مِنْ قِطْمِيرٍ ﴿١٣﴾ إِنْ
 تَدْعُوهُمْ لَا يَسْمَعُوا دُعَاءَكُمْ وَلَوْ سَمِعُوا مَا اسْتَجَابُوا لَكُمْ
 وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكْفُرُونَ بَشْرِكُمْ وَلَا يُنَبِّئُكَ مِثْلُ خَبِيرٍ
 ﴿١٤﴾ * يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ
 الْحَمِيدُ ﴿١٥﴾ إِنْ يَشَاءُ ذَهَبَكُمْ وَيَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِيدٍ ﴿١٦﴾
 وَمَا ذَلِكُ عَلَى اللَّهِ بِعَزِيزٍ ﴿١٧﴾ وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ وَإِنْ
 تَدْعُ مُثْقَلَةٌ إِلَىٰ جَمَلِهَا لَا يُحْمَلُ مِنْهُ شَيْءٌ وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ
 إِنَّمَا تُنذِرُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ
 وَمَنْ تَزَكَّىٰ فَإِنَّمَا يَتَزَكَّىٰ لِنَفْسِهِ ۗ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ ﴿١٨﴾

و برابر نیستند^(۱) دو دریای این يك شیرین در نهایت شیرینی است آب او خوش گوارست و آن دیگر شور به تلخی مائل است و از هر یکی گوشت تازه میخورید و برمی آورید زیوری که آن را می پوشید و کشتی هارا در دریا شگافنده آب می بینی تا از فضل او روزی طلب کنید و تا بُود که شما شکر گوید (۱۲). درمی آورد شب را در روز و درمی آورد روز را در شب و رام ساخت خورشید و ماه را هر یکی به میعاد می میرود اینست خدا پرورد گارشما مرا و راست پادشاهی و آنانکه می پرستید بجز وی مقدار پوست خسته خرمایی (هم) مالک نیستند (۱۳). اگر ایشان را بخوانید خواندن شما را نمی شنوند و اگر به فرض بشنوند برایتان إجابات نکنند و روز قیامت شريك مقرر کردن شمارا منکر می شوند و تو راهیچ کس مانند دانا^(۲) خیر ندهد (۱۴). ای مردمان شما به خدا محتاجید و خدا همونست بی احتیاج ستوده کار (۱۵). اگر بخواهد شمارا نابود سازد و آفرینشی نو می آورد (۱۶). و این کار بر خدا دشوار نیست (۱۷). و هیچ بردارنده باردیگری را بر نمی دارد و اگر گران بار کسی را به سوی بارخویش بخواند از آن بار چیزی برداشته نشود اگر چه آن کس خویشاوند باشد جز این نیست که بیم میکنی آنان را که از پرورد گار خویش غایبانه می ترسند و نماز را برپاداشته اند و هر که پاك شد پس جز این نیست که برای نفع خویش پاك میشود و بازگشت به سوی خداست (۱۸).

(۱) یعنی بایکدیگر مخلوط نمی شوند.

(۲) مترجم گوید «وَلَا يَنْفُكُ بِمِثْلِ حَبِيرٍ» بمنزله مثل است چون سخن بلیغ گویند و تحقیق بنهایت رسانند این کلمه را گویند.

وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ ﴿١٩﴾ وَلَا الظُّلُمَاتُ وَلَا النُّورُ
 ﴿٢٠﴾ وَلَا الظُّلُّ وَلَا الْحُرُورُ ﴿٢١﴾ وَمَا يَسْتَوِي الْأَحْيَاءُ وَلَا
 الْأَمْوَاتُ إِنَّ اللَّهَ يُسْمِعُ مَن يَشَاءُ وَمَا أَنتَ بِمُسْمِعٍ مَّن فِي
 الْقُبُورِ ﴿٢٢﴾ إِنَّ أَنتَ إِلَّا نَذِيرٌ ﴿٢٣﴾ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا
 وَنَذِيرًا وَإِن مِّن أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا فِيهَا نَذِيرٌ ﴿٢٤﴾ وَإِن يُكَذِّبُوكَ
 فَقَدْ كَذَّبَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ
 وَبِالزُّبُرِ وَبِالْكِتَابِ الْمُنِيرِ ﴿٢٥﴾ ثُمَّ أَخَذْتُ الَّذِينَ كَفَرُوا
 فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ ﴿٢٦﴾ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنزَلَ مِنَ السَّمَاءِ
 مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ ثَمَرَاتٍ مُّخْتَلِفًا أَلْوَانُهَا وَمِنَ الْجِبَالِ
 جُدَدٌ بَيْضٌ وَحُمْرٌ مُّخْتَلِفٌ أَلْوَانُهَا وَغَرَابِيبُ سُودٌ ﴿٢٧﴾
 وَمِنَ النَّاسِ وَالدَّوَابِّ وَأَلْأَنْعَامِ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ وَكَذَلِكَ
 إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ غَفُورٌ ﴿٢٨﴾
 إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنفَقُوا مِمَّا
 رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً يَرْجُونَ تِجَارَةً لَّن تَبُورَ ﴿٢٩﴾ لِيُوفِيَهُمْ
 أَجُورَهُمْ وَيَزِيدَهُم مِّن فَضْلِهِ إِنَّهُ غَفُورٌ شَكُورٌ ﴿٣٠﴾

و نابینا و بینا برابر نیستند (۱۹). و نه تاریکی ها و نه روشنی (۲۰). و نه سایه و نه باد گرم (۲۱). و برابر نمی شوند زندگان و نه مُردگان هر آئینه خدایم شنواند هر کرا خواهد و نیستی تو شنوانده کسی را که درگور باشد (۲۲). و تو جز ترساننده نیستی (۲۳). هر آئینه ما تورا بدین راست فرستاده ایم بشارت دهنده و بیم کننده و هیچ امتی نیست مگر گذشته است در آن بیم کننده (۲۴). و اگر تورا تکذیب کنند پس به راستی که تکذیب کردند آنانکه پیش از ایشان بودند بدیشان پیامبران ایشان به نشانه‌های واضح و بنامه های الهی و بکتاب روشن آمدند (۲۵). باز کافران را گرفتار کردم پس عقوبت من چگونه بود؟ (۲۶). آیان دیدی که خدا از آسمان آبی را فرود آورد پس بسبب آن میوه های گوناگون رنگهای آن بر آوردیم و از کوه ها قطعاتی است برنگ های گوناگون، سفید و سرخ و نهایت سیاه (۲۷). و همچنان از مردمان و جانوران و چهارپایان رنگهای آن گوناگون است جزاین نیست که می ترسند از خدا علماء از بندگان او هر آئینه خدا غالب آمرزنده است (۲۸). هر آئینه آنانکه کتاب خدا را تلاوت می کنند و برپاداشته اند نماز را و از آنچه ایشان را روزی دادیم پنهان و آشکار خرج کرده اند امید بسودایی دارند که هرگز کاستی نمی پذیرد (۲۹). تا پاداشهای ایشان را به تمام و کمال بدهد و از فضل خود ایشان را زیاده دهد هر آئینه او آمرزنده قدر دان است (۳۰).

وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ هُوَ الْحَقُّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ
 يَدَيْهِ إِنَّ اللَّهَ بِعِبَادِهِ لَخَبِيرٌ بَصِيرٌ ﴿٣١﴾ ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ
 الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ وَمِنْهُمْ
 مُقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ بإِذْنِ اللَّهِ ذَلِكَ هُوَ
 الْفَضْلُ الْكَبِيرُ ﴿٣٢﴾ جَنَّتٌ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا يُمَجَّدُونَ
 فِيهَا مِنْ أَسَاوِرٍ مِنْ ذَهَبٍ وَلُؤْلُؤًا وَلِبَاسُهُمْ فِيهَا حَرِيرٌ ﴿٣٣﴾
 وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزْنَ إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ
 شَكُورٌ ﴿٣٤﴾ الَّذِي أَحَلَّنَا دَارَ الْمُقَامَةِ مِنْ فَضْلِهِ لَا يَمَسُّنَا
 فِيهَا نَصَبٌ وَلَا يَمَسُّنَا فِيهَا الْغُوبُ ﴿٣٥﴾ وَالَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ
 نَارُ جَهَنَّمَ لَا يُقْضَىٰ عَلَيْهِمْ فَيَمُوتُوا وَلَا يُخَفَّفَ عَنْهُمْ مِنْ
 عَذَابِهَا كَذَلِكَ نَجْزِي كُلَّ كَافِرٍ ﴿٣٦﴾ وَهُمْ يَصْطَرِخُونَ
 فِيهَا رَبَّنَا أَخْرِجْنَا نَعْمَلْ صَالِحًا غَيْرَ الَّذِي كُنَّا نَعْمَلُ
 أَوَلَمْ نُعَمِّرْكُم مَّا تَذْكُرُ فِيهِ مَنْ تَذَكَّرَ وَجَاءَكُمُ النَّذِيرُ
 فَذُوقُوا فَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ نَصِيرٍ ﴿٣٧﴾ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ
 غَيْبِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ﴿٣٨﴾

و آنچه به سوی تو از قرآن وحی فرستادیم اوست حقیقت باوردارنده آنچه پیش از وی است
 هر آئینه خدابه بندگان خود خبر دارُ بیناست (۳۱). باز به آنان قرآن را میراث دادیم که
 ایشان را از بندگان خود برگزیدیم^(۳) پس بعضی ایشان بر نفس خود ستمگارا است و بعضی
 ایشان میانه رواست و بعضی ایشان به نیکی‌ها بحکم خدا سبقت کننده است این فضل
 بزرگ است (۳۲). به بوستان‌های همیشه ماندن درآیند آن جا ایشان را زیور داده شود
 آنجا از قسم النگو و دستوانه های طلا و مروارید زیور داده شوند و لباس آنها جامه ابریشمی
 باشد (۳۳). و گفتند همه ستایش خدای راست که از ماندن او دور کرد هر آئینه پروردگار ما
 آمرزنده قدر شناس است (۳۴). آنکه ما را به سرای همیشه ماندن از فضل خود فرود آورد
 بما آنجا هیچ رنجی نرسد و بما آنجا هیچ ماندگی نرسد (۳۵). و آنانکه کافر شدند ایشان
 راست آتش دوزخ نه برایشان حکم کرده شود تا بمیرند و نه از ایشان چیزی از عذاب دوزخ
 سبک کرده شود همچنان هر ناسپاس را سزا میدهیم (۳۶). و اهل دوزخ در آنجا فریادکنند
 که ای پروردگار ما بیرون آر ما را تا بکنیم کار شایسته غیر از آنچه می‌کردیم آیا شمارا
 آنقدر زندگانی ندادیم که پندپذیر شود در آن هر که پند پذیرفتن خواهد و آمد به شما
 ترساننده پس بچشید پس ستمکاران را هیچ یاری دهنده ای نیست (۳۷). هر آئینه
 خدادانده پنهان آسمان ها و زمین است هر آئینه وی به مکنون سینه ها داناست (۳۸).

(۳) یعنی از پیامبر صلی الله علیه وسلم به امت محمدیه رسید والله اعلم.

هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ خَلْقًا فِي الْأَرْضِ فَمَنْ كَفَرَ فَعَلَيْهِ كُفْرُهُ وَلَا
يَزِيدُ الْكَافِرِينَ كُفْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ إِلَّا مَقْتًا وَلَا يَزِيدُ الْكَافِرِينَ
كُفْرُهُمْ إِلَّا خَسَارًا ﴿٣٩﴾ قُلْ أَرَأَيْتُمْ شُرَكَاءَ كُمُ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ
دُونِ اللَّهِ أَرُونِي مَاذَا خَلَقُوا مِنَ الْأَرْضِ أَمْ لَهُمْ شِرْكٌ فِي السَّمَوَاتِ
أَمْ آتَيْنَاهُمُ كِتَابًا فَهُمْ عَلَى بَيِّنَةٍ مِّنْهُ بَلْ إِنْ يَعِدُ الظَّالِمُونَ
بَعْضُهُمْ بَعْضًا إِلَّا غُرُورًا ﴿٤٠﴾ * إِنْ اللَّهُ يُمْسِكُ السَّمَوَاتِ
وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا وَلَئِنْ زَالَتَا إِنْ أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ
إِنَّهُ وَكَانَ حَلِيمًا غَفُورًا ﴿٤١﴾ وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَئِنْ جَاءَهُمْ
نَذِيرٌ لَّيَكُونُنَّ أَهْدَىٰ مِنْ إِحْدَى الْأُممِ فَلَمَّا جَاءَهُمْ نَذِيرٌ
مَّا زَادَهُمْ إِلَّا نُفُورًا ﴿٤٢﴾ أَسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ وَمَكْرُ السَّيِّئِ
وَلَا يَحِيقُ الْمَكْرُ السَّيِّئِ إِلَّا بِأَهْلِهِ فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا سُنَّتَ
الْأَوَّلِينَ فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَحْوِيلًا
﴿٤٣﴾ أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ
قَبْلِهِمْ وَكَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعْجِزَهُ مِنْ شَيْءٍ
فِي السَّمَوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ إِنَّهُ كَانَ عَلِيمًا قَدِيرًا ﴿٤٤﴾

وی آنست که شمارا در زمین جانشینان گردانید پس هرکه کافر شود پس ضرر کفر او برویست و نمی افزاید در حق کافران کفر ایشان نزد پروردگارشان مگر غضب را و نمی افزاید در حق کافران کفرایشان مگر زیان را (۳۹). بگو آیا شریکان مقرر کرده خود را دیدید آنانکه می پرستید به جز خدا بنمایید مرا چه چیز از زمین آفریده اند آیا ایشانرا شرکتی در آسمان ها است نه بلکه آیا دادیم ایشان را کتابی پس ایشان از آن برحجتی اند بلکه ستمگاران بعضی از ایشان بعضی را مگر از روی فریب وعده نمیدهند (۴۰). هر آئینه خدا آسمان ها و زمین را از آنکه از جای خود بلغزند نگاه میدارد و اگر بلغزند آنها را هیچ کسی بعد از خدا^(۴) نگاه ندارد هر آئینه او برد بار آمرزگار است (۴۱). و قسم خوردند بخدا سخت ترین قسم های خود را که اگر به ایشان ترساننده ای بیاید البته راه یافته تر از هر یک امتی خواهند بود پس چون به ایشان ترساننده آمد در حق ایشان جز گریز را نیفزود (۴۲). (این) بسبب سرکشی در زمین و نیزنگ زشتی بود که وزیدند و وبال بدانندیشی قبیح مگر به اهل او فرود نمی آید پس منتظر نیستند مگر آئین عقوبت پیشینیان را پس برای آیین خدا تبدیلی را نخواهی یافت و برای آیین خدا تغییری را نخواهی یافت (۴۳). آیا در زمین نگشته اند تابینند سر انجام کار آنان را که پیش از ایشان بودند چگونه شد و آن جماعت از ایشان زیاده تر بودند در قوت و هرگز نیست که خدا را هیچ چیزی در آسمان ها و نه در زمین عاجز کند هر آئینه او داناتوانا هست (۴۴).

(۴) یعنی غیر از خدا.

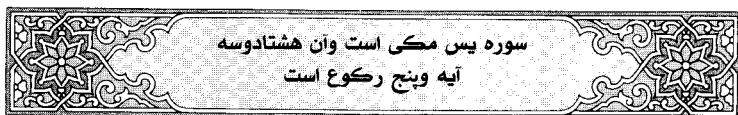
وَلَوْ يُؤَاخِذُ اللَّهُ النَّاسَ بِمَا كَسَبُوا مَا تَرَكَ عَلَى ظَهْرِهَا
 مِنْ دَابَّةٍ وَلَا كِنَّ يُؤَخِّرُهُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى فَإِذَا
 جَاءَ أَجَلُهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِعِبَادِهِ بَصِيرًا ﴿٤٥﴾

سُورَةُ الْيَسِّ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يس ﴿١﴾ وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ ﴿٢﴾ إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ ﴿٣﴾ عَلَىٰ
 صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ ﴿٤﴾ تَنْزِيلَ الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ ﴿٥﴾ لِتُنذِرَ قَوْمًا
 مَّا أُنذِرُوا أَبَاوَهُمْ فَهُمْ غَافِلُونَ ﴿٦﴾ لَقَدْ حَقَّ الْقَوْلُ عَلَىٰ أَكْثَرِهِمْ
 فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٧﴾ إِنَّا جَعَلْنَا فِي أَعْنَاقِهِمْ أَغْلَالًا فَهِيَ إِلَىٰ
 الْأَذْقَانِ فَهُمْ مُّقْمَحُونَ ﴿٨﴾ وَجَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا
 وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ ﴿٩﴾ وَسَوَاءٌ
 عَلَيْهِمْ أُنذِرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿١٠﴾ إِنَّمَا تُنذِرُ
 مَنِ اتَّبَعَ الذِّكْرَ وَخَشِيَ الرَّحْمَنَ الْغَيْبِ فَبَشِّرْهُ بِمَغْفِرَةٍ
 وَأَجْرٍ كَرِيمٍ ﴿١١﴾ إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَنَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا
 وَآثَرَهُمْ وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ ﴿١٢﴾

و اگر خدا مردمان را به کیفر آنچه میکردند گرفتار می کرد بر پشت زمین هیچ جانوری را نگذاشتی ولیکن ایشانرا تا میعادى معین موقوف میدارد پس چون میعاد ایشان آید پس هرآئینه خدا به بندگان خود بینا هست (۴۵).



بنام خدای بخشاینده مهربان.

یس (۱). قسم به قرآن با حکمت (۲). هرآئینه تو به یقین از پیامبرانی (۳). بر او راستی (۴). فرو فر ستاده^۱ (خدا) غالب مهربان (را مراد دارم) (۵). تا قومی را که پدران ایشان ترسانیده نشده و خود ایشان غافلند بترسانید^(۱) (۶). هرآئینه وعده^۲ عذاب براکثر ایشان ثابت شد پس اکثر ایشان ایمان نمی آورند (۷). هرآئینه ما در گردن های ایشان طوق ها قرار دادیم پس آن طوقها تا زنجها و چانه ها باشند پس سرهای ایشان (بر اثر آن) روی به بالا نگاه داشته میشود (۸). و پیش روی ایشان دیواری و پس پشت ایشان دیواری قرار داده ایم باز ایشان را فروپوشانده ایم پس ایشان هیچ نینند^(۲) (۹). و برایشان برابر است که بیم کنی ایشانرا یا ایشان را بیم نکنی ایمان نیاورند (۱۰). جز این نیست که می ترسانی کسی را که پیروی پندکند و غایبانه از خدا بترسد پس او را به آموزش و پاداشی گرامی بشارت ده (۱۱). هرآئینه ما مردگان را زنده می گردانیم و می نویسیم آنچه پیش فرستاده اند^(۳) و نقش پایهای ایشان را می نویسیم و هر چیزی را در کتاب ظاهر^(۴) شمرده ایم (۱۲).

(۱) یعنی در بنی اسماعیل هیچ پیامبری مبعوث نشده بود.

(۲) مترجم گوید این هردو آیت تمثیل و تصویر یاس ایشان است از شناختن حق.

(۳) یعنی از اعمال خیر و شر.

(۴) یعنی لوح محفوظ.

وَأَضْرِبْ لَهُمْ مَثَلًا أَصْحَابَ الْقَرْيَةِ إِذْ جَاءَهَا الْمُرْسَلُونَ
 ١٣ إِذْ أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمُ اثْنَيْنِ فَكَذَّبُوهُمَا فَعَزَّزْنَا بِثَالِثٍ فَقَالُوا
 إِنَّا إِلَٰهِيكُمْ مُّرْسَلُونَ ١٤ قَالُوا مَا أَنْتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُنَا
 وَمَا أَنْزَلَ الرَّحْمَنُ مِنْ شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا تَكْذِبُونَ ١٥ قَالُوا
 رَبَّنَا عَلِّمْنَا لِنَا أَلْفَافًا لَعَلَّ نُنَاقِلُ ١٦ وَمَا عَلَّمْنَا إِلَّا الْبَلَاغَ
 الْمُبِينُ ١٧ قَالُوا إِنَّا تَطَيَّرْنَا بِكُمْ لَئِن لَّمْ تَنْتَهُوا لَنَرْجِمَنَّكُمْ
 وَلَيَمَسَّنَّكُم مِّنَّا عَذَابٌ أَلِيمٌ ١٨ قَالُوا طَائِفُكُمْ مَعَكُمْ أِن
 ذُكِّرْتُمْ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُّسْرِفُونَ ١٩ وَجَاءَ مِنْ أَقْصَا الْمَدِينَةِ
 رَجُلٌ يَسْعَى قَالَ يَا قَوْمِ اتَّبِعُوا الْمُرْسَلِينَ ٢٠ اتَّبِعُوا
 مَن لَّا يَسْأَلْكُمْ أَجْرًا وَهُمْ مُّهْتَدُونَ ٢١ وَمَالِيَ لَأَعْبُدُ
 الَّذِي فَطَرَنِي وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ٢٢ أَتَتَّخِذُ مِنْ دُونِهِ ءَالِهَةً
 إِن يُرِدِنِ الرَّحْمَنُ بَصِيرًا لَّا تُغْنِي عَنْكَ شَيْعًا
 وَلَا يَنْقُذُونَ ٢٣ إِنِّي إِذًا لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ٢٤ إِنِّي ءَامَنْتُ
 بِرَبِّكُمْ فَاسْمَعُونِ ٢٥ قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ قَالَ يَا لَيْتَ قَوْمِي
 يَعْلَمُونَ ٢٦ بِمَا عَفَرَ لِي رَبِّي وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ ٢٧

و برای ایشان قصه اهل ده را بیان کن چون به آن ده پیامبران آمدند (۱۳). آنگاه که فرستادیم به سوی ایشان دو کس را پس تکذیب کردند ایشان را پس به سوی قوت دادیم پس هر سه کس گفتند هر آینه ما به سوی شما فرستادگانیم (۱۴). اهل ده گفتند نیستید شما مگر آدمی مانند ما و رحمن هیچ چیزی فرو فرستاده است نیستید شما مگر دروغ میگویید (۱۵). گفتند پروردگار ما میداند که هر آینه ما به سوی شما فرستادگانیم (۱۶). و بر ما جز پیغام رسانیدن ظاهر نیست (۱۷). گفتند هر آینه ما شگون بد گرفتیم به شما اگر باز نیاید البته شمارا سنگ سارکنیم و البته به شما از جانب ما عقوبت درد ناک برسد (۱۸). گفتند شگون بد شما همراه شما است آیا اگر شما را پند داده شود بر شگون بد حمل کنید بلکه شما گروهی از حد گذشته اید (۱۹). و از دور ترین محل های آن شهر مردی شتابان آمد گفت ای قوم من پیامبران را پیروی کنید (۲۰). کسی را که از شما هیچ مزدی نمی طلبد پیروی کنید و ایشان راه یافتگانند (۲۱). و چیست مرا که عبادت معبودی را نکنم که بیافرید مرا و به سوی وی بازگردانیده خواهید شد (۲۲). آیا به جای او معبودانی گیرم که اگر بخواید خدای تعالی در حق من زیانی شفاعت ایشان از من چیزی را دفع نکند و ایشان مرا خلاص نکنند (۲۳). هر آینه من آنگاه در گمراهی ظاهر باشم (۲۴). هر آینه من به پروردگار شما ایمان آورده ام پس از من^(۵) بشنوید (۲۵). او را گفته شد در آی به بهشت گفت ای کاش قوم من میدانستند (۲۶). که مرا پروردگار من به چه چیز بیامرزید و مرا از نواختگان ساخت (۲۷).

(۵) مترجم گوید اهل ده آنرا شهید ساختند والله اعلم.

* وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَى قَوْمِهِ مِنْ بَعْدِهِ مِنْ جُنْدٍ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا
 كُنَّا مُنْزِلِينَ ﴿٢٨﴾ إِنْ كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً فَإِذَا هُمْ خَامِدُونَ
 ﴿٢٩﴾ يَحْسَرَةَ عَلَى الْعِبَادِ مَا يَأْتِيهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ
 يَسْتَهْزِئُونَ ﴿٣٠﴾ أَلَمْ يَرَوْا كَمَا أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنَ الْقُرُونِ
 أَنَّهُمْ إِلَيْهِمْ لَا يَرْجِعُونَ ﴿٣١﴾ وَإِنْ كُلُّ لَمَّا جَمِيعٌ لَدَيْنَا مُحْضَرُونَ
 ﴿٣٢﴾ وَءَايَةٌ لَهُمُ الْأَرْضُ الْمَيِّتَةُ أَحْيَيْنَاهَا وَأَخْرَجْنَا مِنْهَا حَبًّا
 فَمِنْهُ يَأْكُلُونَ ﴿٣٣﴾ وَجَعَلْنَا فِيهَا جَنَّاتٍ مِنْ نَخِيلٍ
 وَأَعْنَابٍ وَفَجَّرْنَا فِيهَا مِنَ الْعُيُونِ ﴿٣٤﴾ لِيَأْكُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ
 وَمَا عَمِلَتْهُ أَيْدِيهِمْ أَفَلَا يَشْكُرُونَ ﴿٣٥﴾ سُبْحَانَ الَّذِي
 خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ وَمِنْ أَنْفُسِهِمْ
 وَمِمَّا لَا يَعْلَمُونَ ﴿٣٦﴾ وَءَايَةٌ لَهُمُ الْيَلُّ نَسْلَخُ مِنْهُ النَّهَارَ
 فَإِذَا هُمْ مُظْلِمُونَ ﴿٣٧﴾ وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا
 ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ ﴿٣٨﴾ وَالْقَمَرَ قَدَّرْنَاهُ مَنَازِلَ حَتَّىٰ
 عَادَ كَالْعُرْجُونِ الْقَدِيمِ ﴿٣٩﴾ لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ
 الْقَمَرَ وَلَا الْيَلُّ سَابِقُ النَّهَارِ وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ ﴿٤٠﴾

وبرقوم او بعدازو هیچ لشکری از آسمان فرود نیاوردیم وما فرود آرنده لشکر نیستیم (۲۸).
 عقوبت ایشان مگر يك فریاد تند نبود پس ناگهان ایشان چون آتش فرومرده خاموش شدند
 (۲۹).^(۶) ای وای بر بندگان نمی آید بدیشان هیچ فرستاده مگر با او تمسخر می کردند
 (۳۰). آیا ندیدند چه قدر پیش از ایشان از طبقات مردمان که آن جماعت به سوی ایشان
 باز نمی آیند هلاك ساختیم (۳۱). و جزاین نیست که همگی شان (برای حساب) در نزد ما
 جمع و حاضر کرده خواهند شد (۳۲). و نشانه ای هست برای ایشان آن زمین مرده که زنده
 گردانیدیم و برآوردیم از آن دانه پس از آن دانه میخورند (۳۳). و در زمین بوستان ها از درختان
 خرما و درختان انگور آفریدیم و در آن بوستان ها چشمه ها روان ساختیم (۳۴). تا از میوه
 آنچه مذکور شد و (نیز) از عمل آورده دستهایشان بخورند آیا پس شکر نمی کنند (۳۵).
 پاکست آنکه تمام اجناس را از آنچه میرویانندش زمین و از جنس آدمیان و از آنچه ایشان نمی
 دانند آفرید (۳۶). و نشانه ای هست برایشان شب ازوی روز را مانند پوست می کشیم پس
 ناگهان ایشان در تاریکی آیند (۳۷). و آفتاب براهی که قرار گاه ویست میروود این اندازه
 خدای غالب دانا است (۳۸). و ماه را برای او منزل ها مقرر کردیم تا آن که مانند چوب
 کهنه خوشه خرما بازگردد (۳۹). نه خورشید می سزدش که دریابد ماه را و نه شب سبقت
 کننده است بر روز^(۷) و هر یکی از خورشید و ماه و ستاره ها در آسمانی سیر میکنند (۴۰).

(۶) یعنی همه برجای سرد گشتند و مردند، مصحح.

(۷) یعنی پیش از انقضای روز نمی آید.

وَءَايَةٌ لَهُمْ أَنَّا حَمَلْنَا ذُرِّيَّتَهُمْ فِي الْفُلِكِ الْمَشْحُونِ ﴿٤١﴾ وَخَلَقْنَا
 لَهُمْ مِنْ مِثْلِهِ مَا يَرْكَبُونَ ﴿٤٢﴾ وَإِنْ نَشَأْ نُغْرِقْهُمْ فَلَا صَرِيخَ لَهُمْ
 وَلَا هُمْ يُنقذُونَ ﴿٤٣﴾ إِلَّا رَحْمَةً مِنَّا وَمَتَاعًا إِلَىٰ حِينٍ ﴿٤٤﴾ وَإِذَا
 قِيلَ لَهُمُ اتَّقُوا مَا بَيْنَ أَيْدِيكُمْ وَمَا خَلْفَكُمْ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ
 ﴿٤٥﴾ وَمَا تَأْتِيهِمْ مِنْ آيَةٍ مِنْ آيَاتِ رَبِّهِمْ إِلَّا كَانُوا عَنْهَا
 مُعْرِضِينَ ﴿٤٦﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ قَالَ الَّذِينَ
 كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْطَعِمُ مِنْ لَوْ يَشَاءُ اللَّهُ أَنْطَعِمَهُ وَإِنْ
 أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ﴿٤٧﴾ وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَذَا الْوَعْدِ إِنْ كُنْتُمْ
 صَادِقِينَ ﴿٤٨﴾ مَا يَنْظُرُونَ إِلَّا الصَّيْحَةَ وَحِدَةً تَأْخُذُهُمْ وَهُمْ
 يَخِصِّمُونَ ﴿٤٩﴾ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ تَوْصِيَةً وَلَا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ
 يَرْجِعُونَ ﴿٥٠﴾ وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَإِذَا هُمْ مِنَ الْأَجْدَاثِ إِلَىٰ رَبِّهِمْ
 يَنْسِلُونَ ﴿٥١﴾ قَالُوا يَا وَيْلَنَا مَنْ بَعَثَنَا مِنْ مَرْقَدِنَا هَذَا مَا وَعَدَ
 الرَّحْمَنُ وَصَدَقَ الْمُرْسَلُونَ ﴿٥٢﴾ إِنْ كُنْتُمْ إِلَّا الصَّيْحَةَ
 وَحِدَةً فَإِذَا هُمْ جَمِيعٌ لَدَيْنَا مُحْضَرُونَ ﴿٥٣﴾ فَأَلْيَوْمَ لَا نُظَلِّمُ
 نَفْسٌ شَيْئًا وَلَا نُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٥٤﴾

ونشانه ای هست برایشان که ما قوم بنی آدم را در کشتی پُر کرده شده برداشتیم (۴۱).
 و آفریدیم برای ایشان مانند کشتی آنچه بر آن سوار می شوند (۴۲)^(۸). و اگر بخواهیم ایشان
 را غرق کنیم پس هیچ فریاد رس برای ایشان نباشد و نه ایشان رها کرده شوند (۴۳). لیکن
 رحمت کردیم از جانب خود و تاملتی بهره مند ساختیم (۴۴). و چون به ایشان گفته شود
 که بترسید از عقوبتی که پیش دستهای شما باشد و از عقوبتی که پس پشت شما باشد، باشد
 که بر شما رحم کرده شود (۴۵). (اعراض کنند) و بدیشان هیچ نشانه ای از پروردگار ایشان
 نمی آید الاّ از آن رویگردان باشند (۴۶). و چون به ایشان گفته شود که خرج کنید از آنچه
 شما را خدای تعالی روزی داده است کافران به مسلمانان گویند آیا کسی را خوراک دهیم
 که اگر خدای تعالی می خواست او را خوراک می داد نیستید شما مگر در گمراهی ظاهر
 (۴۷). و کافران می گویند کی باشد این وعده اگر راست گویند (۴۸). انتظار نمی کشند
 مگر یک نعره تند را که ایشان را بگیرد و ایشان خصومت کنان باشند (۴۹). پس وصیت
 کردن نتوانند و نه به اهل خود بازگردند (۵۰). و در صورت دمیده شود پس ناگهان ایشان
 از قبرها به سوی پروردگار خویش بشتابند (۵۱). گویند ای وای بر ما چه کسی ما را
 از خواب گاه ما برخیزانید (آری) این همانست که وعده داده بود خدای تعالی و پیامبران
 راست گفتند (۵۲). نباشد این واقعه مگر نعره تندی پس ناگهان ایشان (همگی) نزد ما
 جمع و حاضر کرده خواهند شد (۵۳). پس امروز ستم کرده نخواهد شد بر هیچ کسی هیچ
 ستمی و جزا داده نخواهید شد الاّ به وفق آنچه میگردید (۵۴).

(۸) یعنی شتر و قیل، [وما شین و قطار و هواپیما و غیره در حال حاضر].

إِنَّ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ الْيَوْمَ فِي شُغْلٍ فَكَهُونٍ ﴿٥٥﴾ هُمْ وَأَزْوَاجُهُمْ
 فِي ظِلِّلٍ عَلَى الْأَرَائِكِ مُتَّكِئُونَ ﴿٥٦﴾ لَهُمْ فِيهَا فَاكِهَةٌ
 وَلَهُمْ مَائِدَ عُنُونٍ ﴿٥٧﴾ سَلَامٌ قَوْلًا مِنْ رَبِّ رَحِيمٍ ﴿٥٨﴾ وَأَمْتَرُوا
 الْيَوْمَ أَيُّهَا الْمُجْرِمُونَ ﴿٥٩﴾ * أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ بِبَنِي آدَمَ
 أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ ﴿٦٠﴾ وَأَنْ
 أَعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ ﴿٦١﴾ وَلَقَدْ أَضَلَّ مِنْكُمْ
 جِبِلًّا كَثِيرًا أَفَلَمْ تَكُونُوا تَعْقِلُونَ ﴿٦٢﴾ هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي
 كُنْتُمْ تُوعَدُونَ ﴿٦٣﴾ أَصَلُّوْهَا الْيَوْمَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ ﴿٦٤﴾
 الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَى أَفْوَاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَا أَيْدِيهِمْ وَشَهِدُ أَرْجُلُهُمْ
 بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿٦٥﴾ وَلَوْ نَشَاءُ لَطَمَسْنَا عَلَى أَعْيُنِهِمْ
 فَاسْتَبَقُوا الصِّرَاطَ فَأَنَّى يُبْصِرُونَ ﴿٦٦﴾ وَلَوْ نَشَاءُ لَمَسَخْنَاهُمْ
 عَلَى مَكَانَتِهِمْ فَمَا اسْتَطَعُوا مُضِيًّا وَلَا يَرْجِعُونَ ﴿٦٧﴾
 وَمَنْ نَعَمِّرْهُ نُنَكِّسْهُ فِي الْخَلْقِ أَفَلَا يَعْقِلُونَ ﴿٦٨﴾
 وَمَا عَاطَمْنَاهُ الشَّعْرَ وَمَا يَنْبَغِي لَهُ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ وَقُرْءَانٌ مُبِينٌ
 ﴿٦٩﴾ لِيُنذِرَ مَنْ كَانَ حَيًّا وَيَحِقَّ الْقَوْلُ عَلَى الْكَافِرِينَ ﴿٧٠﴾

هرآئینه اهل بهشت امروز درکاری هستند شادمانند (۵۵). ایشان وهمسر انشان در سایه ها بر تخت هاتکیه زده‌اند (۵۶). ایشان راست در بهشت میوه و ایشان راست آنچه می طلبند (۵۷). گفته شود سلام باد از جانب پرورد گار مهربان (۵۸). و (بگوییم) امروز ای گناه کاران جدا شوید (۵۹). آیا به سوی شما ای اولادِ آدم حکم نفرستاده بودم که شیطان را مپرستید هرآئینه وی شمارا دشمن آشکاراست (۶۰). و آنکه مرا بپرستید این راه راست است (۶۱). و هرآئینه شیطان از قوم شما خلقِ بسیاری را گمراه ساخت آیامی دانستید (۶۲). این (همان) دوزخی است که به شما وعده داده می‌شد (۶۳). امروز به (سزای) کفرتان به آن درآیید (۶۴). امروز مُهر نهیم بر دهان های ایشان و سخن گوید باما دست های ایشان و گواهی دهد پاهای ایشان به آنچه می کردند (۶۵). و اگر بخواهیم چشم های ایشان را نابودکنیم پس به سوی راه سبقت کنند پس از کجا ببینند؟ (۶۶). و اگر بخواهیم ایشان را برجای ایشان مسخ کنیم پس از آن جا گذشتن نتوانند و باز نگردند (۶۷). و هرکه را عمر دراز می‌دهیم نگوئیم آن مگر پندی و قرآنی آشکار نیست (۶۸). و نیاموختیم این پیامبر را شعر و سزاوار او نیست آن مگر پندی و قرآنی آشکار نیست (۶۹). تا هرکه راکه زنده (دل) باشد بترساند^(۹) و حجت بر کافران ثابت شود (۷۰).

(۹) یعنی صاحبِ فهم [وایمان] باشد.

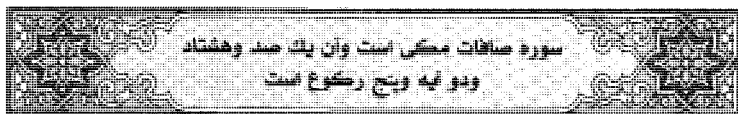
أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا خَلَقْنَا لَهُمْ مِمَّا عَمِلَتْ أَيْدِينَا أَنْعَامًا فَهُمْ لَهَا
 مَالِكُونَ ﴿٧١﴾ وَذَلَّلْنَا لَهُم فَمِنْهَا رَكُوبُهُمْ وَمِنْهَا يَأْكُلُونَ
 ﴿٧٢﴾ وَلَهُمْ فِيهَا مَنَافِعُ وَمَشَارِبٌ أَفَلَا يَشْكُرُونَ ﴿٧٣﴾ وَاتَّخَذُوا
 مِنْ دُونِ اللَّهِ آلِهَةً لَعَلَّهُمْ يُنصَرُونَ ﴿٧٤﴾ لَا يَسْتَطِيعُونَ
 نَصْرَهُمْ وَهُمْ لَهُمْ جُنْدٌ مُحَضَّرُونَ ﴿٧٥﴾ فَلَا يَحْزُنكَ قَوْلُهُمْ
 إِنَّا نَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ ﴿٧٦﴾ أَوَلَمْ يَرِ الْإِنْسَانُ أَنَّا
 خَلَقْنَاهُ مِنْ نُطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُبِينٌ ﴿٧٧﴾ وَضَرَبَ لَنَا
 مَثَلًا وَلَسَى خَلْقَهُ ۖ وَقَالَ مَنْ يُحْيِي الْعِظْمَ وَهِيَ رَمِيمٌ ﴿٧٨﴾
 قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِي أَنشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ وَهُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ
 ﴿٧٩﴾ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ مِنَ الشَّجَرِ الْأَخْضَرِ نَارًا فَإِذَا أَنْتُمْ
 مِنْهُ تُوقَدُونَ ﴿٨٠﴾ أَوَلَيْسَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ
 بِقَدِيرٍ عَلَىٰ أَن يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ بَلَىٰ وَهُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ ﴿٨١﴾
 إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَن يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ ﴿٨٢﴾
 فَسُبْحٰنَ الَّذِي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٨٣﴾

سُورَةُ الْيَسَافَاتِ

آیندیدند که ما برای ایشان از آنچه ساخته است دست های ما چهارپایان را آفریدیم پس ایشان آنها را مالکانند (۷۱). و برای ایشان چهار پایان را رام ساختیم پس بعضی از آن سواری ایشانست و بعضی از آن را میخورند (۷۲). و برایشان در چهار پایان منفعت ها و آشامیدنیها است آیا شکر نمی گزارند (۷۳). و غیر از خدا معبودانی را گرفتند تا باشد که ایشان یاری داده شوند (۷۴). یاری کردن ایشان را نتوانند و این (بتان) برای ایشان لشکری حاضر کرده شده اند (۷۵). پس سخن ایشان تورا اندوه گین نکند هر آئینه ما میدانیم آنچه پنهان میکنند و آنچه آشکار می نمایند (۷۶). آیا ندانسته است آدمی که ما او را از نطفه ای آفریدیم پس ناگهان وی خصومت کننده آشکار شد (۷۷). و برای ما مثلی زد و آفرینش خود را فراموش کرد گفت چه کسی استخوان هارا در حالی که آن پوسیده است زنده می کند (۷۸). بگوزنده می کندش آن کس که او را اول بار آفرید و او بهر قسم آفرینش داناست (۷۹). آنکه برای شما از درخت سبز آتش را پیدا کرد پس ناگهان شما از آن درخت آتش می افروزید (۸۰). آیا آنکه آفرید آسمان ها و زمین را توانا نیست بر آنکه بیافریند مانند ایشان بلی و او آفریننده دانا است (۸۱). جز این نیست که فرمان خدا چون بخواهد آفریدن چیزی را این است که بگویدش بشو پس می شود (۸۲). پس پاك است آنکه پادشاهی هر چیز بدست اوست و به سوی او باز گردانیده می شوید (۸۳).

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالصَّافَّاتِ صَفًّا ۝۱ فَالزَّجْرَاتِ زَجْرًا ۝۲ فَالتَّالِيَاتِ ذِكْرًا ۝۳ إِنَّ
 إِلَهَكُمْ لَوَاحِدٌ ۝۴ رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَرَبُّ
 الْمَشْرِقِ ۝۵ إِنَّا زَيْنَا السَّمَاءِ الدُّنْيَا بِزِينَةِ الْكَوَاكِبِ ۝۶ وَحِفْظًا
 مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ مَارِدٍ ۝۷ لَا يَسْمَعُونَ إِلَى الْمَلَأِ الْأَعْلَى وَيُقَدِّفُونَ
 مِنْ كُلِّ جَانِبٍ ۝۸ دُحُورًا وَأَلْهَمُّ عَذَابٌ وَأَصِيبٌ ۝۹ إِلَّا مَنْ خِطَفَ
 الْحُطْفَةَ فَاتَّبَعَهُ، وَشِهَابٌ ثَاقِبٌ ۝۱۰ فَاسْتَفْتِهِمْ أَهْمُّ أَشَدُّ خَلْقًا أَمْ
 مَنْ خَلَقْنَا إِنَّا خَلَقْنَا لَهُمْ مِنْ طِينٍ لَازِبٍ ۝۱۱ بَلْ عَجِبْتَ وَيَسْخَرُونَ
 ۝۱۲ وَإِذَا ذُكِرُوا لَا يَذْكُرُونَ ۝۱۳ وَإِذَا رَأَوْا آيَةً يَسْتَسْخِرُونَ ۝۱۴
 وَقَالُوا إِن هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُبِينٌ ۝۱۵ أَمْ دَامْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظْمًا
 أَمْ نَأْمَبَعُوثُونَ ۝۱۶ أَمْ أَبَاوْنَا الْأَوْلُونَ ۝۱۷ قُلْ نَعَمْ وَأَنْتُمْ دَاخِرُونَ
 ۝۱۸ فَإِنَّمَا هِيَ زَجْرَةٌ وَاحِدَةٌ فَإِذَا هُمْ يَنْظُرُونَ ۝۱۹ وَقَالُوا يَا وَيْلَنَا
 هَذَا يَوْمُ الدِّينِ ۝۲۰ هَذَا يَوْمُ الْفَصْلِ الَّذِي كُتِبَ بِهِ تَكْدِبُونَ ۝۲۱
 * أَحْشَرُوا الَّذِينَ ظَلَمُوا وَأَرْوَجَهُمْ وَمَا كَانُوا يَعْبُدُونَ ۝۲۲ مِنْ دُونِ
 اللَّهِ فَأَهْدُوهُمْ إِلَى صِرَاطِ الْجَحِيمِ ۝۲۳ وَقَفُوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ ۝۲۴



بنام خدای بخشاینده مهربان.

قسم به جماعتی (از ملائکه) که صف میکشند صف کشیدنی^(۱) (۱). پس قسم به جماعتی که میرانند راندنی^(۲) (۲). پس قسم به جماعتی که کتاب را (چنانکه باید) تلاوت میکنند (۳). هرآئینه معبود شماییکی است (۴). او پروردگار آسمان هاوزمین و آنچه در میان این هاست و او پروردگار مشرق ها است^(۳) (۵). هرآئینه ما آسمان دنیا را به زینت ستاره ها آرایش دادیم (۶). و آنرا ازهر شیطان سرکش نگاهداشتیم (۷). (مقصد آنکه) گوش نه نهند شیاطین به سوی ملاء اعلیٰ و ازهر جانب زده میشوند (۸). بجهت آنکه رانده شوند و ایشان را پیوسته عذاب دایم است (۹). مگر کسی که بر باید^(۴) ربودنی پس از پی او شعله ای سوزنده افتد (۱۰). پس استفسارکن از ایشان آیا ایشان سخت تراندر آفرینش یا کسیکه ما آفریده ایم^(۵) هرآئینه ما ایشانرا از گل چسپنده آفریده ایم (۱۱). بلکه تعجب کردی^(۶) و ایشان تمسخر میکنند (۱۲). و چون پند داده شوند پند نمی گیرند (۱۳). و چون ببینند نشانه ای را تمسخر می کنند (۱۴). و گفتند این (قرآن) مگر سحر ظاهر نیست (۱۵). آیا چون بمیریم و خاک و استخوانهایی باشیم آیا ما البته برا نگیخته شویم؟ (۱۶). آیا پدران نخستین ما برانگیخته شوند؟ (۱۷). بگو آری و شماخوار باشید (۱۸). پس جزاین نیست که آن برانگیختن یک نعره تند باشد پس ناگهان ایشان بنگرند (۱۹). و گویند ای وای بر ما اینست روز جزا (۲۰). (گفته شود) این است روز فیصله کردن قضایا که آنرا تکذیب می کردید (۲۱). (گفته شود) ای ملائکه ستمکاران را باهمراهانشان^(۷) و با آنچه غیر از خدا می پرستیدند جمع آوری کنید (۲۲). پس ایشان را به سوی راه دوزخ دلالت کنید (۲۳). و بازدارید ایشان را هرآئینه ایشان سوال کرده خواهند شد (۲۴).

(۱) مترجم گوید یعنی نزدیک پروردگار خود.

(۲) مترجم گوید یعنی شیاطین را والله اعلم.

(۳) یعنی و مغرب هانیز.

(۴) یعنی کلمه ای را از کلمات ملاء اعلیٰ یکبار ربودن.

(۵) یعنی ملائکه و جن و سماوات و غیر آن.

(۶) یعنی از حال کافران.

(۷) یعنی با شیاطین والله اعلم.

مَا لَكُمْ لَا تَنصَرُونَ ﴿٤٥﴾ بَلْ هُمْ الْيَوْمَ مُسْتَسَامُونَ ﴿٤٦﴾ وَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ
 عَلَى بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ ﴿٤٧﴾ قَالُوا إِنَّا كُنْتُمْ تَأْتُونَنَا عَنِ الْيَمِينِ ﴿٤٨﴾
 قَالُوا بَلْ لَمْ تَكُونُوا مُؤْمِنِينَ ﴿٤٩﴾ وَمَا كَانَ لَنَا عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ
 بَلْ كُنْتُمْ قَوْمًا طَٰغِينَ ﴿٥٠﴾ فَحَقَّ عَلَيْنَا قَوْلُ رَبِّنَا إِنَّا لَذَائِقُونَ ﴿٥١﴾
 فَأَعْوَيْنَكُمْ إِنَّا كُنَّا غُلُوبِينَ ﴿٥٢﴾ فَإِنَّهُمْ يَوْمَئِذٍ فِي الْعَذَابِ مُشْتَرِكُونَ
 ﴿٥٣﴾ إِنَّا كَذَلِكَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِينَ ﴿٥٤﴾ إِنَّهُمْ كَانُوا إِذَا قِيلَ لَهُمْ
 لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ يَسْتَكْبِرُونَ ﴿٥٥﴾ وَيَقُولُونَ إِنَّا لَتَارِكُوَاءُ الْهَتِنَا
 لِشَاعِرٍ مَّخْنُونٍ ﴿٥٦﴾ بَلْ جَاءَ بِالْحَقِّ وَصَدَقَ الْمُرْسَلِينَ ﴿٥٧﴾ إِنَّا كُنَّا
 لَذَائِقُوا الْعَذَابِ الْأَلِيمِ ﴿٥٨﴾ وَمَا نُجِزُونَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ
 ﴿٥٩﴾ إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ ﴿٦٠﴾ أُولَٰئِكَ لَهُمْ رِزْقٌ مَّعْلُومٌ ﴿٦١﴾
 فَوَكَهَهُمْ مَكْرَمُونَ ﴿٦٢﴾ فِي جَنَّتِ النَّعِيمِ ﴿٦٣﴾ عَلَىٰ سُرُرٍ مُّتَقَابِلِينَ
 ﴿٦٤﴾ يُطَافُ عَلَيْهِمْ بِكَأْسٍ مِنْ مَّعِينٍ ﴿٦٥﴾ بِيضَاءَ لَدَدٍ لَلشَّرِيبِ
 ﴿٦٦﴾ لَا فِيهَا غَوْلٌ وَلَا هُمْ عَنْهَا يُنْزَفُونَ ﴿٦٧﴾ وَعِنْدَهُمْ قَاصِرَاتُ
 الطَّرْفِ عِينٌ ﴿٦٨﴾ كَأَنَّهُنَّ بَيْضٌ مَكْنُونٌ ﴿٦٩﴾ فَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَى
 بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ ﴿٧٠﴾ قَالَ قَائِلٌ مِنْهُمْ إِنِّي كَانَ لِي قَرِينٌ ﴿٧١﴾

چيست شمارا که بايکديگر ياری نمی کنید؟ (۲۵). بلکه ایشان امروز گردن نهادگانند (۲۶).
 ورو آوردند بعض ایشان بر بعضی از يکديگر سوال کنان (۲۷). گویند هرآئینه شما پیش ما از
 جانب راست^(۸) می آمدید (۲۸). گویند بلکه شما مسلمانان نبودید (۲۹). ومارا بر شما هیچ
 تسلطی نبود بلکه شما گروهی از حد گذشته بودید (۳۰). پس بر ما لازم شد سخن پروردگار
 ماکه البته ماچشنده^۹ عذاب باشیم (۳۱). پس شمارا گمراه کردیم هرآئینه ما گمراه بودیم
 (۳۲). پس به راستی همه ایشان آن روز در عذاب باهم شریک باشند (۳۳). هرآئینه ما باگناه
 گاران همچنين می کنیم (۳۴). هرآئینه ایشان (چنان) بودند که چون گفته می شد بدیشان که
 هیچ معبودی برحق مگر خدا نیست سرکشی میکردند (۳۵). و می گفتند آیاما معبودان خود
 را به خاطر (سخن) شاعری دیوانه ترك گوئیم (۳۶). بلکه پیامبر سخن درست را آورد سائر
 پیامبرانرا باورداشت (۳۷). هرآئینه شما چشنده^۹ عذاب دردناک باشید (۳۸). وجزبه آنچه
 می کردید جزا داده نخواهید شد (۳۹). مگر بندگان خالص ساخته^(۹) خدا (۴۰). این جماعت
 ایشان را روزی مقرر است (۴۱). انواع میوه وایشان نواختگانند (۴۲). در بهشت های پرناز و
 نعمت (۴۳). بر تخت ها رو به روی يکديگر (نشسته اند) (۴۴). برایشان جامی از شراب روان
 گردانیده می شود (۴۵). سفید رنگ لذت دهنده برای نوشندگان است (۴۶). نه در آن شراب
 تباہ کاری باشد و نه ایشان از آن شراب مست کرده شوند (۴۷). و نزدیک ایشان زنان
 فرواندازنده چشم فراخ چشمان باشند (۴۸). گویا ایشان بیضه های (شتر مرغ) در پرده
 پوشیده اند (۴۹). پس بعضی از اهل بهشت بر بعضی دیگر استفسار کنان روی آورند (۵۰).
 از ایشان گویند ای گفت هرآئینه مرا هم نشینی بود (۵۱).

(۸) یعنی واز جانب چپ نیز بجهت گمراه کردن والله اعلم.

(۹) یعنی آنانکه پاک ساخته شدند از شرک و غیره.

يَقُولُ أَيْ نَكَ لِمَنِ الْمَصْدِقِينَ ﴿٥١﴾ أَيْ ذَامِنًا وَكُنَّا تَرَابًا وَعِظْمًا أَيْ نَا
لْمَدِينُونَ ﴿٥٢﴾ قَالَ هَلْ أَنْتُمْ مُطَّلِعُونَ ﴿٥٣﴾ فَأَطَّلَعَ فَرَأَاهُ فِي سَوَاءِ
الْجَحِيمِ ﴿٥٤﴾ قَالَ تَاللَّهِ إِنْ كِدْتَ لَتُرْدِينَ ﴿٥٥﴾ وَلَوْلَا نِعْمَةُ رَبِّي
لَكُنْتُ مِنَ الْمُحْضَرِينَ ﴿٥٦﴾ أَمَا نَحْنُ بِمَيِّتِينَ ﴿٥٧﴾ إِلَّا مَوْتَنَا
الْأُولَى وَمَا نَحْنُ بِمُعَدَّدِينَ ﴿٥٨﴾ إِنَّ هَذَا هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿٥٩﴾
لِمِثْلِ هَذَا فَا لِيَعْمَلِ الْعَمَلُونَ ﴿٦٠﴾ أَذَلِكَ خَيْرٌ تُزَلُّ أَمْ شَجَرَةٌ
الزَّقُومِ ﴿٦١﴾ إِنْ جَعَلْنَاهَا فِتْنَةً لِلظَّالِمِينَ ﴿٦٢﴾ إِنَّهَا شَجَرَةٌ
تَخْرُجُ فِي أَصْلِ الْجَحِيمِ ﴿٦٣﴾ طَلْعُهَا كَأَنَّهُ رُءُوسُ الشَّيَاطِينِ
﴿٦٤﴾ فَإِنَّهُمْ لَا يَكُونُونَ مِنْهَا فَمَا يَكُونُونَ مِنْهَا الْبُطُونَ ﴿٦٥﴾ ثُمَّ إِنَّ لَهُمْ
عَلَيْهَا الشُّبُهَاتِ مِنْ حَمِيمٍ ﴿٦٦﴾ ثُمَّ إِنَّ مَرَجِعَهُمْ لِآلِ الْجَحِيمِ ﴿٦٧﴾
إِنَّهُمْ الْفَوَاءُ أَبَاءَهُمْ ضَالِّينَ ﴿٦٨﴾ فَهُمْ عَلَىٰ آثَرِهِمْ يُهْرَعُونَ ﴿٦٩﴾
وَلَقَدْ ضَلَّ قَبْلَهُمْ أَكْثَرُ الْأَوَّلِينَ ﴿٧٠﴾ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا فِيهِمْ
مُنذِرِينَ ﴿٧١﴾ فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُنذِرِينَ ﴿٧٢﴾
إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ ﴿٧٣﴾ وَلَقَدْ نَادَيْنَا نُوْحًا فَلْنِعْمَ
الْمُجِيبُونَ ﴿٧٤﴾ وَنَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ ﴿٧٥﴾

که (از روی انکار) می گفت آیاتو از باوردارند گانی^(۱۰) (۵۲). آیا چون بمیریم و خاک
 واستخوانهایی چند شویم آیا ماجزا داده خواهیم شد (۵۳). بازگفت آیا شمادرمی نگرید
^(۱۱) (۵۴). پس درنگریست آنگاه آن همنشین خود را در وسط دوزخ دید (۵۵). گفت
 بخدا قسم هرآئینه نزدیک بودی بآنکه مرا هلاک کنی (۵۶). واگر بخشایش پروردگار من
 نبود البته از حاضر کردگان (در عذاب) می شدم (۵۷). آیایس ما نخواهیم مرد (۵۸). مگر
 مردن اول مان و ماعذاب کرده شدگان نیستیم (۵۹). هرآئینه این است پیروزی بزرگ
 (۶۰). برای این چنین نعمت پس باید که عمل کنند عمل کنندگان (۶۱). آیا برای پذیرائی
 آنچه مذکور شد نیکوتر است یا درخت زقوم؟ (۶۲). هرآئینه ما زقوم را عقوبتی برای
 ستمکاران ساختیم (۶۳). هرآئینه وی درختیست که در قعر دوزخ برمی آید (۶۴). خوشه
 آن مانند سرهای شیطانها است (۶۵). پس هرآئینه دوزخیان از آن درخت بخورند پس از آن
 شکم هارا پُرکنند (۶۶). سپس برآن (خوراک) آمیزه ای از آب گرم دارند (۶۷). باز هرآئینه
 بازگشت ایشان بسوی دوزخ بود^(۱۲) (۶۸). هرآئینه ایشان پدران خود را گمراه یافتند
 (۶۹). پس ایشان برپی پدران خود بسرعت رانده میشوند (۷۰). وهرآئینه پیش از ایشان اکثر
 پیشینیان گمراه شده بودند (۷۱). وهرآئینه در میان ایشان ترسانندگان فرستادیم (۷۲). پس
 ببین سر انجام بیم کردگان چگونه شد (۷۳). مگر بندگان خالص ساخته خدا (۷۴).
 وهرآئینه نوح ما را آواز داد پس ما نیک قبول کننده دعاییم (۷۵). واورا واهل اورا از
 اندوه بزرگ رهانیدیم (۷۶).

(۱۰) یعنی حشر را.

(۱۱) یعنی دوزخیان را.

(۱۲) یعنی بعد از خوردن و نوشیدن ایشان را به دوزخ بازبرند.

سورة الصافات
الجزء
٤٥

وَجَعَلْنَا ذُرِّيَّتَهُ هُمُ الْبَاقِينَ ﴿٧٧﴾ وَتَرَكَمَاعَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ ﴿٧٨﴾ سَلَّمَ
 عَلَى نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ ﴿٧٩﴾ إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ﴿٨٠﴾ إِنَّهُ
 مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ ﴿٨١﴾ ثُمَّ أَعْرَفْنَا الْأَخْرِيَّتَ ﴿٨٢﴾ * وَإِنَّ مِنْ
 شِيعَتِهِ لَإِبْرَاهِيمَ ﴿٨٣﴾ إِذْ جَاءَ رَبَّهُ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ ﴿٨٤﴾ إِذْ قَالَ
 لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَاذَا تَعْبُدُونَ ﴿٨٥﴾ أَفِيكَا إِلَهَةٌ دُونَ اللَّهِ تَرِيدُونَ
 ﴿٨٦﴾ فَمَا ظَنُّكُمْ بِرَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٨٧﴾ فَنَظَرَ نَظْرَةً فِي النُّجُومِ ﴿٨٨﴾
 فَقَالَ إِنِّي سَقِيمٌ ﴿٨٩﴾ فَتَوَلَّوْا عَنْهُ مُدْبِرِينَ ﴿٩٠﴾ فَرَاغَ إِلَىٰ آلِهِمُ
 فَقَالَ أَلَا تَأْتَا كُؤُونَ ﴿٩١﴾ مَا لَكُمْ لَا تَنْطِقُونَ ﴿٩٢﴾ فَرَاغَ عَلَيْهِمْ صَرْبًا
 بِالْيَمِينِ ﴿٩٣﴾ فَأَقْبَلُوا إِلَيْهِ يَزْفُونَ ﴿٩٤﴾ قَالَ أتعْبُدُونَ مَا تَنَحَّجُونَ
 ﴿٩٥﴾ وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ وَمَا تَعْمَلُونَ ﴿٩٦﴾ قَالُوا أَبْنَاؤُ اللَّهِ، بَدِينَا، فَالْقُوهُ
 فِي الْجَحِيمِ ﴿٩٧﴾ فَأَرَادُوا بِهِ كَيْدًا فَجَعَلْنَاهُمُ الْأَسْفَلِينَ ﴿٩٨﴾
 وَقَالَ إِنِّي ذَاهِبٌ إِلَىٰ رَبِّي سَيَّهِدِينَ ﴿٩٩﴾ رَبِّ هَبْ لِي مِنَ الصَّالِحِينَ
 ﴿١٠٠﴾ فَبَشَّرْنَاهُ بِغُلَامٍ حَلِيمٍ ﴿١٠١﴾ فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيَ قَالَ يَبْنَئِي
 إِنِّي أَرَىٰ فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانظُرْ مَاذَا تَرَىٰ ﴿١٠٢﴾ قَالَ يَتَابَتِ
 أَعْلَىٰ مَا تُوَمِّرُهُ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّادِقِينَ ﴿١٠٣﴾

وتنهاذرية اورا باقى گذاشتيم (۷۷). وپروى ثنائى نيك در پس ماندگان گذاشتيم (۷۸). در (ميان) جهانيان بر نوح سلام باد (۷۹). هرائينه ما همچنين به نيكوكاران پاداش ميدهيم (۸۰). هرائينه اوازبنندگان گرويدهء مااست (۸۱). باز ديگران را غرق ساختيم (۸۲). وهرائينه ابراهيم از اتباع نوح بود (۸۳). چون پيش پروردگار خود بدل مبراز عيب (يعنى ازدوده شرك و شك) آمد (۸۴). چون به پدر خود وبقوم خود گفت چه چيز را عبادت مى كنيد (۸۵). آيا به راي فاسد خود معبودان را به جاي خدا مى جوييد (۸۶). پس گمان شما به پروردگار عالم ها چيست؟ (۸۷). پس ابراهيم يك نگاه به ستارهها نگريست (۸۸). پس گفت هرائينه من بيمارم (۸۹). پس ازوى پشت گرداننده بازگشتند (۹۰). پس به سوى معبودان ايشان پنهان متوجه شد پس گفت آيا نمى خوريد (۹۱). چيست شمارا كه سخن نمى گوويد (۹۲). پس متوجه شدبرايشان درحاليكه مى زد زدنى به قوت (۹۳). پس (مردم هم) به ابراهيم شتاب كنان روى آوردند (۹۴). ابراهيم گفت چيزى را كه خود مى تراشيد مى پرستيد (۹۵). وخدا شمارا آنچه مى كنيد پيدا كرد (۹۶). بايكديگر گفتند براى ابراهيم عمارتى بناكنيد پس اورا درآتش بسيار بافگنيد (۹۷). پس باوى توطئه را قصد كردند پس ايشان را زيرترين قرار داديم (۹۸). وابراهيم گفت كه هرائينه من به سوى پروردگار خود رونده ام مرا راه خواهد نمود (۹۹). اى پروردگار من مرا از شايسته كاران عطاكن (۱۰۰). پس اورا به نوجوانى بُردبار بشارت داديم (۱۰۱). پس چون آن طفل بآن سنى رسيد كه همراه والدش سعى تواند كرد ابراهيم گفت اى پسر ك من هرائينه من در خواب مى بينم كه من ترا ذبح ميكنم پس درنگر تاجه چيز بخاطر تو ميرسد گفت اى پدر من آنچه تورا فرموده ميشود بكن مرا اگر خدا خواسته است از شكيبايى كنندگان خواهى يافت (۱۰۲).

فَلَمَّا أَسْلَمَا وَتَلَّهِ لِلْجَبِينِ ﴿١١٣﴾ وَنَدَيْتَهُ أَنْ يَا إِبْرَاهِيمُ ﴿١١٤﴾
 قَدْ صَدَقْتَ الرَّءْيَاءُ يَا إِيَّاكَ كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ﴿١١٥﴾ إِنَّ
 هَذَا هُوَ الْهُوَ الْبَلَاءُ الْمُبِينُ ﴿١١٦﴾ وَفَدَيْتَهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ ﴿١١٧﴾ وَتَرَكْنَا
 عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ ﴿١١٨﴾ سَلَّمَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ ﴿١١٩﴾ كَذَلِكَ نَجْزِي
 الْمُحْسِنِينَ ﴿١٢٠﴾ إِنَّهُ، مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٢١﴾ وَبَشَّرْنَاهُ
 بِإِسْحَاقَ نَبِيًّا مِنْ الصَّالِحِينَ ﴿١٢٢﴾ وَبَارَكْنَا عَلَيْهِ وَعَلَى إِسْحَاقَ
 وَمَنْ ذُرِّيَّتِهِمَا مُحْسِنٌ وَظَالِمٌ لِنَفْسِهِ مُبِينٌ ﴿١٢٣﴾ وَلَقَدْ مَنَّا
 عَلَى مُوسَى وَهَارُونَ ﴿١٢٤﴾ وَنَجَّيْنَاهُمَا وَقَوْمَهُمَا مِنَ الْكَرْبِ
 الْعَظِيمِ ﴿١٢٥﴾ وَنَصَرْنَاهُمْ فَكَانُوا هُمُ الْغَالِبِينَ ﴿١٢٦﴾ وَءَاتَيْنَاهُمَا
 الْكِتَابَ الْمُسْتَبِينَ ﴿١٢٧﴾ وَهَدَيْتَهُمَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ
 ﴿١٢٨﴾ وَتَرَكْنَا عَلَيْهِمَا فِي الْآخِرِينَ ﴿١٢٩﴾ سَلَّمَ عَلَى مُوسَى
 وَهَارُونَ ﴿١٣٠﴾ إِيَّاكَ كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ﴿١٣١﴾ إِنَّهُمَا
 مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٣٢﴾ وَإِنَّ إِلْيَاسَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ ﴿١٣٣﴾
 إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَالَاتِقُونَ ﴿١٣٤﴾ أَتَدْعُونَ بَعْلًا وَتَذَرُونَ أَحْسَنَ
 الْخَلْقِينَ ﴿١٣٥﴾ اللَّهُ رَبُّكُمْ وَرَبَّ آبَائِكُمُ الْأُولِينَ ﴿١٣٦﴾

پس چون هردو منقاد شدند پدر فرزند خود را بر جانبِ پیشانی بافکند (۱۰۳). و ابراهیم را آواز دادیم که ای ابراهیم (۱۰۴). هر آئینه خواب را راست تعبیر کردی هر آئینه نیکوکاران را همچنین پاداش می‌دهیم (۱۰۵). هر آئینه این ماجرا امتحان ظاهرست (۱۰۶). و به عوض او گوسفندی مهیابرای ذبح بزرگ جثه دادیم (۱۰۷). و بروی ثنای نیک در پس ماندگان گذاشتیم (۱۰۸). بر ابراهیم سلام باد (۱۰۹). هم چنین نیکوکاران را پاداش می‌دهیم (۱۱۰). هر آئینه وی از بندگان گرویده ماست (۱۱۱). او را باسحق پیامبری از شایستگان بشارت دادیم (۱۱۲). و بر ابراهیم و بر اسحق برکت دادیم و از اولاد ایشان بعضی نیکوکارست و بعضی ستم کننده آشکار بر خویشان است (۱۱۳). به راستی ما بر موسی و هارون احسان کردیم (۱۱۴). و ایشان و قوم ایشان را از اندوه بزرگ نجات دادیم (۱۱۵). و ایشانرا نصرت دادیم پس همانان غالبان بودند (۱۱۶). و ایشان را کتاب واضح دادیم (۱۱۷). و ایشانرا براه راست دلالت کردیم (۱۱۸). و برایشان ثنای نیک در پس ماندگان باقی گذاشتیم (۱۱۹). سلام بر موسی و هارون باد (۱۲۰). هر آئینه ما همچنین نیکوکاران را پاداش می‌دهیم (۱۲۱). هر آئینه ایشان از بندگان گرویده مایند (۱۲۲). و هر آئینه الیاس از فرستادگان بود (۱۲۳). چون بقوم خود گفت آیا پرهیزگاری نمی کنید (۱۲۴). آیا بعل را پرستش می کنید (و بعل نام بتی است) و نیکوترین آفرینندگانرا ترك می کنید (۱۲۵). خدا پروردگار شما و پروردگار پدران نخستین شما را ترك می کنید (۱۲۶).

فَكَذَّبُوهُ فَإِنَّهُمْ لَمُحْضَرُونَ ﴿١٣٧﴾ إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ ﴿١٣٨﴾
وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ ﴿١٣٩﴾ سَلَّمَ عَلَىٰ آلِ يَأْسِينَ ﴿١٤٠﴾ إِنَّا
كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ﴿١٣٦﴾ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ
﴿١٣٥﴾ وَإِنَّ لُوطًا لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ ﴿١٣٣﴾ إِذْ نَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ وَأَجْمَعِينَ
﴿١٣٤﴾ إِلَّا عَجُوزًا فِي الْغَايِبِينَ ﴿١٣٥﴾ ثُمَّ دَمَرْنَا الْآخِرِينَ ﴿١٣٦﴾ وَإِنَّا
لَتَمُرُّونَ عَلَيْهِمْ مُصْبِحِينَ ﴿١٣٧﴾ وَبِاللَّيْلِ أَقْلًا تَعْقِلُونَ ﴿١٣٨﴾ وَإِنَّا
يُونُسَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ ﴿١٣٩﴾ إِذْ أَبَقَ إِلَى الْفُلِّكَ الْمَشْحُونِ ﴿١٤٠﴾
فَسَاهَمَ فَكَانَ مِنَ الْمُدْحَضِينَ ﴿١٤١﴾ فَالْتَقَمَهُ الْحُوتُ وَهُوَ مُلِيمٌ
﴿١٤٢﴾ فَلَوْلَا أَنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُسَبِّحِينَ ﴿١٤٣﴾ لَلَبِثَ فِي بَطْنِهِ إِلَى يَوْمِ
يُبْعَثُونَ ﴿١٤٤﴾ * فَنَبَذْنَاهُ بِالْعَرَاءِ وَهُوَ سَقِيمٌ ﴿١٤٥﴾ وَأَنْبَتْنَا
عَلَيْهِ شَجْرَةً مِّنْ يَقْطِينٍ ﴿١٤٦﴾ وَأَرْسَلْنَاهُ إِلَىٰ مِائَةِ أَلْفٍ أَوْ
يَرْبُودٍ ﴿١٤٧﴾ فَآمَنُوا فَمَتَّعْنَاهُمْ إِلَىٰ حِينٍ ﴿١٤٨﴾ فَاسْتَفْتَاهُم
الرَّبُّكَ الْبَنَاتُ وَلَهُمُ الْبَنُونَ ﴿١٤٩﴾ أَمْ خَلَقْنَا الْمَلَائِكَةَ إِنْسَانًا
وَهُمْ شَاهِدُونَ ﴿١٥٠﴾ أَلَا إِنَّهُمْ مِّنْ إِفْكِهِمْ لَيَقُولُونَ ﴿١٥١﴾ وَلَدَ
اللَّهُ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ ﴿١٥٢﴾ أَصْطَفَى الْبَنَاتِ عَلَى الْبَيْنِ ﴿١٥٣﴾

پس دروغگو پنداشتند اورا پس هرآئینه آن جماعت حاضر کردگانند (۱۳)^(۱۲۷). مگر بندگان خالص کرده خدا (۱۲۸). وبر الیاس ثنای نیک در پس ماندگان گذاشتیم (۱۲۹). سلام بر الیاس باد (۱۳۰). هرآئینه ما نیکوکاران را هم چنین پاداش میدهیم (۱۳۱). هرآئینه وی از بندگان گرویده^{۱۳} ما بود (۱۳۲). و هرآئینه لوط از فرستادگان بود (۱۳۳). یادکن چون او و اهل خانه او همگی را نجات دادیم (۱۳۴). مگر پیرزنی که از باقی ماندگان بود (۱۳۵). باز آن دیگران را هلاک ساختیم (۱۳۶). و هرآئینه شما بر مساکن آن قوم صبح کنان گذر میکنید (۱۳۷). و بوقت شب نیز آیا در نمی‌یابید (۱۳۸). و هرآئینه یونس از فرستادگان بود (۱۳۹). چون به سوی کشتی پُر کرده شده گریخت (۱۴۰). پس با اهل کشتی قرعه انداخت پس از مغلوبان شد (۱۴۱). پس اورا ماهی فرورد واو (کاری را کننده بود که موجب ملامت شده بود (۱۴۲). پس اگر نه آنست که وی از تسبیح کنندگان می بود (۱۴۳). البته در شکم ماهی باقی می ماند تا روزیکه مردمان برانگیخته شوند (۱۴۴). پس اورا به زمین بی گیاه پرتافتیم واو بیمار بود (۱۴۵). و بر سر او درختی از قسم کدو رویانیدیم (۱۴۶). واورا به سوی صدهزار یا بیشتر از آن فرستادیم (۱۴۷). پس ایمان آوردند پس ایشان را تامدتی بهره مند ساختیم (۱۴۸). پس استفسار کن از مشرکان آیا پروردگارتورا دخترانست و ایشان را پسران است؟ (۱۴۹). آیا فرشتگان را زنها آفریدیم و ایشان حاضر بودند (۱۵۰). آگاه باش هرآئینه ایشان از دروغ گویی خود می گویند (۱۵۱). که بزادخدای تعالی و هرآئینه ایشان دروغ گویانند (۱۵۲). آیا دختران را بر پسران اختیار کرد؟ (۱۵۳).

(۱۳) یعنی دردو زخ.

مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ ﴿١٥٤﴾ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ﴿١٥٥﴾ أَمْ لَكُمْ سُلْطٰنٌ مُّبِينٌ ﴿١٥٦﴾
 فَأَتُوا بِكِتٰبِكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صٰدِقِينَ ﴿١٥٧﴾ وَجَعَلُوا بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْجَنَّةِ
 نَسَبًا وَلَقَدْ عَلِمَتِ الْجَنَّةُ إِنَّهُمْ لَمُحْضَرُونَ ﴿١٥٨﴾ سُبْحٰنَ اللَّهِ عَمَّا
 يُصِفُونَ ﴿١٥٩﴾ إِيَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلِصِينَ ﴿١٦٠﴾ فَإِنَّكُمْ وَمَا تَعْبُدُونَ ﴿١٦١﴾
 مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ بِفِتْنِينَ ﴿١٦٢﴾ إِلَّا مَنْ هُوَ صَالٍ الْجَحِيمِ ﴿١٦٣﴾ وَمَا مِنَّا إِلَّا
 لَهُ مَقَامٌ مَّعْلُومٌ ﴿١٦٤﴾ وَإِنَّا لَنَحْنُ الصّٰفِقُونَ ﴿١٦٥﴾ وَإِنَّا لَنَحْنُ الْمُسَبِّحُونَ
 ﴿١٦٦﴾ وَإِنْ كَانُوا لَيَقُولُونَ ﴿١٦٧﴾ لَوْ أَنَّ عِنْدَنَا ذِكْرًا مِّنَ الْآوَلِينَ ﴿١٦٨﴾ لَكُنَّا
 عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلِصِينَ ﴿١٦٩﴾ فَكْفُرُوا بِهِ فَسُوفَ يَعْمُونَ ﴿١٧٠﴾ وَلَقَدْ
 سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا الْمُرْسَلِينَ ﴿١٧١﴾ إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُورُونَ ﴿١٧٢﴾
 وَإِنَّ جُنْدَنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ ﴿١٧٣﴾ فَتَوَلَّ عَنْهُمْ حَتَّىٰ حِينٍ ﴿١٧٤﴾ وَأَبْصَرُهُمْ
 فَسُوفَ يُبْصَرُونَ ﴿١٧٥﴾ أَفِعْدَابِنَا يَسْتَعْجِلُونَ ﴿١٧٦﴾ فَإِذَا نَزَلَ بِسَاحَتِهِمْ
 فَسَاءَ صَبَاحُ الْمُنذَرِينَ ﴿١٧٧﴾ وَتَوَلَّ عَنْهُمْ حَتَّىٰ حِينٍ ﴿١٧٨﴾ وَأَبْصَرَ
 فَسُوفَ يُبْصَرُونَ ﴿١٧٩﴾ سُبْحٰنَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ ﴿١٨٠﴾
 وَسَلِّمْ عَلٰى الْمُرْسَلِينَ ﴿١٨١﴾ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعٰلَمِينَ ﴿١٨٢﴾

چيست شمارا چگونه حکم می کنید؟! (۱۵۴). آیا نمی اندیشید (۱۵۵). آیا شمارا حجتی واضح است؟ (۱۵۶). پس کتاب خود را بیارید اگر راست گو هستید (۱۵۷). و کافران میان خدای تعالی و میان جنیان خویشی را مقرر کردند و هرآئینه دانسته اند جنیان که ایشان البته حاضر کردگانند^(۱۴) (۱۵۸). خدا از آن چه بیان میکنند پاك است (۱۵۹). مگر بندگان خالص کرده خدا^(۱۵) (۱۶۰). پس هرآئینه شمای کافران و آنچه می پرستید^(۱۶) (۱۶۱). نیستید گمراه کننده بر عبادت آن معبود باطل (کسی را) (۱۶۲). مگر کسی را که او درآینده دوزخ است (در علم الهی) (۱۶۳). و فرشتگان گفتند نیست هیچکس از ما مگر اورا جائیست مقرر (۱۶۴). و هرآئینه ما صف کشندگانیم (۱۶۵). و هرآئینه ما تسبیح گویندگانیم (۱۶۶). و هرآئینه کافران عرب میگفتند (۱۶۷). اگر پیش ما خبری از پیشینیان می بود (۱۶۸). البته بندگان خالص ساخته خدا می شدیم (۱۶۹). باز بآن قرآن کافر شدند پس عاقبت کار را خواهند دانست (۱۷۰). و هرآئینه سابقاً وعده ما برای بندگان فرستاده ما صادر شده است (۱۷۱). هرآئینه پیامبران ایشان نصرت دادگان اند (۱۷۲). و هرآئینه لشکر مالبته ایشانند غالب (۱۷۳). پس از ایشان تا مدتی روی بگردان (۱۷۴). و ایشان را بنگر پس ایشان نیز خواهند دید (۱۷۵). آیا این کافران عذاب مارابشتاب می طلبند (۱۷۶). پس چون عذاب بمیدان ایشان فرود آید بامداد بیم کردگان بدباشد (۱۷۷). و از ایشان تا مدتی روی بگردان (۱۷۸). و ایشان را بنگر پس ایشان نیز خواهند دید (۱۷۹). پاکی است پرورد گار تورا خداوند غلبه از آنچه این جماعت بیان می کنند (۱۸۰). و سلام بر فرستادگان خدا باد (۱۸۱). و سپاس و ستایش برای خدا پرورد گار عالم ها است (۱۸۲).

(۱۴) یعنی برای حساب و عذاب.

(۱۵) یعنی بیان مخلصان موافق واقع است.

(۱۶) یعنی بتان.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

صَّ وَالْقُرْءَانَ ذِي الذِّكْرِ ۝١ بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي عِزَّةٍ وَشِقَاقٍ ۝٢
كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ قَرْنٍ فَنَادَُوا وَآوَلَاتِ حِينَ مَنَاصٍ ۝٣ وَعَجِبُوا
أَنْ جَاءَهُمْ مُنذِرٌ مِنْهُمْ ۝٤ وَقَالَ الْكٰفِرُونَ هَذَا سِحْرٌ كَذَابٌ ۝٥
أَجْعَلِ الْآلِهَةَ إِلَهًا وَاحِدًا إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ عُجَابٌ ۝٦ وَأَنْطَلَقَ الْمَلَأُ
مِنْهُمْ أَنْ أَمْشُوا وَأَصْبِرُوا عَلَىٰ آلِهِتِكُمْ إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ يُرَادُ ۝٧
أَنْزِلَ عَلَيْهِ الذِّكْرُ مِنْ بَيْنِنَا بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ مِنْ ذِكْرِي بَلْ لَمَّ يَدُوقُوا عَذَابَ
۝٨ أَمْ عِنْدَهُمْ خَزَائِنُ رَحْمَةِ رَبِّكَ الْعَزِيزِ الْوَهَّابِ ۝٩ أَمْ لَهُمْ مُلْكُ
السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا فَلْيَرْتَقُوا فِي الْأَسْبَابِ ۝١٠ جُنْدٌ
مَّا هُنَالِكَ مَهْزُومٌ مِنَ الْأَحْزَابِ ۝١١ كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ
وَعَادٌ وَفِرْعَوْنُ ذُو الْأَوْتَادِ ۝١٢ وَثَمُودُ وَقَوْمُ لُوطٍ وَأَصْحَابُ
لَيْكَةِ أُولَئِكَ الْأَحْزَابُ ۝١٣ إِنْ كُلُّ إِلَّا كَذَّبَ الرَّسُلَ
فَحَقَّ عِقَابٌ ۝١٤ وَمَا يَنْظُرُ هَلْ يُؤَلَّاءُ إِلَّا الصَّيْحَةَ وَاحِدَةً مَالَهَا
مِنْ فَوَاقٍ ۝١٥ وَقَالُوا رَبَّنَا عَجَلْنَا قَبْلَ يَوْمِ الْحِسَابِ ۝١٦



بنام خدای بخشاینده مهربان.

صّ قسم به قرآن خداوند پند (که آنچه بآن دعوت میکنی راست است) (۱). بلکه کافران درسرکشی و مخالفت اند (۲). پیش از ایشان چقدر قرنهارا هلاک کردیم پس فریاد برآوردند و آن وقت خلاصی نبود (۳). و از آنکه بیامد به ایشان بیم کننده ای از قوم ایشان تعجب کردند و گفتند این کافران این شخص جادوگر دروغگوئیست (۴). آیا معبودان متعدد را يك معبود گردانید هرآئینه این چیزی عجیب است (۵). و اشراف از ایشان (بایکدیگرگویان) رهسپار شدند که بروید و بر عبادت معبودان خود شکیبایی کنید هرآئینه این دین نوظفته است که اراده کرده شده است (۶). این قول را در دین اخیر^(۱) نشنیده ایم این مگرافترء نیست (۷). آیا از میان ما قرآن براو نازل شده است؟ بلکه این کافران در شك اند از پندمن بلکه هنوز عذاب مرا نچشیده اند (۸). آیا نزد ایشانست خزانه های رحمت پروردگار غالب بخشاینده تو (۹). آیا ایشانراست پادشاهی آسمان ها وزمین و آنچه در میان آنها است پس بایدکه (چنگ زنان) به ریسمانها (به آسمان) بالا روند^(۲) (۱۰). لشکری هست آنجا شکست داده شده از جمله گروه ها^(۳) (۱۱). پیش از ایشان قوم نوح و عاد و فرعون خداوند میخها تکذیب کردند^(۴) (۱۲). و ثمود و قوم لوط ساکنان ایکه (تکذیب کردند) ایشان گروه های بسیار وقوی بودند (۱۳). نیست هیچ کس از ایشان مگر پیامبران را تکذیب کرد پس عقوبت من حتمی شد (۱۴). و انتظار نمی برند کفار این عصر مگريک نعره^۵ تند را یعنی نفخه قیامت که آنرا هیچ توقف نباشد (۱۵). و گفتند (بطریق استهزا) ای پروردگار ما پیش انداز برای ما سرنوشت ما را از عقوبت پیش از روز حساب (۱۶).

(۱) یعنی قرآن آخر که ما آن را دریا فیتیم والله اعلم.

(۲) یعنی بریسمان آویخته هم نمی توانند که با آسمان روند پس چطور رسند به پادشاهی والله اعلم.

(۳) یعنی از جنس گروه ها که بانبیاء مخالفت کردند.

(۴) یعنی به میخ تعذیب می کرد.

أَصْبِرْ عَلَى مَا يَقُولُونَ وَادْكُرْ عَبْدَنَا دَاوُدَ ذَا الْأَيْدِ إِنَّهُ وَأَوَّابٌ ﴿١٧﴾ إِنَّا
 سَخَّرْنَا الْجِبَالَ مَعَهُ وَيَسِّحْنَ بِالْعِشِيِّ وَالْإِشْرَاقِ ﴿١٨﴾ وَالطَّيْرَ
 مَحْشُورَةً كُلٌّ لَهُ وَأَوَّابٌ ﴿١٩﴾ وَشَدَدْنَا مُلْكَهُ وَوَاءَ آتَيْنَاهُ الْحِكْمَةَ
 وَفَضَّلْنَا الْخِطَابِ ﴿٢٠﴾ * وَهَلْ أَتَاكَ نَبَأُ الْخَضِرِ إِذْ تَسَوَّرُوا
 الْمِحْرَابَ ﴿٢١﴾ إِذْ دَخَلُوا عَلَى دَاوُدَ فَفَزِعَ مِنْهُمْ قَالُوا لَا تَحْزَنْ
 خَصِمَانِ بَغِي بَعْضُنَا عَلَى بَعْضٍ فَأَحْكَمْ بَيْنَنَا بِالْحَقِّ وَلَا تُشْطِطْ
 وَاهْدِنَا إِلَى سَوَاءِ الصِّرَاطِ ﴿٢٢﴾ إِنَّ هَذَا أَخِي لَهُ تِسْعٌ وَتِسْعُونَ نَعْجَةً
 وَلِيَ نَعْجَةٌ وَاحِدَةٌ فَقَالَ أَكْفِلْنِيهَا وَعَزَّنِي فِي الْخِطَابِ ﴿٢٣﴾ قَالَ
 لَقَدْ ظَلَمَكَ بِسُؤَالِ نَعْتِكَ إِلَى نِعَاجِهِ وَإِنْ كَثِيرًا مِّنَ الْخُلَطَاءِ لِيَبْغِيَ
 بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَقَلِيلٌ
 مَا هُمْ وَظَنَّ دَاوُدُ أَنَّمَا فَتَنَّاهُ فَاسْتَغْفَرَ رَبَّهُ وَخَرَّ رَاكِعًا وَأَنَابَ ﴿٢٤﴾
 فَغَفَرْنَا لَهُ ذَلِكَ وَإِنَّ لَهُ عِندَنَا لَزُلْفَىٰ وَحُسْنَ مَّعَآبٍ ﴿٢٥﴾
 يٰدَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ
 وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَىٰ فَيُضِلَّكَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّ الَّذِينَ يَضِلُّونَ
 عَن سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ ﴿٢٦﴾

صبر کن بر آنچه میگویند و بنده ماداود خداوند قوت را یادکن هرآئینه او رجوع کننده بود^(۵) (۱۷). هرآئینه همراه اوکوه هارا رام ساخت به وقت شام و صبح تسبیح میگفتند (۱۸). و مرغانرا بهم آورده رام ساختیم هر یکی برای او فرمانبردار بود (۱۹). و پادشاهی او را محکم کردیم حکمت و سخن واضح دادیمش (۲۰). و^(۶) آیا پیش تو خبر گروه خصومت کننده بایکدیگر آمده است چون از دیوار جسته داخل مسجد شدند (۲۱). چون برداود وارد شدند پس از ایشان ترسید گفتند مترس ما دو خصومت کننده ایم یکی به دیگری ستم کرده است پس میان ما براستی حکم کن و جور مکن و دلالت کن مارا براه راست (۲۲). این برادر من است او راست نودونه میش مرا یک میش است پس این شخص بمن گفت بسیار این یک میش را وبامن درسخن گفتن درشتی کرد (۲۳). داود گفت هرآئینه بر تو بخواستن میش توتا بهم آرد بامیشهای خود ستم کرد و هرآئینه بسیاری از شریکان ستم می کنند بعض ایشان بر بعضی دیگر مگر آنانکه ایمان آورده اند و کارهای شایسته کرده اند و اندک اند ایشان و دانست داود که ما او را آزموده ایم پس طلب آمرزش کرد از پرورد گار خود و سجده کنان بیفتاد و بخدا بازگشت (۲۴). پس آن لغزش او را بیمار زدیم و هرآئینه او را نزد ما قربت است و بازگشت نیکو است (۲۵). گفتیم ای داود هرآئینه ترا جانشین (پادشاه) در زمین ساختیم پس میان مردمان براستی حکم کن و پیروی خواهش نفس را که آن گمراه کند تورا از راه خدا مکن هرآئینه آنانکه از راه خدا گمراه می شوند ایشان را است عذاب سخت بسبب آنکه روز حساب را فراموش کردند (۲۶).

(۵) یعنی به سوی خدا.

(۶) مترجم گوید که داود علیه السلام نودونه زن داشت مع هذازن دیگر که در خطبه^۱ شخصی یا در نکاح او بود درخواست کرد خدای تعالی فرشتگان را بجهت تنبیه داود بشکل خصوم متمثل ساخت اشارت باین قصه است درین آیات (این روایت از اسرائیلیات است قابل اعتبار نیست مصحح) والله اعلم.

وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا بَطْلًا ذَلِكُمْ ظَنُّ الَّذِينَ
 كَفَرُوا فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنَ النَّارِ ﴿٢٧﴾ أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا
 الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ
 ﴿٢٨﴾ كَتَبْنَا إِلَيْكَ مَبْرُوكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُو
 الْأَلْبَابِ ﴿٢٩﴾ وَوَهَبْنَا لِدَاوُدَ سُلَيْمَانَ نِعْمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ وَأَوَّابٌ
 ﴿٣٠﴾ إِذْ عَرَضَ عَلَيْهِ بِالْعِشِيِّ الصَّافِيَتُ الْجِيَادُ ﴿٣١﴾ فَقَالَ إِنِّي أَحْبَبْتُ
 حُبَّ الْخَيْرِ عَن ذِكْرِ رَبِّي حَتَّى تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ ﴿٣٢﴾ رُدُّوهَا عَلَيَّ
 فَطَفِقَ مَسْحًا بِالسُّوقِ وَالْأَعْنَاقِ ﴿٣٣﴾ وَلَقَدْ فَتَنَّا سُلَيْمَانَ
 وَالْقَيْنَا عَلَى كُرْسِيِّهِ جَسَدًا ثُمَّ أَنَابَ ﴿٣٤﴾ قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَهَبْ
 لِي مُلْكًا لَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ مِّنْ بَعْدِي إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ ﴿٣٥﴾
 فَسَخَّرْنَا لَهُ الرِّيحَ تَجْرِي بِأَمْرِهِ رُخَاءً حَيْثُ أَصَابَ ﴿٣٦﴾ وَالشَّيَاطِينَ
 كُلَّ بَنَاءٍ وَعَوَاصٍ ﴿٣٧﴾ وَءَاخِرِينَ مُقَرَّنِينَ فِي الْأَصْفَادِ ﴿٣٨﴾ هَذَا
 عَطَاؤُنَا فَامْنُنْ أَوْ أَمْسِكْ بِغَيْرِ حِسَابٍ ﴿٣٩﴾ وَإِنَّا لَهُ وَعِدْنَا لِرُفْعِي وَحُسْنَ
 مَنَابٍ ﴿٤٠﴾ وَادْكُرْ عَبْدَنَا أَيُّوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الشَّيْطَانُ
 يَنْصُبْ وَعَذَابٍ ﴿٤١﴾ ارْكُضْ بِرِجْلِكَ هَذَا مُغْتَسَلٌ بَارِدٌ وَشَرَابٌ ﴿٤٢﴾

وآسمان و زمین را و آنچه در میان این هاست بیهوده نیافریدیم این گمان کافران است پس وای کافران را از عقوبت آتش (۲۷). آیامیساژیم آنان را که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند مانند فساد کنندگان در زمین آیامی سازیم پرهیزگاران را مانند بدکاران (۲۸). این قرآن کتابیست بابرکت که اورابسوی تو فرود آوردیم تا مردمان در آیات او تأمل کنند و تا خردمندان پند گیرند (۲۹). و به داود سلیمان را عطا کردیم نیکوینده بود سلیمان هر آئینه او به خدا رجوع کننده بود (۳۰). یادکن چون او را وقت شامگاه اسپان تیزرو نموده شد (۳۱). پس گفت هر آئینه این اسپان را دوست داشتم از قبیل رغبت بمال اعراض کنان از ذکر پروردگار خود تا آنکه آفتاب در پرده پنهان شد (۳۲)^(۷). این اسپانرا بر من بازگردانید پس شروع کرد دست رسانیدن بساقها و گردن ها (۳۳)^(۸). و هر آئینه سلیمان را آزمودیم و بر تخت او کالبدی انداختیم باز بخدا رجوع کرد (۳۴)^(۹). گفت ای پروردگار من مرا بیامرزد و مرا آن پادشاهی به بخش که جز من هیچکس را نسزد هر آئینه تویی بخشاینده (۳۵). پس برای او باد را مسخر گردانیدیم به فرمان او بآهستگی روان شده هر جاکه خواسته باشد میرفت (۳۶). و دیوان را مسخر گردانیدیم هر عمارت بناکننده و هر فرورونده بدریا (۳۷). و دیوان دیگر را دست و پابهم بسته در زنجیرها مسخر گردانیدیم (۳۸). گفتیم این است بخشش ما پس عطا کن یا نگاهدار بغیر آنکه باتو حساب کرده شود (۳۹). و هر آئینه او نزد ما مقرب است و بازگشت نیکو است (۴۰). و یادکن بنده ما ایوب را چون به پروردگار خود ندا کرد که مرا شیطان برنجوری و درد دست رسانیده است (۴۱). گفتیم بزنی زمین را به پای خود ناگهان آن چشمه باشد که مهیا برای غسل سرد و آشامیدنی باشد (۴۲).

(۷) یعنی نماز عصر فوت شد.

(۸) یعنی ذبح کرده و ساق های آنها را بریده از جهت غیرت بر ذکر خدای تعالی و الله اعلم.

(۹) مترجم گوید سلیمان علیه السلام از امراء خود ناراحت شد و بخاطر آورد و گفت که امشب با صد زن خود جماع کنم و هر زنی پسری زاید و هر یکی شهبواری باشد جهاد کننده مرا احتیاج به امر نافذ فرشته گفت انشاء الله بگو سلیمان سهو کرد پس هیچ زنی حامله نشد مگر يك زنی که طفل ناقص الخلقه زاد و آن طفل را بر تخت سلیمان انداختند سلیمان علیه السلام متنبه شد و رجوع به رب العزت کرد و الله اعلم.

[این قصه در صحیح بخاری آمده ولی بدون ذکر اینکه سلیمان علیه السلام این کار را بخاطر استغناء از امراء خود انجام داد و بدون ذکر طفل ناقص الخلقه که بر تخت سلیمان انداخته شد به صحیح بخاری مع فتح الباری مراجعه شود (۴۵۸/۶) ح ۳۴۲۴، مصحح].

وَوَهَبْنَا لَهُ وَأَهْلَهُ، وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مِنَّا وَذَكَرْنَا لِأُولِي الْأَلْبَابِ
 ٤٣ ﴿وَخَذْنَا يَدَ كَ صِغْتًا فَأَضْرِبَ بِهِ، وَلَا تَحْنُثْ إِنَّا وَجَدْنَاهُ صَابِرًا نِعْمَ
 الْعَبْدُ إِنَّهُ وَأَوَّابٌ ٤٤﴾ وَأَذْكَرَ عَبْدَنَا إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ أُولِي
 الْأَيْدِي وَالْأَبْصِرِ ٤٥ ﴿إِنَّا أَخْلَصْنَاهُمْ بِخَالِصَةٍ ذَكَرْنَا الدَّارِ ٤٦﴾
 وَإِنَّهُمْ عِنْدَنَا لَمِنَ الْمُصْطَفَيْنَ الْأَخْيَارِ ٤٧ ﴿وَأَذْكَرَ اسْمَاعِيلَ
 وَالْيَسَعَ وَذَا الْكِفْلِ وَكُلٌّ مِنَ الْأَخْيَارِ ٤٨﴾ هَذَا ذِكْرٌ وَإِنَّا لِلْمُتَّقِينَ
 لِحُسْنِ مَعَابٍ ٤٩ ﴿جَنَّتِ عَدْنٍ مُفْتَحَةً لَهُمُ الْأَبْوَابُ ٥٠﴾ مُتَكِينٍ
 فِيهَا يَدْعُونَ فِيهَا بِفِكَهَةٍ كَثِيرَةٍ وَشَرَابٍ ٥١ ﴿وَعِنْدَهُمْ قَصْرَاتُ
 الْأَطْرَفِ أَتْرَابٌ ٥٢﴾ هَذَا مَا تُوْعَدُونَ لِيَوْمِ الْحِسَابِ ٥٣ ﴿إِنَّ هَذَا
 لَرِزْقُنَا مَا لَهُ، وَمِن نَّفَادٍ ٥٤﴾ هَذَا وَإِنَّا لِلطَّالِعِينَ لَشَرَّ مَعَابٍ
 ٥٥ ﴿جَهَنَّمَ يَصَلَوْنَهَا فَيَسَّ الْمِهَادُ ٥٦﴾ هَذَا أَفْلَيْدُ وَقُوهُ حَمِيمٌ
 وَغَسَاقٌ ٥٧ ﴿وَأَخْرُ مِنْ شَكْلِهِ أَزْوَاجٌ ٥٨﴾ هَذَا فَوْجٌ
 مُّقْتَحِمٌ مَعَكُمْ لَا مَرْجَاءَ لَهُمْ إِنَّهُمْ صَالُوا النَّارِ ٥٩ ﴿قَالُوا
 بَلْ أَنْتُمْ لَمَرْجَبًا بِكُمْ أَنْتُمْ قَدْ مَتَمُّوهُ لَنَا فَيَسَّ الْقَرَارُ ٦٠﴾
 قَالُوا رَبَّنَا مَنْ قَدَّمَ لَنَا هَذَا فَرِزْدَهُ عَذَابًا ضِعْفًا فِي النَّارِ ٦١﴾

و اورا اهل خانه او و مانند آن همراه ایشان عطا کردیم بخشایشی از نزد خود و پندی برای خداوندانِ خرد (۴۳). و گفتیم بدست خود دسته شاخها بگیر پس بزن بآن^(۱۰) و خلاف سوگند مکن هر آئینه ما اورا شکبیا یافتیم ایوب نیک بنده بود هر آئینه او بخدا رجوع کننده بود^(۱۱) (۴۴). و بندگان ما ابراهیم و اسحق و یعقوب را یادکن خداوندان دست ها و چشم ها^(۱۲) (۴۵). هر آئینه ما میکرو ساختیم ایشانرا برای خصلتی پاک که یادکردن آخرت است (۴۶). و هر آئینه ایشان نزد ما از برگزیدگان نیکان بودند (۴۷). و اسماعیل و الیسع و ذوالکفل را یادکن و هریکی از نیکان بودند (۴۸). این قرآن پندی هست و هر آئینه پرهیزگاران را بازگشت نیک است (۴۹). بوستانهای دایم است کشاده کرده دروازه ها برای ایشان (۵۰). تکیه کنان در آنجا، آنجامیوه^۱ بسیار و شراب را می طلبند (۵۱). و نزد ایشان زنان فرود آرنده چشم، هم عمر بایکدیگر باشند (۵۲). این است آنچه شمارا برای روز حساب وعده داده میشود (۵۳). هر آئینه این رزق ماست آنرا هیچ زوالی نباشد (۵۴). این است جزا و هر آئینه از حدگذشتگان را بد بازگشتی باشد (۵۵). که دوزخ است آنجا در آیند پس بد آرامگاه است (۵۶). این عذاب آب گرم و زرداب است پس باید که آنرا بجشند (۵۷). و عذابی دیگر مانند این انواع مختلف است (۵۸). این^(۱۳) قومیست در آینده به آتش همراه شما متبوعان گویند زمین کشاده مباد برایشان هر آئینه ایشان در آیندگان آتش اند (۵۹). تابعان گویند بلکه بر شما زمین کشاده مباد شما عذاب را برای ما پیش آوردید پس دوزخ بد قرارگاهی است (۶۰). گویند ای پرورد گار ما هر کس که این (کفر) را برای ما تقدیم کرد، در آتش عذابی دوچندان در حق او بیفزای (۶۱).

(۱۰) یعنی زن خود را.

(۱۱) یعنی ایوب علیه السلام سوگند خورده بود که زن خود را صدضربه بزند خدای تعالی بروی سهل ساخت.

(۱۲) یعنی علم و عمل هر دو یکمال داشتند والله اعلم.

(۱۳) چون تابعان خواهند که بدوزخ در آیند متبوعان را گفته شود.

وَقَالُوا مَا لَنَا لَنْزِيلِ رَبِّكَ لَا نَجِدُهُمْ مِنَ الْأَشْرَارِ ﴿٦١﴾ اتَّخَذْتَهُمْ
 سِحْرِيًّا أَمْ رَازَعْتَهُمُ الْأَبْصُرُ ﴿٦٢﴾ إِنَّ ذَلِكَ لَحَقٌّ تَخَاصُمُ أَهْلِ
 النَّارِ ﴿٦٣﴾ قُلْ إِنَّمَا أَنَا مُنذِرٌ وَمَنْ إِلَهٌ إِلَّا اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ ﴿٦٤﴾
 رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا الْعَزِيزُ الْغَفُورُ ﴿٦٥﴾ قُلْ هُوَ نَبَأٌ
 عَظِيمٌ ﴿٦٦﴾ أَنْتُمْ عَنْهُ مُعْرِضُونَ ﴿٦٧﴾ مَا كَانَ لِي مِنْ عِلْمٍ بِالْمَلَإِ الْأَعْلَى
 إِذْ يَخْتَصِمُونَ ﴿٦٨﴾ إِنْ يُوحَىٰ إِلَيَّ إِلَّا أَنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُّبِينٌ ﴿٦٩﴾ إِذْ قَالَ
 رَبُّكَ لِلْمَلَأِكَةِ إِنِّي خَلَقْتُ بَشَرًا مِنْ طِينٍ ﴿٧٠﴾ فِإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ
 فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ ﴿٧١﴾ فَسَجَدَ الْمَلَأِكَةُ كُلُّهُمْ
 أَجْمَعُونَ ﴿٧٢﴾ إِلَّا إِبْلِيسَ اسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ ﴿٧٣﴾ قَالَ
 يَا إِبْلِيسُ مَا مَنَعَكَ أَنْ تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتُ بِإِيْدِي اسْتَكْبَرْتَ أََمْ كُنْتَ
 مِنَ الْعَالِينَ ﴿٧٤﴾ قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِمَّنْ خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ
 ﴿٧٥﴾ قَالَ فَأَخْرِجْ مِنْهَا فَإِنَّكَ رَاحِمٌ ﴿٧٦﴾ وَإِنَّ عَلَيْكَ لَعْنَتِي إِلَى يَوْمِ الدِّينِ
 ﴿٧٧﴾ قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ ﴿٧٨﴾ قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ
 الْمُنظَرِينَ ﴿٧٩﴾ إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ ﴿٨٠﴾ قَالَ فَبِعِزَّتِكَ
 لَا أُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٨١﴾ إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخَلَصِينَ ﴿٨٢﴾

وگفتند اهل دوزخ چیست ما را که نمی بینیم مردانی را که ایشانرا ازبدان^(۱۴) می شمردیم (۶۲). (آنانکه) ما ایشان را مسخره می گرفتیم (اینجانسیستند) یا ازایشان دیده ها برگشته است (۶۳). هرآئینه این راست است مراد ازآن خصومت کردنِ اهل دوزخ بایکدیگر است (۶۴). بگو جزاین نیست که من ترساننده ام و نیست هیچ معبود برحقى مگر خدای یگانه زیادقوتمند (۶۵). پروردگار آسمان ها وزمین آنچه میان این هاست غالب آمرزگار (۶۶). بگو این خبری بزرگ است (۶۷). شما ازوی رویگرداننده اید (۶۸). مراهیچ دانش بحال این جماعت نیست بلند قدر ازفرشتگان چون بایکدیگر سوال وجواب میکنند (۶۹). وحی فرستاده نمی شود به سوی من مگر آنکه من ترساننده اشکارم (۷۰). و یادکن چون پروردگارتو به فرشتگان گفت هرآئینه من آدمی را ازگِل آفریننده ام (۷۱). پس چون راست کنم او را و دروی از روح خود بدمم پس او را سجده کنان درافتید (۷۲). پس کُلاً همگی فرشتگان سجده کردند (۷۳). مگر شیطان سرکشی کرد وازکافران شد (۷۴). گفت خدا ای شیطان چه چیزبازداشت تورا ازآنکه سجده کنی چیزی را که آفریدمش بدودست خود آیاتکبر کردی یا به حقیقت ازبلند قدران هستی (۷۵). گفت من ازوی بهترم مرا از آتش آفریدی و او را ازگِل آفریدی (۷۶). گفت ازبهشت بیرون شو هرآئینه تورا ندیده شده ای (۷۷). و هرآئینه بر تو لعنت من باد تا روز جزا (۷۸). گفت ای پرورد گار من پس مرا تا آنروز که برانگیخته شوند مردمان مهلت ده (۷۹). گفت هرآئینه تو از مهلت داده شد گانی (۸۰). تا روزآن وقت معین (۸۱). گفت شیطان پس قسم بعزت تو که البته همه ایشانرا گمراه کنم (۸۲). الا بندگان خالص کرده تورا ازایشان (۸۳).

(۱۴) یعنی فقراء مسلمین.

قَالَ فَالْحَقُّ وَالْحَقُّ أَقُولُ ﴿٨٤﴾ لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْكَ وَمِمَّن تَبِعَكَ مِنْهُمْ
 أَجْمَعِينَ ﴿٨٥﴾ قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُتَكَلِّفِينَ
 ﴿٨٦﴾ إِنَّ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ ﴿٨٧﴾ وَلَتَعْلَمَنَّ نَبَأَهُ بَعْدَ حِينٍ ﴿٨٨﴾

سورة البقرة

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ ﴿١﴾ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ
 الْكِتَابَ بِالْحَقِّ فَاعْبُدِ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ ﴿٢﴾ أَلَا
 لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ
 مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَىٰ إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ
 بَيْنَهُمْ فِي مَا هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ﴿٣﴾ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ
 كَذِبٌ كَفَّارٌ ﴿٤﴾ لَوْ أَرَادَ اللَّهُ أَنْ يَتَّخِذَ وَلَدًا لَأَصْطَفَىٰ
 مِمَّا يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ سُبْحَانَهُ هُوَ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ
 ﴿٥﴾ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ يُكَوِّرُ اللَّيْلَ عَلَى
 النَّهَارِ وَيُكَوِّرُ النَّهَارَ عَلَى اللَّيْلِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ
 كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى ۗ أَلَا هُوَ الْعَزِيزُ الْغَفَّارُ ﴿٦﴾

فرمود پس این سخن راست است و سخن راست میگویم (۸۴). البته دوزخ را از تو و از آنانکه پیروی تو کنند از همگی ایشان پرکنم (۸۵). بگو بر تبلیغ قرآن از شما هیچ مزدی را سوال نمی‌کنم و نیستم از تکلف کنندگان^(۱۵) (۸۶). نیست قرآن مگر پندی برای جهانیان (۸۷). و البته صدق آنرا بعد زمانی خواهید دانست (۸۸).



بنام خدای بخشاینده مهربان.

فروفرستادن این کتاب از جانب خدای غالب باحکمت است (۱). هر آئینه ما کتاب را بسوی تو برآستی فروفرستادیم پس خدا را عبادت کن پرستش را برای او خالص کرده (۲). آگاه باش^(۱) پرستش کردن خالص مرخدارا است^(۲) و آنانکه بجز خدا دوستان گرفتند (و گفتند) عبادت نمی‌کنیم ایشان را مگر برای آنکه ما را به خدا در مرتبه قرب نزدیک سازند هر آئینه خدا حکم میکند میان ایشان در آنچه ایشان در آن اختلاف دارند هر آئینه خدا راه نمی‌نماید کسی را که او دروغگوی بسیار ناسپاس است (۳). اگر خدا خواستی که فرزند گیرد البته از آنجمله که خلق کرده است چیزی را که میخواست بر گزیدی پاکی او راست است و خدای یگانه باقوت (۴). آسمان‌ها و زمین را بتدبیر درست آفرید می‌پسچاند شب را بروز و روز را بر شب می‌پسچاند خورشید و ماه را رام ساخت هر یکی در زمان معین می‌رود آگاه باش او غالب آمرزنده است (۵).

(۱۵) یعنی دعوی وحی نکنم بغیر تحقیق.

(۱) یعنی مقبول نزد اوست.

(۲) یعنی بغیر شرک.

خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَأَنْزَلَ لَكُمْ
 مِنْ الْأَنْعَامِ ثَمَانِيَةَ أَزْوَاجٍ يَخْلُقُكُمْ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ
 خَلْقًا مِّنْ بَعْدِ خَلْقٍ فِي ظُلْمٍ ثَلَاثَ نِجَاتٍ ذَٰلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَهُ
 الْمُلْكُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَأَنَّى تُصْرَفُونَ ﴿٦﴾ إِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ
 اللَّهَ غَنِيٌّ عَنْكُمْ وَلَا يَرْضَىٰ لِعِبَادِهِ الْكُفْرَ وَإِنْ تَشْكُرُوا يَرْضَهُ
 لَكُمْ وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ مَرْجِعُكُمْ
 فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ﴿٧﴾
 * وَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضُرٌّ دَعَا رَبَّهُ مُنِيبًا إِلَيْهِ ثُمَّ إِذَا خَوَّلَهُ نِعْمَةً
 مِنْهُ نَسِيَ مَا كَانَ يَدْعُو إِلَيْهِ مِنْ قَبْلُ وَجَعَلَ لِلَّهِ أَنْدَادًا لِّيُضِلَّ
 عَنْ سَبِيلِهِ قُلْ تَمَتَّعْ بِكُفْرِكَ قَلِيلًا إِنَّكَ مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ
 ﴿٨﴾ أَمْ مَنْ هُوَ قَوْنِيءٌ أَنَاءَ اللَّيْلِ سَاجِدًا وَقَائِمًا يَحْذَرُ الْآخِرَةَ
 وَيَرْجُو رَحْمَةَ رَبِّهِ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ
 لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ ﴿٩﴾ قُلْ يَعْبَادِ الَّذِينَ
 ءَامَنُوا اتَّقُوا رَبَّكُمْ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ
 وَأَرْضُ اللَّهِ وَسِعَةٌ إِنَّمَا يُوَفَّى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ ﴿١٠﴾



شمارا از يك شخص آفرید باز از آن شخص زنش را بیافرید و برای شما از چهارپایان هشت قسم فروفرستاد^(۳) می آفریند شمارا درشکم های مادران شمايك نوع آفریدن بعد از آفریدن دیگر در تاریکی های سه گانه^(۴) این است خدا پروردگار شما پادشاهی اوراست نیست هیچ معبودی برحق مگر او پس از کجاگردانیده میشود (۶). اگر ناسپاسی کنید پس هر آئینه خدا از شما بی نیازست درحق بندگان خود ناسپاسی را نمی پسندد و اگر سپاسداری کنید او را برای شما پسندکند و هیچ برادرانده بار دیگر را بر ندارد باز بسوی پروردگار شما بازگشت شماست پس شمارا به آنچه می کردید خبر می دهد هر آئینه او دانا بمکنون سینه ها است (۷). و چون آدمی را رنجی برسد بجناب پروردگار خود رجوع کرده بسوی او دعا کند باز چون نعمتی از نزد خود عطا کندش آنچه راکه دعا میکرد بجهت او پیش ازین فراموش سازد و مقرر کند برای خدا همتایانی راتا از راه خدا گمراه کند بگو بکفر خود اندک زمانی بهره مند باش هر آئینه تو از اهل دوزخی (۸). (آیا آن ناسپاس مشرک بهتر است) یا کسیکه او عبادت کننده است در ساعت هایی از شب سجده کنان و ایستاده شده از آخرت می ترسد و رحمت پروردگار خود را امید میدارد بگو آیا برابر میشوند آنانکه می دانند و آنانکه نمیدانند جز این نیست که خداوندان خرد پندپذیر میشوند (۹). بگو (یا محمد) از طرف من ای بندگان من که ایمان آورده اید از پروردگار خود بترسید مر آنانرا که نیکوکاری کردند درین دنیا حالت نیک باشد و زمین خدا کشاده است جز این نیست که تمام داده میشود صابران را مزدایشان بیشمار^(۵) (۱۰).

(۳) یعنی نروماده شتر و گاو و گوسفند و بز و الله اعلم.

(۴) یعنی مشیمه و رحم و بطن و الله اعلم.

(۵) درین آیت تعریض است بهجرت حبشه.

قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ ﴿١١﴾ وَأُمِرْتُ لِأَنْ أَكُونَ
 أَوَّلَ الْمُسْلِمِينَ ﴿١٢﴾ قُلْ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ
 ﴿١٣﴾ قُلِ اللَّهُ أَعْبُدْ مُخْلِصًا لَهُ دِينِي ﴿١٤﴾ فَأَعْبُدْ وَأَمَّا شِئْتُمْ مِّنْ دُونِهِ
 قُلْ إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ وَأَهْلِيَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ
 أَلَا ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ ﴿١٥﴾ لَهُمْ مِّنْ فَوْقِهِمْ ظُلَلٌ مِّنَ النَّارِ
 وَمِن تَحْتِهِمْ ظُلَلٌ ذَلِكَ يُخَوِّفُ اللَّهَ بِهِ عِبَادَهُ وَيَعْبَادُونَ فَاتَّقُونَ ﴿١٦﴾
 وَالَّذِينَ اجْتَنَبُوا الطَّاغُوتَ أَنْ يَعْبُدُوهَا وَأَنَابُوا إِلَى اللَّهِ لَهُمُ الْبُشْرَى
 فَبَشِّرْ عِبَادِ ﴿١٧﴾ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ
 وَأُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُو الْأَلْبَابِ ﴿١٨﴾
 أَفَمَنْ حَقَّ عَلَيْهِ كَلِمَةُ الْعَذَابِ أَفَأَنْتَ تُنقِذُ مَنْ فِي النَّارِ ﴿١٩﴾
 لَكِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ غُرُوفٌ مِّنْ فَوْقِهَا غُرُوفٌ مَّبْنِيَةٌ تَجْرِي
 مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَعَدَّ اللَّهُ لَا يَخْلِفُ اللَّهُ الْمِيعَادَ ﴿٢٠﴾ أَلَمْ تَرَ
 أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَلَكَهُ يَنْبِيعَ فِي الْأَرْضِ ثُمَّ
 يُخْرِجُ بِهِ زَرْعًا مُّخْتَلِفًا أَلْوَانُهُ ثُمَّ يَهِيَجُ فَتَرَهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ
 يَجْعَلُهُ حُطْلَمًا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرًا لِأُولِي الْأَلْبَابِ ﴿٢١﴾

بگو هر آئینه مرا فرموده شده که خدا را عبادت کنم خالص ساخته برای او پرستش (۱۱).
 و مرا فرموده شده به آنکه نخستین مسلمانان باشم (۱۲). بگو هر آئینه من اگر نافرمانی
 پرورد گار خود کنم از عذاب روز بزرگ میترسم (۱۳). بگو خدارا عبادت میکنم خالص
 ساخته برای او پرستش خود را^(۶) (۱۴). پس هر کرا خواهید غیر از خدا عبادت کنید
 بگو هر آئینه زیان کاران آناند که خویشان را و اهل خود را روز قیامت در زیان دادند^(۷) آگاه
 باش این (ماجرا) همانست زیان ظاهر (۱۵). ایشان را از بالای ایشان سایبانها از آتش باشد
 و از زیر ایشان نیز سایبانها این عذاب میترساند خدا بآن بند گان خود را ای بند گان من از من
 بترسید (۱۶). و آنانکه از بت احتراز کردند از آنکه او را عبادت کنند به سوی خدا رجوع
 کردند ایشانراست مژده پس بند گان مرا مژده ده (۱۷). کسانی که سخن را می شنوند پس
 نیکوترین آن را پیروی می نمایند ایشانند آنانکه ایشانرا خدا هدایت کرده است و ایشان
 خداوندان خردند (۱۸). پس آیا کسی که بروی وعده^۸ عذاب ثابت شد آیاتو آن دوزخی را
 توانی خلاص کرد (۱۹). لیکن آنانکه از پروردگار خود ترسیدند ایشانراست محل های بلند
 بالای آن محلهای دیگر عمارت کرده شده، زیر آنها جویها میرود وعده کرده است خدا،
 خدا وعده را خلاف نمی کند (۲۰). آیا ندیدی که خدا از آسمان آب فر فرستاد پس در آورد
 آن را به چشمه هادرزمین باز بسبب آن کشت را گونا گون اقسام او برمی آرد باز خشک
 میشود پس آتر از رد شده می بینی باز آنرا ریزه ریزه میکند هر آئینه در این (ماجرا) خداوندان
 خرد را پندی هست (۲۱).

(۶) یعنی از شرك.

(۷) یعنی هلاک کردند خود را و اهل خانه خود را به ضلال و اضلال.

أَفَمَنْ شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ وَالْإِسْلَامَ فَهُوَ عَلَى نُورٍ مِّن رَّبِّهِ فَوَيْلٌ
 لِلْقَلْبِيَّةِ قُلُوبُهُمْ مِّن ذِكْرِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿٢٢﴾
 اللَّهُ نَزَلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُّتَشَبِهًا مَّثَانِي تَقْشَعِرُّ مِنْهُ
 جُلُودُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ ثُمَّ تَلِينُ جُلُودُهُمْ وَقُلُوبُهُمْ
 إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ ذَٰلِكَ هُدَىٰ اللَّهِ يَهْدِي بِهِ مَن يَشَاءُ وَمَن
 يُضِلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِن هَادٍ ﴿٢٣﴾ أَفَمَن يَتَّبِعِ بَوَاجِهَهُ سَوْءَ
 الْعَذَابِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَقِيلَ لِلظَّالِمِينَ ذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْسِبُونَ
 ﴿٢٤﴾ كَذَّبَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ فَآتَاهُمُ الْعَذَابُ مِن حَيْثُ
 لَا يَشْعُرُونَ ﴿٢٥﴾ فَأَذَاهُمُ اللَّهُ الْحَزَنَىٰ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْعَذَابُ
 الْآخِرَةُ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ﴿٢٦﴾ وَلَقَدْ ضَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِي
 هَٰذَا الْقُرْآنِ مِن كُلِّ مَثَلٍ لَّعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ﴿٢٧﴾ قُرْءَانَا عَرَبِيًّا
 غَيْرَ ذِي عَوَجٍ لَّعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ ﴿٢٨﴾ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَّجُلًا فِيهِ
 شُرَكَاءُ مُتَشَاكِسُونَ وَرَجُلًا سَلَمًا لِّرَجُلٍ هَلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا
 الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٢٩﴾ إِنَّكَ مَيِّتٌ وَإِنَّهُمْ
 مَيِّتُونَ ﴿٣٠﴾ ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عِنْدَ رَبِّكُمْ تَخْتَصِمُونَ ﴿٣١﴾

آیا کسی که خدا سینه^۸ او را برای دین اسلام کشاده کرده است پس او بر روشنی از جانب پروردگار خود باشد (مانند سخت دلان است) پس وای آنرا که دل های ایشان زیاد کردن خدا سخت است ایشان در گمراهی ظاهر اند (۲۲). خدا بهترین سخن را، نازل ساخت کتابی که بعضی اومانند دیگر است آیات مکرر دوتو^(۸) موی خیز میشود از شنیدن آن پوست های آنانکه از پروردگار خود میترسند بعد از آن پوست های ایشان و دل های ایشان هنگام ذکر خدا نرم میشود این است هدایت خدا، راه می نماید به آن هر کرا خواهد و هر کرا خدا گمراه کند پس او را هیچ راه نماینده ای نیست (۲۳). آیا کسی که به روی خود از سختی عذاب روز قیامت احترازی کند^(۹) (ما نند کسی است که چنین نیست؟) و گفته شود ستمکاران را وبال آنچه را میگردید بچشید (۲۴). بدروغ نسبت کردند آنانکه پیش از ایشان بودند پس بیامد بدیشان عذاب از آنجاکه نمی دانستند (۲۵). پس خدا ایشانرا خواری درزند گانی دنیا چشانید و هر آئینه عقوبت آخرت سخت تراست اگر می دانستند (۲۶). و هر آئینه برای مردمان درین قرآن از هر نوع داستان بیان کردیم بود که ایشان پند گیرند (۲۷). (فرود آوردیم) قرآن عربی بی عیب را باشد که ایشان پرهیزگاری کنند (۲۸). خدا مثال بنده ای که در وی شریکان مختلفاند بیان کرد و بنده^{۱۰} خالص برای مردی آیا برابراند در صفت ستایش خدای راست بلکه بیشتر ایشان نمیدانند^(۱۰) (۲۹). (یا محمد) هر آئینه تو خواهی مُرد و هر آئینه ایشان خواهند مُرد (۳۰). باز البته شما روز قیامت نزد پروردگار خویش بایکدیگر خصومت خواهید کرد (۳۱).

(۸) یعنی وعده یا وعید و اندازیا بشارت.

(۹) یعنی غیر از چهره اش چیزی نیابد که عذاب را بآن نگه دارد و ما نند اهل نجات باشد.

(۱۰) یعنی يك بنده که چند کس مالک او باشند ضائع شود هم چنین کسی که معبودان بسیار را پرستش میکند ضائع است و بنده ای که خالص برای يك کس است آن يك کس متولی جمع امور او باشد همچنین کسیکه موحد باشد و مخلص، خدا کار ساز اوست والله اعلم.

* فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَذَبَ عَلَى اللَّهِ وَكَذَّبَ بِالصِّدْقِ
 إِذْ جَاءَهُ ۗ أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْكَافِرِينَ ﴿٣٢﴾ وَالَّذِي
 جَاءَ بِالصِّدْقِ وَصَدَّقَ بِهِ ۗ أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ ﴿٣٣﴾
 لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ عِندَ رَبِّهِمْ ۗ ذَٰلِكَ جَزَاءُ الْمُحْسِنِينَ ﴿٣٤﴾
 لِيُكَفِّرَ اللَّهُ عَنْهُمْ أَسْوَأَ الَّذِي عَمِلُوا وَيَجْزِيَهُمْ أَجْرَهُمْ
 بِأَحْسَنِ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٣٥﴾ أَلَيْسَ اللَّهُ بِكَافٍ
 عَبْدَهُ ۗ وَيُخَوِّفُونَكَ بِالَّذِينَ مِنْ دُونِهِ ۗ وَمَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ
 فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ ﴿٣٦﴾ وَمَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ مُضِلٍّ
 أَلَيْسَ اللَّهُ بِعَزِيزٍ ذِي انْتِقَامٍ ﴿٣٧﴾ وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ
 السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ ۗ قُلْ أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَدْعُونَ
 مِنْ دُونِ اللَّهِ ۗ إِنْ أَرَادَنِيَ اللَّهُ بِضُرٍّ هَلْ هُنَّ كَاشِفَاتُ
 ضُرِّيهِ ۗ أَوْ أَرَادَنِي بِرَحْمَةٍ هَلْ هُنَّ مُمْسِكَتُ رَحْمَتِي ۗ
 قُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ ۗ عَلَيْهِ يَتَوَكَّلُ الْمُتَوَكِّلُونَ ﴿٣٨﴾ قُلْ يَقَوْمِ
 أَعْمَلُوا عَلَىٰ مَكَانَتِكُمْ ۗ إِنِّي عَمِلْتُ فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ ﴿٣٩﴾
 مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَيَحِلُّ عَلَيْهِ عَذَابٌ مُّقِيمٌ ﴿٤٠﴾

پس کیست ستمگارت‌تر از کسی که دروغ بربست بر خدا و دین راست را چون باو بیامد دروغ پنداشت آیا در دوزخ جایی برای کافران نیست (۳۲). و آنکه دین راست را آورد و باورد داشت آن را آن جماعت ایشان متقیانند (۳۳). ایشان راست نزد پروردگار ایشان آنچه خواهند این جزای نیکوکاران است (۳۴). تا خدا از ایشان دور کند بدترین آنچه کردند و ایشان را مزدایشان بحسب نیکوترین آنچه می کردند بدهد (۳۵). آیا خدا کارسازبنده خود بس نیست و تورا می ترسانند بآنانکه غیر خدایند و هر کرا خدا گمراه کند پس او راهیچ راه نماینده ای نیست (۳۶). و هر کرا خدا راه نماید پس او را هیچ گمراه کننده ای نیست آیا خدا غالب خداوند انتقام نیست؟ (۳۷). و اگر ایشان را بپرسی که آفرید آسمان ها و زمین را البته بگویند خدا آفرید بگو آیا دیدید آن را که می پرستید غیر از خدا اگر خواهد در حق من خدای تعالی سختی را آیا این بتان دفع کننده سختی او هستند یا اگر خواهد در حق من بخشایش آیا این بتان بازدارنده بخشایش او هستند بگو مرا خدا بس است بروی توکل می کنند توکل کنندگان (۳۸). بگوای قوم من عمل کنید بوضع خود هر آینه من نیز عمل کننده ام بوضع خود پس خواهید دانست (۳۹). کسی را که بیایدش عذابی که رسوا کندش و بر وی عذاب دایم فرود آید (۴۰).

إِنَّا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ لِلنَّاسِ بِالْحَقِّ فَمَنِ اهْتَدَىٰ
 فَلِنَفْسِهِ ۖ وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ
 بِوَكِيلٍ ﴿٤١﴾ اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا وَالَّتِي
 لَمْ تَمُتْ فِي مَنَامِهَا فِيمَسِكُ الَّتِي قَضَىٰ عَلَيْهَا الْمَوْتَ
 وَيُرْسِلُ الْأُخْرَىٰ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ
 يَتَفَكَّرُونَ ﴿٤٢﴾ أَمْ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ شُفَعَاءَ قُلْ
 أَوْلَوْكَانُوا لَا يَمْلِكُونَ شَيْئًا وَلَا يَعْقِلُونَ ﴿٤٣﴾ قُلْ
 لِلَّهِ الشَّفَعَةُ جَمِيعًا ۖ اللَّهُ مَلِكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ثُمَّ
 إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٤٤﴾ وَإِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَحْدَهُ اشْمَأَزَّتْ
 قُلُوبُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ ۖ وَإِذَا ذُكِرَ الَّذِينَ مِنْ
 دُونِهِ إِذَا هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ ﴿٤٥﴾ قُلِ اللَّهُمَّ فَاطِرَ السَّمَوَاتِ
 وَالْأَرْضِ عَلِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ أَنْتَ تَحْكُمُ بَيْنَ عِبَادِكَ
 فِي مَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ﴿٤٦﴾ وَلَوْ أَنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا مَا فِي
 الْأَرْضِ جَمِيعًا وَمِثْلَهُ مَعَهُ لَافْتَدَوْا بِهِ مِنْ سُوءِ الْعَذَابِ
 يَوْمَ الْقِيَامَةِ ۖ وَبَدَا لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مَا لَمْ يَكُونُوا يَحْتَسِبُونَ ﴿٤٧﴾

هرآئینه ما بر تو کتاب را برای مردمان برآستی فرود آوردیم پس هر که راه یاب شد پس به نفع او ست و هر که گمراه شد پس جزاین نیست که به ضرر خود گمراه میشود و تو برایشان نگهبان نیستی (۴۱). خدای تعالی هنگام موت قبض ارواح آنها میکند و آن روح که نمرده است در خواب او قبض آن میکند پس آن را که حکم موت کرده است بر وی نگاه میدارد و آن دیگر را تا وقتی معین می گذارد هرآئینه درین (أمر) برای قومی که تأمل می کنند نشانه هایی است (۴۲). آیا غیر از خدا شفاعت کنندگانی گرفته اند؟ بگو (ایشان را که گرفتید) اگر چه نمی توانستند هیچ کاری ونمی دانستند (۴۳). بگو شفاعت همگی در اختیار خداست مر اورا پادشاهی آسمان ها وزمین است باز به سوی او گردانیده خواهید شد (۴۴). و چون خداتنها یاد کرده شود دل های آنانکه ایمان نمی آور ند با آخرت متنفر شود و چون یاد کرده شوند آنانکه بجزاوهستند ناگاه ایشان شادمان می شوند (۴۵). بگو بار خدایا ای پیداکننده آسمان ها وزمین داننده نهران و آشکار تو میان بندگان خود در چیزیکه ایشان در آن اختلاف میکردند حکم می کنی (۴۶). و اگر آنانراکه ستم کردند همگی آنچه در زمین است و مانند آن همراه آن باشد البته به خاطر سختی عذاب روز قیامت آنرا عوض گردان خود سازند و ظاهر شود برای ایشان از جانب خدا آنچه گمان نمی داشتند (۴۷).

وَبَدَّ لَهُمْ سَيِّئَاتٍ مَا كَسَبُوا وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ
 يَسْتَهْزِءُونَ ﴿٤٨﴾ فَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضُرٌّ دَعَانَا ثُمَّ إِذَا خَوَّلْنَاهُ
 نِعْمَةً مِّمَّا قَالَ إِنَّمَا أُوتِيتُهُ عَلَىٰ عِلْمٍ بَلْ هِيَ فِتْنَةٌ وَلَٰكِنَّا
 أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٤٩﴾ قَدْ قَالَهَا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَمَا
 أَغْنَىٰ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿٥٠﴾ فَأَصَابَهُمْ سَيِّئَاتُ
 مَا كَسَبُوا وَالَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْ هَٰؤُلَاءِ سَيَّصِبُ بِهِمْ سَيِّئَاتُ
 مَا كَسَبُوا وَمَا هُمْ بِمُعْجِزِينَ ﴿٥١﴾ أَوَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ
 الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ
 ﴿٥٢﴾ * قُلْ يَاعِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا
 مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ
 الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ﴿٥٣﴾ وَأَنِيبُوا إِلَىٰ رَبِّكُمْ وَأَسْمِعُوا اللَّهَ مِنْ
 قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ الْعَذَابُ ثُمَّ لَا تُنصِرُونَ ﴿٥٤﴾ وَاتَّبِعُوا أَحْسَنَ
 مَا أُنزِلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ الْعَذَابُ
 بَغْتَةً وَأَنْتُمْ لَا تَشْعُرُونَ ﴿٥٥﴾ أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَا حَسْرَتَىٰ
 عَلَىٰ مَا فَرَّطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ وَإِن كُنْتُ لَمِنَ السَّخِرِينَ ﴿٥٦﴾

و برای ایشان جزای بدانچه کرده بودند ظاهر شد و ایشان را آنچه بدان استهزاء میکردند درگیرد (۴۸). پس چون آدمی را سختی برسد ما را بخواند باز چون او را نعمتی از طرف خود بدهیم گوید جزاین نیست که این نعمت مرا بنا بر دانشی که در منست داده شده است بلکه این نعمت آزمایشی است ولیکن اکثر ایشان نمی دانند (۴۹). هر آئینه این سخن را آنانکه پیش از ایشان بودند گفتند پس از ایشان آنچه میکردند بلا را دفع نکرد (۵۰). پس بدیشان عقوبت های آنچه می کردند رسید و آنانکه ازین جماعت ستم کردند خواهد رسید بدیشان عقوبت های آنچه می کردند و ایشان عاجز کننده نیستند (۵۱). آیا ندانسته اند که خدا رزق را برای هر که میخواهد کشاده میسازد و برای هر که می خواهد تنگ میکند هر آئینه درین کار نشانه هاست قومی را که ایمان می آورند (۵۲). بگو (از طرف من) ای آن بندگان من که بر خود از حد تجاوز کردند از رحمت خدا ناامید مشوید هر آئینه خدا گناهان را همه می آمرزد هر آئینه خدا او آمرزگار مهربان است (۵۳). و به سوی پروردگار خویش رجوع کنید و او را پیش از آن که بیاید به شما عقوبت منقاد شوید باز مدد کرده نشوید (۵۴). و نیکوترین آنچه را که فرو فرستاده شد به سوی شما از جانب پروردگار شما پیروی کنید پیش از آن که به شما عذاب ناگهان بیاید و شما خبر دار نباشید (۵۵). (بخدا رجوع کنید و اتباع قرآن نمایید بجهت ترس از) آنکه شخصی گوید وای پشیمانی من بر تقصیر کردن من در حق خدا و هر آئینه من از تمسخر کنندگان بودم (۵۶).

أَوْ تَقُولَ لَوْ أَنَّ اللَّهَ هَدَانِي لَكُنْتُ مِنَ الْمُتَّقِينَ ﴿٥٧﴾ أَوْ تَقُولَ
 حِينَ تَرَى الْعَذَابَ لَوْ أَنَّ لِي كَرَّةً فَأَكُونَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ
 ﴿٥٨﴾ بَلَىٰ قَدْ جَاءَ تَكَءَايَاتِي فَاكْذَبْتُ بِهَا وَأَسْتَكْبَرْتُ وَكُنْتُ
 مِنَ الْكَافِرِينَ ﴿٥٩﴾ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ تَرَى الَّذِينَ كَذَبُوعَلَى
 اللَّهِ وُجُوهُهُمْ مُسْوَدَّةٌ أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْمُتَكَبِّرِينَ
 ﴿٦٠﴾ وَيُنَجِّي اللَّهُ الَّذِينَ اتَّقَوْا بِمَفَازَتِهِمْ لَا يَمَسُّهُمُ السُّوءُ
 وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٦١﴾ اللَّهُ خَلِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ
 شَيْءٍ وَكِيلٌ ﴿٦٢﴾ لَهُ مَقَالِيدُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالَّذِينَ
 كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ ﴿٦٣﴾ قُلْ
 أَغْيَرَ اللَّهُ تَأْمُرِيَّ أَعْبُدُ أَيُّهَا الْجَاهِلُونَ ﴿٦٤﴾ وَلَقَدْ
 أَوْحَىٰ إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكَ لَئِنْ أَشْرَكْتَ
 لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ وَلَتَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ ﴿٦٥﴾ بَلِ
 اللَّهُ فَاعْبُدْ وَكُنْ مِنَ الشَّاكِرِينَ ﴿٦٦﴾ وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ
 قَدْرِهِ وَالْأَرْضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَالسَّمَاوَاتُ
 مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿٦٧﴾

یا گوید اگر خدا مرا هدایت کردی البته از متقیان می شدم (۵۷). یا گوید وقتی که عذاب را معاینه کند کاش مرا رجوعی باشد^(۱۱) تا از نیکوکاران باشم (۵۸). (آنگاه خدا می فرماید) آری پیش تو آیات من آمد پس آنرا دروغ پنداشتی و تکبر کردی و از کافران بودی (۵۹). و روز قیامت ببینی آنها را که دروغ بستند بر خدا ببینی چهره های ایشان سیاه شده است آیا در دوزخ جای برای متکبران نیست؟ (۶۰). و خدا متقیان را قرین رستگاری خویش شده نجات دهد نرسد بدیشان سختی و نه اندوهگین شوند (۶۱). خدا آفریننده هر چیز است و او بر هر چیز خبر گیرنده است (۶۲). مرا و راست کلید های آسمان ها و زمین^(۱۲) و آنانکه به آیت های خدا کافر شدند این جماعت همانان زیان کاران اند (۶۳). بگو آیا می فرمایید بمن که غیر خدا را پرستش کنم ای نادانان (۶۴). و هر آئینه وحی فرستاده شد (یا محمد) به سوی تو و به سوی آنانکه پیش از تو بودند که اگر شریک خدا مقرر کنی البته عمل تو نابود گردد و البته از زیان کاران شوی (۶۵). بلکه خدا را فقط عبادت کن و از سپاسداران بشو (۶۶). و خدا را حق شناختن او نشناختند و روز قیامت همه زمین در قبضه او باشد و آسمان ها در دست راست او پیچیده شوند پاکی او راست و برتر است از آنکه شریک او مقرر میکنند (۶۷).

(۱۱) یعنی به دنیا.

(۱۲) یعنی مختار و متصرف اوست.

وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ
 إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ أُخْرَى فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ
 ﴿٦٨﴾ وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَوُضِعَ الْكِتَابُ وَجَاءَهُ
 بِالنَّبِيِّينَ وَالشُّهَدَاءِ وَقُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ
 ﴿٦٩﴾ وَوُفِّيَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ وَهُوَ أَعْلَمُ بِمَا يَفْعَلُونَ ﴿٧٠﴾
 وَسِيقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ زُمَرًا ۖ حَتَّىٰ إِذَا جَاءُوهَا
 فَتَحَتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِّنكُمْ
 يَتْلُونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِ رَبِّكُمْ وَيُنذِرُونَكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ
 هَذَا قَالُوا بَلَىٰ وَلَكِنْ حَقَّتْ كَلِمَةُ الْعَذَابِ عَلَى الْكَافِرِينَ
 ﴿٧١﴾ قِيلَ ادْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا فَبِئْسَ مَثْوَى
 الْمُتَكَبِّرِينَ ﴿٧٢﴾ وَسِيقَ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ إِلَى الْجَنَّةِ
 زُمَرًا ۖ حَتَّىٰ إِذَا جَاءُوهَا وَفُتِحَتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا
 سَلِّمٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ ﴿٧٣﴾ وَقَالُوا
 الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقْنَا وَعَدَّهُ وَأَوْرَثَنَا الْأَرْضَ
 نَتَّبِعُوا مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ ۖ فَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ ﴿٧٤﴾

و در صور دمیده شود پس هر که در آسمان ها و هر که در زمین است بمیرد مگر آنکه خدا خواسته است باز در صور بار دیگر دمیده شود پس ناگهان ایشان ایستادگانند می نگرند (۶۸).
 و زمین به نور پرورد گار خود روشن شود و نامه اعمال نهاده شود و پیامبران و گواهان آورده شوند و میان آدمیان برستی حکم کرده شود و ایشان ستم کرده نشوند (۶۹). هر شخصی را جزای آنچه کرده است تمام داده شود و خدا دانا ترست به آنچه می کنند (۷۰). و کافران بسوی دوزخ گروه گروه روان کرده شوند تا وقتی که چون بیابند نزدیک دوزخ دروازه های آن باز کرده شود و گویند ایشان را نگاهبانان دوزخ آیا به شما پیامبران از جنس شما نیامده بودند بر شما آیات پروردگار شمارا می خواندند شمارا از ملاقات این روز شما می ترسانیدند گفتند آری ولیکن حکم عذاب بر کافران متحقق شد (۷۱). گفته شود در آید به دروازه های دوزخ جاویدان در آنجا پس (دوزخ) بد جایگاه متکبران است (۷۲). و آنانکه ترسیدند از پرورد گار خویش به سوی بهشت گروه گروه روان کرده شوند تا وقتی که چون بیابند نزدیک بهشت و دروازه های آن باز کرده شود گویند ایشانرا نگاهبانان بهشت سلام بر شما باد خوشحال شدید پس به بهشت جاویدان در آید (۷۳). و گویند سپاس خدایی راست که باما وعده خود را راست کرد و ما را از بهشت زمین عطا کرد هر جا که خواهیم جای میگیریم پس بهشت نیک مزد کارکنندگان است (۷۴).

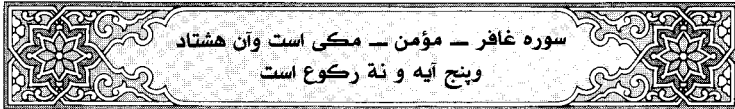
وَتَرَى الْمَلَائِكَةَ حَافِينَ مِنْ حَوْلِ الْعَرْشِ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْحَقِّ وَقِيلَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٧٥﴾

سُورَةُ غَافِرٍ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حَمَّ ﴿١﴾ تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ ﴿٢﴾ غَافِرِ الذَّنْبِ وَقَابِلِ التَّوْبِ شَدِيدِ الْعِقَابِ ذِي الطَّوْلِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ إِلَهٌ الْمَصِيرُ ﴿٣﴾ مَا يَجْدُلُ فِي آيَاتِ اللَّهِ إِلَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَا يَغْرُرُكَ تَقَلُّبُهُمْ فِي الْبِلَادِ ﴿٤﴾ كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَالْأَحْرَابُ مِنْ بَعْدِهِمْ وَهَمَّتْ كُلُّ أُمَّةٍ بِرَسُولِهِمْ لِيَأْخُذُوهُ وَجَدَلُوا بِالْبَاطِلِ لِيُدْحِضُوا بِهِ الْحَقَّ فَأَخَذْتُهُمْ فَكَيْفَ كَانَ عِقَابِ ﴿٥﴾ وَكَذَلِكَ حَقَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّهُمْ أَصْحَابُ النَّارِ ﴿٦﴾ الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُونَ بِهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَةً وَعِلْمًا فَاغْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُوا وَاتَّبَعُوا سَبِيلَكَ وَقِهِمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ ﴿٧﴾

و فرشتگان را گردا گرد شده دور بر عرش ببینی تسبیح میگویند به ستایش پروردگار خویش
و میان ایشان برستی حکم کرده شود^(۱۳) و گفته شود ستایش برای خدای پروردگار عالم
ها است (۷۵).



بنام خدای بخشاینده مهربان.

حَم (۱). فرورستان کتاب از جانب خدای غالب داناست (۲). آمرزنده گناه و پذیرنده توبه سخت کننده عقوبت خداوند توانگری، نیست هیچ معبودی بر حق مگر او بازگشت به سوی اوست (۳). در آیت های خدا به جز کافران مکابره نمی کنند پس تورا آمدورفت ایشان در شهرها در فریب نیندازد (۴). پیش از ایشان قوم نوح و جماعت های دیگر بعد از قوم نوح تکذیب کردند و هر جماعتی به پیامبر خود قصد کرد تا آنرا بگیرند و مکابره کردند به شبهات بیهوده تا به آن سخن درست را ناچیز سازند پس ایشان را گرفتم پس عقوبت من چگونه بود (۵). وهم چنین حکم پروردگار تو بر کافران که ایشان اهل دوزخ اند ثابت شد (۶). آنانکه عرش را بر میدارند و آنانکه گرداگرد عرش اند به ستایش پروردگار خویش تسبیح میگویند و به او ایمان می آورند و برای مومنان آمرزش میخواهند میگویند ای پروردگار ما فرا گرفتی همه چیز را به بخشایش و دانش پس آنان را که توبه کردند و پیروی راه تونمودند بیا مرز و ایشان را از عذاب دوزخ نگاهدار (۷).

(۱۳) یعنی در اختصاص ملاء اعلی.

رَبَّنَا وَأَدْخِلْهُمْ جَنَّاتٍ عَدْنٍ الَّتِي وَعَدْتَهُمْ وَمَنْ صَلَحَ
مِنْ ءَابَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ
الْحَكِيمُ ﴿٨﴾ وَقِهِمُ السَّيِّئَاتِ وَمَنْ تَقِ السَّيِّئَاتِ
يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمْتَهُ، وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿٩﴾ إِنَّ
الَّذِينَ كَفَرُوا يُنَادُونَ لَمَقْتُ اللَّهِ أَكْبَرُ مِنْ مَقَّتِكُمْ
أَفْئِسْكُمْ إِذْ تَدْعُونَ إِلَى الْإِيمَانِ فَتَكْفُرُونَ ﴿١٠﴾ قَالُوا رَبَّنَا
أَمَّنا أَثْنَتَيْنِ وَأَحْيَيْتَنَا أَثْنَتَيْنِ فَاعْتَرَفْنَا بِذُنُوبِنَا فَهَلْ
إِلَى خُرُوجٍ مِنْ سَبِيلٍ ﴿١١﴾ ذَلِكَ بِأَنَّهُ إِذَا دُعِيَ اللَّهُ
وَحَدَّهُ، كَفَرْتُمْ وَإِنْ يُشْرَكَ بِهِ، تَوَّمنُوا فَأَلْحِكُمْ لِلَّهِ
الْعَلِيِّ الْكَبِيرِ ﴿١٢﴾ هُوَ الَّذِي يُرِيكُمْ ءَايَاتِهِ وَيُنزِلُ لَكُمْ مِنَ
السَّمَاءِ رِزْقًا وَمَا يَتَذَكَّرُ إِلَّا مَنْ يُنِيبُ ﴿١٣﴾ فَادْعُوا اللَّهَ
مُحْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ ﴿١٤﴾ رَفِيعُ
الدَّرَجَاتِ ذُو الْعَرْشِ يُلْقِي الرُّوحَ مِنْ أَمْرِهِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ
مِنْ عِبَادِهِ لِيُنذِرَ يَوْمَ التَّلَاقِ ﴿١٥﴾ يَوْمَ هُمْ بَدْرُونٌ لَا يَخْفَى
عَلَى اللَّهِ مِنْهُمْ شَيْءٌ لِمَنِ الْمُلْكُ الْيَوْمَ لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ ﴿١٦﴾

ای پروردگارا و ایشانرا به بوستانهای جاودان که وعده کرده ای به ایشان درآر و درآرنیز هرکه شایسته کار باشد از پدران ایشان و زنان ایشان و فرزندان ایشان هرآئینه تویی غالب باحکمت (۸). و ایشانرا از عقوبت ها نگاهدار و هرکرانگاه داری از عقوبت ها در آن روز پس هرآئینه رحم کرده ای بروی و این (نگاهداشتن) هما نست پیروزی بزرگ (۹). هرآئینه آنانکه کافر شدند آواز داده شوند به تحقیق که دشمنی خدا (در حق شما) از دشمنی شما با خودتان بیشتر است. چراکه به ایمان فراخوانده می شدید آنگاه کفر می ورزیدید (۱۰). گویند ای پروردگارا ما مارا دوبار میراندی و مارا دوبار زنده گردانیدی پس به گناهان خود اعتراف کردیم پس آیا به سوی بیرون رفتن راهی هست یعنی حيله ای هست (۱۱) (۱). این عذاب بسبب آنست که چون خداتنها یاد کرده میشد انکار میکردید و اگر با او شریک مقرر کرده میشد باور میداشتید پس فرمان برای خدای بلند قدر بزرگوار راست (۱۲). اوست آنکه شمارا نشانه های خود مینماید و برای شما از آسمان رزق را فرومیفرستد پندپذیر نمی شود مگر کسیکه بخدا رجوع میکند (۱۳). پس خدا را یاد کنید، برای او عبادت را یک جهت ساخته اگرچه کافران ناخوش دارند (۱۴). او بلند کننده مرتبه ها است خداوند عرش است، می فرستد روح (جبریل) را از فرمان خود بر هرکه خواهد از بندگان خود تا آن بنده را از روز ملاقات بترساند (۱۵). روزیکه ایشان بیرون آیند (۲) بر خدا از ایشان چیزی پوشیده نباشد (خدا می فرماید) کراست پادشاهی امروز (باز خود جواب می دهد) برای خدای یگانه غالب است (۱۶).

(۱) یعنی گویند با خدا و فرشتگان.

(۲) یعنی از قبور.

الْيَوْمَ تُجْزَى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ لَا ظُلْمَ الْيَوْمَ إِنَّ
 اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ ﴿١٧﴾ وَأَنْذَرَهُمْ يَوْمَ الْأَرْزَاقِ إِذِ الْقُلُوبُ
 لَدَى الْحَنَاجِرِ كَظْمِينٌ مَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ حَمِيمٍ وَلَا شَفِيعٍ
 يُطَاعُ ﴿١٨﴾ يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ ﴿١٩﴾ وَاللَّهُ
 يَقْضِي بِالْحَقِّ وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ لَا يَقْضُونَ
 بِشَيْءٍ إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ ﴿٢٠﴾ * أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي
 الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ كَانُوا مِنْ قَبْلِهِمْ
 كَانُوا هُمْ أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَءَاثَارًا فِي الْأَرْضِ فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ
 بِذُنُوبِهِمْ وَمَا كَانَ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَاقٍ ﴿٢١﴾ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ
 كَانَتْ تَأْتِيهِمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَكَفَرُوا فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ
 إِنَّهُ قَوِيٌّ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿٢٢﴾ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا
 وَسُلْطَانٍ مُبِينٍ ﴿٢٣﴾ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَقَارُونَ
 فَقَالُوا سِحْرٌ كَذَابٌ ﴿٢٤﴾ فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْحَقِّ مِنْ
 عِنْدِنَا قَالُوا اقْتُلُوا أَبْنَاءَ الَّذِينَ ءَامَنُوا مَعَهُ، وَأَسْتَحْيُوا
 نِسَاءَهُمْ وَمَا كَيْدُ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَالٍ ﴿٢٥﴾

امروز هر شخصی بحسب آنچه کرده است پاداش داده شود امروز هیچ ستم نیست هرآئینه خدا زود حساب گیرنده است (۱۷). و ایشان را از روز قیامت آنگاه که دلها نزدیک حلقومها (چنبر گردن) باشند پُر شده از غم بترسان، ستمگاران را هیچ دوستی نیست و نه شفاعت کننده ای که سخن او قبول کرده شود (۱۸). خدا خیانت چشم هارا و آنچه پنهان میدارند سینه‌ها میداند (۱۹). و خدا برآستی حکم میکند و آنانکه کافران به جای خدا ایشان را می پرستند به چیزی حکم نمی کنند هرآئینه خدا همون شنواینه است (۲۰). آیا در زمین سیر نکرده اند تا بنگرند آخر کار آنانکه پیش از ایشان بودند چگونه بود، بودند زیاد تر از ایشان به قوت و به نشانه‌ها در زمین^(۳) پس ایشانرا خدا بگناها نشان گرفتار کرد و ایشان را از خدا هیچ پناه دهنده ای نبود (۲۱). این عقوبت بسبب آن بود که بایشان پیامبران ایشان به نشانه‌ها می آمدند پس ایشان کافر شدند پس خدا ایشانرا گرفتار کرد هرآئینه خداتوانا سخت عقوبت است (۲۲). به راستیکه موسی را به نشانه های خویش و حجت ظاهر فرستادیم (۲۳). به سوی فرعون و هامان و قارون پس گفتند جادوگری دروغگواست (۲۴). پس چون به ایشان به پیغام راست از نزدیک ما آمد گفتند پسران آنان را که ایمان آورده اند همراه او بکشید زنان ایشان را زنده بگذارید حيله سازی کافران نیست مگر در تباهی (۲۵).

(۳) یعنی محل‌ها و قلعه‌ها بسیار بنا کردند.

وَقَالَ فِرْعَوْنُ ذُرُونِي أَقْتُلْ مُوسَى وَلْيَدْعُ رَبَّهُ إِنِّي أَخَافُ
 أَنْ يُبَدِّلَ دِينَكُمْ أَوْ أَنْ يُظْهِرَ فِي الْأَرْضِ الْفَسَادَ ﴿٣٦﴾
 وَقَالَ مُوسَى إِنِّي عُذْتُ بِرَبِّي وَرَبِّكُمْ مِنْ كُلِّ مُتَكَبِّرٍ لَا يُؤْمِنُ
 بِيَوْمِ الْحِسَابِ ﴿٣٧﴾ وَقَالَ رَجُلٌ مُؤْمِنٌ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ
 يَكْتُمُ إِيمَانَهُ أَتَقْتُلُونَ رَجُلًا أَنْ يَقُولَ رَبِّيَ اللَّهُ وَقَدْ
 جَاءَكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ مِنْ رَبِّكُمْ وَإِنْ يَكُ كَذِبًا فَعَلَيْهِ
 كَذِبُهُ وَإِنْ يَكُ صَادِقًا يُصِيبْكُمْ بَعْضُ الَّذِي يَعِدُكُمْ
 إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ كَذَّابٌ ﴿٣٨﴾ يَقَوْمِ لَكُمْ
 الْمَلَكُ الْيَوْمَ ظَاهِرِينَ فِي الْأَرْضِ فَمَنْ يَنْصُرُنَا مِنْ بَأْسِ اللَّهِ
 إِنْ جَاءَنَا قَالَ فِرْعَوْنُ مَا أُرِيكُمْ إِلَّا مَا أَرَى وَمَا أَهْدِيكُمْ
 إِلَّا سَبِيلَ الرَّشَادِ ﴿٣٩﴾ وَقَالَ الَّذِينَ آمَنُوا يَا فِرْعَوْنُ
 عَلَيْكَ مِثْلُ يَوْمِ الْأَحْزَابِ ﴿٤٠﴾ مِثْلَ دَابِ قَوْمِ نُوحٍ وَعَادٍ
 وَثَمُودَ وَالَّذِينَ مِنْ بَعْدِهِمْ وَمَا اللَّهُ يُرِيدُ ظُلْمًا لِلْعِبَادِ ﴿٤١﴾
 وَيَقَوْمِ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ يَوْمَ التَّنَادِ ﴿٤٢﴾ يَوْمَ تَوَلَّوْنَ مُدْبِرِينَ
 مَالِكُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ عَاصِمٍ وَمَنْ يُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ ﴿٤٣﴾

وگفت فرعون ای یاران بگذارید مرا تا موسی را بکشم و باید که پروردگار خویش را دعا کند هرآئینه من از آنکه دین شما را تبدیل کند یا پدید آورد در زمین فساد را می ترسم (۲۶). وگفت موسی هرآئینه من به پروردگار خود و پروردگار شما از شر همرمتکبری که باور نمیدارد روز حساب را پناه گرفتم (۲۷). وگفت مردی مسلمان از خویشان فرعون که ایمان خود را پنهان میداشت آیا مردی را بسبب آنکه میگوید پروردگار من خداست می کشید و هرآئینه پیش شما نشانه ها از جانب پروردگار شما آورده است و اگر بفرض دروغگو باشد پس وبال دروغگویی او بر اوست و اگر راست گو باشد البته به شما بعض آنچه شما وعده میدهد برسد هرآئینه خدا کسی را که از حد گذرنده دروغ گو باشد راه نمی نماید (۲۸). ای قوم من شما را پادشاهی امروز غالب شده در زمین است پس که ما را از عذاب خدا آگریاید ما نصرت دهد فرعون گفت مصلحت نمی دهم شما را مگر آنچه ادراک میکنم و دلالت نمی کنم شما را مگر براه راستی (۲۹). و شخصی که ایمان آورده بود گفت ای قوم من هرآئینه من بر شما ازمانند روز جماعت های پیشین می ترسم (۳۰). مانند صورت حال قوم نوح و عاد و ثمود و آنانکه بعد از ایشان بودند و خدا بر بندگان اراده ستم نمی کند (۳۱). وای قوم من هرآئینه بر شما از روز آواز دادن بایکدیگر می ترسم (۳۲). روزیکه پشت داده روی بگردانید، شما را از خدا هیچ نگاه دارنده نبود و هر کرا خدا گمراه سازد پس او را هیچ راه نماینده ای نیست (۳۳).

وَلَقَدْ جَاءَ كُفْرًا يُوَسِّفُ مِنْ قَبْلُ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا زِلْتُمْ فِي
 شَكِّ مِمَّا جَاءَكُمْ بِهِ حَتَّى إِذَا هَلَكَ قَلْتُمْ لَنْ يَبْعَثَ اللَّهُ
 مِنْ بَعْدِهِ رَسُولًا كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ
 مُرْتَابٌ ﴿٣٤﴾ الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ بِغَيْرِ سُلْطَانٍ
 أَتَاهُمْ كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ وَعِنْدَ الَّذِينَ ءَامَنُوا كَذَلِكَ
 يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَى كُلِّ قَلْبٍ مُتَكَبِّرٍ جَبَّارٍ ﴿٣٥﴾ وَقَالَ فِرْعَوْنُ
 يَهْمَنُ ابْنُ لِي صِرْحًا لَعَلِّي أَبْلُغُ الْأَسْبَابَ ﴿٣٦﴾ أَسْبَابَ
 السَّمَوَاتِ فَأَطَّلِعُ إِلَى آلِهِ مُوسَى وَإِنِّي لِأَظُنُّهُ كَذِبًا
 وَكَذَلِكَ زَيْنُ لِفِرْعَوْنَ سُوءَ عَمَلِهِ وَصَدَّ عَنِ السَّبِيلِ
 وَمَا كِيدُ فِرْعَوْنَ إِلَّا فِي تَبَابٍ ﴿٣٧﴾ وَقَالَ الَّذِينَ ءَامَنُوا
 يَقَوْمِ اتَّبِعُونِ أَهْدِكُمْ سَبِيلَ الرَّشَادِ ﴿٣٨﴾ يَقَوْمِ
 إِنَّمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا مَتَاعٌ وَإِنَّ الْآخِرَةَ هِيَ
 دَارُ الْقَرَارِ ﴿٣٩﴾ مَنْ عَمِلَ سَيِّئَةً فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلَهَا
 وَمَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِمَّنْ ذَكَرْنَا وَأَنْتُمْ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَئِكَ
 يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ يُرْزَقُونَ فِيهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ ﴿٤٠﴾

وهرآئینه پیش ازین به شما یوسف با نشانه‌ها آمده بود پس همیشه از آنچه آنرا آورده بود پیش شما در شك بودید تا وقتیکه چون بمرد گفتید نخواهد خدا بعد از وی پیامبری را فرستاد همچین خدا کسی را که او از حد درگذرنده شك آرنده است گمراه میکند (۳۴). آنانرا که مکابره می کنند در آیاتِ خدا بغیر حجّتی که پیش ایشان آمده باشد سخت ناپسند شداین مکابره^۱ ایشان نزد خدا و نزد آنانکه ایمان آوردند همچین خدا بر هر دل متکبر سرکش مُهرمی نهد (۳۵). و فرعون گفت ای هامان برای من کوشکی بساز تا باشد که براه‌ها برسم (۳۶). راه‌های آسمان‌ها تا به سوی پروردگار موسی درنگرم وهرآئینه دروغگو می پندارمش و همچین در نظر فرعون عمل بد او آراسته شد از راه صواب بازداشته شد و حیل‌سازی فرعون نبود مگر در تباهی (۳۷). و آنکه ایمان آورده بود گفت ای قوم من پیروی من کنید تا شمارا براه راست دلالت کنم (۳۸). ای قوم من جزاین نیست که این زندگانی اندک بهره ای است وهرآئینه آخرت همونست سرای همیشه بودن (۳۹). هر که کار بد بعمل آورد جزا داده نخواهد شد الاّمانند آن و هر که بجا آورد کارشایسته خواه از جنس مرد یا از جنس زن درحالی که او مومن بود پس درایند آن جماعت به بهشت ایشان را آن جا رزق بی شمار داده شود (۴۰).

* وَيَقَوْمٍ مَالٍ أَدْعُوكُمْ إِلَى التَّجْوَةِ وَتَدْعُونِي إِلَى النَّارِ
 ﴿٤١﴾ تَدْعُونِي لِأَكْفُرَ بِاللَّهِ وَأُشْرِكَ بِهِ مَا لَيْسَ لِي بِهِ
 عِلْمٌ وَأَنَا أَدْعُوكُمْ إِلَى الْعَزِيزِ الْعَقْبَرِ ﴿٤٢﴾ لَا جَرَمَ أَنَّمَا
 تَدْعُونِي إِلَيْهِ لَيْسَ لَهُ دَعْوَةٌ فِي الدُّنْيَا وَلَا فِي الْآخِرَةِ
 وَأَنْ مَرَدَّنَا إِلَى اللَّهِ وَأَبَّ الْمُسْرِفِينَ هُمْ أَصْحَابُ النَّارِ
 ﴿٤٣﴾ فَسْتَذَكِّرُونَ مَا أَقُولُ لَكُمْ وَأُفَوِّضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ
 إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ ﴿٤٤﴾ فَوَقَّهُ اللَّهُ سَيِّئَاتٍ مَا مَكَرُوا
 وَحَاقَ بِكَالٍ فِرْعَوْنَ سُوءُ الْعَذَابِ ﴿٤٥﴾ النَّارُ يُعْرَضُونَ
 عَلَيْهَا غُدُوًّا وَعَشِيًّا وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ أَدْخِلُوا آلَ
 فِرْعَوْنَ أَشَدَّ الْعَذَابِ ﴿٤٦﴾ وَإِذْ يَتَحَاجُّونَ فِي النَّارِ
 فَيَقُولُ الضُّعَفَاءُ لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُنَّا لَكُمْ
 تَبَعًا فَهَلْ أَنْتُمْ مُغْنُونَ عَنَّا نَصِيبًا مِنَ النَّارِ ﴿٤٧﴾ قَالَ
 الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُلٌّ فِيهَا إِنَّ اللَّهَ قَدْحَكَمَ
 بَيْنَ الْعِبَادِ ﴿٤٨﴾ وَقَالَ الَّذِينَ فِي النَّارِ لِخِزْنَةِ جَهَنَّمَ
 أَدْعُوا رَبَّكُمْ يُخَفِّفْ عَنَّا يَوْمًا مِنَ الْعَذَابِ ﴿٤٩﴾

و ای قوم من چیست مرا که شمارا به سوی نجات میخوانم و شما مرا به سوی دوزخ میخوانید (۴۱). مرا به سوی آن میخوانید که بخدا کافر شوم و به او چیزی را که نیست مرا بحقیقت آن علم شریک مقرر کنم حال آنکه من شمارا به سوی (خدا) غالب آمرزگار میخوانم (۴۲). بی شبهه چیزی که شما مرا به سوی آن میخوانید آن چیز را قبول کردن دعا نیست نه دردنیای و نه در آخرت و بی شبهه بازگشت ما به سوی خداست و بی شبهه از حد گذشتگان ایشان اهل دوزخ اند (۴۳). پس آنچه می گویم به شما یادخواهید کرد و امر خود را بخدا می سپارم هرآئینه خدا به احوال بندگان بیناست (۴۴). پس اورا خدا از سختی های آنچه مکر کرده بودند ایشان را نگاهداشت و به خویشان فرعون عذاب سخت فراگرفت (۴۵). برآتش بامداد و شام برآن حاضر کرده میشوند و روزی که قیامت قائم شود گوئیم خویشان فرعون را در سخت ترین عذاب درآورید (۴۶). و یادکن چون باهم مجادله میکنند در دوزخ پس ناتوانان گویند سرکشان را هرآئینه ماتابع شما بودیم پس آیا شما از سرمایک حصه ای از عقوبت آتش دفع کننده هستید (۴۷). سرکشان گویند هرآئینه ما همه در آتشیم هرآئینه خدا در میان بندگان فیصله کرده است (۴۸). و آنانکه در آتش اند گویند نگاهبانان دوزخ را که بجناب پروردگار خویش دعا کنید تا از ما حصه یک روزی را از عذاب سبک کند (۴۹).

قَالُوا أَوْلَمَ تَكُ تَأْتِيكُمْ رُسُلُكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا بَلَىٰ
 قَالُوا فَأَدْعُوا أَوْ مَا دَعَا الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَالٍ ﴿٥٠﴾
 إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ ءَامَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا
 وَيَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهُدُ ﴿٥١﴾ يَوْمَ لَا يَنْفَعُ الظَّالِمِينَ مَعَذرتُهُمْ
 وَلَهُمُ الْعَذَابُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ ﴿٥٢﴾ وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا مُوسَىٰ
 الْهُدَىٰ وَأَوْرَثْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ الْكِتَابَ ﴿٥٣﴾ هُدَىٰ
 وَذِكْرَىٰ لِأُولَى الْأَلْبَابِ ﴿٥٤﴾ فَأَصْبِرْ إِنَّا وَعَدَدُ اللَّهِ
 حَقٌّ وَأَسْتَغْفِرْ لِذَنبِكَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ بِالْعِشِيِّ
 وَالْإِبْكَرِ ﴿٥٥﴾ إِنَّ الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي ءَايَاتِ اللَّهِ
 بِغَيْرِ سُلْطَانٍ أَتَّهُمْ إِن فِي صُدُورِهِمْ إِلَّا كِبْرٌ
 مَا هُمْ بِبَالِغِيهِ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ
 الْبَصِيرُ ﴿٥٦﴾ لَخَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ أَكْبَرُ مِنْ
 خَلْقِ النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٥٧﴾
 وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا
 الصَّالِحَاتِ وَلَا الْمُسِيءُ قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ ﴿٥٨﴾

نگاهبانان گویند آیا به شما پیامبران شما به معجزه ها نمی آمدند گویند آری، نگاهبانان گویند پس شما دعاکنید و دعای کافران نیست مگردرتباهی (۵۰). هرآئینه ما پیامبران خویش را نصرت می دهیم و آنان را که ایمان آوردند در زندگانی دنیا و نیز روزیکه گواهان^(۴) قایم شوند (۵۱). روزیکه ستمگاران را عذراوردن ایشان سود نهد و ایشانرا لعنت است و ایشانرا عقوبت آن سرای است (۵۲). وهرآئینه موسی را هدایت دادیم و بنی اسرائیل را وارث کتاب ساختیم (۵۳). برای راه نمودن و پنددادن خداوندانِ خِرَد (۵۴). پس صبر کن هرآئینه وعده خدا راست است و برای گناه خود آمرزش طلب کن و باستایش پروردگار خود به شام و بامداد تسبیح گو (۵۵). هرآئینه آنانکه درآیت های خدا بغیر حجتی که آمده باشد به ایشان مکابره میکنند نیست درسیه های ایشان مگر اراده غلبه که ایشان بآن رسنده نیستند پس از خدا پناه طلب کن هرآئینه خدا او شنوای بینا است (۵۶). هرآئینه آفریدن آسمان ها و زمین از آفریدن آدمیان^(۵) بزرگ تراست ولیکن اکثر مردمان نمیدانند (۵۷). و نایبنا و بینا برابر نیستند و آنانکه ایمان آورده اند و کارهای شایسته کرده اند بابدکار برابر نیستند، اندکی پندپذیرمی شوید (۵۸).

(۴) یعنی فرشتگان گواهی دهند.

(۵) یعنی اعاده ایشان.

إِنَّ السَّاعَةَ لَأْتِيَةٌ لَّارِيْبٍ فِيهَا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ
 لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٥٩﴾ وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ
 إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ
 دَاخِرِينَ ﴿٦٠﴾ اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الَّيْلَ لِتَسْكُنُوا
 فِيهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ
 أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ ﴿٦١﴾ ذَلِكَُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ
 خَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ لَّا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَانِي تُوْفَكُونَ ﴿٦٢﴾
 كَذَلِكَ يُؤْفِكُ الَّذِينَ كَانُوا يُعَايَدُوا اللَّهَ يَجْحَدُونَ ﴿٦٣﴾
 اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ قَرَارًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً
 وَصَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُوْرَكُمْ وَرَزَقَكُمْ مِنَ
 الطَّيِّبَاتِ ذَلِكَُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ فَتَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ
 الْعَالَمِينَ ﴿٦٤﴾ هُوَ الْحَيُّ لَّا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ
 لَهُ الدِّينَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٦٥﴾ * قُلْ إِنِّي
 نُهَيْتُ أَنْ أَعْبُدَ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَمَّا جَاءَنِي
 الْبَيِّنَاتُ مِنْ رَبِّي وَأُمِرْتُ أَنْ أُسَلِّمَ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٦٦﴾

هرآئینه قیامت آمدنی است در آن شکی نیست ولیکن اکثر مردمان باورنمیدارند (۵۹).
 و پروردگار شما گفت دعا کنید بجناب من تا دعای شما را قبول کنم هرآئینه آنانکه از عبادت
 من تکبر می کنند به دوزخ خوار شده داخل خواهند شد (۶۰). خدا آنست که برای شما
 شب را آفرید تا در آن آرام گیرید و روز را بوجهی آفرید که در آن دیدن یکدیگر باشد هرآئینه
 خدا بر مردمان خداوند فضل است ولیکن اکثر مردمان شکر نمی کنند (۶۱). اینست خدا
 پروردگار شما آفریننده هر چیز نیست هیچ معبود بر حقی بجزوی پس چگونه برگردانیده
 میشوید (۶۲). همچنین برگردانیده می شوند آنانکه با آیات خدا انکار میکردند (۶۳). خدا
 آنست که برای شما زمین را قرار گاه و آسمان را سقف ساخت و شما را صورت بست پس
 صورت های شما را نیکو ساخت و شما را از پاکیزه ها روزی داد این است خدا
 پروردگار شما پس بسیار بابرکت است خدای پروردگار جهانیان (۶۴). اوست زنده، نیست
 هیچ معبود بر حقی مگر او پس او را عبادت کنید یک جهت ساخته برای او عبادت را
 ستایش برای خدای پروردگار عالمها است (۶۵). بگو هرآئینه من از آنکه آنان را که شمامی
 پرستید بجز خدا عبادت کنم منع کرده شدم چون آمد بمن نشانه ها از جانب پروردگار من
 و فرموده شد مرا که به پروردگار عالمها منقاد شوم (۶۶).

هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ تَرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ
 يُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشَدَّكُمْ ثُمَّ لِتَكُونُوا شُيُوخًا
 وَمِنْكُمْ مَنْ يُتَوَفَّى مِنْ قَبْلٍ وَلِتَبْلُغُوا أَجَلًا مُّسَمًّى وَلَعَلَّكُمْ
 تَعْقِلُونَ ﴿٦٧﴾ هُوَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ فَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا
 يَقُولُ لَهُ وَكُن فَيَكُونُ ﴿٦٨﴾ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يُجَادِلُونَ
 فِي آيَاتِ اللَّهِ أَنَّىٰ يُصْرَفُونَ ﴿٦٩﴾ الَّذِينَ كَذَبُوا بِالْكِتَابِ
 وَمِمَّا أُرْسِلْنَا بِهِ رَسُولُنَا فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ ﴿٧٠﴾ إِذِ الْأَعْمَلُ
 فِي آغْنَقِيهِمْ وَالسَّلْسِلُ يُسْحَبُونَ ﴿٧١﴾ فِي الْحَمِيمِ
 ثُمَّ فِي النَّارِ يُسْجَرُونَ ﴿٧٢﴾ ثُمَّ قِيلَ لَهُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ
 تُشْرِكُونَ ﴿٧٣﴾ مِنْ دُونِ اللَّهِ قَالُوا ضَلُّوا عَنَّا بَل لَّعَنَّا لَمَّا كُنَّا
 نَدْعُوا مِنْ قَبْلُ شَيْئًا كَذَلِكَ يَضِلُّ اللَّهُ الْكَافِرِينَ ﴿٧٤﴾
 ذَلِكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَفْرَحُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَبِمَا كُنْتُمْ
 تَمْرَحُونَ ﴿٧٥﴾ أَدْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا فَبَشِّرْ مُثَوِي
 الْمُتَكَبِّرِينَ ﴿٧٦﴾ فَأَصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَإِمَّا نُرَبِّتَكَ
 بَعْضَ الَّذِي نَعِدُهُمْ أَوْ نَتَوَفَّىٰ نَكَ فَإِنَّا نُرْجِعُونَ ﴿٧٧﴾

اوست آنکه شمارا از خاك آفرید باز از نطفه^۶ منی باز از خون بسته باز شمارا كودك شده بیرون می آورد باز باقی میگذارد تا برسید به نهایت قوت خود باز باقی میگذارد تا شوید پیرکلان سال و بعضی از شما کسی هست که قبض روح او پیش ازین کرده شود و باقی میگذارد تا برسید بمدتی معین و تا بؤدکه بفهمید (۶۷). اوست آنکه زنده می کند و می میراند پس چون بخواهد (پیدا کردن) چیزی را پس جزاین نیست که می گویدش بشو پس می شود (۶۸). آیا به سوی آنانکه در آیات خدا مکابره میکنند ندیدی چگونه گردانیده می شوند (۶۹). آنانکه کتاب و آنچه را که فرستادیم بآن پیامبران خود را تکذیب کردند حقیقت حال خواهند دانست (۷۰). و قتیکه طوقها در گردنهای ایشان باشند و زنجیر هانیز کشیده شوند (۷۱). در آب گرم باز در آتش پرتافته شوند (۷۲). باز ایشان را گفته شود کجاست آنچه شريك مقرر میکردید (۷۳). غیر از خدا گویند از نظر ما گم شدند بلکه هرگز پیش ازین چیزی را نمی پرستیدیم همچنین خدا کافران را گمراه میکند (۷۴). این عقوبت بسبب آنست که در زمین به ناحق شادمان می شدید و بسبب آنست که می نازیدید (۷۵). به دروازه های دوزخ در آید جاویدان آنجا پس (دوزخ) بد جای متکبران است (۷۶). پس صبر کن (ای محمد) هر آئینه وعده^۷ خدا راست است پس اگر تورا بعض آنچه وعده میدهیم ایشان را بنماییم (فبها) یا اگر قبض روح تو کنیم پس به سوی ما کافران باز گردانیده شوند (۷۷).

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا مِّن قَبْلِكَ مِنْهُمْ مَّن قَصَصْنَا عَلَيْكَ
 وَمِنْهُمْ مَّن لَّمْ نَقْصُصْ عَلَيْكَ وَمَا كَانَ لِرَسُولٍ أَنْ يَأْتِيَ
 بِعَايَةٍ إِلَّا بَإِذْنِ اللَّهِ فَإِذَا جَاءَ أَمْرُ اللَّهِ فُضِيَ بِالْحَقِّ وَخَسِرَ
 هُنَالِكَ الْمُبْطِلُونَ ﴿٧٨﴾ اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَنْعَمَ
 لِتَرْكَبُوا مِنْهَا وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ ﴿٧٩﴾ وَلَكُمْ فِيهَا مَنَافِعُ
 وَلِتَبْلُغُوا عَلَيْهَا حَاجَةً فِي صُدُورِكُمْ وَعَلَيْهَا وَعَلَى
 الْفَلَاحِ تَحْمَلُونَ ﴿٨٠﴾ وَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ فَأَيَّ آيَاتِ اللَّهِ
 تُنْكِرُونَ ﴿٨١﴾ أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ
 كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ كَانُوا أَكْثَرُ مِنْهُمْ وَأَشَدَّ
 قُوَّةً وَآثَارًا فِي الْأَرْضِ فَمَا أَغْنَىٰ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ
 ﴿٨٢﴾ فَلَمَّا جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَرِحُوا بِمَا عِنْدَهُمْ مِّنَ
 الْعِلْمِ وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ ﴿٨٣﴾ فَلَمَّا رَأَوْا
 بَأْسَنَا قَالُوا أَمْتًا بِاللَّهِ وَحَدُّهُ وَسَكَرْنَا بِمَا كُنَّا بِهِ
 مُشْرِكِينَ ﴿٨٤﴾ فَلَمْ يَكُ يَنْفَعُهُمْ إِيمَانُهُمْ لَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا سُنَّتَ
 اللَّهُ الَّتِي قَدْ خَلَتْ فِي عِبَادِهِ وَخَسِرَ هُنَالِكَ الْكَافِرُونَ ﴿٨٥﴾

وهر آئینه پیامبران را پیش از تو فرستادیم از ایشان کسی هست که قصه اش را بر تو نخوانده‌ایم و هیچ پیامبر را نبُود که نشانه ای بیارد مگر بفرمان خدا پس وقتیکه فرمان خدا آمد به راستی فیصله کرده شود و آنجاییه‌وده گویان زیان کار شدند (۷۸). خدا آنست که برای شما حیوانات را بیافرید تا بر بعض آنها سوار شوید و بعض آنها را می‌خورید (۷۹). و شمارا در چهارپایان منفعت هاست و تا برسید سوار شده بر آنها به مقصدی که در سینه های شما مستقر شده است و بر چهارپایان و نیز بر کشتی‌ها برداشته می‌شوید (۸۰). و خدا شمارا نشانه های خود مینماید پس کدام يك از نشانه های خدا را انکار میکنید (۸۱). آیا در زمین سیر نکرده اند تا بنگرند آخر کار آنانکه پیش از ایشان بودند چگونه بود، بودند بیشتر از ایشان و زیاده تر به قوت و به نشانه‌ها در زمین پس دفع نکرد از ایشان آنچه کسب میکردند (۸۲). پس وقتی که به سوی ایشان پیامبران ایشان بامعجزه‌ها آمدند به آنچه نزدیک ایشان بود از دانش شادمان شدند^(۶) و در گرفت ایشان را آنچه بآن استهزاء می‌کردند (۸۳). پس وقتیکه عقوبت مارا دیدند گفتند خدای را تنها باور داشتیم و به آنچه که آنرا شریک می‌کردیم منکر شدیم (۸۴). پس هرگز ایشان را ایمان ایشان وقتیکه عقوبت مارا دیدند نفع ندهد آئین خدا که در بندگان او گذشته است (چنین است) و آنجا کافران زیان‌کار شدند (۸۵).

(۶) یعنی علم معاش.

سورة فصلت

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حَمَّ ① تَنْزِيلٌ مِّنَ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ② كِتَابٌ فُصِّلَتْ آيَاتُهُ وَ
 قُرْءَانًا عَرَبِيًّا لِّقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ③ بَشِيرًا وَنَذِيرًا فَأَعْرَضَ أَكْثَرُهُمْ
 فَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ ④ وَقَالُوا أَأَلْوَابُنَا فِي أَكِنَّةٍ مِّمَّا تَدْعُونَا إِلَيْهِ
 وَفِي آذَانِنَا وَقْرٌ وَمِنْ بَيْنِنَا وَبَيْنِكَ حِجَابٌ فَأَعْمَلْنَا إِنَّا عَامِلُونَ
 ⑤ قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ اللَّهُ وَحْدَهُ
 فَاسْتَقِيمُوا إِلَيْهِ وَاسْتَغْفِرُوهُ وَوَيْلٌ لِّلْمُشْرِكِينَ ⑥ الَّذِينَ
 لَا يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ ⑦ إِنَّ الَّذِينَ
 ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ ⑧ * قُلْ أَيُّكُمْ
 لَتَكْفُرُونَ بِالَّذِي خَلَقَ الْأَرْضَ فِي يَوْمَيْنِ وَتَجْعَلُونَ لَهُ ءَأْنْدَادًا
 ذَلِكَ رَبُّ الْعَالَمِينَ ⑨ وَجَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيَ مِن فَوْقِهَا
 وَبَرَكَ فِيهَا وَقَدَّرَ فِيهَا أَقْوَاتَهَا فِي أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ سَوَاءً
 لِّلسَّائِلِينَ ⑩ ثُمَّ أَسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ دُخَانٌ فَقَالَ
 لَهَا وَاللَّأَرْضِ أُنْتِي طَوْعًا أَوْ كَرْهًا قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ ⑪



بنام خدای بخشاینده مهربان.

حم (۱). این فرورستان از جانب خدای بخشاینده مهربان است (۲). این کتابیست واضح ساخته شد آیات او در حالیکه قرآن عربی است برای قومی که میدانند (۳). در حالیکه مژده دهنده و ترساننده است پس اکثر مردمان رویگردان شدند پس ایشان نمی شنوند (۴). و گفتند دل های ما از آنچه میخوانی ما را به سوی آن در پرده هاست و در گوش های ما گرانی است و میان ما و میان تو حجابی است پس کارکن هر آئینه ما کارکننده ایم (۵) (۱). بگو جز این نیست که من مانند شما آدمی ام وحی کرده میشود به سوی من اینکه معبود شما معبود یگانه است پس راست به سوی او متوجه شوید و از او طلب آمرزش کنید، و اوای برای آن مشرکان (۶). آنانکه زکوة را نمیدهند و ایشان به آخرت نامعتقدند (۷). هر آئینه آنانکه ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند برای ایشان مزد غیر مقطوع است (۸). بگو آيا شما نامعتقد می شوید به کسی که زمین را در دوروز آفرید و برای او همتایانی را مقرر میکنید، اینست پروردگار عالمها (۹). و در زمین کوه ها بالای آن پیدا کرد و در آن برکت نهاد و در آن قوت اهل آن را در تیره چهار روز اندازه کرد بیان واضح کرده شد برای سوال کنندگان (۱۰). باز به سوی آسمان متوجه شد و او دود بود گفت او را و زمین را نیز بخوشی یا ناخوشی (۲) بیایید گفتند هر دو بخوشی آمدیم (۱۱).

(۱) یعنی، هر یکی از ما به طریق خود عمل کند.

(۲) یعنی مقاد حکم من شوید والله اعلم.

فَقَضَيْنَهُنَّ سَبْعَ سَمَوَاتٍ فِي يَوْمَيْنِ وَأَوْحَىٰ فِي كُلِّ سَمَاءٍ أَمْرَهَا
وَرَبَّنَا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصْبِيحٍ وَحِفْظًا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ
الْعَلِيمِ ﴿١٢﴾ فَإِنْ أَعْرَضُوا فَقُلْ أَنْذَرْتُكُمْ صَاعِقَةً مِثْلَ صَاعِقَةِ
عَادٍ وَثَمُودَ ﴿١٣﴾ إِذْ جَاءَهُمُ الرُّسُلُ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمَنْ
خَلْفَهُمْ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ قَالُوا لَوْ شَاءَ رَبُّنَا لَأَنْزَلَ مَلَائِكَةً
فَإِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ ﴿١٤﴾ فَأَمَّا عَادُ فَاسْتَكْبَرُوا فِي
الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَقَالُوا مَنْ أَشَدُّ مَنَاوَةٌ أَوْ لَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ
الَّذِي خَلَقَهُمْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ
﴿١٥﴾ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا فِي أَيَّامٍ نَحْسَاتٍ لِنَدِيَقَهُمْ
عَذَابَ الْخِزْيِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَحْزَىٰ وَهُمْ
لَا يُنصَرُونَ ﴿١٦﴾ وَأَمَّا ثَمُودُ فَهَدَيْنَهُمْ فَاسْتَحَبُّوا الْعَمَىٰ عَلَى
الْهُدَىٰ فَأَخَذَتْهُمُ صَاعِقَةُ الْعَذَابِ الْهَوْنِ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ
﴿١٧﴾ وَنَجَّيْنَا الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ ﴿١٨﴾ وَيَوْمَ يُحْشَرُ أَعْدَاءُ اللَّهِ
إِلَى النَّارِ فَهُمْ يُوزَعُونَ ﴿١٩﴾ حَتَّىٰ إِذَا مَا جَاءَهُمْ هَاشِدٌ عَلَيْهِمْ
سَمِعَهُمْ وَأَبْصَرَهُمْ وَجَلُودُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٢٠﴾

پس آنها را هفت آسمان در دو روز دیگر ساخت و در هر آسمانی تدبیر آن را وحی فرستاد و آسمان دنیا را به چراغ‌ها^(۳) بیاراستیم و نگاهداشتیم^(۴) این تدبیر خدای غالب دانا است (۱۲). پس اگر رویگردان شوند بگو شمار از عقوبتی مانند عقوبت عاد و ثمود ترسانیدم (۱۳). و قتیکه بدیشان پیامبران از پیش روی ایشان و از پس پشت ایشان آمدند که عبادت مکنید مگر خدای را گفتند اگر خواستی پروردگار ما فرورستادی فرشتگان را پس هر آینه ما به آنچه فرستاده شدید به آن نا معتقدیم (۱۴). اما قوم عاد پس در زمین به ناحق تکبر کردند و گفتند کیست زیاده تراز ما به قوت آیا ندیدند که آن خدایی که بیافرید ایشان را او از ایشان به قوت زیاده تراست و ایشان بآیات ما انکار می کردند (۱۵). پس برایشان بادی تند در روزهای شوم فرستادیم تا ایشانرا عذاب رسوایی در زندگانی دنیا بچشانیم و هر آینه عذاب آخرت رسواکننده تراست و ایشان نصرت داده نشوند (۱۶). و اما ثمود پس ایشان را راه نمودیم پس نابینایی را بر راه یابی اختیار کردند پس ایشان را عقوبت سخت عذاب خواری در گرفت بسبب آنچه می کردند (۱۷). و آنان را که ایمان آوردند و پرهیزگاری می کردند نجات دادیم (۱۸). و آن روز که دشمنان خدا (روان ساخته) به سوی آتش گرد آورده می شوند، پس ایشان باین حال باشند که بعضی را تابرسیدن بعضی دیگر ایستاده کرده میشود (۱۹). تا وقتیکه چون نزدیک دوزخ بیایند برایشان گوش ایشان و چشمهای ایشان و پوست های ایشان گواهی می دهد به آنچه می کردند (۲۰).

(۳) یعنی ستاره‌ها.

(۴) یعنی از شیاطین.

وَقَالُوا الْجُلُودُ هُمْ لَمْ يَشْهَدُوا عَلَيْنَا قَالُوا أَنْطَقَنَا اللَّهُ الَّذِي
 أَنْطَقَ كُلَّ شَيْءٍ وَهُوَ خَلَقَكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿١١﴾
 وَمَا كُنْتُمْ تَسْتَتِرُونَ أَنْ يَشْهَدَ عَلَيْكُمْ سَمْعُكُمْ وَلَا أَبْصَارُكُمْ
 وَلَا جُلُودُكُمْ وَلَكِنْ ظَنَنْتُمْ أَنَّ اللَّهَ لَا يَعْلَمُ كَثِيرًا مِمَّا تَعْمَلُونَ
 ﴿١٢﴾ وَذَلِكُمْ ظَنُّكُمُ الَّذِي ظَنَنْتُمْ بِرَبِّكُمْ أَرَدْتُمْ فَأَصْبَحْتُمْ
 مِنَ الْخَاسِرِينَ ﴿١٣﴾ فَإِنْ يَصْبِرُوا فَالنَّارُ مَثْوًى لَهُمْ وَإِنْ يَسْتَعْتِبُوا
 فَمَا هُمْ مِنَ الْمُعْتَبِينَ ﴿١٤﴾ * وَقَيَّضْنَا لَهُمْ قُرَنَاءَ فَزَيَّنُوا لَهُمْ
 مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَحَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ فِي أُمَمٍ قَدْ
 خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ إِنَّهُمْ كَانُوا خَاسِرِينَ ﴿١٥﴾
 وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَسْمَعُوا لِهَذَا الْقُرْآنِ وَالْغَوْا فِيهِ
 لَعَلَّكُمْ تَغْلِبُونَ ﴿١٦﴾ فَلَنَذِيقَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا عَذَابًا شَدِيدًا
 وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَسْوَأَ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٧﴾ ذَلِكَ جَزَاءُ أَعْدَاءِ اللَّهِ
 النَّارُ لَهُمْ فِيهَا دَارُ الْخُلْدِ جَزَاءُ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٨﴾ وَقَالَ الَّذِينَ
 كَفَرُوا رَبَّنَا أَرِنَا الَّذِينَ أُضْلَلْنَا مِنْ الْجِنِّ
 وَالْإِنْسِ نَجْعَلُهُمَاتُحْتِ أَقْدَامِنَا لِيَكُونُوا مِنَ الْأَسْفَلِينَ ﴿١٩﴾



و پوست های خود را گفتند چرا بر ما گواهی دادید گویند گویا کرد ما را آن خدایی که هر چیز را گویا کرده است و او اول بار شمارا بیافرید و به سوی او باز گردانیده شوید (۲۱). و پنهان نمی شدید (هنگام ارتکاب معاصی از خوف) آنکه گواهی دهد بر شما گوش شما و چشم های شما و پوست های شما ولیکن پنداشتید که خدا بسیاری از آنچه می کنید نمیداند (۲۲). و این گمان شما که در حق پروردگار خویش به غلط اندیشه کردید شمارا هلاک کرد پس زیان کارگشتید (۲۳). پس اگر صبر کنند پس آتش خوابگاه ایشان است و اگر عفو طلبند پس ایشان عفو کرده شدگان نیستند (۲۴). و برای ایشان همنشینان برگماشتیم^(۵) پس آن همنشینان برای ایشان آراسته کردند آنچه پیش روی ایشانست و آنچه پس پشت ایشانست^(۶) و برایشان وعده عذاب متحقق شده در امتنیکه پیش از ایشان گذشته اند از جن و آدمیان ثابت شد هر آئینه ایشان زیان کار بودند (۲۵). و کافران گفتند این قرآن را مشنوید و سخن بیهوده گویند در اثناء خواندن آن تا که شما غالب شوید (۲۶). پس البته کافران را عذاب سخت بچشانیم و البته ایشانرا بحسب بدترین آنچه می کردند جزا می دهیم (۲۷). این آتش جزای دشمنان خدا است ایشان را در آنجا منزل علی الدوام باشد به (کیفر) آنکه با آیات ما انکار میکردند سزادادیم (۲۸). و کافران گویند ای پروردگار ما ما را آن دو کس^(۷) که گمراه ساختند ما را از جنس جن و از جنس انس بنما تا آن هردو را زیر قدم های خود در آوریم تا پست و پامال شوند (۲۹).

(۵) یعنی از شیاطین و الله اعلم.

(۶) یعنی وسوسه انداختند که دنیا قابل رغبت است و آخرت قابل رغبت نیست و الله اعلم.

(۷) یعنی آن دو فریق.

إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَمُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ
 الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْبَشُروا بِالْجَنَّةِ
 الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ ﴿٣٠﴾ نَحْنُ أَوْلِيَآؤُكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا
 وَفِي الْآخِرَةِ وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَشْتَهَى أَنْفُسُكُمْ وَلَكُمْ
 فِيهَا مَا تَدْعُونَ ﴿٣١﴾ نَزَّلْنَا مِنْ غَفُورٍ رَحِيمٍ ﴿٣٢﴾ وَمَنْ أَحْسَنُ
 قَوْلًا مِمَّن دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ إِنَّنِي مِنَ
 الْمُسْلِمِينَ ﴿٣٣﴾ وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ
 بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ
 وَلِيٌّ حَمِيمٌ ﴿٣٤﴾ وَمَا يُلْقَاهَا إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَمَا يُلْقَاهَا
 إِلَّا الْأَذْوَحَطِّ عَظِيمٍ ﴿٣٥﴾ وَمَا يَنْزَعُكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْعٌ
 فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿٣٦﴾ وَمِنْ آيَاتِهِ
 اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ لَا تَسْجُدُوا لِلشَّمْسِ
 وَلَا لِلْقَمَرِ وَاسْجُدُوا لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَهُنَّ إِنْ كُنْتُمْ
 إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ ﴿٣٧﴾ فَإِنْ اسْتَكْبَرُوا فَالَّذِينَ عِنْدَ
 رَبِّكَ يُسَبِّحُونَ لَهُ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَهُمْ لَا يَسْأَمُونَ ﴿٣٨﴾



هر آئینه آنانکه گفتند پروردگار ما خداست باز قایم ماندند، فرشتگان^(۸) برایشان فرود می آیند که مترسید و اندوه مخورید و خوش حال شوید به بهشتی که وعده داده می شدید (۳۰). ما در زندگانی دنیا و در آخرت نیز دوستان شماییم و برای شما درینجا آنچه را که دلتان بخواهد هست و برایتان در آنجا آنچه را که درخواست کنید هست (۳۱). (به عنوان) مهمانی از جانب (خدای) آمرزگار مهربان (۳۲). و کیست نیکوتر باعتبار سخن از شخصی که دعوت کرد مردمان را به سوی خدا و کار شایسته انجام داد و گفت هر آئینه من از مسلمانانم (۳۳). و نیکی و بدی برابر نیست به شیوه ای که آن بهتر است پاسخ ده پس ناگاه آن کس که میان تو و میان وی دشمنی است گویا وی دوست خویشاوند است (۳۴). و به این شیوه نایل نمی شوند مگر آنانکه صبر کردند به این شیوه مگر صاحب نصیب بزرگ نایل نمی گردد (۳۵). و اگر ترا و سوسه باز گرداننده^۱ آمده از شیطان باز گرداند پس به خدا پناه بر هر آئینه خدا شنوای دانا است (۳۶). و شب و روز و خورشید و ماه از نشانه های اوست برای خورشید و هم برای ماه سجده نکنید و برای خدایی سجده کنید که این چیز هارا آفرید اگر شما هستید فقط او را عبادت می کنید (۳۷). پس اگر تکبر کنند کافران (چه باک) پس آنانکه نزدیک پروردگار تواند او را شب و روز به پاکی یاد می کنند و ایشان مانده نمی شوند (۳۸).

(۸) یعنی نزدیک موت.

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ تَرَى الْأَرْضَ خَاشِعَةً فَإِذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ
 اهْتَزَّتْ وَرَبَتْ إِنَّ الَّذِي أَحْيَاهَا الْمُحْيِي الْمَوْتِيُّ إِنَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ
 قَدِيرٌ ﴿٣٩﴾ إِنَّ الَّذِينَ يُدْحِدُونَ فِي آيَاتِنَا لَا يَخْفَوْنَ عَلَيْنَا أَفَمَنْ
 يُلْقَى فِي النَّارِ خَيْرٌ أَمْ مَنْ يَأْتِي آيَاتِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَلُوا مَا شِئْتُمْ
 إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿٤٠﴾ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالذِّكْرِ لَمَّا جَاءَهُمْ
 وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبٌ عَزِيزٌ ﴿٤١﴾ لَا يَأْتِيهِ الْبَطْلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ
 خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ ﴿٤٢﴾ مَا يُقَالُ لَكَ إِلَّا مَا قَدَّ قِيلَ
 لِلرُّسُلِ مِنْ قَبْلِكَ إِنَّ رَبَّكَ لَذُو مَغْفِرَةٍ وَذُو عِقَابٍ أَلِيمٍ
 ﴿٤٣﴾ وَلَوْ جَعَلْنَاهُ قُرْءَانًا أَعْجَمِيًّا لَقَالُوا لَوْلَا فُصِّلَتْ آيَاتُهُ
 ءَأَعْجَمِيٌّ وَعَرَبِيٌّ قُلْ هُوَ لِلَّذِينَ آمَنُوا هُدًى وَشِفَاءٌ وَالَّذِينَ
 لَا يُؤْمِنُونَ فِي آذَانِهِمْ وَقْرٌ وَهُوَ عَلَيْهِمْ عَمًى أُولَئِكَ
 يُنَادَوْنَ مِنْ مَكَانٍ بَعِيدٍ ﴿٤٤﴾ وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ
 فَأَخْتَلَفَ فِيهِ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَقُضِيَ
 بَيْنَهُمْ وَإِنَّهُمْ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مُرِيبٍ ﴿٤٥﴾ مَنْ عَمِلَ صَالِحًا
 فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ أَسَاءَ فَعَلَيْهَا وَمَا رَبُّكَ بِظَلَمٍ لِلْعَبِيدِ ﴿٤٦﴾

وازنشانه های او آنست که می بینی زمین را فرسوده پس وقتیکه بر سر آن آب را فرود آوردیم به جنبش آمد و بلند شد هر آئینه آنکه زمین را زنده کرده است البته زنده کنندهٔ مردگانست هر آئینه او بر همه چیز تواناست (۳۹). هر آئینه آنانکه در آیات ما کج روی میکنند بر ما پوشیده نیستند آیا کسی که در آتش انداخته شود بهتر است یا کسی که ایمن شده روز قیامت بیاید هر چه خواهید بکنید هر آئینه خدا به آنچه می کنید بیناست (۴۰). هر آئینه آنانکه به قرآن وقتیکه بدیشان آمد کافر شدند (پوشیده نیستند از ما) و بتحقیق آن کتابی گرامی قدر است (۴۱). به او باطل از پیش روی او وهم از پس پشت او راه نمی یابد از خدای دانای ستوده فرستاده شده است (۴۲). (با محمد) گفته نمی شود تو را مگر آنچه گفته شده بود به پیامبران پیش از تو هر آئینه پروردگارتو خداوند آمرزش است و خداوند عقوبت درد ناک است (۴۳). و اگر این کتاب را قرآنی بزبان عجم می کردیم هر آئینه می گفتند (کافران عرب) چرا آیات او واضح کرده نشد آیا قرآن عجمی است و مخاطب عربی !! بگو قرآن برای مسلمانان هدایت و شفاست و آنانکه ایمان نمی آورند در گوش های ایشان گرانی است و قرآن برایشان مایهٔ کوریست این جماعت (به مثل چنانند) که از جای دور آواز داده میشوند (۴۴). و هر آئینه موسی را کتاب دادیم پس در آن اختلاف کرده شد و اگر کلمهٔ تقدیر سابق صادر شده از پروردگارتو نبودى البته در میان ایشان فیصله کرده می شد و هر آئینه ایشان از قرآن در شك قوی اند (۴۵). هر که کار نیک انجام دهد پس برای نفع خودش و هر که بدکاری کند پس وبال برویست و پروردگارتو بر بندگان ستم کننده نیست (۴۶).

* إِلَيْهِ يُرَدُّ عِلْمُ السَّاعَةِ وَمَا تَخْرُجُ مِنْ ثَمَرَاتٍ مِنْ أَكْثَامِهَا
 وَمَا تَحْمِلُ مِنْ أُنْثَىٰ وَلَا تَضَعُ إِلَّا بِعِلْمِهِ ۗ وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ أَيْنَ
 شُرَكَاءِ ۖ قَالُوا أَدْذُنَا ذَنْكَ مَا مِنَّا مِنْ شَهِيدٍ ﴿٤٧﴾ وَصَلَّ عَنْهُمْ
 مَا كَانُوا يَدْعُونَ مِنْ قَبْلُ وَظَنُوا مَا لَهُمْ مِنْ مَّحِيصٍ ﴿٤٨﴾
 لَا يَسْمَعُ الْإِنْسَانُ مِنْ دُعَاءِ الْخَيْرِ وَإِنْ مَسَّهُ الشَّرُّ فَيَعْوَسُ
 فَنُوطٌ ﴿٤٩﴾ وَلَئِنْ أَذَقْنَاهُ رَحْمَةً مِنَّا مِنْ بَعْدِ ضَرَاءٍ مَسَّتْهُ
 لَيَقُولَنَّ هَذَا لِي وَمَا أَظُنُّ السَّاعَةَ قَائِمَةً وَلَئِنْ رُجِعْتُ إِلَىٰ
 رَبِّي إِنَّ لِي عِنْدَهُ لَلْحُسْنَىٰ فَلَنُنَبِّئَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِمَا عَمِلُوا
 وَلَنُدَيِّقَنَّهُمْ مِنْ عَذَابٍ غَلِيظٍ ﴿٥٠﴾ وَإِذَا أَعْمَنَّا عَلَى الْإِنْسَانِ
 آعْرَضَ وَنَأَىٰ بِجَانِبِهِ ۗ وَإِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ فَذُو دُعَاءٍ عَرِيضٍ
 ﴿٥١﴾ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كَانَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ ثُمَّ كَفَرْتُمْ بِهِ ۖ
 مَنْ أَضَلُّ مِمَّنْ هُوَ فِي شِقَاقِ بَعِيدٍ ﴿٥٢﴾ سَأزِيدُهُمْ آيَاتِنَا
 فِي الْأَفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ ۗ
 أَوَلَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ ﴿٥٣﴾ أَلَا إِنَّهُمْ
 فِي مَرِيَّةٍ مِنْ لِقَاءِ رَبِّهِمْ ۗ أَلَا إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ مُحِيطٌ ﴿٥٤﴾

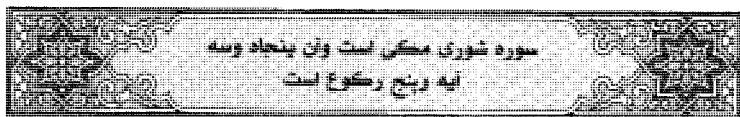
معرفت قیامت به سوی خدا حواله کرده میشود و بیرون نمی آید اجناس میوه ها از غلاف های خود و هیچ ماده درشکم بار نمی گیرد و بارشکم را نمی نهد مگر بدانست خدا و روزیکه خدا ایشان را آواز دهد که کجایند شریکان من؟ گویند تورا خبر دادیم که از ما هیچ کس گواهی دهنده شریکان (باتو) نیست (۴۷). و از نظر ایشان آنچه می پرستیدند پیش ازین گم شد و دریابند که ایشان را هیچ راه رهایی نیست (۴۸). آدمی از طلب خیر مانده نمی شود و اگر سختی برسدش پس ناامید طمع برنده است (۴۹). اگر او را بخشایشی از جانب خود بعد از سختی ای که رسیده باشد بوی بچشانیم البته گوید که این برای من است^(۹) و نمی پندارم که قیامت قائم شود و اگر بالفرض مرا به سوی پروردگار من باز گردانیده شود هر آئینه مرا نزدیک او حالت خوش باشد پس البته کافران را به آنچه میکردند خبردار می کنیم و البته ایشان را از عقوبت سخت بچشانیم (۵۰). و چون بر آدمی انعام کنیم روی بگرداند و پُرغرور دور شود و چون رنج برسدش پس صاحب دعای بسیار است (۵۱). بگو آیا دیدید که اگر قرآن از جانب خدا باشد باز به آن کافر شوید کیست گمراه تر از شخصی که در مخالفت دور از صواب باشد (۵۲). ایشان را نشانه های خود در اطراف عالم و در نفسهایشان نیز خواهیم نمایاند تا آنکه واضح شود برایشان که این سخن راست است آیا پروردگار تورا بس نیست آنکه او بر هر چیز آگاه است (۵۳). آگاه شو هر آئینه ایشان از ملاقات پروردگار خویش در شبه اند آگاه شو هر آئینه خدا به همه چیز احاطه دارد (۵۴).

(۹) یعنی خاطر جمع کند و خوف از دلی اوزایل شود والله اعلم.

سورة الشورى

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

١ حم ٢ عسق ٣ كذالك يُوحى إلیك والی الذین من قبلك
 الله العزیز الحكیم ٤ له ما فی السموات وما فی الأرض
 وهو العلی العظیم ٥ تكاد السموات یتفطرن من فوقهن
 والملائكة یسبحون بحمد ربهن ویستغفرون لمن فی
 الأرض إلا ان الله هو الغفور الرحیم ٦ والذین اتخذوا
 من دونه أولیاء الله حفیظ علیهم وما أنت علیهم بوكیل
 ٧ وكذلك أوحینا إلیك قرءانا عربیاً لتنذر أم القرى ومن
 حولها وتنذر یوم الجمع لا ریب فیہ فریق فی الجنة وفریق فی
 السعیر ٨ ولو شاء الله لجمعهم أمة واحدة ولكن یدخل من
 ٩ یشاء فی رحمته والظالمون ما لهم من ولی ولا نصیر ١٠ أم
 اتخذوا من دونه أولیاء فالله هو الولی وهو یحیی الموتى وهو
 على كل شیء قذیر ١١ وما اختلفتم فیہ من شیء فحكمه
 إلى الله ذلکم الله ربی علیه توكلت وإلیه أنیب ١٢



بنام خدای بخشاینده مهربان.

حَمِّ (۱). عَسَقَ (۲). همچنین خدای غالب باحکمت به سوی تو و به سوی کسانی که پیش از تو بودند وحی میفرستد (۳). آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است از آن خدا است و او بلند مرتبه بزرگ قدر است (۴). نزدیک است که آسمان ها از فرازشان بشگافند^(۱) و فرشتگان تسبیح میگویند به حمد پروردگار خویش و آمرزش طلب می کنند برای آنانکه در زمین اند آگاه شو هر آینه خدا او آمرزگار مهربان است (۵). کسانی که جز او دوستانی گرفته اند، خدا برایشان نگهبان است و تو برایشان متعهد نیستی (۶). و همچنین به سوی توفیق آن عربی را وحی فرستادیم تا اهل مکه را و آنان را که گردا گرد آن هستند بترسانی و از روز قیامت بترسانی که در آن هیچ شکی نیست گروهی در بهشت و گروهی در دوزخ باشند (۷). و اگر خدا می خواست ایشان را يك امت قرار می داد ولیکن هر کرا بخواهد در رحمت خود درمی آورد و ستمگاران هیچ یار و یاور برای آنها نیست (۸). آیا جز از خدا دوستان گرفته اند پس خداهمونسست کارساز و همون فقط مردگان را زنده میکند و او بر هر چیز تواناست (۹). و آنچه در آن اختلاف کردید هر چه باشد پس فیصله اش به خدا حواله می گردد این است خدا پروردگار من بر او توکل کردم به سوی او رجوع می کنم (۱۰).

(۱) یعنی از هیبت الهی و الله اعلم.

فَاطْرُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا
 وَمِنَ الْأَنْعَامِ أَزْوَاجًا يَذُرُّكُمْ فِيهِ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ
 السَّمِيعُ الْبَصِيرُ ﴿١١﴾ لَهُ مَقَالِيدُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ يَبْسُطُ
 الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿١٢﴾ * شَرَعَ
 لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا
 وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ
 وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ اللَّهُ
 يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ يُنِيبُ ﴿١٣﴾ وَمَا تَفَرَّقُوا
 إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَعْيًا بَيْنَهُمْ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ
 مِنْ رَبِّكَ إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى لَفَقَضَى بَيْنَهُمْ وَإِنَّ الَّذِينَ أُورِثُوا
 الْكُتُبَ مِنْ بَعْدِهِمْ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مُرِيبٍ ﴿١٤﴾ فَلِذَلِكَ
 فَادْعُ وَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ هُمْ وَقُلْ
 ءَامَنْتُ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ كِتَابٍ وَأُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمْ
 اللَّهُ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ لَنَا أَعْمَلْنَا وَلَكُمْ أَعْمَلَكُمْ لَا حُجَّةَ
 بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ اللَّهُ يَجْمَعُ بَيْنَنَا وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ ﴿١٥﴾

آفریننده^۱ آسمان ها و زمین است برای شما از جنس شما زنان را پیدا کرد و از جنس چهار پایان انواع گوناگون پیدا کرد شما را باین تدبیر پراکنده میکند مانند او (هیچ) چیزی نیست و او شنوای بی‌نا است (۱۱). و کلید های آسمان ها و زمین برای اوست روزی را برای هر کسی که بخواهد وسعت میدهد و برای هر کس که بخواهد تنگ میکند هر آئینه او بهر چیز دانا است (۱۲). مقرر کرد برای شما از آئین آنچه به اقامت آن نوح را امر کرده بود و آنچه به سوی تو وحی فرستادیم و آنچه به اقامت آن ابراهیم و موسی و عیسی را باین مضمون امر کردیم که دین را قائم کنید و در آن متفرق نشوید دشوار آمد بر مشرکان آنچه ایشان را بآن میخوانی، خدا هر که را بخواهد به سوی خود برمی‌گزیند و به سوی خود هر که را که رجوع میکند هدایت مینماید^(۲) (۱۳). و امتها پراکنده نشدند مگر بعد از آن که بدیشان علم و دانش آمد از روی حسد در بین آنها و اگر نمی بود سخنی که قبلاً از پرورد گارتو صادر شد که تا زمانی معین مهلت داده شوند البته میان ایشان فیصله کرده میشد و هر آئینه آنانکه ایشان را کتاب آسمانی بعد از انبیاء داده شد البته به شدت در آن شبهه و شك دارند (۱۴). پس به سوی دین دعوت کن و چنانچه امر شده ای پایدار باش و از خواهش های این کافران پیروی مکن و بگو به تمام آنچه فرود آورد خدا از هر کتاب که هست ایمان آوردم و امر شده ام که میان شما عدل و انصاف را جاری کنم خدا پروردگار ما است و پروردگار شماست عملهای ما برای ما است و عملهای شما برای شماست گفتگوی بی بین ما و شما نیست خدا بین ما و شما جمع می کند^(۳) و بازگشت به سوی اوست (۱۵).

(۲) یعنی به سوی حق، حاصل آن است که انبیاء علیهم السلام در اصول دین متفق اند و اختلافی شرعاً فقط در فروع است والله اعلم.

(۳) یعنی روز قیامت.

وَالَّذِينَ يَحْمِلُونَ فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا اسْتُجِيبَ لَهُ وَحُجَّتْ لَهُمْ
 دَاحِضَةٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ وَلَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ
 ﴿١٦﴾ اللَّهُ الَّذِي أَنْزَلَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ وَالْمِيزَانَ وَمَا يُدْرِيكَ
 لَعَلَّ السَّاعَةَ قَرِيبٌ ﴿١٧﴾ يَسْتَعْجِلُ بِهَا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ
 بِهَا وَالَّذِينَ ءَامَنُوا مُشْفِقُونَ مِنْهَا وَيَعْلَمُونَ أَنَّهَا الْحَقُّ
 أَلَا إِنَّ الَّذِينَ يُمَارُونَ فِي السَّاعَةِ لَفِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ ﴿١٨﴾
 اللَّهُ لَطِيفٌ بِعِبَادِهِ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْقَوِيُّ الْعَزِيزُ
 ﴿١٩﴾ مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ وَمَنْ
 كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ
 مِنْ نَصِيبٍ ﴿٢٠﴾ أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ شَرَعُوا لَهُمْ مِنَ الدِّينِ
 مَا لَمْ يَأْذَنْ بِهِ اللَّهُ وَلَوْلَا كَلِمَةُ الْفَصْلِ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ
 وَإِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٢١﴾ تَرَى الظَّالِمِينَ
 مُشْفِقِينَ مِمَّا كَسَبُوا وَهُوَ وَاقِعٌ بِهِمْ وَالَّذِينَ
 ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فِي رَوْضَاتِ الْجَنَّاتِ لَهُمْ
 مَا يَشَاءُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ ﴿٢٢﴾

وآنانکه در دین خدا بعد از آنکه قبول کرده شد فرمان او مجادله می کنند^(۴) مجادله ایشان نزد پروردگارشان باطل است و برایشان غضب و خشم است و برایشان عذاب سخت است (۱۶). خدا آنست که کتاب را به راستی و ترازو را نیز فرود آورد و چه چیز تو را بر حقیقت امر مطلع ساخت شاید که آمدن قیامت نزدیک باشد (۱۷). قیامت را زود طلب میکنند آنانکه به آن ایمان ندارند و آنانکه باورد داشته اند از آن ترسانند و میدانند که آن راست و حقیقت است آگاه شو هر آئینه آنانکه در آمدن قیامت مجادله می کنند هر آئینه در گمراهی دور هستند (۱۸). خدا بر بندگان خود مهربان است روزی میدهد هر که را خواهد و او توانای غالب است (۱۹). هر که خواسته باشد کشت آخرت را برای او در کشت او بیفزاییم و هر که کشت دنیا را خواسته باشد او را بعضی از دنیا بدهیم و او را در آخرت هیچ نصیبی نیست (۲۰). آیا کافران را شریکانی هستند که برای ایشان از دین مقرر کردند آنچه که خدا آن را نفرموده است و اگر وعده فیصله کردن نبودى البته میان ایشان فیصله کرده میشود هر آئینه ستمکاران برایشان عذاب درد ناک است (۲۱). بینی ستمکاران را ترسان از جزای آنچه به عمل آورده اند و آن البته رسنده است به ایشان و آنانکه ایمان آورده اند و کارهای شایسته کرده اند در بوستان ها و سبزه زارها باشند، ایشان را آنچه درخواست کنند نزد پروردگار خویش باشد این فضل بزرگ است (۲۲).

(۴) یعنی جمعی در اسلام داخل شدند و الله اعلم.

ذَلِكَ الَّذِي يُبَشِّرُ اللَّهَ عِبَادَهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
 قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ وَمَن يَقْتَرِفْ
 حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ ﴿٢٣﴾ أَمْ يَقُولُونَ
 أَفْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا فَإِن يَشَاءِ اللَّهُ يَخْتِمْ عَلَىٰ قَلْبِكَ وَيَمْحُ اللَّهُ
 الْبَاطِلَ وَيُحِقُّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ﴿٢٤﴾
 وَهُوَ الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَن عِبَادِهِ وَيَعْفُو عَنِ السَّيِّئَاتِ
 وَيَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ ﴿٢٥﴾ وَيَسْتَجِيبُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا
 الصَّالِحَاتِ وَيَزِيدُهُم مِّن فَضْلِهِ ؕ وَالْكَافِرُونَ لَهُمْ عَذَابٌ
 شَدِيدٌ ﴿٢٦﴾ * وَلَوْ بَسَطَ اللَّهُ الرِّزْقَ لِعِبَادِهِ لَبَغَوْا فِي الْأَرْضِ
 وَلَٰكِن يُنَزِّل بِقَدَرٍ مَّا يَشَاءُ إِنَّهُ بِعِبَادِهِ خَبِيرٌ بَصِيرٌ ﴿٢٧﴾ وَهُوَ
 الَّذِي يُنَزِّلُ الْغَيْثَ مَن بَعْدَ مَا قَنَطُوا وَيُنشِرُ رَحْمَتَهُ ؕ وَهُوَ الْوَلِيُّ الْحَمِيدُ
 ﴿٢٨﴾ وَمِن ءَايَاتِهِ خَلْقُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَثَّ فِيهِمَا مِن دَابَّةٍ
 وَهُوَ عَلَىٰ جَمْعِهِمْ إِذْ يَأْتِيهِمْ قَدِيرٌ ﴿٢٩﴾ وَمَا أَصَابَكُمْ مِّن مُّصِيبَةٍ فِيمَا
 كَسَبْتُمْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُوا عَن كَثِيرٍ ﴿٣٠﴾ وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ
 فِي الْأَرْضِ وَمَا لَكُم مِّن دُونِ اللَّهِ مِن وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ ﴿٣١﴾

این آن ثواب است که خدا به آن بندگان خود را که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته کرده‌اند مرده می‌دهد بگو از شما برتبلیغ قرآن هیچ مزدی نمی‌طلبم لیکن باید که دوستی در میان خویشاوندان پیش گیرید^(۵) و هر که نیکی بکند برای اودرآن پاداش نیکی می‌افزایم هرآئینه خدا آمرزگار قدرشناس است (۲۳). آیا میگویند پیامبر بر خدا دروغ را افترا کرده است پس اگر خدا خواهد بر دل تو مهنهد و خدا بیهوده را نابود می‌سازد و دین درست را به سخن های خود اثبات می‌کند هرآئینه خدا به آنچه در سینه‌هاست داناست (۲۴). و اوست آنکه توبه را از بندگان خود قبول میکند و از جرمها درمی‌گذرد و آنچه را که می‌کنید میدانند (۲۵). و دعای کسانی را که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته کرده‌اند قبول می‌کند و ایشان را از فضل خود زیاده می‌دهد و کافران برای ایشان عذاب سخت است (۲۶). و اگر خدا روزی را بر بندگانش فراخ می‌گرداند البته در زمین فساد می‌کردند ولیکن به اندازه آنچه می‌خواهد فرودمی‌آورد هرآئینه خدابه بندگان خود دانای بیناست (۲۷). و اوست آنکه باران را بعد از آنکه ناامید شدند فرود می‌آورد و رحمت خود را پراکنده می‌سازد و او کارساز ستوده کار است (۲۸). و از نشانه های او آفریدن آسمان ها و زمین است و آفریدن آنچه در این هر دو از جانوران پراکنده کرده است و او بر جمع آوری ایشان و قتیکه بخواید تواناست (۲۹). و هر چه بشما از مصیبت ها برسد پس از دست آورد خودتان است و از بسیاری درمی‌گذرد (۳۰). و شما در زمین عاجز کننده نیستید و برایتان جز خدا هیچ کارسازی و نصرت دهنده ای نیست (۳۱).

(۵) یعنی بامن صله^۵ رحمی کنید و ایذائرسازانید.

وَمِنْ آيَاتِهِ الْجَوَارِ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَمِ ﴿٣٢﴾ إِنَّ يَشَاءُ سَكِنَ الرِّيحِ
 فَيَظْلَنَ رَوَاكِدَ عَلَى ظَهْرِهِ ؕ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ
 ﴿٣٣﴾ أَوْ يُوقِنُ أَنَّ مَا كَسَبُوا وَيَعْفُ عَنْ كَثِيرٍ ﴿٣٤﴾ وَيَعْلَمَ الَّذِينَ
 يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِنَا مَا لَهُمْ مِنْ مَّحِيصٍ ﴿٣٥﴾ فَمَا أُوتِيتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَمَتَّعْ
 الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَمَاعِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَى لِلَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَلَى رَبِّهِمْ
 يَتَوَكَّلُونَ ﴿٣٦﴾ وَالَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبِيرَ الْإِثْمِ وَالْفَوَاحِشَ وَإِذَا مَا
 غَضِبُوا هُمْ يَغْفِرُونَ ﴿٣٧﴾ وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ
 وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ ﴿٣٨﴾ وَالَّذِينَ إِذَا أَصَابَهُمُ
 الْبَغْيُ هُمْ يَنْتَصِرُونَ ﴿٣٩﴾ وَجَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِثْلُهَا فَمَنْ عَفَا
 وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ ﴿٤٠﴾ وَلَمَنِ أَنْتَصَرَ
 بَعْدَ ظُلْمِهِ فَأُولَئِكَ مَا عَلَيْهِمْ مِنْ سَبِيلٍ ﴿٤١﴾ إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى
 الَّذِينَ يَظْلِمُونَ النَّاسَ وَيَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ أُولَئِكَ
 لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٤٢﴾ وَلَمَنِ صَبَرَ وَعَفَرَ إِنَّ ذَلِكَ لَمِنْ عَزْمِ
 الْأُمُورِ ﴿٤٣﴾ وَمَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ وَلِيٍّ مَنْ بَعَدَهُ وَتَرَى
 الظَّالِمِينَ لَمَّا رَأَوْا الْعَذَابَ يَقُولُونَ هَلْ إِلَىٰ مَرَدٍّ مِنْ سَبِيلٍ ﴿٤٤﴾

وازنشانه های او کشتی های مانند کوه ها درد ریا روان است (۳۲). اگر خواهد باد را باز می دارد پس کشتی ها بر پشت دریا ایستاده شود هر آئینه درین امر برای هر صبر کننده^۶ شکر گزارنده نشانه هاست (۳۳). یا اگر خواهد اهل کشتی هارا هلاک کند بسبب آنچه کردند واز بسیار تقصیرات در میگذرد (۳۴). (تا انتقام کشد از ایشان) و تا آنانکه خصومت می کنند در آیات ما بدانند که ایشان راهیچ جای فرار (از عذاب) نیست (۳۵). پس هر آنچه که به شما داده شده است بهره زنده گانی دنیا است و آنچه نزد خداست برای کسانی که ایمان آورده اند و بر پروردگار خود توکل می کنند بهتر و ماندگارتر است (۳۶). کسانی که از گناهان کبیره و از زشت کاریها پرهیز می کنند و چون ایشان خشمگین شوند گذشت می کنند (۳۷). و آنانکه فرمان پروردگار خود را قبول کردند و نماز را برپاداشتند و کار ایشان بایکدیگر از سر مشورت باشد و از آنچه ایشان را روزی دادیم خرج می کنند (۳۸). و آنانکه چون تجاوزی به ایشان برسد، ایشان انتقام می کشند^(۶) (۳۹). و سزای بدی بدی ای مانند آن است پس هر کسی که درگذرد و قضیه رابه صلاح آورد پس پاداش او بر خداست هر آئینه خدا ظالمان را دوست نمی دارد (۴۰). و هر آئینه کسی که انتقام گیرد بعد مظلوم شدن خود پس آن جماعت را برایشان هیچ راه ملامت نیست (۴۱). جز این نیست که راه ملامت بر آن جماعت است که بر مردمان ظلم می کنند و در زمین به ناحق فساد می طلبند آن جماعت بر ایشان عذاب درد ناک است (۴۲). و هر که صبر کند و بیامرزد هر آئینه این صفت^(۷) از کارهای مقصود است (۴۳). و هر که را خدا گمراه کند پس او راهیچ کار سازی بعد از وی نیست ستمکاران چون عذاب را معاینه کنند ببینی می گویند آیا به سوی بازگشت هیچ راهی هست (۴۴).

(۶) مترجم گوید یعنی اگر بر ضعیفی ظالم تعدی کند بزرگان قبیله متفق شوند و انتقام گیرند و الله اعلم.

(۷) مترجم گوید مغفرت در حق خود عزیمت است و انتقام رخصت و در حق ضعیفاء قوم انتقام لازم است مگر آن که ضعیفاء درگذرند و الله اعلم.

وَتَرْهَهُمْ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا خَشِيعَاتٍ مِنَ الذَّلِيلِ يَنْظُرُونَ
 مِنْ طَرْفٍ خَفِيٍّ وَقَالَ الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّ الْآخِصِرِينَ الَّذِينَ
 خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ وَأَهْلِيهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلَا إِنَّ الظَّالِمِينَ
 فِي عَذَابٍ مُّقِيمٍ ﴿٤٥﴾ وَمَا كَانَ لَهُمْ مِنْ أَوْلِيَاءَ يَنْصُرُونَهُمْ
 مِنْ دُونِ اللَّهِ وَمَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ سَبِيلٍ ﴿٤٦﴾ اَسْتَجِيبُوا
 لِرَبِّكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا مَرَدَّ لَهُ، مِنَ اللَّهِ مَا لَكُمْ
 مِنْ مَلْجَأٍ يَوْمَئِذٍ وَمَا لَكُمْ مِنْ نَكِيرٍ ﴿٤٧﴾ فَإِنِ اعْرَضُوا
 فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا إِذْ أَلْبَغُوا وَإِنَّا إِذَا
 أَذَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنَّا رَحْمَةً فَفَرِحَ بِهَا وَإِن تُصِيبَهُمْ سَيِّئَةٌ
 بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ فَإِنَّ الْإِنْسَانَ كَفُورٌ ﴿٤٨﴾ لِلَّهِ مُلْكُ
 السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ يَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ إِنثًا
 وَيَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ الذُّكُورَ ﴿٤٩﴾ أَوْ يُزَوِّجُهُمْ ذُكْرَانًا وَإِنثًا
 وَيَجْعَلُ مَنْ يَشَاءُ عَقِيمًا إِنَّهُ عَلِيمٌ قَدِيرٌ ﴿٥٠﴾ * وَمَا كَانَ
 لِبَشَرٍ أَنْ يُكَلِّمَهُ اللَّهُ إِلَّا وَحْيًا أَوْ مِنْ وَرَائِ حِجَابٍ أَوْ يُرْسِلَ
 رَسُولًا فَيُوحِيَ بِإِذْنِهِ مَا يَشَاءُ إِنَّهُ عَلَىٰ حَكِيمٍ ﴿٥١﴾

وایشان را ببینی پیش آورده شوند نزدیکِ دوزخ متواضع شده از خواری به گوشهٔ چشم نیم کشاده می‌نگرند و گفتند اهل ایمان هرآئینه زیان کاران کسانی هستند که خویشتن را و خویشتانوندانِ خود را روز قیامت زیان دادند آگاه شو هرآئینه ستمکاران در عذاب دایم باشند (۴۵). و ایشان را کارسازان که ایشان را نصرت دهند بجز خدا نباشد و هر که را خدا همراه کند پس هیچ راه (نجاتی) برای او نیست (۴۶). فرمان پروردگار خود را قبول کنید پیش از آنکه بیاید روزیکه آن را از جانب خدا بازگشت نیست آن روز شمار هیچ پناهگاهی نیست و برای شما هیچ بازخواست کننده ای نیست (۴۷). پس اگر روی بگرداند پس تورا برایشان نگهبان نفرستاده ایم، بر تو جز رسانیدن (پیام الهی) نیست و هرآئینه ما چون آدمی را از جانب خود رحمتی بچشانیم به آن شادمان شود و اگر به آدمیان مصیبتی برسد بسبب آن است که دست های ایشان فرستاده است پس هرآئینه آدمی ناسپاس است (۴۸). پادشاهی آسمان ها و زمین از آن خدا است هر چه می خواهد می آفریند، عطا می کند دختران هر که را خواهد و پسران عطا می کند هر که را خواهد (۴۹). یا برای ایشان پسران و دختران را جمع می کند و هر که را خواهد نازا میسازد هرآئینه اودانای توانا است (۵۰). و هیچ آدمی را ممکن نیست که خدا با او سخن گوید مگر با شارت یا از پس پرده یا فرشته را بفرستد پس نازل کند بحکم خدا آنچه خدا خواسته است هرآئینه خدا بلند مرتبهٔ باحکمت است^(۸) (۵۱).

(۸) مترجم گوید اشارت: و این عبارت از دیدن خواب است و از القای علم در خاطر بطریق الهام و از پس پرده عبارت از آن است که آواز شنود و کسی را نبیند و قسم ثالث آنست که فرشته بصورت آدمی متمثل شود و سخن گوید و الله اعلم.

وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحًا مِّنْ أَمْرِنَا مَا كُنتَ تَدْرِي مَا الْكِتَابُ
 وَلَا الْإِيمَانُ وَلَٰكِن جَعَلْنَاهُ نُورًا نَّهْدِي بِهِ مَن نَّشَاءُ مِنْ عِبَادِنَا
 وَإِنَّكَ لَتَهْدَى إِلَى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ ﴿٥٣﴾ صِرَاطِ اللَّهِ الَّذِي لَهُ
 مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ۗ أَلَا إِلَى اللَّهِ تَصِيرُ الْأُمُورُ ﴿٥٤﴾

سورة الزخرف

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حَمَّ ﴿١﴾ وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ ﴿٢﴾ إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْءَانًا عَرَبِيًّا
 لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴿٣﴾ وَإِنَّا فِي أَمْرِ الْكِتَابِ لَدِينَا
 لَعَلِي حَكِيمٌ ﴿٤﴾ أَفَضْرِبُ عَنْكُمُ الذِّكْرَ صَفْحًا
 أَن كُنْتُمْ قَوْمًا مُّسْرِفِينَ ﴿٥﴾ وَكَمْ أَرْسَلْنَا مِنْ نَّبِيِّ فِي
 الْأَوَّلِينَ ﴿٦﴾ وَمَا يَأْتِيهِمْ مِنْ نَّبِيِّ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ
 ﴿٧﴾ فَأَهْلَكْنَا أَشَدَّ مِنْهُمْ بَطْشًا وَمَضَىٰ مِثْلُ الْأَوَّلِينَ
 ﴿٨﴾ وَلَٰئِن سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ
 خَلَقَهُنَّ الْعَزِيزُ الْعَلِيمُ ﴿٩﴾ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ
 مَهْدًا وَجَعَلَ لَكُم فِيهَا سُبُلًا لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ﴿١٠﴾

و همچنین به سوی تو قرآن را از کلام خود وحی فرستادیم تو نمیدانستی که چیست کتاب و نمیدانستی که چیست ایمان و لیکن وحی را روشنی ساخته ایم به آن هر که را میخواستیم از بندگان خویش راه می نماییم و هر آئینه تو به سوی راه راست هدایت می کنی (۵۲). راه خدایی که آنچه در آسمان هاست و آنچه در زمین است از آن اوست آگاه شو که کارها به سوی خدا باز میروند (۵۳).



بنام خدای بخشاینده مهربان.

حَمَّ (۱). قسم به کتاب واضح (۲). به یقین که ما این کتاب را قرآن عربی گردانیدیم باشد که شما بفهمید (۳). و هر آئینه این کتاب در لوح محفوظ نزد ما ثبت است به درستی که این کتاب بلند قدر و با حکمت است (۴)^(۱). آیا از شما اعراض کرده پند را باز داریم برای آن که گروهی از حد رفته هستید (۵). و در پیشینیان بسیار پیامبران را فرستادیم (۶). و به ایشان هیچ پیامبری نمی آمد الا به او استهزا میکردند (۷). پس شدیدتر از قریش را (۲)^(۲) به جرم سرکشی هلاک کردیم و داستان نخستینان مذکور شد (۸). و اگر از ایشان سوال کنی که چه کس آسمان ها و زمین را بیافرید البته گویند که آنها را خدای غالب دانا بیافرید (۹). وی آنست که برای شما زمین را بستری ساخت و برای شما در زمین راه ها قرارداد تا باشد که شماره یابید (۱۰).

(۱) مترجم گوید قسم خوردن به چیزی برای اثبات همان چیز یا لازم آن چیز کنایت است بآنکه آنچه خود دلیل خود است چنانکه گویند «قسم بلب میگون تو وزلف شبگون تو که تو معشوق دلربائی» والله اعلم.
(۲) یعنی عاد و ثمود که از قریش قوی تر بودند.

وَالَّذِي نَزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ فَأَلْشَرْنَا بِهِ بَلْدَةً مَّيْمَنًا
 كَذَلِكَ نُخْرِجُونَ ﴿١١﴾ وَالَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا وَجَعَلَ
 لَكُمْ مِنَ الْفُلْكِ وَالْأَنْعَامِ مَا تَرْكَبُونَ ﴿١٢﴾ لِيَسْتَوُوا عَلَى ظُهُورِهِ
 ثُمَّ تَذْكُرُوا نِعْمَةَ رَبِّكُمْ إِذَا اسْتَوَيْتُمْ عَلَيْهِ وَتَقُولُوا سُبْحَانَ
 الَّذِي سَخَّرْنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ ﴿١٣﴾ وَإِنَّا إِلَى رَبِّنَا
 لَمُنْقَلِبُونَ ﴿١٤﴾ وَجَعَلُوا آلَهُ مِنْ عِبَادِهِ جُزْءًا إِنَّ الْإِنْسَانَ
 لَكَفُورٌ مُبِينٌ ﴿١٥﴾ أَمْ لَتَّخَذَ مِمَّا يَخْلُقُ بَنَاتٍ وَأَصْفَادَكُمْ
 بِالْبَنِينَ ﴿١٦﴾ وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُمْ بِمَا ضَرَبَ لِلرَّحْمَنِ مَثَلًا
 ضَلَّ وَجْهَهُ، مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ ﴿١٧﴾ أَوْ مَنْ يَدُّشُّوْا فِي
 الْحِلْيَةِ وَهُوَ فِي الْخِصَامِ غَيْرُ مُبِينٍ ﴿١٨﴾ وَجَعَلُوا الْمَلَائِكَةَ
 الَّذِينَ هُمْ عِبَادُ الرَّحْمَنِ إِنثًا أَشْهَدُوا خَلْقَهُمْ سَتُكْتَبُ
 شَهَادَتُهُمْ وَيُسْأَلُونَ ﴿١٩﴾ وَقَالُوا لَوْ شَاءَ الرَّحْمَنُ مَا عَبَدْنَاكُمْ
 مَّا لَكُمْ بِذَلِكَ مِنْ عِلْمٍ إِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ ﴿٢٠﴾ أَمْ آتَيْنَاهُمْ
 كِتَابًا مِنْ قَبْلِهِ فَهُمْ بِهِ مُسْتَمْسِكُونَ ﴿٢١﴾ بَلْ قَالُوا إِنَّا
 وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَرِهِمْ مُهُتَدُونَ ﴿٢٢﴾

ووی آنست که از آسمان آبی را باندازه فرود آورد پس به آن سرزمین مُرده را زنده کردیم همچنین برآورده خواهید شد^(۳) (۱۱). ووی آنست که تمام اقسام حیوانات را بیافرید و برای شما از کشتی ها و از چهارپایان چیزی را که بر آن سوار می شوید ساخت (۱۲). تاراست بر پشت های مرکوب بنشینید سپس نعمت پروردگار خود را وقتی که راست نشستید بر آن یاد کنید و بگویید پاکست آن ذاتی که برای ما این مرکوب را مسخر ساخت و ما بر آن توانا نبودیم (۱۳). وهر آئینه ما به سوی پروردگار خویش رجوع کنندگانیم (۱۴). و برای خدا از بندگان او اولاد قرار دادند هر آئینه آدمی ناسپاس ظاهر است (۱۵). آیا خدا از مخلوقات خود دختران را فرا گرفت و شمارا به پسران برگزیده است (۱۶). و چون یکی از ایشان بتولد آنچه برای رحمن مثل ساخته است مژده داده شود^(۴) روی اوسیاه گردد و او غمگین باشد (۱۷). آیا آنرا که در زیور پرورده می شود او در صَفِ خصومت و دشمنی ظاهر نمی گردد (۱۸). و فرشتگان را که آنان بندگان رحمن اند زن ها قرار دادند آیا هنگام آفرینش ایشان حاضر بودند این گواهی ایشان نوشته خواهد شد و پرسیده خواهند شد (۱۹). و گفتند (کافران) اگر رحمن می خواست این فرشتگان را پرستش نمیکردیم ایشان را باین ادعا دانش نیست، ایشان مگردوغ گو نیستند (۲۰). آیا ایشانرا کتابی پیش از قرآن داده ایم پس ایشان بآن کتاب چنگ زنده اند (هرگز نه) (۲۱). بلکه گفتند هر آئینه ما پدران خود را بردینی یافتیم و هر آئینه ما بر بی (اتباع) ایشان راه یافتگانیم (۲۲).

(۳) یعنی از قبور.

(۴) یعنی به تولد دختری والله اعلم.

وَكَذَلِكَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي قَرْيَةٍ مِّنْ نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا
 إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَرِهِمْ مُّقْتَدُونَ ﴿٦٣﴾
 * قُلْ أَوْ لَوْ جِئْتُكُمْ بِأَهْدَىٰ مِمَّا وَجَدْتُمْ عَلَيْهِ ءَابَاءَكُمْ
 قَالُوا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ ﴿٦٤﴾ فَانْتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَأَنْظُرْ
 كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ ﴿٦٥﴾ وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ
 إِنَّنِي بَرَاءٌ مِّمَّا تَعْبُدُونَ ﴿٦٦﴾ إِلَّا الَّذِي فَطَرَنِي فَإِنَّهُ سَيَهْدِينِ
 ﴿٦٧﴾ وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقْبِهِ ۖ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ﴿٦٨﴾ بَلْ
 مَتَّعْتُ هَؤُلَاءِ ۖ وَءَابَاءَهُمْ حَتَّىٰ جَاءَهُمُ الْحَقُّ وَرَسُولٌ مُّبِينٌ ﴿٦٩﴾
 وَلَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ وَإِنَّا بِهِ كَافِرُونَ ﴿٧٠﴾ وَقَالُوا
 لَوْلَا نُزِّلَ هَذَا الْقُرْآنُ عَلَىٰ رَجُلٍ مِّنَ الْقَرْيَتَيْنِ عَظِيمٍ ﴿٧١﴾ أَهَمْ
 يَقْسِمُونَ رَحْمَتَ رَبِّكَ ۖ نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَّعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ
 الدُّنْيَا ۖ وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِّيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ
 بَعْضًا سَخِرِيًّا ۖ وَرَحْمَتُ رَبِّكَ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ ﴿٧٢﴾ وَلَوْلَا
 أَنْ يَكُونَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً لَّجَعَلْنَا لِمَنْ يَكْفُرُ بِالرَّحْمَنِ
 لِبُيُوتِهِمْ سُقْفًا مِّنْ فِضَّةٍ وَمَعَارِجَ عَلَيْهَا يَظْهَرُونَ ﴿٧٣﴾

و همچنین پیش از تودر هیچ دهی ترساننده ای را نفرستادیم مگر گفتند منعمان آن ده هر آئینه ما پدران خود را بردینی یافتیم و هر آئینه ما برپی ایشان متابعت کنندگانیم (۲۳). گفت (پیامبر) آیا متابعت پدران مینمایید اگر چه آورده باشم برایتان دینی که زیاده ترراه نماینده است از آنچه بر آن پدران خود را یافتید گفتند هر آئینه ما به آنچه فرستاده شدید به آن، کافر هستیم (۲۴). پس از ایشان انتقام گرفتیم پس درنگر چگونه بود عاقبت تکذیب کنندگان (۲۵). و یادکن چون ابراهیم به پدر خود و قوم خود گفت هر آئینه من بیزارم از آنچه شما پرستش می کنید (۲۶). الا آن کسی که مرا بیافرید پس هر آئینه او مرا هدایت خواهد کرد (۲۷). و خدای تعالی کلمه توحید را سخنی باقی مانده در فرزندان او قرارداد تاباشد که کافران رجوع کنند^(۵) (۲۸). بلکه ایشان را و پدران ایشان را بهره مند ساختم تا وقتیکه بدیشان دین راست و پیامبر ظاهر آمد (۲۹). و آنگاه که بدیشان دین راست آمد گفتند این جادوی است و هر آئینه ما بدان کافر هستیم (۳۰). و گفتند چرا این قرآن بر مردی بزرگ از اهل این دوده فرو فرستاده نشد^(۶) (۳۱). آیا ایشان رحمت پروردگار تو را قسمت می کنند ما میان ایشان زیستمایه ایشان را درزند گانی دنیا قسمت کرده ایم و بعض ایشان را بر بعضی بلند مرتبه ساختیم تا که بعض ایشان بعضی را خدمتگزار گیرد^(۷) و رحمت پروردگار تو بهتر است از آنچه جمع میکنند (۳۲). و اگر احتمال آن نمی بود که مردمان همه یک امت میشوند البته برای خانه های کسانی که به خدا رحمان کفر می ورزند، سیمین سقهایبی قرار می دادیم و (نیز) نردبانهایی که بر آن بالا بروند (۳۳).

(۵) یعنی انبیاء و اولیا در اولاد حضرت ابراهیم علیه السلام پیداشدند.

(۶) یعنی بر یکی از ثروتمندان مکه و طائف والله اعلم.

(۷) یعنی بچشم حقارت نباید ننگرد والله اعلم.

وَبُيُوتِهِمْ أَبْوَابًا وَسُرَرًا عَلَيْهَا يَتَكَبَّرُونَ ﴿٢٤﴾ وَزُخْرُفًا وَإِنْ
 كُلُّ ذَلِكَ لَمَّا مَتَّعَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ عِنْدَ رَبِّكَ
 لِلْمُتَّقِينَ ﴿٢٥﴾ وَمَنْ يَعِشْ عَنْ ذِكْرِ الرَّحْمَنِ نُقِضْ لَهُ شَيْطَانًا
 فَهُوَ لَهُ وَقِيرٌ ﴿٢٦﴾ وَإِنَّهُمْ لَيَصُدُّونَهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَيَحْسَبُونَ
 أَنَّهُمْ مُهْتَدُونَ ﴿٢٧﴾ حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ نَا قَالِ يَلَيْتَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ
 بُعْدَ الْمَشْرِقَيْنِ فَبِئْسَ الْقَرِينُ ﴿٢٨﴾ وَلَنْ يَنْفَعَكُمُ الْيَوْمَ
 إِذْ ظَلَمْتُمْ أَنَّكُمْ فِي الْعَذَابِ مُشْتَرِكُونَ ﴿٢٩﴾ أَفَأَنْتَ تَسْمِعُ
 الْأُصْمَ أَوْ تَهْدِي الْأَعْمَىٰ وَمَنْ كَانَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿٣٠﴾ فِيمَا
 نَذَهَبَنَّ بِكَ فَإِنَّا مِنْهُمْ مُنْتَقِمُونَ ﴿٣١﴾ أَوْ نُرِيَنَّكَ الَّذِي
 وَعَدْنَاهُمْ فَإِنَّا عَلَيْهِمْ مُّقْتَدِرُونَ ﴿٣٢﴾ فَاسْتَمْسِكْ بِالَّذِي أُوحِيَ
 إِلَيْكَ إِنَّكَ عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿٣٣﴾ وَإِنَّهُ لَذِكْرٌ لَكَ وَلِقَوْمِكَ
 وَسَوْفَ تُسْأَلُونَ ﴿٣٤﴾ وَسَأَلَ مَنْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رُسُلِنَا
 أَجَعَلْنَا مِنْ دُونِ الرَّحْمَنِ إلهةً يُعْبَدُونَ ﴿٣٥﴾ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا
 مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ فَقَالَ إِنِّي رَسُولُ رَبِّ
 الْعَالَمِينَ ﴿٣٦﴾ فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِآيَاتِنَا إِذَا هُمْ مِنْهَا يَضْحَكُونَ ﴿٣٧﴾

و برای خانه های ایشان نیز دروازه هایی از نقره و تخت هایی که بر آن تکیه زده بنشینند (۳۴). و تجمل بسیار ساختیم، نیست همه این مگر اندک بهره مندی زندگانی دنیا، و آخرت نزد پروردگارتو برای متقیان است (۳۵). و هر که از یاد رحمن غافل شود برگماریم برای او شیطانی پس آن شیطان او را همنشین بُود (۳۶). و هر آئینه شیاطین آدمیان را از راه باز میدارند و آدمیان می پندارند که ایشان راه یافتگانند (۳۷). تا آنوقت که چون آدمی پیش ما بیاید با شیطان خود گوید ای کاش در میان من و در میان تو مسافت مشرق و مغرب بودی پس تو بدهمنشینی هستی (۳۸). و (گوییم) شمارا امروز سود ندهد از بس که ستم کرده اید آنکه شما در عذاب با هم شریک باشید (۳۹). (یا محمد) آیا تو میتوانی شنواییدن کران را یا راه میتوانی نمودن کوران را و آن کس را که در گمراهی ظاهراست (۴۰). پس اگر ازین عالم تورا ببریم پس البته ما ازین جماعت انتقام گیرندگانیم (۴۱). یا اینست که تورا بنماییم آنچه به ایشان وعده دادیم پس هر آئینه ما برایشان تواناییم (۴۲). پس به آنچه وحی فرستاده شد به سوی تو چنگ زن هر آئینه تو براه راستی (۴۳). و هر آئینه قرآن برای تو و برای قوم تو پنداست و شماسوال کرده خواهی شد (۴۴). و پیرس احوال آنان را که فرستاده بودیم پیش از تو از پیامبران خود آیا قرارداده بودیم معبودانی دیگر غیر از خدا که آنها را پرستش کرده شود (۴۵). بدرستی که موسی را به نشانه های خود به سوی فرعون و اشراف قوم او فرستادیم پس گفت هر آئینه من پیامبر پروردگار عالمهایم (۴۶). پس آن هنگام که به ایشان بانسانه های ما آمد ناگهان به آن نشانه ها می خندیدند (۴۷).

وَمَا نُرِيهِمْ مِّنْ آيَةٍ إِلَّا هِيَ أَكْبَرُ مِنْ أُخْتِهَا وَأَخَذْنَاهُمْ
 بِالْعَذَابِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ﴿٤٨﴾ وَقَالُوا يَا أَيُّهَ السَّاحِرِ ادْعُ لَنَا
 رَبَّكَ بِمَا عَهِدَ عِنْدَكَ إِنَّا لَمُهْتَدُونَ ﴿٤٩﴾ فَلَمَّا كَشَفْنَا
 عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِذَا هُمْ يَنْكُتُونَ ﴿٥٠﴾ وَنَادَى فِرْعَوْنُ فِي قَوْمِهِ
 قَالَ يَا قَوْمِ أَوَلَا يَأْتِيكُمُ الْيَقِينُ لِيَئِن مَّرِسَ لِي مَلِكٌ مِّصْرَ وَهَذِهِ
 الْأَنْهَارُ تَجْرِي مِن تَحْتِي أَفَلَا تَبْصُرُونَ ﴿٥١﴾ أَمْ أَنَا خَيْرٌ مِّنْ هَذَا الَّذِي
 هُوَ مَهِينٌ وَلَا يَكَادُ بَيْنُ ﴿٥٢﴾ فَلَوْلَا أَلْقَى عَلَيْهِ أَسْوِرَةٌ مِّنْ ذَهَبٍ
 أَوْجَاءَ مَعَهُ الْمَلَأَتْ بِهَا قُلُوبَهُمْ قَوْمَهُ فَاسْتَخَفَّ قَوْمَهُ
 فَطَاعُوهُ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ ﴿٥٤﴾ فَلَمَّا آسَفُونَا
 انْتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَأَغْرَقْنَاهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٥٥﴾ فَجَعَلْنَاهُمْ
 سَلَفًا وَمَثَلًا لِّلْآخِرِينَ ﴿٥٦﴾ * وَلَمَّا ضُرِبَ ابْنُ مَرْيَمَ مَثَلًا
 إِذَا قَوْمُكَ مِنْهُ يَصِدُّونَ ﴿٥٧﴾ وَقَالُوا يَا هَيْتَا خَيْرٌ أَمْ
 هُوَ مَا ضَرَبُوهُ لَكَ إِلَّا جَدَلًا بَلْ هُمْ قَوْمٌ خَصِمُونَ ﴿٥٨﴾ إِنْ هُوَ
 إِلَّا عَبْدٌ أَنْعَمْنَا عَلَيْهِ وَجَعَلْنَاهُ مَثَلًا لِّبَنِي إِسْرَائِيلَ ﴿٥٩﴾
 وَلَوْ نَشَاءُ لَجَعَلْنَا مِنْكُمْ مَلَائِكَةً فِي الْأَرْضِ يَخْلُقُونَ ﴿٦٠﴾

و به ایشان هیچ نشانه ای نمی نمودیم مگر وی بزرگ تریود ازقرین خود وایشانرا به عقوبت گرفتار کردیم باشد که ایشان رجوع کنند (۴۸). وگفتند ای جادوگر برای ماپروردگار خود را به عهدی که با تودارد دعاکن هرآئینه ماراه یافتگانیم^(۸) (۴۹). پس آنهنگام که ازایشان عقوبت را دورکردیم ناگهان ایشان عهد می شکندند (۵۰). وفرعون درمیان قوم خود آواز داد گفت ای قوم من آیا پادشاهی مصر و این جویها که میروند از زیر قصر من از آن من نیست آیا نمی بینید؟ (۵۱). (نه) بلکه من بهترم ازین شخص که وی خوارست ونزدیک نیست که سخن واضح گوید^(۹) (۵۲). پس چرا فرود آورده نشد برین شخص دست بندهایی از زر یا چرا همراه اوفرشتگان مجتمع شده نیامدند (۵۳). پس قوم خود را بی عقل کرد پس فرمان اورا قبول کردند هر آئینه ایشان گروه فاسق بودند (۵۴). پس آن هنگام که مارا بخشم آوردند ازایشان انتقام گرفتیم پس همگی ایشان را غرق ساختیم (۵۵). پس ایشانرا داستانی برای آیندگان قرار دادیم (۵۶). و آنگاه^(۱۰) که داستان به پسر مریم زده شد ناگهان قوم توازین داستان (به ریشخند) آواز بلند می کنند (۵۷). وگفتند آیا معبودان مابهنترند یا عیسی، آن مثل را برای تو جز به جدال نزدند بلکه ایشان قومی خصومت کننده اند (۵۸). نیست عیسی مگر بنده ای که بروی انعام کرده ایم واورا برای بنی اسرائیل نشانه ای قرار دادیم (۵۹). واگرمیخواستیم البته قرارمی دادیم به جای شما فرشتگان را که در زمین خلیفه شوند (۶۰).

(۸) یعنی مسلمان شویم.

(۹) یعنی در زبان حضرت موسی علیه السلام لکن ت بود والله اعلم.

(۱۰) مترجم گوید براین مسئله که هیچکس غیر خدای تعالی معبود نیست مشرکان ایراد کردند که ترسایان عیسی رامی پرستند واگروی نیز معبود نبود ما راضی شدیم که آلهه مابا عیسی باشند وگمان کردند که بحجت غالب آمدند خدای تعالی کشف فرمود والله اعلم.

وَإِنَّهُ لَعَلَّمُ لِلسَّاعَةِ فَلَا تَمْتَرَنَّ بِهَا وَأَتَّبِعُونَ هَذَا صِرَاطٌ
 مُسْتَقِيمٌ ﴿٦١﴾ وَلَا يَصِدَّدَنَّكُمْ الشَّيْطَانُ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ
 ﴿٦٢﴾ وَلَمَّا جَاءَ عِيسَى بِالْبَيِّنَاتِ قَالَ قَدْ جِئْتُكُمْ بِالْحِكْمَةِ
 وَلَا بَيِّنٍ لَكُمْ بَعْضُ الَّذِي تَخْتَفُونَ فِيهِ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا
 ﴿٦٣﴾ إِنَّ اللَّهَ هُوَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَأَعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ
 ﴿٦٤﴾ فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا
 مِنْ عَذَابٍ يَوْمَ الْيَوْمِ ﴿٦٥﴾ هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ
 تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿٦٦﴾ الْأَخِلَّاءُ يَوْمَئِذٍ
 بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ ﴿٦٧﴾ يِعْبَادِ لِأَخَوْفٍ
 عَلَيْكُمْ الْيَوْمَ وَلَا أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ ﴿٦٨﴾ الَّذِينَ ءَامَنُوا بِآيَاتِنَا
 وَكَانُوا مُسْلِمِينَ ﴿٦٩﴾ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ أَنْتُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ
 تُحْبَرُونَ ﴿٧٠﴾ يُطَافُ عَلَيْهِمْ بِصِحَافٍ مِنْ ذَهَبٍ وَأَكْوَابٍ
 وَفِيهَا مَا تَشْتَهِيهِ الْأَنْفُسُ وَتَلَذُّ الْأَعْيُنُ وَأَنْتُمْ فِيهَا
 خَالِدُونَ ﴿٧١﴾ وَتِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي أُورِثْتُمُوهَا بِمَا كُنْتُمْ
 تَعْمَلُونَ ﴿٧٢﴾ لَكُمْ فِيهَا فَاكِهَةٌ كَثِيرَةٌ مِنْهَا تَأْكُلُونَ ﴿٧٣﴾

وهرآئینه عیسیٰ نشانه ای برای قیامت است پس هرگز در قیامت شك مکنید (بگو یا محمد) پیروی من کنید اینست راه راست (۶۱). وشیطان شمارا بازنندارد هرآئینه اودرحق شما دشمن ظاهر است (۶۲). وآنگاه که عیسیٰ بامعجزه ها آمد گفت برای شما حکمت را آوردهام وآمدهام تابیان کنم برای شما بعض آنچه درآن اختلاف می کنید پس ازخدا بترسید وازمن اطاعت کنید (۶۳). هرآئینه خدا پروردگار من و پروردگار شماست پس اورا بپرستید این است راه راست (۶۴). پس جماعت ها درمیان خویش اختلاف کردند پس وای آنان را که ستم کردند ازعقوبتِ روزِ دردناک (۶۵). انتظار نمی کنند مگر قیامت را که بدیشان نا گهان بیاید درحالیکه ایشان بی خبر باشند (۶۶). آنروز دوستان بعض ایشان بابعض دیگر دشمن باشند مگر پرهیزگاران (۶۷). (گفته شود) ای بندگانِ من امروز بر شما هیچ ترسی نیست و نه شما اندوهگین شوید (۶۸). آن کسانی که به آیت های ما ایمان آوردند و مسلمان بودند (۶۹). (گفته شود) شماوزنان شما خوشحال شده به بهشت درآید (۷۰). گردانیده شود برایشان کاسه های پهن از زر و کوزه ها نیز و در بهشت آنچه نفس ها خواهش کنند باشد واز دیدن او چشمها لذت ببرند و شما در آنجا جاویدان باشید (۷۱). واین آن بهشت است که شمارا بسبب آنچه عمل می کردید عطا کرده شد (۷۲). برای شما در آنجا میوه بسیار است که از آن میخورید (۷۳).

إِنَّ الْمُجْرِمِينَ فِي عَذَابٍ جَهَنَّمَ خَالِدُونَ ﴿٧٤﴾ لَا يُفْتَرُ عَنْهُمْ وَهُمْ
 فِيهِ مُبْلِسُونَ ﴿٧٥﴾ وَمَا ظَنَّمْتَهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا هُمُ الظَّالِمِينَ ﴿٧٦﴾
 وَنَادَاؤُا يَمْلِكُ لِيَقْضِ عَلَيْنَا رَبُّكَ قَالَ إِنَّكُمْ مَا كُنتُمْ ﴿٧٧﴾ لَقَدْ
 جِئْتَكُمْ بِالْحَقِّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَكُمْ لِلْحَقِّ كَرِهُونَ ﴿٧٨﴾ أَمْ أَبْرَمُوا أَمْرًا
 فَإِنَّا مُبْرِمُونَ ﴿٧٩﴾ أَمْ يَحْسَبُونَ أَنَّا لَا نَسْمَعُ سِرَّهُمْ وَنَجْوَاهُمْ بَلَى
 وَرُسُلْنَا لَدَيْهِمْ يَكْتُبُونَ ﴿٨٠﴾ قُلْ إِنْ كَانَ لِلرَّحْمَنِ وَلَدٌ فَأَنَا أَوَّلُ
 الْعَبِيدِ ﴿٨١﴾ سُبْحَانَ رَبِّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبِّ الْعَرْشِ
 عَمَّا يُصِفُونَ ﴿٨٢﴾ فَذَرَهُمْ يَبْخُوضُوا وَيَلْعَبُوا حَتَّى يُلَاقُوا يَوْمَهُمُ
 الَّذِي يُوْعَدُونَ ﴿٨٣﴾ وَهُوَ الَّذِي فِي السَّمَاءِ إِلَهٌُ وَفِي الْأَرْضِ
 إِلَهٌُ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْعَلِيمُ ﴿٨٤﴾ وَتَبَارَكَ الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ
 وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَعِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٨٥﴾
 وَلَا يَمْلِكُ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ الشَّفَعَةَ إِلَّا
 مَنْ شَهِدَ بِالْحَقِّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ ﴿٨٦﴾ وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَهُمْ
 لَيَقُولَنَّ اللَّهُ فَأَنَّى يُؤْفَكُونَ ﴿٨٧﴾ وَقِيلَ لَهُ يَرْبِّ إِنَّا هَلْؤَلَاءِ قَوْمٌ
 لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٨٨﴾ فَاصْفَحْ عَنْهُمْ وَقُلْ سَلَّمَ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ ﴿٨٩﴾

هرآئینه گنهکاران در عذابِ دوزخ جاویدان اند (۷۴). از ایشان عقوبت سست کرده نمی شود و ایشان در آن عذاب ناامید شده خاموش باشند (۷۵). و بر ایشان ستم نکردیم ولیکن ایشان ستمکاران بودند (۷۶). و آواز دهند که ای مالک باید که پرورد گارتو بر ما به مرگ حکم کند، مالک گوید هرآئینه شما همیشه باشندگانید (۷۷). به درستی که برایتان حق را آورده ایم ولیکن اکثر شما حق را ناخوش دارید (۷۸). آیا برکاری عزم مصمم کرده اند پس هرآئینه مانیز عزم مصمم کنندگانیم (۷۹). آیامی پندارند که ما راز و (سخن) سرگوشی ایشانرا نمی شنویم آری می شنویم و فرستادگان ما نزدیک ایشان می نویسند (۸۰). بگو اگر به فرض رحمن را فرزندی باشد پس من نخستین عبادت کنندگان باشم (۸۱). پروردگار آسمانها و زمین خداوند عرش از آنچه بیان می کنند پاکست (۸۲). پس بگذار ایشان را تا در باطل بحث کنند و بازی پیش گیرند تا آنکه به آن روز خود که ایشان را وعده داده میشود ملاقات کنند (۸۳). و اوست آنکه در آسمان معبود است و (نیز) در زمین معبود است و او با حکمت دانا است (۸۴). و بسیار بابرکت است آنکه پاشاهی آسمان ها و زمین و آنچه در میان هردو است برای او است و علم قیامت نزد او است و به سوی او بازگردانیده شوید (۸۵). و آنانکه کفار آنها را به جای خدا به پرستش می خوانند اختیار شفاعت ندارند مگر کسی (چنین حقی دارد) که گواهی راست داده باشد و ایشان میدانند^(۱۱) (۸۶). و اگر از ایشان سوال کنی که کدام کس ایشانرا بیافرید البته گویند خدا آفریده است پس چگونه (از عبادت خدا) برگردانیده میشوند (۸۷). و (بسا آگاهی از) دعای پیامبر که ای پروردگار من هرآئینه ایشان گروهی هستند که ایمان نمی آورند (۸۸). پس (فرمودیم) رویگردان از ایشان و بگوسلام و داع پس خواهند دانست (۸۹).

(۱۱) یعنی اهل توحید را شفاعت کنند.

سورة الدخان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حَمَّ ① وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ ② إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَرَّكَةٍ
 إِنَّا كُنَّا مُنذِرِينَ ③ فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ ④ أَمْرًا
 مِّنْ عِنْدِنَا إِنَّا كُنَّا مُرْسِلِينَ ⑤ رَحْمَةً مِّنْ رَبِّكَ إِنَّهُ هُوَ
 السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ⑥ رَبِّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا
 إِن كُنْتُمْ مُوقِنِينَ ⑦ لَّا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ رَبُّكُمْ
 وَرَبُّ آبَائِكُمُ الْأَوَّلِينَ ⑧ بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ يَلْعَبُونَ ⑨
 فَأَرْتَقِبْ يَوْمَ تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُخَانٍ مُّبِينٍ ⑩ يَغْشى النَّاسُ
 هَذَا عَذَابٌ أَلِيمٌ ⑪ رَبَّنَا اكْشِفْ عَنَّا الْعَذَابَ إِنَّا مُؤْمِنُونَ
 ⑫ أَنَّى لَهُمُ الذِّكْرَى وَقَدْ جَاءَهُمْ رَسُولٌ مُّبِينٌ ⑬ ثُمَّ
 تَوَلَّوْا عَنْهُ وَقَالُوا مُعَلَّمٌ مَّجْنُونٌ ⑭ إِنَّا كَاشِفُو الْعَذَابِ قَلِيلًا
 إِنَّكُمْ عَائِدُونَ ⑮ يَوْمَ نَبْطِشُ الْبَطْشَةَ الْكُبْرَى إِنَّا مُنتَقِمُونَ
 ⑯ * وَلَقَدْ فَتَنَّا قَبْلَهُمْ قَوْمَ فِرْعَوْنَ وَجَاءَهُمْ رَسُولٌ كَرِيمٌ
 ⑰ أَنْ أَدَّوْا إِلَىٰ عِبَادِ اللَّهِ إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ ⑱

سُورَةُ
 الدَّخَانِ
 ٥٠

سوره دخان مکی است وان پنجاه ونه
آیه وسه رکوع است

بنام خدای بخشاینده مهربان.

حَمَّ (۱). قسم به کتاب واضح (۲). که هرآئینه ما این کتاب را در شب مبارك^(۱) نازل کردیم هرآئینه ما ترساننده بودیم (۳). در آن شب مبارك هرکار باحکمت فیصله کرده میشود (۴). آنرا از نزد خویش بوحی فرود آوردیم هرآئینه ما فرستنده بودیم^(۲) (۵). بسبب بخشایش از نزد پروردگار تو هرآئینه او شنوای دانا است (۶). پروردگار آسمانها وزمین و آنچه در میان این هر دو است اگر شما یقین کننده هستید (۷). هیچ معبود بر حقی مگراو نیست زنده میکند و می میراند پروردگار شماست و پروردگار پدران پیشین شماست (۸). بلکه کافران در شك اند بازی می کنند (۹). پس روزی را منتظر باش که آسمان دودی ظاهر بیاورد (۱۰). که مردمان را فروگیرد این عذابی دردناک است (۱۱). (گویند) ای پروردگار ما از ما عذاب را دور کن هرآئینه مسلمان میشویم (۱۲). چگونه ایشان را پند گرفتن بود و بتحقیق که بدیشان پیامبر ظاهر آمده بود (۱۳). باز از او روی گردانیدند و گفتند این شخص آموخته شده دیوانه است (۱۴). هرآئینه ما اندکی دور کننده عذابیم هرآئینه شما به (کفر) باز خواهید گشت (۱۵). روزی که در گرفت کنیم (به) آن در گرفت بزرگ هرآئینه ما انتقام گیرنده ایم^(۳) (۱۶). و به راستی ما پیش از ایشان قوم فرعون را امتحان کردیم و بدیشان پیامبری گرامی قدر آمد (۱۷). (باین سخن که) به من بندگان خدا را^(۴) واگذار کنید هرآئینه من برای شما پیامبر با امانتم (۱۸).

(۱) یعنی لیلة القدر.

(۲) یعنی بر پیامبر آنرا فرود آوردیم.

(۳) مترجم گوید این وعده متحقق شد خدای تعالی قریش را در قحط انداخت تا آنکه از شدت گرسنگی یا از کثرت بخار در جَوّ چون دودی محسوس می شد و ایشان بخدای تعالی رجوع کردند خدای تعالی قحط را دور فرمود باز بر کفر اصرار کردند خدای تعالی روز بدر از ایشان انتقام گرفت که هفتاد کس را از رؤساء ایشان کُشت و هفتاد کس را اسیر گردانید والله اعلم.

(۴) یعنی بنی اسرائیل را بمن حواله کنید و بنده مگیرید.

وَأَنْ لَا تَعْلُوا عَلَى اللَّهِ إِنِّي آتِيكُمْ بِسُلْطَانٍ مُبِينٍ ﴿١٩﴾ وَإِنِّي عُدْتُ
 بِرَبِّي وَإِنَّكُمْ أَنْ تَرَجُمُونَ ﴿٢٠﴾ وَإِنْ لَمْ تُؤْمِنُوا لِي فَأَعْتَزَلُونَ ﴿٢١﴾
 فَذَعَارَبَهُ وَأَنَّ هَلْؤَلَاءِ قَوْمٌ مُجْرِمُونَ ﴿٢٢﴾ فَأَسْرِبِعِبَادِي لَيْلًا إِنَّكُمْ
 مُتَّبِعُونَ ﴿٢٣﴾ وَأَتْرَكَ الْبَحْرَ رَهْوًا إِنَّهُمْ جُنْدٌ مُعْرِفُونَ ﴿٢٤﴾ كَمْ
 تَرَكُوا مِنْ جَنَّتٍ وَعَيْونِ ﴿٢٥﴾ وَزُرُوعٍ وَمَقَامٍ كَرِيمٍ ﴿٢٦﴾ وَنَعْمَةٌ
 كَانُوا فِيهَا فَاكِهِينَ ﴿٢٧﴾ كَذَلِكَ وَأَوْرَثْنَاهَا قَوْمًا آخِرِينَ ﴿٢٨﴾ فَمَا
 بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ وَمَا كَانُوا مُنظَرِينَ ﴿٢٩﴾ وَلَقَدْ
 نَجَّيْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ مِنَ الْعَذَابِ الْمُهِينِ ﴿٣٠﴾ مِنْ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ
 كَانَ عَلِيًّا مِنَ الْمُسْرِفِينَ ﴿٣١﴾ وَلَقَدْ اخْتَرْتَهُمْ عَلَىٰ عِلْمٍ عَلَى
 الْعَالَمِينَ ﴿٣٢﴾ وَآتَيْنَهُمْ مِنَ الْآيَاتِ مَا فِيهِ بَلَاءٌ مُبِينٌ ﴿٣٣﴾
 إِنَّ هَلْؤَلَاءِ لَيَقُولُونَ ﴿٣٤﴾ إِنْ هِيَ إِلَّا أَمْوَاتُنَا الْأُولَىٰ وَمَا نَحْنُ
 بِمُنشَرِينَ ﴿٣٥﴾ فَأَنذَرْنَا بَابًا بِنَا إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٣٦﴾ أَهْمَ
 خَيْرًا أَمْ قَوْمٌ تُبِّعُ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ أَهْلَكْنَاهُمْ إِنَّهُمْ كَانُوا
 مُجْرِمِينَ ﴿٣٧﴾ وَمَا خَلَقْنَا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لِلْعَيْنِ
 ﴿٣٨﴾ مَا خَلَقْنَاهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٣٩﴾

و بر خدا سرکشی مکنید هر آئینه من پیش شما حجتِ ظاهر می آورم (۱۹). و هر آئینه من به پروردگار خود و پروردگار شما پناه گرفتم از آنکه مرا سنگسار کنید (۲۰). و اگر مرا باور نمی دارید پس از من یکسو شوید (۲۱). پس دعا کرد بجناب پروردگار خود که این جماعت قوم گنہکارانند (۲۲). (پس گفتیم) بندگانِ مرا وقت شب ببر هر آئینه شما تعقیب کرده می شوید (۲۳). و دربارا آرامیده بگذار هر آئینه این جماعت لشکری غرق شده است (۲۴). بسیار از بوستان ها و چشمه ها گذاشتند (۲۵). و کشته ها و محلِ گرامی (۲۶). نعمتی با رفاهیت که در آن محظوظ و شادمان بودند (۲۷). همچنین شد و این چیزها را به گروهی دیگر میراث دادیم (۲۸). پس نگرست بر آنان آسمان و زمین و مهلت داده نشدند (۲۹). و هر آئینه ما بنی اسرائیل را از عذاب خوارکننده خلاص کردیم (۳۰). که از جانب فرعون بود هر آئینه فرعون سرکشی از اسرافکاران بود (۳۱). و هر آئینه بنی اسرائیل را دانسته بر جهانیان برگزیدیم (۳۲). و ایشان را از قسم معجزات آنچه در آن امتحانِ ظاهر بود دادیم (۳۳). هر آئینه این جماعت حتما می گویند (۳۴). که عاقبت کار جز همین موت نخستین ما نیست و ما برانگیخته نخواهیم شد (۳۵). پس پدران ما را اگر راست گویان هستید بیاورید (۳۶). آیا این جماعت بهتراند یا قوم تبع (حمیری) و آنانکه پیش از ایشان بودند آنها را هلاک ساختیم هر آئینه آنها گنہکار بودند (۳۷). و آسمان ها و زمین را آنچه در میان هردواست بازی کنان نیافریدیم (۳۸). این هردو را نیافریدیم مگر بتدبیرِ درست ولیکن اکثر ایشان نمیدانند (۳۹).

إِنَّ يَوْمَ الْفَصْلِ مِيقَاتُهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٤١﴾ يَوْمَ لَا يُغْنِي مَوْلَى
 عَنْ مَوْلَى شَيْئًا وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ ﴿٤٢﴾ إِلَّا مَنْ رَحِمَ اللَّهُ
 إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿٤٣﴾ إِنَّ شَجَرَتَ الزُّقُومِ ﴿٤٤﴾ طَعَامُ
 الْأَثِيمِ ﴿٤٥﴾ كَالْمُهْلِ يَغْلِي فِي الْبُطُونِ ﴿٤٦﴾ كَغَلِي
 الْحَمِيمِ ﴿٤٧﴾ خَذُوهُ فَأَعْتَلُوهُ إِلَى سَوَاءِ الْجَحِيمِ ﴿٤٨﴾ ثُمَّ
 صُبُّوا فَوْقَ رَأْسِهِ مِنْ عَذَابِ الْحَمِيمِ ﴿٤٩﴾ ذُقْ إِنَّكَ
 أَنْتَ الْعَزِيزُ الْكَرِيمُ ﴿٥٠﴾ إِنَّ هَذَا مَا كُنْتُمْ بِهِ تَمْتَرُونَ
 ﴿٥١﴾ إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي مَقَامٍ أَمِينٍ ﴿٥٢﴾ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ
 ﴿٥٣﴾ يَلْبَسُونَ مِنْ سُندُسٍ وَإِسْتَبْرَقٍ مُتَقَابِلِينَ ﴿٥٤﴾
 كَذَلِكَ وَزَوَّجْنَاهُمْ بِحُورٍ عِينٍ ﴿٥٥﴾ يَدْعُونَ فِيهَا بِكُلِّ
 فَاكِهَةٍ آمِنِينَ ﴿٥٦﴾ لَا يَدْخُلُونَهَا فِيهَا الشَّمْسُ وَلَا
 الْقَمَرُ فِي سَائِلِيهِ الْأُولَىٰ وَوَقَّعْنَا لَهُمُ الْعَذَابَ الْجَحِيمَ ﴿٥٧﴾ فَضَلَّامِنَ
 رَبِّكَ ذَٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿٥٨﴾ فَإِنَّمَا يَسَّرْنَاهُ بِلِسَانِكَ
 لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ﴿٥٩﴾ فَأَرْتَقِبْ إِنَّهُمْ مُّرْتَقِبُونَ ﴿٦٠﴾

هرآئینه روز قیامت میعادِ همگی ایشانست (۴۰). روزی که هیچ دوستی از دوستِ دیگر چیزی را دفع نکند و نه ایشان نصرت داده شوند (۴۱). مگر آنکه خدا بر او رحم کرد هرآئینه خدا غالب مهربان است (۴۲). هرآئینه درخت زقوم (۴۳). خوراکِ گنهکار است (۴۴). مثلِ مسِ گداخته شده در شکمِ ها بجوشد (۴۵). مانند جوشیدن آب گرم (۴۶). (گوییم ای فرشتگان) بگیریید این گنهکار را پس به سختی به سوی میانهٔ دوزخ بکشیدش (۴۷). باز بالای سراواز آب گرم که عقوبت است بریزید (۴۸). (گوییم) بچش هرآئینه تویی (بزعم خود) بزرگواری قدر (۴۹). هرآئینه این است آنچه در آن شبهه می کردید (۵۰). هرآئینه متقیان در جایگاه با امن باشند (۵۱). در بوستان ها و چشمه ها (۵۲). از حریر نازک و حریر لک و روبروی یکدیگر شده بپوشند (۵۳). حال این چنین باشد و ایشان را با حور کشاده چشم جفت کنیم (۵۴). آنجا هر میوه را ایمن شده بطلبند (۵۵). آنجا مرغ را نچسند غیر از چشیدن مرغِ نخستین را و ایشان را خدا از عذاب دوزخ نگاه داشت (۵۶). بسبب بخشایش از جانبِ پروردگارتو این پیروزی بزرگ است (۵۷). جز این نیست که قرآن را به زبان تو آسان گردانیدیم تا بُوَد که ایشان پند پذیر شوند (۵۸). پس منتظر باش هرآئینه ایشان نیز منتظرانند (۵۹).

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حَمْ ١ تَنْزِيلِ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ ٢ إِنَّ فِي السَّمَوَاتِ
وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِّلْمُؤْمِنِينَ ٣ وَفِي خَلْقِكُمْ وَمَا يَبُتُّ مِنْ دَابَّةٍ آيَاتٌ
لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ ٤ وَأَخْتَلَفَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ
مِنْ رِّزْقٍ فَأَحْيَاهُ الْاَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَتَضَرِّبُ الرِّيحُ آيَاتٍ لِّقَوْمٍ
يَعْقِلُونَ ٥ تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ تَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَ
اللَّهِ وَآيَاتِهِ يُؤْمِنُونَ ٦ وَيَلُّ لِكُلِّ أَفَّاكٍ أَثِيمٍ ٧ يَسْمَعُ آيَاتِ
اللَّهِ تَتْلَى عَلَيْهِ ثُمَّ يَصِرُ مُسْتَكْبِرًا كَأَن لَّمْ يَسْمَعْهَا فَبَشِّرْهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ
٨ وَإِذْ عَلِمَ مِنْ آيَاتِنَا شَيْئًا اتَّخَذَهَا هُزُوًا وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ
مُّهِينٌ ٩ مَنْ وَرَأَيْهِمْ جَهَنَّمَ وَلَا يُغْنِي عَنْهُمْ مَا كَسَبُوا شَيْئًا
وَلَا مَا اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ١٠ هَذَا
هُدًى وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ لَهُمْ عَذَابٌ مِّن رِّجْزِ أَلِيمٍ ١١
* اللَّهُ الَّذِي سَخَّرَ لَكُمُ الْبَحْرَ لِتَجْرِيَ الْفُلُكُ فِيهِ بِأَمْرِهِ وَلِتَبْتَغُوا
مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ١٢ وَسَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي
الْأَرْضِ جَمِيعًا مِّنْهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ١٣



سوره جاثیه مکی است و آن سی وهفت
آیه و چهار رکوع است

بنام خدای بخشاینده مهربان.

حَمَّ (۱). فرورستاندن این کتاب از جانب خدای غالب با حکمت است (۲). هر آئینه در آسمانها وزمین برای باوردارانندگان نشانه هایی است (۳). و در آفرینش شما و در آفرینش آنچه از جانوران پراکنده می سازد برای قومی که یقین میکنند نشانه هایی است (۴). و درآمد و رفت شب و روز و در آنکه خدا از آسمان روزی فرود آورد (۱) پس زنده کرد بسبب باران زمین را بعد از مرده بودن آن و در گردانیدن بادها برای قومی که درمی یابند نشانه هایی است (۵). این نشانه های خداست آن را بر تو به راستی میخوانیم پس بکدام سخن بعد از پند خدا و آیت های او ایمان می آورند (۶). وای بر هر دروغ گوی گنهکار (۷). که آیات خدا را می شنود که خوانده میشود بروی باز با استکبار (بر کفر چنان) پای می فشارد که گویا آترائشیده است پس او را به عذابی درد ناک مژده ده (۸). و چون بر چیزی از آیات ما واقف شد آن را آن جماعت به تمسخر گیرد برای ایشان عذاب خوارکننده است (۹). پشت سر ایشان دوزخ است و آنچه کسب کرده اند نفعی به آنها نمی رساند نیز آنچه دوستان گرفته اند غیر از خدا (چیزی را) دفع نکنند و برای ایشان عذاب بزرگ است (۱۰). این قرآن هدایت است و آنانکه کافر شدند به آیات پروردگار خویش برای ایشان عذاب درد ناک از جنس عقوبت سخت است (۱۱). خدای آنست که برای شما دریا را مُسَخَّر کرد تا کشتی ها در آن بفرمان او روان شود و تا از فضل او طلب معیشت کنید باشد که شما شکرگزاری کنید (۱۲). و برای شما آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است مسخر کرد همگی از پدید آورده او است هر آئینه درین ماجرا برای گروهی که تفکر میکنند نشانه هایی است (۱۳).

(۱) یعنی باران.

قُلْ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا يَغْفِرُوا لِلَّذِينَ لَا يَرْجُونَ أَيَّامَ اللَّهِ لِيَجْزِيَ
 قَوْمًا بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿١٤﴾ مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ
 وَمَنْ أَسَاءَ فَعَلَيْهَا ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ ﴿١٥﴾ وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا
 بَنِي إِسْرَائِيلَ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ
 وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَىٰ الْعَالَمِينَ ﴿١٦﴾ وَءَاتَيْنَاهُمْ بَيِّنَاتٍ مِّنَ الْأَمْرِ
 فَمَا اخْتَلَفُوا إِلَّا مِمَّن بَعْدَ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَعْثًا بَيْنَهُمْ إِنَّ رَبَّكَ
 يَقْضِي بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ
 ﴿١٧﴾ ثُمَّ جَعَلْنَاكَ عَلَىٰ شَرِيعَةٍ مِّنَ الْأَمْرِ فَاتَّبِعْهَا وَلَا تَتَّبِعْ
 أَهْوَاءَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ ﴿١٨﴾ إِنَّهُمْ لَن يُغْنُوا عَنكَ مِنَ اللَّهِ
 شَيْئًا وَإِنَّ الظَّالِمِينَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمُتَّقِينَ
 ﴿١٩﴾ هَذَا بَصِيرَتِي لِلنَّاسِ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ ﴿٢٠﴾
 أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ أَجْرَحُوا السَّيِّئَاتِ أَنْ نَجْعَلَهُمْ كَالَّذِينَ
 ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَوَاءً مَّحْيَاهُمْ وَمَمَاتُهُمْ سَاءَ
 مَا يَحْكُمُونَ ﴿٢١﴾ وَخَلَقَ اللَّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ
 وَلِيُجْزِيَ كُلَّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿٢٢﴾

به مسلمانان بگو که از آن جماعت که توقع روزهای خدارا ندارند^(۲) درگذر کنند تا خداگروهی را به حسب آنچه می‌کردند سزاهد (۱۴). هرکس که کارشایسته انجام دهد پس برای نفع خودش و هرکه بدکاری کند پس وبال براوست باز به سوی پرورد گار خویش بازگردانیده خواهید شد (۱۵). و به یقین که بنی اسرائیل را کتاب و دانش مندی و پیامبری دادیم و ایشان را از نعمت های پاکیزه روزی دادیم و ایشان را بر جهانیان فضیلت دادیم (۱۶). و ایشان را نشانه هایی واضح در باب دین دادیم پس اختلاف نکردند مگر بعد از آنکه بدیشان دانش آمد از روی تعدی بایکدیگر هر آئینه پروردگارتو میان ایشان روز قیامت در آنچه اختلاف می‌کردند در آن فیصله می‌کند (۱۷). باز تورا بر راه ظاهر از دین گرداندیم پس آنرا پیروی کن و خواهشات آنرا که نمیدانند پیروی مکن (۱۸). هر آئینه ایشان از تو چیزی را از عقوبت خدا دور نخواهند کرد و هر آئینه ستمکاران بعضی ایشان کارسازان بعضی دیگراند و خدا کارساز متقیانست (۱۹). این قرآن دلیل های واضح برای مردمان است و هدایت و بخشایش است برای گروهی که یقین می‌کنند (۲۰). آیا پنداشتند آنانکه جرمها کردند که قرار دهیم ایشان را مانند آنانکه ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند؟! که زندگانی ایشان و مُردن ایشان یکسان باشد این حکم ایشان بدحکمی است (۲۱). و خدا آسمان ها و زمین را بتدبیر درست آفرید و تا عاقبت کار جزا داده شود هر شخصی بحسب آنچه عمل کرده است و برایشان ستم کرده نمی‌شود (۲۲).

(۲) یعنی معتقد نیستند که حوادث جزای اعمال ایشان باشد.

أَفَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوْنَهُ وَأَصْلَهُ اللَّهَ عَلَى عِلْمٍ وَخَتَمَ عَلَى سَمْعِهِ
 وَقَلْبِهِ وَجَعَلَ عَلَى بَصَرِهِ غِشْوَةً فَمَنْ يَهْدِيهِ مِنْ بَعْدِ اللَّهِ أَفَلَا
 تَذَكَّرُونَ ﴿٢٣﴾ وَقَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا يُهْلِكُنَا
 إِلَّا الدَّهْرُ وَمَا لَهُمْ بِذَلِكَ مِنْ عِلْمٍ إِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ ﴿٢٤﴾ وَإِذْ اتَّخَذْنَا
 عَلَيْهِمْ ذُنُوبَهُمْ آيَاتِنَا بَيِّنَاتٍ مَّا كَانَ حُجَّتَهُمْ إِلَّا أَن قَالُوا اتُّوينا بآيَاتِنَا إِنْ
 كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٢٥﴾ قُلِ اللَّهُ يُحْيِيكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يَجْمَعُكُمْ إِلَى
 يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٢٦﴾ وَلِلَّهِ مُلْكُ
 السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُنْحِرُ الْمُبْطِلُونَ ﴿٢٧﴾
 وَتَرَى كُلَّ أُمَّةٍ جَاثِيَةً كُلُّ أُمَّةٍ تُدْعَى إِلَى كِتَابِهَا الْيَوْمَ تُحْزَرُونَ مَا كُنْتُمْ
 تَعْمَلُونَ ﴿٢٨﴾ هَذَا كِتَابُنَا يَنْطِقُ عَلَيْكُمْ بِالْحَقِّ إِنَّا كُنَّا نَسْتَنْسِخُ
 مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٢٩﴾ فَأَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
 فَيُدْخِلُهُمْ رَبُّهُمْ فِي رَحْمَتِهِ ءَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْمُبِينُ ﴿٣٠﴾ وَأَمَّا
 الَّذِينَ كَفَرُوا أَفَلَمْ تَكُنْ ءَايَاتِي تُتلىٰ عَلَيْكُمْ فَاسْتَكْبَرْتُمْ وَكُنْتُمْ قَوْمًا
 مُّجْرِمِينَ ﴿٣١﴾ وَإِذْ قِيلَ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَالسَّاعَةُ لَا رَيْبَ فِيهَا
 قُلْتُمْ مَّا نَدْرِي مَا السَّاعَةُ إِنْ نَظُنُّ إِلَّا ظَنًّا وَمَا نَحْنُ بِمُستَيْقِنِينَ ﴿٣٢﴾

آیا کسی را دیدی که معبود خود را خواهش نفس خود گرفته است اورا خدا با وجود دانشی که داشت گمراه کرد و برگوش او و دل او مُهر نهاد و بر چشم او پرده نهاد پس کیست که راه نماید اورا پس از خدا آیپند نمی‌گیری (۲۳). و گفتند زندگانی مگر همین زندگانی این جهانی نیست مامی میریم و زنده میشویم و مارا جز زمانه هلاک نمی‌کند و ایشان را باین ماجرا هیچ دانشی نیست ایشان نیستند مگر گمان می‌کنند (۲۴). و چون بر ایشان آیت های ما واضح آمده خوانده شود شبهه ایشان نباشد مگر آنکه گویند پدران ما را اگر راست گو هستید بیاورید (۲۵). بگو خدا شمارا زنده میکند باز شمارا می‌میراند باز شمارا بروز قیامت جمع می‌کند هیچ شبهه ای در آن نیست ولیکن اکثر مردمان نمی‌دانند (۲۶). پادشاهی آسمان ها و زمین برای خدای است و روزی که قیامت قائم شود آن روز تباه کاران زیان کار شوند (۲۷). و هر گروهی را بزاندور آمده بینی هر گروهی را به سوی نامه اعمال او خوانده شود (یعنی برای سوال و جواب مهیا شده گوئیم) امروز جزا داده شود شمارا بحسب آنچه میکردید (۲۸). (گوئیم) این نامه اعمال ما است که بر شما به راستی اظهار حقیقت میکند هر آئینه ما آنچه شما عمل می‌کردید می‌نوشتیم (۲۹). پس اما آنانکه ایمان آورده اند و کارهای شایسته کرده اند پس ایشان را پروردگاریشان در رحمت خود در آورد این پیروزی ظاهر است (۳۰). و اما آنانکه کافر شدند (ایشانرا گوئیم) آیا بر شما آیات من خوانده نمی‌شد پس تکبر کردید و قوم گنهکار بودید (۳۱). و چون گفته شد که وعده خدا راست است و قیامت هیچ شکی در آن نیست گفتید نمیدانیم چیست قیامت آن را مگر با احتمال ضعیف تصور نمی‌کنیم و ما یقین کنندگان نیستیم (۳۲).

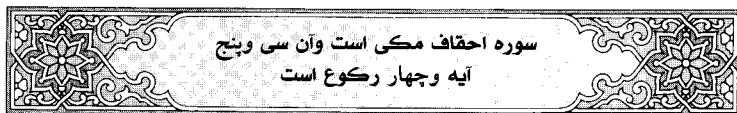
وَبَدَا لَهُمْ سَيِّئَاتٌ مَّا عَمِلُوا وَحَاقَ بِهِمْ مَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ
 ﴿٢٢﴾ وَقِيلَ الْيَوْمَ نَنْسِكُكُمْ كَمَا نَسَيْتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَٰذَا وَمَأْوَاكُمُ النَّارُ
 وَمَا لَكُم مِّنْ نَّصِيرِينَ ﴿٢٣﴾ ذَٰلِكُمْ بِأَنكُمُ اتَّخَذْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ هُزُوًا
 وَعَرَّيْتُمْ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا فَأَلْيَوْمَ لَا يُخْرَجُونَ مِنْهَا وَلَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ
 ﴿٢٤﴾ فَلِلَّهِ الْحَمْدُ رَبِّ السَّمَوَاتِ وَرَبِّ الْأَرْضِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٢٥﴾
 وَ لَهُ الْكِبْرِيَاءُ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿٢٦﴾

سُورَةُ الْأَحْقَافِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حَمْدٌ ﴿١﴾ تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ ﴿٢﴾ مَا خَلَقْنَا
 السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُّسَمًّى وَالَّذِينَ
 كَفَرُوا عَمَّا أُنذِرُوا مُّعْرِضُونَ ﴿٣﴾ قُلْ أَرَأَيْتُمْ مَا تَدْعُونَ مِنْ
 دُونِ اللَّهِ أَرُونِي مَاذَا خَلَقُوا مِنَ الْأَرْضِ أَمْ لَهُمْ شِرْكٌ فِي
 السَّمَوَاتِ أَتُنُونِ بِكِتَابٍ مِّن قَبْلِ هَٰذَا أَوْ آثَرَةٍ مِّن عِلْمٍ إِن كُنْتُمْ
 صَادِقِينَ ﴿٤﴾ وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّن يَدْعُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ مَنْ
 لَا يَسْتَجِيبُ لَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَهُمْ عَن دُعَائِهِمْ غَفِلُونَ ﴿٥﴾

و برای ایشان عقوبت های آنچه به آن عمل کرده بودند ظاهر شد و ایشان را آنچه به آن استهزای کردند درگرفت (۳۳). و گفته شود امروز شما را فراموش کنیم چنانکه ملاقات این روز خود را فراموش کردید و جای شما دوزخ است و شما را هیچ نصرت دهنده ای نیست (۳۴). این عذاب بسبب آنست که شما آیات خدا را به تمسخر گرفتید و شما را زندگانی دنیا فریفته کرد پس امروز از دوزخ بیرون کرده نشوند و نه از ایشان رضامندی خدا طلب کرده شود (۳۵). پس ستایش برای خدای پروردگار آسمانها و پروردگار زمین پروردگار عالم ها است (۳۶). بزرگی در آسمان ها و زمین برای اوست و او غالب با حکمت است (۳۷).



بنام خدای بخشاینده مهربان.

حَم (۱). فرورستان کتاب از خدای غالب با حکمت است (۲). آسمان ها و زمین آنچه را که در میان هر دو است نیافریدیم مگر به تدبیر درست و به میعاد معین و آنانکه کافر شدند از آنچه ترسانیده شد ایشان را رویگرداندند (۳). بگو آیا دیدید آنچه را که جز خدا می پرستید بنمایید مرا چه چیز از زمین آفریده اند یا ایشان را در آسمانها شرکتیست برایم کتابی که پیش ازین آمده باشد یا بقیه ای از علم اگر راست گو هستید بیاورید (۴). و کیست گمراه تر از کسی که بجز خدا کسی را بخواند که دعایش را تا روز قیامت اجابت نکند و این معبودان باطل از خواندن ایشان غافل اند (۵).

وَإِذَا حِشِرَ النَّاسُ كَانُوا لَهُمْ أَعْدَاءً وَكَانُوا بِعِبَادَتِهِمْ كَافِرِينَ ﴿٦﴾ وَإِذَا
 تَتَلَّى عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ هَذَا
 سِحْرٌ مُّبِينٌ ﴿٧﴾ أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ إِنِ افْتَرَيْتُهُ، فَلَا تَمْلِكُونَ
 لِي مِنَ اللَّهِ شَيْئًا هُوَ أَعْلَمُ بِمَا تُفِيضُونَ فِيهِ كَفَىٰ بِهِ شَهِيدًا بَيْنِي
 وَبَيْنَكُمْ وَهُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ﴿٨﴾ قُلْ مَا كُنْتُ بِدْعًا مِنَ الرُّسُلِ
 وَمَا أَدْرِي مَا يُفْعَلُ بِي وَلَا بِكُمْ إِنْ أَتَيْتُمُونِي إِلَّا مَا يُوْحَىٰ إِلَيَّ وَمَا أَنَا
 إِلَّا نَذِيرٌ مُّبِينٌ ﴿٩﴾ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كَانَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَكَفَرْتُمْ بِهِ
 وَشَهِدَ شَاهِدٌ مِّنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَىٰ مِثْلِهِ فَقَامَ مَنْ أَسْتَكْبَرْتُمْ
 إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ﴿١٠﴾ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا
 لِلَّذِينَ آمَنُوا لَوْ كَانَ خَيْرًا مَا سَبَقُونَا إِلَيْهِ وَإِذْ لَمْ يَهْتَدُوا بِهِ
 فَسَيَقُولُونَ هَذَا إِفْكٌ قَدِيمٌ ﴿١١﴾ وَمِنْ قَبْلِهِ كَتَبَ مُوسَىٰ
 إِمَامًا وَرَحْمَةً وَهَذَا كِتَابٌ مُّصَدِّقٌ لِّسَانِ عَرَبِيًّا لِّيُنذِرَ
 الَّذِينَ ظَلَمُوا وَبُشْرَىٰ لِلْمُحْسِنِينَ ﴿١٢﴾ إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا
 اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَمُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿١٣﴾
 أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٤﴾

و چون مردمان جمع کرده شوند همین معبودهای آنها دشمنانشان باشند به عبادت ایشان منکر باشند (۶). هنگامی که آیات روشنگرما بر آنها خوانده شود این کافران سخن درست را چون بدیشان بیامد گویند این سحر آشکار است (۷). بلکه میگویند آنرا پیامبر بر بسته است بگو اگر آنرا بر بسته ام پس شما برای من از خدا چیزی را نمی توانید خدا به گفتگوی شما در قرآن دانا تراست خدا اظهار حق کننده میان من و شما بس است و او آمرزگار مهربان است (۸). بگو من نوآمده از پیامبران نیستم و نمی دانم چه کرده خواهد شد بامن و باشما (یعنی درد دنیا) پیروی نمی کنم الا آنچه به سوی من وحی فرستاده میشود و نیستم من مگر ترساننده آشکار (۹). بگو آیا دیدید اگر قرآن از نزد خدا باشد و به آن منکر شدید و گواهی از بنی اسرائیل بر قرآن گواهی داده باشد پس وی ایمان آورد و شما سرکشی کردید (البته ستمکار باشید) هر آئینه خدا گروه ستمکاران را هدایت نمی نماید (۱۰). و کافران به مسلمانان گفتند اگر دین بهتر بودی برای ما به سوی آن سبقت نکردند و چون به آن راه نیافتند پس خواهند گفت این دروغی قدیم است (۱۱). و پیش از قرآن کتاب موسی پیشوا و رحمت بود و این کتابیست باور دارنده که به زبان عربی آمده است برای آنکه ستمکاران را بتراساند و برای نیکوکاران مژده است (۱۲). هر آئینه آنانکه گفتند پروردگار ما خداست باز (بر آن) استقامت کردند پس هیچ ترسی برایشان نیست و نه ایشان اندوه خورند (۱۳). این جماعت اهل بهشت اند در آن جاویدان باشند پاداش داده شوند بحسب آنچه می کردند (۱۴).

وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَكُرْهًا وَوَضَعَتْهُ
 كُرْهًا وَحَمَلُهُ وَفَصْلُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَبَلَغَ
 أَرْبَعِينَ سَنَةً قَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ
 عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي ۗ
 إِنِّي تُبْتُ إِلَيْكَ وَإِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ ﴿١٥﴾ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ تَقْبَلُ
 عَنْهُمْ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا وَتَتَجَاوَزُ عَنْ سَيِّئَاتِهِمْ فِي أَصْحَابِ
 الْجَنَّةِ وَعَدَّ الصِّدْقِ الَّذِي كَانُوا يُوعَدُونَ ﴿١٦﴾ وَالَّذِي قَالَ
 لَوْلَدِيهِ أُفٍّ لَّكُمَا أَتَعَدَانِي أَنْ أُخْرَجَ وَقَدْ خَلَتِ الْقُرُونُ مِنْ
 قَبْلِي وَهُمَا يَسْتَكْفِرَانِ اللَّهَ وَبِكَ ءَامِنُ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَيَقُولُ
 مَا هَذَا إِلَّا أَسْطِيرُ الْأَوَّلِينَ ﴿١٧﴾ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ
 فِي أُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ إِنَّهُمْ كَانُوا خَاسِرِينَ
 ﴿١٨﴾ وَلِكُلِّ دَرَجَةٍ مِمَّا عَمِلُوا وَلِيُوفيَهُمْ أَعْمَالَهُمْ وَهُمْ لَا يُظْمَئُونَ
 ﴿١٩﴾ وَيَوْمَ يُعْرَضُ الَّذِينَ كَفَرُوا عَلَى النَّارِ أَدَّهَبْتُمْ طَيِّبَاتِكُمْ فِي حَيَاتِكُمْ
 الدُّنْيَا وَأَسْتَمْتَعْتُمْ بِهَا فَالْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ بِمَا كُنْتُمْ
 تَسْتَكْبِرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَبِمَا كُنْتُمْ تَفْسُقُونَ ﴿٢٠﴾

وانسان را به نیکوکاری در حق پدر و مادر سفارش کردیم مادراو به دشواری اورا در شکم برداشته است و (کمترین مدت) بارگرفتن اوواز شیرباز گرفتن او سی ماه است وزنده ماند تاوقتیکه چون رسید بکمال قوت خود و رسید بچهل سال گفت ای پروردگار من مرا الهام کن تا در مقابل نعمت تو که انعام کرده‌ای بر من و بر پدر و مادر من شکرگویم و تا کار نیک کنم که از آن خوشنود شوی و برای من در فرزندان من اصلاح کن هر آئینه من به سوی تو رجوع کردم و هر آئینه من از مسلمانانم (۱۵). این جماعت آنانند که از ایشان نیکوترین آنچه عمل کرده اند قبول می کنیم و از جریمهای ایشان در گذریم در اهل بهشت باشند به وفق وعده راستینی که وعده داده می شدند (۱۶). و آنشخص که به پدر و مادر خود گفت دل تنگ شدم نسبت به شما آیا مرا وعده میدهید که بر آورده شوم^(۱) و به راستی قرن های از مردم پیش از من گذشته اند^(۲) و آن هر دو بجناب خدا فریاد میکنند میگویند وای بر تو مسلمان شو هر آئینه وعده خدا راست است پس گوید این وعده مگر افسانه‌های پیشینیان نیست (۱۷). این جماعت آنانند که برایشان وعده عذاب ثابت شد از جمله امت هایی که پیش از ایشان از جنیان و آدمیان گذشته‌اند هر آئینه ایشان زیان کار بودند (۱۸). و هر یکی را مرتبه هاست به وفق آنچه عمل کردند و تا خدا ایشان را جزای اعمال ایشان تمام دهد و به ایشان ستم کرده نشود (۱۹). و روزیکه کافران بر آتش پیش آورده شوند (گفته شود) نعمت های خود را در زندگانی دنیای خویش ضایع کردید و به آن بهره‌مند شدید پس امروز شمارا به سزای آنکه در زمین به ناحق تکبر می کردید و به (سبب) آنکه بدکاری میکردید به عذاب ذلت کيفر می دهیم^(۳) (۲۰).

(۱) یعنی از قبر.

(۲) یعنی هیچکس از ایشان بازنده نشد والله اعلم.

(۳) مترجم گوید این تصویر است حال سعید و شقی را پس سعید حق خدای تعالی و حق ابوبن بجامی آورد و بانواع نعمتها محفوظ میشود در جمیع امور بحق تعالی رجوع میکند و شقی جمع می کند میان کفرو عقوق والدین و انکار معاد و صورت سعید منطبق است بر حضرت ابوبکر صدیق و غیر ایشان نیز والله اعلم.

* وَأذْكَرَ أَحَا عَادٍ إِذْ أَنْذَرَ قَوْمَهُ بِأَلْحَقَافٍ وَقَدْ خَلَّتِ النَّدْرُ
 مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمَنْ خَلْفَهُ ۚ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ
 عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿٢١﴾ قَالُوا أَجِئْتَنَا لِنَأْفِكَنَا عَنْ آلِهَتِنَا فَأْتِنَا
 بِمَا تَعِدُنَا إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ ﴿٢٢﴾ قَالَ إِنَّمَا الْعِلْمُ عِنْدَ اللَّهِ
 وَأُبَلِّغُكُمْ مَا أُرْسِلْتُ بِهِ وَلَكِنِّي أَرَىٰكُمْ قَوْمًا تَجْهَلُونَ ﴿٢٣﴾ فَلَمَّا
 رَأَوْهُ عَارِضًا مُسْتَقْبِلَ أَوْدِيَّتِهِمْ قَالُوا هَذَا عَارِضٌ مُّمْطِرِنَا
 بَلْ هُوَ مَا اسْتَعْجَلْتُمْ بِهِ رِيحٌ فِيهَا عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٢٤﴾ تَدْمَرُ كُلَّ
 شَيْءٍ بِأَمْرِ رَبِّهَا فَأَصْبَحُوا لَا يُرَىٰ إِلَّا مَسَكِنُهُمْ كَذَلِكَ نَجْزِي
 الْقَوْمَ الْمُجْرِمِينَ ﴿٢٥﴾ وَلَقَدْ مَكَنَّا لَهُمْ فِي مَا إِنْ مَكَنَّاكُمْ فِيهِ
 وَجَعَلْنَا لَهُمْ سَمْعًا وَأَبْصَرًا وَأَفْئِدَةً فَمَا أَغْنَىٰ عَنْهُمْ سَمْعُهُمْ
 وَلَا أَبْصَرُهُمْ وَلَا أَفْئِدَتُهُمْ مِنْ شَيْءٍ إِذْ كَانُوا يَجْحَدُونَ بِآيَاتِ
 اللَّهِ وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ ﴿٢٦﴾ وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا
 مَا حَوْلَكُمْ مِنَ الْقُرَىٰ وَصَرَفْنَا الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ﴿٢٧﴾
 فَلَوْلَا نَصْرُهُمُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ قُرْبَانًا آلِهَةً
 بَلْ ضَلُّوا عَنْهُمْ وَذَلِكَ إِفْكُهُمْ وَمَا كَانُوا يَفْتَرُونَ ﴿٢٨﴾

وبرادر قوم عاد را یادکن چون قوم خود را به سرزمین احقاف بترسانید و هر آئینه ترسانندگان پیش روی وی و پس از وی گذشته بودند^(۴) (به این معنی) که مگر خدای عبادت مکنید هر آئینه من بر شما از عقوبت روز بزرگ میترسم (۲۱). گفتند آیا آمده‌ای پیش ما تا ما را از پرستشِ معبودان مان باز داری پس آنچه راکه وعده میدهی ما را اگر از راست گوین هستی برایمان بیار (۲۲). گفت جز این نیست که علم نزد خداست و میرسانم به شما آنچه به او فرستاده شدم ولیکن می بینم که شما گروهی هستید که نادانی میکنید (۲۳). پس چون آن عقوبت را بصورت ابری رو آورده به میدان های ایشان دیدند گفتند این بر ما ابريست باراننده بلکه به حقیقت آن چیز است که آنرا به شتاب طلب کردید باديست که در آن عقوبت درد ناک است (۲۴). (این باد) هر چیز را به فرمان پروردگار خویش برهم زند پس گشتند به این صفت که بجز خانه های ایشان دیده نمی شد اینچنین گروه گناهگاران را جزا میدهیم (۲۵). و به راستی قوم عاد را جای داده بودیم در آنچه که شمارا در آن جای نداده ایم و برای قوم عاد گوش و چشمها و دل هافرار داده بودیم پس از ایشان گوش ایشان و نه چشمهای ایشان و نه دلهای ایشان چیزی را دفع نکرد از بسکه نشانه های خدا را انکار می کردند و به ایشان آنچه به آن تمسخر می کردند فرا گرفت (۲۶). و به راستی آنچه دوروبر شما است از شهرها هلاک کردیم و نشانه ها را گوناگون پدید آوردیم، باشد که ایشان بازگردند (۲۷). پس چرا ایشان را آنانکه معبودان گرفتند غیر از خدا به خاطر تقرب به خدا نصرت ندادند بلکه از نظر ایشان گم شدند و همین است دروغ ایشان و آنچه برمی بافتند (۲۸).

(۴) یعنی از هر جانب باین مضمون.

وَإِذْ صَرَفْنَا إِلَيْكَ نَفَرًا مِّنَ الْجِنِّ يَسْتَمِعُونَ الْقُرْآنَ إِذْ قُرِئَ وَإِن لَّمَّا
 حَضَرُوهُ قَالُوا أَنصِتُوا فَلَمَّا قُضِيَ وَلَّوْا إِلَىٰ قَوْمِهِمْ مُّنذِرِينَ
 ﴿٢٩﴾ قَالُوا يَا قَوْمَنَا إِنَّا سَمِعْنَا كِتَابًا أُنزِلَ مِن بَعْدِ مُوسَىٰ
 مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ وَإِلَىٰ طَرِيقٍ مُّسْتَقِيمٍ
 ﴿٣٠﴾ يَا قَوْمَنَا أَجِيبُوا دَاعِيَ اللَّهِ وَآمِنُوا بِهِ، يَعْفَرَ لَكُمْ مِّن
 ذُنُوبِكُمْ وَيُخْرِجَكُم مِّنْ عَذَابِ أَلِيمٍ ﴿٣١﴾ وَمَنْ لَا يُجِبْ دَاعِيَ اللَّهِ
 فَلَيْسَ بِمُعْجِزٍ فِي الْأَرْضِ وَلَيْسَ لَهُ مِن دُونِهِ أَوْلِيَاءُ أُولَٰئِكَ
 فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿٣٢﴾ أُولَٰئِكَ يَرَوْنَ أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ
 وَالْأَرْضِ وَلَمْ يَعْزِمْ بِخَلْقِهِنَّ بِقَدْرِ عَلَىٰ أَنْ يُحْيِيَ الْمَوْتَىٰ بَلَىٰ
 إِنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٣٣﴾ وَيَوْمَ يُعْرَضُ الَّذِينَ كَفَرُوا عَلَى النَّارِ
 أَلَيْسَ هَذَا بِالْحَقِّ قَالُوا بَلَىٰ وَرَبِّنَا قَالَ فَذُقُوا الْعَذَابَ بِمَا
 كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ ﴿٣٤﴾ فَأَصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُو الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ
 وَلَا تَسْتَعْجِلْ لَهُمْ كَانَتْهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَ مَا يُوعَدُونَ لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا
 سَاعَةً مِّن نَّهَارٍ بَلَّغٌ فَمَهْلُ يُهْلِكُ إِلَّا الْقَوْمَ الْفَاسِقُونَ ﴿٣٥﴾

سُورَةُ الْأَحْقَافِ

و یادکن چون به سوی تو جماعتی را از جن متوجه ساختیم قرآن را می شنیدند پس چون پیش پیامبر حاضر شدند بایکدیگر گفتند خاموش باشید پس چون تمام کرده شد بیم کنان به سوی قوم خود بازگشتند^(۵) (۲۹). گفتند ای قوم ما هر آینه ما کتابی را که فرود آورده شد بعد از موسی شنیدیم باور دارنده آنچه پیش از او بوده به سوی دین راست هدایت می کند و (نیز) به سوی راه راست (۳۰). ای قوم ما سخن دعوت کننده را به سوی خدا قبول کنید به او ایمان آورید تا خدا برای شما بعض گناهان شمارا بیا مرزد و شمارا از عذاب دردناک پناه دهد (۳۱). و هر که گفته دعوت کننده به خدا را قبول نکند پس در زمین عاجز کننده نیست و او را جز خدا دوستانی نیست آن جماعت در گمراهی ظاهرند (۳۲). آیا ندانستند اینکه خدایی که آسمان ها و زمین را آفریده است و مانده نشد در آفریدن آنها، توانست بر آنکه مُردگان را زنده کند آری چنین است هر آینه او بر هر چیز توانا است (۳۳). و روزی که کافران بر آتش پیش آورده شوند (گفته شود) آیا این وعده درست نیست، گویند آری قسم به پروردگار ما دُرست است گوید پس عقوبت را بسبب آنکه کافر بودید بچشید (۳۴). پس صبر کن چنانکه صاحبان همتِ عالی از پیامبران صبر کرده بودند عقوبت را برای ایشان به شتاب طلب مکن روزیکه آنچه وعده داده میشود ایشانرا ببینند چنانستی که ایشان^(۶) مگر یک ساعت از روز نمانده بودند این پیغام رسانیدن است پس جز قوم بدکاران هلاک کرده نخواهند شد (۳۵).

(۵) مترجم گوید چند کس از جن پیش آنحضرت صلی الله علیه وسلم آمدند و آنحضرت صلی الله علیه وسلم در آن وقت نماز فجر می گذارد در بطن نخله پس ایشان قرآن استماع کردند چون بازگشتند به قوم خود آنان را انداز نمودند اشارت باین قصه است درین آیات.

(۶) یعنی دردناک.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ أَضَلَّ أَعْمَالَهُمْ ① وَالَّذِينَ
ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَءَامَنُوا بِمَا نَزَّلَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَهُوَ الْحَقُّ مِنْ
رَبِّهِمْ كَفَرَ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَأَصْلَحَ بَالَهُمْ ② ذَلِكَ بِأَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا
اتَّبَعُوا الْبَاطِلَ وَأَنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّبَعُوا الْحَقَّ مِنْ رَبِّهِمْ كَذَلِكَ يَضْرِبُ
اللَّهُ لِلنَّاسِ أَمْثَلَهُمْ ③ فِإِذَا لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا فَضَرْبِ الرِّقَابِ حَتَّى
إِذَا أَتَخْتَمُوهُمْ فَشُدُّوا الْوَتَاقَ فَمَا مَتَابَعِدُ وَمَا فِدَاءٌ حَتَّى تَضَعَ الْحَرْبُ
أُوزَارَهَا ذَلِكَ وَلَوْ يَشَاءُ اللَّهُ لَانتَصَرْنَا مِنْهُمْ وَلَكِنْ لِيَبْلُوَ بَعْضَكُمْ
بِبَعْضٍ وَالَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَلَنْ يُضِلَّ أَعْمَالَهُمْ ④ سِيَّهْدِيهِمْ
وَيُضِلَّحُ بَالَهُمْ ⑤ وَيُدْخِلُهُمُ الْجَنَّةَ عَرَّفَهَا لَهُمْ ⑥ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ
ءَامَنُوا إِن تَنصُرُوا اللَّهَ يَنصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ ⑦ وَالَّذِينَ كَفَرُوا
فَعَسَىٰ لَهُمْ وَعْظٌ مِّنْ لَّدُنِّي أَنْزَلَهُمْ ⑧ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَرِهُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ
فَأَحْبَطَ أَعْمَالَهُمْ ⑨ * أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ
عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ دَمَّرَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَلِلْكَافِرِينَ أَمْثَلُهَا ⑩ ذَلِكَ
بِأَنَّ اللَّهَ مَوْلَى الَّذِينَ ءَامَنُوا وَأَنَّ الْكَافِرِينَ لَمَوْلَىٰ لَهُمْ ⑪

سوره محمد مدنی است و آن سی و هشتم
آیه و چهار رکوع است

بنام خدای بخشاینده مهربان.

آنانکه کافر شدند مردمان را از راه خدا بازداشتند خدا اعمال ایشانرا تباه و برباد کرد (۱).
و آنانکه ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند و به آنچه فرود آورده شد بر محمد (صلی
الله علیه وسلم) و اینکه آن حق است از پروردگار ایشان آمده معتقد شدند جرمهای ایشانرا
از ایشان دور ساخت و حال ایشان را بصلاح آورد (۲). این بسبب آنست که کافران از باطل
پیروی کردند و مومنان دین راست را که از جانب پروردگار ایشانست پیروی کردند
همچنین خدا برای مردمان داستانهای ایشان را بیان میکند (۳). پس چون با کافران برخورد
کنید پس گردن هارا تا وقتیکه چون خونریزی بسیار کردید در ایشان بزنید پس قید را محکم
کنید پس بعد ازین به احسان خلاص کردن است و یامالی به عوض گرفتن تا آنکه (أهل)
جنگ سلاح خود را^(۱) بنهد اینست حکم و اگر خدا میخواست خود از ایشان انتقام
میگرفت ولیکن میخواهد که بعض شمارا به بعضی امتحان کند و آنانکه کشته شدند در راه
خدا پس عمل ایشان را برباد نخواهد کرد (۴). ایشانرا راه خواهد نمود و حال ایشانرا نیک
خواهد کرد (۵). و ایشان را به بهشتی که شناسانیده است ایشان را به آن در خواهد آورد
(۶). ای مسلمانان اگر دین خدا را نصرت دهید خدا شمارا نصرت دهد و قدمهای شمارا
ثابت کند (۷). و آنانکه کافر شدند پس ایشان را هلاکی باد و خدا اعمال ایشان را برباد کرد
(۸). این بسبب آنست که ایشان چیزی را که فرود آورده است خدا ناپسند کردند پس خدا
اعمال ایشانرا برباد کرد (۹). آیا در زمین نگشته اند تا بنگرند چگونه بود انجام آنانکه پیش
از ایشان بودند خدا ایشان را نابود ساخت و برای کافران چند مانند این عقوبت است
(۱۰). این بسبب آنست که خدا کار ساز مسلمانان است و بسبب آنست که کافران راهیچ
کار سازی ایشانرا نیست (۱۱).

(۱) یعنی جنگ موقوف شود و احتیاج سلاح نماند والله اعلم.

إِنَّ اللَّهَ يَدْخُلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ
 تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يَتَمَتَّعُونَ وَيَأْكُلُونَ كَمَا تَأْكُلُ الْأَنْعَامُ
 وَالنَّارُ مَثْوًى لَهُمْ ﴿١٢﴾ وَكَأَيِّن مِّن قَرْيَةٍ هِيَ أَشَدُّ قُوَّةً مِّن قَرْيَتِكَ
 الَّتِي أَخْرَجْتِكَ أَهْلَكَ اللَّهُمَّ فَلَا نَاصِرَ لَهُمْ ﴿١٣﴾ أَمَّن كَانَ عَلَى بَيْنَةٍ مِّن
 رَبِّهِ كَمَن زِين لَّهُ، وَسُوءَ عَمَلِهِ، وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ ﴿١٤﴾ مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي
 وَعَدَ الْمُتَّقُونَ فِيهَا أَنْهَارٌ مِّن مَّاءٍ غَيْرِ آسِنٍ وَأَنْهَارٌ مِّن لَّبَنٍ لَّمْ يَتَغَيَّرْ
 طَعْمُهُ، وَأَنْهَارٌ مِّن خَمْرٍ لَّذَّةٍ لِلشَّرِيبِ، وَأَنْهَارٌ مِّن عَسَلٍ مُّصَفًّى وَلَهُمْ
 فِيهَا مِن كُل الثَّمَرَاتِ وَمَغْفِرَةٌ مِّن رَّبِّهِمْ كَمَن هُوَ خَالِدٌ فِي النَّارِ وَسُقُوا
 مَاءً حَمِيمًا فَقَطَّعَ أَمْعَاءَهُمْ ﴿١٥﴾ وَمِنْهُمْ مَّن يَسْتَمِعُ إِلَيْكَ حَتَّى إِذَا
 خَرَجُوا مِنْ عِنْدِكَ قَالُوا لِلَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مَاذَا قَالَ آنفًا أُولَئِكَ
 الَّذِينَ طَبَعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ ﴿١٦﴾ وَالَّذِينَ اهْتَدَوْا
 زَادَهُمْ هُدًى وَآتَاهُمْ تَقْوَاهُمْ ﴿١٧﴾ فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ
 أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً ۖ فَقَدْ جَاءَ أَشْرَاطُهَا فَأَنَّى لَهُمْ إِذَا جَاءَتْهُمْ
 ذِكْرُهُمْ ﴿١٨﴾ فَأَعْلَمَ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاسْتَغْفَرَ لِذَنْبِكَ
 وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مُتَقَلِّبِكُمْ وَمَثْوَلَكُمْ ﴿١٩﴾

هر آینه خدا آنان را که ایمان آورده اند و کارهای شایسته کرده اند به بوستانهایی که می‌رود زیر آن‌ها جویها داخل می‌کند و آنانکه کافر شدند بهره برمیگیرند و می‌خورند چنانکه چهارپایان می‌خورند و آتش جای ایشانست (۱۲). و چه بسیار ازده‌ها که قوی تر بود ازده تو که تو را جلا و وطن کرد ایشانرا هلاک ساختیم پس هیچ نصرت دهنده ای برای ایشان نبود (۱۳). آیا کسیکه بر طریقه روشن باشد از پروردگار خویش مانند آن کس است که آراسته کرده شد در نظر اوبدکاریش و خواهش های خود را پیروی کرده است (۱۴). صفت بهشتی که متقیانرا وعده داده شد اینست که در آن بهشت جویها است از آب که بدیرماندگی متغیر نشده و جویها است از شیر که مزه او برنگشته و جویها است از می آشامندگان را لذت بخش و جویها است از غسل صاف کرده شده و برای ایشان آن جا از هر جنس میوه ها است و برای ایشان آمرزش از پروردگار ایشان است (آیاین جماعت) مانند آنست که همیشه در آتش باشد و آب گرم نوشانیده شوند پس روده های ایشانرا پاره پاره ساخت (۱۵). و (۲) از مردمان کسی هست که به سوی تو گوش می نهد تا وقتیکه چون از نزد تو بیرون روند گویند به آنانکه ایشانرا علم عطا کرده شد چه چیز گفت پیامبر الحال آن جماعت آنانند که خدا بردل های ایشان مَهر نهاده است و خواهش های نفس های خود را پیروی کردند (۱۶). و کسانی که راه یاب شدند خدا بر هدایت ایشان افزود و تقوای ایشانرا به آنان عنایت کرد (۱۷). پس منتظر نیستند مگر قیامت را که بدیشان نا گهان بیاید پس به درستی که علامات قیامت آمده است پس از کجبرای ایشان پند گرفتن باشد و وقتیکه قیامت ایشان بیاید (۱۸). پس یقین کن که هیچ معبودی برحق مگر خدا نیست و برای گناهان خود آمرزش طلب کن و برای مردان مسلمان و زنان مسلمان نیز و خدا جای آمدورفت شما را و جای ماندن شما را (۳) میداند (۱۹).

(۲) مترجم گوید از این جاتا آخر سوره در باب تهدید مردم ضعیف الایمان نازل شد.

(۳) حاصل این آیات ذم آن شخص است که بمجلس علم درآید و بفهم حقیقت آن نرسد بسبب هجوم هوای نفس بردل او محتاج استفسار دیگران گردد و مثل این شخص را تخویف است بقیامت والله اعلم.

وَيَقُولُ الَّذِينَ ءَامَنُوا لَوْلَا نُزِّلَتْ سُورَةٌ فَإِذَا أُنزِلَتْ سُورَةٌ
 مُحْكَمَةٌ وَذُكِرَ فِيهَا الْقِتَالُ رَأَيْتَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ
 يُظُرُونَ إِلَيْكَ نَظَرَ الْمَغْشَى عَلَيْهِ مِنَ الْمَوْتِ فَأُولَئِكَ لَهُم
 طَاعَةٌ وَقَوْلٌ مَعْرُوفٌ فَإِذَا عَزَمَ الْأَمْرُ فَلَوْ صَدَقُوا اللَّهَ
 لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ ﴿٣١﴾ فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا
 فِي الْأَرْضِ وَتَقَطَّعُوا أَرْحَامَكُمْ ﴿٣٢﴾ أُولَئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ
 اللَّهُ فَأَصَمَّهُمْ وَأَعَمَّى أَبْصَرَهُمْ ﴿٣٣﴾ أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْفُرْقَةَ
 الَّتِي بَيْنَ قُلُوبِ أَهْلِهَا ﴿٣٤﴾ إِنَّ الَّذِينَ أُرْتَدُّوا عَلَىٰ أَدْبَارِهِمْ
 مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَىٰ الشَّيْطَانُ سَوَّلَ لَهُمْ وَأَمَلَىٰ
 لَهُمْ ﴿٣٥﴾ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لِلَّذِينَ كَرِهُوا مَا نَزَّلَ اللَّهُ
 سَنُطِيعُكُمْ فِي بَعْضِ الْأَمْرِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِسْرَارَهُمْ ﴿٣٦﴾
 فَكَيْفَ إِذَا تَوَفَّتْهُمُ الْمَلَائِكَةُ يَضْرِبُونَ وُجُوهَهُمْ
 وَأَدْبَارَهُمْ ﴿٣٧﴾ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ اتَّبَعُوا مَا آسَخَطَ اللَّهُ
 وَكَرِهُوا رِضْوَانَهُ فَاحْبَطَ أَعْمَالَهُمْ ﴿٣٨﴾ أَمْ حَسِبَ
 الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ أَنْ لَنْ يُخْرِجَ اللَّهُ أَضْغَانَهُمْ ﴿٣٩﴾

و مسلمانان میگویند چرا سوره ای فر فرستاده نشد؟ پس چون فرستاده شود سوره ای؟ واضح المعنی و دران قتال ذکر کرده شود بینی آنان را که دردل های ایشان بیماری است می نگرند به سوی تو مانند نظر کردن کسیکه او را بسبب حضور موت بیهوشی رسیده باشد پس وای برای ایشان (۲۰). (حال ایشان بحسب ظاهر) فرمانبرداری و سخن نیکوگفتن است پس چون کار مصمم شود، اگر وعده خود را با خدا راست کردند برای ایشان بهتر بودی (۲۱). پس ای ضعیف ایمانان اگر متولی امور مردمان شوید البته نزدیک آید از آنکه در زمین تباه کاری کنید و قطع قبیله داری نمایید (۲۲). این جماعت آنانند که ایشانرا خدا لعنت کرد پس ایشانرا کر ساخت و چشمهای ایشانرا کور کرد (۲۳). آیا در قرآن تأمل نمی کنند یا بردلها قفلهای آنهاست (۲۴). هر آینه آنانکه بر جانب پشت های خویش برگشتند پس از آنکه برای ایشان راه هدایت ظاهر شد شیطان برای ایشان آراسته کرده است و ایشانرا مهلت داده است (۲۵). این همه بسبب آنست که ایشان گفتند با آنانکه ناپسند کرده اند چیزی را که خدا فرستاده است^(۴) فرمانبرداری شما در بعض کارها خواهیم کرد و خدا سخن پنهان گفتن ایشانرا میداند (۲۶). پس چگونه باشد حال وقتی که فرشتگان قبض روح ایشان کنند روی های ایشانرا و پشتهای ایشانرا میزنند (۲۷). این عقوبت بسبب آنست که ایشان پیروی چیزی کردند که خدا را بخشم آورد و خوشنودی او را ناپسند کردند پس خدا اعمال ایشانرا ضایع کرد (۲۸). آیا پنداشته اند آنانکه دردلهای ایشان بیمار است که خدا کینه های ایشانرا ظاهر نخواهد کرد (۲۹).

(۴) یعنی منافقان یا بیهود.

وَلَوْ نَشَاءُ لَأَرَيْنَاكُمْهُمْ فَلَعَرَفْتَهُمْ بِسِيمَاهُمْ وَلَتَعْرِفَنَّهُمْ فِي
 لَحْنِ الْقَوْلِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ أَعْمَالَكُمْ ﴿٣٠﴾ وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ حَتَّى نَعْلَمَ
 الْمُجَاهِدِينَ مِنْكُمْ وَالصَّابِرِينَ وَتَبَلَّوْا أَخْبَارَكُمْ ﴿٣١﴾ إِنَّ الَّذِينَ
 كَفَرُوا وَصَدُّوا عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَشَاقُّوا الرَّسُولَ مِن بَعْدِ
 مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَىٰ لَن يَضُرُّوا اللَّهَ شَيْئًا وَسَيُحِطُّ بِأَعْمَالِهِمْ
 ﴿٣٢﴾ * يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ
 وَلَا تَبْطُلُوا أَعْمَالَكُمْ ﴿٣٣﴾ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَن سَبِيلِ
 اللَّهِ ثُمَّ مَا تَوَّأَوْا وَهُمْ كُفَّارٌ فَلَن يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ ﴿٣٤﴾ فَلَا تَهِنُوا
 وَتَدْعُوا إِلَى السَّلَامِ وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ وَاللَّهُ مَعَكُمْ وَلَن يَتَرَكُمْ
 أَعْمَالَكُمْ ﴿٣٥﴾ إِنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌّ وَلَهُوَ وَإِن تَوَّابُونَ وَتَتَّقُوا
 بُيُوتَكُمْ أَجُورَكُمْ وَلَا تَسْأَلْكُمْ أَمْوَالِكُمْ ﴿٣٦﴾ إِن يَسْأَلْكُمْوهَا
 فَيُحْفِكُمْ تَبَخَّلُوا وَبُخْرٍ أَضْعَفُكُمْ ﴿٣٧﴾ هَٰأَنْتُمْ هَٰؤُلَاءِ
 تَدْعُونَ لِنُفْسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَمِنْكُمْ مَّن يَبْخُلُ وَمَن يَبْخُلُ
 فَإِنَّمَا يَبْخُلُ عَن نَفْسِهِ وَاللَّهُ الْغَنِيُّ وَأَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ وَإِن
 تَتَوَلَّوْا يَسْتَبَدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَلَكُمْ ﴿٣٨﴾

وا گرمیخواستیم ایشان را بتو نشان می دادیم پس ایشانرا به قیافهٔ ایشان می شناختی^(۵) والبتہ ایشانرا در اسلوبِ سخن می شناسی و خدا اعمال شمارا میداند (۳۰). والبتہ شمارا امتحان کنیم تا مجاهدان را از شما و صابران را بشناسیم واحوال شمارا بیازماییم (۳۱). هر آئینه آنانکه کافر شدند و از راه خدا بازداشتند و با پیامبر بعد از آنکه راه هدایت برای ایشان واضح شد مخالفت کردند خدارا هیچ زیان نرسانند و خدا عملهای ایشانرا تباه خواهد کرد (۳۲). ای مسلمانان خدارا فرمان برید و پیامبر را فرمان برید عملهای خود را^(۶) باطل مکنید (۳۳). هر آئینه آنانکه کافر شدند و از راه خدا بازداشتند باز میگردند در حالیکه ایشان کافر بودند پس هرگز خدا ایشان را نخواهد آمرزید (۳۴). پس سستی نکنید و به سوی صلح نخوانید و شما باید غالب و خدا با شما است و هرگز عملهای شمارا ضایع نخواهد ساخت (۳۵). جزاین نیست که زندگانی دنیا بازیست و بیهودگی است و اگر ایمان آورید و پرهیزگاری کنید مزدهای شمارا به شما بدهد از شما مالهای شمارا نمی طلبد^(۷) (۳۶). اگر از شما مالهای شمارا بطلبد پس مبالغه کند در سوال آنگاه بخل کنید و آن بخل کینه های شمارا بیرون آورد (۳۷). آگاه شوید شما ای جماعت که خوانده میشوید تا در راه خدا خرج کنید پس از شما کسی هست که بخل میکند^(۸) و هر که بخل می کند جزاین نیست که بر خویشتن بخل میکند و خداتوانگر است و شما محتاجید و اگر رویگردان شوید گروهی دیگر را غیر از شما بدَل می آورد باز آن جماعت مانند شما نباشند (۳۸).

(۵) یعنی ظلمت نفاق بر روی ایشان هویدا می شد والله اعلم.

(۶) یعنی به ارتداد و به ریبا و سمعه.

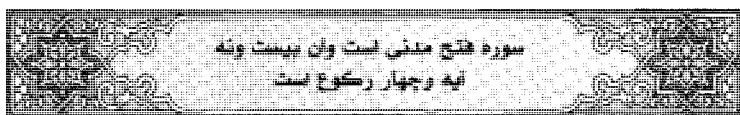
(۷) یعنی جمیع مال را.

(۸) یعنی منفعت انفاق را از خود باز میدارد.

سورة الفتح

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا ① لِيَغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ
 وَمَا تَأَخَّرَ وَيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَيَهْدِيَكَ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا ②
 وَيَنْصُرَكَ اللَّهُ نَصْرًا عَظِيمًا ③ هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ
 الْمُؤْمِنِينَ لِيَزِدَّهُمْ إِيمَانًا مَعَ إِيمَانِهِمْ وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَوَاتِ
 وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا ④ لِيَدْخُلَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ
 جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَيُكَفِّرُ عَنْهُمْ
 سَيِّئَاتِهِمْ وَكَانَ ذَلِكَ عِنْدَ اللَّهِ فَوْزًا عَظِيمًا ⑤ وَيُعَذِّبُ
 الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ الظَّالِمِينَ
 يَا اللَّهُ ظَنِبَ السَّوْءِ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوْءِ وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ
 وَلَعَنَهُمْ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا ⑥ وَلِلَّهِ جُنُودُ
 السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا ⑦ إِنَّا
 أَرْسَلْنَاكَ شَهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا ⑧ لِتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ
 وَتُعْزِزُوهُ وَتُقَرِّبُوهُ وَتُحِبُّوه بُكْرَةً وَأَصِيلًا ⑨



بنام خدای بخشاینده مهربان.

هرآئینه ما برای تو فتح ظاهر و آشکاری رافراهم ساخته ایم^(۱) (۱). عاقبت فتح آنست که خدا تورا آنچه که سابق گذشت ازگناه تو و آنچه پس مانده است بیامرزد و نعمت خود را بر تو تمام کند و تا تورا راه راست بنماید (۲). و تا خدا تورا به نصرت قوی نصرت دهد (۳). اوست آنکه اطمینان را در دل های مسلمانان فرود آورد تا ایمان ایشان با ایمان سابق ایشان زیاده شود و لشکرهای آسمان ها وزمین برای خدا است خدا دانای باحکمت است (۴). عاقبت نزول سکینه آنست که مردان مسلمان را و زنان مسلمان را در آورد به بوستانهاییکه زیر آنها جویها میرود جاویدان آنجا و از ایشان جرمهای ایشان را زایل کند و این امر نزد خدا پیروزی بزرگ است (۵). و تا مردان منافق و زنان منافق را و مردان مشرک و زنان مشرک را که گمان کنند هاند بر خدا گمان بد عذاب کند برایشان باد مصیبت بد و خدا برایشان بخشم آمد و ایشانرا لعنت کرد و برای ایشان دوزخ را آماده ساخت و دوزخ بد جایگاهی است (۶). لشکرهای آسمانها وزمین از آن خدا است و خدا غالب باحکمت هست (۷). هرآئینه ما تورا اظهار حق کننده و بشارت دهنده و ترساننده فرستادیم (۸). تا ای مسلمانان به خدا و رسول او ایمان آورید تا دین خدا را نصرت دهید و به بزرگی او اعتقاد کنید و او را بامداد و شامگاه بپاکی یاد کنید (۹).

(۱) مترجم گوید آنحضرت صلی الله علیه و سلم بخواب دیدند که گویا آنحضرت با اصحابش در مکه داخل شدند و به اطمینان خاطر بحلق و قصر مشغول اند پس آن سال بقصد عمره متوجه کعبه شدند و چون بحدیبه رسیدند کفار قریش از وصول کعبه جلوگیری کردند و بعد از تشویش بسیار با کفار صلح کرده بغیر از زیارت کعبه بازگشتند خدای تعالی آن عمل را از ایشان قبول فرمود از آن بیعت که در اثنای تشویش بجهت تاکید عزم با آنحضرت صلی الله علیه و سلم کرده بودند راضی شده بثواب آن عمل فتوح بسیار نصیب ایشان گردانید بخصوص فتح خیبر که بعد ازین سفر بلا تراخی واقع شده بود و غنایم خیبر را مخصوص بحاضران بیعت گردانید و غیرایشانرا از آن غزوه منع نمود و مضمون رؤیاسال آینده بظهور رسید پس در باب وعده فتوح ورد شبهه منافقان بسبب تعویق مضمون رؤیا و بیان حکمت تعویق و تهدید متخلفان از سفر حدیبیه و بیان خوشنودی خود را به اهل بیعت این سوره را نازل فرمود و الله اعلم.

إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ
 أَيْدِيهِمْ فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَىٰ نَفْسِهِ ۗ وَمَنْ أَوْفَىٰ
 بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَمَّا يَشَاءُ اللَّهُ فَسَيُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا ﴿١٠﴾ سَيَقُولُ
 لَكَ الْمُخَلَّفُونَ مِنَ الْأَعْرَابِ شَغَلَتْنَا أَمْوَالُنَا وَأَهْلُونَا
 فَاسْتَغْفِرْ لَنَا يَقُولُونَ بِالسِّنْتِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ قُلْ
 فَمَنْ يَمْلِكُ لَكُمْ مِنْ اللَّهِ شَيْئًا إِنْ أَرَادَ بِكُمْ ضَرًّا أَوْ أَرَادَ بِكُمْ
 نَفْعًا بَلْ كَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا ﴿١١﴾ بَلْ ظَنَنْتُمْ أَن لَّنْ
 يَنْقَلِبَ الرَّسُولُ وَالْمُؤْمِنُونَ إِلَىٰ أَهْلِيهِمْ أَبَدًا وَزِينَ ذَلِكَ فِي
 قُلُوبِكُمْ وَظَنَنْتُمْ ظَنَّ السَّوْءِ وَكُنْتُمْ قَوْمًا بُورًا ﴿١٢﴾ وَمَنْ لَّمْ يُؤْمِنْ
 بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ فَإِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَعِيرًا ﴿١٣﴾ وَلِلَّهِ مُلْكُ
 السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ يَغْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ
 وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا ﴿١٤﴾ سَيَقُولُ الْمُخَلَّفُونَ إِذَا
 انطَلَقْتُمْ إِلَىٰ مَغَانِمَ لِتَأْخُذُوهَا ذَرُونَا نَتَّبِعْكُمْ يُرِيدُونَ
 أَن يُبَدِّلُوا كَلِمَ اللَّهِ قُلْ لَن تَتَّبِعُونَا كَذَلِكُمْ قَالَ اللَّهُ مِنْ قَبْلُ
 فَسَيَقُولُونَ بَلْ نَحْسُدُ النَّبَالَ كَانُوا لَا يَفْقَهُونَ إِلَّا قَلِيلًا ﴿١٥﴾

هرآئینه آنان که باتو بیعت میکنند جز این نیست که باخدا بیعت میکنند دست خداست بالای دست های ایشان پس هرکه عهد بشکنند پس جز این نیست که بضرر نفس خود می شکند و هرکه آنچه را که بر آن باخدا عهد کرده است تمام کند پس خواهد او را پاداش بزرگ داد (۱۰). پس ماندگان از اعراب^(۲) باتو خواهند گفت ما را اموال ما و فرزندان ما مشغول کرد پس برای ما طلب آموزش کن، به زبان های خود میگویند آنچه در دل های ایشان نیست بگو اگر خدا اراده کند ضرری به شما برساند یا نفعی به شما برساند چه کسی می تواند از خدا چیزی مانع شود بلکه خدا به آنچه می کنید خبردار هست (۱۱). نه بلکه گمان کردید که پیامبر و مسلمانان به سوی اهل خانه^۳ خویش هرگز باز نخواهد گشت و این گمان در دل های شما آراسته کرده شد و گمان کردید گمان بد و قومی هلاک شده گشتید (۱۲). و هر کسی که بخدا و پیامبر او ایمان نیاورد پس هرآئینه ما برای این کافران آتش را آماده کرده ایم (۱۳). و پادشاهی آسمان ها و زمین برای خدا است هرکه را خواهد می آرزود و هرکه را خواهد عذاب میکند و خدا آمرزگار مهربان است (۱۴). پس ماندگان خواهند باتو گفت وقتیکه به سوی غنیمت ها روانه شوید^(۳) تا آنرا بدست آورید بگذارید ما را تا از پی شمارویم می خواهند که وعده^۳ خدا را مخالفت کنند بگو پیروی ما نخواهید کرد خدا پیش ازین همچنین فرموده است پس خواهند گفت نه بلکه با ما حسد میکنید بلکه همیشه مگر اندکی نمی فهمیدند (۱۵).

(۲) یعنی آنانکه در سفر حدیبیه موافقت نکردند والله اعلم.

(۳) یعنی غنیمت های خیبر.

قُلْ لِلْمُخَلَّفِينَ مِنَ الْأَعْرَابِ سُدُّ عَوْنٍ إِلَى قَوْمٍ أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ
 نَقَلْتُمُوهُمْ أَوْ يُسَامُونَ ۖ فَإِنْ طَطِيعُوا يُؤْتِكُمُ اللَّهُ أَجْرًا حَسَنًا
 وَإِنْ تَوَلَّوْا كَمَا تَوَلَّيْتُمْ مِنْ قَبْلُ يُعَذِّبْكُمْ عَذَابًا أَلِيمًا ﴿١٦﴾ لَيْسَ
 عَلَى الْأَعْمَى حَرْجٌ وَلَا عَلَى الْأَعْرَجِ حَرْجٌ وَلَا عَلَى الْمَرِيضِ حَرْجٌ
 وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا
 الْأَنْهَارُ ۖ وَمَنْ يَتَوَلَّ يُعَذِّبْهُ عَذَابًا أَلِيمًا ﴿١٧﴾ * لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ
 عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي
 قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَثَبَهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا ﴿١٨﴾ وَمَعَانِمَ
 كَثِيرَةً يَأْخُذُ وَنَهَاكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا ﴿١٩﴾ وَعَدَّكُمْ اللَّهُ
 مَعَانِمَ كَثِيرَةً تَأْخُذُ وَنَهَاكَانَ لَكُمْ هَذِهِ ۖ وَكَفَّ أَيْدِي
 النَّاسِ عَنْكُمْ وَلِتَكُونَ آيَةً لِلْمُؤْمِنِينَ وَيَهْدِيَكُمْ صِرَاطًا
 مُسْتَقِيمًا ﴿٢٠﴾ وَأُخْرَى لَمْ تَقْدِرُوا عَلَيْهَا قَدْ أَحَاطَ اللَّهُ بِهَا
 وَكَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرًا ﴿٢١﴾ وَلَوْ قَاتَلَكُمْ الَّذِينَ
 كَفَرُوا لَوَلَّوْا الْأَدْبُرَ ثُمَّ لَا يُجِدُونَ وِلْيَاءَ وَلَا نَصِيرًا ﴿٢٢﴾ سُنَّةَ
 اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا ﴿٢٣﴾

بگو (یا محمد) پس ماندگان را از اعراب که شما به سوی کارزار قومی جنگجوی نیرومند خوانده خواهید شد ^(۴) که جنگ کنید با ایشان یا آنکه مسلمان شوند پس اگر فرمانبرداری کنید خدا شما را پاداش بدهد و اگر رویگردان شوید چنانکه پیش ازین رویگردان شده بودید خدا شما را عذاب دهد عذاب درد ناک ^(۱۶). برنابینا گناهی نیست و نه برلنگ گناهی و نه برییمار گناهی است ^(۵) و هر کس که خدا و رسول او را فرمان برد به بوستانهایی که میرود زیر آن ها جویها در آوردش و هر که رویگردان شود عذاب کند او را به عذاب درد ناک ^(۱۷). هر آئینه خدا از مسلمانان وقتیکه باتوزیر درخت بیعت میکردند خوشنود شد پس آنچه درد های ایشانست معلوم ساخت پس اطمینان بر دل ایشان فرود آورد و ایشان را فتحی نزدیک ثواب داد ^(۱۸). و غنیمت های بسیار که آنرا بدست آورند ^(۶) و خدا غالب با حکمت هست ^(۱۹). خدا شما را غنیمت های بسیار که بدست آورید آنها را وعده داده است پس برای شما این غنیمت را ^(۷) زود عطا کرد دست های مردمان را از شما بازداشت ^(۸) و تا برای مسلمانان نشانه ای باشد و تا خدا شما را راه راست بنماید ^(۹) ^(۲۰). و خدا غنیمت های دیگر نیز وعده داد که هنوز بر آن دست نیافته اید به تحقیق خدا آنها را دانسته است خدا بر همه چیز توانا ^(۱۰) هست ^(۲۱). و اگر کافران باشما جنگ میکردند البته پشتها را به سوی شما میگردانیدند باز کار سازی نمی یافتند و نه نصرت دهنده ای ^(۲۲). مانند آیین خدا که گذشته است پیش ازین و آیین خدارا تبدیلی نخواهی یافت ^(۲۳).

(۴) یعنی فارس و روم و این معنی در زمان حضرت ابوبکر و حضرت عمر رضی الله عنهما متحقق شد والله اعلم.

(۵) یعنی در تخلف از مثل این سفر والله اعلم.

(۶) یعنی غنائم خیبر و غیره.

(۷) یعنی غنائم خیبر.

(۸) یعنی در حدیبیه.

(۹) یعنی کفار قریش جمع شدند که با آن حضرت صلی الله علیه وسلم تشویشی رسانند خدای تعالی دست ایشان را

از قتال باز داشت و قضیه را بصلح انجامید.

(۱۰) یعنی غنائم فارس و روم.

وَهُوَ الَّذِي كَفَّ أَيْدِيَهُمْ عَنْكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ عَنْهُمْ بِبَطْنِ مَكَّةَ مِنْ
 بَعْدِ أَنْ أَظْفَرَكُمْ عَلَيْهِمْ وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا ﴿٤٤﴾
 هُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ
 وَالْهَدْيِ مَعَكُوفًا أَنْ يَبْلُغَ مَجَلَّهُ. وَلَوْلَا رِجَالٌ مُؤْمِنُونَ وَنِسَاءٌ
 مُؤْمِنَاتٌ لَمَّا تَعَلَّمُوا هُمْ أَنْ تَطُوهُمْ فَتَضَيَّبَكُمْ مِنْهُمْ مَعَرَّةٌ
 بِغَيْرِ عِلْمٍ لِيَدْخُلَ اللَّهُ فِي رَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ لَوْ تَزَيَّلُوا لَعَذَّبْنَا
 الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا ﴿٤٥﴾ إِذْ جَعَلَ الَّذِينَ كَفَرُوا
 فِي قُلُوبِهِمُ الْحَمِيَّةَ حَمِيَّةَ الْجَاهِلِيَّةِ فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ
 عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَلْزَمَهُمْ كَلِمَةَ التَّقْوَى
 وَكَانُوا أَحَقَّ بِهَا وَأَهْلَهَا وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا ﴿٤٦﴾
 لَقَدْ صَدَقَ اللَّهُ رَسُولَهُ الرُّءْيَا بِالْحَقِّ لَتَدْخُلَنَّ الْمَسْجِدَ
 الْحَرَامَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ ءَامِنِينَ مُحَلِّقِينَ رُءُوسِكُمْ وَمُقَصِّرِينَ
 لَا تَخَافُونَ فَعَلِمَ مَا لَمْ تَعْلَمُوا فَجَعَلَ مِنْ دُونِ ذَلِكَ
 فَتْحًا قَرِيبًا ﴿٤٧﴾ هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ
 الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا ﴿٤٨﴾

واوست آنکه دست های کافران را از شما و دست های شمارا از کافران بازداشت در میان مکه بعد از آنکه شمارا برایشان پیروزمند ساخت و خدا به آنچه می کنید بینا هست (۱۱)

(۲۴). این کفار قریش آناند که کافر شدند و شمارا از مسجد حرام بازداشتند و قربانی را از آنکه برسد به جای خود بازداشتند و اگر مردانِ مسلمان و زنانِ مسلمان نبودند که نمیدانید ایشان را (اگر نبودى خوف آنکه) ایشانرا پامال و هلاک سازید پس به شما گناهی بغير دانست (۱۲) میرسد خدا (فتح را مؤخر کرد) تا که هر که را خواهد برحمتِ خود در آورد اگر ازشم جدا می بودند (این هردو فریق) البته کافران را عذاب می کردیم عذاب دردناک (۲۵). آنگاه که کافران در دل های خویش غیرت را از جنس غیرت جاهلیت مصمم کردند پس خدا اطمینان خود را بر پیامبر خود و بر مسلمانان فرود آورد و برایشان سخن پرهیزگاری را ثابت کرد و سزاوار به آن و اهل آن بودند خدا بهر چیز دانا (۱۳) هست (۲۶). هر آئینه خدا خواب پیامبر خود را مطابق واقع تحقق بخشید به این مضمون که البته به مسجد حرام اگر خدا بخواهد ایمن شده موی سرهای خود را تراشیده و کوتاه کرده بدون ترس داخل خواهید شد پس دانست آنچه شما ندانستید پس پیش ازین فتحی نزدیک را میسر کرد (۲۷). اوست آنکه پیامبر خود را به هدایت و دین راست فرستاد تا بر همه ادیان غالب کندش و خدا اظهار حق کننده بس است (۲۸).

(۱۱) تعریض است بآن قصه که بعد انعقاد صلح هفتاد تن از او بایش قریش خواستند که بیخبر بر صحابه هجوم آرند صحابه همه را اسیر کرده پیش آنحضرت صلی الله علیه و سلم آوردند آنحضرت عفو فرمود این ظاهر آنزد بنده ضعیف است و صحیح آنست که این آیت بشارتست بفتح مکه و آوردن لفظ ماضی از جهت تحقیق وقوع بشارتست والله اعلم.

(۱۲) یعنی تصدیق رؤیا بالفعل متحقق شدی و فتح عاجل میسر گشتی والله اعلم.

(۱۳) یعنی جماعتی از مسلمانان به این صلح خیلی ناراحت بودند ولی آخر الامر خدای تعالی اطمینان را بادل ایشان انداخت تا بمرضی آنحضرت صلی الله علیه و سلم رضا مند شدند والله اعلم.

مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ
 تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ
 فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي
 الْإِنْجِيلِ كَرَّعًا أَخْرَجَ شَطَطَهُ، فَفَازَهُ، فَاسْتَعْلَظَ فَاسْتَوَى
 عَلَى سَوْقِهِ، يُعْجِبُ الزَّرْعَ لِيَغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ
 ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا ﴿١٩﴾

سورة الحجرات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ اللَّهِ وَرَسُولِهِ، وَاتَّقُوا
 اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿١﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَرْفَعُوا
 أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ، بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ
 لِبَعْضٍ أَن تَحْبَطَ أَعْمَالِكُمْ وَأَنتُمْ لَا تَشْعُرُونَ ﴿٢﴾ إِنَّ الَّذِينَ
 يَغْضُوبُونَ أَصْوَاتَهُمْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ أُولَئِكَ الَّذِينَ امْتَحَنَ
 اللَّهُ قُلُوبَهُمْ لِلتَّقْوَى لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ ﴿٣﴾ إِنَّ الَّذِينَ
 يُنَادُونَكَ مِنْ وَرَاءِ الْحُجُرَاتِ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ ﴿٤﴾

محمد (صلی الله علیه وسلم) پیامبر خداست و آنانکه همراه اویند برکافران سخت اند در میان خود مهربان اند می بینی ایشان را رکوع کننده سجده نماینده فضل را از خدا و خوشنودی را می طلبند نشانه صلاح ایشان از اثر سجده در چهره های ایشان است آنچه مذکور میشود داستان ایشانست در تورات و داستان ایشان در انجیل مانند زراعتی هستند که شاخهای خود را برآورد پس آن را قوی کرد پس سطر شد پس بایستاد بر ساقهای خود زراعت کنندگان را ^(۱۴) بپشگفت می آورد تا بسبب دیدن ایشان کافرانرا بخشم آورد خدا آنرا که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند از ایشان آمرزش و پاداش بزرگ وعده داده است (۲۹).



بنام خدای بخشاینده مهربان^(*)

ای مسلمانان فراروی خدا و رسول او پیش دستی مکنید و از خدا بترسید هر آئینه خدا شنوای داناست (۱). ای مسلمانان آوازهای خود را بالای آواز پیامبر بلند مکنید و مانند بلند سخن گفتن شما با همدیگر با او بلند سخن مگویید برای احتراز از آنکه عمل های شما نابود شود و شما خبردار نباشید (۲). هر آئینه آنانکه آوازهای خود را نزد پیامبر خدا پست میکنند آن جماعت آنانند که خدادل های ایشانرا برای ظهور تقوی آزموده است ایشانرا آمرزش و پاداش بزرگ است (۳). هر آئینه آنانکه تورا از پس پشت حجره ها آواز میدهند اکثر ایشان نمی فهمند (۴).

(۱۴) حاصلی مثل آنست که اسلام در اول حال ضعیف بود و مسلمانان کم بودند رفته رفته غالب و بسیار شدند عاقبت حال غلبه اسلام آن است که خدای تعالی کافران را به خشم آرد.

(*) مترجم گوید خدای تعالی این سوره را برای تعلیم آداب فرود آورده که از حضرت پیامبر صلی الله علیه وسلم در امر و نهی پیشدستی نکنند و آنحضرت را با آواز بلند خطاب نکنند و اگر فاسق چیزی گوید بغیر تفتیش حال او امضای عزیمت نه نمایند که در نتیجه آن میان ایشان خانه جنگی واقع شود و نتوانند آنها را اصلاح کنند و روبروی به پشیمانی شوند و از استهزاء بایکدیگر و لقب بدنهادن و غیبت کردن و ظن بد کردن و بعلو نسب بردیگران فخر کردن منع کرد و وضعیف الایمان را برضعیف الایمان تنبیه فرمود و الله اعلم.

وَلَوْ أَنَّهُمْ صَبَرُوا حَتَّى تَخْرُجَ إِلَيْهِمْ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ
 رَّحِيمٌ ﴿٥﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَن
 تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهْلَةٍ فَتُصِبْحُوا عَلَىٰ مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ ﴿٦﴾
 وَأَعْلَمُوا أَن فِيكُمْ رَسُولَ اللَّهِ لَوْ يُطِيعُكُمْ فِي كَثِيرٍ مِّنَ الْأَمْرِ لَعَنِتُّمْ
 وَلَكِنَّ اللَّهَ حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ وَزَيَّنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ وَكَرَّهَ
 إِلَيْكُمُ الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ أُولَٰئِكَ هُمُ الرَّاشِدُونَ ﴿٧﴾
 فَضَلَا مِّنَ اللَّهِ وَنِعْمَةً وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿٨﴾ وَإِن طَافَيْتَانِ
 مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ أَقْتَلُوا فَاصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِن بَغَت إِحْدَاهُمَا
 عَلَى الْأُخْرَىٰ فَقْتِلُوا الَّتِي تَبَغَىٰ حَتَّىٰ تَقَىٰ إِلَىٰ أَمْرِ اللَّهِ فَإِن فَاءَتْ
 فَاصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ
 ﴿٩﴾ إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَاصْلِحُوا بَيْنَ أَخْوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ
 لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ﴿١٠﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِّن قَوْمٍ
 عَسَىٰ أَن يَكُونُوا خَيْرًا مِّنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِّن نِّسَاءٍ عَسَىٰ أَن يَكُنَّ خَيْرًا
 مِّنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِاللُّغَبِ بِئْسَ الْأَسْمُ
 الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَن لَّمْ يَتُبْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ﴿١١﴾

و اگر ایشان تا وقتی که به سوی ایشان بیرون می‌آمدی صبر می‌کردند برای ایشان بهتر می‌بود و خدا آمرزگار مهربانست^(۱) (۵). ای مسلمانان اگر پیش شما فاسقی خبری را بیاورد پس تحقیق کنید برای احتراز از آنکه قومی را بنادانی ضرر رسانید پس بر آنچه عمل کردید پشیمان شوید (۶). و بدانید که در میان شما رسول خدا است اگر فرمانبرد شما را در بسیاری از کارها برنج در افتید ولیکن خدا نزد شما ایمان را دوست گردانید و آنرا در دل‌های شما آراسته کرد، پیش شما کافر و فسق و نافرمانی را ناخوش گردانید این جماعت ایشانند راه یافتگان (۷). به فضل و نعمتی از سوی خدا و خدا دانای با حکمت است (۸). و اگر دو گروه از مسلمانان بایکدیگر جنگ کنند پس میان ایشان صلح کنید پس اگر تجاوز کرد یکی ازین دو گروه بردیگری پس با آن گروه که تجاوز میکند جنگ کنید تا آنکه به سوی حکم خدا رجوع کند پس اگر رجوع کرد پس میان ایشان با انصاف صلح کنید و داد دهید هر آینه خدا داد دهندگان را دوست میدارد (۹). جز این نیست که مسلمانان برادران یکدیگرند پس میان دو برادر خویش صلح کنید و از خدا بترسید تا بر شما رحم کرده شود (۱۰). ای مسلمانان گروهی گروهی دیگر را به ریشخند نگیرد احتمال است که آن گروه از ایشان در نفس الامر بهتر باشند و نه زنانی زانی دیگر را به ریشخند گیرد احتمال است که آن زنان از ایشان در واقع بهتر باشند و از همدیگر عیب جویی نکنید و یکدیگر را به لقب‌های بدمخوانید فاسقی بعد از ایمان آوردن بدانمی است و هر که توبه نکرد پس آن جماعت ایشانند ستمکاران^(۱۱).

(۱) مترجم گوید این تعریض است بحال قومی از بنی تمیم که بجهت مهمی پیش آنحضرت صلی الله علیه و سلم آمدند و چون در مسجد نیافتند و نمیدانستند که در کدام حجره تشریف دارند نزدیک حجره هاب‌آواز بلند صدا کردن را شروع کردند والله اعلم.

(۲) یعنی بگناهی که در جاهلیت کرده باشند بعد از اسلام نشان سندناباید ساخت.

يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ
 إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ
 يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ
 تَوَّابٌ رَّحِيمٌ ﴿١١﴾ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِّن ذَكَرٍ وَأُنثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ
 شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتَقْوَاهُ إِنَّ اللَّهَ
 عَلِيمٌ خَبِيرٌ ﴿١٢﴾ * قَالَتِ الْأَعْرَابُ ءَأَمَنَّا قُل لَّمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِن
 قُولُوا أَسْمَأْنَا وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيْمَنُ فِي قُلُوبِكُمْ وَإِنْ تُطِيعُوا اللَّهَ
 وَرَسُولَهُ لَا يَلِتْكُمْ مِّنْ أَعْمَالِكُمْ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿١٤﴾
 إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ ءَامَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا
 وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ هُمُ
 الصَّٰدِقُونَ ﴿١٥﴾ قُلْ أَتَعْلَمُونَ اللَّهَ بِدِينِكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا فِي
 السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿١٦﴾ يَمُنُونَ
 عَلَيْكَ أَنْ أَسْلَمُوا قُل لَّا تَمُنُّوا عَلَيَّ إِسْلَمَكُمْ بَلِ اللَّهُ يَمُنُّ
 عَلَيْكُمْ أَنْ هَدَىٰكُمْ لِلْإِيْمَنِ إِنْ كُنْتُمْ صٰدِقِينَ ﴿١٧﴾ إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ
 غَيْبَ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿١٨﴾



ای مسلمانان از بسیاری گمان بد احتراز کنید هر آئینه بعض بد گمانی گناه است و جاسوسی مکنید و بعضی از شما بعضی را غیبت نکنند آیا کسی از شما دوست میدارد که گوشت برادر خود را که مرده باشد بخورد پس آن را زشت می پندارید و از خدا بترسید هر آئینه خداتوبه پذیرنده^{۱۲} مهربانست (۱۲). ای مردمان هر آئینه شمارا از یک مرد و یک زن آفریدیم و شمارا جماعت‌ها و قبیله‌ها گردانیدیم تا بایکدیگر آشنا شوید هر آئینه گرامی ترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست هر آئینه خدا دانای خبردار است (۱۳). اعراب گفتند ایمان آوردیم بگوایمان بحقیقت نیاوردید ولیکن بگوید منقاد شده ایم و هنوز ایمان به دل‌های شما در نیامده است و اگر فرمانبرداری خدا و رسول او کنید شمارا از جزای اعمال شما چیزی کم ندهد هر آئینه خدا آموزگار مهربانست (۱۴). جزاین نیست که مومنان به حقیقت آنانند که ایمان بخدا و پیامبر او آوردند باز شک نکردند و با اموال خود و جان‌های خود در راه خدا جهاد نمودند آن جماعت ایشانند راست گویان (۱۵). بگو آیا خدا را به دین خود خبردار می‌کنید و خدا آنچه در آسمانها است و آنچه در زمین است میداند و خدا بهر چیز دانا است (۱۶). منت می نهند بر تو به آنکه مسلمان شده‌اند بگو بر من به اسلام خود منت منهد بلکه خدا بر شما به آنکه هدایت کرد شمارا به ایمان منت می نهد اگر راست گوهستید (۱۷). هر آئینه خدا پنهان آسمان ها و زمین را میداند و خدا بیناست به آنچه می‌کنید (۱۸).

سُورَةُ ق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ق وَالْقُرْآنِ الْمَجِيدِ ﴿١﴾ بَلْ عَجِبُوا أَنْ جَاءَهُمْ مُنذِرٌ مِنْهُمْ
 فَقَالَ الْكٰفِرُونَ هَذَا شَيْءٌ عَجِيبٌ ﴿٢﴾ أءِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا ذَلِكَ
 رَجَعٌ بَعِيدٌ ﴿٣﴾ قَدْ عَلِمْنَا مَا تَنْقُصُ الْأَرْضُ مِنْهُمْ وَعِنْدَنَا كِتَابٌ
 حَفِيظٌ ﴿٤﴾ بَلْ كَذَّبُوا بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ فَهُمْ فِي أَمْرٍ مَرِيجٍ ﴿٥﴾
 أَفَلَمْ يَنْظُرُوا إِلَى السَّمَاءِ فَوْقَهُمْ كَيْفَ بَنَيْنَاهَا وَزَيَّنَّاهَا
 وَمَا لَهَا مِنْ فُرُوجٍ ﴿٦﴾ وَالْأَرْضِ مَدَدْنَاهَا وَأَلْقَيْنَا فِيهَا رَواسِيَ
 وَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ ﴿٧﴾ تَبْصِرَةٌ وَذِكْرٌ لِكُلِّ عَبْدٍ
 مُنِيبٍ ﴿٨﴾ وَنَزَّلْنَا مِنْ السَّمَاءِ مَاءً مُبْرَكًا فَأَنْبَتْنَا بِهِ جَنَّاتٍ
 وَحَبَّ الْحَصِيدِ ﴿٩﴾ وَالنَّخْلَ بَاسِقَاتٍ لَهَا طَلْعٌ نَضِيدٌ ﴿١٠﴾ رِزْقًا
 لِلْعِبَادِ وَأَحْيَيْنَاهُ بِهِ بَلَدَةً مَيِّتًا كَذَلِكَ الْخُرُوجُ ﴿١١﴾ كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ
 قَوْمُ نُوحٍ وَأَصْحَابُ الرَّسِّ وَثَمُودُ ﴿١٢﴾ وَعَادٌ وَفِرْعَوْنُ وَإِخْوَانُ
 لُوطٍ ﴿١٣﴾ وَأَصْحَابُ الْأَيْكَةِ وَقَوْمُ بُعْ كُلُّ كَذَّبَ الرُّسُلَ فَحَقَّ وَعِيدِ
 ﴿١٤﴾ أَفَعَيِينَا بِالْخَلْقِ الْأَوَّلِ بَلْ هُمْ فِي لَبْسٍ مِنْ خَلْقٍ جَدِيدٍ ﴿١٥﴾

سوره قِ مکی است و آن چهل و پنج
آیه و سه رکوع است

بنام خدای بخشاینده مهربان.

قِ و قسم به قرآن بابرگی (که تو پیامبر خدایی) (۱). بلکه تعجب کردند کافران از آنکه از قوم ایشان بدیشان ترساننده‌ای آمد پس آن کافران گفتند این چیزی است عجیب (۲). آیا چون بمیریم و خاک شویم (حشر کرده شویم) این بازگردانیدن دور از عقل است (۳). هر آینه دانسته‌ایم آنچه زمین از ایشان (۱) کم میکند و نزد ما کتابیست نگاهدارنده (۲) (۴). بلکه سخن راست را و قتیکه بدیشان بیامد تکذیب کردند پس ایشان در کاری شوریده اند (۵). آیا به سوی آسمان بالای خود ندیده‌اند چگونه آن را بنا کرده‌ایم و آنرا آراسته کرده ایم و در آن هیچ شگافی نیست (۶). و زمین را گسترديم و در آن کوه‌ها افگندیم و در آن ازهر نوع خوش آینده رویانیدیم (۷). برای راه نمودن و پند دادن هر بنده رجوع کننده (۸). و از آسمان آب بابرکت فرود آوردیم پس بسبب آن بوستانهاودانه که آن را درو میکنند رویانیدیم (۹). و درختانِ خرما بلند بالا برآمده آترامیوه تودرتو انباشته است (۱۰). روزی برای بندگان و به آن شهر مرده را زنده ساختیم از گور برآمدن همچنین باشد (۱۱). پیش از ایشان قوم نوح و اهل رَس و ثمود تکذیب کردند (۱۲). و عاد و فرعون و برادرانِ لوط نیز (۱۳). و اهل ایکه و قوم تُبَع هر یکی پیامبران را تکذیب کردند پس وعده عذاب من ثابت شد (۱۴). آیا در آفرینش نخستین عاجز شده بودیم بلکه ایشان از آفرینش نو در شبهه هستند (۱۵).

(۱) یعنی آنچه میخورد زمین از بدن ایشان.

(۲) یعنی لوح محفوظ.

وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَنَعَّمْنَا تَأْتِسُ بِهِ نَفْسُهُ، وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ
 مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ ﴿١٦﴾ إِذْ يَتَلَقَّى الْمُتَلَقِّيَانِ عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشِّمَالِ
 قَعِيدٌ ﴿١٧﴾ مَا يَلْفُظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ ﴿١٨﴾ وَجَاءَتْ سَكْرَةُ
 الْمَوْتِ بِالْحَقِّ ذَلِكَ مَا كُنْتَ مِنْهُ تَحِيدُ ﴿١٩﴾ وَنُفِخَ فِي الصُّورِ ذَلِكَ
 يَوْمُ الْوَعِيدِ ﴿٢٠﴾ وَجَاءَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَعَهَا سَائِقٌ وَشَهِيدٌ ﴿٢١﴾ لَقَدْ
 كُنْتَ فِي غَفْلَةٍ مِّنْ هَذَا فَكَشَفْنَا عَنْكَ غِطَاءَكَ فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ حَدِيدٌ
 ﴿٢٢﴾ وَقَالَ قَرِينُهُ، هَذَا مَا لَدَىٰ عَتِيدٌ ﴿٢٣﴾ أَلْقِيَا فِي جَهَنَّمَ كُلَّ كَفَّارٍ
 عَنِيدٍ ﴿٢٤﴾ مَّتَاعٍ لِّلْخَيْرِ مُعْتَدٍ مُّرِيبٍ ﴿٢٥﴾ الَّذِي جَعَلَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا
 آخَرَ فَأَلْقِيَاهُ فِي الْعَذَابِ الشَّدِيدِ ﴿٢٦﴾ * قَالَ قَرِينُهُ، رَبَّنَا مَا أَطَّعْتُهُ
 وَلَكِن كَانَ فِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ ﴿٢٧﴾ قَالَ لَا تَخْتَصِمُوا لَدَيْهِ وَقَدْ قَدَّمْتُ
 إِلَيْكُمْ بِالْوَعِيدِ ﴿٢٨﴾ مَا يُبَدِّلُ الْقَوْلَ لَدَيْهِ وَمَا أَنَا بِظَلَمٍ لِّلْعَبِيدِ ﴿٢٩﴾
 يَوْمَ نَقُولُ لِجَهَنَّمَ هَلِ امْتَلَأَتْ وَنَقُولُ هَلْ مِنْ مَّزِيدٍ ﴿٣٠﴾ وَأُزْلِفَتِ
 الْجَنَّةُ لِّلْمُتَّقِينَ غَيْرَ بَعِيدٍ ﴿٣١﴾ هَذَا مَا تُوْعَدُونَ لِكُلِّ أُوَاقٍ حَفِيفٍ
 ﴿٣٢﴾ مِّنْ حَشِي الرِّحْمَنِ بِالْغَيْبِ وَجَاءَ بِقَلْبٍ مُنِيبٍ ﴿٣٣﴾ ادْخُلُوهَا
 بِسَلَامٍ ذَلِكَ يَوْمُ الْخُلُودِ ﴿٣٤﴾ لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ فِيهَا وَلَدَيْنَا مَزِيدٌ ﴿٣٥﴾



وهرآئینه آدمی را آفریدیم و میدانیم چیزی را که نفس او بخاطر میگذراندش و ما به وی از شاهرگ (یعنی رگ گردن) نزدیک تریم (۱۶). آنگاه که فرا گیرند دوفرا گیرنده به پهلوی راست نشیننده و به پهلوی چپ نشیننده^(۳) (۱۷). به زبان نمی آورد آدمی هیچ سخنی مگر نزدیک او نگهبانیست مهیا^(۴) (۱۸). و سختی موت برآستی بیامد اینست آنچه از آن کناره گیری میکردی (۱۹). و در صورت دمیده شود روز وعده^۵ عذاب این است (۲۰). و هر شخصی همراه اوروان کننده ای و گواهی دهنده ای بیامد^(۵) (۲۱). (گوییم) هرآئینه دربی خبری بودی ازین ماجرا پس از تو پرده^۶ تورا برداشتیم پس چشم تو امروز تیزبین است (۲۲). و فرشته همنشین او گفت اینست آنکه نزدیک من حاضر کرده شده بود (۲۳). (گوییم) ای دوفرشته در دوزخ هر ناسپاس سرکش را بافکنید^(۶) (۲۴). منع کننده^۷ مال از حد درگذرنده^۷ شك آورنده (۲۵). آنکه با خدا معبودی دیگر مقرر کرد پس او را در عذاب سخت بافکنید (۲۶). همنشین او گفت^(۷) ای پروردگار من این شخص را گمراه نکردم ولیکن وی در گمراهی دور بود (۲۷). فرمود پیش من خصومت مکنید حالانکه پیش ازین به سوی شما وعده^۸ عذاب فرستاده بودم (۲۸). (آن) وعده در نزد من تغییر داده نمی شود و من بر بندگان ستم کننده نیستم (۲۹). روزی که دوزخ را بگوییم آیا پرشدی؟ و دوزخ گوید آیا هیچ زیاده ازین هست^(۸)؟ (۳۰). و بهشت برای متقیان نزدیک گردانیده شود نه دور (۳۱). (گوییم) این است آنچه شمارا وعده داده میشد نزدیک کرده شده برای هر رجوع کننده^۹ نگاهدارنده (۳۲). برای هر کسیکه از خدا نادیده بترسد و بادل متوجه شده پیش آمد (۳۳). (گوییم) در بهشت همراه سلامتی داخل شوید اینست روز همیشه جاویدان (۳۴). برای ایشان در بهشت آنچه خواهند است و نزدیک ما از آن زیاده است (۳۵).

(۳) یعنی کراماً کاتبین والله اعلم.

(۴) یعنی اگر کلمه حق باشد فرشته^۹ دست راست مینویسد و اگر کلمه باطل باشد فرشته^{۱۰} دست چپ می نویسد والله اعلم.

(۵) مراد جنس روان کننده و گواهی دهنده است.

(۶) مترجم گوید عادت پادشاهانست که اسیر را پیش ایشان دوکس گرفته می آورند ازین جهت دو فرشته را خطاب شود.

(۷) یعنی شیاطین از انس و جن والله اعلم.

(۸) یعنی هر چند در رواندازند زیاده طلب کند والله اعلم.

وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِّن قَرْنٍ هُمْ أَشَدُّ مِنْهُمْ بَطْشًا فَنَقَّبُوا
 فِي الْبِلَادِ هَلْ مِن مَّحِيصٍ ﴿٣٦﴾ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرًا لِّمَن
 كَانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ أَلْقَى السَّمْعَ وَهُوَ شَهِيدٌ ﴿٣٧﴾ وَلَقَدْ خَلَقْنَا
 السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَمَا مَسَّنَا
 مِن لُّغُوبٍ ﴿٣٨﴾ فَأَصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ
 قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ الْغُرُوبِ ﴿٣٩﴾ وَمِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ
 وَأَدْبَرَ السُّجُودِ ﴿٤٠﴾ وَأَسْمِعْ يَوْمَ يُنَادِ الْمُنَادِ مَن مَّكَّانٍ قَرِيبٍ
 ﴿٤١﴾ يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ ذَلِكَ يَوْمُ الْخُرُوجِ ﴿٤٢﴾ إِنَّا
 نَحْنُ نُحْيِيهِ وَنُمِيتُهِ وَإِلَيْنَا الْمَصِيرُ ﴿٤٣﴾ يَوْمَ تَشَقَّقُ الْأَرْضُ
 عَنْهُمْ سِرَاعًا ذَلِكَ حَشْرٌ عَلَيْنَا يَسِيرٌ ﴿٤٤﴾ نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَقُولُونَ
 وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِجَبَّارٍ فَذَكَرْ بِالْقُرْآنِ مَن يَخَافُ وَعِيدِ ﴿٤٥﴾

سورة الذاريات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالذَّارِيَاتِ ذُرُوءًا ﴿١﴾ فَالْحَمَلَاتِ وَقِرَاً ﴿٢﴾ فَالْجَارِيَاتِ يُسْرًا ﴿٣﴾
 فَالْمُقْسِمَاتِ أَمْرًا ﴿٤﴾ إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَصَادِقٌ ﴿٥﴾ وَإِنَّ الدِّينَ لَوَاقِعٌ ﴿٦﴾

و پیش از ایشان امت‌ها بسیار هلاک کردیم که قوی تر بودند ایشان از این جماعت در دست درازی پس جستجو کردند در شهرها که هیچ گریزگاهی هست (۳۶). هر آئینه درین امر کسی را که دلی دارد یا گوش نهد متوجه شده پنداست (۳۷). و هر آئینه آسمان‌ها و زمین را و آنچه در میان هر دو هست درشش روز آفریدیم و بماه‌یچ خستگی نرسید (۳۸). پس به آنچه میگویند صبر کن و بپاکی همراه ستایش پروردگار خویش را پیش از برآمدن آفتاب و پیش از غروب یاد کن (۳۹). و در بعض اوقات شب به پاکی خدا را یاد کن و عقب نماز نیز (۴۰). و این قصه را بشنو روزیکه آواز دهنده از جای نزدیک آواز دهد^(۹) (۴۱). روزیکه بشنوند نعره تند بغیر تردد آن روز بیرون آمدن (از قبر) است (۴۲). هر آئینه ما زنده می‌کنیم و می‌میرانیم و به سوی ماست بازگشت (۴۳). روزیکه زمین از سرایشان بشگافد بیرون آیند شتابان، این برانگیختن بر ما آسان است (۴۴). ما میدانیم آنچه می‌گویند و نیستی تو برایشان قهر کننده، پس پند ده به قرآن هر که را از وعده عذاب من می‌ترسد (۴۵).



بنام خدای بخشاینده مهربان.

قسم به بادهای که پراکنده کننده خاك اند پراکنده کردنی (۱). پس قسم به ابرهای بردارنده بار آب (۲). پس قسم بکشتی‌های آسان رو (۳). پس قسم به فرشتگان تقسیم کننده کار^(۱) (۴). هر آئینه آنچه وعده داده می‌شوید راست است (۵). و هر آئینه جزای اعمال بود نیست (۶).

(۹) این تصویری است آنرا که همه دراستماع ندا مساوی باشند والله اعلم.

(۱) یعنی ارزاق و بلاهارا.

وَالسَّمَاءَ ذَاتَ الْحُبُكِ ۝٧ إِنكُمْ لَفِي قَوْلٍ مُّخْتَلِفٍ ۝٨ يُؤْفَكُ عَنْهُ مَنْ
 أَفَكَ ۝٩ قَتَلَ الْخَرَّاصُونَ ۝١٠ الَّذِينَ هُمْ فِي عَمْرَةٍ سَاهُونَ ۝١١ يَسْأَلُونَ
 أَيَّانَ يَوْمُ الدِّينِ ۝١٢ يَوْمَهُمْ عَلَى النَّارِ يُقْتَنُونَ ۝١٣ ذُوقُوا فَتَنَتَكُمْ
 هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تَسْتَعْجِلُونَ ۝١٤ إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ
 ۝١٥ آخِذِينَ مَاءً تَارِهِمْ رِيًّا تَأْتِيهِمْ كَأَنُوقًا قَلِيلًا ذَلِكَ مُحْسِنِينَ ۝١٦
 كَأَنُوقًا قَلِيلًا مِّنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ ۝١٧ وَبِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ ۝١٨
 وَفِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ ۝١٩ وَفِي الْأَرْضِ آيَاتٌ
 لِلْمُوقِنِينَ ۝٢٠ وَفِي أَنْفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ ۝٢١ وَفِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ
 وَمَا تُوعَدُونَ ۝٢٢ فَوَرَبِّ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ لَحَقٌّ مِّثْلَ مَا أَنَّكُمْ
 تَنْطِقُونَ ۝٢٣ هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ ضَيْفِ إِبْرَاهِيمَ الْمُكْرَمِينَ ۝٢٤ إِذْ
 دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا سَلَامًا قَالَ سَلَّمَ قَوْمٌ مُّنْكَرُونَ ۝٢٥ فَرَأَىٰ إِلَىٰ
 آهْلِهِ فَجَاءَ بِعَجَلٍ سَمِينٍ ۝٢٦ فَقَرَّبَهُ إِلَيْهِمْ قَالَ أَلَا تَتَأْكُلُونَ
 ۝٢٧ فَأَوْجَسَ مِنْهُمْ خِيفَةً ۝٢٨ قَالُوا لَا تَحْزَنْ ۝٢٩ وَبَشِّرْهُ بِعَلِيمٍ ۝٣٠
 فَأَقْبَلَتْ أُمْرَاتُهُ فِي صَرَقٍ فَصَكَّتْ وَجْهَهَا وَقَالَتْ عَجُوزٌ عَقِيمٌ
 ۝٣١ قَالُوا كَذَلِكَ قَالَ رَبُّكَ إِنَّهُ هُوَ الْحَكِيمُ الْعَلِيمُ ۝٣٢

قسم به آسمان دارای راه‌ها^(۲) (۷). هرآئینه شمادر سخنی درباره^۳ (وحی) باهم اختلاف دارنده هستید (۸). هرکه درعلم الهی ازخیر مطرود است ازقرآن بازگردانیده میشود (۹). دروغگویانرا لعنت کرده شد (۱۰). آنانکه ایشان دربی خبری فراموش کنندگان اند (۱۱). می پرسند روزجزا کی خواهد بود (۱۲). (آری) آنروزکه ایشانرا درآتش عذاب داده میشود (۱۳). (گوییم) عقوبت خود را بچشید اینست آنچه آنرا بشتاب طلب میکردید (۱۴). هرآئینه متقیان دربوستانها وچشمه‌هاباشند (۱۵). بدست آرنده آنچه ایشانرا پروردگار ایشان داد هرآئینه ایشان پیش ازین نیکوکار بودند (۱۶). به این صفت بودند که اندکی ازشب می خوابیدند (۱۷). وبوقت سحر ایشان طلب آموزش می نمودند (۱۸). ودراموال ایشان حصّه ای مقرر برای سوال کننده و برای تنگدست کم سوال بود (۱۹). ودرزمین برای یقین کنندگان نشانه‌هاست (۲۰). ودرذات‌های شما نشانه‌هاست آیانمی نگرید (۲۱). ودرآسمان رزق شما است وآنچه شمارا وعده داده میشود^(۳) (۲۲). پس قسم به پروردگارآسمان وزمین هرآئینه این خبرراست است مانند آنکه شما سخن میگویید^(۴) (۲۳). آیا پیش توخبر مهمانان گرامی ابراهیم آمده است (۲۴). چون برابر ابراهیم درآمدند پس سلام گفتند جواب سلام داد (به دل گفت) ایشان گروهی ناشناخته هستند (۲۵). پس متوجه شد به سوی اهل خانه^۴ خود پس کباب گوساله فربه آورد (۲۶). پس آنرا به ایشان نزدیک ساخت گفت آیا نمی خورید؟ (۲۷). پس (چون نخوردند) درخاطر خود ازایشان ترسی یافت گفتند مترس و به فرزندى دانا بشارت دادند (۲۸). پس زن ابراهیم بانگ زنان پیش آمد وسیلی ای برچهره اش نواخت وگفت (آیابزاید) پیرزنی نازا (۲۹). فرشتگان گفتند پروردگارتو همچنین فرمود هرآئینه او باحکمت دانا است (۳۰).

(۲) یعنی صورتهای مختلف دارند مانند شکل شیر وشکل بره وشکل عقرب والله اعلم.

(۳) یعنی پیش ازوجود خارجی در عالم ملکوت رزق وعقوبت وامثال آن مقدر میشود والله اعلم.

(۴) یعنی چنانکه درگفتن خود یقین دارید که مالابته میگوییم همچنین باین خبریقین باید آورد والله اعلم.

* قَالَ فَمَا خَطْبُكُمْ أَيُّهَا الْمُرْسَلُونَ ﴿٣١﴾ قَالُوا إِنَّا أُرْسِلْنَا إِلَى قَوْمٍ
 مُّجْرِمِينَ ﴿٣٢﴾ لِنُرْسِلَ عَلَيْهِمْ حِجَارَةً مِنْ طِينٍ ﴿٣٣﴾ مُسَوَّمَةً عِنْدَ رَبِّكَ
 لِلْمُسْرِفِينَ ﴿٣٤﴾ فَأَخْرَجْنَا مَنْ كَانَ فِيهَا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿٣٥﴾ فَمَا وَجَدْنَا
 فِيهَا غَيْرَ بَيْتٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ ﴿٣٦﴾ وَتَرَكْنَا فِيهَا آيَةً لِلَّذِينَ يَخَافُونَ
 الْعَذَابَ الْأَلِيمَ ﴿٣٧﴾ وَفِي مُوسَى إِذْ أُرْسِلْنَاهُ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ بِسُلْطَنٍ
 مُّبِينٍ ﴿٣٨﴾ فَقَوْلَىٰ بُرْكِيهٖ وَقَالَ سَاحِرٌ أَوْ مَجْنُونٌ ﴿٣٩﴾ فَأَخَذْنَاهُ وَجُودَهُ
 فَبَدَّلْنَاهُ فِي الْأَيْمِ وَهُوَ مُلِيمٌ ﴿٤٠﴾ وَفِي عَادٍ إِذْ أُرْسِلْنَا عَلَيْهِمُ الْمُرْسَلِينَ
 الْعَقِيمَ ﴿٤١﴾ مَا تَذَرُ مِنْ شَيْءٍ أَتَتْ عَلَيْهِ إِلَّا جَعَلْنَاهُ كَالرَّمِيمِ ﴿٤٢﴾
 وَفِي ثَمُودَ إِذْ قِيلَ لَهُمْ تَمَتَّعُوا حَتَّىٰ حِينٍ ﴿٤٣﴾ فَعْتَوْا عَنْ أَمْرِ رَبِّهِمْ
 فَأَخَذْتَهُمُ الصَّيْقَةَ وَهُمْ يَنْظُرُونَ ﴿٤٤﴾ فَمَا اسْتَطَعُوا مِنْ قِيَامٍ
 وَمَا كَانُوا مُتَّصِرِينَ ﴿٤٥﴾ وَقَوْمَ نُوحٍ مِّن قَبْلُ إِنَّهُمْ كَانُوا أَقْوَمًا
 فَسَقِينَ ﴿٤٦﴾ وَالسَّمَاءَ بَنَيْنَاهَا بِأَيْدٍ وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ ﴿٤٧﴾ وَالْأَرْضَ
 فَرَسْنَا فَنَعَمُ الْمَهْدُونَ ﴿٤٨﴾ وَمِن كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ
 لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ ﴿٤٩﴾ فَفِرُّوْا إِلَى اللَّهِ إِنِّي لَكُمْ مِّنْهُ نَذِيرٌ مُّبِينٌ ﴿٥٠﴾
 وَلَا تَجْعَلُوا مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ إِنِّي لَكُمْ مِّنْهُ نَذِيرٌ مُّبِينٌ ﴿٥١﴾

ابراهیم گفت پس مقصد شما ای فرستادگان چیست؟ (۳۱). گفتند هرآئینه ما به سوی گروهی گناهگار فرستاده شده‌ایم (۳۲). تا بر سرایشان سنگ باری از گل فروریزیم (۳۳). که نزد پروردگار تو برای اسرافکاران نشانمند شده است (۳۴). پس کسانی که در آنجا از مومنان بودند بیرون آوردیم (۳۵). پس در آنجا غیر از یک خانه از مسلمانان^(۵) نیافتیم (۳۶). و در آن شهر برای آنانکه از عذاب درد ناک می ترسند^(۶) نشانه ای گذاشتیم (۳۷). و در قصه^۷ موسی نشانه است چون به سوی فرعون به دلیل واضح فرستادیمش (۳۸). پس همراه سپاهیان خود رویگردان شد^(۷) و گفت جادوگریست یادیوانه (۳۹). پس او را و لشکرهای او را گرفتیم پس ایشان را در دریا افکندیم و او سزاوار ملامت بود (۴۰). و در قصه^۸ عاد نشانه است چون برایشان بادی بی منفعت رافستادیم (۴۱). هیچ چیز را که برسد بوی نگذارد مگر آن را مانند استخوان پوسیده سازد (۴۲). و در قصه^۹ ثمود نشانه است چون ایشانرا گفته شد تا مدتی بهره مند باشید (۴۳). پس ایشان را نعره^{۱۰} تند در گرفت در حالیکه ایشان میدیدند (۴۴). پس برخاستن نتوانستند و انتقام کشندگان نبودند (۴۵). و پیش ازین قوم نوح را هلاک ساختیم هرآئینه ایشان گروهی بدکار بودند (۴۶). و آسمان را به قوت بنا کردیم و هرآئینه ما تواناییم (۴۷). و زمین را گسترانیدیم پس نیکو گستراننده ایم (۴۸). و از هر چیزی دو قسم آفریدیم تا شما پند پذیر شوید^(۸) (۴۹). (پیامبر گوید) پس به سوی خدا بگریزید هرآئینه من برای شما از جانب اوترساننده آشکارم (۵۰). و با خدا معبودی دیگر را مقرر مکنید هرآئینه من برای شما از جانب اوترساننده آشکارم (۵۱).

(۵) یعنی خانه حضرت لوط والله اعلم.

(۶) یعنی آثار آن سنگباران موجود است والله اعلم.

(۷) یعنی لشکر خود.

(۸) یعنی اعلی و ادنی (وترش و شیرین وتر و ماده و شب و روز...).

كذالك ما أتى الذين من قبليهم من رسول إلا قالوا ساحر أو مجنون ﴿٥٢﴾ أتوا صواباً به بل هم قوم طاغون ﴿٥٣﴾ فتول عنهم فما أنت بملوم ﴿٥٤﴾ وذكّر فإن الذكرى تنفع المؤمنين ﴿٥٥﴾ وما خلقت الجن والانس إلا ليعبدون ﴿٥٦﴾ ما أريد منهم من رزق وما أريد أن يطعمون ﴿٥٧﴾ إن الله هو الرزاق ذو القوة المتين ﴿٥٨﴾ فإن للذين ظلموا ذنوباً مثل ذنوب أصحابهم فلا يستعجلون ﴿٥٩﴾ فويل للذين كفروا من يومهم الذي يوعدون ﴿٦٠﴾

سورة الطور

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالطُّورِ ﴿١﴾ وَكُتِبَ مَسْطُورٍ ﴿٢﴾ فِي رَقٍ مَّنشُورٍ ﴿٣﴾ وَالْبَيْتِ
الْمَعْمُورِ ﴿٤﴾ وَالسَّقْفِ الْمَرْفُوعِ ﴿٥﴾ وَالْبَحْرِ الْمَسْجُورِ ﴿٦﴾ إِنَّ
عَذَابَ رَبِّكَ لَوَاقِعٌ ﴿٧﴾ مَا لَهُ مِنْ دَافِعٍ ﴿٨﴾ يَوْمَ تَمُورُ السَّمَاءُ
مَوْرًا ﴿٩﴾ وَتَسِيرُ الْجِبَالُ سَيْرًا ﴿١٠﴾ فَوَيْلٌ لِلْمُكذِّبِينَ
الَّذِينَ هُمْ فِي خَوْضٍ يَلْعَبُونَ ﴿١١﴾ يَوْمَ يُدْعَوْنَ إِلَى نَارٍ
جَهَنَّمَ دَعَاً ﴿١٢﴾ هَذِهِ النَّارُ الَّتِي كُنْتُمْ بِهَا تُكذِّبُونَ ﴿١٤﴾

همچنین نزدیک آنانکه پیش از ایشان بودند هیچ پیامبری نیامده است مگر گفتند جادوگریست یا دیوانه است (۵۲). آیابایکدیگر به انکار وصیت کرده‌اند بلکه ایشان گروه سرکش اند (۵۳). پس از ایشان روی بازگردان پس تو ملامت کرده شده نیستی (۵۴). و پند ده هرآئینه پنددادن مومنان را سودمیدهد (۵۵). و نیافریده‌ام جن و انس را مگر برای آنکه مرا پرستند (۵۶). از ایشان رزق را نمی خواهم و نمی خواهم که مراطعام دهند (۵۷). هرآئینه خدا همونست رزق دهنده (همان) توانمند استوار^(۹) (۵۸). پس هرآئینه آنان را که ستم کرده اند نصیبی است (یعنی از عقوبت) مانند نصیبه^{۱۰} یاران گذشته ایشان پس بایدکه از من بشتاب طلب نکنند (۵۹). پس وای کافران را از آن روز ایشان که وعده داده میشوند (۶۰).



بنام خدای بخشاینده مهربان.

قسم به کوه طور (۱). و قسم به کتاب نوشته شده (۲). در کاغذ کشاده^(۱) (۳). و قسم به خانه^۲ معمور^(۴). و قسم به سقف برافراشته شده^(۳) (۵). و قسم به دریا پر کرده شده (۶). هرآئینه عذاب پروردگارتو بودنیست (۷). اورا هیچ دفع کننده ای نیست (۸). روزیکه جنبش کند آسمان جنبش کردنی (۹). و روان شود کوه ها روان شدنی (۱۰). پس آنروز وای به حال تکذیب کنندگان (۱۱). آنانکه ایشان به بیهوده گویی بازی می کنند (۱۲). روزیکه به سختی به سوی آتش دوزخ روان کرده شوند روان کردنی (۱۳). اینست آتشی که شما آن را تکذیب میکردید (۱۴).

(۹) یعنی آدمیان بنده می گیرند تادرامور زندگی به آنان معاونت کنند بخلاف خدا (که بی نیاز است) والله اعلم.

(۱) یعنی تورات یا قرآن.

(۲) یعنی آنکه در آسمان است.

(۳) یعنی آسمان.

أَفَسِحْرُهُذَا أَمْ أَنْتُمْ لَا تُبْصِرُونَ ﴿١٥﴾ أَصَلَوْهَا فَاصْبِرُوا
 أَوْ لَا تَصْبِرُوا سَوَاءٌ عَلَيْكُمْ إِنَّمَا تُحْزَنُونَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿١٦﴾
 إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَعِيمٍ ﴿١٧﴾ فَكِهِينَ يَمَآءٍ أَتَهُمُ رُبُّهُمْ
 وَوَقَهُمُ رَبُّهُمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ ﴿١٨﴾ كُلُوا وَأَشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا
 كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿١٩﴾ مُتَّكِنِينَ عَلَى سُرُرٍ مَّصْفُوفَةٍ وَرَوَّحْنَاهُمْ
 بِحُورٍ عِينٍ ﴿٢٠﴾ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا
 بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَمَا أَلْتَنَاهُمْ مِنْ عَمَلِهِمْ مِنْ شَيْءٍ كُلُّ امْرِئٍ بِمَا
 كَسَبَ رَهِينٌ ﴿٢١﴾ وَأَمَدَدْنَاهُمْ بِفَاكِهَةٍ وَحَلِيمٍ مِّمَّا يَشْتَهُونَ ﴿٢٢﴾
 يَتَنَزَّعُونَ فِيهَا كَأَسَا لَ لَغُوفٍ فِيهَا وَلَا تَأْتِيهِمْ ﴿٢٣﴾ * وَيَطُوفُ عَلَيْهِمْ
 غِلْمَانٌ لَهُمْ كَأَنَّهُمْ لُؤْلُؤٌ مَّكْنُونٌ ﴿٢٤﴾ وَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَى
 بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ ﴿٢٥﴾ قَالُوا إِنَّا كُنَّا قَبْلُ فِي أَهْلِنَا مُشْفِقِينَ
 ﴿٢٦﴾ فَمَنْ اللَّهُ عَلَيْنَا وَوَقْنَا عَذَابَ السَّمُومِ ﴿٢٧﴾ إِنَّا كُنَّا
 مِنْ قَبْلُ نَدْعُوهُ إِنَّهُ هُوَ الْبَرُّ الرَّحِيمُ ﴿٢٨﴾ فَذَكَرْنَا أَنْتَ بِنِعْمَتِ
 رَبِّكَ بِكَاهِنٍ وَلَا مَجْنُونٍ ﴿٢٩﴾ أَمْ يَقُولُونَ شَاعِرٌ نَتَرَبَّصُّ بِهِ رَيْبَ
 الْمُنُونِ ﴿٣٠﴾ قُلْ تَرَبَّصُوا فَإِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُتَرَبِّصِينَ ﴿٣١﴾

آیا سحراست این یا شما در نمی‌نگرید (۱۵). درآیید به این آتش پس صبر کنید یا نکنید بر شما برابر است جز این نیست که جزا داده خواهید شد بحسب آنچه می‌کردید (۱۶). هرآئینه متقیان در بوستانها و نعمت‌ها باشند (۱۷). خوشحال شده بسبب آنکه ایشانرا پروردگار ایشان نعمت داد و بسبب آنکه ایشانرا از عذاب دوزخ نگهداشت (۱۸). بخورید و بنوشید گوارا به پاداش آنچه می‌کردید (۱۹). تکیه زده بر تخت‌های برابر یکدیگر گسترده و ایشانرا بحوران کشاده چشم جفت کنیم (۲۰). و آنانکه ایمان آوردند و اولاد ایشان با ایمان برپی ایشان رفتند اولاد ایشانرا به ایشان برسانیم ایشانرا از پاداش عمل ایشان چیزی نقصان نکنیم هر مردی به آنچه عمل کرد درگرو باشد (۲۱). و پی در پی ایشانرا میوه و گوشت از جنسی که طلب کنند عطا کنیم (۲۲). آنجاییکه شراب را از دست یکدیگر می‌گیرند نه بیهوده گویی در آن باشد و نه گناهی (۲۳). و برایشان نوجوانانی چند از ایشان آمدورفت کنند گویا آن نوجوانان مروارید در پرده پنهان‌اند (۲۴). و روی آورد بعض ایشان بر بعضی از یک دیگر سوال کنان (۲۵). گفتند هرآئینه ما پیش ازین در میان اهل خانه خود ترسان بودیم (۲۶). پس ما را خدا نعمت فراوان داد و ما را از عذاب بادگرم نگاهداشت (۲۷). هرآئینه ما پیش ازین اورا عبادت می‌کردیم هرآئینه او احسان کننده مهربان است (۲۸). (یا محمد) پس پند ده پس توفیق پروردگارا خودکاهن نیستی و نه دیوانه (۲۹). بلکه می‌گویند آیا شاعر است در حق او حوادث زمانه را انتظار کشیم (۳۰). بگو انتظار بکشید هرآئینه من باشما از انتظار کشندگانم (۳۱).

أَمْ تَأْمُرُهُمْ أَحْلَمُهُمْ بِهَذَا أَمْ هُمْ قَوْمٌ طَاعُونَ ﴿٣٢﴾ أَمْ يَقُولُونَ تَقَوَّلَهُ
 بَلْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٣٣﴾ فَلْيَأْتُوا بِحَدِيثٍ مِّثْلِهِ إِنْ كَانُوا صَادِقِينَ
 ﴿٣٤﴾ أَمْ خُلِقُوا مِنْ غَيْرِ شَيْءٍ أَمْ هُمُ الْخَالِقُونَ ﴿٣٥﴾ أَمْ خَلَقُوا
 السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بَلْ لَا يُوقِنُونَ ﴿٣٦﴾ أَمْ عِنْدَهُمْ خَزَائِنُ رَيْكَ
 أَمْ هُمُ الْمُصِيطِرُونَ ﴿٣٧﴾ أَمْ لَهُمْ سُلَّمٌ يَسْتَمِعُونَ فِيهِ فَلْيَأْتِ
 مُسْتَمِعُهُمْ بِسُلْطَانٍ مُبِينٍ ﴿٣٨﴾ أَمْ لَهُ الْبَنَاتُ وَلَكُمُ الْبَنُونَ ﴿٣٩﴾
 أَمْ تَسْأَلُهُمْ أَجْرًا فَهُمْ مِنْ مَغْرَمٍ مُثْقَلُونَ ﴿٤٠﴾ أَمْ عِنْدَهُمُ الْغَيْبُ
 فَهُمْ يَكْتُمُونَ ﴿٤١﴾ أَمْ يُرِيدُونَ كَيْدًا فَالَّذِينَ كَفَرُوا هُمُ الْمَكِيدُونَ ﴿٤٢﴾
 أَمْ لَهُمْ آلٌ غَيْرُ اللَّهِ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿٤٣﴾ وَإِنْ يَرَوْا كِسْفًا
 مِنَ السَّمَاءِ سَاقِطًا يَقُولُوا سَحَابٌ مَرْكُومٌ ﴿٤٤﴾ فَذَرَهُمْ حَتَّى يَلْقُوا
 يَوْمَهُمُ الَّذِي فِيهِ يُصْعَقُونَ ﴿٤٥﴾ يَوْمَ لَا يَنْفَعِي عَنْهُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا
 وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ ﴿٤٦﴾ وَإِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا عَذَابًا دُونَ ذَلِكَ وَلَكِنَّ
 أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٤٧﴾ وَأَصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ فَإِنَّكَ بِأَعْيُنِنَا وَسَبِّحْ
 بِحَمْدِ رَبِّكَ حِينَ تَقُومُ ﴿٤٨﴾ وَمِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَإِدْبَرَ الْجُومِ ﴿٤٩﴾

سُورَةُ الطُّورِ

آیا ایشان را به این عقیده عقل های ایشان میفرماید یا ایشان گروهی سرکش اند (۳۲).
 آیامیگویند قرآن را بر بسته است نه بلکه ایمان نمی آورند (۳۳). پس باید که سخنی مانند این
 بیارند اگر راست گوهستند (۳۴). آیا ایشان بغیر آفریننده آفریده شدند یا ایشان خود
 آفریدگارند (۳۵). آیا آسمان ها و زمین را آفریده اند بلکه ایشان باور نمی کنند (۳۶). آیا نزد
 ایشان خزانه های پروردگارتست یا ایشان چیره هستند (۳۷). آیا ایشان راندر بانی هست که
 بر آن بالا رفته می شنوند پس باید که شنونده ایشان دلیل ظاهر را بیارد (۳۸). آیا برای خدا
 دختران و برای شما پسران پیدامی شوند (۳۹). آیا از ایشان مزدی بر رسالت طلب میکنی
 پس ایشان از غرامت گرانبار شده اند (۴۰). آیا نزد ایشان علم غیب است پس ایشان اند
 مینویسند (۴۱). آیا بداندیشی می خواهند پس کافران ایشان در ضرر بداندیشی گرفتار شده
 (۴۲). آیا ایشان را بجز خدا معبودی هست پاکی خدا راست از آنکه شریک مقرر میکنند
 (۴۳). و اگر يك پاره را از آسمان افتاده ببینند گویند این ابريست برهم نشسته (۴۴). پس
 ایشان راتا آنکه به آن روز خود ملاقات کنند که در آن بیهوش کرده شوند بگذار (۴۵). روزی
 که از ایشان مکر ایشان چیزی را دفع نکند و نه ایشان نصرت داده شوند (۴۶). و هر آئینه
 ستمکاران را عذابيست غير از این ولیکن اکثر ایشان نمیدانند (۴۷). و صبر کن بانتظار
 حکم پروردگار خود هر آئینه توبحضور چشم مایی و بپاکی با ستایش پروردگار خود را
 وقتیکه به صبح برخیزی یادکن (۴۸). و بعض اوقات شب خدا را بپاکی یادکن و عقب
 غائب شدن ستاره هانیز (۴۹).

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالنَّجْمِ إِذَا هَوَىٰ ۝١ مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ وَمَا غَوَىٰ ۝٢ وَمَا يَنْطِقُ عَنِ
 الْهَوَىٰ ۝٣ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ ۝٤ عَلَّمَهُ شَدِيدُ الْقُوَىٰ ۝٥
 ذُو مِرَّةٍ فَاسْتَوَىٰ ۝٦ وَهُوَ بِالْأُفُقِ الْأَعْلَىٰ ۝٧ ثُمَّ دَنَا فَتَدَلَّىٰ ۝٨
 فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَىٰ ۝٩ فَأَوْحَىٰ إِلَىٰ عَبْدِهِ مَا أَوْحَىٰ ۝١٠
 مَا كَذَبَ الْفُؤَادُ مَا رَأَىٰ ۝١١ أَفَتَمْرُونَهُ عَلَىٰ مَا يَرَىٰ ۝١٢ وَلَقَدْ رَآهُ
 نَزْلَةً أُخْرَىٰ ۝١٣ عِنْدَ سِدْرَةِ الْمُنْتَهَىٰ ۝١٤ عِنْدَهَا جَنَّةُ الْمَأْوَىٰ ۝١٥
 إِذْ يُغْشَى السِّدْرَةَ مَا يَغْشَىٰ ۝١٦ مَا زَاغَ الْبَصَرُ وَمَا طَغَىٰ ۝١٧ لَقَدْ رَأَىٰ
 مِنْ آيَاتِ رَبِّهِ الْكُبْرَىٰ ۝١٨ أَفَرَأَيْتُمْ اللَّتَّ وَالْعُرَىٰ ۝١٩ وَمَنْوَةَ
 الثَّلَاثَةَ الْأُخْرَىٰ ۝٢٠ الْكُومُ الذَّكْرُ وَلَهُ الْأُنثَىٰ ۝٢١ تِلْكَ إِذْ أَوْحَيْنَا
 إِلَيْكَ آيَاتِنَا ۝٢٢ إِنْ هِيَ إِلَّا أَسْمَاءٌ سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ وَآبَاؤُكُمْ مَا أَنْزَلَ
 اللَّهُ بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَمَا تَهْوَى الْأَنْفُسُ
 وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مِنْ رَبِّهِمْ الْهُدَىٰ ۝٢٣ أَمْ لِلْإِنْسَانِ مَا تَمَنَّىٰ ۝٢٤ فَلِلَّهِ
 الْآخِرَةُ وَالْأُولَىٰ ۝٢٥ * وَكَمْ مِنْ مَلَكٍ فِي السَّمَوَاتِ لَا تُغْنِي
 عَنْهُمْ شَيْئًا إِلَّا مِنْ بَعْدِ أَنْ يَأْذَنَ اللَّهُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَرْضَىٰ ۝٢٦



بنام خدای بخشاینده مهربان.

قسم به ستاره چون فروافتد (۱). گمراه نشد این یارشما^(۱) راه را گم نکرده است (۲).
 واز روی خواهش نفس سخن نمی گوید (۳). نیست قرآن مگر وحی که به سوی او فرستاده
 میشود (۴). اورا فرشته^۲ بسیار باقوت آموخته است (۵). (فرشته ای) نیرومند پس
 (فراویش) راست ایستاد (۶). و او به کناره^۳ بلند آسمان بود (۷). باز نزدیک شد و فرود آمد
 (۸). پس رسید بمسافتِ دوکمان یا از آن نزدیک تر (۹). پس پیغام رسانید به سوی بنده^۴
 خدا آنچه را که رسانید (۱۰). دل پیامبر در آنچه دید ناراستی نیفزود (۱۱). آیاشما گفتگو
 میکنید با پیامبر در آنچه می بیند (۱۲). به راستی که او را (این فرشته را) یک بار دیگر دیده
 بود (۱۳). در نزد سدره المنتهی (۱۴). بهشت آرامگاه نزدیک آن سدره است (۱۵). (فرشته
 را دید) وقتی که می پوشید سدره را آنچه می پوشید^(۲) (۱۶). چشم پیامبر کجروی
 نکرد و از مقصد تجاوز نمود (۱۷). به راستی بعض نشانه های بزرگ پروردگار خود را
 معاینه کرد (۱۸). آیالات را و عزی را دیدید (۱۹). منات سومی بی قدر را (۲۰). آیا برای
 شما پسر و برای خدا دختر باشد (۲۱). این قسمت آنگاه قسمت بی انصاف باشد (۲۲).
 نیست این مگر نامهای چند که آنرا شما و پدران شما مقرر کرده اید خدا بر ثبوت آنها هیچ
 دلیلی فرود نیاورده است پیروی نمی کنند مگر و هم فاسد و چیزی را که نفسها خواهش می
 کند، و به راستی ایشان را از پروردگارایشان هدایت آمده است (۲۳). آیا آدمی را آنچه که
 آرزو میکند میسر است (۲۴). پس آنچه جهان و این جهان از آن خدا است (۲۵). و چه بسیار
 فرشته اند در آسمان ها که شفاعت ایشان چیزی را نفع نمی بخشد مگر بعد از آنکه خدا
 اجازت دهد و رضامند شود برای هر که خواهد (۲۶).

(۱) یعنی محمد صلی الله علیه وسلم.

(۲) یعنی وقتیکه انوار الهی از هر جانب سدره را احاطه کرد و این در شب معراج بود و الله اعلم.

إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ لَيَسْمُونَ الْمَلَائِكَةَ تَسْمِيَةً الْأُنثَى ﴿٢٧﴾
 وَمَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ
 الْحَقِّ شَيْئًا ﴿٢٨﴾ فَأَعْرِضْ عَنْ مَنْ تَوَلَّى عَنْ ذِكْرِنَا وَلَمْ يُرِدْ إِلَّا الْحَيَاةَ
 الدُّنْيَا ﴿٢٩﴾ ذَلِكَ مَبْغُهُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ
 سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ أَهْتَدَى ﴿٣٠﴾ وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي
 الْأَرْضِ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ أَسْتَوُوا بِمَا عَمِلُوا وَيَجْزِيَ الَّذِينَ أَحْسَنُوا
 بِالْحُسْنَى ﴿٣١﴾ الَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبِيرَ الْإِثْمِ وَالْفَوَاحِشَ إِلَّا اللَّمَمَ
 إِنَّ رَبَّكَ وَاسِعُ الْمَغْفِرَةِ هُوَ أَعْلَمُ بِكُمْ إِذْ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ
 وَإِذْ أَنْتُمْ أَجْنَتٌ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ فَلَا تُزَكُّوْا أَنْفُسَكُمْ هُوَ أَعْلَمُ
 بِمَنْ اتَّقَى ﴿٣٢﴾ أَفَرَأَيْتَ الَّذِي تَوَلَّى ﴿٣٣﴾ وَأَعْطَى قَلِيلًا وَأَكْدَى
 ﴿٣٤﴾ أَعِنْدَهُ عِلْمُ الْغَيْبِ فَهُوَ بَرِيءٌ ﴿٣٥﴾ أَمْ لَمْ يُنَبِّأْ بِمَا فِي صُحُفِ
 مُوسَى ﴿٣٦﴾ وَإِبْرَاهِيمَ الَّذِي وَفَّى ﴿٣٧﴾ أَلَا تَرَى وَازِرَةً وَرُزَّ أٰخْرَى
 ﴿٣٨﴾ وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى ﴿٣٩﴾ وَأَنَّ سَعْيَهُ سَوْفَ يُرَى
 ﴿٤٠﴾ ثُمَّ يُجْزَاهُ الْجَزَاءَ الْأَوْفَى ﴿٤١﴾ وَأَنَّ إِلَى رَبِّكَ الْمُنْتَهَى ﴿٤٢﴾
 وَأَنَّهُ هُوَ أَضْحَكَ وَأَبْكَى ﴿٤٣﴾ وَأَنَّهُ هُوَ أَمَاتَ وَأَحْيَا ﴿٤٤﴾

هر آئینه آنانکه آخرت را باور نمودند فرشتگان را به نام دختران می نامند (۲۷). و ایشانرا به ثبوت آن هیچ دانشی نیست مگر وَهْم را پیروی نمی کنند و هر آئینه وَهْم و گمان از شناخت حقیقت چیزی را نفع نمیدهد (۲۸). پس از کسیکه از یاد ما اعراض کند و جز زندگانی دنیار نخواهد روی بگردان (۲۹). این منتهای دانش آنان است (۳) هر آئینه پروردگارتو بهرکه گمراه شد از راه او داناست و او دانا ست بهرکه راه یافت (۳۰). و آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است برای خداست تا عاقبت کار جزا دهد آنانرا که بدکاری کردند بحسب آنچه عمل نمودند و آنان را که نیکوکاری کردند به خصلت نیک پاداش دهد (۳۱). آنانکه از کبایر گناهان و بی حیاییها جز گناهان صغیره پرهیزگاری می کنند هر آئینه پروردگار تو بسیار آموخته است او به احوال شما وقتی که شمارا از زمین پیدا کرد و وقتیکه شما در شکم های مادران خویش بچه های بودید دانا تر است پس خویشتن را ستایش مکنید خدا به کسیکه پرهیزگاری کرد دانا تر است (۳۲). آیا کسی را که رویگردان شد دیدی (۳۳). و اندکی از مال داد و سخت دل شد (۳۴). آیا نزد اوست علم غیب پس گویا او هر چیز را بچشم می بیند (۳۵). آیا خبر داده نشد به آنچه در صحیفه های موسی بود (۳۶). و ابراهیم که وفادار بود (۳۷). (مضمونش آنکه) هیچ بردارنده بارگناه دیگر را بر نخواهد داشت (۳۸). و آنکه آدمی را نرسد مگر آنچه عمل کرده است (۳۹). و آنکه سعی آدمی دیده خواهد شد (۴۰). سپس به آن جزایی هرچه تمامتر خواهند داد (۴۱). و آنکه باز گشت به سوی پروردگارتواست (۴۲). و آنکه او خندانند و گریانند (۴۳). و آنکه او میرانند و او زنده گردانند (۴۴).

(۳) یعنی این است نهایت علم ایشان.

وَأَنَّهُ، خَلَقَ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَالْأُنثَىٰ ﴿٤٥﴾ مِنْ نُطْفَةٍ إِذَا تُمْنَىٰ
 ﴿٤٦﴾ وَأَنَّ عَلَيْهِ النُّشْأَةَ الْأُخْرَىٰ ﴿٤٧﴾ وَأَنَّهُ، هُوَ أَغْنَىٰ وَأَقْنَىٰ ﴿٤٨﴾ وَأَنَّهُ،
 هُوَ رَبُّ الشِّعْرَىٰ ﴿٤٩﴾ وَأَنَّهُ، أَهْلَكَ عَادًا الْأُولَىٰ ﴿٥٠﴾ وَشَمُودًا فَمَا
 أَبْقَىٰ ﴿٥١﴾ وَقَوْمَ نُوحٍ مِّن قَبْلُ إِنَّهُمْ كَانُوا هُمْ أَظْلَمَ وَأَطْغَىٰ
 ﴿٥٢﴾ وَالْمُؤْتَفِكَةَ أَهْوَىٰ ﴿٥٣﴾ فَغَشَّاهَا مَا عَشَىٰ ﴿٥٤﴾ فَيَأِيءَ الْآءِ
 رَبِّكَ تَمَارَىٰ ﴿٥٥﴾ هَذَا نَذِيرٌ مِّنَ النَّذْرِ الْأُولَىٰ ﴿٥٦﴾ أَزِفَتِ الْأَرْفَةُ
 ﴿٥٧﴾ لَيْسَ لَهَا مِنْ دُونِ اللَّهِ كَاشِفَةٌ ﴿٥٨﴾ أَفَمِنَ هَذَا الْحَدِيثِ
 تَعَجَّبُونَ ﴿٥٩﴾ وَتَضْحَكُونَ وَلَا تَبْكُونَ ﴿٦٠﴾ وَأَنْتُمْ سَلْمِدُونَ
 ﴿٦١﴾ فَاسْجُدُوا لِلَّهِ وَاعْبُدُوا ﴿٦٢﴾

سورة القيمة

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَقْرَبَتِ السَّاعَةُ وَأَنْشَقَّ الْقَمَرُ ﴿١﴾ وَإِنْ يَرَوْا آيَةً يُعْرِضُوا وَيَقُولُوا
 سِحْرٌ مُّسْتَمِرٌّ ﴿٢﴾ وَكَذَّبُوا وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ وَكُلُّ أَمْرٍ مُّسْتَقَرٌّ ﴿٣﴾
 وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مِنَ الْأَنْبَاءِ مَا فِيهِ مُزْدَجَرٌ ﴿٤﴾ حِكْمَةٌ بَلِغَةٌ فَمَا تُعِنُّ
 النُّذُرُ ﴿٥﴾ فَتَوَلَّ عَنْهُمْ يَوْمَ يَدْعُ الدَّاعِ إِلَىٰ شَيْءٍ نُّكْرٍ ﴿٦﴾

وآنکه او (خدا) دو قسم نروماده را آفرید (۴۵). از نطفه چون در رحم ریخته شود (۴۶). وآنکه بر عهده^۴ اوست دوباره پیداکردن (۴۷). وآنکه او توانگر ساخت و سرمایه داد (۴۸). وآنکه همونست پروردگار ستاره^۴ شعری (۴۹). وآنکه او عاد نخستین را هلاک ساخت (۵۰). و ثمود را هلاک کرد پس هیچ کس را باقی نگذاشت (۵۱). و قوم نوح را پیش ازین هلاک کرد هر آئینه ایشان ستمکارتر و از حد گذشته تر بودند (۵۲). و شهر موفکه را بر زمین افکند (۵۳). پس پوشانید بروی آنچه پوشانید^(۴) (۵۴). پس به کدام يك از نعمت های پروردگارت (ای آدمی) شك میکنی (۵۵). این پیامبر ترساننده از جنس ترسانندگان پیشین است (۵۶). قیامت نزدیک آمد (۵۷). او را جز خدای هیچ ظاهر کننده ای نیست (۵۸). آیا ازین سخن تعجب می کنید (۵۹). و می خندید و گریه نمی کنید (۶۰). و شما در غفلت هوسرانی بسر میبرید (۶۱). پس برای خدا سجده کنید و پرستش نمایید (۶۲).



بنام خدای بخشاینده مهربان.

قیامت نزدیک آمد و ماه بشگافت^(۱) (۱). و اگر کافران نشانه ای را ببینند اعراض کنند و گویند سحر بیست قوی (۲). و تکذیب کردند و خواهش های خود را پیروی کردند و هر چیزی (دروقت خود) به غایتی می انجامد (۳). به راستی که آمده است بدیشان از خبرها آنچه در آن پنداست (۴). (و آمده است) دانشی سرشار پس هشدارها سودی نمی بخشد (۵). پس از ایشان اعراض کن آنروز که دعوت کننده به سوی چیزی ناخوش آیند دعوت کند (۶).

(۴) یعنی سنگباران کرد.

(۱) اشارتست بآن قصه که کافران از حضرت پیامبر صلی الله علیه وسلم معجزه طلب کردند خدای تعالی ماه را دو قطعه ساخت یکی برکوه ابوقیس و قطعه دیگر برکوه قعیقاعان والله اعلم.

خُشِعًا أَبْصَرُهُمْ يَخْرُجُونَ مِنَ الْأَجْدَاثِ كَأَنَّهُمْ جَرَادٌ مُنْتَشِرٌ ﴿٧﴾
 مُهْطِعِينَ إِلَى الدَّاعِ يَقُولُ الْكٰفِرُونَ هَذَا يَوْمٌ عَسِرٌ ﴿٨﴾ * كَذَّبَتْ
 قِبَلَهُمْ قَوْمٌ نُوْحٌ فَكَذَّبُوْا عِبْدَنَا وَقَالُوا مَجْنُوْنٌ وَّازْدَجَرَ ﴿٩﴾ فَدَعَا
 رَبَّهُ وَاِنِّي مَعْلُوْبٌ فَاَنْتَصِرُ ﴿١٠﴾ فَفَتَحْنَا اَبْوَابَ السَّمَآءِ بِمَآءٍ مُّنْهَمِرٍ
 ﴿١١﴾ وَفَجَّرْنَا الْاَرْضَ عُيُوْنًا فَالْتَقَى الْمَآءُ عَلٰى اَمْرِ قَدْرِ ﴿١٢﴾
 وَحَمَلْنَاهُ عَلٰى ذَاتِ الْوٰحِ وَدُسِّرِ ﴿١٣﴾ تَجْرٰى بِاَعْيُنِنَا جَزَآءَ لِمَنْ كَانَ
 كٰفِرًا ﴿١٤﴾ وَلَقَدْ تَرَكْنَاهُ آيَةً فَهَلْ مِنْ مُّدَكِّرٍ ﴿١٥﴾ فَكَيْفَ كَانَ
 عَذَابِيْ وَنَذْرِ ﴿١٦﴾ وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْءَانَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُّدَكِّرٍ ﴿١٧﴾
 كَذَّبَتْ عَادٌ فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِيْ وَنَذْرِ ﴿١٨﴾ اِنَّا اَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيْحًا
 صٰرِصًا فِيْ يَوْمٍ نَّخْسٍ مُّسْتَمِرٍّ ﴿١٩﴾ تَنْزِعُ النَّاسَ كَاَنَّهُمْ اَعْمَارٌ نَّخْلٍ
 مُّنْقَعِرٍ ﴿٢٠﴾ فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِيْ وَنَذْرِ ﴿٢١﴾ وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْءَانَ
 لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُّدَكِّرٍ ﴿٢٢﴾ كَذَّبَتْ ثَمُوْدُ بِالنُّذْرِ ﴿٢٣﴾ فَقَالُوْا اَبَشْرًا
 مِّنَّا وَحٰدًا نَّبِئْهُ وَاِنَّا اِذَا لَفِيَ ضَلٰلٍ وَسُعُرٍ ﴿٢٤﴾ اءَلْقٰى الذِّكْرَ عَلَيْهِ
 مِنْ بَيْنِنَا بَلْ هُوَ كٰذٰبٌ اَشْرٌ ﴿٢٥﴾ سَيَعْمُوْنَ غَدًا مِّنَ الْكٰذٰبِ الْاَشْرِ
 ﴿٢٦﴾ اِنَّا مُرْسِلُوْا التَّآقَةَ فِتْنَةً لَّهُمْ فَاَرْتَقِبْهُمْ وَاَصْطَبِرْ ﴿٢٧﴾

در حالیکه چشمهای ایشان فروهشته باشد (آن روز) از قبرها برآیند گویا ایشان ملخ پراکنده اند (۷). شتاب کنان به سوی آن دعوت کننده، کافران گویند این روزی دشوار است (۸). پیش از ایشان قوم نوح تکذیب کردند پس بنده^۱ ما را تکذیب کردند و گفتند دیوانه است و با او سخن درشت گفته شد (۹). پس به جناب پروردگار خود دعا کرد که من مغلوب شده ام پس انتقام بگیر (۱۰). پس درهای آسمان را به آبی بسیار ریزنده گشودیم (۱۱). و از زمین چشمه ها را روان کردیم پس آب از هر جانب بنا بر امری که مقدر شده بود^(۲) جمع شد (۱۲). و نوح را بر (کشتی) ساخته شده از تخته ها و میخها سوار کردیم (۱۳). زیر نظر چشمهای ما میرفت، این پاداش کسی بود که به او ناسپاسی کرده بودند^(۳) (۱۴). به راستی که این عقوبت رانشانای گذاشتیم پس هیچ پندگیرنده ای هست (۱۵). پس عقوبت من و ترسانیدن های من چگونه بود؟ (۱۶). و هر آئینه قرآن را آسان کردیم تا پندگیرند پس آیا هیچ پندپذیرنده ای هست؟ (۱۷). قوم عاد تکذیب کردند پس عذاب من و ترسانیدن های من چگونه بود؟ (۱۸). هر آئینه ما برایشان بادتند را در روز شوم به غایت سخت فرستادیم (۱۹). مردمان را برمیکند گویا ایشان تنه های درختان خرمای از بیخ برکنده اند (۲۰). پس عقوبت من و ترسانیدن های من چگونه بود؟ (۲۱). و هر آئینه قرآن را آسان کرده ایم تا پند بگیرند پس آیا هیچ پند پذیرنده ای هست (۲۲). قوم ثمود ترسانندگانرا تکذیب کردند (۲۳). پس گفتند آیایک آدمی را از قوم خویش پیروی کنیم؟ هر آئینه ما آنگاه درگمراهی و دیوانگی باشیم (۲۴). آیا از میان ما وحی به او نازل کرده شد مردی نه بلکه او دروغگویی خود پسنداست (۲۵). فردا خواهند دانست کیست دروغگوی خود پسند (۲۶). هر آئینه ما ماده شتر را بجهت آزمایش ایشان فرستنده ایم پس ای صالح منتظر ایشان باش و صبر پیش گیر (۲۷).

(۲) یعنی هلاک قوم او.

(۳) یعنی برای انتقام خصومت کنان.

وَنَبَّأَهُمْ أَنَّ الْمَاءَ قَسَمَةٌ بَيْنَهُمْ كُلُّ شَرِبٍ مُتَّضِرٌّ ﴿٣٨﴾ فَنَادُوا صَاحِبَهُمْ
 فَتَعَاطَى فَعَقَرَ ﴿٣٩﴾ فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنَذِيرِ ﴿٤٠﴾ إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ
 صَيْحَةً وَاحِدَةً فَكَانُوا كَهَشِيمِ الْمُحْتَظِرِ ﴿٤١﴾ وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ
 لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ ﴿٤٢﴾ كَذَبَتْ قَوْمٌ لوطٍ بِالنَّذْرِ ﴿٤٣﴾ إِنَّا أَرْسَلْنَا
 عَلَيْهِمْ حَاصِبًا إِلَّا آلَ لوطٍ نَجَّيْنَاهُمْ بِسَحَرٍ ﴿٤٤﴾ نِعْمَةٌ مِّنْ عِنْدِنَا
 كَذَلِكَ نَجْزِي مَنْ شَكَرَ ﴿٤٥﴾ وَلَقَدْ أَنْذَرَهُمْ بَطْشَتَنَا فَتَمَارَوْا بِالنَّذْرِ
 ﴿٤٦﴾ وَلَقَدْ رَاودُوهُ عَنْ صَيْفِيهِ فَظَمَسْنَا أَعْيُنَهُمْ فَذُوقُوا عَذَابِي
 وَنَذِيرِ ﴿٤٧﴾ وَلَقَدْ صَبَّحَهُمْ بُكْرَةً عَذَابٌ مُّسْتَقِرٌّ ﴿٤٨﴾ فَذُوقُوا
 عَذَابِي وَنَذِيرِ ﴿٤٩﴾ وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ ﴿٥٠﴾
 وَلَقَدْ جَاءَ آلَ فِرْعَوْنَ النَّذْرُ ﴿٥١﴾ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كُلِّهَا فَأَخَذْنَاهُمْ
 أَخَذَ عَزِيزٍ مُّقْتَدِرٍ ﴿٥٢﴾ أَكْفَارُكُمْ خَيْرٌ مِّنْ أَوْلِيَّكُمْ أَمْ لَكُمْ بَرَاءَةٌ
 فِي الزُّبُرِ ﴿٥٣﴾ أَمْ يَقُولُونَ نَحْنُ جَمِيعٌ مُّنتَصِرُونَ ﴿٥٤﴾ سَيُهْزَمُ الْجَمْعُ
 وَيُوَلُّونَ الدُّبُرَ ﴿٥٥﴾ بَلِ السَّاعَةُ مَوْعِدُهُمْ وَالسَّاعَةُ أَدْهَىٰ وَأَمَرٌ ﴿٥٦﴾
 إِنَّ الْمُجْرِمِينَ فِي ضَلَالٍ وَسُعْرٍ ﴿٥٧﴾ يَوْمَ يُسْحَبُونَ فِي النَّارِ عَلَىٰ
 وُجُوهِهِمْ ذُوقُوا مَسَّ سَقَرَ ﴿٥٨﴾ إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ ﴿٥٩﴾

وایشانرا خبردارکن که آب در میان ایشان مقسوم است هر آنکه حصه آب نوبت اوست به آن حاضر شود (۲۸). پس یار خود را آواز دادند پس دست درازی کرد و مجروح ساخت (۲۹). عقوبت من و ترسانیدن های من پس چگونه بود؟ (۳۰). هر آئینه ما برایشان يك نعره فرستادیم پس مانند حظیره^(۴) درهم شکسته که حظیره ساز آنرا بنا کرده باشد شدند (۳۱). و هر آئینه قرآن را برای آنکه پندگیرند آسان گردانیدیم پس آیا هیچ پندگیرنده ای است (۳۲). قوم لوط ترسانندگان را تکذیب کردند (۳۳). هر آئینه برایشان بادسنگبار را فرستادیم مگر اهل خانه^۵ لوط که ایشان را وقت سحر نجات دادیم (۳۴). به مهربانی از نزدیک خویش همچنین پاداش میدهیم هر کسی را که شکرگزاری کرد (۳۵). و به راستی که لوط ایشانرا از عقوبت ماترسانیده بود پس در آن ترسانیدنها مجادله کردند (۳۶). و به راستی که سخن گفتند تا لوط را از حفظ مهمانان او غفلت دهند پس چشم های ایشانرا محو کردیم پس (گفتیم) عذاب مرا و ترسانیدنهای مرا بچشید (۳۷). و هر آئینه ایشانرا بامداد عقوبتی جای گیرنده برهم زد (۳۸). پس (گفتیم) عذاب مرا و ترسانیدنهای مرا بچشید (۳۹). و هر آئینه قرآن را برای آنکه پندگیرند آسان گردانیدیم پس آیا هیچ پندگیرنده ای هست (۴۰). و به یقین ترسانندگان به نزد فرعونیان آمدند (۴۱). همگی نشانه های ما را تکذیب کردند پس ایشانرا مانند درگرفتن غالب قوی گرفتیم (۴۲). آیا کافران شما ای قریش ازین جماعت ها بهتراند یا شمارا در کتابهای پیشین حکم خلاصی است (۴۳). آیامی گویند ما جماعتی انتقام گیرنده ایم (۴۴). این جماعت را شکست داده خواهد شد و ایشان پشت بگردانند (۴۵). بلکه قیامت و عده گاه ایشانست و قیامت سخت تر و تلخ تر است (۴۶). هر آئینه گنهکاران در گمراهی و دیوانگی اند (۴۷). یادکن روزی را که کشیده شوند در دوزخ بر روی های ایشان (گویم) عذاب دوزخ را بچشید (۴۸). هر آئینه ما هر چیز را باندازه^۶ مقرر پیدا کردیم (۴۹).

(۴) مترجم گوید حظیره احاطه است که از شاخهای خشک و خار برای گوسفند بنا کنند و آن بمرور زمان پایمال موایی میگرد خدای تعالی بآن پایمال شده تشبیه داد.

وَمَا أَمْرُنَا إِلَّا وَاحِدَةٌ كَلَمْحٍ بِالْبَصَرِ ﴿٥٠﴾ وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا
 أَشْيَاعَكُمْ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ ﴿٥١﴾ وَكُلُّ شَيْءٍ فَعَلُوهُ فِي الزُّبُرِ
 ﴿٥٢﴾ وَكُلُّ صَغِيرٍ وَكَبِيرٍ مُسْتَطَرٌ ﴿٥٣﴾ إِنَّ الْأُمْتَقِينَ
 فِي جَنَّتٍ وَنَهْرٍ ﴿٥٤﴾ فِي مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِكٍ مُقْتَدِرٍ ﴿٥٥﴾

سورة الرحمن

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الرَّحْمَنُ ﴿١﴾ عَلَّمَ الْقُرْآنَ ﴿٢﴾ خَلَقَ الْإِنْسَانَ ﴿٣﴾ عَلَّمَهُ الْبَيَانَ ﴿٤﴾
 الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ مُحْسَبَانِ ﴿٥﴾ وَالتَّجْمُ وَالشَّجَرُ يَسْجُدَانِ ﴿٦﴾
 وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ ﴿٧﴾ أَلَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيزَانِ ﴿٨﴾
 وَأَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ ﴿٩﴾ وَالْأَرْضَ
 وَضَعَهَا لِلْأَنْعَامِ ﴿١٠﴾ فِيهَا فَاكِهَةٌ وَالنَّخْلُ ذَاتُ الْأَكْمَامِ ﴿١١﴾
 وَالْحَبُّ ذُو الْعَصْفِ وَالرَّيْحَانُ ﴿١٢﴾ فَبِأَيِّ آيَاتِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ
 ﴿١٣﴾ خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَلٍ كَالْفَخَّارِ ﴿١٤﴾ وَخَلَقَ الْجَانَّ مِنْ
 مَّارِجٍ مِنْ نَّارٍ ﴿١٥﴾ فَبِأَيِّ آيَاتِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿١٦﴾ رَبُّ
 الْمَشْرِقَيْنِ وَرَبُّ الْمَغْرِبَيْنِ ﴿١٧﴾ فَبِأَيِّ آيَاتِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿١٨﴾

نیست حکم ما مگر یک کلمه مانند به هم زدن چشم^(۵) (۵۰). و به راستی که امثال شما را هلاک ساختیم پس آیا هیچ پندگیرنده ای است (۵۱). و هر چیزی که کرده اند در نامه های اعمال مکتوب است (۵۲). و هر کوچک و بزرگ نوشته شده است^(۶) (۵۳). هر آینه پرهیزگاران در بوستانها و چشمه ها باشند (۵۴). در مجلس راستی نزد پادشاه توانا باشند (۵۵).



بنام خدای بخشاینده مهربان.

خدا (۱). قرآن را آموخت (۲). آدمی را آفرید (۳). اورا سخن گفتن آموخت (۴). خورشید و ماه به حساب مقرر میروند (۵). و گیاه و درخت سجده میکنند (۶). و آسمان را برافراشت و ترازو را فرود آورد (۷). به مقصد آنکه در ترازو از حد تجاوز نکنید (۸). و راست سنجید به انصاف و در ترازو نقصان نکنید (۹). و زمین را برای آدمیان گسترد (۱۰). در آن زمین میوه است و درختان دارای غلاف ها خرماسست (۱۱). و در آن زمین دانه برگ دار است ریحان خوشبوئیست^(۱) (۱۲). پس کدام یک از نعمتهای پروردگار خویش را تکذیب میکنید^(۲) (۱۳). آدمی را از گِل خشک مانند سفال آفرید (۱۴). و جن را از شعله آتش آفرید (۱۵). پس کدام یک از نعمتهای پروردگار خویش را تکذیب میکنید (۱۶). پروردگار دوشمیرق و پروردگار دو مغرب است^(۳) (۱۷). پس کدام یک از نعمتهای پروردگار خویش را تکذیب میکنید (۱۸).

(۵) یعنی در سرعت وجود، مراد آسان بودن است.

(۶) یعنی در لوح محفوظ.

(۱) مترجم گوید اشاره بآنست که برگ حبوب غذائیه علف دواب ایشان میشود پس این نعمت جدا گانه ای است.

(۲) [ای] جن وانس.

(۳) یعنی در زمستان آفتاب مشرق و مغرب دیگری دارد و در تابستان مشرق و مغرب دیگر.

مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ ﴿١١﴾ بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ ﴿١٢﴾ فَبِأَيِّ آيَةِ
 رَبِّكُمَا تُكذَّبَانِ ﴿١٣﴾ يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللُّؤْلُؤُ وَالْمَرْجَانُ ﴿١٤﴾ فَبِأَيِّ آيَةِ
 رَبِّكُمَا تُكذَّبَانِ ﴿١٥﴾ وَلَهُ الْجَوَارِ الْمُنشَآتُ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَامِ ﴿١٦﴾
 فَبِأَيِّ آيَةِ رَبِّكُمَا تُكذَّبَانِ ﴿١٧﴾ كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ ﴿١٨﴾ وَيَبْقَى وَجْهُ
 رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ ﴿١٩﴾ فَبِأَيِّ آيَةِ رَبِّكُمَا تُكذَّبَانِ ﴿٢٠﴾
 يَسْأَلُهُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ ﴿٢١﴾ فَبِأَيِّ
 آيَةِ رَبِّكُمَا تُكذَّبَانِ ﴿٢٢﴾ سَنَفَعُ لَكُمْ أَيُّهُ الثَّقَلَانِ ﴿٢٣﴾ فَبِأَيِّ
 آيَةِ رَبِّكُمَا تُكذَّبَانِ ﴿٢٤﴾ يَمَعَشِرَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ إِنْ أَسْطَعْتُمْ
 أَنْ تَفْذُوا مِنْ أَقْطَارِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ فَانْفُذُوا لَا تَفْذُونَ
 إِلَّا بِإِذْنِ رَبِّكُمَا تُكذَّبَانِ ﴿٢٥﴾ فَبِأَيِّ آيَةِ رَبِّكُمَا تُكذَّبَانِ ﴿٢٦﴾
 سُورَاطٍ مِنْ نَارٍ وَنَحَّاسٍ فَلَا تَنْتَصِرَانِ ﴿٢٧﴾ فَبِأَيِّ آيَةِ رَبِّكُمَا
 تُكذَّبَانِ ﴿٢٨﴾ فَإِذَا انشَقَّتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ وَرْدَةً كَالدِّهَانِ
 ﴿٢٩﴾ فَبِأَيِّ آيَةِ رَبِّكُمَا تُكذَّبَانِ ﴿٣٠﴾ فَيَوْمَئِذٍ لَا يُسْأَلُ عَنْ
 ذَنْبِهِ إِنْسٌ وَلَا جَانٌ ﴿٣١﴾ فَبِأَيِّ آيَةِ رَبِّكُمَا تُكذَّبَانِ ﴿٣٢﴾
 يُعْرِفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيمَاهُمْ فَيُؤْخَذُ بِالنَّوَصِي وَالْأَقْدَامِ ﴿٣٣﴾

گذاشت دودریاراتابهم جمع شوند (۱۹). میان این هردو حجابیست که یکی بردیگری تجاوز نمیکند (۲۰). پس کدام يك از نعمتهای پروردگار خویش را تکذیب می کنید (۲۱). ازین دودریا مروارید و مرجان برمی آید (۲۲). پس کدام يك از نعمتهای پروردگار خویش را تکذیب می کنید (۲۳). کشتی‌های روان شونده برافراشته در دریا مانند کوه‌ها برای خدا است (۲۴). پس کدام يك از نعمتهای پروردگار خویش را تکذیب می کنید (۲۵). هر کس که بر زمین هست فانی شود (۲۶). و روی پروردگارتو خداوند بزرگی و انعام باقی می ماند (۲۷). پس کدام يك از نعمتهای پروردگار خویش را تکذیب می کنید (۲۸). از خدا هر که در آسمانها و زمین است سوال میکند هر روزی خدا در کاری است (۲۹) ^(۴). پس کدام يك از نعمتهای پروردگار خویش را تکذیب می کنید (۳۰). از همه فارغ شده برای شما ای جن و انس متوجه شویم (۳۱). پس کدام يك از نعمتهای پروردگار خویش را تکذیب می کنید (۳۲). ای گروه جن و انس اگر می‌توانید که از کناره‌های آسمان‌ها و زمین بیرون روید پس بیرون روید مگر به توانی بیرون نخواهد رفت ^(۵) (۳۳). پس کدام يك از نعمتهای پروردگار خویش را تکذیب میکنید (۳۴). بر شما شعله‌ای از آتش و دودی نیز فرستاده خواهد شد پس مقابله نتوانید کرد (۳۵). پس کدام يك از نعمتهای پروردگار خویش را تکذیب می کنید (۳۶). پس چون آسمان بشگافد پس مثل گل سرخ همچون روغن گداخته شود (۳۷). پس کدام يك از نعمتهای پروردگار خویش را تکذیب می کنید (۳۸). پس آن روز هیچ آدمی و جنی از گناهش سوال نشود (۳۹). پس کدام يك از نعمتهای پروردگار خویش را تکذیب می کنید (۴۰). گنهکاران به قیافه‌هایشان شناخته شوند پس به موی پیشانی‌ها و به پاها گرفته شود (۴۱).

(۴) یعنی در نعمت دادن یا عذاب دادن یا سعادت دادن و یا شقاوت دادن و زنده کردن یا میراندن.

(۵) یعنی و آن قوت کجا است.

فَيَايَءَ الْآءِ رَبِّكَمَا تُكذِّبَانِ ﴿٤٢﴾ هَذِهِءَ جَهَنَّمُ الَّتِي يُكَذِّبُ بِهَا
 الْمُجْرِمُونَ ﴿٤٣﴾ يَطُوفُونَ بَيْنَهَا وَبَيْنَ حَمِيمٍ ءَانِ ﴿٤٤﴾ فَيَايَءَ الْآءِ
 رَبِّكَمَا تُكذِّبَانِ ﴿٤٥﴾ وَلَمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٍ ﴿٤٦﴾ فَيَايَ
 ءَ الْآءِ رَبِّكَمَا تُكذِّبَانِ ﴿٤٧﴾ ذَوَاتَا أَفْنَانٍ ﴿٤٨﴾ فَيَايَءَ الْآءِ رَبِّكَمَا
 تُكذِّبَانِ ﴿٤٩﴾ فِيهِمَا عَيْنَانِ تَجْرِيَانِ ﴿٥٠﴾ فَيَايَءَ الْآءِ رَبِّكَمَا تُكذِّبَانِ
 ﴿٥١﴾ فِيهِمَا مِنْ كُلِّ فَاكِهَةٍ زَوْجَانِ ﴿٥٢﴾ فَيَايَءَ الْآءِ رَبِّكَمَا تُكذِّبَانِ
 ﴿٥٣﴾ مُتَّكِعِينَ عَلَى فُرُشٍ بَطَآئِنُهَا مِنْ إِسْتَبْرَقٍ وَجَنَى الْجَنَّتَيْنِ دَانٍ
 ﴿٥٤﴾ فَيَايَءَ الْآءِ رَبِّكَمَا تُكذِّبَانِ ﴿٥٥﴾ فِيهِنَّ قَلْصِرَاتُ الْطَّرْفِ
 لَمْ يَطْمِثْهُنَّ إِنْسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌ ﴿٥٦﴾ فَيَايَءَ الْآءِ رَبِّكَمَا تُكذِّبَانِ
 ﴿٥٧﴾ كَانَهُنَّ الْيَاقُوتُ وَالْمَرْجَانُ ﴿٥٨﴾ فَيَايَءَ الْآءِ رَبِّكَمَا تُكذِّبَانِ
 ﴿٥٩﴾ هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَنِ إِلَّا الْإِحْسَنُ ﴿٦٠﴾ فَيَايَءَ الْآءِ رَبِّكَمَا
 تُكذِّبَانِ ﴿٦١﴾ وَمِنْ دُونِهِمَا جَنَّتَانِ ﴿٦٢﴾ فَيَايَءَ الْآءِ رَبِّكَمَا
 تُكذِّبَانِ ﴿٦٣﴾ مُدْهَامَتَانِ ﴿٦٤﴾ فَيَايَءَ الْآءِ رَبِّكَمَا تُكذِّبَانِ
 ﴿٦٥﴾ فِيهِمَا عَيْنَانِ نَضَّاخَتَانِ ﴿٦٦﴾ فَيَايَءَ الْآءِ رَبِّكَمَا تُكذِّبَانِ ﴿٦٧﴾
 فِيهِمَا فَاكِهَةٌ وَنَخْلٌ وَرُمَّانٌ ﴿٦٨﴾ فَيَايَءَ الْآءِ رَبِّكَمَا تُكذِّبَانِ ﴿٦٩﴾

پس کدام يك از نعمتهای پروردگارتان را تکذیب می کنید (۴۲). این است آن دوزخ که گنهگاران آن را تکذیب می کردند (۴۳). میان آن آتش و میان آب گرم جوشیده دورمی زند (۴۴). پس کدام يك از نعمت های پروردگار خویش را تکذیب می کنید (۴۵). و برای کسی که از ایستادن بحضور پروردگار خویش ترسیده است دبوستان است (۴۶). پس کدام يك از نعمتهای پروردگار خویش را تکذیب می کنید (۴۷). دو بوستان دارای شاخه های بسیار (۴۸). پس کدام يك از نعمتهای پروردگار خویش را تکذیب می کنید (۴۹). در آن دبوستان دو چشمه میروند (۵۰). پس کدام يك از نعمتهای پروردگار خویش را تکذیب می کنید (۵۱). در آن دبوستان از هر میوه دو قسم باشد (۵۲). پس کدام يك از نعمتهای پروردگار خویش را تکذیب می کنید (۵۳). تکیه زده بر فرش هایی که آستر آن از حریر ضخیم باشد و میوه آن دبوستان نزدیک بُود^(۱) (۵۴). پس کدام يك از نعمتهای پروردگار خویش را تکذیب می کنید (۵۵). در آن (کاخها) حورانی باشند فرواندازنده چشم که پیش از ایشان دست هیچ انس و جتی به آنها نرسیده است (۵۶). پس کدام يك از نعمتهای پروردگار خویش را تکذیب می کنید (۵۷). گویا آن حوران یاقوت و مرجان اند (۵۸). پس کدام يك از نعمتهای پروردگار خویش را تکذیب می کنید (۵۹). پاداش نیکوکاری جز انعام بسیار نیست (۶۰). پس کدام يك از نعمتهای پروردگار خویش را تکذیب می کنید (۶۱). و غیر از این دبوستان دیگر باشند (۶۲). پس کدام يك از نعمتهای پروردگار خویش را تکذیب می کنید (۶۳). دبوستان سبز که از غایت سبزی بسیاهی میزنند (۶۴). پس کدام يك از نعمتهای پروردگار خویش را تکذیب می کنید (۶۵). در آن دبوستان دو چشمه جوشنده باشند (۶۶). پس کدام يك از نعمتهای پروردگار خویش را تکذیب می کنید (۶۷). در آن دبوستان میوه و درختان خرما و انار باشند (۶۸). پس کدام يك از نعمتهای پروردگار خویش را تکذیب می کنید (۶۹).

(۱) یعنی به سهولت توان گرفت.

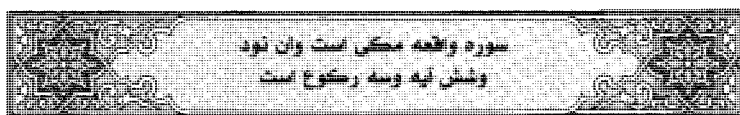
فِيهِنَّ خَيْرَاتٌ حَسَانٌ ﴿٧٠﴾ فَبِأَيِّ آءِ الرَّبِّ كَمَا تُكذِّبَانِ
 ﴿٧١﴾ حُورٌ مَّقْصُورَاتٌ فِي الْخِيَامِ ﴿٧٢﴾ فَبِأَيِّ آءِ الرَّبِّ كَمَا
 تُكذِّبَانِ ﴿٧٣﴾ لَمْ يَطْمِثْهُنَّ إِنْسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌ ﴿٧٤﴾ فَبِأَيِّ
 آءِ الرَّبِّ كَمَا تُكذِّبَانِ ﴿٧٥﴾ مُتَّكِعِينَ عَلَى رُفُوفٍ خُضِرٍ
 وَعَبَقَرِيٍّ حَسَانِ ﴿٧٦﴾ فَبِأَيِّ آءِ الرَّبِّ كَمَا تُكذِّبَانِ ﴿٧٧﴾
 تَبَارَكَ اسْمُ رَبِّكَ ذِي الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ ﴿٧٨﴾

سورة الواقعة

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِذَا وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ ﴿١﴾ لَيْسَ لَوْقَعَتِهَا كَاذِبَةٌ ﴿٢﴾ خَافِضَةٌ رَافِعَةٌ
 ﴿٣﴾ إِذَا رَجَّتِ الْأَرْضُ رَجًّا ﴿٤﴾ وَبَسَّتِ الْجِبَالُ بَسًّا ﴿٥﴾ فَكَانَتْ
 هَبَاءً مُنْبَثًّا ﴿٦﴾ وَكُنْتُمْ أَزْوَاجًا ثَلَاثَةً ﴿٧﴾ فَأَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ
 مَا أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ ﴿٨﴾ وَأَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ مَا أَصْحَابُ
 الْمَشْأَمَةِ ﴿٩﴾ وَالسَّيِّدُونَ السَّيِّدُونَ ﴿١٠﴾ أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ ﴿١١﴾
 فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ ﴿١٢﴾ ثَلَاثَةٌ مِنَ الْأَوَّلِينَ ﴿١٣﴾ وَقَلِيلٌ مِنَ الْآخِرِينَ
 ﴿١٤﴾ عَلَى سُرُرٍ مَوْضُونَةٍ ﴿١٥﴾ مُتَّكِعِينَ عَلَيْهَا مُتَقَدِّمِينَ ﴿١٦﴾

در آن کاخها زنان برگزیده زیبا باشند (۷۰). پس کدام يك از نعمتهای پروردگار خویش را تکذیب می کنید (۷۱). حوران نگاهداشته شده درخیمها (۷۲). پس کدام يك از نعمتهای پروردگار خویش را تکذیب می کنید (۷۳). به آنها پیش از ایشان هیچ آدمی جماع نکرده^۱ است و نه هیچ جنی (۷۴). پس کدام يك از نعمتهای پروردگار خویش را تکذیب می کنید (۷۵). بربالشهای سبز و بساط های نیک تکیه زده باشند (۷۶). پس کدام يك از نعمتهای پروردگار خویش را تکذیب می کنید (۷۷). نام پروردگارتو خداوند بزرگی و انعام بابرکت است (۷۸).



بنام خدای بخشاینده مهربان.

یادکن آنگاه که متحقق شود قیامت (۱). وقوع آن را هیچ نفس دروغ گوینده نیست^(۱) (۲). جماعتی را پست کننده است طائفه ای را بلندکننده است (۳). آنگاه که زمین جنبانیده شود جنبانیدن سخت (۴). و کوهها ریزه ریزه شود ریزه ریزه کردنی (۵). پس مانند غبار پراکنده شود (۶). و شما سه قسم شوید (۷). پس اهل سعادت چه حال دارند اهل سعادت (۸). و اهل شقاوت چه حال دارند اهل شقاوت (۹). و پیش رونندگان خود ایشانند پیش رونندگان (۱۰). آن پیش رونندگان ایشانند نزدیک کردگان (۱۱). در بوستانهای نعمت باشند (۱۲). سابقان جمعی یسیر از پیشینیان اند^(۲) (۱۳). و اندک شماره از پسینیان هستند^(۳) (۱۴). بر تخت های زربافته نشسته باشند (۱۵). تکیه زده بر آن روبروی یکدیگر اند (۱۶).

(۱) یعنی همه مسلمان شوند کفر وافر آنجا نباشد.

(۲) یعنی از امم سابقه.

(۳) یعنی از امت محمدیه.

يَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ مُخَلَّدُونَ ﴿١٧﴾ بِأَكْوَابٍ وَأَبَارِيقَ وَكَأْسٍ مِّن مَّعِينٍ
﴿١٨﴾ لَا يُصَدَّعُونَ عَنْهَا وَلَا يُنْزِفُونَ ﴿١٩﴾ وَفَلَكَهَاتِمَايَتَخَيَّرُونَ
﴿٢٠﴾ وَلَحْمِ طَيْرٍ مِّمَّا يَشْتَهُونَ ﴿٢١﴾ وَحُورٍ عِينٍ ﴿٢٢﴾ كَأَمْثَلِ اللَّوْلُؤِ
الْمَكْنُونِ ﴿٢٣﴾ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٢٤﴾ لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا
وَلَا تَأْتِيهِمْ إِلَّا قِيلًا سَلَامًا سَلَامًا ﴿٢٥﴾ وَأَصْحَابُ الْيَمِينِ مَا أَصْحَابُ
الْيَمِينِ ﴿٢٦﴾ فِي سِدْرٍ مَّخْضُودٍ ﴿٢٧﴾ وَطَلْحٍ مَّنضُودٍ ﴿٢٨﴾ وَظِلِّ مَمْدُودٍ
﴿٢٩﴾ وَمَاءٍ مَّسْكُوبٍ ﴿٣٠﴾ وَفَلَكَهَاتِمَايَتَخَيَّرُونَ ﴿٣١﴾ لَا مَقْطُوعَةَ وَلَا مَمْنُوعَةَ
﴿٣٢﴾ وَفُرُشٍ مَّرْفُوعَةٍ ﴿٣٣﴾ إِنَّا أَنشَأْنَهُنَّ إِنِشَاءً ﴿٣٤﴾ فَجَعَلْنَهُنَّ أَبْكَارًا
﴿٣٥﴾ عُرُبًا أَتْرَابًا ﴿٣٦﴾ لِأَصْحَابِ الْيَمِينِ ﴿٣٧﴾ ثَلَاثَةٌ مِّنَ الْأُولِينَ ﴿٣٨﴾
وَأَصْحَابُ الشِّمَالِ مَا أَصْحَابُ الشِّمَالِ ﴿٣٩﴾ فِي سَمُومٍ وَحَمِيمٍ ﴿٤٠﴾ وَظِلِّ مِّن يَّحْمُومٍ ﴿٤١﴾
وَلَا كَرِيمٍ ﴿٤٢﴾ إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَلِكَ مُتْرَفِينَ ﴿٤٣﴾ وَكَانُوا
يُصْرُونَ عَلَى الْخَنَثِ الْعَظِيمِ ﴿٤٤﴾ وَكَانُوا يَقُولُونَ إِذَا مِتْنَا وَكُنَّا
تُرَابًا وَعِظْمًا أَيْنَا لَمَبْعُوثُونَ ﴿٤٥﴾ أَوْءَابَاؤُنَا الْأَوْلُونَ ﴿٤٦﴾ قُلْ إِنَّ
الْأُولِينَ وَالْآخِرِينَ ﴿٤٧﴾ لَمَجْمُوعُونَ إِلَى مِيقَاتِ يَوْمٍ مَّعْلُومٍ ﴿٤٨﴾

برایشان نوجوانانِ جاویدان آمدورفت میکنند (۱۷). با آب خورهما و ابریقها و پپالهای
 از شراب جاری (۱۸). نه ایشانرا از آن شراب سر درد داده شود و نه بیهوش شوند (۱۹). و آمد
 و رفت کنند بامیوه از هر جنس که اختیار کنند (۲۰). و با گوشت مرغان از هر جنس که
 پسندکنند (۲۱). برایشان حوران کشاده چشم است (۲۲). مانند مر و ارید پوشیده شده (۲۳).
 پاداش دهیم بحسب آنچه میکردند (۲۴). نشنوند در بهشت سخن بیهوده و نه حرفی که گناه
 باشد (۲۵). لیکن این سخن بشنوند که هر یکی سلام میگوید (۲۶). و اهل سعادت چه حال
 دارند اهل سعادت (۲۷). در درختان گنار بیخار (۲۸). و در درختان موز تودرتو ثمره آن
 (۲۹). و در سایه دراز (۳۰). و در آب ریخته شده (۳۱). و در میوه بسیار (۳۲). نه به پایان رسد
 و نه از آن منع کرده شود (۳۳). و فرشهای برافراشته شده (۳۴). هر آئینه ما حوران رایک نوع
 آفریدن آفریدیم (۳۵). پس ایشانرا دوشیزه (بکر) گردانیدیم (۳۶). نزد شوهران محبوب
 شونده^(۴) هم عمر بایکدیگر (۳۷). برای اصحاب یمین (۳۸). جماعتی بسیار از پیشینیاناند
 (۳۹). و جماعتی بسیار از پسینیاناند (۴۰). و اهل شقاوت چه حال دارند اهل شقاوت (۴۱).
 در باد گرم و آب گرم باشند (۴۲). و در سایه دود سیاه (۴۳). که نه خنک باشد و نه باعزت بود
 (۴۴). هر آئینه ایشان پیش ازین به ناز پرورده بودند (۴۵). و برگناه بزرگ (یعنی شرک)
 مداومت میکردند (۴۶). و می گفتند آیا چون بمیریم و خاک شویم و استخوانی چند باشیم
 آیا ما برانگیخته شویم (۴۷). آیا پدران نخستین ما برانگیخته شوند (۴۸). بگوهر آئینه پیشینیان
 و پسینیان (۴۹). البته در میعاد روز مقرر جمع کرده شوند (۵۰).

(۴) یعنی از هر نظر مورد پسند باشند.

ثُمَّ نَكَّمْ أَهْيَا الضَّالُّونَ الْمَكْذِبُونَ ﴿٥١﴾ لَا كَلُونَ مِنْ شَجَرٍ مِّن رُّقُومٍ ﴿٥٢﴾
 فَمَا لَوْنَ مِنْهَا الْبُطُونَ ﴿٥٣﴾ فَشَرِبُونَ عَلَيْهِ مِنَ الْحَمِيمِ ﴿٥٤﴾ فَشَرِبُونَ
 شَرِبَ الْهِيمِ ﴿٥٥﴾ هَذَا نُزِّلَهُمْ يَوْمَ الدِّينِ ﴿٥٦﴾ نَحْنُ خَلَقْنَاكُمْ فَلَوْلَا
 تُصَدِّقُونَ ﴿٥٧﴾ أَفَرَأَيْتُمْ مَا تُمْنُونَ ﴿٥٨﴾ ءَأَنْتُمْ تَخْلُقُونَهُ ءَأَمْرُ نَحْنُ
 الْخَالِقُونَ ﴿٥٩﴾ نَحْنُ قَدَرْنَا بَيْنَكُمْ الْمَوْتَ وَمَا نَحْنُ بِمَسْبُوقِينَ ﴿٦٠﴾
 عَلَىٰ أَن نُّبَدِّلَ أَمْثَلَكُمْ وَنُنشِئَكُمْ فِي مَا لَا تَعْمُونَ ﴿٦١﴾ وَلَقَدْ
 عَلَّمْتُمُ النَّشَأَ الْأُولَىٰ فَلَوْلَا تَذَكَّرُونَ ﴿٦٢﴾ أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَحْرُثُونَ
 ﴿٦٣﴾ ءَأَنْتُمْ تَرْزَعُونَهُ ءَأَمْرُ نَحْنُ الزَّارِعُونَ ﴿٦٤﴾ لَوْ نَشَاءُ لَجَعَلْنَاهُ
 حُطَمًا فَظَلْتُمْ تَفَكَّهُونَ ﴿٦٥﴾ إِنَّا لَمُعْرِمُونَ ﴿٦٦﴾ بَلْ نَحْنُ
 مَحْرُومُونَ ﴿٦٧﴾ أَفَرَأَيْتُمْ الْمَاءَ الَّذِي تَشْرَبُونَ ﴿٦٨﴾ ءَأَنْتُمْ أَنْزَلْتُمُوهُ
 مِنَ الْمُزْنِ أَمْ نَحْنُ الْمُنزِلُونَ ﴿٦٩﴾ لَوْ نَشَاءُ جَعَلْنَاهُ أُجَاجًا فَلَوْلَا
 تَشْكُرُونَ ﴿٧٠﴾ أَفَرَأَيْتُمْ النَّارَ الَّتِي تُورُونَ ﴿٧١﴾ ءَأَنْتُمْ أَنْشَأْتُمْ
 شَجَرَتَهَا أَمْ نَحْنُ الْمُنشِئُونَ ﴿٧٢﴾ نَحْنُ جَعَلْنَاهَا تَذَكُّرًا وَرِزْقًا
 لِلْمُقْوِينَ ﴿٧٣﴾ فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ ﴿٧٤﴾ * فَلَا أُقْسِمُ
 بِمَوْقِعِ النُّجُومِ ﴿٧٥﴾ وَإِنَّهُ لَقَسَمٌ لِّوَتَّعْمُونَ عَظِيمٌ ﴿٧٦﴾

بازهرآئینه شما ای گمراهان تکذیب کنندگان (۵۱). خواهید اذدرختان زقوم خورد (۵۲). پس از آن شکم هارا پرخواهیدکرد (۵۳). پس خواهید برآن طعام از آب گرم آشامید (۵۴). پس خواهید آشامید مانند آشامیدن شتران مبتلا به بیماری تشنگی (۵۵). اینست مهمان ایشان روز جزاء (۵۶). ماآفریدیم شمارا پس چرا باورنمی کنید (یعنی اعاده را) (۵۷). آیامی بینید آنچه را که میریزید (دررحم زنان)؟^(۵) (۵۸). آیاشما آن را می آفرینید یا ماآفرینندهایم^(۶) (۵۹). ما مرگ را مقدر کرده ایم وما عاجز کرده شده نیستیم (۶۰). ازآنکه همانندشمارا جایگزین کنیم وشمارا درعالمی که نمیدانید بیافرینیم (۶۱). وهرآئینه آفرینش نخستین را دانسته اید پس چراپندنمی گیرید (۶۲). آیا دیدید آنچه را که می کارید (۶۳). آیاشما میرویانید آن را یا ما رویانندهایم (۶۴). اگر خواهیم بگردانیم آن زراعت راگیاهی درهم شکسته به تعجب مانده گوید (۶۵). هرآئینه ماغرامت کشندگانیم (۶۶). بلکه ما محروم ماندگانیم (۶۷). آیا پس دیدید آن آب را که می آشامید (۶۸). آیاشما فرودآورده اید آن را از ابر یا ما فرودآرندگانیم (۶۹). اگرخواهیم آنرا شورمی گردانیم پس چرا شکر نمی کنید (۷۰). آیاپس دیدید آن آتش را که روشن می کنید (ازمیان شاخ درخت برمی آید) (۷۱). آیاشما آفریده ایددرخت آن را یا ماآفرینندهایم (۷۲). ما آن درخت را (مایه) پند ومنفعت برای مسافران ساختیم (۷۳). پس پروردگاربزرگ خودرا به پاکی یادکن (۷۴). پس به افتادن ستارها سوگند میخورم^(۷) (۷۵). وهرآئینه این قسمی است بزرگ اگر بدانید (۷۶).

(۵) یعنی منی را.

(۶) یعنی تغییر میدهیم منی را ازحالی به حالی تاآدمی پیدامی شود والله اعلم.

(۷) یعنی شهابها والله اعلم.

إِنَّهُ لَقَرِءٌ أَنْ كَرِيمٌ ﴿٧٧﴾ فِي كِتَابٍ مَكْنُونٍ ﴿٧٨﴾ لَا يَمَسُّهُ إِلَّا
 الْمُطَهَّرُونَ ﴿٧٩﴾ تَنْزِيلٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٨٠﴾ أَفَبِهَذَا الْحَدِيثِ
 أَنْتُمْ مُدْهِنُونَ ﴿٨١﴾ وَتَجْعَلُونَ رِزْقَكُمْ أَنْتُمْ تُكذِّبُونَ ﴿٨٢﴾ فَلَوْلَا
 إِذَا بَلَغَتِ الْحُلُقُومَ ﴿٨٣﴾ وَأَنْتُمْ حِينِيذٍ تَنْظُرُونَ ﴿٨٤﴾ وَمَنْ أَقْرُبُ
 إِلَيْهِ مِنْكُمْ وَلَكِنْ لَا تَبْصُرُونَ ﴿٨٥﴾ فَلَوْلَا إِنْ كُنْتُمْ غَيْرَ مَدِينِينَ
 ﴿٨٦﴾ تَرْجِعُونَهَا إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٨٧﴾ فَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ
 ﴿٨٨﴾ فَرَوْحٌ وَرَيْحَانٌ وَجَنَّتْ نَعِيمٍ ﴿٨٩﴾ وَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنْ أَصْحَابِ
 الْيَمِينِ ﴿٩٠﴾ فَسَلَامٌ لَكَ مِنْ أَصْحَابِ الْيَمِينِ ﴿٩١﴾ وَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ
 الْمَكْذِبِينَ الضَّالِّينَ ﴿٩٢﴾ فَنُزُلٌ مِنْ حَمِيمٍ ﴿٩٣﴾ وَتَصْلِيَةٌ جَهِيمٍ
 ﴿٩٤﴾ إِنَّ هَذَا لَهُوَ حَقُّ الْيَقِينِ ﴿٩٥﴾ فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ ﴿٩٦﴾

سورة الحديد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سَبِّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۗ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿١﴾ لَهُ، مُلْكُ
 السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۗ يُحْيِي ۖ وَيُمِيتُ ۗ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٢﴾ هُوَ
 الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ ۗ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿٣﴾

هر آئینه این کتاب قرآنی گرامیقدر است (۷۷). در کتاب پوشیده نوشته شده است (۷۸). که به آن جز پاك كردگان دست نمی رسانند^(۸) (۷۹). از جانب پروردگار جهانیان فرستاده شده است (۸۰). آیا به این سخن انکار کننده اید؟ (۸۱). و (سپاس) روزیتان را تکذیب کردن قرار می دهید (۸۲). پس آنگاه که روح شخصی نزد گلو رسد (۸۳). و شما آنگاه می بینید (۸۴). و ما به اونسبت به شما نزدیک تریم ولیکن نمی نگرید (۸۵). پس اگر غیر مقهور حکم الهی هستید (۸۶). چرا آن روح را به بدن باز نگردانید اگر راست می گوید^(۹) (۸۷). پس اگر مرده از مقربان بارگاه الهی باشد (۸۸). پس او را راحت و گل خوشبو و بوستان نعمت است (۸۹). و اما اگر از اهل سعادت باشد (۹۰). پس او را از اهل سعادت سلامت است ای مخاطب (۹۱). و اما اگر از تکذیب کنندگان و گمراهان باشد (۹۲). پس او را مهمانی از آب گرم است (۹۳). و او را به دوزخ درآوردن است (۹۴). هر آئینه این خبر درست بی شبهه ای است (۹۵). پس پروردگار بزرگ خود را به پاکی یادکن (۹۶).



بنام خدای بخشاینده مهربان.

هر آنچه در آسمانها و زمین است خدا را به پاکی یاد می کنند و او غالب دانا است (۱). پادشاهی آسمانها و زمین برای اوست زنده میکند و می میراند و او بر هر چیز توانا است (۲). او نخستین همه است و او آخرین همه است و او آشکار است و او پنهان و او بهر چیز دانا است (۳).

(۸) یعنی در لوح محفوظ.

(۹) مترجم گوید لفظ لولا داخل است بر ترجمونها و اعاده آن برای تاکید است.

هُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ
 عَلَى الْعَرْشِ يَعْلَمُ مَا يَلْجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ
 السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ
 بَصِيرٌ ﴿٤﴾ اللَّهُ، مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ
 ﴿٥﴾ يُوَلِّجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُوَلِّجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَهُوَ عَلِيمٌ بِذَاتِ
 الصُّدُورِ ﴿٦﴾ ءَامِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ءَ وَأَنْفِقُوا مِمَّا جَعَلَكُمْ
 مُسْتَخْلِفِينَ فِيهِ فَالَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْكُمْ وَأَنْفَقُوا لَهُمْ أَجْرٌ كَبِيرٌ ﴿٧﴾
 وَمَالِكُمْ لَا تُمْنُونَ بِاللَّهِ وَالرَّسُولِ يَدْعُوكُمْ لِيَتُؤْمِنُوا بِكُمْ وَقَدْ
 أَخَذَ مِيثَاقَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿٨﴾ هُوَ الَّذِي يُنَزِّلُ عَلَى عَبْدِهِ
 ءَ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ لِيُخْرِجَكُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَإِنَّ اللَّهَ بِكُمْ
 لَرَءُوفٌ رَحِيمٌ ﴿٩﴾ وَمَالِكُمْ ءَلَا تَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلِلَّهِ مِيرَاثُ
 السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا يَسْتَوِي مِنْكُمْ مَنْ أَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ الْفَتْحِ
 وَقَتْلَ أَوْلِيَاءِكِ أَعْظَمَ دَرَجَةً مِّنَ الَّذِينَ أَنْفَقُوا مِنْ بَعْدِ وَقَاتَلُوا
 وَكُلًّا وَعَدَّ اللَّهُ الْحَسَنَىٰ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ﴿١٠﴾ مَّن ذَا
 الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضْعِفُهُ لَهُ، وَهُوَ لَهُ أَجْرٌ كَرِيمٌ ﴿١١﴾

اوست آنکه آسمان ها وزمین را درشش روز آفرید باز برعرش مستقرشد می داند آنچه را که داخل می شود به زمین و آنچه را که از آن برمی آید و آنچه از آسمان فرودمی آید و آنچه اندر آن بالا می رود و او با شما است هر جا که باشید و خدا به آنچه می کنید بینا است (۴). پادشاهی آسمان ها وزمین برای اوست و به سوی خدا بازگردانیده میشود (۵). درمی آورد شب را در روز و درمی آورد روز را در شب و او به راز سینه ها دانا است (۶). بخدا و رسول او ایمان آورید و از جمله آن مال که شمارا جانشین دیگران دروی قرار داده است خرج کنید پس آنانکه ایمان آورده اند از شما و خرج کرده اند ایشانرا مزد بزرگ است (۷). و چیست شمارا که ایمان نمی آورید به خدا در حالیکه رسول شمارا دعوت می کند که به پروردگار خویش ایمان آورید و هر آئینه از شما عهد گرفته است ^(۱) اگر هستید باوردارنده (۸). و اوست آنکه بر بنده خود آیات واضح فرومیفرستد تا شمارا از تاریکی ها به سوی روشنی بیرون آورد هر آئینه خدا بر شما بخشاینده مهربان است (۹). و شمارا چیست که در راه خدا خرج نمی کنید و پس گذاشته آسمان ها وزمین ^(۲) خدای راست برابرنیست از شما آنکه خرج کرد پیش از فتح مکه و قتال کرد (و آنکه این چنین عمل بعد از فتح مکه کرده باشد) آن جماعت در مرتبه بزرگ ترند از آنانکه خرج کردند بعد از فتح و قتال کردند و هر یکی را خدا وعده داده است حالت نیک و خدا به آنچه می کنید خبردار است (۱۰). کیست آنکه خدا را قرض دهد قرض دادن نیک پس آن قرض را برای او دو برابر ادا کند و او را پاداش گرامی قدر است (۱۱).

(۱) یعنی روز آلت بر یکم.

(۲) یعنی هر کسیکه بمیرد آنچه بگذارد ملک خدا باشد پس بآن بخل کردن نهایت زشت است.

يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ يَسْعَى نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ
وَبأيْمَانِهِمْ بِشَرِّكُمْ الْيَوْمَ جَنَّتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ
فِيهَا ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿١١﴾ يَوْمَ يَقُولُ الْمُنْفِقُونَ وَالْمُنْفِقَاتُ
لِلَّذِينَ ءَامَنُوا أَنْظِرُوا نَانَقَتِبِسْ مِنْ نُورِكُمْ قِيلَ ارْجِعُوا وَرَاءَكُمْ
فَالْتَمِسُوا نُورًا فَضُرِبَ بَيْنَهُم بِسُورَةٍ، بَابٌ بَاطِنُهُ فِيهِ الرَّحْمَةُ
وَوَظَاهِرُهُ، مِنْ قِبَلِهِ الْعَذَابُ ﴿١٢﴾ ينادونَهُمْ أَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ قَالُوا بَلَى
وَلَكِنَّكُمْ فَتَنْتُمْ أَنْفُسَكُمْ وَتَرَبَّصْتُمْ وَارْتَبْتُمْ وَغَرَّتْكُمُ الْأَمَانِيُّ
حَتَّى جَاءَ أَمْرُ اللَّهِ وَغَرَّكُمْ بِاللَّهِ الْغُرُورُ ﴿١٤﴾ قَالِیَوْمَ لَا يُؤْخَذُ مِنْكُمْ
فِدْيَةٌ وَلَا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مَأْوَىكُمْ النَّارُ هِيَ مَوْلَاكُمْ
وَبِئْسَ الْمَصِيرُ ﴿١٥﴾ * أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا أَنْ تَخْشَعَ
قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ وَلَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ
أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَكثِيرٌ
مَنْهُمْ فَاسِقُونَ ﴿١٦﴾ أَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا قَدْ بَيَّنَّا
لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴿١٧﴾ إِنَّ الْمُصَدِّقِينَ وَالْمُصَدِّقَاتِ
وَأَقْرَبُوا اللَّهَ قَرَضًا حَسَنًا يُضْعَفُ لَهُمْ وَلَهُمْ أَجْرٌ كَرِيمٌ ﴿١٨﴾

سورة الحديد
الجزء السابع
٥٤

یادکن روزیکه بینی مردان مسلمان و زنان مسلمان را (باین صفت) که می شتابدنور ایشان پیشاروی ایشان و سمت های راست ایشان (گفته شود) شمارا امروز بوستان‌هایی که می‌رود زیر آنها جویها مژده باد جاوید باشید آنجا این مطلب یابی بزرگ است (۱۲). روزیکه مردان منافق و زنان منافق گویند به مسلمانان به سوی ما بنظر شفقت نگرید تا از نور شما روشنی گیریم گفته شود پس به پشت خویش (به دنیا) بازگردید پس روشنی را^(۳) بجوید پس در میان ایشان دیواری بنا کرده شود که او را دروازه‌ای باشد که از سوی درون آن رحمت و از جهت بیرون آن دیوار عذاب است (۱۳). منافقان مسلمانان را آواز دهند آیا ما همراه شما نبودیم گفتند آری ولیکن شما خویشتن را در بلا افکندید و انتظار کردید^(۴) و شک آوردید و آرزوها شمارا فریفته کرد تا آنکه فرمان خدا^(۵) برسید و فریب داد شمارا در فرمانبرداری خدا شیطان فریبده (۱۴). پس امروز از شما فدیة^۶ فرا گرفته نشود و نه از کافران گرفته شود، جای شما آتش است همان آتش لائق شما است و وی بد باز گشتی است (۱۵). آیا مسلمانان را وقت آن نرسیده است که دل‌های ایشان وقت یاد کردن خدا و وقت یاد آوردن آنچه آمده است از وحی الهی نیایش کند و نباشند مانند آنانکه داده شده است ایشان را کتاب پیش ازین پس برایشان مدت دراز گشت پس دل‌های ایشان سخت شد و بسیاری از ایشان بدکاران‌اند (۱۶). بدانید که خدا زمین را بعد از مرده بودن آن زنده میکند هر آئینه بیان کردیم برای شما نشانه‌ها باشد که شما دریابید (۱۷). هر آئینه مردان خیرات دهنده و زنان خیرات دهنده و آنانکه خدا را قرض داده‌اند قرض نیک ایشان را دو برابر داده شود و برای ایشان پاداش گرامی قدر است (۱۸).

(۳) مترجم گوید یعنی درد دنیا روید تحصیل نور کنید که این جان تحصیل نور نیست والله اعلم.

(۴) یعنی هزیمت مسلمانان را.

(۵) یعنی اجل.

وَالَّذِينَ ءَامَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ ۗ أُولَٰئِكَ هُمُ الصَّٰدِقُونَ وَالشَّهَدَاءُ
 عِنْدَ رَبِّهِمْ لَهُمْ أَجْرُهُمْ وَنُورُهُمْ ۗ وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا
 بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ ﴿١١﴾ اَعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيٰوةُ
 الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُوٌّ وَّزِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ
 وَالْأَوْلَادِ كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهِيجُ فَتَرَاهُ
 مُصْفَرًّا ثُمَّ يَكُونُ حُطَمًا ۗ وَفِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَغْفِرَةٌ
 مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٌ ۗ وَمَا الْحَيٰوةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَمَتَعُ الْغُرُورِ ﴿١٢﴾
 سَابِقُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا كَعَرْضِ السَّمَاءِ
 وَالْأَرْضِ أُعِدَّتْ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ ۗ ذَٰلِكَ فَضْلُ
 اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ ۗ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ﴿١٣﴾ مَا أَصَابَ
 مِّن مُّصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي أَنفُسِكُمْ إِلَّا فِي كِتَابٍ مِّن
 قَبْلِ أَن نَّبْرَأَهَا ۗ إِنَّ ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ ﴿١٤﴾ لِكَيْلَا
 تَأْسَوْا عَلَىٰ مَآفَاتِكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَآءَاتِكُمْ ۗ وَاللَّهُ
 لَا يَحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ ﴿١٥﴾ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ وَيَأْمُرُونَ
 النَّاسَ بِالْبُخْلِ ۗ وَمَن يَتَوَلَّ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ ﴿١٦﴾

وآنانکه بخدا و پیامبران او ایمان آورده‌اند آن جماعت ایشانند صدیقان و شهیدان نزد پروردگار خویش ایشانراست پاداش ایشان و نورایشان و آنانکه کافر شدند و آیاتِ ما را تکذیب کردند آن جماعت اهل دوزخ‌اند (۱۹). بدانید که زندگانی دنیا بازیچه و بیهودگی و آرایش است و خودستایی است در میان شما و در مالها و فرزندان از یکدیگر زیاده طلبی است مانند بارانی که به شگفت آورد زراعت کنندگان را رویدن آن باز خشک شود پس آن را ببینی باز درهم شکسته گردد و در آخرت عذاب سخت است و نیز از جانب خدا آمرزش و خوشنودیست و نیست زندگانی دنیا مگر بهره‌ای که باعث فریب باشد (۲۰). به سوی آمرزشی از جانب پروردگارتان سبقت کنید و به سوی بهشتی که پهنایی او مانند پهنایی آسمان و زمین باشد برای آنانکه ایمان می آورند به خدا و پیامبران او آماده کرده شد اینست فضل خدا میدهدش بهره که خواهد و خداوند صاحب فضل بزرگ است (۲۱). هیچ مصیبتی در زمین و نه در جان‌های شما نرسید مگر نوشته شده است در کتابی پیش از آنکه آن مصیبت را بیافرینیم هر آئینه این کار بر خدا آسان است (۲۲). (خبر داده‌ایم) تا بر آنچه از دست شما رفت اندوه نخورید و تا به آنچه عطا کرد شمارا شادمان نشوید و خدای تعالی هر تکبر کننده خودستاینده را دوست نمیدارد (۲۳). (دوست نمیدارد) آنانرا که بخل میکنند و مردمان را به بخل می فرمایند و هر که رویگردان شود هر آئینه خدا همان بی نیاز ستوده است (۲۴).

لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ
وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ
بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ وَيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ
بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ ﴿٢٥﴾ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا وَإِبْرَاهِيمَ
وَجَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِمَا التُّبَّةَ وَالْكِتَابَ فَمِنْهُمْ مُهْتَدٍ
وَكَثِيرٌ مِّنْهُمْ فَاسِقُونَ ﴿٢٦﴾ ثُمَّ قَفَّيْنَا عَلَىٰ آثَرِهِم
بِرُسُلِنَا وَقَفَّيْنَا بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَآتَيْنَاهُ الْإِنجِيلَ وَجَعَلْنَا
فِي قُلُوبِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ رَأْفَةً وَرَحْمَةً وَرَهْبَانِيَّةً
أَبْتَدَعُوهَا مَا كَتَبْنَا عَلَيْهَا إِلَّا ابْتِغَاءَ رِضْوَانِ اللَّهِ
فَمَا رَعَوْهَا حَقَّ رِعَايَتِهَا فَآتَيْنَا الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْهُمْ أَجْرَهُمْ
وَكَثِيرٌ مِّنْهُمْ فَاسِقُونَ ﴿٢٧﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ
وَءَامِنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِن رَّحْمَتِهِ وَيَجْعَل لَّكُمْ نُورًا
تَمْشُونَ بِهِ وَيَغْفِر لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿٢٨﴾ لَيْلًا يَعْلَمُ
أَهْلُ الْكِتَابِ أَلَا يَقْدِرُونَ عَلَىٰ شَيْءٍ مِّن فَضْلِ اللَّهِ وَأَنَّ
الْفَضْلَ بِيَدِ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ﴿٢٩﴾

هرآئینه پیامبران خود را به نشانه‌های واضح و همراه ایشان کتاب و ترازو را فرستادیم تا مردمان به انصاف عمل کنند او آهن را که در آن مایهٔ جنگ سخت و منفعت های دیگر برای مردمان است فرود آوردیم و تا خدا کسی را که (دین) خدا و پیامبران او را غایبانه نصرت می دهد معلوم بدارد هرآئینه خداتوانای غالب است (۲۵). و به راستی که نوح و ابراهیم را فرستادیم و در اولاد ایشان پیامبری و کتاب را نهادیم پس بعضی ایشان راه یابنده است و بسیاری از ایشان بدکارانند (۲۶). باز از پی ایشان پیامبران خود را فرستادیم عیسیٰ پسر مریم را از پی آوردیم و انجیل دادیمش و در دل های تابعان او مهربانی و بخشایش نهادیم و گوشه نشینی ای که خود پیدا کرده بودند آن را ما آنرا برایشان فرض نکرده بودیم لیکن به طلب خوشنودی خدا اختراع کردند پس آنرا نگاهداشت نکردند حق نگهداشتن آن پس آنان را که ایمان آوردند از ایشان^(۶) پاداش ایشان را عطا کردیم و بسیاری از ایشان بدکارانند (۲۷). ای آنانکه ایمان آورده‌اید به پیامبران سابق از خدا بترسید و به پیامبر او^(۷) ایمان آورید تا شمارا دو حصه از رحمت خود بدهد و تا شمارا نوری بدهد که به آن راه روید و تا شمارا بیامرزد و خدا آمرزگار مهربان است (۲۸). (خدا به این امر خبر داد) تا اهل کتاب بدانند که ایشان بر چیزی از فضل خدا قادر نیستند و بدانند که فضل بدست خداست آن را بهره که خواهد می دهد و خدا صاحب فضل بزرگ است (۲۹).

(۶) یعنی به محمد صلی الله علیه وسلم.

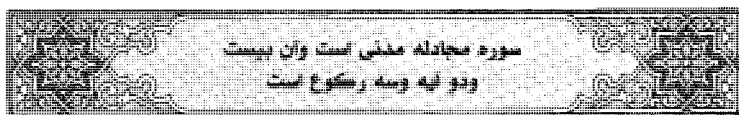
(۷) یعنی به محمد صلی الله علیه وسلم.

سورة المجادلة

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الجزء ٢٨
الجزء ٥٥

قَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّتِي تُجَادِلُكَ فِي زَوْجِهَا وَتَشْتَكِي إِلَى اللَّهِ
 وَاللَّهُ يَسْمَعُ تَحَاوُرَكُمَا إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ ① الَّذِينَ يُظَاهِرُونَ
 مِنْكُمْ مِنْ نِسَائِهِمْ مَا هُنَّ أُمَّهَاتُهُمْ إِلَّا الَّتِي
 وَلَدْتَهُمْ وَإِنَّهُمْ لَيَقُولُونَ مُنْكَرًا مِنَ الْقَوْلِ وَزُورًا وَإِنَّ
 اللَّهَ لَعَفُوفٌ غَفُورٌ ② وَالَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِنْ نِسَائِهِمْ ثُمَّ يَعُودُونَ
 لِمَا قَالُوا فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَتَمَاسَّا ذَلِكَ تَوْعَظُونَ
 بِهِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ③ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامَ شَهْرَيْنِ
 مُتَتَابِعَيْنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَتَمَاسَّا فَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فِإِطْعَامُ سِتِّينَ
 مِسْكِينًا ذَلِكَ لِتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ
 وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ ④ إِنَّ الَّذِينَ يُحَادِّثُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ
 كِتُوبًا كَمَا كَتَبَتِ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَقَدْ أَنْزَلْنَا آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ
 وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ مُهِينٌ ⑤ يَوْمَ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُهُمْ
 بِمَا عَمِلُوا أَحْصَاهُ اللَّهُ وَنَسُوهُ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ ⑥



بنام خدای بخشاینده مهربان.

(۱) هرآئینه شنید خدای تعالی سخن آن زن را که گفتگو میکرد با تو درباره شوهر خود و پیش خدا شکایت میکرد و خدای شنود گفتگو کردن شما را هرآئینه خدای شنود بیناست (۱). آنانکه از شما بازنان خود (۲)ظهار میکنند آن زنان مادران ایشان نیستند، مادران ایشان نیستند مگر آنانکه ایشان را زاده‌اند و هرآئینه اینظهار کنندگان سخن ناپسند و دروغ میگویند و هرآئینه خدا عفوکننده^(۳) آمرزگار است (۲). و آنانکه بازنان خودظهار می‌کنند سپس در مخالفت آنچه گفتند رجوع میکنند پس آزاد کردن برده ای پیش از آنکه زن و مرد بایکدیگردست رسانند^(۴) واجب است این حکم پند داده میشود شما را به آن و خدا به آنچه میکنید خبردار است (۳). پس هر که برده ای را نیابد پس بروی روزه داشتن دوماه پی در پی پیش از آنکه هر دو بایکدیگردست رسانند واجب است پس هر که این را نتواند پس طعام دادن شصت فقیر لازم است، این حکم برای آنست که به خدا و پیامبر او متقاد شوید و این احکام حد مقرر کرده^(۵) خداست و کافران را عذاب دردناک باشد (۴). هرآئینه آنانکه با خدا و رسول او مخالفت میکنند ایشان خوار کرده شدند چنانکه آنان را که پیش از ایشان بودند خوار کرده شدند و هرآئینه آیات واضح فرود آوریم و کافران را عذاب خوار کننده است (۵). روزیکه خدا همگی ایشانرا برانگیزد پس ایشانرا خبر دهد به آنچه کرده بودند خدا آنرا یاد داشت کرد و ایشان آن را فراموش کردند و خدا بر همه چیز مطلع است (۶).

(۱) زنی را شوهر او گفت «انت علی کظهر أمی» تو بر من مانند پشت مادرمی، آن زن پیش آنحضرت صلی الله علیه وسلم این ماجرا را عرض کرد فرمودند که حرام شدی آن زن که عیال بسیار و مال اندک داشت عرض کرد خدای تعالی این آیه را فرستاد.

(۲) یعنی تشبیه می دهند زنان خود را به پشت مادر.

(۳) یعنی جماع کنند.

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَا يَكُونُ مِنْ
 نَجْوَى ثَلَاثَةٍ إِلَّا هُوَ رَابِعُهُمْ وَلَا خَمْسَةَ إِلَّا هُوَ سَادِسُهُمْ وَلَا أَدْنَى
 مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْثَرَ إِلَّا هُوَ مَعَهُمْ أَيْنَ مَا كَانُوا ثُمَّ يُنَبِّئُهُمْ بِمَا
 عَمِلُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿٧﴾ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ
 نُهُوا عَنِ النَّجْوَى ثُمَّ يَعُودُونَ لِمَا نُهُوا عَنْهُ وَيَتَنَجَّوْنَ بِالْإِنَّمِ
 وَالْعُدْوَانِ وَمَعْصِيَةِ الرَّسُولِ وَإِذْ أَوْحَى إِلَيْكَ يَا مُحَمَّدٌ بِمَا لَمْ يُحْيِكَ
 بِهِ اللَّهُ وَيَقُولُونَ فِي أَنْفُسِهِمْ لَوْلَا يُعَذِّبُنَا اللَّهُ بِمَا نَقُولُ حَسْبُكُمْ
 جَهَنَّمُ يَصَلَوْنَهَا فَبِئْسَ الْمَصِيرُ ﴿٨﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا
 تَنَجَّيْتُمْ فَلَا تَتَنَجَّوْا بِالْإِنَّمِ وَالْعُدْوَانِ وَمَعْصِيَةِ الرَّسُولِ
 وَتَنَجَّوْا بِالْبِرِّ وَالتَّقْوَى وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ ﴿٩﴾ إِنَّمَا
 النَّجْوَى مِنَ الشَّيْطَانِ لِيَحْزُنَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَلَيْسَ بِضَارِّهِمْ
 شَيْئًا إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ ﴿١٠﴾ يَا أَيُّهَا
 الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا قِيلَ لَكُمْ تَفَسَّحُوا فِي الْمَجَالِسِ فَافْسَحُوا يَفْسَحِ
 اللَّهُ لَكُمْ وَإِذَا قِيلَ أَنْشُرُوا فَأَنْشُرُوا يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْكُمْ
 وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ﴿١١﴾

آیا ندیدی که خدا آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است میداند هیچ رازگوی سه شخص بایکدیگر نمی باشد مگر اینکه خدا چهارم ایشان است و هیچ رازگویی پنج شخص نمی باشد مگر خدا ششم ایشان است و نه کمتر ازین و نه زیاده مگر خدا با ایشانست هر کجا باشند باز ایشان را روز قیامت به آنچه کرده اند خبر می دهد هر آینه خدا بر هر چیز داناست (۷).
 آیندیدی آن کسانی را که منع کرده شدند از رازگفتن بایکدیگر^(۴) سپس باز میگردند در آنچه از آن منع کرده شدند و بیکدیگر راز میگویند در باب گناه و تعدی و نافرمانی پیامبر و چون بیایند پیش تو دعا کنند تورا به آن کلمه که تورا خدا به آن^(۵) دعا کرده است و در دل های خویش میگویند چرا خدا ما را عذاب نمیکند بسبب آنچه میگوییم^(۶) ایشانرا دوزخ بس است در آیند آن جا پس بدجائیست دوزخ (۸). ای مسلمانان چون بایکدیگر راز گوید پس راز مگوید در باب گناه و تعدی و نافرمانی پیامبر و راز گوید در باب نیکوکاری و پرهیزگاری و ترسید از خدایی که به سوی او حشر کرده خواهد شد (۹). جز این نیست که رازگفتن بد از کار شیطان است تا مسلمانان را اندوهیگن کند و نیست هیچ زیان رساننده به ایشان مگر باراده^{*} خدا، و مؤمنان باید که بر خدا توکل کنند (۱۰). ای مؤمنان چون گفته شود شمارا که گشاده بنشینید در مجلسها پس جای را گشاده کنید تا خدا برای شما (هر مشکلی را) بگشاید و چون گفته شود برخیزید پس برخیزید تا خدا مرتبه آنان را که ایمان آورده اند از شما بلند کند و نیز آنانکه ایشانرا علم عطا کرده شده است به مرتبه هاینده و خدا به آنچه میکنید باخبر است (۱۱).

(۴) یعنی یهود که راز ایشان در ایضای مسلمین بود والله اعلم.

(۵) یعنی بجای السلام عليك السام عليك گویند یعنی مرگ بر تو باد.

(۶) یعنی اگر پیامبر راست است بایستی که ما را عذاب می رسید والله اعلم.

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذْ أَنْجَيْتُمُ الرَّسُولَ فَقَدِ مُوَابِقِينَ يَدَىٰ جُنُودِكُمْ
 صَدَقَةٌ ذَٰلِكَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَأَظْهَرُ فَإِنْ لَّمْ تَجِدُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ
 ﴿١٢﴾ ءَأَسْفَقْتُمْ أَنْ تَقْدِمُوا بَيْنَ يَدَىٰ جُنُودِكُمْ صَدَقْتُمْ فَاذْذَلْتُمْ تَفْعَلُوا
 وَتَابَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَءَاتُوا الزَّكَاةَ وَأَطِيعُوا اللَّهَ
 وَرَسُولَهُ ۗ وَاللَّهُ خَيْرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿١٣﴾ * أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ تَوَلَّوْا
 قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مَآ هُمْ مِنْكُمْ وَلَا مِنْهُمْ وَيَحْلِفُونَ عَلَى الْكُذِبِ
 وَهُمْ يَعْمَلُونَ ﴿١٤﴾ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا إِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوا
 يَعْمَلُونَ ﴿١٥﴾ اتَّخَذُوا أَيْمَانَهُمْ جُنَّةً فَصَدُّوا عَن سَبِيلِ اللَّهِ فَالَهُمْ
 عَذَابٌ مُّهِينٌ ﴿١٦﴾ لَنْ تُغْنِي عَنْهُمْ ءَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ مِّنَ اللَّهِ
 شَيْئًا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿١٧﴾ يَوْمَ يَبْعَثُهُمُ
 اللَّهُ جَمِيعًا فَيَحْلِفُونَ لَهُ ۖ كَمَا يَحْلِفُونَ لَكُمْ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ
 عَلَىٰ شَيْءٍ ءَالَا إِنَّهُمْ هُمُ الْكَاذِبُونَ ﴿١٨﴾ أَسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ
 فَأَنسَاهُمْ ذِكْرَ اللَّهِ ءَأُولَٰئِكَ حِزْبُ الشَّيْطَانِ ءَلَا إِنَّ حِزْبَ الشَّيْطَانِ
 هُمُ الْخَاسِرُونَ ﴿١٩﴾ إِنَّ الَّذِينَ يُحَادِّثُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ ءَأُولَٰئِكَ فِي الْأَذْيَانِ
 ﴿٢٠﴾ كَتَبَ اللَّهُ لَأَعْلَبَنَّ أَنَا وَرُسُلِي ءِإِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ ﴿٢١﴾

ای مؤمنان چون خواهید که بایامبر راز گوید پس پیش از راز گفتن خود نخست خیرات بدهید این کار برای شما بهتر و پاکیزه تر است پس اگر نیافتید هر آئینه خدا آمرزگار مهربانست^(۷) (۱۲). آیات رسیدید از آنکه پیش از راز گفتن خود خیرات دهید پس چون نکردید و خدا از شما درگذشت پس نماز را برپادارید و زکوة را بدهید و خدا و رسول او را فرمانبرداری کنید و خدا به آنچه میکنید خبردارست (۱۳). آیا آنان را که دوستی کردند با قومی که خدا برایشان^(۸) غضب کرده است ندیدی این منافقان از شما نیستند و نه از یهود و سوگند میخورند به دروغ در حالیکه ایشان میدانند (۱۴). خدا برای ایشان عذابی سخت آماده ساخته است هر آئینه بد است آنچه میکردند (۱۵). سوگندهای خود را سپر گرفته اند پس مردم را از راه خدا بازداشتند پس برای ایشان عذاب خوار کننده است (۱۶). اموال ایشان و نه فرزندان ایشان هرگز آنها را از عذاب خدا باز نخواهد داشت این جماعت اهل دوزخ اند، ایشان در آنجا جاویدان باشند (۱۷). روزیکه خدا همگی ایشانرا برانگیزد پس سوگند میخورند بحضور او چنانکه بحضور شما سوگند میخورند و می پندارند که ایشان بر چیزی هستند آگاه شو هر آئینه ایشانند دروغگویان (۱۸). شیطان برایشان غالب آمده است پس از خاطر ایشان یاد خدا را برده است این جماعت لشکر شیطان اند آگاه شو همانا لشکر شیطان ایشانند زیان کاران (۱۹). هر آئینه آنانکه با خدا و رسول او مخالفت میکنند این جماعت در جمله خوارترین مردم اند (۲۰). خدا حکم کرد که البته من و پیامبران من غالب شویم هر آئینه خدا توانای غالب است (۲۱).

(۷) مترجم گوید این حکم منسوخ است بآیتی که می آید والله اعلم.

(۸) یعنی منافقان بایهود دوستی کردند والله اعلم.

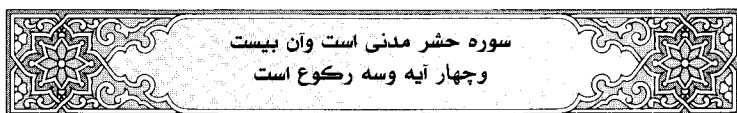
لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ
 اللَّهَ وَرَسُولَهُ، وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ
 أَوْ عَشِيرَتَهُمْ أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُمْ
 بِرُوحٍ مِّنْهُ وَيُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ
 خَالِدِينَ فِيهَا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ أُولَئِكَ حِزْبُ
 اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿٢٢﴾

سورة الحشر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ
 ﴿١﴾ هُوَ الَّذِي أَخْرَجَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ دِيَارِهِمْ
 لِأَوَّلِ الْحَشْرِ مَا ظَنَّنتُمْ أَن يُخْرِجُوكُمْ وَأَظُنُّوا أَنَّهُمْ مَا نَعْتَهُمْ
 حُصُونُهُمْ مِنَ اللَّهِ فَأَتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ حَيْثُ لَمْ يَحْتَسِبُوا وَقَذَفَ
 فِي قُلُوبِهِمُ الرَّعْبَ يُخْرِبُونَ بُيُوتَهُمْ بِأَيْدِيهِمْ وَأَيْدِي الْمُؤْمِنِينَ
 فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْأَبْصَارِ ﴿٢﴾ وَلَوْلَا أَن كَتَبَ اللَّهُ عَلَيْهِمُ
 الْجَلَاءَ لَعَذَّبَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابُ النَّارِ ﴿٣﴾

نخواهی یافت قومی را که بخدا و روز آخرت ایمان دارند باین صفت که دوستی کنند با کسیکه با خدا و رسول او خلاف کرده است و اگرچه آن جماعت پدران ایشان یا پسران ایشان یا برادران ایشان یا خویشاوندان ایشان باشند آن مومنان که با کافران دوستی ندارند خدادردل های ایشان ایمان را نوشته است و ایشان را بقیض غیبی از جانب خود قوت داده است و ایشان را به بوستان ها بی که زیر آن جویها جاری است درآورد، در آنجا جاویدان اند خدا از ایشان خوشنود شد و ایشان از خدا خوشنود شدند ایشانند لشکر خدا آگاه شوید هرآینه لشکر خدا همانان رستگاران اند (۲۲).



بنام خدای بخشاینده مهربان.

(۱) به پاکی یاد کرد خدای را آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است و اوست غالب باحکمت (۱). اوست آنکه آنان را که کافر شدند از اهل کتاب از خانه های ایشان در اول جمع کردن لشکر بیرون راند، گمان نداشتید شما ای مسلمانان که بیرون روند و آن کافران گمان میکردند که قلعه های ایشان نگاه دارنده ایشان از عقوبت خدا باشد پس عقوبت خدا از آن جا بی برایشان آمده که گمان نمی کردند و دردلهای ایشان ترس را افکند که خانه های خود را بدست های خویش و بدست های مسلمانان خراب میکردند پس ای صاحبان بصیرت عبرت گیرید (۲). و اگر آن نبود که خدا جلاوطنی را برایشان نوشت هرآینه ایشانرا دردنیای عقوبت میکرد و ایشان را در آخرت عذاب آتش است (۳).

(۱) مترجم گوید که آن حضرت صلی الله علیه و سلم چون به مدینه آمدند باینی نصیر صلح کردند و ایشان بسبب شقاوت ازلی سعی عداوت آنحضرت صلی الله علیه و سلم پیش گرفتند آنحضرت صلی الله علیه و سلم اراده فرمود که آن جماعت را جلاوطن فرماید منافقان آن ملعونان را پیغام فرستادند که شما قتال کنید و در جنگ استواری ورزید که ماریفقی شما ایم خدای تعالی بر خلاف اراده منافقان در اول جمع کردن لشکر بریهدو القابُع فرمود تا عاجز آمدند و جلاوطنی اختیار کردند و سخن اهل نفاق را نشنیدند و بقتال و تکرار جمع رجال اتفاق نیفتاد و اموال ایشان فوی شد و فوی آنرا گویند که بغیر قتال بدست مسلمانان افتد خدای تعالی منت بر مسلمانان نهاد حکم فوی بیان فرمود و از اراده منافقان خبر داد والله اعلم.

(۲) بنوعی دیگر والله اعلم.

ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ شَاقُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ ۗ وَمَنْ يُشَاقِ اللَّهَ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ
 الْعِقَابِ ﴿٤﴾ مَا قَطَعْتُمْ مِنْ لَيْنَةٍ أَوْ تَرَكْتُمْهَا قَائِمَةً عَلَى
 أُولِهَا فَيَاذَنْ لِلَّهِ وَلِيخْزِيَ الْفَاسِقِينَ ﴿٥﴾ وَمَا أَفَاءَ اللَّهُ
 عَلَى رَسُولِهِ مِنْهُمْ فَمَا أَوْجَفْتُمْ عَلَيْهِ مِنْ خَيْلٍ وَلَا رِكَابٍ
 وَلَكِنَّ اللَّهَ يُسَلِّطُ رُسُلَهُ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ
 قَدِيرٌ ﴿٦﴾ مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَىٰ رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَىٰ فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ
 وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ
 دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ
 وَمَا نَهَدَكُمُ عَنْهُ فَأْتُوهُ وَأَتَّقُوا اللَّهَ ۗ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ
 ﴿٧﴾ لِلْفُقَرَاءِ الْمُهَاجِرِينَ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأَمْوَالُهُمْ
 يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا وَيَنْصُرُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ ۗ
 أُولَٰئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ ﴿٨﴾ وَالَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ
 قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ
 حَاجَةً مِمَّا أُوتُوا وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ
 وَمَنْ يُوقِ شَحْنَ نَفْسِهِ فَاُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿٩﴾

این عذاب بسبب آنست که ایشان با خدا و رسول او مخالفت کردند و هر که با خدا مخالفت کند پس هر آئینه خدا سخت عقوبت است (۴). آنچه از درختِ خرما بریدید یا آن را ایستاده بر بیخ و ریشه‌های آن گذاشتید پس به فرمان خدا بود و تا بدکاران را خوار کند (۳) (۵). و آنچه خدا بر پیامبر خود از اموال (بنی نضیر) عائد گردانید پس شما بر آن اسپان و شتران را نتاخته بودید ولیکن خدا پیامبران خود را بر هر که خواهد غالب میگرداند و خدا بر هر چیز تواناست (۶). آنچه خدا بر پیامبر خود از اموال ساکنان قریه‌ها عائد گردانید پس برای خدا و پیامبر و خویشاوندان (۴) و یتیمان و فقیران و راه گذراست (بیان فرمودیم) تا آن دستگردان در میان توانگران شما نباشد و هر چه پیامبر شمارا بدهد آن را بگیریید و هر چه شمارا از آن منع کند باز ایستید و از خدا بترسید هر آئینه خدا سخت عقوبت است (۷). آن قبی برای فقیران هجرت کننده است آنانکه ایشان از خانه هایشان و اموال ایشان بیرون کرده شدند از پروردگار خویش نعمت و خوشنودی را می طلبند و خدا و پیامبر را نصرت میدهند این جماعت همان راست گویان هستند (۸). و نیز آنان که جای گرفتند بدارالاسلام (۵) و جای پیدا کردند در ایمان پیش از مهاجران دوست میدارند هر که هجرت میکند به سوی ایشان و نمی یابند در خاطر خود دغدغه از طرف آنچه داده شد مهاجران را و دیگران را بر خویشتر ترجیح میدهند و اگر چه ایشانرا احتیاج باشد و هر که نگاهداشته شد از حرص نفس خویش پس آنجماعت ایشان رستگارانند (۹).

(۳) یعنی قطع درخت میوه دار وقت جهاد جائز است و ترك آن نیز جائز والله اعلم.

(۴) یعنی خویشاوندان پیامبر را.

(۵) یعنی به مدینه.

وَالَّذِينَ جَاءُوا مِن بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا
 الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ
 آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ ﴿١١﴾ * أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ
 نَافَقُوا يَقُولُونَ لِإِخْوَانِهِمُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِن أَهْلِ الْكِتَابِ
 لَئِن أُخْرِجْتُمْ لَنَخْرُجَنَّ مَعَكُمْ وَلَا نَطِيعُ فِيكُمْ أَحَدًا أَبَدًا
 وَإِن قُوتِلْتُمْ لَنَنصُرَنَّكُمْ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ
 ﴿١٢﴾ لَئِن أُخْرِجُوا لَا يَخْرُجُونَ مَعَهُمْ وَلَئِن قُوتِلُوا لَا يَنْصُرُونَهُمْ
 وَلَئِن نَّصَرُوهُمْ لَيُوَلُّنَّ الْأَدْبَارَ ثُمَّ لَا يَنْصُرُونَ ﴿١٣﴾ لَأَنتُمْ
 أَشَدُّ رَهْبَةً فِي صُدُورِهِمْ مِنَ اللَّهِ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ
 لَا يَفْقَهُونَ ﴿١٤﴾ لَا يَقْتُلُونَكُمْ جَمِيعًا إِلَّا فِي قَرْيٍ مُّحَصَّنَةٍ
 أَوْ مِنْ وَرَاءِ جُدُرٍ بَأْسُهُمْ بَيْنَهُمْ شَدِيدٌ تَحْسَبُهُمْ جَمِيعًا
 وَقُلُوبُهُمْ شَتَّىٰ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ ﴿١٥﴾ كَمَثَلِ
 الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ قَرِيبًا ذَاقُوا وَبَالَ أَمْرِهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ
 أَلِيمٌ ﴿١٦﴾ كَمَثَلِ الشَّيْطَانِ إِذْ قَالَ لِلْإِنْسَانِ اكْفُرْ فَلَمَّا
 كَفَرَ قَالَ إِنِّي بَرِيءٌ مِّنكَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ ﴿١٧﴾

و کسانی که بعد مهاجران و انصار آمدند می‌گویند ای پروردگار ما مارا و برادران مارا که به ایمان آوردن بر ما سبقت کردند پیامرز و دردل های ما هیچ کینه نسبت به آنانکه ایمان آورده اند قرارمیده ای پروردگار ما هرآئینه تو بخشاینده مهربانی^(۶) (۱۰). آیاندیدی آنان را که منافق شدند میگویند آن برادران خود را که کافرند از اهل کتاب اگر بیرون کرده شوید البته ما نیز همراه شما بیرون شویم و فرمان هیچکس را هرگز در حق شما قبول نمی کنیم و اگر جنگ کرده شود با شما البته شما را نصرت دهیم و خداگواهی میدهد که ایشان دروغگویانند (۱۱). اگر بیرون کرده شوند همراه ایشان (منافقان) بیرون نمی روند و اگر جنگ کرده شود با ایشان ایشان نصرت ندهند و اگر به فرض ایشانرا نصرت دهند البته پشت های خود را بعد از آن بازگردانند سپس ایشانرا مدد کرده نشود (۱۲). هرآئینه شما ای مسلمانان دردل های ایشان از خدا بارعب ترید این بسبب آنست که ایشان قومی هستند که نمی فهمند^(۷) (۱۳). همگی باشما جنگ نمی کنند مگر در ده هائی که بر آن حصار ساخته باشند یا از پشت دیوار، جنگ ایشان در میان خودشان سخت است ایشان را همدست می پنداری حال آنکه دل های ایشان پراکنده است این بسبب آنست که ایشان قومی هستند که در نمی یابند^(۸) (۱۴). داستان ایشان مانند داستان آنانست که پیش از ایشان بودند در نزدیکی وبال گناه خود را چشیدند و ایشانرا عذاب دردناک است^(۹) (۱۵). داستان منافقان با اهل کتاب مانند داستان شیطان است چون آدمی را گفت کافر شو پس چون کافر شد گفت هرآئینه من از تو بیزارم هرآئینه من از خداوند پروردگار جهانیان میترسم (۱۶).

(۶) مترجم گوید ازین آیت معلوم شد که درقی هر مسلمان را حق است پس احوج فلاحوج را (به ترتیب اولویت) باید داد تا آنکه مال قی کفایت کند والله اعلم.

(۷) یعنی از عذاب خدا که مؤجل است پرواندارند والله اعلم.

(۸) یعنی بایکدیگر خانه جنگی ها دارند مصلحت ایشان یکی نیست والله اعلم.

(۹) یعنی چنانکه اهل بدر مغلوب و منهزم شدند ایشان نیز منهزم گشتند والله اعلم.

فَكَانَ عَاقِبَتُهُمَا أَنَّهُمَا فِي النَّارِ خَالِدِينَ فِيهَا وَذَلِكَ جَزَاءُ
 الظَّالِمِينَ ﴿١٧﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ
 مَا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿١٨﴾
 وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنسَاهُمْ أَنفُسَهُمْ أُولَٰئِكَ
 هُمُ الْفٰسِقُونَ ﴿١٩﴾ لَا يَسْتَوِي أَصْحَابُ النَّارِ وَأَصْحَابُ
 الْجَنَّةِ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمُ الْفٰئِزُونَ ﴿٢٠﴾ لَوْ أَنزَلْنَا هَذَا
 الْقُرْءَانَ عَلَىٰ جَبَلٍ لَّرَأَيْتَهُ خٰشِعًا مُّتَصَدِّعًا مِّنْ خَشْيَةِ
 اللَّهِ وَتِلْكَ الْأَمْثَلُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ ﴿٢١﴾
 هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَٰلِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ
 هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيمُ ﴿٢٢﴾ هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ
 الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيَّمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ
 الْمُتَكَبِّرُ سُبْحٰنَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿٢٣﴾ هُوَ اللَّهُ
 الْخَلِيقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ يُسَبِّحُ
 لَهُ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿٢٤﴾

سُورَةُ الْحٰشِرَةِ

پس عاقبت کار این شیطان و این آدمی آن شد که ایشان در آتش باشند جاویدان در آن جا، و این جزای ستمکاران است (۱۷). ای مسلمانان از خدا بترسید و باید که هر شخص تأمل کند که چه چیز برای فردا^(۱۰) پیش فرستاده است و از خدا بترسید، هر آینه خدا به آنچه می‌کنید خبردار است (۱۸). و مبادید مانند آنانکه خدا را فراموش کردند پس خدا تدبیر حال ایشانرا از خاطر ایشان فراموش گردانید این جماعت ایشانند بدکاران (۱۹). اهل دوزخ و اهل بهشت برابر نیستند اهل بهشت همیشان رستگارانند (۲۰). اگر این قرآن را برکوهی فرود می‌آوردیم هر آینه آنرانیایش کرده، پاره پاره از خوف خدا میدیدی و این داستان‌ها را برای مردمان بیان می‌کنیم تا ایشان تأمل کنند (۲۱). اوست آن خدایی که جزاو هیچ معبود برحق نیست داننده، نهان و آشکاراو بخشاینده، مهربان است (۲۲). اوست آن خدایی که جزاو هیچ معبود برحق نیست پادشاه نهایت پاک سلامت از همه عیب امن دهنده، نگاهبان غالب خود اختیار بزرگوار خدای را پاکی است از آنچه ایشان شریک مقرر میکنند (۲۳). اوست خدای آفریدگار نوپدید آرنده، نگارنده، اوراست نامهای نیک، به پاکی یاد میکند اورا هر چه در آسمان ها و زمین است و او غالب باحکمت است (۲۴).

(۱۰) یعنی برای روز قیامت.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ
إِلَيْهِم بِالْمُودَّةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ يُخْرِجُونَ الرَّسُولَ
وَآيَاتِهِ أَنْ تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ رَبِّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ حَرَجْتُمْ جِهَدًا فِي سَبِيلِي
وَإِتِّغَاءَ مَرْضَاتِي تُسْرِوْنَ إِلَيْهِم بِالْمُودَّةِ وَأَنَا أَعْلَمُ بِمَا أَخْفَيْتُمْ
وَمَا أَعْلَنْتُمْ وَمَنْ يَفْعَلْهُ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ ﴿١﴾ إِنْ
يَتَّقُوكُمْ يُكُونُوا لَكُمْ أَعْدَاءً وَيَبْسُطُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ وَأَلْسِنَتَهُم
بِالسُّوءِ وَوَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ ﴿٢﴾ لَنْ نَنْفَعَكُمْ أَرْحَامَكُمْ وَلَا أَوْلَادَكُمْ
يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَفْصَلُ بَيْنَكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿٣﴾ قَدْ كَانَتْ
لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا
بُرءَاءُ وَمَنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا
وَبَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحَدَهُ ۗ وَالْأَقْوَلُ
إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ لَا اسْتَغْفِرَنَّ لَكَ وَمَا أَمَلِكُ لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ
رَبَّنَا عَلِمَكَ تَوَكَّلْنَا وَإِلَيْكَ أَنبْنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ ﴿٤﴾ رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا
فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا وَاعْفِرْ لَنَا رَبَّنَا ۗ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿٥﴾

سوره ممتحنه مکی است و آن سیزده
آیه و دو رکوع است

بنام خدای بخشاینده مهربان.

(۱) ای مسلمانان دشمنانِ مرا و دشمنانِ خود را دوستان مگیرید که با آنها مهربانی کنید و هر آئینه ایشان به آنچه آمده است به شما از دینِ راست کافر شده اند پیامبر و همچنین شما را از وطن بیرون میکنند به علت آنکه به خدا پروردگارتان ایمان آورده‌اید، (آنها را دوست مگیرید) اگر از سرزمین خود برای جهاد در راه من و به طلب رضامندی من بیرون آمده‌اید پنهان به سوی ایشان پیغام دوستی میفرستید حال آنکه من آنچه پنهان میکنید میدانم و آنچه آشکار می‌نمایید و هر که از شما این کار را بکند هر آئینه راه هموار را گم کرده است (۱). اگر کافران شما را ببندند در حق شما دشمن باشند و به سوی شما دستهای خود و زبان‌های خود را به اذیت بگشایند و دوست دارند که کافر شوید (۲). شما را خویشاوندانِ شما و نه فرزندانِ شما روز قیامت سود نخواهند داد، خدایم میان شما فیصله خواهد کرد، و خدا به آنچه میکنید بیناست (۳). هر آئینه هست برای شما الگوی نیک با ابراهیم و آنانکه همراه او بودند چون قوم خود را گفتند هر آئینه ما از شما و از آنچه جز خدا می‌پرستید بیزاریم، کافر شدیم به شما و میان ما و میان شما دشمنی و ناخوشی همیشه پدید آمد تا وقتی که به خدای تنها ایمان آورید (شمارا الگوی نیک است با ابراهیم) مگر در قول ابراهیم که به پدرش (گفت) که آمرزش طلب خواهم کرد برای تو و از خدا چیزی برای تو نمی‌توانم (۲) ابراهیم گفت ای پروردگار ما بر تو توکل کردیم و به سوی تو رجوع نمودیم و به سوی تست بازگشت (۴). ای پروردگار ما را زیر دست کافران قرار مده ای پروردگار ما را بیمارز هر آئینه تویی غالب با حکمت (۵).

(۱) مترجم گوید آنحضرت صلی الله علیه و سلم خواستند که بفتح مکه متوجه شوند و می‌خواستند کسی اهل مکه را از قصد آنحضرت مطلع نکند تا ناگهان بر سر ایشان رسند یکی از صحابه بطرف ایشان نامه ای نوشت و بر قصد آنحضرت مطلع ساخت خدای تعالی آنحضرت صلی الله علیه و سلم را اطلاع داد تا آن نامه را از راه باز آوردند و خدای تعالی در باب منع از دوستی کفار این آیات را نازل ساخت.

(۲) یعنی درین قول اقتداء به ابراهیم نباید کرد و استغفار برای کافر درست نیست والله اعلم.

لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِيهِمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ
 وَمَن يَتَوَلَّ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ ﴿٦﴾ * عَسَى اللَّهُ أَن يَجْعَلَ بَيْنَكُمْ
 وَبَيْنَ الَّذِينَ عَادَيْتُم مِّنْهُمْ مَّوَدَّةً وَاللَّهُ قَدِيرٌ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ
 ﴿٧﴾ لَا يَنْهَدِكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقْتَلُوا فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوا
 مِّن دِينِكُمْ أَن تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ
 ﴿٨﴾ إِنَّمَا يَنْهَدِكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَتَلُوا فِي الدِّينِ وَأَخْرَجُوا مِّن
 دِينِكُمْ وَظَاهَرُوا عَلَىٰ إِخْرَاجِكُمْ أَن تَوَلَّوهُمْ وَمَن يَتَوَلَّهُمْ فَأُولَٰئِكَ
 هُمُ الظَّالِمُونَ ﴿٩﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا جَاءَكُمُ الْمُؤْمِنَاتُ مُهَاجِرَاتٍ
 فَامْتَحِنُوهُنَّ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِإِيمَنِهِنَّ فَإِن عَامَسْتُمُوهُنَّ مُؤْمِنَاتٍ فَلَا
 تَرْجِعُوهُنَّ إِلَى الْكُفَّارِ لَأَهِنَّ جُلَّ لَهُمْ وَأَلَاهُمْ يُحِلُّونَ لَهُنَّ وَءَا تَوَّهُم
 مَا أَنفَقُوا وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ أَن تَنكِحُوهُنَّ إِذَا ءَاتَيْنَكُمُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ
 وَلَا تَمْسِكُوا بِعَصَمِ الْكُوفَرِ وَسْئَلُوا مَا أَنفَقْتُمْ وَلَيْسَ لَكُم مَّا أَنفَقْتُم
 ذَلِكُمْ حُكْمُ اللَّهِ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿١٠﴾ وَإِن فَاتَكُمْ
 شَيْءٌ مِّنْ أَرْوَاجِكُمْ إِلَى الْكُفَّارِ فَعَاقِبْتُمْ فَاتُوا الَّذِينَ ذَهَبَتْ
 أَرْوَاجُهُمْ مِّثْلَ مَا أَنفَقْتُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ ﴿١١﴾

هرآئینه شمارا به جماعت مذکوره اقتداء نیک هست کسی را از شما که ملاقات خدا و روز آخرت را امید دارد و هر که رویگردان شود پس هرآئینه خدا بی نیاز ستوده کاراست (۶). نزدیک است خدا از آنکه در میان شما و در میان آنانکه دشمنی داشته اید با آنها دوستی (۳) قرار دهد و خدا تواناست و خدا آمرزگار مهربانست (۷). خدا شمارا از مواصلتِ آنانکه جنگ نکرده اند باشما در باره دین و بیرون نکرده اند شمارا از خانه های شما منع نمیکند از آنکه به ایشان احسان کنید و در حق ایشان انصاف کنید هرآئینه خدا انصاف کنندگان را دوست میدارد (۸). همانا منع میکند خدا شمارا از مواصلتِ آنانکه باشما در دین جنگ کرده اند و شمارا از خانه هایتان بیرون کرده اند و معاونتِ دیگران در بیرون کردن شما کرده اند منع میکند) از آنکه با ایشان دوستی کنید و هر که با ایشان دوستی کند پس آن جماعت همیشان ستمکارانند (۹). ای (۴) مسلمانان چون بیایند پیش شما زنانِ مسلمان هجرت کرده پس ایشانرا امتحان کنید (۵) خدا به ایمان ایشان داناتراست پس اگر ایشان را مسلمان دانید ایشان را به سوی کافران باز نفرستید نه این زنان برای کافران حلال اند و نه آن کافران برای این زنان حلال اند و به شوهران آنچه خرج کردند بدهید (۶) و بر شما گناه نیست که به ایشان نکاح کنید چون مهرایشان را بدهید دست آویز زنانِ نامسلمان را (۷) نگاه ندارید و طلب کنید آنچه شما خرج کردید و باید که مشرکان طلب کنند آنچه خرج کرده اند (۸) اینست حکم خدا میان شما فیصله میکند و خدا دانای باحکمت است (۱۰). و اگر از دست شما کسی از زنان شما به سوی کافران برود پس غنیمت بدست آوردید پس بدهید آنان را که رفته باشند زنان ایشان مانند آنچه خرج کرده باشند و بترسید از خدایی که شما و او را باور دارنده اید (۹) (۱۱).

(۳) یعنی ایشان را توفیق اسلام دهد.

(۴) مترجم گوید در صلح حدیبیه بعضی از زنان کفار هجرت کرده بدمینه می آمدند و بعضی از زنان مسلمین مرتد گشته بکفار ملحق میشدند خدای تعالی حکم این جماعت بیان فرمود والله اعلم.

(۵) یعنی قسم دهید ایشان را که به سبب ناخوشی شوهران خود یا بسبب عشق مردان دیگر نیامده اند [فقط بخاطر اسلام هجرت کرده اند]. والله اعلم.

(۶) یعنی مهری که شوهران کفار داده بودند بازگردانید والله اعلم.

(۷) یعنی بر نکاح زن کافر ادامه نباید داد والله اعلم.

(۸) یعنی اگر زنی مرتد شده بامشرکان ملحق شود مهر او باید طلبید و اگر زنی مسلمان شده هجرت کند مهر او را باید داد والله اعلم.

(۹) مترجم گوید که اگر کفار معاهد باشند و زنی مرتد به ایشان ملحق گردد از ایشان مهر باید طلبید چنانکه در آیت سابقه معلوم شد اگر کفار حربیان باشند از غنائم اموال ایشان شوهر آن مرتده را مهر باید داد، بعد فتح مکه این همه احکام مرتفع شدند نزد این فقیر نسخ این احکام ثابت نشده است پس اگر مثل حالتیکه در صلح حدیبیه بود باز رودهد از روی تحقیق بر همین احکام عمل کرده شود والله اعلم.

يَأْتِيهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يَبَايَعْنَكَ عَلَى أَنْ لَا يُشْرِكْنَ بِاللَّهِ
 شَيْئًا وَلَا يَسْرِقْنَ وَلَا يَزْنِينَ وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَأْتِينَ
 بِبُهْتَانٍ يَفْتَرِينَهُ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ وَأَرْجُلِهِنَّ وَلَا يَعْصِينَكَ فِي
 مَعْرُوفٍ فَبَايَعْنَهُنَّ وَأَسْتَغْفِرْ لَهُنَّ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ
 ﴿١٢﴾ يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ قَدْ
 يَدْسُوا مِنْ الْآخِرَةِ كَمَا يَبْسُ الْكُفَّارُ مِنْ أَصْحَابِ الْقُبُورِ ﴿١٣﴾

سُورَةُ الصَّفِّ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ
 ﴿١﴾ يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَمْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ ﴿٢﴾
 كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ ﴿٣﴾ إِنَّ
 اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ ۖ صَفَّاكَ أَنَّهُمْ
 بُنِدَنٌ مَرْصُوصٌ ﴿٤﴾ وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ ۖ يَتَقَوْمِ لِمَ
 تُوذُونَنِي وَقَدْ تَعْلَمُونَ أَنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ ۖ فَلَمَّا زَاغُوا
 أَزَاغَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ ۖ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ ﴿٥﴾

ای پیامبر چون نزد تو زنانِ مسلمان بیایند که باتو بیعت کنند باین شرط که با خدا چیزی را شریک مقرر نکنند و دزدی نکنند و زنانکنند و اولاد خود را نکشند و پیش نیارند سخن دروغ که آن را در میان دستهای خویش و در میان پاهای خویش بر بسته باشند^(۱۰) و تورا در کار نیک نافرمانی نکنند پس از ایشان بیعت قبول کن و برای ایشان از خدا طلب آموزش کن هر آئینه خدا آموزگار مهربانست (۱۲). ای مسلمانان با گروهی که خشم گرفته است خدا بر آنها دوستی نکنید آنجماعت از ثواب آخرت ناامید شده اند چنانکه کافران از اهل گور ناامید شده اند^(۱۱) (۱۳).



بنام خدای بخشاینده مهربان.

خدا را به پاکی یاد کرد آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است و اوست غالب با حکمت (۱). ای مسلمانان چرامی گوئید آنچه انجام نمی دهید (۲). بسیار ناپسندیده است نزد خدا آنکه بگوئید چیزی را که نمی کنید^(۱) (۳). هر آئینه خدا آنان را که جنگ میکنند در راه خدا صف بسته دوست میدارد گویا ایشان عمارتی هستند محکم به یکدیگر چسپیده (۴). و یادکن چون موسی به قوم خود گفت ای قوم من چرا مرا میرنجانید حال آنکه به یقین می دانید که من به سوی شما فرستاده^۱ خدایم پس وقتیکه کجروی کردند خدا دل های ایشان را کج ساخت و خدا قوم بدکاران را هدایت نمی کند (۵).

(۱۰) یعنی فرزند کسی را به دیگری منسوب نکنند والله اعلم.

(۱۱) یعنی خدای تعالی حکم بعباد ایشان کرده است پس هرگز ایمان نیارند و ثواب نیابند چنانچه کافران بعد مردن بر کفر توقع ثواب ندارند والله اعلم.

(۱۲) یعنی با خدا عهد کنید و به وفا نرسانید.

وَإِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مُصَدِّقًا لِّمَا
 بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَةِ وَمُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدٌ فَلَمَّا
 جَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ ﴿٦﴾ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى
 اللَّهِ الْكُذِبَ وَهُوَ يُدْعَى إِلَى الْإِسْلَامِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ
 ﴿٧﴾ يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ
 الْكَافِرُونَ ﴿٨﴾ هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ
 عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ ﴿٩﴾ يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا هَلْ أَذْكَرٌ عَلَى
 تِجْرَةِ تُجِّعِكُمْ مِنْ عَذَابِ إِلِيمٍ ﴿١٠﴾ تُوْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ
 فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿١١﴾
 يَعْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَيُدْخِلْكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَمَسْكِنٍ
 طَيِّبَةٍ فِي جَنَّاتٍ عَدْنٍ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿١٢﴾ وَأُخْرَى تُحِبُّونَهَا نَصْرٌ
 مِنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ وَبَشِيرٌ الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٣﴾ يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُونُوا
 أَنْصَارَ اللَّهِ كَمَا قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ لِلْحَوَارِيِّينَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ
 قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ فَأَمَنْتَ طَائِفَةٌ مِّنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ
 وَكَفَرْتَ طَائِفَةٌ فَأَيْدَانَا الَّذِينَ ءَامَنُوا عَلَىٰ عُدُوتِهِمْ فَاصْبِرْ حَتَّىٰ نُظَاهِرَ الَّذِينَ

و یادکن چون عیسیٰ پسر مریم گفت ای بنی اسرائیل هرآنینه من پیامبر خدا به سوی شما هستم باوردارنده آنچه از تورات پیشا روی من است و بشارت دهنده به پیامبری که بعد از من بیاید نام او احمد باشد پس چون احمد (صلی الله علیه وسلم) با معجزه ها پیش ایشان آمد گفتند این سحر ظاهراست (۶). و کیست ستمگارت از کسیکه بر خدا دروغ را بر بست در حالیکه او به سوی اسلام خوانده می شود و خدا گروه ستمگاران را راه نمی نماید (۷). این کافران می خواهند که نور خدا را به دهن های خویش فرو نشانند و خداتمام کننده نور خود است اگر چه کافران ناخوش دارند (۸). اوست آنکه پیامبر خود را به هدایت و دین حق فرستاد تا آن را بر همه ادیان غالب کند اگر چه مشرکان ناخوش دارند (۹). ای مسلمانان آیا شمارا به تجارتی دلالت کنم که شمارا از عذاب دردناک برهاند (۱۰). به خدا و رسول او ایمان آورید و در راه خدا با اموال و جان های خود جهاد کنید این برای شما بهتر است اگر بدانید (۱۱). (اگر این چنین کنید) برای شما گناهان شمارا بیامرزد و شمارا به بوستانهایی که می رود زیر آنها جویها و به محل هایی پاکیزه در بهشت های جاودان در آورد اینست پیروزی بزرگ (۱۲). و (بدهد) نعمتی دیگر که آنرا دوست میدارید آن نعمت نصرت از جانب خدا و فتح قریب الحصول است و مسلمانان را مژده بده (۱۳). ای مؤمنان نصرت دهندگان دین خدا باشید چنانکه عیسیٰ پسر مریم با یاران خاص خود گفت کیستند نصرت دهندگان من به سوی خدا متوجه شده آن یاران خاص گفتند، ما ایم نصرت دهندگان خدا^(۲) پس جمعی از بنی اسرائیل ایمان آوردند و جمعی کافر ماندند پس مومنان را بر دشمنان ایشان قوت دادیم پس غالب شدند (۱۴).

(۲) پس در ترویج دین عیسیٰ سعی کردند.

سورة الجمعة

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَسْبِغْ لَكَ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ الْعَزِيزِ
 الْحَكِيمِ ① هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ
 آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا
 مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ② وَعَآخِرِينَ مِنْهُمْ لَمَّا يَلِدُ حَقُّوَابِهِمْ
 وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ③ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ
 ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ④ مَثَلُ الَّذِينَ حُمِّلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ
 يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا بِئْسَ مَثَلُ الْقَوْمِ
 الَّذِينَ كَذَبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ
 ⑤ قُلْ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ هَادُوا إِنْ زَعَمْتُمْ أَنكُمْ أَوْلِيَاءُ لِلَّهِ مِنْ
 دُونِ النَّاسِ فَتَمَتَّوْا الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ⑥ وَلَا يَتَمَنَّوْنَهُ
 أَبَدًا بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ ⑦ قُلْ
 إِنَّ الْمَوْتَ الَّذِي تَفِرُّونَ مِنْهُ فَإِنَّهُ مُلَاقِيكُمْ ثُمَّ تُرَدُّونَ
 إِلَىٰ عِلْمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ⑧

سوره جمعه مدنی است یازده
آیه و دو رکوع است

بنام خدای بخشاینده مهربان.

خدارا آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است خداوند پادشاه نهایت پاك، غالب باحکمت را به پاکی یاد می کند (۱). اوست کسی که در میان ناخواندگان^(۱) پیامبری از خود ایشان برانگیخت برایشان آیات او را میخواند و ایشان را پاك می کند ایشان را کتاب و دانش می آموزد و هر آئینه ایشان پیش ازین در گمراهی ظاهر بودند (۲). و نیز آن پیامبر را در قومی دیگر از بنی آدم که هنوز نپیوسته اند با مسلمانان مبعوث کرد^(۲) و اوست غالب باحکمت (۳). این فضل خدا است می دهدش بهر که خواهد و خدا صاحب فضل بزرگ است (۴). مثال آنانکه تورات بر آنان (تکلیف) نهاده شد باز آن را برنداشتند^(۳) مانند مثال خراست که کتاب هارا حمل می کند بداست داستان قومی که آیات خدارا تکذیب کردند و خدا گروه ستمکاران را راه نمی نماید (۵). بگو ای یهودیان اگر گمان دارید که شما دوستان خدایید به جز سایر مردمان پس مرگ را آرزو کنید اگر راستگو هستید (۶). و آنرا هرگز آرزو نخواهند کرد بسبب آنچه دست های ایشان پیش فرستاده است و خدا به ستمگاران داناست (۷). بگو هر آئینه مرگی که از آن می گریزید البته وی به شما می رسد سپس به سوی داننده^۲ نهان و آشکار باز گردانیده خواهید شد پس شمارا به آنچه می کردید خبر می دهد (۸).

(۱) یعنی عرب.

(۲) فارس یعنی سائر عجم.

(۳) یعنی به وفق آن عمل نکردند.

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا
إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ
﴿١﴾ فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا
مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَاذْكُرُوا أَنَّ اللَّهَ كَثِيرٌ أَعَدَّ لَكُمْ تَفْلِحُونَ ﴿٢﴾
وَإِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا أَنفَضُوهَا إِلَيْهَا وَتَرَكُوكَ قَائِمًا قُلْ مَا عِنْدَ
اللَّهِ خَيْرٌ مِمَّنْ أَلَهَوْا وَمِنَ التِّجَارَةِ وَاللَّهُ خَيْرُ الرَّازِقِينَ ﴿٣﴾

سورة المنافقون

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِذَا جَاءَكَ الْمُنَافِقُونَ قَالُوا نَشْهَدُ إِنَّكَ لَرَسُولُ اللَّهِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِنَّكَ
لَرَسُولُهُ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَكَاذِبُونَ ﴿١﴾ أَتَّخَذُوا
أَيْمَانَهُمْ جُنَّةً فَصَدُّوا عَن سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوا
يَعْمَلُونَ ﴿٢﴾ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ ءَامَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا فَطُبِعَ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ
لَا يَفْقَهُونَ ﴿٣﴾ * وَإِذَا رَأَيْتَهُمْ تُعْجِبُكَ أَجْسَامُهُمْ وَإِنْ يَقُولُوا
تَسْمَعُ لِقَوْلِهِمْ كَأَنَّهِمْ خَشَبٌ مُسْتَدَدٌ يُحْسَبُونَ كُلَّ صَيْحَةٍ
عَلَيْهِمْ هُمْ الْعَدُوُّ فَأَحْذَرَهُمْ قَاتَلَهُمُ اللَّهُ أَنْ يَكُونُوا ﴿٤﴾

ای مؤمنان چون در روز جمعه برای نماز اذان داده شود پس به سوی (عبادت و) یاد خدا بشتابید و خرید و فروش را رها کنید، اگر بدانید این برایتان بهتر است (۹). پس چون نماز تمام کرده شود متفرق شوید در زمین و از فضل خدا طلب کنید و خدا را بسیار یاد کنید تا شما رستگار شوید (۱۰). (و آن مسلمانان) چون کاروانی یا بازی را ببینند متفرق شده به سوی آن متوجه میشوند، و تورا ایستاده^(۴) رها کنند بگو آنچه نزد خداست از بازی واز تجارت بهتر است و خدا بهترین روزی دهندگانست^(۵) (۱۱).



بنام خدای بخشاینده مهربان.

(۱) چون منافقان پیش توبیابند گویند گواهی میدهیم که تو پیامبر خدایی و خدا میداند که تو پیامبر اویی و خدا گواهی میدهد که منافقان دروغ گویند (۱). قسم های خود را سپر گرفتند پس (مردم) را از راه خدا باز داشتند، هر آئینه بداست آنچه ایشان می کردند (۲). این بسبب آنست که ایشان ایمان آوردند باز کافر شدند پس بردل های ایشان مهر نهاده شد پس ایشان نمی فهمند (۳). و چون ایشان را ببینی بدنهایشان تورا به شگفتی وادارد و اگر بگویند به سخن ایشان گوش بدهی گویا ایشان چوبهایی تکیه داده به دیوار اند، هر آواز تند را هلاکی بر خود می پندارند ایشانند دشمن پس از ایشان بترس ایشانرا خدا لعنت کرد از کجا گردانیده میشوند (۴).

(۴) یعنی در خطبه.

(۵) مترجم گوید این آیت عتاب است بر بعضی از اصحاب و اشارت است بآن قصه که کاروانی از شام آمد در اثناء خطبه ایشان آنرا دیده متفرق شدند و در خدمت آنحضرت صلی الله علیه وسلم نماندند مگر دوازده شخص که حضرت ابوبکر و عمر از آنجمله بودند والله اعلم.

(۱) مترجم گوید رئیس منافقان در سفری سخنان نفاق انگیزی بر زبان آورد آن را شخصی از انصار به عرض آنحضرت صلی الله علیه وسلم رسانید منافقان بمجلس شریف آمده قسم خوردند که مرتکب آن کلمات نشده اند این سوره در حکایت آن اقوال و تهدید و تکذیب ایشان نازل شد.

وَإِذ قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا يَسْتَغْفِرْ لَكُمْ رَسُولُ اللَّهِ لَوَّأْرَهُمْ وَهُمْ
 وَرَأَيْتَهُمْ يَصُدُّونَ وَهُمْ مُسْتَكْبِرُونَ ۝ سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ
 أَسْتَغْفَرْتَ لَهُمْ أَمْ لَمْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ لَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ
 إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ ۝ هُمُ الَّذِينَ يَقُولُونَ
 لَا تُنْفِقُوا عَلَى مَنْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ حَتَّى يَنْفَضُوا ۝ وَاللَّهُ
 خَزَائِنُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَفْقَهُونَ
 ۝ يَقُولُونَ لِنِ رَجَعْنَا إِلَى الْمَدِينَةِ لَيُخْرِجَنَّ الْأَعَزُّ
 مِنْهَا الْأَذَلَّ ۝ وَاللَّهُ الْعِزَّةُ لِرَسُولِهِ ۝ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنَّ
 الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ ۝ يَتَّبِعُهَا الَّذِينَ هُمْ آمَنُوا لَا تُلَهِكُمْ
 أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ ۝ وَمَنْ يَفْعَلْ
 ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ ۝ وَأَنْفِقُوا مِنْ مَّا رَزَقْنَاكُمْ
 مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ فَيَقُولُ رَبِّ لَوْلَا أَخَّرْتَنِي
 إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ فَأَصَّدَّقَ وَأَكُن مِّنَ الصَّالِحِينَ ۝ وَلَنْ
 يُؤَخِّرَ اللَّهُ نَفْسًا إِذَا جَاءَ أَجَلُهَا ۝ وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ۝

سورة التَّجَابِينِ

و چون گفته شود منافقان را بیاید تا پیامبر خدا برای شما طلب آمرزش کند سرهای خود را می پیچانند و ایشان را بینی که تکبرکنان روی می گردانند (۵). در حق آنان یکسانست که آمرزش طلب کنی برای ایشان یا آمرزش نه طلبی برای ایشان خدا ایشان را نخواهد آمرزید هر آئینه خدا گروه فاسقان را هدایت نمی کند (۶). ایشانند آنان که میگویند (یاران خود را) بر آنانکه نزد رسول خدایند^(۲) خرج مکنید تا پراگنده شوند حال آنکه خزانه های آسمانها و زمین از آن خداست ولیکن منافقان نمی دانند (۷). میگویند اگر به مدینه بازگردیم البته گرامی تران فرومایه تران را از مدینه بیرون می کنند^(۳) و حال آنکه عزت و بزرگی خاص خدا و پیامبر او و مسلمانان است ولیکن منافقان نمیدانند (۸). ای مسلمانان اموال شما و هم فرزندان شما شمارا از یاد خدا غافل نگرداند و هر که چنین (کاری) کند پس آن جماعت ایشانند که زیان کارند (۹). و از آنچه که عطا کرده ایم شمارا خرج کنید پیش از آن که به یکی از شما مرگ بیاید پس بگوید ای پروردگار من کاش می گذاشتی (سرگذشت) مرا تا مدتی اندک به تأخیر می انداختند تا صدقه می دادم و از صالحان می شدم (۱۰). و هرگز خدا کسی را چون اجلش فرارسد مهلت نمی دهد و خدا به آنچه می کنید خبردار است (۱۱).

(۲) یعنی برفقراى مهاجرین.

(۳) یعنی توانگرانِ اهلِ نفاقِ فقراءِ مسلمین را.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ
 وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝١ هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ فَمِنْكُمْ كَافِرٌ وَمِنْكُمْ
 مُؤْمِنٌ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ۝٢ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ
 بِالْحَقِّ وَصَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُورَكُمْ وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ ۝٣ يَعْلَمُ
 مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَيَعْلَمُ مَا تُسْرُونَ وَمَا تُعْلِنُونَ وَاللَّهُ
 عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ۝٤ أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَبَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَبْلُ
 فذَاقُوا وَبَالَ أَمْرِهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ۝٥ ذَلِكَ بِأَنَّهُ كَانَتْ تَأْتِيهِمْ
 رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَقَالُوا الْبَشَرُ يَهْدُونَنَا فَكَفَرُوا وَتَوَلَّوْا وَأَسْتَغْنَى
 اللَّهُ وَاللَّهُ غَنِيٌّ حَمِيدٌ ۝٦ زَعَمَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنْ لَنْ يُبْعَثُوا قُلْ بَلَى
 وَرَبِّي لَتُبْعَثُنَّ ثُمَّ لَتُنَبَّؤُنَّ بِمَا عَمِلْتُمْ وَذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ ۝٧
 فَعَامِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِي أَنْزَلْنَا وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ
 ۝٨ يَوْمَ يَجْمَعُكُمْ لِيَوْمِ الْجَمْعِ ذَلِكَ يَوْمُ التَّغَابُنِ وَمَنْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ
 وَيَعْمَلْ صَالِحًا يُكَفِّرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ وَيُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ
 تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ۝٩



بنام خدای بخشاینده مهربان.

آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است خدارا به پاکی یاد میکند پادشاهی، از آن اوست و ستایش مخصوص اوست و او بر همه چیز تواناست (۱). اوست آنکه شمارا آفرید پس بعضی از شما کافر و بعضی از شما مومن اند و خدا به آنچه می کنید بینا است (۲). آسمان ها و زمین را به تدبیر درست آفرید و شمارا صورت بست پس صورتهای شمارا نیک ساخت و باز گشت به سوی اوست (۳). آنچه در آسمان ها و زمین است میداند و آنچه پنهان میدارید و آنچه آشکار می کنید میداند و خدا به مکنون سینه ها دانا است (۴). آیا خیر آنکه پیش ازین کافر بودند بشما نیامده است پس نتیجه کار خود را چشیدند و برای آنان عذابی درد ناک است (۵). این عذاب بسبب آنست که پیش ایشان پیامبران ایشان بامعجزه ها می آمدند پس گفتند آیا آدمیان مارا راه نمایند پس کافر شدند و رویگردانیدند و خدایی نیاز است و خدا بی نیاز ستوده شده است (۶). کافران پنداشتند که برانگیخته نخواهند شد بگواری قسم به پروردگار من البته برانگیخته می شوید باز شمارا به آنچه می کردید خبر داده شود و این برخدا آسان است (۷). پس به خدا و رسول او و نوری که فرو فرستاده ایم ایمان بیاورید (۸) و خدا به آنچه می کنید خبردار است (۸). (خبر داده شود شمارا) و قتیکه در روز قیامت شمارا جمع می کند آنروز روز ظهور زیان بعضی نسبت به بعضی باشد و هر که ایمان آورد بخدا و کارشایسته بکند بدی های او را از او دور کند و به بوستان هایی که می رود زیر آنها جویها داخل می کند جاویدان در آنجا همیشه بمانند اینست پیروزی بزرگ (۹).

(۱) یعنی قرآن.

وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ
 خَالِدِينَ فِيهَا وَبَشِّرِ الْمَصِيرِينَ ﴿١٠﴾ مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ
 إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَمَنْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ يَهْدِ اللَّهُ قَلْبَهُ، وَاللَّهُ بِكُلِّ
 شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿١١﴾ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ فَإِن
 تَوَلَّيْتُمْ فَإِنَّمَا عَلَىٰ رَسُولِنَا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ ﴿١٢﴾ اللَّهُ لَا إِلَهَ
 إِلَّا هُوَ وَعَلَىٰ اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ ﴿١٣﴾ يَا أَيُّهَا
 الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنِّ مِنْ أَرْوَاجِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَدُوًّا
 لَكُمْ فَاحْذَرُوهُمْ وَإِن تَعَفُوا وَتَصْفَحُوا وَتَغْفِرُوا
 فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿١٤﴾ إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ
 فِتْنَةٌ وَاللَّهُ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ ﴿١٥﴾ فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ
 وَأَسْمَعُوا وَأَطِيعُوا وَأَنْفِقُوا خَيْرًا لِأَنْفُسِكُمْ وَمَنْ يُوقِ
 شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿١٦﴾ إِن تَقْرَضُوا
 اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يَضْعَفْهُ لَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ شَكُورٌ
 حَلِيمٌ ﴿١٧﴾ عَلِيمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿١٨﴾

سورة الطلاق

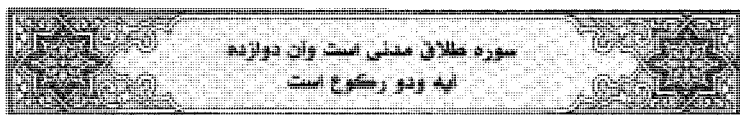
وآنانکه کافر شدند و آیات ما را تکذیب کردند آن جماعت اهل دوزخ اند جاویدان در آنجا و بدجاییست دورخ (۱۰). نمی رسد هیچ مصیبتی مگر به حکم خدا و هرکه بخدا رجوع کند دل او را هدایت کند و خدا بهر چیز داناست (۱۱). و خدا را فرمانبرداری کنید و رسول را فرمانبرداری کنید پس اگر رویگردان شوید پس جزاین نیست که بر پیامبر ما پیغام رسانیدن آشکاراست (۱۲). خدا آنست که هیچ معبود بر حقی جز او نیست و بر خدا باید که مومنان توکل کنند (۱۳). ای مؤمنان هر آئینه بعضی از همسران شما و بعضی فرزندان شما در حق شما دشمنان اند پس از ایشان بترسید^(۱) و اگر در گذر کنید و روی بگردانید و بیامرزید پس هر آئینه خدا آمرزگار مهربانست (۱۴). جزاین نیست که اموال شما و فرزندانتان امتحان است و خدا پاداش بزرگ نزد اوست (۱۵). پس از خدا آن قدر که توانید بترسید و سخن بشنوید و فرمانبرداری کنید و خرج کنید برای خودتان بهتر باشد و هر که از بخل نفس خود نگاهداشته شود پس آن جماعت همیشان رستگارانند (۱۶). اگر قرض دهید خدارا، قرض نیکو آن را برایتان دوچندان کند و شمارا بیامرزد و خدا قدر شناس بر دباراست (۱۷). داننده* پنهان و آشکار غالب با حکمت است (۱۸).

(۲) یعنی آنکه بر بخل حمل کنند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شق
الجزء
٥٦

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلِّقُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ وَأَحْصُوا الْعِدَّةَ
وَاتَّقُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ لَا تُخْرِجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ وَلَا يَخْرُجْنَ إِلَّا أَنْ
يَأْتِيَنَّ بِفَحِشَةٍ مُبَيِّنَةٍ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ
فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ، لَا تَدْرِي لَعَلَّ اللَّهَ يُحْدِثُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا ①
فَإِذَا بَلَغَ أَجَلُهُنَّ فَامْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ فَارِقُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ
وَأَشْهِدُوا ذَوَى عَدْلٍ مِّنكُمْ وَأَقِيمُوا الشَّهَادَةَ لِلَّهِ ذَلِكَ يُوعِظُ
بِهِ مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ
مَخْرَجًا ② وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ
فَهُوَ حَسْبُهُ، إِنْ اللَّهُ بَلَغَ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ
قَدْرًا ③ وَالَّتِي يَبْسُغُ مِنَ الْمَحِيضِ مِنْ نِسَائِكُمْ إِنْ
أَرْتَبْتُمْ فَعِدَّتُهُنَّ ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ وَالَّتِي لَمْ يَحْضَنْ وَأُولَتْ
الْأَحْمَالِ أَجَلُهُنَّ أَنْ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ
يَجْعَلْ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْرًا ④ ذَلِكَ أَمْرُ اللَّهِ أَنْزَلَهُ إِلَيْكُمْ
وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يُكَفِّرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ وَيُعْظِمْ لَهُ أَجْرًا ⑤



بنام خدای بخشاینده مهربان.

ای پیامبر (بگوامت خود را) چون طلاق دادن زنان را اراده کنید پس ایشانرا در اول عدّه ایشان طلاق دهید^(۱). و عدّه را شمار کنید و از خدا پروردگار خویش بترسید ایشان را از خانه های ایشان بیرون مکنید و باید که ایشان بیرون نروند مگر آنکه کار بی حیایی آشکارا بعمل آورند و این حدها مقرر کرده خداست و هر که از حد های خدا تجاوز کند پس بر نفس خویش ستم کرد تو نمیدانی شاید که خدا بعد از طلاق کاری را^(۲) بوجود بیاورد (۱). پس چون مطلقات بمیعاد خود نزدیک رسند پس ایشان را بوجه پسندیده نگاهدارید یا از ایشان بوجه پسندیده جدا شوید و دو کس صاحب تقوی را از قوم خود گواه گیرید و شهادت را برای خدا راست ادا کنید این حکم پند داده می شود به آن هر که به خدا و به روز آخر مومن باشد و هر که از خدا بترسد (خدا) برای او راه نجات فراهم می کند (۲). و او را از آنجا که گمان نمی کند رزق می دهد و هر که بر خدا توکل کند پس خدا او را بس است هر آئینه خدا حکمش را به اجرا می گذارد هر آئینه خدا هر چیز را به اندازه ساخته است (۳). و کسانی از زنان تان که از حیض نا امید شده اند^(۴) اگر به شبهه افتاده اید پس عدّه ایشان سه ماه است و آنانکه بسن حیض نرسیده اند نیز عدّه ایشان سه ماه است و صاحبان حمل عدت ایشان آن است که حمل خود را بنهند و هر که از خدا بترسد برای او در کار او آسانی را پدید آورد (۴). این حکم خداست که آن را به سوی شما فرود آورد و هر که از خدا بترسد بدیهای او را از وی دور کند و پاداش زیاده دهد (۵).

(۱) یعنی درطهری که نزدیکی نکرده باشید.

(۲) یعنی موافقت پدید آید و مراجعت کند والله اعلم.

(۳) یعنی از مطلقات.

أَسْكَنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ مِنْ وَجْدِكُمْ وَلَا تُضَارُّوهُنَّ لِتُضَيِّقُوا
 عَلَيْهِنَّ وَإِنْ كُنَّ أُولَاتٍ حَمَلٍ فَأَنْفِقُوا عَلَيْهِنَّ حَتَّى يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ فَإِنْ
 أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ وَأَتَمُّرُوا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ وَإِنْ
 تَعَاَسَرْتُمْ فَمَسْرُوعٌ لَهُ وَأُخْرَى ﴿٦﴾ لِيُنْفِقَ ذُو سَعَةٍ مِنْ سَعَتِهِ وَمَنْ
 قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ لَا يَكْلِفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا
 مَاءً آتَاهَا سَيِّجَعُلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا ﴿٧﴾ وَكَأَيِّنْ مِنْ قَرْيَةٍ عَتَتْ
 عَنْ أَمْرِ رَبِّهَا وَرُسُلِهِ فَحَاسَبْنَاهَا حِسَابًا شَدِيدًا وَعَدَّ بَنَاهَا عَدَابًا
 نُكْرًا ﴿٨﴾ فَذَاقَتْ وَبَالَ أَمْرِهَا وَكَانَ عَاقِبَةُ أَمْرِهَا خُسْرًا ﴿٩﴾ أَعَدَّ اللَّهُ
 لَهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا فَاذْفُقُوا اللَّهَ يَا أُولِيَ الْأَلْبَابِ الَّذِينَ ءَامَنُوا قَدْ أَنْزَلَ
 اللَّهُ إِلَيْكُمْ ذِكْرًا ﴿١٠﴾ رَسُولًا يَتْلُو عَلَيْكُمْ آيَاتِ اللَّهِ مُبَيِّنَاتٍ لِيُخْرِجَ
 الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَمَنْ يُؤْمِنْ
 بِاللَّهِ وَيَعْمَلْ صَالِحًا يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ
 فِيهَا أَبَدًا قَدْ أَحْسَنَ اللَّهُ لَهُ وَرِزْقًا ﴿١١﴾ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ
 وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَتَنَزَّلُ الْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَلَى
 كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا ﴿١٢﴾

زنان مطلقه را جایی که شماسکونت دارید به اندازه طاقت خود ساکن کنید و ایشان را ایذا مرسانید تا برایشان تنگ گیرید و اگر باشند صاحبانِ حمل پس برایشان انفاق کنید تا آنکه حمل خود را بنهند پس اگر شیر دهند بفرمان شما پس مزد ایشان را بدهید و بایکدیگر در میان خویش بوجه پسندیده کارفرمایی کنید و اگر مضایقه کردید به فرموده^۶ او زنی دیگر شیر خواهد داد (۶). باید که خرج کند صاحب وسعت از وسعتِ خود و آنکه رزق بروی تنگ کرده شد پس باید که او خرج کند از آنچه خدا اورا، عطا کرده است، خدا هیچ کس را تکلیف نمی کند مگر بحسب آنچه او را داده است خدا بعد از تنگ دستی آسایش را پدید خواهد آورد (۷). و بسا قریه که از فرمان پروردگار خویش و از فرمان پیامبران او تجاوز کرد پس حساب کردیم به او حسابی سخت و عقوبت کردیم اورا عقوبتی دشوار (۸). پس سزای عمل خود را چشید و سرانجام کار او زیان کاری بود (۹). خدای تعالی برای ایشان عذاب سخت را مهیا کرده است پس ای صاحبان خرد از خدا بترسید ای مسلمانان هر آینه خدا به سوی شما کتابی فرود آورده است (۱۰). (فرستاده است) پیامبری را که بر شما آیاتِ خدا را واضح آمده میخواند تا آنان را که ایمان آورده اند و کارهای شایسته کرده اند از تاریکی ها به سوی روشنی بر آورد و هر که بخدا ایمان آورد و کارشایسته بکند در آوردش به بوستانهایی که می رود زیر آنها جوینها همیشه در آنجا جاویدان به راستی خدا رزق و روزی اورانیک گردانیده است (۱۱). خدا آنست که هفت آسمان را آفرید و (آفرید) زمین را (نیز) مانند آنها، تدبیر کار در میان آسمانها و زمین پیوسته فرود می آید تا بدانید که خدا بر همه چیز تواناست و نیز بدانید که خدا هر چیز را باعتبار علم احاطه کرده است (۱۲).

سُورَةُ التَّحْرِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سورة التحريم
الجزء الثامن
٥٦

يَأَيُّهَا النَّبِيُّ لِمَ تُحَرِّمُ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكَ تَبَتَّغَى مَرْضَاتَ أَرْوَاجِكَ وَاللَّهُ
 غَفُورٌ رَحِيمٌ ① قَدْ فَرَضَ اللَّهُ لَكُمْ تَحِلَّةَ أَيْمَانِكُمْ وَاللَّهُ مَوْلَاكُمْ وَهُوَ
 الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ ② وَإِذْ أَسَرَّ النَّبِيُّ إِلَى بَعْضِ أَرْوَاجِهِ حَدِيثًا فَلَمَّا
 نَبَّأَتْ بِهِ وَأَظْهَرَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ عَرَّفَ بَعْضَهُ وَأَعْرَضَ عَنْ بَعْضٍ فَلَمَّا
 نَبَّأَهَا بِهِ قَالَتْ مَنْ أَنْبَأَكَ هَذَا قَالَ نَبَّأَنِيَ الْعَلِيمُ الْخَبِيرُ ③ إِنْ
 تَوْبَا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُمَا وَإِنْ تَظَاهَرَا عَلَيْهِ فَإِنَّ اللَّهَ
 هُوَ مَوْلَاهُ وَجِبْرِيلُ وَصَلِحَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمَلَائِكَةَ بَعْدَ ذَلِكَ
 ظَهِيرٌ ④ عَسَى رَبُّهُ إِنْ طَلَقَكُنَّ أَنْ يُبَدِّلَهُ أَرْوَاجًا خَيْرًا مِنْكُنَّ
 مُسْلِمَاتٍ مُؤْمِنَاتٍ قَانِتَاتٍ تَيَبَّنَّ وَعِدَاتٍ سَخِيحَاتٍ تِيَبَّتِ
 وَأَنْبَكَرَا ⑤ يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا
 وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ
 لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ ⑥ يَأَيُّهَا الَّذِينَ
 كَفَرُوا لَا تَعْتَدُوا الْيَوْمَ إِنَّمَا تُجْزَوْنَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ⑦



بنام خدای بخشاینده مهربان.

(۱) ای پیامبر چرا حرام می کنی چیزی را که خدا برای تو حلال ساخته است خوشنودی زنان خود را می طلبی و خدا آمرزگار مهربان است (۱). هر آئینه خدا برای شما گشادن سوگندهای شمارا مشروع ساخته است (۲) و خدا کار ساز شماست و او دانای با حکمت است (۲). و یاد کن چون پیامبر با بعضی همسرانش سخنی را پنهان گفت پس چون آن سخن را افشاء کرد و خدای تعالی پیامبر را بر افشای آن سخن مطلع ساخت پیامبر بعض آن سخن را شناسا کرد و از بعض اعراض کرد، پس وقتیکه آن را به افشای راز آن زن خبردار کرد گفت چه کسی تو را به افشای این راز خبر داد، پیامبر فرمود مرا خدای دانای خبر داد (۳). ای دو زن پیامبر (۳) اگر به سوی خدا رجوع کنید (خوش باشد) هر آئینه دل های شما کج شده است و اگر با هم متفق شوید براو (برنجانیدن پیامبر) پس هر آئینه خدا کار ساز اوست و جبرئیل و مردمان شایسته از مسلمانان و نیز فرشتگان بعد ازین مددگارانند (۴). اگر پیامبر شمارا طلاق دهد نزدیک است که پروردگاراو به او زنان دیگر بهتر از شما عوض دهد گردن نهادگان باور دارندگان دعا کنندگان توبه نمایندگان عبادت بجا آرندگان روزه دارندگان شوهر دیدگان و شوهر نادیدگان (۵). ای مؤمنان خویشان را و اهل خانه خود را از آتشی که هیزم آن مردمان و سنگ ها باشند، نگاهدارید بر آن آتش فرشتگان درشت خو سخت رو موکل اند خدا را در آنچه ایشانرا فرموده است نافرمانی نمی کنند و هر چه ایشانرا حکم میشود انجام می دهند (۶). (آنروز گوئیم) ای کافران عذر پیش نیارید امروز جز این نیست که جزا داده می شوید شما بحسب آنچه میگردید (۷).

(۱) مترجم گوید که آنحضرت صلی الله علیه و سلم ماریه قبطیه را سربیه خود ساخته و همسران آنحضرت غیرت کردند آنحضرت صلی الله علیه و سلم برای تسلی ایشان ماریه را بر خود حرام گردانید و آنحضرت سبزی از اسرار خود با بعض همسران اظهار فرموده در کتمان آن مبالغه کرد آن زوج بدیگری اظهار نمود آنحضرت صلی الله علیه و سلم بطریق وحی بر افشای آن سر مطلع شدند و بنوعی از مرزبان قصه در میان نهادند و عتاب فرمودند خدای تعالی در باب پند ازواج طاهرات و تهدید ایشان این آیات را نازل ساخت و الله اعلم.

(۲) یعنی به ادای کفار.

(۳) یعنی حفصه و عائشه رضی الله عنهما و الله اعلم.

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا عَسَىٰ رَبُّكُمْ
أَن يُكَفِّرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيُدْخِلَكُم جَنَّاتٍ تَجْرَىٰ
مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ يَوْمَ لَا يُخْزِي اللَّهُ النَّبِيَّ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا
مَعَهُ ۗ نُورُهُمْ يَسْعَىٰ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا
أَتَمِّمْ لَنَا نُورَنَا وَاعْفِرْ لَنَا إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٨﴾
يَأْتِيهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ
وَمَا أَوْلَاهُمْ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ ﴿٩﴾ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا
لِّلَّذِينَ كَفَرُوا أُمَّرَاتِ نُوحٍ وَأُمَّرَاتِ لُوطٍ ۗ كَانَتَا تَحْتَ
عِبْدَيْنِ مِّنْ عِبَادِنَا صَالِحَيْنِ فَخَانَتَاهُمَا فَلَمَّ يُعْنِيَا عَنْهُمَا
مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَقِيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدَّٰخِلِينَ ﴿١٠﴾
وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِّلَّذِينَ ءَامَنُوا أُمَّرَاتِ فِرْعَوْنَ إِذْ
قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِّنْ فِرْعَوْنَ
وَعَمَلِهِ ۗ وَنَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿١١﴾ وَمَرِيَمَ ابْنَتَ
عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُّوحِنَا
وَصَدَّقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَكُتِبَ فِيهَا وَكَانَتْ مِنَ الْقَلِيلِينَ ﴿١٢﴾

ای مسلمانان به سوی خدا رجوع کنید رجوع خالص، امیدهست از پروردگارشما که از شما گناهان شمارا محو کند و شمارا به بوستانها یی که میرود زیرا آنها جویها درآورد روزیکه خدا پیامبر و آنان را که ایمان آورده‌اند همراه او رسوا نکند، نورایشان پیش دستهای ایشان و بجانب های راست ایشان میرود میگویند ای پروردگار ما برای ما نور ما را تمام ده و ما را بیامرز، هرآئینه تو بر هر چیز توانایی (۸). ای پیامبر با کافران و بامنافقان نیز جهاد کن و درشت شو برایشان و جای ایشان دوزخ است و وی بدجایی است (۹). خدامثالی را برای آنانکه کافر شدند زن نوح را و زن لوط را آورد که زیر نکاح دوبنده شایسته از بندگان ما بودند که پس خیانت کردند به آن دوبنده پس ایشان از آن دو زن چیزی را از عذاب خدا دفع نکردند و گفته شد هر دو تا را در آتش دوزخ با داخل شوندگان داخل شوید (۱۰). و خدامثالی را برای آنانکه ایمان آوردند زن فرعون را آورد چون گفت ای پروردگار من برای من نزد خود خانه‌ای در بهشت بنا کن و مرا از فرعون و کار او نجات ده و مرا از قوم ستمگاران نجات ده (۱۱). و مریم دختر عمران را آنکه فرج خود را نگاهداشت پس در آن روح خود را دمیدیم و سخنان پروردگار خود را و کتاب های او را باورد داشت و از فرمانبردارندگان بود (۱۲) (۴).

(۴) یعنی روح حضرت عیسی در رحم مریم درآمد و فرج کنایت است از رحم.

سورة الملك

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تَبْرَكَ الَّذِي يَبْدُءُ الْمَلَكُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝١ الَّذِي خَلَقَ
 الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ
 ۝٢ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا مَّا تَرَى فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِنْ
 تَفَوُّتٍ فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَى مِنْ فُطُورٍ ۝٣ ثُمَّ ارْجِعِ الْبَصَرَ كَرَّتَيْنِ
 يَنْقَلِبْ إِلَيْكَ الْبَصَرُ خَاسِئًا وَهُوَ حَسِيرٌ ۝٤ وَلَقَدْ زَيَّتِ السَّمَاءَ
 الدُّنْيَا بِمَصْبِيحٍ وَجَعَلْنَاهَا رُجُومًا لِلشَّيْطَانِ وَأَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابَ
 السَّعِيرِ ۝٥ وَلِلَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَسَاءُ الْمَصِيرُ
 ۝٦ إِذَا الْقَوَا فِيهَا سَمِعُوا لَهَا شَهِيقًا وَهِيَ تَفُورُ ۝٧ تَكَادُ تَمَيَّزُ
 مِنَ الْغَيْظِ كُلَّمَا أُلْقِيَ فِيهَا فَوْجٌ سَأَلَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَذِيرٌ ۝٨
 قَالُوا بَلَى قَدْ جَاءَنَا نَذِيرٌ فَكَذَّبْنَا وَقُلْنَا مَا نَزَّلَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ
 إِلَّا فِي ضَلَالٍ كَبِيرٍ ۝٩ وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ
 السَّعِيرِ ۝١٠ فَاعْتَرَفُوا بِذُنُوبِهِمْ فَسُحِقًا لِأَصْحَابِ السَّعِيرِ ۝١١ إِنْ
 الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ بِالْغَيْبِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ ۝١٢

سوره ملك مكى است وآن سى
آيه ودو ركوع است

بنام خدای بخشاینده مهربان.

بسیار بابرکت است آنخدا که پادشاهی بدست اوست و او بر همه چیز تواناست (۱). آنخدا که موت و حیات را آفرید تا شما را بیازماید که کدام يك از شما درعمل نکوتر است و او غالب آمرزگار است (۲). آنخدا که هفت آسمان را (تودرتو) طبقه طبقه آفرید نبینی ای بیننده درآفرینش خدا هیچ بی ضابطگی پس چشم را باز گردان آیا هیچ شکستگی می بینی (۳). پس چشم را دوباره باز گردان تا باز آید چشم به سوی تو خوار شده مانده گشته (۴). و به راستی که آسمان نزدیک را به چراغ ها زینت دادیم و آن چراغ ها را آلاتِ رجم شیاطین گردانیدیم و برای شیاطین عذاب دوزخ آماده کردیم (۵). و برای آنانکه به پروردگار خود کافر شدند عذاب دوزخ است و آن بدجاییست (۶). و قتیکه ایشان در دوزخ افکنده شوند آوازی بشنوند مانند آواز خر و آن (دوزخ) جوش میزند (۷). نزدیک است پاره پاره شود از خشم، هرگاه گروهی به دوزخ افکنده شود نگاهبانان دوزخ از آن گروه سوال کنند آیا به سوی شما هیچ پیامبر بیم دهنده نیامده بود (۸). گویند آری به سوی ما ترساننده آمده بود پس تکذیب کردیم و گفتیم خدا هیچ چیز را فرود نیاورده است شما جز درگمراهی بزرگ نیستید (۹). و گویند اگر ما می شنیدیم یا می فهمیدیم در زمره اهل دوزخ داخل نمی شدیم (۱۰). پس به گناه خویش اقرار کردند پس بر اهل دوزخ لعنت باد (۱۱). هر آینه آنکه از پروردگار خویش غایبانه می ترسند برای ایشان آمرزش و پاداش بزرگ است (۱۲).

وَأَسِرُّوْا قَوْلَكُمْ وَأَوْجَهُرُوا بِهِ ۗ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ﴿١٣﴾ أَلَا
 يَعْلَمُ مَنْ خَلَقَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ ﴿١٤﴾ هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ
 ذُلُولًا فَأَمْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِنْ رِزْقِهِ ۗ وَإِلَيْهِ النُّشُورُ ﴿١٥﴾
 ءَأَمِنْتُمْ مِّنْ فِي السَّمَاءِ أَنْ يَخْسِفَ بِكُمُ الْأَرْضَ فَإِذَا هِيَ تَمُورُ ﴿١٦﴾
 أَمْ أَمِنْتُمْ مِّنْ فِي السَّمَاءِ أَنْ يُرْسِلَ عَلَيْكُمْ حَاصِبًا فَسَتَعْلَمُونَ
 كَيْفَ نَذِيرِ ﴿١٧﴾ وَلَقَدْ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَكَيْفَ كَانَ نَذِيرِ ﴿١٨﴾
 أَوَلَمْ يَرَوْا إِلَى الطَّيْرِ فَوْقَهُمْ صَفَقَتْ وَيَقْبِضْنَ مَا يَمْسِكُهُنَّ إِلَّا
 الرَّحْمَنُ إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ بَصِيرٌ ﴿١٩﴾ أَمَّنْ هَذَا الَّذِي هُوَ جُنْدٌ لَّكُمْ
 يَنْصُرُكُمْ مِنْ دُونِ الرَّحْمَنِ إِنِ الْكَافِرُونَ إِلَّا فِي غُرُورٍ ﴿٢٠﴾ أَمَّنْ هَذَا
 الَّذِي يَرْزُقُكُمْ إِنْ أَمْسَكَ رِزْقَهُ ۗ بَلْ لَجُّوا فِي عُتُوٍّ وَنُفُورٍ ﴿٢١﴾ أَفَمَنْ
 يَمْشِي مَكْبَأً عَلَىٰ وَجْهِهِ ۗ أَهْدَىٰ أَمَّنْ يَمْشِي سَوِيًّا عَلَىٰ صِرَاطٍ
 مُّسْتَقِيمٍ ﴿٢٢﴾ قُلْ هُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَرَ
 وَالْأَفْئِدَةَ ۗ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ ﴿٢٣﴾ قُلْ هُوَ الَّذِي ذَرَأَكُمْ فِي
 الْأَرْضِ وَإِلَيْهِ تُحْشَرُونَ ﴿٢٤﴾ وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ
 صَادِقِينَ ﴿٢٥﴾ قُلْ إِنَّمَا الْعِلْمُ عِنْدَ اللَّهِ وَإِنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُّبِينٌ ﴿٢٦﴾

وسخن خود را پنهان کنید یا آن را آشکار گوید هر آئینه خدا به آنچه در سینه‌ها باشد داناست (۱۳). آیا کسی که آفرید نمی داند او باریک بین خبردار است؟ (۱۴). اوست آنکه زمین را برای شما رام ساخت پس درنواحی آن راه روید و از رزق خدا بخورید و به سوی اوست برانگیختن (۱۵). آیا از کسی که در آسمان است ایمن شده‌اید از آنکه شما را به زمین فرورد پس نا گهان زمین می جنبد (۱۶). آیا از کسی که در آسمان است ایمن شده‌اید از آنکه بر شما بادِ سنگبار را بفرستد پس خواهید دانست ترسانیدن من چگونه است؟ (۱۷). به راستی که آنانکه پیش از ایشان بودند تکذیب کردند پس عقوبت من چگونه شد (۱۸). آیا بر فرازشان به پرندگان که (در پروازند) گاهی بالهای خود را گسترده و گاهی فرومی بندند نگرسته اند! جز خدای رحمان (کسی) آنها را نگاه نمیدارد هر آئینه او بهر چیز بیناست (۱۹). آیا کیست آنکه وی برای شما لشکر است شما را بجز خدا نصرت میدهد کافران جز در فریب نیستند (۲۰). آیا کیست آنکه شما را روزی دهد اگر خدا رزق خود را بازگیرد بلکه در سرکشی و رمیدگی محکم پیوسته‌اند (۲۱). آیا کسیکه افتاده بر روی خود برود راه یافته تراست یا کسی که راست ایستاده بر راه راست میرود^(۱) (۲۲). بگو اوست آنکه شما را بیافرید و برای شما شنوایی و چشم‌ها و دل‌ها پدید آورد اندکی شکر می‌کنید (۲۳). بگو اوست که شما را در زمین پراکنده ساخت و به سوی او برانگیخته خواهید شد (۲۴). و کافران میگویند وعده چه وقت باشد اگر راستگوید (۲۵). بگو جز این نیست که علم نزد خداست و غیر این نیست که من بیم دهنده آشکارم (۲۶).

(۱) مترجم گوید این مثل است کافر و مومن را والله اعلم.

فَلَمَّا رَأَوْهُ زُلْفَةً سَيَعَتْ وُجُوهُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَقِيلَ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ
 بِهِ تَدْعُونَ ﴿١٧﴾ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَهْلَكِنِي اللَّهُ وَمَنْ مَعِيَ أَوْ رَحِمَنَا
 فَمَنْ يُجِيرُ الْكَافِرِينَ مِنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ ﴿٢٨﴾ قُلْ هُوَ الرَّحْمَنُ
 عَمَّنَّا بِهِ وَعَلَيْهِ تَوَكَّلْنَا فَسَتَعْمَلُونَ مَنْ هُوَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ
 ﴿٢٩﴾ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ ﴿٣٠﴾

سُورَةُ الْقَلَمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ت وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ ﴿١﴾ مَا أَنْتَ بِنِعْمَةِ رَبِّكَ بِمَجْنُونٍ ﴿٢﴾ وَإِنَّ
 لَكَ لَأَجْرًا غَيْرَ مَمْنُونٍ ﴿٣﴾ وَإِنَّكَ لَعَلَى خَلْقٍ عَظِيمٍ ﴿٤﴾ فَسَتَبْصُرُ
 وَيُبْصُرُونَ ﴿٥﴾ بِأَيِّكُمْ الْمَقْتُونُ ﴿٦﴾ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ
 عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ ﴿٧﴾ فَلَا تَطْعُ الْمُكْذِبِينَ
 ﴿٨﴾ وَدُّوا لَوْ تُدْهِنُ فَيُدُّهُنَّ وَلَا تَطْعُ كُلَّ حَلَا فِي مَهِينٍ
 ﴿٩﴾ هَمَّازٍ مَشَاءٍ بِنَمِيمٍ ﴿١٠﴾ مَنَاعٍ لِلْخَيْرِ مُعْتَدٍ أَثِيمٍ ﴿١١﴾
 عَتَلٌ بَعْدَ ذَلِكَ زَنِيمٍ ﴿١٢﴾ أَنْ كَانَ ذَا مَالٍ وَنَدِينٍ ﴿١٣﴾ إِذْ أَتَى عَلَيْهِ
 آيَاتُنَا قَالَ أَسْطِيرُ الْأُولَئِينَ ﴿١٤﴾ سَدَسُمُهُ وَعَلَى الْخَرْطُومِ ﴿١٥﴾

وآنگاه که آن وعده را نزدیک شده ببینند ناخوش کرده شود^(۲) روی آنانکه کافر شدند و گفته شود این است آنچه اورا می طلبیدید (۲۷). بگو آیدید اگر خدا مرا و آنان را که همراه من اند هلاک کند یا بر ما رحمت کند (بهر حال) پس که کافران را از عذاب دردناک نجات دهد (۲۸). بگو اوست بخشاینده به اوایمان آوردیم و بروی توکل نمودیم پس خواهید دانست که کیست در گمراهی ظاهر (۲۹). بگو آیا دیدید اگر آب شما فرو رفته شود پس کیست که برای شما آب روان را بیاورد (۳۰).



بنام خدای بخشاینده مهربان.

ن، قسم بقلم (اعلی) و به آنچه می نویسند (فرشتگان) (۱). تو به فضل پروردگارت دیوانه نیستی (۲). و هر آینه تورا مزد بی نهایت است (۳). و هر آینه تو بر خوی بزرگی هستی (۴). پس خواهی دید و ایشان نیز خواهند دید (۵). که به کدام یک از شما دیوانگی است (۶). هر آینه پروردگار تو به کسیکه از راه او گمراه شد داناتراست و اونیز به راه یافتگان داناتراست (۷). پس تکذیب کنندگان را فرمان مبر (۸). آرزو کردند که ملامت کنی تا ایشان نیز ملامت کنند (۹). و هر بسیار سوگند خورنده محقر را اطاعت مکن (۱۰). (هر) عیب جوی بسخن چینی رونده (۱۱). (هر) بخل کننده به مال تجاوز گر گناهگار (۱۲). (هر) سخت روی بعد ازین همه ملحق بقوم نه از اصل ایشان^(۱) (۱۳). بسبب آنکه صاحب مال و فرزندان هست (۱۴). (تکذیب کرد) چون خوانده شود بروی آیه های ما گوید افسانه پیشینیان است (۱۵). برینی او داغ خواهیم نهاد^(۲) (۱۶).

(۲) یعنی سیاه کرده شود.

(۱) یعنی سنت خدا آنست که مردم بداصل غالباً متصف باین صفات رذیله باشند.

(۲) کنایت است از رسوا کردن.

إِنَّا بَلَوْنَاهُمْ كَمَا بَلَوْنَا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ إِذْ أَقْسَمُوا لَيَصْرِمُنَّهَا مُصْبِحِينَ ﴿٧﴾ وَلَا
 يَسْتَتِنُونَ ﴿٨﴾ فَطَافَ عَلَيْهَا طَائِفٌ مِّن رَّبِّكَ وَهُمْ نَائِمُونَ ﴿٩﴾ فَأَصْبَحَتِ
 كَالصَّرِيرِ ﴿١٠﴾ فَنَادُوا مُصْبِحِينَ ﴿١١﴾ أَنِ اغْدُوا عَلَيَّ حَرْثِكُمْ إِنْ كُنْتُمْ
 صَادِقِينَ ﴿١٢﴾ فَأَنْظَلُوا وَهُمْ يَتَخَفَتُونَ ﴿١٣﴾ أَن لَّا يَدْخُلَهَا الْيَوْمَ عَلَيْكُمْ
 مَسْكِينٌ ﴿١٤﴾ وَعَدُوا عَلَيَّ حَرْدٍ قَدِيرِينَ ﴿١٥﴾ فَلَمَّا رَأَوْهَا قَالُوا إِنَّا لَضَالُونَ
 ﴿١٦﴾ بَل لَّحَنُ مَحْرُومُونَ ﴿١٧﴾ قَالَ أَوْسَطُهُمْ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ لَوْلَا تُسَبِّحُونَ
 ﴿١٨﴾ قَالُوا سُبْحَانَ رَبِّنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ ﴿١٩﴾ فَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ
 يَتَلَوَّمُونَ ﴿٢٠﴾ قَالُوا يَا وَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا طَٰغِينَ ﴿٢١﴾ عَسَى رَبُّنَا أَن يُبَدِّلَنَا
 خَيْرًا مِّنْهَا إِنَّا إِلَى رَبِّنَا رَاغِبُونَ ﴿٢٢﴾ كَذَلِكَ الْعَذَابُ وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ
 أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ﴿٢٣﴾ إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ عِندَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٍ النَّعِيمِ ﴿٢٤﴾
 أَفَجَعَلُ الْمُسْلِمِينَ كَالْمُجْرِمِينَ ﴿٢٥﴾ مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ ﴿٢٦﴾ أَمْ لَكُمْ
 كِتَابٌ فِيهِ تَدْرُسُونَ ﴿٢٧﴾ إِنَّ لَكُمْ فِيهِ لَمَا تَخَيَّرُونَ ﴿٢٨﴾ أَمْ لَكُمْ آيَاتُنَا عَظِيمًا
 بَلِيغَةٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ إِنَّ لَكُمْ لَمَا تَحْكُمُونَ ﴿٢٩﴾ سَأَلَهُمْ أَيُّهُمْ بِذَلِكَ
 زَعِيمٌ ﴿٤٠﴾ أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ فُلْيَا تَوْأَمًا بَشَرًا بِهِمْ إِنْ كَانُوا صَادِقِينَ ﴿٤١﴾ يَوْمَ
 يُكْشَفُ عَن سَاقٍ وَيُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ ﴿٤٢﴾

هرآئینه ما ایشانرا آزمودیم چنانکه صاحبان بوستان را آزموده بودیم چون قسم خوردند که حتماً بوستان را بوقت بامداد درو کنند (۱۷). وانشاء الله نگفتند (۱۸). پس آن بوستان را بلایی از سوی پروردگار تو فراگرفت^(۳) وایشان خفته بودند (۱۹). پس مانند زراعت بریده شده شد (۲۰). پس بایکدیگر هنگام صبح آواز دادند (۲۱). که به کشت خود اگر دروکننده اید بامداد روید (۲۲). پس به راه افتادند درحالی که به پنهانی سخن می گفتند (۲۳). این که امروز بر شما هیچ فقیری در بوستان داخل نشود (۲۴). و صبح زود توانا (بخاطر منع بینوایان) به آن (باغ) رسیدند (۲۵). پس آنگاه که آن بوستانرا دیدند گفتند هرآئینه ما راه را گم کرده ایم^(۴) (۲۶). نه بلکه ما محروم شدگانیم (۲۷). بهترین ایشان گفت آیا نگفته بودم شمارا که چراتسیح نمی گوید^(۵) (۲۸). گفتند پروردگار خود را به پاکی یاد می کنیم هرآئینه ماستمکار بودیم (۲۹). پس روی آوردند بعضی از ایشان بر بعضی دیگر ملامت کنان (۳۰). گفتند ای وای بز ما هرآئینه ما از حدگذشتگان بودیم (۳۱). امیداست که پروردگار ما را بوستانی بهتر ازین عوض دهد هرآئینه ما به سوی پروردگار خود توقع دارندگانیم (۳۲). همچنین است عذاب البته عذاب آخرت بزرگ تراست کاش می دانستند (۳۳). هرآئینه برای متقیان نزد پروردگار ایشان بوستانهای نعمت باشند (۳۴). آیا مسلمانان را مانند گنهگاران گردانیم (۳۵). چیست شمارا چگونه حکم می کنید (۳۶). آیا نزد شما کتابی هست که در آن (این مضمون را) تلاوت میکنید (۳۷). که هرآئینه برای شما باشد در آن آنچه را که اختیار میکنید (۳۸). آیا شمارا بر ذمه ما عهدهای محکم است که حکم آن تا به قیامت باقی باشد (به این مضمون) که هرآئینه برای شما است آنچه که مقرر می کنید (۳۹). از مشرکان بپرس کدام يك از ایشان باین امر متعهد است (۴۰). آیا این مشرکان را شریکان هستند پس باید که شریکان خود را بیاورند اگر راستگو هستند (۴۱). روزیکه جامه از ساق برداشته شود وایشان به سوی سجده خوانده شوند پس (سجده) نتوانند (۴۲).

(۳) یعنی آتش در گرفت.

(۴) یعنی این بوستان دیگر است بوستان ما نیست.

(۵) یعنی رجوع بخدا کنید.

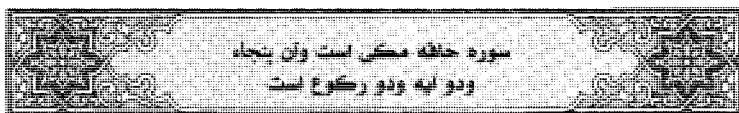
خَاشِعَةً أَبْصَرُهُمْ تَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ وَقَدْ كَانُوا يُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ وَهُمْ
 سَامُونَ ﴿٤٣﴾ فَذَرْنِي وَمَنْ يُكَذِّبْ بِهَذَا الْحَدِيثِ سَنَسْتَدْرِجُهُمْ
 مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٤٤﴾ وَأُمْلِي لَهُمْ إِنَّ كَيْدِي مَتِينٌ ﴿٤٥﴾ أَمْ تَسْأَلُهُمْ
 أَجْرًا فَهُمْ مِنْ مَّعْرَمٍ مَثْقَلُونَ ﴿٤٦﴾ أَمْ عِنْدَهُمُ الْغَيْبُ فَهُمْ يَكْتُبُونَ
 ﴿٤٧﴾ فَأَصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تَكُنْ كَصَاحِبِ الْحُوتِ إِذْ نَادَى
 وَهُوَ مَكْظُومٌ ﴿٤٨﴾ لَوْلَا أَنْ تَدَارَكُهُ نِعْمَةٌ مِنْ رَبِّهِ لَبَدَّ بِالْعَرَاءِ
 وَهُوَ مَذْمُومٌ ﴿٤٩﴾ فَاجْتَبِهْ رَبُّهُ وَفَجَعَلَهُ مِنْ الصَّالِحِينَ
 ﴿٥٠﴾ وَإِنْ يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا أَلْزِلُوكَ بِأَبْصَرِهِمْ لَمَّا سَمِعُوا
 الذِّكْرَ وَيَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ ﴿٥١﴾ وَمَا هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ ﴿٥٢﴾

سورة الحاقة

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَاقَّةُ ﴿١﴾ مَا الْحَاقَّةُ ﴿٢﴾ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْحَاقَّةُ ﴿٣﴾ كَذَّبَتْ ثَمُودُ وَعَادٌ
 بِالْقَارِعَةِ ﴿٤﴾ فَأَمَّا ثَمُودُ فَأُهْلِكُوا بِالطَّاغِيَةِ ﴿٥﴾ وَأَمَّا عَادٌ فَأُهْلِكُوا بِرِيحِ
 صَرْصَرٍ عَاتِيَةٍ ﴿٦﴾ سَخَّرَهَا عَلَيْهِمْ سَبْعَ لَيَالٍ وَثَمَنِيَةَ أَيَّامٍ حُسُومًا فَتَرَى
 الْقَوْمَ فِيهَا صَرْعَى كَأَنَّهُمْ أُعْجَازُ مُخْلِ خَاوِيَةٍ ﴿٧﴾ فَهَلْ تَرَى لَهُمْ مِنْ بَاقِيَةٍ ﴿٨﴾

نیایش^(۶) بر چشمهای ایشان ظاهر باشد ایشان را خواری فراگیرد به یقین ایشان به سوی سجده خوانده می شدند در حالیکه ایشان سلامت بودند (۴۳). پس مرا با کسیکه این سخن را تکذیب میکرد بگذار به تدریج آنان را از آن راهی که نمیدانند خواهیم گرفت (۴۴). و ایشان را مهلت خواهیم داد هر آئینه حيله^(۷) من محکم است (۴۵). آیا ازین جماعت مزد می طلبی پس ایشان از تاوان گرانبارند (۴۶). آیا نزد این جماعت علم غیب است پس ایشان می نویسند (۴۷). پس به انتظار حکم پروردگار خود صبر کن و مانند صاحب ماهی مباش^(۷) هنگامی که دعا کرد در حالی که او پرازغم شده بود (۴۸). اگر او را رحمتی از جانب پروردگارش تدارک نمی کرد البتہ بر زمین بی گیاه افکنده میشد و او بدحال بودی^(۸) (۴۹). پس پروردگارش او را برگزید پس او را از جمله^(۹) صالحان گردانید (۵۰). و هر آئینه کافران نزدیک اند که تورا به چشم های تیز خود بلغزانند چون قرآن را شنیدند^(۹) و می گویند هر آئینه این پیامبر دیوانه است (۵۱). و به حقیقت این قرآن نیست مگر پندی برای جهانیان (۵۲).



بنام خدای بخشاینده مهربان.

قیامت (۱). چیست آن قیامت (۲). و چه چیز تورا خبردار کرد که چیست آن قیامت^(۱) (۳). قبیله ثمود وعاد قیامت را تکذیب کردند (۴). اما ثمود پس ایشان به نعره^(۱۰) تند هلاک کرده شدند (۵). و اما عاد پس ایشان به باد سخت از حد درگذشته هلاک کرده شدند (۶). خدا برگماشت آن باد را بر عاد هفت شب و هشت روز نهایت نحس پس ای بیننده آن قوم عاد رادر آن شب ها و روزها به زمین افتاده می بینی گویا ایشان تنه های درختان خرما هستند که از کهنگی از هم پاشیده شده اند (۷). پس آیا از ایشان هیچ اثری می بینی (۸).

(۶) در صحیحین آمده و لفظ حدیث از بخاری است که أبو سعید خدری رضی الله عنه روایت می کند از رسول الله صلی الله علیه وسلم که فرمودند روز قیامت ظاهر نماید پروردگار ماساق خود را پس سجده کنان افتند تمام اهل ایمان از مرد و زن و سجده نتواند کسیکه در دنیا بجهت ریاضت و سجده می کرد پس کوشش می کند که سجده کند ولی بان قادر نمیشود زیرا که پشت او یک طبق مثل تخته راست میشود.

(۷) یعنی یونس علیه السلام.

(۸) لیکن رحمت در رسید و بد حال نشد.

(۹) و این کنایه است از شدت عداوت ایشان.

(۱۰) مترجم گوید ظاهر نزدیک بنده آنست که معنی آیت این است: عقوبت ثابت چیست آن عقوبت ثابت چه چیز مطلع ساخت تورا که چیست آن عقوبت ثابت بعد از آن چند عقوبت گذشته را بیان فرمود.

وَجَاءَ فِرْعَوْنُ وَمَنْ قَبْلَهُ، وَالْمُؤْتَفِكْتُ بِالْحَاطِطَةِ ﴿٩﴾ فَعَصَا رَسُولُ
 رَبِّهِمْ فَأَخَذَهُمْ أَخَذَةً رَابِيَةً ﴿١٠﴾ إِنَّا لَمَّا طَغَا الْمَاءُ حَمَلْنَا كُرًّا فِي الْجَارِيَةِ
 ﴿١١﴾ لِنَجْعَلَهَا لَكُمْ تَذْكِرَةً وَتَعِيهَا أذُنٌ وَعَيْةٌ ﴿١٢﴾ فَإِذَا نَفَخَ فِي الصُّورِ
 نَفْخَةً وَاحِدَةً ﴿١٣﴾ وَحَمَلَتِ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ فَدُكَّدَا دَكَّةً وَاحِدَةً ﴿١٤﴾
 فَيَوْمَئِذٍ وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ ﴿١٥﴾ وَانْشَقَّتِ السَّمَاءُ فَهِيَ يَوْمَئِذٍ وَاهِيَةٌ
 ﴿١٦﴾ وَالْمَلَكُ عَلَى أَرْجَائِهَا وَيَحْمِلُ عَرْشَ رَبِّكَ فَوْقَهُمْ يَوْمَئِذٍ ثَمَنِيَةٌ
 ﴿١٧﴾ يَوْمَئِذٍ تَعْرَضُونَ لَا تَخْفَى مِنْكُمْ خَافِيَةٌ ﴿١٨﴾ فَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ
 بِيَمِينِهِ، فَيَقُولُ هَؤُلَاءِ مَآءٌ أَكْرَبُ وَأَكْنِيبُ ﴿١٩﴾ إِنِّي ظَنَنْتُ أَنِّي مُلْقٍ حِسَابِيَةَ
 ﴿٢٠﴾ فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ ﴿٢١﴾ فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ ﴿٢٢﴾ قُطُوفُهَا دَانِيَةٌ ﴿٢٣﴾
 كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا أَسْلَفْتُمْ فِي الْأَيَّامِ الْخَالِيَةِ ﴿٢٤﴾ وَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ
 كِتَابَهُ، وَبِشِمَالِهِ، فَيَقُولُ يَلْبِئْتَنِي لِمَ أُوتِيَ كِتَابِيَةَ ﴿٢٥﴾ وَلِمَ أَدْرِمَاحِسابِيَةَ
 ﴿٢٦﴾ يَلْبِئْتَهَا كَانَتْ الْقَاضِيَةَ ﴿٢٧﴾ مَا أَغْنَى عَنِّي مَالِيَّةٌ ﴿٢٨﴾ هَلَكَ عَنِّي سُلْطَانِيَّةٌ
 ﴿٢٩﴾ خُدُوهُ فَعُلُوهُ ﴿٣٠﴾ ثُمَّ الْجَحِيمَ صَلَّوهُ ﴿٣١﴾ ثُمَّ فِي سِلْسِلَةٍ ذَرْعُهَا
 سَبْعُونَ ذِرَاعًا فَاسْلُكُوهُ ﴿٣٢﴾ إِنَّهُ كَانَ لَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ ﴿٣٣﴾
 وَلَا يَحْضُ عَلَى طَعَامِ الْمِسْكِينِ ﴿٣٤﴾ فَلَيْسَ لَهُ الْيَوْمَ هُنَا حَمِيمٌ ﴿٣٥﴾

و فرعون و آنانکه پیش از وی بودند و اهل موفکات نیز مرتکب گناه شدند (۹). پس فرستاده^۱ پروردگار خود را نافرمانی کردند پس خدا آن جماعت را در گرفت در گرفتن عظیمی (۱۰). هر آئینه ما وقتیکه آب از حد گذشت شمارا بر کشتی روان سوار کردیم (۱۱). تا این امر را برای شما پندی قرار دهیم و یاد دارد آن را گوش یاد دارنده (۱۲). پس چون در صور دمیده شود يك بار دمیدن (۱۳). و زمین و کوه ها برداشته شود پس کوفته شود آنها یکبار کوفتن (۱۴). پس آنروز متحقق شود قیامت (۱۵). و آسمان بشگافد پس آنروز آسمان سست شده باشد (۱۶). و فرشتگان برکناره های آسمان باشند و تخت پروردگار تورا آنروز هشت فرشته بالای خویش بردارند (۱۷). آنروز پیش آورده شوید از حال شما هیچ سِرّی پنهان نماند (۱۸). پس اما کسی که نامه^۲ اعمال او به دست راست او داده شد پس گوید نامه^۳ اعمال مرا بگیرید بخوانید (۱۹). هر آئینه من معتقد بودم که من بحساب خود خواهم رسید (۲۰). پس آن شخص در زندگانی پسندیده ای باشد (۲۱). در بهشتی بلند (۲۲). که میوه^۴ آن قریب الحصول است (۲۳). (گفته شود) بخورید و بیاشامید خوردن و آشامیدن گوارا بسبب آنچه در روزهای گذشته پیش فرستاده بودید (۲۴). و اما آنکه داده شد نامه^۵ اعمال او بدست چپش پس گوید ای کاش نامه^۶ اعمال من به من داده نمی شد (۲۵). ای کاش نمیدانستم حساب من چیست (۲۶). ای کاش مرگ تمام کننده^۷ کار بود (۲۷). مال من به من هیچ نفع نرساند (۲۸). از من پادشاهی من زایل شد (۲۹). (گفته شود ای فرشتگان) اورا بگیرید پس طوق به گردش کنید (۳۰). سپس او را در دوزخ داخل کنید (۳۱). سپس اورا در زنجیری که درازی آن هفتاد گز باشد ببندید (۳۲). هر آئینه این شخص به خدای بزرگ ایمان نمیداشت (۳۳). و مردمان را بر طعام دادن فقیر رغبت نمیداد (۳۴). پس این شخص را امروز اینجا خویشاوندی نیست (۳۵).

وَلَا طَعَامٌ إِلَّا مِنْ غِسْلِينٍ ﴿٣٦﴾ لَا يَأْكُلُهُ إِلَّا الْخَاطِئُونَ ﴿٣٧﴾ فَلَا أُقْسِمُ
 بِمَا تُبْصَرُونَ ﴿٣٨﴾ وَمَا لَا تَبْصُرُونَ ﴿٣٩﴾ إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ ﴿٤٠﴾ وَمَا هُوَ
 بِقَوْلِ شَاعِرٍ قَلِيلًا مَّا تُوْمَنُونَ ﴿٤١﴾ وَلَا بِقَوْلِ كَاهِنٍ قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ ﴿٤٢﴾
 تَنْزِيلٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٤٣﴾ وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضُ الْأَقَاوِيلِ ﴿٤٤﴾
 لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ ﴿٤٥﴾ ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ ﴿٤٦﴾ فَمَا مِنْكُمْ
 مِنْ أَحَدٍ عَنْهُ حَاجِزِينَ ﴿٤٧﴾ وَإِنَّهُ لَتَذِكْرَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ ﴿٤٨﴾ وَإِنَّا
 لَنَعْلَمُ أَنَّ مِنْكُمْ مُّكَذِّبِينَ ﴿٤٩﴾ وَإِنَّهُ لَحَسْرَةٌ عَلَى الْكٰفِرِينَ ﴿٥٠﴾
 وَإِنَّهُ لَحَقُّ الْيَقِينِ ﴿٥١﴾ فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ ﴿٥٢﴾

سورة المعارج

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ ﴿١﴾ لِّلْكَافِرِينَ لَيْسَ لَهُ دَافِعٌ ﴿٢﴾
 مِنْ اللَّهِ ذِي الْمَعَارِجِ ﴿٣﴾ تَعْرُجُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ إِلَيْهِ
 فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ ﴿٤﴾ فَاصْبِرْ صَبْرًا جَمِيلًا ﴿٥﴾
 إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيدًا ﴿٦﴾ وَنَزَلَهُ فَرِسًا ﴿٧﴾ يَوْمَ تَكُونُ السَّمَاءُ
 كَالْمُهْلِ ﴿٨﴾ وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ ﴿٩﴾ وَلَا يَسْأَلُ حَمِيمٌ حَمِيمًا ﴿١٠﴾

و (این شخص را) هیچ طعامی غیر از چرك و خون نیست (۳۶). که جز گناهکاران آنرا نخورند (۳۷). پس قسم میخورم به آنچه می بینید (۳۸). آنچه نمی بینید (۳۹). هرآئینه این (قرآن) گفتار فرشته بزرگوار است (۴۰). و آن گفتار شاعری نیست اندکی ایمان می آورد (۴۱). و گفتار کاهنی نیست اندکی پند می پذیرید (۴۲). از جانب پروردگار جهانیان است (۴۳). و اگر پیامبر ما بعض سخن هارا افترا می بست (۴۴). هرآئینه از دست راست او را می گرفتیم (۴۵). سپس رگ دل او را می بریدیم^(۲) (۴۶). پس هیچکس از شما ازو دفاع کننده نیست^(۳) (۴۷). و هرآئینه قرآن پرهیزگاران را پندی است (۴۸). و هرآئینه مامدانیم که بعضی از شما تکذیب کننده اید (۴۹). و هرآئینه قرآن برکافران حسرت است (۵۰). و هرآئینه قرآن حقیقت درست است (۵۱). پس پروردگار بزرگوار خود را به پاکی یادکن (۵۲).



بنام خدای بخشاینده مهربان.

طلب کرد طلب کننده عقوبتی فرودآینده (۱). برکافران (فرودآینده) او را هیچ بازدارنده‌ای^(۱) نیست (۲). (فرودآینده) از جانب خدا دارای مرتبه هاکه برآن صعود کرده شود (۳). فرشتگان و روح نیز^(۲) به سوی خدا در روزی که هست مقدار آن پنجاه هزار سال بالامی روند (۴). پس صبر کن صبر نیک (۵). هرآئینه کافران آن روز را دور می بینند (۶). و مانند یک می بینمش (۷). روزی که آسمان مانند مس گداخته شود (۸). و کوه ها مانند پشم رنگین شوند (۹). و هیچ خویشاوند خویشاوند دیگر را نپرسد (۱۰).

(۲) مترجم گوید عادت جَلَاد آنست که دست راست اسیر را بدست چپ خود بگیرد و شمشیر بگردن او نهد لهذا باین اسلوب گفته شد.

(۳) یعنی عقوبت مارا.

سوره معارج

(۱) یعنی گفتند ﴿مَنْ هَذَا الَّذِي يُعَذِّبُ الْكَافِرِينَ﴾.

(۲) یعنی جبرئیل علیه السلام.

يُبْصِرُ وَهُمْ يُؤَدُّ الْمَجْرِمُ لَوْ يَفْتَدِي مِنْ عَذَابٍ يَوْمَئِذٍ بِبَنِيهِ ۝١١
 وَصَحْبَتِهِ وَأَخِيهِ ۝١٢ وَفَصِيلَتِهِ الَّتِي تُؤْوِيهِ ۝١٣ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا
 ثُمَّ يُنْجِيهِ ۝١٤ كَلَّا إِنَّهَا لَأَطْلَى ۝١٥ نَزَّاعَةً لِّلسَّوْمَى ۝١٦ تَدْعُوا مَنْ أَدْبَرَ
 وَتَوَلَّى ۝١٧ وَجَمَعَ فَأَوْعَى ۝١٨ * إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا ۝١٩ إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ
 جَزُوعًا ۝٢٠ وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا ۝٢١ إِلَّا الْمُصَلِّينَ ۝٢٢ الَّذِينَ هُمْ
 عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ ۝٢٣ وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ ۝٢٤ لِّلسَّائِلِ
 وَالْمَحْرُومِ ۝٢٥ وَالَّذِينَ يُصَدِّقُونَ بِيَوْمِ الدِّينِ ۝٢٦ وَالَّذِينَ هُمْ مِنْ عَذَابِ
 رَبِّهِمْ مُّشْفِقُونَ ۝٢٧ إِنَّ عَذَابَ رَبِّهِمْ غَيْرُ مَأْمُونٍ ۝٢٨ وَالَّذِينَ هُمْ
 لِقُرُوبِهِمْ حَافِظُونَ ۝٢٩ إِلَّا عَلَىٰ أَرْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ
 فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ ۝٣٠ فَمَنْ أَسْغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ ۝٣١
 وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمْتِنَتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ ۝٣٢ وَالَّذِينَ هُمْ بِشَهَادَتِهِمْ قَائِمُونَ
 ۝٣٣ وَالَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ ۝٣٤ أُولَٰئِكَ فِي جَنَّاتٍ مُّكْرَمُونَ ۝٣٥
 فَمَالِ الَّذِينَ كَفَرُوا قِبَلَكَ مُهْطِعِينَ ۝٣٦ عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشِّمَالِ
 عِزِينَ ۝٣٧ أَيَطْمَعُ كُلُّ امْرِئٍ مِّنْهُمْ أَنْ يَدْخُلَ جَنَّةً نَّعِيمٍ ۝٣٨ كَلَّا إِنَّا خَلَقْنَاهُمْ
 مِّمَّا يَعْمَلُونَ ۝٣٩ فَلَا أُقْسِمُ بِرَبِّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ إِنَّا لَقَدِرُونَ ۝٤٠

وایشان را نزدیکان ایشان به آنها نشان داده شود، گنهگار آرزو کند که از عذاب آنروز فرزندان خود را به عوض دهد (۱۱). و همچنین زن خود را و برادر خود را (۱۲). و نیز قبیله اش را که او را جای میدهد (۱۳). و نیز همگی هر که در زمین است تا شاید این عوض دادن او را نجات دهد (۱۴). هرگز، به تحقیق که دوزخ آتشی است شعله زننده (۱۵). پوست سر را برکشنده است (۱۶). کسی را که اعراض کرد و رویگردان شد میخواند (۱۷). و مال جمع نمود پس نگاهداشت (۱۸). هر آئینه آدمی ناشکیننده آفریده شده است (۱۹). چون به او مصیبت برسد جزع و فرع کننده است (۲۰). و چون به او رفاهیت برسد بخل نماینده است (۲۱). مگر نماز گزاران (۲۲). آنانکه ایشان بر نماز خویش همیشه پایبندند (۲۳). و آنانکه در اموال ایشان قسمتی مقرر هست (۲۴). برای سائل و محروم (۲۵). و آنانکه روز جزاء را باور میدارند (۲۶). و آنانکه ایشان از عذاب پروردگار خود ترسند (۲۷). هر آئینه عذاب پروردگار ایشان چنان است که از آن ایمن نتوان شد (۲۸). و آنانکه ایشان اندام نهانی خود را نگاهدارندگانند (۲۹). مگر بر زنان خود یا کنیزکانی که دستهای ایشان مالک آنها شده است پس هر آئینه این فریق ملامت کرده شده نیستند (۳۰). پس هر که طلب کند غیر از این، پس آن جماعت ایشانند از حدگذشتگان (۳۱). آنانکه ایشان امانت های خود را و عهد های خود را رعایت کنندگانند (۳۲). و آنانکه ایشان به گواهی های خود متعهد شوندگانند (۳۳). و آنانکه ایشان بر نماز خود محافظت کنندگانند (۳۴). این جماعت در بوستان ها اکرام کرده شوند (۳۵). پس چیست کافران را که به سوی توشتابان اند (۳۶). از جانب راست و از جانب چپ گروه گروه شده (۳۷). آیاطمع میکند هر شخصی از ایشان که به بوستان نعمت داخل کرده شود (۳۸). چنین نیست، هر آئینه ما آفریده ایم ایشانرا از آنچه میدانند^(۳) (۳۹). پس قسم میخورم به پروردگار مشرق ها و مغرب ها که هر آئینه ما توانائیم (۴۰).

(۳) یعنی از منی.

عَلَىٰ أَنْ يُبَدَّلَ خَيْرًا مِنْهُمْ وَمَا نَحْنُ بِمَسْبُوقِينَ ﴿٤١﴾ فَذَرَهُمْ
يَخْضِبُونَ وَيَلْعَبُونَ حَتَّىٰ يُلَاقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي يُوْعَدُونَ ﴿٤٢﴾ يَوْمَ
يَخْرُجُونَ مِنَ الْأَجْدَاثِ سِرَاعًا كَانَتْهُمْ إِلَىٰ نُصْبٍ يُؤْفَضُونَ ﴿٤٣﴾
خَشَعَةً أَبْصَرَهُمْ تَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ ذَلَّلَ ذَلِكَ الْيَوْمَ الَّذِي كَانُوا يُوعَدُونَ ﴿٤٤﴾

سورة نوح

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِنَّا أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ أَنْ أَنْذِرْ قَوْمَكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَهُمْ
عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿١﴾ قَالَ يَقَوْمِ إِنِّي لَكُمْ نَذِيرٌ مُبِينٌ ﴿٢﴾ أَنْ أَعْبُدُوا
اللَّهَ وَاتَّقُوهُ وَأَطِيعُوا أَمْرًا ﴿٣﴾ يَغْفِرْ لَكُمْ مِنْ ذُنُوبِكُمْ وَيُخْرِجَكُمْ
إِلَىٰ أَجَلٍ مُسَمًّى إِنْ أَجَلَ اللَّهِ إِذَا جَاءَ لَا يُؤَخَّرُ لَوْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٤﴾
قَالَ رَبِّ إِنِّي دَعَوْتُ قَوْمِي لَيْلًا وَنَهَارًا ﴿٥﴾ فَلَمْ يَزِدْهُمْ دُعَايَ إِلَّا
فِرَارًا ﴿٦﴾ وَإِنِّي كُلَّمَا دَعَوْتُهُمْ لِتَغْفِرَ لَهُمْ جَعَلُوا أُصْغِرَهُمْ فِي
أُذَانِهِمْ وَأَسْتَغْشَوْا ثِيَابَهُمْ وَأَصْرُوا وَاسْتَكْبَرُوا وَاسْتَكْبَرُوا
﴿٧﴾ ثُمَّ إِنِّي دَعَوْتُهُمْ جَهَارًا ﴿٨﴾ ثُمَّ إِنِّي أَعْلَنْتُ لَهُمْ وَأَسْرَرْتُ
لَهُمْ إِسْرَارًا ﴿٩﴾ فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا ﴿١٠﴾

برآنکه بهتر از ایشان را جایگزین کنیم و ما عاجز نیستیم (۴۱). پس (یا محمد) ایشان را بگذار به بیهودگی درآیند و بازی کنند تا آنکه برخورند بآنروز خود که ایشان را وعده داده میشود (۴۲). روزیکه برآیند از قبرها شتابان گویا ایشان به سوی نشانه میدوند (۴۳). ترس بر دیده‌های ایشان ظاهر شده باشد ایشانرا خواری درگیرد اینست آن روز که ایشان را وعده داده میشد (۴۴).



بنام خدای بخشاینده مهربان.

هرآئینه ما نوح را به سوی قومش فرستادیم که بترسان قوم خود را پیش از آنکه بدیشان عقوبتی درد ناک بیاید (۱). گفت ای قوم من هرآئینه من برای شما ترساننده ظاهرم (۲). (باین مضمون) که خدا را عبادت کنید و از او بترسید و از من اطاعت کنید (۳). تا گناهان شما را برای شما بیامرزد و شما را تا وقتی مقرر موقوف دارد هرآئینه وقت مقرر کرده خدا چون بیاید هرگز آنرا تأخیر داده نشود اگر میدانید (۴). گفت ای پروردگار من هرآئینه من قوم خود را شب و روز دعوت کردم (۵). پس خواندن من در حق ایشان جز گریختن را زیاده نکرد (۶). و هرآئینه هرگاه که من ایشانرا دعوت کردم تا به ایشان بیامرزی، انگشتان خود را در گوش‌های خویش درآوردند و جامه‌های خویش را بخود پیچیدند و بر کفر مداومت کردند و سرکشی نمودند، سرکشی تمام (۷). باز هرآئینه من ایشان را با آواز بلند دعوت کردم (۸). باز هرآئینه من به ایشان آشکار گفتم و پنهان گفتم ایشان را نیز پنهان گفتم (۹). پس گفتم از پروردگار خود طلب آمرزش کنید هرآئینه او هست آمرزنده (۱۰).

يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا ﴿١١﴾ وَيُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَيَجْعَلْ
لَكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا ﴿١٢﴾ مَا لَكُمْ لَا تَرْجُونَ لِلَّهِ وَقَارًا ﴿١٣﴾
وَقَدْ خَلَقَكُمْ أَطْوَارًا ﴿١٤﴾ أَلَمْ تَرَوْا كَيْفَ خَلَقَ اللَّهُ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ
طَبَاقًا ﴿١٥﴾ وَجَعَلَ الْقَمَرَ فِيهِنَّ نُورًا وَجَعَلَ الشَّمْسَ سِرَاجًا ﴿١٦﴾
وَاللَّهُ أَنْبَتَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ نَبَاتًا ﴿١٧﴾ ثُمَّ يُعِيدُكُمْ فِيهَا وَيُخْرِجُكُمْ
إِخْرَاجًا ﴿١٨﴾ وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ بِسَاطًا ﴿١٩﴾ لِتَسْلُكُوا مِنْهَا
سُبُلًا فِجَاجًا ﴿٢٠﴾ قَالَ نُوحٌ رَبِّ إِنَّهُمْ عَصَوْنِي وَاتَّبَعُوا مَنْ لَمْ يَزِدْهُ
مَالُهُمْ وَوَلَدَهُ بِإِلْحِسَارًا ﴿٢١﴾ وَمَكَرُوا مَكْرًا كَبِيرًا ﴿٢٢﴾ وَقَالُوا
لَا تَذَرْنَا يَا إِلَهَتَكُمُ وَلَا تَذَرُنَّ وِدَا وَلَا سِوَاعَا وَلَا يَغُوثَ وَيَعُوقَ
وَنَسْرًا ﴿٢٣﴾ وَقَدْ أَضَلُّوا كَثِيرًا وَلَا تَزِدِ الظَّالِمِينَ إِلَّا ضَلَالًا ﴿٢٤﴾
مِمَّا خَطَبْتَهُمْ أُعْرِقُوا فَأَذَلُّوا أَنَا فَلَمْ يَجِدُوا لَهُمْ مِنْ دُونِ
اللَّهِ أَنْصَارًا ﴿٢٥﴾ وَقَالَ نُوحٌ رَبِّ لَا تَذَرْ عَلَيَّ الْأَرْضَ مِنَ الْكَافِرِينَ
دِيَارًا ﴿٢٦﴾ إِنَّكَ إِن تَذَرَهُمْ يُضِلُّوا عِبَادَكَ وَلَا يَلِدُوا إِلَّا فَاجِرًا
كَفَّارًا ﴿٢٧﴾ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِمَنْ دَخَلَ بَيْتِي مُؤْمِنًا
وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَلَا تَزِدِ الظَّالِمِينَ إِلَّا تَبَارًا ﴿٢٨﴾

تا بر شما باران را ریزنده بفرستد (۱۱). و بی درپی شمارا اموال و فرزندان دهد و شمارا بوستان‌ها بدهد و برای شما جویها پدید آورد (۱۲). چه شده است شمارا که برای خدا بزرگی را معتقد نمی شوید (۱۳). حال آنکه شمارا در مراحل مختلف آفریده است (۱۴). آیا ندیدید چگونه خدا هفت آسمان را (تودرتو) طبقه طبقه آفرید (۱۵). و ماه را در میان اینها فروزنده ساخت و خورشید را چراغ درخشنده ساخت (۱۶). و خدا شمارا از زمین رویانید نوعی از رویانیدن (۱۷). سپس دوباره شمارا به زمین برگرداند و دوباره شمارا بیرون آورد نوعی از بیرون آوردن (۱۸). و خدا برای شما زمین را فرش گسترده ای ساخت (۱۹). تا در آن زمین براه های گشاده بپرَوید (۲۰). گفت نوح ای پروردگار من هرآئینه این جماعت نافرمانی من کردند و پیروی کسی را نمودند که زیاده نکرد در حق وی مال او و فرزند او مگر زیانرا^(۱) (۲۱). و حيله کردند رئیسان حيله‌ای عظیم (۲۲). و گفتند هرگز معبودان خود را ترك مکنید و هرگز وَدّ و سواع و یغوث و یعوق و نسر را ترك مکنید^(۲) (۲۳). و به راستی که بسیاری را گمراه کردند و خدایا ستمکاران را بجز گمراهی زیاده مَدّه (۲۴). بسبب گناهان‌شان غرق کرده شدند پس ایشان را به آتش وارد کردند پس برای خویش بجز خدا هیچ نصرت دهنده ای نیافتند (۲۵). و گفت نوح ای پروردگار من بر زمین از کافران هیچ ساکن شونده ای مگذار (۲۶). هرآئینه اگر تو ایشان را بگذاری بندگان تورا گمراه می سازند و بجز بدکار ناسپاس را نزایند (۲۷). ای پروردگار من مرا و پدر و مادر مرا و هر کسی را که داخل شود بخانه من ایمان آورده و جمیع مؤمنین و مومنات را بیامرز و ستمکاران را جز هلاکت زیاده مده (۲۸).

(۱) یعنی برّوسای کفار.

(۲) و این پنج بت بودند.

سورة الجن

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قُلْ أُوْحَىٰ إِلَىٰ أَنَّهُ اسْتَمَعَ نَفَرٌ مِّنَ الْجِنِّ فَقَالُوا إِنَّا سَمِعْنَا قُرْءَانَ
 عَجَبًا ۝١ يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ فَآمَنَّا بِهِ ۖ وَلَنْ نُشْرِكَ بِرَبِّنَا أَحَدًا ۝٢
 وَأَنَّهُ تَعَالَىٰ جَدُّ رَبِّنَا مَا اتَّخَذَ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا ۝٣ وَأَنَّهُ كَانَ
 يَقُولُ سَفِيهُنَا عَلَى اللَّهِ شَطَطًا ۝٤ وَأَنَاظِنَا ۖ أَن لَّن نَّقُولَ إِلَّا نِسْ
 وَالْجِنُّ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا ۝٥ وَأَنَّهُ كَانَ رِجَالٌ مِّنَ الْإِنسِ يَعُوذُونَ بِرِجَالِ
 مِّنَ الْجِنِّ فَزَادُوهُمْ رَهَقًا ۝٦ وَأَنَّهُمْ ظَنُّوا كَمَا ظَنَنْتُمْ أَن لَّن يَبْعَثَ
 اللَّهُ أَحَدًا ۝٧ وَأَنَا لَمَسْنَا السَّمَاءَ فَوَجَدْنَاهَا مُلِئَتْ حَرَسًا
 شَدِيدًا وَشُهَبًا ۝٨ وَأَنَا كُنَّا نَقْعُدُ مِنْهَا مَقْعِدًا لِّلسَّمْعِ ۖ فَمَنْ
 يَسْمَعُ الْآنَ بِيَدِهِ ۖ شَهَابًا ۖ رَّصَدًا ۝٩ وَأَنَا لَا نَدْرِي أَشَرٌّ أُرِيدُ
 بِمَن فِي الْأَرْضِ أَمْ أَرَادَ بِهِمْ رَبُّهُمْ رَشَدًا ۝١٠ وَأَنَا مِنَّا الصَّالِحُونَ
 وَمَتَادُونَ ذَلِكَ ۖ كُنَّا طَرِيقٌ قَدَدًا ۝١١ وَأَنَا ظَنَنَّا أَن لَّن نَّعْجِزَ
 اللَّهَ فِي الْأَرْضِ وَلَن نَّعْجِزَهُ ۖ رَهَبًا ۝١٢ وَأَنَا لَمَّا سَمِعْنَا الْهُدَىٰ
 ءَامَنَّا بِهِ ۖ فَمَنْ يُؤْمِنُ بِرَبِّهِ ۖ فَلَا يَخَافُ بَخْسًا وَلَا رَهَقًا ۝١٣

سوره جن مکی است وان بیست
هشت آیه و دو رکوع است

بنام خدای بخشاینده مهربان.

(۱) بگو به سوی من وحی فرستاده شد که جماعتی از جن گوش نهادند پس گفتند هرآینه ما قرآنی عجیبی شنیدیم (۱). که به سوی راه راست دلالت میکند پس به آن ایمان آوردیم و با پروردگار خویش هیچ احدی را شریک مقرر نخواهیم کرد (۲). و بتحقیق (بیان کردند آن جنیان) که بلند است بزرگی پروردگار ما زنی و فرزندى نگرفته است (۳). و آنکه جاهلان ما برخداداروغ را افترا می کردند (۴). و آنکه ما پنداشتیم که هرگز بنی آدم و جنیان برخدا سخن دروغ را نگویند (۵). و آنکه مردانی از بنی آدم پناه میگرفتند به مردانی از جن پس در حق آن جنیان سرکشی را (۶) زیاد کردند (۶). و آنکه آدمیان گمان کردند چنانکه شما گمان کردید که هرگز خدا هیچ کس را (۳) نفرستد (۷). و آنکه ما دست به آسمان رسانیدیم پس یافتیم که آسمان به پاسبانان محکم و بستاره های فرودآینده پر کرده شده است (۸). و آنکه ما پیش ازین به جایهایی از آسمان برای شنیدن می نشستیم (۴) پس هرکه الآن گوش بنهد برای خودستاره ای مهیا ساخته بیاید (۹). و آنکه مانمی دانیم آیا بلایی اراده کرده شده در حق آنانکه در زمین اند یا پروردگار ایشان در حق ایشان خیرا اراده کرده است (۱۰). و آنکه از ما جمعی شایسته کاران اند و جمعی از ما غیر از اینند، و ما فرقه های مختلف بودیم (۱۱). و آنکه ما دانستیم که هرگز نمی توانیم خدا را در زمین عاجز کنیم و او را از جهت گریختن عاجز کنیم (۱۲). و آنکه چون ما شنیدیم هدایت را به آن ایمان آوردیم پس هرکه ایمان آورد به پروردگار خویش پس او از هیچ نقصانی و همچنین از هیچ ستمی نترسد (۱۳).

- (۱) مترجم گوید روزیکه آنحضرت صلی الله علیه وسلم نماز صبح را بیرون مکه میخواندند جماعتی از جن قراءه ایشان را استماع کردند و ایمان آوردند خدای تعالی از ایمان ایشان و گفتگوی ایشان باقوم خود درین سوره خبر داد تا قوله: «وَأَلَّوْاْ اسْتَقَمُوا» الآية. والله اعلم.
- (۲) اشارت است بآنکه در جاهلیت چون بجای فرود می آمدند میگفتند اعوذ بسید هذاالوادى من سفهاء قومه.
- (۳) یعنی پیامبر نفرستد.
- (۴) یعنی برای شنیدن کلام ملائکه.

وَأَنآمِنَا الْمُسَافِرُونَ وَمِنَّا الْقَاسِطُونَ فَمَنْ أَسْلَمَ فَأُولَٰئِكَ
 تَحَرَّوْا رَشَدًا ﴿١٤﴾ وَأَمَّا الْقَاسِطُونَ فَكَانُوا لِجَهَنَّمَ حَطَبًا ﴿١٥﴾
 وَالْوَالِدَاتُ يُرْضَعْنَ عَلَيْنَّ الطَّرِيفَةَ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَّاءَ عَدَاةٍ ﴿١٦﴾ لَنَفَيْتُهُمْ
 فِيهِ وَمَنْ يُعْرِضْ عَن ذِكْرِ رَبِّهِ يَسْلُكْهُ عَذَابًا صَعَدًا ﴿١٧﴾ وَأَنَّ
 الْمَسْجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا ﴿١٨﴾ وَأَنَّهُ لَمَّا قَامَ عَبْدُ اللَّهِ
 يَدْعُوهُ كَادُوا يَكُونُونَ عَلَيْهِ لِبَدًا ﴿١٩﴾ قُلْ إِنَّمَا أَدْعُوا رَبِّي وَلَا أُشْرِكُ
 بِهِ أَحَدًا ﴿٢٠﴾ قُلْ إِنِّي لَا أَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَلَا رَشَدًا ﴿٢١﴾ قُلْ إِنِّي
 لَنْ يُجِيرَنِي مِنَ اللَّهِ أَحَدٌ وَلَنْ أَجِدَ مِنْ دُونِهِ مُلْتَحَدًا ﴿٢٢﴾ إِلَّا بَلَاغًا
 مِنَ اللَّهِ وَرِسَالَاتِهِ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَإِنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ
 خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ﴿٢٣﴾ حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَآئِدُوعِدُونَ فَسَيَعْلَمُونَ
 مَنْ أَضْعَفُ نَاصِرًا وَأَقَلُّ عَدَدًا ﴿٢٤﴾ قُلْ إِن أَدْرَىٰ أَقْرَبُ مَا تُوَعَّدُونَ
 أَمْ يَجْعَلُ لَهُ رَبِّي أَمَدًا ﴿٢٥﴾ عَلِيمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَىٰ غَيْبِهِ
 أَحَدًا ﴿٢٦﴾ إِلَّا مَنِ ارْتَضَىٰ مِنْ رَسُولٍ فَإِنَّهُ يَسْلُكُ مِنْ بَيْنِ
 يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ رَصَدًا ﴿٢٧﴾ لِيَعْلَمَ أَنْ قَدِ ابْلَغُوا رِسَالَاتِ
 رَبِّهِمْ وَأَحَاطَ بِمَا لَدَيْهِمْ وَأَحْصَىٰ كُلَّ شَيْءٍ عَدَدًا ﴿٢٨﴾

وآنکه جمعی از ما مسلمانند و جمعی از ما گنهکارانند پس هر که مسلمان شد پس آن جماعت راه راست را قصد کردند (۱۴). و اما گنهگاران پس هیزم برای دوزخ باشند (۱۵). و نیز بگویا محمد که وحی فرستاده شده است به سوی من (اینکه بنی آدم اگر راست می ایستادند بر راه راست البته ایشانرا آب بسیار مینوشانیدیم (۱۶). تا ایشانرا به آن^(۵) امتحان کنیم و هر که اعراض کند از یاد کردن پروردگار خود او را بعدایی سخت مبتلای کند (۱۷). و آنکه مسجد هامخصوص برای خداست پس با خدا هیچکس را عبادت مکنید (۱۸). و آنکه چون بنده خدا ایستاد^(۶) که خدا را عبادت کند نزدیک بود که جنیان که بر آن بنده یکی بردیگر چسپیده شوند^(۷) (۱۹). بگو جزاین نیست که پروردگار خود را عبادت میکنم و با او هیچ کس را شریک مقرر نمی کنم (۲۰). بگو هر آئینه من در حق شما توان ضرر رسانیدن ندارم و نمی توانم شمارا به راه راست إلزام کنم (۲۱). بگو هر آئینه هیچکس مرا از عقوبت خدا پناه ندهد و جز او هرگز پناهی نیابم (۲۲). ولیکن (بجا آورم) خبر رسانیدن از جانب خدا و تبلیغ پیغامهای او را (انجام دهم) هر که خدا و پیامبر او را نافرمانی کند پس هر آئینه برای اوست آتش دوزخ در آنجا همیشه جاویدان است (۲۳). (در غفلت خود باشند) تا وقتیکه چون ببینند آنچه ایشانرا وعده داده میشود پس خواهند دانست چه کسی یارانش ضعیف تر و تعدادشان کمتر است (۲۴). بگو نمیدانم آیا نزدیک است آنچه شمارا وعده داده میشود یا پروردگار من برای او میعادی مقرر کند (۲۵). داننده غیب است پس بر علم غیب خود هیچکس را مطلع نمی سازد (۲۶). مگر کسی که او را به پیامبری برگزید پس هر آئینه خدا پیش دست های وی و از پشت وی فرشتگان نگاهبان را روان میکند (۲۷). تا معلوم بدارد خدا که بتحقیق پیغامهای پروردگار خود را^(۸) رسانیده اند و خدا از هر جهت بر آنچه نزد ایشانست احاطه کرده است و هر چیز را از روی شمار فرا گرفته است (۲۸).

(۵) یعنی ارزانی می شد و قحط نمی آمد.

(۶) یعنی محمد صلی الله علیه وسلم.

(۷) یعنی از حرص بر استماع قرآن.

(۸) یعنی تا تبلیغ در خارج متحقق گردد زیرا که علم آن ست والله اعلم.

سُورَةُ الْمَزْمَلِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَأْتِيهَا الْمَزْمَلُ ﴿١﴾ فُرُ الَيْلِ إِلَّا قَلِيلًا ﴿٢﴾ نِصْفَهُ وَأَنْقَضَ مِنْهُ قَلِيلًا
 ﴿٣﴾ أَوْزِدْ عَلَيْهِ وَرِزِيلِ الْقُرْءَانِ تَرْتِيلًا ﴿٤﴾ إِنَّا سَنُلْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا
 ثَقِيلًا ﴿٥﴾ إِنَّ نَاشِئَةَ الَيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْأً وَأَقْوَمُ قِيلًا ﴿٦﴾ إِنَّ لَكَ فِي
 النَّهَارِ سَبْحًا طَوِيلًا ﴿٧﴾ وَادْكُرْ اسْمَ رَبِّكَ وَتَبَتَّلْ إِلَيْهِ تَبْتِيلًا ﴿٨﴾
 رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَاتَّخِذْهُ وَكِيلًا ﴿٩﴾ وَأَصْبِرْ
 عَلَى مَا يَقُولُونَ وَأَهْجُرْهُمْ هَجْرًا جَمِيلًا ﴿١٠﴾ وَذَرِنِي وَالْمُكَذِّبِينَ
 أُولِي النَّعْمَةِ وَمَهَلْهُمْ قَلِيلًا ﴿١١﴾ إِنَّ لَدَيْنَا أَنْكَالًا وَجَحِيمًا ﴿١٢﴾
 وَطَعَامًا ذَا غُصَّةٍ وَعَذَابًا أَلِيمًا ﴿١٣﴾ يَوْمَ تَرْجُفُ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ
 وَكَانَتْ الْجِبَالُ كَثِيبًا مَهِيلًا ﴿١٤﴾ إِنَّا أَرْسَلْنَا إِلَيْكُمْ رَسُولًا شَهِدًا
 عَلَيْكُمْ كَمَا أَرْسَلْنَا إِلَى فِرْعَوْنَ رَسُولًا ﴿١٥﴾ فَغَصَى فِرْعَوْنُ الرَّسُولَ
 فَأَخَذْتَهُ أَخْذًا وَبِيلًا ﴿١٦﴾ فَكَيْفَ تَتَّقُونَ إِنْ كَفَرْتُمْ يَوْمًا
 يَجْعَلُ الْوِلْدَانَ شِيبًا ﴿١٧﴾ السَّمَاءُ مُنْفَطِرٌ بِهِ ؕ كَانَ وَعْدُهُ مَفْعُولًا
 ﴿١٨﴾ إِنَّ هَذِهِ تَذْكِرَةٌ ؕ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذْ إِلَى رَبِّهِ سَبِيلًا ﴿١٩﴾



بنام خدای بخشاینده مهربان.

(۱) ایمر دجامه برخود پیچده (۲) (۱). قیام لیل کن مگر اندکی (۳) (۲). قیام نیم شب کن یا اندکی از نیم شب کم کن (۳). یا اندکی بر نیم شب بیفزای و قرآن را بواضح خواندن ترتیل کن (۴). هر آئینه ما بر تو فرمانی دشوار (۴) و سنگین نازل خواهیم کرد (۵). هر آئینه قیام شب در موافقت زبان بادل زیاده تراست و در تلفظ الفاظ درست تراست (۶). هر آئینه تورا در روز شغلی بسیار است (۷). و نام پروردگار خود را یاد کن و چنانکه باید روی به سوی او (از همه چیز) دل بکن (۸). پروردگار مشرق و مغرب است جز او هیچ معبودی بر حق نیست پس او را کار ساز گیر (۹). و صبر کن بر آنچه می گویند و ترک کن ایشان را ترک کردن نیکو (۱۰). و مرا با تکذیب کنندگان صاحبان آسایش بگذار و ایشانرا اندکی مهلت ده (۱۱). هر آئینه نزد ما قیده های گران و آتش افروخته هست (۱۲). و طعام گلوگیر و عذاب درد ناک است (۱۳). روزیکه زمین و کوه ها بجنبند و کوه ها مانند تل ریگی از هم پاشیده شده شود (۱۴). هر آئینه ما به سوی شما پیامبری گواهی دهنده بر شما فرستادیم چنانکه به سوی فرعون پیامبری را فرستاده بودیم (۱۵). پس فرعون آن پیامبر را نافرمانی کرد پس او را در گرفتیم در گرفتن سخت (۱۶). پس اگر کافر شویدی چگونه در پناه شویدی از روزی که اطفال را پیر گرداند (۱۷). آسمان در آن روز شگافته باشد و عده خدا البته شدنی هست (۱۸). هر آئینه این پنداست پس هر که خواهد به سوی پروردگار خویش راه بگیرد (۱۹).

(۱) مترجم گوید درابتدای اسلام خدای تعالی قیام لیل بر آن حضرت صلی الله علیه وسلم ویر مسلمانان موکد گردانید و چون ابن معنی برایشان نهایت دشوار آمد بعد یک سال رخصت نازل فرمود ﴿إِنَّ رَبَّكَ يَبْهَرُ﴾ الی آخر السورة تا هر که خواهد قیام کند و هر که خواهد نکند و هر قدر که خواهد بخواند والله اعلم.

(۲) یعنی بسبب هیبت وحی.

(۳) یعنی اگر شبهانگنی گناه نباشد والله اعلم.

(۴) یعنی دعوت کفار به اسلام.

* إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ أَدْنَىٰ مِنْ ثُلُثِي اللَّيْلِ وَنِصْفَهُ، وَثُلُثَهُ، وَطَائِفَةٌ
 مِّنَ الَّذِينَ مَعَكَ ۗ وَاللَّهُ يُقَدِّرُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ ۗ عَلِمَ أَن لَّنْ نَّحْصُوهُ فَتَابَ
 عَلَيْكُمْ ۖ فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ ۗ عَلِمَ أَن سَيَكُونُ مِنكُم مَّرْضَىٰ
 وَءَاخَرُونَ يَضْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِن فَضْلِ اللَّهِ وءَاخَرُونَ
 يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنْهُ وَأَقِمُوا الصَّلَاةَ وَءَاتُوا
 الزَّكَاةَ وَأَقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا ۚ وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنفُسِكُمْ مِن خَيْرٍ نَّجِدْهُ
 عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرًا وَأَعْظَمَ أَجْرًا ۗ وَاسْتَغْفِرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا ۗ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿١٠﴾

سورة المزمل

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَأَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ ﴿١﴾ قُمْ فَأَنْذِرْ ﴿٢﴾ وَرَبِّكَ فَكَبِّرْ ﴿٣﴾ وَثِيَابَكَ فَطَهِّرْ ﴿٤﴾
 وَالرُّجْزَ فَاهْجُرْ ﴿٥﴾ وَلَا تَمَنَّ أَنْ تَمُوتَ وَتَسْكَتَ كَثُرُ ﴿٦﴾ وَلِرَبِّكَ فَاصْبِرْ ﴿٧﴾ فَإِذَا نَقَرَ
 فِي التَّقْوَرِ ﴿٨﴾ فَذَلِكَ يَوْمَئِذٍ يَوْمٌ عَسِيرٌ ﴿٩﴾ عَلَى الْكَافِرِينَ غَيْرُ يَسِيرٍ ﴿١٠﴾
 ذَرْنِي وَمَنْ خَلَقْتُ وَحِيدًا ﴿١١﴾ وَجَعَلْتُ لَهُ، مَا لَمْ مَدُّودًا ﴿١٢﴾ وَبَنِينَ
 شُهُودًا ﴿١٣﴾ وَمَهَّدْتُ لَهُ، تَمْهِيدًا ﴿١٤﴾ ثُمَّ يَطْمَعُ أَنْ أَزِيدَ ﴿١٥﴾ كَلَّا إِنَّهُ،
 كَانَ لِأَيْتَانَا عَيْنِدَا ﴿١٦﴾ سَاءَ رَهَقَهُ، صَعُودًا ﴿١٧﴾ إِنَّهُ، فَكَّرَ وَقَدَّرَ ﴿١٨﴾

هر آئینه پروردگارتو میداند که تو برمی خیزی نزدیک به دو سوّم شب و نیم شب يك سوّم شب و نیز برمی خیزند جماعتی از آنانکه همراه تو اند و خدا اندازه میکند شب و روز را، خدا دانست که شما قیام لیل را^(۵) احاطه نمی توانید کرد پس (به رحمت) بر شما بازگشت پس آنچه را که میسر باشد از قرآن بخوانید، دانست خدا که خواهند بود بعضی از شما بیماران و دیگران که سفر می کنند در زمین از فضل خدا طلب (روزی) می نمایند و دیگران که کارزار میکنند در راه خدا پس آنچه را که آسان باشد از قرآن بخوانید و نماز را برپادارید و زکّوت را بدهید و خدا را وام دهید و وام دادن نیک^(۶) و آنچه پیش میفرستید برای خویشتن از عمل نیک آنرا نزد خدا بهتر خواهید یافت و بزرگتر باعتبار پاداش و از خدا طلب آمرزش کنید هر آئینه خدا آمرزگار مهربانست^(۷) (۲۰).

سوره مدثر مکی است و آن پنجاه
و شش آیه و دو رکوع است

بنام خدای بخشاینده مهربان.

ای مرد جامه بر خود پیچیده^(۱) (۱). بر خیز پس بترسان (۲). و پس پروردگار خود را به بزرگی یاد کن (۳). و جامه های خود را پاک ساز (۴). و پلیدی را دور کن (۵). و نباید که چیزی بدهی (در عوض) زیاده طلب کنی^(۲) (۶). و برای (حکم) پروردگار خویش پس شکیبایی کن (۷). پس وقتی که در صور دمیده شود (۸). پس آنروز روزی دشوار باشد (۹). بر کافران (وقت) آسان نیست (۱۰). مرا با کسی که آفریدم تنها بگذار (۱۱). و او را مال فراوان دادم (۱۲). و فرزندان به مجالس حاضر شونده (۱۳). و وسعت دادم او را وسعت دادنی (۱۴). باز طمع می کند که زیاده دهم (۱۵). چنین نیست، هر آئینه او بود بآیات ماستیزنده (۱۶). او را به مشقت غیر قابل تحمل تکلیف خواهم داد (۱۷). هر آئینه وی تأمل کرد و اندازه مقرر نمود (۱۸).

(۵) یعنی مواظبت نمیتوانید کرد.

(۶) یعنی مال را خرج کنید در جهاد به امید ثواب آخرت والله اعلم.

(۷) مترجم گوید این آیت بعد از يك سال نازل شد و آنحضرت صلی الله علیه و سلم را در همین سوره ملحق کردند بجهت مناسبت و لهذا با سایر سوره در اسلوب نمی ماند والله اعلم.

(۱) یعنی از هیبت وحی.

(۲) یعنی هدیه بردن به رئیسی تا وی زیاده از قیمت هدیه رعایت کند، از اخلاق رذیله است.

فَقُتِلَ كَيْفَ قَدَّرَ ﴿١٩﴾ ثُمَّ قُتِلَ كَيْفَ قَدَّرَ ﴿٢٠﴾ ثُمَّ نَظَرَ ﴿٢١﴾ ثُمَّ عَبَسَ وَبَسَرَ ﴿٢٢﴾
ثُمَّ أَدْبَرَ وَاسْتَكْبَرَ ﴿٢٣﴾ فَقَالَ إِنَّ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ يُؤْتَرُ ﴿٢٤﴾ إِنَّ هَذَا
إِلَّا قَوْلُ الْبَشَرِ ﴿٢٥﴾ سَأَصْلِيهِ سَقَرٌ ﴿٢٦﴾ وَمَا أَدْرَاكَ مَا سَقَرٌ ﴿٢٧﴾
لَا تُبْقِي وَلَا تَذَرُ ﴿٢٨﴾ لَوْحَةٌ لِّلْبَشَرِ ﴿٢٩﴾ عَلَيْهَا تِسْعَةَ عَشَرَ ﴿٣٠﴾ وَمَا جَعَلْنَا
أَصْحَابَ النَّارِ إِلَّا أَمْلِكَةً وَمَا جَعَلْنَا عِدَّتَهُمْ إِلَّا فِتْنَةً لِّلَّذِينَ كَفَرُوا
لِيَسْتَيْقِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَيَزِدَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا إِيمَانًا وَلَا يَرْتَابَ
الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَالْمُؤْمِنُونَ وَلِيَقُولَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ
وَالْكَافِرُونَ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَن يَشَاءُ
وَيَهْدِي مَن يَشَاءُ وَمَا يَعْلَمُ جُودَ رَبِّكَ إِلَّا هُوَ وَمَا هِيَ إِلَّا ذِكْرَى
لِّلْبَشَرِ ﴿٣١﴾ كَلَّا وَالْقَمَرَ ﴿٣٢﴾ وَاللَّيْلَ إِذَا دَبَّرَ ﴿٣٣﴾ وَالصُّبْحَ إِذَا أَسْفَرَ ﴿٣٤﴾ إِنَّهَا
لِإِحْدَى الْكُبَرِ ﴿٣٥﴾ نَذِيرٌ لِّلْبَشَرِ ﴿٣٦﴾ لِمَن شَاءَ مِنْكُمْ أَن يَتَّقَدَّمَ أَوْ يَتَأَخَّرَ
﴿٣٧﴾ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ ﴿٣٨﴾ إِلَّا أَصْحَابَ الْيَمِينِ ﴿٣٩﴾ فِي جَنَّاتٍ
يَتَسَاءَلُونَ ﴿٤٠﴾ عَنِ الْمُجْرِمِينَ ﴿٤١﴾ مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ ﴿٤٢﴾ قَالُوا لَمْ نَكُ
مِنَ الْمُصَلِّينَ ﴿٤٣﴾ وَلَمْ نَكُ نَطْعُمُ الْمَسْكِينِ ﴿٤٤﴾ وَكُنَّا نَحْوُ مَعَ
الْحَايِضِينَ ﴿٤٥﴾ وَكُنَّا نُكَذِّبُ بِيَوْمِ الدِّينِ ﴿٤٦﴾ حَتَّىٰ أَتَانَا الْيَقِينُ ﴿٤٧﴾

پس اورا لعنت باد، چگونه اندازه کرد (۱۹). باردگر براو لعنت باد چگونه اندازه کرد (۲۰). باز درنگریست (۲۱). باز روترش کرد و پیشانی درهم کشید (۲۲). باز پشت گردانیدو تکبر کرد (۲۳)^(۳). پس گفت نیست قرآن مگر جادویی که از ساحران نقل کرده میشود (۲۴). نیست این قرآن مگر کلام آدمی (۲۵). اورا به دوزخ درخواهم آورد (۲۶). وتوجه می دانی که چیست دوزخ؟ (۲۷). باقی نمی گذارد و ترك نمی کند (۲۸). آدمیان را سوزنده است (۲۹). بردوزخ نوزده کس گماشته اند^(۴) (۳۰). و نساختیم ماموران دوزخ را مگر فرشتگان و شمارایشان را نساخته ایم مگر بلا درحق کافران تا اهل کتاب یقین کنند و تا مسلمانان درایمان خود افزونی یابند و تا اهل کتاب و مسلمانان شك نکنند و تا آنانکه دردل های ایشان بیماریست و کافران بگویند خدا چه چیز اراده کرده است باین داستان همچنین گمراه می کند خدا هر که را خواهد و هدایت می نماید هر که را بخواهد و لشکرهای پروردگار تورا جز اوتبارك و تعالی نمی داند و این جز پندی برای بنی آدم نیست (۳۱). چنین نیست و قسم به ماه (۳۲). قسم به شب چون پشت برگرداند (۳۳). قسم به صبح چون روشن شود (۳۴). هر آئینه دوزخ یکی از چیزهای بزرگ است (۳۵). ترساننده^۵ بنی آدم (۳۶). (ترساننده است) برای هر که خواهد از شما گام پیش نهد یا پس ماند (۳۷). هر شخصی به آنچه کرد درگرواست (۳۸). مگر اهل (سعادت و) راست (۳۹). در بوستانها باشند سؤال کنند (۴۰). از گنهگاران (۴۱). چه چیز شمارا دردوزخ درآورد (۴۲). گویند از نمازگزاران نبودیم (۴۳). و فقیررا طعام نمی دادیم (۴۴). و به انکاردرمی آمدیم بادرآیندگان (۴۵). و بودیم روز جزاء را تکذیب می کردیم (۴۶). تا وقتیکه بما مرگ آمد (۴۷).

(۳) مترجم گوید این تصویر است حال کافررا که خدای تعالی اورا نعمت هاداده باشد و او مصرّ باشد بر کفر ﴿ثُمَّ عَسَىٰ وَبَرَ﴾ ثُمَّ اَبْرُ وَتَشْكُرُ ﴿ تصویر حال تأمل و تردداست والله اعلم.

(۴) مترجم گوید این آیت اشارت است به ردّ شبهه کفاردر شمار تسعة عشر آنحضرت صلی الله علیه وسلم آنرا در همین سوره ملحق فرمودند بجهت مناسبت و لهذا با سایر سوره نمی ماند در اسلوب والله اعلم.

فَمَا تَنْفَعُهُمْ شَفَعَةُ الشَّافِعِينَ ﴿٤٨﴾ فَمَا لَهُمْ عَنِ التَّذِكْرِ مُعْرِضِينَ
 ﴿٤٩﴾ كَانَهُمْ حُمُرٌ مُسْتَنْفِرَةٌ ﴿٥٠﴾ فَرَّتْ مِنْ قَسْوَرَةٍ ﴿٥١﴾ بَلْ يَرِيدُ
 كُلُّ امْرِئٍ مِنْهُمْ أَنْ يُوتَىٰ صُحُفًا مُنشَرَةً ﴿٥٢﴾ كَلَّا بَلْ لَا يَخَافُونَ
 الْآخِرَةَ ﴿٥٣﴾ كَلَّا إِنَّهُ تَذَكَّرٌ ﴿٥٤﴾ فَمَنْ شَاءَ ذَكَرْهُ ﴿٥٥﴾ وَمَا يَذْكُرُونَ
 إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ هُوَ أَهْلُ التَّقْوَىٰ وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ ﴿٥٦﴾

سُورَةُ الْقِيَامَةِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

لَا أُقْسِمُ بِيَوْمِ الْقِيَامَةِ ﴿١﴾ وَلَا أُقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَةِ ﴿٢﴾ أَيَحْسَبُ
 الْإِنْسَانُ أَنْ نَجْمَعَ عِظَامَهُ ﴿٣﴾ بَلَىٰ قَدَرِينَ عَلَىٰ أَنْ نُسَوِّيَ بَنَانَهُ ﴿٤﴾ بَلْ
 يُرِيدُ الْإِنْسَانُ لِيَفْجُرَ أَمَامَهُ ﴿٥﴾ يَسْأَلُ أَيَّانَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ ﴿٦﴾ فَإِذَا بَرِقَ
 الْبَصْرُ ﴿٧﴾ وَخَسَفَ الْقَمَرُ ﴿٨﴾ وَجُمِعَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ ﴿٩﴾ يَقُولُ الْإِنْسَانُ
 يَوْمَئِذٍ أَيْنَ الْمَفْرُجُ ﴿١٠﴾ كَلَّا لَا وَزَرَ ﴿١١﴾ إِلَىٰ رَبِّكَ يَوْمَئِذٍ الْمُسْتَقَرُّ ﴿١٢﴾ يُنَبَّأُ
 الْإِنْسَانُ يَوْمَئِذٍ بِمَا قَدَّمَ وَأَخَّرَ ﴿١٣﴾ بَلِ الْإِنْسَانُ عَلَىٰ نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ ﴿١٤﴾
 وَلَوْ أَلْقَىٰ مَعَاذِيرَهُ ﴿١٥﴾ لَا تَحْرِيكَ بِهِ لِسَانُكَ لَتَعْجَلَ بِهِ ﴿١٦﴾ إِنْ عَلَيْنَا
 جَمْعُهُ وَقُرْءَانُهُ ﴿١٧﴾ فَإِذَا قَرَأَهُ فَأَتَّبِعْ قَوْلَهُ ﴿١٨﴾ ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا بَيَانَهُ ﴿١٩﴾

پس ایشانرا شفاعتِ شفاعت کنند گان سود ندهد (۴۸). پس چه شده است ایشان را ازیند (قرآن) رویگردان شوند (۴۹). گویایشان گور خزان رمنده اند (۵۰). که از شیر ی گریخته باشند (۵۱). بلکه هر شخصی از ایشان میخواهد که نامه های گشاده داده شود (۵۲) (۵). هرگز، بلکه از آخرت نمی ترسند (۵۳). هرگز، به درستیکه قرآن پنداست (۵۴). پس هرکه خواهد آن را بخواند (۵۵). و یاد نمی کنند بندگان مگر وقتی که خدا خواسته باشد اوست سزاوار به آنکه از وی بترسند و اوست سزاوار آن که بیامرزد (۵۶).



بنام خدای بخشاینده مهربان.

به روز قیامت قسم میخورم (۱). و به نفس بسیار ملامت کننده (۱) قسم میخورم (۲). آیا انسان می پندارد که استخوانهای او را جمع نمی کنیم (۳). آری (چنین می کنیم) در حالیکه تواناییم بر آنکه سرانگشت های او را نیز درست کنیم (۴). بلکه آدمی میخواهد که در پیش روی خود (۲) معصیت کند (۵). می پرسد روز قیامت کی خواهد بود (۶). پس وقتیکه چشم خیره شود (۷). و ماه تیره گردد (۸). و خورشید و ماه یکجا جمع کرده شود (۹). آدمی آنروز بگوید که گریز گاه کجاست (۱۰). هرگز، هیچ پناهی نیست (۱۱). در آن روز قرارگاه به سوی پروردگار توست (۱۲). آن روز آدمی را به حقیقت حال آنچه پیش فرستاده و پس گذاشته بود (۳) خبر داده شود (۱۳). بلکه آدمی برای الزام خود حجتی است (۱۴). اگر چه عذرهای خود را پیش آورد (۱۵). (۴) (یا محمد) به تکرار قرآن باعجله زبان خود را حرکت نده، تا آنرا زود یادآوری (۱۶). هر آئینه جمع کردن آن در سینه تو بر عهده ماست و نیز آسان کردن خواندن آن بر عهده ماست (۱۷). پس چون آنرا خواندیم در خواندن از او پیروی کن (۱۸). باز هر آئینه واضح کردن آن بر عهده ما (۵) است (۱۹).

(۵) یعنی می گویند باید که کتاب برهريك نازل شود.

(۱) که آدمی البته معوث خواهد شد.

(۲) یعنی آمدنی است.

(۳) مثل صدقه جاریه و علم باقی.

(۴) مترجم گوید چون جبرئیل پیش آنحضرت صلی الله علیه وسلم وحی می آورد آنحضرت صلی الله علیه وسلم بخاطر حفظ آن اهتمام زیاد می فرمود و هم بحضور جبرئیل قبل از انقضاء وحی تکرار می نمود تا از خاطر مبارك نرود خدای تعالی باین معنی اشارت فرمود.

(۵) مترجم گوید ظاهر نزد بنده آنست که معنی آیت چنین باشد: هر آئینه وعده لازم است بر ما جمع کردن قرآن در مصاحف و حفظ و قرائت آن عصرًا بعد عصر و ابضاح او به تفسیر معانی آن، خدای تعالی بوسیله شیخین رضی الله عنهما آنرا جمع کرده در هر زمانی قاریان را توفیق داد که حافظ شوند به تجوید بخوانند و در هر زمانی مفسران را توفیق داد که در تفسیر آن سعی نمایند و الله اعلم.

كَلَّا بَلْ تُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ ﴿١٠﴾ وَتَذُرُونَ الْآخِرَةَ ﴿١١﴾ وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَّاصِرَةٌ ﴿١٢﴾
 إِلَىٰ رَبِّهَا نَاطِرَةٌ ﴿١٣﴾ وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ بِآسِرَةٍ ﴿١٤﴾ تَطُنُّ أَنْ يَفْعَلَ بِهَا
 فَاقِرَةٌ ﴿١٥﴾ كَلَّا إِذَا بَلَغَتِ التَّرَاقِيَ ﴿١٦﴾ وَقِيلَ مَنْ رَاقٍ ﴿١٧﴾ وَظَنَّ أَنَّهُ الْفِرَاقُ ﴿١٨﴾
 وَالْتَفَتِ الْسَّاقُ بِالسَّاقِ ﴿١٩﴾ إِلَىٰ رَبِّكَ يَوْمَئِذٍ الْمَسَاقُ ﴿٢٠﴾ فَلَا
 صَدَقَ وَلَا صَلَّىٰ ﴿٢١﴾ وَلَكِنْ كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ ﴿٢٢﴾ ثُمَّ ذَهَبَ إِلَىٰ أَهْلِهِ يَتَمَطَّىٰ ﴿٢٣﴾
 أَوْلَىٰ لَكَ فَأَوْلَىٰ ﴿٢٤﴾ ثُمَّ أَوْلَىٰ لَكَ فَأَوْلَىٰ ﴿٢٥﴾ أَيْحَسِبُ الْإِنْسَانُ
 أَنْ يَتْرَكَ سُدًى ﴿٢٦﴾ أَلَمْ يَكُنْ نُطْفَةً مِّنْ مَّنَىٰ يَمْنَىٰ ﴿٢٧﴾ ثُمَّ كَانَ
 عُلْقَةً فَخَلَقَ فَسَوَّىٰ ﴿٢٨﴾ فَجَعَلَ مِنْهُ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ
 وَالْأُنثَىٰ ﴿٢٩﴾ أَلَيْسَ ذَلِكَ بِقَدْرِ عَلَىٰ أَنْ يُحْيِيَ الْمَوْتَىٰ ﴿٣٠﴾

سورة الإنشائين

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

هَلْ أَتَىٰ عَلَى الْإِنْسَانِ حِينٌ مِّنَ الدَّهْرِ لَمْ يَكُنْ شَيْعًا مَّذْكُورًا ﴿١﴾ إِنَّا خَلَقْنَا
 الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَّبْتَلِيهِ فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعًا بَصِيرًا ﴿٢﴾ إِنَّا
 هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا ﴿٣﴾ إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَلَاسِلًا
 وَأَعْلَالًا وَسَعِيرًا ﴿٤﴾ إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا ﴿٥﴾

هر گز، (ای کافران) بلکه دنیا را دوست میدارید (۲۰). و آخرت را ترك می نمایید (۲۱). در آن روز بعضی چهره ها تازه باشند (۲۲). به سوی پرورد گار خود نظر کننده باشند (۲۳). و بعضی چهره ها در آنروز پیشانی درهم کشیده باشند (۲۴). توقع کنند که بر ایشان مصیبتی آورده شود (۲۵). هر گز، وقتیکه روح به چنبر گردن برسد (۲۶). و گفته شود کیست سحر کننده (۲۷). و به یقین دانست که اینوقت وقت جداشدن روح است (۲۸). و یکساقِ مُحْتَضِرِ ساقِ دیگر^(۶) پیچید (۲۹). آن روز، روان کردن به سوی پروردگار توست (۳۰). پس (آدمی) نه باور داشت و نه نماز گزارد (۳۱). ولیکن دروغ انگاشت و رویگردان شد (۳۲). سپس به سوی اهل خانه خود خرامان شده برفت (۳۳). وای بر تو پس وای بر تو (۳۴). باز (دیگر میگوییم) وای بر تو پس وای بر تو (۳۵). آیا انسان می پندارد که بی هدف گذاشته شود؟ (۳۶). آیا نطفه ای از منی که در رحم ریخته میشد نبود؟ (۳۷). باز خون بسته ای بود پس خدا بیافرید سپس درست اندام کرد (۳۸). پس از آن منی دو قسم مرد و زن را ساخت (۳۹). آیا این خدا توانا نیست بر آنکه مُردگان را زنده کند؟ (۴۰).



بنام خدای بخشاینده مهربان.

به راستی که آمده است بر آدمی مدتی از زمان که چیزی ذکر کرده شده نبود (۱). هر آئینه ما آدمی را از یکپاره^۷ منی درهم آمیخته از چند چیز آفریدیم^(۱) که او را بیآزماییم پس او را شنوای بینا ساختیم (۲). هر آئینه ما آدمی را بر راه دلالت کردیم، خواه شکر گذار و خواه ناسپاس باشد (۳). هر آئینه ما برای کافران زنجیرها و طوقها و آتش افروخته را آماده ساخته ایم (۴). هر آئینه نیکوکاران از پیااله^۸ شراب که آمیزش آن آب چشمه کافور باشد می نوشند (۵).

(۶) یعنی درپای حرکت نماند.

(۷) یعنی منی مرد و منی زن و خون حیض را ازحالی به حالی دیگر گردانیم.

عَيْنَا يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللَّهِ يُفَجِّرُونَهَا تَفْجِيرًا ﴿٦﴾ يُوفُونَ بِالْإِذْرِ وَيَحْفَاونَ
 يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا ﴿٧﴾ وَيُطْعَمُونَ الْأَطْعَامَ عَلَىٰ حَيْثُ مَسَكِنَا
 وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا ﴿٨﴾ إِنَّمَا نَطْعَمُكُمْ لُوجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكْرًا
 ﴿٩﴾ إِنَّا نَخَافُ مِنْ رَبِّنَا يَوْمًا عَبُوسًا قَمْطِيرًا ﴿١٠﴾ فَوَقَّهْمُ اللَّهُ شَرَّ ذَلِكَ
 الْيَوْمِ وَلَقَّهْمُ نَصْرَةً وَسُرُورًا ﴿١١﴾ وَجَزَّاهُمْ بِمَا صَبَرُوا جَنَّةً وَحَرِيرًا ﴿١٢﴾
 مُتَّكِنِينَ فِيهَا عَلَى الْأَرْبَابِ لَا يُرُونَ فِيهَا شَمْسًا وَلَا زَمْهَرِيرًا ﴿١٣﴾
 وَدَانِيَةً عَلَيْهِمْ ظِلَالُهَا وَذُلَّتْ قُطُوفُهَا تَدْلِيلًا ﴿١٤﴾ وَيُطَافُ عَلَيْهِمْ بِبَانِيَةٍ
 مِّن فِضَّةٍ وَأَكْوَابٍ كَانَتْ قَوَارِيرًا ﴿١٥﴾ قَوَارِيرًا مِّن فِضَّةٍ قَدَّرُوهَا تَقْدِيرًا ﴿١٦﴾
 وَيُسْقَوْنَ فِيهَا كَأْسًا كَانَ مِزَاجُهَا زَنْجَبِيلًا ﴿١٧﴾ عَيْنًا فِيهَا تُسَمَّى سَلْسِيلًا
 ﴿١٨﴾ * وَيُطَوَّفُ عَلَيْهِمْ ولَدَانٌ مُّخَلَّدُونَ إِذَا رَأَيْتَهُمْ حَسِبْتَهُمْ لُؤْلُؤًا مَّنشُورًا
 ﴿١٩﴾ وَإِذَا رَأَيْتَ ثَمْرًا رَأَيْتَ نَعِيمًا وَمُلْكًا كَبِيرًا ﴿٢٠﴾ عَلَيْهِمْ ثِيَابٌ سُنْدُسٍ
 خُضْرٌ وَسِتْرَبَرَقٌ وَحُلُوعًا سَاوِرَ مِّن فِضَّةٍ وَسَقَاهُمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا
 طَهُورًا ﴿٢١﴾ إِنَّ هَذَا كَانَ لَكُمْ جَزَاءً وَكَانَ سَعْيَكُمْ مَشْكُورًا ﴿٢٢﴾ إِنَّا
 نَحْنُ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ تَنْزِيلًا ﴿٢٣﴾ فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تَطِعْ
 مِنْهُمْ ءَاثِمًا أَوْ كَفُورًا ﴿٢٤﴾ وَأذْكَرِ اسْمَ رَبِّكَ بُكْرَةً وَأَصِيلًا ﴿٢٥﴾

چشمه ای که می‌آشامند از آن بندگان مقرب خدا روان کنند آن را روان کردنی (۶)^(۲). به نذر و فامیکندند و از روزیکه مشقت آن فاش باشد می ترسند (۷). و طعام را با وجود احتیاج به آن به فقیر و یتیم و زندانی می دهند (۸). (میگویند) جزاین نیست که شمارا برای رضای خدا طعام میدهیم از شما نه مزدی و نه سپاسگذاری می طلبیم (۹). هر آئینه ما از پروردگار خود در روز ترش روی نهایت سخت می ترسیم (۱۰). پس خدا ایشان را از سختی آنروز نگهداشت و ایشانرا تازگی و خوشحالی رسانید (۱۱). و ایشان را در مقابل صبر ایشان بوستان و جامه^۱ ابریشمی پاداش داد (۱۲). آنجا بر تخت ها تکیه زده باشند آنجا نه گرمی خورشید را و نه سرمای تند را بینند (۱۳). و برایشان سایه های آن بوستان نزدیک شده باشد و سهل الحصول کرده شود میوهای آن آسان کردنی (۱۴). برایشان به جامههایی از نقره و با جامههایی که بلورین باشند گردانده شود (۱۵). (مراد میدارم) بلورین از نقره اندازه ساقیان کرده باشند آنرا اندازه کردنی (۱۶). و ایشانرا آنجا جام شرابی نوشانیده شود که آمیزش آن آب چشمه زنجبیل هست (۱۷). چشمه ایست در بهشت که نام آن سلسبیل نهاده می شود (۱۸). و برایشان نوجوانان جاویدان، (برای خدمت) دور می زنند چون ایشان را بینی پنداری که ایشان مروارید افشانده شده اند (۱۹). و چون آنجا نگاه کنی نعمت فراوان و پادشاهی بزرگ بینی (۲۰). برایشان جامه های سبز از دیبای نازک باشد و نیز برایشان دیبای ضخیم باشد و ایشان را زیور پوشانیده شود دست بندها از نقره و پروردگار ایشان ایشانرا شراب نهایت پاک بنوشاند (۲۱). هر آئینه این نعمت برای شما پاداش در مقابل اعمال است و سعی شما قبول کرده شده است (۲۲). هر آئینه ما قرآن را فرود آوردیم بر تو فرود آوردنی (۲۳). پس بر حکم پروردگار خود شکیبایی کن و از زمره^۲ بنی آدم هیچ گنجهکاری را یا هیچ ناسپاسی را فرمان مبر (۲۴). و نام پروردگار خود را صبح و شام یاد کن (۲۵).

(۲) یعنی جویی از آن هر جا که خواهند ببرند والله اعلم.

وَمِنَ اللَّيْلِ فَاسْجُدْ لَهُ وَسَبِّحْهُ لَيْلًا طَوِيلًا ﴿٣٦﴾ إِنَّ هَؤُلَاءِ
يُجْبُونَ الْعَاجِلَةَ وَيَذُرُونَ وَرَاءَهُمْ يَوْمًا ثَقِيلًا ﴿٣٧﴾ نَحْنُ خَلَقْنَاهُمْ
وَشَدَدْنَا أَسْرَهُمْ وَإِذَا شِئْنَا بَدَّلْنَا أَمْثَلَهُمْ تَبْدِيلًا ﴿٣٨﴾ إِنَّ
هَذِهِ تَذْكِرَةٌ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذْ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا ﴿٣٩﴾ وَمَا تَشَاءُونَ
إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا ﴿٤٠﴾ يَدْخُلُ
مَنْ يَشَاءُ فِي رَحْمَتِهِ وَالظَّالِمِينَ أَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا ﴿٤١﴾

سورة المرسلات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالْمُرْسَلَاتِ عُرْفًا ﴿١﴾ فَأَلْصَقَتْ عَصْفًا ﴿٢﴾ وَالنَّشْرَاتِ نَشْرًا ﴿٣﴾
فَالْفَرِيقَاتِ فَرَقًا ﴿٤﴾ فَالْمُلْقِيَاتِ ذِكْرًا ﴿٥﴾ عُدْرًا أَوْ نُذْرًا ﴿٦﴾ إِنَّمَا
تُوعَدُونَ لَوَاقِعٌ ﴿٧﴾ فَإِذَا النَّجُومُ طُمِسَتْ ﴿٨﴾ وَإِذَا السَّمَاءُ فُرِجَتْ ﴿٩﴾
وَإِذَا الْجِبَالُ سُفِفَتْ ﴿١٠﴾ وَإِذَا الرَّسُلُ أُنْقَتَتْ ﴿١١﴾ لِأَيِّ يَوْمٍ أُجِّلَتْ
﴿١٢﴾ لِيَوْمِ الْفَصْلِ ﴿١٣﴾ وَمَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمُ الْفَصْلِ ﴿١٤﴾ وَيَلُّ يَوْمَئِذٍ
لِلْمُكَذِّبِينَ ﴿١٥﴾ أَلَمْ نُهَبِكِ الْأَوَّلِينَ ﴿١٦﴾ ثُمَّ نَبَعُهُمُ الْأُخْرِينَ
﴿١٧﴾ كَذَلِكَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِينَ ﴿١٨﴾ وَيَلُّ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ﴿١٩﴾

و بعضی ساعات از شب برای او نماز بخوان و او را وقت دراز از شب بپاکی یادکن (۲۶).
 هر آئینه این کافران دنیا را دوست می دارند و روزگاران را پس پشت خود ترك میکنند (۲۷).
 ما ایشان را آفریدیم و رگ و بندهای اندام ایشان را محکم کردیم و چون بخواهیم قومی
 مانند ایشان را جای آنان جایگزین می کنیم (۲۸). هر آئینه این پنداست پس هر که خواهد به
 سوی پروردگار خود راه را بگیرد (۲۹). و نمی خواهید مگر آنکه خدا خواهد هر آئینه خدا
 دانای با حکمت هست (۳۰). هر که خواهد در رحمت خود داخل میکند و برای ستمکاران
 عقوبتی دردناک آماده کرده است (۳۱).



بنام خدای بخشاینده مهربان.

به بادهای فرستاده شده بوجه نیک قسم (۱). پس به بادهای تند و زنده به شدت قسم (۲).
 و به بادهای منتشر کننده ابر به پراکنده کردن قسم (۳). پس به بادهای از هم جدا کننده ابر
 به پاره پاره نمودن قسم (۴). پس به جماعات فرشتگان فرود آورنده وحی قسم (۵). برای
 دفع عذر یا برای ترسانیدن (۶). هر آئینه آنچه شمارا وعده داده میشود البته بودنی است
 (۷). پس وقتیکه ستارها بی نور کرده شوند (۸). و وقتیکه آسمان شگافته شود (۹).
 و وقتیکه کوهها پاره پاره کرده شود (۱۰). و وقتیکه پیامبران را به میعاد معین جمع کرده
 شود (۱۱)^(۱). برای کدام روز پیامبران را موقوف داشته شد (۱۲). برای روز فیصله کردن
 (۱۳). و چه چیز خبر داد تورا که چیست روز فیصله کردن؟ (۱۴). وای آن روز بر تکذیب
 کنندگان (۱۵). آیا نخستینان را هلاک نکرده ایم (۱۶). بعد از آن پسینیان را در پی ایشان
 آوریم (۱۷). با گنهکاران همچنین میکنیم (۱۸). وای آنروز بر تکذیب کنندگان (۱۹).

(۱) متحقق گردد آنچه متحقق شدنی است.

أَلَمْ نَخْلُقْكُمْ مِنْ مَّاءٍ مَهِينٍ ﴿٢٠﴾ فَجَعَلْنَاهُ فِي قَرَارٍ مَكِينٍ ﴿٢١﴾ إِلَى قَدَرٍ
 مَعْلُومٍ ﴿٢٢﴾ فَقَدَرْنَا فَنِعْمَ الْقَادِرُونَ ﴿٢٣﴾ وَيَلُّ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ ﴿٢٤﴾
 أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ كِفَاتًا ﴿٢٥﴾ أَحْيَاءَ وَأَمْوَاتًا ﴿٢٦﴾ وَجَعَلْنَا فِيهَا رِوْاسِيَّ
 شَمَخَاتٍ وَأَسْقَيْنَكُم مَّاءً فَرَاتًا ﴿٢٧﴾ وَيَلُّ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ ﴿٢٨﴾
 أَنْطَلِقُوا إِلَى مَا كُنتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ ﴿٢٩﴾ أَنْطَلِقُوا إِلَى ظِلِّ ذِي ثَلَاثِ
 شُعَبٍ ﴿٣٠﴾ لَا ظَلِيلٍ وَلَا يُغْنِي مِنَ اللَّهَبِ ﴿٣١﴾ إِنَّهَا تَرْمِي بِشَرَرٍ
 كَالْقَصْرِ ﴿٣٢﴾ كَأَنَّهُ جِمَلَتٌ صَفْرٌ ﴿٣٣﴾ وَيَلُّ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ ﴿٣٤﴾
 هَذَا يَوْمٌ لَا يَنْطِقُونَ ﴿٣٥﴾ وَلَا يُؤْذَنُ لَهُمْ فَيَعْتَذِرُونَ ﴿٣٦﴾ وَيَلُّ يَوْمَئِذٍ
 لِّلْمُكَذِّبِينَ ﴿٣٧﴾ هَذَا يَوْمُ الْفَضْلِ جَمَعْنَاكُمْ وَالْأُولِينَ ﴿٣٨﴾ فَإِنْ كَانَ
 لَكُمْ كَيْدٌ فَيَكِيدُونَ ﴿٣٩﴾ وَيَلُّ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ ﴿٤٠﴾ إِنَّ الْمُتَّقِينَ
 فِي ظِلَالٍ وَعُيُونٍ ﴿٤١﴾ وَفَوْكَةٍ مِّمَّا يَسْتَهْوُونَ ﴿٤٢﴾ كُلُّوْا وَأَشْرَبُوا هَنِيئًا
 بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٤٣﴾ إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ﴿٤٤﴾ وَيَلُّ
 يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ ﴿٤٥﴾ كُلُّوْا وَتَمَتَّعُوا قَلِيلًا إِنَّكُمْ كُنتُمْ جَرِمُونَ ﴿٤٦﴾ وَيَلُّ
 يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ ﴿٤٧﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ ارْكَعُوا لَا يَرْكَعُونَ ﴿٤٨﴾
 وَيَلُّ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ ﴿٤٩﴾ فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ ﴿٥٠﴾

آیا شمارا از آب (منی) حقیر نیافریده ایم (۲۰). پس آن آب را در جای محکم نهادیم (۲۱). تا اندازهٔ معین (۲۲). پس ما اندازه کردیم پس نیکواندازه کننده گانیم (۲۳). وای آن روز بر تکذیب کنندگان (۲۴). آیا زمین را جمع کننده آدمیان نساخته ایم (۲۵). زندگان و مُردگان (۲۶). و در زمین کوه های بلند آفریدیم و شمارا آب شیرین نوشانیدیم (۲۷). وای آن روز بر تکذیب کنندگان (۲۸). (گفته شود) به سوی چیزی که آن را تکذیب می کردید بروید (۲۹). (گفته شود) به سوی سایه صاحب سه قسمت بروید (۳۰). نه سایه سرد باشد و نه از گرمی آتش کفایت کند (۳۱). هر آئینه آن آتش شراره هایی مانند قصر می افکند (۳۲). گویا آن شراره ها شتران زرداند (۳۳). وای آن روز بر تکذیب کنندگان (۳۴). این روز روزیست که سخن نگویند (۳۵). و نه اجازه داده شود ایشان را تا عذر پیش نمایند (۳۶). وای آن روز بر تکذیب کنندگان (۳۷). این روز روز فیصله کردن است شمارا بایشینیان جمع کردیم (۳۸). پس اگر شمارا حيله ای هست پس در حق من حيله كُنید (۳۹). وای آن روز بر تکذیب کنندگان (۴۰). هر آئینه متقیان در سایه ها و در چشمه ها باشند (۴۱). و در میوه ها از آنچه که رغبت کنند (۴۲). (بگوئیم) بخورید و بنوشید خوردن و نوشیدن گوارا بسبب آنچه می کردید (۴۳). هر آئینه ما پاداش نیکوکاران را همچینین می دهیم (۴۴). وای آن روز بر تکذیب کنندگان (۴۵). (ای دروغ انگاران) بخورید و بهره مند باشید اندکی هر آئینه شما گنه کارید (۴۶). وای آن روز بر تکذیب کنندگان (۴۷). و چون ایشانرا گفته شود نماز گزارید نماز نمی گزارند (۴۸). وای آن روز بر تکذیب کنندگان (۴۹). پس بکدام سخن بعد از قرآن ایمان خواهند آورد (۵۰).

سورة النبا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ ① عَنِ النَّبِيِّ الْعَظِيمِ ② الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ ③
 كَلَّا سَيَعْلَمُونَ ④ ثُمَّ كَلَّا سَيَعْلَمُونَ ⑤ أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ مِهْدًا ⑥
 وَالْجِبَالَ أَوْتَادًا ⑦ وَخَلَقْنَاكُمْ أَزْوَاجًا ⑧ وَجَعَلْنَا نَوْمَكُمْ سُبَاتًا
 ⑩ وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ لِبَاسًا ⑪ وَجَعَلْنَا النَّهَارَ مَعَاشًا ⑫ وَبَنَيْنَا
 فَوْقَكُمْ سَبْعًا شِدَادًا ⑬ وَجَعَلْنَا سِرَاجًا وَهَاجًا ⑭ وَأَنْزَلْنَا مِنْ
 الْمُعْصِرَاتِ مَاءً ثَجَّاجًا ⑮ لِنُخْرِجَ بِهِ حَبًّا وَنَبَاتًا ⑯ وَجَنَّاتٍ
 أَلْفَافًا ⑰ إِنَّ يَوْمَ الْفُصْلِ كَانَ مِيقَاتًا ⑱ يَوْمَ يُفْخُ فِي الصُّورِ
 فَتَأْتُونَ أَفْوَاجًا ⑳ وَفُتِحَتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ أَبْوَابًا ㉑ وَسِيرَتِ
 الْجِبَالُ فَكَانَتْ سَرَابًا ㉒ إِنَّ جَهَنَّمَ كَانَتْ مِرْصَادًا ㉓ لِلطَّلِغِينَ
 مَعَابًا ㉔ لِلْبَيْتِ فِيهَا أَحْقَابًا ㉕ لَا يَذُوقُونَ فِيهَا بَرْدًا وَلَا شَرَابًا
 ㉖ إِلَّا الْحَمِيمَ أَوْ غَسَّاقًا ㉗ جَزَاءً وَفَاقًا ㉘ إِنَّهُمْ كَانُوا
 لَا يَرْجُونَ حِسَابًا ㉙ وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كِذَابًا ㉚ وَكُلَّ شَيْءٍ
 أَحْصَيْنَاهُ كِتَابًا ㉛ فَذُوقُوا فَلَنْ نَزِيدَكُمْ إِلَّا عَذَابًا ㉜

سوره نبا مکی است و آن چهل آیه
ودو رکوع است

بنام خدای بخشاینده مهربان.

از چه چیزی کافران از یکدیگر سوال میکنند؟ (۱). (آری سوال میکنند) از خبری بزرگ (۲). که ایشان در آن اختلاف دارند (۱) (۳). نه هرگز!، خواهند دانست (۴). باز (میگویم) نه!، خواهند دانست (۵). آیا زمین را فرش نساخته ایم (۶). و (نساخته ایم) کوه هارا میخها (۷). و شمارا جفت (نروماده) آفریدیم (۸). و خواب شمارا مایه راحت قرار دادیم (۹). و شب را پوششی ساختیم (۱۰). و روز را (وقت کسب) معیشت گردانیدیم (۱۱). و بالای شما هفت آسمان محکم بنا کردیم (۱۲). و چراغی درخشنده آفریدیم (۱۳) (۱۳). و از ابرها آب ریزان فرود آوردیم (۱۴). تا بسبب آن (آب) دانه و گیاه را برویانیم (۱۵). و بوستان های درهم پیچیده را (۱۶). هر آئینه روز فیصله کردن به هنگامی معین است (۱۷). روزی که دمیده می شود در صورت پس گروه گروه شده می آید (۱۸). و آسمان شگافته شود پس دروازه ها باشد (۱۹). و روان کرده شوند کوه ها پس مانند سراب باشند (۲۰). هر آئینه دوزخ انتظار کننده است (۲۱). برای سرکشان مرجع و بازگشت هست (۲۲). در آیند به دوزخ در آنجا مدت های دراز اقامت کنندگان (۲۳). آنجا خنکی را نچشند و نه آشامیدنی را (۲۴). مگر آب گرم و خون و چرک را (۲۵). جزا داده شد جزاء موافق (کردارش) (۲۶). هر آئینه ایشان حساب را توقع نمیداشتند (۲۷). و آیات ما را تکذیب می کردند تکذیب کردنی (۲۸). و هر چیزی را بطریق نوشتن ضبط کردیم (۲۹). پس بچشید پس زیاده نخواهیم داد شمارا مگر عقوبت (۳۰).

(۱) مرادبعث و قیامت است.

(۲) یعنی خورشید.

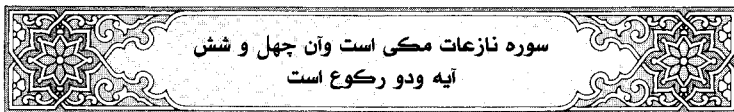
إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا ٢١ حَدَائِقَ وَأَعْنَابًا ٢٢ وَكَوَاعِبَ أَتْرَابًا ٢٣ وَكَأْسًا
 دِهَاقًا ٢٤ لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا كِدًّا ٢٥ جَزَاءً مِّن رَّبِّكَ عَطَاءً
 حِسَابًا ٢٦ رَبِّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا الرَّحْمَنُ لَا يَمَلِكُونَ
 مِنْهُ خِطَابًا ٢٧ يَوْمَ يَقُومُ الرُّوحُ وَالْمَلَائِكَةُ صَفًّا لَا يَتَكَلَّمُونَ
 إِلَّا مَن أذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَقَالَ صَوَابًا ٢٨ ذَلِكَ الْيَوْمُ الْحَقُّ فَمَن
 شَاءَ اتَّخَذْ إِلَىٰ رَبِّهِ مَعَابًا ٢٩ إِنَّا أَنذَرْنَاكُمْ عَذَابًا قَرِيبًا يَوْمَ يَنْظُرُ
 الْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرْبًا ٣٠

سورة التبا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالنَّزِعَاتِ غَرْقًا ١ وَالنَّشِيطَاتِ نَشْطًا ٢ وَالسَّادِحَاتِ سَبْحًا ٣
 فَالسَّيِّقَاتِ سَبْقًا ٤ فَالْمُدْبِرَاتِ أَمْرًا ٥ يَوْمَ تَرْجُفُ الرَّاجِفَةُ ٦
 تَتَّبِعُهَا الرَّاغِبَةُ ٧ قُلُوبٌ يُومِئِدُ وَاجِفَةٌ ٨ أَبْصُرُهَا خَشِيعَةٌ ٩
 يَقُولُونَ أَيْ نَا الْمَرْدُودُونَ فِي الْخَافِرَةِ ١٠ أَيْ ذَاكَنَا عِظْمَانِخْرَةَ ١١ قَالُوا
 تِلْكَ إِذْ ذَاكَرَةٌ خَاسِرَةٌ ١٢ فإِنَّمَا هِيَ زَجْرَةٌ وَاحِدَةٌ ١٣ فإِذَا هُمْ بِالسَّاهِرَةِ
 ١٤ هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ مُوسَىٰ ١٥ إِذْ نَادَاهُ رَبُّهُ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى ١٦

هر آئینه متقیان را مطلب یابی باشد (۳۱). بوستانها و درختان انگور باشد (۳۲). وزنان دوشیزه هم عمر بایکدیگر (۳۳). و پالاه شراب پر کرده شده (۳۴). نشنوند آنجاسخن بیهوده و هم دروغ انگاشتن را نشنوند (۳۵). پاداش دادن کافی از جانب پروردگار توست (۳۶). پروردگار آسمان هاوزمین و آنچه مابین اینها است خدای بخشاینده از (هیبت) وی سخن نمی تواند بگویند (۳۷). روزیکه بایستد روح و سایر فرشتگان صف زده، سخن نمی گویند حاضران محشر مگر کسیکه خدا او را دستوری داده باشد و سخن درست گفته باشد (۳۸). این روز متحقق است پس هر که خواهد به سوی پروردگار خود جای رجوع بگیرد (۳۹). هر آئینه ما شما را ترسانیدیم از عقوبت نزدیک آینده در روزی که ببیند آدمی آنچه دو دست وی پیش فرستاده بود و کافر می گوید ای کاش من خاک می شدم (۴۰).



بنام خدای بخشاینده مهربان.

قسم به جماعات فرشتگان که بطور سختی (ارواح کافران را) نزع میکنند^(۱) (۱). قسم به جماعات فرشتگان که بیرون می آورند بیرون آوردنی (ارواح مؤمنان را)^(۲) (۲). قسم به فرشتگان که شنا می کنند شناکردنی^(۳) (۳). پس قسم به فرشتگان که سبقت میکنند سبقت کردنی^(۴) (۴). قسم به جماعات فرشتگان که هرکاری را تدبیر میکنند (آنچه گفته میشود بود نیست) (۵). روزی که بجنبد جنبنده (۶). از پس وی درآید از پس درآینده^(۵) (۷). يك جمع دلها آنروز ترسان باشد (۸). بر دیده های آن جماعت خواری هویدا شده باشد (۹). میگویند کافران آیا ما به حالت نخستین باز گردانیده می شویم (۱۰). آیا چون استخوانهای پوسیده شویم باززنده می شویم (۱۱). گفتند آن رجوع مانگاه رجوع زیان دهنده باشد (۱۲). پس جزاین نیست که آن واقعه يك آواز تندست (۱۳). پس نا گهان ایشان بر روی زمین آمده باشند (۱۴). آیا پیش تو خبر موسی آمده است (۱۵). چون پروردگار او بوادی پاك طوی او را آواز داد (۱۶).

(۳) یعنی سخن حق.

(۱) یعنی يك عده ارواح را به سختی.

(۲) یعنی يك عده دیگر را بطریق سهولت.

(۳) یعنی در هوا شنا کننده.

(۴) یعنی از یکدیگر سبقت گیرنده.

(۵) یعنی نفخه اولی و پس نفخه ثانیه بوجود آید.

أَدَّهَبَ إِلَى فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى ﴿١٧﴾ فَقُلْ هَلْ لَكَ إِلَى أَنْ تَزَكَّى ﴿١٨﴾ وَأَهْدِيكَ
 إِلَى رَبِّكَ فَتَخْشَى ﴿١٩﴾ فَأَرَاهُ الْآيَةَ الْكُبْرَى ﴿٢٠﴾ فَكَذَّبَ وَعَصَى ﴿٢١﴾ ثُمَّ
 أَذْبَرَ نَسْعَى ﴿٢٢﴾ فِخْرَفِنَادَى ﴿٢٣﴾ فَقَالَ أَنَارِكُمْ إِلَّا عَلَى ﴿٢٤﴾ فَأَخَذَهُ
 اللَّهُ نَكَالَ الْآخِرَةِ وَالْأُولَى ﴿٢٥﴾ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِمَنْ يَخْشَى ﴿٢٦﴾
 ءَأَنْتُمْ أَشَدُّ خَلْقًا أَمْ السَّمَاءُ بَنَاهَا ﴿٢٧﴾ رَفَعَ سَمَكَهَا فَسَوَّيَهَا ﴿٢٨﴾
 وَأَغْطَشَ لَيْلَهَا وَأَخْرَجَ ضُحَاهَا ﴿٢٩﴾ وَالْأَرْضَ بَعْدَ ذَلِكَ دَحَاهَا ﴿٣٠﴾
 أَخْرَجَ مِنْهَا مَاءَهَا وَمَرْعَاهَا ﴿٣١﴾ وَالْجِبَالَ أَرْسَاهَا ﴿٣٢﴾ مَتَاعًا لَكُمْ
 وَلَا تَعْمِكُمْ ﴿٣٣﴾ فَإِذَا جَاءَتِ الطَّامَّةُ الْكُبْرَى ﴿٣٤﴾ يَوْمَ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ
 مَا سَعَى ﴿٣٥﴾ وَبُرِّزَتِ الْجَحِيمُ لِمَنْ يَرَى ﴿٣٦﴾ فَأَمَّا مَنْ طَغَى ﴿٣٧﴾ وَءَاثَرَ
 الْحَيَاةَ الدُّنْيَا ﴿٣٨﴾ فَإِنَّ الْجَحِيمَ هِيَ الْمَأْوَى ﴿٣٩﴾ وَأَمَّا مَنْ خَافَ
 مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَى ﴿٤٠﴾ فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَى ﴿٤١﴾
 يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا ﴿٤٢﴾ فِيمَ أَنْتَ مِنْ
 ذِكْرِهَا ﴿٤٣﴾ إِلَى رَبِّكَ مُنْتَهَاهَا ﴿٤٤﴾ إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ مِمَّنْ يَخْشَاهَا
 ﴿٤٥﴾ كَانَتْهُمْ يَوْمَ يُورُونَهَا لَمْ يَلْبَسُوا إِلَّا عَشِيَّةً أَوْ ضُحَاهَا ﴿٤٦﴾

سُورَةُ التَّارِخَاتِ

که به سوی فرعون برو هرآئینه وی از حد گذشته است (۱۷). پس بگو هیچ میل است تو را به آنکه پاکیزه شوی (۱۸). و تو را به سوی پروردگار تو راه نمایم پس بترسی (۱۹). پس به فرعون آن معجزه بزرگ را^(۶) نشان داد (۲۰). پس تکذیب کرد و نافرمانی کرد (۲۱). پس از آن مجلس بازگشت تدبیرکنان (۲۲). پس قوم خود را جمع کرد پس ندا زد (۲۳). پس گفت من پروردگار بزرگوار شمایم (۲۴). پس خدا او را بعذاب آخرت و دنیا گرفتار کرد (۲۵). هرآینه درین خیر برای هر که بترسد پندی هست (۲۶). آیا شما در آفرینش محکم‌ترید یا آسمان؟ خدا آن آسمان را بناکرد (۲۷). ارتفاع او را بلند ساخت پس آن را درست ساخت (۲۸). و شب او را تاریک کرد و روشنی روز او را بظهور آورد (۲۹). و زمین را بعد از آفریدن آسمان هموار کرد^(۷) (۳۰). از زمین آب او را و چراگاه او را بیرون آورد (۳۱). و کوه هارا استوار نمود (۳۲). برای منفعت شما و چهار پایان شما (۳۳). پس وقتی که حادثه بزرگ (یعنی قیامت) بیاید (۳۴). روزیکه آدمی آنچه عمل کرده بود یاد کند (۳۵). و ظاهر کرده شود دوزخ برای هر که دیدنش خواهد (ثواب یا عقاب متحقق گردد) (۳۶). اما کسیکه از حد گذشته باشد (۳۷). و زندگانی این جهانی را برگزیده باشد (۳۸). پس هرآئینه دوزخ همان جایگاه اوست (۳۹). و اما کسیکه از ایستادن بحضور پروردگار خویش ترسیده باشد و نفس را از شهوات باز داشته باشد (۴۰). پس هرآئینه بهشت همان منزلگاه اوست (۴۱). تو را از قیامت می پرسند که تحقق آن کی باشد؟ (۴۲). تو از علم آن در چه مقامی (۴۳). منتهای علم آن به سوی پروردگار توست (۴۴). جزاین نیست که تو ترساننده ای کسی را که از وی بترسد (۴۵). روزیکه آن را ببینند چنانستی که گویا ایشان به دنیا درنگ نکرده بودند مگر (برابر) شام گاهی یایک صبحگاهی از آن نمانده‌اند (۴۶).

(۶) یعنی عصا و دیدیضا.

(۷) مترجم گوید معنی هموار کردن همین است که میفرماید.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عَبَسَ وَتَوَلَّى ۝١ أَن جَاءَهُ الْأَعْمَى ۝٢ وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّهُ بَزَكَّى ۝٣
 أَوْ بَدَّرَ فَتَفَعَّلَهُ الْذَكْرَى ۝٤ أَمْ آمَنَ مِنْ أُسْتَعْنَى ۝٥ فَانْتَ لَهُ وَتَصَدَّى ۝٦
 وَمَا عَلَيْكَ الْإِيزَكَّى ۝٧ وَأَمْ آمَنَ بِكَ يَسْعَى ۝٨ وَهُوَ يَخْشَى ۝٩
 فَانْتَ عَنْهُ تَلَهَّى ۝١٠ كَلَّا إِنَّهَا تَذْكِرَةٌ ۝١١ فَمَنْ شَاءَ ذَكَرْهُ ۝١٢ فِي صُحُفٍ
 مُّكَرَّمَةٍ ۝١٣ مَرْفُوعَةٍ مُّطَهَّرَةٍ ۝١٤ بِأَيْدِي سَفَرَةٍ ۝١٥ كِرَامٍ بَرَرَةٍ ۝١٦
 قَتَلَ الْإِنْسَانَ مَا أَكْفَرَهُ ۝١٧ مِنْ أَيِّ شَيْءٍ خَلَقَهُ ۝١٨ مِنْ نُّطْفَةٍ
 خَلَقَهُ ۝١٩ فَقَدَرَهُ ۝٢٠ ثُمَّ السَّبِيلَ يَسَّرَهُ ۝٢١ ثُمَّ أَمَاتَهُ ۝٢٢ فَأَقْبَرَهُ ۝٢٣ ثُمَّ إِذَا
 شَاءَ أَنشَرَهُ ۝٢٤ كَلَّا لَمَّا يَقْضِ مَا أَمَرَهُ ۝٢٥ فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ ۝٢٦
 أَنَّا صَبَبْنَا الْمَاءَ صَبَابًا ۝٢٧ ثُمَّ شَقَقْنَا الْأَرْضَ شَقَاقًا ۝٢٨ فَأَنْبَتْنَا فِيهَا
 حَبًّا ۝٢٩ وَعَنْبًا وَقَضْبًا ۝٣٠ وَزَيْتُونًا وَنَخْلًا ۝٣١ وَحَدَائِقَ غُلْبًا ۝٣٢ وَفَلَكَهًا ۝٣٣
 وَأَبًا ۝٣٤ مَتَعَالَى كُومًا ۝٣٥ فَإِذَا جَاءَتِ الصَّاحَّةُ ۝٣٦ يَوْمَ يَفِرُّ
 الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ ۝٣٧ وَأُمِّهِ وَأَبِيهِ ۝٣٨ وَصَحْبَتِهِ ۝٣٩ وَبَنِيهِ ۝٤٠ لِكُلِّ
 أَمْرٍ مِّنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُّغْنِيهِ ۝٤١ وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ مُّسْفِرَةٌ ۝٤٢
 ضَاحِكَةٌ مُّسْتَبْشِرَةٌ ۝٤٣ وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ عَلَيْهَا غَبَرَةٌ ۝٤٤

سوره عبس مکی است و آن جهل
دو آیه و یک رکوع است

بنام خدای بخشاینده مهربان.

روترش کرد و اعراض نمود (۱). از آنکه پیش او نابینا بیامد (۲).^(۱) وجه چیز خبردار کرد ترا شاید وی پاک می شد (۳). یابند می شنید پس آن پندشیدن او را نفع میداد (۴). اما کسی که توانگر است (۵). پس تو به سوی او روی می آوری (۶). و بر تو در آن که پاک نشود زیان نیست (۷). و اما کسی که پیش تو شتابان بیامد (۸). او (از خدای خود) ترسان بود (۹). پس تواز وی غفلت می کنی (۱۰). نه! هر آئینه این آیات قرآن پندست (۱۱). پس هر که می خواهد آن (قران) را یاد کند (۱۲). هر آئینه آیات قرآن در نامه های گرامی ثبت است (۱۳). بلند مرتبه پاک کرده شده (۱۴). به دست های نویسنده گان (۱۵). بزرگ منش نیک کردار (۱۶).^(۲) لعنت کرده شد آدمی چقدر ناسپاس است (۱۷). خدا از چه چیز او را آفریده است؟ (۱۸). از نطفه منی او را آفریده است؟ پس او رابه اندازه معین ساخته است (۱۹). باز راه برآمد (خیر و شر را) آسان نمودش (۲۰). سپس بمیراندش پس درگور کردش (۲۱). باز وقتیکه خواست او را زنده میگرداند (۲۲). هرگز، بعمل نیاورد آنچه او را فرمود (۲۳). پس انسان باید که به طعام خود بنگرد (۲۴). به آنکه ما آب را از آسمان بگونه شگفتی بارانیدیم (۲۵). باز شگافتیم زمین را شگافتنی (۲۶). پس در آن زمین دانه را رویانیدیم (۲۷). و انگور و سبزی هارا (۲۸). و زیتون و درختان خرمارا (۲۹). و باغهای پردرخت و انبوه را (۳۰). و میوه و علف دواب را (۳۱). برای منفعت شما و چهار پایان شما (۳۲). پس وقتیکه آواز سخت بیاید (۳۳). روزیکه مرد از برادر خود بگریزد (۳۴). و از مادر و از پدر خود (۳۵). و از زن خود و فرزندان خود (۳۶). هر مردی را از ایشان آن روز شغلیست که کفایت میکندش (۳۷). یکپاره چهره ها آن روز روشن باشد (۳۸). خندان و شادان باشد (۳۹). و یکپاره چهره ها آنروز بر آنها غبار باشد (۴۰).

(۱) ناینابایی از فقراء صحابه بمجلس آنحضرت صلی الله علیه وسلم درآمد و به سوالهای مکرر تشویش پیدا کرد و آنحضرت صلی الله علیه وسلم در حال دعوت به اشراف عرب مشغول بودند پس آنرا مکروه داشتند و اعراض نمودند خدای تعالی او را به خلق عظیم دلالت فرمود.

(۲) یعنی فرشتگان از لوح نقل می کنند.

تَرَهَقَهَا قَاتِرَةٌ ﴿٤١﴾ أُولَئِكَ هُمُ الْكٰفِرَةُ الْفَجْرَةُ ﴿٤٢﴾

سورة التكويد

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ ﴿١﴾ وَإِذَا النُّجُومُ انْكَدَرَتْ ﴿٢﴾ وَإِذَا الْجِبَالُ
سُيِّرَتْ ﴿٣﴾ وَإِذَا الْعِشَارُ عُطِّلَتْ ﴿٤﴾ وَإِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ
﴿٥﴾ وَإِذَا الْبِحَارُ سُجِّرَتْ ﴿٦﴾ وَإِذَا النُّفُوسُ زُوِّجَتْ ﴿٧﴾ وَإِذَا
الْمَوءُ دَةٌ سُيِّلَتْ ﴿٨﴾ بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ ﴿٩﴾ وَإِذَا الصُّحُفُ نُشِرَتْ
﴿١٠﴾ وَإِذَا السَّمَاءُ كُشِطَتْ ﴿١١﴾ وَإِذَا الْجَحِيمُ سُعِّرَتْ ﴿١٢﴾ وَإِذَا الْجَنَّةُ
أُزْلِفَتْ ﴿١٣﴾ عَلِمَتْ نَفْسٌ مَّا أَحْضَرَتْ ﴿١٤﴾ فَلَا أُفْسِمُ بِالْخَنَسِ ﴿١٥﴾
الْجَوَارِ الْكُنَسِ ﴿١٦﴾ وَاللَّيْلِ إِذَا عَسْعَسَ ﴿١٧﴾ وَالصُّبْحِ إِذَا تَنَفَّسَ ﴿١٨﴾
إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ ﴿١٩﴾ ذِي قُوَّةٍ عِنْدَ ذِي الْعَرْشِ مَكِينٍ ﴿٢٠﴾ مُطَاعٍ
ثَمَّ آمِينٍ ﴿٢١﴾ وَمَا صَاحِبُكُمْ بِمَجْنُونٍ ﴿٢٢﴾ وَلَقَدْ رَآهُ بِالْأَفْقِ الْمُبِينِ ﴿٢٣﴾
وَمَا هُوَ عَلَى الْغَيْبِ بِضَنِينٍ ﴿٢٤﴾ وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَيْطَانٍ رَّجِيمٍ ﴿٢٥﴾
فَأَيْنَ تَذٰهَبُونَ ﴿٢٦﴾ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ ﴿٢٧﴾ لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ
يَسْتَقِيمَ ﴿٢٨﴾ وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ ﴿٢٩﴾

غالب آید بر آنها تاریکی (۴۱). این جماعت همان کافران بدکارند (۴۲).



بنام خدای بخشاینده مهربان.

وهنگامیکه خورشید پیچیده شود (۱). وهنگامیکه ستارها تیره شوند (۲). وهنگامیکه کوهها روان کرده شوند (۳). وهنگامیکه ماده شتران باردار را معطل گذاشته شود (۴). وهنگامیکه جانوران وحشی جمع کرده شوند (۵). و وقتیکه دریاها مثل آتش افروخته شوند (۶). و وقتیکه ارواح رابا اجساد جمع کرده شود (۷). و وقتیکه دختری را که زنده در گور کرده بودند پرسیده شود (۸). بچه گناه کشته شد (۹). و وقتیکه نامه های اعمال کشاده شوند (۱۰). و وقتیکه آسمان پوست برکنده شود (۱۱)^(۱). وهنگامیکه دوزخ برافروخته شود (۱۲). و وقتیکه بهشت نزدیک ساخته شود (۱۳). بدانند هر شخص آنچه حاضر ساخته است (۱۴). پس بستاره های بازگردنده قسم میخورم (۱۵). سیارگانی رونده غائب شونده (۱۶)^(۲). و قسم به شب چون بازگردد (۱۷). و قسم به صبح چون بدمد (۱۸). هر آئینه این قرآن گفتار فرستاده ای گرامی قدر است (۱۹). صاحب توانایی باوقار نزد خداوند عرش (۲۰). فرمانبرداری کرده شده در ملکوت آسمان سپس متصف به امانت است (۲۱). و این یار شما دیوانه نیست (۲۲). و هر آئینه یار شما آن فرشته را بکرانه ظاهر آسمان دیده بود (۲۳). و یار شما بر علم پنهان بخل کننده نیست (۲۴). و قرآن گفتار شیطان رانده شده نیست (۲۵). پس کجامیروید؟ (۲۶). قرآن جز پند برای جهانیان نیست (۲۷). برای هر که از مره شما بخواهد که راست کردار شود (۲۸). و نمی خواهید مگر وقتیکه خدا پروردگار جهانیان بخواهد (۲۹).

(۱) یعنی سرخ شود مانند برّه که پوست او را کشیده باشند.

(۲) مترجم گوید زحل و مشتری و مریخ وزهره و عطارد پنج ستاره متحیره اند چون سیر کرده به مقامی رسند از آن بازمی گردند و به مقامی که طی کرده بودند اقبال نمایند چون وقت قریب آید غائب شوند والله اعلم.

سورة الانفطار

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِذَا السَّمَاءُ أَنْفَطَرَتْ ① وَإِذَا الْكُوكُوبُ أُنْفُثَتْ ② وَإِذَا الْبِحَارُ
 فُجِّرَتْ ③ وَإِذَا الْقُبُورُ بُعْثِرَتْ ④ عَلِمْتَ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ
 وَأَخَّرَتْ ⑤ يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا غَرَّكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ ⑥ الَّذِي
 خَلَقَكَ فَسَوَّاكَ فَعَدَلَكَ ⑦ فِي أَيِّ صُورَةٍ مَّا شَاءَ رَكَّبَكَ ⑧
 كَلَّا بَلْ تُكَذِّبُونَ بِالذِّينِ ⑨ وَإِنَّ عَلَيْكُمْ لَحَافِظِينَ ⑩ كِرَامًا
 كَاتِبِينَ ⑪ يَعْلَمُونَ مَّا تَفْعَلُونَ ⑫ إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ ⑬ وَإِنَّ
 الْفَجَّارَ لَفِي جَحِيمٍ ⑭ يَصَلُّونَهَا يَوْمَ الذِّينِ ⑮ وَمَاهُمْ عَنْهَا بِغَائِبِينَ
 ⑯ وَمَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمُ الذِّينِ ⑰ ثُمَّ مَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمُ الذِّينِ
 ⑱ يَوْمَ لَا تَمَلِكُ نَفْسٌ لِنَفْسٍ شَيْئًا ⑲ وَالْأَمْرُ يَوْمَئِذٍ لِلَّهِ ⑲

سورة المطففين

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَيَلُّ لِّلْمُطَفِّفِينَ ① الذِّينِ إِذَا كَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ ②
 وَإِذَا كَالُوهُمْ أَوَّزَّهُمْ يُخْسِرُونَ ③ أَلَا يَظُنُّ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ ④

سوره انفطار مکی است
وآن نوزده آیه است

بنام خدای بخشاینده مهربان.

هنگامیکه آسمان بشگافد (۱). و وقتی که ستارگان از هم بریزند (۲). و هنگامیکه دریاها بنهایت شدت روان کرده شوند (۳). و هنگامیکه گورها شگافته شوند (۴). بداند هر نفسی آنچه فرستاده بود و آنچه باز پس گذاشته بود (۵). ای انسان چه چیز تورا به پروردگار بزرگوارت فریفت (۶). کسی که تورا بیافرید پس تورا درست اندام کرد پس تورا معتدل قامت (درست) کرد (۷). در هر صورتی که خواست تورا ترکیب کرد (۸). نه!، بلکه جزای اعمال را تکذیب می‌کردید (۹). و هر آئینه بر شما گماشته شده‌اند نگاهبان (۱۰). نویسندگان گرامی قدر (۱۱). میدانند آنچه می‌کنید (۱۲). هر آئینه نیکوکاران در نعمت باشند (۱۳). و هر آئینه گناهکاران در دوزخ باشند (۱۴). به دوزخ روز جزای اعمال درآیند (۱۵). و از آن جا غائب نباشند (۱۶). و چه چیز تورا ای آدمی مطلع ساخت که روز جزا چیست؟ (۱۷). باز (می‌گوییم) چه چیز تورا مطلع ساخت که روز جزا چیست؟ (۱۸). روزیست که هیچکس برای هیچکس هیچ فائده رسانیدن نتواند و فرمان آن روز فقط از خدا باشد (۱۹).

سوره مطففین مکی است و آن سی
وشش آیه است

بنام خدای بخشاینده مهربان.

وای به حال کاهندگان حقوق مردم (۱). آنانکه چون برای خود پیمانانه از مردمان بگیرند به (سختی) تمام بگیرند (۲). و چون خواهند که ایشانرا پیمانانه بدهند یا ایشان را سنجیده بدهند زیان رسانند (۳). آیا نمیدانند این جماعت که ایشان برانگیخته خواهند شد (۴).

لِيَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿٥﴾ يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٦﴾ كَلَّا إِنَّ كِتَابَ
 الْفُجَارِ لَفِي سِجِّينٍ ﴿٧﴾ وَمَا أَدْرَاكَ مَا سِجِّينٌ ﴿٨﴾ كِتَابٌ مَرْقُومٌ ﴿٩﴾
 وَيَلُّ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ ﴿١٠﴾ الَّذِينَ يُكَذِّبُونَ بِيَوْمِ الدِّينِ ﴿١١﴾ وَمَا يَكْذِبُ
 بِهِ إِلَّا كُلُّ مُعْتَدٍ أَثِيمٍ ﴿١٢﴾ إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِ آيَاتُنَا قَالَ أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ
 ﴿١٣﴾ كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿١٤﴾ كَلَّا إِنَّهُمْ عَنْ رَبِّهِمْ
 يَوْمَئِذٍ لَّمَّ حُجُوبُونَ ﴿١٥﴾ ثُمَّ إِنَّهُمْ لَصَالُوا الْجَحِيمِ ﴿١٦﴾ ثُمَّ يُقَالُ هَذَا
 الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تُكْذِبُونَ ﴿١٧﴾ كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْأَبْرَارِ لَفِي عِلِّيِّينَ ﴿١٨﴾
 وَمَا أَدْرَاكَ مَا عِلِّيُّونَ ﴿١٩﴾ كِتَابٌ مَرْقُومٌ ﴿٢٠﴾ يَشْهَدُهُ الْمُقَرَّبُونَ ﴿٢١﴾
 إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ ﴿٢٢﴾ عَلَى الْأَرَآئِكِ يَنْظُرُونَ ﴿٢٣﴾ تَعْرِفُ فِي
 وُجُوهِهِمْ نَضْرَةَ النَّعِيمِ ﴿٢٤﴾ يُسْقَوْنَ مِنْ رَحِيقٍ مَّخْتُومٍ ﴿٢٥﴾ خِتْمُهُ
 مَسْكٌ وَفِي ذَٰلِكَ فَلْيَتَنَافَسِ الْمُتَنَفِسُونَ ﴿٢٦﴾ وَمَرَجَهُ مِنْ
 تَسْنِيمٍ ﴿٢٧﴾ عَيْنَا يَشْرَبُ بِهَا الْمُقَرَّبُونَ ﴿٢٨﴾ إِنَّ الَّذِينَ أُجْرِمُوا كَانُوا
 مِنَ الَّذِينَ ءَامَنُوا يَصْحَكُونَ ﴿٢٩﴾ وَإِذَا مَرُّوا بِهِمْ يَتَغَامِرُونَ ﴿٣٠﴾
 وَإِذَا انْقَلَبُوا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ انْقَلَبُوا فَكِهِينَ ﴿٣١﴾ وَإِذَا رَأَوْهُمْ قَالُوا
 إِنَّ هَٰؤُلَاءِ لَضَالُونَ ﴿٣٢﴾ وَمَا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ حَفِظِينَ ﴿٣٣﴾

در روز بزرگ (۵). روزیکه مردمان پیش پروردگار جهانیان می ایستند (۶). حقا به راستی نامه اعمال گنهکاران در سجین داخل شود (۷). و چه چیز مطلع ساخت تورا که چیست سحین؟ (۸). کتابیست نوشته شده (۹). وای آن روز بر تکذیب کنندگان (۱۰). آنانکه روز جزا را تکذیب میکنند (۱۱). و تکذیب نمی کند آن را مگر هرستمکار گنهکار (۱۲). چون بروی آیات ما خوانده شود گوید افسانه‌های پیشینیان است (۱۳). چنین نیست، بلکه بردل های ایشان آنچه می کردند زنگ بسته است (۱۴). چنین نیست، هرآئینه ایشان از دیدار پروردگار خویش آنروز محجوب باشند (۱۵). باز هرآئینه ایشان درآیندگان دوزخ باشند (۱۶). باز گفته شود ایشان را اینست آنچه شما آنرا تکذیب می کردید (۱۷). حقا به راستی نامه اعمال نیکوکاران در علین داخل شود (۱۸). و چه چیز مطلع ساخت تورا که علین چیست؟ (۱۹). کتابیست نوشته شده (۲۰). که حاضر شوند نزد آن مقربین بارگاه الهی (۲۱). هرآئینه نیکوکاران در نعمت باشند (۲۲). بر تخت‌هایشسته بهر جانب نظر میکنند (۲۳). در چهره های ایشان تازگی نعمت را بشناسی (۲۴). نوشانیده شوند از شراب خالص مهرشده (۲۵). (بجای موم) مهر او مُشک باشد و به همین شراب پاك باید که رغبت کنندگان رغبت کنند (۲۶). و آمیختنی آن از آب تسنیم باشد (۲۷). (مراد میدارم) چشمه‌ای که از آن مقربین خدا می نوشند (۲۸). هرآئینه گنهکاران به مسلمانان می خندیدند (۲۹). و چون به مسلمانان میگذشتند بایکدیگر اشارات تمسخر و حقارت میزدند (۳۰). و چون به اهل خانه خود بازمی‌گشتند شادمان شده بازمی‌گشتند (۳۱). و چون میدیدند مسلمانان رامیگفتند هرآئینه ایشان گمراهند (۳۲). و بر آنان (مسلمانان) نگهبانان فرستاده نشده بودند (۳۳).

فَالْيَوْمَ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنَ الْكُفَّارِ يَضْحَكُونَ ﴿٢٤﴾ عَلَى
الْأَرَآئِكِ يَنْظُرُونَ ﴿٢٥﴾ هَلْ تُوْبُّ الْكُفَّارُ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ ﴿٢٦﴾

سورة الانشقاق

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

إِذَا السَّمَاءُ انشَقَّتْ ﴿١﴾ وَأَذِنَتْ لِرَبِّهَا وَحُقَّتْ ﴿٢﴾ وَإِذَا الْأَرْضُ مُدَّتْ
﴿٣﴾ وَأَلْقَتْ مَا فِيهَا وَتَخَلَّتْ ﴿٤﴾ وَأَذِنَتْ لِرَبِّهَا وَحُقَّتْ ﴿٥﴾ يَتَأَيَّهَا
الْإِنْسُنُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَى رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلِّقِيهِ ﴿٦﴾ فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ
كِتَابَهُ وَبِیْمِينِهِ ﴿٧﴾ فَسَوْفَ يُحَاسَبُ حِسَابًا یَسِيرًا ﴿٨﴾ وَیَقْلِبُ
إِلَى أَهْلِهِ مَسْرُورًا ﴿٩﴾ وَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ وَرَاءَ ظَهْرِهِ ﴿١٠﴾ فَسَوْفَ
یَدْعُو نُبُورًا ﴿١١﴾ وَیَصْلَى سَعِيرًا ﴿١٢﴾ إِنَّهُ كَانَ فِی أَهْلِهِ مَسْرُورًا ﴿١٣﴾
إِنَّهُ ظَنَّ أَنْ لَنْ یُحُورَ ﴿١٤﴾ بَلَى إِنَّ رَبَّهُ كَانَ بِهِ بَصِيرًا ﴿١٥﴾ فَلَا أُقْسِمُ
بِالشَّفَقِ ﴿١٦﴾ وَاللَّیْلِ وَمَا وَسَقَ ﴿١٧﴾ وَالْقَمَرِ إِذَا اتَّسَقَ ﴿١٨﴾
لَتَرْكَبُنَّ طَبَقًا عَن طَبَقٍ ﴿١٩﴾ فَمَا لَهُمْ لَا یُؤْمِنُونَ ﴿٢٠﴾ وَإِذَا قُرِئَ
عَلَيْهِمُ الْقُرْءَانُ لَا یَسْجُدُونَ ﴿٢١﴾ بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا یُكْذِبُونَ ﴿٢٢﴾
﴿٢٣﴾ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا یُوعُونَ ﴿٢٤﴾ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ﴿٢٥﴾

پس امروز مسلمانان بر کافران میخندند (۳۴). بر تخت هانشسته بهر جانب نظر میکنند (۳۵). آیا به کافران سزای آنچه میکردند جزا داده شد؟ (۳۶).



بنام خدای بخشاینده مهربان.

هنگامیکه آسمان بشگافد (۱). و فرمان پروردگار خود را گوش کند و آسمان سزاوار گوش کردن است (۲). و هنگامیکه زمین کشیده شود (۳). و بیرون اندازد آنچه در آن باشد و خالی شود^(۱) (۴). و فرمان پروردگار خود را گوش کند و زمین سزاوار گوش کردن است (یعنی حساب روز آخرت بودنی است) (۵). ای انسان هر آئینه تاملات پروردگار خود در تلاشی سخت خواهی بود پس به لقای پروردگار خود خواهی رسید (۶). پس اما هر که نامه اعمال او بدست راستش داده شد (۷). پس با او حساب کرده شود حساب آسان (۸). و به سوی اهل خانه خود شادمان شده باز گردد (۹). و اما هر که نامه اعمال او از پس پشتش داده شد (۱۰). پس هلاک را یاد خواهد کرد (۱۱). و به دوزخ در خواهد آمد (۱۲). هر آئینه او در دنیا در اهل خانه خود شادمان بود (۱۳). هر آئینه گمان کرده بود که به سوی خدایتعالی رجوع نمی کند (۱۴). آری (رجوع کردن متحقق است) هر آئینه پروردگاراو به احوال او بینا بود (۱۵). پس بسرخ کناره آسمان اوّل شب سوگند میخورم (۱۶). و شب آنچه شب آنرا جمع کرده است قسم میخورم (۱۷). و به ماه قسم میخورم چون تمام شود (۱۸). خواهید رسید بحالی بعد از حالی^(۲) (۱۹). پس چیست این کافران را که ایمان نمی آورند؟ (۲۰). و چون برایشان قرآن خوانده شود سجده نمی کنند (۲۱). بلکه این کافران دروغ می انگاشتند (۲۲). و خدا بآنچه در دل خود نگاه میدارند داناتر است (۲۳). پس ایشان را به عذابی دردناک خبر ده (۲۴).

(۱) یعنی اموات را بیرون بیندازد والله اعلم.

(۲) یعنی هول موت بعد از آن سوالی متکرونکیر بعد از آن حشر و حساب و مرور بر صراط بعد از آن دوزخ یا بهشت والله اعلم.

إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ ﴿١٥﴾

سُورَةُ الْبُرُوجِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ ﴿١﴾ وَالْيَوْمِ الْمَوْعُودِ ﴿٢﴾ وَشَاهِدٍ وَمَشْهُودٍ

﴿٣﴾ قُتِلَ أَصْحَابُ الْأُخْدُودِ ﴿٤﴾ النَّارِ ذَاتِ الْوُفُودِ ﴿٥﴾ إِذْ هُمْ عَلَيْهَا

قُعُودٌ ﴿٦﴾ وَهُمْ عَلَى مَا يَفْعَلُونَ بِالْمُؤْمِنِينَ شُهُودٌ ﴿٧﴾ وَمَا نَقَمُوا

مِنْهُمْ إِلَّا أَنْ يُؤْمِنُوا بِاللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ ﴿٨﴾ الَّذِي لَهُ مُلْكُ

السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ ﴿٩﴾ إِنَّ الَّذِينَ

فَتَنُوا الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَتُوبُوا فَلَهُمْ عَذَابٌ جَهَنَّمَ وَلَهُمْ

عَذَابُ الْحَرِيقِ ﴿١٠﴾ إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ

جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْكَبِيرُ ﴿١١﴾ إِنَّ بَطْشَ

رَبِّكَ لَشَدِيدٌ ﴿١٢﴾ إِنَّهُ هُوَ بَدِيٌّ وَبَعِيدٌ ﴿١٣﴾ وَهُوَ الْغَفُورُ الْوَدُودُ ﴿١٤﴾

ذُو الْعَرْشِ الْمَجِيدُ ﴿١٥﴾ فَعَالٌ لِمَا يُرِيدُ ﴿١٦﴾ هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْجُنُودِ

﴿١٧﴾ فِرْعَوْنَ وَثَمُودَ ﴿١٨﴾ بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي تَكْذِيبٍ ﴿١٩﴾ وَاللَّهُ مِنْ

وَرَائِهِمْ مُحِيطٌ ﴿٢٠﴾ بَلْ هُوَ قَرِءٌ أَنْ تُحْمَدَ ﴿٢١﴾ فِي لَوْحٍ مَحْفُوظٍ ﴿٢٢﴾

لیکن آنانکه ایمان آوردند و کردارهای شایسته کردند برایشان پاداش بی نهایت است (۲۵).



بنام خدای بخشاینده مهربان.

قسم به آسمانِ دارای برجها^(۱) (۱). و قسم به روزِ موعود^(۲) (۲). و قسم به روزیکه درهفته^(۳) حاضر میشود (۳). اهل خندق ها هلاک کرده شدند (۴). از (خندقهاپر) از آتش دارای هیزم بسیار (۵). هنگامیکه ایشان برکناره^۴ آن (خندق ها) نشسته بودند (۶). و ایشان به آنچه با مسلمانان میکردند حاضر بودند (۷). و از ایشان ایرادی جز این خصلت نگرفتند که به خدای غالب ستوده کار ایمان آورده بودند (۸). آنکه برای او پادشاهی آسمان هاوزمین است و خدا بر همه چیز مطلع است^(۴) (۹). هر آئینه آنانکه عقوبت کردند مردان مسلمان و زنان مسلمان را بازتوبه نمودند پس برای ایشان عذاب دوزخ است و برای ایشان عذاب سوختن است (۱۰). هر آئینه آنانکه ایمان آوردند و کردارهای شایسته کردند ایشانراست بوستانهایی که می رود زیر آنها جویها اینست پیروزی بزرگ (۱۱). هر آئینه گرفتِ پروردگارتو بسا سخت است (۱۲). هر آئینه او آفرینش نو را آغاز میکند و دوباره می آفریند (۱۳). و اوست آموزگار دوستدار (۱۴). او خداوند عرش گرامیقدر است (۱۵). بسیار کننده است هر چیزی را که خواهد (۱۶). آیا به تو خبر لشکرها آمده است (۱۷). که فرعون و ثمودباشند (۱۸). بلکه کافران در تکذیبند (۱۹). و خدا از گردا گرد ایشان گیرنده است (۲۰). بلکه این قرآن گرامیقدر است (۲۱). در لوح محفوظ نوشته شده است (۲۲).

(۱) یعنی برجهای دوازدهگانه.

(۲) یعنی روز قیامت.

(۳) یعنی روز جمعه یا قسم بروزیکه حاجیان به آنروز حاضر میشوند یعنی روز عرفه هر آئینه مجازات متحقق است.

(۴) مترجم گوید پادشاهی ظالم رعیت خودرا تکلیف کفر کرد و چون کافر نشدند خندقهارا باآتش پرکرد و ایشانرا باآتش افکند خدای تعالی آن آتش را برپادشاه وهم نشینان او مسلط ساخت تااز خندق بریده، همه را پاك بسوخت والله اعلم.

سورة الطارق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالسَّمَاءِ وَالطَّارِقِ ① وَمَا أَدْرَاكَ مَا الطَّارِقُ ② النَّجْمُ الثَّاقِبُ ③
 ④ إِنَّ كُلَّ نَفْسٍ لَّمَّا عَلَيْهَا حَافِظٌ ⑤ فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ ⑥
 خُلِقَ مِنْ مَّاءٍ دَافِقٍ ⑦ يَخْرُجُ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ وَالتَّرَائِبِ ⑧ إِنَّهُ عَلَى
 رَجْعِهِ لَقَادِرٌ ⑨ يَوْمَ بُدِيَ السَّرَائِرُ ⑩ فَمَا لَهُ مِنْ قُوَّةٍ وَلَا نَاصِرٍ
 ⑪ وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الرَّجْعِ ⑫ وَالْأَرْضِ ذَاتِ الصَّدْعِ ⑬ إِنَّهُ
 لَقَوْلٌ فَضْلٌ ⑭ وَمَا هُوَ بِأَهْزَلٍ ⑮ إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا ⑯
 وَأَكِيدُ كَيْدًا ⑰ فَمَهْلِكُ الْكَافِرِينَ أَهْمِلُهُمْ رُوَيْدًا ⑱

سورة الأعلیٰ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سَبَّحَ اسْمُ رَبِّكَ الْأَعْلَى ① الَّذِي خَلَقَ فَسَوَّى ② وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدَى ③
 ④ وَالَّذِي أَخْرَجَ الْمَرْعَى ⑤ فَجَعَلَهُ غُثَاءً أَحْوَى ⑥ سَنُقَرِّبُكَ
 ⑦ فَلَا تَنْسَى ⑧ إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ إِنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ وَمَا يَخْفَى ⑨ وَنُيَسِّرُكَ
 ⑩ لِلْيُسْرَى ⑪ فَذَكِّرْ إِنْ نَفَعَتِ الذِّكْرَى ⑫ سَيَذَكِّرْ مَنْ يَخْشَى ⑬



بنام خدای بخشاینده مهربان.

قسم به آسمان و به شب آینده (۱). و چه چیز تورا مطلع ساخت که شب پدید آینده چیست؟ (۲). (همان) ستاره درخشنده است (۳). نیست هیچ شخصی مگر بروی (فرشته ای) نگهبانی است (۴). پس باید که انسان ببیند از چه چیز آفریده شده است (۵). از آبی جهنده آفریده شده است (۶). که از میان پشت (مرد) و استخوان های سینه (زن) برمی آید (۷). بی گمان خدا بر دوباره آفریدن انسان توانا است (۸). روزیکه اسرار (مردمان) آشکار می شود (۹). پس او را طاقتی و نصرت دهنده ای نباشد (۱۰). قسم به آسمان باران دار (۱۱). و قسم به زمین شگاف بردار (۱۲) (۱). به یقین قرآن سخن واضح است (۱۳). و (قرآن) سخنی بیهوده نیست (۱۴). هر آئینه کافران سخت بداندیشی میکنند (۱۵). و من نیز (درمقابل ایشان) تدبیر میکنم تدبیر کردنی (۱۶) (۲). پس به کافران مهلت بده ایشان را اندک زمانی فروگذار (۱۷).



بنام خدای بخشاینده مهربان.

نام پروردگار بزرگوارت را به پاکی یادکن (۱). آنکه بیافرید پس درست اندام کرد (۲). اندازه کرد پس هدایت نمود (۳) (۱). و آنکه گیاه تازه را برآورد (۴). باز آنرا خشک شده سیاه گشته گرداند (۵). تورا (قرآن) تعلیم خواهیم کرد پس فراموش نخواهی کرد (۶). مگر آنچه خدا خواسته است هر آئینه خدا آشکار و پنهان را میداند (۷) (۲). و تورا به معرفت شریعت آسان توفیق خواهیم داد (۸). پس پند ده اگر پند دادن سود می دهد (۹). هر که می ترسد (از خدا) پند خواهد پذیرفت (۱۰).

سوره طارق

(۱) یعنی تادانه بیرون آید.

(۲) و این وعده روز بدر متحقق شد.

سوره اعلیٰ

(۱) یعنی جمیع مخلوقات را اندازه کرده بحسب آن اندازه در مخلوقات تصرف فرمود تا همان صورت به روی کارآمد پس این تصرف را بهدایت تعبیر فرمود والله اعلم.

(۲) مترجم گوید فراموش گردانیدن این آیه از خاطر مبارک آن حضرت صلی الله علیه وسلم نوعی از نسخ است والله اعلم.

وَيَجْتَبِهَا الْأَشْقَى ۝۱۱ الَّذِي يَصْلِي النَّارَ الْكُبْرَى ۝۱۲ ثُمَّ لَا يَمُوتُ
فِيهَا وَلَا يَحْيَى ۝۱۳ قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى ۝۱۴ وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى ۝۱۵
بَلْ تُؤْثِرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا ۝۱۶ وَالْآخِرَةَ خَيْرٌ وَأَبْقَى ۝۱۷ إِنَّ
هَذَا لَفِي الصُّحُفِ الْأُولَى ۝۱۸ صُحُفٍ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى ۝۱۹

سُورَةُ الْغَاشِيَةِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْغَاشِيَةِ ۝۱ وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ خَاشِعَةٌ ۝۲ عَامِلَةٌ
نَّاصِبَةٌ ۝۳ نَصَلَى نَارًا حَامِيَةً ۝۴ تُسْقَى مِنْ عَيْنٍ آتِيَةٍ ۝۵ لَيْسَ
لَهُمْ طَعَامٌ إِلَّا مِنْ ضَرِيحٍ ۝۶ لَا يُسْمِنُ وَلَا يُغْنِي مِنْ جُوعٍ ۝۷ وَجُوهٌ
يَوْمَئِذٍ نَاعِمَةٌ ۝۸ لِسْعِيهَا رَاضِيَةٌ ۝۹ فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ ۝۱۰ لَا تَسْمَعُ
فِيهَا الْغِيَةَ ۝۱۱ فِيهَا عَيْنٌ جَارِيَةٌ ۝۱۲ فِيهَا سُرُرٌ مَرْفُوعَةٌ ۝۱۳ وَأَكْوَابٌ
مَوْضُوعَةٌ ۝۱۴ وَنَمَارِقُ مَصْفُوفَةٌ ۝۱۵ وَزَرَّاقِي مَبْتُوثَةٌ ۝۱۶ أَفَلَا يَنْظُرُونَ
إِلَى الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ ۝۱۷ وَإِلَى السَّمَاءِ كَيْفَ رُفِعَتْ ۝۱۸ وَإِلَى
الْجِبَالِ كَيْفَ نُصِبَتْ ۝۱۹ وَإِلَى الْأَرْضِ كَيْفَ سُطِحَتْ ۝۲۰
فَذَكَرْنَا أَنْتَ مَذَكَّرٌ ۝۲۱ لَسْتَ عَلَيْهِمْ بِمُصَيِّرٍ ۝۲۲

و از آن پند بدبخت ترین مردمان اجتناب می کند (۱۱). آنکه به آتش بزرگ درخواهد آمد (۱۲). باز نمی میرد در آنجا و نه زنده باشد (۱۳). هر آئینه هر که پاك شد رستگار شد (۱۴). و نام پروردگار خود را یاد کرد پس نماز خواند (۱۵). بلکه زندگانی این جهان را اختیار میکنید (۱۶). و آخرت بهتر و پاینده تر است (۱۷). هر آئینه این سخن در صحیفه های نخستین هم مذکور بود (۱۸). صحیفه های ابراهیم و موسی (۱۹).



بنام خدای بخشاینده مهربان.

آیا به تو خبر قیامت آمده است (۱). يك عدهٔ چهره ها آنروز خوار باشند (۲). کار کننده محنت کشنده باشند (۳). به آتش افروخته شده درآیند (۴). آب نوشانیده شوند از چشمهٔ بسیار گرم (۵). ایشانرا هیچ طعامی جز از ضریع نباشد (۶). که فربه نکند و دفع گرسنگی نه نماید^(۱) (۷). يك عدهٔ چهره ها آنروز تازه باشند (۸). به سعی خود رضا مند شده باشند (۹). دربهبشت برین باشند (۱۰). در آن هیچ سخن بیهوده نشنوی (۱۱). در آن جا چشمهٔ روان باشد (۱۲). در آن جا تخت های بلند باشد (۱۳). و کوزه های نهاده شده (۱۴). و بالشهای برابر یکدیگر گذاشته شده (۱۵). و فرش های نفیس پهن کرده باشد (۱۶). آیا به سوی شتران نمی نگرند چگونگی آفریده شدند (۱۷). و به سوی آسمان که چگونه برافراشته شده؟ (۱۸). و به سوی کوه ها که چگونه برقرار گردیده؟ (۱۹). و به سوی زمین که چگونه گسترده شده است (۲۰). پس پند ده جزاین نیست که تو پند دهنده ای (۲۱). برایشان گماشته شده نیستی (۲۲).

(۱) ضریع نام گیاه خاردار است.

إِلَّا مَنْ تَوَلَّى وَكَفَرَ ﴿١٣﴾ فَيَعَذِّبُهُ اللَّهُ الْعَذَابَ الْأَكْبَرَ ﴿١٤﴾
 إِنَّ إِلَيْنَا إِيَابَهُمْ ﴿١٥﴾ ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُمْ ﴿١٦﴾

سُورَةُ الْفَجْرِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالْفَجْرِ ﴿١﴾
 وَلَيَالٍ عَشْرٍ ﴿٢﴾ وَالشَّفْعِ وَالْوَتْرِ ﴿٣﴾ وَالْإِيلِ إِذَايسرِ ﴿٤﴾
 هَلْ فِي ذَلِكَ قَسَمٌ لِّذِي حِجْرِ ﴿٥﴾ أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِعَادٍ ﴿٦﴾
 إِرْمَ ذَاتِ الْعِمَادِ ﴿٧﴾ الَّتِي لَمْ يُخْلَقْ مِثْلُهَا فِي الْبِلَادِ ﴿٨﴾ وَثَمُودَ الَّذِينَ
 جَابُوا الصَّخْرَ بِالْوَادِ ﴿٩﴾ وَفِرْعَوْنَ ذِي الْأَوْتَادِ ﴿١٠﴾ الَّذِينَ طَعَوْا فِي
 الْبِلَادِ ﴿١١﴾ فَأَكْثَرُوا فِيهَا الْفُسَادَ ﴿١٢﴾ فَصَبَّ عَلَيْهِمْ رَبُّكَ سَوْطَ
 عَذَابٍ ﴿١٣﴾ إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمِرْصَادِ ﴿١٤﴾ فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ
 رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ، وَنَعَّمَهُ، فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِ ﴿١٥﴾ وَأَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ
 فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ، فَيَقُولُ رَبِّي أَهْنَنِ ﴿١٦﴾ كَلَّا بَلْ لَا تُكْرَمُونَ
 الْيَتِيمَ ﴿١٧﴾ وَلَا تَحْضُونَ عَلَى طَعَامِ الْمَسْكِينِ ﴿١٨﴾ وَتَأْكُلُونَ
 التُّرَاثَ أَكْلًا لَمًّا ﴿١٩﴾ وَتُحِبُّونَ الْمَالَ حُبًّا جَمًّا ﴿٢٠﴾ كَلَّا إِذَا
 دُكَّتِ الْأَرْضُ دَكًّا دَكًّا ﴿٢١﴾ وَجَاءَ رَبُّكَ وَالْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا ﴿٢٢﴾

لیکن هرکه روی بگرداند و کافر شود (۲۳). پس خدا او را به عقوبت بزرگ عذاب می دهد (۲۴). هرآئینه رجوع ایشان به سوی ما است (۲۵). باز هرآئینه حساب ایشان بر ما است (۲۶).



بنام خدای بخشاینده مهربان.

قسم به صبح (۱). و به شب های ده گانه ^(۱) (۲). و قسم به جفت و طاق ^(۲) (۳). و قسم به شب چون روان شود (۴). آیدرین (امر) سوگندی معتبر برای صاحب خرد ^(۳) هست (۵). آیا ندیدی که پروردگار تو با قوم عاد چگو نه معامله کرد؟ (۶). ارم دارای قدهای بلند (۷). که همانند آن در شهرها آفریده نشده است (۸). و (چگونه معامله کرد) با قوم ثمود که سنگهای بزرگ را در وادی قری' تراشیده بودند (۹). و با فرعون صاحب میخها چگونه معامله کرد ^(۴) (۱۰). همه این جماعتها آنانند که در شهرها سرکشی کردند (۱۱). پس در آنجا فساد را بسیار به عمل آوردند (۱۲). پس سرانجام، پروردگار تو بر سرایشان يك دفعه عذاب فروریخت (۱۳). هرآئینه پروردگارت در کمین گاه است (۱۴). پس اما انسان چون پروردگارش او را امتحان کندش پس گرامی کندش و نعمت دهدش پس گوید پروردگرم مرا گرامی ساخت (۱۵). و اما چون امتحان کندش پس تنگ سازد بروی رزق او را گوید پروردگرم مرا خوار کرده است (۱۶). چنین نیست، بلکه یتیم را گرامی نمیدارید (۱۷). و یکدیگر را بر طعام دادن فقیر تشویق نمی کنید (۱۸). و به شدت مال میراث را میخورید ^(۵) (۱۹). و مال را دوست میدارید دوست داشتن بسیار ^(۶) (۲۰). چنین نیست (که میگویند)، چون زمین پی در پی هموار ^(۷) کرده شود (۲۱). و پروردگار تو بیاید و فرشتگان (نیز) صف در صف بیایند (۲۲).

(۱) یعنی عشره* ذو الحجة.

(۲) یعنی بعض نماز جفت است و بعض طاق.

(۳) که خدا جزا دهنده* بندگان بر اعمال ایشان است.

(۴) یعنی به چهار میخ بسته عقوبت میکند.

(۵) یعنی زنان و یتیمان را حق ایشان نمیدهد و حق ایشان را بمال خود جمع می کند.

(۶) یعنی اسباب اکرام الهی در اکرام یتیم و اطعام مسکین است آثرامی باید کرد و شما باین صفت هستید که یتیمان را حق ایشان نمی دهید و حق ایشانرا بمال خود جمع میکنید.

(۷) یعنی کوهها و تپه ها را با سایر زمین برابر کرده شود.

وَجَاءَ يَوْمَئِذٍ بِجَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ وَأَنَّى
 لَهُ الذِّكْرَى ﴿٢٣﴾ يَقُولُ يَلِيَّتَنِي قَدَّمْتُ لِحَيَاتِي ﴿٢٤﴾ فَيَوْمَئِذٍ
 لَا يُعَدِّبُ عَذَابُهُ أَحَدٌ ﴿٢٥﴾ وَلَا يُوثِقُ وَثَاقَهُ أَحَدٌ ﴿٢٦﴾ يَا أَيُّهَا
 النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ﴿٢٧﴾ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً ﴿٢٨﴾
 فَأَدْخُلِي فِي عِبَادِي ﴿٢٩﴾ وَأَدْخُلِي جَنَّتِي ﴿٣٠﴾

سورة البلد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

لَا أَقْسِمُ بِهَذَا الْبَلَدِ ﴿١﴾ وَأَنْتَ حِلٌّ بِهَذَا الْبَلَدِ ﴿٢﴾ وَالْوَالِدِ وَمَا وُلِدَ
 ﴿٣﴾ لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ ﴿٤﴾ أَيْحَسِبُ أَنْ لَنْ يَقْدِرَ عَلَيْهِ
 أَحَدٌ ﴿٥﴾ يَقُولُ أَهْلَكْتُ مَا لَا لُبَدًا ﴿٦﴾ أَيْحَسِبُ أَنْ لَمْ يَرَهُ أَحَدٌ
 ﴿٧﴾ أَلَمْ نَجْعَلْ لَهُ عَيْنَيْنِ ﴿٨﴾ وَلِسَانًا وَشَفَتَيْنِ ﴿٩﴾ وَهَدَيْنَاهُ
 النَّجْدَيْنِ ﴿١٠﴾ فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ ﴿١١﴾ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْعَقَبَةُ ﴿١٢﴾
 فَكَّرَبَةٌ ﴿١٣﴾ أَوْ إِطْعَمٌ فِي يَوْمٍ ذِي مَسْغَبَةٍ ﴿١٤﴾ يَتِيمًا ذَا مَقْرَبَةٍ
 ﴿١٥﴾ أَوْ مَسْكِينًا ذَا مَتْرَبَةٍ ﴿١٦﴾ ثُمَّ كَانَ مِنَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَتَوَاصَوْا
 بِالصَّبْرِ وَتَوَاصَوْا بِالْمَرْحَمَةِ ﴿١٧﴾ أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ ﴿١٨﴾

وآنروز دوزخ آورده شود انسان آنروز یاد کند و اورانفع آن یاد کردن کج باشد (۲۳). گوید ای کاش من عمل نیک برای این زندگانی جاودانی خویش می فرستادم (۲۴). پس آنروز هیچ کسی را چون عذاب او خدا عذاب نمی دهد (۲۵). و بزنجیر نبندد مانند بستن او به هیچکس^(۱) (۲۶). (گفته شود روح مومن را وقت مرگ) ای نفس آرام گیرنده (۲۷). باز گرد به سوی پروردگار خویش خوشنود شده و از تونیز خوشنود گشته (۲۸). پس به زمره^۲ بندگان خاص من داخل شو (۲۹). و به بهشت من داخل شو (۳۰).



بنام خدای بخشاینده مهربان.

قسم میخورم باین شهر (یعنی مکه مکرمه) (۱). و تو به این شهر در خواهی آمد^(۱) (۲). و قسم میخورم به پدر (آدم) و به هر چه زاده است^(۲) (۳). هر آینه انسان را در مشقت آفریدیم^(۳) (۴). آیا انسان گمان می کند که هیچکس بروی قادر نیست (۵). میگوید مال (توبرتو) فراوانی هزینه کردم (۶). آیامی پندارد که او را هیچکس ندیده است (۷). آیا برای او دو چشم را نیا فریده ایم؟ (۸). و زبان و دولب را (۹). و او را بردوراه دلالت کردیم^(۴) (۱۰). پس در نیامد گذرگاه سخت (۱۱). و چه چیز مطلع ساخت تورا که چیست گذرگاه سخت^(۵)؟ (۱۲). آزاد کردن برده است (۱۳). یا خوراک دادن در روز گرسنگی (۱۴). یتیم خویشاوند را (۱۵). یا باینوای فقیر ناتوان را (۱۶). بعد از آن از آنانکه ایمان آورده اند باشد و همدیگر را به شکیبایی وصیت کرده اند و همدیگر را به شفقت بر خلق خدا وصیت کرده اند (۱۷). این جماعت ایشان اهل نیک بختی اند (۱۸).

سوره فجر

(۱) بوجهی واقع شود که هیچ کس غیر او بر آن قادر نیست والله اعلم.

سوره بلد

(۱) یعنی تراقتال در مکه حلال خواهد شد.

(۲) یعنی آدم و جمیع ذریه او.

(۳) یعنی عادت انسان است که بقوت خود فخر می کند و نبیند که چه قدر ناتوانی ها می کشد و نیز بیذل مال فخر می کند و نمی داند که خدا او را می بیند که بی نهایت حقیر و بخیل است.

(۴) یعنی خیر و شر.

(۵) یعنی بحقیقت قوت آنست که این اعمال بجآزرد.

وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا هُمْ أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ ﴿١١﴾ عَلَيْهِمْ نَارٌ مُّؤَصَّدَةٌ ﴿١٢﴾

سُورَةُ الشَّمْسِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالشَّمْسِ وَضُحَاهَا ﴿١﴾ وَالْقَمَرِ إِذَا تَلَّهَا ﴿٢﴾ وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّهَا ﴿٣﴾ وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا ﴿٤﴾ وَالسَّمَاءِ وَمَا بَنَاهَا ﴿٥﴾ وَالْأَرْضِ وَمَا طَحَاهَا ﴿٦﴾ وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا ﴿٧﴾ فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا ﴿٨﴾ قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا ﴿٩﴾ وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا ﴿١٠﴾ كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِطَغْوَاهَا ﴿١١﴾ إِذِ انبَعَثَ أَشْقَاهَا ﴿١٢﴾ فَقَالَ لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ نَاقَةَ اللَّهِ وَسُقْيَاهَا ﴿١٣﴾ فَكَذَّبُوهُ فَعَقَرُوهَا فَدَمْدَمَ عَلَيْهِمْ رَبُّهُم بِذَنبِهِمْ فَسَوَّاهَا ﴿١٤﴾ وَلَا يَخَافُ عُقْبَاهَا ﴿١٥﴾

سُورَةُ اللَّيْلِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

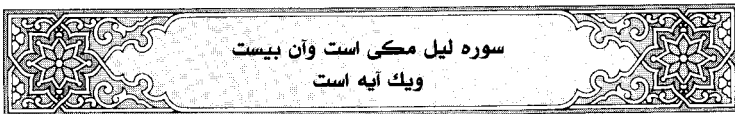
وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى ﴿١﴾ وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى ﴿٢﴾ وَمَا خَلَقَ الذَّكَرَ وَالْأُنثَى ﴿٣﴾ إِنَّ سَعْيَكُمْ لَشَتَّى ﴿٤﴾ فَأَمَّا مَنْ أَعْطَى وَاتَّقَى ﴿٥﴾ وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَى ﴿٦﴾ فَسَنِيسِرُهُ لِلْيُسْرَى ﴿٧﴾ وَأَمَّا مَنْ يُجَلِّ وَأَسْتَعَى ﴿٨﴾ وَكَذَّبَ بِالْحُسْنَى ﴿٩﴾

وآنانکه به آیات ما کافر شدند ایشان اهل بدبختی اند (۱۹). برایشان آتشی از هر جهت فراگیر گماشته شود (۲۰).



بنام خدای بخشاینده مهربان.

قسم به خورشید وروشنی او (۱). و قسم به ماه چون ازپی آفتاب درآید (۲)^(۱). و قسم به روز چون آفتاب را نمایان کند (۳). و قسم به شب چون آفتاب را بپوشاند (۴). و قسم به آسمان و به آنکه آن را بنا کرد (۵). و قسم به زمین و آنکه آنرا بگسترده (۶). و قسم به نفس آدمی و آنکه به آن درست اندام داد (۷). پس خدا دردش شناخت گناه او را و تقوای او را انداخت (۸). به یقین هر که پاك ساخت نفس را رستگار شد (۹). و به یقین هر کسی که آنرا فرومایه داشت زیانکار شد (۱۰). قوم ثمود بسبب سرکشی خود تکذیب کردند (۱۱). و قتیکه بدبخت ترین آن قوم برخاست (۱۲). پس پیامبر خدا به ایشان گفت بگذارید ماده شتر را که خدا آفریده است و آب خوردن او را متعرض نشوید (۱۳). پس پیامبر را تکذیب کردند پس ماده شتر را بکشند پس پروردگار ایشان برایشان بسبب معصیت ایشان عقوبت فرود آورد پس عقوبت را بر سرایشان^(۲) هموار کرد (۱۴). و خدا از انجام آن عقوبت نمی ترسد (۱۵).



بنام خدای بخشاینده مهربان.

قسم به شب چون بپوشاند (۱). و قسم به روز چون ظاهر شود (۲). و قسم بذاتیکه نور و ماده را آفرید (۳). که هر آینه سعی شما مختلف است (۴). پس اما هر که عطا کرد و پرهیز گاری نمود (۵). و پاداش نیک را باورداشت (۶). پس او را برای رسیدن به سرای آسایش توفیق می دهیم (۷). و اما هر که بخل کرد و خود را بی نیاز شمرد (۸). و پاداش نیک را تکذیب کرد (۹).

(۱) یعنی شب چهاردهم.

(۲) یعنی به همه رسانید.

فَسُنِّسِرُهُ لِّلْعُسْرَى ۝ وَمَا يُعْنِي عَنْهُ مَالُهُ إِذَا تَرَدَّى ۝ إِنَّ عَلَيْنَا
 لِّلْهُدَى ۝ وَإِنَّ لَنَا لَلْآخِرَةَ وَالْأُولَىٰ ۝ فَأَنْذَرْنُكُمْ نَارًا تَلَظَّىٰ ۝
 لَا يَصْلَاهَا إِلَّا الْأَشْقَى ۝ الَّذِي كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ ۝ وَسَيُجَنَّبُهَا
 الْأَتْقَى ۝ الَّذِي يُؤْتِي مَالَهُ يَتَزَكَّىٰ ۝ وَمَا لِأَحَدٍ عِنْدَهُ مِن نِّعْمَةٍ
 تُجْزَىٰ ۝ إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِ الْأَعْلَىٰ ۝ وَلَسَوْفَ يَرْضَىٰ ۝

سورة الضحى

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالضُّحَىٰ ۝ وَاللَّيْلِ إِذَا سَجَىٰ ۝ مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَىٰ ۝
 وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ لَّكَ مِنَ الْأُولَىٰ ۝ وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ
 فَتَرْضَىٰ ۝ أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَىٰ ۝ وَوَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَىٰ
 ۝ وَوَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَىٰ ۝ فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ ۝
 وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ ۝ وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ ۝

سورة الشرح

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ ۝ وَوَضَعْنَا عَنكَ وِزْرَكَ ۝

پس او را برای رسیدن به سرای دشواری توفیق می دهیم (۱۰). مال او وقتی که نگونسار افتد از وی هیچ دفع نکند (۱۱). هر آئینه راه نمودن بر ما است (۱۲). و هر آئینه آن جهان و این جهان برای ما است (۱۳). پس شمارا از آتشی که شعله میزند ترسانیدم (۱۴). به آن آتش مگر بدبخت ترین مردم درناید (۱۵). آنکه تکذیب کرد و رویگردان شد (۱۶). و دور نگه داشته خواهد شد از آن آتش پرهیزگارترین مردم (۱۷). آنکه مال خود را میدهد تا پاک دل گردد (۱۸). و نیست هیچ کس را نزد او نعمتی که جزا داده شود (۱۹). لیکن به طلب رضای پروردگار خود میدهد (۲۰). حتما بزودی خوشنود خواهد شد (۲۱).



بنام خدای بخشاینده مهربان.

(۱) قسم به هنگام چاشت (۱). و قسم به شب چون بپوشد (۲). تو را پروردگار تو فرونگذاشت و خشم نگرفته است (۳). و هر آئینه آخرت برایت بهتر از دنیا خواهد بود (۴). و البته پروردگارتو نعمت خواهد داد تو را پس خوشنود خواهی شد (۵). آیا تو را یتیم نیافت پس جای داد (۶). و تورا راه گم کرده (۷) یافت پس راه نمود (۷). و تورا تنگدست یافت پس توانگر ساخت (۸). پس اما یتیم را پس ستم مکن (۹). و اما سائل را پس به سختی مران (۱۰). و اما به نعمت پروردگار خود پس خبریده (۱۱).



بنام خدای بخشاینده مهربان.

آیا سینه تو را برایت نگشاده ایم (۱). و از تو بار (سنگین) تو را برنداشتیم (۲).

(۱) مترجم گوید که چند روزی نيامده بود کفار گفتند (وَدَّعَى رَبَّهُ وَقَلَّاهُ) خدای تعالی برای تسلی او این سوره را فر فرستاد.

(۲) یعنی تو شریعت نمیدانستی والله اعلم.

الَّذِي أَنْقَضَ ظَهْرَكَ ۖ وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ ۚ فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا ۝
 إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا ۖ فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ ۖ وَإِلَىٰ رَبِّكَ فَارْغَبْ ۝

سُورَةُ التَّيْنِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالتَّيْنِ وَالرَّيْتُونَ ۝ وَطُورِ سِينِينَ ۝ وَهَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ ۝
 لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ ۝ ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ ۝
 إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ ۝
 فَمَا يَكْذِبُكَ بَعْدَ الْبَلَدَيْنِ ۝ أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ ۝

سُورَةُ الْعَلَقِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

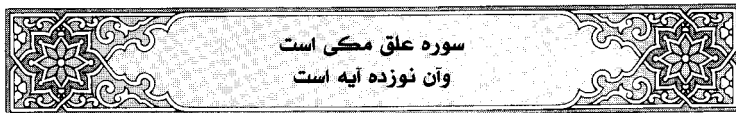
اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ ۝ خَلَقَ الْإِنسَانَ مِنْ عَلَقٍ ۝ اقْرَأْ
 وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ ۝ الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ ۝ عَلَّمَ الْإِنسَانَ
 مَا لَمْ يَعْلَمْ ۝ كَلَّا إِنَّ الْإِنسَانَ لِيَطْغَىٰ ۝ أَنْ رَآهُ اسْتَغْنَىٰ ۝
 ۝ إِنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الرُّجْعَىٰ ۝ أَرَأَيْتَ الَّذِي يَنْهَىٰ ۝ عَبْدًا
 إِذَا صَلَّىٰ ۝ أَرَأَيْتَ إِنْ كَانَ عَلَى الْهُدَىٰ ۝ أَوْ أَمَرَ بِالتَّقْوَىٰ ۝

آن بارکه پشت تورا گران کرده بود (۳). و آوازه ات را برایت بلند ساختیم (۴). پس هر آئینه پس از هر دشواری آسانی است (۵). البته پس از دشواری آسانی است (۶). پس وقتیکه از کارویار فارغ شدی در عبادت خدا کوشش کن (۷). و به سوی پروردگار خود بگرای (ودر نزد او تدلل کن) (۸).



بنام خدای بخشاینده مهربان.

قسم به انجیر و زیتون (۱). و قسم بطور سینا (۲). و قسم به این شهر امن (یعنی مکه) (۳). هر آئینه انسان را در نیکوترین صورت آفریدیم (۴). پس گردانیدیم آن را فروتر از همه فروماندگان (۱) (۵). مگر آنانکه ایمان آورده اند و کارهای شایسته کرده اند پس ایشانرا اجر بی نهایت است (۶). پس ای آدمی چه چیز تورا وادار میکند بعد از این همه پند بردوخ انگاشتن در باب پاداش اعمال (۲) (۷). آیا خدا حکم الحاکمین نیست؟ (۸).



بنام خدای بخشاینده مهربان.

بخوان به نام پروردگار خود که آفرید (۱). انسان را از خون بسته آفرید (۲). بخوان و پروردگار تو بزرگوارتر است (۳). آنکه بوسیله قلم علم آموخت (۴). انسان را آنچه نمیدانست (۱) آموخت (۵). به درستیکه انسان از حد میگذرد (۶). هنگامیکه خود را توانگر شده می بیند (۷). هر آئینه بازگشت به سوی پروردگار توست (۸). آیدیدی شخصی را که منع میکند (۹). بنده را چون نماز می خواند (۱۰). به من بگو که اگر براه راست می بودی (چه اتفاقی می افتاد؟) (۱۱). یا به پرهیزگاری فرمان می داد؟ (۱۲).

سوره تین

(۱) یعنی وقتیکه کافر شد فطرت سلیمه راضع ساخت.

(۲) و شاید که معنی آیت چنین باشد پس چه چیز باعث تکذیب تو میشود یا محمد، قضیه جزای اعمال، بعد از این همه پند.

سوره علق

(۱) مترجم گوید اقرأ باسم ربك تا ما لم یعلم اولین آیاتی است که بر آنحضرت صلی الله علیه وسلم نازل شد و معنی اقرأ تهیؤ است برای وحی قرآن و تلاوت آن.



أَرَأَيْتَ إِنْ كَذَّبَ وَتَوَلَّى ۖ ﴿١٣﴾ أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرَى ۖ ﴿١٤﴾ كَلَّا لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ
لَسَفَعْنَا بِالنَّاصِيَةِ ﴿١٥﴾ نَاصِيَةٍ كَذِبَةٍ خَاطِئَةٍ ﴿١٦﴾ فَلْيَدْعُ نَادِيَهُ ۖ ﴿١٧﴾
سَدِّعُ الرَّبَّانِيَةَ ﴿١٨﴾ كَلَّا لَا تُطِغَهُ وَاسْجُدْ وَاقْتَرِبْ ﴿١٩﴾

سُورَةُ الْقَدْرِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

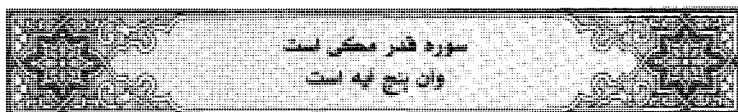
إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ ﴿١﴾ وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ ﴿٢﴾
لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِّنْ أَلْفِ شَهْرٍ ﴿٣﴾ تَنْزِيلُ الْمَلَكِ وَالرُّوحُ فِيهَا
بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِّنْ كُلِّ أَمْرٍ ﴿٤﴾ سَلَّمَ هِيَ حَتَّىٰ مَطَلَعِ الْفَجْرِ ﴿٥﴾

سُورَةُ الْبَيِّنَاتِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

لَمْ يَكُنِ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ مُنْفَكِينَ حَتَّىٰ
تَأْتِيَهُمُ الْبَيِّنَةُ ﴿١﴾ رَسُولٌ مِّنَ اللَّهِ يَتْلُو صُحُفًا مُّطَهَّرَةً ﴿٢﴾ فِيهَا كُتِبَ
قِيمَةٌ ﴿٣﴾ وَمَا تَفَرَّقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ
الْبَيِّنَةُ ﴿٤﴾ وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ
حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَذَلِكَ دِينُ الْقِيمَةِ ﴿٥﴾

آیادیدی که چه میشد اگر (حق را) دروغ انگارد و رویگردان گشت (چه اتفاقی می افتد؟) (۱۳). آیا ندانست این روگرداننده که خدا می بیند^(۱) (۱۴). نه! اگر باز نه ایستد خواهیم اورا به موی پیشانی کشید (۱۵). به آن موی پیشانی دروغ زن خطاکار (۱۶). پس باید که هم مجلسان خود را فریاد کند (۱۷). ماینز فرشتگان سخت کیفر را فرا خواهیم خواند^(۲) (۱۸). نه! فرمان او را قبول مکن و نماز بخوان و تقرّب خدا بجوی (۱۹).



بنام خدای بخشاینده مهربان.

هر آئینه ما قرآن را در شب قدر^(۱) فرود آوردیم (۱). و توجه می دانی که شب قدر چیست؟ (۲). شب قدر از هزار ماه بهتر است (۳). فرشتگان و روح (جبریل) در آن شب به فرمان پروردگار خویش برای سرانجام کردن هر کاری فرود می آیند (۴). آن شب تا وقت طلوع فجر محض سلامتی است (۵).



بنام خدای بخشاینده مهربان.

نبودند کافران^(۱) از اهل کتاب و مشرکان جدا شونده (یعنی از آئین خود) تا وقتی که به ایشان حجّت ظاهر بیاید^(۲) (۱). پیامبری از جانب خدا که صحیفه های پاک را (یعنی سور قرآن) میخواند (۲). در آن صحیفه ها احکامیست راست درست (۳). و اهل کتاب متفرق نشدند^(۳) مگر بعد از آنکه بایشان حجّت ظاهر آمد (۴). و فرمان داده نشدند جز آنکه خدا را در حالی که پرستش را برای او خالص ساخته بپاکدلی بپرستند (متدین بدین ابراهیم شده اند) و نماز را برپادارند و زکوٰه را بدهند و این است احکام دین درست (۵).

سوره علق

(۱) یعنی باید دانست که عاقبت اهدا و هدایت بهشت است و عاقبت ضلال و اضلال دوزخ است پس این مدعا را بنوعی از بلاغت ادا کرده شده. (۲) یعنی فرشتگان سخت عقوبت کننده را.

سوره قدر

(۱) یعنی یکد فعه از لوح محفوظ باسمان دنیا.

سوره بینه

(۱) یعنی حال ایشان مقتضی ارسال رسول و انزال کتاب بود ازین جهت رسول را فرستادیم و قرآن را فرود آوردیم.

(۲) یعنی ایشانرا تکلیف نکردیم بترك ادیان خویش مگر بعد از اقامت حجّت ظاهر.

(۳) یعنی بعضی مقبول شدند و بعضی مردود.

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ فِي نَارِ جَهَنَّمَ
 خَالِدِينَ فِيهَا أُولَئِكَ هُمْ شَرُّ الْبَرِيَّةِ ① إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا
 وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ ② جَزَاءُ هُمْ
 عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ
 فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ لِمَنْ خَشِيَ رَبَّهُ ③

سورة الزلزلة

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

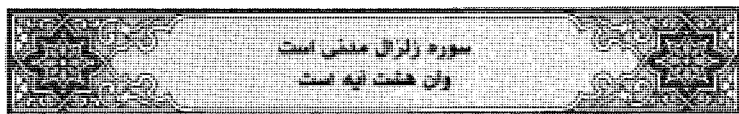
إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا ① وَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا ② وَقَالَ
 الْإِنْسَانُ مَا لَهَا ③ يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا ④ يَا نَبِيَّكَ أَوْحَىٰ لَهَا
 ⑤ يَوْمَئِذٍ يُصْدِرُ النَّاسُ أَشْتَاتًا لِيُرَوْا أَعْمَالَهُمْ ⑥ فَمَنْ يَعْمَلْ
 مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ ⑦ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ ⑧

سورة العاديات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

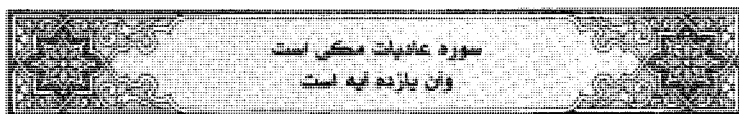
وَالْعَادِيَاتِ ضَبْحًا ① فَالْمُورِيَاتِ قَدْحًا ② فَالْمُغِيرَاتِ
 صُبْحًا ③ فَأَثَرْنَ بِهِ نَقْعًا ④ فَوَسَطْنَ بِهِ جَمْعًا ⑤

هر آئینه آنانکه کافر شدند از اهل کتاب و مشرکان در آتش دوزخ در آنجا جاویدان باشند آن جماعت ایشان بدترین خلق اند (۶). هر آئینه آنانکه ایمان آورده اند و کارهای شایسته کرده اند آن جماعت ایشان بهترین خلق اند (۷). پاداش ایشان نزد پروردگار ایشان بوستانهای همیشه باقی ماندن است که می رود زیر آنها جویها در آنجا همیشه جاویدان، خدا از ایشان خوشنود شد و ایشان (نیز) از خدا خوشنود شدند این وعده کسی راست که از پروردگار خود بترسد (۸).



بنام خدای بخشاینده مهربان.

هنگامیکه زمین به (آن) لرزش خود لرزانده شود (۱). و زمین بارهای سنگین خودش را بیرون آورد (۱) (۲). و انسان گوید چه حالتست زمین را؟ (۳). آتروز زمین از خبرهای خود سخن می گوید (۴). چراکه پروردگارتو به آن حکم فرستاده است (۵). آتروز مردمان ب احوال مختلف (۲) بازگردند تا نموده شود به ایشان جزای اعمال ایشان (۶). پس هرکه هم وزن يك ذره عمل نيك کرده باشد آن را ببیند (۷). و هرکه هم وزن يك ذره عمل بد کرده باشد آن را ببیند (۸).



بنام خدای بخشاینده مهربان.

قسم به اسپان تیزدونده پُردم (۱). پس قسم به اسپان که آتش برآورده اند (به آنکه بنعل خود سنگ رابزنند) (۲). پس قسم به اسپان غارت کننده چون در وقت صبح درآیند (۳). پس به آنوقت غبار را برانگیزند (۱) (۴). پس به آنوقت در میان جماعتی درآیند (۲) (۵).

سوره زلزال

(۱) یعنی گنجهارا.

(۲) یعنی از جای حساب.

سوره عادیات

(۱) یعنی بسبب دویدن.

(۲) یعنی ازاعداء مترجم گوید این قَسَم اشارت است بآنکه جهاد مشروع خواهد شد و رضای الهی در نگاهداشت اسپان غازیان تعلق خواهد گرفت والله اعلم.

إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ ﴿٦﴾ وَإِنَّهُ عَلَىٰ ذَٰلِكَ لَشَهِيدٌ ﴿٧﴾ وَإِنَّهُ لِحُبِّ
الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ ﴿٨﴾ * أَفَلَا يَعْلَمُ إِذَا بُعْثِرَ مَا فِي الْقُبُورِ ﴿٩﴾
وَحُصِّلَ مَا فِي الصُّدُورِ ﴿١٠﴾ إِنَّ رَبَّهُم بِهِمْ يَوْمَ ذَٰلِكَ خَبِيرٌ ﴿١١﴾

سُورَةُ الْقَارِعَةِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْقَارِعَةُ ﴿١﴾ مَا الْقَارِعَةُ ﴿٢﴾ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْقَارِعَةُ ﴿٣﴾ يَوْمَ
يَكُونُ النَّاسُ كَالْفَرَاشِ الْمَبْثُوثِ ﴿٤﴾ وَتَكُونُ الْجِبَالُ
كَالْعِهْنِ الْمَنْفُوشِ ﴿٥﴾ فَأَمَّا مَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ ﴿٦﴾ فَهُوَ فِي
عِيشَةٍ رَّاغِبَةٍ ﴿٧﴾ وَأَمَّا مَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ ﴿٨﴾ فَأَمَّهُ هَاوِيَةٌ
﴿٩﴾ وَمَا أَدْرَاكَ مَا هِيَ ﴿١٠﴾ نَارُ حَامِيَةٍ ﴿١١﴾

سُورَةُ التَّكَاثُرِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْهَٰكُمُ التَّكَاثُرُ ﴿١﴾ حَتَّىٰ زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ ﴿٢﴾ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ ﴿٣﴾ ثُمَّ
كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ ﴿٤﴾ كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ ﴿٥﴾ لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ ﴿٦﴾
ثُمَّ لَتَرَوُنَّهَا عَيْنَ الْيَقِينِ ﴿٧﴾ ثُمَّ لَتُسْأَلُنَّ يَوْمَ ذَٰلِكَ عَنِ النَّعِيمِ ﴿٨﴾

هرآئینه انسان به نسبت پروردگار خود ناشکراست (۶). وهرآئینه انسان برناسپاسی خود مطلع است (۷). وهرآئینه آدمی در دوست داشتن مال زیاده رَو است (۸). آیا پس نمیداند که چون برانگیخته شود هرآنچه درگورها باشد (۹). وظاهر ساخته شود هر آنچه درسینه‌ها باشد (۱۰). هرآئینه پروردگاریشان به احوال ایشان آن روز خبرداراست (۱۱).



بنام خدای بخشاینده مهربان.

قیامت (۱). چیست آن قیامت؟ (۲). و تو چه می دانی که آن قیامت چیست؟ (قیامت متحقق شود) (۳). روزی که مردمان مانند پروانه های پراکنده ساخته باشند (۴). و کوه ها مانند پشم رنگین مخلوج نموده باشند (۵). پس اماهر که ترازو حسنات او گران شد (۶). پس آن شخص در معیشتی پسندیده باشد (۷). و اماهر که میزان ترازویش سبک شد (۸). پس جای ماندن آن شخص هاویه باشد (۹). و توجه می دانی که چیست هاویه؟ (۱۰). آتشی داغ است (۱۱).



بنام خدای بخشاینده مهربان.

شمارا از یکدیگر بسیار طلبی مال غافل کرد (۱). تا وقتیکه بگورستانها^(۱) رسیدید (۲). هرگز، خواهید دانست (۳). باز (میگوییم) نه هرگز، خواهید دانست (۴). هرگز، اگر بدانید حقیقت کار را بعلم یقین (غافل نمی شوید) (۵). البته دوزخ را خواهید دید (۶). باز البته دوزخ را دیدن ظاهر بی شبهه خواهید دید (۷). باز البته آرزوی از نعمت^(۲) سوال کرده خواهید شد (۸).

(۱) یعنی مدفون شدید.

(۲) یعنی در مقابله آن شکر کردید یا کفران ورزیدید.

سورة العنكبوت

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالْعَصْرِ ۝ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ ۝ إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصُوا بِالْحَقِّ وَتَوَّصُوا بِالصَّبْرِ ۝

سورة الهمزة

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَيَلُّ لِكُلِّ هَمْزَةٍ لُحْمَةٌ ۝ ١ ۝ الَّذِي جَمَعَ مَا لَا وَعَدَّدَهُ ۝ ٢ ۝ يَحْسَبُ أَنَّ مَالَهُ أَخْلَدَهُ ۝ ٣ ۝ كَلَّا لَيُنْبَذَتِ فِي الْحُطْمَةِ ۝ ٤ ۝ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْحُطْمَةُ ۝ ٥ ۝ نَارُ اللَّهِ الْمَوْقَدَةُ ۝ ٦ ۝ الَّتِي تَطَّلِعُ عَلَى الْأَفْئِدَةِ ۝ ٧ ۝ إِنَّهَا عَلَيْهِمْ مُّوَصَّدَةٌ ۝ ٨ ۝ فِي عَمَدٍ مُّمَدَّدَةٍ ۝ ٩ ۝

سورة الفيل

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الَّتِي تَرَكَيفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ ۝ ١ ۝ الَّتِي جَعَلَ كَيْدَهُمْ فِي تَضْلِيلٍ ۝ ٢ ۝ وَأَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ ۝ ٣ ۝ تَرْمِيهِمْ بِحِجَارَةٍ مِّن سِجِّيلٍ ۝ ٤ ۝ فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَّأْكُولٍ ۝ ٥ ۝



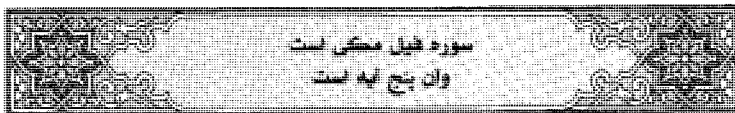
بنام خدای بخشاینده مهربان.

قسم به زمان (۱). که هر آئینه انسان در زیانکاری است (۲). مگر آنانکه ایمان آورده اند و عملهای شایسته کرده اند و یکدیگر را به دین درست وصیت کردند و یکدیگر را به شکیبایی وصیت کردند (۳).



بنام خدای بخشاینده مهربان.

وای برای هر عیب کننده غیبت گوینده (۱). آنکه مال را فراهم آورد و آن را نگاهداشت (۲). می پندارد که مالش اورا جاویدان می گرداند (۳). هرگز، البته به حطمه انداخته خواهد شد (۴). و تو چه می دانی که حطمه چیست؟ (۵). آتش افروخته شده خدا است (۶). که بر دلها چیره شود (۷). هر آئینه آن آتش برایشان گماشته شده است (۸). در ستون های دراز در آورده شده است (۹).



بنام خدای بخشاینده مهربان.

(۱) آیا ندیدی با اهل فیل پروردگار تو چگو نه معامله کرد؟ (۱). آیا بداندیشی ایشان را در تباهی قرار نداد (۲). و برایشان پرندگان را گروه گروه فرستاد (۳). به سوی ایشان سنگ ریزها از سنگ گِل می انداختند (۴). پس سرانجام ایشانرا مانند باقیمانده (کاه) آخور بعد از خوردن دَوَابّ قرار داد (۵).

(۱) مترجم گوید ابرهه پادشاه یمن عزم هدم کعبه را کرد و فیلان بسیار و لشکر بیشمار بهم آورد چون نزدیک کعبه رسید خدای تعالی ابابیل را حکم فرمود تا بوسیله سنگباران آنان را هلاک کند.

سُورَةُ قُرَيْشٍ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

لِإِيلَافِ قُرَيْشٍ ①
 لِإِيلَافِهِمْ رِحْلَةَ الشِّتَاءِ وَالصَّيْفِ
 ② فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ ③
 الَّذِي أَطْعَمَهُمْ
 مِنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ ④

سُورَةُ الْمَاعُونِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالْإِيمَانِ ①
 فَذَلِكَ الَّذِي يَدْعُ
 الْيَتِيمَ ② وَلَا يَحِضُ عَلَىٰ طَعَامِ الْمَسْكِينِ ③
 فَوَيْلٌ
 لِلْمُصَلِّينَ ④ الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ
 ⑤ الَّذِينَ هُمْ يُرَاءُونَ ⑥ وَيَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ ⑦

سُورَةُ الْكَوْثَرِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِنَّا أَنْعَمْنَاكَ الْكَوْثَرَ ①
 فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَأَنْحَرِ ②
 إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ ③



بنام خدای بخشاینده مهربان.

برای (شکر) الفت دادن قریش (۱). (یعنی) الفت دادن ایشان به سفرزمستان و تابستان (۲). پس باید که پروردگار این خانه را عبادت کنند (۳). آنکه ایشانرا از گرسنگی طعام داد و ایشان را دریمناکی آمن وامان بخشید (۴).



بنام خدای بخشاینده مهربان.

آیا دیدی آن شخص را که جزای اعمال را دروغ انگاشت؟ (۱). پس آن شخص مردیست که یتیم را به اهانت میراند (۲). و برطعام دادن فقیر بینوا ترغیب نمیدهد (۳). پس وای بر آن نماز گزاران (۴). که ایشان از نماز خود غفلت می ورزند (۵). آنانکه ایشان خودنمایی می کنند (۶). و ماعون را (عاریت) نمیدهند (۷).



بنام خدای بخشاینده مهربان.

(یا محمد) هرآئینه ما تورا کوثر^(۱) عطا کردیم (۱). پس نماز گزار برای پروردگار خود و (شتر را) نحر کن (۲). هرآئینه دشمن تو همانست دم بریده (بی زاد و فرزند) (۳).

سوره ماعون

(۱) یعنی سوزن و دیگ و پیاله و دلو و مانند آن مترجم گوید نصف این سوره تصویر حال کافراست و نصف دیگر تصویر حال منافق و الله اعلم.

سوره کوثر

(۱) کوثر نام حوضی است که در آخرت خواهد بود امت آنحضرت صلی الله علیه و سلم از آن خواهند آشامید.

سورة الكافرون

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ ① لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ ②
وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ ③ وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَّا عَبَدْتُمْ ④
وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ ⑤ لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ ⑥

سورة النصر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ ① وَرَأَيْتَ النَّاسَ
يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا ② فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ
وَأَسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا ③

سورة المسد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَتَبَّ ① مَا أَغْنَىٰ عَنْهُ مَالُهُ وَمَا كَسَبَ ②
سَيَصْلَىٰ نَارًا ذَاتَ لَهَبٍ ③ وَأُمْرَأَتُهُ، حَمَّالَةَ الْحَطَبِ ④
فِي جِيدِهَا حَبْلٌ مِّن مَّسَدٍ ⑤



بنام خدای بخشاینده مهربان.

بگو ای کافران (۱). پرستش نمی کنم آنچه را که شما می پرستید (۲). و نه شما پرستنده اید آنچه را که من می پرستم (۳). و نه من پرستنده ام آنچه را که شما می پرستیدید (۴). و نه شما پرستنده اید آنچه را که من می پرستم (۵). برای شما دین شماست و برای من دین من است (۶).



بنام خدای بخشاینده مهربان.

وقتیکه نصرت خدا بیاید و فتح (بظهور) آید (۱). و مردمان را ببینی در دین خدا گروه گروه داخل میشوند (۲). پس بپاکی همراه ستایش پروردگار خود را یاد کن و از وی آموزش طلب کن هر آینه خدا (به رحمت) بسیار توبه پذیر^(۱) هست (۳).



بنام خدای بخشاینده مهربان.

هلاک باد دودست^(۱) ابو لهب و هلاک باد ابو لهب^(۲) (۱). از سرابو لهب مال او و آنچه کسب کرده بود هیچ دفع نکرد (۲). به آتش دارای شعله در خواهد آمد (۳). و زین اونیز درآید (مراد بردارنده هیزم)^(۳) (۴). در گردن اوربسمانی ازلیف خرما است^(۴) (۵).

سوره نصر

(۱) یعنی این همه علامت قرب اجل تست یا محمد پس در استعداد آخرت پای بند شو.

سوره مسد

(۱) آنحضرت اقارب خود را از آتش دوزخ تخویف فرمود پس ابو لهب سنگی بطرف آنحضرت صلی الله علیه وسلم انداخت و گفت که آیا برای این کار ما را جمع کرده بودی پس این سوره نازل شد.

(۲) دودست کنایه از ذات اوست.

(۳) یعنی سخن چینی کننده. (۴) یعنی بخفه کردن تعذیب کرده شود.

سُورَةُ الْإِخْلَاصِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ① اللَّهُ الصَّمَدُ ② لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ ③
وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ ④

سُورَةُ الْفَلَقِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ ① مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ ② وَمِنْ شَرِّ
غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ ③ وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ ④
وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ ⑤

سُورَةُ النَّاسِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ ① مَلِكِ النَّاسِ ② إِلَهِ
النَّاسِ ③ مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ ④ الَّذِي
يُوسَسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ ⑤
مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ ⑥

سوره اخلاص مکی است
وآن چهار آیه است

بنام خدای بخشاینده مهربان.

بگو او خدای یگانه است (۱). خدای بی نیاز است (۲). نه (فرزند) زاده و نه زاده شده است (۳). و هیچکس همتای او (نبوده) نیست (۴).

سوره هلق مدنی است
وآن پنج آیه است

بنام خدای بخشاینده مهربان.

بگو به پروردگار صبح پناه می برم (۱). از شر هرچه آفریده است (۲). و از شر شبِ تاریک چون تاریکی او منتشر شود (۳). و از شر (زنان) سحر کننده در گرهها دم زنده (۴). و از شر حاسد (رشکخور) چون حسد کند (۵).

سوره ناس مکی است
وآن شش آیه است

بنام خدای بخشاینده مهربان.

بگو به پروردگار مردمان پناه می برم (۱). پادشاهِ مردمان (۲). معبودِ مردمان (۳). از شر وسوسه گرِ بازپس رونده (به هنگام یاد خدا) (۴). آنکه در سینه های مردمان وسوسه می افکند (۵). از جنیان باشد یا از مردمان (۶).

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

رَوَايَةُ هَذَا الْمُصْحَفِ

وَمُصْطَلَحَاتُ رِسْمِهِ وَضَبْطِهِ وَعَدُّ آيِهِ

كُتِبَ هَذَا الْمُصْحَفُ الْكَرِيمُ، وَضُبِّطَ عَلَى مَا بَوَافِقُ رَوَايَةَ حَفْصِ بْنِ سُلَيْمَانَ بْنِ الْمُغْبِرَةِ الْأَسَدِيِّ الْكُوفِيِّ لِقِرَاءَةِ عَاصِمِ بْنِ أَبِي النَّجُودِ الْكُوفِيِّ التَّابِعِيِّ عَنِ أَبِي عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَبِيْبِ السَّامِيِّ عَنِ عُمَانَ بْنِ زَعْفَانَ، وَعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، وَزَيْدِ بْنِ ثَابِتٍ، وَأُنِيَّ ابْنِ كَعْبٍ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ.

وَأُخِذَ هَجَاؤُهُ مِمَّا رَوَاهُ عُلَمَاءُ الرِّسْمِ عَنِ الْمَصَاحِفِ الَّتِي بَعَثَ بِهَا الْخَلِيفَةُ الرَّاشِدُ عُمَانُ بْنُ زَعْفَانَ «رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ» إِلَى مَكَّةَ، وَالْبَصْرَةَ، وَالْكَوْفَةَ، وَالشَّامَ، وَالْمُصْحَفِ الَّذِي جَعَلَهُ لِأَهْلِ الْمَدِينَةِ، وَالْمُصْحَفِ الَّذِي اخْتَصَّ بِهِ نَفْسُهُ، وَعَنِ الْمَصَاحِفِ الْمُنْسَخَةِ مِنْهَا، وَقَدْ رُوِيَ فِي ذَلِكَ مَا نَقَلَهُ الشَّيْخَانُ: أَبُو عَمْرٍو الدَّانِيُّ، وَأَبُو دَاوُدَ سُلَيْمَانَ بْنَ مَجَاحٍ مَعَ تَرْجِيحِ الثَّانِي عِنْدَ الْاِخْتِلَافِ غَالِبًا، وَقَدْ يُؤْخَذُ بِقَوْلِ غَيْرِهِمَا.

هَذَا، وَكُلُّ حَرْفٍ مِنْ حُرُوفِ هَذَا الْمُصْحَفِ مُوَافِقٌ لِنَظِيرِهِ فِي الْمَصَاحِفِ الْعُثْمَانِيَّةِ السَّابِقِ ذَكَرُهَا.

وَأُخِذَتْ طَرِيقَةُ ضَبْطِهِ مِمَّا قَرَّرَهُ عُلَمَاءُ الضَّبْطِ عَلَى حَسَبِ مَا وَرَدَ فِي كِتَابِ «الطَّرَازِ عَلَى ضَبْطِ الْحَرَازِ» لِلْإِمَامِ التَّنْسِيِّ، وَعَبْرَهُ مِنَ الْكُتُبِ، مَعَ الْأَخِذِ بِعَلَامَاتِ

للخليل بزأحمد، وأتباعه من المشاركة غالباً بدلاً من علامات الأندلسيين والغارية.
وأتتعت في عدآياته طريقة الكوفيين عن أبو عبد الرحمن عبد الله بن حبيب السلمي
عن علي بن أوطالب «رضى الله عنه» وعدد آي القرآن على طريقهم «٦٢٣٦» آية .

وقد اعتمد في عد الآي على ما ورد في كتاب «البيان» للإمام أبي عمرو والذاني
و«ناظمة الزهر» للإمام الشاطبي، وشرحها للعلامة أبي عبيد رضوان المخلاني
والشيخ عبد الفتاح القاضي، و«تحقيق البيان» للشيخ محمد المتولي وما ورد في
غيرها من الكتب المدونة في علم الفواصل .

وأخذ بيان أجزائه الثلاثين، وأجزائه الستين، وأنصافها وأرباعها من كتاب
«غيث النفع» للعلامة الصفاقي، وغيره من الكتب .

وأخذ بيان مكّيه، ومدنيّه في الجدول الملحق بأخر المصحف من كتب التفسير
والقرآيات .

ولم يذكر المكّي، والمدني بين دفتي المصحف أول كل سورة إتياناً لإجماع السلف
على تجريد المصحف مما سوى القرآن الكريم، حيث نقل الأمر بتجريد المصحف
مما سوى القرآن عن أبي عمرو، وأب مسعود، والنخعي، وأب سيرين: كما في «المحكم»
للذاني، و«كتاب المصاحف» لابن أبي داود وغيرهما، ولأن بعض السور مختلف في
مكّيتها ومدنيّتها، كما لم تذكر الآيات المستثناة من المكّي والمدني، لأنّ الرأح أنّ
ما نزل قبل الهجرة، أو في طريق الهجرة فهو مكّي، وإن نزل بغير مكة، وأن ما نزل
بعد الهجرة فهو مدني وإن نزل بمكة، ولأنّ المسألة فيها خلاف محله كتب التفسير
وعلم القرآن الكريم .

وَأَخَذَ بَيَانٌ وَقُوفُهُ مِمَّا قَرَّرْتَهُ اللَّجْنَةُ الْمُشْرِفَةُ عَلَى مُرَاجَعَةِ هَذَا الْمُصْحَفِ عَلَى حَسَبِ مَا اقْتَضَيْتَهُ الْمَعَانِي مُسْتَرَشِدَةً فِي ذَلِكَ بِأَقْوَالِ الْمُفَسِّرِينَ وَعُلَمَاءِ الْوَقْفِ وَالْإِبْتِدَاءِ: كَالَّذِي فِي كِتَابِهِ «الْمُكْتَفَى فِي الْوَقْفِ وَالْإِبْتِدَاءِ» وَأَدْجَعُفَرُ النَّحَّاسِ فِي كِتَابِهِ «الْقَطْعُ وَالْإِثْنَانِ» وَمَا طُبِعَ مِنَ الْمَصَاحِفِ سَابِقًا .

وَأَخَذَ بَيَانَ السَّجَدَاتِ، وَمَوَاضِعِهَا مِنْ كُتُبِ الْحَدِيثِ وَالْفِقْهِ عَلَى خِلَافٍ فِي خَمْسٍ مِنْهَا بَيْنَ الْأُمَّتِ الْأَرْبَعَةِ، وَلَمْ تَنْعَرْضِ اللَّجْنَةُ لِذِكْرِهِمْ وَفَاقًا أَوْ خِلَافًا، وَهِيَ السَّجْدَةُ الثَّانِيَةُ بِسُورَةِ الْحَجِّ، وَالسَّجَدَاتُ الْوَارِدَةُ فِي السُّورِ الْإِنْبِيَّةِ: ص، وَالتَّجْمِ، وَالْإِشْقَاقِ، وَالْعَلَقِ .

وَأَخَذَ بَيَانَ مَوَاضِعِ السَّكَّاتِ عِنْدَ حَفْصٍ مِنْ «الشَّاطِئِيَّةِ» وَشُرُوحَهَا وَعَرَفَ كَيْفِيَّتَهَا بِالتَّلَقِّيِّ مِنْ أَفْوَاهِ الشُّيُوخِ .

لُصْطَلَاخَاتُ الْوَسْطِ

وَضَعُ دَائِرَةً خَالِيَةَ الْوَسْطِ هَكَذَا «o» فَوْقَ أَحَدِ أَحْرَفِ الْعِلَّةِ الثَّلَاثَةِ الْمَزِيدَةِ رَسْمًا يَدُلُّ عَلَى زِيَادَةِ ذَلِكَ الْحَرْفِ، فَلَا يُطَبَّقُ بِهِ فِي الْوَصْلِ وَلَا فِي الْوَقْفِ نَحْوُ: (ءِ آمَنُوا) (يَتْلُوا صُحُفًا) (لَا أَدْبَحْنَهُ) (أُولَئِكَ) (مِنْ نَبِيِّ الْمُرْسَلِينَ) (بَنِيهَا بِأَيْدِي) .

وَوَضَعُ دَائِرَةً قَائِمَةً مُسْتَطِيلَةً خَالِيَةَ الْوَسْطِ هَكَذَا «o» فَوْقَ أَلِفٍ بَعْدَهَا مَتَحَرِّكٌ يَدُلُّ عَلَى زِيَادَتِهَا وَصَلًّا لَا وَقْفًا نَحْوُ: (أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ) (لَكِنَّا هُوَ اللَّهُ رَبِّي) وَأَهْمَلَتِ الْأَلِفَ الَّتِي بَعْدَهَا سَاكِنٌ نَحْوُ: (أَنَا النَّذِيرُ) مِنْ وَضْعِ الْعَلَامَةِ السَّابِقَةِ

فوقها ، وإن كان حكمها مثل التي بعدها متحرك في أنها سقُطُ وصلًا ، وتبتتُ وقفًا
لعدم توهم ثبوتها وصلًا .

وَوَضِعُ رَأْسِ خَاءٍ صَغِيرَةٍ بَدُونِ نِقْطَةٍ هَلْكَذَا « ٥ » فَوْقَ أَيِّ حَرْفٍ يُدَلُّ عَلَى
سُكُونِ ذَلِكَ الْحَرْفِ وَعَلَى أَنَّهُ مُظْهَرٌ بِحَيْثُ يَقْرَعُهُ اللِّسَانُ نَحْوُ: (مِنْ خَيْرٍ)
(أَوْعَظْتَ) (فَدَسَمِعَ) (نَضِجَتْ جُلُودُهُمْ) (وَإِذْ صَرَفْنَا)

وَتَعْرِيَةُ الْحَرْفِ مِنْ عِلَامَةِ السُّكُونِ مَعَ تَشْدِيدِ الْحَرْفِ التَّالِي تَدُلُّ عَلَى إِدْغَامِ
الْأَوَّلِ فِي التَّالِي إِدْغَامًا كَامِلًا بِحَيْثُ يَذْهَبُ مَعَهُ ذَاتُ الْمُدْغَمِ وَصِفَتُهُ ،
فَالْتَشْدِيدُ يُدَلُّ عَلَى الْإِدْغَامِ ، وَالتَّعْرِيَةُ تَدُلُّ عَلَى كَمَالِهِ ، نَحْوُ: (مَنْ لَيْسَتْ) ،
(مَنْ رَبَّيْكَ) (مِنْ نُورٍ) (مِنْ مَاءٍ) (أُجِيبَتْ دَعْوَتُكُمَا) (عَصَاوًا وَكَانُوا)
(وَقَالَتْ طَائِفَةٌ) (بَلْ رَفَعَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ) وَكَذَلِكَ قَوْلُهُ تَعَالَى: (أَلَمْ نَخْلُقْكُمْ)

وَتَعْرِيَتُهُ مَعَ عَدَمِ تَشْدِيدِ التَّالِي تَدُلُّ عَلَى إِدْغَامِ الْأَوَّلِ فِي التَّالِي إِدْغَامًا نَاقِصًا
بِحَيْثُ يَذْهَبُ مَعَهُ ذَاتُ الْمُدْغَمِ مَعَ بَقَاءِ صِفَتِهِ نَحْوُ: (مَنْ يَقُولُ) (مِنْ وَالٍ) ،
(فَرَطْتُمْ) (بَسَطْتَ) (أَحَطْتُ) ، أَوْ تَدُلُّ عَلَى إِخْفَاءِ الْأَوَّلِ عِنْدَ التَّالِي ،
فَلَا هُوَ مُظْهَرٌ حَتَّى يَقْرَعَهُ اللِّسَانُ ، وَلَا هُوَ مُدْغَمٌ حَتَّى يُقَلَّبَ مِنْ جِنْسٍ تَالِيهِ
سِوَاهُ أَكَّانَ هَذَا الْإِخْفَاءُ حَقِيقِيًّا نَحْوُ: (مِنْ تَحْنِهَا) أَمْ شَفَوِيًّا نَحْوُ: (جَاءَهُمْ
بِالْحَقِّ) عَلَى مَا جَرَى عَلَيْهِ أَكْثَرُ أَهْلِ الْأَدَاءِ مِنْ إِخْفَاءِ الْمِيمِ عِنْدَ الْبَاءِ .

وَتَرْكِيْبُ الْحَرَكَتَيْنِ «حَرَكَةُ الْحَرْفِ وَالْحَرَكَةُ الدَّالَّةُ عَلَى التَّنْوِينِ» سِوَاهُ أَكَّانَتَا
صَمْتَيْنِ ، أَمْ فَتَحَتَيْنِ ، أَمْ كَسْرَتَيْنِ هَلْكَذَا (٥ = ٣) يُدَلُّ عَلَى إِظْهَارِ التَّنْوِينِ نَحْوُ:
(حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ) (حَلِيمًا غَفُورًا) (وَإِكُلْ قَوْمَ هَادٍ) .

وَتَتَابَعُهُمَا هَكَذَا: (٢٩ ٢٨) مَعَ تَشْدِيدِ التَّالِي يَدُلُّ عَلَى الإِدْغَامِ الكَامِلِ نَحْوُ:
(رَأَوْفٌ رَجِيمٌ) (مُبْصِرَةٌ لَتَبْتَعُوا) (يَوْمِيذٍ نَاعِمَةٌ).

وَتَتَابَعُهُمَا مَعَ عَدَمِ تَشْدِيدِ التَّالِي يَدُلُّ عَلَى الإِدْغَامِ النَّاقِصِ نَحْوُ:

(رَجِيمٌ وَدُودٌ) (وَأَنْهَرًا وَسُبُلًا) (فِي جَنَّتٍ وَعُيُونٍ) أَوْ عَلَى الإِخْفَاءِ نَحْوُ:
(شَهَابٌ نَاقِبٌ) (سِرَاعًا ذَلِكَ) (عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ).

فَتَرْكِبُ الحُرُوكَيْنِ بِمَنْزِلَةِ وَضْعِ السُّكُونِ عَلَى الحَرْفِ، وَتَتَابَعُهُمَا بِمَنْزِلَةِ تَعَرُّبِهِ عَنْهُ
وَوَضْعُ مِيمٍ صَغِيرَةٍ هَكَذَا: « م » بَدَلَ الحُرُوكَةِ الثَّانِيَةِ مِنَ المُنُونِ، أَوْ فَوْقَ
التُّونِ السَّائِكَةِ بَدَلَ السُّكُونِ، مَعَ عَدَمِ تَشْدِيدِ البَاءِ التَّالِيَةِ يَدُلُّ عَلَى قَلْبِ
التَّنْوِينِ أَوِ التُّونِ السَّائِكَةِ مِثْلًا نَحْوُ: (عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ) (جَرَاءُ بِيَمَاءِ
كَانُوا) (كِرَامٍ بَرَرَةٍ) (أَنْبِيئُهُمْ) (وَمِنْ بَعْدُ).

وَالْحُرُوفُ الصَّغِيرَةُ تَدُلُّ عَلَى أَعْيَانِ الحُرُوفِ المَتْرُوكَةِ فِي خَطِّ المَصَاحِفِ
العُثْمَانِيَّةِ مَعَ وَجُوبِ النُّطْقِ بِهَا نَحْوُ: (ذَلِكَ أَلْكِتَابُ) (دَاوُدَ)،
(يَلُودُنَ أَلْسِنَتُهُمْ) (يُنْحَىءُ وَيُحْمِيثُ) (إِنَّ رَبَّهُ كَانَ بِهِ بَصِيرًا)
(إِنَّ وَلِيَّيَ اللَّهِ) (إِلَيْهِمْ) (وَكَذَلِكَ نُبَيِّحُ المُؤْمِنِينَ).

وَكَانَ عُلَمَاءُ الصَّبْطِ يُلْحِقُونَ هَذِهِ الأَحْرَفَ حَمْرَاءَ بِقَدْرِ حُرُوفِ الكِتَابَةِ
الأَصْلِيَّةِ وَلَكِنْ تَعَدَّرَ ذَلِكَ فِي المَطَابِعِ أَوَّلَ ظُهُورِهَا، فَانْفَضِيَ بِتَصْغِيرِهَا
لِلدَّلَالَةِ عَلَى المَقْصُودِ لِلفَرْقِ بَيْنَ الحَرْفِ المُلْحَقِ وَالحَرْفِ الأَصْلِيِّ.

وَالآنَ إِذَا جَاءَ هَذِهِ الأَحْرَفُ بِالحُمْرَةِ مُتَبَيِّرًا وَلَوْ ضَبَطَتِ المَصَاحِفُ
بِالحُمْرَةِ وَالصَّفْرَةِ وَالحُضْرَةِ وَفِي التَّفْصِيلِ المَعْرُوفِ فِي عِلْمِ الصَّبْطِ لَكَانَ

لِذَلِكَ سَلَفَ صَحِيحٌ مَقْبُولٌ، فَيَبْقَى الضَّبْطُ بِاللَّوْنِ الْأَسْوَدِ لِأَنَّ الْمُشَاهِدِينَ اعْتَادُوا عَلَيْهِ.
 وَإِذَا كَانَ الْحَرْفُ الْمُرْتَوِّكُ لَهُ بَدَلٌ فِي الْكِتَابَةِ الْأَصْلِيَّةِ عُمُولٌ فِي النَّطْقِ عَلَى الْحَرْفِ الْمُلْحَقِ
 لِأَعْلَى الْبَدَلِ نَحْوُ: (الْصَّلَاةُ) (كَمَشْكُورَةٍ) (الرِّبَاؤُ) (وَإِذَا اسْتَسْقَى مُوسَى لِقَوْمِهِ)،
 وَوَضَعَ السِّينَ فَوْقَ الصَّادِ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: (وَاللَّهُ يَقْبِضُ وَيَبْسُطُ) (فِي الْخَلْقِ
 بَسْطَةً) يَدُلُّ عَلَى قِرَاءَتِهَا بِالسِّينِ لِأَنَّ الصَّادَ لِحْفِصٍ مِنْ طَرِيقِ الشَّاطِئِيَّةِ.

فَإِنْ وُضِعَتِ السِّينُ تَحْتَ الصَّادِ دَلَّ عَلَى أَنَّ النَّطْقَ بِالصَّادِ أَشْهُرُ، وَذَلِكَ
 فِي كَلِمَةِ (الْمُصَيِّطُرُونَ). أَمَا كَلِمَةُ (بِمُصَيِّطِرٍ) بِسُورَةِ الْغَاشِيَةِ
 فَبِالصَّادِ فَقَطْ لِحْفِصٍ أَيْضًا مِنْ طَرِيقِ الشَّاطِئِيَّةِ.

وَوَضَعَ هَذِهِ الْعَلَامَةَ «س» فَوْقَ الْحَرْفِ يَدُلُّ عَلَى الرُّومِ مَدَّانِ إِذْ دَاعَى
 الْمَدَّ الطَّبِيعِيُّ الْأَصْلِيَّ: (الْم) (الطَّامَّةُ) (قُرْوَى) (سَيِّءٍ بِهِمْ) (شَفَعُوا)
 (وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلُهُ إِلَّا اللَّهُ) (إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَحْيِي أَنْ يَضْرِبَ مَثَلًا لِمَا) (بِمَا أَنْزَلَ)
 عَلَى تَفْصِيلٍ يُعْلَمُ مِنْ فَنِّ التَّجْوِيدِ.

وَلَا اسْتَعْمَلَ هَذِهِ الْعَلَامَةَ لِلدَّلَالَةِ عَلَى الْفِ مَحْدُوفَةٍ بَعْدَ الْفِ مَكْتُوبَةٍ مِثْلَ:
 (آمَنُوا) كَمَا وَضَعَ غَلَطًا فِي بَعْضِ الْمَصَاحِفِ، بَلْ تَكْتَبُ (ءَامَنُوا)
 بِهِمْزَةً وَالْفِ بَعْدَهَا.

وَوَضَعَ نُقْطَةً كَبِيرَةً مَطْمُوسَةً الْوَسْطِ هَاكِنًا «•» تَحْتَ الْحَرْفِ بَدَلًا مِنَ
 الْفَتْحَةِ يَدُلُّ عَلَى الْإِمَالَةِ وَهِيَ الْمُسَمَّاءُ بِالْإِمَالَةِ الْكُبْرَى وَذَلِكَ فِي كَلِمَةِ
 (مَجْرُلَهَا) بِسُورَةِ هُودِ.

وَوَضَعَ النُّقْطَةَ الْمَذْكُورَةَ فَوْقَ آخِرِ الْمِيمِ قُبَيْلَ الثَّوْنِ الْمَشَدَّدَةِ مِنْ

قوله تعالى (مَالِكٌ لَا تَأْتَمَتْنَا) يدل على الإشمام، وهو ضمُّ الشَّفَيْنِ كمن يريد
التُّطْقُ بِالضَّمَّةِ إِشَارَةً إِلَى أَنَّ الْحَرَكَةَ الْمَحْدُوفَةَ ضَمَّةٌ، مِنْ غَيْرِ أَنْ يَظْهَرَ
لِذَلِكَ أَثَرٌ فِي التُّطْقِ .

فهذه الكلمة مكوَّنة من فعلٍ مُضَارِعٍ مَرْفُوعٍ آخِرُهُ نُونٌ مَضْمُومَةٌ، لِأَنَّ
(لَا) نَافِيَةٌ . وَمِنْ مَفْعُولٍ بِهِ أَوَّلُهُ نُونٌ فَأَصْلُهَا (تَأْتَمَتْنَا) بِنُونَيْنِ، وَقَدْ
أَجْمَعَ كِتَابُ الْمَصَاحِفِ عَلَى رَسْمِهَا بِنُونٍ وَاحِدَةٍ، وَفِيهَا لِلْقُرَّاءِ الْعَشْرَةِ
مَاعِدًا أَبَا جَعْفَرٍ وَجِهَانٍ :

أَحَدُهُمَا: الإشمام - وَقَدْ تَقَدَّمَ - وَالْإشْمَامُ هُنَا مُقَارِنٌ لِسُكُونِ الْحَرْفِ
الْمُدْعَمِ .

وَتَانِيهِمَا: الإخفاء، وَالْمُرَادُ بِهِ التُّطْقُ بِثُلَاثِي الْحَرَكَةِ الْمَضْمُومَةِ، وَعَلَى
هَذَا يَذْهَبُ مِنَ النُّونِ الْأُولَى عِنْدَ التُّطْقِ بِهَاتِلَتْ حَرَكَتُهَا، وَيَعْرِفُ ذَلِكَ كُلُّهُ
بِالتَّلْقِي، وَالْإخْفَاءُ مُقَدَّمٌ فِي الْأَدَاءِ .

وَقَدْ ضَبِطَتْ هَذِهِ الْكَلِمَةُ ضَبْطًا صَالِحًا لِكُلِّ مِنَ الْوَجْهَيْنِ السَّابِقَيْنِ .
وَوَضِعَ النُّقْطَةَ السَّالِفَةَ الذِّكْرَ بَدْوِنَ الْحَرَكَةِ مَكَانَ الْهَمْزَةِ يَدُلُّ عَلَى
تَسْهِيلِ الْهَمْزَةِ بَيْنَ بَيْنٍ، وَهُوَ هُنَا التُّطْقُ بِالْهَمْزَةِ بَيْنَهَا وَبَيْنَ الْأَلِفِ .
وَذَلِكَ فِي كَلِمَةِ (ءَاعَجَمِيٌّ) بِسُورَةِ فُصِّلَتْ .

وَوَضِعَ رَأْسَ صَادٍ صَغِيرَةٍ هَكَذَا « ص » فَوْقَ الْأَلِفِ الْوَصْلِ (وَتُسَمَّى أَيْضًا
هَمْزَةَ الْوَصْلِ) يَدُلُّ عَلَى سُقُوطِهَا وَصَلًّا .

وَالدَّائِرَةُ الْمُحَلَّلَةُ الَّتِي فِي جَوْفِهَا رَقْمٌ تَدُلُّ بِهَيْئَتِهَا عَلَى انْتِهَاءِ الْآيَةِ، وَبِرُفْقِهَا

على عدد تلك الآية في السورة نحو: إِنَّا أَنْعَمْنَا عَلَى الْكَافِرِينَ ﴿١﴾ فَصَلِّ لِرَبِّكَ
وَأَنْحَرْ ﴿٢﴾ إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ ﴿٣﴾ ولا يجوز وضعها قبل الآية البتة.
فذلك لا توجد في أوائل السور وتوجد في أواخرها.

وتدل هذه العلامة «*» على بداية الأجزاء والأحزاب وأصنافها وأرباعها.
ووضع خط أفقي فوق كلمة يدل على موجب السجدة.

ووضع هذه العلامة «﴿﴾» بعد كلمة يدل على موضع السجدة نحو:
وَلِلَّهِ يَسْجُدُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مِنْ دَابَّةٍ وَالْمَلَائِكَةُ وَهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ
﴿٤٩﴾ يَخَافُونَ رَبَّهُمْ مِنْ فَوْقِهِمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ ﴿٥٠﴾

ووضع حرف السين فوق الحرف الأخير في بعض الكلمات يدل على السكت
في حال وصله بما بعده سكتة يسيرة من غير تنفيس.

وورد عن حفص عن عاصم السكت بلا خلاف من طريق الشاطبية على
ألف (عوجاً) بسورة الكهف. وألف (مَرَقَدَانًا) بسورة يس. وتون
(من راق) بسورة القيامة. ولأم (بَلَّ رَانَ) بسورة المطففين.

ويجوز له في هاء (مالية) بسورة الحاقة وجهان:

أحدهما: إظهارها مع السكت، وثانيهما: إدغامها في الهاء التي بعدها في
لفظ (هلك) إدغاماً كاملاً، وذلك بتجريد الهاء الأولى من الشكون مع
وضع علامة التشديد على الهاء الثانية.

وقد ضبط هذا الموضع على وجه الإظهار مع السكت، لأنه هو الذي عليه
أكثر أهل الأداء، وذلك بوضع علامة الشكون على الهاء الأولى مع تجريد

الهَاءِ الثَّانِيَةِ مِنْ عِلَامَةِ الشَّدِيدِ ، لِلدَّلَالَةِ عَلَى الْإِظْهَارِ .

وَوَضِعَ حَرْفَ السِّينِ عَلَى هَاءِ (مَالِيَّةٍ) لِلدَّلَالَةِ عَلَى السَّكْتِ عَلَيْهَا سَكَنَةً يَسِيرَةً
بِدُونِ تَنْفُسٍ لِأَنَّ الْإِظْهَارَ لَا يَتَحَقَّقُ وَصَلًّا إِلَّا بِالسَّكْتِ .

وَالْحَاقُّ وَوَصْغِيَّةٌ بَعْدَ هَاءِ ضَمِيرِ الْمُفْرَدِ الْغَائِبِ إِذَا كَانَتْ مَضْمُومَةً يَدُلُّ
عَلَى صَلَاةِ هَذِهِ الْهَاءِ بِوَاوٍ لَفْظِيَّةٍ فِي حَالِ الْوَصْلِ ، وَالْحَاقُّ يَأْتِي صَغِيرَةً مَرْدُودَةً
إِلَى خَلْفِ بَعْدَ هَاءِ الضَّمِيرِ الْمَذْكُورِ إِذَا كَانَتْ مَكْسُورَةً يَدُلُّ عَلَى صَلَاتِهَا بِيَاءِ
لَفْظِيَّةٍ فِي حَالِ الْوَصْلِ أَيْضًا .

وَتَكُونُ هَذِهِ الصَّلَاةُ بِنَوَعِيهَا مِنْ قَبْلِ الْمَدِّ الطَّبِيعِيِّ إِذَا لَمْ يَكُنْ بَعْدَهَا هَمْزٌ
فَتَمَدُّ بِمِقْدَارِ حَرْكَيْتَيْنِ نَحْوَ قَوْلِهِ تَعَالَى : (إِنَّ رَبَّهُ كَانَ بِهِ بَصِيرًا) .

وَتَكُونُ مِنْ قَبْلِ الْمَدِّ الْمُنْفَصِلِ إِذَا كَانَ بَعْدَهَا هَمْزٌ ، فَوَضِعَ عَلَيْهَا عِلَامَةَ
الْمَدِّ وَتَمَدُّ بِمِقْدَارِ أَرْبَعِ حَرَكَاتٍ أَوْ خَمْسٍ نَحْوَ قَوْلِهِ تَعَالَى : (وَأَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ)
وَقَوْلِهِ جَلَّ وَعَلَا : (وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ) .

وَالْقَاعِدَةُ : أَنَّ حَفْصًا عَنِ عَاصِمٍ يَصِلُ كُلَّ هَاءِ ضَمِيرِ الْمُفْرَدِ الْغَائِبِ بِوَاوٍ
لَفْظِيَّةٍ إِذَا كَانَتْ مَضْمُومَةً ، وَيَأْتِي لَفْظِيَّةً إِذَا كَانَتْ مَكْسُورَةً بِشَرْطِ أَنْ يَتَحَرَّكَ
مَا قَبْلَ هَذِهِ الْهَاءِ وَمَا بَعْدَهَا ، وَتِلْكَ الصَّلَاةُ بِنَوَعِيهَا إِنَّمَا تَكُونُ فِي حَالِ
الْوَصْلِ . وَقَدْ اسْتثنَى لِحَفْصٍ مِنْ هَذِهِ الْقَاعِدَةِ مَا يَأْتِي :

- (١) - الْهَاءُ مِنْ لَفْظِ (يَرِضُهُ) فِي سُورَةِ الرَّحْمَنِ فَإِنَّ حَفْصًا ضَمَّهَا بِدُونِ صَلَاةِ .
- (٢) - الْهَاءُ مِنْ لَفْظِ (أَرْجِهْ) فِي سُورَتِي الْأَعْرَافِ وَالشُّعْرَاءِ فَإِنَّهُ سَكَّنَهَا .
- (٣) - الْهَاءُ مِنْ لَفْظِ (فَأَلْقَاهُ) فِي سُورَةِ النَّحْلِ ، فَإِنَّهُ سَكَّنَهَا أَيْضًا .

وَإِذَا سَكَنَ مَا قَبْلَ هَاءِ الصَّمِيرِ الْمَذْكُورَةِ ، وَتَحْرُكُ مَا بَعْدَهَا فَإِنَّهُ لَا يَصِلُهَا إِلَّا فِي لَفْظٍ (فِيهِ) فِي قَوْلِهِ تَعَالَى : (وَيَخْلُدُ فِيهِ مُهَانًا) فِي سُورَةِ الْفُرْقَانِ .
 أَمَا إِذَا سَكَنَ مَا بَعْدَ هَذِهِ الْهَاءِ سَوَاءً أَكَانَ مَا قَبْلَهَا مَتَحْرُكًا أَمْ سَاكِنًا فَإِنَّ الْهَاءَ لَا تُوَصَّلُ مُطْلَقًا ، لِثَلَاثِ يَجْتَمِعُ سَاكِنَانِ . نَحْوُ قَوْلِهِ تَعَالَى :
 (لَأَلْمَلِكُ) (وَءَاتَيْنَاهُ الْإِنجِيلَ) (فَأَنْزَلْنَا بِهِ الْمَاءَ) (إِلَيْهِ الْمَصِيرُ) .

تَبَيُّهَا ت :

(١) - إِذَا دَخَلَتْ هَمْزَةُ الِاسْتِفْهَامِ عَلَى هَمْزَةِ الْوَصْلِ الدَّاخِلَةِ عَلَى لَامِ التَّعْرِيفِ جَازٍ لِحَفْصٍ فِي هَمْزَةِ الْوَصْلِ وَجْهَانِ :
 أَحَدُهُمَا : إِبْدَالُهَا الْفَاعِلِ لِلدِّ الْمَشْبَعِ « أَيْ بِمَقْدَارِ سِتِّ حَرَكَاتٍ » .
 وَثَانِيهِمَا : تَسْهِيلُهَا بَيْنَ بَيْنِ « أَيْ بَيْنَهَا وَبَيْنَ الْأَلِفِ » مَعَ الْقَصْرِ وَالْمِرَادُ بِهِ عَدَمُ الْمَدِّ أَصْلًا .

وَالْوَجْهُ الْأَوَّلُ مُقَدَّمٌ فِي الْأَدَاءِ وَجَرِي عَلَيْهِ الضَّبْطُ .
 وَقَدْ وَرَدَ ذَلِكَ فِي ثَلَاثِ كَلِمَاتٍ فِي سِتَّةِ مَوَاضِعٍ مِنَ الْقُرْآنِ الْكَرِيمِ :
 (١) - (ءَ الذَّكْرَيْنِ) فِي مَوْضِعِيهِ بِسُورَةِ الْأَنْعَامِ .
 (٢) - (ءَ الْكَلْبِ) فِي مَوْضِعِيهِ بِسُورَةِ يُوسُفَ .
 (٣) - (ءَ اللَّهِ) فِي قَوْلِهِ تَعَالَى : (قُلْ ءَ اللَّهِ أَذِنَ لَكُمْ) بِسُورَةِ يُوسُفَ .
 وَفِي قَوْلِهِ جَلَّ وَعَلَا : (ءَ اللَّهِ خَيْرٌ أَمَا يُشْرِكُونَ) بِسُورَةِ النَّحْلِ .
 كَمَا يَجُوزُ الْإِبْدَالُ وَالتَّسْهِيلُ لِبَقِيَّةِ الْقُرْآنِ فِي هَذِهِ الْمَوَاضِعِ ، وَاخْتَصَّ أَبُو عَمْرٍو

وَأَبُو جَعْفَرٍ بِهِذَيْنِ الْوَجْهَيْنِ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: (مَا جِئْتُمْ بِهِ السِّحْرُ) بِسُورَةِ يُوسُفَ .
عَلَى تَقْصِيلٍ فِي كُتُبِ الْقِرَاءَاتِ .

(ب) - فِي سُورَةِ الرُّومِ وَرَدَّتْ كَلِمَةٌ (ضَعْفٍ) مَجْرُورَةً فِي مَوْضِعَيْنِ
وَمَنْصُوبَةً فِي مَوْضِعٍ وَاحِدٍ .

وَذَلِكَ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: (اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ ضَعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْ
بَعْدِ ضَعْفٍ قُوَّةً ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ ضَعْفًا وَشِبْهَةً) .

وَيَجُوزُ لِحْفِصٍ فِي هَذِهِ الْمَوَاضِعِ الثَّلَاثَةِ وَجْهَانِ :

أَحَدُهُمَا: فَتَحُ الصَّادِ . وَثَانِيَهُمَا: ضَمُّهَا
وَالْوَجْهَانِ مَقْرُوءٌ بِهِمَا ، وَالْفَتْحُ مُقَدَّمٌ فِي الْأَدَاءِ .

(ج) - فِي كَلِمَةِ (ءَاتِنِ) فِي سُورَةِ النَّحْلِ وَجْهَانِ وَقَفًّا :

أَحَدُهُمَا: إِثْبَاتُ الْيَاءِ سَاكِنَةً . وَثَانِيَهُمَا: حَذْفُهَا مَعَ الْوَقْفِ عَلَى النَّونِ سَاكِنَةً
أَمَّا فِي حَالِ الْوَصْلِ فَتَثِبُ الْيَاءُ مَفْتُوحَةً .

(د) - فِي كَلِمَةِ (سَلَسِلًا) فِي سُورَةِ الْإِنْسَانِ وَجْهَانِ وَقَفًّا :

أَحَدُهُمَا: إِثْبَاتُ الْأَلِفِ الْأَخِيرَةِ . وَثَانِيَهُمَا: حَذْفُهَا مَعَ الْوَقْفِ عَلَى اللَّامِ سَاكِنَةً .
أَمَّا فِي حَالِ الْوَصْلِ فَتُحَذَفُ الْأَلِفُ .

وَهَذِهِ الْأَوْجُهَةُ الَّتِي تَقَدَّمَتْ لِحْفِصٍ ذَكَرَهَا الْإِمَامُ الشَّاطِبِيُّ فِي نَظْمِهِ

الْمُسَمَّى: «حِرْزَ الْأَمَانِيِّ وَوَجْهَ التَّهَانِيِّ» الشَّاطِبِيَّةُ .

هَذَا ، وَالْمَوَاضِعُ الَّتِي تَخْتَلِفُ فِيهَا الطَّرُقُ ضَبِطَتْ لِحْفِصٍ بِمَا يُؤَافِقُ طَرِيقَ الشَّاطِبِيَّةِ .

عَلَامَاتُ الْوَقْفِ

م علامة الوقف اللّازم نحو: (إِنَّمَا يَسْتَجِيبُ الَّذِينَ يَسْمَعُونَ
وَالْمَوْتَىٰ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ) .

ج علامة الوقف الجائز جوازاً مُستوى الطرفين . نحو:
(نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ نَبَأَهُم بِالْحَقِّ إِنَّهُمْ فِتْيَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ) .

ص علامة الوقف الجائز مع كَوْن الوصل أولى . نحو:
(وَإِن يَمَسُّكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِن يَمَسُّكَ
بِخَيْرٍ فَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ) .

ظ علامة الوقف الجائز مع كَوْن الوقف أولى . نحو:
(قُلْ رَبِّ أَعْلَمُ بِعَدَّتِهِمْ مَا يَعْلَمُهُمْ إِلَّا قَلِيلٌ فَلَا تُمَارِ فِيهِمْ) .

ح ح علامة تعاقب الوقف بحيث إذا وقف على أحد الموضعين لا يصح
الوقف على الآخر . نحو:
(ذَلِكَ الْكِتَابُ لَارْتِبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ) .

فَهْرَسْتُ بِأَسْمَاءِ السُّورِ وَبَيَانَ الْبَيِّنَاتِ فِيهَا

السُّورَة	رَقْمَهَا	الصَّفْحَة	الْبَيَان	السُّورَة	رَقْمَهَا	الصَّفْحَة	الْبَيَان
الفَاتِحَة	١	١	مَكِّيَة	العَنَكُبُوت	٢٩	٣٩٦	مَكِّيَة
البَقَرَة	٢	٢	مَدِينِيَة	الرُّوم	٣٠	٤٠٤	مَكِّيَة
آلِ عِمْرَان	٣	٥٠	مَدِينِيَة	لُقْمَانَ	٣١	٤١١	مَكِّيَة
النِّسَاء	٤	٧٧	مَدِينِيَة	السَّجْدَة	٣٢	٤١٥	مَكِّيَة
المَائِدَة	٥	١٠٦	مَدِينِيَة	الأَحْزَاب	٣٣	٤١٨	مَدِينِيَة
الأَنْعَام	٦	١٢٨	مَكِّيَة	سَكَاة	٣٤	٤٢٨	مَكِّيَة
الأَعْرَاف	٧	١٥١	مَكِّيَة	فَاطِر	٣٥	٤٣٤	مَكِّيَة
الأَنْفَال	٨	١٧٧	مَدِينِيَة	يَس	٣٦	٤٤٠	مَكِّيَة
التَّوْبَة	٩	١٨٧	مَدِينِيَة	الصَّافَّات	٣٧	٤٤٦	مَكِّيَة
يُونُس	١٠	٢٠٨	مَكِّيَة	ص	٣٨	٤٥٣	مَكِّيَة
هُود	١١	٢٢١	مَكِّيَة	الرُّمُر	٣٩	٤٥٨	مَكِّيَة
يُوسُف	١٢	٢٣٥	مَكِّيَة	عَافِر	٤٠	٤٦٧	مَكِّيَة
الرَّعْد	١٣	٢٤٩	مَدِينِيَة	فُصِّلَت	٤١	٤٧٧	مَكِّيَة
إِبْرَاهِيم	١٤	٢٥٥	مَكِّيَة	الشُّورَى	٤٢	٤٨٣	مَكِّيَة
الحِجْر	١٥	٢٦٢	مَكِّيَة	الرُّحُف	٤٣	٤٨٩	مَكِّيَة
التَّحَلُّ	١٦	٢٦٧	مَكِّيَة	الدَّحَّان	٤٤	٤٩٦	مَكِّيَة
الإِسْرَاء	١٧	٢٨٢	مَكِّيَة	الحَائِيَة	٤٥	٤٩٩	مَكِّيَة
الكَهْف	١٨	٢٩٣	مَكِّيَة	الأَحْقَاف	٤٦	٥٠٢	مَكِّيَة
مَرْيَم	١٩	٣٠٥	مَكِّيَة	مُحَمَّد	٤٧	٥٠٧	مَدِينِيَة
طه	٢٠	٣١٢	مَكِّيَة	الفَتْح	٤٨	٥١١	مَدِينِيَة
الْأَنْبِيَاء	٢١	٣٢٢	مَكِّيَة	الحُجُرَات	٤٩	٥١٥	مَدِينِيَة
الحَجَّ	٢٢	٣٣٢	مَدِينِيَة	ق	٥٠	٥١٨	مَكِّيَة
المُؤْمِنُون	٢٣	٣٤٢	مَكِّيَة	الدَّارِيَات	٥١	٥٢٠	مَكِّيَة
التَّوْر	٢٤	٣٥٠	مَدِينِيَة	الظُّوْر	٥٢	٥٢٣	مَكِّيَة
الفُرْقَان	٢٥	٣٥٩	مَكِّيَة	النَّجْم	٥٣	٥٢٦	مَكِّيَة
الشَّعْرَاء	٢٦	٣٦٧	مَكِّيَة	القَمَر	٥٤	٥٢٨	مَكِّيَة
التَّمَلُّ	٢٧	٣٧٧	مَكِّيَة	الرَّحْمَن	٥٥	٥٣١	مَدِينِيَة
القَصَص	٢٨	٣٨٥	مَكِّيَة	الْوَاقِعَة	٥٦	٥٣٤	مَكِّيَة

فهرست سوره های قرآن کریم و بیان مکی ومدنی

شماره سوره	شماره صفحه	بیان	نام سوره	شماره سوره	شماره صفحه	بیان	نام سوره
مکی	۳۹۶	۲۹	سوره عنکبوت	مکی	۱	۱	سوره فاتحه
مکی	۴۰۴	۳۰	سوره روم	مدنی	۲	۲	سوره بقره
مکی	۴۱۱	۳۱	سوره لقمان	مدنی	۵۰	۳	سوره آل عمران
مکی	۴۱۵	۳۲	سوره سجده	مدنی	۷۷	۴	سوره نساء
مدنی	۴۱۸	۳۳	سوره احزاب	مدنی	۱۰۶	۵	سوره مائده
مکی	۴۲۸	۳۴	سوره سبأ	مکی	۱۲۸	۶	سوره انعام
مکی	۴۳۴	۳۵	سوره فاطر	مکی	۱۵۱	۷	سوره اعراف
مکی	۴۴۰	۳۶	سوره یس	مدنی	۱۷۷	۸	سوره انفال
مکی	۴۴۶	۳۷	سوره صافات	مدنی	۱۸۷	۹	سوره توبه
مکی	۴۵۳	۳۸	سوره ص	مکی	۲۰۸	۱۰	سوره یونس
مکی	۴۵۸	۳۹	سوره زمر	مکی	۲۲۱	۱۱	سوره هود
مکی	۴۶۷	۴۰	سوره غافر	مکی	۲۳۵	۱۲	سوره یوسف
			(مؤمن)	مدنی	۲۴۹	۱۳	سوره زعد
مکی	۴۷۷	۴۱	سوره فصلت	مکی	۲۵۵	۱۴	سوره ابراهیم
			(حم سجده)	مکی	۲۶۲	۱۵	سوره حجر
مکی	۴۸۳	۴۲	سوره شورى	مکی	۲۶۷	۱۶	سوره نحل
مکی	۴۸۹	۴۳	سوره زخرف	مکی	۲۸۲	۱۷	سوره الاسراء
مکی	۴۹۶	۴۴	سوره دخان				(بني اسرائيل)
مکی	۴۹۹	۴۵	سوره جاثية	مکی	۲۹۳	۱۸	سوره كهف
مکی	۵۰۲	۴۶	سوره احقاف	مکی	۳۰۵	۱۹	سوره مریم
مدنی	۵۰۷	۴۷	سوره محمد	مکی	۳۱۲	۲۰	سوره طه
مدنی	۵۱۱	۴۸	سوره فتح	مکی	۳۲۲	۲۱	سوره انبياء
مدنی	۵۱۵	۴۹	سوره حجرات	مدنی	۳۳۲	۲۲	سوره حج
مکی	۵۱۸	۵۰	سوره ق	مکی	۳۴۲	۲۳	سوره مومنون
مکی	۵۲۰	۵۱	سوره ذاریات	مدنی	۳۵۰	۲۴	سوره نور
مکی	۵۲۳	۵۲	سوره طور	مکی	۳۵۹	۲۵	سوره فرقان
مکی	۵۲۶	۵۳	سوره نجم	مکی	۳۶۷	۲۶	سوره شعراء
مکی	۵۲۸	۵۴	سوره قمر	مکی	۳۷۷	۲۷	سوره نمل
مدنی	۵۳۱	۵۵	سوره رحمن	مکی	۳۸۵	۲۸	سوره قصص
مکی	۵۳۴	۵۶	سوره واقعه				

السُّورَةُ	رَقْمُهَا	الصَّفْحَةُ	البَيَان	السُّورَةُ	رَقْمُهَا	الصَّفْحَةُ	البَيَان
الحديد	٥٧	٥٣٧	مَدِينَةٌ	الطارق	٨٦	٥٩١	مَكِّيَّةٌ
المجادلة	٥٨	٥٤٢	مَدِينَةٌ	الأعلى	٨٧	٥٩١	مَكِّيَّةٌ
الحشر	٥٩	٥٤٥	مَدِينَةٌ	الغاشية	٨٨	٥٩٢	مَكِّيَّةٌ
الممتحنة	٦٠	٥٤٩	مَدِينَةٌ	الفجر	٨٩	٥٩٣	مَكِّيَّةٌ
الصف	٦١	٥٥١	مَدِينَةٌ	البلد	٩٠	٥٩٤	مَكِّيَّةٌ
الجمعة	٦٢	٥٥٣	مَدِينَةٌ	الشمس	٩١	٥٩٥	مَكِّيَّةٌ
المنافقون	٦٣	٥٥٤	مَدِينَةٌ	الليل	٩٢	٥٩٥	مَكِّيَّةٌ
التغابن	٦٤	٥٥٦	مَدِينَةٌ	الضحى	٩٣	٥٩٦	مَكِّيَّةٌ
الطلاق	٦٥	٥٥٨	مَدِينَةٌ	الشرح	٩٤	٥٩٦	مَكِّيَّةٌ
التحريم	٦٦	٥٦٠	مَدِينَةٌ	التين	٩٥	٥٩٧	مَكِّيَّةٌ
الملك	٦٧	٥٦٢	مَكِّيَّةٌ	العلق	٩٦	٥٩٧	مَكِّيَّةٌ
القلم	٦٨	٥٦٤	مَكِّيَّةٌ	القدر	٩٧	٥٩٨	مَكِّيَّةٌ
الحاقة	٦٩	٥٦٦	مَكِّيَّةٌ	البيّنة	٩٨	٥٩٨	مَدِينَةٌ
المعارج	٧٠	٥٦٨	مَكِّيَّةٌ	الزلزلة	٩٩	٥٩٩	مَدِينَةٌ
نوح	٧١	٥٧٠	مَكِّيَّةٌ	العدايات	١٠٠	٥٩٩	مَكِّيَّةٌ
الجن	٧٢	٥٧٢	مَكِّيَّةٌ	القارعة	١٠١	٦٠٠	مَكِّيَّةٌ
الزّمل	٧٣	٥٧٤	مَكِّيَّةٌ	التكاثر	١٠٢	٦٠٠	مَكِّيَّةٌ
المدثر	٧٤	٥٧٥	مَكِّيَّةٌ	العصر	١٠٣	٦٠١	مَكِّيَّةٌ
القيامة	٧٥	٥٧٧	مَكِّيَّةٌ	الهّمزة	١٠٤	٦٠١	مَكِّيَّةٌ
الإنسان	٧٦	٥٧٨	مَدِينَةٌ	الفيل	١٠٥	٦٠١	مَكِّيَّةٌ
المرسلات	٧٧	٥٨٠	مَكِّيَّةٌ	فريش	١٠٦	٦٠٢	مَكِّيَّةٌ
النّبا	٧٨	٥٨٢	مَكِّيَّةٌ	الماعون	١٠٧	٦٠٢	مَكِّيَّةٌ
التّازعات	٧٩	٥٨٣	مَكِّيَّةٌ	الكوثر	١٠٨	٦٠٢	مَكِّيَّةٌ
عبس	٨٠	٥٨٥	مَكِّيَّةٌ	الكاغرون	١٠٩	٦٠٣	مَكِّيَّةٌ
التكوير	٨١	٥٨٦	مَكِّيَّةٌ	النّصر	١١٠	٦٠٣	مَدِينَةٌ
الانفطار	٨٢	٥٨٧	مَكِّيَّةٌ	المسد	١١١	٦٠٣	مَكِّيَّةٌ
المطففين	٨٣	٥٨٧	مَكِّيَّةٌ	الإخلاص	١١٢	٦٠٤	مَكِّيَّةٌ
الانشقاق	٨٤	٥٨٩	مَكِّيَّةٌ	الفلق	١١٣	٦٠٤	مَكِّيَّةٌ
البروج	٨٥	٥٩٠	مَكِّيَّةٌ	النّاس	١١٤	٦٠٤	مَكِّيَّةٌ

فهرست سوره های قرآن کریم و بیان مکی ومدنی

بیان	شماره صفحه	شماره سوره	نام سوره	بیان	شماره صفحه	شماره سوره	نام سوره
مکی	۵۹۱	۸۶	سوره طارق	مدنی	۵۳۷	۵۷	سوره حدید
مکی	۵۹۱	۸۷	سوره اعلیٰ	مدنی	۵۴۲	۵۸	سوره مجادله
مکی	۵۹۲	۸۸	سوره غاشیه	مدنی	۵۴۵	۵۹	سوره حشر
مکی	۵۹۳	۸۹	سوره فجر	مدنی	۵۴۹	۶۰	سوره متحنه
مکی	۵۹۴	۹۰	سوره بلد	مدنی	۵۵۱	۶۱	سوره صف
مکی	۵۹۵	۹۱	سوره شمس	مدنی	۵۵۳	۶۲	سوره جمعه
مکی	۵۹۵	۹۲	سوره لیل	مدنی	۵۵۴	۶۳	سوره منافقون
مکی	۵۹۶	۹۳	سوره ضحیٰ	مدنی	۵۵۶	۶۴	سوره تغابن
مکی	۵۹۶	۹۴	سوره انشراح	مدنی	۵۵۸	۶۵	سوره طلاق
مکی	۵۹۷	۹۵	سوره تین	مدنی	۵۶۰	۶۶	سوره تحریم
مکی	۵۹۷	۹۶	سوره علق	مکی	۵۶۲	۶۷	سوره ملک
مکی	۵۹۸	۹۷	سوره قدر	مکی	۵۶۴	۶۸	سوره قلم
مدنی	۵۹۸	۹۸	سوره بینه	مکی	۵۶۶	۶۹	سوره حافه
مدنی	۵۹۹	۹۹	سوره زلزال	مکی	۵۶۸	۷۰	سوره معارج
مکی	۵۹۹	۱۰۰	سوره عادیات	مکی	۵۷۰	۷۱	سوره نوح
مکی	۶۰۰	۱۰۱	سوره قارعه	مکی	۵۷۲	۷۲	سوره جن
مکی	۶۰۰	۱۰۲	سوره تکوین	مکی	۵۷۴	۷۳	سوره مزمل
مکی	۶۰۱	۱۰۳	سوره عصر	مکی	۵۷۵	۷۴	سوره مدثر
مکی	۶۰۱	۱۰۴	سوره همزه	مکی	۵۷۷	۷۵	سوره قیامت
مکی	۶۰۱	۱۰۵	سوره فیل	مدنی	۵۷۸	۷۶	سوره الإنسان (دهر)
مکی	۶۰۲	۱۰۶	سوره قریش	مکی	۵۸۰	۷۷	سوره مرسلات
مکی	۶۰۲	۱۰۷	سوره ماعون	مکی	۵۸۲	۷۸	سوره نبا
مکی	۶۰۲	۱۰۸	سوره کوثر	مکی	۵۸۳	۷۹	سوره نازعات
مکی	۶۰۳	۱۰۹	سوره کافرون	مکی	۵۸۵	۸۰	سوره عبس
مدنی	۶۰۳	۱۱۰	سوره نصر	مکی	۵۸۶	۸۱	سوره تکویر
مکی	۶۰۳	۱۱۱	سوره المسد (لهب)	مکی	۵۸۷	۸۲	سوره انفطار
مکی	۶۰۴	۱۱۲	سوره إخلاص	مکی	۵۸۷	۸۳	سوره مطففین
مکی	۶۰۴	۱۱۳	سوره فلق	مکی	۵۸۹	۸۴	سوره انشقاق
مکی	۶۰۴	۱۱۴	سوره ناس	مکی	۵۹۰	۸۵	سوره بروج

رَبِّهِ وَرَأَى الشُّعْرَانَ الْإِسْلَامِيَّةَ وَالْأَوْقَافَ وَاللَّعْنَ وَالْإِسْلَامَ

في المملكة العربية السعودية

المشرفة على مجمع الملك فهد

لطباعة المصحف الشريف في المدينة المنورة

إذ يسرها أن يصدر المجمع هذه الطبعة من القرآن الكريم

وترجمة معانيه إلى اللغة الفارسية

سأل الله أن ينفع به الناس

وأن يحضري

خلاف الحرمين الشريفين الملك فهد بن عبدالعزيز آل سعود

أحسن الجزاء على جهوده العظيمة في نشر كتاب الله الكريم

والله ولي التوفيق

وزارت شئون إسلامی و أوقاف و تبلیغ و ارشاد

کشور عربستان سعودی

و مسئول و ناظر بر مجمع ملك فهد برای چاپ قرآن كريم در مدينه منوره

باكمال مسرت اين چاپ قرآن كريم

و ترجمه معانی آنرا به زبان فارسی از مجمع منتشر می کند

و از درگاه خداوند مسئلت دارد که آنرا باعث منفعت عموم مردمان قرار داده

و به خادم حرمین شریفین ملك فهد بن عبدالعزيز آل سعود

مقابل مساعی فراوان ایشان در نشر کتاب كريم خداوند بهترین پاداش عطا فرماید.

والله ولي التوفيق.



حق چاپ مختص چاپخانه مجمع ملک فهد است

ص.ب 6262 مدینه منوره

موقع الإنترنت: www.qurancomplex.org

البريد الإلكتروني: kfcphq@qurancomplex.org

③ مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف، ١٤١٧ هـ
فهرسة مكتبة الملك فهد الوطنية أثناء النشر

القرآن الكريم وترجمة معانيه إلى اللغة الفارسية/ ترجمة مجمع
الملك فهد لطباعة المصحف الشريف - المدينة المنورة.

١٢٣٢ ص، ١٤ × ٢١ سم

ردمك ٢ - ١٩ - ٧٧٠ - ٩٩٦٠

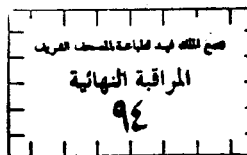
١ - القرآن - ترجمة - اللغة الفارسية ٢ - القرآن - تفسير

أ - مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف (مترجم)

ديوي ٤٩١٥٥٥، ٢٢١ ١٧/١٠٥١

رقم الإيداع: ١٧/١٠٥١

ردمك: ٢ - ١٩ - ٧٧٠ - ٩٩٦٠



الذخيرة
و ترجمه معانيه إلى
اللغة الفارسية